دائرة المعارف

شامل: اطلاعات عمومی

گردآورنده م. آذینفر



19

01-4

S.No:- 2393

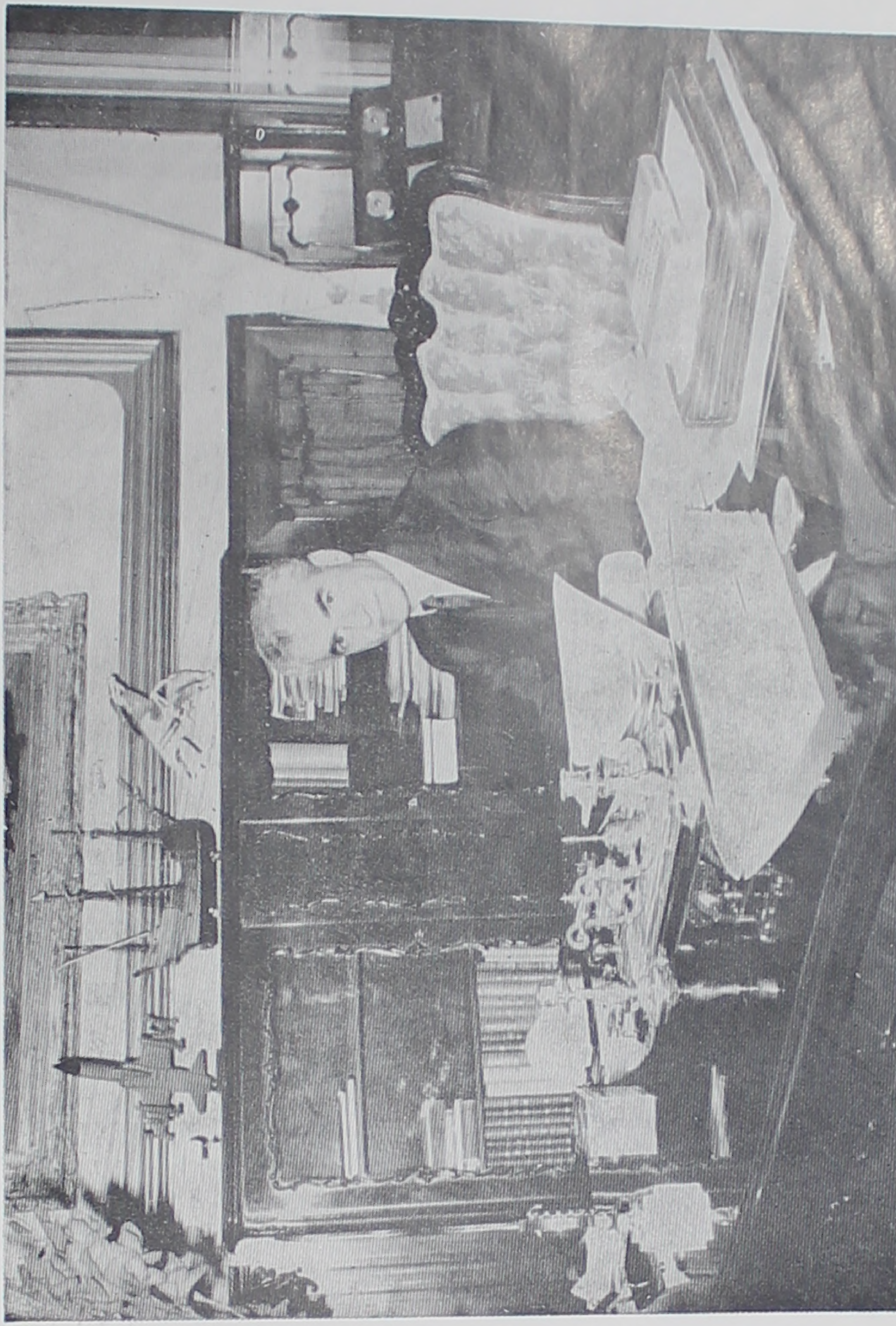
L2414

18/5/02

از سخنان شاهنشاه آریامهر :

.... علاقهٔ من نسبت به پیشرفتهای علمی و فرهنگی کشور ایران آنقدر ریشه‌دار است که هرچه در بسط و توسعه و تحکیم آن ذکر کنم مختصری از منویات قلبی من بیشتر نخواهد بود. در محیط فرهنگی ما جریان تغییر و تحول و پیشرفت سرعت بسیار یافته است و همین سرعت در من نشاط و عشقی نیرومند تر ایجاد می‌کند، زیرا برای من یقین حاصل است که آینده ایران و جوانان ایرانی و تمام مردم این بخش از جهان با پیشرفت و ترقیات علمی و فرهنگی پیوسته است.

DATE LABEL



دائرة المعارف زرّین

یا

اطلاعات عمومی

بامقدمهٔ : محمد عباسی

شامل دانستنیها وشرح حال :

مشاهیر وچهره‌های علمی ، ادبی ، هنری وسیاسی‌جهان ـ تاریخ وجغرافیای سیاسی‌وطبیعی‌جهان ـ مکتبهای ادبی ـ تاریخ علوم ـ تاریخ فلسفه وفلاسفه ـ دانستنیهای نجومی ـ هنرنقاشی ومجسمه سازی ـ تاریخ اکتشافات واختراعات مهم وشرح حال مخترعین ـ عجایب هفتگانه ـ شگفتیها ورویدادهای سیاسی وفنی واقتصادی‌جهان ـ کرنولوژی رویدادهای تاریخی ودینی‌جهان ـ تاریخچه فعالیت بشردرمدار زمین‌وتسخیر کرهٔ ماه وآخرین‌اطلاعات دربارهٔ پیاده شدن فضانوردان امریکائی در کرهٔ ماه و صدها موضوع مهم دیگر

برای‌استفادهٔ عموم بویژه‌دانشجویان وداوطلبان‌کنکوردانشگاهها
و شرکت درمسابقات رادیو و تلویزیون

بقلم عده ای ازنویسندگان ایران وجهان

گردآورنده : م . آدینفر

چاپ از : اُفق

ارزش ۹۵۰ ریال

شماره ثبت در کتابخانه ملی ۹۴ در تاریخ ۴۹/۱/۳۰

مرکز پخش کتاب تلفن ۳۰۵۲۴۶
تهران خیابان شاه‌آباد پاساژ صفوی طبقه دوم پلاک ۴۸ـ۴۹

بسمه تعالی

مقدمه

ایرانیان از عهد باستان به رشته‌های گوناگون دانش و هنر دلبستگی داشته‌اند و مجموعه‌های نفیس وگرانبهایی که حکم دائرةالمعارفهای کنونی اروپایی وامریکائی را داشته پدید آورده‌اند ، بعضی ازین آثار علمی باستانی اختصاص به ادبیات وعلوم داشته ؛ وبرخی دیگر به فلسفه وعرفان مخصوص بوده است وبعضی شامل مباحث جغرافیائی و فلکی و هیأت نجوم وفی‌الجمله معدودی نیز مشتمل برکلیهٔ علوم وفنون زمان وتمام دانشهای دوران بوده است، اینك برای‌نمونه برحسب ترتیب تاریخی صورتی ازدائرةالمعارفهای گوناگون‌باستانی ایرانی بنظر خوانندگان گرامی می‌رسد .

۱ ـ **مفاتیح‌العلوم خوارزمی** ، که در میانهٔ سدهٔ چهارم هجری یعنی درست هزاروپنجاه سال‌پیش برشته نگارش‌آمده ونسخه‌های متعدد خطی‌ازآن درکتابخانه‌های معتبر ومعروف عالم موجودست ، ودر اروپا ومصر وایران ، بتازی وپارسی بطبع رسیده است .

۲ ـ **الفهرست** ، **ابن‌الندیم** ، مجموعهٔ بی‌نظیریست ازاسامی کتب و مؤلفان علوم وفنون گوناگون بشری‌که دراواخر سدهٔ چهارم هجری تدوین‌گردیده ، و مکرر دراروپا و مصر وایران بتازی وپارسی چاپ گردیده است .

۳ ـ **دانشنامهٔ علایی** ، که ابوعلی حسین‌بن عبدالله سینا ، فیلسوف شهیر ایرانی بتقاضای پادشاه وقت برشته درآورده و یك دوره دائرةالمعارف نفیس پارسی در علوم فلسفی است .

۴ ـ **تحصیل** ، معروف به **تحفهٔ کمالیه** ، که بنام **جام‌جهان‌نما** بپارسی نقل گردیده است . این دائرةالمعارف گرانبهای فلسفی از بهمنیار مرزبان آذربایجانی است ، و ازحیث اهمیت نظیر دانشنامهٔ علایی می‌باشد .

۵ ـ **اخوان‌الصفا** ، دائرةالمعارف بسیار معتبر و معروفیست مشتمل برکلیهٔ علوم و فنون دوران ، که در اوج تمدن اسلام توسط گروهی از دانشمندان عالیمقام ایرانی و اسلام برشتهٔ نگارش درآمده است ، ونسخه‌های عربی وفارسی‌آن بصورت خطی وچاپی (هندوستان واروپا ومصر وبیروت) موجودست .

۶ ـ **نزهت‌نامهٔ علایی** : تصنیف شهمردان رازی ، که در اوایل سدهٔ ششم هجری نگارش یافته است .

۷ ـ **کیمیای سعادت**، ازدانشمند شهیر وفیلسوف متصوف معروف ایرانی امام محمد غزالی، که خلاصهٔ گرانبهایی است از احیاء علوم الدین، تصنیف همو، این کتاب نفیس مشتمل بر بسیاری ازعلوم وآداب و دانشهای اسلامی در سدهٔ پنجم هجریست، و توسط خود غزالی بپارسی نگارش یافته است.

۸ ـ **احیاء علوم الدین**، شاهکار غزالی بشمار می‌رود و شرحهای مفصلی بر آن نوشته‌اند، که بطبع نیزرسیده است (اتحاف سادة المتقین فی‌شرح احیاء علوم الدین)، چنانکه گفتیم نخست خودغزالی‌این‌کتاب بزرگ را بپاری‌خلاصه ونقل کرده است (کیمیای‌سعادت)، چنانکه گفتیم نخست خود غزالی این کتاب بزرگ را بپارسی خلاصه و نقل کرده است (کیمیای سعادت)، وسپس دراوایل سدهٔ هفتم هجری عیناً به فارسی ترجمه گردیده است.

۹ ـ **یواقیت‌العلوم و دراری‌النجوم**، کـه برای پادشاه عصر در شهرقزوین نگارش یافته است، وازآثار گرانبهای نثر پارسی درمیانهٔ سدهٔ ششم هجری بشمار می‌رود، واخیراً درتهران طبع ونشر گردیده است.

۱۰ ـ **بحرالفواید**، دائرةالمعارف نفیسبست بپارسی، که ازسی وشش علم وفن در آن بحث شده است، ودر اواسط سدهٔ ششم تألیف گردیده است. این اثر نفیس‌اخیراً بحلیهٔ آراسته شده است.

۱۱ ـ **جامع‌العلوم**، ازآثار گرانبهای امام فخررازی است، که نسخه‌های متعدد خطی قدیمی ازآن درکتابخانه‌های معروف ومعتبرایران واروپا موجود است، ودرهندوستان وایران بطبع رسیده است. کتاب جامع‌العلوم دارای شصت باب، یعنی تقریباً ازشصت‌گونه علوم و فنون بحث می‌کند، و بسیار شیرین و دلکش است، و برای علاءالدین خوارزمشاه تألیف گردیده است (۵۶۸-۵۹۶ هجری). این دائرةالمعارف را بعضی از دانشمندان به نامهـای دیگر نیـز خوانده‌اند، از جمله: **حدایق‌الانوار**، **حدایق‌العلوم**، **مفتاح‌العلوم**، **ستینی**.

۱۲ ـ **رسالهٔ کمالیه فی‌حقایق‌الهیه**، یك دوره دائرةالمعارف فلسفی است، که در ده‌مقاله بخامه امام فخر رازی نگاشته شده است.

۱۳ ـ **فرخ‌نامه**، دائرةالمعارفیست درعلوم طبیعی، که در شانزده مقاله بقلم مطهر جمالی یزدی استخری درسال ۵۸۰ هجری تألیف گردیده است، و اخیراً در تهران بحلیهٔ طبع آراسته شده‌است.

۱۴ ـ **جام‌گیتی‌نما**، معروف به **عجایب‌المخلوقات و غرائب‌الموجودات**، ازمحمد طوسی، که ازحیث قدمت بغایت حایزاهمیت واعتبارست، واز نمونه‌های جالب نثر پارسی بشمار می‌رود، ویك دائرةالمعارف نفیس از جغرافیای انسانی است. این‌کتاب‌اخیراً درتهران انتشار یافته است.

۱۵ ـ **مجمل‌الحکمة**، کـه در حقیقت ترجمه خلاصه مانندیست از دائرةالمعارف **اخوان‌الصفا**، وبغایت نفیس وگرانبهاست. ازقرار معلوم این اثرمهم درسدهٔ ششم یا هفتم هجری بپارسی درآمده است.

۱۶ ـ **تحفة‌البهادر**، یا **نوادرالادوار**، که در دوازده فن، هفتاد و دومقاله، بنام **امیرسپهسالار**، درسال ۶۹۹ هجری ازطرف امام شمس‌الدین محمد دنیسری نگارش یافته است.

۱۷ ـ **درةالتاج**، دائرةالمعارف بسیار معتبریست در علوم فلسفی، از ریاضیات و الهیات تاموسیقی، که ازطرف قطب‌الدین شیرازی (۶۳۴ـ۷۱۰ هجری) بنام **امیره دباج** درسال ۶۷۴ تألیف‌گردیده است، این کتاب گرانبها بعنوان: درةالتاج لغرةالدباج در دو مجله کبیر درتهران انتشار یافته است.

۱۸ ـ **فضایل‌العلوم**: که دائرةالمعارف‌مذهبی واخلاقیست، ودرچهاربخش تدوین یافته است.

۱۹ ـ **نزهةالقلوب**، که دائرةالمعارف جغرافیایی است، ضمناً درعلوم طبیعی از جمله کان‌شناسی وگیاه‌شناسی و جانورشناسی وغیره بحث می‌کند، وقسمت جغرافیایی آن در هلند وانگلستان با ترجمهٔ انگلیسی، وبخش جانورشناسی آن در انگلستان (متن پارسی)، وتمام‌کتاب درهندوستان بطبع رسیده است، این‌کتاب نفیس ازآثار جاویدان حمد مستوفی، معروف به حمدالله مستوفی، صاحب تاریخ گزیده وظفرنامه است.

۲۰ ـ **عجایب‌المخلوقات وغرایب‌الموجودات قزوینی**، که دائرةالمعارف نفیسی درعلوم طبیعی‌است، ودرهندوستان وایران مکرربصورت مصورطبع ونشر گردیده‌است.

۲۱ ـ **نفایس‌الفنون فی عرایس‌العیون**، که بنام شیخ جمال‌الدین ابواسحق (۷۴۲ـ۷۵۴) درشیراز توسط شمس‌الدین محمد آملی تألیف‌گردیده است، ومکرردرایران بطبع رسیده است.

۲۲ ـ **ریاض‌الناصحین**، که درعهد شاهرخ (۸۰۷ـ۸۵۰) توسط محمدبن محمد جامی تألیف گردیده، دائرةالمعارفیست مشتمل برعلوم مذهبی، اخلاقی، پزشکی، فلسفی و عرفانی.

۲۳ ـ **دانشنامهٔ جهان**، دائرةالمعارف‌علوم‌طبیعیست، بخامهٔ غیاث‌الدین‌علی‌اصفهانی بنام سلطان محمود تیموری (۸۶۴ـ۹۰۰) نگاشته شده است. این‌کتاب درسال۸۷۹ تألیف گردیده است.

۲۴ ـ **ریاض‌لاابرار**، این دائرةالمعارف براساس جامع‌العلوم امام فخر رازی ساخته شده، ولی سی‌بخش برآن افزوده‌گردیده است، چنانکه «تسعین» خوانده شده‌است. ریاض‌الابرار راحسین عقیلی رستمداری درعلوم دینی و فلسفی در حدود ۹۷۹هجری تألیف کرده است.

۲۵ ـ **جواهرالعلوم**، این‌دائرةالمعارف درصدوبیست علم مختلف بنام‌محمدهمایون درسال ۹۶۲ ساخته شده است، مؤلف‌آن محمد فاضل سمرقندی از نفایس‌الفنون آملی وحدایق وجامع‌العلوم امام فخر رازی بهره برده است.

۲۶ ـ **مجموعةالصنایع**، اززین‌العابدین‌نامی معاصراورنگ زیب پادشاه‌هندوستان درچهل باب تألیف شده است.

۲۷ ـ **حاوی منقول و معقول**، بیست رساله است در علوم مختلف از فتحی بن ابراهیم حسینی

۲۸ ـ **سلم‌السموات**، درهفت مرقوم از طرف شیخ ابوالقاسم کازرونی بنام شاه‌عباس نگارش یافته است. مرقوم پنجم آن که درتذکرهٔ شعراست، درتهران طبع گردیده است.

۲۹ ـ **زبدة‌التصانیف**، دائرة‌المعارف مذهبی واخلاقی وتاریخیست، که از طرف حیدر خوانساری بنام شاه‌عباس بزرگ نگارش یافته است. زبدة‌التصانیف در ۱۰۳۸ تألیف گردیده است.

۳۰ ـ **مفتاح‌السعاده**، ازطاشکبری‌زاده، دائرة‌المعارف علوم ودانشهای عصراست، ودر چهارجلد درهندوستان، توسط مؤسسه دائرة‌المعارف عثمانیه، درحیدرآباد دکن بطبع رسیده است.

۳۱ ـ **گنج بادآورد**، دائرة‌المعارفیست درعلوم طبیعی، داروشناسی، کیمیاگری‌و جادوگری، این کتاب‌میرزاامان‌الله‌امانی بنام محمدشاه جهان پادشاه‌هندوستان(۱۰۳۷ـ۱۰۶۹) ساخته است.

۳۲ ـ **شاهد صادق**، این دائرة‌المعارف بخامهٔ محمدصادق اصفهانی متخلص به‌مینا (۱۰۱۸ـ۱۰۶۱) در اکبرآباد هندوستان درزمان شاه‌شجاع بهادر تألیف گردیده است.

۳۳ ـ **عقول‌عشره**، محمد برادری در۱۰۸۴ هجری در «ده‌عقل» تألیف کرده‌است.

۳۴ ـ **تحفة‌الهند**، میرزامحمدخان فخرالدین درزمان **عالم‌گیر** پادشاه هندوستان درعلوم ادبی وفلسفی‌ساخته است.

۳۵ ـ **خزان و بهار**، میرعوض رضوی درعلوم پزشکی، ستاره شناسی، ادبیات و اخلاق ومذهب ساخته است. مؤلف درلاهور هندوستان بوده و در خدمت میرزامحمدعلی بیك کرمانی می‌زیسته است.

۳۶ ـ **فرهنگ عجایب حقایق**، هدایةالله جعفری بنام اورنگ زیب پادشاه هندوستان ساخته است.

۳۷ ـ **کشف‌الظنون عن اسادالکتب والفنون**، شاهکار حاجی خلیفه دانشمند شهیر و معروف ترکیه، که در آلمان و استانبول و مصر بطابع رسیده است. این کتاب را کریم‌الدین محمد درهندوستان بپارسی ترجمه کرده است (۱۲۲۰ـ۱۲۲۱هجری).

۳۸ ـ **نتایج‌الافکار**، دائرة‌المعارف پزشکی، فلسفی ومذهبی است که بخامهٔ علی‌بن حمدالله لاهیجانی بنام شاه‌سلیمان صفوی نگارش یافته است.

۳۹ ـ **بهارستان علوم**، که بخامهٔ ملاقطب طالقانی‌درزمان شاه‌سلطان‌حسین صفوی درسال ۱۱۱۷ نگاشته شده است.

۴۰ ـ **رشحات فنون**، این دائرة‌المعارف را امین‌الدین‌خان هروی درسال ۱۱۲۳ تألیف کرده است.

۴۱ ـ **جنات‌الخلود**، میرزا محمدرضای اصفهانی بنام شاه سلطان حسین صفوی در ۱۱۲۵ـ۸ هجری ساخته است.

۴۲ ـ **حدیقهٔ حاذق گنجینهٔ صادق**، شاکرخان بن صادق (متولد۱۱۲۸هجری) بنام پدرخود تألیف کرده است .

۴۳ ـ **مختصر مفید** ، محمداسلم بنگالی ، در ۱۲۰۱ هجری بـرای پسر خود غلامعلی ساخته است .

۴۴ ـ **فرمان جعفری** ، دائرةالمعارفیست که بتقاضای نواب میرزاجعفر علی‌خان در ۱۲۰۶ هجری تألیف گردیده است .

۴۵ ـ **ریاض‌الجنه** ، محمدحسن زنوزی (۱۱۷۲ـ۱۲۱۸) در۱۲۰۹ تألیف کرده است ، وقسمت تذکرهٔ شعرای آن درتبریز چاپ گردیده است .

۴۶ ـ **بحرالعلوم** ، محمدحسن زنوزی خویی (۱۱۷۲ـ۱۲۱۸) بنام حسینقلیخان دنبلی تألیف کرده است .

۴۷ ـ **قواعدالمصدرین** ، دائرةالمعارفیست نجومی، که ازادب وتاریخ نیزدرآن بحث شده است ، این کتاب بخامهٔ احمدالله قریشی در ۱۲۶۱ هجری تألیف گردیده است .

۴۸ ـ **رشحات‌الفنون** ، دائرةالمعارف ادبی است ، که بخامهٔ میرزامحمدبن میرزا کاظم شیرازی نگاشته شده است . *

* (یواقیت‌العلوم ، مقدمه ، د ـ ی) .

بدینطریق چنانکه ملاحظه می‌فرمایند نگارش دائرةالمعارف برخلاف تصور بعضی از «فرنگی‌مآبان» ازاختراعات اروپائیان نیست ، بلکه بالعکس اروپائیان در تألیف و تدوین دائرةالمعارفهای خود به آثار بزرگان ایرانی واسلامی نظرداشته‌اند ، والبته باعلوم وفنون نوین جهان دانش آنها را مکمل ساخته‌اند .

کتاب حاضرمجموعه‌ئیست بسبک‌دائرةالمعارف‌ازعلوم وفنون‌غربی وشرقی، که می‌تواند برای‌دانشجویان‌وفرهنگ دوستان‌کاملامفید باشد، وازحیث اطلاعات عمومی‌بسیارسودمندست، و ما آرزومند موفقیت بیشتر مؤلف محترم و ناشر فداکارآن هستیم ، و **بالله‌التوفیق و علیه‌التکلان** .

تهران ـ آبانماه ۱۳۴۸ هجری خورشیدی

محمد محمد لوی عباسی

راهنمای استفاده از این کتاب :

در تالیف این کتاب سعی وافی شده است که مطالب سودمند، مفید و ارزنده ای که بتواند در بالا بردن سطح دانش و معلومات عمومی همگان مفید باشد گردآوری شود، تا بدینوسیله ضمن آن، مطالعه یا مراجعه کننده با کلیهٔ مواد و موضوعهای اطلاعات عمومی روبرو گردد و برای اینکه این کار بآسانی فراهم آید در این کتاب سه نوع فهرست قرارداده شده است:

۱ـ فهرست عمومی و کلی در آغاز کتاب که شامل تیتر اصلی موضوعهای کتاب است و خواننده یا مراجعه کننده را راهنمایی خواهد کرد که در چه فصل و در چه صفحاتی میتواند بمطلب مورد نیاز خود دست بیابد .

۲ ـ فهرست الفبائی اسامی اشخاص مانند پیامبران ، امامان ، پادشاهان، رؤسای جمهوری کشورهای گوناگون جهان، دانشمندان، عالمان دینی فیلسوفان، محققان، نویسندگان، شاعران، مخترعان، مکتشفان، موسیقیدانان هنرپیشگان ، آهنگسازان ودیگر هنرمندان و کسانی چون قهرمانان ملی کشورها، آزادیخواهان، مبارزان بزرگ صدر اسلام و ایران که شرح حالشان در این کتاب آمده بچاپ رسیده است .

۳ـ فهرست اسامی جغرافیایی، که شامل نام کشورها، شهرها وغیره است .

فهرست های ردیف ۲و۳ در آخر کتاب قرار گرفته است و مطابق معمول دایرة المعارفها و فرهنگهای بزرگ طبق روش حروف تهجی (الفبائی) بچاپ رسیده تا خواننده و مراجعه کننده براحتی و سهولت بتواند بمنظور خود دسترسی پیدا کند

فهرست مندرجات

شرح حال مشاهیر عالم

الف

ابوعلی سینا



شیخ الرئیس حجةالحق شرف الملك امام الحکماء ابوعلی حسین بن عبدالله بن حسین بن علی بن سینا، معروف با بن سینا ، پدرش ازمردم بلخ ومادرش «ستاره» ازاهل الشنه نزدیك بخارا بود. ابن سینا درسال ۳۷۰ هجری قمری درالشنه یاخورمشین متولد شد ودربخارا بکسب علم پرداخت.

ادبیات - قرآن وفقه وحساب رانزد پدر آموخت و سپس نزدابوعبدالله ناتلی منطق وهندسه ونجوم رافراگرفت وازآن پس بتعقیب علوم طبیعی ومابعد-الطبیعه وطب پرداخت .

ابن سینا پس ازمعالجه نوح بن منصورپادشاه سامانی بدربارنوح راه یافت وی درسن بیست ویکسالگی شروع بتألیف کتب مختلف نمود وپس ازچندی درسراسر ایران شهرت بسزائی یافت.

ابن سینا پس ازفوت نوح بن منصوردرحدود ده سال درخوارزم ودر دربار آل مأمون زندگی کرد وبتألیف مشغول بود وچون سلطان محمود غزنوی آوازه شهرت وی راشنیده بوداز او دعوت کردکه بغزنین برود ولی ابن سینا بعلت خشونت وتعصب دینی سلطان محمود دعوت اورانپذیرفت وازبیم جان ازخوارزم فرارکرد ومدتی درترکستان وخراسان متواری بودتا بالاخره بگرگان رفت ودرآنجا بطبابت مشغول شد وچندی بعدبه ری رفت درآن زمان مجدالدوله دیلمی به بیماری مالیخولیا مبتلا شده بود ابن سینا پس ازمعالجه مجدالدوله بهمدان رفت و در همدان دوباره بمقام وزارت شمس الدوله رسید وسالهای اخیرعمررا دراصفهان در حمایت علاءالدوله کاکویه گذرانید ودرسفری که همراه امیرمزبور بهمدان میرفت درراه بیمار شد ودرهمدان بسال ۴۲۸ درگذشت .

ابن سینا رامیتوان ازنوابغ روزگارنامید. وی عمرخودرا درراه کسب علم ودانش وتألیف کتب مختلف صرف کرد وآنی ازکارعلمی فراغت نیافت . اودرمدت ۵۸ سال زندگانی پرمشقت خودکتب ورسالات پرارزش تصنیف ودرنتیجه خدمت شایانی بجهان علم وتمدن نموده است.

آرامگاه شیخ را درهمدان برپا کرده اند وبمناسبت هزارمین سال تولد وی درسال ۱۳۳۱ جشنی برگزارشدکه درآن مشاهیردانشمندان شرق وغرب شرکت کردند وآثارفارسی او تماماً ازطرف انجمن آثارملی طبع ونشر گردید.

تعداد مؤلفات ابن سینا تایکصد وبیست گفته شده است که اغلب آنها بزبان عربی است وازآن جمله کتاب شفا وقانون واشارات ، شهرت جهانی دارد ومعروفترین آثاروی بزبان فارسی دانشنامه علائی است . بسیاری ازتألیفات ابن سینا بزبانهای غربی ترجمه شده است.

آپولونیوس Apollo nius

آپولونیوس درشهر «پرژ» درآسیای‌صغیردرزمان سلطنت بطلمیوس «اورژت» بدنیاآمد.
آپولونیوس‌اتحاد ثلاثه‌ای راکه دانشمندان‌بزرك چون ارشمیدس واقلیدس بوجودآورده بودندکامل نمود.
گرچه نمیتوان مقامی همتای اقلیدس وارشمیدس برای او قائل شد ولی وی کسی است که هندسه یونانی راکامل نمود.
هندسه متعارفی فقط ازدائره وکثیرالاضلاع‌هاگفتگو نمیکند بلکه منحنیات پیچیده‌تری بنام بیضی وسهمی وهذلولی نیزمورد مطالعه هستند.
اول‌بارمنشم ریاضی‌دان معاصرافلاطون این منحنی‌ها راکشف ومطالعه نمود. ولی چون ترسیم آنها‌بوسیله خط‌کش‌وپرگارممکن نبود مدتها‌با‌نتظارماندندتاآنکه ریاضی دانان‌پی‌بردند که اگر مخروطی را بوسیله صفحه‌ای قطع‌کنند مقطع حادث یکی از سه منحنی نامبرده است و آپولونیوس ازروی این خاصیت‌آنها را مورد مطالعه قرارداد.
وکتاب‌آپولونیوس‌که ازاین منحنیات‌گفتگومیکند بمقاطع مخروطی موسوم شده‌اند.
ریاضی‌دان بزرك برای این منحنی‌ها نام‌هائی را انتخاب‌کردکه امروزه نیزمعمول است ومیان تئوری اوباآنچه امروزه درکتابهای جدید نوشته شده اختلاف مهمی وجود ندارد.

اپیکور


ÉPICURE

اپیکورفیلسوف بزرك یونانی درسال ۳۴۲ قبل ازمیلاد در «ساموس» واقع درجزیرای اژه چشم بدنیاگشود ودر سال ۲۷۰ قبل ازمیلاد درآتن جان سپرد. این فیلسوف یونانی نخست درساموس زادگاه خویش وسپس‌درآتن‌وآسیای صغیربه‌تحصیل دانش‌پرداخت و پس از اتمام تحصیل شروع به پایه ریزی فلسفه معروف خودکه امروزه‌آنرااپیکوریسم یا مکتب «پرستش لذت» مینامندکرد. در این دوره که اوسخت دراندیشهٔ‌کشف رموزجهان بودگاه در جزایر دریای اژه وگاه درآسیای صغیرزندگی‌میکرد. سرانجام‌درسال ۳۰۶ قبل‌ازمیلاد به‌آتن‌بازگشت کرد ودرحومه این شهرخانه‌ای درمیان باغی ساخت. این خانه پایگاه اپیکور ومرکزپخش و گسترش فلسفه وی درآن زمان بود. اپیکورمردی‌آزاداندیش وعاری ازهرگونه تنك نظری و تعصب‌های زمان بود وازاین‌رو بودکه برای نخستین باربه زنان نیزاجازه داد در محضردرس اوحاضرشوند. اوازاین زمان به‌بعدگذشته ازچند سفرکوتاهی‌که به‌آسیای صغیرکرد در خانه ییلاقی خویش به زندگی‌ساده وآرام واعتدال‌آمیزی پرداخت. اوشب و روزرابامریدان خویش بسرمیبرد وازدخول درامورزندگی مردم شهرسخت اجتناب میکرد.
کاراپیکوراین بودکه فکرکند ونشیب وفرازاندیشه‌های خویش‌را درقالب یك دکترین تازه به پیروانش ابلاغ‌کند. اپیکوربرخلاف‌آنچه‌که می‌گویند پرستنده لذت بود دردهای جان فرسای زندگی را مردانه تحمل میکرد وبگرد هوسهای‌گذران وعادی نمی‌گشت.
اپیکورنویسنده پرکار وپرنویسی بود و بشهادت «دیوژن لائرسیوس» که فلسفه ویرا در ۲۲۵سال بعد ازمیلادتشریح نموده‌است وی سیصد طومار‌نوشته‌است این‌مردنام چهل‌کتاب‌فلسفی اورا ارائه داده ونامه‌های ویرانیزجمع‌آوری‌کرده است . وی مجموعه، سی وهفت جزوه او را زیرعنوان «درباب طبیعت» گردآورده‌بود اما درحال حاضرازاپیکورچیزی جز: ۱ــ «سه‌نامه به شاگردان» ۲ ــ مجموعه چهل مقاله اخلاقی زیرعنوان «دکترین اساسی» ۳ ــ مجموعه هشتاد سخن‌کوتاه پندآمیز درباب اخلاق‌که درکتابخانه واتیکان بدست‌آمده ۴ ــ قطعه‌هائی ازکتاب



وعلی ابن سینا
سلطان الاطبا
در دانشکده های پزشکی اروپا و آسیا تدریس میگردید و حتی تا سال ۱۶۰۹ در دانشگاه بروکسل
تعلیم آن ادامه داشت

«درباب طبیعت» که روی پاپیروس درایتالیا کشف شد بجا نمانده است.
اپیکور به مریدان خویش می آموخت که هدف اخلاقیات «لذت» است اما فقط لذتی که مردان سترك وریاضت کشیده ورنج برده احساس میکنند قابل احترام است .
اپیکوریسم هفت قرن هوادار داشت اما بیشتر هواداران این مرام ، لذت را بمعنائی در خورخویش تعبیر می کرده اند.
اپیکور فلسفه خویش را به منطق ـ طبیعیات ـ واخلاقیات تقسیم کرد. اومنطق وطبیعیات را تابع اخلاقیات می دانست ومعتقد بود که این دوبخش از فلسفه تنها برای تذهیب فکر ونهاد انسان باید بکار گماشته شود. مرد واقعی کسی است که برای کسب لذت واقعی از ترس نمی ترسد، از آرزو گریزان است ومی خواهد مقام حقیقی خود را در دستگاه بزرك آفرینش بدست آورد.

توماس ادیسون



توماس ادیسون درسال ۱۸۴۷ درشهرمیلان متولد شد و سپس همراه پدرش به میشیگان رفت ، اوابتدا شغل خبرنگاری راانتخاب کرد وبعدأ خود بانتشار روزنامه ای اقدام نمود.
ادیسون ازابتدا به آزمایش وتحقیق علاقمند بود وبیشتر ازهمه نیروی برق جلب نظراو راکرده بود، بطوریکه در سال ۱۸۸۶ آزمایشگاهی درخانه خود ایجاد کرد . ادیسون باختراع فونوگراف ومیکروفون موفق شد، ولی بطوریکه همه مردم جهان میدانند مهمترین اختراعی که ادیسون نموده چراغ برق است که با اختراع خود به دنیا روشنی بخشیده است . همچنین لاستیك مصنوعی که مورد استفاده بسیار دارد از نتیجه تفکر وکوشش اوست.
ادیسون مخترع بزرك از لحاظ شنوائی در زحمت بود ودرطول عمرخود دوبار ازدواج نمود که نتیجه اش پنج فرزند بود.
ادیسون دراکتبر ۱۹۳۱ درهشتاد وچهارسالگی زندگی رابدرود گفت .

ارشمیدس



ارشمیدس درسال ۲۸۷ قبل ازمیلاد درسیراکوز متولد شد. ارشمیدس وقتی باسکندریه آمد که اقلیدس مرده بود . در این موقع ارشمیدس با بسیاری از دانشمندان موزه طرح دوستی ریخت ولی فقط باسه نفرازدانشمندان زمان خود ارتباط نزدیك داشت این سه نفر کانون اهل ساموس ، «راتوستن» مدیر کتابخانه واولین کسی که برای اندازه گیری کره زمین اقدام نمود وبالاخره ریاضی دان ومنجم بزرك «دوزیته» که اهل کولون بود.
زندگی ارشمیدس با آرامی میگذشت تااینکه ناگهان طی جنك دوم کارتاژسردار رومی مارسلوس شهرسیراکوز را محاصره نمود اهالی شهرقصد تسلیم داشتند ولی هیرون پادشاه سیراکوزموافقت نکرد وباکمك دوست خود ارشمیدس درصدد دفاع ازشهر برآمد ولی سربازان خشن رومی این موضوع رابمسخره گرفتند وباکبروغرورمخصوصی درصدد حمله برآمدند.
پلوتارك این حادثه را چنین شرح میدهد: رومیها ازدونقطه شروع بحمله کردند وحشت وترس درسیراکوزحکمفرما شد. ولی بمحض اینکه ارشمیدس ماشینهای خود رابکارانداخت این ماشینها شروع به پرتاب سنگها و وزنه های بسیار عظیم کردند که باسرعت زیاد برسرپیاده نظام

دشمن فرومیریخت دراین موقع عدم انتظام عجیبی درقشون دشمن پدیدآمد وبدین ترتیب مدت سه سال حملات مارسلوس باعدم موفقیت مواجه گشت .

مارسلوس به حیله متوسل‌شد وشهررا ازپشت سرمورد حمله قرارداد.

بدین مناسبت اهالی شهرمقدمات جشن بزرگی راتهیه‌کرده و آنقدرشراب نوشیدند که وقتی بخودآمدند شهربوسیله مارسلوس غارت شده بود.

دراین هنگام‌ارشمیدس دریکی ازمیدانهای عمومی نشسته شکلی برروی شنها رسم کرده بود وسرگرم مطالعه آن بود ودراین حال بزرگترین نابغه دنیابدست سربازی حقیر و گمنام بقتل رسید (۲۱۲قبل ازمیلاد) .آثارارشمیدس نسبت به اطلاعات دانشمندان زمان خیلی بیشتر بود وآنان قادربدرك تمام‌آنها نبودند.

دراین مورد باید ارشمیدس راپدرمستقیم دکارت نیوتون ولایپ نیتس دانست

ارشمیدس دوهزارسال ازمعاصران خود جلوتربود اگرمعاصران اومیتوانستندآثاراو را بفهمند ریاضیات میتوانست ازقرن‌سوم قبل ازمیلادبهمان ترقیاتی نایل شود که ازقرن‌هیجدهم بعدازمیلاد نصیب‌آن‌گردید.

«پیرارد» مترجم‌آثارارشمیدس اورا هومرریاضی دانان جهان نامید.

«اریك‌تامپل بل» اوراهمراه بانیوتون وگائوس‌بزرگترین ریاضی دانان جهان میداند. ارشمیدس توانست سطح وحجم اجسامی مانندکره واستوانه ومخروط راحساب‌کند .

ارشمیدس سطح محدود بمنحنیاتی از قبیل سهمی و منحنی پیچی را (که نوع مخصوصی ازآن بنام خود اومعروف است) محاسبه نمود.

دراینجاباید متذکرشدکه دانشمند سیراکوزبیست قرن قبل از اختراع حساب انتگرال باروش خود سطح سهمی‌بایك منحنی‌پیچی‌رابدست‌آوردبوسیله همین روش توانست مقدارتقریبی عدد پی رامحاسبه‌کند.

ارشمیدس اولین‌کتاب را درعلم «استاتیك» (بحث درتعادل اجسام) نوشت. دراین‌کتاب اصول اساسی مربوط بمرکزثقل واهرم واکتشافات دیگردیده میشود.

هیرون ازاکتشافات اوچنان متحیرشده بودکه فریادکشید هرچه راارشمیدس مدعی‌شود من آنرا ممکن میدانم وباورمیکنم . بیهوده نبودکه ارشمیدس اظهارکرد:

نقطه اتکائی بمن بدهید تابکمك اهرم خود جهان را ازجابلندکنم. ارشمیدس بعداز اختراع استاتیك هیدروستاتیك یاعلم تعادل مایعات رابوجودآورد و مشهور است که ارشمیدس علم فوق رابخاطرشخص دغل ومتقلبی اختراع‌کرد .

هیرون‌پادشاه سیراکوزدستورداده بودکه‌تاج بزرگی ازطلا برایش‌بسازندولی‌بعداً حدس زدکه زرگربجای طلا مقداری نقره درآن بکار برده‌است وازارشمیدس خواست تابدون‌شکستن تاج معین‌کندکه نقره درآن وجود دارد یانه و نسبت آن چیست. این مسئله مرد دانشمند را سخت بخود مشغول نمودبحدی‌که وقتی‌باکتشاف‌آن موفق‌شدلخت وعورازحمام‌بیرون‌آمد وفریاد کشید: یافتم. یافتم .

درواقع‌کم شدن وزن‌اودرآب این فکررا دروی‌القاءکرد. ازاینجااصل مشهورارشمیدس نتیجه شدکه میتوان‌آنرا چنین بیان‌کرد: اگرجسمی درمایعی غوطه ورشودازپائین ببالافشاری برآن وارد میشودکه باوزن مایع جابجا شده متعادل است .

اراتوستن Eratosthene

اراتوستن درسال ۲۸۴ قبل‌ازمیلاد متولد شد اراتوستن از طرف بطلمیوس سوم بسمت سرپرست و معلم پسرش معین شد. اراتوستن را میتوان بعنوان یك منجم ، ریاضی دان ، استاد

دستورزبان، شاعر، خطیب وفیلسوف معرفی نمود معاصرینش اورا افلاطون ثانی لقب داده‌اند.

اراتوستن اولین شخصی بود که به اندازه‌گیری زمین اقدام نمود. اراتوستن محیط زمین را ۳۹۳۷۵ کیلومتر محاسبه نمود وملاحظه میشود که چه دقت قابل ملاحظه‌ایست زیراعددواقعی برای محیط زمین ۴۰۰۰۰ کیلومتر است.

اراتوستن درپیری دچارنابینائی شد وچون ازبهبودی آن مأیوس شده بود درسال ۱۹۲ قبل ازمیلاد ازگرسنگی خود را هلاک کرداین تقدیرشوم بعداز۲۱۳۰سال نصیب منجم دیگری بنام کامپبل Campbell امریکائی گردید.

استاندال



در ۲۳ ژانویه سال ۱۷۸۳ در شهر گرنوبل بدنیا آمد. در هفت سالگی مادرش را از دست داد. بچه خردسال مادرش را بیحد دوست میداشت اما ازپدربشدت متنفربود بطوریکه این تنفر را در همه یادداشتها ونوشته‌های او میتوان مشاهده کرد. زندگی کودکی وی بسیار غم‌انگیز بود. بامشاهده اعدام لوئی شانزدهم لذت فراوانی برد وتندرویهای جمهوریخواهان را به نظر تحسین نگریست. استاندال درمدرسه اکول سانترال شهر گرنوبل به تحصیل مشغول گشت. درهمین مدرسه بود که باآثار شکسپیر آشنائی یافت و به آنها سخت علاقمند گشت. درسال ۱۷۹۹ به پاریس رفت تا وارد مدرسه پلی‌تکنیک آنجا شود اما در امتحان ورودی شکست خورد و پس از آن بیمار گشت. ولی بزودی براثر توجه خانواده داروکه با خانواده‌اش نسبتی داشتند بهبودی یافت ومشغول مطالعه در آثار ادبا شد. در این ایام بنوشتن نمایشنامه همت گماشت اما کاری از پیش نبرد. پس از رفتن ناپلئون به جزیره آلپ وی نیز به ایتالیا رفت و مدت هفت سال در میلان ماند و بمعاشرت با اهل ادب پرداخت. در این ایام بود که اولین اثر خود را بنام زندگی آیدن موزاروستاز انتشار داد.

در روزهای پرافتخار ژوئیه که شارل دهم را از سلطنت خلع کردند وسلطنت را به لوئی فیلیپ دادند تغییری در طالع استاندال پدید آورد. استاندال کنسول تریست شد اما بر اثر مخالفت مترنیخ بـه سیویتا وکیا فرستاده شد این مکان برای استاندال حکـم تبعید گاهی را داشت. استاندال در جریان خدمتهای خود دچار فلج شد و در سال ۱۸۴۲ چشم از جهان پوشید.

این دوکتاب از استاندال به فارسی برگردانده شده است

سرخ وسیاه ترجمه عبدالله توکل وخانم عظمی نفیسی راهبه کسترو ترجمه جهانگیر افکاری

زندگی آیدن وموزار و ماستار، زندگی روسینی، عشق راسین و شکسپیر، آرنانس، گردشهای رم، یادداشتهای یك سیاح، سفر در جنوب، معبدپارم، لوسین‌لورن، وقایع ایتالیا، رمانهای ونوولها، نامه‌ها، در باره هنر و ادب، زندگی ناپلئون، یادداشتها، زندگی هانری برولدر، خاطره‌های خود خواهی.

جان اشتاین بك

این نویسندهٔ بزرگ امریکائی بیش ازهرچیزمفسر بدبختی ها و رنجهای طبقات محروم و ستمدیده است و رمانها و نوولهای او انعکاس تلخی از رنج درونی میلیونها مردم گمنام و تیره بخت بشمار میرود. بدینجهت انتشار یکی دو اثر انتقادی او در امریکا با مخالفت سخت مواجه شد. اشتاین بك بعد از جنگ جهانی اول در ردیف پیشروان مکتب ادبی خاص و جدید امریکائی در آمد که همینگوی و سارویان و چند تن دیگر ازرهبران آن‌اند. این‌مکتب

عبارتست از مکتب تلخی و خشونت ، ترسیم دقیق زشتیها و رنجهای زندگی وصفت اساسی آن کمی حادثه و زیادی تشریح احساسات وحقایق تلخ است .



این کتابها از اشتاین‌بك بفارسی برگردانده شده است .

۱ ــ به خدائی ناشناخته ترجمهٔ محمود کیانوش
۲ ــ آپارتمان تورتیلا ترجمهٔ
۳ ــ موشها وآدمها ترجمهٔ پرویزداریوش
۴ ــ خوشه‌های‌خشم ترجمهٔ بهیار ــ امید
۵ ــ ماه پنهان‌است ترجمهٔ پرویز داریوش ا ــ حدادی
۶ ــ مروارید ترجمهٔ جعفر محجوب
۷ ــ آتش درخشان ترجمهٔ سکوت
۸ ــ چراگاههای آسمان ترجمهٔ ا ــ حدادی ــ پرویز داریوش
۹ ــ ولگردان ترجمهٔ یوسف جمشیدی‌پور

سایر کتابهای اشتاین‌بك بدینقرارند ،
جام طلا ــ درجنگی که پایانش نا معلوم است ــ یا بوی سرخ دهکده‌فراموش‌شده دریای کورتز ــ راسته کنسروسازان ــ اتوبوس‌سرگردان ــ جریدهٔ روسی ــ شرق‌بهشت ــ پنجشنبه‌دلپذیر ــ رویای افیونی ــ سلطنت‌کوتاه پی‌پین چهارم ــ یك زمان جنگی درگیر بود ــ کنده‌ای ازدریای کورتز .

ارسطو

ARISTOTE



ارسطو در سال ۳۸۴ قبل از میلاد درکالسیدیك در شهر کوچك استاژیر متولد ودرهیجده سالگی‌درآکادمی علوم پذیرفته شد .

ارسطوگمان می‌کرد افلاطون او را جانشین خود خواهد کرد و از اینکه افلاطون اسپوسیپ را جانشین خود نمود سخت آزرده‌گشت و در سال ۳۴۳ قبل از میلاد به آسیای صغیر رفت و تربیت فرزند پادشاه مقدونی را بعهده‌گرفت .

ارسطوبرای رقابت با افلاطون مکتبی در جوار اپولون لیسین **Lycien** تشکیل داد و نام‌آنرا لیسه **Lycee** گذاشت. فیلسوف بزرك دراین‌آکادمی به تدریس شاگردانش مشغول شد.

ارسطو مردی خوش لباس و مرتب ولی بسیار فربه ودارای شکم بزرك وکله طاس بود ریش خود راکاملا میتراشید و بجنس لطیف علاقه فراوان داشت واز این روهمه اورا سرزنش میکردند .

ارسطوتصمیم‌گرفت‌که درتوده درهم وبرهم معارفی‌که ازقدما باقی‌مانده‌بود نظم وترتیبی برقرارکند .

از اینرو شاگردان خود را بدسته‌های مختلف تقسیم‌کردکه هر یك از آنها میبایست در قسمت معینی از معرفت انسان مطالعه‌کنند .

باین ترتیب بوسیله شاگردان ارسطو دائرةالمعارف عظیمی تهیه‌گشت‌که «ارغنون» نام گرفت .

بطوریکه «لئون روبن» در باره ارسطو اظهار داشته است ، (بسیاری از جزئیات آثار ارسطو ممکن است از خود اونباشد وفقط در مکتب او مورد مطالعه قرارگرفته باشد).

مطالعه‌فراوان‌ارسطونشان میدهد‌که واقعاً معلم‌بوده زیرا همه‌علوم راتدریس‌میکرده‌است

ارسطو بر خلاف افلاطون متکی بر مبانی ریاضی نبود زیرا اصولا درعلم ریاضی جاهل بود وگاهی از اوقات بر نوعی از استدلال ماوراءالطبیعه و عجب متکی میشد که بحد ممکن از حقیقت دور بود .

مثلا استاد از خود سئوال میکرد چرا تیر ازکمان خارج میشود در فضا پرواز میکند و جواب میداد باین علت که مکان طبیعی او سینه آن سرباز دشمن است و معتقد بود که برای بیان قوانین طبیعت و بوجود آوردن علم بهیچوجه احتیاج به تجزیه نیست .

ارسطو حتی بدیهیات را انکار میکرد او میگفت برف ، آب یخ بسته نیست، زیرا برف بصورت آب نیست .

ارسطودرپیری بروش‌تجزیه ومشاهده عقیده بیشتری‌پیدا کرد زیرا بخصوص درکتابهای تاریخ طبیعی خود این روش را بکار برده است .

ازنوشته‌های ارسطو شش رساله منطق اوست که بنام ارغوانی ارسطومشهور است. ازآثار دیگر او مابعدالطبیعه و تاریخ جانوران در باره اعضاء جانوران . در باره آسمانها و طبیعت و سیاست را میتوان نام برد .

ارسطو در سال ۳۲۲ قبل از میلاد درگذشت .

آدام‌اسمیت



آدام‌اسمیت پدرعلم‌اقتصاد وفیلسوف‌بزرگ اسکاتلندی در ۵ ژوئن سال۱۷۲۳در« کرکالدی» بدنیا آمد ودر۱۷ژوئیه۱۷۹۰ در«ادمبورك» درگذشت. اودردانشگاه «گلاسکو» تحصیل کرد و درسال ۱۷۴۰ به‌اکسفورد رفت . دراین زمان مسیحی متعصبی‌بود وپس ازترك اکسفورد درادمبورك رحل‌اقامت افکند. دراین شهر وی خطابه‌هائی درباره «ادبیات فصیح وبلیغ ومودب» ایراد کرد. در۱۷۵۱ اورابه استادی کرسی منطق دانشگاه گلاسکوبرگزیدند وسال بعدکرسی‌فلسفه را درهمان‌دانشگاه بدست‌آورد. تقریرهای استادانه‌اوچه ازحیث‌مضمون وچه ازحیث‌فصاحت و بلاغت مورد ستایش معاصران او قرارگرفت . خطابه‌های وی درباره فلسفه اخلاقی دردوکتاب که اولی بنام «فرضیه عواطف اخلاقی» درسال ۱۷۵۹منتشرشد جمع‌آوری گردید.

کتاب‌های‌عمیق اخلاقی‌او که بنیادهای تازه ومحکمی برای اخلاق می‌گذاشت اندك‌اندك ویرادرهمه جامشهورساخت ودرسال۱۷۶۴«دواك‌بوکلوبچ» ویرابه عنوان‌همسفرخویش‌برگزید. درضمن سفربه فرانسه‌اوباچندتن ازشخصیت‌های معنوی فرانسه ازجمله «دالامبر» و«هلوسیوس» طرح‌آشنائی ریخت واصولا دیویدهیوم فیلسوف انگلیسی سفارش نامه‌هائی بااوهمراه‌کرده‌بود. وی در۱۷۶۶ به‌اسکاتلند بازگشت ودرمسقط‌الراس خویش به مطالعه دقیق پرداخت و دهسال ازکنج انزوا بیرون نیامد . محصول دهسال مطالعه او کتابی است معتبرزیرعنوان «تحقیق در طبیعت وعلل ثروت ملل» (۱۷۷۶) این‌کتاب سرچشمه اصلی علم‌اقتصاد سیاسی زمان ماویك مبنای‌محکم واستواردرادبیات‌انگلیس بحساب‌می‌آید. نباید فراموش‌کرد که‌آدام اسمیت‌پیدایش بسیاری ازاندیشه‌های خودرابه متفکران‌فرانسه مدیون بوده امابابد دانست که اوازاندیشه‌های آنان با حفظ اصالت اندیشه‌های خویش الهام می‌گرفت . مضمون اصلی‌کتاب بزرك‌آدام‌اسمیت حاکی ازاین است که پیشرفت هرملت باوجودآزادی ابتکارشخصی درچهار چوبه قوانین بهتر تضمین میشود. پس‌ازانتشاراین کتاب ویرابه ریاست گمرك اسکاتلند برگزیدند ودرسال۱۷۸۶ به نظامت دانشگاه گلاسکومنصوب گردید.

وی اندکی قبل ازمرگ خویش دستورداد کلیه نسخ خطی آثارش را بجزچند مقاله پراکنده بسوزانند. تاکنون کتابهای او بارها بزبان های زنده عالم ترجمه ومنتشرشده است. کتاب «ثروت ملل» او راکه ازآثار کلاسیك محسوب میشود «مارکی دوکندورسه» فرانسوی به‌فرانسه ترجمه کرد.

یوهان اشتراوس



ازکودکی تحت نظرپدرش به موسیقی آشنا شد. باوجودیکه پدرش میخواست یوهان مانند خودش موسیقیدان باشد معهذا یوهان درسال‌های تحصیل به‌تصنیف موسیقی پرداخت وارکستری تشکیل داد. ارکستر یوهان اشتراوس بزودی شهرت یافت وکنسرت های یوهان اشتراوس کنسرت‌های پدررا ازرونق انداخت.

یوهان‌اشتراوس والس راازصورت ابتدائی درآورد وشکل پوئم سنفنیك به‌آن داد. اشتراوس متجاوز از ۴۰۰ والس ساخته که ازبین آنها «داستان‌هائی ازجنگل وین» و «سوی دانوب زیبای آبی» شاهکاراوست. هنگام مسافرت ناصرالدین شاه به وین یوهان اشتراوس بمناسبت اومارشی بنام ایران نوشت که آنهم ازکارهای معروف اوست.

ازخانواده اشتراوس دوبرادریوهان، ادوارد ویوزف اشتراوس نیزآهنگساز بودند و آنها نیزچند والس بیادگار گذاشته‌اند.

افلاطون



افلاطون که نام اصلیش (آریستوکلس) میباشد در سال ۴۲۷ قبل ازمیلاد متولد شده گویا زادگاهش آتن باشد.

افلاطون مانند همه کودکان بتحصیل موسیقی و ریاضی و ادب پرداخت و در بیست سالگی نزد سقراط رفت و یکدوره هشت ساله را پیش او به آموختن علم و ادب گذراند.

افلاطون برای عملی ساختن مقاصد خود یك آکادمی در باغ آکادموس که دارای درختان بلند و چشمه های زیبا بود تشکیل داد.

در این هنگام افلاطون شهرت بسیار یافت و شاگردان بسیاری بسوی آکادمی او هجوم آوردند.

افلاطون کتاب مکالمات خود را نوشت. در این کتاب مباحثات مابین فلسفه را بهانه قرار داد و مسائل اساسی و اخلاق و اجتماع وعلم را مطرح کرد. چون نظریات سیاسی خود را روی کاغذ آورده بود کوشش داشت تا بوسیله‌ای آنها را بمعرض عمل در آورد ولی این موضوع برای او گران تمام شد. زیرا در نتیجه تشویق یکی از شاگرانش بشهر سیراکوز رفت تا سلطان مستبد آنجا دنی Denys را با عقاید خود موافق کند ولی در نتیجه سرزنش هائی که بسلطان کرد موردبی‌مهری واقع شد واورا بزور بکشتی نشاندند و حتی مدتی را در ازبین Egine بغلامی گذراندند تا اینکه با زحمات فراوان آزاد شد.

افلاطون دو مرتبه پس از مرگ دنی در سال ۳۶۷ قبل از میلاد نزد جانشین او شه مردی عیاش بود رفت و پادشاه او را بمهربانی پذیرفت ومدت یکسال مانند محبوسی که مورد احترام باشد در آنجا پذیرائی شد.

افلاطون راحت ننشست وبرای بار سوم در ۶۷ سالگی نزد سلطان رفت ولی این بار

هم بحرف های او ترتیب اثری ندادند .

درگذشت افلاطون را بسال ۳۴۷ قبل میلاد در سن ۸۱ سالگی ذکر کرده‌اند . آکادمی او نه قرن پس از مرگش بر جای ماند . تا آنکه در سال ۵۲۹ میلادی امپراطور شرق‌ژوستی نین حکم انحلال آنرا صادر نمود .

او هنری

او هنری نام مستعار «ویلیام سیدنی پورتر» نویسندهٔ نامدار امریکائی است . در سال ۱۸۲۶ در امریکا متولد شد و در سالهای جوانی مدت ۵ سال در داروخانهٔ عمومی خود بکار اشتغال داشت و آنگاه درسال ۱۸۸۲ ــ رهسپارایالت تکزاس‌شد ودرآنجا به‌خدمت مطبوعات درآمد . آثار ادبی او در روزنامه ادبی این ایالت بنام « رولینگ ستون » و « دیلی‌پست » انتشار یافت . اوهنری ضمناً دریکی از بانکهای تکزاس بشغل تحویلداری مشغول خدمت شد اما چندی‌بعد مورد اتهام قرارگرفت اوهنری از آن سر زمین گریخت وبنیواورلئان وامریکای مرکزی رفت. ــ اوهنری پس از برگشت بوطن‌بزندان افتاد وسه سال درزندان دولتی اوهایو محبوس بود . پس از آزادی بودکه آوازه شهرتش با نگارش داستانهای متعددکوتاه همه جا پیچید ولی قبل از آن‌که بسن ۴۸ سالگی برسد در اثر بیماری سل دیده از جهان فروبست. او هنری متجاوزاز ــ ۶۰۰داستان‌کوتاه از خود بیادگارگذاشته است. داستانهای عجیب وی عموماً نافذ ــ مهیج ودل‌انگیز است . از خصوصیات داستانهای اواینست‌که غالباً بخلاف تصور خواننده پایان می‌پذیرد.

این دو اثر از جمله داستانهای او هنری است‌که بفارسی ترجمه شده است؛

۱ ــ پزعالی توسط مسعود فرزاد

۲ ــ داروی محبت توسط مسعود فرزاد

سایر آثار او بدینقرار است ؛

کلم‌ها و شاهان ، چهار میلیون ، چراغ ، قلب مغرب . آواز شهر ، جاده‌های سرنوشت، اختیارات ، دوکها ، کارسخت ، شش هـا وهفت ها ، سنگهای غلطان ولگردان و آوارگان ، نامه‌هائی به لیتوپولیس ، داستانهای او هنری ، ضمیمه یادٌیل ها ، او هنریانا .

اقلیدس

اقلیدس در سال ۳۳۰ قبل از میلاد متولد شد و بیش از سی سال نداشت که بخواهش بطلمیوس برای تدریس درموزه وارداسکندریه‌شد ودرهمین‌شهرمکتب فلسفی‌خودرا افتتاح کرد.

کتاب مقدمات اقلیدس یاکتاب هندسه‌که سه قرن‌پیش‌ازمیلادنوشته شده بواسطه کتابهای متعدد و ترجمه های فراوان بزبان مختلف ،بعد ازکتاب انجیل ازکثیر الانتشارترین کتابهای جهان است .

وقتی‌این‌کتاب منتشرشد وبدست رسید چنان‌شهرتی‌برای مولف کسب‌نمودکه تابیست قرن تمام هرگونه تغییری در آن داده میشد بمنزله توهین بمقدسات عالم محسوب میگشت. اصول هندسه اقلیدس حتی که در مدارس متوسطه تدریس میشود .

پاپوس مفسر ، در باره اقلیدس چنین مینویسد ؛

اقلیدس مردی آرام ، محبوب ونیکوکار بودکه درعین حال در حضور سرداران مستبد با نهایت صراحت صحبت میکرد .

سردار میل‌داشت‌که‌بمقدمات اکتشافات زیبای استادی‌که موردحمایت اوبودآشنا شود ولی ترجیح میداد از راه ساده‌تری به فهم آنان موفق شود .

امـا اقلیدس بوی جواب داد (غیر ممکن است) در هندسه راه ممتاز برای پادشاهان

وجود ندارد .
اقلیدس نابغه‌ای بود که ذوق تدوین و تنظیم داشت واین موضوع را میتوان با مطالعه کتاب نور بخوبی مشاهد نمود .
قضیه اقلیدس در باره نا محدود بودن سلسهٔ اعداد اول یکی ازشاهکارهای استدلال در ریاضی است و تا قرن نوزدهم که ریمان و دیریشیله آلمانی و هارامار فرانسوی تئوری اعداد اول را برمبانی آنالیز ریاضی استوارکرده‌اند اطلاعات ما درباره این اعداد از احکام اقلیدس تجاوز نمیکرد .
اقلیدس در سال ۲۷۰ قبل از میلاد وفات یافت .

آندره . آمپر A. Amper


AMPÈRE

آندره آمپردربیست ودوم ژانویه ۱۷۷۵ متولد شد.
آمپرازکودکی بـریاضیات علاقه داشت و مقدمات حساب دیفرانسیل وانتگرال را نزد یکی‌ازدوستان پدرش مطالعه نمود.
درسال ۱۷۹۳ که پدرش فوت کرد ناراحتی عجیبی او را احاطه نمود بطوری‌که مدت یکسال طول کشید تابوضع عادی خود برگشت درهمین‌هنگام‌که بیست ویکسال‌بیش نداشت بعشق‌دختری بیست وسه ساله‌گرفتارگردید.
در سال ۱۸۰۲ بسمت استاد «بورك» معین شد و مجبور گردید برای مدتی زنش را ترك‌کند .
آمپربااولین اکتشاف خود تحت عنوان «مطالعه تئوری ریاضی بازیهای قمار» در سال ۱۸۰۲ موردتوجه‌ریاضی دانهاقرارگرفت وباتوجه«دلامبر» درشهرلیون‌محل‌اقامت زنش‌بتدریس مشغول شد. درسال ۱۸۰۳ زنش دراثربیماری خطرناکی جان سپرد.
آمپربانا امیدی ویاس‌کامل‌لیون‌راترك‌کرد وبسمت دانشیارمدرسه پلی‌تکنیك‌انتخاب‌شد.
آمپردرپاریس‌بادیدن دختری بنام «ژان پوتو» تمام غم واندوه خود رافراموش نمود. ولی کاراین ازدواج بجائی رسیدکه یکروززنش اوراازخانه بیرون‌کرد.
دراین موقع‌آمپرسمت استادی مدرسه پلی‌تکنیك را داشت.آمپردرسال ۱۸۰۸ بازرس کل دانشگاه ودرسال۱۸۰۹ استادآنالیز ومکانیك درپلی تکنیك ودرسال ۱۸۱۴ عضوآکادمی علوم معین‌گردید.
نام‌آمپربااکتشافات‌اساسی‌اودرباره معادلات‌بامشتق جزئی،درردیف‌بزرگترین‌دانشمندان اروپاقرارگرفته است .
درسال۱۸۲۰ بودکه‌مقاله «ژان‌کریستیان‌اورستد» درباره روابط الکتریستیه ومغناطیس بزبان لاتین منتشرشد.
آمپربامطالعه این مقاله بیشتروقت خود راصرف این مسئله نمود.
روزهیجدهم سپتامبرآمپر اولین اکتشاف خود را درباره مغناطیس الکتریکی اعلام‌کرد آمپرشدت جریان راتشخیص داد ووسیله برای اندازه‌گیری آن معین نمود.
آمپرموفق به تهیه پروژه‌ای برای تلگراف الکتریکی گردید و بااکتشافات خود روز بروزبنای الکترودینامیك را مستحکم می‌نمود.
آمپربااکتشافات خودتوانست‌افتخارجهانی‌کسب‌کند. بطوریکه درسال ۱۸۸۱ که‌کنگره بین‌المللی الکتریسین‌ها واحد جریان الکتریسیته راآمپرنامیدند نام او وارد تمام زبانها گردید. آمپردرپانزدهم ژوئن ۱۸۳۶ درشصت ویکسالگی درگذشت .

لئونارد اولر L. Euler



اولر در پانزدهم آوریل ۱۷۰۷ در شهر «بال» متولد شد پدرش از کشیشان پیروکالون بود ومیل داشت پسرش جانشین او شود ولی اولر برخلاف میل او در دانشگاه بال بمطالعه علوم الهی پرداخت.

شهرت اولر از ۱۹ سالگی آغاز می‌گردد زیرا در این سن بود که آکادمی پاریس حل مشکلی را در باره ساختمان دکل کشتی بمسابقه گذاشته بود ومقاله اولر در این مورد مقام دوم را احراز نمود.

سال بعد اولر باتفاق دانیل ونیکلابرنولی بروسیه رفت و در این شهر ازدواج نمود وصاحب سیزده فرزند شد که پنج تن آنها زنده ماندند وسی ودو نوه برای او بوجود آوردند.

اولر همچنان بمطالعات ریاضی خود ادامه میداد ورفقایش او را روح آنالیز ریاضی میدانستند، آراگو درباره اولر چنین گفته است:

اولر باهمان سهولتی که انسان نفس میکشد محاسبات ریاضی را انجام میدهد.

او هر روز اکتشافی بر اکتشافات خود میافزود وتعداد آنها آنقدر زیاد است که حتی امروزه موفق بچاپ کامل آثار او نگردیده‌اند.

درهمین اوقات بود که مسئله‌ای از طرف آکادمی مطرح شد واولر درمدت سه روز آنرا حل نمود ومریض شد ودر این بیماری یك چشم خود را ازدست داد. درشصت سالگی بود که بدبختی عجیبی به او روی کرد وآن ازدست دادن چشم دیگرش بود گرچه چشم او را باموفقیت عمل کردند ولی زخم آن دچار عفونت شد وبرای همیشه چشمان خود را ازدست داد.

اولر، مردی که از تند خوئی وحسادت برکنار بود درهیجدهم ماه سپتامبر ۱۷۸۳ هنگامی که مشغول محاسبه مسیر اورانوس بود ناگهان باگفتن کلمه «من مردم» زندگی را بدرود گفت.

ژرژ . سیمون . اوهم



او هم که فرزند قفل سازی بود درسال ۱۷۸۷ متولد شد.

او هم که از ابتدا به علم فیزیك علاقمند بود وتوانست در سال ۱۸۲۷ تئوری ریاضی جریان الکتریك را بیان نماید. این کتاب که حاوی قوانین مهمی از الکتریسته است درمعروفیت اوسهم بسزائی دارد.

اوهم بوسیله فرمولی ولتاژ وآمپراژ را که وسیله الکساندر ولتاو آمپر بیان شده بود با مقاومت الکتریکی مربوط ساخت. اوهم در ۶۵ سالگی باسمت استادی دردانشگاه مونیخ مشغول کارشد.

کلودپویه فیزیك دان فرانسوی اولین کسی است که قوانین اهم را در سال ۱۸۳۷ در فرانسه و انگلستان شناساند.

اهم در سال ۱۸۵۴ در شصت وهفت سالگی درگذشت.

ایبسن

هنریك ایبسن درآغاز جوانی شاگرد داروفروشی بود وگاهی هم بساختن اشعار فکاهی و انتقادی می‌پرداخت اما بعدها بزرگترین درام نویس نروژی و از معروفترین نویسندگان زمان خود شد.

نخستین آثار اوجنبه‌های لیریك واحساساتی داشت اما نمایشنامه‌های بعدیش مشحون از افکار عمیق فلسفی و اجتماعی گردید. از آثار فراوانش که بزبانهای مختلف ترجمه شده

نه فقط در روی صحنه های نمایش استفاده شده است بلکه فیلم های متعدد هم تهیه کرده‌اند.
در میان آثار او نمایشنامه تاریخی «مدعیان تاج وتخت» و «خانه خروسك» و «مرغابی وحشی» و «خانم دریا» و آثار دیگرهمه مشهور هستند. اثر معروف او «پیر گینت» ازمشهور‌ترین آثار او پرائی است. ایبسن در۱۸۲۸ متولد شد.

آلبرت اینشتاین A . Einstein.



اینشتاین که بزرگترین متفکر و فیزیك دان ادوارجهان بشمار می‌آید در چهاردهم مارس ۱۸۷۹ در جنوب آلمان متولد گردیده است.
وی درسال ۱۹۰۲ باسمت مهندس دردفتر ثبت واختراعات شهر «برن» شروع بکار نمود.
سال ۱۹۰۵ باتمام نرسیده بود که اینشتاین اکتشافات اساسی و بسیاری را آغاز نمود. ودر همین سال تئوری خود را درباره نسبیت بیان نمود که شهرت عالمگیر وغیرقابل وصفی بدست آورد و امروزه تعداد کسانی که قادر به فهم تئوری نسبیت او هستند بسیار کم‌اند.
اینشتاین در تئوری خود زمان و فضای مطلق را نابود کرد و باکمال رشادت قانون جاذبه عمومی نیوتون را مورد حمله قرار داد انیشتاین در سال ۱۹۲۱ به اخذ جائزه نوبل نائل شد.
انیشتاین که بزرگترین فیزیکدان قرن بیستم و بانی شروع تحقیقات بمب اتمی است در ساعت هفت وپانزده دقیقه صبح هیجدهم آوریل ۱۹۵۵ در امریکا درگذشت.

ب
یوهان سباستیان باخ



J.-S. BACH

یوهان سباستیان باخ نوزاد خانواده‌ای بود که همه افراد آن بیش از صد سال به موسیقی آشنائی داشتند.
خانواده باخ اغلب فنون موسیقی را ازیکدیگر می‌آموختند در خانواده باخ، تفریح، کار، مطالعه و بالاخره همه چیز با موسیقی توام بود.
باخ ها در تمام نقاط اروپا پراکنده شدند و موسیقی را رواج دادند.
پروفسور «سانفرتری» که یکی ازمحققین باخ می‌باشد درشجره نسبت باخ باین نتیجه رسیده که ازبیست فرزند یوهان سباستیان باخ که شانزده نفرآنها عمرطولانی داشته‌اند فقط یکی از باخها توانست دودمان آنها را حفظ نماید و او چهار فرزند داشت که آخرین آنها در سال ۱۸۷۱ درگذشت و از آن تاریخ خانواده باخ بکلی از بین رفت.
امروز کسانی هستند که خود را بخانواده باخ منسوب می‌کنند ولی ادعای آنها عاری از حقیقت است.
یوهان سباستیان باخ در بیست ویکم ماه مارس ۱۶۸۵ در «آیز ناخ» بدنیا آمد.
پدرش «آمبرزیوس» از نوازندگان در بار و مادرش الیزابت دختر یکی از کارمندان شهرداری بود.
یوهان ده ساله بود که پدر ومادرش فوت کردند واوتحت نظربرادر بزرگش بزرگ شد.
علاقه او بموسیقی بحدی بود که در دوران کودکی قطعاتی راکه‌برای تمرین ازبرادرش گرفته بود فراگرفت.

وقتی در سن پانزده سالگی در موقع شرکت در آواز دسته جمعی کلیسای «سن میشل» از ارك نواز مشهور «گئورك بوم» شنید که استادش «راینکن» در کلیسای «سنت کاترین» هامبورك ارك می نوازد تصمیم گرفت به آنجا برود و از راینکن استفاده بردولی فاصله او تا هامبورك ۱۲۰ کیلومتر بود و یوهان استطاعت نداشت که خود را به آنجا برساند ولی بالاخره پیاده عازم شد و از حضور راینکن استفاده کرد .

باخ هدفی جز آشنائی بهمه آثاراستادان بزرگ موسیقی و نواختن قطعات آنان نداشت و برای رسیدن باین مقصود هر مانعی را از راه خود بر میداشت . باخ بالاخره با کوشش و زحمت فراوان تمام فنون موسیقی را آموخت و استادی بزرگ و عالیقدر شد چون شاگردی خوب و یا پشتکار بود .

باخ در سال ۱۸۰۵ بسمت ارگانیست «مولهاوزن» منصوب شد و با دخترعموی خود «ماریا باربارا» ازدواج کرد .

ازسال ۱۷۰۸ بسمت سرپرست ارکستردوك ساکس ووایمار انتخاب شد و در این زمان بود که بین او و لوئی مارشال ارگانیست معروف فرانسوی قرار مسابقه گذشته شد ولی مارشال روز قبل از مسابقه شهر را ترك کرد و باخ پیروز شد .

در سال ۱۷۱۷ به کوکن مسافرت کرد ودرآنجا رهبری ارکستر دربار را بعهده گرفت.

درسال ۱۷۲۰ بعد ازفوت زنش برای باردوم با خواننده سوپرانو «آناماکدالناوولکن» ازدواج کرد و صاحب چهار فرزند شد .

باخ در سال ۱۷۲۳ به لایپزیك ودرآن شهر بسمت کانتور وارگانیست کلیسای سن توماس انتخاب شد و تا سال ۱۷۵۰ که فوت کرد در آن شهر سکنی داشت .

باخ عمرخودرا درخدمت کلیسا گذراند و آثارمذهبی او بهترین نمونه موسیقی کلیسا است.

شرح تمام آثارباخ که با رفتن آنها موسیقی راکمال بخشیده است از حوصله این مختصر خارج است و فقط بذکر مختصری از زندگی او اکتفا میشود .

انوره دو . بالزاك



بالزاك داستان نویس مشهور در فرانسه متولدشد وبتحصیل در رشته حقوق پرداخت و پس از اتمام تحصیلاتش سه سال ازعمر خود را به کار وکالت گذرانید ولی در سال ۱۸۲۰ وکالت رارها کرد و به نویسندگی پرداخت .

بالزاك حدودنه سال ازعمر خود رابه نوشتن رمان ومقالات سیاسی و داستان های تراژدی صرف نمود ولی موفقیت او از سال ۱۸۲۹ با نوشتن کتابی بسبك و شیوه «والتراسکات» آغاز گردید.

بالزاك در داستانهایش از ماجراهای عشقی خود الهام میگرفت بطوری که جالبترین آنها ماجرای روابط او بازنی لهستانی بنام مادام «هانسکا» است که مدت پانزده سال با او مکاتبه داشته و بالاخره حدود پنج ماه قبل از مرگش بسال ۱۸۵۰ با او ازدواج میکند . با وجودآنکه رمانهای بالزاك خریدار بسیار داشت ولی تمام عمر ازلحاظ مالی در مضیقه بود.

از شاهکار ارزنده بالزاك «اوژنی گرانده» ، «آرزوهای گمشده» و «مدست می نیون» «باباگوریو» را میتوان نام برد .

برتراندراسل Bertrand Russell.

برتراند راسل فیلسوف وریاضی دان نامبردار انگلیسی، بسال ۱۸۸۱ بدنیا آمده است در ۱۹۵۰ بدریافت جایزه ادبی نوبل نایل شد . بسیاری از هموطنانش او را برجسته ترین

شخصیت معاصر انگلستان میدانند. ازمیان آثارش «تاریخ فلسفه غرب» بفارسی درآمده است. راسل هیچگاه فیلسوفی منزوی نبوده است. بسال ۱۹۱۵، بعلت سرباز زدن ازخدمت سربازی و خودداری از جنگ، بزندان افتاد. راسل در زندان کتاب «مقدمه بر فلسفه ریاضی» را تدوین کرد. در ۱۹۵۵ راسل و انیشتین پیامی برای دانشمندان جهان فرستادند و آنها را به کانادا فراخواندند تا بدستیاری همدیگر راهی برای جلوگیری از ساختن سلاحهای اتمی بجویند دولت انگلیس در ۱۹۶۱، راسل، رزمنده ۹۰ ساله را، باردیگر، بگناه برانگیختن مردم بمبارزه با انفجارهای اتمی، زندانی کرد. برتراند راسل اکنون باین اعتقاد رسیده است که برای مبارزه با سلاحهای اتمی باید در برابر قوانین بسرکشی پرداخت.

بودلر - شارل


BAUDELAIRE

شارل در سال ۱۸۲۱ درپاریس متولد شد. پدرش در ۱۸۲۷ از دنیا رفت وجای او را پدر خوانده بیرحمی گرفت که نسبت باین کودك از هیچگونه سختگیری و اذیت و آزار فروگزار نمیکرد. ایام جوانی اونیز سراسر با رنج وتلخی و بدبختی گذشت وبالاخره در مارس سال ۱۸۶۶ وارد آخرین وناگوارترین مراحل عمرشد، بدین معنی که درموقع تماشای کلیسای «سن لو» سقوط کرد و مبتلا بفلج نصف بدن شد و قدرت تکلم را بکلی از دست داد. تا اوت سال ۱۸۶۷ یعنی مدت پنجاه ماه بهمین وضع باقی بود و از همه ناگوارتر آنکه هوش و حافظه او و تمایلش بصحبت کردن مانند یك آدم کامل و سالم بجا بود، ولی توانائی تکلم نداشت وعاقب درینموقع که فقط ۴۶ سال از عمرش میگذشت، مرگ بسراغش آمد واوازرنج و عذاب گرانی نجات یافت.

شاهکار معروف بودلر «گلهای رنج» نام دارد که مجموعه اشعار وی میباشد و همین اثر باعث شهرت و عظمت شاعر رنجیده گردید، بطوریکه در صف اول نوابغ نظم فرانسه قرارگرفت.

خواهران برانته



سه خواهر برانته، یعنی شارلوت، امیلی و آن برانته، از بزرگترین شاعره ها و نویسندگان تاریخ انگلستان، هر سه با اندکی فاصله از یکدیگر، پیش از رسیدن بچهل سالگی مردند، وقت مرگ، شارلوت برانته ۳۷ سال، امیلی برانته ۳۰ سال آن برانته ۲۹ سال داشت.

در زندگی این هر سه خواهر «عشق» نقش بزرگی بازی کرد اما برای هر سه جز ناکامی ببار نیاورد.

امیلی دل بمعلم جوان خود بسته بود، اما این معلم خود دل در گرو عشق شارلوت خواهر بزرگتر او داشت. امیلی این غم عشق را درون خود نگاهداشت و فقط آن را در کتاب خویش منعکس کرد و وقتی که او مرد توانستند به راز نهانش پی برند.

در تاریخ ادب و هنر کمتر سابقه دارد که سه نفر اینقدر رنج برده، اینقدر ناکامی و حرمان دیده و اینطور جوان مرده باشند.

ولی محصول این ناکامی‌ها، سه اثر جاودان ادب انگلستان «جین ایر» شالوت برانته، «بلندی‌های بادگیر» امیلی برانته و «آیتز گری» آن برانته بودکه سه گنجینه ادب انگلیس و اروپا بشمار میروند.

بودا

نامی است که به بانی بودیسم، سیذار تاگوتاما داده شده است او شخصیت تاریخی و فرزند سر کرده قبیله ساکیاس و بنیان‌گذار دیانت تازه‌ای در برابر برهمانیان بود. (پنج قرن قبل از میلاد) او در یافت که زندگی جز رنج نیست و رنج حاصل میل و شهوت است . از اینرو برای وصول به «بودهی» و وارستگی وجاودانگی بایستی امیال را کشت. فنا شدن یعنی بمرحله نیروانا رسیدن . در سنت است که چهار بودا پیش از ساکیامونی بوده و سپس شش تا شده و بمرحله ماهایانا رسیده است . بودانه تنها شامل زمان گذشته میشود بلکه جهانهای بعدی را هم که تشکیل هستی داده است در بر میگرد ، «متریا» جانشین آینده ساکیامونی است .

ظاهراً نخستین شمایل بودا را پس از قرنها درقرن اول میلادی ساخته‌اند یا درحالت ایستاده ویا چهار زانو وبیشترشانه‌های برهنه دارد و باآنکه شولائی شانه چپش را میپوشاند ریخت این مجسمه‌ها مظهر شفقت و تأمل و طلبگی بدون بیم و هراس است .

بودائی‌گری در هند و پاکستان وجاوه وچین ... رواج دارد و بیش از ۵۰۰ میلیون نفر باین اعتقادات باقی هستند . بودائی‌گری مذهبی عرفانی و اساطیری است و بر درون بینی وغفلت از جهان هستی استوار است .

لرد . بایرون


lord BYRON

جرج گوردن‌بایرون شاعر انگلیسی درژانویه سال ۱۷۸۸ در لندن بدنیا آمد . نژاد او اصلا فرانسوی بود . مادرش او را بزرگ کرد و بایرون در شرایط نامعین وگوناگونی تربیت شد . در سیزده سالگی او را به مدرسه «هارو» فرستادند و چهار سال بعد به کمبریج روانه‌اش کردند.و درنوزده سالگی نخستین مجموعه شعرش را منتشر ساخت که ساعات فراغت نام داشت. این مجموعه نظر منقدان را جلب کرد و گروهی هم بشدت آنرا کوبیدند بایرون‌درمقام لجبازی هجویهٔ معروف «را مشگران انگلیسی ومنقدان اسکاتلندی» را ساخت و ناگهان بطرف مشر قزمین حرکت کرد . در بازگشت به انگلستان اشعار تازه‌ای که از سفر ارمغان آورده بود او را در عرض مدتی کوتاه در انگلستان مشهور ساخت.وی ازسال ۱۹۱۲ تا ۱۸۱۵ «گیائور» و «نامزد آبیدو» و چند اثر دیگر ساخت .

کلیه این آثار درخشان و رنگین ، زمینه های شرقی داشت . اشعار او بیشتر جنبه ملودراماتیك (بد آغاز و خوش فرجام) دارد . اما در تمام آنها شور و احساس موج میزند. در سال ۱۸۱۵ دربیست وهفت سالگی با زنی بنام «میلبانك» ازدواج کرد اما این زن یکسال بعد رشته زناشوئی راگسیخت و عنوان کرد که بایرون با خواهرش گرم گرفته‌است .

پایان دردناك این ازدواج آنچنان خشم و غیظ مردم را بر ضد بایرون برانگیخت که بایرون‌ناگزیر میهن خود راترك کرد وسوگندیاد نمودکه هرگزباین سرزمین پای‌نگذارد.

بعد از بازدید از بروکسل و واترلو به سویس عزیمت کرد و درآنجا «زندانی شیلان» را ساخت که از شاهکار های شعر انگلیسی است . در این دوره‌ها او پی در پی آثار تازه‌ای خلق میکرد .

در آثار بایرون یك روح جاودانی ویك روحیه شاعرانهٔ واقعی به چشم میخورد .بقول تسوایك بیوگرافی نویس اطریشی ، بایرون برای نمایش عظمت و شکوه وغرور خویش شعر می‌گفت . همه این شعر ها ساختمان‌های قوی و محکم و بادوام داردکه بایرون برای عرض اندام در برابر همگنان و برای خودنمائی در برابر زنانی که باو تسلیم نمی‌شدند میساخت با

اینهمه برخی از اشعار او باوج عظمت خود رسیده‌اند .

بایرون کنتس جوانی را دوست داشت و در عشق او سه اثر رومانتیك عالی ساخت .از سال ۱۸۲۱ تا ۱۸۲۳ کارهای تازه‌تری خلق کرد و در سال ۱۸۲۴ آخرین اثر خویش را که یك نیمه اتوبیوگرافی است منتشر ساخت .

وقتی آزادیخواهان یونان برای پاره‌کردن زنجیرهای اسارت دولت عثمانی از مردم آزاده جهان درخواست کمك کردند بایرون که شاعر آزادیخواهی بود فورا به درخواست آنان پاسخداد و به جبهه جنگ شتافت و حین جنگ کشته شد .

بایرون آدم بسیار خودپسند ومغروری بود.او خود رابهترین شاعر غزلسرا ومرثیه‌گو میدانست ، اما نبوغ او در هجاسازی بود . قدرت توصیف وقدرت نمایش احساس‌های انسانی او زائدالوصف است . شهرت و شخصیت جنجالی او بیشتر زادهٔ حوادث زندگی عجیب وغریب اوست تا مولود اشعارش . نفوذ غیر قابل انکار او در شعرای اروپا بخصوص شعرای روسیه موجب خلق آثار بدیعی به تقلید ازکارهای او شده است . درحال حاضر بایرون درخارج از انگلستان مشهورتراست تا در داخله انگلستان .

لودویك . فان . بتهوون



BEETHOVEN

در شهر «بون» از شهرهای غربی آلمان متولد شد . یوهان پدر بتهوون خواننده بود و در دربـارکلن کار میکرد . یوهان از چهار سالگی بتهوون رابه پیانو آشناکرد و تا ۹ سالگی کلیه قواعدی که از موسیقی میدانست باوآموخت . لودویك در دوازده سالگی به عضویت ارکستر دربارکلن انتخاب شد .

کریستیان گوتلیب نفه که درپرورش وتعلیم موسیقی لودویك حق بزرگی دارد در باره شاگرد خود میگفت:«اگر اوهم چنانکه آغازکرده کار خودرا ادامه دهد یقیناً روزی موتسارت دوم خواهد شد .»

در سال ۱۷۸۷ وقتی ۱۷ سال از عمر بتهوون میگذشت بوین رفت و آنجـا بحضور موتسارت رسید و از او چند درس موسیقی گرفت .

چندی بعد مادرش مرد و او ناچار شد تحصیل موسیقی را قطع کند و برای سرپرستی خانواده‌اش به بون برگردد .

وقتی برای‌بار دوم‌بتهوون توانست بوین برودموتسارت مرده بود. بزرگترین‌آهنگساز وین‌هایدن بود . این بار نزد هایدن بتحصیل موسیقی پرداخت و بزودی توانست در مجالس اشراف راه پیداکند .

درسال ۱۷۹۴ پرنس لیخنوسکی اورا بکاخ خود آورد و بتهوون دوسال نزد پرنس میزیست .

بزرگترین حادثه عشقی بتهوون در این سالها واقع شد و اوکه در آنوقت سی سال‌از عمرش میگذشت بدکترسی بنام‌جولیتاخویچیاری دل باخت.بتهوون «سونات اپوس۲۷شماره ۲» راکه بعدها بنام «سونات مهتاب» معروف شد برای او تصنیف کرد .

در خاطرات عاشقانه بتهوون نام‌های دیگری از دختران میتوان یافت . در حقیقت او در دوران زندگی خود بارها عاشق شد . بقول زیس یکی از شاگردانش «او همیشه عاشق‌بود». ولی با وجود این با هیچیك ازآنها ازدواج نکرد .

اخلاق و رفتار بتهوون با مردم آنزمان فرق‌بسیار داشت . بتهوون ازآن مردانی‌بود که هیچگاه سعی‌نمیکرد احساسات وحب وبغض خود را تعدیل کند یا مخفی نگاه دارد محیط

اشرافی و تشریفات معموله آنزمان بنظر بتهوون زائد بود و با آنکه از کلیه رسوم درباری اطلاع داشت کمتر درصدد اجرای آنها برمی‌آمد .

یکی از بزرگترین بدبختی‌های بتهوون ثقل سامعه او بود وقتی در سی و دو سالگی احساس کرد که چیزی نمیشنود و نمیتواند ساخته‌های خود را که بیان احساسات اوست درك کند تحمل زندگی برای او مشکل شد . نامه‌ای ببرادرانش نوشت و بقصد خودکشی با آنها وداع کرد ولی بزودی تصمیم گرفت علی رغم «سرنوشت ناسازگار» بحیات خود ادامه دهد . نخستین اثر بزرگ بتهوون سنفونی شماره ۳ بود . در سال ۱۸۰۴ نخستین اپرای بتهوون بنام فیدلیو با موفقیت خوب به صحنه نمایش درآمد سنفونی چهارم و پنجم وششم را در همین سالها بوجود آورد . در این مدت غالباً ثقل سامعه او شدت مییافت تا آنکه عاقبت بسال ۱۸۱۹ بکلی کر شد و ارتباطش با دنیای اصوات قطع شد

سه تن از شاهزادگان اتریش برای تشویق بتهوون باقامت در وین مقرری سالیانه‌ای بمبلغ ۴۰۰۰ فلورین برای او معین کردند . بتهوون در برابر این مقرری ملزم بود در شهر وین بماند و مایه افتخار آن شهر باشد . ولی پس از مدتی مقرری او به ۱۵۰۰ فلورین کاهش یافت . وضع مادی او بقدری بد شده بود که برای امرارمعاش درصدد فروش آثار خود برآمد.

در سال ۱۸۲۳ با وجود همه بدبختیها و بالاتر از همه ، علی‌رغم کری و سکوت محض بتهوون سنفونی نهم (کورال) ومیساسولمنیس دواثر بزرگ خود را در موسیقی‌سنفنیك وآوازی ایجاد کرد . این آهنگها یك افتخار ابدی برای او باقی گذاشته است .

بتهوون ازشدت تنگدستی‌میخواست سنفونی نهم را درازای ۵۰ لیره با نجمن فیلارمونیك لندن بفروشد

در یکی از روزهای سرد پائیزسال ۱۸۲۶ بتهوون به بستر بیماری افتاد و ناچارشدند او را تحت عمل جراحی قرار دهند . ولی حال او بهترنشد و حتی دیگر قادر به تکلم نبود بالاخره در روز۲۶ مارس ۱۸۲۶ چشم از جهان فروبست. آنروزهم مانند روزمرگ موتسارت طوفان سختی برپا شده بود . در تشییع جنازه بتهوون شوبرت . چرنی ، و قریب بیست هزار نفر از مردم وین شرکت داشتند . جنازه او را باکالسکه به‌آرامگاه اودر شوارتس‌شپایزهاوس بردند .

اگر هایدن «پدر سنفونی» است بتهوون درتاریخ موسیقی بنام «پادشاه سنفونی» معروف است در برابر ۱۰۴ سنفونی‌هایدن و ۵۰ سنفونی موتسارت بتهوون ۹ سنفونی تصنیف کردولی همین ۹ سنفونی بیش از تمام آثارسنفونیك هایدن و موتسارت ارزش دارد .

یوهان . برامس



در۷مه ۱۸۳۳ درهامبورك متولد شد . پدرش‌مرد فقیری بود که درارکستر تئاترهامبورك کنترباس‌مینواخت یوهان درشش سالگی پیانوومقدمات موسیقی‌را نزد پدرش‌آموخت وازده‌سالگی به‌تصنیف آثارموسیقی‌پرداخت .

در کنسرتی‌که برامس‌درسال۱۸۵۳ دادیوآخیم‌ویولونیست بزرك آلمان حضورداشت وچون به استعدادبرامس‌پی‌برد برای تکمیل‌تحصیلات موسیقی اورا به لیست وشومان معرفی‌کرد .

برامس‌در همان‌سال به ملاقات شومان‌رفت وبدیدار کلارا نیزنائل شد. این زن وشوهر موسیقی‌دان با او دوست شدند . برامس علاقه شدیدی به‌کلارا پیداکرد وبعد ازمرگ شومان باو پیشنهاد ازدواج کرد .

ولی کلارا که ۱۴ سال از او بزرگتر بود پیشنهادش را نپذیرفت و برامس تا آخر عمر عشق کلارا را در دل داشت و با زن دیگری ازدواج نکرد . وقتی در سال ۱۸۹۶ کلارا وفات یافت برامس سختی افسرده شد و سلامت خود را از دست داد . پس از آخرین کنسرت خود بستری شد و بالاخره در ۸ آوریل همان سال بسن ۶۴ سالگی در وین درگذشت .

بقراط



بقراط درسال ۴۶۰ قبل از میلاد در جزیره‌ای بنام کوس متولد شدپدرش طبیب بود وآن چیزهائی راکه میدانست به پسرش یادداد .

در زمان‌حیات بقراط با شکافتن کالبد انسان مخالف بودند و برای بهبودی بیماراز جادو استفاده می‌کردند . بقراط به این خرافات توجهی نکرد وبه‌کالبد شکافی مبادرت نمود .

بقراط امراض‌رابدودسته تقسیم‌نمود امراض‌دسته اول‌ناشی ازخوراك بدوفاسد ودسته دوم‌بیماریهائی‌که ازحوادث وواگیری‌ها بوجودمی‌آیند.

ازمهمترین‌آثاراو کتابی‌تحت عنوان(جراحات سر)می‌باشد که مطالبش با طب امروزه آنچنان تفاوتی ندارد .

از بقراط که اورا بزرگترین پزشك قدیم میشناسیم بیش ازاین اطلاعی در دست‌نیست. راجع به تاریخ و محل فوت او هم اطلاع دقیقی در دست نیست و گویا احتمالا در سال ۳۷۷ قبل از میلاد در لاریسا فوت نموده .

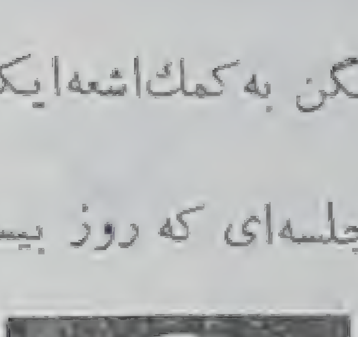
گروهی هم عمر بقراط را ۱۱۰ میدانند و معتقدند که او در سال ۳۵۰ قبل از میلاد وفات یافت .

هانری‌بکرل H. Becquerel

در ژانویه سال ۱۸۹۶ همه جاگفتگو از اکتشاف رنتگن بود .

دکتر اودن و بارتلمی توانسته بودند یکی از تصاویری راکه رنتگن به‌کمك‌اشعه‌ایکس بدست‌آورده بود تهیه کنند .

این تصاویر توسط «پوآنکاره» یکی از اعضای آکادمی علوم در جلسه‌ای که روز بیستم ژانویه سال ۱۸۹۶ تشکیل شده بود ارائه شد .



H. BECQUEREL

هانری بکرل با مشاهده تصاویری‌که از استخوان‌های دست برداشته شده بود پس از اندکی تفکر از خود سئوال نمود که آیا ممکن است اجسامی‌وجود داشته باشندکه تحت تأثیر نورساده‌اشعهٔ ایکس ساطع‌کنند . لذا در دنباله این فکر به یك سری آزمایشات روی املاح اورانیوم پرداخت و در روز دوم‌ماه مارس سال۱۸۹۶ یعنی همان سال نتیجه مطالعات خود را به آکادمی داد و از نتیجه مطالعات اومعلوم شدکه اورانیوم و املاح آن دارای خاصیت‌صدور دائم تشعشات مخصوص می‌باشند‌که هوا را الکتریسته‌دار و روی صفحه عکاسی اثر میکنند .

با این ترتیب رادیوآکتیویته، توسط هانری بکرل که در پانزدهم دسامبر سال ۱۸۵۲ متولد شده بودکشف گردید . هانری‌بکرل در بیست و پنجم اوت ۱۹۰۸ درحالی‌که سمت‌منشی دائمی‌آکادمی علوم را عهده‌دار بود در سن پنجاه و شش سالگی وفات یافت .

ژوزف . بلاك J. Black

ژوزف بلاك در سال ۱۷۲۸ در «بوردو» متولد شد ژوزف بلاك برای تحصیل بدانشگاه ادیمبورك رفت و در دانشگاه همین شهر بمقام استادی رسید وی در سال ۱۷۵۷ یعنی دربیست و نه سالگی موفق بکشف گاز کربنیك که از تکلیس آهك یا منیزی بدست آورده بودگردید . و آنرا «هوای ثابت» نامید . بلاك ثابت نمودکه «هوای ثابت» همان گازی است که انسان هنگام تنفس خارج میکند .

بلاك بسال ۱۷۹۹ در هفتادو یك سالگی درگذشت .

امیل فون بهرینك E.F. Behring

«تهیه کننده سرم دیفتری»

امیل . فون . بهرینك دانشمندآلمانی متولد سال ۱۸۵۴ توانست اولین سرم دیفتری را تهیه نماید . تاریخ فوت او سال ۱۹۱۷ می باشد .

فرانسیس . بیکون F. Bacon


Fr. BACON

بیکون در جوانی به تحصیل علم و دانش پرداخت . وی برای نزدیکی به پادشاه کوشش فراوان میکرد وبالاخره به عضویت مجلس ملی انتخاب شد و عنوان لردگرفت وپس از اندکی بریاست قضات کشور برگزیده شد . با این وصف طولی نکشید که پارلمان انگلستان بیکون را بجرم اختلاس از تمام مزایائی که بدست آورده بود محروم نمود .

بیکون با وجود ازدست دادن تمام مقامها و امتیازاتخود از مطالعهو اشتغال به علم منصرف نشد و در همین هنگام دوکتاب یکی «درباره ارزش وترقیات علوم» و دیگری «ارغنون جدید» منتشر نمودکه فوق العاده مورد توجه قرارگرفت .

بدون شك بیکون در ترویج علم و حکمت بین اروپائیان سهم بسزائی دارد .

هدف اصلی بیکون درزندگی عبارت از اعمال نفوذ خود به طبیعت بود .

بیکون فیلسوف انگلیسی در سال ۱۶۲۵ در شصت وپنج سالگی درگذشت .

پ

لوئی . پاستور L. Pasteur


PASTEUR

لوئی پاستور که در بیست و هفتم دسامبر سال ۱۸۲۲ در «دول» متولد شد در بیست وشش سالگی بسمت استادشیمی دانشگاه استراسبورك انتخاب گردید

پاستور در همین هنگام ضمن نامه‌ای که برئیس دانشکده می نویسد از دخترش خواستگاری می کند ودر این نامه وضع خود را چنین می نویسد !

« من ثروتمند نیستم و فقط از سلامتی کامل و قلبی پاك و مهربان برخوردار میباشم» .

در سال ۱۸۵۷ پاستور بسمت ریاست دانشکده علوم شهر «لیل» انتخاب شد .

در این هنگام موضوع درست انجام نشدن عمل تخمیر مورد توجه پاستور قرار گرفت . و پس از مدتی مطالعه اینطور فکر کرد که ممکن است تخمیر نتیجه عمل بعضی از موجودات زنده باشد .

پاستور فوراً میکرسکوب را پیش کشید وملاحظه نمود که تخمیرشیره چغندر ناشی‌ازعمل موجودات ذره بینی است که بصورت کپك میباشد.

پاستور نتیجه این مطالعه را در سوم اوت ۱۸۵۷ به آکادمی علوم «لیل» داد و ثابت نمود که مخمر احتیاج به اکسیژن دارد تا بتواند زندگی نماید.

پاستور پس از مدتی مطالعه اظهار داشت که بعد ازمرگ موجوداتی ذره بینی که برروی نعش قراردارند ازفقدان هوا استفاده می‌کنند وبه زاد وولد می‌پردازند ونعش رامتعفن میسازند وجسم مرده تجزیه میشود، آنگاه مواد حاصل از مرده بمصرف تغذیه حیوانات ونباتات دیگر میرسد وباین طریق حیات ادامه پیدا میکند.

بدین طریق موضوع «هرچیزکه نابودمیشود ازطرف دیگر بوجود می‌آید» راکه ازطرف لاوازیه حدس زده شده بود پاستور برپایه و اساس محکم علمی متکی نمود. و در همین هنگام دنیائی وسیع وعظیم را مرکب از میلیاردهامیلیارد حیوانات ذره‌بینی که فقط عده‌ای از افراد بشر بدیدن آن نایل آمده‌اند ظاهر ساخت.

پاستور در سال ۱۸۹۵ در حوالی پاریس درهفتادوسه سالگی‌درگذشت وجسد او درزیر زمین انستیتوی پاستور بخاك سپرده شد.

پاستور برای درمان مرض «هاری» مطالعه فراوان کرد ونتیجه مطالعات خود را درسال ۱۸۸۵ برروی انسان آزمایش نمود. این آزمایش با موفقیت انجام شد وبدین وسیله از این سال انسان از مرض هاری نجات یافت

بلز پاسکال B. Pascal

PASCAL



بلزپاسکال را که میتوان در ردیف دکات و فرما و برابر گالیله‌درعلم‌فیزیك دانست در۱۹ ژوئن ۱۶۲۳ در«کلرمون‌فران» متولد شد. پدرش ایتن‌پاسکال مردی حقوقدان و از رؤسای محاکم قضائی بود وبرای پیشرفت علوم سعی فراوان مینمود.

بلز در دوازده سالگی از شنیدن صدائی‌که ازبرخوردکارد و بشقاب چینی بوجود آمد مشغول تهیه کتابی درباره مبحث صوت گردید.

در این موقع‌که پاسکال بیش ازدوازده سال نداشت پدرش ترجیح دادکه راه جهان ادب را پیش‌گیرد و بدینمنظور سعی می‌داشت تاتمام‌کتبی را که از ریاضیات گفتگو می‌کردند از او پنهان دارد.

ولی این موضوع مانع پیشرفت نبوغ‌کودك ۱۲ساله نگردید ویکروز هنگامی‌که پدرش سرزده وارد اطاق او شد مشاهده نمود که او باذغال شکلی رسم نموده و بتفکر مشغول است. پدرش با تعجب پرسید بچه فکر میکنی او جواب داد میخواهم ثابت‌کنم مجموع زوایای داخلی هرمثلث ۱۸۰ درجه است. پدر از تعجب حیران ماند وضمن چند سئوال ازاو دریافت‌که‌پسرش بدون آنکه‌کتاب هندسه‌ای مطالعه‌کرده باشد بسیاری از احکام قضایای اولیه اقلیدس راخود بخود کشف نموده . خواهر پاسکال چنین میگوید:

پدرم از عظمت وقدرت اوچنان متحیر شد که بدون ذکر کلمه‌ای اورا ترك نمود وفوراً نزد دوست دانشمند خود «لوپایور» رفت ودر حالیکه از شوق اشك میریخت فریاد زد فرزند من ریاضیات را از نو بوجود آورده است.

در شانزده سالگی کتابی درباره مقاطع مخروطی نوشت وهنوز یکی از قضایای‌آن بنام او مشهور است.

درسال ۱۶۴۱ یعنی هیجده سالگی ماشین حساب را اختراع نمود.

درسی ویك سالگی درسال ۱۶۵۴ بافرماریاضی‌دان بزرك حساب احتمالات راکه امروزه در فیزیك اهمیت فراوان دارد بوجود آورد.

در این اوقات دردهای شدیدی پاسکال را رنج میدادند. بیخوابی مزمنی که در نتیجه دندان درد بوجودآمده بودآرامش اورا ازبین میبرد. ولی باوجودتمام ناراحتی‌ها درحالیکه باصلاح ریاضیات مشغول بود چرخ دستی خاك‌کش را اختراع نمود.

پاسکال مردی بود نابغه و صاحب قریحهٔ بیمانند ولی افکار عارفانه او را چنان تحت تأثیر درآورده بود که در سنی کمتر از چهل سالگی زندگی را بدرود گفت.

پاگانی‌نی N. Paganini



او که بزرگترین ویولونیست قرن ۱۹ بود از حیث قدرت نوازندگی وابتکار وسهولت اجرای قطعات بسیار مشکل در تاریخ موسیقی بی‌نظیر است.

نیکلو پاگانینی فرزند آنتونیو از بازرگان «جنوا» بود. چون از کودکی به موسیقی‌علاقه داشت پدرش اورا به ویولون‌آشنا کرد. هنگامیکه در ۹ سالگی در حضور عده‌ای ویولون نواخت حضارازاستادی اوتعجب کردند. در۱۶ سالگی پاگانینی به مقامی رسیدکه هیچ استادی خود را لایق تعلیم او نمیدانست. بعد ازآن پاگانینی برای کنسرت به شهرهای مختلف ایتالیا مسافرت کرد.

در سال ۱۸۲۸ برای اولین بار به وین‌رفت. وین‌که درآن زمان مهمترین‌شهرموسیقی بودمردم آن استقبال بی‌نظیری از اوکردند، پس‌ازآن‌پاگانی‌نی‌برای‌کنسرت به ممالك دیگر جهان اروپا مسافرت کردو همه جا با اعجاب وتحسین فوق‌العاده مردم استقبال‌شد. تا جائی‌که بعضی‌مردم عوام تصور میکردندکه او درنواختن ویولون واقعاً جادو میکند وبهمین جهت اورا همدست شیطان میدانستند. درسال۱۸۸۶پاگانینی بکشور خود مراجعت کرد ولی حال مزاجی او مختل‌شده بود وناچاربرای بهبودی‌به مارسی رفت وسال بعد در نیس بدرود حیات‌گفت.

پاگانینی‌استادویولونیست درکنسرت‌های‌خودنمی‌توانست‌به‌نواختن آثارآهنگسازان‌دیگر اکتفا کند زیرا تکنیك او از قطعات بسیار مشکل آنها نیز بالاتر بود و ناچار برای نمایش هنر ویولون به تصنیف آهنگ پرداخت وقطعات فنی مشکل تصنیف کرد. از آثار ویولون او ۲۴ کاپرس مانده‌که هرچند از لحاظ موسیقی اهمیت زیادی ندارد ولی اجرای‌آنها فقط‌برای نوازندگان بسیار زبر دست ممکن است.

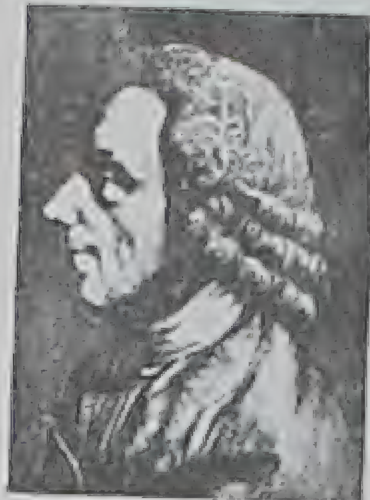
وقتی در وین یکی ازآثار خود را اجرا میکرد درهرقسمت یکی ازسیم‌های ویولون را از کار میانداخت بطوری‌که قسمت چهارم را روی یك سیم اجرا میکرد. یکی از روزنامه‌هادر این مورد مینویسد: «تنها کسی می‌تواند او را مغلوب کند که بتواند قسمت پنجم را بدون سیم بنوازد».

ژوزف پریستلی J. Priestley

پریستلی درسال ۱۷۳۳ متولد شد پدرش تاجر ماهوت بود وموقعی‌که پریستلی دوازده سال داشت او را نزد مردی روحانی فرستاد. استاد روحانی او را اززبان عبری و علوم الهی بقدرکافی‌مطلع ساخت.

پریستلی‌ازعلم شیمی‌فقط برای‌گذرانیدن وقت‌استفاده مینمود وی در زندگی‌عقیده ثابتی نداشت ودر اثر اختلاف باروحانیون ازکلیسای پروتستان رانده شد و درگوشه‌ای بمطالعه علم

شیمی مشغول گردید وچنان پیشرفت حاصل نمود که بعضویت جامعه پادشاهی انتخاب شد.
پریستلی که ازمقداری ذغال سوزانده گاز کربنیك بدست آورده بودآنرا بوسیله آب آهك جذب نمود وگفت چنانچه ازگازکربنیك، گاز کربنیك بردارم چیزی باقی نخواهد ماند. این عمل راانجام داد ولی مشاهده نمود که چیزی باقی ماند وآن عبارت ازگازی بی رنگ وبی بوبود.



پریستلی آنرا «هوای فلوژیستیك‌دار» نام گذاشت این گازهمان آزوت بود.
پریستلی بمناسبت این اکتشاف بدریافت مدال کوبلن مفتخرگردید.
وی درسال ۱۷۴۴ برای اولین باراکسیژن را ازحرارت دادن اکسید جیوه
این شیمی دان بزرك در باره جوهر گوگرد ـ آمونیاك ـ جوهر نمك مطالعه فراوان داشت.
پریستلی بسال ۱۸۰۴ درهفتاد ویك سالگی درگذشت.

پرل. س. باك

خانم پرل سیدنستریکرباك در۲۶ ژوئن سال۱۸۹۲ درهلیزبرو درغرب ایالت ویرجینیا بدنیا آمد. پدر ومادرش از مبلغان‌دین بودند. باپدر ومادر خود به چین رفت وزبان چینی را درآن کشور آموخت. پرل پانزده ساله بود که به مدرسه خارجیان شانگهای رفت ودوسال بعد بامریکا بازگشت وواردمدرسه راندالف میکن شد. پس از اتمام دوره کالج به چین بازگشت و درآنجابایك جوان امریکائی‌ازدواج نمود. درسال ۱۹۲۳ اولین مقالهٔ وی‌که مورد نظرناشران قرارگرفت در مجله ماهیانه اتلانتیك بچاپ رسید. درسال ۱۹۲۵ دوباره بامریکا بازگشت وبه گرفتن درجهٔ استادی از دانشگاه کرنل موفق شد. در همین سال اولین داستان خود را بنام «بادشرق‌وبادغرب» برشته تحریردرآورد ودرسال ۱۹۳۰ منتشرنمود درهمین سال معروفترین اثر خود رابنام «زمین خوب» نوشت‌که سال بعد منتشرشد، وبعنوان بهترین داستان سال‌جایزه ادبی پولیتزر به آن تعلق‌گرفت. جایزه ادبی نوبل سال ۱۹۳۸ نیز به باك اعطاء گردید.
این‌کتاب از باك بفارسی برگردانده شده است.
۱ـ زمین خوب
آثار دیگر باك، عبارتند از: باد شرق وبادغرب



ـ پسران، خانه‌ی قسمت‌شده، همه‌ی مردان برادرند، مادر، میهن پرست، خدایان‌دیگر، نسل‌اژدها، محبوبم بازگرد، دنیاهای متعدد من، خانه‌ی‌زمین، فرشته جنجو، تبعیدشده، میهن پرست، زن‌مجلل، اولین زوجه وچند داستان دیگر، دور ونزدیك، کودکی‌که هرگز رشد نکرد. این‌قلب مغرور، امروزوهمیشه، درباره مردان وزنان، اتحاد امریکا وآسیا، کودکان چینی همسایه، بچه‌های گاومیش‌آبی، آسیاودموکراسی، وعده، امریکانزدمن‌چه معنائی دارد، صیداژدها، بمردم بگوئید، پولان خلبان چینی، در باره روسیه صحبت کنید، شرح یك عروسی، چگونه اتفاق میافتد، عمارت کلاه فرنگی‌زنان، یکروز روشن، مردان خدا، لنی، گل پنهان، درخت مرس، نامه‌ای برصبح حکم بران،

بوریس پاسترناك

بوریس پاسترناك یکی از چهره‌های درخشان ادبیات قرن بیستم بشمار میرود. وی در سال ۱۸۹۰ درمسکو متولد شد. پدرش لئونید پاسترناك از نقاشان معروف‌بود ومادرش روزا کافمن، موسیقی‌دان چیره دستی بشمار میرفت. بوریس در ابتدای جوانی به فراگرفتن موسیقی

شوق فراوانی نشان داد اما بعداًتحصیل این رشته را ترك گفت وبفراگرفتن فلسفه همت گماشت. برای تحصیل فلسفه بخدمت پروفسور «کهن» استاد دانشگاه ماربورك آلمان درآمد. درزمان جنگ بین‌الملل اول بروسیه مراجعت کرد ودرکارخانه‌ای واقع درکوههای اورال بکارمشغول‌شد وبعداً کارهائی از قبیل کتابداری وامور ادبی شعر وموسیقی را پیشه خودساخت بیشتر اشعارش بین‌سالهای ۱۹۱۷ و۱۹۳۲ منتشرشد. از سال ۱۹۳۲ بعلت فقدان هماهنگی بین او وگروهی از افراد اجتماعش گوشه عزلت اختیار کرد.

پاسترناك را میتوان همچنین‌یکی ازز بردست‌ترین‌مترجمان‌آثار شکسپیر به زبان روسی معرفی نمود . جایزهٔ ادبی نوبل ۱۹۵۸ بواسطهٔ نوشتن کتاب دکتر ژیواگو بدین نویسنده تعلق گرفت .

آثار پاسترناك عبارتند،

برفرازحصارها، اشعاربرگزیده،آثار برگزیده ، رهبری بی‌خطر (اتوبیوگرافی)، دکتر ژیواگو، از تمام آثار بوریس پاسترناك کتاب معروف دکتر ژیواگو، توسط آقای علی محیط وخبره‌زاده وقطعاتی از اشعار او توسط دیگران بفارسی‌ترجمه شده است.

ادگار آلن پو


POE

پو،یکی ازبرجسته‌ترین شخصیتهای تاریخ ادب امریکاست. بخصوص در خارج از امریکا بیش از هرشاعر و نویسندهٔ امریکائی شهرت ومحبوبیت دارد. زندگی وی از آغاز تا انتها با تلخکامی و نومیدی گذشت بطوریکه روح او را دستخوش حساسیت فراوان نمود و همین حساسیت فراوان بود که وی را در جوانی از پای درآورد .

پو، درآغاز جوانی وارد خدمت نظام شد. امادرسال۱۸۳۱ از مدرسه نظام اخراجش کردند. وی ازآنجا به نیویورك رفت و نخستین مجموعه اشعار خود را بصورت کتاب کوچکی‌انتشار داد. اندکی بعد سردبیر مجله‌ای شد ودرهمان هنگام بادختر عموی خود ازدواج کرد وبرای آنکه الهام بیشتری بگیرد دست بدامن الکل و میخوارگی زد. زنش درجوانی مرد وپو، پس از مرگ او بکلی از زندگی اجتماعی کناره گرفت و بقیه عمر کوتاه خود را بافقر وبدبختی گذرانید.

آثار پو مثل زندگانی او تاریك وتیره وپراز اضطراب ورنج و نومیدی است ولی در نوع مخصوص او هیچکس‌تاکنون در ادبیات جهان بپای او نرسیده است. داستانهای عجیب وی شهرت جهانی دارد وتقریباً بتمام زبانهای بزرگ دنیا ترجمه شده است. تعداد اشعاروی‌زیاد نیست ولی تقریباً همهٔ این اشعار از شاهکارهای شعر امریکا محسوب میشوند. قطعه «کلاغ» او معروفترین‌قطعه شعر امریکائی‌لقب‌گرفته است. قطعات دیگروی نظیر «اسرافیل» «تیمورلنگ» و«هلن» نیز معروفیت بسزائی در ادبیات جهان دارند.

این کتابها از ادگارآلن‌پو بفارسی برگردانده شده است.

نوشته‌ایکه دربطری پیدا شد، توسط شجاع‌الدین‌شفا، داستانهای عجیب وغریب توسط‌ح. سید جوادی آدم‌کشهای‌کوچه بزرگ توسط شجاع‌الدین شفا سوسك طلائی توسط شجاع‌الدین‌شفا

کلاغ وچند شعر دیگر توسط شجاع‌الدین شفا

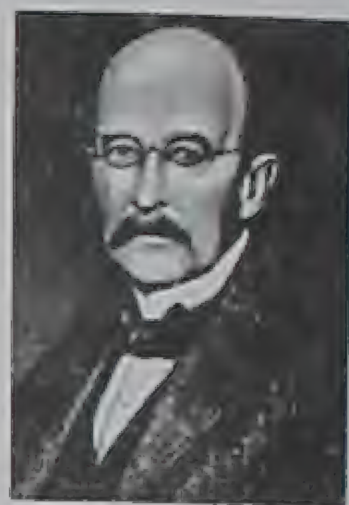
به هلن توسط مسعود فرزاد

لی‌جیا توسط شجاع‌الدین‌شفا

الیوزا توسط مسعود فرزاد

مرگ سرخ توسط رضا سیدحسینی
گربه سیاه توسط حسن شهباز ــ حسین پژمان
بشکه آمونتیلا دو توسط همایون نوراحمر مسعود فرزاد
قلب رازگو توسط مسعود فرزاد
دوزخ توسط شجاع‌الدین شفا
دوقتل توسط رضا سید حسینی
سایر آثار او بدین قرار است :
تیمور لنگ وسایر اشعار، الاعراف (شعر)،
مجموعه اشعار، غزلی‌به مادرم، افسانه‌آرتورگوردون پایم، بادکنك فریب‌آمیز، مجموعه داستان، کتابچه خانم گادی، اورکا، اسرافیل، بخواب رفته، یولالی به کسیکه دربهشت است، لنور، برای‌آنی، دره بیقراری. اولالوم، خانه راهنما، ولادمیر، زنده‌بگور، تصویر بیضی،سایه، برنیس ویلیام ویلسون شیطان متمرد، مورلا، متن گرشتاین، تعیین وقت، مردی ازمیان‌مردم، اولین کتاب صدف شناسی.

ماکس . پلانك M. Planck



ماکس پلانك متولد بیست و سوم آوریل ۱۸۵۸ پس از خاتمه تحصیلاتش در مونیخ باسمت استادی دردانشگاه مشغول‌کار شد
دانشمندان تا سال۱۸۹۹ تصور می‌کردندکه انرژی بطور اتصالی جریان دارد.
ولی پلانك درچهاردهم دسامبر۱۸۹۹ بجامعه فیزیك برلین اظهار داشت که:
انرژی بطور اتصالی نیست وبصورت انفصالی‌که‌آنراه«دانه انرژی» یا «کوآنتای انرژی» مینامیم صادر میشود.
این فکر که با اصول و قوانین آن زمان وفق نمیکرد بالطبع مخالفانی بوجودآورد. ولی این‌مخالفت‌ها بیش ازپنج سال طول‌نکشید. زیراتئوری انیشتاین‌که متکی‌برتئوری کوآنتا بیان شد ارزش واقعی و حقیقی تئوری‌بیان شده بوسیله پلانك را معلوم نمود.
پلانك در سال ۱۹۱۸ باخذ جایزه نوبل نائل‌آمد واستاد دانشگاه برلن‌گردید.
ماکس پلانك درسال ۱۹۴۷ در هشتاد ونه سالگی درگذشت.

آلکساندر . پوشکین

الکساندر پوشکین شاعر و نویسنده بزرك روسی در ششم ژوئن ۱۷۸۹ در مسکو تولد یافت و درده فوریه سال۱۸۳۷ درپترزبورك بقتل رسید. این شاعرآزاده روسی ازیك خانواده اشرافی بود. پوشکین در سال ۱۸۱۷ وارد خدمت وزارت خارجه روسیه شد. سه سال بعد در ۱۸۳۰ او با انتشار یك مجموعه شعر شهرت بزرگی بدست آورد.
پوشکین در سال ۱۸۲۰ قصیده‌ای در ستایش آزادی سرود که موجب تبعید او گردید او در این شعر باشجاعت گفته‌های نگفته‌ای را بزبان آورد. با اینهمه او همچنان در وزارت خارجه اشتغال داشت. بازدید از قفقاز در سال۱۸۲۲ قطعه «زندان قفقاز» را باو الهام کرد.
پوشکین در ۱۸۲۴ از شغل خود منفصل گردید زیرا مقامات امنیت آنروزی دولت تزاری عقاید آزادیخواهانه او را مسری ومضرمیدانستند. پوشکین دراین‌سال به ملك پدرش در پسکوف پناه برد ودرآنجا بودکه او آثار بزرگی آفرید. از جمله آثار وی در این زمان

«بوریس‌گودنف» و « اوژنی اونژین » بود. این کتاب آخری سرگذشت خود اوست . پوشکین داستان منظومی بنام «چشمه باغچه سرای» سرود که اهمیت وشهرت یافت. این اثربسیاررنگین ودلاویزست. در ۱۸۲۷ او «کولیها» را خلق کرد.

پوشکین در ۱۸۳۱ بازنی‌بنام «ناتالیا» ازدواج کرد. دراین‌زمان‌پوشکین بمقام «تاریخ نگار» دربار روسیه منصوب گردید.



پوشکین در این دوره کتاب « تاریخ شورش پوکاچف » را نوشت. داستان دختر کاپیتن نیز از جمله‌آثار تاریخی است . این کتاب از ظریف‌ترین آثار منثور اوست.

اگرچه پوشکین درشورش۱۸۲۵ دست داشت اما سرانجام درسال۱۸۳۲ دوباره اورادروزارت خارجه روسیه استخدام کردند.

پوشکین مردپرکاری بوداما زندگی کوتاهی داشت. اوبا آنکه به معاشرت ومرافقت ووقت‌گذرانی‌علاقه تام داشت اماهمیشه می‌نوشت. مقام پوشکین درادبیات روس عالی وانکار ناپذیر است. نمایشنامه‌های زیبای او ، داستان‌های منظومش ، غزل‌های زنده و جاندارش وآثار دیگرش همه از جمله‌آثارطراز اول ادبیات روس‌محسوب میشود. اورومانتیك بود و سبك تازه‌ای در ادبیات روسیه ارائه‌کرد. پوشکین در۳۸ سالگی دریك دوئل یك زخم کاری برداشت ودر اثرآن درگذشت.

پابلو . پیکاسو



پابلو پیکاسو در ۱۸۸۱ در«مالا» ازشهرهای اسپانیامتولد شد ولی تحصیلات خود را در فرانسه با تمام رسانید.

پیکاسونزد پدرش‌که استاد نقاشی‌بود به‌آموختن‌صورتگری پرداخت ودر سال ۱۹۰۳ مقیم پاریس شد. در سال‌های ۱۹۰۶و ۱۹۱۰ باتفاق ژرژبراك کوبیسم را پایه گذاری نمود.

براك نخستین‌کسی بود که سنجاق و میخ را بانقاشی‌هایش توام نمود وپیکاسو تخته و چیزهای دیگری هم به‌آن افزود.

پیکاسو در سبك خود شهرت فراوانی‌کسب نموده وپیروانی فراوان بدست آورده است.

ت رابیندرانات تاگور

رابیند رانات تاگور شاعر برجسته هندی درششم ماه مه ۱۸۶۱ درکلکته متولدشد. و در هفتم اوت ۱۹۴۱ در همان شهرجان سپرد. پدرش یکی از روحانیون بزرك بود. تاگور به یك خانواده ممتاز بستگی داشت و پدران او همه از مردان بزرك هند بودند. تاگور در نزد معلمین خصوصی درس خواند ودرهفده سالگی‌ازانگلستان دیدن‌کرد ودراین زمان اوبه سرودن شعر پرداخت . تاگور نخست از کار شعرای بزرك هند تقلید می‌کرد . وی در هیجده سالگی ترانه‌های آفتاب وترانه‌های شامگاه را منتشرکرد. در این اشعار رمانتیزم نوینی‌را خلق‌کرد.

در ۱۸۸۴ ازدواج کرد و برای اداره املاك پدرش درسواحل‌گنك رحل‌اقامت افکند.



درآنجا او با زندگی مردم عادی آشنائی یافت وشعرهای تازه گفت وداستان‌های ساده هیجان انگیز ونمایشنامه های کوچك و بزرگی برشته تحریر در آورد. همه این آثار اززندگی روزانهٔ مردم الهام گرفته شده است.

بهترین آثاری که او در این زمان انتشار داد عبارتند از: باغبان وسنگهای گرسنه وداستانهای دیگر و ماه درخشان ... پس از هفده سال زندگی درکنار رود خانه گنك وقایع حزن انگیزی برای او اتفاق افتاد ... زن و دخترش و کوچکترین پسرش یکی پس از دیگری جان سپردند.

تاگور در ۱۹۰۱ در در «سانتینیکتان» مدرسه‌ای باز کرد. این مدرسه بعدها بصورت یك کانون آموزش جهانی درآمد. او بیشتر اوقات خود راصرف تعلیم وتربیت می‌کرد. در ۱۹۱۲ دوباره ازانگلستان دیدن کرد. درانگلستان بسیاری ازاشعارش را به شعرانگلیسی ترجمه کرد. تاگور از بسیاری ازکشورهای اروپا، ازشوروی، ژاپن، امریکا، ایران، امریکای جنوبی، چین وکانادا دیدن کرد.

در سال ۱۹۱۳ جایزه جهانی نوبل به او تعلق گرفت. وی در سال ۱۹۳۰ بسخنرانی های استادانه‌ای دردانشگاه اکسفورد انگلستان پرداخت. تاگورهمه هنره بود. اودرسن شصت و هشت سالگی به آموزش نقاشی پرداخت.

تابلوهای نقاشی او درمسکو، بیرمنگام، برلین، نیویورك، مونیخ وپاریس بمعرض نمایش گذاشته شد. تاگور آهنگساز بزرگی نیز بود. اوسه هزار ترانه نگاشت وبرای برخی ازآنها آهنگ ساخت. وی شصت کتاب شعرمنتشر کرد و چندین کتاب منثور نوشت. داستان‌های طولانی داستانهای کوتاه، مقالات، مواعظ ونمایشنامه‌های او درهمه جای دنیاخوانده دارد. بیشتر کتاب های اوبوسیله خودش یا دیگران به انگلیسی ترجمه شده است. برخی ازکتابهای اوعبارتند از: پادشاه طالار سیاه، میوه جمع کن، ناسیونالسیم، شعرهای خبیر، داستان‌هائی از تاگور، بندهای گسسته، نامه‌هائی بیك دوست، مذهب بشر، شخصیت، نکته‌هائی ازبنگال، پیوندخلاق، چشم‌درد، باغبان، هدیه عاشق و...

مارك . تواین



Mark TWAIN

ساموئل کلمنس نویسنده شوخ امریکائی که بنام مستعارمارك تواین مشهور است در سال ۱۸۳۵ متولد شد. ابتدا با چاپخانه سیاری که داشت بکار چاپ پرداخت ولی یکمرتبه شغل کشتیرانی را در میسی سی پی انتخاب کردوزمانی‌هم به اتفاق برادرش درنوادا بجستجوی طلا پرداخت واز همین زمان بنام مستعار مارك تواین نویسندگی را آغاز کرد.

تواین بانوشتن داستان «جست وخیزقورباغه ولایت کالاوراس» مشهور شد و نخستین کتابش «بیگناهان خارج» نام دارد.

این کتاب نتیجه سفری است طولانی که بخرج روزنامه سانفرانسیسکو به مدیترانه و شرق نموده، این کتاب درسراسر اروپا وامریکا شهرت فراوانی کسب نمود. ازآثار دیگرتواین عصر زراندود، توم سویر، پرنس و گدا را میتوان نام برد.

تواین در سال ۱۹۰۰ بمسافرت دوردنیا پرداخت ودرسال ۱۹۱۰ زندگی راوداع گفت؛ تواین در نوشته هایش سعی نموده تا فساد و تباهی دستگاه‌های عصر خود را بشوخی و

مزاح آشکار نماید.

ایوان . تورگینیف



ایوان‌تورگینیف رمان نویس روسی‌درنهم‌ماه نوامبر۱۸۱۸ در «اورل» بدنیا آمد و در سوم سپتامبر ۱۸۸۳ در سن شصت و پنجسالگی در فرانسه در گذشت. او به یك خانواده اشرافی روسیه متعلق بود . اجدادش از شخصیت‌های معروف روس بودند . پدر تورگینیف در ارتش روس مقام سرهنگی داشت . این مرد در سال ۱۸۲۰ وقتی تورگینیف دو ساله بود زن و سه پسرش را به اروپای غربی برد و به گردش درکشورهای این‌منطقه پرداخت. دربازگشت به روسیه تورگینیف مانند دیگر ملاك‌زادگاه روس درنزداستادان وآموزگاران سرخانه تعلیم وتربیت یافت.

تورگینیف زبان روسی را خیلی‌دوست داشت وهمیشه ازاین که استادان زبان مادری‌اش را باو یاد نمیدادند متأسف بود. سرانجام بوسیله یکی‌از دهقانان املاك پدر توانست یك‌کتاب روسی بدست آورد و با حرص و ولع تمام بخواند. ایوان در شانزده سالگی‌به دانشگاه مسکو رفت. اما در سال ۱۸۳۵ او را به دانشگاه «سن پترزبورك» منتقل ساختند. درآنجا در رشته زبان شناسی‌به تحصیل‌پرداخت ودراین‌زمان‌احساس‌کرد که می‌خواهد چیزبنویسد وبه نویسندگی پردازد، او نخست با تقلید از یکی از آثار بایرون شاعر بزرك انگلیسی یك قطعه شعر خوب سرود اما استادش بدون آنکه اورا رسوا سازد باو‌گفت؛ فکر میکنم تومیتوانی چیزی شوی!

او در این زمان تشجیع شد و در روزنامه‌ها آثار شعری خود از جمله « کاخ کهن » را منتشر ساخت. در سال ۱۸۳۸ اوبه برلن رفت. او تصور میکرد که تحصیل حقیقی درخارج از روسیه میسر است. وی در آنجا دو سال به تحصیل فلسفه و زبانهای قدیمی و تاریخ پرداخت. تورگینیف در این دوره سخت تحت تأثیر افکار فیلسوف‌آلمانی هگل قرارگرفت. اوبدین‌ترتیب خود را از زیر بار افکار نژاد اسلاو خارج ساخت و به افکار غربیها گروید تا آخر عمر غربی می‌اندیشید. در بازگشت به روسیه یکراست به مسکو رفت مادرش که زن تندخوی دیکتاتوری بود درمسکو زندگی می‌کرد. تورگینیف داستان‌های زیادی درباره رفتار خشن مادرش‌بادهاقین روسی تعریف‌کرده است.

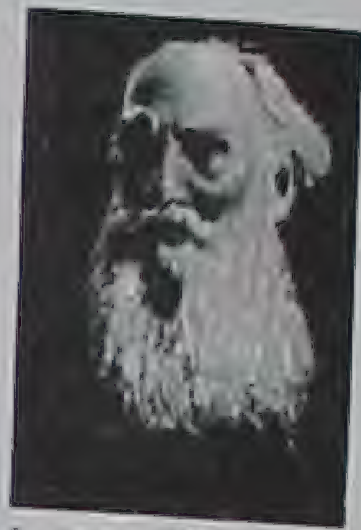
او درسال ۱۸۴۳ یك داستان بشعرمنتشرکرد وچنانکه درخاطراتش مینویسد باانتشار آن پای دراقلیم ادبیات گذاشت. بلینسکی نقاد بزرك روس‌اولین اثراورا پسندید. تورگینیف میگوید، ستایش بلینسکی بیشتر مرا دستپاچه کرد ... من هرجا میرفتم تکذیب می‌کردم که من آن اثر را منتشرکرده‌ام.

نخستین اثر منثور اوکتابی بنام خاطرات یك ورزشکار بودکه بین سال‌های ۱۸۴۱ تا ۱۸۵۰ نوشته شد . وی در این کتاب وضع بد زندگی دهاقین روسیه را مورد تنقید قرارداد و آنراسخت‌کوبید. مقامات دولت تزاری ازانتشار این‌کتاب رنجیدند امابهانه‌ای برای بازداشت تورگینیف پیدا نکردند . ولی وقتی تورگینیف در مقاله‌ای از گوگول نویسنده روسی تمجید کرد او را یکماه بزندان انداختندوسپس‌تبعیدش‌کردند. اوازاین دوره برای مطالعه ونگارش استفاده زیادی کرد. در این زمان او «آشیانه یك اشرافزاده» ، «پدران وپسران» را نگاشت در تمام کارهای اوردپای مشخص یك‌مرد هنرمند دیده میشود. تورگینیف در این زمان بیشتر درغرب شهرت بدست آورد تا در وطنش. وی در ۱۸۶۲ در «باون بادن» آلمان خانه‌بزرگی

خرید و تا ۱۸۷۰ در آنجا زیست . سپس مدتی به پاریس رفت . بسیار از داستان‌هایش[۱] را در اصل بزبان فرانسه نوشته است.

دو دوست ــ زندگی آرام ــ آسیه ــ عشق نخستین ــ دود ــ یك داستان شگرف ــ زمین بکر ــ ترانه عشق پیروز ــ سیلابهای بهاری ــ اشعارمنثور ازجمله کتاب‌های اوست. تورگینیف مرد مؤدب و خوش مشربی بود و درائر ابتلابه سرطان درگذشت.

لئو . تولستوی



L. TOLSTOÏ
1828-1910

لئوتولستوی داستان نویس، فیلسوف اخلاقی و مصلح بزرك اجتماعی روس در نه سپتامبر ۱۸۲۸ در ایالت «تولا» بدنیا آمد و در بیست نوامبر ۱۹۱۰ جهان را بدرود گفت . تولستوی از اشرافزادگان روس بود، پدرو مادرش وقتی او کودك بود مردند وزنان خویشاوند او را بزرك کردند.

تولستوی در محضراستادان غیرروسی تعلیم وتربیت یافت. وی در۱۸۴۸ یعنی درشانزده سالگی دردانشگاه «کازان» نام‌نویسی کرد. دراین‌دانشگاه برخی ازدروس‌اوخوب بوداما کوشش‌تولستوی صرف این‌میشدکه باطبقات عالی‌مردم شهرکازان‌رابطه برقرارکند. سه سال‌بعداودانشگاه راترك گفت وخود به مطالعه‌کتابها پرداخت. تولستوی املاك‌زیادی‌داشت ودهقانان‌بسیاری درزیرفرمان‌اوبودند. وی‌کوشش‌می‌کرد املاك خود راآبادتر ووضع دهقانان را روز بروزبهترسازد. اما دراین‌راه موفقیت قابل‌توجهی بدست‌نیاورد. تولستوی‌چندی‌بعد به‌مسکووسن‌پترزبورك رفت ودراین‌دوشهرستاره محافل ومجالس ادباواعیان محسوب میشد. با اینهمه آنچنان‌که دریادداشت‌های‌خود می‌نویسد از زندگی‌بیهدف واز مغز کنجکاو واطفاء ناپذیرش بستوه‌آمده بود. تولستوی می‌نویسد: خود سازی‌کاری دشوار است. من یك مرد خود ساخته هستم اما برای این کار رنجهای توان فرسائی‌کشیدم.

تولستوی در۱۸۵۱ به قفقاز رفت وداوطلبانه وارد هنگ توپخانه قفقازگردید. وی در این دوره باعشایر و قبایل‌آن سامان چند جنك‌کرد که شرح آنهارا درکتاب‌های خود آورده است. تولستوی در ۱۸۵۷ از قشون‌کناره‌گیری‌کرد ومدتی درسن پترزبورك رحل‌اقامت‌افکند، وی بعد از دوسفر بخارج برای همیشه در املاك خود اقامت داشت. اودراملاك خودمدرسه‌ای بازکرد وفرضیه‌های تربیتی خود را درآنجا به معرض‌آزمایش‌گذاشت. وی در ۱۸۶۲ یعنی در سی‌وچهار سالگی ازدواج‌کرد. او پانزده سال بعد را بخوشی وکامیابی‌گذراند و صاحب سیزده فرزند شد. وی شاهکاربزرك خود رابنام‌های «جنگ وصلح» و «آناکارنینا» دراین دوره برشته تحریر در آورد.

تولستوی اندك اندك احساس نارضائی از زندگی میکرد. تردید وزدگی در قلب اوریشه میدواندند. او مدام در جستجوی معنای زندگی بود وبه‌آنچه‌که بدست‌آورده بودخرسند نبود. در معنای مسیحیت غور کردوسرانجام باین نتیجه رسیدکه انجیل خطاها و تحریفات بسیار در بردارد . اما منکر معنای اصلی مسیحیت نشد . تولستوی میگفت : نباید در صدد اطفاء نفس حیوانی بود. باید مهربانی کرد. زندگی بدون مهربانی معنا ندارد. تولستوی باین‌پنج فرمان انجیل‌اعتقاد داشت: خشمناك مشو ... شهوترانی مکن... در برابرآنکس‌که شروراست مقاومت مکن... نسبت‌به‌دادگران وبیدادگران مهربان باش... ناسزا مگووسوگند مخور...

تولستوی مابقی عمر خود را به پیروی ازاین پنج فرمان گذراند.

اندك اندك کلیسای ارتدکس‌ودولت روسیه با اودرافتادند وبا وی قطع رابطه‌کردند ...

تولستوی تدریجا معتقد شد که مالکیت را باید محکوم کرد... مالکیت انگیزهٔ همه شرارتهاست. تولستوی جنگ و مناقشه، استعمال دخانیات، مشروب خواری و گوشت خواری را محکوم کرد. او عقیده داشت که انسانها باید یکدیگر را دوست بدارند و بهم لطف کنند. فایده جنگ چیست؟

در سالهای آخر عمر تولستوی در جهان مشهور گردید و مردم دنیا برای دیدن او به املاکش میرفتند. تولستوی سرانجام درهشتاد ودوسالگی از املاک خود گریخت. او میگفت: شرمم می‌آید که من دررفاه و راحت زندگی کنم ودیگران با گرسنگی بسر برند. مدتها بازنش بر سر تقسیم املاکش گفتگو داشت. زن او نمی‌خواست تولستوی املاکش را از دست بدهد. اووقتی فرار کرد خود را بخدا نزدیکتر میدید. چند روز بعدازفرار دریک ایستگاه راه‌آهن جان سپرد وجسدش را برای دفن به املاکش بردند.

بهترین کتابهای اوعبارتند از: تاریخ دیروز، کودکی، جوانی، سه مرگ، جنگ و صلح آناکارنینا، ماجراهای سیاست و پول وبابا سرژی ...

ترشکووا

والنتیناترشکووا در قصبه‌ای کوچک در ۴۰ کیلومتری شهریاروسلاول دراتحاد شوروی متولد شده است. پدرش رانندهٔ تراکتور بود ودر جنگ جهانگیردوم درگذشت ومادرش کارگر کارخانهٔ بافندگی است. در سال ۱۹۵۳ مدرسه ۷ کلاسه را تمام کرده و از آن پس ضمن کار کردن در کارخانه تولید پارچه‌های صنعتی بتحصیل نیز اشتغال داشته است. در سال ۱۹۵۵در باشگاه هواپیمائی شهر یاروسلاول نام نویسی کرد ودر رشتهٔ پرش باچتر نجات بکار مشغولشد و نخستین پرش خود را ۲۱ ماه مه همانسال انجام داد. تندرستی ومعلومات وسیع آمادگی برای انجام‌کارهای بزرگ سرانجام ویرادرشمارافرادیکه برای پرواز کیهانی‌انتخاب میشدند قرارداد وباکسب اطلاعات کافی وآشنائی باساختمان ناو فضاپیما وکاردستگاههای‌آن وآمادگی درمقابل هرگونه پیش آمد غیر مترقبه پرواز تاریخی خود را با ناوی بنام «واستوك ۶» انجام داد و بکسب شهرتی تاریخی نائل آمد. وی نخستین زن فضانورد جهان میباشد و مدت سه شبانه روز در کیهان سفرکرد وپس از طی دومیلیون کیلومتر بزمین باز گشت و مورد استقبال و تجلیل کم نظیری قرار گرفت ترشکووابموسیقی ومطالعه علاقهٔ فراوان دارد. سادگی و محبت بمادر از صفات خصوصی این قهرمان بزرك میباشد وی در سوم نوامبر ۱۹۶۳ با آندریان نیکالایف فضانورد معروف ازدواج کرد.

تیکو . براهه

تیکوبراهه در سال ۱۵۴۶ در شهرکوچك کنودستروپ درکشور دانمارك متولدشد.

تیکوبراهه باصرار عموی خود در دانشگاه کپنهاك مشغول تحصیل شد و در یکی از روزهای سال ۱۵۶۰ که بیش از چهارده سال نداشت شاهد منظره‌ای از کسوف شد وبقدری در او تأثیر نمودکه تصمیم قطعی برای آینده خودگرفت.

اولین کتاب او در سال ۱۵۷۳ منتشر شد و این کتاب درباره ستاره‌ای بودکه ناگهان در ۱۱ نوامبر سال ۱۵۷۲ درآسمان ظاهر شد واز لحاظ روشنائی با سیاره زهره برابر بود.

این کتاب در اروپا بقدری سروصدا کردکه پدر و مادرش او رابکلی طردکردند.

شهرت تیکو به آنجا رسید که فردریك امپراطور دانمارك تصمیم بساختن رصدخانه‌ای برای او گرفت واولین سنك بنای‌آن در سال ۱۵۷۶ درجزیره‌هون‌گذاشته شد.

تیکوبراهه با تمام استادی درنجوم دشمن هیئت کوپرنیك ومنتون ودلباخته تنجیم‌بود.

تیکو در باره ساختمان جهان دستگاهی برای خود بوجود آورد که در آن زمین در مرکز عالم ثابت بود وخورشید بدورآن دوران میکرد،درحالی که سیارات بدورخورشیدحرکت دورانی دارند. تیکوبراهه مردی عیاش ـ شرابخوار وپرخاش جوبود و دریك دوئل‌دماغ خود را ازدست داد.

تیکو در ۲۴ اکتبر سال ۱۶۰۱ بعداز یك مهمانی‌بزرك ناگهان درگذشت.

پیتر . چایکوفسکی

چ

در ۵ آوریل ۱۸۴۰ درشهر وتکینك بدنیاآمد.



اوروی یك پیانوی قدیمی مختصری ازاصول موسیقی رافراگرفت. در ده سالگی او را بمدرسه حقوق فرستادند او در ۱۹ سالگی‌از آنجا فارغ‌التحصیل شد . بعد ازآن وارد مشاغل دولتی شد ولی بزودی حس کرد که به کارهای حقوقی علاقه‌ای ندارد علاقه شدید او به موسیقی باعث شدکه درسال ۱۸۶۵ به‌کنسرواتوارپترزبورك وارد شود و بزودی با درجهٔ خوبی دوره کنسرواتوار را بپایان رساند. وقتی کنسرواتوار مسکوتأسیس شدچایکوسکی راباستادی هارمونی پذیرفتند.

در سال ۱۸۶۸ عده‌ای از خوانندگان فرانسوی برای اجرای اپراهای معروف مثل‌اتللو به مسکو آمدند. چایکوسکی به خواننده‌ای بنام دزیره‌آرتور علاقمند شد و برای اویك والس کاپریس ساخت ولی باوجود عشق شدید چایکوسکی ازدواج آنها صورت نگرفت. پس ازمدتی چایکوسکی به پاریس رفت وقسمت اعظم اولین بالت خود « دریاچه‌قو» را درآن شهرنوشت.

شهرت چایکوسکی باعث شد که بیوه زن ثروتمندی بنام نادژدا فن مك از او حمایت کند و چایکوسکی با کمك‌های مالی‌اوتوانست مدت زیادی درکشورهای خارجی مسافرت کند باوجود صمیمیت بسیارکه بین مادام فن مك وچایکوسکی برقرار شدآنها بدون‌آنکه‌یکدیگر را به بینند سالها با مکاتبه دوستی خود را حفظ کردند.

در سال ۱۸۷۶ واقعه غیر مترقبه‌ای برای چایکوسکی اتفاق افتاد آنتونینا ایوانوا دختر بیست وهشت ساله‌ای بود که بموسیقی علاقه زیادی داشت یکروز بدون مقدمه وارد خانه چایکوسکی شد و باو گفت که چهار سال است عاشق او شده و میخواهد با او ازدواج کند. چایکوسکی که تحت تأثیرزیبائی اوقرارگرفته‌بود بدون‌فکرتصمیم‌گرفت آنتونینا را بهمسری اختیارکند . فقط یك ماه بعداز عروسی چایکوسکی متوجه شدکه اخلاق و رفتار او بهیچوجه بازنش هم آهنگی ندارد و ناگزیر باهمان سرعتی‌که با او ازدواج‌کرده بود از او جداشد.

در سال ۱۸۸۸ مادام فن مك رابطه خود را با چایکوسکی قطع‌کرد. چایکوسکی که تا آنزمان باخاطری آسوده مسافرت میکرد دچار مضیقه بسیار شد واین کیفیت در او بدبینی فوق‌العاده‌ای ایجادکرد بطوری‌که در آثار اونیز منعکس شد . آخرین کارچایکوسکی سنفونی ششم‌او بود. این‌سنفونی‌که نماینده منتهای بدبینی‌اوست دراکتبر ۱۸۹۲ بموردداجراگذشته شد.

مرض وبا در پترزبورك شیوع یافته بود وچایکوسکی‌که ندانسته یا تعمداآب نجوشیده آشامیده. بود باین بیماری مبتلا شد ودر ۶ نوامبر ۱۸۹۳ بسن ۵۳ سالگی درگذشت .

آنتوان . چخوف



آنتوان پاولویچ چخوف درام نویس و داستانسرای روسی در روزهفدهم ژانویه سال ۱۸۶۰ در«تاگانروك» بدنیا آمد. پدرش تاجر وفرزند یك دهقان بود. چخوف در ژیمنازیوم مسقطالراس خود تحصیل کردو در ۱۸۷۹ (نوزده سالگی) به دانشگاه مسکو رفت و به تحصیل پزشکی پرداخت. وی در سال ۱۸۸۴ در بیست وچهار سالگی، درجه دکترای طب گرفت. اما جزدردوره عمومیت و با در سالهای ۱۸۹۲ و ۱۸۹۳ به طبابت نپرداخت. وی هنوز دانشجو بودکه زندگی ادبی را آغازکرد و بزودی جزو بهترین نویسندگان جراید فکاهی در آمد. نخستین داستان‌های او بانام مستعار «چخونت» انتشاریافت. در سال ۱۸۸۶ برخی از داستان‌های اوبصورت کتاب بنام «داستان‌های رنگارنگ» منتشرشد. این کتاب موفقیت بسیار کسب کرد. در سال۱۸۸۷وی نخستین‌نمایشنامه خودرا بنام «ایوانوف» تحریرکرد و در سال ۱۸۹۰ به جزیرهٔ ساخالین سفرکرد و نتیجه سفراوکتابی بهمین نام بود که در سال ۱۸۹۱ انتشار یافت. این کتاب تا حدودی رژیم پلیسی تزار راکه محکومین را به جزیره ساخالین می‌فرستاد تخفیف داد. چخوف ازسال ۱۸۹۱ تا ۱۸۹۷ باپدرومادرش‌درملکی که در نزدیکی مسکو خریده بود زندگی کرد. بعد از ۱۸۹۷ که در معرض تهدید مرض‌سل قرارگرفت ناگزیر شد قسمت اعظم اوقات خود را در کریمه و خارجه بگذارند. وی در سال ۱۸۹۶ دومین نمایشنامه خود را بنام «مرغ نوروزی» انتشار داد. اما این اثر در پترزبورك با عدم موفقیت روبرو شد. ولی دوسال بعد در ۱۸۹۸ مسکو از این نمایشنامه تجلیل شایانی کرد. عموونیا۱۸۹۹ـ سه خواهران۱۹۰۱ وباغ گیلاس ۱۹۰۴ ازجمله نمایشنامه های او بود که در مسکو با موفقیت مواجه گردید. وی در سال۱۹۰۱ بایك‌هنرپیشه بنام «اولگا» ازدواج کرد. درسال ۱۹۰۰ چخوف بعضویت آکادمی علوم پذیرفته شداما وقتی دولت عضویت ماکسیم گورکی را لغو کرد او استعفا داد . چخوف در دوم ژوئیه سال ۱۹۰۴ در«بادن وایلر» واقع در «جنگل سیاه» درگذشت .

ح

حافظ

شمس‌الدین محمد حافظ معروف به «خواجه حافظ» و ملقب بلسان‌الغیب در حدود سال ۷۴۴ هجری قمری در شیراز متولد شد.

پدرش بهاءالدین، در زمان سلطنت اتابکان سلغری، از اصفهان بشیراز مسافرت نمود و مادرش اهل کازرون بود.

درکودکی از داشتن پدر محروم شد و بی سرپرست ماند. در شرائط سختی امرارمعاش میکرد و در نهایت فقر وتنگدستی تحصیل علم کرد .

حافظ از شاگردان قوام‌الدین عبدالله بود و با کمك حافظه قوی خود قرآن را از حفظ داشت و بسیار نیکو تفسیر مینمود وبهمین سبب تخلص حافظ گرفت . علاوه براین در حکمت لغت و ادبیات فارسی وعربی استادی گرانمایه بود .

در عصر حافظ انقلابات و خونریزیهای شدیدی درشیراز روی دادکه هریك ازاین‌وقایع تأثیری عمیق در روحیه شاعر بجا گذاشت وموجب سرودن اشعاری شد .

در سال ۷۴۲ «شیخ جمال‌الدین ابواسحق اینجو» برشیراز مسلط شد و حافظ را عزیز وگرامی داشت و دانشمند و مشایخ عصر نیز اورا محترم میشمردند .

جمال‌الدین اینجو و سلسله‌اش بدست «مبارزالدین» سرسلسله‌آل مظفر از میان رفتند وچون او مردی تندخو وستمکار بود ، دو فرزندش «شاه محمود» و«شاه شجاع» او را گرفته و کورکردند . شاه شجاع و شاه محمود که از آل مظفر بودند حافظ را عزیز و محترم میشمردند و از او طرفداری می‌کردند و حافظ نیز در اشعارش آنها را ستوده است .

حافظ برخلاف سعدی که عشقی وافر به‌سفر داشت مسافرت نکرده است . فقط یکبار تا یزد رفته و یکبارهم حاکم بهمنی دکن او را بهندوستان دعوت‌کرده است، ولی وقتی حافظ تا کنار دریا میرود ودریا را متلاطم می‌بیند از مسافرت صرفنظر می‌کند وفقط با فرستادن غزلی برای حاکم بهمنی دکن قناعت می‌کند .

حافظ از بزرگان شعرای ایران و مایه افتخار ایرانیان است . دیـوان خواجه حافظ شامل : مثنوی ، قصیده ، ملمع ، غزل ، قطعه ، ترجیع‌بند ، رباعی ، مغنی‌نامه و ساقی‌نامه است که بعداز وفاتش بهمت دوستش محمدگلندام جمع‌آوری شد .

حافظ در سال ۷۹۱ یا ۷۹۲ هجری در شیراز درگذشت و وی را در حومه شیراز کـه بحافظیه معروف است و زیارتگاه اهل دل و صاحبان ذوق است دفن نموده‌اند .

خ

خیام

حکیم‌ابوالفتح عمربن‌ابراهیم خیام (یاخیامی) نیشابوری ، منجم وریاضی‌دان ودانشمند و متفکر بزرك ، در اوایل قرن پنجم هجری تـولد یافت و در زمان سلطان ملکشاه سلجوقی از دانشمندان معروف بشمار میرفت .

خیام در علم طب دست داشته وسنجر پسر ملکشاه راکه به‌بیماری‌آبله دچار بوده است درمان‌کرده .

گرچه مقام علمی خیام برتر ازمقام ادبی اوست ولی شهرت وی بیشتر بواسطه رباعیات حکیمانه اوست‌که به‌بیشتر زبانهای دنیا ترجمه شده است و بالغ بر۱۰۰ رباعی می‌باشد .

فیتزجرالد برای اولین بار رباعیات اورا بزبان انگلیسی ترجمه‌کرد. خیام بهمراهی چند تن از دانشمندان در سال ۴۶۵ هجری تقویم را اصلاح‌کرده‌کـه بتقویم جلالـی معروف شده است .

ازآثار فارسی خیام غیراز رباعیات او «نوروزنامه» و تاریخ وآداب جشن نوروز باقی مانده است .

رساله جبرومقابله‌که در سال ۱۸۵۱ میلادی توسط یك دانشمند فرانسوی بزبان‌فرانسه ترجمه شده از خیام است .

عده‌ای از تذکره نویسان خیام را شاگرد ابن‌سینا و عـده‌ای دیگر او را شاگرد امام موفق عارف معروف نوشته‌اند .

مرك خیام را بین سنوات ۵۱۷ تا ۵۲۰ وبروایتی درحدود سال ۵۳۶ هجری میدانند. مقبره خیام در نیم‌فرسنگی نیشابور در صحن «امامزاده محروق» بنا شده‌است .

د

چارلز . داروین

چارلزداروین پسر دکتر روبر داروین در دوازدهم فوریه سال ۱۸۰۹ متولد شد . در سال ۱۸۸۱ که مـادرش فوت‌کرد او را بمدرسه‌گذاشتند و در شانزده سالگی برای تحصیل علم



طب به ادیمبورك رفت ولی شوق تحصیل طب در او وجودنداشت و پدرش تصمیم میگیرد او را کشیش کند . او قبول می کند که برای تحصیل علوم الهی بدانشگاه کمبریج برود ولی در این درسها هم توفیقی نیافت .

بالاخره در سال ۱۸۳۱ فارغ‌التحصیل شد .

در همین اوقات بود که مطالعه‌یادداشت‌های « الکساندر ـ هومبولد و «جون‌هرشل» علاقه شدیدی در او نسبت به‌علوم طبیعی بوجودآورد ودرهمین هنگام بعنوان یك طبیعی‌دان جزو هیئتی به‌امریکای جنوبی و جزائر غربی اقیانوس‌آرام سفر نمود .

داروین در این سفر که مدت پنج سال بطول انجامید مطالعات بسیاری درباره جانوران و سنگواره‌های گذشته نمود .

درسال ۱۸۵۶ تصمیم‌گرفت مطالعات خود را بنویسد . ولی در یکی از روزهای همین سال بود که کتابی‌خطی بعنوان هدیه برای‌اوفرستادند .

مؤلف این‌کتاب «آلفرد روسل‌والاس» بود . داروین از خواندن‌کتاب بسیار متعجب و ناراحت شد زیرا نتیجه‌ای راکه از بیست سال مطالعه بدست آورده بود مؤلف درکتاب خود خاطرنشان ساخته بود .

داروین‌که از موضوع سخت ناراحت شده بود درصدد چاره برآمد و بالاخره به‌پیشنهاد دوستانش در روز اول ژانویه ۱۸۵۸ در جلسه جامعه «لنیه» در لندن هنگامی‌که اثر والاس معرفی شد داروین‌هم نتایج خود را قرائت نمود .

سپس داروین به‌نوشتن‌کتاب «اصل انواع» مشغول شد وبا انتشاراین‌کتاب شهرت‌عجیبی بدست‌آورد . در سال ۱۸۷۱ دومین اثرش را بنام «پیدایش انسان» منتشر ساخت که بوسیله آن شهرتش عالمگیر گردید .

داروین در این‌کتاب سعی نموده تانیاکان انسان را پیدا نماید. داروین‌که بزرگترین حیات شناس جهان بشمار میرود در نوزدهم‌آوریل ۱۸۸۲ فوت نمود .

قبر اومجاورقبر نیوتون در«وست مینستر» میباشد.

فئودور . داستایوسکی



DOSTOÏEVSKY

فئودور داستایوسکی داستانسرای روس در سال ۱۸۲۱ در مسکو متولد شد و در سال ۱۸۸۱ در سن شصت سالگی جهان را بدرود گفت . او خالق آثارعمیقی شدکه در همه‌آنها تمایل‌شدید به رقت و ترحم و یك دید روانی قوی به چشم میخورد . نفوذ داستایوسکی در نویسندگان و فلاسفه بعدی حیرت‌انگیز است . نیچه میگوید: من روانشناسی را ازداستایوسکی‌آموختم وتسوایك او را اعجوبهٔ ضد رئالیسم نامیده است . داستایوسکی در بیمارستان فقرای مسکو بدنیا آمد پدرش طبیب این بیمارستان و مادرش تاجر زاده مطرودی بود. روزی دهقانان پدر دائم‌الخمر او راکشتند . در این موقع او۱۷ سال داشت وپسری محجوب و افسرده و ساکت بود . علت انزوای او فشار پدرش بودکه او را از بازی با بچه‌ها محروم میساخت . داستایوسکی از همان کودکی به‌کتاب علاقه یافت و هرنوشته‌ای بدستش می‌رسید می‌خواند وضع مالی اوبدبود واز کودکی قوه تصوری فوق‌العاده داشت . ظاهرش‌آرام وباطنش آکنده از احساسات آتشین بود . مدتی در دانشکده مهندسی پترزبورك تحصیل کرد . با آنکه آه در بساط نداشت اما جوان اصرافکاری بود . براثر فقر شدید به‌نویسندگی روی‌آورد و قلم را وسیله ارتزاق قرار داد .

نخستین داستانش «مردم فقیر» نام داشت. او دراین کتاب باقلم شیوا وساده‌ای احساسات دختر و مردی راکه به‌او مهر مخصوصی دارد تشریح میکند . این داستان را بــه «نکراسف» دوستش داد تا بخواند . نکراسف سحرگاه روز بعد به‌سراغ داستایوسکی رفت واورا ازخواب بیدارکرد و بوسید وگفت ، شاهکار کرده‌ای ! بلینسکی منقد با ذوق روسی پس‌از مطالعه این کتاب‌گفت ، جوان میدانی چه نوشته‌ای؟ خیر نمیدانی . تو هنوز نمیتوانی‌باین مطالب‌پی‌ببری

بالاخره شهرت بسراغ داستایوسکی‌آمد اما فقر و قمارگریبانش را رها نمی‌کرد .

عشق مفرط به‌بازی ویرا به‌قمارکشانده بود. ازآغاز طفولیت میل به‌برد وباخت‌داشت.

در سال ۱۸۴۹ او را بجرم قیام بــرضد سلطنت و مخالفت باکلیسا دستگیر و محکوم باعدام‌کردند . اما تزار محکومیت او را به‌چهار سال حبس تخفیف داد . او را به‌سیبری‌بردند و درآنجا پیرزنی باو انجیلی داد . داستایوسکی درتمام مدت‌که درآنجا بود انجیل میخواند . پس‌از رهائی از سیبری تحت تأثیر انجیل ، تسلیم و رضا پیشه‌کرد . در این موقع حتی به نفع تزار برضدآزادیخواهان قیام‌کرد . او دیگر در برابر بدی مقاومت نمی کرد و تبهکاران را تقویت می‌نمود . صوفی شده بود و میگفت :

آدمی خوشبخت نیست زیرا نمیداند خوشبخت است. هرگاه کسی این حقیقت را دریابد فوراً خوشبخت خواهد شد .

وضع شومی در روحیه وآثارش منعکس شد . در این دوره قهرمانان اوآدمهای مطرود و تحقیر شده و فراموش‌گشته و درمانده و دردمند و راه‌گم‌کرده بودند .

او در داستانهایش‌کوشش می‌کند پرده ازرازهای روح انسان بردارد وتضادهای باطنی روح راکشف نماید. از مختصات‌آثار اوایمان و اعتقاد به‌دوگانگی احتراز ناپذیر و غیرقابل استیلای درون انسان است . او معتقد بود پیوسته در درون ما مبارزه با نیك وبد و خیر وشر ادامه دارد از این رو اوکه این پیکار درون را غلبه‌نـاپذیر میدانست هرنوع مبارزه طبقاتی و هروسیله انقلابی تغییر جامعه را طرد میکرد و ایده تسلیم راکه شعار مسیح بود می‌آموخت . ازآثارداستایوسکی «جنایت‌ومکافات»، «تسخیرشدگان»، «برادران‌کارامازوف»، «خانه‌اموات»، «ابله» و«آزردگان» را میتوان شمرد .

در تمام‌آثار او یکنفر که‌آرزوکند زندگانی آرام و راحتی داشته بــاشد نیست . همه می‌خواهند برهمه چیز استیلا یابند . داستایوسکی در آثارش‌گوئی مریضخانه‌ای را همراه بــا معلولین عصبی و اماکن‌کثیف و متعفن و بیغوله‌های تنك وتاریك توصیف می‌کند . عوالم او پراز اشباح تاریك و پراز آئینه دق است . اما قــدرت فکری مخلد او انسان را سخت مسخر می‌کند او نابغه عظیمی است و معجونی است از قــدرت و ضعف ، عصیان و اطاعت ، نظم و آشفتگی و فضیلت و تبهکاری .

دالامبر Dalembert

صبح یکی از روزهای ماه نوامبر سال ۱۷۱۷ ناله‌کــودکی از داخل بسته‌ای درکنار کلیسای «سن‌ژان‌لورن» توجه زنی خیرخواه و نیکوکار را بخود جلب مینماید. زن نیکوکار که زوجه شیشه‌بر فقیری بنام «روسو» بودکودك را بفرزندی خود قبول میکند .

زن نیکوکارکودك راماننده‌فرزند خودتربیت میکند وکودك‌هم‌بعدها حق‌شناسی‌بی‌مانندی را درباره این مادر مبذول میدارد .

ولی‌مدتها بعد معلوم شدکه پدرش ژنرال«دتوش» ومادرش مادام «تنس» میباشند .

طولی نکشیددالامبر سرراهی‌بزرك شدودانشمند شهیری‌گردیدولی هیچوقت مادرخوانده خود را فراموش نکرد و بمادام‌تنس‌که مایل بود او را پیش خود ببردگفته بودکه «شما فقط



D'ALEMBERT

نامادری من هستید و مادر حقیقی من همان زن شیشه‌بر است».
دالامبر در بیست و دو سالگی با انتشار مقاله‌ای درباره حساب انتگرال‌ها خود را شناساند ودرسال ۱۷۴۳ کتاب دینامیك را منتشر کرد. دالامبر باهمکاری «دیدرو» برای‌تهیه دائرةالمعارف اقدام کرد. وی‌درسال ۱۷۵۴ بعضویت آکادمی علوم فرانسه انتخاب شد و در سال ۱۷۵۸ همکاری باتهیه دائرةالمعارف را ترك گفت.
دالامبر در روز ۲۹ اکتبر ۱۷۸۳ در شصت وشش سالگی زندگی را بدرودگفت.

دانته



دانته در سال ۱۲۶۵ در فلورانس متولد شد و تحصیلات خود را در دانشگاه‌های فلورانس و پالودا باتمام رسانید. او به‌رشته‌های مختلف علاقمند بود و در همه دانش های زمان خویش استاد بود.
درزمان او اختلافی شدید بین‌اشراف وطبقه متوسط‌بوجود آمدکه دانته در صف طبقه متوسط برابر اشراف قد علم‌کرد و در این مبارزه وجود او سبب پیروزی مکرر طبقه متوسط شد.
در سال ۱۳۰۰ جزو یکی از شش تن حاکم شهر شد ولی درسال ۱۳۰۲ بعلت‌مخالفت با پاپ از فلورانس تبعیدگردید.
مهمترین اثر دانته‌کمدی الهی نام داردکه در سال ۱۳۲۱ نوشته است.
از بهترین اشعارش قطعه‌ایست‌که در مدت اقامت در فلورانس سروده و از عشق خود نسبت به‌بئاتریس سخن‌گفته است.

لئونارد دو. داوینچی



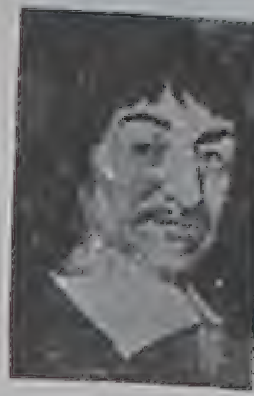
لئوناردو فرزند غیر قانونی شخص‌ثروتمندی بودکه درسال ۱۴۵۲ در وینچی نزدیك فلورانس متولد شد.
چون پدرش از لحاظ مالی قدرت‌کافی داشت لئونارد نزد پیکرتراش معروف «آندریا دلوروچیو» به‌تعلیم‌پرداخت و درسال ۱۴۸۳ به‌میلان رفت وسرپرستی بسیاری ازامور «دوك‌لوکوویجو-اسفورزا» را بعهده‌گرفت.
یکی‌ازژنده‌ترین‌آثارمعروف‌اوصورت‌معروف «آخرین‌شام» است‌که بدیوار صومعه «سانتاماریا» در سال ۱۴۹۸ نگاشته.
وی در سال ۱۵۰۲ بخدمت سزار بورژیا رفت واز طرف او بعنوان مهندس ومعماردربسیاری ازشهرهای ایطالیا سفر کرد هنگامیکه به‌فلورانس‌مراجعت نمود مدت ۴ سال ازوقت خود را صرف یکی از بهترین آثار ارزنده‌اش نمود، این اثر تصویر «مونالیزا» لبخند ژوکونداست‌که بجرات میتوان آنرا از اعجاب نقاشی‌های جهان دانست.
این اثر در سال ۱۹۱۱ از موزه لوور سرقت شد وسروصدای عجیبی بوجودآورد سارق که یك نفر ایطالیائی بود معلوم شد بخاطر وطن دوستی و ملیت خود دست بچنین‌کاری زده است و بدین ترتیب مردم ایطالیا توانستند قبل‌ازآنکه دو مرتبه این اثر ارزنده بموزه لوور برده شودآنرا ببینند.
لئونار . دو داوینچی در تمام فنون بهمان پایه نقاشی مشهور است و در مجسمه سازی

و موسیقی و معماری استادی است بی‌همتا این استاد عالیقدر مدتی درفکربود تا ماشینی بسازد که در هوا پرواز نماید.

لئوناردوداوینچی در سال ۱۵۱۹ در شصت وهفت سالگی درگذشت.

رنه . دکارت R. Descartes

در روز ۳۱ ماه مارس ۱۵۹۶ متولد شد.



او اهل «موزن» و فرزند یکی ازمشاورین پارلمان برتانی بود در سال ۱۶۰۶ هنگامیکه پسر ده ساله‌ای بود هرروز با بیم‌و وحشت بمدرسه «ژزوئیتها» بنام لامنش‌میرفت‌درسهائی که میگرفت از ادبیات قدیم بود که تحت تأثیر فکر ارسطوئی قرار داشت. در ۱۶۱۱ روز ششم ژوئن دکارت دریك جلسه سخنرانی تحت عنوان «اکتشاف چند سیاره سرگردان دراطراف مشتری» شنید که درآن سال گالیله چه اکتشافاتی کرده است.

این سخنرانی درروح او که کم‌کم آماده تحقیراسکولاستیك شده بود تأثیر فراوان کرد.

دکارت در سال ۱۶۱۶ امتحان خود را در رشته حقوق گذرانید و در این هنگام وارد قشون پرنس‌دوناسو شد و وقتی درپادگان «بردا» مشغول خدمت بود تصمیم گرفت که درزندگی هیچ سئوالی را بی‌جواب نگذارد و در اطراف مسائل تفکر نماید.

این اصل کم کم در او قوت گرفت تا آنکه در دهم نوامبر ۱۲۱۹ که تعطیلات زمستانی خودرا درتوابع «اولم» میگذرانید توانست علمی را بوجودآورد که بوسیله‌آن پرده تاریکی‌را را از روی معرفت دور سازد.

دکارت اهل جنك و نظام نبود و بهمین مناسبت در بیست و چهار سالگی خدمت نظام را ترك کرد و در سال ۱۶۲۶ بپاریس رفت. در این سال همه‌جا صحبت از اکتشافی بود که بوسیله دوربین‌های نجومی انجام میگرفت «ژان فابریسیوس» اهل فلاماند و گالیله وبعدازآنها «شاینر» لکه‌های خورشید را مشاهده نموده بودند.

دکارت در تحت تأثیراین وضع‌شروع بتفحص عمیقی دردانش‌آسمان‌نمود ابتدا به‌ساختن دوربین دقیق وکاملی شخصاً اقدام کرد ومجبور شد برای انتخاب بهترین نوع عدسی، انکسار اشعه نورانی در عدسیهارا مورد مطالعه قرار دهد. در سال ۱۶۲۶ درحالی‌که کارگران مشغول تراشیدن شیشه‌ای بامر اوبودند موفق به‌کشف قانون‌انکسار نورگردید. طولی نکشید که نجوم علمی راکنار گذاشت تا بتواند مطالعات نظری خود را دنبال کند.

دکارت مصمم شدکه کتابی راجع به ساختمان جهان تهیه نماید او در سال ۱۶۹۶ در آمستردام زندگی میکرد و بشهرهای لاهه ولید سفرمیکرد، روزی در این شهر اطلاع یافت که معلمی‌بنام «اسنلیوس» که سال قبل‌ازآمدن او بهلند فوت کرده بود قانون انکسار راکشف کرده است این موضوع سبب شدکه بعدها دکارت را بدزدی علمی متهم کنند. ولی امروزه حقیقت کاملا از نظر دانشمندان روشن است.

اسنلیوس دانشمندی عالیقدر بود وکسی بودکه اولین اندازه‌گیری علمی را روی کره زمین انجام داد.

هنگامیکه دکارت مشغول تهیه کتاب خود بود خبرمحکومیت گالیله درتمام نقاط انتشار یافت و اوکه شخص محتاطی بود از انتشارکتاب خود منصرف شد.

دکارت هندسه تحلیلی را بوجودآورد که وسیله ذیقیمتی برای پیشرفت های علمی بود زیرا مطالعه هندسه اقلیدسی فقط برای‌عده معدودی ازدانشمندان که دارای‌استعداد خارق‌العاده

هستند ممکن‌است ولی اکنون با روش دکارت میتوان بقسمت‌های عالی نیز دسترسی پیدا نمود
دکارت ریاضی‌دان بزرگی بود که چندان به‌ریاضیات علاقه نداشت .
دکارت در ۱۱ فوریه ۱۶۵۰ زندگی را بدرود گفت .

دموستن



دموستن خطیب و سیاستمدار بزرگ آتنی در سال ۳۸۴ قبل‌از میلاد بدنیا آمد. پدر و مادرش از نژادهای ناشناس غیرآتنی بودند و بهمین جهت بعدها وقتی می‌خواستند دموستن را مورد حمله قرار دهند او را به‌نژادهای وحشی نسبت میدادند. دموستن وقتی هفت سال داشت پدرش جان سپرد و برای او یک کارخانه شمشیرسازی که در آن زمان ۳ هزار و پانصد لیره ارزش داشت بارث گذاشت. این کارخانه سالیانه ششصد لیره (پول امروز انگلستان) درآمد داشت . دموستن خرد سال بود و دو تن از اقوام پدرش سرپرستی این کارخانه را بدست گرفتند اما وقتی دموستن بالغ شد بسیاری ازاموال اورا بخود تخصیص دادند واندکی را باو بازگرداندند .

دموستن دادخواستی علیه‌آنها تنظیم کرد و به‌دادگاه سپرد و در دادگاه دفاع جانانه‌ای کرد که در محافل آتن جار و جنجال بپا کرد و رأی‌دادگاه بنفع او صادر شد . از اینجا بود که او بعنوان یک نویسنده و خطیب بزرگ مشهور شد . او پول میگرفت و برای این و آن لوایح دفاعی مینوشت .

دموستن برای‌آنکه یک خطیب واقعی بشود فلفل دردهان می‌گذاشت وسخنرانی می‌کرد و بخاطرآنکه نفسش درضمن خطابه نگیرد هرروز از تپه‌ها بالا میرفت وباین طرف وآنطرف میدوید . دموستن برای ورزیده ساختن خود تمرینات خطرناکی میکرد که باورکردنی بنظر نمیرسید . سخنرانی‌های سیاسی دموستن بسیار هیجان انگیز و پرشور بود و هیچکس یارای برابری و مقاومت سخنان اورا نداشته است. همه‌می‌گفتند که اگرمیخواهید اسیر کلام دموستن نشوید به‌خطابه‌های او گوش نکنید . دموستن در سال ۳۰۰ قبل‌از میلاد نخستین نطق سیاسی خود را ایراد کرد .

دموستن در اواخر عمر بوسیله اسکندر مقدونی دستگیر شد و بعدها به جزیره کالوری فرارکرد ودر یک معبد دور دست با زهر خودکشی کرد. در حال حاضر شصت نطق از دموستن باقی مانده است . دموستن از میهن‌پرستان واقعی و از هواداران بقای حکومت آتن بود . او مرد عمل‌بودوآستین‌بالا میزد و کوشش می‌نمود که حیثیت آتن‌را حفظ کند . او ازجمله‌کسانی‌بود که مدتها مردم آتن را در برابر خطرحمله فلیپ مقدونی پدر اسکندر حفاظت کرد وآنان را به مقابله این خطر براتگیخت . اراده شکست ناپذیر ، استقامت شگفت انگیز و شور وهیجان شدید او برای تنویر افکار مردم اورا تا درجه یک پیامبر بزرگ بالا برده است . دموستن را نخستین ناطق دنیای قدیم و بزرگترین آنها خوانده‌اند . او یک روانشناس واقعی و نویسندهٔ شورانگیز بود . زبان او فصیح ، روشن نافذ و نیرومند بود. با حرکات و سکنات خود انواع و اقسام معانی خاص را در ذهن شنوندگان خود بوجود می‌آورد . مانند یک هنرپیشه فوراً به‌خشم در می‌آمد . بلافاصله شادمان میشد و هر آن‌که میخواست قیافه خود را عوض میکرد . بعداز مرگش آتنی‌ها یک مجسمه عالی برای او ساختند .

دموکریت

دموکریت فیلسوف یونانی در سال ۴۶۰ قبل‌از میلاد در «آبدر» بدنیا آمد . او سفر

های بسیار نمود و پنجسال با مهندسان مصری کار کرد. دموکریت نخستین کسی بود که از اتم سخن گفت و آنرا جزو لایتجزائی دانست که دنیا از آن ساخته شده است. دموکریت از دوستان هیپوکریت



بود . ظاهراً او در آتن زندگی میکرده است اما سقراط را درك نکرده و افلاطون نیز در آثار خود از او نامی نبرده است. حوادث زندگی دموکریت در آثار او نقش بسته است . در یونان ضرب ـ المثلی هست که میگوید هر کس میخواهد فکر کند باید چشمان خود را ببندد . می گویند دموکریت همیشه در خارج از شهر ضمن قدم زدن و فکر کردن چشمان خود را می بست تا تمرکز فکر بیشتری پیدا کند. همچنین گفته میشود که دموکریت درعصر خود بهفیلسوف خندان معروف شده بود ،همچنانکه هراکلیتوس را فیلسوف گریان می گفتند .

علت این نامگذاریها این است که هراکلیتوس همیشه جنبه‌های رقت‌انگیز حیات را مورد مداقه قرار میداد و گریز از زمان را تنها راه رهائی می‌دانست و در ناپایداری‌ها و بی‌ثباتی های زندگی و آفرینش بیش‌ازحد اغراق می کرد وحال آنکه دموکریت روشن‌بینی ودقت‌خاصی را دارا بود و استدلال روشن و عـاری از تیرگیها داشت . او همیشه آماده استقبال چیزهای خوب ومحبوب زندگی بود .آفرینش‌را ناقص نمیدانست وپیوسته در شکوه نبود آثار دموکریت که در عهد عتیق شهرت فراوان یافته بود بدست ما نرسیده است «دیوژن» عنوان چند اثر از آثاراو را یادکرده است ؛ درباره آرامش روان ــ درباره طبیعت انسان ــ دوزخها ــ درباره سه نسل ـ علل زمینی هماهنگی ــ اعداد و . . . .

چارلز . دیکنز


DICKENS

چارلزدیکنز در هفتم فوریه سال ۱۸۱۲ متولد شد ووضع زندگانی او در کودکی آنچنان بود که از همان ابتدا از زنـدگی مردم تنگدست مطلع شد. او بخاطر امرار معاش درانباری تاریك وکثیف کـار میکرد و بطوریکه خودش گفته است فقط یکمرتبه روزنه‌ای در زندگی پدرش بوجود آمد تا او توانست تحصیل علم نماید .

خانواده دیکنز درلندن زندگی می‌کردند ، دیکنز ابتدا بعنوان منشی در دفتر وکیلی شروع بکار نمود و بعداً خبرنگار پارلمانی روزنامه شد و آغاز نویسندگی او از زمانیست که مقالاتی در یك مجله منتشر می‌نمود . دیکنز بعداً این مقالات را بصورت کتابی درآورد و استعداد فکاهی نویسی او براهل ذوق معلوم شد .

بعداز انتشار این کتاب از او دعوت شد تـا تفسیرهائی برای طراحی‌های مزاح آمیز روبرتسیمور معروف بنویسد .

از این تـاریخ آثار دیکنز یکی پس‌از دیگری منتشر میشد و یکی از شاهکارهای او «داویدکاپرفیلد» است که درسال ۱۸۴۹ منتشرشد بعقیده عامه مردم این اثرشاهکاردیکنز است.

دیگر از آثاردیکنز(نیکلانیکل بای) و(اولیورتویست)و(بارنابی‌راج) و(دوریت کوچك) (کاغذهای‌پیك ویك) وآرزوهای بزرگ را میتوان نام برد .

در نویسندگی دیکنز سهل انگاری فراوانی نسبت به‌اصول و قواعد ادب و زبان دیده میشود که با قدرت استادیش در ظرافت و بذله‌گوئی برطرف نموده .

دیکنز در نهم ژوئن در سال ۱۸۷۰ درگذشت و جسدش در صومعه وست مینستر بخاك سپرده شد.

پرنس . لوئی . دوبروی L . De . Broglie



دوبروی متولد پانزدهم اوت ۱۸۹۲ در « دی‌یپ » بسال ۱۹۱۰ از دانشگاه پاریس لیسانسیه شد . و برادری داشت که همه او را بعنوان یك فیزیکدان بزرك میشناختند . خصوصاً در سال ۱۹۱۱ این فیزیکدان مأمور شد تا گزارشی درباره تئوریهای تشعشع و کوآنتا برای کنگره بروکسل تهیه نماید. لوئی دوبروی علاقه بسیاری برای کشف اسرار کوآنتا برای خود احساس کرد و فورا لیسانس خود را در علوم گرفت و اوقات خود را در آزمایشگاه برادرش صرف میکرد .

دوبروی درباره تئوری کوآنتا مطالعات عمیق نمود و موضوع وابسته نمودن موج ، بذرات راهنمائی برای وی شد که توانست مکانیك موجی‌را بنیان گذارد.

دوبروی در سال ۱۹۲۳ چکیده مکانیك موجی را طی مقالهٔ منتشر نمود و عین‌مقالات درسال ۱۹۲۴ بصورت رساله دکترا درآمد و ازآن پس توسعه کافی یافت .

دوبروی مکتشف این اثر بزرك بلافاصله استاد تئوری فیزیك دانشگاه پاریس شد ودر سال ۱۹۲۹ باخذ جایزه نوبل فیزیك نائل‌شد .

الکساندر . دوما



Alex. DUMAS père

الکساندر دوما فرزند یکی از ژنرال‌های ارتش ناپلئون بسال ۱۸۰۲ متولد شد .

پدرش از طرف ناپلئون بعللی بازنشسته شد و هنگامی‌که الکساندرکوچك بیش‌از چهار سال نداشت زندگی را بدرد گفت .

مادر الکساندر برای ادامه زندگی و تربیت فرزندش از ناپلئون کمك خواست ولی با وجود این خرج تحصیل فرزندش فراهم نشد.

الکساندر هنگامیکه بیش‌از بیست فرانك پول نداشت به‌پاریس رفت و شغل دبیری دستگاه دوك‌ارلئان را بعهده گرفت ولی ذوق‌نویسندگی اورا بنوشتن‌داستان‌های کوتاه کشانید و اولین‌کارش نمایشنامه هانری سوم و دربارش بودکه در سال ۱۸۲۹ در پاریس بمعرض نمایش گذاشته شد و مورد توجه قرارگرفت و بدین سبب متصدی کتابخانه دوك‌ارلئان گردید . ازآن ببعد الکساندر ازچاپ داستانهایش عواید سرشاری بدست آورد و زندگی مجلل و با شکوهی برای خود ترتیب داد . دوما در مدت زندگی برای بدست آوردن موضوع‌های تازه سفرهای فراوان‌کرد ولی در اواخر عمر به ساختن تماشاخانه‌ای اقدام نمود و سرانجام تمام پس‌انداز خود را برای اینکار از دست داد وبسختی عجیبی از لحاظ مالی‌گرفتارگردید .

الکساندردوما نویسنده کنت دومونت‌کریستو و سه‌تفنگدار که از پیشقدمان ادبیات جدید میباشد بسال ۱۸۷۰ در شصت و هشت سالگی زندگی را بدرود گفت .

ارنست . رادرفورد E . Rutherford

ارنست‌رادرفوردمتولدسی‌ام‌اوت۱۸۷۱ بعداز اتمام‌تحصیلات مقدماتی در دانشگاه زلاند جدید بکمبریج رفت و بطرف‌آزمایشگاه روانه شد .

رادرفورد در صدد تجزیه و تحلیل تشعشع رادیو اکتیو برآمد و در ابتدا سه شاخه از آنرا بنام اشعه آلفا ، اشعه بتا و اشعه‌گاما نام‌گذاری‌کرد .



رادرفورد قسمتی از صادرات رادیوم را درلوله‌ای جمع‌آوری و بوسیله اسپکتروسکپ مورد امتحان قرار داد و طیف‌هلیوم را درآن مشاهده نمود .

رادرفورد در این آزمایش متوجه گردید که ذره آلفا همان آتوم هلیوم است . این اکتشاف بسیار مهم و با ارزش او را به‌افتخار واخذ مدال «رمفورد» وجائزه نوبل سال ۱۹۰۸ مفتخر نمود. رادرفورد بعد از این اکتشاف بعضویت جامعه پادشاهی و استادی دانشگاه منچستر نائل شد .

تاریخ فوت رادرفور بسال ۱۹۳۷ میباشد .

محمد زکریای ـ رازی

ابوبکر محمد زکریای رازی پزشك و شیمی‌دان بزرك ایرانی که یکی ازمفاخر جهان بشمار میرود در ری متولد شده است .

در سالهای جوانی بتحصیل موسیقی و فلسفه و ادبیات و ریاضیات و نجوم پرداخت و بعد بشیمی (کیمیا) و پس‌ازآن متوجه طب گردید و درتمام رشته‌ها مقامی ارجمند یافت .

رازی در سی‌سالگی ببغداد رفت و چون بعلم طب دلباخته بود بتحصیل آن پرداخت و چون‌درآن چیره‌دست شدبه‌ری بازگشت وازطرف منصوربن اسحق حاکم ری‌سرپرست بیمارستان ری شد .

رازی چند سال بعد مجدداً ببغداد رفت و ریاست بیمارستان مقتدر باو واگذار شد و چنان شهرتی در بغداد یافت که هرگز سابقه نداشت .

از مهمترین‌آثار او «الحاوی» است که بنظر بعضی از «قانون» ابن‌سینا مهمتر است‌و این‌کتاب چند قرن مورد مطالعه ومراجعه بلکه تنها کتاب اصلی درسی طب بشمار میرفته‌است.

رازی این‌کتاب را بصورت یادداشت‌های متعدد و پراکنده‌ای تهیه کرده بود و بعداز مرگش بدستور ابن عمید از روی یادداشت‌های اوکتاب را استنساخ و تنظیم نمودند . مقدار زیادی از نتایج آزمایشها و مطالعات رازی در این‌کتاب جمع است.

«طب‌المنصوری» اثر دیگر رازی است‌که بنام منصوربن اسحق تألیف شده است .

ازدیگر آثاراو کتاب «من‌لایحضره‌الطبیب» شامل‌دستورهای ساده طبی وکتاب برءالساعة است .

درعلم کیمیارازی سرآمددانشمندان اسلامی‌است وازکارهای‌مهم اوکه متکی‌به‌آزمایشهای متعدد بوده کشف جوهرگوگرد و الکل است .

ازجمله کتابهائی‌که درکیمیا برشته تحریردرآورده‌است «کتاب‌الاکسیر» وکتاب التدبیر را می‌توان نام برد . رازی در سالهای‌آخر عمر بعلت‌کار زیاد و مداوم از نعمت بینائی محروم شد و محل و تاریخ وفات او بدرستی معلوم نیست .

بیرونی درگذشت او را درماه شعبان ۳۱۳ دانسته وتعداد تألیفات او را بیش‌از پنجاه و شش‌کتاب و رساله نوشته است .

رافائل

«سانتی‌رافائل» نقاش ایتالیائی درسال ۱۴۸۳ در «اوربینو» تولد یافت ودرسال۱۵۲۰ در رم درگذشت . پدرش نقاش متوسطی بود اما روحیه فوق‌العاده‌ای داشت . رافائل نقاش ، معمار و باستان‌شناس رم بود . وی شاگرد «بروگن» بود ودر «بروز» فلورانس و رم‌کار کرد . او در دربار پاپ‌ژول دوم و لئون‌دهم مقام ومنزلت استثنائی داشت. رئیس معماران وسرپرست



ساختمان‌ها و بناهای مذهبی بود و در تزئین واتیکان همکاری کرد و جسدش در پانتئون دفن‌شد. نبوغ او از تعادل کلیه کیفیت‌های هنری تشکیل شده است نقاشی کامل، حالت جاندار رنگها، صحت حرکات ، هماهنگی باشکوه خطوط وظرافت رنگهای بسیاردلپذیر همه حکایت ازنبوغ‌او دارند. رافائل درنقاشی صورمذهبی‌بخصوص مریم نظیر و رقیب نداشته است دراین‌آثار درخشندگی ، جوانی و عفت مادری مشاهده میشود .

اگر چه او در عنفوان جوانی مرد اما شاهکارهای بزرگی از خود بجاگذاشت مانند ، خانواده مقدس ،اغیان زیبا ــ سن‌میشل اهریمن را سرکوب میسازد ــ آتش سوزی شهر ــ مدرسه‌آتن ــ پارناس . بسال ۱۵۲۰ جان سپرد .



رامبراند

رامبراند نقاش هلندی در سال ۱۶۰۶ در « لید » متولد شد و در سال ۱۶۶۹ درآمستردام درگذشت . او پنجمین فرزند پدرش‌بود که‌آسیابان ثروتمندی محسوب‌میشد. اورا درسال ۱۶۲۰ درچهارده‌سالگی‌برای تحصیل فن‌نقاشی نزدیکی ازنقاشان معروف فرستادند. تاسال۱۶۲۴چندبار‌به‌آمستردام سفرکرد وبا«لاستمان» نقاش و پرتره‌سازهلندی چندی‌کارکرد. وی در این زمان دوباره به‌مسقط‌الراس خویش بازگشت . در این شهر شاگردانش ازصبح زوددور اوحلقه میزدند «ژری‌دو» نقاش معروف از شاگردان رامبراند بود . رامبراند درسال ۱۶۲۸دواثرمعروف خودراکه‌اولی«صراف»نام داردساخت درسال۱۶۳۰ به‌آمستردام سفرکرد و در سال ۱۶۳۴ با دختر زیبای یکی از ثروتمندان‌آمستردام ازدواج‌کرد .

او تصاویر زیادی ازرن خویش‌کشیده است . این زن در سال ۱۶۴۲ درگذشت وپسری بیادگارگذاشت‌که اوهم در سال ۱۶۶۸ جان سپرد. زنش تمام ثروت خودرا به‌شوهرش بخشید. در این زمان رامبراند در خارج از شهر رحل اقامت افکند . او در همین جا بودکه توانست نخستین‌آثار خودراکه ازطبیعت الهام‌گرفته است‌نقاشی‌کند. چوپان و سه روستائی ازجمله‌آثار این‌دوره هستید .

رامبراند در سال ۱۶۵۴ با یك زن غیرعقدی زندگی‌کرد و درسال ۱۶۵۶ با اورسماً ازدواج‌کرد و از این زن صاحب یك دختر شد و در اواخر عمر مجبور شد برای سومین بار ازدواج‌کند .

آثار وسیع رامبراند از ۳۵۰ تجاوز می‌کند او از سوژه‌های مذهبی، تاریخی ، اخلاقی طبیعی ، انسانی و دهها سوژه دیگر درآثار خود الهام‌گرفته است .

رامبراند برای نمایش احساس خویش‌درآثارش‌ازاصیل‌ترین وسائل انتقال احساس‌کمك گرفته است و با پخش نور و سایه ، سوژه‌های دلخواه خودرا بنمایش درآورده است . هرگز تاکنون نقاشی به‌اندازه رامبراند درسایه روشن و در بکاربردن نور و تاریکی تأمل و مطالعه و دقت نکرده است .

روسو

ژان‌ژاك‌روسو فیلسوف ونویسنده فرانسوی ــ سویسی در ۲۸ ژوئن ۱۷۱۲ در ژنوبدنیا آمد . آثار اخلاقی وسیاسی واجتماعی او درقرن هیجدهم در مردم فرانسه نفوذ بسزائی‌کرد . مادر این نویسنده رومانتیك چند روز بعداز تولدش درگذشت . پدرش یك ساعتساز



J.-J. ROUSSEAU

سویسی بود و تا ده‌سالگی از پسرش مواظبت کرد . روسو تحت سرپرستی پدرش‌نتوانست تحصیلاتی‌بکند. اما پدرش اورا بخواندن داستان‌ها وآثار پلوتارك ترغیب میکرد. پس‌از چندی پدر روسو در اثر زدو خورد با شخصی ازژنوگریخت و دو پسرش را در ژنو تنهاگذاشت . روسو بعدازآنکه مدتی در نزد دائی خود بسربرد و در خارج از ژنو تحصیلاتی‌کرد به‌ژنو بازگشت و منشی یکی‌از بزرگان شد .

درآوریل ۱۷۲۵ پس‌از چند هفته منشی‌گری شاگرد یك گراورساز شد . سه سال نزد يك‌گراورسازکارکردودر۱۴ مارس ۱۷۲۸ ازژنو فرارکرد. روسو درکتاب معروف اعترافاتش میگویدکه این مرد خیلی وحشیانه با او رفتار میکرده اما نباید ازحق‌گذشت‌که روسوهم يك پسر تنبل و دروغگو و بیرحم بود و از زیرکار در میرفت . این استادگراورساز آنقدر اورا کتك زدکه وی مجبور شد از ژنو بگریزد . روسو خود اعتراف میکندکه دوست داشت کتك بخورد . بهمین جهت است‌که روسو را از لحاظ جنسی بیمار دانسته‌اند و مازوخ مؤسس مکتب روانی مازوخیسم میگوید :

روسو دوست داشت از معشوقه‌هایش‌هم‌کتك بخورد .

روسو در تمام مدت زندگیش از شهری بشهر دیگر میرفت . او با زنان بیشوهر زنان اشراف و شخصیت‌های سیاسی وادبی در این سفرها آشنا میشد. وی معمولا درنزد زنان متمکن بسر میبرد و هرگز رسماً ازدواج نکرد .

روسو همیشه با زنان مسن‌تراز خودش نرد عشق می‌باخت و معشوقگانش همه در حکم مادر او بودند . او از خانه «مادام‌دووارنز» که خود و ثروت خود را در اختیار روسو قرار داده بود توانست نویسندگی راآغاز کند .

روسو در سال ۱۷۴۲ برای دومین باربه‌پاریس سفرکرد ودر جستجوی شهرت وموفقیت بهردری زد اما نتوانست موفق‌گردد .

اندکی بعد روسو در یکی از سفارتخانه‌های فرانسه شغلی پیداکرد اما بعداز چندی با رئیس خود نزاع‌کرد ودست ازکارخودکشید ازاین ببعد تدریجاً موفقیتهائی بدست‌آورد . روسو چندی بعد «هلوئیز جدید» را نوشت‌که درآغاز سال ۱۷۶۱ انتشار یافت . وی درسال ۱۷۶۲ اثر اجتماعی بزرك خود راکه درتسریع انقلاب‌کبیر فرانسه نقش بسزائی داشت نگاشت . این اثر «قرارداد اجتماعی» نام دارد . وی در همین ایام نخستین قسمت های اثر تربیتی خود را بنام «امیل» تحریرکرد . اما لحن زننده ومضامین اقتصادی این دوکتاب توجه مقامات دولتی را جلب‌کرد و فرمان بازداشت او صادرگردید و او مجبور بترك فرانسه شد و ناگزیرگشت در سویس و انگلستان بگردش پردازد .

روسو در اواخر عمر دوباره به‌فرانسه مراجعت کرد و در املاك یکی از اعیان فرانسه جان سپرد (سال ۱۷۷۸) درجریان انقلاب‌کبیر فرانسه برای تجلیل از مقام روسو جسد اورا از املاك این اعیان به‌پاریس منتقل‌کردند . روسو معتقد بودکه انسان ذاتاً خوب است وتمدن او را ضایع می‌کند و باید به‌طبیعت پناه برد .

رومن‌رولان

رومن رولان از نویسندگان بزرك فرانسه و استاد بیوگرافی نویسی ، در سال ۱۸۶۶ در « نیورنه» واقع در«کلامی» فرانسه متولدگردید تحصیلات خویش را در رشته تاریخ بپایان رسانید ولی بادبیات علاقه خاصی داشت ، از این جهت دست بنوشتن نمایشنامه‌هائی زدکه با

شکست روبروگردید وناچار دست ازنویسندگی برداشت وبتهیه و نوشتن شرح‌حال وبیوگرافی بزرگان جهان دست زد . در سال ۱۹۰۳ شرح زندگی بتهون و در سال ۱۹۰۵ میکل‌آنژرا منتشر ساخت و بشهرت و افتخار رسید . در جنگ جهانی اول بسویس رفت و درسال ۱۹۱۶ بدریافت جایزه ادبی نوبل موفق‌گردید مدت هشت سال اززندگی خویش را صرف نوشتن شاهکار خویش «ژان‌کریستف» نمود . این‌کتاب شرح زندگی یك موسیقیدان خیالی است کارهای «رومن‌رولان» تفاوت‌کامل دارد.



در اواخر عمربه‌اندیشه‌های عرفانی شرق بخصوص هندیان پیوست وازطر رهبرآزادی هندگردید و در سال ۱۹۳۲ در سوئیس بـدیدار گاندی نائل شد . پس‌از ۷۸ سال زندگی در سال ۱۹۴۴ چشم‌از جهان فرو بست .

نیکلا . ریمسکی کرساکف



RIMSKY-KORSAKOV

ازیك خانواده اشرافی‌دردهکده تیخوین متولد شد واصول موسیقی را نزد یك‌گروه چهارنفری از نوازندگان یهودی که در همسایگی‌آنها قرارداشتند فراگرفت اما خانواده‌اش اورا بمدرسه نیروی دریائی فرستادند و او در۱۸ سالگی بعنوان افسر نیروی دریائی بمسافرت ۳ ساله‌ای مأموریت یافت . او بهر بندری کـه میرسیدآهنگی میساخت از جمله سنفونی اول او باعث شدکه بهـ استادی‌کنسرواتوارپترزبورك منصوب شود. بدین ترتیب ازنیروی دریائی استعفاکرد . یکی از بهترین‌کارهای او تألیف «رسالهٔ هارمونی و ارکستراسیون» است و از آثار معروف او یکی اپـرای دختر برفی و یك سویت سنفنیك بنام شهرزاد است . او بنیان گـذار موسیقی روسی است و بعد از او شاگـردانش تحول بزرگی در موسیقی روسی بوجود آوردند .

برنار. ریمان B . Riemann

ریمان‌فرزندکشیش فقیری بود که درهفدهم‌سپتامبر ۱۸۲۶متولد شد وی درسال ۱۸۴۶ دردانشگاه «گوتینگن» وارد شد وافتخار شاگردی‌گائوس را بدست‌آورد ریمان از بدو ورود در فکربدست‌آوردن یك‌کرسی تدریس ریاضیات دردانشگاه بود. درآن‌موقع برای‌بدست‌آوردن یك‌کرسی تدریس میبایست سه‌موضوع را به‌دانشکده پیشنهاد میکرد ودرروی یکی ازسه موضوع که ازطرف‌دانشکده انتخاب میشد تتبعی مینمود .

انتخاب موضوع به‌گائوس داده شد وازسه موضوعی‌که ریمان پیشنهاد نموده بود موضوع «اساس علم هندسه» مورد توجه‌گائوس قرارگرفت .

سال ۱۸۵۴ که اهمیت اساسی درتاریخ ریاضیات دارد اثر ریمان درباره «مفروضاتی‌که مبنای علم هندسه هستند» درهیئت قضات مورد مطالعه قرارگرفت وگائوس که باجوانان میانه خوبی نداشت و همیشه بـه‌آنها بانظر حقارت مینگریست با مطالعه اثر اوبوضع شگفت‌آوری متعجب شد .

بطوریکه میدانیم درهندسه اقلیدسی‌ازنقطه‌خارج یك‌خط راست فقط یك خط بموازات‌آن میتوان رسم‌کرد .

بولیه ولوباچفسکی‌هم قبول‌کرده بودندکه‌ازیك‌نقطه خط بیشماری بموازات خط مفروض میتوان رسم‌کرد .

ولی ریمان‌گفت از نقطه مفروضی نمی‌توان خطی بموازات خط دیگر رسم‌کرد .

ریمان با بیان این مطلب هندسه‌ای غیراقلیدسی‌را بوجود آورد که کاملا باهندسه دانشمندان قبلی تفاوت داشت .

ریمان در مدت کوتاه زندگی خود علم حساب راهم مورد مطالعه قرار داد و با مطالعات خود در مورد اعداد اول آثاری دال بـر نبوغ خود در این علم بجاگـذاشته است . ریمان در زندگی از لحاظ مالی در مضیقه بود و از طرفی‌هم مرض سل او را رنج میداد .

ریمان دانشمند نابغه دربیستم ژوئیه ۱۸۶۶ یعنی درچهل‌سالگی زندگی را بدرود گفت.

ز — امیل . زولا

«امیل ادوارد شارل آنتوان زولا» داستان نویس بزرك فرانسوی در دوم ماه آوریل سال ۱۸۴۰ در پاریس متولد شد و در ۲۹ سپتامبر سال ۱۹۰۲ در همان شهر جان سپرد . او در کالج «اکس» وسپس در مدرسه سن‌لوئی پاریس بتحصیل پرداخت . در این مدرسه او کمك‌هزینه تحصیلی دریافت میکرد . وی در سال ۱۸۶۰ پس‌از شکست در امتحان ادبیات مدرسه را ترك نمود . چند سالی در منجلاب فقر وبدبختی دست و پا زد وبالاخره در سال ۱۸۶۱ در بنگاه نشریات «هاشت» استخدام گردید . زولا اوقات بیکاری خود را بمطالعه آثار ادبی پرداخت و اندك اندك شروع به‌همکاری‌ با مجلات وروزنامه‌های پاریس کرد ومقالات انتقادی و داستان‌های کوتاه برای آنها فرستاد. درسال ۱۸۶۴ وی‌مجموعه داستان‌های خودرا بنام «داستان‌های نینون» انتشار داد . در این مجموعه بهترین داستان‌های اوجمع آوری شده‌است کارزولا باانتشار کتابهای تازه‌تری که در آن کوشش‌ها و رنجهای جوانی را منعکس کرده بودند تدریجاً رو به ــ پختگی میرفت . «آرزوی يك مرده» ازکارهای پخته اوست کـه در سال ۱۸۶۶ انتشار یافت .



زولا اندك اندك درآثار خود فجایع ، جنایات تعرض‌ها و بیعدالتی‌های جامعه را تشریح کرد . وی دردهۀ هفتم قرن نوزدهم تدریجاً شالودۀ رشته‌ای‌بنام «خانواده روگن‌ماگار» را پایه ریزی کرد . این اثر در عرض يك ربع قرن نوشته شد و زولا آنرا « تاریخ طبیعی و اجتماعی يك خانواده در عصر امپراتوری روم» نامید .

زولا از پایه‌گذاران مکتب ناتورالیسم بود . او درآثار خود واقعیات را با تلخترین‌و خشن‌ترین جنبه‌های آن تشریح میکرد . زولا از دریچه يك دانشمند دقیق و ریزه‌کار به‌زندگی می‌نگریست و بادقت خسته‌کننده‌ای آنرا نقاشی میکرد . اومیگفت: «من کثافت و مرض اخلاقی را نقاشی می‌کنم . »

داستان «نانا» که زولاآنرا در سال ۱۸۸۰ نگاشت نمونه‌ای از اینگونه آثار اوست . زولا درزمانی‌که باوج افتخار واشتهار رسیده بود باانتشار مقاله «من متهم میکنم» از دریفوس افسر کلیمی ارتش فرانسه دفاع‌کرد .

اما خود درسال ۱۸۹۸ بعلت مداخله در ماجرای دریفوس گرفتارشد و پس‌ازدومحاکمه آزادگردید .

مدتی پس‌ازآزادی هنگامی‌که او را احضار کردند به‌انگلستان گریخت وتا سال ۱۹۰۰ که متهمین توطئه دریفوس مورد عفو قرارگرفتند بفرانسه بازگشت .

امیل‌زولا در اواخر عمر مورد توجه شدید مردم قرارگـرفت و آکادمی فـرانسه او را بعضویت قبول‌کرد اما زولا دعوت آکادمی را نپذیرفت .

داستان‌های زولا بیشتر حاوی بررسی‌های دقیقی در شناسائـی مردم و خوی و نژاد و طبیعت آنهاست .

ژ آندره‌ژید



ژید در ۲۲ نوامبر سال ۱۸۶۹ درپاریس‌بدنیاآمد . پدرش از مردم کوهستانهای مرکزی فرانسه و مادرش از یك خانوادهٔ ، صنعتگر و بازرگان نرماندی بود. در پنجمین سال تحصیل براثر سوء رفتار از دبستان اخراج شد . ژید یازده ساله بود که پدرش مرد و هنگامی‌که مادر میخواست برای بار دوم او را بمدرسه بفرستد ــ ژید دچار حمله‌های عصبی شد ، ولی چون تشنه مطالعه بود‌آثار همه شاعران را میخواند و بالاخره موفق شد دیپلم ادبی را بگیرد . ژید در شانزده‌سالگی نخستین مراسم‌آئین پروتستان را بجای‌آورد اما تعلیمات‌کشیش چنان درنظرش خشك وخشن جلوه کرد که از‌آن گریزان‌گشت نخستین‌کتاب ژید «دخترهای‌آندره‌والتر» نام‌داشت. همین‌کتاب باعث شد‌که‌وی بتواند بادختر خاله‌اش (امانوئل) ازدواج کند .

مبارزه‌آدمی‌باشهرت مضمون اصلی‌دخترهای‌آندره‌والتراست. ژید پس‌ازانتشارابن‌کتاب ازمحضر مالارمه شاعر فرانسوی استفاده میکرد ودرانجمن ادبی اوشرکت میجست درهمین‌ایام بودکه ژید توسط لوئیس با پل‌والری‌آشنا شد . ژید نمایندهٔ ، هنر پیشرو بود . در یکی از جلسات انجمن ادبی مالارمه بودکه ژید با اسکاروایلد آشناگردید . جوانی ژید بیهوده سپری میشد و پرهیزکاری زیاده از حدش او راآزار میداد در این احوال ناگاه اندیشه سفردر سرش پیدا شد و بسوی صحراهای سوزان‌آفریقا رهسپارگشت. درالجزایر ذوقی بی‌نظیر برای زندگی و نیازی شدید برای زیستن و لذت بردن ژیدرا بسوی خودکشید. همه‌آثار او و بنیاد اخلاقی او برپایه‌های غرایزی‌است‌که ژید توانست دراین هنگام درخودبشناسد وآن‌ها راآزادبگذارد امادر همین سرزمین بودکه مرض سل بسراغش‌آمد . لذا از ادامه سفرسرباز زد وزمستان را درشهرکوچك بسکره بسر برد ودرهمین‌جا بود که دوران بهبودی وی‌آغازشد .کتاب مائده‌های زمینی نتیجهٔ دوران‌بیماری اوست . ژید پس‌ازبهبودی بفرانسه بازگشت اما شرق ودیدارافریقا دوباره وی را بدان دیارکشید. ژید یکبار دیگربفرانسه بازگشت. اما چون نوبه‌ای بدو دست داد یك‌لحظه اندیشه خودکشی ازذهنش‌گذشت. دراین‌احوال به‌خاطر بیماری مادرش به«لاروك» فرا خوانده شد . پس‌ازمرك مادر با مادلن‌روندو دخترخاله‌خویش ازدواج کرد . زناشوئی ژید محور زندگی وآثار اوست .

شهرت جهانگیر ژید روزبروز بالا میگرفت تا سرانجام درسال ۱۹۴۷ بدریافت جایزه جهانی نوبل در ادبیات نائل آمد . ژید در ۱۹ فوریه سال ۱۹۵۱ در سن هشتاد و دو سالگی بدرود حیات‌گفت.

این‌کتابها ازآندره‌ژید بفارسی برگردانده است .

۱ ــ مائده‌های زمینی توسط جلال‌آل احمد پرویز داریوش ، حسن هنرمندی ، سیروس ذکاء

۲ــ در تنك توسط عبدالله توکل

۳ ــ آهنك روستائی توسط اسحق لاله‌زاری

۴ ــ سکه‌سازان توسط حسن هنرمندی

۵ ــ بازگشت از شوروی توسط جلال‌آل‌احمد

۶ ــ پرومته سست زنجیر توسط عباس‌شوقی

۷ ــ تزه توسط محسن خواجه‌نوری ــ محسن فارسی

۸ ـ خاطراتی[۱] از اسکاروایلد توسط هوشنك ایرانی
۹ ـ تربیت زنان توسط محمد رکنی قاجار ـ ر . سیدحسینی و ع . توکل
سایر آثار آندره‌ژید بدین قرار است :
دفترهای یادداشت آندره والتر ، مسافرت اربان‌پالو، بی‌اخلاق، ایزابل ، زیرزمین های واتیکان، مذاکرات خیالی ، بازگشت کودك هرزه‌گرد ، مکتب زنان، دفتر سپید و دفتر سیاه ، سفر اورین ، باتلاقها ، فیلوکتت ، کاندول شاه ، شائول ، بهانه‌ها ، آمنتاس ، داستایوسکی ، اسکاروایلد ، بهانه‌های تازه، کریدون، اکنون با تو ، سفر به‌کنگو، بازگشت از حاد ، اودیپ، مائده‌های تازه ، دانشهای روزانه ، هانرومیشو راکشف کنیم ، و اکنون در توآرمیده است .

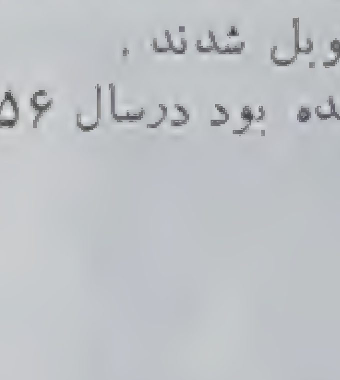
فردریك‌وایرن ژولیو



متولد نوزدهم مارس ۱۹۰۰ پس‌ازاتمام تحصیلات به‌مطالعه آثار ژول‌ورن وکتاب عجایب پرداخت. مطالعات آثار ژول ورن وکتاب عجایب علم اثری فوق‌العاده در اوگذاشت بطوریکه وارد مدرسه فیزیك و شیمی شد . پس‌از اتمام دوره تحصیل با درجه مهندسی واردیکی ازکاخانه‌های صنایع سنگین لوکزامبورك گردید ولی این‌کار جلب توجه او را نکرد و به‌پاریس مراجعت کرد .
در پاریس بعنوان دستیار درآزمایشگاه دانشمند نامی مادام‌کوری مشغول‌کار شد
ژولیو پس‌از مدتی‌کار در این‌آزمایشگاه با ایرن‌کوری دختر مادام‌کوری‌که در همان آزمایشگاه عنوان دستیار مادرش را داشت ازدواج نمود .
در یکی از روزهای سال ۱۹۳۴ هنگامی‌که مشغول بمباران صفحه آلمینیومی بودند متوجه‌گردیدندکه جسم حاصل مانند رادیوم خواص رادیوآکتیویته از خود ظاهر میکند .
بدین‌ترتیب‌متوجه شدندکه ازبمباران‌آلمینیوم بوسیله اشعه‌آلفا فسفوررادیواکتیوحاصل میشود بعداز این اکتشاف ایرن‌کوری بسمت استاد سوربون و فردریك‌ژولیو بسمت استادکولژ دوفرانس انتخاب‌گردیدند و هردو در سال ۱۹۳۵ موفق باخذ جائزه نوبل شدند .
ایرن‌کوری یا ایرن‌ژولیوکه در دوازدهم‌سپتامبر۱۸۹۷ متولد شده بود درسال ۱۹۵۶ وفات یافت .

سعدی

شن



شیخ‌مشرف‌الدین مصلح‌بن‌عبداله سعدی‌شیرازی، بزرگترین نویسنده و شاعر ایران در حدود سال ۵۸۰ وبروایتی‌بسال ۶۰۴ هجری در شیراز بدنیاآمده است . پدر وی نابهنگام درگذشت و در سال ۵۹۱ هجری‌که اتابك زنگی بحکومت فارس رسید باد‌امه تحصیل اودرمدرسه نظامیه بغدادکمك نمود وبدین ترتیب دوران تحصیلی او شروع شد . سعدی درهمین دوره زیر نظر استاد خود شیخ شهاب‌الدین‌سهروردیه موسس‌سلسله سهروردیه‌به‌تحصیل‌عرفان مشغول شد. در نتیجه حمله مغول حامی اوسعدبن زنگی ملك‌فارس را از دست داد، هرج ومرج بفارس روی‌آورد ومردم‌آن سرزمین پریشان حال شدند و عده‌هم جلای وطن‌کردند ازآن جمله سعدی بودکه خاك غریب را بروطن ترجیح داد و عزم سفرکرد

و بسیاحت شام ، فلسطین ، آسیای صغیر ، شمال آفریقا ، هندوستان و بسیاری کشورهای دیگر رفت در این جهانگردی با مردم جهان آشنا شد در این دوران سختی‌ها و خوشی‌ها ، گرمی‌ها و سردیهای روزگار او را پخته‌نمود و تجربه‌ها آموخت و بمولد خویش شیراز مراجعت کرد در این زمان در شیراز آرامش و صلح بار دیگر برقرار شد و فرزند ولینعمت سابق اتابك ابوبکربن سعد زمام امور را بدست گرفته بود شیخ سعدی بدربار اتابك راه یافت و دوره سوم زندگی خویش را شروع نمود وی تخلص خود را از اتابك سعدبن زنگی گرفت . در این‌زمان سعدی‌به‌تألیف‌وتصنیف پرمغزترین‌منظومه‌های‌پندآموزخودکه نتیجه ۳۰ سال تجربه‌وجهانگردی و مردم‌شناسی بود دست زد این اثر بزرك به‌بوستان معروف است که آنرا سعدینامه‌هم میگویند. وی در سال ۶۵۶ دومین اثر خودگلستان را عرضه نمود .گلستان شیواترین نثر فارسی است که بصورت حکایات اخلاقی و اجتماعی در هشت باب نوشته شده است .

دیوان سعدی شامل قصاید ، قطعات ، غزلیات، ترجیعات ، رباعیات است . سعدی درسال ۶۹۱ هجری وفات یافت مدفن وی در خانقاه شیراز درکنارآب رکن‌آباد است .

سافو



زیباترین شاعره یونانی است که سبکی خاص در شعرگفتن پدیدآورد و درموسیقی وآواز استاد بود. چندین بار درفعالتهای سیاسی تبعید و مغضوب شد ولی زود از سیاست کناره گرفت و فقط بعشق وهنردل سپرد اما عشق او عشقی عادی نبود، عشقی بودکه هنوزهم در دنیا به(عشق سافو) مشهوراست .

وی عمری در بروی عشق مردانی کـه پروانه‌وار بدورش طواف میکردند بست و فقط زنان زیبا را نزد خود پذیرفت .

با اینهمه روزی حس‌کردکـه خودش عاشق مردی شده است . ناچار درصدد برآمدکـه انتقام خود را از این دل بستاند . یك روز جامهٔ بسفیدی برف و لطافت بامدادی برتن کرد و چنك خویش را برداشت و به‌بالای صخره بلندی در کنار دریای (لسبوس) رفت و نغمه‌ای بافتخار الهه عشق و بینائی‌ساز کرد وسپس خودرا بدرون امواج افکند . هنگام مرك سی وچند سال داشت .

فرانسواز ساگان

این نویسنده فرانسوی تحصیلات خود را در پاریس‌باتمام رسانید وهنگامیکه فقط ۱۸ سال داشت اولین‌کتاب خود را بنام «سلام برغم» منتشرکـرد . و شهرت بسزائی بدست آورد ، بطوریکه‌کتابش درکلیه محافل ادبـی فرانسه مورد بحث قـرارگرفت و در عرض مدت قلیلی بیش‌از نیم میلیون فرانسوی‌کتاب وی را خواندند .

صراحت لهجه و مهارت شگفت‌آور ساگان در بیان و احساسات و غرائز و تمایلات و تجزیه و تحلیل روانی سالات و روحیه‌های افراد وی را در شمار نویسندگان معروف فرانسه درآورده است .

کتابهای ساگان‌که بفارسی برگردانده شده بدین قرار است :

سلام برغم توسط مقدم ـ مهدی اسفندیاری
یکنوع لبخند توسط محمود پورشالچی
در یکماه ، در یکسال توسط ادیبی
آیا براهمس را دوست دارید توسط ادیبی
ابرهای شگفت توسط فروغ مصباح‌زاده

جو ناتان سویفت

سویفت یکی ازبزرگترین نویسندگان ایرلند است که نثررا به فصاحت سعدی مینوشته‌و مانند عبیدزاکانی به‌طنزوطیبت ازاوضاع زمان انتقاد میکرده است .



SWIFT

وی درسال ۱۶۶۷ درشهر دبلین پایتخت ایرلند ازپدر و مادری انگلیسی بوجودآمد وپس ازپایان تحصیلات عالی ـ منشی یکی ازاشراف نامدار انگلستان شد وبعد ازچندین سال بریاست کلیسای ایرلند نائل‌آمد.

سویفت درمبارزه‌ای‌که بین دولت انگلیس وملت ایرلند درگرفت عامدارجنبش ملی‌ایرلند شدودردل مردم‌آن سامان‌آتشی روشن‌کردکه هنوز نمرده است .

این‌مرد بزرگ درپایان عمر عقل وهوش خودرا ازدست داد وعاقبت درسال ۱۷۴۵ بسن هفتادوهفت سالگی دیده ازجهان فروبست .

«سفرنامه‌گالیور» ازشاهکارهای انتقادی نثرانگلیسی‌است‌که بدست این‌نویسندهٔ معروف نگاشته شده است وهنوزهم مایه لذت وسرگرمی‌کودکان وبزرگ سالان است .

سایرکتابهای اوبدین‌قراراست:

جنك وستیز کتابها ، قصه لاوك ، دفتر ثبت وقایع روزانه بـرای استلا ، لك‌نوس دوان (منظومه) ، نامه‌های بزاز، دادخواست خانم فرانسیس هاریس (سفرنامـه) اندیشه‌ای درباره دسته جارو (هجو)، نصیحتی به‌کلوب اکتبر، چکامه پینداری، سخنرانی درباره تصمیمات آتن و رم، بوسیس‌وفیله مون (داستان منظوم)، رهبری متفقین ، یاران شهر، چند اندیشه‌آزاددرباره وضع کنونی دولت ، پیشگوئی ویندسور ، پیشگوئی مرلین ، داستان خانه وانبرو» پیشنهاداتی درباره پیشرفت زبان انگلیسی ، تاریخچه چهارسال آخر سلطنت ملکه «آن» مسافرت بداخل چندکشور دوردست دنیا، دستور عملهائی برای خدمتگذاران (هجو)،گفتگوی مؤدبانه، باشگاه هنك، پیشنهاداتی درباره‌این‌که چگونه باید اطفال را تربیت نمود تاسرباروالدین وکشورشان نباشند .

سپینوزا



SPINOZA

باروخ اسپینوزا فیلسوف بزرك ایتالیائی یکی‌ازشخصیت‌های بزرك قرن هفدهم است . اودر ۲۴ نـوامبر ۱۶۳۲ درخانه پدرق تولد . اسپینوزا اول مدرسه عبرانی جامعه یهود راتمام‌کرد وبعد دارالتعلیم مذهبی «پری‌را» راگذراند . از پدر خود میشل، زبانهای اسپانیولی‌وپرتقالی راآموخت وسپس بآموزش زبان‌لاتن پرداخت وبکمك شخصی‌موسوم به«وان‌دن‌اندن» فیزیك وریاضیات وطب را یاد گرفت .

«وان‌دن» بسیاری مسائل علمی دیگر را هم بشاگرد نابغه خودآموخت واو را بفلسفه وطرزتفکر اسکولاستیك ودکارت آشنا ساخت .

اسپینوزا بعلت تعلیمات علمی کم‌کم بمبادی مذهبی بی‌اعتقاد شد. این عدم توجه اورفته رفته‌آشکارگردید . زیرا بطور نامرتب بمعبدکلیمیان رفت ومناسك وآداب مذهبی‌را بفراموشی سپرد وسخنانش درمؤمنین مذهب یهود هیجان وعصبانیت تولیدکرد . کوششهـای فراوانی از طرف مقامات مذهبی برای بازگشت اسپینوزا بمذهب معمول‌گردید ودرهرحال بی‌نتیجه ماند . زیرا اسپینوزا باطرز تفکرجدید خود هرگز نمیتوانست یك قدم بعقب برگردد. نسبت باوسوء

قصدی بوسیله یك فرد متعصب بعمل آمد ولی اسپینوزا جان سالم بدر برد و بعلت عدم تأمین جانی آمستردام را ترك گفت وبالاخره جامعه یهوددرماه ژوئیهٔ ۱۶۵۶ حکم تکفیر اسپینوزا را صادرکرد ومعاشرت بااورا ممنوع ساخت .

اسپینوزا بعدازتکفیر یادداشتهائی دردفاع ازخود نوشت که متأسفانه این یادداشتها از بین رفته است .

اسپینوزا یکی ازشخصیت‌های فلسفی بزرك جهانست که مبارزه عقیدتی اوعلیه مذهب و کلیسا مهم وقابل‌توجه میباشند. کتاب «اصول فلسفه دکارت» اودر ۱۶۶۴ منتشرشد وسروصدای زیادی را موجب شد. شهرت فراوان اسپینوزا براثر مصاحبات ومکاتبات فلسفی اوبا دوستانش بود . دراین مکاتبات و مصاحبات اصول عقاید خودرا تشریح میکرد و با شخصیت‌های بزرگی همچون «لایب نیتس» و «نیوتن» آشنائی ومراوده داشت .

مرك اسپینوزا در ۲۱ فوریه سال ۱۶۷۷ اتفاق افتاد . درآنوقت چهل‌وچهارسال‌داشت درکتابخانه اسپینوزا آثاردکارت منطق‌پوررواپال، عناصرفلسفه هوبس ــ علم‌معانی وبیان‌ارسطو نامه‌های‌سنگ ، رساله ایی‌کتت ــ مکالمه اموات اثر لوسین وخلاصه آثارسن اوگستن ، تورات، انجیل جمع‌آوری شده بودکه بعدازمرك اوبجای ماند.

بعدازمرك اسپینوزا کتاب علم اخلاق ــ رساله سیاست وبهبود عقل او بــوسیله دوستش ژان‌ریوورز درآمستردام منتشرشد . «رنان» میگوید «اسپینوزا مردی بودکه عمیق‌تر ازهرکس درخدا نگریست.»

زندگی اسپینوزا درنهایت قناعت و صرفه‌جوئی گذشت . این مــرد بزرك اوقات فراغت خودرا بساختن وصیقلی‌کردن شیشه عینك می‌گذراند واز دسترنج خــود امرارمعاش میکرد . اسپینوزا متفکربزرگی بودکه بجنك‌کاتولیك‌ها رفت وموفق شد .

سقراط



سقراط در سال ۴۶۹ قبل‌از میلاد درآتن متولد شد .

پدر سقراط پیکرتراش و مادرش قابله بود سقراط هندسه و نجوم و موسیقی و ورزش را کــه دانش متداول آن زمان بود بخوبی‌آموخت .

باید متذکر شدکه نــوشته‌هائی از سقراط در دست نیست چون‌تعالیم اوهمه باسئوال وجواب بوده بنابراین درباره معلومات او قضاوتی نمیتوان‌کرد .

سقراط باسوفسطائیان‌که درآنزمان درآتن بودند بمباحثه میپرداخت از اینرو در این فن بسیار ورزیده و استاد شده بود .

دوران خدمت سربازی را بدلیری‌گذراند واز سختی ودشواریها بیمی نداشت .

زندگی سقراط ساده ودور از جمل بود .

هدف سقراط درزندگی توسعه دانش بود زیرا عقیده داشت که دانش موجب فضیلت و جهل مایه رذالت می‌شود. سقراط را در سال ۳۹۹ قبل‌ازمیلاد بجرم فاسدکردن اخلاق جوانان وبی‌اعتقادی بخدایان محاکمه وبمرك بانوشیدن جام «شوگران» محکوم نمودند .

ش

جرج . برنارد. شا

جرج . برنارد . شا درسال ۱۸۵۶ متولد شد و در خانواده محترمی پرورش یافت ، در بیست سالگی تصمیم‌گرفت که ادبیات را حرفه خود قرار دهد وبدین جهت به‌لندن رفت ومدت نه سال درآنجا بگمنامی‌گذراند تمام مزدی‌که دراین مدت ازبابت داستانهایش دریــافت نمود



فقط شش لیره بوده است .

پنج داستان درطی سالهای ۱۸۷۹ و۱۸۸۳ نوشت که مورد توجه قرار نگرفت ، سپس عضو انجمن فابیان شد و مدتی هم در مجله «پال مال» انتقاد مینوشت وچندی بعد هم درساتردی ری‌ویو مقالات انتقادی درباره نمایش نوشت وازهمین زمان بطرف آینده روشنی قدم‌گذاشت .

درسالهای ۱۸۹۱ و ۱۸۹۸ چهارنمایشنامه نوشت که تا سال ۱۹۰۴ بروی صحنه نیامد .

اولین نمایشنامه‌اش که در امریکا شهرت یافت « سلاحها و انسان» نام داشت وبوسیله نمایشنامه «جزیره دیگر جان بول» درانگلستان مشهورشد .

ازآثار ارزنده شا کار وپیشه خانم وارن ، میجر باربارا ، هارت برك هوز، سنت جان، باك تونتوزلا را می‌توان نام برد .

شا که در نمایشنامه نویسی، انتقاد ازنوابغ عالم بشمارمیرود در دوم نوامبر ۱۹۵۰ در ۹۴ سالگی زندگی را بدرود گفت .

شا در عین حالی که معتقد بسوسیالیسم بود ولی در مدت عمر خود را پای بند بهیچ دسته‌ای ننمود وعقاید وافکارخویش را بالطیفه زیبائی که مخصوص خودش میباشد بیان میکرد.

فرانسواز . رنه شاتوبریان

«فرانسوا رنه شاتوبریان» نویسنده‌معروف وشاعرفرانسوی‌جوان‌ترین‌پسریکی‌از کنت‌های فرانسه درچهار سپتامبر ۱۷۶۸ در «سان مالو» بدنیا آمد او یکی ازدرخشان‌ترین چهره‌های ضد انقلاب فرانسه بود . فطرت شاعرانه او در کودکی تحت تأثیر عوامل خاصی مانند خود- داریهای اسرار آمیز پدر وتقدس زیاده از حد مادر ، و سنن خاندان قدیمی‌اش و ممچنین افسانه‌ها ورسوم محلی ومظاهر طبیعت بخصوص دریا بروزکرد . صمیمی‌ترین دوستش خواهرش «لوسیل» بود. این دختر قلب حساسی داشت وزندگی خودرا وقف مذهب وبرادرش ساخته بود . شاتو بریان نخست میخواست کشیش شود بهمین‌جهت بمدرسه‌کشیشان رفت اما پس‌ازچندی تصمیم خود را تغییر داد ودر نظرگرفت که بارتش فرانسه وارد شود. در سال ۱۷۸۸ فرمان عضویت درهنگ شوالیه‌های مالتارا دریافت داشت. او در پاریس باسیاری ازشخصیت‌های روز آشنائی یافت واز همه آنان خاطراتی درکتابهایش آورده است . درسال ۱۷۹۱ بامریکا رفت تادرکشف نقاط شمال غربی آن سرزمین شرکت کند .



در سال ۱۷۹۲ بایك دختر هفده ساله ازدواج کرد که ثروتی هنگفت بخانه شوهرش آورد . شاتوبریان پس‌از چندی بانگلستان سفرکرد . ودر فقر وفاقه دست وپا زد او درموقع تبعید در انگلستان یکی ازبهترین آثارش راکه تصویر زنده و شور انگیزی از زندگی سرخ پوستان امریکاست خلق کرد در آثار او دو چهرهٔ بارز بچشم میخورند . یکی رنه ودیگری آتالار .

نخستین اثرشاتوبریان اثری‌بود بنام «مقاله‌ای تاریخی، سیاسی واخلاقی درباره‌انقلاب» او دراین‌کتاب خودرا متفکری متوسط‌الحال که نه شاه پرست ونه انقلابی‌است معرفی‌کرد. او در مورد مذهب آزاد اندیش و از مریدان روسو بود . مرك مادرش ضربه بزرگی باو زد و برادرش در سال ۱۷۹۴ بدارآویخته شد وخواهر وزنش بزندان افتادند . خواهرش درزندان

درگذشت وهمه اینها موجب افسردگی خاطرشدید اوشد. درسال ۱۸۰۰ به پاریس بازگشت و «جلال‌مسیحیت» رانگاشت. این‌اثریك شاهکارارزنده هنری است. تالیران وزیرخارجه ناپلئون درسال ۱۸۰۳ اورابسمت وابسته سفارت فرانسه دررم منصوب کرد . دراینجا «مادام دوبوسون» بااوبود ودرهمین شهردرگذشت. اوبزودی پس‌ازمرك معشوقه ازسمت خودکناره‌گیری کرد ودر سال ۱۸۰۷ ازناپلئون انتقاد شدیدی کـرد واورابـه «نرون» تشبیه‌کرد ودرنتیجه روزنامه او توقیف شد.

درسال ۱۸۱۴ آثارسیاسی خودراکـه برضد ناپلئون نوشته شده‌بود انتشارداد وازاین جهت لوئی‌هیجدهم اورا بعنوان ارزنده‌ترین مردسیاسی معرفی کرد وسمت وزارت کشور فرانسه را باوداد. امااوپس‌ازچندی باخاندان سلطنتی نیزدرافتاد ودرسپتامبر۱۸۱۶ مغضوب واقع شد وناچارگردید خانه ییلاقی‌وکتابخانه‌اش رابرای مخارج روزانه‌اش بفروش‌رساند.

درزمان سلطنت لوئی‌فیلیپ وی‌درعین‌ناامیدی میزیست ودرهمین دوره‌بودکه اثرمعروف میلتون شاعرانگلیسی رابنام «بهشت گمشده» ترجمه کرد. شاتوبریان درچهارم ژوئیه‌سال۱۸۴۸ درگذشت . اودرپانزده سال‌آخرعمرش خاطرات پس‌ازمرك رانگاشت وبیك ناشر سپرد تاپس‌از مرگش انتشاردهد اماناشربعهد خودوفانکرد وآنرادرزمان حیاتش منتشرساخت.

اودراین‌کتاب غرور خـودپرستی وعـدم صداقت خودرا بخوبی نشان می‌دهد ، آثاراو آمیخته‌ای ازسبك کـلاسیك ورمانتیك است ودرآنها لطافت، احساس قـوی، ظرافت هنری و دلشکستگی ونومیدی بچشم میخورد، چنانکه بسیاری ازجوانان قرن نوزدهم پس از خواندن آثاراو خودکشی می‌کردند .

ویلیام . شکسپیر



ویلیام شکسپیر نابغه‌ای‌که جهان تاکنون همپایه‌اش ندیده دربیست‌وسوم آوریل ۱۵۶۴ درشهر (استرانفورد ـ ان‌آون)متولد شد .

باوجودآنکه شکسپیر یکی‌ازبزرگترین نویسندگان ادوار جهان‌میباشد وتمام‌آثارش جاودانی‌است ولی‌ازندگی اواطلاع‌کمی بیش دردست نیست .

حتی‌بعضی معتقدندکه چنین‌شخصی نبوده‌است .

شکسپیرمدتی درمدرسه (استراتفورد) بتحصیل مشغول‌شد وزمانی‌هم بشغل‌قصابی اشتغال داشت. اوتنها در نمایشنامه نویسی استادنبود، اشعاری‌کـه او سروده در ردیف نمایشنامه‌هایش قراردارد. (اتلله ، تاجرونیزی، مکبت، هاملت، طوفان، رویای‌نیمه شب تابستان، لیرشاه و...)

ازاشعار او«ونوس وآدونیس» و«هتك‌ناموس‌لوکرس» رامیتوان‌نام‌برد. شکسپیرکه‌مردی سخاوتمند وباگذشت وعاری ازخودپسندی بوددرسال ۱۶۱۶ زندگی‌را بدرودگفت .

فرانس . پتر . شوبرت

درقریه لیختنتال نزدیکی‌وین درسال۱۷۹۷ بدنیاآمد. پدراومعلم بودوزندگانی‌محقری داشت .

پتردردوازده سالگی‌بدسته‌آوازدربارتوسط پدرش‌معرفی‌شد ومدت‌پنج‌سال درآموزشگاهی بنام «کنویك» درس‌موسیقی خواند.

برای امرارمعاش وپیداکردن شغل‌تلاش فراوان‌کرد وناچار مجبورشد تصنیف‌آهنك‌کند ولی‌موفقیتی بدست‌نیاورد. بالاخره درمدرسه‌ای‌که پدرش‌معلم بودباحقوق‌کمی استخدام‌شد. ولی ازاین‌کار راضی‌نبود تااینکه دریك تعطیل تابستان توانست برای تدریس‌موسیقی همراه‌فرزندان

کنت استرهاتی بیکی ازییلاقهای هنگری برود ولی پس‌ازپایان تحصیلات شغل خود راازدست داد. شوبرت درتمام عمر نتوانست بزندگی محقر خود سروصورتی بدهد... تمام روزرا آهنك میساخت وعصرها بادوستان متعدد خود درمیخانه‌ها جمع و بخنده وشوخی مشغول میشدند ویا بصدای بلند آواز میخواندند. شوبرت برخلاف بتهوون مقام و شخصیت واقعی خودرا درك نکرد ودوستانش هم نمی‌توانستند باور کنند کسی که هر روزبا آنها میخندد و تفریح می‌کند اهمیت جهانی دارد ویکروز آثارش درسراسرجهان مورد احترام قرارخواهدگرفت. سه‌سال‌قبل ازمرگش بودکه سنفونی ناتمام را نوشت. باآنکه دوثلث از آثار



شوبرت حاکی ازعشق شدید وهیجان آمیزاست معهذانکته شگفت‌آور اینست که هیچکس در زندگانی اواین عشق‌وعلاقه رابخود معطوف‌نکرد. داستانهائی برای عشق شوبرت جعل‌کرده‌اند ولی‌هیچیك ازآنهاحقیقت ندارد. تنهایکبارشوبرت درصددبرآمد بادختریکی ازدوستان‌پدرش ازدواج کند. درآن زمان اومعلم بودوحقوق سالیانه‌اش از۴۰ فلورین تجاوزنمیکرد باین‌جهت بفکرعایدی دیگری افتاد واین‌کارآنقدر طول‌کشیدکه دخترك بامرد دیگری ازدواج‌کرد.

مردم هیچگاه ازکنسرت‌های شوبرت استقبال‌نکردند. حتی‌آخرین‌کنسرت اوکه‌بمناسبت سال‌وفات بتهوفن برپاشده بودموفقیت زیادی‌نداشت. چندماه بعدشوبرت بمرض‌تیفوس دچارشد ودرشب ۱۶ نوامبر ۱۸۲۸ زمانی‌که فقط ۳۱سال ازعمرش می‌گذشت درگذشت واو را هماظور که وصیت‌کرده بوددرجوار آرامگاه بتهوون‌بخاك سپردند.

شوبرت جوان‌ترین آهنگسازی است‌که درعمرکوتاه خود بمقام موسیقیدان‌های بزرك رسید اما فقط بعدازمرگش مقام حقیقی خودرا احرازکرد.

سنفونی‌بزرك او(شماره۹) شش‌سال بعدازمرگش توسط شومان‌کشف شد. ولی عجیب‌تراز همه‌داستان سنفونی‌ناتمام شوبرت است‌که اصلا درسال۱۸۲۲ تصنیف شده و۴۲ سال‌بعدکشف‌شد.

فردریك . شوپن

در۱۲ فوریه ۱۸۱۰ دریکی از قراء نزدیك ورشو بدنیا آمد. پدرفردریك فرانسوی بودودرجوانی به‌لهستان‌آمد بود اما مادرش لهستانی‌بود ودراین‌نسب شوپن ازنژاد اسلاواست.

وضع لهستان دردوره اومتشنج بود.

فردریك ازهفت سالگی باپیانوآشنا شد. درهشت سالگی کنسرت اوباموفقیت بی‌نظیری استقبال‌شد.



وقتی‌که الکساندر اول‌تزارروسیه به‌ورشوآمد شوپن در حضوراوپیانو نواخت وبدریافت یك انگشترالماس نائل‌شد.

شوپن وقتی‌کنسرت پاگانینی‌رادرورشودید بفکرافتاد که قدرت اورا درموسیقی بدست‌آوردو باین منظورسفری‌باآلمان‌کرد و باپیانیست‌های‌مشهورآشناشد.

شوپن‌خیال داشت به‌لهستان برگردد اماباوخبردادندکه ورشواستقلال جزئی خودرا هم ازدست داده وسربازان روسی شهرراا‌شغال‌کرده‌اند وبسیاری ازدوستان اوراکشته‌اند. این خبر تأثیربدی درروح جوان‌وحساس‌شوپن باقی‌گذاشت بطوریکه بفکریك انقلاب بزرك برای‌آزادی لهستان افتاد. دراین‌واقعه شوپن اتوداپوس۱۰ شماره۱۲ رابنام اتودانقلابی تصنیف‌کرد وبرای میهن‌پرستان لهستان باقی‌گذاشت. وبعدازآن دیگربوطن خودمراجعت نکرد وبفرانسه رفت. درنخستین‌کنسرت شوپن که درپاریس داده‌شدلیست ومندلسون حضورداشتند واورا تحسین‌کردند

ودوستی شوپن با لیست ازهمانجا آغازشد. بعدازکسب شهرت شوپن‌سفری بآلمان کرد درآنجا با دوست دوره کودکیش ماریاودزینسکا که دخترزیبائی‌شده‌بود ملاقات کرد. پس‌ازمدتی‌شوپن‌باماری نامزد شدندولی‌بعلت ضعف مزاج ومضیقه مادی شوپن خانواده ماری ازازدواج این دو دلداده مخالفت کردند ونامزدی آنها بهم‌خورد. ماریا باکنت لهستانی ازدواج کرد ولی‌پس ازمدتی ازاو جداشد وتاآخرعمرخود خاطرشوپن رافراموش نکرد تنهایادگار اووالس وداع بود که شوپن در روزقطع روابط نامزدی باوتقدیم کرده بود.

پس‌ازاین‌واقعه شوپن بپاریس مراجعت کرد، درپاریس درمنزل کنتس داگومحبوبه لیست برای اولین‌بار ژرژسان را ملاقات کرد. درآن‌وقت شوپن ۲۲سال وژرژسان ۳۲ سال داشت. ژرژسان زن نویسنده‌ای بود که باانتشارکتاب ایندیانا مشهورشده‌بود. اوازبین‌صدها مرد که او رااحاطه کرده بودند شوپن‌راانتخاب کرد وابتدا خوداوبشوپن اظهارعلاقه کرد. شوپن در اوایل نتوانست عشق اورابپذیرد ولی بتدریج چنان باومانوس‌شدکه بهیچ‌علتی‌نمیخواست اززندگی با اوچشم بپوشد.

شوپن وژرژسان باهم بجزیره ماژورك مسافرت کردند ولی‌درآنجا حال‌شوپن بدترشدو ناچارمراجعت کردند. بعدازاین مسافرت شوپن‌واقعاً عاشق ژرژسان شد. ژرژسان درهمه اوقات مراقب شوپن‌بود ومانند مادری ازاوپرستاری می کرد.

ولی‌بالاخره بواسطه اختلاف خانوادگی فرزندان ژرژسان شوپن، ناچارشدازاوجدا شود ولی‌نامه‌های ژرژسان وچندتارموی‌اودرپاکتی‌که درحرف شوج یعنی‌ژرژوفردریك روی‌آن‌نوشته بودبعد ازمرك اوبین‌آثارش پیداشد.

درژانویه ۱۸۴۹ شوپن تقریباً بحال احتضاربفرانسه مراجعت کرد. دوستانش برای او یك‌خانه اجاره کردند وسه‌تن‌ازپزشکان فرانسه اورا تحت‌مراقبت قراردادند ولی‌اودر۱۷اکتبر ۱۸۴۹ وفات‌یافت واورا درآرامگاه پرلاشز بخاك سپردند باین‌ترتیب یك‌جسم ضعیف ازمیان رفت ویك‌روح بزرك ازخود باقی‌گذاشت.

آلبرت شوایتزر



SCHWEITZER

«آلبرت شوایتزر» فقیدپسردوم‌یکی‌ازکشیشان‌بود وخودنیز درسن بیست‌سالگی صاحب یك‌کرسی علوم مذهبی‌شد. در۱۴ژانویه سال۱۸۷۵ درآلزاس (فرانسه) بدنیاآمد. استعداد وذوق‌موسیقی راازپدربزرك مادرش بارث برد و بهمین جهت درپنج سالگی ارك هارمونیوم (ارك‌کوچك) ودرهشت سالگی‌ارك مینواخت. آلبرت شوایتزردردانشکدهٔ علوم یکی‌ازشاگردان بسیارباهوش وبااستعداد درقسمت حکمت الهی‌وفلسفه بود وپس‌ازچندی افکاری ازاوبتراوش کرد که شهرت جهانی یافت. بااینحال چون ملاحظه کرد که دراین‌رشته ازعلوم ودانش نمیتواند خدمتی راکه بایدوشاید نسبت بمردم انجام دهداین‌بود که بعلم پزشکی‌روی برد وپس‌از اینکه شش‌سال تحصیل علم طب کرد وطبیب‌شد یکسال‌هم طب مخصوص‌مناطق حاره راتحصیل نمود واز آن پس‌عمرخودرا وقف خدمت بسیاه‌پوستان افریقا کرد.

درسال۱۹۱۴ در«گابون» واقع درمنطقه استوائی‌افریقادرنقطه‌ای بنام «لامبارنه»مستقر شدوبادست خویش‌بنای بیمارستانی‌را شروع کرد تاسیاهان افریقائی بیمار را درآنجا بستری و معالجه کنند، هزینهٔ ساختمان این‌بیمارستان راازمحل درآمد کنسرت وآثار قلمی‌اش تامین کرد.

خانمش‌بنام «هلن‌برسلو» که درسال۱۹۱۲ بااوازدواج کرد. درتمام‌کارها وتمام‌اقدامات شوهرش باو کمك کرد.

آلبرت شوایتزر قسمت عمده عمرخویش‌را درجنگلهای افریقا و بپرستاری ومعالجهٔ سیاه‌پوستان گذرانید .

جایزهٔ صلح نوبل بخاطر خدمات نوع دوستی باوداده شدووی بنام «بزرگترین پزشك صلح» معروف گردید .





SCHOPENHAUER

شلی

«پری بیش شلی» شاعر انگلیسی قرن نوزدهم در۱۷ سالگی بعلت انتشار کتابی که دررد مذهب نوشت از دانشکده اکسفورد اخراجش کردند وخانواده‌اش نیزازپذیرفتن اوسر باززد واوناچار بسویس رفت . وی درزندگی کوتاه خودعشق و شهرت وافتخار و تبعید وغربت وناکامی‌همه راآزمود وهنگامی که نبوغ او باوج درخشندگی خویش‌رسیده بودهنگام مرك فقط سی‌سال داشت.

آرتور . شوپنهاور

آرتورشوپنهاور فیلسوف آلمان درسال ۱۷۸۸ دردانتزیك بدنیاآمد. پدرش تاجرو سرمایه‌داربود امااورغبتی بتجارت‌نداشت وتحصیل‌علم راخوشترمی‌دانست. چون به‌هفده سالگی رسید پدرش‌درگذشت. مادرش که نویسنده معروفی‌بود به‌پسرعلاقه نداشت وبزودی مادروپدرجدا شدند وهمه‌جاازیکدیگربد می‌گفتند وآثاریکدیگررا مسخره می‌کردند.نامه‌های استهزاءآمیز بیکدیگرمی‌نوشتند . گفته می‌شود عدم برخورداری شوپنهاورازمهرمادری درآثاراوتأثیربسزائی بگذاشته است .

شوپنهاور پس‌ازاتمام تحصیلات خود باگوته شاعرمعروف آلمان آشناشد وبه‌سبب آمیزش بایکی ازخاورشناسان ازعقاید هندوها وبودا آگاه گشت ونسبت به‌بودا وتعلیمات بودائی اعتقاد تام یافت. اوبه‌تحصیل معاش‌احتیاجی‌نداشت اماطالب نام افتخارآمیزبود. زمانی‌خواست‌استادی کند اماکارش نگرفت وشاگردان به‌محضر«هگل» استاد دیگرآلمانی می‌رفتند بهمین‌جهت اوبا هگل مخالف‌شد . اودرسی سالگی کتاب اساسی‌خودرا تحت عنوان «جهان نمایش واراده است» منتشرکرد اماکتابش هم‌طرف توجه واقع نشد وشوپنهاورسخت ازمردم روزگار رنجید واز این که نسبت به‌اثرعظیم اوقبال‌نکردند ناراحتی شدیدی احساس‌کرد .

اوطبیعت ناآرام ومتزلزلی داشت . نثرش‌مانند دریاآرام وژرف است . اوازقلب مطلب صحبت میکند وحاشیه نمیرود. وی عصبانی‌وبهمه ظنین‌بود. ازدواج‌نکرد، هرشب باهفت تیری که زیربالش‌می‌گذاشت میخوابید وهرروزبا سگش‌براه می‌افتاد وتندوتندراه میرفت. زندگانی را درانزواگذراند. جزکتاب «جهان نمایش‌واراده است» کتاب اساسی دیگر منتشر نکرد ودر هفتاد ودوسالگی بمرك ناگهانی‌درگذشت . درسالهای آخرعمرطرف توجه‌قرارگرفته بودوکم کم اشتهاریافته بود. دراین ایام زنی‌مجسمه اورا ساخت واین امرباعث شدکه اونسبت بزنان خوشبین‌ترشود . شوپنهاور ازحکمای معدودآلمانی است‌که نویسنده خوبی بود ونگارشهایش مفهوم ودلپسند بود .

شوپنهاور باکسانی‌که فلسفه را مایه معاش‌خود ساخته بودند و آنرا خادم دین و دولت کرده بودند مخالف بود. اومی‌گفت : اینان بافلسفه زیست می‌کنند نه برای فلسفه اوبا هگل وخلاصه باهمه فلاسفه جزافلاطون وبودا وکانت مخالف بود ومی‌گفت مردم‌باخواندن کتابهای کانت باین‌نتیجه رسیدندکه سخن هرچند پیچیده وتاریك ومعلق باشد ممکن‌است بی‌معنا نباشد ازاین‌رو فیخته وشلینك ازاین امرسوء استفاده‌کردند ودر فلسفه تارعنکبوتهای زیبا بافتند .

مذهب اواصالت تصور ووحدت وجوداست. اومی گفت جهان وهرچه دراوهست عوارض‌وحوادث ونمایش‌است وآنچه ماادراك می کنیم مصنوع ذهن‌خودمان است. اوفلسفه راامری تفننی‌نمی‌داند بلکه ضروری میخواند. اومی گفت. انسان موجودی متافیزیك است بدین‌معنی کـه دوست دارد دنبال مابعدالطبیعه برود.

شوپنهاورازهستی بیزاربود. اودرشمارفلاسفه بدبین‌قرار گرفته است. اومعتقد بود که باید دنیاراسوزاند وبشررا ازرنج ودردنجات داد. هنروفلسفه جزاین که زمانی کوتاه انسان راازدرد بدوردارندکاری نمی کنند. شوپنهاوراولین کسی بود که گفت : بدبختی‌ها ازاراده ماست .

ربرت . شومان R. Schumann

ربرت شومان درسال ۱۸۱۰ درششم ژوئن دریکی ازشهرهای کوچك ساکس بروی دنیا دیده گشود.

پدرربرت ازطریق کتابفروشی امرارمعاش‌میکردو بهمین‌علت ربرت‌شومان ازهمان‌سالهای اول جوانی اشعاری میسرود .


SCHUMANN

درهمان دوران‌جوانی‌بعلت علاقه‌فراوانی که به‌هنروادبیات داشت باعـده‌ای ازدوستان خـود انجمن ادبی تشکیل دادو آثار نویسندگان بزرگی‌چون گوته،بایرون، شیلروغیره... راموردمطالعه وبحث قرارداد .

اولیاء اومخصوصاً مادرش علاقه داشتند که ربرت در رشته حقوق تحصیلات خودرابپایان رساند وبهمین جهت اودرسال۱۸۲۸ بعدازمرك پدرش‌وارد دانشگاه لایپزیك شد وتحصیل خودراآغاز کرد .

شومان دریکی‌ازضیافت‌هائی که بوسیله یکی‌ازاستادان ترتیب داده‌شده بودبادختری بنام « کلاراویك» آشناشد .

این‌دختر که‌درآنموقع ۹سال‌داشت‌بخوبی‌پیانومینواخت. پدرش‌رئیس ارکستروموسیقیدان بود. این‌ملاقات اثرعجیبی درشومان گذاشت وتصمیم گرفت نزدپدرکلارا بتحصیل‌موسیقی‌بپردازد شومان اولین درس موسیقی را در۱۸ سالگی از ویك گرفت. شومان میخواست درپیانو بدرجه استادی برسدولی باازکارافتادن یکی‌ازانگشتانش‌ازاین‌فکرمنصرف شدوبه‌تصنیف‌آهنك‌پرداخت.

باآنکه شومان بدریافت درجه‌دکترای فلسفه نائل‌شده‌بود ازانتخاب رشته موسیقی‌بسیار راضی بنظرمیرسید بخصوص که کلارا بسن‌جوانی رسیده‌بود وشومان درشعر ومـوسیقی ازاوالهام میگرفت. کلارا وشومان‌بفکرازدواج افتادند ولی‌پدرکلارا سخت بااین‌امرمخالف بود. ربرت و کلاراحاضرنبودند ازیکدیگرصرفنظر کنند. عاقبت‌کاربمحاکمه کشید ومحکمه بنفع کلاراوشومان رای داد وآنها درشب بیست ویکمین‌سال تولدکلارا ازدواج کردند.

شومان روزبروز برشدت‌کار خود میافزود ودر هررشته موسیقی‌آثاری بوجـودمی‌آورد و بالاخره درسال۱۸۴۹ بیش‌ازسی اثرمهم بوجودآوردکه ازبین‌آنها مناظرجنگل وماتفردشاهکار اومحسوب می‌شوند. دراغلب کنسرت‌های شومان کلارا پیانومیزد. رفته‌رفته حال‌مزاجی شومان‌بد شدوگرفتاربیماری عصبی گردید. کلارا برای شومان هفت‌فرزندآورد وبا وجود مشکـلات مادی بدقت ازشومان پرستاری می‌کرد. سال۱۸۵۳ ازسخت‌ترین‌سال‌های عمرشومان‌بود. بیماری‌عصبی اوشدت یافت وحس‌بینائی وشنوائی‌اومختل‌شد وقدرت تکلم راازدست داد.

یکشب درفوریه ۱۸۵۴ باوجودسرمای زمستان بدون‌اطلاع ازخانه خارج‌شد ومیخواست خودرا در رودخانه راین‌غرق‌کند. وقتی خودرا از فرازپل برودخانه انداخت چند قایقران او

رادیدند ونجاتش‌دادند. شومان‌بکلی دیوانه‌شده‌بود. اورا به‌آسایشگاه بردند، حتی‌در‌آن دقایق سخت‌هم شومان‌آثاری بوجودآورد. بالاخره شومان در۲۹ژوئیه ۱۸۵۶ زندگی‌را بدرودگفت. بعدازمرك او کلارا باکنسرت‌های متعدد شوهرخودرا که تاآنوقت تقریباً ناشناس‌بود بدنیامعرفی کرد. درحقیقت کـلارا زنی‌بود که شومان‌را بوجودآورد واورا درردیف بزرگترین آهنگسازان آلمان‌جای‌داد.

فردریش . شیلر

فردریش‌شیلر شاعرونویسنده‌آلمانی درسال ۱۷۵۹ در «مارباخ» واقع در «دورتمبرك» بدنیاآمد. شیلرازهمان ابتدای تحصیل بتاریخ علاقه‌داشت. اومـدتها درفقرمیزیست. بعدها با گوته شاعرونویسنده بزرك‌آلمانی وچندتن دیگرازبزرگان آلمان آشنائی یافت ومعمولا گوته واورا یکجانام میبرند. شیلردرادبیات‌آلمان مانندگوته ایجادکننده سبك نوبودویکی ازفصول درخشان‌ادبیات قرن‌نوزدهم‌آلمان تعلق‌بوی دارد. درامهای تاریخی وی مانند: راهزنان ـ توطئه فیسك ـ والنشتین ـ ماری استوارت لاپوسلردورلئان ـ گیوم‌تلاوکتب تاریخی‌وی مثل‌تاریخ جنك سی‌ـ ساله واشعارتغزلی لطیف اوهمگی ازیك‌نبوغ بزرك الهام‌گرفته‌اند.


SCHILLER

درامهای بزرك شیلرمجموعه واختلاطی‌است ازتراژدی‌عصر کلاسیك‌ودرام شکسپیری. باآنکه‌شخصیت‌های شیلرقدری‌قراردادی وسبك وی پرطمطراق است اماآثاراوهمگی هیجان انگیزودلپذیر هستند. نویسندگان فرانسه زیرنفوذ عقاید اودربـاره درام آثار فراوانی بوجودآوردند. شیلردرسال ۱۸۰۵ درسن ۴۶سالگی درگذشت.

ف — میشل . فارادی M. Faraday



فارادی فرزند نعلبند فقیریست که در بیست ودوم سپتامبر ۱۷۹۱ درانگلستان متولدشد.

درسیزده سالگی دردکان صحافی بعنوان شاگردمشغول‌کارشد وهنگام فراغت بمطالعه‌کتابهای موجوددردکان صحافی‌میپرداخت.

مطالعه یکی‌ازتألیفات شیمی‌دان سوئیسی ژان‌مارسه اورابه خط‌سیرعلوم واردنمود.

فارادی ازآن پس‌درکلاس سرهمفری‌دیوی شیمی‌دان مشهور حاضرمیشد ومقالاتی‌هم دراین‌باره می‌نوشت وبرای استادمیفرستاد.

درسال ۱۸۱۳ سرهمفری‌دیوی اورابعنوان دستیارخود انتخاب‌نمود.

وی درسال۱۸۲۳در ردیف شیمی‌دانان قرارگرفت ودرهمین‌سال‌موفق گردید بعضی گازها را بصورت مایع درآورد.

درسال ۱۸۲۵ درریاست «آزمایشگاه پادشاهی» منصوب گردید.

دیوی نسبت به‌فارادی نظرخوبی‌نداشت واوراهمان شاگردفقیرسابق میدانست درصورتی که دراین‌هنگام فارادی مقامی‌همانند دیوی کسب نموده‌بود.

فارادی درسالهای ۱۸۳۱ و۱۸۳۲ اثرخود راکه شامل«الکتریسته القائی» بود بجامعه پادشاهی‌داد وهمین اثربودکه نام اورا دردنیاابدی ساخت.

فارادی‌که درزمان حیاتش ازلحاظ علمی‌بدرجه‌ای عالی‌رسیده‌بود مردی متواضع‌محجوب وساده بود اوعنوان اشرافی‌بارونه راکه بوی‌پیشنهاد کرده بودندنپذیرفت، وگفته‌بود. چون‌این

لقب چیزی بمن نمیآموزد بنابراین مورد استفاده‌ام نخواهد بود.
فارادی ایجاد کننده الکتروتکنیک در بیست و پنجم اوت ۱۸۶۷ در گذشت .

حکیم ابوالقاسم فردوسی

حکیم ابوالقاسم حسن بن اسحق بن شرفشاه فردوسی ، زنده کننده زبان و ملیت ایرانی در حدود سال ۳۲۹ هجری در قریه «باژ» از قراء «طابران» طوس بدنیا آمد .

فردوسی ازطبقه دهقانان بود و بخط آثارنژادی و باستانی ایران علاقه وافر داشت و بنابر همین علاقه بملیت و افتخارات ایرانی درحدود سال ۳۷۰ هجری بنظم شاهنامه پرداخت و این کاررا قبل از او چندین نفر بنظم یا به نثر آغاز کرده بودند اما بانجام نرسیده بود .



استاد بزرك وسخنسرای نامی طوس پس از سی و پنج سال رنج وزحمت وصرف عمرومال، نظم شاهنامه را بانجام رساند و این شاهکار عالی ادبیات جهانی را بوجود آورد .

درحدود سال ۳۹۵ هجری آنرا نزد سلطان محمود غزنوی برد وابتدا بپایمردی ابوالعباس فضل بن احمد اسفراینی، وزیر سلطان محمود، بحضرت سلطان راه یافت. اما قدر استاد عالیقدر آنطور که باید شناخته نشد و رنجیده خاطر گردید و ازغزنین بیرون آمد و مدتی متواری شد .

فردوسی بطوس رفت وشاهنامه رابرداشت وبطبرستان سفر کرد. ونزد «سپهبد شهریار» فرمانروای طبرستان رفت وخواست شاهنامه رابنام او کند ولی او قبول نکرد و گفت دربارهٔ تو بدگوئی کرده‌اند و بزودی سلطان ترا میخواند وحق زحمت ترا میگذارد و تو شاهنامه را بنام محمود بگذار.

فردوسی بعد از آن بطوس باز گشت و در موطن اصلی خود مسکن گزید وچندی بعد بکمك «احمد بن حسن میمندی» سلطان محمود فردوسی را بخاطر آورد وازرفتار خود نسبت باو پشیمان گشت وجایزه‌ای بس گرانبها برای او بطوس فرستاد امااین جایزه هنگامی رسید که فردوسی چشم ازجهان فروبسته بود.

استادطوس درسال ۴۱۱ هجری درگذشت ودربیرون دروازه درباغی که ملك خوداو بود دفن شد واکنون آرامگاهش درهمانجااست .

شاهنامه فردوسی درحدود ۶۰ هزار بیت شعردارد و بزرگترین حماسه ملی ایران است.

حکیم فارابی

ابونصرفارابی فیلسوف بزرك ایرانی دریازده قرن پیش برابر با ۸۷۲ میلادی درفاراب از نواحی ترکستان بدنیا آمد. هنوزجوان بود که رهسپار بغداد شد بغداد در آنزمان کانون فلسفه و علم واستادان یونانی ومسیحی درآنجا بتدریس مشغول بودند. فارابی درنزدآنان بتحصیل پرداخت وسپس درسوریه اقامت گزید . آثارفارابی دارای اهمیت بسزائی است که اورا درزمره بزرگترین فلاسفه تاریخ قرارمیدهد وازآنجاشاگردانی چون ابن سینا درمکتب او بارآمده‌اند اورا معلم ثانی شناخته‌اند . فارابی فلسفه ارسطورا توضیح وتفسیرمیکرد معهذاخود دستگاه فلسفی کاملی بنیاد نهاد ودرزمینه خودانسان وروان وهوش ووحدت وزمان وماده وخلاء وملاء واندازه ببحث پرداخت درپزشکی وعلوم ریاضی نیزفارابی مقامی والاداشت. بخصوص درهنرموسیقی مردی دانشمندی بود کتاب اوبنام «موسیقی الکبیر» همان ادراکات رادربردارد که ارسطو وبطلمیوس یافته‌اند . گویند سازتار یاسه‌تاررافارابی ساخته وخودباهنرمندی آنرا می‌نواخته‌است. حکیم فارابی در ۷۸ سالگی دردمشق درگذشته است وازآنجا که آثارش رابزبان عربی می‌نوشته است هنوزدرکتابهای اروپائیان

بخطا اورا عرب معرفی میکنند.

فرانکلن



بنیامین فرانکلن در ۱۷ ژانویه سال ۱۷۰۶ متولد شد بنیامین فرانکلن دانشمند وفیلسوف آمریکائی یکی از بانیان بزرگ استقلال آمریکاست زندگی او نمونه و سرمشق کاملی از یك زندگی پر از کاروفعالیت عمیمانه همراه بافداکاری وجوانمردی میباشد که درراه پیشرفت دانش وخیروصلاح انسان بکاررفته است.

فرانکلن بهمه کار میپرداخت. ابتدا یك روزنامه ویك چاپخانه تأسیس کرد بعد بتأسیس باشگاهها وکتابخانه‌ها وبیمارستان ها پرداخت.

فرانکلن بمطالعات جالب توجهی درباره نیروی برق دست زد واوبود که برق گیر عمارات رااختراع کرد.

درزمان خودفرانکلن یکی از بزرگ ترین نویسندگان وروزنامه‌نگاران آمریکابود. ایالات متحده آمریکا درآنزمان بصورت سیزده ایالات وجزو مستعمرات انگلستان بود. فرانکلن در مبارزاتی که برای استقلال آمریکا صورت میگرفت شرکت مؤثری داشت. وبعنوان نماینده در نخستین کنگره ایالات متحده انتخاب شد.



آناتول . فرانس

نام اصلی او«آناتول فرانسوا تیبو» است. این نویسنده را پادشاه نثرفرانسه نامیده‌اند. آناتول فرانس درسال ۱۸۴۴ در پاریس متولدشد ودرسال ۱۹۲۴ درگذشت. اوپسر کتابفروشی بنام «فرانسوا» بودکه نام مستعارفرانس ازآن گرفته شده است. وی تحصیلات رسمی نداشت وشخصاً مطالعه میکرد. درسال ۱۸۷۳ یعنی ازبیست ونه سالگی «اشعارطلائی» رامنتشرساخت. اودرجامع ادبی پاریس رفت وآمد میکرد وبجریانات ادبی علاقه وافرداشت وتدریجاً بداستان‌نویسی ونگارش آثار منثورذیعلاقه شد.

درسال ۱۸۷۹ «ژوکات وگربه لاغر» ودرسال ۱۸۸۱ «جنایت سیلوستربونار» اثرجذاب که موجب معروفیت اوشد ودرسال ۱۸۸۵ «کتاب دوست من» راکه گلچینی ازخاطرات زیبای کودکی اوست نوشت. وی از ۱۸۸۷ تا ۱۸۹۳ صفحه ادبی نشریه «تان» رااداره میکرد. آناتول فرانس مجموعه‌های خودرا دراین نشریه جمع آوری کرد ودرچهارجلد منتشرساخت. بعدازاین وی دوباره بنگارش داستان پرداخت ودرسال ۱۸۸۹ بالتازار ــ درسال ۱۸۹۰ تائیس ــ در سال ۱۸۹۳ عقاید ژروم کوانار ــ درسال ۱۸۹۴ چنك قرمزرا نوشت. درسال ۱۸۹۶ وی وارد آکادمی فرانسه شددراین زمان وی مجله «تاریخ معاصر» و«آقای برژه درپاریس» (۱۹۰۱) را نوشت که مانندداستانها ورمانهای اومورد استقبال قرارگرفت: آناتول فرانس اندك اندك وارد سیاست شد. وی نگرانی‌های بشرقرن بیستم‌را درمقالات کوتاه ودر داستانها وآثاردیگر خویش منعکس کرد وسخت درصدد پیدا کردن راه‌حل برای رفع آن میشد. اودر کتابهای «روی سنك سپید» ۱۹۰۵ و«جزیره پنگوئن‌ها» ۱۹۰۸ و«عصیان فرشتگان» ۱۹۱۴ مضحکه نبردهای سیاسی واجتماعی وبن‌بست‌های فناناپذیراندیشه بشررا منعکس نمود. «خدایان تشنه‌اند» ۱۹۱۲ آئینه‌ای است که آناتول فرانس درآن «فاجعه» انقلاب فرانسه رابا رنك ولعاب خاص منعکس ساخته است.

درسال ۱۹۰۸ کتاب «زندگی ژاندارك» رابراساس عقایدخود برشته‌تحریر درآورد . و این کتاب يك‌شاهکار شگفت‌انگیز تاریخی است . پس‌ازجنك جهانی اول که ضربه بزرگی بروح بزرك ولطیف اوزد آناتول‌فرانس دردام هرج ومرجهای فکری روشنفکران‌عصر گرفتارشد، در نگارش دوجلد کتابی که آخرین آثاراو هستند از خاطرات شیرین کودکی الهام گرفت. این دو کتاب عبارتند از «پیر کوچك» که درسال ۱۹۱۹ نوشته‌شد و «زندگی در آغوش گلها» که در ۱۹۲۱ برشته تحریردرآمد. درسال ۱۹۲۱ وی جایزه ادبی‌نوبل رادریافت کـرد دراین زمان آوازهٔ شهرت اودرجهان پیچیده‌بود.

آناتول‌فرانس ساده وزرف نوشته است . اومعتقد است که نثرروشن باآفتاب شباهت‌دارد. اماگرآفتاب رازیرمنشورتجزیه کنیم متوجه میشویم که آفتاب ازانواع واقسام نورها وسایه‌روشن هاساخته شده است .

آناتول‌فرانس‌عقیده دارد که درهرچیز باید کمك کرد. اودرآثارش‌بهمه چیزنیشخندمیزد. فرانس سنگین، قوی‌وسهل وممتنع می‌نوشت ودرنگارش ، سنت‌های کلاسیك‌ها رارعایت میکرد. نثراوآهنك‌دار ، خوشایند، هوس‌انگیز، زنده وچابك است وروی‌همرفته يك سمفونی را تشکیل میدهد .

پی‌یر . فرما P. Fermat

فرما ریاضی‌دان بزرك درسال ۱۶۰۱ در «بومودولمانی» متولدشد. مردی‌آرام متفکر بود وبدین‌مناسبت زندگی اوبدون هیچگونه واقعه‌ای سپری شد. فرمابزبانهای لاتین ــ یونانی



فرما درسال ۱۶۳۷ کتابی بنام «مکان‌های مسطح و مجسم» منتشرنمود واصول هندسه تحلیلی‌را دراین‌کتاب شرح داد.

فرما بقدری در حساب عالی‌تسلط ونبوغ داشت که استدلال بعضی ازقضایای اویك قرن بعدبوسیله دانشمندانی چون «اولر» و «لاگرانژ» فهمیده شد.

اگرچه ازدوهزاروپانصد سال‌قبل حساب عالی مـورد توجه بوده است ولی‌فرمادرپیشرفت‌آن بقدری‌مؤثربوده که بجرأت‌میتوان اورا بوجودآورنده این‌علم دانست

فرما نتیجه مطالعات خودرا درحاشیه کتبی‌که مورد مطالعه میداد مینوشت .

اولربیش ازسایر دانشمندان هوش‌واستعداد خودرا برای‌حل مسائل فرمابکار برد.

دانشمندان معتقدندکه آخرین مسئله فرماسدی است که درمقابل هوش واستعداد آدمی قرار گرفته است .

درسال ۱۹۰۷ دکتر «ولکسفول» آلمانی‌برای حل‌مسئله فرماصدهزارمارك‌آلمانی‌جایزه معین‌کرد وقرار گذاشت که این مبلغ تاسال ۲۰۰۷ میـلادی‌باولین کسی کـه بقضاوت استادان دانشگاه «گوتینگن» درآلمان راه حل کلی‌وعمومی مسئله رابدهدیرداخت شود ولی تابامروز که ۵۴ سال ازآن تاریخ میگذردکسی موفق بحل آن نگردیده .

فرما نابغه بزرك درسال ۱۶۶۵ در «کاستر» درگذشت .

زیگموند فروید

زیگموند فروید پایه‌گذار مکتب روانکاوی درسال ۱۸۵۶ در «فوای برك» اطریش‌بدنیا آمد ودرسال ۱۹۳۹ درانگلستان درگذشت . فروید اصلا کلیمی بود . نخست دررشته پزشکی تحصیلاتی‌کرد سپس بفرانسه رفت وازمحضر چند استاد علم‌الروح استفاده کـرد . ازاین زمان



در ذهن فروید جوان اندیشه‌های تازه وشگرفی پدید آمد . این اندیشه‌ها بمرور ایام تکامل یافت ومکتب مشهور روانکاوی رابنیاد نهاد . این مکتب که هریك از پدیده‌های اسرارآمیز روان رابنحو تازه‌ای تعبیروتوجیه میکند انقلابی درروانشناسی ، هنرپدیدآورده است، قبل‌ازاین‌که اوبررسیهای نبوغ آمیز خود راآغازکند کسی ازدنیای شگفت انگیزضمیر ناخودآگاه بدرستی اطلاعی نداشت . فروید ضمیر ناخودآگاه راکشف کرد وهمه تظاهرات عجیب‌وغریب روح‌های بیماررابآن منسوب داشت . فروید درتکمیل وتعمیم‌عقاید خوددچار دشواریها وناراحتیهای فراوان‌گردید ، ازیکطرف فشار سنگین بررسیهای دشوار روانی واز سوی دیگر مخالفت و عناد مردمی‌که مکتب نوبنیاد روانکاوی وتجزیه وتحلیل روح را یك دکان تازه میدانستند اورا رنج میداد .

فروید ریشه‌های مکتب نوظهور روانکاوی را درآثاردوفیلسوف بزرك آلمانی شوپنهاور و نیچه بازیافت وآندو را نخستین‌کسانی خواند که از «ضمیر ناخود آگاه» بطور مبهم سخن گفته‌اند وکلید بسیاری از رموز روانکاوی را بدست او سپرده‌اند . فروید خیلی وسواس‌داشت وکوشش میکرد دربنیادگزاری مکتب خود ازتأثیر افکار و ایده‌های دیگران برکنار ماند اما خود میگوید ؛ هرگز نتوانستم اززیرتأثیر اسرارآمیزنیچه بگریزم. اویك روانکاوغیرحرفه‌ای بوده است .

فروید درتفسیر خواب‌گوناگون ، دراحوالات بیماران روحی‌درآرزوهای ساده وپیچیده بشراز ابتدا تازمان خویش دقت‌های روانکاوی خاصی‌مبذول داشت وکشفیات عجیبی‌کرد. دکتر «بریل» ازهواداران آمریکائی فروید میگوید: برای پی‌بردن بضمیر ناخودآگاه‌که بنیادفلسفه روانی فروید را تشکیل میدهد باید در رؤیاها غور وتعمق کرد . رؤیا برای فروید بهترین زمینه برای‌کشف ضمیر ناخودآگاه بود.

فروید دریافته بودکه فشارهای شدید قوانین اجتماعی و فرامین مذهبی انگیزه‌ها و آرزوهای طبیعی بشررا بقعر ضمیر میراند ، این انگیزه‌ها وآرزوهای وحشی که از نقطه نظر تمدن عوامل مخرب وغیرقابل قبولی تلقی شده‌اند درضمیرناخودآگاه اجتماع میکنند وجرأت ندارند . اما درخواب یا درحالات خواب بصورگوناگون ازدریچهٔ ممنوع عبور میکنند وپای‌به وجدان بیدار باضمیر خودآگاه میگذارند وخواب را آشفته میسازند ، سکون بیداری رابهم میریزند. فشار دنیای اسرارآمیز ضمیر ناخودآگاه میتواند شخص‌را ببیماریهای روحی دچار سازد. نوابغ وصاحبان افکاربلند وسازندگان ایده‌های عجیب وغریب بلاشك اسیرضمیر ناخود-آگاه‌خویش‌هستند . ضمیرناخودآگاه باپیشرفت تمدن دراعماق روح مخفی‌تر میشود وبیشتربه آزار انسان میپردازد، فروید میگوید ناراحتی‌ها وگرفتاریهای روانی‌گذشته اشخاص به‌ضمیر ناخودآگاه رخنه‌کرده‌اند وفراموش شده‌اند . اگر باروش مخصوصی سئوال و جواب ناراحتی فراموش شده اشخاص بیماررا بیادشان آوریم بیماری آنها بهبود مییابد.

شرح مختصر عقاید روانی فروید دراینجا نمیگنجد اما باید باین نکته اشاره کردکه فروید ریشهٔ همه علتهای روانی را در ناراحتیهای جنسی جستجو میکند . او درکتابهای «توتم وکلان» - تفسیرخواب - چند سخنرانی درباره تحلیل روانی وجزوه‌ها وکتب فراوانی‌که خود باهمکاری شاگردانش نوشته است بتفصیل مکتب روانکاوی رااز جنبه‌های مختلف و از زوایای دیدگوناگون مورد بررسی وتشریح دقیق قرارداده است .

ژان . باتیست . فوریه



فوریه که دربیست‌ویکم مارس ۱۷۶۸ متولد شده درزمان انقلاب معلم ریاضیات بود.

استعداد اودرریاضیات هم پایه شوروحرارتی بود که برای جمهوری داشت وبدین‌سبب مورد توجه عموم واقع شد .

درسال ۱۷۹۸ همراه ناپلئون بمصر رفت و مدت سه سال درآنجا بود.

درسال ۱۸۰۲ حاکم ناحیه «ایزر» شد و اولین اثر علمی خودرا درباره «انتشار حرارت» در سال ۱۸۰۷ منتشر نمود .

پس از اعاده رژیم سلطنت فوریه ببدبختی و فلاکت عجیبی گرفتار شد ومقام خودرا ازدست داد ولی خوشبختانه بوسیله یکی از دوستانش که مقام مهمی داشت بسمت رئیس دفتر آمار شهر پاریس منصوب گردید . فوریه درشانزدهم ماه مه ۱۸۵۰ درهشتاد ودو سالگی وفات یافت .

فیثاغورث

فیثاغورث درسال ۵۷۲ قبل ازمیلاد متولد شد ودرسال ۵۳۰ یعنی درچهل ودو سالگی ازحکومت ملوك‌الطوایفی بایتالیا فرارکرد ومکتب جدیدی را در «کروتون» بوجودآورد.

بعدازتشکیل مکتب جدید فیثاغورث که بعلت عقایدش از ساموس تبعید شده بود بمریدان خود توصیه نمودکه عقاید قدیم را بپذیرند .

فیثاغورثیان افکار وعقاید مخصوصی بوجودآورده بودندکه فیثاغورث بمنزله پاپ آنها محسوب میشد .

گفته فیثاغورث برای آنها قطعی بود .

افکاروعقاید این افراد باروح آزادی ودموکراسی که روزبروز درایتالیا توسعه میافت وعاقبت درسال ۵۱۰ قبل ازمیلاد سبب سقوط رژیم سلطنت گردیدکاملا مخالف بود .

فیثاغورث درسال ۵۰۰ قبل ازمیلاد درمتاپونت وفات یافت .

پس‌ازفوت فیثاغورث شاگردانش مهاجرت نمودند و بمطالعه مشغول شدند آنها معتقد بودندکه موجودات برسه نوع‌اند مردم عادی، خدایان واشخاصی‌که بفیثاغورث شباهت دارند .

آنها میگفتند فیثاغورث خدائی است‌که بصورت انسان برای‌گفتن حقایق بزمین آمده است .

مورخین هیچگونه اشاره‌ای راجع باکتشافات و اختراعات فیثاغورث ننموده‌اند و اکتشافات علمی‌که بفیثاغورث نسبت داده شد متعلق بپیروان اواست .

پیروان فیثاغورث بکرویت زمین پی‌برده بودند وچون عدد ده را عددکاملی میدانستند معتقد بودندکه یك‌کره زمین نامرئی وجود دارد تااینکه تعدادکرات ده شود .

پیروان فیثاغورث حساب وموسیقی، وهندسه وهیئت را توسعه دادند ودرعلم طب‌پیشرفت‌های عمده‌ای نمودند چنانکه بقراط‌که یکی ازبزرگترین پزشکان قدیم میباشد . دراین دوره زندگی میکرده .



ک کپلر

کپلر در۱۶ ماه مه ۱۵۷۱ دراویل ، متولد شد دوران کودکی کپلر بافقر و بدبختی توأم بود. کپلر برای تحصیل بمدرسه طلاب پرتستان رفت ودراثر هنر واستعدادی که ازخود نشان داد ، بوسیله استادانش روانه دانشگاه «توبینگن» شد. کپلر درسال ۱۵۹۴ بسمت معلم ریاضیات مدرسه شبانه روزی پروتستان در«گراتز» انتخاب شد.

کپلر دراثر مطالعات درعلم نجوم با خودگفت ، چون بموجب هیئت کوپرنیك سیارات بدور خورشید دوائری طی میکنند بنابراین مجموعه تمام اوضاع مریخ که بوسیله تیکو رصد شده است باید روی یك دایره فضائی قرارگیرد ،

کپلر کوشش نمود که همهٔ این اوضاع روی یك دایره قرار دهد ولی باکمال تعجب ملاحظه‌کرد که نقاط برچنین مکانی قرار نمیگیرند .

کپلر درسال ۱۶۰۹ ناگهان بنیروی الهام متوجه حقیقت شد «ستاره مریخ روی مسیر بیضی است».

وقتی کپلر مسیر بیضی شکل سیاره را کشف کرد شروع بپیش‌بینی حرکت آن نمودو گفت‌که فلان وقت باید درفلان موضع قرارگیرد وهمه جا ستاره را دررأس موعد درمحل موعد مشاهده‌کرد .

درسال ۱۶۰۹ درکتاب (نجوم جدید) دوقانون‌که اولی‌نام‌اورا ابدی ساخته ذکرنموده. این‌بار دیگر حرکت دایره‌ای‌که اینقدر درنظر بطلمیوس عزیز بوده‌اند بکلی از بین رفت ونجوم قدیم را همراه برد ،

کپلر پس ازچندین سال مطالعه در حرکت سیارات در سال ۱۶۱۸ موفق بکشف قانون سوم خود شد .

کپلر در۱۵ نوامبر ۱۶۳۱ دراطاق میخانه‌ای زندگی را بدرود گفت .

کپلربزودی پس‌ازمرك ازخاطره‌ها رفت وهیچکس آثاراورا مطالعه نمیکرد ولی‌دوران افتخار اوزمانی آغازگردید که نیوتون ولاپلاس شناخته شدند. اوخودقبلا دراین خصوص‌چنین نوشته بود ؛

«من‌کتاب خودرا مینویسم خواه خوانندگان آن مردان فعلی یاآیندگان باشند تفاوتی ندارد .

این‌کتاب میتواند سالها انتظار خوانندگان واقعی خودرا بکشد .

مگرنه خداوند نیزشش هزارسال انتظارکشید تاتماشاگری برای آثار اوپیدا شد !

الکسی . کلرو A. clairaut



درسال ۱۷۲۹ آکادمی علوم پاریس مقاله استادانه‌ای راجع به «منحنیات ـ دوانحنائی» انتشار داد که باعث تعجب بسیار ریاضی‌دانان‌گردید وچوت مقاله بدون امضاء بود ریاضی دانانان فکرکردند نویسنده، دانشمند پیروگوشه‌گیراست ولی وقتی معلوم شد نویسنده یك پسرشانزده ساله است متعجب‌ترگشتند .

وی آلکسی کلرو بودکه درسال ۱۷۱۳ متولد شده بود پدرش معلم ریاضیات درشهر پاریس بود.

کلرو درده سالگی کتاب آنالیز عناصر بی‌نهایت‌کوچك را مطالعه‌کرد ودر ۱۸سالگی بعضویت آکادمی علوم انتخاب شد.

کلرو دانشمندی بودکـه لذتهای مجالس ومحافل معاشرت را نیز مانند علوم دوست میداشت وکوشش داشت این دورا باهم نزدیك سازد .
چنانکه «آبه‌بوسیوه» میگوید :
چون کلرو تمایل شدیدی نسبت بزنان داشت آسایش وسلامت خودرا ازدست داد ودر پنجاه ودوسالگی - درسال ۱۷۶۵ درگذشت .

کریستف . کلمب

کریستف‌کلمب که درطی سالهای ۱۴۴۶ و۱۴۵۱ میلادی درژن متولد شد درچهارده سالگی بدریا نوردی مشغول شد وشوق دریانوردی دراو بحدی بود کـه درفکر افتاد راهی از طرف مغرب بهندوستان پیدا نمایـد . هیچکس دراین سفر اورا همراهی نمیشود . تاآنکه عاقبت فردیناند وایزابلا وسائل سفراو را مهیا کردند واوبا سه‌کشتی کوچك روانه دریاشد . کشتی‌آنها ازششم سپتامبرتا۱۲ اکتبردر دریاحرکت‌کردند تابه سان سالوادوررسیدند . کریستف‌کلمب‌آنجا را بنام شاه و ملکه «کاستیل» متصرف شد ودرهمین سفر کوبا وهائیتی راکشف نمود.



کلمب در سفرهای بعد «تـری نیداد» راکشف نمـود وبا گذشتن ازامریکای جنوبی خلیج مکزیك را شناخت .
افتخار وشهرت کلمب ازاین تاریخ آغاز گردید و ثروت هنگفتی بدست‌آورد . کلمب دوسال بعد ازآخرین سفرش درسال ۱۵۰۶ درگذشت .

کنفوسیوس



کنفوسیوس در سال ۵۵۰ قبل ازمیلاد متولد شد . وی در بیست سالگی مکتبی بوجود آورد تا جوانان را بـرای حکومتی بهتر تربیت نماید . و بـرای این منظور بپایتخت رفت ولی با «لائوتسه» بانی «تائوئیسم» مذاکره نمود وی در سن چهل و هفت سالگی باگرفتن شغل سیاسی واردخط سیرسیاست گردید وتوانست افکار سیاسی خودرا مورد آزمایش قرار دهد این آزمایش بقدری موفقیت همراه داشت که کشورهای مجاور را بوحشت انداخت و آنها هم بانیرنك ودسیسه بازی سیزده سال تمام اورا اززادگاهش دور نگهداشتند .
کنفوسیوس پس از گذشت سیزده سال بزادگاهش مراجعت نمودوبقیه عمررا صرف تألیف مباحث تاریخی واشعارمحلی نمود.
دوقرن پس‌ازدرگذشت او«تسین» امپراطور چین سعی نمود تاآثار اورا ازبین ببرد ولی موفق نشد زیرا زمامداران بعدی به‌تجلیل وستایش اوپرداختند چون آنها ازطرفداری و علاقه مردم نسبت باومطلع شده بودند .
افکار وعقاید وتعالیم کنفوسیوس امروزه که ۲۵۰۰ سال از تاریخ زندگیش میگذرد در چین اززبان میلیونها نفرشنیده میشود . ولی بااینهمه اعتقادی‌که مردم چین نسبت باو دارند هیچوقت جنبه مذهبی بخود نگرفته است . اوهمیشه میگفته است که خواهد داد .

اگوست . کنت A. conte

اوگوست‌کنت درسال ۱۷۹۸ متولد شد . شانزده ساله بودکه درامتحان مسابقه ورودی



تیکو براهه جوان و کره‌ایکه روی آن آزمایش کرد

مدرسه‌پلی‌تکنیك موفق‌شد ولی‌اورا بواسطه بی‌انضباطی نپذیرفتند.

کنت از جمله دانشمندانی بود که هم درباره ریاضیات و هم درباره علوم الهی مطالعه مینمود.

اگوست کنت برای آنکه عقاید خودرا برای دیگران شرح دهد دربیست وهشت سالگی مجلسی درخانه خود تشکیل داد.

تحقیقاتش بقدری قابل تـوجه بود که بعضی از دانشمندان درجه اول درمجلسش حاضر میشدند.

اوگوست کنت بعدازجلسه سوم‌بعلت زیادی‌کار مریض‌شدودومرتبه بعدازدوسال‌آن‌مجالس را دائر نمود.

بعدازچندی تمام‌عقایدش‌رادرکتابی‌بنام «فلسفه تحقیقی» جمع‌آوری کرد که ازبزرگترین آثاراو محسوب میشود.

اوگوست کنت آثاردیگری هم‌دارد که ازآنها «دیانت انسانیت» و «سیاست تحقیقی» را میتوان نام برد.

یکی‌ازمهمترین‌کارهای‌کنت طبقه‌بندی علوم‌بود وی تمام علوم را موردمطالعه قراردادو آنهارا درجه‌بندی نمود.

دراین طبقه‌بندی ریاضیات درراس علوم وجامعه‌شناسی درردیف آخرقرارداشت.

درحقیقت می‌توان‌گفت اوگوست‌کنت فیلسوف مشهورباقراردادن ریاضیات درراس علوم عقایدمردم رادرنظر گرفته بود. اوگوست‌کنت معتقدبودکه هدف علم رهائی‌ازهرگونه وابستگی باخدایان ومقدسات است.

کنت درسن پنجاه ونه‌سالگی بسال ۱۸۵۷ درگذشت.

کوپرنیك


COPERNIC

کوپرنیك درنوزدهم فوریه سال ۱۴۷۳ درشهر «تورن» واقع درلهستان متولدشد وچون پدرش راازدست داده‌بودتربیت وپرورش اوبدست عمویش انجام‌گرفت.

عمویش که یکی ازکشیشان بزرك‌بود اورا برای تحصیل به دانشگاه «کراکووی» فرستاد.

کوپرنیك دربیست وسه‌سالگی برای تحصیل دررشته طب به دانشگاه «پادو» واردشد وضمناً در دانشگاه بولونی تحصیل نجوم میکرد.

طولی نکشیدکه دراثر بروزاستعداد خویش‌یك‌کرسی‌تدریس‌ریاضیات رابدست‌آورد.ولی دراینموقع عمویش‌مقام‌کشیش شهر«فروئنبورك» رابرایش مناسب دید.

کوپرنیك باغم فراوان درسال ۱۵۰۶ بآنجا بازگشت.

دراین هنگام‌کوپرنیك زندگی‌آرام داشت‌وبمعالجه بیماران میپرداخت. ولی‌درعین‌حال ازمطالعه دست برنداشت وبه‌مطالعه‌آثار منجمین‌گذشته پرداخت.

کوپرنیك پس‌ازمدتی مطالعه درآثارمنجمین درسال ۱۵۰۳ اعـلام داشت‌کـه باعقیده فیلولائوس مبنی‌برحرکت دورانی‌زمین‌موافق است وقبول نمود که زمین‌درهربیست وچهار ساعت یکباربدور خود میچرخد.

کوپرنیك بااین عمل خود مطلبی راکه هیجده قرن پیش مطرح شده بود زنده نمود و دومرتبه همان مخالفتها ومشکلات رابوجودآورد.

اما کوپرنیك برای اینکه لطمه‌ای بزندگی آرامش وارد نشود مدت چهارسال تمام ازانتشار افکاروعقاید خود چشم‌پوشی نمود .

ولی عاقبت تصمیم بانتشار آن گرفت ونسخه‌خطی کتاب خودرا بیکی‌ازشاگردان دانشمندش بنام «رتیکوس» دادواوهم‌که یکی‌ازفداکارترین شاگردان او بـودبچاپ آن فوراً اقـدام نمود. کوپرنیك دربیست وچهارم ماه مه سال۱۵۴۳هنگامی که فقط چند روزی ازانتشارکتابش تحت عنوان «دوران اجسام‌آسمانی» میگذشت وفات یافت .

روبرت کوخ R. Koch

کوخ درسال ۱۸۴۳ درهارتز متولد شد وتحصیلات خود را درگوتینگن باتمام رسانید . آغازکارکوخ ازهنگامی است‌که سیاه زخم دراحشام شیوع پیداکرد.



کوخ خون حیوان مبتلا راآزمایش‌کرد وملاحظه نمودکه باسیل‌هائی درآن وجوددارد.

بوسیله همین‌باسیل‌ها سروم سیاه‌زخم را درست‌کرد وبرای اولین مرتبه موفق‌شدمیکرب مرضی‌را درخارج پرورش دهدوبهمین مناسبت درسال ۱۸۷۶ نتیجه مطالعات خودرا در باره علل سیاه زخم منتشرنمود.

کوخ نشان دادکه چگونه میتوان میکروبها رابوسیله رنك کردن درزیر میکروسکوپ مشاهده نمود. همچنین چگونگی‌کشف میکرب را درداخل بعضی عصارات شفاف معین‌نمود.

کوخ درسال ۱۸۸۲ موفق‌به‌کشف میکرب سل‌شد ودرسال ۱۸۸۳ اعلام نمودکه با تلقیح سروم همه جانداران را میتوان از بروز امراض مصون داشت .

درسال ۱۸۹۱ ریاست انستیتوی امراض عفونی‌را عهده‌دار شد ودر سال ۱۹۰۵ افتخار اخذ جایزهٔ نوبل پزشکی نصیبش‌شد .

کوخ بعلت مسافرت‌های زیاد وخسته‌کننده ازپادرآمدوبمرض سل‌مبتلاگردید ودرنتیجه دربیست‌وهفتم مه۱۹۱۰ درشصت وپنج سالگی درگذشت .

کوخ‌که بعدازپاستور بزرگترین میکرب شناس دنیاست خدمات بزرگی‌را بعالم بشریت مبذول داشته است .

آخرین اثراو راجع بسرایت سل‌است‌که شش‌هفته قبل ازمرگش نوشته‌بود .

جان کیتز



این شاعر زیبا وحساس‌که بسیاری ازقطعات اوازشاهکارهای مسلم ادب انگلیس و اروپاست خیلی زود رخت از جهان بربست زیرا بیماری سل‌در۲۶ سالگی اورا بچنك مرك سپرد.

هشت سال بودکه‌کیتز بااین بیماری دست بگریبان بود ، شاید اگر زندگانی عاقلانه ومنظمی داشت سالهای دراز دیگر نیز می‌توانست زنده بماند، ولی‌وی‌که بخلاف بایرن فقط دل‌درگرویك عشق داشت نتوانست باغم وعشق‌دست وپنجه نرم‌کند و در۱۸۲۵ بایتالیا رفت وهمانجا مرد.

Camus - Albert کامو- آلبر



نویسنده فرانسوی (۱۹۱۳-۱۹۶۰) درالجزیر بجهان آمد وهم درآنجا بزرك شد، پس‌ازپایان تحصیل کارهای گونا گونی را در شمال‌آفریقا پیشه‌کرد .

سپس بکارروزنامه نگاری پرداخت وبفـرانسه آمد . کامو گذشته ازکار روزنامه‌نگاری درفرانسه بنوشتن داستان ونمایشنامه نیزدست زد وباانتشارداستانها و نمایشنامه‌هائی مانند : طاعون - افسانه سیزیف - بیگانه ، سقوط، شهرت جهانی‌یافت .

کامو جایزه ادبی نوبل را درسال ۱۹۵۷ دریافت‌کرد ودر سال ۱۹۶۰ دریك سانحه‌کشته شد . آلبرکامو مانند ژان‌پل سارتر نویسنده‌ای فیلسوف است وفلسفه اوفلسفه اگزیستانسیالیسم است .

فلسفه اودرپوچی ودردناکی جهان خلاصه میشود. نوشته‌هایش همه بوی مرك وخودکشی یا نومیدی ورنج جاودانی‌میدهد . خامه‌اش زیباوساده است . بادید ویژه خود به‌تجزیه و تحلیل قهرمان‌های داستانهایش می‌پردازد وبازرف‌بینی وبدبینی شگرفی‌آنها رانقاشی میکند .

ارسکین کالدول



ارسکین کالدول داستان پرداز معاصر امریکائی فرزند یك روحانی پرسبیترین است‌که ازطفولیت باپدر و مادر خود بآمریکا مهاجرت‌کرد،همین اختلاف‌محیط وتفاوت‌سنخ فکر، ذوق‌نویسندگی اورا برانگیخت وبدامان شهرت وثروتش‌کشاند اواز دو دانشگاه بزرك«ویرجینیا» و«پنسیلوانیا» دانشنامه‌گرفته ومطالعات فراوانی درآثار نویسندگان مشهورکرده است .کالدول مدتها درکشورهای امریکای مرکزی حادثه جوئی، را پیشه خودساخت تامگربسعادتی دست یابد چندی فوتبالیست حرفه‌ای شد واز این طـریق زندگی کرد وزمانی خبرنگاری روزنامه‌ای را پـذیرفت ولی‌کاری ازپیش نبرد . عاقبت مأیوس وازهمه‌جا رانده قلم بدست‌گرفت تابلکه نویسنده شود . بیش ازهفت‌سال متوالی کاغذ سیاه‌کرد تااولین داستانش مورد قبول ناشرین واقع‌گردید وبسال۱۹۳۳ درمجله «یال ریویو» منتشرشد . ازآن زمان تاکنون وی متجاوز ازیکصد داستان‌کوتاه وچند رمـان بزرك انتشارداده است .

این‌کتابها ازارسکین‌کالدول بفارسی برگردانده شده‌است .

۱- جادهٔ تنباکو ترجمه رضاسیدحسینی

۲- غوغای ژوئیه ترجمه رضاسیدحسینی

۳- یك وجب خاك خدا (گورستان کوچك خدا) ترجمه سرور .

۴- خانه‌ای درکوهستان ترجمه هماناطق

۵- آفتاب جنوبی توسط فرخ‌آگاه

۶- گرتا توسط منصورفرانسیون

۷- دست مطمئن خدا توسط همایون - نوراحمر سایرآثاراوبدین قرارند :

حرامزاده ، احمق بیچاره، سرزمین‌امریکا، مازندگانیم، مسافر، تعظیم دربرابرخورشید

فروزان، بعضی ازمردم امریکا، راههای جنوب ، بازی ، همه درراه اسمولنسنك ، مسکو درزیر آتش ، درتمام شب ، دست مطمئن خدا، همین زمین، مکانی‌بنام استوویل، حادثه‌ای درپالمتو ، اسمش را تجربه بگذار ، عشقبازی سوزی براون ، چراغی برای شبانگاه ، مجموعه داستانهای گالدول ، عشق وپول، داستانهای کنارهٔ خلیج ، زنان معصوم ، مالی کاتونتیل ، گلادل انگلیش، وقتی‌که تو‌بمن فکرمیکنی ، توچهره آنها را دیده‌ای؟، شمال‌دانوب ، آیااین کشورهای متحده امریکاست ؟

استیفن کرین

استیفن کرین شهرت خودرا در ادبیات امریکا تقریباً مدیون کتاب «نشان سرخ دلیری» است که برصحنه‌های هیجان انگیزوتکان دهندهٔ جنگهای داخلی امریکا دورمیزند اورا در میان داستان سرایان جوان امریکا انگشت‌نما نمود .

کرین با نگارش این کتاب وداستان‌های جالب کوتاه دیگری کـه درصدر فهرست آن‌ها عنوان «زورق بی‌حفاظ» قراردارد، مقام شامخی دربین نویسندگان دنیای‌نو احرازنمود . کرین درشهر نیوآرك دراستان نیوجرسی بدنیاآمد. دوران کوتاه عمر ۲۹ سالهٔ اوسراسر پراز رنج و آلام وبیماری بود. کوشش مداوم اودرخبرنگاری وروزنامه‌نویسی، بجائی نرسید وباشکستهای فراوان روبروشد. اندیشه‌های بلند وسلیقه خاص اودرداستان‌نویسی موردپسند روزنامه‌نگاران وناشرین قرارنگرفت . ازطرفی‌ضعف جسمانی وبیماری مداوم اونیزمزید برعلت شده، سرانجام اورا درغربت ازنعمت حیات محروم ساخت.

ازآثار اونشان سرخ دلیری توسط غفورآلبا وقایق بی‌حفاظ ترجمه شده است.

آثارترجمهٔ نشده اوعبارتند از :

مگی، دخترولگرد، سواران سیاه ، هیولا وچند داستان دیگر، داستان‌های ویلیام ویل، مادر زرژ، مهمانخانه آبی، عروس بآسمان زرده‌یآید، هتك کوچك، زورق بی‌حفاظ وچندداستان حادثه‌ای دیگر، زخمها درباران ، جنك دوستانه است .

مادام کوری

ماری اسکلو دووسکا درهفتم نوامبر۱۸۶۷ درورشومتولد شد. دربیست‌وسه سالگی‌برای دریافت دانشنامهٔ لیسانس علوم ازسوربون بپاریس‌رفت .

وی درسال ۱۸۹۵ باپی‌یر کوری استاد فیزیك وشیمی شهرپاریس ازدواج نمود.

ماری اسکلودووسکا راکه بعدازازدواجش بعنوان مادام‌کوری میشناسیم برای‌گذرانیدن دوره دکترای خود بنابه‌پیشنهاد شوهرش درصدد جستجوی اجسامی غیر از اورانیوم‌که دارای همان خواص باشند برآمد.



مادام‌کوری مواد معدنی را موردآزمایش قرارداد وملاحظه نمود که تشعشع یکی از مواد معدنی «پشبلاند» بمراتب قوی‌تر از اورانیوم است.

مادام‌کوری‌وشوهرش هردومشغول‌کارشدند وروزهای‌هیجدهم و بیست و ششم ژوئیه سال ۱۸۹۸ باکشاف پولونیوم و رادیوم موفق گردیدند.

پی‌یرکوری باتفاق بکرل و مادام‌کـوری در سال ۱۹۰۳ بدریافت جایزهٔ نوبل مفتخرشد، ولی‌درسال ۱۹۰۶ در۴۷ سالگی بعلت تصادف بااتومبیل درگذشت .

مادام‌کوری پس‌ازمرك شوهرش بمطالعات خود ادامه داد و



درسال ۱۹۱۰ موفق به تهیه رادیوم خالص گردید.
دراین هنگام استاد سوربون وعضو آکادمی‌طب شد ودرسال ۱۹۱۱ برای دومین‌بار بدریافت جایزهٔ نوبل‌نائل شد.
مادام‌کوری درچهارم ژوئیه ۱۹۳۴ یعنی‌بیست وهشت سال بعد ازشوهرش درگذشت.

اوگوستن کوشی A. Cauchy

اوگوستن‌کوشی دربیست ویکم اوت ۱۷۸۹ متولدشد.
پدرش‌مردی مقدس ومادرش زنی باتقوی بود. خانواده‌کوشی در«آرکوی» در همسایگی لاپلاس وبرتوله زندگی میکردند.
درسال ۱۸۰۰ که پدرش بسمت منشی مجلس سنا انتخاب شد اوگوستن‌کوچك وفعال را همراه خودبدانجا برد.
لاگرانژمتوجه‌استعداد او گردیده‌بود وبدوست خودلاپلاس گفته‌بود: اوروزی ریاضی‌دان بزرگی‌خواهدشدوهمگی‌ماراخواهدگرفت
طولی نکشیدکه‌کوشی درپانزده سالگی جایزه بزرك امپراطوررا در ادبیات قدیم برد و درسال ۱۸۰۷ بامقام شاگرد اولی فارغ‌التحصیل شد. کوشی از سال ۱۸۲۰ تا ۱۸۳۰ تئوری توابع‌یك متغیرموهومی‌را بنانهادوهمین تئوریست که امروز، بزرگترین‌عنوان افتخاراومحسوب میشود.
درزمان لوئی‌هیجدهم‌سیل‌افتخاربسویش سرازیرشده واستاد مدرسه پلی‌تکنیك سوربون، کولردوفرانس میشود.



کوشی برخلاف‌گائوس که اکتشافات خودرا پنهان میداشت تمام اکتشافات خودرا به آکادمی‌فرستاد وی‌کسی بودکه موفق شد اکتشافات‌گائوس رادومرتبه‌کشف نماید.
کوشی دربیست وسوم مه ۱۸۵۸ وفات یافت.

گ‌ح شارل: فردریك. گائوس Ch. F. Gauss

فردریك‌گائوس فرزند باغبان فقیری ازاهالی «برونشویك» آلمان بود ۱۷۷۷ متولدشد پدرش مردی شرافتمند ومادرش زنی فعال وبا هوش بود.
گائوس بیش‌ازسه سال نداشت‌که پدرش‌را ازاشتباهی‌که درحساب ورقه‌ای بود مطلع ساخت. وبدین‌ترتیب توانست استعداد فوق‌العاده خودرا درمحاسبه نشان دهد.
هنگامیکه‌گائوس درمدرسه ابتدائی مشغول تحصیل‌بود وبیش ازده سال نداشت یکروز معلم او سرکلاس شاگردان را وادار نمود که مجموع سلسله‌ای از اعداد را باهم جمع‌کنند ولی هنوز صورت مسئله تمام نشده بودکه‌گائوس ده ساله‌گفت من مسئله را حل‌کردم.
اومتوجه شده بود که اختلاف مابین دو عدد از این سلسله مقداریست ثابت وخودبخود دستوری‌برای‌مجموع این‌نوع‌سلسله اعداد بوجودآورد.
معلم‌اوسخت متعجب‌شد واظهارداشت‌که این‌کودك از من‌قویتراست ومن دیگرمعلوماتی ندارم‌که باوبیاموزم.
گائوس درسال ۱۷۹۵ وارد دانشگاه «گوتینگن» شد ودر۱۹ سالگی به‌حل بسیاری از مسائل‌که برای اولرولاگرانژ لاینحل مانده بودموفق گردید.

فقر و تنگدستی از یکطرف وفوت زنش ازطرف دیگر بدبینی عجیبی در او بوجود آورد بطوریکه تا آخر عمر این بدبینی ازاوجدا نگردید ولی باوجود همه این گرفتاریها ودرحالی‌که نوشته بود«مرك براین‌زندگی ترجیح دارد» کتاب «تئوری اجسام‌آسمانی روی مقاطع مخروطی حول‌خورشید» راانتشارداد وسال ۱۸۱۱ مسیرستاره دنباله‌دار عظیمی‌را محاسبه نمود ودرهمین سال تئوری یك متغیر موهومی رابیان‌کرد ولی از دیگران مخفی نگهداشت بطوریکه کوشی ریاضی‌دان معروف دوباره مجبوربکشف آن شد وبدین‌ترتیب ۵۰سال علم ریاضی عقب بود.

درسال ۱۸۳۳ تلگراف الکتریکی‌راساخت ودو کتاب یکی‌درسال۱۸۲۷ بنام«تجسات عمومی درباره سطوح منحنی» ویکی درسال‌های ۱۸۴۳ و۱۸۴۶ تحت‌عنوان «تجسماتی درباره مسائل مربوط بمساحی عالی» منتشرساخت ودراین هنگام بودکه تمام مردم معتقد بودندکه گائوس بزرگترین ریاضی‌دان جهان است ولی‌گائوس باین افتخارات اهمیت نمیداد و هیچکس را نزد خود نمیپذیرفت وازخانه خارج نمیشد وتنها درمدت ۲۷سال فقط یکباربرای شرکت در کنگره علمی ببرلن مسافرت‌کرد .

گائوس‌فقط بازنی بنام «سوفی ژرمن» اهل فرانسه ارتباط داشت این زن درسال ۱۸۱۶ ازطرف آکادمی علوم پاریس باخذ جایزه بزرك ریاضیات نائل‌شد .

گائوس باآثاروالتراسکات وژان‌پول علاقه فراوان داشت ودرهفتاد سالگی بفکرآموختن زبان روسی افتاد.

گائوس‌اکتشاف خودرا طی سالهای ۱۷۹۶ تا۱۸۱۴ در نوزده صفحه که شامل ۱۴۶ اکتشاف‌مهم‌بوددرسال۱۸۹۸منتشرساخت. این‌جزوه‌چندصفحه‌ای گنجینه بزرگی‌بود که‌دانشمندان را بکلی حیران نمود.

گائوس اکتشاف خودرا همیشه بصورت معما یادداشت مینمود و معتقد بود که فقط برای خود مطالعه میکند .

وی هنگامیکه دردانشگاه تحصیل میکرد کتاب خودرابنام «تجسات حسابی» تمام‌کرد وتئوری اعداد راکه تاآنزمان شکل واقعی بخود نگرفته بود بصورت دانش حقیقی درآورد.

لاگرانژ ریاضی‌دان معروف درمورد کتاب‌گائوس چنین اظهارداشته است:

کتابی راکه بعنوان «تجسات حسابی» منتشر نموده‌اید مقام علمی شما را تا ردیف بزرگترین ریاضی‌دانان جهان بالا برده است و قسمتی ازآن که شامل اکتشافات تحلیلی است تاکنون نظیرش بوجود نیامده . مقارن باانتشار کتاب گائوس درسال ۱۸۰۱ «پیازی» ستاره کوچك «سرس» راکشف نموده بود ومنجمین درصدد محاسبه مدارآن برآمدند ولی‌محاسبه‌آن باستفاده ازاعدادی منجرمیشدکه چند کیلومترطول داشتند . گائوس شروع بکارنمود وروش‌کلی مطالعه این مسائل رابدست‌آورد .

در نتیجه این اکتشاف بعنوان یك منجم مشهور شد و ریاست رصدخانه «گوتینگن» را بدست‌آورد. درسال ۱۸۰۵ ازدواج نمود ودرهمین‌سال دوك دوبرنشویك وفات یافت وکشورش درجنك باناپلئون شکست خورد.

گائوس نابغهٔ بزرك درهفتادوهشت سالگی دربیست وسوم فوریه ۱۸۵۵درگذشت .

گالیلو . گالیله

درسال ۱۶۰۹ که‌کتاب کپلردرباره حرکات سیارات منتشر شد در دانشگاه پادو شخصی بنام گالیلوگالیله بتدریس ریاضیات‌اشتغال داشت. گالیله شهرت بسیار داشت ولی این‌شهرت ازمحیط محدود دانشمندان آنجا متجاوز نبود.

گالیله که درسال۱۵۴۶ درپیزمتولدشده بودتا۱۹ سالگی‌تمام مطالعات خودرادرادبیات



GALILÉE

متمرکز نموده بود، تااینکه روزی دریکی ازمراسم مذهبی کلیسا مشاهده چهل چراغی که دربالای سرش نوسان میکرد تـوجه او را جلب نمود . ازنظرمردم معمولی این‌موضوع بسیارساده وعادی‌بود ولی‌دانشمندان بزرك همیشه ازمسائل ونمودهای بسیارساده وعادی درسهای بزرك میگیرند ، چه‌بسا اشخاصی‌حس‌نموده‌اندکه وزنشان درآب سبك می‌شود یاسیبی ازدرخت سقوط میکند ویاچهل چراغی نوسان می‌کند .

اما فقط ارشمیدس اصول تعادل مایعات و نیوتون قانون جاذبه عمومی وگـالیله قانون سقوط اجسام را بوجود می‌آورد.

نوسان چهل‌چراغ گالیله را چنان بخود مشغول ساخت‌که طب راکنارگذاشت و بمطالعه ریاضیات پرداخت .

گالیله دربیست‌وپنج سالگی تدریس‌ریاضیات را دردانشگاه پنیرباحقوق روزی ده‌شاهی پذیرفت .

گالیله بمحض اینکه مقام ثابتی بدست آورد تصمیم‌گرفت علیه نفوذ ارسطو مبارزه کند وثابت نمایدکه باکوپرنیك مخالفتی‌ندارد .

امامردم‌هیاهو کردند.چون‌حس‌نمود که‌ممکن‌است مقامات بانفوذمزاحم‌اوشوندمحل‌خدمت خودرا عوض‌کرد ودردانشگاه پادومشغول تدریس‌شد.

روش‌تعلیم اوبقدری شهرت یافت‌که مشهورترین اشراف ونجبای شهردر صـدد جلب او بمجامع خود برآمدند .

سناآنچنان بااونظر مساعدداشت‌که چون‌بااتهام اینکه بادخترزیبائی‌بدون پیوندازدواج زندگی میکرد ازاوشکایت‌کردند بجای مجازات حقوق اورا دوبرابرکردند . در همین موقع که گالیله مشغول‌مطالعه‌بود ناگهان‌شایع شدکه درسویس‌عدسی‌هارا باهم‌ترکیب‌کرده‌اند وتوانسته‌اند اجسام راازمسافات دورمشاهده نمایند .

ازاین موضوع اطلاع صحیحی دردست نیست ولی‌اینطورمشهور است‌که «زاخاری یانسن» که در «میدلبورك» عینك سازبود اولین دوربین نزدیك‌کننده اشیاء را بین سال‌های ۱۵۹۰ و ۱۶۰۹ ساخته بود ولی‌عینك سازدیگری بنام «هانس لیپرشی» اختراع اورا باتر دستی از او می‌رباید ودراکتبر ۱۶۰۸ امتیاز آنرا بنام خود ثبت می‌نماید. گـالیله هم دراین موقع موفق بساختن دوربین مشابهی‌گردید ولی این دستگاه قدرت زیادی نداشت. اما مطلب مهم این‌بود که اصل اختراع‌کشف شده بودوساختن دوربین قویترفقط‌کارفنی‌بود این‌دوربین برئیس‌حکومت «ونیز» تقدیم شدودرکنارناقوس «سن‌مارك» گذاشته شد.

سناتورها وتجار ثروتمند درپشت دوربین قرارگرفتند وهمگی دچارحیرت وتعجب‌شدند چون‌آنها خروج مومنین را ازکلیسای مجاور وکشتیهائی راکه دردورترین‌نقاط افق‌درحرکت بودند مشاهده نمودند ولی‌گالیله فوراً دوربین رابطرف آسمان متوجه ساخت .

مشاهده مناظری‌که تاآن زمان ، هیچ چشمی قادر بتماشای آن نبود شوروشعفی فراوان درگالیله بوجودآورد . گالیله مشاهده نمودکه ماه برخلاف‌گفته ارسطوکه آنراکره‌ای صاف وصیقلی میدانست پوشیده ازکوه‌ها ودره‌هائی است‌که نورخورشید برجستگی‌های‌آنها را مشخص تر میسازد .

بعلاوه ملاحظه نمودکه چهارقمرکوچك بدورسیاره مشتری در حرکت هستند و بالاخره

لکه‌های خورشید را بچشم دید.

دانشمند بزرك درسال ۱۶۱۰ تمام این‌نتایج را درجزوه‌ای بنام (قاصدآسمان) انتشار داد که موجب تحسین وتمجید بسیار گشت، ولی انتشارکتاب قاصد آسمان فقط تحسین وتمجید همراه نداشت بلکه جمعی ازمردم براواعتراض کردند وازاو می‌پرسیدند چرا تعداد سیارات را هفت نمیداند وحال آنکه تعداد فلزات هفت است وشمعدان معبد هفت شاخه دارد ودرکله آدمی هفت سوراخ موجود است.

گالیله درجواب تمام این سئوالات فقط گفت باچشم خود در دوربین نگاه کنید تااز شما رفع اشتباه شود.

گالیله درسال ۱۶۱۰ بفلورانس رفت وبیش‌ازپیش برای دفاع ازعقاید خود کوشش نمود امامتقاعدکردن مردمان آن زمان کارآسانی نبود.

گالیله باشخصیت‌های بزرگی مانند کاردینال «بلاربن» وکاردینال «باربرینی» سابقه دوستی داشت که ازاوحمایت میکردند ولی این شخصیت‌های بزرك نتوانستند مانع آن شوندکه واتیکان درسال ۱۶۱۶ اصول وعقایدکوپرنیك را محکوم کند.

گالیله نمیتوانست مخالفین خودرا بوسیله تجربه و مشاهده محکوم کند زیرا هیچگونه استدلال غیرمذهبی برای ایشان کافی نبود وروحانیون برای هرچیز غیرازکتاب مقدس وارسطو ارزش قائل نبودند. وکلیسا هرگز اجازه نمیداد که یك فرد غیرروحانی کتاب مقدس را مطابق میل خود تعبیردهد.

چون اینکار ممکن نبود طبعاً میبایست گالیله محکوم شود وحتی اگرخود پاپ هم از صمیم قلب معتقد بعقایدکوپرنیك بود محاکمه گالیله ومحکومیت اواجتناب ناپذیربود.

درسال ۱۶۳۲ که دوست اوکاردینال «باربرینی» بنام «اوربن هفتم» پاپ شده بود از موقعیت استفاده نمود وضربت بزرگی‌را وارد نمود.

وی کتابی بزبان ایتالیائی منتشرکرد که درآن سه‌نفرمشغول گفتگو هستند یکی ازآنها ازبطلمیوس ودونفردیگر ازکوپرنیك‌دفاع‌میکنند.

باانتشار این‌کتاب خشم وغضب روحانیون چندصد برابرگشت وبدترازهمه اینکه برای شخص پاپ این سوءتفاهم ایجاد شدکه شخص‌ابله واحمقی که درمکالمات ازبطلمیوس دفاع‌میکند خوداوست.

گالیله رابه‌رم احضارکردند واورا درمنزل یکی ازاعضای عالیرتبه دیوان تفتیش عقاید جایش دادند.

درهمین اوقات دخترپدر مقدس مشغول تهیه ادعانامه اوبودودرروز ۲۰ماه ژوئن ۱۶۳۳ محکوم راباآنجا احضارکردند ودر۲۲ ژوئن وادارش‌نمودندکه توبه‌نامه زیررا امضاء نماید.

«من گالیله» درهفتادمین سال زندگی درمقابل شما بزانو درآمده‌ام ودر حالیکه کتاب مقدس‌را پیش‌چشم دارم وبادستهای خودلمس میکنم توبه میکنم وادعای خالی ازحقیقت‌حرکت زمین راانکارمی‌نمایم وآنرا منفور ومطرود می‌نمایم.»

گالیله بعدازمحاکمه درمنزل دوستش پیکولومینی اسقف شهر«سین» محبوس‌شد ولی‌بعد ازمدتی باواجازه داده‌شد تادرخانه ییلاقی خود واقع در«آرستری» اقامت کند.

چون گالیله دیگرنمیتوانست بمطالعه آسمان بپردازد لذا بمطالعه درعلم مکانیك‌مشغول شد ودرهفتاد سالگی موفق شد دینامیك رابوجودآورد. گالیله دراواخر عمرنیروی بینائی‌را ازدست داد ودرهشتم ژانویه ۱۶۴۲ درگذشت.

مهاتما گاندی



گاندی درسال ۱۸۶۹ متولدشد وبرای کسب دانش عازم انگلستان شد وپس ازاتمام تحصیلاتش بوطن بازگشت ودربمبئی و سپس درافریقای جنوبی بکارسیاست واردشد ودراثر مبارزه اوبرای دفاع ازهندیان مقیم آنجا درسال ۱۹۱۴ یك هیئت انگلیسی بآنجا رفت وقسمتی ازمقررات ظالمانه رالغونمود وی پس ازاین پیروزی بهندوستان برگشت ومبارزه سخت تروبزرگتری را آغاز نمود در این موقع روزبروزبرپیروان اوافزوده میگشت واین موضوع خود اورا درکاری که آغاز نموده بود مصممتر و استوارتر میکرد ، قدرت ونفوذ اوآنچنان شدکه در سال ۱۹۲۱ کنگره ملی همه اختیارش را باو واگذارنمود ، اوباشیوه خاصی که درمبارزه داشت (مقاومت منفی) کشمکشهائی بوجود آوردکه بزندانی شدنش درسال ۱۹۲۲ منجرگردید واورا بجرم توطئه علیه حکومت بمحاکمه کشانیدند.

دراین محاکمه گاندی بشش سال حبس محکوم گردید ولی مدت زندانی بودن او دو سال بیشتر دوام نیافت وپس ازآزادی بریاست کنگره ملی هندوستان برگزیده شد وباعزمی راسخ بمبارزه علیه بیگانگان ادامه داد.

دومرتبه انگلیسها اورا روانه زندان کردند ولی ازهر دفعه بعلت محبوبیت جهانی که کسب نموده بود واستفاده ازاعتصاب غذا اززندان رهائی مییافت تااینکه درسال ۱۹۴۶ انگلستان طرحی رابرای استقلال وآزادی هند پیشنهاد نمودولی درسال ۱۹۴۸ گلوله‌ای بزندگی گاندی قهرمان خاتمه داد وموفق نگردید تانتیجه مبارزات خودرا بچشم ببیند.

یوری گاگارین Jory Gagarine



مردیکه دروازه آسمانها را گشود ، در ۱۹۳۴ بدنیاآمد پدرش درودگر است . یوری از

کودکی شیفته بهنه‌آسمان بود و باساختن هواپیماهای کاغذی شوق خود را فرو می‌نشاند . در ۱۹۴۱ بدبستان رفت ولی جنك جهانی اورا ازتحصیل بازداشت . پس ازجنك که خانواده گاگارین‌بشهر دزاسکی بازگشت یوری تحصیل راازسر گرفت . در۱۹۴۹ وارد سازمان‌جوانان حزب‌کمونیست شد . در۱۹۵۱ هنرستان‌را تمام‌کرد ودرصنایع فولادسازی بقالب ریزی‌پرداخت بسال ۱۹۵۵ دانشکده فنی‌ساراتوف راباپایان رساند ودرآموزشگاه خلبانی‌آربورك شاگرد اول شد (۱۹۵۷) . پس ازختم دانشکده افسری درارتش‌شوروی بخلبانی اشتغال یافت ودر ۱۹۶۰ وارد حزب‌کمونیست شد .

روز۱۲ آوریل ۱۹۶۱ یوری‌گاگارین سرگرد نیروی هوائی باکشتی واستوك (خاور) بوزن ۴۷۲۵ کیلوگرم‌کره زمین را در۸۹ دقیقه دورزد وموجد بزرگترین‌تحول تاریخ‌معاصر شد . وبااین اقدام متهورانه ازرجال معروف وسرشناس جهان‌گشت. وی درسال ۱۹۶۸ در یك سانحه هوائی شهیدگشت !

یوهان . گوتمبرگ



گوتمبرك که بااختراع چاپ موجب ترقی تمدن بشرگردیده است واختراعش وسیله‌ای جهت ثبت وقایع واتفاقات است باکمال تاسف ازاین وسیله برای شرح حال او استفاده نگردیده است و بهمین جهت اززندگی اواطلاعی دردست نیست ومعلوم نیست که او چگونه وبچه طریقی اقدام باختراع چاپ نموده است.

اودرشهر «منتز» واقع درآلمان بسال۱۳۹۸ ازیك‌خانواده اشرافی بوجودآمد ولی‌بعداً تمام خانواده اوازآنجا تبعید شدند .

یوهان‌گوتمبرك درابتدای‌زندگی‌بعلت قرض‌ازطرف‌مقامات دولتی مورد تعقیب واقع می‌شود وبرای جبران‌آن اقدام بتاسیس شرکتی بادوسه تن ازدوستان میکند ولی بعلت عدم توافق‌کارشان بدادگستری منتهی‌می‌گردد.

ازسال ۱۴۴۴ تا ۱۴۴۸ هیچگونه اطلاعی ازاونیست ودر سال ۱۴۵۰ شرکت دیگری با«جوهام فوست» تشکیل می‌دهد وشریکش متعهد می‌شود که درمقابل‌ماشین چاپی‌که اومیسازد ۸۰۰ گیلدربخوداوو۳۰۰ گیلدربابت‌مخارج آن‌بپردازد. ولی گویاهیچکدام‌تعهدات خودرااجراء نمیکنند . وفقط دراین‌که بافوست بکارچاپ مشغول بوده چندکتاب بطبع‌میرسانند که یکی‌کتاب لغتی است بنام «کاتولیکن» که اکنون دردست نیست .

گوتنبرك‌که اختراعش اورا درردیف مخترعین بزرك قرار داده است در سال ۱۴۶۸ زندگی را بدرود گفت .

یوهان ولفگانك . گوته



گوته درسال ۱۷۴۹ در فرانکفورت متولد شد . ابتدا بـه تحصیلات مقدماتی‌پرداخت ودرشانزده سالگی برای تحصیل حقوق بدانشگاه لایپزیك رفت ، ولی اوبمطالعه ادب و فلسفه پرداخت ، هنگامیکه تحصیلات خودرا دررشته حقوق باتمام رسانیده بودسخت دلباخته دخترنوزده ساله‌ای‌گردید ، ماجرای این‌عشق اثری‌عمیق درروح حساس‌گوته گذاشت بطوریکه دیگرتن‌بازدواج نداد. اوپس ازگذشت چندسال ازاین ماجرا با معشوقه‌ای بنام‌کریستیان طرح دوستی ریخت و مدتی در « وتزلار » بسر برد و«آلام ورتر» که نام او را در جهان‌ابدی ساخته

است درهمانجا نوشت .

بعدازاین اثر «فوست» را شروع کرد وبازحمت فراوان شاهکار خودرا که میان انگلیسها شهرت فراوان دارد باتمام رسانید . درسال ۱۷۷۵ بعنوان شخص برجسته سیاسی وادبی‌شناخته شد وبایتالیا وسویس مسافرت نمود که نتیجه آنها کتابهای «ایفی ژنیا» ، «اگمونت» ، «تاسو» وچند کتاب دیگربود .

گوته درسال ۱۷۹۲ درجدال‌علیه فرانسه شرکت نمود وبعد ازدرگذشت «ساکس‌ریمار» یك مرتبه ازسیاست کناره گرفت وتا ۲۲ مارس ۱۸۳۲ که تاریخ وفاتش می‌باشد بکار نویسندگی پرداخت . گوته که ازمتفکران نامی قرن هیجدهم می‌باشد دارای قوه تفکر بسیارقوی بود، و همین امرباعث شدکه بچنین مقام جهانی‌که واقعاً درخوراوست مفتخرگردد.

ماکسیم گورکی



ماکسیم گورکی نام مستعار آلکسی ماکسیموویچ پشکوف نویسنده شهیرروسی‌است. وی درسال ۱۸۶۸ در «نیژنی‌نووگوردو» چشم بدنیاگشود . پدرش درپنجسالگی او مرد ومادرش دوباره ازدواج‌کرد . گورکی درکودکی درخانه پدرمادرش‌که یك صباغ بود زندگی میکرد . اما وضع زندگی پدربزرك هرروز بدتر از پیش میشد وگورکی مجبورشد درنه سالگی معاش خود را تأمین کند. از این سال تا پانزده سال بعد وی در جستجوی شغل تمام صفحات شرقی وجنوب روسیه رااز «نیژنی» تا دانوب وگرجستان زیرپاگذاشت ودر عین حال کوشش میکرد تحصیل‌کند و بمطالعه بپردازد .

وی داستان نویسی را خیلی زود شروع کرد . وقتی درتفلیس درکارگاه خطوط آهن کار میکرد موفق شدیك داستان خودرا درروزنامه محلی تفلیس منتشرسازد . او،ماکسیم‌گورکی‌نام مستعار خودراازآن زمان انتخاب‌کرد. ماکسیم‌گورکی بزبان روسی معنی «پندتلخ» رامیدهد. دراین زمان اویك روزنامه‌نویس شهرستانی‌شد ودر سال ۱۸۹۵ یك مجله معروف پترزبورك داستان معروف او «چلکاش» را منتشرساخت . دوسال بعد داستانهای اوبصورت کتاب انتشار یافت وموقعیت بسیار درخشانی پیداکرد. گورکی اندك‌اندك احساس‌کرد که درنظرمردم روسیه مقامی نظیر تولستوی دارد . چیزی نگذشت‌که آوازهٔ شهرت اوازمرزهای روسیه عبورکرد و نام او درردیف مشاهیر جهان ادب درآمد .

نمایشنامه معروف اوبنام «اعماق» دوسال دربرلن نمایش داده شد .

ارتباط او بسوسیال دموکراتهای روسیه ، پلیس تزاری را نسبت بوی مظنون ساخت و درنتیجه اورا محاکمه‌کردند واین محاکمه صددرصد بنفع اووشهرتش تمام شد . درسال ۱۹۰۵ اونقش برجسته‌ای درفعالیت‌های انقلابی وتخریبی‌داشت ودرسال ۱۹۰۶ برای‌گسترش فعالیت‌های ضدتزاری درخارج ازروسیه باروپا سفرکرد. درسال ۱۹۰۷ درکاپری رحل اقامت افکند. درهمین ایام بودکه بالنین آشنائی یافت ودرسال ۱۹۱۳ بسن پترزبورك بازگشت ومجله‌ای بنام لتوپیس انتشارداد . درزمان جنك اول جهانی اوملتهای دنیا را بصلح دعوت میکرد ودر سال ۱۹۱۷ بلشویکها را مورد حمایت خودقرارداد وپس ازپیروزی بلشویکها درشوروی او بعنوان سخنگوی وزارت فرهنك شوروی انتخاب‌گردید ودراین سمت‌کمك‌های شایانی بادبیات وافکار تازه مردم شوروی‌کرد . در ۱۹۲۲ بیماری شدیدش اورا وادار بمسافرت بخارجه‌کرد . اوبعد از مدتی‌توقف درآلمان در «سورناو» اقامت‌کرد، درسال ۱۹۲۸ اوازاتحاد شوروی دیدن

کرد . دراین زمان شوروی‌ها استقبال‌گرم وپرشوری ازاوکردند. آثارادبی‌گورکی بسه دسته‌که مربوط بسه دوره اززندگی اوست تقسیم می‌شود . درسال‌های قبل از هزار و نهصد میلادی او داستان‌های کوتاه نوشت که موجب شهرتش گشت . سوژه اصلی این داستان‌ها اززندگی روزمره اوباش‌وافراد مطرود وسرخوردهٔ اجتماع وطبقات فقیر گرفته شده‌بود .

ازسال ۱۸۹۹ گورکی داستانها ونمایشنامه‌های بلندتر وطولانی‌تری نوشت. گورکی در این‌آثار بزرك خودبا یك دید عمیق ووسیع زندگی مردم روسیه را مورد توجه قرارداد وبرای حل مشکلات اجتماع درجستجوی راه‌های قاطع ونتیجه بخش برآمد.

مکالمات قسمت اعظم این‌داستانها پیرامون درك معنای زندگی‌دورمیزند. نمایشنامه‌های اونیز باآنکه باذوق وشورخاصی نوشته شده اماعاری ازفورم تازه است . ازسال ۱۹۰۶ ارتباط گورکی‌با طبقات روشنفکرروسیه محدود شد ومحبوبیت اومنحصر بطبقات پائین اجتماع گردید. این‌طبقات‌گورکی راسخنگو وترجمان خویش‌نامیدند . داستان معروف او«مادر»که برای طبقه کارگرروسیه نوشته شده است درروسیه شوروی بصورت یك‌فیلم عظیم درآمد. دوره سوم زندگی ادبی‌گورکی‌باانتشار کتاب«دوران کودکی»در۱۹۱۳ آغازمیشود. کتابهای‌بعدی‌اوبنام «درجهان» «دانشکده‌های من» «یادبودهای جوانی من» «میراث» همه شرح حال‌زندگی‌اوست .

داستان‌هائی که‌گورکی دراین‌عهد نگاشت همه ازآثارجاویدان ادبی جهان است. گورکی درروش خاص‌داستان نویسی‌خودکه کاراکترهای مخصوص‌روسها را بخوبی‌شرح میدهد درادبیات روسیه رقیب ندارد. بعداز۱۹۲۶ گورکی بـداستان‌های اجتماعی تمایل‌کـرد . گورکی درسال ۱۹۳۶ جهان را بدرودگفت .

ژانوسکی گوگول



«ژانوسکی‌گوگول» داستانسراودرام‌نویس روسیه‌که ازنژاد اوکراین‌بود درسال ۱۸۰۹ در«سورو چیزی» بدنیاآمد و در سال ۱۸۵۲ درمسکـوجان سپرد. وی درسال ۱۸۳۱ نخستین داستان خود را بنام « شب نشینی‌ها در مزرعه» «دیکانجکا» و اندکی بعد «میرگورود» را منتشرکرد. درکتاب اخیر بانیشخندهای خوشمزه اوکراین را وصف میکند . گوگول در سال ۱۸۳۲ تاراس بولبا حماسه بزرك اوکراین رانگاشت . این اثر منثورکـه سوژه‌اش از قزاقهای قرن هفدهم اقتباس‌شده است شهرت فراوانی‌برای اوکسب کرد. درسال ۱۸۳۴ «مـالکین عصرگـذشته» و «منازعه ایوان ایوانویچ» و«پالتو» رانگاشت رآلیسم قوی‌گوگول دراین‌آثارتازه‌اش همراه باشورواحساس نیرومندوی انسان را دچارهیجان خاصی میسازد. نفوذآثار اودرآثاردیگرارباب قلم روسیه انکارناپذیراست . وی درسال۱۸۴۲ پس ازسفری برم درآنجا «نامه‌های مذهبی» را نگاشت و«نفوس مرده» رامنتشرکرد . این اثر شاید بهترین شاهکار ادبیات روسیه محسوب میگردد . اوبدنیای تئاترهم قدم‌گذاشت. یك‌کمدی معروف اوکه درسال ۱۸۳۸ منتشرشد تابلوی بسیارزنده‌ای ازوضع اداری عصرتزار است.

گوگول رهبر وپیشاهنك مکتب ناتورالیسم روسیه است . گوگول با زبان انعطاف پذیر وبسیار قوی خویش جنبه‌های مختلف زندگی مردم روسیه را بخوبی نقاشی میکند .

گوگول دراواخر عمربناراحتی فکری دچارشد وبسیاری ازنسخ خطی‌آثارش را معدوم ساخت . وی درسال ۱۸۵۲ جان سپرد.

پل گوگن



«پل گوگن» نقاش معروف قرن نوزدهم فرانسه درسال ۱۸۴۸ درپاریس بدنیا آمد . پدرش روزنامه نگار بود ومیل داشت پسرش نیز همان حرفهٔ ویراانتخاب کند . «پل» پس ازاتمام تحصیلات خود ، چون ناگهان پدرش فوت کرد، برای امـرارمعـاش مجبور شد شغل محقری راکه عایدی ناچیزی داشت در یکی از بانکهـای پاریس بپذیرد. هرگز بخاطر هیچکس خطور نمیکرد که این حسابدار ساده بانك که ازصبح تاشب بااعداد وارقام سروکار داشت و در کار خود بسیاردقیق ومنظم بود، روزی هنرمند ازکار درآید وبعنوان یکی از بزرگترین نقاشان جهان نامش درصفحات تاریخ هنرجاویدان بماند.

«پل» هنگامی که ۲۷ سال ازعمرش می گذشت بایك معلمهٔ زیبای دانمارکی بنام «مت گاد» آشنا شد وبزودی بااوازدواج کرد . «مت» معلم نقاشی بود وچون شوهرش ویرا بسیار دوست میداشت ، بهنرش نیزعلاقمند شد وغالباً روزهای تعطیل واوقات فراغت خـود را صرف نقاشی میکرد. امااین علاقه «پل» بنقاشی بزودی از حدود تفنن تجاوزکـرد وحتی عشق اورا بزنش تحت الشعاع قرارداد وبزرگترین تحول را در زندگی اوپدید آورد ، بطوریکه پنجسال پس از ازدواج با «مت» بخاطر نقاشی تصمیم گرفت بهمه چیز پشت پا بزند ، ازشغل خود در بانك استعفا داد وهمین امرموجب شدکه وضع مادی اوبکلی متزلزل شود. تابلوهائی که می کشید خریدار نداشت وفقر وتنگدستی اوعاقبت باعث دلسردی ودلتنگی همسرش گردید. مت سه فرزندی را که ازاو بدنیا آورده بودبرداشت وباخود به «کپنهاك» بردودست کشیدن «پل» ازنقاشی راشرط مراجعت خود قرارداد ، زیرا معتقدبود وی دراین فن استعداد ندارد وبیجهت وقت خودراتلف میکند. اتفاقاً دوستان «گوگن» نیزبالاتفاق همین نصیحت را باومیکردند. اما نه جدائی زن و فرزند، نه سختی معیشت وتنگدستی وگرسنگی ونه سرزنش وبی اعتنائی دوستان ، هیچیك نتوانست آتش عشق عجیبی راکه نسبت بنقاشی ناگهان درنهاد اوزبانه کشیده بود خاموش کند . در سال ۱۸۸۲ چون محیط پاریس را برای خود خفقان آوروتحمل ناپذیرتشخیص میداد، باپول مختصری که ازدوستان خود قرض کرد دربندر «بردو» سوارکشتی شد وراه مسافرت بجزیرهٔ دورافتاده «هائیتی» واقع دراوقیانوس آرام را درپیش گرفت وازآن پس تاپایان عمردراین جزیره و در میان بومیان زندگانی کرد وشب وروزبا علاقهٔ عجیبی بترسیم تابلوهائی ازمناظرطبیعی وزندگی بومیان مشغول بود . یکبار بپاریس آمد وتابلوهای خودرا برای فروش عرضه کرد ، ولی همه بالبخند تمسخر وتحقیر اورا استقبال کردند و «گوگن» ناچاردوباره بجزیرهٔ «هائیتی» بازگشت ودراین نقطهٔ دورافتاده وعاری ازتمدن بزندگی ادامه داد . شهرت و موفقیت چند ماه پس از مرك اوکه درسال ۱۹۰۳ روی داد بسراغش آمد .

پی یر . سیمون . لاپلاس


LAPLACE

لاپلاس دربیست وسوم مارس ۱۷۴۹ در حوالی «پون لوك» متولد شد. پدرش دهقان فقیری بود وازکودکی خودش اطلاعی در دست نیست خـود او هم بمحض اینکه ریاضی‌دان مشهوری شد و افتخاراتی کسب نمود اصل‌ونسب خودرا مخفی نگاه میداشت .

مشهور است که لاپلاس برای ملاقات دالامبر ریاضی‌دان با ارزش دریکی از روزهای سال ۱۷۷۰ بخانه او میرود و با وجود توصیه‌هائی که‌ارائه میدهد معهذا کمك قابل توجهی ازطرف ریاضی‌دان

بزرگ نسبت باو نمیشود .

لاپلاس مایوس نمیشود ونامهای برای دالامبر میفرستد و درآن افکار خویش را درباره اصل مکانیك شرح میدهد.

دالامبر بمحض خواندن نامه نویسنده رااحضار میکند و باو میگوید چنانچه ملاحظه میکنید من بتوصیه وسفارش ترتیباثر نمیدهم ولیشما برای شناساندن خودوسیله خوبیبدست آوردید . دالامبر فوراً لاپلاس را بسمت استاد مدرسه نظامی پاریس انتخاب میکند .

اولین مسئله مورد توجه لاپلاس دنبال نمودنکار نیوتون بود زیرا نیوتون قانون اصلی مکانیكآسمانی را یافته بود ولاپلاس میخواست این قانون را درمورد تمام اجسام منظومهشمسی بکار برد .

لاپلاس شروع بتعیین قوانین مکانیك سیارات کرد تانشان دهدکه این اجسام مانند سایر اجسام تابع قوانین فیزیکی هستند .

اولین موضوعیکه لاپلاس نزد خود مطرح میکند موضوع ثبات دستگاه شمسی است که آیا بوضعیکه داراست میماند یابالاخره ماه روی زمین سقوط میکند وسیارات برجرم خورشید پرتاب شده ومعدوم میگردند .

نیوتون هم این سئوال را مطرح کردبوده وباین نتیجه رسیده بودکه بایدگاهگاهدست خداوند درکاربیاید وحرکاتآنها را بجریان عادی برگرداند .

ولی لاپلاسگفت اگرچه وضع سیارات نسبت بخورشید تغییر میکند ولی این تغییرات تناوبی است .

لاپلاس تمام ایناکتشافات را تحت عنوان «مکانیكآسمانی» منتشرساخت ولی چون فهم مطالبش برای همهکس مقدورنبود لذا تصمیمگرفت کتابی دیگربنویسدکه مردم عادی هم ازآن بهرهمند گردند .

اینکتاب تحت عنوان «شرح دستگاه جهانی» منتشرشد .

لاپلاس علاوه برنجوم وریاضیات استادی عالیقدر درعلم فیزیك بود ودر باره لولههای موئین وانتشار امواج صوتی مطالعات فراوانی داشت .

ازمهمترین آثار لاپلاس «تئوری تحلیلی احتمالات» راکه در سال ۱۸۱۲ نوشته است میتوان نام برد.

لاپلاس راکه دانشمندی بیهمتا میتوانگفت متأسفانه نسبت بتمام حکومتهائیکه پیدر پی عوض میشدند تملق میگفت وازآنها استفاده میکرد . درمقابل ناپلئون تازانو تعظیممیکرد و بهمین علتها بود که از طرف امپراطور بمقامهای کنت ـ سناتور ـ ریاست مجلس سنا انتخاب شد .

باوجود اینها وقتی ناپلئون اسیرشد بدوپشتکرد وبعزلش رای داد وخودرا در دامان لوئی هیجدهم انداخت وازطرف او بسمت رئیس کمیته تجدید تشکیلات مدرسه پلیتکنیك وعضو مجلس اعیان انتخاب شد .

لاپلاس با تمام این اوصاف جوانان را تشویق وکمك میکرد، بطوریکه روزی یکی از اکتشافات جوان ناشناسی بنام «بیو» ازطرف آکادمی مورد تمجید قرارگرفت او را نزد خود خواند ومعلومگردید لاپلاس قبلا ایناکتشاف را مورد مطالعه قرارداده است .

لاپلاس اواخرعمررا در«آرکوی» نزدیك پاریس درعمارت ییلاقیخودکه نزدیكدوستش برتوله بودگذرانید .

اوروزپنجم مارس ۱۸۲۸ درهفتاد وهشت سالگی درگذشت درحالیکه آخرین حرفاو

این بود :
«آنچه میدانیم بسیار ناچیز وآنچه نمیدانیم عظیم ووسیع است »

ژان . دولافونتن



ژان دولافونتن شاعرفرانسوی در هشتم ژوئن سال ۱۶۲۱ میلادی در «شاتونیزی» بدنیا آمد . پدرش شارل « سرپرست امور آب و جنگلهای موطن وی بود . پدر ومادر او از طبقات متوسط شهرستانی بودند . لافونتن درکالج «رمس» تحصیل کرد .

قراربود نخست وکیل عدلیه شود . در سال ۱۶۴۷ پدرش ازشغل خویش استعفا داد ویك دخترشانزده ساله بعقد اودرآمد . رشته این ازدواج در سال ۱۶۵۸ گسیخت اما طلاق هرگز اتفاق نیفتاد . لافونتن تقریباً چهل سال آخر عمررا در پاریس گذراند . لافونتن نویسندگی راار سی سالگی آغاز کرد .

اودرآغاز قصاید، ترانه وقطعات مختلف میسرود. لافونتن دراثرآشنائی بااشرافزادگان ازکمکهای مالی ومعنوی آنها استفاده میکرد. بسیاری ازاشعار اوخطاب بدوکها ودوشس‌های فرانسوی است . لافونتن نخستین اثرزنده و زیبای خود را بنام «داستانها» بـرای یك دوك و دوشس خلق‌کرد . این اثـر در سال ۱۶۶۴ انتشار یافت . دراین زمان یك محفل ادبی بنام «رودوویوکولومبیر» باشرکت راسین، مولیر، بوالوولافونتن تشکیل گردید .

لافونتن درسال ۱۶۶۶ دومین‌جلد «داستانها» را منتشرکرد ودرسال ۱۶۶۸ اولین‌جلد ازشش‌جلد «افسانه»ها راانتشارداد . در سال ۱۶۸۲ لافونتن بعنوان بهترین ادیب و شاعر در فرانسه شهرت یافت ونامزد عضویت آکادمی فرانسه شد . ماجرای نامـزدی و عضویت وی در آکادمی کشمکش‌های جدیدی را درزندگی اوبوجود آورد.

قسمت اعظم آثار لافونتن قابل ملاحظه وجاویدانی است .

«افسانه»های اودرهمه جهان‌شهرت دارد. اوبااستفاده ازسنت‌ها وداستان‌ها وآثارفکری شرق بویژه‌کلیله ودمنه «افسانه»های خودرا بشعردرآورد . دراین افسانه‌ها ، پند وانـدرزهای فراوانی بچشم میخورد . اوبهترین پندهای اخلاقی را اززبان جانوران بازگومی‌کند. اوبرخی ازداستان‌های خودرا ازکاچیواقتباس‌کرد و با تغییردرقسمت های مختلف آنها را بصورت تازه وبکری درآورده وقدرت عجیب خودرا ببهترین وجهی نشان‌داده‌است . لافونتن‌استعداد عجیب خودرا درهمه رشته‌های ادبی عصرخویش نمایش داده است. طرزفکرلطیف ودرعین حال‌زیرکانه اودرعصرخویش نیزمعروفیت و اشتهار مخصوصی پیداکرد .

ژوزف. لوئی. لاگرانژ

لاگرانژ در۲۵ ژانویه ۱۷۳۶ در«تورن»متولد شد اوکه ازبزرگترین ریاضی‌دانان تمام ادوار تاریخ میباشد هنگام تولد بیش‌از حد ضعیف وناتوان بود واز یازده فرزند خانواده فقط اوزنده مانده بود.

اوتا ۱۶ سالگی بادبیات علاقه شدید داشت ولی یکمرتبه روش خودرا تغییر داد. بقدری درروش جدید پیشرفت نمودکه در۱۸ سالگی بمعلمی‌مدرسه توپخانه تورن‌انتخاب شد . اوباشوق وشعفی‌که درشاگردان خود بوجود آورده بود توانست بـاکمك آنها یك محفل علمی بوجودآوردکه درسال ۱۷۸۴ تبدیل به‌آکادمی پادشاهی علوم تورن‌گردد .

لاگرانژ در۱۹ سالگی قدرت فکری خودرا بااختراع «حساب تغییرات» آشکار نمود . درسال ۱۷۶۴ بعلت انتشار مقاله‌ای درباره «میزانیهٔ ماه» باخذ جایزه ازطرف آکادمی

علوم پاریس نایل گشت .

دوران افتخار وعظمت ریاضی‌دان بزرك ازهمین موقع آغاز گشت ازبزرگترین شاهکار های علمی اومکانیك تحلیلی را میتوان نام بردکه درسال ۱۷۸۸ انتشار یافت .

لاگرانژ مردی محجوب ومتواضع بود، اوبسیار ساده وراحت هنگامیکه از یك مطلب علمی اطلاع نداشت میگفت «نمیدانم». لاگرانژ درسال ۱۸۱۳ درگذشت .

آلفونس· دولامارتین



آلفونس دولامارتین شاعروادیب وسیاستمدار فرانسوی در ۲۱ اکتبر سال ۱۷۹۰ در «ماکون» بدنیا آمد . روزگار کودکی وجوانی را دردهکده گذراند. اشعار زیبا وژرف او بیشتر از این دوره الهام گرفته است . اودربیست سالگی برای خاطرسلامتی‌خود بایتالیا عزیمت کرد ودرآنجا بودکه باگرازیلا آشنا شد .گرازیلا نام خاطره انگیزی است که بیشتر دراشعار اوبچشم میخورد.

او ازخانواده اشراف بود . لامارتین پس ازتجدید سلطنت «بوربون» ها درقرن نوزدهم درفرانسه از شخصیت های برجسته سیاسی بحساب می‌آمد . نخستین کتابش « اندیشه‌های شاعرانه و مذهبی» درسال ۱۸۲۰ (سی‌سالگی) منتشر شد ودر سال ۱۹۲۳ «اندیشه‌های تازه» را منتشر ساخت . شعرفلسفی وهماهنك وموزون اوبسبب تازگی وزیبائی ودلپذیری خاصی‌که داشت مردم را متوجه وی ساخت . وی درسال ۱۸۳۰ «هماهنگی‌ها» را منتشر کردکه خود آنرا انعکاس صمیمانه و احساسهای روزمره‌اش خواند و آنرا دفتردل خویش نامید . اشعاراین‌کتاب بیشتر جنبه اندیشه داشت تا جنبه تغزلی وی « سقوط یك فرشته » و « ژوسلین » را در سال ۱۸۳۷ منتشرکرد وآخرین اثر شعری‌ش بنام «برگزیده‌ها» در سال ۱۸۳۹ انتشار یافت . لامارتین حوادث عادی زندگی روزمره را بزبان ساده وبا یك دید زیبای شاعرانه برشته تحریر در می‌آورد. لامارتین بزندگی آمیخته بتقوی- بمذهب کاتولیك - بپرستش‌طبیعت‌آنسانکه «روسو» و «برناردن دوسن‌پیر» توصیف کرده بودند و باحساس های مادام دواستال نویسنده معروف فرانسوی وآثار شاتوبریان وبایرون علاقه داشت .

لامارتین وقتی «اندیشه‌های شاعرانه ومذهبی» را برای چاپ بیك ناشر سپرد ناشرآنرا ردکرد وگفت : «سبك شما تابع هیچیك ازسبکهای عصرما نیست : بهترین اثرشعری لامارتین که خود نیزبه آن علاقه داشت «دریاچه» است دراین شعراو وقت بازگشت خویش را بناحیه کوهستانی «بورژه» پس ازمرك معشوق خود توصیف می‌کند. آثار نظم ونثراوظریف ، هماهنك، ساده ، ژرف ، مجسم باواژه‌های عادی است که آنها را ببهترین وجه بکاربرده است .

لامارتین درکشور خویش معروف‌تر ازسایر نقاط جهان است . لامارتین در عین اینکه شاعروادیب بود درسیاست نیزمداخله میکرد. اودرسال ۱۸۲۳ منشی سفارت فرانسه در ناپل شد . دراین سال اوبا یك زن انگلیسی‌تقریباً ثروتمند ازدواج کرد اوسال‌های ۱۸۲۴تا۱۸۲۹ را در فلورانس ودرسال ۱۸۲۹ تغییرمأموریت پیداکرد . وی درسالهای ۱۸۳۲ و ۱۸۳۴ به خاورنزدیك سفرکرد . درمدت غیبتش اورا بنمایندگی مجلس فرانسه برگزیدند . اودرمجلس زیاد نطق میکرد و اندك اندك بجناح چپ‌گرائید . در انقلاب فوریه سال ۱۸۴۸ لامارتین به عضویت دولت موقت فرانسه برگزیده شد وازجمله پنج عضوکمیته اجرائی دولت بود .

لامارتین باکلام فصیح وبلیغ خود بارها توانست مردم پاریس راآرام سازد وبحفظ نظم دعوت کند .

درسال ۱۸۴۹ نامزد ریاست جمهوری شد اما چند رأی بیشترنیاورد . لامارتین بعداز این شکست فقیروبیچاره گشت وبرای تامین معاش پشت سرهم درروزنامه‌ها مقاله مینوشت . او درروزنامه «لاپرس» اعترافات را نوشت .

لامارتین در۲۸ فوریه ۱۸۶۹ درفقرجان سپرد.



LAVOISIER

لاوازیه (انتوان)

وی که بپدرعلم‌شیمی‌جدید معروف‌شده‌است وکشفیات بزرك ومتعددی دراین علم‌دارد بااینکه ۲۵سال بیشتر نداشت بعضویت آکادمی علوم پذیرفته شد. تجزیه هوا وکشف اکسیژن ازکارهای اوست باشروع انقلاب‌کبیرفرانسه لاوازیه دستگیر و بزندان افتاد ودرسال ۱۷۹۴ بوسیله‌گیوتین‌اعدام شد.

لئوپاردی



بزرگترین ورمانتیك ترین همه شعرای ایتالیائی‌لئوپاردی است که «بایرن» ایتالیا بشمارمیرود وی‌خیلی‌جوان(در۲۹سالگی) مرد .

در تاریخ ادبیات جهان بندرت میتوان شاعری یافت که زندگانیش باندازه لئوپاردی بارنج‌وغم وبدبختی‌آمیخته باشد، در کودکی چون هیچ محبتی ازطرف پدرومادروکسان خود ندید ، بدامان تحصیل پناه‌برد ودرسن‌کم، بتنهائی زبانهای‌لاتین ویونانی وعربی وفرانسه وانگلیسی‌واسپانیائی راآموخت ودر۱۶ سالگی‌مجموعهٔ محققانه‌ای درین باره نوشت‌که هنوزمورد اعجاب دانشمندان است .

اماتندرستی خودرا برسراین‌کارگذاشت چنانکه دربیست‌سالگی باپشتی خمیده و چشمی نیمه‌کور روحی رنجور و نومید پیوسته آرزوی مرگ میکرد . چندین بار به پیروی از طبع شاعرانهٔ خودعاشق شد. اماهربارعشقش بناکامی انجامید .

اشعارلئوپاردی درادبیات ایتالیا مقامی خاص‌ومنحصربفرددارد . بارها گفته‌اندکه «از سطرسطر نوشتهٔ لئوپاردی بوی غم میاید» . همیشه نیزگفته‌اند ومیگویندکه وی ظریف‌ترین و محبوب‌ترین شاعر ایتالیائی است .

آبراهام لینکلن Lincoln. Abraham.

آبراهام لینکلن بسال ۱۸۰۹ بدنیاآمد ودرهفت سالگی بی‌مادر شد بیش از یکسال بمدرسه نرفت ولی‌همواره باکتاب سروکارمیداشت. تاسی‌سالگی کارهای مختلف درپیش‌گرفت و از۱۸۳۹ بشغل قضاوت پرداخت . لینکلن پیوسته باکرجی خود دررودخانه‌ها سفر میکرد و بتماشای بازارهای برده‌فروشی میرفت. بسال ۱۸۴۶ بنمایندگی کنگره رسید ودر۱۸۵۸ پرچم مبارزه بابرده‌فروشی رابرافراشت. چون براثراستقبال مردم لینکلن بریاست جمهوری آمریکا رسید، زمین‌داران وبرده‌فروشان جنوب کشوررابجنك داخلی‌کشیدند. این‌جنك طولانی‌سرانجام بشکست نیروهای ژنرال لی‌وفیروزی لینکلن انجامید وعصرنوین درتاریخ آمریکاآغاز شد. از پایان جنگهای داخلی۵سال نگذشته بودکه در۱۸۶۵ لینکلن‌را بقتل رساندند تاازآبادانی سرزمینهای جنوب جلوگیری کنند.

لینکلن رئیس‌جمهوری آزادی‌بخش، نویسنده‌ای تواناوسخنرانی‌بلندپایه‌بود. مردم‌دوستی

وروشن‌بینی این‌دادمرد گرانمایه رااز آثارش میتوان دریافت .

پیرلوئیس

درایام جوانی درسایهٔ انتشار کتاب (آفرودیت) شهرت شگرفی پیدا کرد . این کتاب در آغاز کار درسال ۱۸۹۶ بپول نویسنده درفرانسه چاپ شد و ارباب نقدآنرا با« سالامبو » اثر «گوستاو فلوبر» برابر شمردند .

پیرلوئیس تاسال ۱۸۹۶ چندین مجموعهٔ داستان و شعر، وکتابی زیبابنام «ترانه‌های بیلیتیس» نوشته بود امابس‌ازانتشار آفرودیت همه باین‌نکته پی‌بردندکه این‌نویسنده جوان در کارنویسندگی توانا ودرنظم ونثرونوشتن داستان‌های تاریخی استاد است.

این‌نویسنده آثار بی‌شماری ندارد زیرا هیچگاه نخواست اثر مبتذل و متوسطی بنویسد. پیرلوئیس گذشته ازداستان‌سرائی شاعری خوش‌طبع ـ بزرك وآزاده‌است که ازآغاز تا پایان زندگانی‌آهنگها وتصاویرزیبا آفریده ودرنظم ونثرقدرتی فوق‌العاده ازخودنشان داده‌است. وی تمام‌آثارخود را درعرض ده سال و پیش از سی سالگی نوشت وسپس درگوشه‌ای‌آرام به تتبع و تحقیق دست زد امابااین همه اورا می‌بینیم‌که درواپسین سال زندگانی‌خود بسوی الهه شعرروی آورده وسرگرم سرودن شعرشده است . لوئیس‌سبك بسیارساده‌ای داردکه درقیدزمان اسیر نشده است واگرچه عده‌ای عقیده‌دارندکه درپاره‌ای نوشته‌هایش رنك‌آخرین روزهای قرن نوزدهم دیده میشود بااینهمه نباید ونمیتوان زبان پیرلوئیس‌را درشمارزبان‌گذشتگان درآورد.

این کتابها ازپیرلوئیس بفارسی برگردانده شده است:

۱ـ آفرودیت توسط عبدالله توکل

۲ـ ترانه‌های بیلی‌تیس توسط شجاع‌الدین‌شفا

۳ـ زن وبازیچه توسط عبدالله‌توکل ـ رضا سیدحسینی

۴ـ بدنبال زن توسط علی‌اکبرکسمائی سایرآثارپیرلوئیس ماجراهای پوزول شاه، پسیشه.



LOTI

پیرلوتی

نام اصلی این‌نویسنده فرانسوی «ژولین‌ویو» بوده است. وی‌درژانویه سال۱۷۵۰ درشهر روشفا درساحل اقیانوس‌اطلس بدنیا آمد. درحیا وشرم‌چنان‌بودکه معشوقش‌اورا «لوتی» نام‌نهاد ولوتی‌نام یك‌گل هندی است‌که همواره مانند شخص‌محجوبی ازفرط حیا سربزیردارد، پیرلوتی ازلحاظ روش نویسندگی درردیف امپرسیونیست‌ها قراردارد .

وی باآن‌که مطالعه زیادی درادبیات‌کهن ندارد معذالك بدان‌جهت‌که شیوه خاص اودر نقاشی‌نفسانیات بشرجذبه‌ای درخواننده ایجادمیکند، امروزازبزرگترین نویسندگان قرن‌اخیر محسوب‌میگردد . بهمین سبب درسال ۱۸۹۱ بعضویت‌فرهنگستان فرانسه انتخاب‌گردید ازمیان آثار لوتی‌آنچه بیشتر جالب توجه است سرگذشتی است‌که از مسافرت خود بایران تهیه‌کرده وآنرا «بسوی اصفهان» نام نهاده است.

آثاراو عبارتند از :

کاپیتان دوسو، عروسی‌لوتی. سرگذشت یك‌سربازسیگابی، برادرم‌ایو، ماهیگیرپروتونی، تبعیدشده، مادام کریزانتیم، خزان اشیاء ژاپونی، داستان یك‌بچه،کتاب ترحم‌ومرگ درمراکش اشباح شرق، بیابان، گالیله، رامونچو، هندوستان خالی ازانگلیس‌ها، مادام پرون، ناکام،مرك فیلا، قصربرروی خفته ، یك افسرجوان فقیر، عنفوان جوانی، آخرین روزهای پکن ، گلهای اندوه، اتوبیوگرافی، بسوی اصفهان ، این‌کتابها ازپیرلوتی بفارسی‌برگردانده شده است .

۱ـ آزاده ترجمه بانوپروانه حشمت شریعتمداری.

۲ـ پریرویان ناکام، ترجمه ع ـ قویم
۳ـ ترکی درحال احتضار، خانم حاجب.

امیل لودویك

امیل لودویك در۲۵ ژانویه ۱۸۸۱ درشهر برسلاو دریك خانواده یهودی بدنیا آمد.
درآغاز عمر مدتی بتجارت پرداخت و پس از آن بتحصیل حقوق مشغول گشت، ووکالت کرد.
اما طولی نکشید که شوق ورغبت زیادی بنویسندگی دراو پیداشد. چندین نمایشنامه نوشت که در تئاترهای آلمان وکشورهای دیگر بمعرض نمایش گذاشته شد. ازآن جمله برژیا ـ ناپلئون ـ تریستان وایزوت وآتلانتا وبالت اریان میباشد. امیل لودویك پیش ازجنك بین الملل اول چندی درانگلستان بسر برد و پس ازشروع جنك ازطرف یکی ازجراید بزرك آلمان بسمت خبرنگار سیاسی درکشورهای آلمانی زبان اروپائی مأموریت یافت. در این دوره بود که کتابهای مانفرد وهلن ولوتا وبعضی قطعات مربوط به تئاتررا تصنیف کرد. مهمترین آثار لودویك بیوگرافیهائی است که درباره رجال هنروسیاست نوشته است. این بیوگرافیها ازنظر روانشناسی وتجربه وتحلیل روحی چنان دقیق بودکه برای اوشهرتی فراوان کسب نمود. امیل بین سالهای ۱۹۰۶ و ۱۹۴۰ درسویس زندگی کرد وبعدازآن بامریکا رفت ودر تمام مدت جنك بین الملل دوم آنجا ماند و سرانجام بسال ۱۹۴۹ درامریکا بدرود حیات گفت.

این کتابها ازامیل لودویك بفارسی برگردانده شده است:

استالین توسط مشفق همدانی
بتهوون توسط حسن صفاری
آبراهام لینکلن توسط حسن صفاری

سایر آثاراو بدینقراراست:
یك غروب، ناپلئون، بورژیا، تریستان وایزوت، آتلانتا، مانفروبلن، دیانا، درپای چراغ فردریك ولیعهد پروس، گوته، واگنر، بیسمارك، مردم وتاج، آزادی، نبوغ و شخصیت، ویلهلم دوم، مسیح فرزندانسان، نیل، روزولت، ومدیترانه.

جك لندن



جك لندن نویسنده بزرك آمریکائی روزدوازدهم ژانویه ۱۸۷۶ بدنیا آمد وروز۲۳ دسامبر۱۹۱۶ درگذشت. تاسن ۱۹ سالگی دست بمشاغل مختلفی زد وچندین باربجرم گدائی وولگردی محکوم بزندان گردید.

در۱۹ سالگی اتفاقا روزی به کتابخانه‌ای رفت و شروع به مطالعه کتاب «روبنسن کروزه» کرد این کتاب جك رابقدری بمطالعه علاقمند ساخت که ازآن پس روزی ده پانزده ساعت از وقتش را در کتابخانه میگذرانید وهمین موضوع اورا تشویق کردکه بدبیرستان برود. دورهٔ چهارساله دبیرستان را فقط درمدت سه ماه بپایان رسانید وسپس بدانشکده رفت ـ اما نتوانست بتحصیل ادامه بدهد.

جك لندن درمدت ۱۸ سال نویسندگی پنجاه ویك کتاب بزرك ویکصدوبیست وپنج داستان کوتاه نوشت وهمان گدای ولگرد دراواخرعمر کارش چنان بالاگرفت که درآمدش دوبرابر حقوق رئیس جمهور آمریکا بود.

آثارمهم جك لندن عبارتست از «آوای وحش» سپید دندان. «مارتین ایدن» «گرگ دریا» خاموشی سپید.

عده‌ای عقیده دارند که داستان عشق زندگی شاهکار جک لندن است. جك لندن خود را پیرو مکتب اجتماعی میداند ولی مخصوصاً طرفدار زندگی ابتدائی و بدوی است. از آنجا که خود در تنگدستی بسر برده از زندگی فقیران بخوبی آگهی دارد و غالب حوادث و وقایعی که در داستانهایش آورده است بسر خود او آمده است.

این نویسنده بزرك در سن چهل سالگی براثر افراط در کار در گذشت.

این کتابها از جک لندن بفارسی برگردانده شده است.

۱ــ آتشپاره زرین ترجمه سعید سالم
۲ــ پاشنه‌آهنین ترجمه م صبحدم
۳ــ پسر آفتاب ترجمه فرامرز برزگر
۴ــ آشتی ناپذیر ترجمه فرامرز برزگر
۵ــ دختر برفها ترجمه فرامرز برزگر
۶ــ جری درجزیره ترجمه فرامرز برزگر
۷ــ دزدان خلیج ترجمه فرامرز برزگر
۸ــ سرگذشت کشتی اسنارك ترجمه فرامرز برزگر
۹ــ سپید دندان ترجمه محمد قاضی
۱۰ــ سرگذشتها ترجمه آلك
۱۱ــ سك سیرك ترجمه م. مهربان ومحبوب
۱۲ــ ازخودگذشتگی ترجمه محمدجعفر محجوب
۱۳ــ درتلاش آتش ترجمه ا. ب. زند
۱۴ــ خاموشی سپید ترجمه نوذر
۱۵ــ کشتی شکسته‌ها ترجمه شجاع‌الدین شفا
۱۶ــ آوای وحش ترجمه پرویز داریوش
۱۷ــ اعتراف ترجمه آلك
۱۸ــ تب طلا ترجمه پورکریم
۱۹ــ جای پای خورشید ترجمهٔ ایرج پورباقر
۲۰ــ جزیره وحشت ترجمه جهانگیر بهروز. محمدجعفر محجوب.
۲۱ــ حماسه شمال ترجمه نوذر
۲۲ــ داستانهای دریای جنوب توسط محمدجعفر محجوب
۲۳ــ مارتین ایدن توسط ا. دوستدار

سایر کتابهای جك لندن بدین قرار است:

بچه گرگ، دوزخیان، ندای جنگل، گـرگ دریا، جاده، حادثه، مسافرت در دریاها جان مارلی کورن، دره ماه، آفتاب سوزان، خانم کوچك درخانه بزرك

ژان. باتیست. دولامارك I. B. De. Lamarck

ژان باتیست دولامارك دراول ماه اوت ۱۷۴۴ متولدشد. پدرش «شوالیه ژاك دومونه لامارك» بود که یازده فرزندداشت خانواده لامارك باوجود اشرافیت واصالت خانوادگی درکلبه محقری زندگی میکردند.

ژان در ۱۶ سالگی بقشون مارشال «دوبروی» پیوست ودربیست وچهارسالگی خدمت نظام را ترك کرد وبپاریس رفت.

لامارك درباغ پادشاهی رفت‌وآمد می‌کرد وباتشویق «ژوسیو» بجمع‌آوری علفها مشغول

شد و کم کم علاقه عجیبی به‌نبات شناسی درخود احساس نمود .

لامارك درسال ۱۷۷۷ کتابی بنام «نباتات فرانسوی» منتشرساخت که شهرت فراوانی برایش ایجاد کرد . درسال ۱۷۷۹ آکادمی علوم اورا باآغوش بازاستقبال نمود .

وی درسالهای ۱۸۱۵ تا۱۸۲۲ کتاب دیگری بنام «تاریخ طبیعی غیرذوفقاران» منتشر نمود . لامارك باانتشار این‌اثرتوانست حیواناتی‌راکه شباهتی باهم دارند بهم نزدیك کند و از آنجا این فکربخاطرش آمدکه ممکن‌است تمام حیوانات ازچند اصل ومبداء مشترك سرچشمه گرفته باشند ولی این‌نظریه باعقاید «کوویه» که بوضع عجیبی‌حاکم برعقلها بود تباین داشت .

موضوع دیگری‌که لامارك ازخود سؤال می‌کرد این‌بودکه چراحیوانات تغییرشکل پیدامیکنند؟ وخود جواب میداد علت تأثیر محیط است . لامارك این افکار راکه اساس فلسفه پیروان تغییر شکل موجودات است درسال ۱۷۰۹ درکتابی بنام «فلسفه حیوان شناسی» منتشرنمود.

لامارك بااینکه درعلم تخصصی‌خود دانشمندبود ولی‌دارای افکاروعقاید پوسیده‌ای بود که حاضربترك آنها نمیشد. اودرسال ۱۸۱۰ کتابی درباره خودشناسی‌نوشت ودر این‌کتاب ماه را دربدی وخوبی هوا ونزول برف دخالت دادکه مورد ملامت ناپلئون قرارگرفت .

لامارك درهیجدهم دسامبر ۱۷۲۹ درهشتادوپنج سالگی درگذشت.

فردریك لوفر F. Loffer

فردریك لوفرکه یکی ازدانشمندان میکرب‌شناس‌آلمانی میباشد در سال ۱۸۵۲ متولد شده ودرسال ۱۸۸۰ موفق به‌کشف میکرب دیفتری‌گردیده است .

وی درسال ۱۹۱۵ وفات یافت .

فرانس لیست F. Leszt



در۱۲ اکتبر۱۸۱۱ در دهکده «دبریان» درآلمان بدنیا آمد . پدرش خدمتگذارپرنس نیکلااسترهاتی‌بود . درآنجا با هایدن آشنائی یافت ونواختن چندسازرا ازاویادگرفت . بهمین‌جهت فرزندش‌را ازکوچکی باموسیقی آشناکرد . پرنس استرهاتی لیست را برای ادامه تحصیل به پترسبورك فرستاد.

بعد به‌وین رفت. وقتی‌پیانیست بزرك‌کارل چرنی‌استعداد او را دید حاضرشد باومجاناً درس‌بدهد . بعدبه‌پاریس رفت، نخستین کنسرت اودرپاریس باموفقیت بی‌نظیری مواجه‌شد بطوری‌که اورا برای‌کنسرت به‌لندن دعوت‌کردند واودرحضور ژرژ چهارم پادشاه انگلستان پیانونواخت .

در ۱۸۲۷ پدرش وفات یافت واودرجریان این مصیبت گرفتارعشق‌کنتس سن کریك‌شدو چون‌کارش‌به‌ناکامی کشیده یکباره ازدنیای مادی دست‌کشید وبعالم‌کلیسا پناه برد وهنرخودرا وقف مذهب کرد .

بزرگترین ماجرای عشقی‌اوملاقات‌کردن اوباکنتس‌داگوکه یکی اززنان زیبا وهوشمند فرانسه بود بوجودآمد . داگونیزبخاطرلیست شوهرش را ترك‌کرده وباپیانیست جوان بسوئیس رفت .

لیست وکنتس داگوقریب ده‌سال صمیمانه باهم زندگی‌کردند وصاحب سه‌فرزند شدندکه یکی ازآنها بنام‌کوزیما بعدها زن واگنر شد .

کنتس داگو نویسنده زبردستی بود وبسیاری از مقالاتی‌که بنام لیست منتشر میشد او

می‌نوشت .

لیست مدتی بمجارستان رفت ودرآنجا بافتخاراو جشن گرفتند وشمشیرافتخاررا که نشانه نجابت است باوودادند . درسال ۱۸۴۱ بآلمان بازگشت دراین‌دوره به‌نام بزرگترین پیانیست اروپا مشهورشده بودازسال ۱۸۴۴ لیست باکنتس‌داگو قطع مراوده کرد ودروایماراقامت گزید وازاین سال شاهکارهای اوبوجود آمد .

بعدازترک کنتس‌داگو لیست باپرنس ساین‌ویتگنشتاین طرح دوستی ریخت واو نیز مثل کنتس‌داگو خانواده خودرا رها کرد ومدتی بالیست دروایماراقامت گزید. بعدلیست وپرنس به رم رفتند تادرواتیکان ترتیب طلاق پرنس‌وشوهرش فراهم‌آید . اماطی چندسال اقامت درآن‌شهر باوجودآزادی پرنسس ازدواج آنها صورت‌نگرفت ولیست در۱۸۶۵ بمقام روحانی‌رسید.

سال‌های‌آخرعمرلیست درسه‌شهر وایمار رم وبوداپست سپری شد . درسال ۱۸۸۶ وقتی به‌بایروت رفت بواسطه ضعف پیری وصدمه سفردر۳۱ ژوئیه ۱۸۸۶ درآن شهردرگذشت .

زندگانی هنری لیست درسه دوره خلاصه میشود. تاسی‌سالگی‌نوازنده پیانوو تنظیم‌کننده آثارآهنگسازان برای‌پیانوبود پس‌ازآن‌تاپنجاه سالگی‌برهبری‌ارکستر به‌تصنیف موسیقی‌سنفنیک پرداخت. وازآن‌ببعدتاهفتاد وشش‌سالگی‌آهنگسازموسیقی مذهبی‌بود.

ارنست. ماخ

ارنست‌ماخ فیزیک‌دان وفیلسوف اطریشی میباشد که درسال ۱۸۳۶ متولد گردیده .

ارنست‌ماخ باانتقاد از اصول مکانیک کلاسیک جـزو پیشقدمان انیشتاین درمورد ایجاد مکانیک نسبتی قرارگرفته است .

وی انتقادات خودرانسبت به‌اصول مکانیک کلاسیک دردو کتاب بنام«مکانیک» منتشرنمود.

تاریخ فوت فیلسوف اطریشی بسال ۱۹۱۶ میباشد .

جیمز. کلرک . ماکسول

ماکسول درسیزدهم نوامبر۱۸۳۱ درادیمبورک متولدشد وازکودکی به‌ریاضیات وفیزیک علاقه فراوان داشت چنانکه درپانزده سالگی یکی‌ازاکتشافات خودرا درقسمت ریاضی بجامعه پادشاهی تقدیم نمود.

درسال ۱۸۶۰ برای تدریس فیزیک درکالج پادشاهی‌لندن پذیرفته شده‌بود ودر همینجا افتخارآشنائی بااستادعالیقدرفارادی رابدست‌آورد وبمطالعه مقایسه سرعت‌نوروسرعت مغناطیس که مورد توجه استادبود پرداخت ماکسول پس‌ازیک سری مطالعات و نـوشتن معادلات بیشمار اظهارداشت که درحقیقت تموجات نورانی وتموجات الکترومغناطیسی جزواحدی هستند .

درسال۱۸۶۹ این‌نظریه تائیدشد ونابغه قرن‌نوزدهم ثابت‌نمود که نورچیزی جزترکیب تموجات الکتریکی وتموجات مغناطیسی نیست .

ولی‌درهمین هنگام بود که فارادی استادعالیقدرفوت نمودوشاگردش‌تنها درمقابل‌تمسخر وانتقاد مردم قرارگرفت وهمین امرباعث توقف‌کار ماکسول‌گردید .

وی باسکاتلند رفت ومدت پنج‌سال تمام تنها بمطالعه وتفکرپرداخت . در سال ۱۸۷۳ کتاب‌خودرابنام «دوره الکتریسته ومغناطیس» منتشرساخت وبلافاصله بسمت استادکرسی‌فیزیک دانشگاه انتخاب شد ولی عمرش‌کوتاه بود ودر پنجم نوامبر سال ۱۸۷۹ در چهل و نه سالگی وفات یافت .

نیکلو . ماکیاول

نیکلوماکیاول سیاستمداروتاریخ‌نگار ایتالیائی درسال۱۴۶۹ درفلورانس‌یکی‌ازشهرهای

ایتالیا بدنیا آمد. اودرعصرخود صاحب شوکت ومقام خاصی‌بود ودردربار امیران وشاهزادگان ایتالیا قرب ومنزلتی داشت. اوکتابهای «عبث درباره نخستین دهۀ تیت‌لیو» و «شاهزاده» و «هنرجنك» را نگاشت و مکتب جدیدی بنام مکتب ماکیاولیسم را بنام خودش بنیاد نهاد. او یك تاریخ‌نویس توانا ، یك سیاستمدارواقع‌بین بود وپیش‌ازآنکه یك نویسنده باشد یك وطن‌پرست بتمام معنا بود . ماکیاول درسال ۱۵۲۷ درایتالیا درگذشت در حالی که کتابها وشیوه سیاسی اوپیروانی پیداکرده بود. ماکیاولیسم درعصر حاضربیك سیستم سیاسی اطلاق می‌شودکه بااستفاده ازمجموعه افکاروقواعد وقوانینی که ماکیاول‌ارائه دادمعتقد است‌که سیاست بایدعاری ازوجدان وایمان ودوراندیشی‌های اخلاقی‌باشد. برای اجرای هدف‌های سیاسی بایدازهروسیله مشروع ونامشروع سودجست ووجدان راتابع ودنباله رومرام سیاسی‌دانست .

موریس . مترلینك


MAETERLINCK

«موریس‌پلیدور برنارد مترلینك» شاعر،درام‌نویس، متفکر نویسنده ومحقق بلژیکی در۲۹ اوت سال ۱۸۶۲ (صد سال پیش) درشهرگان قدم بعرصه وجود نهاد . تحصیلات ابتدائی را در کالج سن بارب وتحصیلات عالیه را دردانشگاه گان بپایان رسانید و در رشته حقوق دانشنامه‌گرفت . وی درسال ۱۸۸۶ بعضویت‌کانون وکلای شهرگان انتخاب شد. اماچون بحقوق بی‌علاقه بود دست از وکالت‌کشید وهرگزتا پایان عمرگردآن نگشت . در سال ۱۸۸۷ بادلی‌پرازامید بپاریس‌رفت تادراین شهرپرهیاهونام خودرا بعنوان یك‌نویسنده‌بزرك بلندآوازسازد. اماشش‌ماه بعدپدرش‌جان‌سپرد واوناگزیربه‌شهرگان بازگشت.

مترلینك ازسال ۱۸۸۹ نویسندگی‌آغازکرد . یك نمایشنامه نسبتاً عالی اونظر محافل ادبی‌راجلب‌کرد اماشهرتش ازشهرتجاوزنکرد . ولی‌چند سال‌بعد بجائی رسیدکه ویرا شکسپیر بلژیك نامیدند .

درسال ۱۸۹۶ دوباره بپاریس سفرکرد. درآنجا باارباب علم وادب وازجمله بارهبران مکتب ادبی سمبولیسم آشنائی یافت . دراین سفر بودکه شاهکارهای جاویدانش را بجهان ادب عرضه‌کرد . بیشترخودرامشهورساخت. درسال۱۹۱۹جایزه ادبی‌نوبل‌راربود وبعضویت‌آکادمی فرانسه انتخاب‌گردید وپادشاه بلژیك درجشن‌هفتاد سالگی خود اورا بلقب اشرافی‌کنت ملقب ساخت وپادشاه انگلستان نیزقصری درکشورخود باوتخصیص‌داد . مترلینك درجمیع فنون شعر ونثروفلسفه تبحرداشت. آثارنغزوپرمغز اوگواه این‌امراست. جنك اول‌ودوم درروحیه‌مترلینك آثاربدی بجاگذاشت . نمونه تأثرات روحی اومقالاتی‌است‌که بنام «بقایای جنك» درانگلستان و«کشتار معصومان» درامریکا انتشار یافته است .

یکی ازوقایع بزرك زندگی مترلینك ظهورزنی است بنام «ژرژلبلان»که خواهر همان موریس‌لبلان نویسنده داستانهای معروف «آرسن‌لوپن» است . کمکهای این‌زن به‌مترلینك بی حدوحساب است .

درسال ۱۹۴۰ پس‌ازحمله هیتلربه بلژیك ، مترلینك باتفاق ژرژت بآمریکا گریخت و تاآخرعمر درهمان‌کشوراقامت داشت. ژرژت درسال۱۹۴۱ جهان رابدرودگفت وموریس نیزدر سال۱۹۴۹ براثرسکته قلبی درگذشت .

مترلینك درسال ۱۹۲۰ سفری بامریکاکرده بودوباارباب ادب درآن‌کشور آشنائی بهم زده‌بود . دراین‌ایام شهرت اودرجهان چنان بودکه تنها درکشورامریکا نودهزار موسسه کوچك وبزرك نام «پرنده آبی» راکه ازکتابهای اوست برای خود انتخاب‌کرده بودند . مترلینك تا

آخر عمر نبوغ واستعداد خودرا ازدست نداد.

مترلینك درشعرو نویسندگی ازمکتب سمبولیسم که عقیده دارد شعر باید ترجمان عواطف واحساساتی باشد که ازاعماق روح انسان تجلی می‌کند تبعیت می‌کرد.

نمایشنامه‌ها وقطعات مترلینك همه دارای کنایات واشارات ورموزواسرارمبهم‌وپیچیده و بیشتر بصورت اپرا درآمده است.

مترلینك به‌ترجمه آثاردیگران علاقه داشت. شکسپیررا تجلیل می‌کرد. مترلینك در آثارفلسفی خود مسائل تازه‌ای را طرح کرد که مجامع مذهبی و اخلاقی جهان را بـرضد خود شوراند. اینك چنداثر ازآثار او:

عقل‌وسرنوشت، ۱۸۹۸ ـ فراست‌گلما، ۱۹۰۷ـ مرك، ۱۹۱۲ ـ زنـدگی زنبوران‌ـ عسل، ۱۹۰۱ ـ مورچگان، ۱۹۳۱ ـ موریانه، ۱۹۲۶ـ عنکبوت زجاجی، ۱۹۳۵ ـ دربرابر خدا، ۱۹۳۷ ـ شاهزاده خانم مالن، ۱۸۹۷ ـ پرنده آبی، ۱۹۰۸ ـ معجزه سن آنتوان، ۱۹۰۳ـ موناوانا۱۹۰۲ ـ اندیشه‌های‌یک مغزبزرگ

سامرست موآم

معروفترین رمان نویس انگلیسی قرن بیستم است ودرحال حاضر آثارهیچ داستان‌نویس انگلیسی باندازهٔ نوشته‌های اودردنیا اشتهارندارد. چنانکه یك داستان‌کوتاه اوحداقل ۵۰۰ لیره ازطرف روزنامه‌ها وناشرین‌کتاب خریداری میشود.

موآم در۲۵ ژانویه سال ۱۸۷۴ درپاریس بدنیاآمد. درسال۱۸۹۸ عضوکالج فیزیك‌ـ دانهای انگلیسی شد. نخستین اثراوبنام لیدی فردریك درپاریس انتشار یافت. پیش ازجنك اول‌جهانی، سالها دراطراف واکناف‌گردش‌کرد دردوره جنك اول مدتی‌عضوصلیب سرخ وسپس عضواداره جاسوسی انگلستان شد وکتاب مسترآشندن مامورمخفی یادگارهمین دوره اززندگی اوست. معروفترین‌کتاب او«اسارت بشری» است‌که در۱۹۱۶ انتشاریافت.

موآم درسال۱۹۲۸ مسلول‌شد ولی‌بعد بهبودی یافت. درآغازجنك اخیرسمت نمایندگی وزارت اطلاعات انگلستان را در پاریس بعهده داشت نمایشنامه‌های موآم نیزفوق‌العاده مشهور است.

این‌کتابها ازموآم بفارسی برگردانده شده است.

اسارت بشر، ترجمه یوسف جمشیدی‌پور
ماه وشش‌پنی، ترجمه دکترمهدی‌حمیدی
تسخیرناپذیر، ترجمه میمنت‌دانا
خانه ییلاقی، ترجمه جوادامامی
وفای زن، ترجمه فرامرزبرزگر
گذرگاه خطرناك، ترجمه مصطفی‌فرزانه ولبه تیغ ترجمه نبیلی

هرمان ملویل

هرمان‌ملویل نویسنده امریکائی داستان نهنك سفید (مابی دیك) را در سن ۳۲ سالگی نوشت وپس‌ازانتشار این‌کتاب موفقیت زیادی‌بدست‌آورد. از ملویل‌آثاربسیاری باقی مانده‌که هرکدام ازآنها ازکتابهای‌پرارزش‌جهان شناخته شده وبتمام زبانهای دنیا ترجمه شده وازآنها فیلم تهیه شده است. شهرت وی ازآن جهت است‌که درتشریح احساسات وعواطف خفته بشری مهارت شایان توجهی‌دارد.

تاکنون تنهاکتاب «نهنك سفید» ازملویل بفارسی برگردانده شده است. سایرکتابهای هرمان‌ملویل بدینقرارند.

اولین سفر ـ روبرن ـ تی‌پی ـ امو ـ ماردی ـ نیم‌تنه سفیدپیر ـ ایسرائیل‌پاتر ـ مرد

مطمئن ـ افسانه‌های پیاز ـ مجموعه اشعار ـ کارل (منظومه داستانی)ـ جان مارودیگر ملوانان تیمالیون ـ بیلی‌باد ـ دگل‌بان

منتسکیو



MONTESQUIEU

نویسنده وفیلسوف فرانسوی در۱۶۸۹ در نزدیکی بوردو پا بجهان گذاشت. باآنکه ازخانواده‌های معتبربوددرمیان دهقانان بزرگ شد تاریخ وحقوقرا در بوردو خواند و در ۱۷۰۸ بوکالت دادگستری رسید . در۲۷سالگی درآکادمی بوردوخطابه‌ای درباره جنبه‌های سیاسی مذهب دررم خواند ونشانداد که هدف اساسی دین حفظ سلطه زورمندان برناتوانان است. دراین دوران بعلوم‌طبیعی وفیزیك بیشترعلاقه داشت و بیشتر آثارش در همین زمینه بود در ۱۷۲۱ «نامه‌های ایرانی» رانوشت که درآن فرانسویان را دعوت‌می‌کند همانطوریکه ایرانیها واصفهانرا نگاه میکنید بشهرورسوم خودتان هم بچشم ایرانیانی بنگریدکه باینجا می‌آیندار آن پس بسیاست واخلاق‌گروید ورساله‌های «شهرت» «وظیفه» و«گفت‌وگوی سیلا» رانوشت .

درعین‌حال روی علت‌رعدوبرق مطالعه‌کرد وبالاخره کتاب روح قوانین را منتشرکرد که بزرگترین اثراوست وبیست سال روی‌آن‌کارکرده است. اومعتقد استکه استبداد برپایه ترس و سلطنت برپایه افتخاروجمهوری برپایه‌وروح مدنی‌استواراست وبرای این‌یك فضیلتی قائل‌است. اومی‌گوید وقتی‌اصول فاسدشود رژیم سرنگون می‌گردد اوبتفکیك سه‌قوه حکومتی معتقداست‌و این‌جدائی راضامن آزادیهای سیاسی می‌شمارد .

منتسکیو ازمتفکران بزرك قرن هیجده وازنویسندگان بزرگی بودکه در آنزمان مایه انقلاب بشمارآمد. دیگرآثارش «سفرها» «افکارمن» «تاریخ حقیقی» تا۱۷۳۸ منتشرشد مجموعه آثاراوتنها در۱۹۵۰ بدست مردم رسید منتسکیودر۱۷۵۵ درپاریس درگذشت .

مسمر



فرانتس‌آنتوان مسمر در۱۷۳۳ دراطریش بدنیاآمد و تحصیلات خودرادررشته طب انجام داد ولی‌بجای آنکه بکارطبابت بپردازد ، اوقات خود را صرف مطالعه و تحصیل برای‌کشف طرق تازه جهت معالجه امراض نمود وپس‌ازمدتها مطالعه موفق شد از هیپنوتیزم‌برای درمان‌بسیاری ازامراض‌روحی‌استفاده‌کند.حکومت اتریش بتحریك مخالفین مسمراورا بجرم جادوگری وشعبده‌بازی بجلای وطن مجبورساخت . مسمرناگزیربفرانسه رفت ودراین‌کشور نیزشهرت وموفقیت عظیمی بدست‌آورد.

قدرت اودرهیپنوتیزم وتلقین بنفس بحدی‌بودکه دریك جلسه بیماران راخواب میکرد و بوسیله تلقین مرض‌آنها راشفا میداد.

سروصدائی‌که دراطراف مسمر ومعالجات معجزه‌آسای اودر فرانسه راه افتاد بازآتش کینه وحسد عده‌ای ازاطباء رابرانگیخت ولوئی‌یانزدهم هیئتی را مأمور رسیدگی و تحقیق در نحوه معالجات مسمرکرد واین‌هیئت که ازمخالفین مسمرتشکیل‌یافته بوداورا کلاه‌بردارو‌شعبده‌باز وعوام فریب معرفی‌کرد بدین ترتیب بار دیگر بدستور حکومت مجبور شد فرانسه را ترك گوید .

سال‌های آخرعمر اودرسویس بانزوا ومذلت‌گذشت ووقتی در۱۸۱۵ درسن ۷۲سالگی درگذشت ، کسی‌حدس نمیزد که درست صد سال پس از مرگش فروید او را پدر روانشناسی و

روانپزشکی جدید ونخستین پیشقدم «پسیکانالیز» بخواند امید جدیدی را بروی بشر بازکرد .



MOZART

موتسارت

درژانویه ۱۷۵۶ درزالسبورك اتریش بدنیا آمد . پدرش لئوپولد موتسارت آهنگسازو ویولونیست بود وفرزندان خودراازکودکی بموسیقی آشنا کرد. درآنموقع ولفگانك سه ساله بود وباعلاقه زیادی بدستهای خواهرخود وتعلیمات پدرش توجه میکرد. وبعدازپایان کارآنها خود بزحمت ازصندلی بالامیرفت وپشت پیانومی‌نشست وغالباً بادوانگشت کوچك خوددرجهٔ سوم را روی پیانومیگرفت وازشنیدن این‌دوصدای مطبوع که ساده‌ترین آکورد موسیقی‌است لذتمیبرد.

ولفگانك درپنجسالگی‌شروع به‌تصنیف‌آهنك کرد. اولین‌منوئت ولفگانك چنان‌ماهرانه ساخته شده بودکه توجه پدرش‌را جلب‌کرد واوبدون‌آنکه چیزی بآن بیافزاید آنرا یادداشت کرد وامروزاین قطعه درموزه موتسارت درزالسبورك ضبط است .

استعداد خارق‌العاده ولفگانك باعث‌شدکه پدرش‌برای معرفی اوبشهرهای دیگرمسافرت کند ودرکنسرت هائی‌که درشهرهای‌مختلف برای‌آنها ترتیب داده‌میشد موتسارت‌کوچك ویولن میزد وخواهرش پیانومی‌نواخت .

هنگام مراجعت بوین درسال ۱۷۶۸ موتسارت نخستین اپرا بوفای ایتالیائی «دختر ساده» وهمچنین یك مس مذهبی تصنیف‌کرد ودراین زمان فقط دوازده سال‌ازعمراو می‌گذشت.

درچهارده‌سالگی همراه پدرخود بایتالیا مسافرت‌کرد ودرمیلان اپرای معروف او بنام «مهرداد پادشاه پونتو» چنان موفقیت یافت‌که درنمایش اول‌گروه تماشاگران مکررفریاد می‌کشیدند زنده باد استاد کوچك و در همان سال اپرای او بیست دفعه دراسکالا بمورد اجرا گذاشته شد.

درسفر رم وقتی موتسارت در کلیسای سیکستین آواز میزرر راشنید با یکبار شنیدن توانست ازحفظ آنرا بنویسد . پاپ‌کلمان ۱۴ باو لقب شوالیه داد و او را «شوالیه دوموزار» نامید .

درمراجعت بوین موتسارت نخستین‌بار باهایدن‌آشناشد وبزودی دربین ایندوآهنگساز دوستی پایداری برقرارگردید . موتسارت چنان علاقه‌ای به‌هایدن داشت‌که او را «پاپاهایدن» میخواند ودرموسیقی تحت تأثیراوقرارگرفت .

درسال ۱۷۸۷ موتسارت بقصدمسافرت پاریس‌به‌مانهایم‌رسید درآن‌وقت اوبیست ویکسال داشت . آشنائی بادخترآوازخوانی بنام‌آلویزیاوبر تأثیرعمیقی دراوکرد.

موتسارت باین دخترسبك سروظریف علاقه پیداکرد ولی‌مجبورشدآنجا راترك‌کند.

وقتی‌برای باردوم‌به‌مانهایم‌رفت خیال‌می‌کرد دخترهنوزمنتظراوست ولی‌دخترك پیشنهاد ازدواج موتسارت راردکرد . این‌نخستین ضربه روحی اوبود ولی او مقاومت کرد ودر جواب آلویزیا آهنگی ساخت‌که مطلعش اینست : «من دختری‌که مرا نمی‌خواهدترك می‌کنم .» ولی این حادثه باعث پیشرفت هنراوشد وانقلابی درآثاراوبوجودآورد .

درسال ۱۷۸۲ موتسارت باخواهرکوچك آلویزیا ازدواج کرد.

شاهکارموسیقی ارکسترموتسارت درسال ۱۷۸۸ پیداشد ومهمترین آنها سه‌سنفونی است که امروزبنام «سه‌سنفونی بزرك موتسارت» مشهوراست این سنفونی‌ها آخرین سنفونی‌هائی است که موتسارت نوشته است .

دراواخرعمر موتسارت مردناشناسی‌اورا بنوشتن یك‌رکویم (آوازمذهبی برای‌مردگان) تشویق‌کرد. ولی اوپیش‌ازاتمام رکویم مریض وبستری شد. یك روزپیش ازمرك خوانندگان‌را

ببالین‌خود خواست تارکویم اورااجراکنند ولی‌فقط تانیمه توانست‌آنها را هدایت‌کند و پس‌از آن توانائی خودرا ازدست داد فردای‌آن روزموتسارت درعین جوانی زمانی‌که فقط سی وپنج سال داشت مرد. درتشییع جنازه اوبعلت باران شدیدوطوفانی بودن هوا تشییع‌کنندگان ازوسط راه برگشتند. باین‌جهت روزبعد هیچکس محلی‌که اورادفن‌کرده بودندپیدانکرد وبدین‌ترتیب آرامگاه موتسارت یکی‌ازبزرگترین نوابغ موسیقی‌برای همیشه مجهول‌ماند .

موتسارت ۵۰ سنفونی نوشته بود ولی‌چند سنفونی‌اوازدوره جوانی‌اومفقود شده وامروز بیش از۴۱ سنفونی ازاوبیادگار نمانده است . سه‌سنفونی آخر شماره ۳۹و۴۰و۴۱ «ژوپیتر» ازبهترین‌آثار موسیقی سنفنیك درقرن ۱۸است .

موتسارت درعمرکوتاه خودبیش ازششصد اثرموسیقی بیادگارگذاشت‌که بسیاری ازآنها درنوع‌خودشاهکاری‌محسوب می‌شوند وامروزکاملترین‌مکتب‌کلاسیك ،آهنگهائی‌است‌که موتسارت تصنیف‌کرده است .

فلیکس. مندلسون



سوم فوریه سال ۱۸۰۹ روز تولد فلیکس مندلسون است . پدرش شخص مشهوری بود ورساله «بقای روح» از اوست.

فلیکس ازدوران‌کودکی نواختن ویولون وپیانوراآموخت وبرای اولین‌بارموفق شد درسن نه‌سالگی‌کنسرتی بدهد . مندلسن درس پیانورااز«موشلس» دوست بتهوون می‌گرفت. اورتور«رویای یك‌شب تابستان» که ازروی‌نمایشنامه شکسپیر‌بمعرض اجراگذاشته شد اولین اثرمعروف وارزنده مندلسون است .

مندلسون برای تحقیق و بررسی در موسیقی بکشورهای ایتالیا ، فرانسه و انگلستان مسافرت‌کرد ودرسال ۱۸۳۷ که به‌آلمان مراجعت نمود بادختر‌کشیشی ازدواج نمود .

مندلسون درچهار نوامبر۱۸۴۷ براثرسکته قلبی بدرود حیات‌گفت وجسد اورادربرلن طی‌تشریفات باشکوه واحترام‌زیادی‌که ازطرف دوستان وطرفداران اوبعمل‌آمد بخاك سپردند.

دیمتری. ایوانوویچ. مندلیف



مندلیف زیر و روکننده علم شیمی وفرزند یکی‌ازمدیران مدرسه محلی درهفتم فوریه ۱۸۳۴ در شهر «توبولسك» واقع در روسیه‌متولدشد وی‌درسال ۱۸۶۹ دکترعلوم واستاد شیمی‌دانشگاه شد ودرهمین سال ازدواج نمود.

دراین‌هنگام فقط شصت‌وسه عنصرازنظر شیمی‌دانهاشناخته شده بود .

مندلیف دراین‌فکربود‌که خواص فیزیکی وشیمیائی‌عناصر تابعی ازجرم اتمی‌آنهااست .

بنابراین مطابق بااین‌فکرجدولی درست‌کرد وشصت وسه عنصر شناخته شده را بترتیب جرم اتمیشان درجدول قرارداد .

تعداد عناصردرسطرهای جدول یکی‌نبود مثلا سطرپنجم ۳۲ عنصرداشت درحالی‌که‌سطر ششم‌فقط شامل ۶عنصربود.

ولی عناصری‌که خواص‌آنها شبیه هم‌بود دراین جدول نزدیك هم قرار داشتند. وبدین‌علت مقداری ازخانه‌های جدول خالی‌ماند .

مندلیف درمورد خانه‌های خالی اظهارداشت‌که خانه‌های خالی متعلق به‌عناصری است

که تاکنون شناخته نشده.

وی این‌نتیجه را در سال ۱۸۶۹ بجامعه شیمی روسیه تقدیم نمود.

جدول مندلیف که پیش‌بینی وجود ۹۲ عنصر را می‌نمود جز لوترمایر که یکسال بعد ازمندلیف جدولی مشابه با جدول مندلیف انتشار داده بود طرفداری نداشت ولی یکمرتبه در سالهای ۱۸۷۵ و۱۸۷۹ و۱۸۸۷ باکشف عناصر گالیوم . اسکاندیوم وژرمانیوم جدول مندلیف مشهورشد زیرا جرم اتمی این عناصر طوری بودکه سه‌خانه خالی جدول مندلیف راپرنمود.

علاوه براین‌باا کتشاف آرا گون‌درسال۱۸۹۴ وهلیوم‌واینکه «رامزی» نظریه جدول‌مندلیف وجود نئون و کریپتون وگزنون را پیش‌بینی نمود جدول مندلیف شهرت عجیب وفوق‌العاده‌ای کسب نمود.

دراین سالها بودکه تمام‌آکادمی‌های کشورهای جهان غیرازمملکت خودش‌اورا بعضویت دعوت نمودند ، زیرا مندلیف مردی‌آزادیخواه وطرفدارجدی حقوق زن بود وباین علت مورد لطف قرارنگرفت .

مندلیف دردوم فوریه ۱۹۰۷ درهفتادوسه سالگی درگذشت .

بطوریکه میدانیم ازهنگامیکه جدول مندلیف بوجودآمد خانه‌های خالی آن یکی پس ازدیگری باکشف عناصرپرمیشد وآخرین خانه خالی جدول‌درسال ۱۹۳۸ باکشف «آکتینوم» درپاریس پرشد.

گی دوموپاسان


MAUPASSANT

هانری‌رنه‌آلبرت‌گی‌دوموپاسان نویسنده وداستانسراوشاعر فرانسوی درپنج اوت سال ۱۸۵۰ در«شاتو دومیرومانسیل» بدنیا آمد . پدربزرگش اززمین‌داران بزرگ «لورن» بودوثروت‌هنگفتی برای پدروی بارث نهاد. موپاسان درمدرسه «ایوتو» و دبیرستان «روئن» تحصیل‌کرد. دراین دوره‌که فلسفه می‌آموخت یك‌مجموعه شعربنام «خداوند متعال» منتشر کرد . او در وزارت دربار فرانسه استخدام‌گردید. رئیس اوگزارش‌داد‌که موپاسان‌کارمند خوبی‌نیست وتمام مدت یاقایقرانی می‌کند و یابه دیدار گوستاوفلوبر میرود .

موپاسان به‌دروغ برئیس خودمیگفت: گوستاوفلوبرنویسنده وشاعربزرگ فرانسوی ازاقوام‌اوست وحال آنکه این‌مرد ازدوستان قدیمی‌مادرش‌بود. موپاسان‌کمتردرمجامع ادبی‌حضورپیدا میکرد وبنا به‌گفتهٔ امیل‌زولا ، تورگنیف ، آلفونس ودیگران اوظاهراً بیك جوان قهرمان ورزشکار شباهت‌داشت. حتی‌گوستاوفلوبرکه‌آثاری ازاوخوانده‌بود هرگزفکرنمی‌کرد موپاسان‌استعدادی داشته باشد امـافلوبر اورا تشویق میکرد . نخستین اثرموپاسان یك قطعه درام بودکه درحضور گوستاوفلوبر تورگنیف وچندتن ازشخصیت‌های ادبی دیگر فرانسه نمایش داده شد . موپاسان خودش دراین نمایش نقش یك زن را بازی می‌کرد درطول هفت سال بعد اوبشاگردی درمحضر گوستاوفلوبرپرداخت ودرسال ۱۸۸۰ درسی‌سالگی‌یك مجموعه شعربنام «منظومه‌ها» منتشرکرد وبلافاصله برعلیه اودادخواست های قانونی بوزارت دادگستری فرانسه فرستاده شد وگوستاو- فلوبرکه دراثرنگارش «مادام بواری» مـورد تعقیب قرارگرفته بود به موپاسان بعلت شباهت سرنوشتشان تبریك‌گفت . این اثر اویك تجربهٔ جالب بود زیرا به‌موپاسان نشان دادکه آهنك کلمات اودرشعر دلچسب نیست . اواندك اندك باانتشار داستانهای کوتاه خودرا درردیف‌ادب فرانسه قرارداد . مردم اورا یك نثرنویس قابل ستایش ویك داستانسرای عالیقدر می‌شناختند، بعد ازکسب این موفقیت‌ها ، او «خانه تلیه» را منتشرکرد ، این‌اثرکلیه‌کساتی راکه موپاسان

را ناچیز میشمردند محصورساخت موپاسان درسال ۱۸۸۳ در «مادموازل فی‌فی» استادی خودرا برای چندمین‌بار نشان داد ودرهمین سال «داستان یك زندگی» را نوشت که درآن چشم‌انداز تازه‌ای مشاهده میشد .

موپاسان این کتاب را بایك دید دقیق وبیرحم وخشونت آمیز نوشته است . هیچ‌چیزاز زیرنظرقهرمان اونگذشته است. دولت فرانسه فروش این‌کتاب را ممنوع ساخت اما این‌تحریم حرص وولع مردم را تحریك کرد وآنها را بمطالعه آثار دیگر اوبرانگیخت .

درحدود سال ۱۸۸۶ نخستین علائم مرضی‌که بالاخره اورا معدوم ساخت دروی‌مشهود شد ، اودیگرکم چیز می‌نوشت یك سفر دریائی حال‌اورا بهترکرد واودوباره بجانب‌داستان‌های کوتاه رجعت‌کرد . داستانهای اودر سال ۱۸۹۰ همگی دارای یک حالت همدردی عمیق وترحم نسبت به‌بشراست . آخرین اثراوکه سفر نامه‌است دفتر زندگی ادبی‌اورا می‌بندد. این سفرنامه «زندگی سرگردان» نام دارد .

درسال ۱۸۹۱ درآثار اوتوجه بمذهب دیده شد. وی مرتباً انجیل‌میخواند . بیماریهای عصبی موروثی وکار توانفرسا وافراط درخوردن داروهای مختلف اورا ازپای درآورد . دراین زمان نفرت شدید اوازبشر وخیالات واوهامی‌کــه بسرش زده بود شدت پیدا میکرد . اوکم‌کم دچار فلج عمومی بدن شد. تصمیم‌گرفت زمستان ۱۸۹۱ را در «کان» بگذراند . اما از اینکار منصرف شد ودرژانویه ۱۸۹۲ دست بخودکشی زد . اورا بپاریس منتقل‌کردند ودرروز ۶ژوئیه ۱۸۹۳ دربدترین شرایط جان سپرد . موپاسان ازپیروان «فلوبر» و«زولا» بود . اوازآخرین ناتورالیست‌های فرانسه بشمار میرودکه ناتورالیسم را ویران ساخت . موپاسان فرضیات روان‌شناسی وهنری واغراض اجتماعی واخلاقی وتخیل انقلابی وافکارآشفته نـداشت . نفوذ دنیای خارج دراو بی‌اثر بود وهرگز چیزی را که ندیده بود وصف نمیکرد وبعلت همین محدودیتها بودکه هنر اودرچهار چوبهٔ محدودی پرورش وگسترش یافت .

ژان باپتیست پوکلن مولیر



«ژان باپتیست پوکلن مولیر» ادیب‌کمدی نویس فرانسوی درسال ۱۶۲۲ درپاریس بدنیاآمد . او زمـانی هنرپیشه و موقعی گرداننده‌تروپ وچندگاهی‌کارگردان بود. درآغازکاربادشواریهای فراوان روبروشدوزندگی براوبسیار سخت میگذشت . اماسرانجام حمایت قطعی لوئی چهاردهم وتشویق وترغیب بوالو ازاو ویرا بر آن داشت‌که زندگی هنری راادامه دهد. اواز این ببعدازمنتقدان ودشمنان خویش بیم وهراس بدل راه نمیداد. اما آنها تعدادشان روبافزایش بود. مولیریک آفرینندهٔ خستگی ناپذیر بود . شب‌ها گاهی اصلا نمیخوابید وکار می‌کرد . وی درتمام قلمروهنر خویش گردش کرد وبه جستجو و تفحص پرداخت . شاهکارهای اونمایشنامه هائی هستندکه وی درآنها شرارت وتزاویرروح بشر را مورد انتقاد شدید قرارمیدهد وبرانحرافات ذهن وخبط‌دماغ فقیروغنی باسخت‌ترین ضربه‌ها تازیانه می‌کوبد وبه‌شخصیت‌هائی‌که خودرا درردیف نقش‌های برجسته جاودانی جازده‌اند حمله میبرد . درآثار اوفلسفه اخلاقی جدید موج میزند . اوبه‌انسان توصیه میکندکه هرگزپای از گلیم خویش بیرون نگذارد و در همان چهارچوبه و حدودی‌که عقل سلیم برای طبیعت انسان لازم‌میداند زندگی‌کند. نمایشنامه‌های‌کمدی اصلی اوعبارتنداز‌مضحکه‌های دقیق ۱۶۵۹ مکتب شوهران ۱۶۶۱ مکتب زنان ۱۶۶۲ دونژوان، طبیعت عشق ۱۶۶۵ ـ مردم‌آزار ـ ژرژداندنه خسیس ۱۶۶۸ ـ ریاکار ـ آقای پورسونیاك ۱۶۶۹ ـ آقای ثروتمند ۱۸۷۰ ـ حقه بازیهای

اسکاپن ـ کنت دستکاربانیا ۱۶۷۱ ـ زنان فضل فروش ۱۶۷۲ بیمارخیالی ۱۶۷۳ مولیر در حالی‌که آخرین نمایشنامه‌اش روی سن بود درسال ۱۶۷۳ درگذشت .

گاسپار مونژ


MONGE

مونژ که فرزندکاسب دوره‌گردی بود وتاشانزده سالگی به تیزکردن چاقو وقیچی وغیره میپرداخت درروزدهم مه ۱۷۴۶ در شهرکوچک «لون» متولدشد.

وی باوسائلی‌که بدست خودساخته بود نقشه بزرگی ازوطن خود تهیه‌کردکه مورد توجه وتحسین فراوان واقع شد و نقشه او رادرفرمانداری نصب‌کردند .

معلمین اوپس ازمشاهده نقشه‌گفتند او داناتر ازآنست‌که شاگرد ماباشد و اورا برای تدریس فیزیک بمدرسهٔ کشیشان شهر لیون فرستادند. مونژ بمحاسبه واندازه‌گیری‌های مفصل‌پرداخت ودرهمین‌هنگام «هندسه ترسیمی» رااختراع نمود.

مونژ مردی شجاع وازدوستان ناپلئون بود ودرسال ۱۷۹۸ باتفاق اوبکشورمصررفت . دراین سفرناپلئون نتوانست اورااز شرکت درحمله باسکندریه منصرف سازد .

بعدازآنکه ناپلئون روانه سنت هلن‌گردید مخترع هندسه ترسیمی و ایجادکننده اصلی مدرسه پلی‌تکنیک هم تمام عناوین خود راازدست داد وازآکادمی رانده شد.

مونژ دربیست وهشتم ژوئیه سال ۱۸۱۸ درهفتادودو سالگی درگذشت.

مخترع هندسه ترسیمی میراثی عظیم ازخود بجاگذاشت زیرا ساختن ماشین‌های مدرن و عمارات عظیم بدون‌کمک آن ممکن نیست .

میکل آنژ


MICHEL-ANGE

میکل‌آنژ درسال ۱۴۷۵ متولد شد و در سال ۱۵۶۴ در رم درگذشت وی دررشته‌های نقاشی وپیکرسازی ومعماری استادی عالیقدر وبی‌همتا است . با مشاهده شاهکار ارزنده اوکه بر سقف کلیسای سیستین رم نقش‌بسته است ملاحظه میشودکه لغات ازبیان مقام واقعی هنر اوعاجز است میکل آنژ در آغاز رافائل را بکار نقاشی میگمارد وسپس‌خودش‌هم مدت چهارسال روی‌آن‌کارمیکند.

ارزش واقعی میکل‌آنژ را میتوان درمجسمه موسی بخوبی ملاحظه نمود دیگرازآثار او تندیس مرمرین کوپید است‌که در سال ۱۴۹۵ درفلورانس ساخته است .

میکل‌آنژ مجسمه داود راازیک قطعه عظیم مرمرتراشیدکه درنوع خود بی‌نظیر است . وی درفن معماری استاد بود وهنرش را دراین رشته باساختن قصر فارنز وکتابخانه فلورانس و چند قلعه نظامی نشان داده است .

ن

فردریك ویلهلم نیچه

فردریک ویلهلم نیچه فیلسوف وشاعرآلمانی درسال ۱۸۴۴ بدنیا آمد . خانواده پدر ومادرش همه‌کشیشان پروتستان بودند . مادرش اورا بتحصیل الهیات‌گذاشت اما اوازالهیات و مسیحیت رویگردان‌گردید ودرزبان یونانی وعلوم ادبی تبحریافت وسرانجام دربیست‌وسه‌چهار سالگی باستادی دانشگاه بال برگزیده‌گشت ، درجوانی مرید شوپنهاورحکیم بزرك آلمانی و

دوست صمیمی واگنرآهنگساز معروف بود . اما بعدها عقیده‌اش‌ازهردوی آنها برگشت وازهمه دوستان برید وعلم مخالفت باهمه آنها برافراشت ودرگوشه انزوا بایجادآثارفلسفی وادبی‌خود پرداخت . نثرنیچه بگفته تسوایک مست‌کننده‌ترین باده‌ای است‌که میتوان نوشید . نیچه در فلسفه پایه‌های تازه‌ای‌گذاشت . اودرکتاب «چنین‌گفت زرتشت» بااستعارات وتشبیهات نیرومند ازهردری سخن‌گفته است اورا یک فیلسوف شاعر وگوته را یک شاعرفیلسوف نامیده‌اند.

نیچه اصلا لهستانی بود. آلمانها را بی‌فرهنگ میدانست وفرانسویان وفرهنگ ژرف آنانرا میستود وانگلیسها را بدترین آدمهای روی زمین مینامید. اومعتقد بود که اخلاق معنا ندارد . هرکس نوعی اخلاقیات را برای نجات وپیروزی خودش دراین دنیا پیش میگیرد . در هرحال همه خودرا می‌پرستند واین بشربابد پرستش خویش را باوج خود رساند.

نیچه جنگهای «بیزمارك» را مخل ترقی فرهنگ‌آلمان میدانست . اوهنوزجوان بود که بیماری‌گرفتارشد وناچار ازاستادی دست‌کشید. سپس دهسال بابیماری‌کشمکش‌کرد وتصانیف مهم اودرهمین دوره بیماری ظاهرشد . نیچه سرانجام درچهل‌وپنج سالگی جنونش آشکارگردید ودرسال ۱۹۰۰ درگذشت .

نیچه آثار متعددی داردکه نامی‌تر ازهمه همان «چنین‌گفت زرتشت» است نیچه در این کتاب اغراض‌وعقاید خویش‌را بصورت افسانه‌ای درآورده است‌که قهرمانش زرتشت است. نیچه می‌گفت : زرتشت نخستین‌کسی بودکه اخلاق راآفرید وهم خود اوست‌که باید ازاین‌کاراستغفار کند . بهمین‌جهت بودکه نیچه زرتشت را دراین‌کتاب بصورت مردی درآوردکه ارزشهای



NIETZSCHE

اخلاقی دیگری بجهان ارائه میکند ودرجستجوی جهانهای نو و مرزهای نامکشوف است . زرتشت دنبال زبر مرد می‌گردد و زبر مرد کسی است‌که ازمیان بشربرخواهدخواست وازهمه برتروبالاتر است . وجود جهان بخاطر اوست .

نیچه میگوید : مردم دنیا دو دسته‌اند یکی زیردستان و دیگر خواجگان . اصالت ومشرف متعلق بخواجگان است وآنها غایت وجودند وزیردستان‌آلت ووسیله‌اجرای اغراض ایشان‌هستند ترقی‌دنیا وبسط زندگانی انسان بوسیله بزرگان و خواجگان و سرداران صورت میپذیردکه معدودند نیکی‌وراستی وزیبائی امورحقیقی ومطلق نیستند. آنچه حقیقت دارد اینست‌که همه‌کس خواهان توانائی‌است ومیخواهد زندگی خودرابالا ببرد. غایت وجود پیدایش مردبرتر است وترتیب زندگانی را اصول اخلاقی باید چنان باشدکه مرد برتر ظهورکند .

نیچه بااشعار حافظ آشنائی داشت ودرباره اوترانه‌های زیبائی ساخته است.

اسحق. نیوتون Newton

اسحق نیوتون چهارم ژانویه ۱۶۴۳ در «وولس تورپ» متولد شد.

اوبسیار ضعیف وناتوان وبی‌رنگ وبی‌صدا بود وآنقدر کوچک بودکه مادرش میگفت دریک شیشه یک لیتری جا میگیرد . ولی بااینحال بزندگی ادامه میداد وبقدرکافی قوی شد.

نیوتون درهیجده سالگی مجاناً وارد دانشگاه‌کمبریج شد .

ابتدا هندسه اقلیدسی وسپس هندسه دکارت را مورد مطالعه قرارداد.

نیوتون نابغه بزرك درابتدای زندگی هیچگونه هنری ازخود نشان نداد . اورا جزو شاگردان ممتاز نمیتوان قلمدادکرد وامتحانات اوهیچوقت درخشان نبود .

درحدودسال ۱۶۶۳ مرض‌طاعون شیوع یافت ودانشگاه دانشجویان خودرامرخص کرد، نیوتون بزادگاه خودمراجعت نمود همین موقع بود که هوش‌واستعداد نابغه بزرك آشکار گشت زیرا تمام کتابها وجزوه‌های خودرا دردانشگاه جاگذاشته بود فکرخودرا آزادگذاشت که بتنهائی ازمنابع خاص خود استفاده نماید.



دراین‌هنگام نیوتون بیش ازبیست ودو سال نداشت ولی‌بیش ازارشمیدس ودکارت دربارهٔ معرفت ساختمان جهان دقیق شده بود.

نیوتون ضمن دوسالی‌که دروولس تورپ بود «حساب عناصر بی‌نهایت کوچک» «قانون جاذبه عمومی» راکشف کرد وتئوری نوررا بنیان‌گذاشت.

بدون تردید میتوان گفت در تاریخ بشریت نامی مافوق نام نیوتون وجود نداشته وهیچ‌اثری از لحاظ عظمت وبزرگی‌مانندکتاب (اصول) اونخواهد بود.

لاپلاس‌بزرگترین ادامه دهنده اکتشافات او درباره‌اش چنین میگوید:

«کتاب‌اصول»بنای معظمی‌است که تاابد عمق دانش نابغهٔ بزرگی راکه‌کاشف مهمترین‌قوانین‌طبیعت بوده‌است بجهانیان مدلل خواهد داشت.

لاگرانژ درباره اوچنین میگوید:

نیوتون خوشبخت بودکه توانست دستگاه جهان را توصیف‌کند! افسوس‌که درعالم‌بیش ازیک آسمان وجود ندارد.

ولتر مشهورترین ستایندگان اوچنین نوشته است.

«ای رازدارآسمانها وای جواهرابدی راست بگو تونسبت بنیوتون حسادت نمیورزی.»

نیوتون دراواخرعمر بمرض سنگ مثانه مبتلا شد ودربیستم مارس ۱۷۲۷ درگذشت.

نیوتون‌رادرکلیسای وست‌مینستر. درجوارپادشاهان انگلستان‌بخاك سپردند.

و ریشارد. واگنر R. Wagner

در۲۲ مه ۱۸۱۳ درلایپزیک بدنیاآمد پدرش ازکارمندان شهرداری بود که چند ماه بعد ازتولد فرزندنش درشیوع بیماری تیفوس درگذشت.

ریشارد وقتی ۱۴ سال داشت یک نمایشنامه بسیار غـم انگیز نوشت و خواست آنرا بموسیقی درآورد.

بالاخره توانست نخستین اپرای خودرا بنام پریانها بنویسد

چون استعداد وکارهای واگنرموردتوجه واقع‌شد اورا بریاست ارکستر‌تئاتر ماگدبورك انتخاب‌کردند. درآنجا واگنـر‌بخوانندهٔ زیبا مینا پلاتر علاقمند شد و پس از چندی با او ازدواج کرد.

درسال ۱۸۴۸ واگنر درصدد برآمدکه اپرای حلقه پنبلولک راکه چهار قسمت بودو داستان‌آن افسانه زیکفرید روئین‌که بزرگترین افسانهٔ ملی آلمان است تهیه‌کند، این دوره باانقلاب سیاسی مهمی‌مواجه شد وواگنردرصف طرفداران انقلاب قرارگرفت ولی‌جریان بزیان انقلابیون تمام شد وواگنر مجبور شد بوایمار برود وبعد بزوریخ رفت در جـریان این احوال

واگنر با بازرگان ثروتمندی بنام اتو وزندونک آشنا شد که باو کمک مالی بسیار کرد ، اما واگنر عشق شدیدی نسبت بزن بازرگان پیدا کرد که نامش ماتیلد بود ناگزیر همهٔ قیود اخلاقی را زیر پا گذاشت وصمیمانه باو اظهار علاقه کرد. تحت تأثیر این عشق واگنر به تصنیف یك اپرای عاشقانه پرداخت . ماتیلد خوب شعر میگفت و واگنر قسمتی از اشعار او را به موسیقی در آورد وقتی عفو عمومی سال ۱۸۶۲ در آلمان اعلام شد واگنر بعد از ۱۳ سال دوری از وطن به آلمان مراجعت کرد .



واگنر که ازمدتی پیش بازن خود متارکه کرده بود بعد از ماتیلد به کوزیما دختر لیست دل باخت.

کوزیما شوهر خودرا رها کرد ونزد واگنر آمد واسماً پس از طلاق کوزیما باهم ازدواج کردند و فرزندی پیدا کردند که او را زیگفرید نام گذاشتند . درسال ۱۸۷۲ واگنر به بایرویت رفت و در آن شهر که تا آخر عمر اقامت گزیده بود تئاتر بایرویت را بجا گذاشت که باشاهکار واگنر «حلقه ینبلونك» افتتاح شد. دراین نمایش عده‌ای ازمـردان بزرگ مانند لیست ، نیچه وهمچنین ویلهلم اول امپراطور آلمان و لودویك دوم پادشاه باویر حضور داشتند. واگنر درسفری که به ونیز کرد بسختی بیمار شد عاقبت روز ۱۳ فوریه ۱۸۸۳ بسن هفتاد سالگی درگذشت جنازه اورا بااحترام به بایرویت آوردند ودرتشییع جنازه او لودویك دوم و بسیاری ازهنرمندان وچندین هزارتن ازمردم بایرویت شرکت کردند واورا درویلای وانفرید بخاك سپردند وبعد ازاوهرساله برای اجرای آثار واگنر دربایرویت جشنی برپا میشود .

جیمس وات

مکانیسین ومهندس انگیسی در ۱۷۳۶ دراکوس (شمال بریتانیا) بدنیا آمد وچون بتحصیل پرداخت به رشته‌های علمی کشانیده شد بطوریکه در ۲۸ سالگی درردیف دانشمندان بنام انگلیسی درآمد. ازهنگامیکه مشغول تعمیر یك ماشین نمونه بود بکشف قوهٔ بخار نائل آمد تاسال ۱۷۶۴ بشر غافل از آن بود که درفشار بخارچه قدرتی نهفته است . وات درلندن ساختن اسباب وادوات فنی رافراگرفته بود ودرگلاسکو بمطالعه کاملا عملی در باره خواص بخار یعنی ارتباط تکاثف وشدت بخار وفشار نسبت بحرارت مشغول شده بود. مهمترین نکته‌ایکه وات کشف کرد آن بود که موتورهای پیشین دراستوانه‌ها کارلازم راانجام نمیدادند پس بایستی از «حرارت بخارفشرده» کاست یعنی دستگاه فشردن بخاررا باید جدا از استوانه قرارداد. واین پایه اصلی کار ماشین بخار است. لکوموتیوها وکشتیهای بخاری محصول همین اکتشاف‌اند قوه بخار درحمل ونقل وماشین سازی انقلابی بوجـود آورد کـه اساس تمدن وصناعت امروزی بشراست . وات بسال ۱۸۱۹ درگذشت .

سروانتس (میکل دوسروانتس سآودارا)

درسال ۱۵۴۷ درشهر آلکالا ازشهرهای اسپانیا متولدشد. پدرش پزشك دوره‌گردی بود که بشهرهای مختلف سفرمینمود ودراین سفرها فرزند خردسال خویش را بهمراه میبرد وبدینجهت سروانتس نتوانست بتحصیل علم پردازد، لیکن بزودی شمشیرزنی رافراگرفت. بیست وسه ساله بود که سفری بایتالیا نمود وبخدمت قشون دولتی درآمد.

درسال ۱۵۷۱ دریك نبرد دریائی شرکت جست و زخمی گردید ، پس از آن مدتی در خدمت دوژوان اطریشی فرمانده ارتش بود ووقتیکه درسال ۱۵۷۵ باسپانیا بازمی گشت بدست

اعراب اسیر شد و بغلامی گرفته شد .

یکسال بعدازاسیری دست بفرارزد ، ولی دوباره دستگیر و زندانی شد . مدتی بعد بوسایلی طرحی برای تصرف الجزایر ، که خوددرآنجا زندانی بودبرای سران اسپانیا فرستاد که مورد قبول آنها واقع نگشت .

چون سروانتس ازکمك دولت اسپانیا مأیوس شد ، دست بدامان پدرومادر خویش زد و آنها باکوشش فراوان بکمك یك تاجرمسیحی درالجزایر اورا بازخرید نمودند ونجات دادند درسال ۱۵۸۱ برای انجام مأموریتی به«اوران» سفرکرد ومدتی نیزدرجنگهای آزروس شرکت نمود. پس ازآن ازدواج نمود وچون متوجه شدکه نمیتواند راه جنك وستیززندگی خویش را اداره کند تصمیم گرفت نویسنده شود چندین نمایشنامه واشعار مختلفی نوشت که مورد توجه هیچکس واقع نشد وسروانتس نیزدلسرد شده ادبیات رارها نمود وبشهرسویل رفت ، تادرآنجا کاری پیداکند ، ولی پس‌ازآنکه موفقیتی حاصل نکرد بازدست بقلم برد واین‌بارشاهکاربزرگ خود «دون‌کیشوت» را درمدت پانزده سال دردو قسمت برشته تحریر درآورد .

هاینه



HEINE
en 1831

هاینریش هاینه درسال۱۷۹۷دردوسلدرف آلمان متولد شد ودرسال۱۸۵۶ درپاریس‌درگذشت وامسال‌مصادف باصدودوازدهمین سال‌مرگ اوست.

هاینه‌نه‌فقط یکی‌ازلطیف‌ترین وحساسترین شاعران‌آلمانست بلکه آثاراوازافکار عالی انسانی وبشردوستی وبرادری و عدالت پروری مشحون است .

علاوه برمجموعه‌های بسیارحساس وعالی شعربنام «کتاب ترانه‌ها» و«رومانسرو» آثارنثر اوهم شایان‌کمال اهمیت است و در میان‌آنها «تصاویرشعر» و «آلمان» و «قصه‌های زمستانی» مشهور است .

الکساندر ولتا A. Volta



در سال ۱۷۸۰ موضوع بحث مجامع‌علمی«الکتریسته» بود «والش» ثابت‌کرده بودکه تکان حاصل ازتماس باماهی توربیل از نوع تکانهای الکتریکی است .

در سال ۱۷۷۳ ماهی مزبور را تشریح کرد و عنصر مولد الکتریسیته را پیدا نمود «هنتر» در همان عنصر مشابهی در بدن یکی ازانواع مارماهی پیداکرد.

باین‌ترتیب فکراینکه حیوانات دیگر هم باید دارای این عضو باشند قوت‌گرفت « لوئی گالوانی » استاد تشریح دانشگاه «بولونی» درسال ۱۷۸۰ این‌آزمایش را روی قورباغه انجام‌داد، بطوریکه قورباغه را به‌برق‌گیرآویزان نمود وملاحظه نمودکه هنگام عبور ابر عمل انقباض‌درپنجه‌های قورباغه‌انجام میشود.

گالوانی برای اطمینان‌کامل درهوای خوب قورباغه را ببالکون فلزی منزل خودش آویزان‌کرد ولی‌نتایج قبلی‌را مشاهده ننمود .

یکشب که حوصله‌اش ازنگرفتن نتیجه بسرآمده بود باعصبانیت قورباغه رااز محلی‌که آویزان‌کرده بود جداکرد ودراین‌موقع بموجب تصادف درائر تماس گازانبری‌که بوسیله آن قورباغه راگرفته بود باب‌الکون تکانی درقورباغه مشاهده مینماید وفکر می‌کندکه واقعاً مسئله

الکتریسیته حیوانی راکشف کرده است. ولی صدای مخالفی ازشخصی بنام ولتا بلند شد وگفت الکتریسته‌ای که دراین‌عمل بوجودآمده فقط دراثرتماس گازانبرو بالکون آهنی‌است.

ولتا درسال ۱۷۴۵ متولدشد ودربیست‌ونه سالگی‌معلم مدرسه شبانه‌روزی «کوم» گردید درهمین موقع اسبابهای مختلف الکتریکی ازقبیل الکتروفـور - آبسنج - الکتروسکوپ و غیره راساخت وشهرت بسیاری‌کسب نمود ودر سال ۱۷۷۹ با سمت استادی دردانشگاه «پاوی» مشغول‌کار شد.

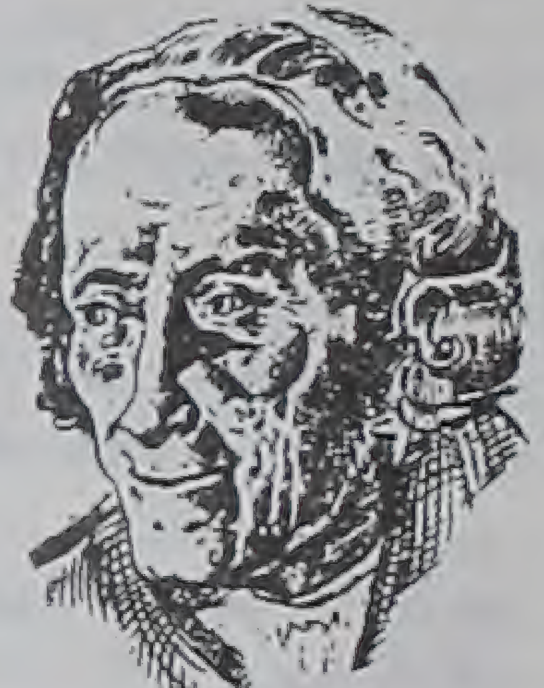
ولتا دراین موقع تجربیات‌گالوانی‌را تکرارنمود ودرصدد برآمدکه ثابت‌کند قورباغه دخالتی درایجادالکتریسته نداشته است.

آنگاه سکه‌ای ازنقره وقطعه‌ای روی بکاربرد وآنها را بوسیله پارچه پشمی اسیددار از هم جدا نمود. و بـدینوسیله پیل التریکی تشکیل‌شد این‌پیل فقط جرقه تولید نمیکرد بلکه جریانی متصل که درحال عبوربود ایجاد مینمود.

دانشمند بزرگ روزبیستم مارس ۱۸۰۰ ضمن‌نامه‌ای اکتشاف خود را بجامعه پادشاهی اطلاع میدهد وازهمین‌زمان شهرت فراوانی درسراسر اروپاکسب مینماید. کشف اوتأثیرعمیقی درمجامع علمی بوجودآورد وناپلئون اورا بپاریس دعوت میکند وازاومیخواهدکه تجربه‌اش را درمقابل آکادمی تکرارکند وبعد از اثبات‌آن اورا بسمت‌کنت و سناتورکشور ایتالیا انتخاب می‌کند.

ولتا بعدازسه‌سال ازشغل خودکناره میگیرد وبه«کوم» میروداودرسال ۱۸۲۷ درهشتاد ودوسالگی زندگی‌را وداع میگوید.

ولتر



ولتر نویسنده نامدارفـرانسوی درسال ۱۶۹۴ در پاریس متولد شد ودرمدرسه ژزوئیت‌ها بتحصیل‌پرداخت.

نام حقیقی‌واصلی او«فرانسواماری» است‌که درسال ۱۷۱۸ پس‌ازاینکه نخستین تراژدی خودرا بنام «اودیپ» نوشت وبه‌نثر تبدیل‌کرد.

ولتر درابتدای‌کار ادبی خویش دریك افتراح ادبی فرهنگستان شرکت‌کرد ولی موفقیتی بدست نیاوردوبهمین مناسبت انتقادی مزاح‌آمیز بزبان شعر درباره حریف‌خود که جایزه فرهنگستان را برده بود سرودکـه با چند شعر دیگرش تاحدی موجب شهرت اوشد.

ولتربخاطر توهینی‌که درنوشته‌ها واشعارش به‌نایب‌السلطنه‌کرده بود مدتی را درتبعید وزندان‌گذراند وچندسال‌بعد ازآزادی هنگامی‌که باشوالیه «دروآن شابوت» بنزاع برخاسته بود مجدداً بـزندان افتاد. بعد ازاین جریان و اتمام مدت زندان دوسال بانگلستان تبعیدشد وموقعی‌که درسال ۱۷۲۸ بپاریس بازگشت ازطریق معاملات وسفته‌بازی ثروتی بدست‌آورد.

ولترباوجودی‌که درکارمعاملات تجاری افتاده بود معهذا از نویسندگی منصرف نشد و درهمین‌موقع مجموعه‌ای بنام «نامه‌هائی درباره ملت انگلیس» منتشرساخت‌که درمردم فرانسه بسیارمؤثر افتاد. ولترمدتی را درقصردوست خود مادام دوشاتله گـذراند و در این مدت آثار ارزنده‌ای‌عرضه داشت وبعدازمرگ مادام دوشاتله بدعوت فردریك‌کبیرمدتی دردربار اواقامت گزید ولی بالاخره بپاریس برگشت ودراثرکارزیاد درسال ۱۷۷۸ درگذشت.

ویلیام هاروی

ویلیام هاروی درسال ۱۵۷۸ متولدشد هاروی یکی از بزرگترین مردان قرن هفدهم و ازمعاصران فرانسیس بیکون بود . هاروی هنگامیکه دانشجوی ۱۹ ساله‌ای بیش نبود و در دانشگاه پادوتحصیل میکرد اکتشاف بزرگ خودرا پی‌ریزی مینمود.

درسال ۱۶۰۲ بـه‌لندن مراجعت کـرد وبسمت استاد تشریح در مدرسه پادشاهی اطباء انتخاب شد .

هاروی طب جالینوسی راکنارگذاشت وگفت ،

«تشریح ووظائف الاعضاء را درکتاب ها نمیتوان‌آموخت بلکه وسیله آموختن‌آن کالبد شکافی وتجربه است.»

هاروی درسال ۱۶۲۸ تمام تجربیات خودرا دریك جزوه هفتاد صفحه‌ای منتشرنمود .

باانتشار این جزوه نفرت عجیبی درمردم بوجودآمدزیرا عقیده جالینوس حاکم براافکار عمومی بودکه (قلب مرکز وجایگاه روح است وخون درکبد وجوددارد) همه فکرمیکردندغذا بعدازوارد شدن بمعده هضم وبوسیله روده‌ها واردکبد میشود وبصورت خون درمی‌آید.

تااینکه درسال۱۶۶۱دانشمند بزرگ مالپیقی‌متخصص درمشاهدات میکروسکوپی‌جریان خون‌را بوسیله میکروسکوپ مشاهده نمود وبدینوسیله‌کشف بزرك ویلیام هاروی راتأییدکرد.

هاروی درسال ۱۶۵۸ بدرود حیات‌گفت.

ویلیام . هرشل W. Herchel



ویلیام‌هرشل راکه بعنوان «کاشف اعماق آسمان» میشناسیم روز۲۵ نوامبر۱۷۳۸ در «هانوور» از متصرفات انگلیس متولد شد .

هرشل تاچهارده سالگی‌گوسفند چرانی بیش نبود وتا ۱۸ سالگی‌دردسته موسیقی قراولان پادشاهی «هوت‌بوآ» یکنوع ازساز های بادی رامینواخت .

یکروز بحسب اتفاق کتابی در باره نجوم بدستش رسید و چون مطالعه در علم نجوم محتاج بدانستن پاره‌ای از مباحث نور میباشد لذا هرشل مطالعه نوررا وظیفه خود دانست وآنگاه متوجه شدکه مطالعه نورهم بدون ریاضیات امکان پذیر نیست.

بنابراین‌اجباراً بمطالعه جبروهندسه پرداخت وپس‌ازمدتی‌مطالعه ریاضیات ونورونجوم دیدارجهان ستارگان بقدری‌هرشل‌را بشوق‌آورده بودکه خانه خودرا بکارگاهی برای تلسکوب تبدیل نمود . هرشل باکوشش فراوان موفق بساختن تلسکوبی‌گردیدکه فاصله‌کانونی‌آن ۳۹پا وقطرآئینه‌اش۱۴۷ سانتیمتر ووزن‌آن درحدود ۱۰۰۰ کیلوگرم بود. دریکی ازروزهای‌مارس سال ۱۷۸۱ هنگامیکه هرشل‌مشغول رصد بودستاره‌ای را مشاهده نمودکه مانند سایرستارگان نبود . هرشل فوراً اکتشاف خود را باطلاع مدیررصدخانه‌گرینویچ رسانید وبعد از او «مسیه» وپشت سر اوتمام منجمین باین‌اکتشاف علاقمند شدند .

بزودی متوجه‌گردیدندکه ستاره‌جدیدی راکه دنباله‌دارتصور مینمودند خواص‌ستارگان نوع خودرا ندارد .

هرشل سیاره جدیدی راکشف‌کرده وباکشف اورانوس دستگاه شمسی راکه اززمان قدیم محدود بزحل میدانستند وسعت داد .

هرشل دراینموقع غرق در افتخار گردید و بدین مناسبت شاه شخصاً مقرری برای او تعیین نمود.

هرشل اعلام کرد که خورشید درآسمان ثابت نیست و تغییر مکان میدهد وسیاران را همراه خود میبرد.

هرشل فهرستی ازدوهزار وپانصد سحابی تشکیل داد وگفت این‌سحابی‌ها مجموعه‌ای از ستارگان وتوده‌هائی ازگازهستند.

هرشل افتخاری جاودانی وجهانی بدست‌آورد وبریاست جامعه پادشاهی وعضو آکادمی علوم فرانسه انتخاب شد.

روزبیست وپنجم ماه اوت سال ۱۸۲۲ درهشتاد وچهارسالگی بدرود حیات گفت



گئورك . فریدریك . هندل

درسال ۱۶۸۵ درحال ازایالت ساکس آلمان بدنیا آمد هندل ازکودکی علاقه بموسیقی داشت ولی پدرش بااومخالفت میکرد ومیل‌داشت پسرش حقوقدان شود.

ساکس که استعداد هندل را درهشت سالگی دریافت برخلاف میل پدرش وسایل موسیقی را برای اوفراهم آورد. بدین‌ترتیب هندل کوچك نزد ویلهلم‌تساخو، ارك نوازمشهور، بتحصیل‌موسیقی مشغول‌شد.

پدرهندل درسال ۱۶۹۷ وفات یافت وهندل باحترام میل‌پدرش بتحصیل‌حقوق پرداخت وبسمت نوازندگی ارك درکلیسای دونکرك انتخاب شد.

درسال ۱۷۰۳ هندل بهامبورك رفت ودراپرای‌آن شهربعنوان ویولونیست مشغول کارشد درهمان شهربودکه نخستین اثرموسیقی خودرا بعنوان پاسیون سن ژان تصنیف کرد. سپس دو اپرا بنام المیرا ونرون نوشت وموفقیت بزرگی بدست‌آورد.

هندل دربیست ودوسالگی بایتالیا رفت ودرشهرهای ایتالیا بمسافرت پرداخت وبا آهنگسازان ایتالیائی‌آشنا شد. درضمن دواپرا بسبك ایتالیائی نوشت.

هندل درسال ۱۷۲۶ باقبول تابعیت انگلستان توانست درردیف آهنگسازان آن‌کشور قرارگیرد.

درسفری‌که هندل برای عیادت مادرش بهال رفت با فریدمان فرزند باخ آشنا شد و او هندل را نزدپدرش به‌لایپزیك دعوت‌کرد، اما هندل مجبوربود بانگلستان برگردد باین‌جهت ایندوآهنگساز بزرگ هیچگاه یکدیگررا ندیدند. هندل‌آخرین‌اوراتوریوی خودرا بنام یفتاح درسال ۱۷۵۱ آغازکرد دراین زمان هندل شصت و شش سال داشت و هنگام تصنیف پرده دوم اوراتوریو نابیناشد. بااین‌وصف بهرصورتی بودآنرا بپایان رسانید ولی‌پس‌ازآن ازکارموسیقی کناره‌گرفت.

هندل ۱۴ آوریل ۱۷۵۹ چشم‌ازجهان فروبست ودرجوارکاخ وست مینیستربخاك سپرده شد. بنای‌آرامگاه اورا روبیاك مجسمه سازمعروف ساخته است.

هندل مردی آزادمنش وخیرخواه بود. کمك ودستگیری از موسیقی‌دانهای فقیرو کودکان بینوا خصلت طبیعی اوبود.

ازبین اوراتوریوهای هندل اسرائیل در مصر، مسیح، سامسون، یوداس‌ما کابئوس و بالاخره یفتاح مشهورند.

ویکتور. هوگو

«ویکتورهوگو» شاعربزرگ فرانسوی درطول زندگی‌خود دوران‌گوناگونی راگذرانده وحوادث فراوانی را پشت‌سر گذاشته است. چون پدر او از ژنرال‌های ناپلئون بود همراه او


V. HUGO, en 1880

بجنگهای ایتالیا واسپانیا میرود ووقایع این‌روزگاران در روحیه اواثرات بسیاری بجای میگذارد .

هوگو بواسطه ذوق واستعداد فراوانی که داشت در سنین بین‌هفت تاسیزده‌سالگی‌اشعاری سرود که جایزه فرهنگستان‌نصیبش کرد ودرهمین موقع شاتوبریان اوراکودك عالی‌خواند.

هوگو زمانی طرفدار وهواخواه دربار شد واشعاری درمدح و ستایش آن سرود . زمانی بادبیات انقلابی رمانتیسم پرداخت و در زمره سخنسرایان نوگردید .

درسالهای بین ۱۸۳۰ تا۱۸۴۵ بداستان نویسی پرداخت ودراین‌راه پیروزی فراوانی بدست‌آورد .

هوگو چون جاه طلب ومقام پرست بود مدتی وارد عالم سیاست شد وناپلئون سوم اورا بجزیره کزنری تبعید کردومدت ۱۸سال درآنجا بسر برد ولی‌وقتی‌رژیم جمهوری مستقر گردید بپاریس بازگشت وسالهای آخر عمررا باشهرت ومحبوبیت فراوان‌گذراند .

هوگوآثارزیادی داردکه معروفترین آنهاکه درتمام نقاط جهان شهرت وآوازه دارد بینوایان است . هوگودرشعروشاعری مقامی والاوارجمند دارد ومعروف است که وقتی‌ازخود او می‌پرسندبزرگترین‌شاعرمعاصرفرانسوی‌کیست: جواب‌میدهدبدبختانه ویکتورهوگو. هوگودوسال بعدازمرگ معشوقه باوفای خود ژولیت درسال ۱۸۸۵ درگذشت .

هومر



متأسفانه درباره زندگی هومر سخنور وشاعر نابینای یونان قدیم اطلاعی دقیق در دست نیست اماهرودوت مورخ یونانی اظهار داشته است‌که درهشتصدوپنجاه سال قبل ازمیلاد میزیسته است .

عده‌ای دیگر دوران زندگی‌اورا تا ۱۲۰۰ سال‌قبل ازمیلاد هم حدس زده‌اند . درخود یونان هفت شهر این ادعا را دارندکه هومو درآنجا میزیسته است ولی‌محل سکونت واقامت او بدرستی دردست نیست .

درافسانه‌ها آمده است‌که هومر درسال‌های پیری وآخرعمر ازدوچشم نابینا شد، وبرای امرار معاش اشعاری بنوای چنك می‌خوانده وازمردم چیزی می‌گرفته است .

دواثر ادبی‌بزرگ «ایلیاد وادیسه»که بهمه زبانهای ملل متمدن ترجمه شده است از پرارزش ترین‌آثار هومر است .

مطالعه وعلاقه به‌آثار هومر ازشش قرن قبل ازمیلاد آغازشد واغلب علاقمندان اشعاراو آنهارا ازحفظ می‌کردند وعده‌ای ازطرفدارانش جلساتی ترتیب میدادند وبا خواندن اشعاراو لذت فراوان میبردند .

نخستین‌کسی‌که اشعارپراکنده هومر را جمع‌آوری‌کرد ونگذاشت دستخوش تغییرگردد «اریستارکوس» رئیس‌کتابخانه اسکندریه است‌که ۱۵۰ سال‌قبل ازمیلاد دوکتاب منتشرساخت وتقریباً همانست‌که امروزباقی مانده است .

تاریخ شعراونثرنویسان ایران

زرتشت

زرتشت پیغمبر ایرانی درآذربایجان متولد شد نام پدرش پورشسپ ومادرش بنام دغدو خوانده میشد .

عده‌ای ازمورخین ولادت اورا درحدود ۶۶۰ سال قبل ازمیلاد وعـده دیگر باستناد پاره‌ای مطالب اوستا تولد اورا درحدود ۶۵۰۰ سال قبل از میلاد میدانند

زرتشت دربیست سالگی به‌پیغمبری مبعوث‌شد وبعلت اختلاف شدید مذهبی‌که باهموطنان خودداشت ناچار جلای وطن کرد ودرزمان سلطنت گشتاسب پسرلهراسب پادشاه بلخ به‌بلخ رفت گشتاسب نظریات مذهبی اورا قبول ودستورداد تادوازده هزارپوست گاورا دباغی وکتاب اوستا را باطلای ناب برروی‌آن بنویسند ویك نسخه ازاوستا رادرآتشکده آذرگشسب ونسخه دیگر را درتخت جمشید قراردادند .

زرتشت دربلخ درجنگی‌که بخاطر اختلاف مذهبی ما بین تورانیان وگشتاسب روی داد درسن ۷۷ سالگی بدست یکنفر تورانی بنام برات روکرش کشته شد.

کلمه اوستادرزبان وادبیات‌فارسی‌بصورت‌های‌مختلف ادا ونوشته‌میشد مانند ابستاوستا- ایستا که محققین معانی‌مختلف برای‌آن ذکر کرده‌اند .

اوستا درردیف قدیمی‌ترین‌آثار کتبی جهان است . اوستائی‌که امروز در دست است یك چهارم اوستائی است‌که دردوره ساسانیان موجودبوده .

در دورهٔ ساسانیان اوستا شامل ۳۴۵۷۰۰ واژه بوده ولی امروزازکتاب اوستا بیش‌از ۸۳۰۰۰ واژه باقی نمانده است.

اوستا درقدیم ۲۱ کتاج (نسك) بوده‌که بقول مورخین بر روی دوازده هزار پوست‌گاو دباغی نوشته شده . دردوره استیلای اسکندر مقداری ودر دوره تسلط عرب و حکومت سلاطین غیرایرانی وحملات‌مغول مقداردیگرآن بتدریج دگرگون وازبین‌رفته است .

دردوره ساسانیان بعلت اینکه زبان اوستارا درك نمی‌کردند تفسیرهائی بزبان پهلوی نوشته شدکه به‌زند وپس‌ازمدتی شرحی برآن نگاشته شدکه پازندنامیده می‌شود.

اوستائی‌که فعلا موجود است شامل پنج‌کتاب یسنا - ویسپرد- یشت - وندیدا وخـرده اوستا می‌باشد .

عبداله بن مقفع (روزبه)

عبدالله‌بن مقفع ازدانشمندان معروف ایرانی است‌که دراوایل قرن دوم هجری درفارس متولد شد .

ابن مقفع مذهب مانوی داشت وغالب عقاید مانی را درباب برزویه طبیب در تـرجمه

کلیله ودمنه گنجانیده‌است .

کتاب کلیله ودمنه راازپهلوی بعربی ترجمه‌کرد . تألیفات دیگـر او (الادب‌الکبیر) و (الادب الصغیر) است که بزبان فصیح عربی‌نگاشته شده کتاب خداینامك (تاریخ شاهان‌ایران) راازپهلوی بعربی ترجمه وآنرابنام سیرالملوك نامید.

ابن مقفع آشکارا عقاید مانی را ابراز می‌داشت وسرانجام هم بهمین جرم بامر منصور خلیفه عباسی درسن ۳۶سالگی درسال ۱۴۲ تا۱۴۵ هجری ببدترین وضعی بقتل رسید.

ابوحنفیه نعمان بن ثابت

ابوحنفیه نعمان‌بن ثابت که پدرش را جزو اسرای ایرانی بکوفه بردند درکوفه در سال ۸۰ هجری متولدشد ودربغداد بسال ۱۵۰ هجری درگذشت . کتاب فقه‌الاکبر که از کتب فقهی معروف است ازتألیفات وی می‌باشد .

سیبویه

سیبویه درفارس درحدود سال ۱۵۰ هجری متولد شده ودر سال ۱۸۱ هجری در ساوه وفات یافت .

سیبویه درمدت عمر کوتاه خوددرراه تدوین‌صرف‌ونحوعربی کوشش‌بسیار کرد و«الکتاب» را درصرف ونحوعربی نوشت او۱۰۵۰ شعرعربی و۳۰۰آیه قرآن را مورد استشهاد قرارداد.

بشاربن برد

بشاربن برد شاعر نابینای ایرانی دربار عباسی است که درتحقیرعرب وفخرنسبت بعجم مشهور است ، برد درسال ۱۶۷ هجری وفات یافت .

ابونواس

ابونواس شاعر غزلسرای ایرانی‌است که خمریاتش بعـربی شهرت بسزائی دارد در سال ۱۴۵ هجری دراهواز متولد ودرحدود سال ۱۹۹ هجری وفات یافت اولغات فارسی را دربین اشعارخود بعنوان تلمیح گنجانده‌است.

محمد بن‌موسی (الخوارزمی)

سه‌فرزند موسی‌بن شاکر خوارزمی که به‌بنی‌موسی معروف بودند (محمد ـ احمد ـ حسن) ازمنجمین‌بنام ومشهورعصرمامون بودند ودرجمع‌آوری واقتباس‌علوم‌یونان رنج فراوان کشیدند وتألیفات پرارزشی ازخود باقی‌گذاردند .

از سه فرزند موسی‌بن شاکر محمدبن موسی مشهورتر است که بسال ۲۵۹ هجری وفات یافت وکتاب‌المخروطات ازاوباقی است.

ابوحفض سغدی

ابوحفض سغدی که درقرن اول اسلام زندگی‌میکرده مؤلف مجمع الفصحاء اورا نخستین شاعربعد ازاسلام میداند .

ولی مؤلف المعجم مینویسد ابوحفض در سال ۴۰۰ هجری زندگی میکرد و معاصر با رودکی بوده . ابوحفض عالم صرف ونحو عربی‌بود .

ابوالعباس مروزی

محمد عوفی درتذکرهٔ (لباب الالباب) ابوالعباس مروزی راکه معاصرمأمون خلیفه‌عباسی بود نخستین شاعرپس‌از استیلای عرب میداند ومی‌نویسد درهنگام ورود مأمون بمروقصیده‌ای درمدح اوکه هم ازطرف مادر ایرانی وهم مدافع عقایدآزادیخواهان بودسرود.

عباس مروزی خود معتقداست که‌کسی قبل از او شعربفارسی نسروده ولی‌با توجه به‌سبك وپختگی اشعاراواینطور استنباط میشودکه مروزی نخستین‌شاعرپارسی‌گوی بعدازدوره استیلای عرب نبوده است .

تاریخ سیستان اولین شاعر را محمدبن وصیف میداندکه دبیر رسائل یعقوب لیث صفار بوده‌ودرمدح اوکه مقارن سال۳۵۵ هجری است اشعاری سروده است.

حنظله بادغیسی

حنظله بادغیسی ومحمود وراق هراتی هردوهم عصربا یعقوب لیث صفار بوده‌اند . اکثر محققین حنظله بادغیسی را نخستین شاعربعد ازاستیلای عرب دانسته‌اند.

بادغیسی درسال ۲۲۰ هجری فوت‌کرده است .

ابومعشر بلخی

ابومعشربلخی ازمنجمین وستاره شناسان بنام میباشدکه بسال ۲۷۲ وفات یافت .

فیروز متوقی یا فیروز مشرقی

فیروزمشرقی ویا بقول بعضی فیروز مشرقی معاصر باعمرولیث صفار بوده .

فیروز درسال ۲۸۳ هجری بدرودحیات‌گفته است .

ابوسلیك‌گرگانی

وی هم عصر بافیروز مشرقی وشاعر دربار عمرولیث صفاری بوده .

محمدجریر طبری

وی تاریخ عمومی وتفسیری برقرآن مجید نوشته است وفات ۳۱۰

محمدبن زکریای رازی

محمدبن زکریای رازی ازحکما وپزشکان مشهور ایرانی است و میتوان اورا یکی از نوابغ روزگار قدیم دانست.

رازی پس‌ازشهرتی‌که در علم طب یافت بخدمت حاکم ری ابوصالح منصوربن اسحق سامانی رفت وریاست بیمارستانی‌که درآن شهرتاسیس یافته بود بعهده‌گرفت .

رازی دراواخرعمرش درنتیجه‌مطالعه زیادی‌که درباره‌کیمیا گری‌کرده بود ببیماری‌چشم مبتلا وبالاخره‌کورشد و بسال ۳۱۳ هجری درگذشت .

شهید بلخی

ابوشهیدبلخی ازشعرا ودانشمندان بنام است وبنا بقولی دارای دیوان غزلیات میباشد

وبنا بروایت دیگران دیوان ازرودکی بوده .
ابوشهیدبلخی درحکمت بازکریای رازی مناظره کرده است .
فوت اورا ۳۲۵ هجری گویند .

رودکی

ابوعبدالله جعفربن محمد رودکی درسال ۲۶۰ هجری دریکی ازقراء رودك سمرقند و یا بقول بعضی درنزدیکی نسف بخارا بدنیا آمد وبهمین مناسبت رودکی تخلص یافت .

پس ازمدتی بعضی ازنویسندگان این‌نام رااز کلمه رودکه یك نوع‌آلت موسیقی‌زهی‌است گرفتند وچون رودکی‌مهارتی در زدن‌آن داشت معتقد بودندکـه باین مناسبت تخلص رودکی گرفته .

رودکی کوربود وبعضی راعقیده براینست که کور مادرزاد بوده ولی‌درمورد شاعری که در وصف وتشبیه طبیعت استاد بوده این عقیده بنظرصحیح نمی‌آید .

رودکی شاعردربار نصربن احمد سامانی‌بود ودرحدود یك‌میلیون شعرباونسبت داده‌اند که فقط چند هزاربیت‌آن باقی مانده .

رودکی دارای طبع موزون وآوازی دلنشین بود ورود راباستادی مینواخت . درغالب علوم اسلامی اطلاع وافری داشته . وی‌کلیله ودمنه را بنظم درآورد وچند مثنوی با وزنهای مختلف ساخت . دراقسام مختلف شعرـ غزل ـ رباعی ـ قصیده اشعاری سروده که متأسفانه‌مقدار ناچیزی ازآن باقی مانده است .

هم عصررودکی شاعرانی دردربار سامانی مانند ابوالعباس‌الفضل بن‌عباس فاضلی زنجی بخاری ـ ابوعبدالله محمدبن حسن معروفی بلخی ـ ابوعبدالله محمدبن صالح نوایحی مروزی ابوشعیب صالح‌بن محمدهروی ـ ابوزراعه معمری الجرجانی ـ حکیم ابو طاهربن محمد الصیب خسروانی بودند .

رودکی درسال ۳۲۹ هجری درگذشت .

محمدبن یعقوب کلینی

وی ازمحدثین‌شیعه وکتاب اوبنام الکافی یااصول‌کافی معروفست .
فوت اودر سال ۳۲۹ هجری بوده است .

ابوشکور بلخی

وی دردربار نوح‌بن نصر ۳۳۱ـ۳۴۳ هجری زندگی میکرده است .

ابوشکور چهارمثنوی سروده‌که بغیرازآفرین‌نامه منظومه‌های دیگراو ازبین رفته فقط اشعار پراکنده‌که درکتب وتذکره‌هائی‌که ازاین شاعر نقل شده باقی است مثنوی ابوشکور از قدیمی‌ترین مثنوی زبان پارسی بشمارمیرود .

حکیم ابونصر فارابی

حکیم ابونصرفارابی ازبسیاری علوم مانند ریاضیات ـ نجوم ـ منطق ـ فلسفه ـ موسیقی وطب بهره‌کافی داشت وبعلت همین وسعت معلومات وی را معلم ثانی لقب دادند .

فارابی ازماوراالنهربقصد تحصیل علوم ببغداد رفت وپس‌ازفراگرفتن عربی وفلسفه‌عازم مصرشد مدتی درحلب ودمشق بتألیف وتعلیم مشغول بود.

رویهمرفته درآثاروی نفوذ اصول عرفانی مشهود است .
ابونصر درسال ۳۳۹ درگذشت .

کسائی مروزی

وی معاصر نوح‌بن‌منصورسامانی‌بود ودرمدح او وسلطان‌محمد غزنوی‌قصایدی چندداردکسائی مذهب شیعه داشت وی اولین‌کسی است‌که عقاید مذهبی ومطالب فلسفی‌را بشعر درآورد .
تولد ۳۴۱ هجری ، وفات اوایل قرن پنجم هجری

ابوالمویدبلخی - عماره مروزی - رابعه‌بنت قزداری از شعرای دوره سامانیان بوده‌اند

رابعه نخستین‌زنی است‌که پس‌ازاستیلای عرب بفارسی شعرمیگفته .
هدایت‌درمجمع‌الفصحاء نگاشته‌که‌وی‌ازشاهزادگان‌است‌پدرش‌کعب‌نام‌داشت وودراصل‌عرب بود کعب‌پدررابعه‌پسری‌داشت که‌حارث‌نام‌داشت. رابعه عاشق‌بکتاش‌غلام‌ترك وخوبروی‌حارث شد.
روزی حارث درمجلسی این ماجرارا ازرودکی شنید بشدت غضبناك شد تابحدی‌که کمر بقتل‌خواهربست ودستورداد تا رابعه را درحمامی بیافکنند ورگزن رگهای اورا قطع‌کند وپس ازآن درحمام را باگل بگیرند بکتاش را نیزدر چاهی زندانی نمایند .
زمانی‌که بامرحارث رگهای رابعه‌را درحمام بریدند وی باخونی‌که ازبدنش جاری بود بردیوار حمام ترانه‌هائی نوشت تاجان داد .
بکتاش وقتی ازاین‌ماجرا باخبرشد ازچاه‌گریخت وخودرا بمعشوق رسانید ولی دیرشده بود ورابعه جان داده بود .
بکتاش دیوانه‌وار خودرا به‌حارث رسانید وپس ازآنکه سر ازبدن اوجدا نمود با دشنه بزندگی خود خاتمه داد .

دقیقی

ابومنصور محمدبن‌احمد دقیقی‌ازشعرای دربارچغانیان وسامانیان بود .گرچه این‌شاعر عمرکوتاهی داشت ولی بااین عمرکوتاه شهرتی بسزا یافت . شهرت وی بیشتر بخاطرشاهنامه‌ایست‌که بامر نوح‌بن نصر شروع بنظم‌آن‌کرد وقریب هزاربیت آنرا فردوسی طوسی در شاهنامه آورده است . دقیقی زرتشتی بود تعصبی شدید نسبت بمذهب زرتشت ابراز و خود بدین مذهب مباهات میکرد .
ازدقیقی جزشاهنامه وابیاتی چند اثردیگری بجای نمانده است . شاهنامه دقیقی‌که در حدود ۱۰۵۸ بیت است شامل تولد زرتشت وظهوراو درسلطنت‌گشتاسب وجنك او با ارجاسب میباشدکه بعلت قتلش ناتمام ماند . فردوسی اشعار دقیقی را درمقدمه شاهنامه خود عیناً آورده وعلت‌آنرا اینطور بیان میکندکه شبی‌دقیقی را درخواب دیدم واو ازمن تقاضاکردکه اشعارش راازتندباد حوادث محفوظ بدارم .
دقیقی بسال ۳۲۰ یا ۳۳۰ هجری تولدیافت . ودرسال ۳۶۹ هجری شبی‌بدست غلام ترك خودکشته شد .
وی تألیفات مهمی درتاریخ داردکتاب او(سنی ملوك‌الارض والانبیاء) ازحیث مطالب واطلاعات اهمیتی بسزا دارد.

ابن بابویه

وی ازمراجع فقه شیعه میباشد وازآثارمهمش من‌لایحضره الفقیه است . ابن‌بابویه بسال ۳۸۱ وفات یافت .

صاحب‌ابن عباد

صاحب‌بن عباد اهل طالقان وبراثرکاردانی ولیاقت بوزارت موید‌الدوله دیلمی رسید و همچنان در مقام وزارت بود که درگذشت . صاحب‌بن‌عباد نسبت بشعرا و نویسندگان احترام و اکرام میکرد ونسبت بادبیات عرب توجهی خاص‌داشت غـالب تألیفات خودرابزبان عربی‌نوشته است . ازآثار برجسته اوکتاب (المحیط) در علم لغت است .

عبادرسال ۳۸۵ هجری درگذشت .

امیر ابوابراهیم اسمعیل منتصر

وی آخرین نهال ازخاندان سامانی است‌که باهمتی مردانه توانست ستاره خاندان‌خود راکه درحال افول بود درخشش بخشد اومبارزی‌بزرگ بودکه بااصول جنك وگریزتوانست در مقابل‌غزنویان وملك خانیان درماورءالنهر مقاومت‌کند وبالاخره درتاریخ ۳۹۵ هجری اورا باخدعه‌کشتند .

باآنکه وی همیشه درگیرودارجنك بودگاهی‌که فرصت میبافت مکنونات قلبی خود را بصورت شعر درمی‌آورد وگاهی بوسیله این‌اشعار یاران‌وفادار خودرا بنبرد ومبارزه علیه دشمن تشیع میکرد .

حکیم ابوالقاسم حسن‌بن اسحق شرفشاه فردوسی

فردوسی ازبزرگترین شعرای زبان فارسی و زنـده‌کننده تاریخ ایران باستان است و شاهنامه شاهکارجاویدان وی می‌باشد.

فردوسی بسال ۳۲۹ یا۳۳۰ هجری درده‌باژ ازناحیه طابران طوس بدنیاآمد . وی از ملاکین طوس بود . دردوران حیاتش دولت سامانی روبضعف نهاد ودرنتیجه غلامان ترك قدرت یافته وهریك برمسندی تکیه‌کرده بودند. مشاهده این‌اوضاع فردوسی را رنج میداد ودر نتیجه همین رنجها واحساسات میهن‌پرستانه شاهنامه سروده شد . وی شاهنامه را درحدود سال ۳۷۱ هجری شروع بنظم نمود .

ازحوادث‌ناگوار زندگی فردوسی مرگ فرزندش بود .

شاهنامه شامل داستانهای افسانه‌ای پهلوانی وتاریخی میباشد.

معروف‌است‌که مأخذ اصلی‌فردوسی درنظم شاهنامه خوذای‌نامك خداینامه وکتاب اوستا است فردوسی زنده‌کننده زبان پارسی است.

مثنوی یوسف وزلیخاکه درقرن ششم هجری بنظم درآمد عدهٔ منتسب بفردوسی می‌دانند ودسته‌ای دیگرمعتقدندکه ازآن فردوسی نیست .

اشعاری پراکنده هم ازغزل ـ قطعه ورباعی وقصیده باقی مانده .

فردوسی پس ازهشتاد واندی درحدود سال ۴۱۱ ویابقولی ۴۱۶ درطوس وفات یافت و اورا درباغ مسکونی‌اش دفن نمودند .

حکیم ابو نصر احمد بن منصور متخلص به اسدی

اسدی باستاد فردوسی شناخته شده وی اولین کسی بود که فن مناظره راه درشعرفارسی ابتکاروتتبع کرد ازاشعار معروف اومناظره تیروکمان وروز وشب میباشد.

وفات اسدی ۴۲۱ هجری است .

ابوعلی مسکویه

وی ازدانشمندان وتاریخ نویسان بنام ومشهور زمان آل بویه میباشد .کتاب تجارت الامم را درتاریخ عمومی وتهذیب الاخلاق را درحکمت عملی واخلاق بعربی نوشته است .

مسکویه درسال ۴۲۱ هجری وفات یافت .

حسین بن عبدالله ابوعلی سینا

ابوعلی‌سینا ازدانشمندان مشهور ایرانست . وی درعلم طب ـ نجوم ـ ریاضی وحکمت استاد بود . حسن بن عبدالله علی‌سینا درسال ۳۷۰ هجری درقریه خرمثین ازتوابع بخارا بدنیا آمد وی قرآن ـ ادبیات ـ فقه ـ وحساب را نزد پدرآموخت و ابوعبدالله ابراهیم ناتلی هندسه ومنطق را باوتعلیم دادوطولی نکشید که خوددرعلوم فوق ازاستاد پیشی‌جست وبتنهائی بمطالعه علوم طبیعی وطب وریاضی پرداخت .

ابن‌سینا پس‌ازمعالجه نوح‌بن منصورپادشاه سامانی بدربارنوح راه‌یافت وی درسن بیست ویکسالگی شروع بتألیف کتب مختلف نمود وپس‌ازچندی درسراسرایران شهرت بسزائی یافت.

ابن‌سینا پس‌ازفوت نوح‌بن‌منصوردرحدود ده‌سال درخوارزم ودردربار آل مأمون زندگی کرد وبتألیف مشغول بودوچون سلطان محمود غزنوی‌آوازه شهرت وی راشنیده بود ازاودعوت کرد که بغزنین برود ولی‌ابن‌سینا بعلت خشونت وتعصب دینی‌سلطان‌محمود،دعوت اورانپذیرفت وازبیم جان ازخوارزم فرار ومدتی درترکستان وخراسان متواری بود تابالاخره بگرگان‌رفت ودرآنجا بطبابت مشغول شد وچندی بعد بهری رفت ودر آن زمان مجدالدوله دیلمی ببیماری مالیخولیا مبتلا شده بود ابن‌سینا پس‌ازمعالجه مجدالدوله بهمدان‌رفت ودرهمدان دوباره بمقام وزارت شمس‌الدوله رسید.

ابن‌سینا را میتوان ازنوابغ روزگار نامید . وی عمر خودرا درراه کسب علم ودانش و تألیف کتب مختلف صرف کرد وآنی ازکارعلمی فراغت نیافت . اودرمدت ۵۸ سال زندگانی پر مشقت خودکتب ورسالات پرارزش تصنیف و در نتیجه خدمت شایانی بجهان علم وتمدن نموده است .

ابن‌سینا درسال ۴۲۸ هجری وفات یافت ومقبره‌اش درهمدان میباشد.

فرخی

ابوالحسن علی‌بن‌جولوغ متخلص بفرخی از شعرای معروف وبنام زمان غزنویان است وی درسیستان خدمت دهقانی میکرد وچون ذوق ادبی داشت و بمهارت شعر میگفت ودر آن زمان دردربار چغانیان دردوران ابوالمظفر چغانی از شعرا وادبا استقبال شایانی میشد فرخی هم بدربار چغانیان راه یافت وپس ازآنکه شهرتی یافت بدربار غزنین روی آورد ودرخدمت سلطان محمود بمنتهای شهرت ومقام رسید فرخی درمدح سلطان محمود ـ محمد ـ مسعود ـ امیر سیف ـ امیرنصر برادر محمود و چندی از وزراء وندمای سلطان قصائدی ساخته و از هر یك صله‌های نیکوگرفته است.

فرخی درلشکرکشی‌های سلطان محمود شرکت میکرد ودرمیدان‌های نبرد حاضرمیشد

وبهمین دلیل فتوحات سلطان را بخوبی شرح داده وقایع را چون نقاشی زبردست مجسم نموده است .

دیوان فرخی شامل غزل ـ قطعه ـ قصیده رباعی وترجیع‌بند است که همه ساده وروان میباشد . فرخی علاوه بر هنر شعر سرودن باستادی چنگ مینواخت . وی بسال ۳۵۰ تولد و بسال۴۲۹ هجری درغزنین وفات یافت .

عنصری

ابوالقاسم حسن‌بن احمد بلخی متخلص به‌عنصری درسال ۳۵۰ هجری دربلخ متولد شد وی دردوران جوانی بخدمت نصربن ناصرالدین برادرکوچکتر سلطان محمود رسید و پس از چندی بوسیله امیرنصر بدربار محمود راه یافت ودرخدمت سلطان بمقام ملك‌الشعرائی رسید. عنصری درنتیجه بذل وبخشش های محمود بـه‌ثروت ومکنتی بی‌حد وحساب رسید وتابجائی که گویند چهارصدغلام زرین‌کمر درخدمت اوبودند . عنصری شاگرد ابوالفرج سگزی شاعر قرن چهارم بود. دیوانش را قریب بسه‌هزاربیت نوشته‌اند ولی اکنون مجموع اشعاروی درحدود دو هزاربیت است که دردسترس میباشد .

فوت عنصری را سال ۴۳۱ هجری گویند .

منوچهری

ابوالقاسم احمدبن قوص‌بن احمد منوچهری دامغانی ازشعرای نیمه‌اول قرن پنجم‌هجری است که دراواخر قرن چهارم ویا اوایل قرن پنجم متولد شده است .

اوتخلص خودرا ازممدوح خویش‌فلك‌المعالی منوچهربن شمس‌المعالی قابوس‌بن‌وشمگیر بن‌زیار دیلمی گـرفت . میرمحمدتقی‌کاشانی (ازکتاب خلاصه الافکار) را عقیده براین بودکـه منوچهری شاگرد ابوالفرج سگزی بوده .

منوچهری ازسال ۴۲۱ ببعد بدربار غزنه رفت وجزء شعرای سلطان مسعود غزنوی شد وی درجوانی بآموختن ادبیات عربی همت‌گماشت . اوجـوانی بااستعداد بود واز علم طب و نجوم بهره داشت وزبان عربی‌را بخوبی می‌دانست .

منوچهری بدلیل وسعت اطلاع درباره شعروادبیات عربی قصائد بعضی از شاعران عرب رااستقبال نموده. منوچهری دراشعار خود طبیعت وزیبائی رابه تمام مظـاهرش باستادی وصف نموده ودرتجسم مناظر طبیعی مهارتی بخرج داده که‌کمتر شاعری توانسته بپای اوبرسد.

منوچهری بسال ۴۳۲ وفات یافته .

عسجدی مروزی یا (هروی)

وی ازجمله شعرائیست که ازاشعار اوجزچند قصیده و اشعاری پراکنده چیزی در دست نیست. عسجدی بسال ۴۳۲ هجری وفات یافت .

باباطاهرعریان

باباطاهر عریان اهل همدان ومورد احترام و تکریم عموم مردم بوده است بحدی‌کـه گویند وقتی طغرل بهمدان رفت بملاقات باباطاهررفت ازاسب بزیرآمد ودست وی را بوسید.

دوبیتی‌هائی که ازباباطاهر بزبان لری باقی مانده بهترین معرف عقایدعرفانی ومعرف

روح بلند وی می‌باشد . دوبیتی‌های باقیمانده وی بسبك اشعار۱۲ هجائی دوره ساسانی است.
متاسفانه ازشرح حال وزندگی باباطاهر بیش ازاین دردسترس نیست .
تولد باباطاهررا اواخرقرن چهارم هجری گفته‌اند.

ابوسعید ابوالخیر



شیخ‌ابوسعید درسال ۳۵۸ هجری درمهنه ازتوابع خراسان متولد شد وی عارفی خوش ذوق بودکه درارشاد وتعلیم مردم سعی وافی‌داشت . ابوسعید رباعیات وقطعاتی‌عارفانه سروده‌که نموداری ازافکارعرفانی اومیباشد .
ابوسعیددرسال ۴۴۰ هجری فوت‌کرد .

فخرالدین گرگانی فخرالدین اسعدالاسترآبادی‌الجرجانی

فخرالدین اسعدگرگانی ازشعرای دربار سلطان محمود سلجوقی‌بود .
شهرت این شاعر بسبب منظومه ویس ورامین میباشدکه وی بخواهش والی اصفهان عمیدالدین ابوالفتح مظفرنیشابوری اززبان پهلوی بنظم فارسی ترجمه نموده . ودرسال ۴۴۶ هجری آنرا بپایان رسانیده است . وی را میتوان بانظامی‌دومین سخنگوی نامی برابردانست.
فخرالدین درحدود سال ۴۴۶ وفات یافت .

شیخ طوسی

شیخ طوسی ازبزرگترین فقهای مذهب‌شیعه است . ازمهمترین تألیفات اوکتاب استبصار تهذیب الاحکام وکتاب تبیان درتفسیر قرآن است .

ازرقی هروی

ازرقی شاعربدیهه‌گو بوده است ودیوان اوکه شامل قصاید ورباعی است درحدود دو هزاربیت است‌که بیشتربشیوه وسبك عنصری شباهت دارد . وی دراواخرعمرخود بنزد سلاجقه کرمان رفت ودرحدود سال ۴۶۵ هجری درهمانجا وفات نمود .

قطران تبریزی

قطران تبریزی دررضائیه متولد شد بعد بتبریز آمد. قطران در دربار ابونصر دارای جلال ومقامی خاص بود . وی بشیوه رودکی شعرمیسرود وبهمین علت‌غالب قصاید اوبارودکی اشتباه شده است . قطران درحدود سال ۴۶۵ هجری درتبریزوفات یافت .

ناصرخسرو

حکیم ناصرخسرو درسال ۳۹۴ هجری درقبادیان ازنواحی بلخ متولد شد. وی پس از مسافرت هفت‌ساله خودکه بقصدمکه رفت درمصربمذهب اسمیلی درآمد وازطرف خلیفه فاطمی مامورتبلیغ این‌مذهب درایران گردید. پس‌ازآن ناصرخسرو دربلخ بدعوت مردم بفرقه‌اسمعیلیه پرداخت وبامخالفت شدید اهل‌تسنن برخوردکرد، ناگزیر ازبلخ فراروبکوهستان‌های بدخشان رفت ودرغاری بنام یمگان مسکن‌گـزید و بالاخره درهمانجا بسال ۴۸۱ هجری وفات یافت.

دیوان ناصرخسروشامل یازده هزاربیت است که ازقصیده وقطعه تشکیل شده. وی نخستین‌کسی است که ممدوحی‌نداشته وبسختی ازمدح‌گفتن بیزارومتنفربوده است.

ناصرخسرو علاوه براینکه شاعری زبردست بوده نثر نویسی قابل و شایسته نیز بشمار می‌آید ازآثار برجسته وی زادالمسافرین ـ خوان اخوان ـ وجه دین ـ سفرنامه و روشنائی نامه است.

خواجه عبدالله انصاری

درهرات متولدشد وازدوران‌کودکی بتحصیل علم و دانش علاقه مفرطی داشت و بهمین دلیل درعلم فقه وکلام وفلسفه استاد شد اوبعرفان جنبه علمی داد.

ازکتب معروف اوبزبان عربی‌منازل‌المسائرین وذم‌الکلام وانوارالتحقیق است.

عبدالله انصاری‌کتاب طبقات الصوفیه عبدالرحمن سلمی را بزبان هروی انشاءکـرد.

مشهورترین اثری کـه از خواجه عبدالله انصاری میدانند مناجات نامه است. وی بسال ۴۸۱ هجری وفات یافته.

امام محمد غزالی

حجةالاسلام امام ابو حامد محمد غزالی درسال ۴۵۶ هجری در طوس متولد شد وی از دانشمندان مشهور وبنام دوره سلجوقی است. غزالی تمام عمرخود را صرف مبارزه بافلاسفه و تکفیرآنان‌کرد وبنابتقاضای نظام الملك درمدرسه نظامیه بغداد بمدت چهارسال تدریس نمود ازمشهورترین تألیفات غزالی (احیاءالعلوم) که درفقه نوشته شده است و مقاصد الفلاسفه راکه برضد فلاسفه اسلامی نوشته ومعیارالعلوم را درمنطق تألیف نموده وعلاوه براین‌در رد بعضی‌از مذاهب مخصوصاً اسمعیلیه کتاب‌هائی‌انشاءکرده است.

احمد غزالی

امام احمد غزالی طوسی برادر کوچکتر ابوحامد محمد غزالی از عرفای بنام و از واعظین مشهوربوده‌که رساله سوانح العشاق را نگاشته. وی مدتی بجای برادرخویش درمدرسه نظامیه درس میداد. درآن زمان‌کتاب احیاءالعلوم بـرادر را خلاصه وبنام لباب‌الاحیاء نامید علاوه براین تألیفات احمد غزالی درشعرسرودن هم ذوقی وافی داشت.

عین‌القضات همدانی

ابوالفضائل عبداللهبن محمد میانچی ملقب بعین‌القضات از دانشمندان بنام و از عرفای بزرگ قرن‌ششم هجری‌است. وی شاگرداحمدغزالی بود وبااستاد خودمکاتبه داشت. ابوالفضائل دربیان عقاید خود بی‌پروا بود وهمیشه عقاید خویش‌راکه ازفهم مردم عامی و فقهای متعصب و

کوتاه بین دوربود آشکارا اظهار می‌نمود وبالاخره هم بخاطر همین صراحت لهجه درسال ۵۲۵ هجری بدستور ابوالقاسم درگزینی وزیر سلطان سنجر وبفتوای فقهای آنروز درهمـدان کشته وسوخته شد. عین‌القضات باآنکه عمرکوتاهی داشت وفقط ۳۳سال داشت که کشته شد با وجود این درهمین مدت کوتاه آثار متعددی ازنثرعربی وفارسی ازخـود بیادگارگذارد ازآن جمله کتاب یزدان پاك وتمهیدات و رباعیاتی چند بعربی وفارسی ازاوباقی است .

زمخشری

ابوالقاسم محمد زمخشری خوارزمی (جاراله زمخشری) در حدیث ـ لغت ـ نحو ـ تفسیر استاد بود ازتألیفات معروف وی المفصل درنحوالکشاف درتفسیر ومقدمه الادب درلغت عربی بفارسی میباشد .

ابوالفرج رونی

ابوالفرج رونی درددربار غزنین مداح امراء غزنوی بـود. وی در صرف ونحو ـ زبان عربی وعلوم وحکمت مهارتی بسزا داشت .

ابوالفرج اصولا قصیده سرا بود .

ابوالفرج رونی‌بسال ۵۱۵ هجری وفات یافت .

مسعودبن سعدبن سلمان

مسعودبن سعدبن سلمان‌درلاهور متولد شده سال تولد او را بعضی ۴۳۸ وعده‌ای ۴۴۰ هجری نوشته‌اند. مسعودسعد پس‌ازکسب علم ودانش‌جزء ملازمان سیف‌الدوله محمودپسرابراهیم بن‌مسعود بهندوستان رفت . سیف‌الدوله محمود مغضوب پدرشد و بـالاخره بامر پدرش سلطان ابراهیم درحدود سال ۴۸۰ هجری‌گرفتار وزندانی شد وبهمین خاطرملازمان وندیمان او هم محبوس ودربند شدند ازآن جمله مسعودسعدکه مدت هفت سال درقلعه‌های سوودهك وسه‌سال هم درقلعه‌های نای زندانی بود .

پس‌از ده سالی‌که مسعود سعد دربند سلطان ابراهیم بود آزادگردید ولی‌چندی نکشید دوباره دربند ودرقلعه مرنج زندانی‌گشت وی مجموع سالهای طولانی راکه درقید وزندان بود نوزده سال گفته است . گویند این واقعه بعلت بدگوئی و تهمت حسودان اتفاق افتاده است . مسعودسعد دردوران زندان رنج فراوان دید قصائدی‌که او روزهای سخت زندگی سروده گواه این مدعاست. وی پس از نوزده سال حبس در زمان سلطنت بهرامشاه غزنوی‌باعزت واحترامی شایسته از زندان آزاد شد ولی بعلت سختی های فراوان‌که در این مدت‌کشیده و در نتیجه شکسته و فرتوت شده بود بیش از سه سال از نعمت آزادی برخوردار نگردیده و در سال۵۱۵ هجری وفات یافت ، مسعود سعد ازقصیده سرایان مشهور و بنام زبان فارسی‌است دیوان وی‌که شامل‌شانزده‌هزاربیت شعرازقصیده ـ مثنوی ـمقطعات ـ ترجیعات ـ مسمط ورباعی‌وغزل‌است.

یکی از مصیبت هائی‌که در زمان بندی بودن وی باو روی آورد فوت پسر شجاع و دلیرش صالح بودکه وی را سخت ناراحت نمود . از قصاید معروف وی قصیده حصار نای‌است .

حکیم ابوالفتح عمربن‌ابراهیم خیام نیشابوری

حکیم عمر خیام نیشابوری ازریـاضی دانان ـ منجمین و شعرای بنام دورهٔ سلجوقی است . گرچه مقام علمی خیام برتر از مقام ادبی اوست ولی شهرت وی بیشتر بواسطه انشاء

رباعیاتش میباشد که شهرت جهانی دارد . علاوه بر آنکه رباعیات خیام راباغلب زبانهای‌زنده ترجمه نموده اند فیتز جرالد رباعیات او را بزبان انگلیسی ترجمه‌کرده است که بیشتر مایهٔ اشتهاروی درغرب گردیده . حکیم‌عمرخیام دردورهٔ سلطنت ملکشاه سلجوقی و در زمان وزارت خواجه نظام‌الملك اصلاح تقویم کرد . وی‌درریاضیات ـ علوم ادبی ، دینی وتاریخی استاد بود. آثاری‌که ازخیام باقی‌است ؛ نوروزنامه ـ روضةالقلوب وچندائردیگرمیباشد. عده‌ای ازتذکره نویسان خیام راشاگرد ابن‌سینا وعدهٔ دیگراورا شاگرد امام موفق عارف معروف نوشته‌اند. وی بالغ بر۱۰۰ رباعی‌سروده‌است . مرگ خیام رابین سنوات ۵۱۷-۵۲۰ هجری میدانندکه در نیشابوراتفاق افتاد، وی رادرامامزاده محروق دفن‌نمودند .

امیرالشعرا ابوعبدالله محمد بن‌عبدالملك برهانی

وی‌دراواخرقرن پنجم‌درسال۴۳۸یا ۴۴۱ هجری متولدشد. پدروی شاعردربارالب‌ارسلان بودودراواخرعمرش فرزندخودرا (امیرمعزی) جانشین خویش‌نمود وتاآنجا ترقی نمودکه لقب ملك‌الشعرائی‌گرفت وپس‌ازفوت الب‌ارسلان بخدمت پسرش‌سلطان‌سنجر خدمت‌میکرد.

درموردفوت معزی وعلت‌آن تذکره‌نویسان چنین‌نوشته‌اندکه روزی سلطان‌سنجرنشانه‌ای گرفت وتیری رهاکرد ولی‌تیرش بخطارفت وبرسینه معزی جای‌گرفت . جراحت سینه ، وی را رنجورومریض نمودوبالاخره هم‌بعلت همین‌جراحت درحدود سال۵۲۰ هجری درگذشت. دیوان امیرمعزی شامل۱۸۵۰۰ بیت‌ازقصیده ـ غزل‌ـ قطعه ورباعی‌است .

سنائی غزنوی

ابوالمجد مجدودبن‌آدم متخلص‌به‌سنائی دراواسط قرن‌پنجم (درحدود سال۴۶۵ هجری) درغزنین متولدشد. درجوانی شاعردربارپادشاهان غزنوی بود ومدح‌آنان میگفت ولی ناگهان تحولی درروح وی پدیدآمد وتغییرروش داد. بحج رفت وپس‌ازآن‌گوشه عزلت اختیارنمود واز مدح‌گفتن متنفرومنزجرشد.

بزرگترین اثرسنائی حدیقةالحقیقه است‌که درسال ۵۲۵ هجری تمام‌شده وپس از وفات وی محمدعلی‌الرقا بامر بهرامشاه غزنوی‌کتاب مزبورراکه نوشته‌های‌آن پراکنده‌بود جمع‌آوری نمود. درمقدمه این‌کتاب وفات سنائی‌روزیکشنبه یازدهم‌ماه شعبان‌سال ۵۲۵ هجری در غزنین نوشته شده .

عمعق‌بخارائی

وی‌ازشعرای بنام دورهٔ سلطنت سلطان‌سنجر بشمارمیرفت‌که مداح افراسیاب بوده‌عمعق عمری‌طولانی‌کرد ودراواخرعمرش‌نابیناشد تذکره‌نویسان وفات‌اورا ۵۴۳ هجری نقل‌کرده‌اند.

عثمان‌بن محمد مختاری غزنوی

وی ازشعرای دربارغزنویان‌بود ولی‌بعد بدربار پادشاه سلجوقی رفت مختاری ازجمله شعرائیست‌که باابوالفرج‌رونی ـ مسعودسعد ـ سنائی‌غزنوی معاصربوده ودیوان او شامل هشت هزاربیت ازقصیده وترجیع‌بنداست . وی‌درسال ۵۴۴و فات یافت .

ادیب صابر

ادیب‌صابردرشهرترمذواقع درشمال‌بلخ متولدشد ولی‌بیشترعمرخودرا درنیشابورگذرانده صابرممدوح سلطان‌سنجربوده سنجرزمانی وی‌را مأمورخوارزم نمودکه بخدمت‌علاءالدوله اتسز

برود ودرظاهرممدوح اوشود ودرباطن اخباری راکه ازآنجاکسب می‌کند بسنجرخبردهد اتفاقاً همزمان باموقعی که ادسبدرخوارزم بودعلاءالدوله دونفررا مامورکشتن سنجرنمود وبمروفرستاد وچون صابرازاین خبرآگاه شدمخفیانه سنجررا مطلع نمود ودرنتیجه بدستورسنجردونفرمأمور دستگیر وکشته‌شدنـد. اتسزسخت خشمگین‌شد وبانتقام خون‌آن دونفرفرمان دادتا دست وپای صابررا بستند و در جیحون افکندند (اغلب تذکره‌نویسان مرگ صابررا درسال ۵۴۶ هجری نقل کرده‌اند.)

ادیب صابرازقصیده سرایان مشهوربود.

عبدالواسع جبلی

عبدالواسع ساکن هـرات وممدوح سلطان‌سنجر و ملکشاه بود غالباً مدایحی میسرود و بخدمت ایشان میفرستاد . عبـدالواسع قصیده سرائی زبردست بـود وفاتش بسال۵۵۵ هجری آمده است.

سید حسن غزنوی

سیداشرف‌الدین حسن‌غزنوی ازشعرای دربارسلطان سنجربودکه علاوه برذوق شعری و ادبی ازعلمای معروف‌بود متأسفانه ازشرح حال وزندگی این‌شاعردرتذکره‌ها بطوراختصارذکر شده است سیدحسن غزنوی درسال ۵۵۶ درگذشت.

مهستی گنجوی

مهستی‌گنجـوی‌کـه نام اصلیش منیژه بود درسال ۴۹۰ یا۴۹۱ هجری متولد شد. وی معروفترین زنیست‌که بزبان فارسی شعرسروده وشهرت اوبیشتربخاطررباعیاتش میباشد. مهستی درزمان سلطان‌سنجرمیزیسته وازملازمان دربار اوبود ولی‌برخی اورا معـاصر باسلطان محمود غزنوی دانسته‌اند. مهستی‌علاوه براینکه‌استادانه شعرمیسرود چنگ‌وعودرا نیکومی‌نواخت دارای روئی خوش واندامی‌زیبا بود. خواستاران فراوان داشت ازجمله امیراحمد تاج‌الدین‌بن خطیب فرزندخطیب‌گنجه بودکه عاقبت بعقداودرآمد. امیراحمد خوددرشعرگفتن دست داشت و غالباً باهمسرخود مشاعره مینمود.

مهستی درسال۵۷۶یا۵۷۷ هجری وفات یافت .

اوحدالدین علی انوری

اوحدالدین علی‌ملقب به‌انوری درقریه بدنه ازولایت ابیوردودشت خاوران‌خراسان‌بدنیا آمد . انوری درجوانی درطوس بتحصیل علوم‌وادبیات مشغول‌بود· وی در نجوم پیشرفت شایانی کردوشهرتی یافت ولی‌بعلت فقرمالی‌نتوانست به‌آنچنان شهرتی‌که درخوراوبود برسدپس برای آینده خود تصمیمی‌گرفت ودرمدح سلطان‌سنجرقصیده ساخت درنتیجه بدربارسلطان راه یافت و ازآن پس‌شاعرجوان باوج شهرت وجلال رسید وتاپایان سلطنت سلطان سنجربوی وفادار ماند. درسال۵۴۸ هجری‌که سلطان سنجرمغلوب واسیرترکان غزشد انوری باهزارمشقت ازمهلکه‌جان بدربرد مدتی دربلخ وزمانی درمرواقامت‌گزید ولی‌درتمام این‌مدت باآزاروتحقیر مردم روبرو بود. پس‌ازآن به‌نیشابور وازآنجا ببلخ رفت ودرآنجا هم بعلت اینکه درمورد اقتران‌کواکب پیشگوئی‌نموده ووقوع نیافت‌هدف استهزاء مردم‌شد، ناچارگوشه عزلت اختیارکرد وازمعاشرت مردم دست‌کشید وی بین‌سال‌های ۵۸۵ و۵۸۷ درهمان شهردرگذشت .

انوری ازبزرگترین قصیده‌سرایان ایران‌است. دیوان‌وی شامل سیزده‌هزاربیت ازقصیده

رباعی ـ غزل ـ قطعه است.

شهاب‌الدین سهروردی

شهاب‌الدین سهروردی معروف بشیخ اشراق درعلم وفلسفه مقامی والا دارد . وی‌حکمت اشراق راکه ریشهٔ قدیمی داشت زنده‌کرد و حکمت منشاء را موردانتقاد قرار داده چون افکار و عقاید شهاب‌الدین سروردی با علماء دین سازگار نبود و در همه حال عقاید خود را بی‌پروا اظهار میداشت . فقها و روحانیون علیه اوبرخاستند وآخرالامر در سال ۵۸۷ هجری درحلب بامر صلاح‌الدین‌ایوبی بقتل رسید .

رشیدالدین وطواط

رشیدالدین‌محمد که بعلت کوچکی اندام و جثه ، بوطواط معروف بود در بلخ متولد شد و جوانی خود را درآنجا به‌کسب علم وادب‌گذراند وپس‌ازآن بخدمت علاءالدین‌اتسزخوارزم شاه رسید و مدت ۳۰ سال شاعر دربار بود و خدمت دیوانی‌خوارزمشاه را میکرد ولی پس از فتح هزارسف و شکست‌اتسز بدست‌سنجر زندگی‌وی درهم ریخته‌شد وکانون آسایشش بهم خورد. پس از وفات اتسز چندی رشید در خدمت ایل ارسلان پسراتسز بود ، در سال ۵۶۸ که سلطان علاءالدین تکش بامارت خوارزم رسیدوطواط بعلت پیری ازخدمت معاف‌گردید ، وی درسال ۵۷۳ هجری وفات یافت .

اثیرالدین‌اخسیکتی

اثیرالدین‌اخسیکتی‌اهل قصبه‌ی اخسیکت ازتوابع‌فرغانه بودکه‌بیشترعمرخودرا درعراق و آذربایجان بسرآورده وی اتابکان آذربایجان و بعضی از سلاطین سلجوقی را مدح میگفت با عده‌ای از شعرای هم‌عصر خود چون مجیرالدین‌بیلقانی‌خاقانی شیروانی رابطه داشت . اثیر بین سالهای ۵۷۷ یا ۵۷۹ هجری وفات یافت .

مجیرالدین بیلقانی

مجیرالدین بیلقانی اهل بیلقان اران واقع در شمال آذربایجان بسود . وی در جوانی بشروان رفت . ابتدا ممدوح‌شروانشاه وسپس مداح سلاجقه عراق و اتابکان‌آذربایجان‌گردید و از طرف اتابکان حکمران اصفهان شد . وفات مجیرالـدین در سال ۵۸۶ یا ۵۹۴ هجری اتفاق افتاد قبر او در تبریز و در مقبرةالشعرا مدفون است .

جمال‌الدین محمدبن‌عبدالرزاق اصفهانی

وی از گویندگان و قصیده‌سرایان بزرگ و بنام قرن ششم هجری است . جمال‌الدین‌ـ اصفهانی با خاقانی شروانی و مجیرالدین‌بیلقانی هم عصر بود . وی قصیده‌ای بنـام خاقانی در جواب قصیده معروف مدائن وی سروده‌که مطلع آن چنین است :

کیست کـه پیغام من بشهر شروان برد   یك سخن ازمن بدان‌مردسخن دان‌برد

عوفی ویرا بزرگر ولی با تحقیقاتی‌که آقای وحید دستگردی نموده او را جمال نقاش میگفتند . جمال‌الدین‌اصفهانی علاوه بر قصیده سرائی در غزلسرائی هم دست داشته است .

خاقانی شروانی

افضل‌الدین‌بن‌علی نجار متخلص به‌خاقانی درشهر شیروان متولد شد . پدرش نجار بود و به‌شهرت پسرش مباهات می‌کرد و بواسطه اشعار عرفانی‌که او ساخته بود فرزندش را بدیل (یعنی نظیر سنائی) لقب داد چندی بعدخاقانی حقایقی تخلص‌گرفت ولی بعد باحترام خاقان حکمران شیروان و به تکلیف ابوالعلاء‌گنجوی استادش تخلص خاقانی گرفت .

خاقانی از دسترنج مادرش امرار معاش میکرد و زیر نظر عمویش کافی‌الدین عثمان‌که مردی دانشمند و فاضل بود تعلیم می‌گرفت و تربیت میشد ، او ازکافی‌الدین انواع علوم – صرف و نحو – فلسفه – ریاضی – نجوم و شعر و ادب را نزد ابوالعلاء‌گنجوی آموخت . ابوالعلاء بوی توجهی خاص‌داشت چنانچه او را بدربار خاقان منوچهر شیروانشاه نزدیك نمود و دخترخویش‌را بعقد وی درآورد ولی چندی بعدبعلت اشتهار وتقربی‌که دردربار سلطان یافته بود محسود استاد خویش واقع شد و هدف استهزاء وی قرار گرفت و ابیاتی چند در هجووی سرود و خاقانی بپاسخ آن قصیده هجائی ساخت .

خاقانی درحدود سال ۵۵۱ هجری به‌زیارت حج‌رفت و قصائدی در وصف مکه واعمال ومناسك حج سرود ، وی دربغداد بخدمت المقتفی‌لامرالله خلیفه‌عباسی‌رفت وخلیفه شغل دبیری باو تکلیف نمود ولی خاقانی نپذیرفت ، وی در مراجعت ازمشاهده طاق‌کسری و ایوان مدائن سخت به‌هیجان‌آمد و متأثر شد و همین هیجان و تأثر قصیده مدائن را بوجود آورد . قصیده مدائن آهی است‌که از دل برآمده و بهمین دلیل بر دل می‌نشیند .

خاقانی در زندگی سختیها کشید وناملایمات‌فراوان دید ، بزرگترین‌مصیبتی‌که باو روی آورد مرگ پسر و درگذشت همسرش بودکه دومرثیه برای این دو مصیبت ساخت ، وی در اواخر عمر دست ازکار دیوانی‌کشید وگوشه عزلت اختیار نمود . دیوان خاقانی شامل هیجده هزار بیت از قصیده ، غزل ، ترجیع‌بند ، ترکیب‌بند و رباعی است ، وی بنا بنوشته بعضی در سال ۵۹۲ و بنابروایتی درسال ۵۹۵ هجری‌درتبریز وفات یافت . قبرخاقانی درمحله سرخاب تبریز در مقبرة‌الشعراء میباشد .

ظهیر فاریابی

ظهیر در نواحی بلخ متولد شد ولی دوران جوانی را در نیشابور به‌کسب علم و ادب گذرانید . چندی بعد برای‌کسب معاش ابتدا باصفهان رفت و بخدمت صدرالدین خجندی رسید و سپس بعراق و ازآنجا به‌آذربایجان رفت و بخدمت اتابك غزل‌ارسلان رسید ، ظهیرفاریابی در سال ۵۹۷ هجری در تبریز درگذشت و او را در مقبرة‌الشعراء دفن نمودند .

نظامی گنجوی

حکیم نظامی‌الدین‌ابومحمدالیاس‌بن‌یوسف‌بن‌زکی‌بن‌مویدنظامی گنجوی در حدود سال ۵۳۵ هجری بنا بنوشته بعضی در گنجه متولد ولی درکتاب هرمان‌اته صفحه ۷۱ مولد وی را شهر قم نوشته‌اند ، وی سالهای عمر خود را در گنجه گذرانند (گنجه ، واقع در ولایت اران است) پس از تحصیل‌دانش بشاعری پرداخت نظامی مدایح خود را درگنجه می‌سرود و بخدمت اتابکان آذربایجان وابوالمظفر اخستان می‌فرستاد . نظامی سنی وسخت پای بند عقاید مذهبی خویش بود ، وی با تنها شاعر معاصر خود خاقانی رابطه داشت و پس ازمرگ خاقانی بسختی ناراحت شد .

نظامی درکودکی از داشتن پدر محروم گردید و این واقعه وی را بجانب ریاضت و

تعصب خشك مذهبی کشانید ولی چندی‌نگذشت ، ذوق شاعری در وی بیدار شد واو را از این حالت بمرور خارج نمود ، اولین طلیعه این ذوق مثنوی مخزن‌الاسرار است که آنرا در حدود ۵۷۴ یا ۵۷۵ هجری بپایان رسانید و پس از دو سال منظومه خسرو شیرین و پس از آن منظومه لیلی و مجنون را بنظم درآورد ، چهارمین شاهکار نظامی هفت پیکر است که آنرا قصهٔ بهرام‌گور نیز گویند از این چهار منظومه گذشته اسکندرنامه است .

مجموعاً پنج منظومه نظامی را خمسه نظامی‌گویند . نظامی بین سالهای ۵۹۷ تا ۶۱۴ زندگی را بدورد گفت . و وی را در گنجه دفن نمودند . دیوان او شامل قصائد ، غزلیات و قطعه است .

امام‌فخر رازی

امام‌فخررازی درسال ۵۴۴ هجری در ری‌متولد شده و از مشهورترین دانشمندان عصر خود بود . فخر رازی تألیفاتی در حکمت ، فلسفه ، تصوف ، منطق وکلام دارد که معروفترین آنها که بزبان عربی است عبارتست از : شرح اشارات ابن‌سینا ، کتاب المباحث‌المشرقیه در طبیعیات و الهیات و المخلص در منطق و حکمت . وی رسالاتی بزبان فارسی نگاشته است . فخر بعلت ایراداتی‌که بر فلاسفه پیشین داشت به‌امام المشککین ملقب شد . فخررازی درسال ۶۰۶ هجری در هرات وفات یافت .

عطار



محمدفریدالدین‌عطار ، بزرگترین عارف‌ایرانی است ، وی در نیشابورمتولد شد ، جوانی خود را وقف‌کسب علم و دانش‌نمود. عطار بعلت‌اینکه داروخانه‌داشت وبیماران را درمان میکرد تخلص عطارگرفت . وی‌بکثرت شعروتألیفات‌مشهوراست ، تعدادنوشته‌های او را مجموعاً (از نظم و نثر) بعدد سوره‌های قرآن ۱۱۴ کتاب بوی نسبت داده‌اند که مقداری از آنها موجود و بقیه از بین رفته است . مشهورترین آثار او بنام تذکرة الاولیاء است‌که به نثر و فارسی نوشته شده پس از آن منطق‌الطیر است‌که شامل پنجهزار بیت است .

در مورد وفات شیخ عطار اختلاف نظر فراوان است ولی آنچه مسلم است تاریخ وفات او از سال ۵۸۶ تا ۶۲۷ میباشد ، اغلب تذکره‌نویسان سال وفات او را ۶۲۸ هجری نوشته و ذکر نموده‌اند که بدست یك نفر مغول‌کشته شد . مقبره وی در نیشابور است .

کمال‌الدین‌اسمعیل

کمال‌الدین اسمعیل پسرجمال‌الدین‌محمدبن‌عبدالرزاق اصفهانی‌مدح آل‌صاعد وآل جنید و از شعرای مشهور و بنام قرن هفتم هجری است ، وی‌که دراصفهان زندگی میکرد در اواخر عمرش شاهد خونریزی‌های مغول بود و باآنکه درآن زمان گوشه نشینی اختیار نموده بود در سال ۶۳۵ هجری بدست ایشان گرفتار و به بدترین وضعی کشته شد .

مولوی

جلال‌الدین‌محمد بلخی‌محمد بن‌حسین‌الخطیبی‌البکری درششم‌ربیع‌الاول سال ۶۰۴ هجری در بلخ متولد شد ، وی از بزرگترین شعرای عرفانی مشرق‌زمین است . پدرش محمد بن‌حسین الخطیبی‌البکری ملقب به‌بهاءالدین از بزرگان‌مشایخ عصر خودبود و بعلت شهرت و معروفیتی که داشت محسود سلطان محمد خوارزمشاه گردید ناچار فرار را برقرارترجیح داد و با پسرش جلای وطن نمود و از طریق نیشابور ابتدا بزیارت شیخ‌عطار نایل آمد و سپس از راه بغداد بزیارت مکه مشرف شدند و از آنجا بشهر ملطیه رفتند . درآنجا به‌ولارنده رفته و مدت هفت سال درآن شهر ماندند ودر آنجا بود که جلال‌الدین تحت ارشاد پدرش قرار گرفت و در دانش و دین بمقاماتی رسید . دراین زمان سلطان علاءالدین کیقباد ازسلجوقیان روم ازآنان دعوتی کرد و آنان بنابراین دعوت به شهر قونیه که مقر حکومت سلطان بود عزیمت کردند در شهر قونیه بهاءالدین پدر جلال‌الدین در تاریخ هیجدهم ربیع‌الثانی سال ۶۲۸ هجری دارفانی را وداع گفت . جلال‌الدین تحصیلات مقدماتی‌را نزدپدر بپایان رسانید وپس ازفوت وی در خدمت یکی از شاگردان‌پدرش برهان‌الدین‌ترمذی که درسال ۶۲۹هجری به‌قونیه آمده‌بود تحصیل‌علم عرفان مینمود وپس‌ازآن تحت‌ارشاد عارفی‌بنام شمس‌الدین تبریزی درآمد. شمس‌الدین‌تبریزی با نبوغ معجزه‌آسای خود چنان تأثیری در روان وذوق جلال‌الدین نمود که وی‌مریدشمس گشت وباحترام ویادمرادش‌برتمام غزلیات خودبجای نام خویشتن‌نام‌شمس‌تبریزی را ذکرنمود.مولانا جلال‌الدین‌پس‌ازفوت شمس سفری‌به‌دمشق کرد و پس از مراجعت مجدداً بارشاد مردم پرداخت.

مولوی دو اثربزرگ وبرجسته ازخود باقی‌گذارد ؛ یکی مثنوی است‌که بمثنوی معنوی معروفست و دیگر غزلیات و رباعیات و ترجیع بندوی است‌که هما نطورکه ذکرشد باحترام و عقیده‌ای‌که بمرادخویش داشت دیوان شمس‌تبریزی نام‌نهاد . غزلیات مولانا از بزرگترین‌آثار نظم زبـان فارسی بشمار میرود . وی پس از ۶۸ سال عمر در سال ۶۷۲ هجری درگذشت و پسرش در سال ۶۸۴ هجری در قونیه جانشین پدر گردید و آثار وی را بنام (فیه‌مافیه) جمع نمود دفتر هفتم مثنوی را باو نسبت داده‌اند .

خواجه‌نصیرالدین طوسی



ابوجعفر نصیرالدین‌محمد ازدانشمندان‌معروف‌ایرانی است. که ازکودکی به‌تحصیل دانش‌علاقه مفرطی داشت وی هنوز جوان بود که درعلوم و حکمت ـ ریاضی و نجوم استادشد . خواجه‌نصیر-الدین زمانی در زندان اسمعیله بسر برد و موقعی‌که هلاکو قلعه الموت را فتح نمود او را آزاد و از مقربـان خویش نمود سپس بامرهلاکو درمراغه رصدخانه‌ای تأسیس وخواجه‌نصیرالدین زیجی ترتیب داد وکتابخانه‌ای‌کـه در حدود چهارصد هزارکتاب داشت برای‌استفاده دانشمندان تهیه‌نمود . آثارخواجه غالباً بزبان عربی است . ازمهمترین‌آثار فارسی وی اخلاق‌ناصری دراخلاق ، اساس الاقتباس‌درمنطق ، معیارالاشعاردرعروض وقافیه‌ما اوصاف‌الاشراف در عرفان ، تذکرهٔ‌نصیریه در هیئت و رساله سی فصل در نجوم است . وی اشعاری هم بزبـان فارسی دارد . خواجه در سال ۶۷۲ وفات یافت .

زکریای قزوینی

وی علاوه بر قریحه ادبی مؤلف آثار البلاد درتاریخ و جنرافی میباشد. زکریا در سال ۶۸۲ بدرود زندگی گفت.

قاضی بیضاوی

قاضی بیضاوی از فقها و مفسرین بزرگ ومشهور است، وی در شیراز قاضی‌القضات بود و در اواخر عمرش به‌تبریز رفت و در همان شهر هم وفات یافت. از آثار برجسته وی تفسیر انوار التنزیل و اسرار التاویل و نظام التواریخ است

مرگ قاضی‌درسال ۶۸۵ هجری‌گویند.

فخرالدین عراقی

شیخ فخرالدین‌ابراهیم همدانی متخلص بعراقی درهمدان متولد شد. خانواده او فاضل و ادیب، اهل حقیقت وطریقت بودند. عراقی پس از کسب علم و دانش درمدرسه (شهرستان) در همدان مشغول تدریس شد و پس از چندی بجمعیت درویشان پیوست و مدرسه را رها نمود. وی در جهان‌گردی‌های صوفیانه‌گزارش بشهر ملتان هندوستان افتاد و درآنجا ارادتی زیادت بشیخ بهاءالدین زکریای ملتانی پیدا نمود ازآن پس براثر ارشاد شیخ بهاءالدین وی مراحل عرفان را پیمود وبدرجه‌کمال رسید وسپس برای تزکیه نفس بسیر وسیاحت پرداخت وبالاخره بدمشق رسید و در همانجا در سن ۷۸ سالگی بسال ۶۸۸ وفات یافت.

دیوان عراقی شامل غزلیات و رباعیات شورانگیزیست‌که در حال جذبه و شوق سروده شده است.

سعدی

شیخ‌مشرف‌الدین‌بن‌مصلح‌الدین‌سعدی‌شیرازی‌که بزرگترین استاد نظم و نثرزبان فارسی است در حدود ۵۸۰ هجری درشیراز متولد شد. پدر وی نابهنگام درگذشت و در سال ۵۹۱ هجری‌که اتابك‌زنگی بحکومت فارس رسیدبادامه تحصیل او درمدرسه نظامیه بغدادکمك نمود و بدین ترتیب دوران تحصیلی او شروع شد. سعدی در همین دوره زیر نظر استاد خود شیخ شهاب‌الدین سهروردیه مؤسس سلسله سهروردیه به تحصیل عرفان مشغول شد. در نتیجه حمله منول حامی‌او سعدبن‌زنگی ملك فارس را از دست داد، هرج و مرج بفارس روی‌آورد و مردم آن سرزمین پریشانحال شدند و عده‌هم جلای وطن کردند ازآن جمله سعدی بودکه خاك غربت را بر وطن خویش ترجیح داد وعزم سفرکرد وبسیاحت شام، فلسطین، آسیای صغیر ــ شمال آفریقا ــ هندوستان و بسیاری‌کشورهای دیگر رفت در این جهانگردی با مردم مختلف آشنا شد دراین دوران سختی‌ها وخوشی‌ها، گرمی‌ها و سردیهای روزگار اورا پخته نمود و تجربه‌ها آموخت و بمولد خویش شیرازمراجعت‌کرد و در این زمان در شیرازآرامش وصلح بار دیگر بر قرار شده و فرزند ولینعمت سابق سعدی اتابك ابوبکربن سعد زمام امور را بدست گرفته بود شیخ سعدی بدرباراتابك راه یافت و دوره‌سوم زندگی خویش را شروع نمود وی‌تخلص خود را ازاتابك سعدبن زنگی‌گرفت. دراین زمان سعدی بتألیف و تصنیف پرمغزترین منظومه‌های پندآموز خودکه نتیجه ۳۰ سال تجربه وجهانگردی ومردم شناسی بود دست زداین اثربزرگ

به بوستان معروف است که آنـرا سعدینامه هم میگویند . وی در سال ۶۵۶ دومین اثر خود گلستان را عرضه نمود. گلستان شیواترین نثرفارسی است که بصورت حکایات اخلاقی واجتماعی درهشت باب نوشته شده است.

دیوان سعدی شامل قصاید ــ قطعات ــ غزلیات ــ ترجیعات ــ رباعیات است. سعدی در سال ۶۹۱ هجری وفات یافت مدفن‌وی درخانقاه شیرازدرکنارآب رکن‌آباد است.

همام تبریزی

خواجه‌همام‌الدین‌تبریزی ازشعرای بنام‌آذربایجان وازغزلسرایان مشهورقرن هفتم‌است. دیوان وی شامل دوهزاربیت است. همام ممدوح خاندان جوینی بود، وی درسال ۷۱۴ هجری وفات یافت .

شیخ شبستری

سعدالدین محمود شبستری‌که درعهد الجایتو وابوسعید درشبسترآذربایجان میزیست از عرفا وعلماء برجسته قرن هفتم هجری است ، وی مثنوی‌گلشن‌رازرا درسال ۷۱۷ هجری بنظم درآورد . مثنوی مزبوردرپاسخ پرسشهای امیرسیدحسن هروی است . شبستری دومثنوی دیگر بنام شاهدنامه وسعادت‌نامه سروده است وی علاوه برذوق شعری درنثر نویسی هم دست داشته و رسالاتی درمسائل دینی وعرفانی تألیف‌کرده است. شبستری درسال ۷۲۰ هجری درگذشت .

امیر خسرو دهلوی

امیرخسرو درسال ۶۵۱ هجری در پتیالی از شهرهای شمال غربی هندوستان بدنیا آمد پدرش‌لاچین نام‌داشت وازترکانی‌بودکه دردوره استیلای مغول ازترکستان بهندوستان فرارکرد. امیرخسرو پس‌ازتحصیل علوم وادبیات بخدمت شاهان‌هنددرآمد. وی ممدوح علاءالدین خلجی بود. دیوان امیرخسروشامل قصاید وترجیع‌بند ومسمط است وعلاوه‌براین دیوان ، پنج‌مثنوی سروده وداستانهائی اززبان سانسکریت بنظم‌فارسی ترجمه نموده است ، پنج‌مثنوی امیرخسرو شامل۱۸ هزاربیت است‌که درمدت سه‌سال از۶۹۸ تا۷۰۱ هجری سروده شده وی آثاردیگری بنظم‌ونثردارد ازآن‌جمله قران‌السعدین ــ مفتاح الفتوح ــ خزائن الفتوح ومسائل‌الاعجازاست.

امیرخسرو درسال ۷۲۵ دردهلی وفات یافت .

حسن دهلوی

وی شاگرد امیرخسرو دهلوی بودوبحافظ هندوستان معروف است. غزلیات حسن‌دهلوی درادبیات فارسی شهرت بسزائی‌دارد. حسن‌درسال ۷۲۷ هجری وفات یافت .

اوحدی مراغه‌ای

ابوحامد رکن‌الدین اوحدی درنیمه دوم قرن هفتم هجری درمراغــه متولد شد. وی از شاگردان اوحدالدین‌کرمانی ازعرفای مشهوربود وتخلص اوحدی رااز‌اوگرفت اوحدی بیشتر ایام عمررا در اصفهــان‌گذرانید و بآذربایجان نیزسفرکرده است و در خدمت سلطان ابوسعید آخرین ایلخان مغول درآمد مداح اوشد دیوان اوحدی شامل غزلیات ، رباعیات ، ترجیع‌بند وقصایداست مشهورترین اثراوحدی «جام‌جم» دارای پنجهزاربیت شعرمیباشد وهمچنین مثنوی

دیگری بنام‌ده‌نامه یامنطق‌العشاق دارد. وی‌درسال ۷۳۸ درمراغه وفات یافت ودرآنجامدفون گردید .

جاجوی کرمانی

کمال‌الدین ابوالعطاخواجو درسال ۶۷۹ هجری درکرمان متولدشد . وی پس‌ازتحصیل علم بمسافرت پرداخت . کمال‌الدین درتصوف ازشاگردان علاءالدوله سمنانی بـود وی اواخر عمرش‌بخدمت شیخ ابواسحق اینجو درشیرازرسید وتقربی‌خاص یافت . دیوان خواجوی‌کرمانی شامل قصیده ـ قطعه وغزل است وخمسهٔ داردکه درحدود بیست هزار بیت میباشد . وی درسال ۷۵۳ هجری درشیرازوفات یافت ودر همانجا دفن‌شد .

قاضی عضدالدین لباسچی

قاضی‌عبدالرحمن‌بن احمد عضدالدین ایجی از دانشمندان بنام فارس وهم عصر خواجه حافظ بودکه ابواسحق اینجو نسبت بوی احترامی خاص قائل‌بود. وی شافعی ودرعرفان‌صاحب‌ـ نظربود ازکتب معروف عضدالدین مواقف وشرح مختصرابن‌حاجب می‌باشد . عضدالدین درسال ۷۵۶ درگذشت .

قطب‌الدین رازی

وی ازشاگردان قاضی‌عضدالدین ایجی‌بود، قطب‌الدین اواخرعمرخودرا درشام‌گذرانید ازتألیفات مشهوراو (لوامع الاسرارفی شرح مطالع‌الانوار) است‌کتابی‌هـم بنام محاکمات دارد که درآن‌فخررازی وخواجه نصیررا درشرح اشارات ابن‌سینا محاکمه نموده است ، فوت قطب‌ـ الدین را۷۶۶ گفته‌اند .

ابن یمین

امیرمحمودبن امیریمین‌الدوله طغرائی دراواخر قرن هفتم هجری در فریوند از ولایت جوین خراسان بدنیاآمد . دوران حیات وی مصادف بااختلاف شدیدبین امرای خراسان بودو درنتیجه همین اختلاف قتل‌وغارت‌هائی دراین ایالت روی‌داد وروح حساس شاعردرمعرض‌تندباد حوادث قرارگرفت وچنان اثری دروی باقی‌گذارد که‌گوشه عزلت اختیارکرد .

دیوان‌ابن یمین شامل ده هزاربیت است‌که جمع‌آوری شده ولی‌آنطورکه تذکره‌نویسان متذکرشده‌اند مجموعه اشعاروی بیش‌ازاین بوده. ولی بعلت واقعه سال۷۴۳ دیوان شاعربغارت رفت وپس‌ازآن بیش‌ازده‌هزاربیت چیزی بدست نیامد ، ابن یمین درسال ۷۶۹ وفات یافت.

عماد فقیه

خواجه عمادالدین‌فقیه‌کرمانی معاصرباخواجه حافظ وازغزلسرایان بنام است وی بسبب تعصبی‌که بمسائل دینی‌داشت وتظاهری‌که بزهد وتقوی میکرد مقرب دربارسلاطین آل‌مظفربود خواجه عمادالدین درسال ۷۷۳ وفات نمود .

سلمان ساوجی

خواجه جمال‌الدین سلمان‌دراوایل‌قرن هشتم‌هجری بدنیاآمد. پدروی مستوفی‌ایلخانیان

بود .

سلیمان درجوانی بدربار سلطان ابوسعید راه یافت ومدح وزیر وی غیاث‌الدین محمد میگفت ولی پس‌از انقراض حکومت ایلخانیان بدربار جلایریان رفت و مدت چهل سال در دربارآنان بود . دیوان سلمان شامل قصیده ـ غزل ـ مثنوی وقطعه است .

سلمان درسال ۷۷۸ هجری فوت نمود .

حافظ

خواجه شمس‌الدین محمد متخلص بحافظ ازمعروفترین شعرا و غزلسرایان ایران است پدروی درزمان اتابکان سلغری ازاصفهان بشیرازرفت وحافظ درحدودسال ۷۲۶ درشهرشیراز بدنیاآمد . حافظ درکودکی ازداشتن پدرمحروم شد وبی‌سرپرست ماند . وی در شرایط سختی امرارمعاش می‌نمود ودرنهایت فقروتنگدستی تحصیل علم کرد . حافظ از شاگردان قوام‌الدین عبدالله بود وباکمك حافظه قوی خود قرآن را از حفظ داشت . وبسیار نیکو تفسیرمی‌نمود ، بهمین‌سبب وی‌تخلص‌حافظ گرفت. علاوه‌براین‌درحکمت‌ـ لغت ـ ادبیات فارسی‌وعربی‌استادبود. درعصرحافظ انقلابات وخونریزی‌های شدیدی درشیرازروی‌داد که هریك‌ازاین‌وقایع‌تأثیری‌عمیق درروحیه شاعرنمود وموجب سرودن اشعاری شد.

دیوان خواجه حافظ شامل مثنوی ـ قصیده ـ ملمع ـ غزل ـ قطعه ـ ترجیع‌بند ـ رباعی ـ مغنی نامه و ساقی‌نامه است که بعدازوفات وی بهمت دوستش محمدگلندام جمع‌آوری شد. حافظ درسال ۷۹۱ یا۷۹۲ هجری درشیرازوفات یافت وویرا در حومه شیراز که بحافظیه معروف است دفن‌نمودند .

سعدالدین تفتازانی

مسعودبن عمر تفتازانی درسال ۷۲۲ هجری درتفتازان خراسان متولد شد. در تحصیل علوم درزمان خود استادبود . تیمورپس‌ازآنکه بخراسان دست‌یافت تفتازانی را بسمرقندآورد ومورد احترام وتوجه قرارداد وتاآخرین دم حیاتش مورد تکریم تیمور بودکه بسال ۷۹۱ یا بقولی ۷۹۷ هجری درگذشت .

بسحق الطعمه

فخرالدین (یاجمال‌الدین) احمدابواسحق‌الاطعمه (بزبان عامیه‌بسحق‌مینامند) ازشعرای اواخرقرن هشتم هجری است. وی درشیراز متولدشد ودر هما نجا هم زندگی میکرد . بسحق با ابتکار خاص‌خود غزلهای حافظ وعمادفقیه وسایرشعرای پیشین‌راتضمین میکرد وبخصوص اسامی خوراکی واطعمه را بطرزجالبی دراشعارش‌آورده است.

دیوان بسحق ازنظرتحقیق چگونگی‌خوردنی‌ها برای سرگرمی وتفنن بسیارجالب‌است. بعضی ازتذکره نویسان وفات وی را ۸۰۳ متذکرشده‌اند. ولی هرمان‌اته در صفحه ۱۸۸ کتاب خود وفات او را ۸۲۷ یا ۸۳۰ هجری نوشته است .

باباکمال خجندی

کمال‌الدین مسعودکه اهل‌خجند ماورالنهر بود از شعرای غزلسرای اواخر قرن هشتم هجری است . وی عارف بودوغزلهای اوعرفانی است. باباکمال دنیا را بهیچ میگرفت وزمانی

هم که فوت نمود درخانقاه وی جزحصیری که بروی‌آن می‌خوابید وسنگی که سربرآن میگذارد چیزی نیافتند.

ازشعرای معاصربابا کمال مغربی تبریزی است که او هم بسال ۸۰۳ هجری وفات یافت مغربی‌هم چون باباکمال شاعری عارف بود.

سید شریف جرجانی

سیدشریف درسال ۷۴۰ هجری درگرگان متولدشد وبیشترعمر خودرا در شیرازگذراند وی مؤلف الکبری درمنطق وصرف میردردستورزبان عربی‌می‌باشد.

تیمورپس ازمغلوب کردن آل‌مظفرسیدشریف را بسمرقندآورد ولی‌بعد ازمرك تیمور وی بشیرازبازگشت ودرسال ۸۱۶هجری درهمان شهروفات‌یافت.

شاه نعمت‌الله ولی کرمانی

وی مؤسس سلسله مشهورنعمت‌اللهی بودکه درعرفان‌دارای مقامی‌بلند است. وشاهرخ‌بن تیمورواحمدشاه والی‌دکن وعدهٔزیادی ازدانشمندان معاصرنسبت بوی ارادتی مخصوص داشتند. ازاورسالات متعددی باقی‌است که درخصوص عرفان نوشته‌شده. دیوان‌اشعارشاه نعمت‌اللهعرفانی است. شاه‌نعمت‌اله بسال۸۳۴ هجری وفات‌یافت.

جامی

نورالدین عبدالرحمن جامی‌درسال ۸۱۷ هجری درخرجردجام متولدشد. وی درجوانی باتفاق پدرش ازجام بهرات رفت ودرمدرسه نظامیه‌آنجا مشغول‌تحصیل شد. جامی بعلت ارادتی که بشیخ‌الاسلام احمدجام داشت ونام‌مولدش تخلص جامی‌گرفت. وی ازعلماء وعرفای بزرگ ایرانست جامی صوفی وازپیروان طریقه نقش بندیه وسنی‌بود ولی از تعصبات خشك این مذهب برکناربود.

جامی نه‌تنها درایران مشهوربود بلکه درهندوستان، افغانستان وآسیای صغیرهم‌معروف بود سلطان حسین بایقرا ووزیراو امیر علیشیرنوائی وی را محترم می‌شمردند واو را اکرام می‌کردند. سلاطین عثمانی بااومکاتبه وروابط دوستانه داشتند.

جامی بعلت اطلاعات زیادی‌که در خصوص علوم مختلفه داشت‌آثار وی بسیار و مختلف است وبحدی‌که اوبکثرت تألیفات شهرت یافته. بعضی‌آثار اورا بحساب حروف تخلص وی ۵۴ رساله وکتاب ذکرنموده‌اند ازمهمترین‌آثار منثورجامی بهارستان، نفحات‌الانس، نقدالنصوص لوایح، شواهدالنبوه واشعةاللمعات می‌باشد.

دیوان وی شامل قصیده ـ ترجیع‌بند ـ غزل ـ ملمع ـ قطعه رباعی است. علاوه براین هفت مثنوی بنام سبعه یاهفت اورنك سروده است جامی‌درسال ۸۹۸ هجری وفات یافت.

بابافغانی

بابافغانی ازشعرای دربارسلطان یعقوب آق‌یوقونلوبود. وی اشعارخـودرا بسبك هندی می‌سرود. بابافغانی درسال ۹۲۷هجری درگذشت.

هاتفی خرجردی

هاتفی خواهرزاده جامی شاهنامه‌ای بنام شاه‌اسمعیل سروده‌است. وی خمسه‌ای داردکـه

چندان شهرتی ندارد هاتفی بسال ۹۲۷ هجری درگذشت .

هلالی جغتائی

بدرالدین یا نورالدین هلالی جغتائی یکی ازبزرگترین شاعران اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری است . وی اهل استرآباد است ، اما آنطورکه تذکره نویسان متذکر شده‌اند تمام ویاقسمتی ازعمرش رادرهرات گذرانیده . هلالی زیرنظر امیرعلیشیرنوائی تربیت‌شده، چند مثنوی ازاوبنام شاه و درویش ، صفات العاشقین ولیلی ومجنون ازاو بـاقی است ولی شهرتش بیشتربخاطر غزلیاتی که سروده می‌باشد . هلالی درسال ۹۲۷ یا۹۳۶ هجری بفرمان ابوالغازی عبیدالله خان‌بن ازبك پنجمین‌پادشاه سلسله شیبانیان ازبك وبدست سیف‌الله نامی‌درچهارسوق شهرهرات بقتل‌رسید .

اهلی شیرازی

اهلی‌شیرازی ازشعرای دوره صفویه است. این‌شاعر درتجنیس وسایر صنایع بدیع استاد بود. شهرت وی بیشتربخاطر رباعی است‌که دروصف قلیان سروده واین درزمانی ساخته شده‌که توتون وتنباکو بوسیله تجارپرتقالی وارد‌ایران شد.

وفات اورا درسال ۹۴۲ یا۹۴۳ نوشته‌اند.

وحشی بافقی

وحشی‌بافقی دراواخردوره سلطنت شاه‌اسمعیل صفوی درسال ۹۲۹ هجری درقصبه‌ی‌بافق بدنیاآمد . وی‌غزل ومسمط را بهترازدیگر اشعار می‌سروده . شاهکار او ترکیب بندیست‌که در ادبیات فارسی درنوع خودبی‌نظیر است. وحشی درسال ۹۹۱ هجری قمری درگذشت .

محتشم کاشانی

محتشم ازشعرای معروف دوره صفویه ومعاصربا شاه‌طهماسب اول‌بود . وی‌اشعار دینی و مرثیه نیکومیسرود واصولا تشویق سلطان صفوی بودکه محتشم راازمدح وغزل‌ساختن بسرودن مرثیه وادارنمود. وی‌مرثیه غرائی‌درمرگ برادرخود عبدالغنی‌سرود. مرگ محتشم درسال۹۹۶ هجری بوده است.

عرفی شیرازی

جمال‌الدین محمدعرفی درشیرازمتولدشد ولی‌ازدوران جوانی بهندستان مسافرت‌کرد و درشمارشعرای درباراکبرشاه قرارگرفت ودرآسیای‌صغیر، هندوافغانستان شهرت بسزائی‌داشت. دیوان عرفی‌شامل قصیده ـ غزل ومثنوی است. عرفی‌درسال۹۹۹ هجری وفات یافت.

میرداماد

میرمحمد باقربن محمداسترآبادی ازدانشمندان معروف دوره صفویه‌است . مجالس‌درس اودراصفهان مورد استفاده طالبان علم‌بود. ازتألیفات اوکتاب صراط المستقیم وکشف الحقایق درحکمت است‌که بزبان عربی‌نگاشته شده. میرداماد درسال ۱۰۴۱ وفات‌یافت .

ملاصدرا

صدرالدین محمدشیرازی بعدازابن‌سینا مشهورترین دانشمند وفیلسوف ایرانی است.وی درجـوانی باصفهـان رفت . درآنجا ازمجالس درس‌شیخ بهائی استفاده می‌نمود . سپس در قم بتدریس‌مشغول‌شد وپس‌ازمدتی بفرمان شاه‌عباس‌دوم بمولدخود شیرازرفت . ازتألیفات اوشواهد الربوبیه ـ اسفار اربعه والمبداء والمعاد است‌که بزبان عربی‌نوشته شده. وی درهفتمین سفری که بحج میکرد درشهربصره درسال ۱۰۵۰ وفات نمود ودرهمانجا اورا دفن‌کردند .

شیخ بهائی



شیخ بهاءالدین محمد بن حسین عاملی درسال ۹۵۳ دربعلبك شام متولدشد وهنوزطفلی بیش نبود که بایران آمد وتحصیلات خود را درایران شروع کرد. وی ازدانشمندان بنام ومشهور واز مفاخر بزرگ ایران است . شیخ بهائی ازمقربین شاه عباس بود . او در ریاضیات ، هیأت ونجوم مقام استادی داشت ، از تألیفات برجسته وی بزبان فارسی جامع عباسی انشاء ودومثنوی که یکی بنام شیر و شکر و دیگری بنام نان وحلواست سروده است، ازتألیفات دیگرش کشکول است که درحکایات واخبار و علوم وامثله فارسی و عربی می باشد . بزبان عربی (خلاصة الحساب) و(تشریح الافلاك) است که تصنیف نموده. مجموع تألیفات شیخ بهائی درحدود ۸۸ رساله وکتاب است که جمع آوری ونگاهداری شده. اشعاری هم بزبان فارسی از این دانشمند بزرك باقی است . شیخ بهائی درسال ۱۰۳۱ وفات یافت وبنا بوصیت خودش جنازه وی رااز اصفهان بمشهد منتقل ودرکنار صحن حرم مطهر حضرت علی بن موسی الرضا(ع) دفن کردند .

ابوالقاسم میرفندرسکی

وی یکی ازحکمای زمان شاه عباس کبیر است که طرف توجه شاه بود. میرفندرسکی مدتی درهند زندگی میکرد وی علاوه براینکه ازحکمای عصرخود بود اشعاری بفارسی سروده. ابوالقاسم میرفندرسکی درسال ۱۰۵۰ هجری دراصفهان درگذشت .

صائب تبریزی

محمدعلی صائب فرزند میرزاعبدالرحیم درسال ۱۰۱۰ هجری دراصفهان متولد شد. صائب درجوانی بهندوستان مسافرت نمود ودر آنجا مورد توجه شاه جهان قرارگرفت ومقام و منزلتی خاص یافت . وی پس از شش سال باصفهان بازگشت وبدربار شاه عباس دوم راه یافت . دیوان صائب درحدود صدوبیست هزاربیت است. وی درسال ۱۰۸۰ یا ۱۰۸۱ هجری دراصفهان وفات یافت . ودرتکیه ای که بنام خودش می باشد مدفون گردید.

صائب چون اصولا ازیك خانواده تبریزی بودکه گواینکه در اصفهان متولد شده و در همانجا زندگی کرده وی رابنام صائب تبریزی میخوانند . دیوان منقح وی درتهران بطبع رسیده وامیری فیروزکوهی شاعرمعروف مقدمه ای برآن نوشته است .

طبیب اصفهانی

میرزا نصیر طبیب اصفهانی معاصرزندیه ودر اصفهان طبابت مینمود وی صاحب ذوق و قریحه خاصی بود طبیب اصفهانی مثنوی را نیکوسروده ازقطعه های معروف اومنظومه پیروجوان است که شهرت وافردارد. وفات طبیب راسال ۱۱۹۲ هجری گویند .

هاتف اصفهانی

سیداحمد هاتف اصفهانی شاعردوره افشاریه وزندیه بود. شهرت وی بیشتر بخاطر ترجیع‌بندی است که درتوحید سروده شده ودرمیان آثار ادبی ایران بی نظیر است . دیوان وی شامل قصیده، غزل وقطعه است . هاتف در سال ۱۱۹۸ هجری مقارن تشکیل دولت قاجاریه درقم وفات نمود.

مجمر اصفهانی

وی درزواره ازنواحی اصفهان متولدشده وپس‌ازتحصیل علوم ادبی بتهران‌آمد وبوسیله نشاط بدربارفتحعلیشاه راه یافت ومورد احترام واقع شد وبلقب مجتهدالشعرا ملقب گردید. مجمردرسال ۱۱۲۵ هجری وفات یافت.

فتحعلیخان صبا

فتحعلی‌خان صبای‌کاشانی، ملك‌الشعراء دربارفتحعلیشاه بود. دیوان وی‌شامل قصیده - غزل ورباعی است وبتقلید شاهنامه فردوسی (شهنشاهنامه) را سروده که درتاریخ قاجاریه‌آورده شده است. فتحعلی‌خان، مثنوی دیگری هم بنام خداوند نامه سروده است. وی در سال ۱۲۳۸ هجری درگذشت.

نشاط اصفهانی

میرزاعبدالوهاب نشاط اصفهانی ملقب به معتمدالدوله ازشعرا وادبا وگذشته از مقام ادبی، وی ازرجال مشهوردربار فتحعلیشاه بود، نشاط درنثرونظم فارسی وعربی دست داشت. دیوان‌وی بگنجینه معروف است که علاوه برقصیده - غزل - مثنوی ورباعی شامل قطعات نثر، مراسلات، خطبه ومنشآت میباشد.

نشاط توجهی به‌تصوف داشت. وی درسال ۱۲۴۴ هجری وفات یافت.

قائم‌مقام فراهانی

میرزاابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی‌فرزند میرزابزرگ درسال ۱۱۹۳هجری قمری متولد شد. وی مردی دانشمند و مدبربود درجوانی بخدمت عباس‌میرزا نایب‌السلطنه درآمد وبعداز پدرش بوزارت عباس میرزا منصوب‌شد واز طرف فتحعلی‌شاه بقائم‌مقام ملقب‌گردید. وی سالی بخدمتگذاری محمدشاه قاجار مشغول‌بود ولی‌دراثربدگوئی درباریان فاسد بامرمحمدشاه قاجار بدست‌اسمعیل‌خان قراچه‌داغی رئیس فراشان درروز۳۰ ماه‌صفرسال ۱۲۵۱ هجری‌قمری درباغ نگارستان خفه شد وبقتل رسید. قائم‌مقام از نویسندگان وگویندگان بنام و مشهور عصر خود میباشد وی درشعرتخلص ثنائی‌میکرد. یك مثنوی ساخته‌که بنام جلایر معروف است وی علاوه برغزل ومثنوی قصاید نیکوئی‌هم ساخته است.

وصال شیرازی

میرزا شفیع شیرازی متخلص بوصال ازغزلسرایان معروف دوره قاجاریه است. وی در ساختن مثنوی‌مهارت داشت وصال‌علاوه براین‌که شاعری خوش‌ذوق بود از خوشنویسان عصرخود بشمارمیرفت. وصال‌درسال ۱۱۹۳ هجری متولدشد ودرسال ۱۲۶۲ درگذشت.

طاهره‌ی قرة‌العین

زرین‌تاج قزوینی درسال ۱۲۲۸ هجری بدنیا آمد وی دختر ملاصالح برغانی وعروس شیخ محمدتقی‌که شهیدثالث معروف بود. سیدکاظم رشتی پیشوای شیخیه بـوی لقب قرة‌العین و سید علی‌محمد باب اورا طاهره نامیده است. قرة‌العین شاعری خوش‌ذوق بود ودر میان زنان شاعرشهرت خاصی دارد. وی را درسال ۱۲۶۴ هجری‌قمری مدتی درباغ ایلخانی بجرم بابی‌گری محبوس‌وپس‌ازچندی فراش‌های عزیزخان سردارکل‌که مامورتعقیب وکشتن بابیان‌بودند دستمالی بگردن اوبستند وآنقدرکشیدند تاخفه شد وپس‌ازآن جسدش‌را بچاهی‌افکندند.

قاآنی



میرزا حبیب متخلص به‌قاآنی از مشهورترین شعرای دورهٔ قاجاریه می‌باشد. وی طبعی‌موزون وذوقی‌وافرداشت. قاآنی‌مدایحی برای‌فتحعلیشاه ومحمدشاه وناصرالدین‌شاه سروده‌است. قصایدخود را بتقلید عنصری وفرخی میسرود ودرمداحی بحدی غلو نمودکه مقام‌شعروشاعری رابی‌نهایت تنزل‌داده است. قاآنی درسال ۱۲۷۰ هجری قمری درگذشت .

فروغی بسطامی

میرزاعباس بسطامی فرزندآقاموسی درسال ۱۲۱۳ هجری‌قمری درعتبات متولدگردید ودرسنین جوانی بایران‌آمد وبخدمت فتحعلیشاه درآمد، ابتدا تخلص‌مسکین وبعدتخلص‌فروغی راازلقب فروغ‌الدوله فرزندشاهزاده شجاع‌السلطنه والی‌کرمان‌گرفت . این شاعر ازغزلسرایان دورهٔ قاجاریه ودارای ذوق عرفانی‌بود. وفات وی بسال۱۲۷۴ هجری قمری اتفاق افتاد .

سروش اصفهانی

میرزامحمدعلی‌متخلص به‌سروش‌ازمداحان ناصرالدین‌شاه بود وازطرف سلطان‌به‌شمس‌الشعرا ملقب‌گردید. سروش قصیده وغزلهای نیکی‌سروده ازوی دومثنوی بنام الهی‌نامه وساقی نامه موجود است‌که چندان شهرتی ندارد . درگذشت سروش بسال ۱۲۸۵ هجری قمری بوده است .

محمودخان صبا

محمودخان ملك‌الشعرا فرزند محمدحسین خان عندلیب واز نوادهٔ فتح علیخان صبای کاشانی بود . وی در سال ۱۲۳۸ هجری قمری در تهران متولد شد اصلا آذربایجانی بود ولی اجداد اودردوره زندیه ازآذربایجان بعراق رفتند . محمود خان دراواخر سلطنت محمدشاه سمت پیشکاری الله قلیخان ایلخانی والی‌کردستان را داشت وچون طبعی موزون وقریحه شاعری داشت بزودی مشهور شد . وی علاوه برطبع شاعری خطی خوش داشت واز هنر نقاشی و مجسمه سازی ومنبت‌کاری بهره‌کافی داشت . نمونه‌ای ازکارهای هنری وی درکاخ گلستان موجود است . محمود خان در سال ۱۳۱۱ هجری درگذشت .

ایرج میرزا

ایرج میرزا ملقب به‌جلال‌الممالك فرزند غلامحسین میرزا درسال ۱۲۹۱ هجری‌قمری درتبریزمتولدشد . درسال ۱۳۰۹ هجری قمری ناصرالدین شاه وی را بصدرالشعرا ملقب‌نمود ایرج میرزا بزبانهای روسی وترکی وفرانسه آشنائی داشت . وی ازبزرگترین شعرای معاصر بشمارمیرود . ایرج میرزا درسال ۱۳۴۴ هجری قمری بسکته قلبی درگذشت واورا درکنار قبرظهیرالدوله دفن نمودند .

ادیب الممالک فراهانی

میرزا صادق حکیم درسال ۱۲۷۷ هجری قمری متولد شد. وی ابتدا بامیرالشعرا و سپس بادیب الممالک ملقب گردید. ادیب مدتی روزنامه ادب را درتبریز منتشر می‌نمود. پدرادیب الممالک حاجی میرزا حسین متخلص بمحیط است. ادیب الممالک درسال ۱۳۳۶ وفات نمود.

نورعلیشاه

محمدعلی ملقب بنورعلیشاه فرزند عبدالحسین فیض علیشاه دراصفهان بدنیا آمد ولی اصلش ازیکی ازقراء تون وطبس می‌باشد نورعلیشاه وپدرش هردوارادتی خاص بعلیشاه دکنی داشتند از آثارمهم نورعلیشاه رساله جامع الاسرار، اصول وفروغ، تفسیرسوره بقره بنظم کشیده است گویند وی‌را همسری بودکه حیاتی شهرت داشته واسمش بی‌بی‌جان بوده حیاتی دارای طبعی موزون بوده ومضامین عرفانی رابرشته نظم کشیده، ازوی قریب ده‌هزاربیت شعربیادگار مانده که تمام مشتمل برمطالب عرفانی است. نورعلیشاه درسال ۱۲۱۲ هجری قمری درموصل وفات نمود ولی بعضی نوشته‌اند که وی‌را درهمین سال بقتل رسانده‌اند.

میرزاده عشقی

سیدمحمدرضافرزندابوالقاسم کردستانی درتاریخ دوازدهم جمادی الاخرسال ۱۳۱۲ هجری قمری مطابق ۱۲۷۲ خورشیدی درشهرهمدان متولدشد. وی درکودکی همانندکودکان دیگرآنروز بمکتب خانه میرفت وچون بسن هفت سالگی رسید ابتدادرآموزشگاه الفت وسپس درمدرسه الیانس تحصیل زبان فارسی وفرانسه نمود. عشقی بعلت افکارتندوشاعرانه در۱۵ سالگی ترك تحصیل کرد. وی دراوائل جنك بین الملل اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) درهمدان بود ودرآن زمان ازهـواخواهان عثمانیها بود وبهمین دلیل باچندهزارمهاجرایرانی باستانبول رفت ودرآنجادرشعبه علوم اجتماعی وفلسفه دردارالفنون بطورمستمع آزادشرکت میکرد، دراستانبول اپرای رستاخیزشهریاران ایران رانوشت، مشاهده ویرانه‌های مدائن شاعرجوان راسخت تهییج نمود ودرنتیجه این هیجان منظومه زیبای رستاخیزشهریاران ایران بوجودآمد. وی درسال ۱۳۳۳ هجری قمری (نوروزی نامه) رادر استانبول سرود، عشقی پس ازچندسال اقامت دراستانبول بهمدان وازآنجا بتهران بازگشت وی چند سال آخرعمررا درتهران بسربرد وقطعه (کفن سیاه) که دردفاع اززنان ایران ساخته شده ومسمط (ایدال مردده‌گان) راسرود. عشقی شاعری آزادیخواه بودوبالاخره هم بخاطرهمین افکارآزادیخواهانه درتیرماه ۱۳۰۳ خورشیدی بقتل رسید. وی علاوه برذوق شاعری پیس نویسی قابل بود.

عارف قزوینی

ابوالقاسم قزوینی متخلص بعارف فرزندملاهادی درسال ۱۳۰۰ هجری قمری درقزوین متولد شد. وی معاصربا ایرج میرزا وباوی دوستی ورفاقت داشت عارف درسرودن تصنیف استاد بود. وی درسال ۱۳۱۲ خورشیدی درهمدان وفات یافت.

شیخ الرئیس قاجار

ابوالحسین میرزا شیخ الرئیس قاجارمتخلص به(حیرت) فرزند شاهزاده محمدتقی میرزا ملقب بحسام السلطنه درسال ۱۲۶۴ هجری قمری درتبریز بدنیا آمده وی ازدانشمندان عصرخـود بودشعرنیکومیسرود ودرسخنوری ونثرنویسی مهارتی بسزاداشت، دیـوان شیخ الرئیس دربمبئی بچاپ رسید. وفاتش بسال ۱۳۳۶ هجری قمری اتفاق افتاد.

فرخی یزدی

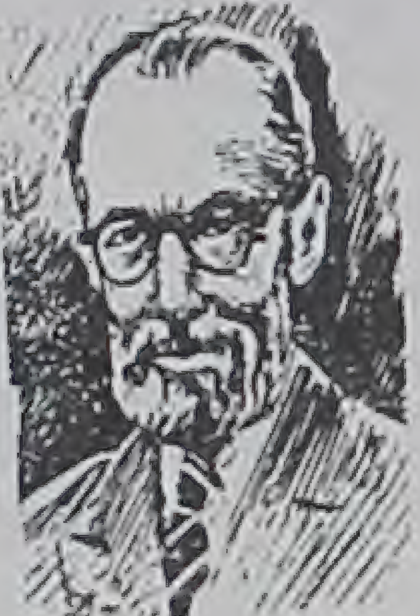
محمدفرخی‌یزدی فرزندمحمدابراهیم درسال ۱۳۰۶ هجری‌قمری دریزدمتولدشد وی در دوره‌هفتم‌تقنینیه ازطرف‌اهالی‌یزد بنمایندگی‌مجلس‌شورای‌ملی انتخاب‌شد. فرخی‌درسال ۱۳۴۰ هجری‌قمری روزنامه طوفان‌را منتشرنمود. وی‌شاعری‌خوش قریحه‌بود، اشعارش غالباً دارای اثر خاصی‌است . فرخی‌درسال ۱۳۱۸ خورشیدی وفات یافت .

پروین اعتصامی



پروین‌اعتصامی‌دختریوسف‌اعتصامی‌آشتیانی (اعتصام‌الملک) درسال ۱۲۸۵ خورشیدی درتبریزمتولدشد. وی‌تحصیلات خودرادر کالج‌آمریکائی دختران‌بپایان رسانید. پروین‌را میتوان بزرگترین زن‌شاعر ایران واز معروفترین وخوش‌قریحه‌ترین شعرای تاریخ ادبیات‌ایرانی‌نامید. گرچه عمرکوتاهی‌داشت ولی‌درهمین‌مدت‌کوتاه پس‌ازطبع دیوانش‌شهرتی‌وافریافت وی‌درفروردین ماه‌سال ۱۳۲۰ بمرض‌تیفوس مبتلاشد ودرگذشت .

ملک‌الشعرای بهار



محمدتقی‌بهار (ملک‌الشعرا) فرزندحاجی‌میرزا محمدکاظم صبوری درسال ۱۲۶۵ خورشیدی‌درمشهد متولدشد وی‌ازبزرگترین شعرای‌زبان‌فارسی‌معاصرایران است. بهارچند دوره نماینده مجلس شورای‌ملی‌وسالهای‌متمادی‌استاددانشگاه‌تهران‌بود. درکابینه‌مرحوم قوام‌السلطنه وزارت فرهنگ رابعهده داشت. درگذشت وی در سال ۱۳۳۱ اتفاق افتاد

عباس‌اقبال

دقت‌نظر، تتبع‌عمیق، شیوائی‌بیان وصحت مطالب صفت‌بارزآثار عباس‌اقبال میباشد. وی درسال ۱۳۱۴ قمری درآشتیان بدنیاآمده وچندسال ازعهدکودکی خویشرا بدرودگری اشتغال داشته‌است وپس‌ازاینکه بمکتب‌خانه رفت‌دراثرکوشش وپشتکارخودرا بـدارالفنون رساند دورهٔ متوسط راباپایان‌آورد ودرهمان مدرسه بتدریس‌زبان فارسی‌پرداخت. درسال ۱۳۰۴ بسمت منشی هیأت‌نظامی ایران بپاریس‌رفت ودراینـدوره ازدانشگاه «سربن» درجهٔ‌لیسانس‌درادبیات راگرفت شهرت نویسندگی‌اقبال‌بانشرمقالات تاریخی‌ادبی دردومجلهٔ دانشکده وفروغ تربیت‌شروع‌شد پس ازبازگشت ازاروپا باستادی دانشگاه برگزیده‌شد ودر فرهنگستان ایران ازاعضاء دائمی بود. تصحیح‌وتألیف‌کتبی باارزش‌که وسیلهٔ‌وی صورت‌گرفت اقبال را درشمار نامی‌ترین و فاضلترین دانشمندان ایران قرارداد. درسال ۱۳۲۲ مجلهٔ یادگاررا نشر دادکه پنجسال ادامه یافت ونیز بتأسیس‌انجمن نشرآثارایران مبادرت ورزیدکه نشرکتب‌مهم ومفیدفارسی‌را منظورنظرداشت. وی تأهل‌اختیارنکرد وچند سال‌آخرعمرسمت نمایندهٔ‌فرهنگی ایران درکشورهای ترکیه‌وایتالیا را

داشت وسرانجام درروز بیست‌ویکم بهمن‌سال۱۳۳۴ درسن‌پنجاه سالگی‌درشهررم زندگی‌رابدرود گفت ازآثارتحقیقی باارزش‌وفراوان اوکتابهای زیرمیباشد،

تاریخ‌مغول، خاندان‌نوبختی، شرح‌حال ابن‌مقفع، کلیات تاریخ‌تمدن جدید،وزارت درعهد سلاجقه، مطالعاتی‌درباره بحرین‌وجزایروسواحل خلیج‌فارس، میــرزاتقیخان امیرکبیر، طبقات سلاطین‌اسلام،سه‌سالدردربارایران،مأموریت‌ژنرال‌گاردان‌درایران، حدائق‌السحر، تجارب‌السلف، دیوان امیرمعزی، لغت‌فرس‌اسدی، تاریخ طبرستان، تاریخ‌نو، مجمع‌التواریخ، سمط‌العلی، تبصرة العلوم بیان‌الادیان، دیوان عبیدزاکانی.

فروغی

دانش‌وسیع واطلاعـات عمیق‌سیاسی فروغی‌را درامور دارای متانت‌واستواری خاص‌کرده بوده‌که‌ازاین‌جهت ممتازبود. محمدعلی‌فروغی‌ملقب بذکاءالملك در۱۲۵۷ خورشیدی تولدیافت وی‌فرزند میرزامحمدحسین فروغی پسرآقا محمد مهدی ارباب اصفهانی و از پرورش یافتگان مشروطیت است. بوکالت وریاست مجلس‌شورایملی وریاست‌دیوانعالی تمیز وچند نوبت بوزارت نائل‌گردید وسه‌مرتبه نخست‌وزیرشد. یکباردر۲۸آذر ۱۳۰۴ تاخرداد۱۳۰۵ وباردوم از۲۶ شهریور۱۳۲۰ دردورهٔ اخیرکه ایران دراشغال قوای‌متفقین‌بود باآنان قرارداد معروف سه‌جانبه راامضاءکردوخدمتی‌شایان درجنگ ضدفاشیسم انجام‌داد. وی‌درسال۱۹۲۹ درمجمع‌اتفاق ملل‌که درژنوتشکیل‌گردید ازطرف دولت‌ایران سمت نمایندگی داشت وبریاست مجمع انتخاب شدفروغی‌مردی داناوبصیرباوضاع بود، بزبانهای فرانسه وعربی‌تسلط کامـل داشت‌آثار بسیار تألیف وترجمه‌کرده‌است‌که میتوان‌ازآنجمله، سیرحکمت‌دراروپا، حکمت‌سقراط، آئین‌سخنوری فن‌سماع طبیعی، تصحیح‌کلیات سعدی، زبدهٔ‌دیوان‌حافظ ورباعیات خیام رانام‌برد. فروغی،ادیب، سیاستمدار، محقق ودانشمند شایسته‌ای بشمارمیرود در۵ آذر۱۳۲۱درگذشت ودرابن‌بابویه در مقبرهٔ خانوادگی بخاك سپرده شد.

سعیدنفیسی

بیش‌ازچهل سال‌است‌که هرکس اهل مطالعه وتحقیق‌است بانام سعیدنفیسی‌آشنا می‌باشد استادنفیسی‌در۱۸ خرداد۱۲۷۴ درتهران متولد شد. وی‌فرزندعلی‌اکبر ناظم‌الاطباءکه ازاولاد حکیم برهان‌الدین نفیسی مؤلف شرح اسباب بوده است میباشد نفیسی پس ازاتمـام دورهٔ اول متوسطه برای تحصیل عازم اروپاشد ودر۱۲۹۷ بایران بازگشت. ابتدا در وزارت فوائد عامه واردخدمت شدوپس‌ازطی‌مقامات مختلف در۱۳۰۸ بخدمت وزارت فرهنگ‌درآمد ودردانشکدهٔ حقوق‌ودانشکدهٔ ادبیات بتعلیم ادبیات وتاریخ اشتغال ورزید. وی ازاعضاء پیوسته فرهنگستان ایران بود در بسیاری از مؤسسات فرهنگی و دانشگاههای کشورهای اروپائی و آسیائی سمت عضویت واستادی داشت . سفرهای بسیارکه برای شرکت درجشنها ومــراسم فرهنگی وایــراد کنفرانسها وتعلیم ادبیات فارسی‌بممالك مختلف‌کرده شهرتی‌فراوان برای ایشان فراهم ساخته است. پرکاری وکثرت تألیفات نفیسی مشهورهمگان است. تسلط وآشنائی بزبانهای خارجی ، علاقهٔ‌فراوان بکتاب،تشکیل‌کتابخانهٔ شخصی‌کم‌نظیرومطالعات عمیق‌ومداوم‌ویرا دارای‌اطلاعات ومعلومات فراوان در رشته‌های ادبی و تاریخ‌کرد . استاد سعید نفیسی در رشته هـای مختلف نویسندگی ، تحقیق ، تاریخ ، شعرولغت‌آثاری بوجود آوردکه بسیاری از آنها در نوع خود از بدیعترین‌نمونه‌ها می‌باشد نفیسی‌درمسائل اجتماعی و هوا داری ازافکار مترقی ازبیش آهنگان ایران معاصرمی‌باشد. خدمات اجتماعی‌وادبی‌ایشان هیچگاه فراموش‌ایرانیان نمیشود. از نوشته های دیگر او ماه‌نخشب ، فرنگیس ، بابك خرم‌دین و ... را می‌توان نام برد . **روانش شاد**

صوراسرافیل

درسال۱۲۹۲هجری‌قمری درشیرازمتولد شدکودك بودکـه پدرش معروف بآقارجبعلی

درگذشت. پنجساله بودکه با بزرگان خانواده بتهران رفت ودرچهارده سالگی بشیراز بازگشت و بااینکه درمنتهای تنگدستی زندگی میکرد دست از تحصیل علم نکشید ودرسال ۱۳۱۱ که مجدداً بتهران رفت دردارالفنون بتحصیل علوم جدیدهمت گماشت تااینکه ازدانشمندان سرشناس شد. در این هنگام برای مقابله باحکومت استبدادی وفساددستگاه دولتی بکمك همفکران خودروزنامهٔ صوراسرافیل راانتشار داد. این روزنامه که نخستین شماره‌اش ۵شنبه ۱۷ربیع‌الاخر ۱۳۲۵ و شماره ۳۲آن که آخرین شماره‌بود روزشنبه۲۰ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ هجری قمری منتشر گردید بجزاینکه دربیداری مردم تأثیر بسزائی‌داشت ازلحاظ ساده‌نویسی وادبی‌دارای ارزش‌بسیاربود. مجاهدت واستقامت جهانگیرخان صوراسرافیل‌وهمکارانش دراداره این‌روزنامه ومقابله‌باموانعی که دستگاه دولتی‌وعالم نمایان ظاهرپرست درراه‌آن ایجادمی کردند درخوربسی تکریم و بزرگداشت است.

فعالیت جهانگیرخان در راه بیداری مردم وجریان انقلاب مشروطه منحصر بانتشار صوراسرافیل نبود. وی درتشکیل انجمنهای سری وعلنی واعمال دیگر انقلابی پیشقدم وکوشا بودولحظه‌ای ازخدمت بوطن‌وجریان انقلاب بازنمی‌ایستاد وبهمین‌دلیل موردکینهٔ دشمنان ملت بودوپس‌ازبمباران مجلس درباغشاه بدستورمحمدعلی‌شاه درچهارشنبه سوم‌تیرماه ۱۳۲۶ درکمال سربلندی وبدون ذره‌ای عجزوترس بشهادت رسید.

دهخدا

بسال۱۲۹۷ درتهران زاده شد. پدرش‌خانباباخان قزوینی‌بود، دهخدا ازمحضر استادان شایسته‌ای چون محمدحسین فروغی ونجم‌آبادی برخوردارشد. دوسال را دراروپا بسربرد ودر آغازجنبش مشروطه خواهی بایران بازگشت وباهمکاری جهانگیرخان روزنامهٔ صوراسرافیل‌را بنیادگذاشت همینکه مجلس‌شورا ازطرف محمدعلی‌شاه برچیده‌شد دهخدا هم در اروپا ومدتی‌را درفرانسه وسوئیس بکارمطبوعات پرداخت. پس‌ازغلبه مجاهدان و خلع محمد علیشاه دهخدا از تهران وکرمان بنمایندگی مجلس شورایملی انتخاب‌گشت.

درپایان جنگ اول‌جهانی ازاموسیاسی کناره‌گرفت وکمربه‌کارهای فرهنگی‌بست. یك چند راهم ریاست مدرسهٔ علوم سیاسی وحقوق را دارا بود، دهخدا نویسنده‌ای دانشمند وشاعری توانا بود. آثار دهخدا جنبهٔ انتقادی دارد.

نثرش ازشاهکارهای فارسی نویسی است. دهخدا ازمبتکران ساده نویسی است واز بکار بستن کلماتی‌که زبانزد عام است پروا نداشت. ازتمثیلات فارسی کتابی در۴ جلد بنام امثال و حکم تدوین کردکه ارج فراوان دارد.

چندیوان عمده ازشاعران قدیم را تصحیح کرد (ناصرخسرو ــ سعدسلمان ـ فرخی ــ منوچهری ...)که تاکنون چاپ نشده است بخشی از اشعارش‌که در دیوانی نشریافته است از اشعارفارسی ودارای مضامین بکراست. دهخداکوشش‌عظیمی‌که باهمت خارق‌العاده صرف‌تصنیف دوره لغت‌نامه کردگواه‌آنست‌که این‌مردشگرف تاچه اندازه بزبان پارسی‌وملت ایران‌دلبستگی داشت در۷۸ سالگی در تهران درگذشت.

احمد کسروی

احمدکسروی مورخ و نویسنده مبارز بسال ۱۲۶۹ در تبریز بدنیا آمد از کودکی بر زبانهای فارسی‌وعربی دست یافت وافکاری نو بمردم عرضه‌کرد. بااهل فضل‌نشست ، ودردنیای کتاب زیست، ازهمان سال ۱۲۸۵ باجنبش مشروطه همداستان شد. پیوسته شاهد ماجراهای انقلابی وضدانقلابی وقحطی وبیماری وکشت وکشتاربود.

همواره نسبت بمردم دلسوز وراهنمای‌آنها بود. شمال وشرق و غرب ایران را دید و

سفری بقفقاو وعراق کرد. دررستاخیز خیابانی بااوهم‌آوازشد ولی درپایان ازاو دوری جست.

مجله‌پیمان‌وروز نامه پرچم‌را رامنتشر کرد«تاریخ‌مشروطه»،«تاریخ۱۸ساله آذربایجان»، «شهریاران‌گمنام»«زندگی‌من» و«ده‌سال‌درعدلیه» باب تاریخ نویسی‌علمی‌و«اتوبیوگرافی» را در زبان فارسی بازکرد.

کسروی باکتابهای بسیاری‌که درمسائل دینی واجتماعی نوشت‌گام بزرگی دربازکردن ذهن خوانندگان فارسی زبان برداشت.

کسروی درنگارش‌کوشش داشت‌کلمات عربی بکارنبرد. عاقبت درسال ۱۳۲۴ درتهران درداد‌گاه مورد هجوم مردمان متعصب قرارگرفت وباکارد وگلوله ازپای درآمد.

کلنل محمدتقیخان پسیان

از ترقیخواهان بزرگ‌ایرانست. بسال ۱۳۰۹ قمری در تبریز در یك خانواده مهاجر ایرانی بدنیا آمد. مدرسه نظام را درتهران تمام‌کرد. درقزوین باکردان ودربروجرد بالرها پیکارکرد وزخم برداشت، زمانی درجنگ اول‌جهانی، درمصلای همدان، جلونیروهای تزاری، پایداری‌کرد. در۲۵ سالگی بادرجه یاوری بآلمان رفت ودر نیروی هوائی و زمینی بتحصیل پرداخت. چون بایران رسید بفرماندهی ژاندارمری خراسان منصوب شد، درآنجا بکار مردم واصلاح امور دلسوزی نشان میداد.

پسیان علاقمند بود ریشه اریستوکراسی و ارتجاع راازایران بـرکند قوام‌السلطنه را دستگیر‌کرد وبتهران فرستاد. وچون قوام بنخست وزیری رسید پسیان ناگزیر با حکـومت تهران بمخالفت برخاست وبوعده‌های‌کنسول انگلیس‌گردن ننهاد.

قیام‌کلنل‌چندماه بیش‌نپائید وبتحریك‌کامروایان وخانها ازپای درآمد‌کلنل درجنگهای تپه‌های قوچان زخمی‌شد. عشایرغارتگر سرش راازپس بریدند وآخرین جنبش آزادیخواهانه آن ایام باقتل اوخاموش شد (میزان ۱۳۰۰) آرامگاهش درکنار نادراست.

سیدحسن مدرس

مدرس بسال ۱۲۴۶ درقریه سرابه‌کچو ازتوابع اردستان بوجودآمد در۶ سالگی بقمشه ودر۱۶ سالگی باصفهان رفت.

۱۳سال را بتحصیل فقه واصول وعلوم معقول‌گـذرانید پس ازجنبش تنباکوکـه مبنای انقلاب مشروطه ایران‌بود بعتبات رفت و۷سال درآنجابسربرد وچون باصفهان بازگشت‌بتدریس علوم دینی پرداخت. ازآنجاکه مردی وطن‌پرست و بی‌پروا بـود روزی در مـدرسه اصفهان دشمنانش باوحمله وچهارتیر بطرف اوشلیك کردند.

دردوران انقلاب وجنگ جهانی‌اول دوسال باتفاق مجاهدان ایرانی مهاجرت کرد. پس ازشکست استبداد وپیدایش‌مجلس پی‌درپی بنمایندگی‌رسید ودرضمن درمسجد سپهسالاربتدریس اشتغال داشت.

نطقهای مدرس درمجلس علیه قـراردادهای تحمیلی بیگـانگان چنان موجب بیداری مردم بودکه دردوره ششم ازتهران نماینده اول شد.

درآبان ۱۳۰۵ پشت دیوارمسجد سپهسالار هدف۱۰ تیراندازقرارگرفت و۴تیرخورد. سرانجام بخراسان تبعید شد وپس از۱۱ سال درهمانجا بقتل‌رسید. عمرش ۶۱ سال‌بود.

صادق هدایت

بسال۱۲۸۱ درتهران زاده شد. پس‌از تحصیلات متوسطه بدانشکده علوم پاریس رفت ولی رشته مهندسی رارهاکرد ودر دانشکده ادبیات بآموختن زبانهای‌کهن سانسکریت و پهلوی پرداخت.

نویسندگی راازسال ۱۳۰۶ درپاریس آغاز کرد ؛ (افسانهآفرینش) وکتابهان زنده‌بگور، اوسانه، نیرنکستان، سه‌قطره خون وسایه‌روشن راتاسال ۱۳۱۲ نوشت. بوف‌کور وسفرنامه‌های اصفهان وجاده نمناك نیزیادگار همین سالهاست .

هدایت درسال ۱۳۱۵ ازتهران بهندرفت ودربمبئی یکسال را به غـور درزبان پهلوی کوشید. ازسال ۱۳۲۰ هدایت دوباره بفعالیت ادبی‌افتاد وسگ ولگرد، ولنگاری، حاجی‌آقا، آب‌زندگی... را تصنیف کرد. علاوه براین هدایت ترجمه‌هائی از پهلوی وفرانسه وتتبعاتی در خیام وآثار فولکلور زبان فارسی وچند نمایشنامه دارد. جمع‌آثارش به۲۹ کتاب میرسد.

صادق‌هدایت نویسنده‌ای دانشمند ومطلع ونوآور وتوانا بود. مردم دوست، آزاده ، و صورتی ازعشق وآرزوبود . هنراصلی اودرنوشتن داستانهان کوتاه است که درزبان فارسی بی‌سابقه بوده است . پاره‌ای ازاین حکایات نمونـه زیباترین وعالیترین آثارادب فارسی است که بزبانهای مختلف ترجمه‌شده است تاکنون نویسنده‌ای بسان‌اونتوانسته است روح‌وآداب وسرشت افراد این سرزمین را بیان‌کند .

هدایت زبانهای عربی، فرانسه، پهلوی وانگلیسی‌را نیکومیدانست. زندگی را باکار در ادارات دولتی تامین میکرد. تاپایان عمرازدواج نکرد ودر زمستان سال ۱۳۲۹ بپاریس رفت ودد۴۸ سالگی خودرا کشت (فروردین ۱۳۳۰).

کمال‌الدین بهزاد

سال ۱۴۵۰ میلادی متولدشده درآنعهد بایسنقر پسرشاهرخ که پادشاهی هنرپرور بود بتشویق هنرمندان وشعرا میپرداخت وپس‌ازاو سلطان حسین بایقرا ووزیر شاعرش میرعلی‌شیر بیش ازپیش بتشویق اهل‌هنرپرداختند بهزاد تـاسال ۱۵۰۶ که سلطان حسین حیات داشت در نگارستان هرات بتربیت شاگردان میکوشید . سپس بدعوت شاه اسمعیل صفوی بااعزازبسیار راه تبریزپیش‌گرفت وکتابدارخاص شاه‌گشت. بهزاد دراینجا نیز تـا پایان عمر بکار پرورش شاگران میپرداخت چندانکه درسراسر دنیای‌آنروز آوازهٔ هنرش پیچید .

کیفیت عمده مینیاتورهای بهزادآنستکه مینیاتوررا ازحالت چینی بیرون بردورنگهای لطیف وخوشنمازد ودقت وریزه‌کاری فراوان بکاربست. حرکات سردوچهره‌های بیروح عهدمغول را جبران‌کرد وتحولی درنقاشی پدیدآورد .

بهزاد بواقع پایه‌گذار نقاشی دوران صفوی است. از معروفترین آثارش مسموعه تاریخ تیمور (۱۴۶۸) درموزه امریکا ، ونقـاشیهای بوستان سعدی (۱۴۷۷ درکتابخانـه قاهره، و تصاویر لیلی ومجنون‌که ازکارهای آخری بهزاد است درموزه ارمیتاژلنینگراد باقیست.)

استاد بهزاد سیداحمد (وبروایتی میرزاعلی) تبریزی بوده است . وفات بهـزاد بسال ۱۵۲۰ بود .

حسین‌بهزاد استاد مینیاتورایران

استاد حسین بهزاد درسال ۱۲۷۳ شمسی درتهران پابعـرصه وجود نهاد پدرش میرزا افضل‌الله شیرازی نقاش وقلمدانسازبود . بهزاد درسن ۷ سالگی نزد مرحوم ملاعلی قلمدانساز درمجمع‌الصنایع‌که «تیمچه‌ای بهمین نام درمحل‌گلوبندك فعلی» بکار شاگردی پرداخت . طولی نکشیدکه پدرواستاد وی هردو بمرض وبا درگذشتند . پس‌ازآن نزد میرزا حسین پیکرنگـار بزرگترین شاگرد مرحـوم ملاعلی ۱۲سال بشاگـردی مشغول ودرسن ۱۸ سـالگی با تأسیس کارگاهی مستقلا بکار اشتغال ورزید .

بهزاد درسال ۱۳۱۴ بفرانسه رفت و درآثـار هنرمندان بزرگ درموزه های‌آن‌کشور مطالعات فراوان نمود وبعدازمراجعت بمیهن سبکی‌بوجودآورد‌که درعین مطابقت وهم‌آهنگی

باهنرامروزه اصالت ایرانی‌را نیزمحفوظ داشته است . بهزاد در سال ۱۳۳۵ بدعوت دولت فرانسه برای نمایش آثارخودبآن کشور مسافرت کرد و بعدازمراجعت بدعوت‌دولت چکوسلواکی بکشور مزبور وازآنجا به‌لهستان سفر کرد. درکشورهای مزبورآثار او مورد استقبال شایان و موردتوجه فراوان قرارگرفت. درکشورامریکانیزدوبارآثاراستاد بمعرض‌نمایش گذارده شد.

استادبهزادبحقیقت یکی‌ازمفاخربزرگ هنری ایران است. دراهمیت مقام‌وی هنرمندان مشهور خارجی‌زبان بتعریف گشاده‌اند وبتحقیق بایدگفت که بعدازکمال‌الدین‌بهزاد نقاش مشهور معاصردوره سلطان حسین بایقـرا استادی مانند حسین‌بهزاد درکشورما بوجود نیامده است.

میرزا تقی‌خان امیر کبیر



نویسنده ومملکت‌داربرجستهٔ دوران قاجاریه است ، در ۱۲۲۰ـ۱۲۲۲ درهـزاوهٔ فـراهان اراك بدنیاآمد ، در۱۲۵۰ بمقام وزارت نظام‌آذربایجان وبسال ۱۲۶۴ هنگام جلوس ناصرالدین شاه به‌لقب «امیرنظام» وسپس «امیرکبیراتابك اعظم» نائل‌آمد وازـ۱۲۶۴ـ۱۲۶۸ مقام صدارت داشت .

مردی فرزانه، زیرك، کاردان، و اهل مطالعه وقلم‌بود ، درکشورداری پاکدامن ، سختگیرومنصف وخوش قول وبفرنگی‌هـا بدبین بود ، در زبانهای عربی‌وروسی وترکی‌دست داشت . بروشن‌شدن رابطهٔ ایران‌وروس درمذاکرات پترزبورك وایروان درسال های ۱۲۴۵و۱۲۵۳ بادرایت خودکمك‌کرد و هم‌چنین پس‌از پنجسال صرف وقت و تحمل خطرمرگ در ارز روم روابط ایران وعثمانی را طی قراردادی معین ساخت .

مشاهیر جهان

آدنائر، کنراد



سیاستمدار آلمانی متولد ۱۸۷۶. فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌های فرایبورگ مونیخ و بن در رشته‌های حقوق و اقتصاد. در سال ۱۹۳۳ عنوان شهردار رابدست‌آورد ـ درسال ۱۹۳۴ الی ۱۹۴۴ زندانی‌شد ودرسال ۱۹۴۵ مجدداً بسمت شهرداربر گزیده گردید. بدنبال این سمتها مشاغل زیررا دارابوده است:

عضومؤسس حزب دمکرات مسیحی راین ۱۹۴۵ ـ رئیس حزب دمکرات مسیحی در منطقه اشغالی بریتانیا ۱۹۴۶ ـ عضو شورای مشورتی منطقه اشغالی بریتانیا ـ ۴۹ ـ ۱۹۴۶ ـ رهبر حزب دمکرات مسیحی در شورای راین ـ صدراعظم دولت‌فدرال ۱۹۴۹ (درسالهای ۱۹۴۵، ۱۹۵۳، ۱۹۶۱ مجدداً باین سمت انتخاب شد). ابدا کناررفت.

آرمسترانگ، لوئی

موسیقیدان وخواننده‌امریکائی متولدسال ۱۹۰۰ درنیوارلئان. درسال ۱۹۱۷ بادیزی پارکرازدواج نمود درسال ۱۹۲۴ برای باردوم‌ازدواج نمود وسومین ازدواج وی درسال ۱۹۴۲ بازنی بنام لوسیل انجام یافت.

لوئی باسازهای کلاینت وترمپت آشنائی کامل دارد وازسال ۱۹۱۷ به‌کار خوانندگی و آهنگسازی ورهبری‌ارکستر پرداخته است. وی به اکثر کشورها سفرنموده و کنسرت داده‌است. ازآهنگهائی که وی تابحال ساخته وخودآنرا خوانده است میتوان:

«دیشب درکجا ماندی» «اگردیگرهمدیگررا ملاقات نکنیم»

«قلبی پراز‌احساس دارم» رانام برد.

لوئی درفیلمهائی نیزظاهر شده است‌مثل:

«هرروزیك یك‌تعطیل است» «کابینی درآسمان»

«داستان گلن میلر» ازآن جمله‌اند. وی تا بحال ۱۵۰۰ صفحه ازآوازها وسازخود پرنموده است.

اپنهایمر

رابرت اپنهایمر، در ۱۹۰۴ در نیویورك بدنیا آمد، در ابتدائی جوانی با تهیه رساله‌ای در مورد انوار مغناطیسی‌استادانش را در اعجاب فروبرد. در دوازده سالگی جوان‌ترین عضو معدن شناسان نیویوك بود و جوانترین عضو بعد از اوشصت سال داشت. وی در دانشگاه معروف هاروارد، دوره چهارساله را سه ساله به‌پایان رساند ودر سال ۱۹۲۵ درحالیکه درکلیه دروس سرآمد دیگران بود فارغ التحصیل گردید و سپس بآرزوئی که اکثر جوانان دارند، یعنی تحصیل در کمبریج رسید. وی‌درحالیکه بیش‌از ۲۵ سال نداشت به مقام‌پرفسوری نایل گردید. در مارس ۱۹۴۲ سرپرستی تحقیقات‌وزارت جنگ امریکارا درلس آنجلس بعهده

گرفت وازسال ۱۹۴۷ مدیر انجمن مطالعات عالی پرینستون که بودجه هنگفتی داشت ومخصوص ایجاد تماس واجتماع مغزهای متفکری چون انیشتین ، بوهر و الوت بود گردید وی سازنده واقعی بمب اتمی است در سال ۱۹۴۵ وقتی باو خبر رسید که اولین بمب اتمی امریکا وحشیانه در هیروشیما منفجر شده است از فرط پریشانی بیمار شد . وی در این زمان گفت فیزیکدانان به منبعی دست یافته اند که مشحون ازگناه وشراست ورهائی از آن غیر ممکن مینماید . مطالعات پیش از جنگ دوم اوپیرامون اتم وتئوری «کوانتوم» راه را برای خرد کردن اتم باز کرد . در بحبوحه جنگ دوم وی دررأس آزمایشگاههای اتمی امریکا شخصاً سه بمب اتمی اولیه را بوجود آورد .

اپنهایمر پس از چندی در برابره کنگره امریکا اظهار داشت که انرژی اتمی باید انقلابی در زمینه امور عمرانی بشر فراهم سازد نه آنکه دنیا را ویران سازد ! متعاقب آن از مؤسسه تحقیقات اتمی امریکا استعفا داد وبرای تبلیغ نظریات صلح جویانه خویش رهسپار اروپا شدودر آنجا ازطرف **لردبرتراندراسل**، انیشتین وبوهروکلیه علمای معروف طی اعلامیه هائی تأئیدشد. تنها اثر وی (فکرباز) نام دارد .

آقاخان، پرنس کریم

رهبر مسلمانان اسماعیلی ـ متولد ۱۹۳۶ . فارغ التحصیل ازدانشگاههای سروزی (سوئیس) وهروارد (امریکا) . در سال ۱۹۵۷ عنوان رهبری فرقه اسماعیلیه را کسب کرد ودر سال ۱۹۵۸ لقب چهل وپنجمین امام این گروه را در کراچی باو تفویض کردند .

الوار ، پل

پل الوار در سال **۱۸۹۵** در «**سن دنی**» بدنیا آمد . پس از پایان جنگ بین المللی اول بجمع طرفداران نهضت **سوررئالیسم** که بانی آن «**آندره برتون**» بود پیوست ودر اینجا بود که با «**لوئی آراگون**» شاعر معروف فرانسوی آشنا گردید . پس از اینکه اعضاء طرفدار این نهضت باهم اختلاف پیدا کردند وخود را ازمجمع بیرون کشیدند او نیز از انجمن سوررئالیستها جدا گردید ومانند آراگون که قبل از اوبکمونیستها پیوسته بود بحزب کمونیست فرانسه ملحق شد . در طی جنگ دوم جهانی **الوار** وآراگون در رأس شاعرانی بودند که دلیرانه برای حفظ وطن خود باآلمانها میجنگیدند واشعار خود را بعنوان سلاحی در مبارزه با آلمانها بکار میبردند .

پل الوار با اینکه از نهضت سوررئالیستها کناره گرفته بودولی هرگز از شیوهٔ شعر سوررئالیسم روی نکرداند . وی بسال **۱۹۶۲** در شهر **پاریس** درگذشت . مجموعهٔ اشعار او به ترتیب عبارتند از ، **پایتخت درد ، زندگی بیدرنگ ، گل برای همه و جریان طبیعی .**

ایروین شاو

«**ایروین شاو**» نویسندهٔ معاصر آمریکائی در سال **۱۹۱۳** متولد گردید . پس ازتحصیلات مقدماتی بکالج «**بروکلین**» واردگردید وازآنجا نیز فارغ التحصیل شد .

مدتی در رادیو بعنوان گوینده ونویسنده کار کرد و جنگ جهانی دوم در ارتش آمریکا بخدمت پرداخت ودرجنگلهای آفریقا واروپا بنفع متفقین به نبرد پرداخت وپس ازاتمام جنگ و بازگشت به ایالات متحده همکاری خویش را باروزنامه ها ومجلات آغاز کرد .

در همین مدت کار نویسندگی خویش را نیز دنبال نمود. آثار زیادی ازخودمنتشرساخت که مهمترین آنها عبارتنداز «**برگشت بشادی**» «**مرده ها رادفن کنید**» «**شیرهای جوان**» «**بشهر خوش آمدید**» «**هوای طولانی**» «**مردم بی سروصدا**» «**پسران ونظامیان**» «**محاصره**» و **دوهفته در شهر بیگانه**» .

ضمناً ایروین شاو یکی از برجسته ترین سناریست های سینمائی نیز هست . اواکثر آثار

خود را منجمله شیرهای جوان و دو هفته در شهربیگانه را بصورت سناریو درآورد که اولی در سال ۱۹۵۸ در کمپانی فوکس قرن بیستم ودومی در سال ۱۹۶۰ در کمپانی متروگلدوین مایر بصورت فیلم درآمد . ایروین‌شاو در سال ۱۹۵۶ رومان پیك نیك را بصورت سناریودرآورد که در همان سال درکمپانی ساخته شد .

آیزنهاور ، دوایت دیوید



رئیس جمهور سابق‌ایالات متحده امریکا.متولد سال۱۸۹۰ فارغ‌التحصیل‌دانشکده آبکین وآکادمی نظامی ایالات متحده‌درسال ۱۹۱۵ با درجه ستوان دومی در ارتش امریکا درقسمت توپخانه خدمت مینمود وبتدریج درجات ابتدائی ارتش راگذراند ودرسال ۱۹۴۴ بدرجه ژنرالی رسید . بین سالهای ۱۹۳۳ الی ۱۹۳۵ ریاست ستاد ارتش امریکا را داشته وبعد در سال ۱۹۳۵ به‌عنوان مشاور نظامی در فیلیپین برگزیده شد .

در جنگ دوم جهانی ایزنهاور شهر برلن را فتح کرده پس‌از طی یکدوره درجات وپستهای مهم نظامی در سال ۱۹۴۸ به ریاست‌دانشگاه کلمبیا انتخاب شد و تا سال ۱۹۵۳ در این پست باقیماند .

از سال ۱۹۵۰ الی ۱۹۵۲ فرماندهی کل دول متحده را در اروپا داشت . در سال ۱۹۵۲ از ارتش‌کناره‌گرفت و درژانویه سال ۱۹۵۳ به ریاست جمهوری ایالات متحده‌امریکا برگزیده شد .

در سال ۱۹۵۶ مجدداً باین سمت انتخاب شد و در ژانویه سال ۱۹۵۷ رسماً بکار پرداخت .

وی کتابی نیز بنام «جنگ صلیبی در اروپا» برشته تحریر درآورده که در سال ۱۹۴۸ منتشر شده است .

استراوینسکی، ایگور

آهنگساز امریکائی ـ متولد سال ۱۸۸۲ در پطرزبورگ در سال ۱۹۳۴ به تابعیت کشور فرانسه درآمد . در سال ۱۹۴۵ به امریکامهاجرت نمود . در سال ۱۹۵۴ موفق‌به اخذ نشان طلا از انجمن فیلهارمونیك‌سلطنتی شد . درسال ۱۹۵۵ مدال سیبلیوس را دریافت داشت واز همین سال به عضویت آکادمی هنر وادبیات امریکا درآمد .

بولگانین ، مارشال نیکلاآلکساندرو



سیاستمدار روسی،متولد ۱۸۹۵ درسال۱۹۱۷ به‌حزب کمونیست پیوست ازسال ۱۹۱۸ الی ۱۹۲۲ در«چکا»کار میکرد ـ وازسال ۱۹۲۲ الی ۱۹۲۷ درشورایعالی اقتصاد انجام وظیفه‌نمود. ازسال ۱۹۲۷ الی ۱۹۳۰ عنوان‌مدیریت امور برق شهر مسکو راداشت از سال ۱۹۳۱ الی ۱۹۳۷ پست ریاست شورای شهر مسکوخدمت نمود .

در سال۱۹۳۷ به ریاست شورای تدارك‌ملی اتحاد جماهیر شوروی منصوب‌گشت وتا سال ۱۹۳۸ در این سمت باقی بود .

از سال ۱۹۳۸ الی ۱۹۴۱ با حفظ سمت قبلی ریاست بانك دولتی را نیز عهده دار

گشت . در سال ۱۹۴۱ به عضویت شورای نظامی و کمیته دفاع ملی برگزیده شده . در سال ۱۹۴۷ به وزارت دفاع رسید واز ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۵ به ریاست شورای وزراء انتخاب گشت وی بین سالهای ۱۹۳۴ و ۱۹۳۹ عضویت حزب کمونیست را داشت بالاخره در سال ۱۹۵۸ به ریاست اقتصادی ناحیه «استاوروپل» منصوب گشت .

براون ، ادوارد

ادوارد براون مستشرق وایران شناس مشهوردر سال ۱۸۶۱ در «گاسترشایر» واقع‌در غرب انگلستان متولد شد . در اوان طفولیت بمدرسه «ایتون» رفت و سپس در پانزده سالگی آن مدرسه را ترك گفت . ابتدا میخواست مانند پدر مهندس شود ، ولی پدرش که میدید ادوارد تمایل زیادی بتعقیب این رشته ندارد بوی پیشنهادکرد وارد رشته طب گردد . براون پیشنهاد پدر را پذیرفت ولی قبل از دخول بدانشگاه علاقه زیادی به زبانهای شرقی پیدا کرد وازاینرو در عین حال که‌رشته پزشکی رادنبال میکرد زبانهای ترکی ، فارسی وعربی را نیز مطالعه‌نمود و موفق گردیدکه ظرف دوسال‌آخر تحصیل در کمبریج باخذدرجه عالی در دوره عالی زبانهای سه‌گانه‌فوق نائل‌آید . بعد از مدتی دانشگاه اورا مأمورمطالعه در تاریخ ایران نمود.خاطرات این اقامت یکساله درکتاب «یکسال در میان ایرانیان»وی‌گردآوری شده است.بعد ازبازگشت به‌کمبریج (۱۹۰۲) کرسی زبان فارسی و عربی بوی واگذار شد و تا سال ۱۹۲۶ یعنی‌پایان عمرش در این سمت باقی ماند .

یکی دیگر ازآثار ادوارد براون درباره ایران «تاریخ ادبیات ایران» است‌که درچهار مجلد بچاپ رسید . این‌دوائربفارسی نیز ترجمه شده است .

هاریت بیچراستو



هاریت بیچراستو Harriet ' Beecher Stowe درسال ۱۸۱۱ درشهرلیچفیلد ازتوابع‌کنتاکی چشم بجهان گشود، هاریت در۴سالگی‌مادرخود را ازدست داد وخواهر بزرگ ایشان‌کاترین به‌تربیتش همت‌گماشت پس از پایان تحصیلات‌بشغل‌آموزگاری مشغول‌گشت درسال ۱۸۳۶هاریت بایکی‌ازاستادان مؤسسهٔ ازدواج‌کرد ودرهمین اوان بود که کتاب**گل‌بهاری** خود رامنتشر کرد. هاریت هیجده سال تمام درشهرسن‌سیناتی زندگی‌کرد. فقط رودخانه اوهایواورا از اردوی بردگان‌که درآنسوی رودخانه‌به‌تلاش آزادی‌خویش مشغول بودند ، جدا میساخت . این نزدیکی بخوبی وی را بوضع فلاکت باربردگان آشناساخت واحساس دلسوزی وی نسبت‌با‌نان‌برانگیخته شدودرنتیجه مطالبی در روزنامه‌های عصرآنزمان علیه بردگی نوشت‌که **کلبه عموتوم** Uncle Tom's Cabin وزندگی درمیان بیچارگان جزئی از آنهاست . در سال ۱۸۵۳ وقتی خانم **استو** بانگلستان رفت مردم انگلستان بگرمی ازوی استقبال‌کردند . بعد هاریت‌کتاب Dred را منتشرساخت ودرآن نیز نسبت ببردگی واساس جامعه‌ای‌که متکی به بردگی‌باشد، بشدت حمله برد. بعدازاین درچندین مجله ازجمله آتلانتیك ماهانه‌بنویسندگی پرداخت و نوولهای بیشماری نظیرعشقبازی‌کشیش را انتشار داد. این بانوی نویسنده دراول ژوئیه سال ۱۸۹۶ بدرود حیات‌گفت .وی را درشهرآندور Andover بخاك سپردند.

ایبسن - هنریك یوهان Ibsen - Henrik - Iohn

ایبسن نویسندهٔ نروژی درسال ۱۸۲۸ متولد شد . دوران کودکی خودرا باسرگردانی ، تنهایی ورنج فراوان سپری کرد . درآغازجوانی سالیان درازی را بکار در روزنامه‌ها و مجلات وتماشاخانه‌ها گذراند . وی بعلت حوادث ناگوار ورنج‌هایی که دردوران جوانی‌خود داشت موفق به انجام تحصیلات دانشگاهی نشد . وی سفرهای دراز زیادی به کشورهای اروپائی کرد . درسال ۱۸۷۷ دانشگاه «اوپسالا» بوی درجهٔ دکتری افتخاری داد . دوران آخرزندگی ایبسن بخلاف دوران کودکی وجوانی باسربلندی ، خوشی وراحتی توأم بود ، ودرهمین دوران نشان‌ها وجایزه‌های فراوانی بدوتعلق گرفت . چند نمایشنامهٔ مشهور اوعبارتند از: دشمن‌مردم، پرگینت خانهٔ عروسك ، اشباح ، مرغابی وحشی .

مرگ این‌نمایشنامه نویس بزرگ بسال ۱۹۰۶ اتفاق افتاد .



IBSEN

اراسم - دیریه Erasmus - Desiderius

اراسم فیلسوف نامی‌هلندی درسال ۱٤٦۷ درشهرروتردام ازیك‌خانوادهٔ متوسط به‌جهان آمد . برای تحصیل‌وتکمیل معلومات خود سفری بپاریس وبعد به‌انگلستان کرد . وی مدتی در فلاند مشاور مخصوص شارلکن‌امپراتورآنجا بود . این‌متفکرنامی درجنبش‌ها و دگرگونیهای سدهٔ شانزدهم وهفدهم اروپا سهم‌زیادی‌داشت . وی پیشنهاد پادشاه فرانسه‌رابرای تصدی‌دانشگاه پاریس‌نپذیرفت . مهمترین‌نوشته‌های اراسم عبارتنداز: ستایش‌دیوانگی ، گفتار ، سخنان کوتاه . وی درسال ۱۵۳٦ درشهربال سویس دیده ازجهان فروبست .

ALFIERI



کنت‌ویتوریو آلفیری Vittorio Alfieri، شاعرنامی‌ایتالیاست که درسال**۱۷۴۹** تولد یافت، وی‌جوانی‌خود را درهوسبازی وماجراجوئی گذراندوبدون هدف خاص‌قسمت اعظم اروپارا سیاحت کرد و در۱٦سالگی شروع بنوشتن‌کرد و باروح هیجان وحرارتی‌که داشت پیاپی بیست تراژدی‌نوشت، که‌لحن‌همهٔ آنها بخلاف‌تراژدی‌نویسان‌ایتالیائی‌قبل‌ازاو، جدی‌ومحکم‌بود. تراژدیهای او مورد پسند فراوان مردم ایتالیا قرار گرفت وآنها را «**طلیعه تآتر ملی**» ایتالیا شمردند . در **۱۷۸۸** وی با یك‌کنتس‌بیوه ازدواج کرد و این زن بخاطر**آلفیری** بنائی در کلیسای**سانتا-کروچه** فلورانس ساخت، که از شاهکارهای بزرگ حجاری ایتالیا بشمار میرود. وی در ادبیات ایتالیا « شاعر تراژدی » لقب گرفته. اودرسال۱۰۸۳ درگذشت. مهمترین‌آثار وی بدینقرارند، **پادشاه و ادبیات** . **فیلیپ دوم** . **آنتیگون** . **آگاممنون** . **ویرجینیا** . **اوکتاویا** . **تاریخ-زندگانی من** .

اسکندر (۳۵۶-۳۲۳ ق ـ م)

اسکندر مقدونی در سال ۳۵۶ ق ـ م بدنیا آمد مـادرش زنی (بنام اولمپیاس) بسیارجاه‌طلب و پدرش فیلیپ سلطانی باقتدار بود .



ALEXANDRE
LE GRAND
sculpture antique

اسکندر مقدونی

در شانزده سالگی بـه نیابت سلطنت ودر ۱۸ سالـگی سرداری بزرگ و جنگاور و در ۲۰ سالگی سلطانی جنگجو و خون‌آشام و بی‌رحم وسنگدل بود .

پدرش گرچه ویرا به ارسطو سپرد تا تعلیم دهد اما اسکندر بافکار آزادیخواهانه‌ای که ارسطو بوی تعلیم میداد توجهی نمیکرد اساساً جوانی مغرور و خودپسند بودکه علم و فلسفه را قابل توجه نمیدانست . بلکه خودرا از همه بالاتـر می‌پنداشت و از مردم توقع داشت که مقامی ربانی برایش قائل شوند .

اسکندر پس از اینکه پدرش فیلیپ کشته شد و گویندکه مادر اسکندر درین توطئه قتل‌دست‌داشته بسلطنت رسید وبرای‌خوابانیدن‌شورش و باطاعت درآوردن یونانیان شهرتبس را بجز معابد وخانه پیندار شاعرهمه را با خاک‌یکسان‌کرد سایرشهرهای یونان ازقساوت و بی‌رحمی‌اسکندر برخود لرزیدند واز درتسلیم و اطاعت درآمدند .

فتوحات‌اسکندر پی‌درپی‌ویکی بعدازدیگری بود وی‌سودای‌تصرف جهان‌رادرسرداشت برای‌این‌منظور سپاهی‌عظیم فراهم ساخت تاقدرت دولت هخامنشیان را درهم شکند ازینجهت بسوی‌آسیای صغیررهسپارگشت .

اولین فتح اسکندر در ساحل رود گرانیکوس بود ، هخامنشیان میخواستند اسکندر را در خارج از مرزهای خود شکست سختی بدهند تا یـارای حمله بسوی ایران را نداشته باشد اما جنگ به نفع اسکندر و بزیان ایرانیان پایان یافت

آتیلا (حدود ۴۰۶ تا۴۵۳ م)

هون‌ها مردمی‌وحشی بودند که‌بوسیله چینیان رانده شده‌بودند وآنان نیزراه غرب‌در پیش‌گرفتند وچنان‌بلائی وحشتناك برای مردم غرب بشمار میرفتند که‌کلمه هون‌مترادف‌با غارت وقتل بود .

آتیلا سردسته این‌قوم‌منولی وحشی وامپراطور آنان‌بودکه‌سرزمین وسیعی ازسواحل دریای خزرتاسواحل رود رن وازدریای بالتیك تاساحل دانوب رادر تصرف داشتند .


آتیلا

هونها در برانداختن امپراطوری روم شرقی ضربه آخرین وحمله کاری را واردساختند ومایه سقوط وازمیان رفتن قدرت سیاسی وعلمی وتمدن روم گشتند .

عده‌ای ازهونهادرقرن چهارم میلادی درهنگری رحل اقامت افکندند . این طوایف باشمشیرهای برهنه به همسایگان هجوم میبردند ومردم ازجلو آنان میگریختند وشهرها و روستاها را خالی ازسکنه میساختند .

دولت روم شرقی وغربی برای اینکه ازآسیب هون‌ها آسوده باشند خراجی بهونها می‌پرداختند اما آتیلا پادشاه هونها بااین خراج موافقت نکرد .

آتیلادرحدود سال ۴۰۶ بدنیا آمد درسال ۴۳۳ بعداز خالوی خود بسلطنت رسید .در حکومت بلدابرادر آتیلا نیزشرکت داشت .

سفیران قسطنطنیه برای مصالحه وبستن تعهدوقرارداد صلحی باآتیلاو بلداواردمذاکره- شدند، آتیلا پیشنهادات توهین آمیزی داد ازجمله میزان خراج را دوبرابر کرد . وشرایط سنگین وسخت دیگری پیشنهاد کردکه سفیران رومی نپذیرفتند اما امپراطور وقت مصالحه وشرایط هونها راپذیرفت .

ازآن پس آتیلا به بسط قدرت ونفوذ خود پرداخت بزودی سراسر خاك آلمان رامطیع ساخت وچندی بعد آتیلا برادرخود رااز میان برد وخودبی‌رقیب بحکومت پرداخت .

آتیلا مردی، خرافی و نیمه مذهبی بود وپنداشت که ازطرف خداوند و آسمان مأمور تصرف جهان است وخویشتن وسپاهیان خونخوارش بجنك وغارت وویرانی پرداختند .

درباره آتیلا یکنفر مورخ چنین نوشته است : «قیافه اوتمام خصوصیات قومی او را دارابود سری داشت بزرك بارنك وروی سوخته ، چشمان ریزوگود افتاده ، بینی پهن وریش- کوسه ، دانه‌فراخ وقامت کوتاه وسطبر ، وهیکلی نامتناسب با نیروی عصبی خارق العاده ، رفتاروحرکات اوآمیخته بغروروتکبر بودونشان میداد کهاو خودرا مافوق نوع بشرمیشمارد عادت وی این بودکه چشمان خودرا بحالتی سبعانه بچرخاند ، گفتی ازرعب ووحشتی که در اطرافیان خود ایجاد میکرد لذت میبرد .»

۵ درسال ۴۴۱ آتیلا ممالك بالکان رامتصرف گردید وآن‌سامان را ویران ساخت وتا حومه‌شهر قسطنطنیه پیش‌راند اما امپراطور وقت‌روم شرقی درخواست مصالحه کرد.

هردم آتش طمع آتیلا تیزتر و میدان تاخت وتازوی وسیع‌تر میشد به کشور گل‌ها

حمله‌ور گشته و بامتفقان‌خود که‌رویهم رفته ۵۰۰۰۰۰ تن‌سپاهی بودند از رود رن گذشته و کشور فرانسه‌را غارت‌وویران ساختند .

آتیلا و سپاهیانش هرجاکه قدم می‌گذاشتند ساکنانش را می‌کشتند بناها را ویران می‌کردند ازجمله شهروین را باهمه معابد زیبایش باخاك یکسان ساختند .

آتیلا درسال ۴۵۱ باسپاهی‌منظم مرکب‌ازرومیان ویزیگوتها وفرانکها خود رارو برو دیدو درجنگهائی که‌میان آتیلا ودشمنانش درمیگرفت مرتباً عقب نشینی میکرد ا۱سال بعد به‌ایتالیا حمله‌کردوتاروم پیش‌راند سرانجام آتیلا درسال ۴۵۳ براثر یکنوع بیماری درگذشت و سپاه‌خونخوار هونها دیگر خطری برای مردم اروپا نداشت و امپراطوری عظیم هونها پایان پذیرفت .

آتاتورك (۱۸۸۰–۱۹۳۸م)



مصطفی‌کمال پاشاآتاتورك، درسالونیك بدنیاآمد درآغاز بارتش پیوست ودرطرابلس با ایتالیائیها جنگید ، در جنگهای بالکان سمت فرماندهی یافت درسال ۱۹۱۶ در تنگه داردانل دربرابرانگلیس‌ها ایستادگی‌کرد چون بفرماندهی سپاهی‌رسید درجبهه روس نبرد کرد پس ازجنگ جهانی اول دولت عثمانی‌شکست‌خورد ازاین‌وضع استفاده کرد . مردم را بقیام وا داشت تا اینکه خلافت و امپراطوری عثمانی را در سال ۱۹۱۲ از میان برد و از آن تاریخ تا سال ۱۹۳۵ رئیس جمهور ترکیه بود . این مرد اقدامات اصلاحی فراوانی درکشورش بعمل آورد و او را بنام پدر ملت ترك (آتاتورك) لقب دادند .

اسپارتاکوس sprtacus

وضع بردگان در روم باستان سخت ناراخت کننده بود رفتار غیر انسانی رومیان با بردگان سبب شدکه‌گروهی انبوه از غلامان بطرفداری از اسپارتاکوس برخاستند گویند تا ۷۰۰۰۰ تن از بردگان بزیر فرمان اسپارتاکوس در آمد و اسپارتاکوس در سال ۷۳ یا ۷۴ ق – م میلاد برضد حکومت روم قیام کرد و چندتن ازسرداران رومی را شکست داد عاقبت درسال ۷۱ ق –م‌طرفداران اسپارتاکوس‌شکست خورده پراکنده شدند واسپارتاکوس کشته شد .

آلفرد کبیر

آلفرد از پادشاهان معروف انگلستان و فرزند اثلوولف بود که در سال ۸۷۱ بر نورمانها پیروز گشت و بجای برادرش اثلرد بسلطنت رسید.



آلفرد کبیر

نورمانها در بین سالهای ۸۷۶-۸۷۸ به حمله برضد آلفرد پرداختند و فتوحاتی نیز نمودند اما سرانجام در محل ادینگتون فعلی شکست خوردند آلفرد کبیر باقدامات اصلاحی چند از قبیل دائر ساختن تقویم آنگلوساکسون ، ترویج علم و دانش در میان کشیشان و اشراف ، تدوین برخی قوانین، ایجاد نیروی دریائی قوی بعمل آورد .

استالین Stalin

استالین پیش از آنکه به سمت دبیر کلی حزب بالشویك روسیه برسد در جنگهای فراوانی برضد حکومت تزاری شرکت و با لنین همکاری نزدیك کرد .



استالین

مدتی دبیر کل بالشویك های گرجستان بود . تااینکه بعد از لنین قدرت را در دست گرفت ومدتی دراز بر کشور پهناور روسیه حکومت کرد . و در سال ۱۹۳۲ اسم روسیه را اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی گذاشت .

استالین به پیشرفت صنعت و زراعت در روسیه خیلی اهمیت میداد و از لحاظ عقیده سیاسی کمونیستی نیز عقیده داشت که اول باید خود روسیه قوی شود و نضج بگیرد آنگاه مرام اشتراکی را درجاهای دیگر توسعه داد .

استالین در سال ۱۹۲۸ نقشه ۵ ساله‌ای برای امور کشاورزی تنظیم کرد و در نقشه ۵ ساله دوم زراعت اشتراکی بوجود آورد .در زمان استالین روسیه ترقیات فراوانی کرد .

در جنگ دوم با آلمانها با متفقین همکاری نزدیك کرد و در شکست آلمان، روسیه به رهبری استالین سهم فراوانی داشت .

اشتراوس ـ ریشارد Strauss - Richard

ریشارداشتراوس آهنگساز نامی آلمانی درسال ۱۸٦٤ درشهرمونیخ بدنیا آمد . از آنجا که پدرش نوازنده بود ، وی از کودکی باموسیقی آشناشد وبیشتر آهنگهایش‌را دردورهٔ جوانی‌ساخت. پس‌ازآشنائی باکار مندلسون ، شوبرت ، واگنرولیسته به‌ساختن پوئم سنفونی‌پرداخت.اشتراوس مایه پوئم سنفونی‌های خود را بیشتراز نوشته‌های ادبی و فلسفی متفکرین بزرگ برمی‌گزید . وی‌آهنگهای زیادی در رشته‌های گوناگون موسیقی ساخت ولی پوئم‌سنفنیك‌های او برجستگی بیشتری دارند . اومانند رمانتیك‌ها ، بندهای کلاسیسم‌را ازپیش‌پابرمیدارد ولی موسیقی‌اش کمی پیچیده است . ریشارد اشتراوس را یکی از بنیان‌گذاران موسیقی رمانتیك جدید قرنهای ۱۹ـ۲۰ میدانند .

برخی‌ازآهنگهای اوعبارتند از ، چنین‌گفت زرتشت ، سوارکارگل سرخ ، دون‌کیشوت ، لکترا، تیل‌شپیگل .

ریشارد اشتراوس درسال ۱۹٤۹ درگذشت .



PIRANDELLO

«لوئیجی پی‌یرآندلو» **Luigi Piandello** ازنویسندگان‌بنام ایتالیادرقرن بیستم بسال **۱۸۶۷** درسیسیل جزیره‌ای نزدیك ایتالیا متولد گردید .

پس ازتحصیلات مقدماتی وعالی‌به‌استادی‌دانشسرای دختران در رشتهٔ سبك شناسی رسید وخیلی زودکارادبی‌خویش راآغازکرد .

اولین‌اثرخویش‌را تحت عنوان **«دردمطبوع»** منتشرساخت وبدین ترتیب شروع به‌نوشتن نمود . ابتدا سبك **«وریسم»** رادرادبیات پیشرو خویش قرار داد و این سبکی بود مملو ازطعن و کنایه و بدبینی .

پیرآندلو مدتهای زیاد با این فکرچیزمینوشت ولی‌بعدهاتغییرروش داد ودرافکارخویش اعتدالی قابل تحمل بوجودآورد. درسال ۱۸۹۷ باستادی‌دانشگاه **«رم»** برگزیده‌گشت وتاسال ۱۹۲۱ دراین مقام باقی ماند . پیرآندلو سال ۱۹۳٦ بدرود حیات گفت .

بعضی از آثار پیرآندلو از اینقرار است ،

«عشق‌بی‌دلبستگی» «دردمطبوع» «سفیدهاوسیاهی‌ها» «مسخرهٔ‌مرك‌وزندگی» «نوبت» «بذله‌گوئی مرحوم ماتیاپاسکال» «زمان» «زن‌مطرود» و«هانری چهارم»

اسپینوزا ـ باروخ Spinoza - Baruch

باروخ‌اسپینوزا فیلسوف شهیرهلندی درسال ۱٦۳۲ ازیك خانوادهٔ یهودی بوجودآمد و نخست درآموزشگاه‌های یهودیان درسهای مذهبی‌خواند . پس‌ازفراگرفتن چند زبان به‌آموختن فلسفه پرداخت . جامعهٔ یهود ویرا بخاطر اندیشه‌های نوش تکفیر کرد . مدتی را در زندان بسر آورد وپس‌ازآن گوشهٔ عزلت گرفت و به‌کاوش ومطالعه پرداخت . اوازتراشیدن شیشهٔ عینك‌امرار

معاش‌میکرد . دراواخرعمردرلاهه اقامت گزید. وی باوجودتنگدستی، تمام کمک‌هایی راکه‌دیگران بدو می‌کردند رد میکرد . سرانجام کار و مطالعهٔ پیوسته اورا از پا درآورد ودر ٤٤ سالگی به بیماری سل درگذشت .

وی نخستین فیلسوفی است که خدارا سرچشمهٔ معرفت ودانش وخداشناسی را تنهاراه خود-شناسی و دیگرشناسی میشمارد ، وی معتقد بود که بشر آزادی و اختیار ندارد . اولین نوشتهٔ او « اصول فلسفهٔ دکارت » نام دارد که درسال ١٦٦٤ منتشر گردید . آثار برجسته‌اش عبارتند از ، رسالهٔ اخلاق ، رساله بهبود فرد ، اصول فلسفهٔ رنه دکارت ، الهیات و سیاست ، تصورات متافیزیك .

باروخ اسپینوزا درسال ۱۶۷۷ درگذشت .



هانس کریستین آندرسن Hans Christian Andersen نویسنده و داستانسرای بزرگ دانمارکی در سال « **۱۸۰۵** » در « **اودنس** » یکی از شهرهای **دانمارك** در خانواده‌ای فقیر و تهیدست چشم بجهان گشود . پدرش کفاش فقیری بود که در جوانی‌درگذشت و ناچار مادرش با انجام دادن‌کارهای مختلف ازقبیل رخت شوئی وظرف شوئی زندگی خود وفرزندش را تأمین‌مینمود .

آندرسن ازهمان کودکی قیافه‌ای زشت‌وکریه داشت و موردتمسخر همسالان خویش قرار میگرفت ، این تحقیر در روحیهٔ او بشدت اثر کرد و بعد ها یکی از آثارش بنام « **اردك زشت** » را وصف حال خویش قرار داد . ازمدرسه بیزاربود و باهمان سوادکمی که داشت کتابهای‌زیادی مطالعه کرد ومیخواست که تراژدی‌نویس گردد . درسال **۱۸۱۹** هنگامیکه چهارده سال بیش نداشت راه **کپنهاك** را پیش گرفت و در آنجا با زحمات زیاد در تآتر سلطنتی‌کاری پیداکرد وببازی مشغول گشت و چون درآنجا اورابسیار با استعداد یافتند، به ترقی‌او همت گماشتند، و مدیران تآتر بخرج پادشاه مقدمات تحصیل اورا فراهم‌آوردند . او بزودی دبیرستان و سپس دانشگاه را بپایان رسانید . پس از مدتی بنوشتن رمانهای مختلف دست زد،وچون موفقیت‌چندانی کسب‌نکرد، تصمیم به نوشتن‌یك سری‌داستانهای کودکانه بصورت ادبی گرفت و در این‌کار آنچنان موفق شد که شهرتش عالمگیر گردید . در **۱۸۴۶** سفری باروپای مرکزی نمود وموردتقدیر و استقبال بی‌نظیرمردم واقع گردید . **آندرسن** در سال **۱۸۷۵** درسن هفتاد سالگی هنگامیکه یکی از بزرگترین نویسندگان‌زمان خویش بود درشهر **کپنهاك** درگذشت . آثارآندرسن بیشتر بصورت قصه‌ها وافسانه هائی‌است که او درکودکی شنید. و بنثری بسیار جالب آنها را ازبهترین‌آثار ادبیات جهان نموده است ازقصه های معرف او میتوان«**سوزن**» «**سربازدلیرسربی**» «**لباس‌تازه امپراطور**» «**پری دریائی**» «**دخترك کبریت فروش** » و «**جوجه‌اردك زشت** » را نام برد .

رابرت‌لوئیز استیونسن (Robert Louis Steuenson) در۱۳ نوامبرسال **۱۸۵۰** در**ادینبرو** پایتخت اسکاتلندچشم بجهان‌گشود. اوتنهافرزند **توماس استیونسن** یکی‌ازمهندسین مبرز ادینبرو بود . **استیونس** ازهمان‌دوران کودکی مزاجی بسیارعلیل‌داشت‌بطوریکه‌درسن‌هشت سالگی درائرابتلاء بحصبه‌درمقابل‌مرگ قرارگرفت‌وازآن پس‌ضعف مزاج اوروز افزون گردید وتا پایان عمراورا رهانکرد .

ازسال **۱۸۵۸** تا **۱۸۶۷** یعنی ازهشت تاهفده‌سالگی اکثراً در مدارس ادینبرو بتحصیل پرداخت وهمینکه بهبودی درحال‌مزاجی اوحاصل‌شد، خانواده‌اش امیدوار گردیدند که اوبتواند حرفهٔ آباء واجدادی‌خود، یعنی‌مهندسی‌را درپیش‌بگیرد. وی‌درسال **۱۸۶۸** واردداننشکده‌مهندسی شدوپس ازسه‌سال تحصیل دراین رشته پیشرفتی‌چنان درخشان نصیبش گردید، که ازطرف انجمن هنری ادینبرو بدریافت یك قطعه نشان نائل آمد . باآنکه **استیونسن** ازکارمهندسی که متضمن فعالیت درهوای‌آزادبود، حظ فراوان‌می‌برد، بااین‌وجوداین‌حرفه لطمه‌ای‌سخت‌بتندرستی‌اووارد آورد، واندکی‌بعدبرخلاف میل باطنی‌خود بتحصیل‌حقوق‌پرداخت وچهارسال‌بعدباخذپروانهٔوکالت دادگستری توفیق یافت. هرچه قوای جسمی‌او روبضعف میرفت برعکس نیروی‌فکریش‌آمادگی بیشتری می‌یافت‌ودرهمین مرحله برای‌یك‌یادومجله بنوشتن یك سلسله مقالاتی دست زدکه‌ازلحاظ مضمون کاملانووبکربود .

لوئیز استیونسن برای یافتن سرزمینی‌که ازحیث آب و هوا بامزاج ضعیفش سازگار باشد، باکثر نقاط جهان‌سفر کرد وپس ازسیروسیاحت درآلمان وفرانسه واسکاتلند وآمریکا وهونولولو، سرانجام خودرابسرزمین دلخواه یعنی‌ساموآ (مجمع‌الجزایریست درجنوب اقیانوس آرام که ازحیث وفورنعمت وخوبی آب وهواکم نظیراست.) رسید و چهار سال آخرعمر خود راباخانواده‌اش درآنجاگذرانید ودراینمدت بحدی از تندرستی ونشاط زندگی برخوردار بود که در هیچیك ازمراحل عمرکوتاهش سابقه نداشت . سرانجام در ۳ دسامبر **۱۸۹۴** هنگامی که **استیونسن** روی ایوان منزلش بادلی شاد وخرم قدم میزدومشغول املاکردن آخرین کتابش بود غفلة دچار سکتهٔ قلبی‌شد وبزمین‌افتاد ودیگربهوش نیامد، تا اینکه شبانگاه بدون‌احساس درد ورنج درسن ٤٤ سالگی چشم ازجهان فروبست . تعدادآثار **رابرت لوئیز استیونسن** آنقدر زیاد است که دراین مختصر نمیگنجد ومعروفترین‌آنها عبارتند از، **جزیره‌گنج . دکترجکیل‌ومسترهاید. پرنس‌اتو. فرزند ربوده شده . کاتریونا . گلچین اشعار برای‌اطفال. الف‌لیل‌جدید . هشت سال‌آشوب درساموآ . عمارت کلاه فرنگی؛ تفریحات شب درجزیره .**

آلبرتو مراویا که نام اصلیش **آلبرتو پین‌کروله** است ، داستانسرای معاصر ایتالیائی است که در ۲۸ نوامبر ۱۹۰۷ درشهر رم پای بعرصهٔ گیتی نهاد .

این نویسندهٔ بزرگ درسال **۱۹۲۹** با انتشار اولین داستان‌خود بنام **«بی‌تفاوتها»** که که جنبهٔ قوی روان شناسی دارد توجه مردم را ناگهان بسوی خود جلب کرد . این داستان که طرحی اعترافی و روشی رئالیستی دارد در آن سال‌بوسیلهٔ ناشناس ۲۲ ساله‌ای برشتهٔ تحریر در آمد و ازهمان زمان انقلاب **«هنربرای هنر»** درادبیات ایتالیا بوقوع پیوست .

مراویا عقیده داردکه روان شناسی واهمیت مضامین‌روانی باید درادبیات بزرگ وجود داشته‌باشد.

آثار مراویا درخارج‌ازایتالیا بزبانهای‌مختلف ترجمه شده است . نوول **«کانفورمیست وتنبل»** زمینهٔ‌**سینماتوگرافی**‌واثردید**سوررئالیستی**‌قوی‌دارد. **زنی‌ازرم** اورابا‌وج‌شهرت‌رسانید. داستان **«دوزن»** که قویترین اثرمراویا شناخته شده است و آنرا مخالف عقاید عمومی میدانند، داستانیست که ازسرخوردگیهای بعد ازجنگ عمومی مردمی گفتگومیکند، که همه در جستجوی دنیای بهتری هستند .

ازمیان‌آثارمشهور مراویا میتوان اینهارا نامبرد ؛ **لیدا، افسانه های رومی، سرکشی.**

ارهارد

پروفسور دکتر لودویك ارهارد درسال ۱۸۹۷ درآلمان بدنیاآمد ، پس ازتحصیلات متوسطه مدتی به تحصیل بازرگانی پرداخت‌که بمیدان جنگ اول فرستاده شد ، امـا چون درآن جنگ‌آسیب دید ، مرخص شد وی به تحصیل در رشته اقتصاد و مدیریت در دانشگاه نورمبرك سرگرم شد وپس ازچندی که‌آنجارا بپایان رسانید وارددانشگاه فرانکفورت‌شد و درسال ۱۹۲۸ درجه دکتری دراقتصاد گرفت .

ازآن پس درمؤسسات اقتصادی سرگرم‌کار بود تااینکه در سال ۱۹۴۵ وزیر اقتصاد باواریا‌گشت ، درسال ۱۹۴۷ بعنوان وزیر اقتصاد بتدریس دردانشگاه مونیخ اشتغال‌ورزید.

درسال ۱۹۴۹ پس ازتأسیس حکومت جمهوری فدرال‌وزیر اقتصاد ومعاون‌صدراعظم شد ، ارهاد بعنوان نماینده مجلس ملی نیز درتمام سه دوره‌آن انتخاب‌گردید .

ارهارد از سال ۱۹۶۳ تا سال ۱۹۶۶ صدر اعظم‌آلمان بود .

اشتورم Storm آلمانی

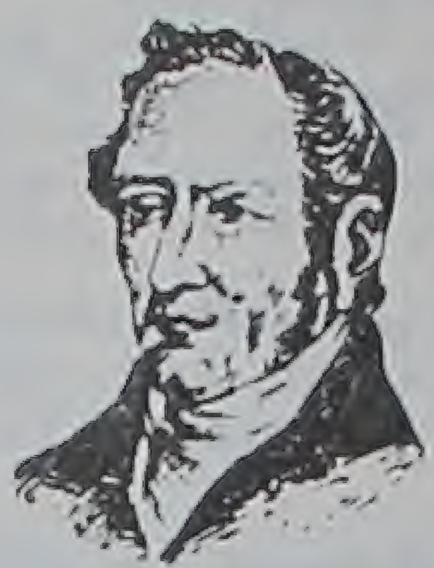
تئودور اشتورم درآلمان متولدگردید پس‌ازتحصیلات خودچند سال بوکالت‌دادگستری وده سال بقضاوت پرداخت . این نویسنده شاعر با پدیدآوردن چندائرادبی شهرتی فراوان درآلمان و سایر کشورها بدست آورد مضامین اجتماعی و وتصویر زندگی مردم شمال‌آلمان یکی ازخاصه‌ـ های آثاراشتورم می‌باشدکلامی نافذ و دل انگیز دارد . ازآثارش **ایمنسی** Immensee سوار براسب سفید را می‌توان ذکر کرد .



اشتورم

آراگون نویسنده فرانسوی

لوئی‌آراگون از نویسندگان‌داستان پرداز و شاعران معتبر فرانسه است که درسال ۱۸۹۷ بدنیا آمد از سبك دادائیسم پیروی میکرد بعدها از رهبران سبك سوررئالیسم‌گشت . در سال ۱۹۳۰ عضویت حزب کمونیست را پذیرفت در جنگ جهانی دوم شرکت جست **شکسته دل** ، **هفته مقدس** برخی ازآثارش است .



استفنسن ـ انگلیسی ـ مخترع لکوموتیو

(۱۷۸۱ - ۱۸۴۸)

جرج استفنسن در کودکی بچوپانی اشتغال داشت در آغاز جوانی در آتشکاری بپدرش کمك می‌کرد . تااینکه از دیدن ماشین بخار سخت در شگفت شد و مطالعه فراوانی روی آن بعمل آورد پس از آن بکسب دانش در زمینه‌های مکانیك و ریاضیات پرداخت در سال ۱۸۱۴ اولین ودرسال ۱۸۱۶ دومین و در سال ۱۸۱۷ سومین لکوموتیو قابل استفاده خود را ساخت که هفتاد تن بار باسرعت ۸ تا ۱۰ کیلومتر حمل می‌کرد . از آن پس کارخانه کوچکی برای ساختن لوکوموتیو دایر کرد .

در سال ۱۸۲۵ سه لوکوموتیو ساخت که سرعتش ۲۰ کیلومتر و ظرفیت آن ۹۰ تن بود پس از آن تاسال ۱۸۴۸ که زنده بود مرتباً لوکوموتیوهایش تکامل و ترقی بسیار یافت . و خریداران فراوان داشت .

صلاح‌الدین ایوبی (۵۳۲ - ۵۸۹ هـ ـ ق)

از سرداران و قهرمانان مسلمان در جنگهای صلیبی بود که سلسلهٔ ایوبی را درمصر تأسیس کرد واز دشمنان سرسخت صلیبی‌ها بشمار میرفت .

صلاح‌الدین در تکریت بدنیا آمد و در اصل از نژاد کرد بود . صلاح‌الدین ده سال در دمشق بسر برد باعموی خود امیرشیرکوه برضد فاطمی‌های مصر کمك کرد چون عمویش درگذشت صلاح‌الدین بجای وی قرار گرفت . چندی نگذشت که صلاح‌الدین اعلان استقلال وخود را سلطان اعلام کرد . بر دمشق و موصل و حلب ، یمن ، فلسطین دست یافت . در جنگهای صلیبی چندبار مسیحیان را شکست داد ازجمله ریشارد شیردل راشکست داد .

صلاح الدین ایوبی مردی دانش دوست ، شجاع بود بناها و مساجدی چند بامر وی ساخته شد .

آبل (۱۷۰۲ - ۱۸۲۹ م) Abel

نیلس هنریك آبل ریاضی‌دان نروژی در خانوده‌ای که پدرآن خانواده کشیش فقیری بود چشم بجهان گشود . از آغاز کودکی و در همه دوران کوتاه زندگیش با دیو فقر درمبارزه بود وازشدت مسکنت بـه‌بیماری سل مبتلا گشت با اینحال همت بلند و نبوغ

فراوانش همیشه بکار مطالعه درعلم ریاضی درتلاش و کوشش بود .

آبل علم تحلیل ریاضی را چندان ترقی دادوبدان پایه از دقت رسانید که باید این دانشمند را از مـوجدان ریاضیات جدید دانست . در توابع بیضوی وتوابع عالی (آبلی) مطالعات مهمی کرد . ازاکتشافات پراهمیت آبل میتوان اثبات امتناع حل کلی معادلات بالاتر از درجه چهارم باروش‌های معمولی بجبر را برشمرد .

اسکات (۱۷۷۱ – ۱۸۳۲)

والتراسکات درپانزدهم ماه اوت سال ۱۷۷۱ در شهرادیمبورك اسکاتلند در خانواده‌ای که علم و دانش مورد توجه و علاقه بود و مادری عفیف و پدری مذهبی داشت بدنیا آمد .

در کودکی در دامن طبیعت و درمیان مناظر زیبا پرورش یافت در مدرسه به پشتکار و ذوق ادبـی سرشار و استعداد فراوان مشهور بود . بـا اینکه پدرش می‌خواست بوکالت پردازد اما والتر در تحصیل حقوق مجاهدتی نشان نمیداد وبیشتر توجه وعلاقه‌اش مسافرت ومطالعه افسانه و تاریخ بود . مدت ۱۴ سال وکالت کرد اما درین راه توفیقی نصیبش نشد با اینحال در خلال این مدت نسبتاً طولانی بکسب فنون ادب پرداخت برای مطالعه آثار سروانتس زبان اسپانیولی را فراگرفت .

طبع فیاض ونبوغ درخشان والتر اسکات رفته رفته درخشانتر میشد و اولین اثری را که منتشر ساخت ترجمه‌اشعاربورگر شاعر آلمانی بود بعد ازآن به‌انتشاراشعارش که دردوران تحصیل سروده بـود بنام اشعار سواحل اسکاتلند پرداخت کـه مورد استقبال و توجـه واقع گردید .

درسال ۱۸۰۵ اولین رمان وی بنام **آخرین سرود خنیاگر** بزیور طبع آراسته ودر دسترس طالبان گذاشته شد . این اثرشهرتی فراوان نصیبش ساخت بطوریکه تا سال ۱۸۳۰ بیش از ۴۴۰۰۰ نسخه ازین رمان بفروش رسید . وبچند زبان نیزترجمه شد .

والتراسکات پیوسته آرزو می‌کردکه زندگی مجللی برای خود ترتیب دهد سرانجام بآرزوی‌خود رسیدوکاخی بلندوبزرگ‌ساخت که‌درآن‌دوستداران‌ودانشمندان‌ازانگلستان وسایر نقاط بدیدنش میآمدند .

والتراسکات برای جلب ثروت بیشتر به تأسیس مؤسسه چاپ و انتشارات اقدام و شخصی نالایق را به سرپرستی آن معین کرد دیری نپائیدکه والتر اسکات بیش ۱۳۵۰۰۰ لیره مقروض شد وبرای جبران بکار بیشتر ونوشتن پرداخت و همین کار زیاد نیروی ویـرا به تحلیل برد .

والتر اسکات مرتباً کتاب می‌نوشت و پی درپی مورد استقبال واقع می‌شد .

والتراسکات در آثار خود و صفهای جذاب و زنده دارد که آدمی خود را در مقابل قهرمانان داستانهاحس میکند وبقدری دقیق اجتماعی را وصف‌کرده است‌که کمتر کسی این قدرت را داشت .

این نویسنده درنوشتن رمانهای تاریخی وتاریخ‌انگلستان واسکاتلند اززمان جنگهای صلیبی تا زمان خود نهایت‌مهارت را نشان داده است .

کارزیاد عاقبت وی را ازپا درآورد بطوریکه ازسال ۱۸۲۹ ببعد روزبروز شکسته‌تر وناتوان‌تر میشد تا اینکه در سال ۱۸۳۲ چشم ازجهان فروبست .

جورج‌الیوت نویسنده انگلسی (۱۸۸۰-۱۸۱۹)

جرج‌الیوت(مری‌آن‌اوانس Mary Ann Evans)اززنان نویسنده مشهور عالم بود . وی در ابتداایده‌آلیست بود ولی‌بعدها پیرواصالت عقل‌گشت. ازآثارمهم او **سیلاس مارنر** **وآدم بید** ، **یك‌داستان سیاسی**، **کولی اسپانیولی** میباشد . یکی از نکاتی که خیلی در آثار این نویسنده بچشم میخورد هجو وتمسخر پیرزنان و پیرمردان انگلیسی می‌باشد .

الیزابت‌اول (۱۶۰۳-۱۵۳۳)

الیزابت دختر هانری هشتم بود در اختلافات مذهبی که درزمان وی درگرفت مذهب مردم انگلیس را با عقاید کالون تطبیق داد وهمین اقدام مایه رنجش عده‌ای‌کاتولیك گردید مردم از ملکه ماری استوارت پادشاه اسکاتلند یاری جستند میان دو ملکه جنگ درگرفت ملکه اسکاتلند اسیر و زندانی وکشته شد پادشاه اسپانیا بخونخواهی وی برخاست اما سپاهش در طوفانی آسیب دید وبقیه‌آنهم بوسیله انگلیسها تار و مارشد ازآن تاریخ نیروی دریائی انگستان بصورت نیروی دریائی عظیمی جلوه‌گر گشت .

الیزابت دوم



الیزابت دوم

الیزابت دوم ملکه فعلی انگلستان درسال ۱۹۲۶ بدنیا آمد درسال ۱۹۴۷ به عقد ازدواج پرنس فیلپ شاهزاده یونانی درآمد پس ازمرگ پدرش ژرژ ششم در سال ۱۹۵۲ بسلطنت انگلستان رسید .

اونیل - یوجین Oneill - Eugene

یوجین اونیل نویسندهٔ نامدار امریکائی درسال ۱۸۸۸ متولد شد. در سال ۱۹۰۹ برای بدست آوردن طلا به هندوراس رفت. پس از آن به مسافرت‌های دریایی پرداخت. وی تحصیلات زیادی نکرد و با درس و کلاس هم زیاد سروکار نداشت اما درمکتب زندگی چیزها آموخت و تجربه‌ها اندوخت. نویسندگی را ازسال ۱۹۱۴ شروع کرد. بیشتر نوشته‌های او نمایشنامه‌های کوتاه‌اند. سبك نویسندگی اونیل ساده است. جهان داستانهای او جهان تودهٔ پایین اجتماع است و هم از زبان آنها و با حرفهای آنها باخواننده گفتگو میکند.

یوجین اونیل بسال ۱۹۳۰ موفق به دریافت جایزهٔ ادبی نوبل گشت. مشهورترین نمایشنامه‌هایش عبارتنداز: آنسوی افق، آناکریستی، جونز امپراتور، میان‌پردهٔ عجیب



M. BERTHELOT

برتلو - مارسلن Berthelot - M.

مارسلن برتلو شیمی‌دان فرانسوی درسال ۱۸۲۷ درشهر پاریس متولدشد. پدرش پزشك بود و او در دوران تحصیلی شور و استعداد زیادی ازخود نشان می‌داد. درسال ۱۸۵۹ به استادی در دانشکدهٔ داروسازی برگزیده‌شد. پس ازترکیب شیمیائی کافور درسال ۱۸۶۳ توانست باتولید جرقهٔ الکتریکی ما بین دوالکترود زغالی درداخل محیط ئیدروژنی آستیان ترکیب نماید. برتلو نخستین دانشمندی بودکه تولید مصنوعی اجسام آلی را جامهٔ عمل پوشاند. اویکی ازبنیان گذاران نظریه نیروی حیاتی درشیمی بشمار می‌رود که سهم بزرگی درشیمی نوین دارد. وی درسال ۱۹۰۱ به عضویت فرهنگستان علوم فرانسه درآمد. در علم «ترمودینامیك» فعالیت‌های بسیار کرد. برتلو را یکی از نخستین سازندگان مواد انفجاری می‌شناسند.

کتاب ارزندهٔ او «مبادی کیمیاگری» نام دارد. برتلو درسال ۱۹۰۷ درگذشت.



BERGSON

برگسن - هانری Bergson - Henri

هانری برگسون فیلسوف نامدارفرانسوی درسال ۱۸۵۶ دریك خانوادهٔ کلیمی درانگلستان بدنیا آمد. پس از مدتی آموزش، به تدریس فلسفه درچند دانشگاه پرداخت. در سال ۱۹۱۸ به عضویت آکادمی فرانسه پذیرفته‌شد. فلسفهٔ برگسن بردوگانگی یعنی کمی و کیفی بودن بسیاری از امورجهان بنیان‌یافته‌است. این‌فیلسوف درك حقیقت‌را ممکن می‌داند و آنرا فلسفه‌می‌خواند، و راه رسیدن به آنرا درون‌بینی‌میانگارد نه‌عقل، زیرا به‌عقیدهٔ او عقل نمی‌تواند حقیقت مطلق‌را دریابد. برگسن درسال ۱۹۲۸ باخذجایزهٔ ادبی نوبل نایل‌شد. مهمترین آثاراین‌دانشمند بزرگ عبارتند از: «ماده و حافظه»، «معلومات بی‌واسطه خودآگاهی» و «دوسرچشمهٔ اخلاق ودین». برگسن درسال ۱۹۴۱ برحمت ایزدی پیوست.

فن براون

دکترورنرفن براون در ۲۳ مارس ۱۹۱۲ در یکی از شهرهای آلمان دیده بجهان گشود. از ۱۸ سالگی به‌کارهای علمی وفنی جالبی‌پرداخت چندی بعد موشکی بارتفاع ۲۰۰ متری پرتاب نمود.



فن براون

درسال ۱۹۳۲ اوو ۴۲۰۰ نفردیگراز دانشمندان را مدتی مأمور و مجبور آماده ساختن موشك V-۲ کردند.

درسال ۱۹۳۲ موشکی عظیم توسط براون‌وهمکارانش ازآلمان بفضا پرتاب شد که مردم محله‌ای بزرگ از شهر لندن حیرت زده وترسان‌علت انفجار ولرزش شدید را ازهم می‌پرسیدند.

این دانشمند اکنون درامریکابسرمیبردوسرپرستی برنامهٔ فضائی امریکا را بعهده دارد از بام تا شام می‌کوشدکه‌آدمی بتواند در راه تسخیرفضا ورسیدن انسان بکره ماه موفق شود.

براون Browne (۱۸۶۲-۱۹۲۶)

ادواردگرنویل براون یکی‌ازخاورشناسان معروف انگلیسی است‌که درمعرفی ادبیات ایران به اروپا سهمی عظیم داشت. درآغازبه‌فراگرفتن‌زبان ترکی همت‌گماشت اما درعمل ملاحظه‌کردکه برای‌آموختن زبان ترکی بایستی‌زبان فارسی وعربی را نیزفراگیرد ازآن پس فارسی وعربی را نیزفراگرفت. چندی بعد ازدانشگاه به‌دریافت درجه دکتری درطب موفق شد. چون شور وعلاقه‌ای وافر به‌ادبیات داشت آثاری از فارسی به انگلیسی ترجمه کرد. از جمله کتاب تاریخ ادبیات فارسی ادوارد براون معروف است همچنین ترجمه انگلیسی چهارمقاله عروضی، تاریخ طبرستان، تذکرةالاولیاء و . . . . . می‌باشد.

ادوارد براون با دوستان ایرانی خود همیشه معاشر بود بطوریکه معاشران وی نقل کرده‌اند وی واقعاً شیفته ودلباخته ادبیات فارسی بود.

براون (۱۶۰۵-۱۶۸۲)

تامس براون ازنویسندگان بزرگ انگلستان در قرن هفدهم بود که سبکی شیوا و نثری‌پخته داشت‌ازآثارمعروف‌این طبیب نویسنده مذهب یك پزشك، دفن درظرف میباشد.

براون

کارل فردیناند براون یکی ازعلمای بزرگ فیزیك آلمان بود بواسطه تحقیقاتی که درباب فیزیك بعمل آورد درسال ۱۹۰۹ با مارکونی مشترکاً موفق به دریافت جایزه نوبل در فیزیک شد .

براونینگ (۱۸۱۲-۱۸۸۹)

رابرت براونینگ شاعرانگلیسی اشعاری شورانگیز سرود **حلقه وکتاب** ازآثارمعروف وی است براونینگ عاشق شاعره‌ای انگلیسی‌بنام‌الیزابت‌بارت (۱۷۰۶-۱۸۶۱) گردیدسر انجام بااین‌زن‌ازدواج‌کرد . گویند زندگی‌سعادتمندانه داشتند **داستان انگشتری** ، شب عید میلاد مسیح ، **مردان و زنان** برخی دیگر از آثارش است .

بریل Braille (متوفی بسال ۱۸۵۲ میلادی)

لوئی بریل در حدود ۱۸۰۶ یا ۱۸۰۹ در فرانسه بدنیا آمد از سه‌سالگی نابینا شد اما با همت و پشتکاری کم نظیردرموسیقی و نواختن ارگ بفعالیت پرداخت وازموسیقیدانان بنام فرانسه‌گردید اما اهمیت‌کار این نابغه نابینا اختراع الفبای خاصی است که بوسیله آن نابینایان می‌توانند بالمس‌کردن‌آنها باسواد شوند ومطالب رابخوانندا کنون‌الفبای اختراعی بریل‌بنام روش والفبای بریل معروف ودرسراسر دنیارایج ومورد استفاده نابینایان است.

بُقراط (حدود ۴۶۰-۳۷۰ ق - م) **Hipocrates**

بقراط پدر طب یونانی در کوس در نزدیکی آسیای صغیر بدنیا آمد از شرح زندگی وی جز افسانه‌های متعدد چیز درستی دردست نیست همچنین تعلیماتش را خود تصنیف‌نکرد بلکه شاگردان او بدینکار دست زدند اما این تعلیمات چنان سودمند بود که حدی برای‌آن متصور نیست زیرا برای نخستین بار گفت که بیماری وتندرستی در دست خدایان نیست‌بلکه در دست طبیعت وخود انسان است . زیرا اخلاط چهارگانه : خون ، صفرا ، سودا ، بلغم همچنین عناصرچهارگانه : آب ، آتش ، خاك ، هوا دروضع جسمانی انسان موثر است‌بقراط دستورهای بسیار دقیقی در باره معالجه وجراحی وطرز سلوك و رفتار مهر و محبت‌آمیز با بیمار را داده بود ونیزمطالبی اخلاقی ومفیدکه باید یك پزشك شرافتمند رعایت‌کند و بکار بندد بیان‌کرده بود .

بقراط‌میدانست‌که مغزمرکزشعورمیباشد همچنین بواسطه دسترسی‌نداشتن کالبدشکافی‌و تشریح اعتراف به ناقص بودن‌کار خود میکرد .

بوث Booth (۱۸۴۰-۱۹۱۶)

چارلز بوث ازجامعه شناسان بزرگ انگلیسی بود که درزندگی فقیرانه‌تهیدستان لندن مطالعات وبررسی‌های عالمانه‌ای بعمل‌آورد وحاصل نظرات خودرا درکتاب زندگی ومشقات مردم لندن درج کرد .



بویل

بویل Boyle (۱۶۲۷-۱۶۹۱)

رابرت بویل انگلیسی اولین دانشمندی است‌که میان عناصر شیمیائی ومواد مرکب فرق و تفاوت قائل‌گشت و فعل وانفعال و تحلیل را وصف نمود .

قوانینی‌بنام بویل وجود دارد .



BISMARCK

بیسمارك Bismark (۱۸۱۵-۱۸۹۸)

پرنس اوتوادوارد لئوپولد فون بیسمارك ـ شوین هاوس در خانواده‌ای اشرافی‌بدنیا آمد دوره تحصیلات دانشگاهی را همراه بامنازعات بـا مردم بپایان رسانید چندین زبان فراگرفت درجریان شورش‌های سال ۱۸۴۸ میلادی که در ناحیه پروس نهضت ملی برپا-خاست مجلس شورائی تشکیل‌گردید ونمایندگانی برای نظارت براموردولت ازطرف‌مردم برگزیده شدند نماینده‌ای که از محل بیسمارك انتخاب شده بیمارگشت لذا ویرا بجای آن نماینده به مجلس فرستادند چون بیسمارك درمجلس برلن بخطابه‌های‌آتشین ودفاع ازمنافع اشراف وحق خدائی پادشاه پرداخت و مورد توجه محافظه‌کاران قرار گرفت . پادشاه را باعمال‌زور تشویق‌کرد .

بیسمارك‌همانطورکه ازحقوق اشراف وحق خدائی پادشاه سخن میگفت و از وحدت بخشیدن‌به‌کنت نشین‌ها ودولت‌های‌کوچك بحث‌می‌کردکه‌خیلی مورد توجه‌قرارگرفت وسخنان و اقدامات جنگی وسیاسی بیسمارك باعث شدکه امپراطوری پرقدرت آلمان بوجود آید و در مدتی کوتاه اروپا را بخاك و خون بکشد . خودنیز جنگ را یکی از ابزارهای سیاست میدانست‌گروهی‌کثیر ازمردان و زنان را برای مطامع سیاسی خود بکشتن داد . باتکبر و

تفرعن‌خاصی نسبت بمردم غیرآلمانی رفتارمیکرد وباآلمان نیز رفتارش رفتار پدر بفرزند وآمرانه بود .

بیسمارك بعدازمرگ ویلیام اول مدتی درمقام صدراعظمی‌آلمان باقی بوداما بزودی میان ویلیام دوم وبیسمارك اختلاف عقیده وسلیقه پدید آمد وبعد ازمدتی بیسمارك در خانه خود بحال قهرماند تا شاید امپراطور آلمان ویرا احضار و عذر خواهی کند اما امپراطور دست بچنین اقدامی نزد . بیسمارك باین طریق از صدراعظمی آلمان معزول‌گشت ازآن‌پس به املاك اجدادی خود رفت وبنوشتن وصیتنامه سیاسی خود بنام‌اندیشه و آگاهی در۳ جلد پرداخت‌که دوجلدآن راجع به دوران صدر اعظمی و اقدامات جنگی و سیاسیش وجلد سوم مربوط بزمانی بودکه ازکار صدراعظمی‌معزول شده وبرامپراطورآلمان خرده‌ها وانتقادات فراوانی وارد ساخت .


BUFFON

بوفون Buffon (۱۷۰۷– ۱۷۸۸)

ژرژلوئی لکلرك بوفون فرانسوی یکی از علمای بزرگ طبیعی بود که کتابی عظیم شامل اطلاعاتی وسیع در باب زمین و تاریخ آن و انسان وگیاهان و جانوران و سنگها تألیف‌کرد .

این‌مرد دانش هرروز ازساعت ۵صبح ازخواب برمیخاست وروزانه بیش از۱۲ساعت مطالعه وتحریر میکرد . ومدت ۵۰ سال عمرش را بدینسان صرف‌کرد .

عیبی‌که بربوفون گرفته‌اندآنستکه اهل‌تجربه نبود بااینحال‌کتاب‌تاریخ طبیعی وی که بانثری سنگین‌وشیوا نگارش یافته‌است. اما ازطرفی دراین اثر بزرگ بوفون همه‌جا روح علمی‌دیده میشود . تاریخ زمین را از روی فسیل‌ها معین‌کرده ومورد تفحص و بحث قرار داده است. پیدایش زمین‌راازبرخورد یکی ازستارگان دنباله دارباکره خورشیدمی‌پنداشت. تغییر ودگرگونی در انواع حیوانات ازافکار بوفون است وی میگفت‌که میمون انسانی بود که به درجه پائین‌تری نزول‌کرد . همچنین درآثارش از مشیت وحکمت الهی چیزی بچشم نمیخورد . بااینحال دربن‌کتاب اشتباهاتی وحشتناك وکودکانه وجود دارد .

با اینکه دستگاه روحانیت و دانشگاه سربون به مخالفت باوی برخاستند اما بوفون

بازیرکی خاصی خود را ازچنگ آن رهانید همه مجلدات تاریخ طبیعی بوفون که شامل ۴۴ جلد بود بطبع رسید .

بومارشه Baumarchais (۱۷۹۹-۱۷۳۲) فرانسوی

پی یر کارون بومارشه در پاریس متولد شد . درآغاز به ساعت سازی مشغول بود و از راه تعمیر ساعت‌های دربار، بدانجا راه یافت چندی بعد معلم‌چنگ دختران شاه شد وروز- بروز برمقامش افزوده میشد تااینکه مقاله‌ای برضد مظالم و مفاسد دادگستری منتشر کرد و سیاهکاریهای دستگاه قضائی را بر ملا نمود همین امر سبب فروافتادن وی از مقامات مادی گردید اماکار نوشتن را دیگر رها نساخت بعد از وقوع انقلاب‌کبیر بزندان افکنده اماپس ازچندی‌آزادشد ومأموریتی از طرف دولت در هلند بوی داده شد . از آثارش :

ریش‌تراش سویل ، عروسی فیگارو ذکرمیگردد .

بونار (۱۹۴۷-۱۸۶۷)

پیربونار در پاریس پا بعرصه هستی نهاد . تحصیلاتش را در رشته حقوق دنبال کرد اما در امتحانات نهائی وکلای دادگستری توفیقی نیافت روی همین اصل به‌هنر نقاشی رو نمود . آثاری متعددکه ۶۵۰ آبرنگ وپنجهزار طرح وپانصد پورتره می‌باشد پدیدآورد.

سزان نقاش معروف دربارهٔ بونار چنین گفته بود : «هیچیك ازپرده‌های او خارج از قاعده وناموزون نیست .»


BIZET

بیزه Biset (۱۸۷۵-۱۸۳۸)

ژرژبیزه ازکودکی نزدپدرش موسیقی فرامیگرفت . پس از تحصیل‌دررشته موسیقی بملاقات ومعاشرت با **هالوی** استادکنسرواتور ، دختراین مردرا بزنی‌گرفت .

درسال ۱۸۶۳ اپرائی بنام **صیادان‌مروارید** درپاریس تصنیف‌کرد . چندین‌سال بعد اپرای**جمیله** رابوجودآورد وچندی‌بعد اپرای**کارمن** را تصنیف‌کرد .



BERLIOZ

برلیوز- هکتور Berlioz - Hector.

هکتور برلیوز آهنگساز نامدار فرانسوی درسال ۱۸۰۳ دریک خانوادهٔ ثروتمند بدنیا آمد. از کودکی به‌موسیقی علاقمند بود اما پس‌ازچندی برای تحصیل طب به پاریس رفت، لکن در آنجا به موسیقی روی‌آورد و به کنسرواتوار پاریس وارد شد. در ۱۸۲۸ برلیوز با موسیقی آلمان و آهنگسازان آن، بتهوون و وبر آشناشد. درسال ۱۸۵۰ انجمن فلارمونیک‌را بنیان گذارد که چندان پیشرفتی نکرد. برلیوز در پایان زندگی دچار سختی و اندوه فراوان شد و سرانجام در سال ۱۸۷۹ دارفانی را وداع گفت. وی از پیشوایان موسیقی توصیفی فرانسه بشمارمی‌رود. مهارت وی درموسیقی سنفنیك وآواز است. چندآهنگ برجستهٔ وی عبارتند از، سنفونی هارولد در ایتالیا، ارتور لیرشاه، سنفونی فانتاستیك، ارتوکرس سنفونی رومئو و ژولیت، اورتور کارناوال روسی.



برنارد -کلود Bernard - Claude

کلود برنارد زیست‌شناس نامدارفرانسوی‌درسال ۱۸۱۳ درشهرسن‌ژولین‌فرانسه بدنیا آمد. نخست به شاگردی در یك داروخانه پرداخت اما بعداً وارد دانشکدهٔ پزشکی پاریس گشت. درسال ۱۸۳۹ فارغ‌التحصیل‌شد. درسال ۱۸۴۷ درکولژدوفرانس بمقام‌استادی‌رسید. دوسال بعد براثر کشف لوزالمعده و بی‌بردن به‌اهمیت‌آن در بدن بدریافت‌جایزه‌ای‌ازطرف‌فرهنگستان‌علوم نایل شد. درسال ۱۸۵۱ باکشف چگونگی کارکبد و ساختمان قند دربدن‌جایزهٔ‌دیگری گرفت. پس‌از چندسال به‌چگونگی گردش خون دربدن و ثابت‌بودن درجه حرارت پستانداران پی‌برد. در اواخر عمر، پس‌ازسالها کار وتحقیق‌علمی کتاب «مقدمه‌ای برطب تجربی» را نوشت. برنارد با ثابت‌کردن جبر علت ومعلول درعلم پزشکی آنرا برپایه دانش‌های مثبت وعلمی‌استوار کرد. او را پدر علم زیست‌شناسی و پزشکی‌نوین می‌خوانند. در سال ۱۸۷۸ زندگی را بدرود گفت.

بطلمیوس -کلود Ptolmee - Claude

کلود بطلمیوس ستاره‌شناس یونانی درسال ۲۴۰ قبل‌از میلاد در اسکندریه بدنیا آمد. درعلوم ریاضی خاصه نجوم معلومات فراوانی داشت. قبل‌از بطلمیوس ستاره‌شناس دیگری بنام هیپاك بکار رصد ستاره‌ها و بررسی کره زمین و خورشید و ماه پرداخته بود و درواقع‌بطلمیوس دنبالهٔ کار او راگرفت. ازکاوشهای‌او اندازه‌گیری فاصله زمین تا ماه، تهیه‌صورت نام ستارگان و اصلاح طرح علم مثلثات را می‌توان نام‌برد. کتاب‌او «المجسطی» نام دارد که در هیئت ونجوم نوشته شده است و تاقرن پانزدهم بزرگترین سند ونوشتهٔ ستاره‌شناسی بشمارمی‌رفت ولی بااشاعهٔ نظریات کوپرنیك وگالیله ارزش خود را از دست‌داد، لکن هنوز بعضی از عقاید وتئوریهای‌او مورد قبول دانشمندان است. این ستاره‌شناس‌نامدار بسال ۱۶۸ قبل‌از میلاد مسیح درگذشت.

بوکاچیو **Boccoccio** نویسنده وشاعر معروف ایتالیائی است که بسال **۱۳۱۳** میلادی متولد گردید.درشهر**فلورانس** به‌تعلیم وتربیت پرداخت ودرجوانی بناپل‌رفت درسال ۱۳۴۱ ازناپل بفلورانس‌بازگشت وبمطالعهٔ نجوم‌وزبان یونانی‌پرداخت وسپس‌بچندشهرایتالیامسافرت کرد. وی در**۱۴۶۵** میلادی با منصب سفارت از فلورانس بدربار پاپ رفت وپس ازمراجعت از آنجا چند سالی نگذشته بودکه مجدداً بسفارت تعیین‌شد.

بهترین و معروفترین کتاب وی **«دکامرون»** نامدارد، که ازکتب مهم ادبی وکلاسیك ایتالیا بشمار میرود وباغلب زبانهای زندهٔ دنیا ترجمه‌گردیده. بوکاچیو بسبب دوستی نزدیك با **پترارك** بیشتر درآثار خود تحت تأثیر ونفوذ ادبی وی قرار گرفته است. وی به سال**۱۳۷۵** رخت از جهان بربست.

سیمون‌دوبوار

این نویسنده معاصر فرانسوی، دوست ومنشی ژان پل سارتر فیلسوف و نویسنده نامور فرانسه‌است.او در۹ ژانویه سال**۱۹۰۸** درپاریس بدنیا آمد. سیمون دوبواریکی ازکسانیست‌که ازمکتب اگزیستانسیالیسم پیروی میکند؛ آثار مشهوراوعبارتنداز:
ماندران ، میهمان و خاطرات یك دختر جوان



H. POINCARÉ

پوانکاره ـ هانری Poincaré - Henri

هانری‌پوانکاره‌ریاضی‌دان‌معروف‌فرانسوی‌است که‌درسال ۱۸۵۴ ازخانواده‌ای‌بنام‌وسرشناس درشهرنانسی‌فرانسه به‌جهان‌آمد. درسال ۱۸۷۳ وارد هنرسرایعالی فنی پاریس‌شد. پس‌ازپایان دورهٔ هنرسرایعالی باستادی در دانشگاه «کان» برگزیده شد. در ۲۷ سالگی کشف بزرگی کرد و «توابع فوکس»را بجهان عرضه‌داشت. بررسی‌های پوانکاره دربارهٔ پیدایش‌جهان، آنالیز، نور والکتریسیته و همچنین جبر وهندسه وحساب احتمالات بسیارمهم و دقیق است وی‌درفلسفه و علوم‌نظری صاحب‌نظر و محقق بود. پوانکاره به‌کشف و حل مسایل بسیاری درریاضیات نایل آمدکه تا آنزمان به‌پی‌بردن آنها ناتوان بودند، کتابهای زیادی در زمینه‌های گوناگون علمی نوشت‌که برجسته‌ترین‌آنها در ریاضیات وفلسفه عبارتند از: علم‌وفرض، علم‌وروشنی،مفروضات تکوینی، روشهای نوین درمکانیك آسمانی و ارزش‌علم.

تسوایگ ـ اشتفان Tesweig - Stephon

اشتفان تسوایگ نویسندهٔ اتریشی در سال ۱۸۸۱ از یك خانوادهٔ ثروتمند اتریشی در وین بدنیا آمد. پس‌از پایان تحصیلات دررشتهٔ حقوق به‌مسافرت درکشورهای اروپایی پرداخت. تسوایگ‌کار نویسندگی و ترجمه خودراازسال ۱۸۹۴ شروع کرد. وی پیرو آئین یهود بود وپس ازروی‌کارآمدن نازیها درآلمان، به‌برزیل‌رفت وهم‌درآنجا خودکشی کرد. تسوایگ نویسنده‌ای رئالیست بود. او درنوشته‌هایش می‌کوشید که غریزه‌ها، عشق‌ها، تمایلات و جریانهای روانی قهرمانانش را تشریح کند و دراینراه به‌بریزه‌کاریهای روانشناسی و جامعه‌شناسی ودیگر دانش‌ها توجهی ژرف ازخود بروز میداد. اهم نوشته‌های او عبارتند از: نامهٔ یك زن ناشناس، آموك، شطرنج‌باز. درزمینهٔ بیوگرافی: بالزاك، مازلان، فروید وماری استوارت.

تسوایگ بسال**۱۹۴۲** دربرزیل خودکشی کرد.

ترومن، هاری



سیاستمدار امریکائی متولد سال ۱۸۸۴ فارغ التحصیل مدرسه حقوق کانزاس سیتی.

ازسال ۱۹۲۲ ـ الی ۱۹۲۴ در محکمه ایالت جاکسون (میسوری) به قضاوت پرداخت. ازسال ۱۹۲۶ الی ۱۹۳۴ ازایالت میسوری به‌عنوان سناتور انتخاب گشت وتاسال ۱۹۴۴ دراین سمت باقیماند. از ژانویه تاآوریل سال ۱۹۴۵ نیابت ریاست جمهوری دول متحده امریکا به‌وی واگذارشد.

در ۱۲ آوریل سال ۱۹۴۵ به جانشینی روزولت بعنوان ریاست جمهور امریکا برگزیده شد. درسال ۱۹۴۹ مجدداً عنوان ریاست جمهوری امریکا را برای خود حفظ نمود وتاسال ۱۹۵۳ دراین سمت باقیماند.

وی تابحال باخذ چندین نشان ودرجات افتخاری نایل آمده است. درجه افتخاری دکتری حقوق ازدانشگاه آکسفورد ـ جایزه وودراو ویلسون بخاطرخدمات برجسته وی درسازمان ملل متحد (۱۹۵۰) نشان افتخار ازنیویورك سیتی (۱۹۵۹) ازآنجمله‌اند.

ازآثار وی :

سالهای تصمیم ، رعیت ، درسالهای دادرسی وامید میباشد.

تیتو ، ژوزف بروز



سیاستمدار معروف یوگسلاوی متولد سال ۱۸۹۲ از سال ۱۹۱۴ ـ ۱۹۱۵ درارتش مجارستان خدمت نمود. ازسال ۱۹۱۵ الی ۱۹۱۷ بدفعات دراردوگاههای نظامی شوروی زندانی گشت . در انقلاب روسیه شرکت نمود، بعد به یوگسلاوی مراجعت نمود و تاسال ۱۹۲۷ به‌عنوان مکانیك ومتخصص ماشین آلات درکارخانه‌های مختلف مشغول شد.

ازسال ۱۹۲۷ الی ۱۹۲۸ ریاست اتحادیه کارگران فلزـ کاری رابه‌عهده گرفت. بعد درفعالیتهای حزب غیرقانونی کمونیست یوگسلاوی شرکت نمود و در سال ۱۹۲۸ به شش سال حبس بعلت وسیله سازی وتوطئه چینی محکوم گشت پس ازآزادی کشور یوگسلاوی راترك نمود ، وازسال ۱۹۳۶ الی ۱۹۳۸ به تشکیل بریگاد بین‌المللی درجنگهای داخلی اسپانیا همت گماشت . قبل ازپایان جنگ جهانی دوم به یوگسلاوی مراجعت نمود و پس از حمله قوای پارتیزانها در سال ۱۹۴۳ به ریاست کمیته ملی حزب آزادیخواه انتخاب گشت ازسال ۱۹۴۵ الی ۱۹۵۳ سمت وزیری و وزارت دفاع ملی به‌وی واگذارشد.

درسال ۱۹۵۳ به ریاست جمهوری وشورای اجرائی فدرال وفرمانده کل قوای یوگسلاوی نایل آمد .

چیانگ کای شك

سیاستمدارچینی متولد سال ۱۸۸۷ فارغ التحصیل آکادمی نظامی توکیو، مؤسس آکادمی نظامی «وامبو» درسال ۱۹۲۴ دراولین ودومین انقلاب چین تحت رهبری سان‌یات‌سان شرکت نمود باخواهرزن سان ـ یات ـ به‌نام ملینگ‌سونگ ازدواج نمود (۱۹۲۷) درسال ۱۹۲۸ «هانکو» راتسخیر کرد وحکومت «نات» رابنانهاد ومخالفت خود راباکمونیستها آغازنمود درسال ۱۹۲۸

به ریاست دولت وفرماندهی کل قوای زمینی نایل آمد.
درسال ۱۹۳۲ به ریاست شورای نظامی نیزدست یافت و در همین سال فرماندهی قوای نیروی دریائی وهوائی ملی رانیزبه عهده گرفت ودرسال ۱۹۳۵ قوای مجهزخود را علیه ژاپن آماده نبرد ساخت وتوجه بیشری به‌قوای نظامی خویش مبذول داشت.
در سال ۱۹۳۸ به ریاست حزب ملی چین انتخاب گشت.
در سال ۱۹۳۹ ریاست‌سیاسی خلق‌بوی واگذار شد وبالاخره در سال ۱۹۴۸ دراولین انجمن ملی به‌ریاست جمهوری چین ملی انتخاب گشت. درسال ۱۹۴۹ ازکارکناره‌گیری نمود ودوباره در سال ۱۹۵۴ بریاست جمهوری چین انتخاب‌گردید وی تألیفاتی دارد که ازآنجمله میتوان «سرنوشت چین» را نام برد.

چرچیل، سروینستون



سیاستمدار ونویسندهٔ انگلیسی متولد سال ۱۸۷۴ فارغ‌التحصیل هاروو‌ساند هرست. درسال ۱۸۹۵ وارد ارتش شد. در کوبا باقوای اسپانیا و در هندوستان باقوای مالاکاند فیلد، در افریقای جنوبی‌باقوای نیل همکاری داشت. درجنگ اول جهانی شرکت جست ازسال ۱۹۰۰الی ۱۹۰۶ نماینده محافظه‌کار الدهام و از سال ۱۹۰۶ الی ۱۹۰۸ نماینده شمال غربی منچستر و از ۱۹۰۸ الی ۱۹۲۲ نماینده داندی و از سال ۱۹۲۴ الی ۱۹۴۵ نماینده محافظه‌کارناحیه اسکس ودرسال ۱۹۴۵ نماینده وودفورد بود وازسال ۱۹۰۸ الی ۱۹۱۰ نیزریاست هیئت بازرگانی ودرسال ۱۹۱۱ الی ۱۹۱۵عنوان لرداداره دریاداری‌انگلستان راداشت بعد به راینزنی‌دوك نشین لانکستربرگزیده شد. وبالاخره پس ازاحرازتعدادی مشاغل حساس‌ازسال۱۹۴۰ الی ۱۹۴۵ عهده‌دار وزارت دفاع ملی واولین لرد خزانه‌داری انگلستان گشت.
درسال ۱۹۵۱ مستعفی گشت و بالاخره درسال۱۹۵۲ دوباره به وزارت دفاع ملی رسید ازسال ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۵ رهبرحزب محافظه‌کاربود وی صاحب تألیفات ذیقیمتی است که ازآنها میتوان:
«بحران جهان»، «تشکیل بریتانیا»، «عصرانقلاب»، «دمکراسیهای بزرگ»، و «خاطرات جنگ» رانام برد. چرچیل در سال ۱۹۶۵ درگذشت.

خروشچف، نیکیتا

سیاستمدار روسی.متولد سال ۱۸۹۴ فارغ‌التحصیل آکادمی صنعتی مسکو در سال۱۹۱۸ به‌حزب‌کمونیست پیوست.
در امور مربوط به‌حزب در مسکو واوکراین فعالیت فراوانی ازخود نشان داد.
از سال ۱۹۳۲ الی ۱۹۳۷ دبیرکلی‌کمیته حزب کمونیست شهر را به عهده داشته. از سال ۱۹۳۷ سالی ۱۹۵۳ دبیر اول حزب بوده.
در سال ۱۹۳۴ عضویت‌کمیته مرکزی حزب‌کمونیست‌اتحادجماهیر شوروی راپذیرفت.
ازسال ۱۹۳۸ الی ۱۹۴۹ دبیرکل‌کمیته مرکزی حزب‌دراواکراین شد. از سال ۱۹۳۹ الی ۱۹۵۳ اداره سیاسی‌کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیرشوروی به عهده وی‌واگذار شد. در جنگ دوم جهانی به‌عضویت‌شورای نظامی قسمتهای جنوبی،وجنوب غربی،استالینگراد واوکراین درآمد. در سال ۱۹۴۶ به ریاست‌شورای وزراء در اوکراین‌برگزیده شد. ازسال

۱۹۴۹ الی ۱۹۵۳ دبیرکل کمیته حزب کمونیست شد . در سال ۱۹۵۲ و ۱۹۵۳ به ریاست ودبیراولی حزب نایل گردید .

در سال ۱۹۵۸ ریاست شورای وزراء ونخست‌وزیری بوی‌تعویض میگردد .

وی باخذ نشانهای لنینی وبرچم سرخ وداس وچکش نایل‌آمده است وبعداز کناره گیری ازسیاست درگذشت

دالائی، لاما

حاکم وپیشوای مذهبی تبت ــ متولد سال ۱۸۳۴ .

درسال ۱۹۳۹ در «لهاسا» برمسند حکمرانی نشست . ازسال ۱۹۳۹ تا ۱۹۵۰ نیابت سلطنت را داشت درسال ۱۹۵۰ به نهایت قدرت وتسلط خویش رسید.

از سال ۱۹۵۶ الی ۱۹۵۹ عهده‌دار ریاست کمیته موقت ناحیه خود مختار تبت شد .

درسال ۱۹۵۹ تبت رابه قصدهندوستان (پس‌ازمقاومت بسیاردربرابرکمونیستهای‌چینی) ترك نمود.

دراین هنگام بودکه ازجانب سایربودائیها به پیشوائی برگزیده شد.

درسال ۱۹۵۹ به اخذ درجه دکترا درفلسفه بودانایل آمد.

دوگل ، شارل



متولد سال ۱۸۹۰ درشهر لیل فارغ التحصیل مدرسه عالی سن سیرودانشگاه نظامی فرانسه درسال ۱۹۴۰ فرماندهی قسمتی ازقوای حومه پاریس به عهده‌وی بود درزمان اشغال آلمانها رهبری نهضت مقاومت فرانسه را در-دست داشت . پس‌ازتسلیم‌حکومت فرانسه به‌آلمان وروی کارآمدن دولت ویشی ، بانگلستان‌گریخت وبالاخره دولت فرانسه‌آزاد را بکمك متفقین تشکیل داد. درسال ۱۹۴۴همراه قوای امریکائی وانگلیسی ونیروهای فرانسه آزاد خود درخاك فرانسه پیاده شدو تاسال ۱۹۴۶رئیس حکومت فرانسه بود.

دراین سال ازسیاست‌کناره‌گرفت‌ودرسال ۱۹۴۸ یك حزب سیاسی بنام حزب ا.پ.اف ـ تشکیل داد.

وی تازمان انقلاب الجزایردست ازکارو فعالیت سیاسی خودکشید ولی در سال ۱۹۵۸ که درالجزایرکودتا شد مجدداً ، روی‌کارآمد وبالجزایررفت وپس ازبررسی‌کامل نظرخود را دائربرخود مختاری الجزایراعلام‌نمود. درسال ۱۹۵۹ ژانرالهائی راکه علیه وی شورش‌کرده بودند دستگیر وبازنشسته‌کرد ودرسال ۱۹۶۱ باقدرت شگرف خود علیرغم دست راستیهاکه او راتهدید میکردند رفراندم معروف خود رابنفع خود مختاری الجزایرعملی ساخت . پس ازکناره گیری ازسیاست درگذشت.

XÉNOPHON



گزنفون

گزنفون ـ درناحیه «ارشیا» واقع در«اتیك» درحدود ۴۳۰ پیش‌ازمیلاد بدنیا آمد. اوبخانواده‌ای اشرافی‌تعلق داشته است. حوادث مهم زندگانی وی یکی برخورد باسقراط است که کاملا نقش‌پذیر نفوذ اخلاقی این فیلسوف میگردد ودیگری شرکت وی درلشگر کشی کورش‌دوم‌وپس‌ازشکست «کناك» عقب‌نشینی‌اوبسرکردگی ده‌هزار سرباز مزدوریونانی است وسومی‌شرکت

وی با اسپارتی آت‌آرزیلاس در جنگ آسیا و سپس در جنگ با «تب» و « آتن » و سرانجام بازگشت به «سیلنت» ملك شخصی اوست .گزنفون در ۳۷۱ به‌حوالی«کرنت» نقل مکان کرد و در حدود ۳۵۰ درگذشت. اثر مهم وی اساساً دوکتاب تاریخ است (آنابازیس) که داستان لشگرکشی ده‌هزارتن یونانی و«هلنی‌ها» که درآن ازسال ٤۱۱ پیش‌ازمیلاد دنبالهٔ تاریخ ناتمام «توسیدید» را مینویسد ویك کتاب بنام «خاطرات» که خاطرات خود را دربارهٔ سقراط در آن مینویسد وچهارمی کتاب « تربیت کورش » است که دراینکتاب زندگی کورش بزرگ را بنحوی افسانه‌آمیز برشته تحریر در آورده است و اخلاق وعادات این پادشاه را مثال اعلی و سرمشق شهریاری و کشورداری نشان میدهد ودیگرازآثار این مورخ ، رسائلی است که درباره اقتصاد و شکار واسب‌سواری ، فرماندهی سواره‌نظام نوشته است .

گاریبالدی


GARIBALDI

جوسپی گاریبالدی ــ فرزند یك ملاح فقیر بود که در٤ ژوئیهٔ **۱۸۰۷** درنیس **فرانسه** متولدگردید . بزودی **گاریبالدی** همانند پدر راه دریاراپیش‌گرفت . در**۱۸۳۴** وارد نهضت «ایتالیای جوان» برهبری مازینی، شده وبرای شرکت در تسخیرشهر جنوا محکوم بمرگ شد . سرانجام بامریکا جنوبی‌گریخت پس ازمدتی چوپانی ، ملاحی‌کشتی وتدریس ریاضیات ، در ۱۸٤۷ بجنك جویان مونته ویدو پیوست وبرضدنیروهای آرژانتین ، جنگید وخودرا بعنوان یك فرمانده ورزیده ارتش ایتالیا شناسانید .

در ۱۸٤۹ به دولت انقلابی‌رم‌پیوست وبرای‌حکومت جمهوری رأی داد وباسپاه‌خود ارتش‌فرانسه رامجبوربعقب‌نشینی‌کرد . دراین هنگام‌که نیروهای ایتالیایی پی‌درپی بردشمن پیروز میشدند مازینی فریب خورد وحاضربمتارکه‌جنك‌گردید. فرانسه ازفرصت‌استفاده نمود وبیکباره رم را محاصره‌کرد. **گاریبالدی** دفاع درخشانی ازشهرنمود، ولی بالاخره عبور بعقب نشینی شد .

ازطرف قوای اتریش تاسواحل دریای‌آدریاتیك‌تعقیب شد. دراین‌جنك سردارفرانسوی کشته، شد، ولی **گاریبالدی** دستگیرشد وبه نیویورك تبعیدگردید .

درآنجا هیجده ماه بعنوان شمع ساز کارکرد و سپس‌کاپیتان یك‌کشتی تجارتی شد.در ۱۸۵٤باردیگربایتالیا بازگشت ودر جزیره کاپریرا بکشاورزی پرداخت . در **۱۸۵۹** جنگ آزادی ایتالیا فرصتی باوداد تاخدمت شایسته‌ای به ویکتوراما نوئل کند .

هنگامیکه ویکتوراما نوئل باآراء عمومی مردم بعنوان پادشاه برگزیده شد،**گاریبالدی** ازپذیرش هرگونه هدیه‌ای سرباز زد ودر ۱۸۶۳ باکشتی به پایتخت فرانسیس پادشاه اسبق ایتالیا حمله برد،ولی دولت فرانسیس بمقابلهٔ او آمد وسرانجام وی را دستگیر ودر ۲۸ اوت زندانی‌کردند . او از زندان‌گریخته وبانگلستان رفت ، ولی‌از طرف دولت ویکتوراما نوئل به ایتالیا دعوت شد ودرجنك ۱۸۶۶ درتیرول وی رهبری «سرخ جامگان» رابعهده‌گرفت . در این اوان ونیز دوباره بایتالیا واگذارده شد . در ۱۸۷۰ معاون امور ویکتور امانوئل شد .

وی در ۲ ژوئن سال ۱۸۸۲ درگذشت

پاپن (۱۷۱۴-۱۶۴۷)

دنی‌پاپن در فرانسه متولدگشت . درآغاز در پاریس بتحصیل طب پرداخت پس از چندی به لندن رفت و با ربرت بویل در تکمیل ماشین فشارهوا همکاری‌کرد . بعدها بفکر افتادکه از نیروی بخار استفاده‌کند لذا باکوشش و فعالیت‌کم‌نظیری موفق باختراع دیگ بخارکه بنام دیگ بخار پاپن معروف است‌گردید . همچنین یك‌کشتی که با نیروی بخارکار میکرد اختراع نمود اما ازهمه این مساعی مهم ومفید سودی نبرد عاقبت درفقر وتنگدستی در لندن چشم از جهان فروبست .

پطر کبیر (۱۶۷۲ - ۱۷۲۵)

پطراول‌یا پطرکبیر درسال ۱۶۷۲ درمسکوبدنیا آمد چون‌پدرش‌آلکسی میخایلوویچ درگذشت در سال ۱۶۸۲ بسلطنت رسید. اما دوره حکومت واقعی پطر اول از سال ۱۶۸۹ آغاز شد .

پطراول مردی‌قوی هیکل، عظیم‌الجثه، متهورو بی‌رحم اما اصلاح طلب بود که برای ترقی روسیه از هیچگونه کوششی فروگذار نمیکرد حتی اگرعده‌ای جان خود را درین راه از دست میدادند . درنوشیدن مشروبات الکلی افراط میکرد با اینحال بمحض اینکه اراده میکرد بر سرعقل میآمد . از جنبه مذهبی خود را مأموری ازجانب خدا میدانست. با اینکه در راه تجددگامهای بلندی برداشت با اینحال دربعضی مواقع سخت متعصب بود .

پطر اول برای ترقی روسیه و اقتباس تمدن جدید اروپای غربی مردم روسیه را بکوشش واداشت و درعین حال بفتوحات نظامی و افزودن بر منطقه نفوذ روسیه‌پرداخت .

پطر مدتی از زندگی خود را بطور ناشناس در آلمان برای فراگرفتن ریخته‌گری توپ ومدتی نیزدرهلند برای‌آموختن‌کشتی سازی‌گذرانیدآنگاه به‌انگلستان رفت ومقداری کتب و نقشه و طرح های دریانوردی و قطب‌نما خریداری کرد . سفری به پاریس کرد درین هنگام خبر یافت‌که اعیان روسیه سر بشورش برداشته‌اند لذا سفرخود راناتمام‌گذاشت و بروسیه بازگشت و با بی‌رحمی تمام مخالفان را بدار آویخت و دشمنان خویش را با شقاوت تمام از میان برد .

اولین اقدامی‌که پطر برای قبول‌تمدن وترقیات اروپای‌غربی‌کرد این بودکه‌عده‌ای

ازنجبا و اشراف را در تالاری درسال ۱۸۹۸ گردآورد و با قیچی ریش های بلند آنهارا برید و پوشیدن لباس‌های بلند روسی راممنوع ساخت و پوشیدن کت و شلوار و جوراب‌را اجباری کرد .

فتوحاتی درددریـای سیاه نصیبش شد و روسیه بدریای سیاه و مدیترانه راه یافت . در جنگی که با شارل دوازدهم پادشاه سوئدکرد در آغاز شکست خورد اما بعد از ۹سال پطر بدریـای بالتیك نیزراه یافت

پطربدریانوردی علاقه‌ای وافرداشت وهر صبح قایقرانی میکرد و در یکی از همین قایقرانی‌های تفریحی‌سخت سرماخوردوآنگاه دوماه بعد مرد. شهرپطرزبورك را بامجاهدت بسیار ساخت و پایتخت تابستانی خودکرد . باهمه صفات ناپسند ومتضادی‌که پطر اول‌داشت خدمات مهمی برای ترقی روسیه نمود .

پطرس پاك

پطرس پاك یکی از حواریون عیسی بودکه ازتوجهات مخصوص مسیح برخوردار بود چون عیسی بـدار آویخته شد بـه نشردین مسیح پرداخت اما مخالفان آئین تـرسا ویرا گرفته بدار آویختند در هنگامیکه اورا برسر دار میبردند گفت مرا سرنگون بدارآویزید زیرا من شأن ومقام عیسی راندارم‌که مثل او بدار آویخته شوم .

پاولوف (۱۸۴۹-۱۹۳۶)

ایوان پترویچ در سال ۱۸۴۹ در یکی از شهرهای روسیه در خـانواده‌ای روحانی قدم بهستی گذارد. درآغاز در یك مدرسه مذهبی بتحصیل پرداخت اما بزودی از ادامه تحصیل در این رشته روبـرتافت و وارد دانشکده علوم طبیعی پطرز بورك شد وبفرا گرفتن طب کمرهمت بربست درسال ۱۸۷۹ پاولوف فارغ‌التحصیل گـردید اما بر اثر شوق به مطالعات و تحقیقات فیزیولوژی پس از تحصیل نیز بکار بررسی در باره گـردش خون پرداخت .



تنسی ویلیامز ـ توماس لاینر Tennesse Williams. T.L.

تنسی ویلیامز نویسندهٔ مشهور آمریکایی درسال ۱۹۱٦ درشهر کلمبیا دراستان میسوری از خانوادهٔ گمنامی زائیده شد. وی درسال ۱۹۳۸ وارد دانشگاه آیواشد. پس از پایان تحصیلات خود شغل‌های گوناگونی بدست آورد و درهمین زمانها به انتشار آثار خود دست زد. ویلیامز پیوسته درنوشته‌هایش می‌کوشد تا اندیشه‌های خود را از زبان قهرمانان داستانهایش بیان کند؛ اززبان مردم ناکام ورنجدیدهٔ امریکا. او بسیار ساده می‌نویسد ولی درهمین نوشته‌های ساده وهمه کس‌فهم بسیاری از نکات ودقایق روانشناسی وجامعه‌شناسی قرن بیستم را نمودار می‌سازد. اهم آثاراو عبارتند از، اتوبوسی بنام هوس، ناگهان تابستان گذشته، گربه روی شیروانی داغ، باغ وحش شیشه‌ای وشب ایگوانا.

تنسی ویلیامز اکنون درشهرنیواورلئان زندگی می‌کند.


A. DAUDET

دوده ـ آلفونس Daudet-Alphonse

آلفونس‌دوده نویسندهٔ نامدارفرانسوی درسال ۱۸٤۰ درفرانسه بدنیا آمد. در ۱۵ سالگی شهر ودیارخودرا ترک کرد وبه‌پاریس‌رفت. درجوانی بانوشتن «نامه‌های آسیای من» مشهورشد. وی عشق زیادی به‌میهن خود داشته است وآنرا پیوسته ستایش می‌کرده است نمونهٔاین عشق و دوستی در داستان‌آخرین کلاس درکتاب «داستانهای دوشنبه» بخوبی آشکار است. برجسته‌ترین آثاردوده عبارتنداز، نامه‌های‌آسیای‌من، همسران هنرمندان، داستانهای دوشنبه، سافو، آرنوین وماجراهای عجیب وغریب.

آلفونس دوده درسال ۱۸۹۷ درسن پنجاه وهفت سالگی درگذشت.

لاژوس ژویلاهی La Jos Zilahy در ۲۷ ماه مارس **۱۸۸۱** در **ناگیتزالونتا** بدنیا آمد. این نویسندهٔ مجارستانی بابیان سادهٔ خود درخارج از کشور خود نیز محبوبیت بسیاری کسب‌کرده است. درام های سبك اوبازبان شاعرانه‌اش درتأترهای مجارستان شهرت او را پیش ازپیش کرد. **دوزندانی، فراری، توپها بعقب مینگرند** و **بهارکشنده** ازجمله‌رومانهای‌اوست.

میخائیل‌الکساندرویچ‌شولوخوف Sholokhov نویسندهٔ معاصرروسی درسال **۱۹۰۵** در روستای «**کروژیلین**» از نواحی «**دونتز**» واقع در «**رستوف**» شوروی متولدگردید. پدرش از اهالی «**ریازان**» بود وشغل کشاورزی و دامداری داشت. مادرش نیز ازنژاد قزاقها بود.

شیوه‌ای‌خاص دارد و دربیشتر آثار خود بشرح بدبختیهای خویش‌دست زده وازطبقه زحمت‌کش دفاع میکند. در «**اسپارتاکوس**» ازشورش کارگران زجردیده‌ای‌که دیگر حاضرنیستنددراسارت وبندگی‌باشند دفاع و پشتیبانی مینماید. هواردفاست نمایشنامه‌های زیادی نوشته که عده‌ای از آثار او درسینما بصورت فیلم تهیه‌گردیده است.

مهمترین‌کتابهای هواردفاست ازاینقرارند: «**اسپارتاکوس**» «**همشهری توم‌پین**» «**راه‌آزادی**» «**آمریکائی**» «**مغلوب**» «**آخرین مرز**» «**خدای برهنه**» «**غرور وآزادی**» «**برادران‌عزیزمن**» «**عبور**» «**زادگان آزادی**» «**رام نشدگان**»

چاپلین Chaplin

چارلز اسپنسر چاپلین معروف به‌چارلی چاپلین در ۱۶ آوریل سال ۱۸۸۹ در لندن متولد شد چون پدر ومادرش از هم جدا شدند چارلی با مادر وخواهرش زندگی پر مشقتی را شروع کرد ودر فقروتهیدستی رنجهای جانکاه فراوانی‌کشید از آغاز کودکی مایل بودکه به تآتر راه یابد عاقبت به‌آرزوی خود رسید در ۱۶ سالگی با ویلیام تریلت آشنا شد ودر نمایش شرلوك هولمز شرکت جست چون گروه هنری مزبور عازم سفر بامریکا گشت وی عضو اصلی آن‌گردید .



Charlie CHAPLIN
à la ville et dans le
personnage de CHARLOT



چارلی چاپلین در نقش‌های خود بسیاری از جنایت های بشری را باستهزاء میکشید و بسیاری از کارها وعقایدزشت زمامداران را به‌طرز خنده‌آوری مجسم وجلوه گرمیساخت .

اولین‌فیلمی که‌وی‌در آنشرکت کرد مربوط بسال ۱۹۱۳ میباشد.در سال ۱۹۱۷ قراردادی با یك کمپانی فیلمبرداری بست‌وازدستمزدی که گرفت یك استودیو فیلمبرداری در هالیوود دایر کرد .

بعدها بااینکه فیلم‌های‌ناطق عرضه شد باز چاپلین فیلم‌های صامت عرضه میکرد وآنچه را که این‌نابغه‌هنر تقدیم‌جهانیان کرد چنان مقبولیت یافت که همه کشورها نامش را میدانند و بدیدن فیلم‌های وی رغبت فراوان نشان میدهند .

برخی از فیلم‌های معروف چارلی چاپلین **لایم‌لایت ، مسیو وردو ، روشنائی های شهر ، بچه ، زائر ، هجوم‌طلا** می‌باشد .

تئودور درایزر (۱۸۷۱ - ۱۹۴۵)

این نویسنده از معاریف نویسندگان آمریکاست چون درتنهائی بسر میبرده هرچه در دل داشته گفته است می‌توان گفت که درایزر از مفاخر ادب آمریکا محسوب است وی پدر ادبیات‌سیاه‌وپیروسبك‌طبیعت‌پردازی‌میباشد‌برخی‌ازآثارش‌ازجمله‌**پول‌پرست** ، **یك آمریکائی** ، **خواهرکاری** ، **بامداد** میباشداین نویسنده‌پی‌برده‌سخن گفته وبرخی‌ازکلماتش مستجهن‌است .

دالتون (۱۸۴۴-۱۷۶۶)

جان دالتون درخانواده‌ای فقیر در الگزفیلد انگلستان متولد شد تحصیلات ابتدائی را در مدرسه کواکر بپایان رسانید .

دالتون در ریاضی استعداد فراوانی داشت امابیشتر وقتش را صرف مشاهدات روزانه ای در باب هواشناسی میکرد بطوریکه تعداد صفحات این یادداشتها به ۲۰۰۰۰۰ صفحه رسید .



DANTON

چون جزوه هائی از مشاهدات هواشناسی خود منتشر کرد بانجمن ادبی و فلسفی منچستر راه پیدا کرد و برای آن انجمن مقالات متعددی نوشت .

تئوری‌اتمی‌این دانشمند ، محاسبات‌ریاضی درعلم‌شیمی واردکرد . وجود الکتریسیته را دراجسام ثابت نمود . **دالتون**

دیوئی (۱۸۵۹ - ۱۹۴۲)

جان‌دیوئی در ورمونت امریکا پا بعرصه وجودگذاشت پس ازپایان تحصیلات باستادی دانشگاه کلمبیا انتخاب گشت مدتی جان‌دیوئی درکشور چین بسر برد و بمردم آن سامان روش تعلیم و تربیت جدید را آموخت . و نیز برای تهیه گزارشی از وضع تعلیم و تربیت ترکیه مدتی درین کشور اقامت گزید این فیلسوف و مربی بزرگ تعلیم و تربیت تألیفات فراوانی‌ازجمله **آموزشگاههای فردا - رشدشخصیت، دموکراسی درتعلیم وتربیت،** بنیاد فلسفه داشت .

دیوئی (۱۸۵۱ - ۱۹۳۱)

ملویل دیوئی از دانشمندان بزرگ آمریکائی بودکه عقیده به‌تقسیم معرفت آدمی به ده‌قسم مهم داشت وهریك ازین اقسام دهگانه خود به‌ده قسمت فرعی تقسیم میشود الخ..

اولین تصنیف دیوئی درسال ۱۸۷۶ فقط در۴۲ صفحه بود بعدها درآن جرح وتعدیل و حذف و اضافه بعمل آورد ودر دوره حیاتش دوازده بار بزیور طبع آراسته شد . بعداز مرگش بازاین‌کتاب‌بطبع رسیدتا اینکه درچاپ شانزدهم دوجلد بزرگ‌درسال ۱۹۵۹ بود.

دیوئی شیوه خاصی در فن کتابداری و تنظیم کتابخانه اعلام کردکه در عالم مورد توجه فراوان قرارگرفت .

دوگاما

واسکودوگاما یکی ازکاشفان بزرگ و بحرپیمایان جسور پرتقال بود که در سال ۱۴۹۷ وسایل سفر را برای راه یافتن بهندآماده ساخت ودرهمان تاریخ بسوی دماغه امید نیك براه افتاد وازآنجاگذشت و به سواحل زنگبار وکالیکوت رسید .

درآنروزگار تجارت میان هند و کشور های غربی هند با اعراب بود از اینجهت نمی‌توانست در برابر نیروی آنان مقاومت ومبارزه‌کند لذا به‌پرتقال‌بازگشت و با ۲۰ کشتی درسال ۱۵۰۲ بسوی کالیکوت از راه دماغه امید نیك رسید و با اعراب بجنگ پرداخت و بخلیج عمان دست یافت وقدرت پرتقال را درآنجا باسوزانیدن کشتی‌های اعراب وجنگ مستقر ساخت .

دوگاما پس از بازگشت از سفر مورد بی‌مهری پادشاه وقت قرارگرفت ومدت ۲۰سال خانه نشین شده بود تا بالاخره با عنوان نایب‌السلطنه هند از طرف ژان سوم پادشاه پرتقال بدان سامان اعزام‌گردید .

دیوی Davy (۱۷۷۸ - ۱۸۲۹)

همفری دیوی دانشمند انگلیسی در فیزیك و شیمی تحقیقات جالب و جامعی کرد . سدیم ، پتاسیم ،کلسیم، باریوم ، منیزیم ، استرانسیوم را جداکرد . مطالعاتی در باب گاز خنده‌آور کرد .



O. WRIGHT

درالکتروشیمی بررسی های عالمانه‌ای کرد. چراغ بی‌خطری اختراع کردکه خطر انفجار درمعادن ذغال سنگ را از بین برد.

برادران رایت - آمریکائی مخترعان هواپیما

برادران رایت ، ویلبور رایت (۱۸۶۸-۱۹۱۲) و اورویل رایت (۱۸۷۱-۱۹۴۸) آمریکائی با کوششهای بسیار اما با دقت وصبر فراوان دنباله کارلیلیانتال و سایر کسانیکه میخواستند با ساختن بال وآویزان شدن برآنها درآسمان پرواز کنند گرفتند وموفقیتهائی هم دربن زمینه بدست‌آوردند وحتی پروازهائی بااین هواپیمای بی‌موتورکردند اماکارواقعی وبا ارزش ایندو برادر ازوقتی شروع شدکه درسال ۱۹۰۳ دوموتورکوچك بقدرت۳۲اسب ویك پروانه به هواپیمای خود اضافه کردند وچندین پروازکوتاه نیز بااین هواپیمای‌جدید کردند . سرانجام سرفصل ساختمان هواپیما را بشیوه امروزی ایندو برادرابداع کردند .

راسپوتین (۱۸۷۲ - ۱۹۱۶)

گریگوری یفیموویچ راسپوتین کشیش روسی که دهقان زاده‌ای کم اطلاع بود بواسطه حقه‌بازی و نیرنگ بدربار روسیه راه یافت وبر عقل وفکر نیکلای دوم امپراطور روسیه و ملکه آن تسلط پیداکرد . وبا هوسرانیها و شهوات تند وآزمندی خویش قدرت فراوانی داشت هر که باوی مخالفت میکرد معزول میشد . سرانجام عده‌ای از آزادیخواهان روسی ویرا کشتند .



M. DE ROBESPIERRE

روبسپیر (۱۷۵۸-۱۷۹۴)

ماکسیمیلیان‌روبسپیر از انقلابیون بزرگ فرانسوی بود . دوران‌کودکی رادردامن فقرشدید گذرانید . بتحصیل علم حقوق پرداخت . بعضویت مجلس ملی از طرف طبقه سوم انتخاب شد رفته‌رفته نفوذ اجتماعی وسیاسی روبسپیر افزایش یافت درسال ۱۷۹۲ بعضویت کنوانسیون معین‌گردید .

روبسپیر در برانداختن‌دشمنان خود وضدانقلابیون‌بیرحمی‌بسیار بخرج‌داد . سرانجام شورای انقلاب روبسپیررا محکوم بمرگ‌کرد وباگیوتین اعدام گردید .

روبنس (۱۵۷۷-۱۶۳۸)

پیترپل روبنس در شهر زیگن‌آلمان تولد یافت . چون پدرش درگذشت بتلاش معاش پرداخت بناچار نوکری خانواده‌ای ثروتمندرا پذیرفت اما از آغاز جوانی بنقاشی علاقه داشت . درنزد یك نفرنقاش بشاگردی مشغول گشت تااین‌که مادرش اسبی برای فرزندش خرید واورا روانهٔ ایتالیا نمود . درمهمانخانه‌ای در ایتالیا بنقاشی سرگرم بودکه شخصی باذوق آنچه راکه نقاشی میکرد دید و پسندید لذا اورا بیکنفر دوك معرفی‌کرد مدت هشت سال درخدمت آن دوك بسر برد تا اینکه خبربیماری مادرش راشنید شتابان خود را به هلند رسانید اما دیرشده و مادرش مرده بود . پادشاه هلند مقدم روبنس راگرامی‌داشت وباستخدامش‌درربار‌دستور داد این‌نقاش تابلوهای جالبی ازقبیل : **کلاه‌پر** ، بـازیهای محبوس‌ها پدیدآورد . سرانجام روبنس بعالم سیاست‌گرائید ودرزمینهٔ سیاسی نیزبترقیاتـی نایل‌گشت اما یکباره‌از هنرنقاشی روبرتافت. باکمك شاگردان خود بیش از ۱۲۰۰ تابلو ترسیم کرد .


SAINT-EXUPÉRY

سن‌اگزوپروی Saint Exopure (۱۹۰۰-۱۹۴۴)

آنتوان سن‌اگزوپروی درلیون متولد شد در چهار سالگی پدرش مرد . تربیت و سرپرستی وی و خواهرانش را مادرش بعهده گرفت در سال ۱۹۱۲ ژول سزار را از لاتین ترجمه‌کرد . این نویسنده پیوسته از مدرسه میگریخت وبفرودگاه میرفت سرانجام خلبان شد اما در یك پرواز جمجمه‌اش صدمه دید در سال ۱۹۲۶ نوول خلبان را منتشر ساخت و درمحافل ادبی پاریس مورد بحث قرار گرفت وپیك جنوب ، پرواز شبانه ، شازده‌کوچولو قلعه زندانی شن و مانون از آثار دیگراین نویسنده است . سن اگزوپروی در یك پرواز که برضد نازیهاکرد براثر تمام‌شدن بنزین، هواپیما سقوط کرد و کشته شد .

ریشلیو

کاردینال‌ریشلیوصدراعظم‌لوئی سیزدهم درفرانسه بودکه به‌تمام کارهای مملکتی‌رسیدگی میکرد در جنگهائی که میان کاتولیك‌ها و پروتستانهادرگرفت وبااینکه مردم فرانسه کاتولیك بودند جانب پروتستانها راگرفت . ریشلیو در کارهایش بطورمرموزوبوسایل جاسوسی وغیره موفق میشد گویندکه لوئی سیزدهم ازاقدامات مرموز ریشلیو وحشت داشت .


cardinal
DE RICHELIEU
par PH. DE CHAMPAIGNE
Université de Paris

ریشلیو

روبنشتاین (۱۸۲۹-۱۸۹۴)

آنتوان گریگورویچ روبنشتاین از موسیقیدانان ونوازندگان بزرگ پیانو روسی‌بود در نه سالگی درمسکو به تصنیف آهنگ وبنواختن آهنگهای موسیقی پرداخت بطوریکه مایه شگفتی‌گردید .

جمعیت‌موسیقیدانان‌روسی‌رادرسال ۱۸۵۹ تاسیس کردمرکزی برای‌موسیقی‌درسن‌پطرزبورگ درسال ۱۸۶۲ بوجود آورد تعداد زیادی کنسرت وسمفونی و اوپرا پدیدآورد. روبنشتاین بواسطهٔ تعلیم موسیقی وتألیف آهنگها موفقیت عظیمی بدست‌آورد.

نیکولاگریکورویچ روبنشتاین (۱۸۳۵–۱۸۸۱) نیزاز موسیقدانان ونوازندگان‌بنام موسیقی بود مرکزی برای‌موسیقی درسال ۱۸۶۴ تأسیس‌کرد.

کارل (۱۸۷۳–۱۹۴۴)

آلکسیس‌کارل جراح و زیست‌شناس آمریکائی در فرانسه بدنیاآمد در سال ۱۹۰۶ به‌مرکز و مؤسسه علمی راکفلر پیوست‌ودر سال ۱۹۱۲ بدریافت جایزه نوبل درفیزیولوژی پزشکی موفق شد.

در پایان جنگ بین‌المللی اول طریقه خاصی برای درمان‌مجروحان بوسیله‌محلول هیپوکلریت سدیم ابداع‌کرد. با همکاری لندبرگ قلب مصنوعی را اختراع کرد همچنین ابداعاتی درزمینه نگهداری بافتها و اعضاء زنده ابداع‌کرد.

انسان موجود ناشناخته، تفکرات‌درروش زندگی برخی ازتألیفاتش میباشد.

ریکاردو Ricardo (۱۷۷۲ – ۱۸۲۳).

داویدریکاردو درلندن درخانواده‌ای یهودی چشم‌بجهان‌گشود امااوید بمذهب‌کاتولیک گروید روی همین اصل میان او وخانواده‌اش سخت تیره شد.

ریکاردو بدلالی دربورس لندن پرداخت و در سال ۱۸۱۹ بنمایندگی مجلس عوام انگلستان انتخاب‌گردید. ازراه تجارت بثروتی سرشار واز طریق تألیف‌کتب اقتصادی شهرتی فراوان بدست آورد.

ریکاردو ازعلمای بزرگ اقتصاد بود که عمق تفکر ومطالعاتش را میتوان از تألیفات وی از قبیل:

تأثیر قیمت ناچیز گندم در سود سرمایه، گرانی بهای شمش طلا دلیل بر تقلیل ارزش اسکناس است. رساله‌ای پاسخ بملاحظات تجربی آقای بوزانکه، پیشنهاد هائی به منظور تأمین جریان اقتصادی ومطمئن پول، اصول علم اقتصاد ومالیات دید.

درباب ارزش، درآمد ارضی، توزیع درآمدها، پول، تجارت بین‌المللی بررسیهای جالبی بعمل آورد.

ریکاردو بجنبه تجربی ونظری هردو نظر داشت اما دراستدلال بیشتر روش قیاسی را بکار میبست.


DEFOE

«**دانیل دوفوئه**» Daniel Defoe نویسندهٔ بزرگ انگلیسی درسال **۱۶۶۰** درلندن متولد گردید . خانوادهٔ او ازنظرعقاید مذهبی با مردم دیگر انگلستان توافق چندانی نداشتند.ولی بااینهمه«**دانیل**»توانست درمدرسهٔ «**نوینگتن**» که یك مدرسهٔ مذهبی انگلیسی بود تحصیل نماید . پس از مدتی بتجارت پرداخت وبکشورهای مختلف آلمان ، ایتالیا، فرانسه واسپانیا ازطریق خشکی ودریاسفرها کردو کالاهای تجارتی از کشوری به کشور دیگر حمل کرده و میفروخت . اما بزودی دراین کارورشکست شدو بانگلستان بازگشت ومدت چهارسال از**۱۶۹۵** تا**۱۶۹۹** منشی محاکم حقوقی در لندن بود .

درسال**۱۷۰۲** بعلت نوشتن مقاله‌ای علیه دولت وقت دستگیروزندانی گردید وتاسال**۱۷۰۴** درحبس باقی ماند .

بعدازآزادی مدتها بکارهای سیاسی وانجام مأموریتهای کشوری مشغول بود . ولی بتدریج ازسیاست کناره گرفت وبادبیات روی‌آورده با انتشارکتاب «**رابینسون کروزئه**» درسال ۱۷۲۰ شهرت بسراغ اوآمد ونویسندگان زیادی نیزمانند«**سویفت**» بپیروی ازاو آثاری مشابه بوجود آوردند . **دانیل دوفوئه** درسال **۱۷۳۱** در **مورفیلد** درگذشت .

از مهمترین آثار اوکتابهای زیررا میتوان نام برد :

«**رابینسون کرزوئه**» «**تاریخ جنگهای شارل هفتم**» «**خاطرات یك سوار**» «**کامیابیها-وشکستهای مل فلاندرمشهور**» و«**زندگی کاپیتان سینگلتون دزد دریائی**»



رودیارکیپلینك Rudyard Kipling شاعرو درام نویس شهیرانگلیسی بسال**۱۸۶۵** درشهر بمبئی هندوستان بدنیا آمد وبا انتشارشاهکارهائی مانند**کتاب جنگل وکیم** ومانندآنهاسیاست امپریالیستی انگلستان راچنانکه بودمجسم ساخت وازاین راه حقایق تلخ ونفرت آوری رابرملل استعمار-زدهٔ آسیاوافریقا بخصوص مردم هندوستان فاش نمود .

کیپلینگ در مشرق مشهور ترین ادیب و نویسندهٔ انگلیسی است . او درسال **۱۹۰۷** به اخذ جایزهٔ **نوبل** در رشته ادبیات نائل گردیده است . کیپلینگ درسال ۱۹۳۶ درگذشت .


KAFKA

کافکا ـ فرانتس Kafka-Frantz

فرانتس کافکا نویسندهٔ چکسلواکی درسال ۱۸۸۳ دریك خانوادهٔ یهودی درپراک بوجود آمد. پس‌از دریافت درجه دکتری درحقوق مدتی بکار اداری پرداخت و سفری بآلمان وفرانسه کرد. در پایان عمر بیشتر بیمار و بستری بود . وی نویسنده‌ای فوق‌العاده بدبین بود . جهان‌بینی او بر پوچی و دردناکی جهان بنیان یافته است . کافکا همه‌چیز را زشت و مسخره و ناراحت‌کننده می‌دانست و همواره آنچه‌راکه‌دیگران‌می‌اندیشند وایمان دارند به‌باد ریشخند می‌گرفت وپوچی

آنرا نشان می‌داد . از آثاراومی‌توان : قصردادخواست، گروه‌محکومین ، فسخ‌وفتوی‌رانام‌برد.
کافکا درسال ۱۹۲۴ چشم ازجهان فروبست .

گراهام گرین

گراهام گرین داستانسرای انگلیسی دردوم اکتبرسال **۱۹۰۴** دربر**کامستد** بدنیا آمد . در ذهن این نویسنده همیشه نیکی و بدی درتصادم است و انعکاس خود را در آثارش آشکار می‌کند . هرکتابی‌که اومی نویسد ازجهتی‌مهیج وتکان دهنده است، اما درآن زشتی و وحشت بشکلی عریان در الوهیت و زیبائی تصویرمی شود .

بهترین کتاب او که **قدرت و جلال** نامدارد نظریه او راکه رستگاری ازطریق تحمل ورنجیدگی است عرضه می دارد :

وزارت ترس ، **پایان کار** ، **اطاق نشیمن** ، **آمریکائی آرام** ، **انسان و دورنش** از آثار اوست .


FLAUBERT

گوستاوفلوبر Gustave Flaubert نویسندهٔ شهیر فرانسوی درسال **۱۸۲۸** در شهر«**روان**»پای بعرصهٔ وجود نهاد . پدرش جراح ثروتمندی از اهالی «**نرماندی**» بود.پس‌از تحصیلات مقدماتی درسن**۱۸** سالگی بپاریس‌رفت و بتحصیل علم حقوق پرداخت، وهرچند یکبارسفری نیزبه شهر ودیار خویش میکرد، تاآنکه تحصیلاتش بپایان رسید و بعد ازمرگ پدرش درسال۱۸٤۵ با ثروت هنگفتی که برای او بارث‌گذاشته بود ویلائی در « **کرواسه** » خریدوتا آخر عمردرهمین ویلازندگی‌کرد. وبجز برای‌دیدن دوستانی مانند «**تورگنیف** »، بپاریس‌سر نمیزد . هنرفلوبر در نوع خویش بینظیراست، اوگرچه‌آثار متعددی ندارد لیکن‌همان چندکتابش هریك ازشاهکارهای جهانی ادب بشمار میروند. وقتیکه « **مادام‌بواری** » انتشار یافت خیلی‌ها اورا مستحق‌مجازات دانستند وحتی ازطرف مقامات رسمی مورد تعقیب ومؤاخذه واقع‌گشت .

در دورانی‌که رمانتیسم اوج ترقی‌خودرا میپیمود، فلوبر رئالیسم را ترقی داد، ودراین کار نیز موفقیتی تام بدست آورد . او درسال **۱۸۸۰** در نرماندی در همان ملك شخصی خویش جان سپرد .

کتابهای زیر از بهترین‌آثار فلوبر بشمار میروند :
مادام بواری ، سالامبو، وسوسه سینت‌آنتوان وتربیت احساساتی.

تئوفیل‌گوتیه Theophile Gautie در سال **۱۸۱۱** در **شهرتارب** متولد گردیده است. اوراشاعر «**آب‌ورنك**» نامیده‌اند، زیرا اشعاراوهمه‌کاریك نقاش هنرمنداست .
وی درجوانی‌بپاریس رفت وتاآخرعمردرآنجامقیم‌شد، درواخرعمر شهرت اوفوق‌العاده زیاد بود، بطوریکه **شارل‌بودلر** کتاب معروف خود**گلهای‌بدی** را بدوارمغان داد ودرآن وی‌را جادوگرادبیات فرانسه نامید. نخستین اثر شاعرانهٔ او درسال ۱۸۳۰ انتشاریافت .
ازمهمترین قطعات منظوم وی میتوان قطعات زیررا نامبرد، **آلبرتوس** ، **کمدی مرگ**،

اسپانیا و کتاب بسیار معروف Emaux et Camees که شاهکار او بشمار میرود، و با قطعه شعر زیبائی دربارهٔ **حافظ** آغاز میگردد.

گوتیه در میان ادبا و هنرمندان عصر، بزرگترین طرفدار عقیدهٔ **هنر برای هنر** بود و عقیده داشت که هنرمند جز هنر خود بهیچ اصل اجتماعی و اخلاقی نباید کار داشته باشد. بغیر از آثار منظوم، چندین رمان معروف نیز از او باقیمانده است که عبارتند از: **پای مومیائی**، **کاپتین فراکاس** و دو کتاب دیگر بنام **تاریخ هنر دراماتیك** و **تاریخ رمانتیسم**.

«**هنری وردزورث لانگ فلو**» Long Fellow بسال **۱۸۰۷** چشم بجهان گشود. از کودکی ذوق ادبی خویش را نشان داد و اولین اثر شعری خویش را درچهارده سالگی منتشر ساخت. درسال **۱۸۲۶** باروپا رفت ومدت ۳ سال درآنجا ماند و سپس بآمریکا بازگشت. آنگاه مدتی استاد زبان دانشگاه «**بودوین**» گردید و سپس در دانشگاه «**هاروارد**» بتدریس پرداخت. لانگ فلو یکی از پرکارترین شعرای آمریکا در قرن نوزدهم بشمار میرود. او تا آخر زندگی دست از سرودن شعر برنداشت، چنانکه آخرین اثر شعریش در سال **۱۸۷۸** در **۷۱** سالگی او منتشر گردید. لانگ فلو در هفتادوپنج سالگی، درسال **۱۸۸۲** درگذشت.

از میان آثار متعدد «لانگ فلو» نوشته‌های زیر قابل ذکرند: «**صدای شب**» «**سفر بآنسوی دریا**» «**سرود هیاواتا**» «**داستانهای مهمانخانهٔ کنارجاده**» «**نامزدیهای مایلز استندیش**».

«**میخائیل ایرویچ لرمانتوف**» Mikhail Lermontov بسال **۱۸۱۴** درمسکو متولد گردید. سه ساله بود که مادر خویش را از دست داد و پدرش نیز هنگامیکه او را نزد مادرزنش گذاشت، وی را ترك گفت. در مدارس شبانه روزی نزد سایر اعیان و بزرگزادگان بتحصیل پرداخت. لیکن هرگز برای خویش دوستی جز ادبیات برنگزید. علاقهٔ او به پوشکین شاعر بزرگ روسی بسیار زیاد بود وتحت تأثیر وی اشعار زیبائی میسرود.

در شانزده سالگی وارد مدرسهٔ نظام گردید و در سال ۱۸۳۲ وارد دانشکدهٔ نظامی «**سن پطرز بورگ**» شد. مدتی تحت تأثیر شرایط محیط نظامی، کار ادبی مهمی انجام نداد. ولی پس از دو سال که کمی وضعش بهتر شد، دوباره آغاز سرودن شعر نمود. در سال **۱۸۳۷** زمانیکه **پوشکین** بقتل رسید، لرمانتوف نیز تغییر کرد.

او که از مرگ شاعر ناراحتی زیادی احساس مینمود، در منظومهٔ زیبائی تحت عنوان «**مرگ شاعر**» مسببین قتل نویسنده بزرگ روسیه و پدر ادبیات این کشور را رسوا و علناً ایشان را تحقیر نمود. انتشار این اثر خشم اشراف را برانگیخت و «لرمانتوف» بقفقاز تبعید گشت. دوسال درتبعید بسربرد، پس از بازگشت هنوز چند هفته‌ای از ورودش نگذشته بود که بعلت دوئل با پسرسفیرفرانسه بنام «**ارنست دوبارانت**» دوباره تبعید گشت. بدین‌ترتیب عده‌ای که میدیدند «لرمانتوف» سد راه اجرای فجایع آنهاست، تصمیم بنابودیش گرفتند. روزی «لرمانتوف» بایکی از آشنایانش بنام «**نیکلامارتینف**» که دست نشانده دشمنان او بود نزاع سختی کرد و پس‌ازآن «مارتینف» از او درخواست دوئل نمود.

روز **۱۵** ژوئیه سال **۱۸۴۱** لرمانتوف ناچار بدعوت آن شخص بدوئل رفت، لیکن هرگز باز نگشت و بدین ترتیب تراژدی مرگ پوشکین دوباره تکرار گشت. لرمانتوف از شعرای بزرگ قرن نوزدهم روسیه بشمار میرود و آثار او درادبیات این کشورمقام ارجمندی دارد. مهمترین آثارلرمانتوف عبارتند از: «**قهرمان‌عصرما**» «**نوآموز**» «**شیطان**» «**والریك**» و «**بالماسکه**».

کلئوپاترا (۶۹. ۳۰ ق - م)

کلئوپاترا نام هفت تن از ملکه‌های مصر از سلسله بطلمیوسی‌ها بود که به سلطنت رسیدند و اولین آنها کلئوپاترا دختر آنتوکوس سوم بود که در بین سالهای ۱۹۴ و ۱۹۳ قبل از میلاد با بطلمیوس پنجم ازدواج کرد، بعد از مرگ شوهرش، پسرش در سال ۱۸۰ بسلطنت رسید و سرپرستی و نیابت سلطنت تارشد فرزندش بطلمیوس ششم را بعهده داشت کلئوپاترا دوم دختر بطلمیوش پنجم و دختر کلئوپاترا اول بود و بطلمیوس با خواهر خویش کلئوپاترا ازدواج کرد . آخرین ومعروفترین کلئوپاترا ، کلئوپاترای هفتم دختر



بطلمیوس دوازدهم بود که با برادرش بطلمیوس سیزدهم ازدواج کرد و بموجب وصیت پدرش در سال ۵۱ قبل از میلاد بر تخت سلطنت مصر قرار گرفت. وی زنی شجاع و آزمند وقوی الاراده و خوش محضر وزیبا بود در زمان سلطنت کلئوپاترا هفتم رومیان قدرت فراوانی بهم رسانیده و قویترین حکومت آن روزگار شده بودند درین احوال مصر از لحاظ قدرت سیاسی و حکومت به ضعف شدید دچار شده بود ومیان کلئوپاترا و برادرش آتش اختلاف درگرفته بود درین هنگام ژول سزار به مصر آمد وشیفته جمال کلئوپاترا گشت واورا برای سرکوبی برادرش بطلمیوس سیزدهم یاری کرد . قرارداد ازدواج سزار و کلئوپاترا گذاشته شد وازآندو فرزندی بنام سزاریون بدنیا آمد چون ژول سزار درشهر روم بقتل رسید آنتونیوس به مصر آمد و زمام امور کشور مصر را ازطرف امپراطور رم در دست گرفت اما کار آنتونیوس وکلئوپاترا بازدواج انجامید ودرسال ۳۷ هـ ـق عقد ازدواج صورت گرفت. آنتونیوس قسمت شرقی ازامپراطور وسیع روم را به کلئوپاترا وفرزندانش واگذاشت اما بعد ازچندی اکتاویوس به مصر آمد و وکلئوپاترا برای فریفتن اوکتاویوس کوششهائی بخرج داد اما مؤثر نیفتاد تا اینکه کلئوپاترا را میخواست باسارت به رم ببردکه کلئوپاترا بوسیله سم خودکشی کرد .

هوارد فاست

هوارد فاست درخانواده‌ای تهیدست درسال ۱۹۱۴ متولد گردید از کودکی بتلاش معاش مجبور بود. پس از چندی برای تحصیل به آکادمی ملی رفت و فارغ‌التحصیل شد .

چندی در کارخانه ها بکار اشتغال ورزید با بروز بحران ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰ او را اخراج کردند وی بکار نویسندگی پرداخت چون خود ثمره رنج و نمونه کاملی از محرومیت بود به حمایت ازطبقه کارگر در نوشته هایش پرداخت . در دوران جنگ دوم در قسمت رادیو- بیسیم کار میکرد .

درسال ۱۹۴۷ باستادی دانشگاه ایندیانا برگزیده شد. مدتی نیز بکار سیاست سرگرم شد. ازآثار این نویسنده فرزندان- اسپارتاکوس - راه آزادی - مغلوب - آخرین مرز - خدای برهنه - غرور و آزادی - زادگان آزادی - رام نشدگان - همشهری - توم پین - برادران عزیزمن ذکر گردید .

فلمینك انگلیسی Fleming (۱۸۸۱-۱۹۵۵)



A. FLEMING

الکساندر فلمینگ چند سال در خدمت نظام و در مناطق جنگی بود پس ازآن از نظام استعفا کردو به آزمایشگاه پناه برد زیرا نمی‌توانست بیش ازین مرگ هولناك همنوعـان خـود را در میدان‌های جنگ و جاهای دیگر که براثرعفونت میمردند تحمل کند. و پس از بررسی‌های عمیق درسال ۱۹۲۹ کشف خود را طی مقاله‌ای اعلام و داروی معجزه آسای اکتشافی خـویش را که پنسیلن نامیده بود بجهان عرضه کرد اما چندان مورد توجه قرار نگرفت. پس از چندی بارزش کار این کاشف بزرگ پی‌بردند .

موپاسان(۱۸۵۰ - ۱۸۹۳)

هانری - رنه - البر - گی دو موپاسان داستان پرداز فرانسوی نویسندگی را در مدرسه ومجالست بافلوبر نویسنده‌شهیرفرانسه آموخت‌ودر مجالسی که‌در خانه فلوبر باشرکت امیل‌زولا، برادران گنکور ، تورگنیف‌تشکیل میگردید شرکت میجست واستفاده فراوان می‌کرد. موپاسان درنوشتن‌داستانهای‌کوتاه استادمسلم بود . بیشتر داستانهای‌کوتاهش ملاك و معیاری برای تشخیص داستانهای خوب ازبدمحسوب‌میگردد . این نویسنده بواسطه ابتلا به بیماری سفلیس سخت بیمار وسرانجام دیوانه شدودر تیمارستان‌در گذشت برخی ازآثار این‌نویسنده‌عبارتست‌از: لبخند بخت ، تفرج‌مادام تبیه، مونت اوربول، هورلاو مجموعه‌های متعدد از داستانهای‌کوتاه .

موسی (متوفی بسال ۱۶۱۲ ق - م)

موسی ابن‌عمران در هفده قرن پیش از میلاد چشم بجهان گشود طبق روایات دینی یهود فرعون مصر بکشتن نوزادان پسر عبری دستور داده بـود چون موسی‌زاده شد پدرو مادرش اورا در سبدی نهادند و بروی رودخانه نیل رها ساختند تصادفا دختر فرعون سبد را از آب گرفت و طفلی درون‌آن یافت ، آن را از آب گرفته ، (موسی) نامیدند موسی در دستگاه و دربار فرعون بزرگ شد تـا اینکه روزی دید که یکنفر قبطی بیکنفرعبری ستم میکند فوراً بیاری عبری شتافت و مرد قبطی را از پا در آورد و گریخت چهل سـال در صحرای کنار دریای سرخ بچوپانی پرداخت پس از آن بمصر آمد و برادرش‌هارون‌را با خود در خروج عبرانیان‌ازمصر همعقیده کرد گرچه بنی‌اسرائیل وفرعون با این اقدام مخالفت کردند امام سرانجام موسی بنی اسرائیل‌را بسوی‌فلسطین (ارض‌موعود) برد ولی‌میان راه بنی اسرائیل با موسی بمخالفت برخاستند وموسی آنانرا نفرین کرد و خود چندی‌بعد در گذشت .

موسولینی Mssolini (۱۸۸۳ - ۱۹۴۵)



بنیتوموسولینی پیشوای حزب فاشیست ونخست وزیر دیکتاتور ایتالیا بعداز تحصیلات بروزنامه نگاری پرداخت امـا بزودی رهبری‌جامه سیاهان راکه عقائدوافکاری‌غیرانسانی‌وخشن‌داشتند بعهده گرفت چندی نگذشت که بنخست وزیری رسید در دوره زمامداری خود با استبداد حکومت کرد باهیتلر همداستان و هم پیمان شد سرانجام بعداز محاکمه کشته شد .

هیتلر Hitler (۱۸۸۹ - ۱۸۴۵)

آدولف‌هیتلر دیکتاتور آلمان‌وموجد حزب‌نازی درآغاز بولگردی‌وشغل‌نقاشی‌ساختمان اشتغال‌داشت‌چون‌آتش‌جنگ‌بین‌المللی‌اول‌زبانه‌کشید بسیارخوشحال‌شدوخداراشکر کرد! ودر ارتش نام نویسی‌کرد وبعداز جنگ با نقشه‌های مزورانه‌ای که متکی به تبلیغات فریبنده و اغواکننده‌بود قدرتی‌بهم رسانیدودرسال۱۹۳۳ توسط هیندنبورگ رئیس جمهور وقت آلمان بمقام صدراعظمی رسید بعدازمرگ رئیس جمهور زمام امور را قبضه‌کرد جنگ بین‌المللی دوم‌را آغازکرد ومدت ۶ سال بشریت را در آتش جنگ سوزانید سرانجام آلمان شکست خورد واوخودکشی کرد .

هرول (۱۸۶۳-۱۹۱۴)

پل‌هرول فرانسوی با ثروتی که ازپدر دباغ خود بدست‌آورد بدنبال کشف مهمی‌رفت که تحولی‌بزرگ درصنعت پدیدآورد .

این مرد در ساختن آلومینیوم با جریان الکتریسته ازماده معدنی بنام کریولیت موفق‌شد .

MAURIAC



موریاك

فرانسوا موریاك‌داستان‌پردازفرانسوی‌درسال ۱۸۸۵ چشم‌به‌جهان‌گشود پس‌ازتحصیلات دانشگاهی به نویسندگی پرداخت تا اینکه بعضویت آکادمی فرانسه و دریافت جائزه نوبـل ادبی موفق‌گردید از آثارش می‌توان تاریخ شعررا ذکرکرد .

دوموریه DeMaurier

دافنه دوموریه‌در سال ۱۹۰۷ درلندن متولد گردید پس‌از تحصیلات به فرانسه رفت و در پاریس بکسب دانش و نوشتن پرداخت .

نوول‌ها و رمانهای این نویسنده بـا استقبال روبرو شد اولین داستان خود را باسم **باروح مهربـان**منتشرکرد .

این نویسنده زن بایك فرمانده گارد سلطنتی انگلیس ازدواج کرد و اکنون دارای سه فرزند میباشد ازآثارش **ربکا ، من‌هرگزدوباره‌جوان‌نخواهم‌شد، دخترعمویم ـ راشل ـ سپربلا ـ پرندگان ، ناشناس بـازهم مرا ببوس** است .



A. DE MUSSET

موسه (۱۸۱۰ ـ ۱۸۵۷)

لوئی شارل آلفرد دوموسه نویسنده وشاعرفرانسوی از ۱۸ سالگی به مکتب رمانتیك ادبی فرانسه پیوست وبا انتشار اولین اثرش بنام **قصه‌های اسپانـی وایتـالیا** بشهرت رسید. از آن پس بنوشتن داستان ونمایشنامه‌های‌متعدد پرداخت اماغمی عظیم واتفاق بزرگی‌برای این شاعر نویسنده پیش آمد و آن ملاقات وسفرباژرژساند بود این نویسنده زن‌روح وقلب شاعر شوریده را تسخیر کرد و باجدائی آندوقلب موسه در هـم شکست . از آن پس قلب نویسنده شاعر در تب و تاب بود [illegible] موفق بخلق آثار بدیعی از جمله **:اعتراف یك‌کودك‌**

قرن ، نورنت چیو ، خاطرات و مجموعه‌اشعار دل‌انگیز وزیبایش گردید .


MARCONI

مارکنی Guglielmo Marconi(۱۸۷۴-۱۹۴۷)

گوگلیلمو مارکنی درسال ۱۸۷۴ در ایتالیا تولد یافت وتحصیلات منظم وخوبی را گذرانید ازآغاز جوانی برشته برق علاقه فراوانی داشت و هرخبری که راجع به برق در مجلات وروزنامه‌هاوجاهای دیگری می‌یافت‌با دقت میخواند دردوران دبیرستان‌بادانشمندان بزرگ مکاتبه وسؤالاتی راجع به‌برق ازآنان‌میکرد.

درآنروزگار هنریش رودلف هرتز آلمانی راجع‌به‌برق واینکه فضا وهواناقل امواج الکتریکی‌میتواند باشد یانه بحث میکرد.

مارکنی پس‌ازکسب اطلاعات مختلف ومتفرق‌درزمینه برق‌وحرکت‌امواج الکتریکی درهوا بآزمایشی دست زدکه پس ازمدتی درازکوشش وی منتهی باختراع رادیوشد . پس‌از اینکه اختراع خودرا بثبت رسانید اخباری به‌فاصله ۲۰ کیلومتری مخابره کرد،تاسرانجام درسال ۱۹۱۰طریقه فرستادن خبررابطورصحیح وفنی کشف وازآن‌پس اختراع‌راکاملترکرد.

مارکوپولو Polo (متوفی‌بسال ۱۲۹۹ میلادی)

درقرن‌سیزدهم میلادی دوبرادر تاجر پیشه ونیزی بنام‌های: نیکولو،مافئو پولو در اروپا بتجارت اشتغال داشتند دریك سفر بازرگانی ایندو برادر در حدود روسیه گرفتار جنگی شدند چون راه خود را بسوی‌ایتالیا بسته یافتند به سمرقندرفتند درآنجاباکارگزاران قوبیلاقاآن مغول ملاقات کردند آنها ایندو را تشویق بمسافرت به چین کردند ، مافئو ، نیکولو به‌چین‌رفتند وخدمت قوبیلای قاآن باریافتند ومورداحترام فراوان قرارگرفتندچون آهنگ بازگشت به میهن خود را داشتند پادشاه مغول مانع سفرشان گردید تا اینکه قوبیلا میخواست با پاپ درموردمسیحی ساختن‌مردم چین‌مذاکره نماید ایندوبرادر را ماموراینکار

کردآنان نیزفرصت‌را غنیمت شمردند بایتالیا باز گشتند اما وقتی رسیدندکه پاپ مرده بود ودوسال طول کشید تا جانشین‌پاپ معین شد.

چون نیکولو، مافئوپولو بعداز۹سال بمیهن باز گردیدندکمترکسی آنان‌را میشناخت در این هنگام فرزند نیکولوبنام مارکو۱۷ ساله بود لذابا آن‌نوجوان آهنگ چین کردند چون بدربار قوبیلای قاآن رسیدند فوق‌العاده مورد احترام واقع شدند حتی‌مارکو ازطرف پادشاه‌چین بحکومت یانگ‌چو وسفارت برمه وتبت مأمورگردید .

پس‌از۲۶سال اقامت این سه‌نفردرچین با مقدارزیادی ثروت وخاطرات خیال‌انگیز به ونیز باز گشتند اما چون شرح مشاهدات خود را برای مردم باز میگفتند مورد تمسخر قرارمیگرفتندمثلا اگراز نظافت، خیابانهای‌عریض، اختراع چاپ، رواج اسکناس حکومت دموکراسی یاپل‌ها وترعه‌ها وسازمان‌آتش‌نشانی، ودستگاه پست منظم ورسیدگی دولت بامور واستحمام روزانه مردم‌چین برای هم‌شهریان خود چیزی میگفتند آنرا باور نمیکردند و به تمسخرآنان می‌پرداختند زیرا اروپائیان‌آنروزگارتقریباً نیمه‌وحشی بودند .

مارکوپولوپس ازچندی اقامت درونیز درجنگی‌به سرکردگی‌سپاه بزرگی برگزیده شده چون جنگ درگرفت مارکو اسیرشد و درزندان شرح مسافرت بچین و عجایب آنرا برشته تحریر درآورد همین **کتاب‌عجائب** در بیداری اروپائیان وتوجه‌آنان به‌مشرق زمین نقش‌عمده‌ای داشت .

لاك (۱۷۰۶-۱۶۲۳)

جان‌لاك در نزدیکی بریستول درسال ۱۶۲۳ پا بعرصه هستی گذاشت پدرش مـردی آزادیخواه بودکه بشغل وکالت دادگستری اشتغال داشت .

جان‌لاك‌در ۲۰ سالگی وارد دانشگاه اکسفورد شد و ۶ سال به تحصیل مشغول گشت اما بفلسفه اسکولاستیك چندان دل نبست ازینجهت به تحصیل طب پرداخت اما باین رشته تحصیلی نیز ادامه نداد تااینکه باافکار ونظریات دکارت وگاساندی آشنائی یافت ازآن‌پس شوق مطالعات فلسفی دقیق‌در وی‌پدیدآمد .

در انگلستان مردی آزاده بحمایت و راهنمائی لاك پرداخت گرچه چند بار آن شخص مورد تعقیب‌قرارگرفت ولاك مجبور بفراربفرانسه وهلندگردید بااینحال کمك‌ها وحمایتهای آن‌مرد نسبت به‌لاك پرارزش بود .

لاك در دوره سلطنت گیوم داورانژ بانگلستان بازگشت و در پایان عمر در رفاه و آسودگی میزیست .

جان‌لاك به بیماری سل‌مبتلا بود وازآن رنج میبرد بااینحال اثر بسیار معتبر و مهم خودرا درسن۶۰ سالگی‌بنام درباره فهم‌انسانی تصنیف‌کرد .

MAO TSÉ-TOUNG

تسه‌تونك



مائوتسه تونك درسال ۱۸۹۳ در ایالت هونان چین درخانواده‌ای کشاورز وفقیرمتولد شد . از ۸ سالگی در مزرعه پدرش بکار پرداخت در ۱۴ سالگی وی ، یك شورش دهقانی درچین درگرفت که متوجه بی‌عدالتی‌های اجتماعی شد .

پس از چندی علاقه به‌شغل معلمی در وی پیدا شد واز آن به بعد به تحصیل مشغول گشت و وارد دانشگاه ملی چین در پکن شد درسال ۱۹۱۹ که درروسیه حکومت‌کمونیستی روی‌کار آمده بود مائو تسه‌تونك با آن مرام آشنا شد تا اینکه در سال ۱۹۲۱ به‌عضویت پولیت بورو درآمد .

مدتی دراز میان چیانکایچك و مائوتسه‌تونك همکاری و روابط دوستانه برقرار بود تا اینکه چیانکایچك از حزب کمونیست‌که با آن ائتلاف کرده بود روگردانید و به کشتن کمونیست‌ها پرداخت .

مائودرسال ۱۹۳۸ رهبر بلا منازع‌حزب کمونیست چین شد وگروه بیشماری به وی پیوستند تا اینکه برای پیروزی قطعی اقدام‌بیك سفر ۶۰۰۰ مبلی با هشت هزار نفر از اطرافیانش از کوههای خطرناك و راههای دشوار عبور و طی کرد و به شهر ین نان رسید ودر آنجامزارع را میان‌کشاورزان تقسیم نمود . سرانجام در ۱۹۴۹ بیرق کمونیستی را برفراز دروازه شهر پکن بر افراشت و حکومت کمونیستی را برقرار کرد چیانکایچك به فرمز گریخت و مائوتسه‌تونگ برهبری چین کمونیست رسید وتاکنون همچنان بر ۶۰۰ میلیون مردم چین حکومت‌میکند .

ویرژیل گئورگیو

ویرژیل گئورگیو نویسندهٔ رومانی درسال **۱۹۱۶** متولدگردید . تحصیلات خود را در رشتهٔ فلسفه دربخارست انجام داد وسپس در**هایدلبرگ** آلمان تحصیلاتش را در زمینهٔ علوم‌الهی تعقیب نمود. درپایان جنگ جهانی‌دوم بعنوان عضو وزارت امورخارجه رومانی نخست درآلمان ازطرف قوای متفقین تحت نظرقرارگرفت، وسپس‌برای مدتی دراردوگاه اسرای جنگی‌زندانی شد وپس ازاستخلاص از اردوگاه‌بپاریس‌رفت وازآنزمان تاکنون فرانسه وطن دوم‌این‌نویسنده گردیده است .

ازآثار **گئورگیو** که شهرت جهانی‌دارد، میتوان اینها را نامبرد: **دومین‌شانس، محمد۔ پیغمبری که باید از نوشناخت، ساعت۲۵**.



هاروی

هاروی (۱۶۵۷ - ۱۵۷۸)

ویلیام‌هاروی انگلیسی کاشف جریان‌خون‌درسال ۱۵۷۸ درانگلستان بدنیا آمد در ۱۹ سالگی در دانشگاه پادوا به‌تحصیل اشتغال ورزید در ۱۶۰۲ بـه لندن بازگشت و بـاستادی تشریح در مدرسه پادشاهی پزشکان منصوب گشت .

هاروی میگفت کـه علم تشریح را بـایـد باکالبدشکافی و تجربـه فرا گرفت نـه بـوسیله کتابهـا . در سـال ۱۶۲۸ همه آزمـایش‌هـا و تجربه‌های خود را بصورت جزوه کوچکی منتشر کرد .

چون مضامین جزوه هاروی مخالف عقیده توده مردم بود از اینجهت مورد نفرت گروه بیشماری قرار گرفت افکار این پزشك عالیمقام تا پایان زندگیش درمورد گردش خون مورد تنفر بود اما پس از مرگش به صحت عقیده‌ای که میگفت‌که غذا پس از گوارش واردخون میگردد وخون به قلب میرودوازقلب به نقاط مختلف بدن بوسیله رگ‌ها به گردش درمیآید مورد قبول واقع شد . هاروی کاشف جریان خون بودگرچه طبق مدارك موجود پزشکان شرقی در آثار خودگردش خون را ثابت کرده بودند (رجوع بتاریخ‌طب‌هندی)اما هاروی در اروپا برای‌اولین‌بار چنین عقیده‌ای را ابراز کرد .

هرمان‌هسه Herman Hesse (۱۹۶۲-۱۸۷۷)

هرمان‌هسه در آلمان در خانواده‌ای مذهبی متولد گردید . خود نیز در جوانی بکارهای دینی‌پرداخت. این‌نویسنده صلح‌طلب ازطرف مادر سویسی وپدرش ازمردم استونی بود اولین مجموعه شعرخود را در ۲۰ سالگی منتشرساخت. هرمان‌هسه‌شوق سفردردل داشت روی همین‌اصل بکشورهای شرقی سفرکرد مدتی درهند بسربرد تحت تأثیر تعالیم اخلاقی آن‌سامان قرارگرفت. درسال۱۹۱۲ به‌تابعیت سویس درآمد. وتا پایان عمر درسویس بسر برد. چندی بنام مستعار امیل‌سینکلر بانتشارآثارش پرداخت .

هرمان هسه درسال۱۹۴۵ جایزه‌گوته ودرسال ۱۹۴۶ جایزه ادبی نوبل را ربود .

برخی از آثارش عبارت از : شادی‌نقاشی ـ نظریات‌سیاسی‌ـ گرگ‌بیابان‌ـ گرترود‌ـ بازی

هاثورن Haswhorn (۱۸۰۴ - ۱۸۶۴)

ناتانیل هاثورن در نیوانگلند امریکا چشم بجهان گشود و سالها با نام یابی نام بانتشار داستانهای خود در روزنامه‌ها اشتغال ورزید . تا اینکه در ۴۶ سالگی همای‌شهرت برسرش نشست‌زیرا انتشار کتاب نامه ارغوانی مایه معروفیت وی گردید از آثارش **نیم‌حیوان مرمرین خانه هفت شیروانی ، میهمان شهرت طلب ، عشق بلیدال فانشاو ، داغ ننگ ، افسانه‌هائی از نو گفته شده ، صندلی پدر بزرگ ، دفترچه‌یادداشت‌آمریکائی. دفترچه یادداشت انگلیسی . دختر را پسینی** میباشد .

مندل (۱۸۲۲-۱۸۸۴)

یوهان‌گریگور مندل عالم اتریشی دربراویا بدنیاآمدتحصیلات ابتدائی را درمدرسه هیتردورف باتمام رسانید و گهگاه بپدرش در مزرعه کمك میکرد . چون پدر او وضع مالی خوبی‌نداشت یوهان ازآغازجوانی بتلاش پرداخت پس از چندی که تحصیلاتش را در مدارس دینی بپایان رسانید بخدمت‌کلیسا پیوست ودراندك‌مدتی بمقام‌کشیشی رسید .



مندل به طبیعت عشقی فراوان داشت و در شغل و لباس کشیشی در باغ کلیسا به بزرگترین اکتشافات‌که عبارت‌ازکشف قانون‌وراثت‌است نایل گشت .

هوفمان (۱۷۷۶ - ۱۸۲۲)

آهوفمان نقاش آلمانی از رمانتیك‌های برجسته آلمانی بودوبقول خود (من یکی ازاین بچه‌هائی هستم‌که درروزیکشنبه بدنیا آمدم وموجوداتی درعالم‌خیال میبینم‌که هرگز بچشم خاکیان نخواهد آمد» وی به حقوق وموسیقی هردوتوجه داشت آثارش از قبیل : **تابلوهای شبانه ،استاد مارتن‌بشکه‌ساز وشاگردانش،** مجموعه نوول های معروف می‌باشد .

اوریفون

ازپزشکان یونانی قدیم یکی هم «**اوریفون**» است که درآسیای صغیردرمدرسه پزشکی «**کنیدس**» بتحصیل پرداخته . مدرسه« کنیدس» ازمدارس مشهور تدریس کننده علم طب قدیم بوده است وشاگردان آن بیشتراز پزشکان مشهور یونان بوده‌اند . بدینجهت **اوریفون** نیز که از شاگردان آنجابود بزودی بواسطه‌تبحرواستادیش درمعالجه بشهرت رسید . «**اوریفون**» **ثابت** نمود که درشریانها خون وجود دارد . حال آنکه قبل ازآن اطبا میاندیشیدند که در رگهای انسان هوا وجود دارد .

جنر



ادواردجنر،در ۱۷ مه **۱۷۴۹** در «گلوکسترشایر» انگلیس متولد شد. پدرش که مردی مذهبی بود، اورا برای تحصیلات مقدماتی ، بمدرسه محلی فرستاد . **ادوارد** بزودی علاقه‌اش را درشناسائی علم‌الحیات نشان داد و در رشتهٔطب بتحصیل پرداخت . یك راه برای تحصیل طب درآن زمان این بودکه در نزد پزشکی‌دیگر تحصیل کرد و **ادواردجنر** شاگرد جراحی‌بنام«دانیل لادلو»گردید. در سن۲۱ سالگی، ببیمارستان «سنت‌جرج» لندن‌رفت تا تحت نظر«جان‌هانتر» تحصیل و کارکند. «جان هانتر» مشهورترین جراح‌عصرخود بود. پس ازمدتی همکاری با «جان‌هانتر» ، شخصاً به مطالعه وتحقیق در مورد بیماری**آبله** که درآن روز بیرحمانه مردم را بدیارعدم میفرستاد، پرداخت. شب و روز در راه کشف سلاح ضدآبله کوشید وبدنبال این کوشش‌ها بکشفیاتی‌هم‌نائل گردید. هنگامیکه کشفیاتش را انتشارداد ، بعضی‌ها جنگ‌باتقدیر وطبیعت را مغایرباموازین دینی دانستند ومبارزات او را علیه بیماری **آبله** تقبیح کردند. بهر حال عقایدگوناگونی‌در مورد نظریات‌اوابراز شد.همینکه هیجان مردم فرو نشست، **جنربا**رامی نظریات وکشفیاتش را باثبات رسانید ومتعاقب آن شهرت و موفقیت از همه سوی دنیا برایش بارمغان آمد.

ادوارد جنر پس از احراز این موفقیت از لندن به «گلوکسترشایر» بازگشت تا باقی عمررا در مزرعهٔ شخصی‌اش بگذراند. او در ژانویه **۱۸۲۳** وفات یافت .

هویسلر (۱۸۳۴ - ۱۹۰۲)

هویسلر دراتازونی متولدگردید همراه پدرش بروسیه رفت چون پدراو در گذشت به زادگاه خودبازگشت . پس ازچندی‌باروپا روآورد ودرپاریس اقامت گزید . هویسلر شیوه نقاشی‌اروپائی وژاپونی وچینی رادرهم‌آمیخت ازآثارش **شاهزاده‌خانم‌چینی ـ تصویر کارلایل** عالم معروف را می‌توان نام برد .



هوشی مینه

هوشی مینه

هوشی‌مینه‌رئیس‌جمهوردویتنام شمالی‌درسال ۱۸۹۰ بدنیا آمد پیشوای انقلاب هندوچین درسابق بود چندسال درفرانسه اقامت گزید ودوسال (۱۹۲۵ ۱۹۲۷) درمسکو بسر برد آنگاه به آسیا بازگشت ونهضت استقلال طلبی ومبارزهٔ با استعمار راآغاز کرد وخود بریاست ویت منه‌ها رسید در سال ۱۹۴۵ رئیس حکومت موقت ویتنام بود ودر جنگ ۱۹۴۶ با فرانسوی‌ها شرکت‌جست واین جنگ تا سال ۱۹۵۴ادامه داشت وبموجب عهدنامه ژنو ، هوشی مینه رئیس حکومت جمهوری ویتنام شمالی بالای مدار هفده‌ـ درجه شد وتا آخر عمر دراین سمت بود.

HEGEL



هوشی مینه یکی از پیشوایان بزرگ کمونیست‌های جنوب شرقی بودونبرد بزرگی راکه‌کشور ویتنام را درآتش خود میسوزاند رهبری کرد - تا آنکه درگذشت

هگل (۱۷۷۰-۱۸۳۱)

ژرژ ویلهلم فریدریك هگل در اشتوتکارت آلمان متولد تحصیلاتش را در رشته علوم الهی بپایان رسانید اما چون قوه بیان‌ونطق خوبی نداشت‌شغل کشیشی را رها ساخت بعداز چندی دربرن و بعد ازآن در فرانکفورت معلم سرخانه شد دربن‌هنگام کتابی بنام نقد خردمحض وخردعملی بدستش افتاد وبمطالعه‌آن پرداخت و پیرو فلسفه اصالت‌عقل گردید ودرتحت تأثیر این عقیده‌های فلسفی بود که‌کتاب زندگی مسیح را تألیف‌کرد .

هگل با اینکه در جوانی مردی دانشمندبوداما همواره‌چنگال عفریت‌فقر گلویش را میفشرد تا اینکه پس ازچندی رئیس دبیرستان نورنبرگ شد و درسال ۱۸۱۲رساله معرفت منطق‌را نوشت. درسال۱۸۱۶ باستادی فلسفه در دانشگاه هایدلبرك انتخاب گردید درهمین اوقات مکتب فلسفی‌ثانوی‌را بنیان‌گذارد وکتابی‌درباره علوم فلسفه‌تصنیف‌کرد درسال۱۸۱۸ به‌برلین‌رفت ودرآنجا تا پایان عمر به مطالعه و نشرعقاید فلسفی خود پرداخت ازآثارش اصول فلسفی‌حقوق‌ـ دائرة‌المعارف‌علوم فلسفی ومعرفت علم منطق میباشد .



رابرت‌هوك

هوك (۱۶۳۵ - ۱۷۰۳)

رابرت هوك‌درخانواده‌ای روحانی دردهکده فرش واتردرساحل جنوبی‌انگلستان چشم‌بجهان گشود. کودکی ضعیف‌ونحیف بودکه دچار سوء تغذیه نیز بود وشب هنگام‌خواب دچارکابوس های وحشتناك می‌شد . علاوه براین گرفتار سردرد مزمن وزشتی قیافه بود .

چون پدرش درگذشت راه لندن را درپیش گرفت ودر آغاز نزد نقاشی بشاگردی پرداخت اما بوی‌رنگها بر سردردش می‌افزود لذا آنجارا ترك‌كرد ووارد مدرسه وست مینسترگشت . در ۱۸سالگی وارد دانشگاه آکسفورد شد درآن هنگام به حکاکی روی چوب وخواندن آواز اشتغال می‌ورزید واز این راه پولی بدست می‌آورد .

پس ازمدتی‌هوك بآزمایشگاه راه یافت وازآن‌زمان بکارهای شگرفی دست زدازجمله: **پمپ‌باد ، پاندول ساعت ، میکروسکپ ، دستگاه سنجش انکسارنور در مایعات ، بارومتر** (هواسنج‌وغلظت‌سنج‌الکلی)**ورطوبت سنج** را اختراع‌کرد . تئوری مکانیکی حرارت‌راتعیین کرد واثبات نمودکه فعالیت‌های فیزیکی تولید حرارت می‌کنند همچنن اثبات‌کرد که‌اجسام بی‌هوا نخواهند سوخت .

تفاوت فلزات ونمك‌ها را نشان داد ، نقشه شهرلندن را پس‌ازآتش سوزی آن‌طرح کردکه بعدا از روی آن شهر نیویورك را بنا کردند . کتابی درباب میکروگرافیا نوشت کتابی نیزدرباب خاصیت موئین بویژه صعود مایعات درلوله‌ها نوشت .

این دانشمند دریافت‌که حرکت اجسام ریزوکوچك درروی سطح مایعات وبالا رفتن نفت ازفتیله وحرکت شیره خام وپرورده گیاهان براثرخاصیت لوله‌های موئین میباشد دوسال پس ازمرگ این دانشمند مجموعه رسالاتش انتشار یافت .

کریستی ، آگاتا

خانم داستان‌نویس انگلیسی و نویسنده‌ی داستانهای جنائی وی مؤلف کتابهای تار عنکبوت ـ مهمان ناخوانده ـ پس از تشییع جنازه انگشت متحرك ، گربه‌ای درمیان کبوتران ، حماقت مرده به طرف صفر ـ مرگ در رود نیل ـ کارتهای روی میز ـ آنها وارد بغداد شدند ـ سرودهای غم‌انگیز ـ چهار تبه‌کار مخوف و بسیاری دیگر میباشد . آگاتا گریستی ازجمله نویسندگانی است که در نگارش آثار جنائی سبك بخصوصی دارد و این شیوه در سراسر دنیا طرفداران بیشماری کسب کرده است .

کندی، جان

سیاستمدار امریکائی متولد سال ۱۹۱۷. فارغ التحصیل دانشگاه هاروارد. ازسال ۱۹۴۱ الی ۱۹۴۵ درنیروی دریائی امریکا خدمت می‌کرد .

در سال ۱۹۴۵ در سرویس خبرگزاری بین‌المللی خبرنگار بوده از سال ۱۹۴۷ الی ۱۹۵۳ عضویت مجلس را داشته ودرسال ۱۹۵۴ به نمایندگی مجلس سنا ازماساچوست انتخاب شده است.

درسال ۱۹۶۰ کاندیدای ریاست جمهوری امریکا ازحزب دموکرات شد و بالاخره در سال ۱۹۶۱ به ریاست جمهوری امریکا انتخاب گردید . وقبل از پایان دوره ریاست جمهوری ترور شد .

از تالیفات وی میتوان : « چرا انگلستان بخواب رفت » (۱۹۴۰) و سیمای شجاعان (۱۹۵۶) رانام برد.

کوکتو ، ژان

نویسنده ونقاش فرانسوی ـ متولد سال ۱۸۹۱ که درشاعری ، مقاله‌نویسی ، داستان ـ سرائی ، دست داشته و به‌کارهای تئاتروسینما نیزپرداخته است.

ژان کوکتو عضو آکادمی فرانسه می‌باشد.

ازآثار وی میتوان : رمئو و ژولیت ، اورفه وآنتگون ، راکه برای تئاتروبالت نوشته شده است نام برد.

گرومیکو، آندره

سیاستمدار روسی ـ متولد سال ۱۹۰۹ فارغ‌التحصیل فلاحتی واقتصادی مسکو.

درسال ۱۹۳۱ به عضویت حزب کمونیست درآمد. درسال ۱۹۳۹ به‌عنوان يك محقق در آکادمی علوم ومسئول شورای ملی در اداره امورخارجه خدمت نمود. ازسال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۳ عنوان رایزنی سفارت شوروی درواشنگتن را داشت. در سال ۱۹۴۳ به سمت سفیر کبیر روسیه درامریکا وکوبا برگزیده شد وتاسال ۱۹۴۶ دراین‌پست باقی مانده درسال ۱۹۴۸ به نمایندگی اتحادجماهیرشوروی به شورای امنیت رفت ودرسال ۱۹۵۲ به سفیرکبیری شوروی دربریتانیای کبیر انتخاب گردید . درسال ۱۹۵۲ به‌عضویت کمیته مرکزی حزب کمونیست درآمد و در کنفرانسهای تهران ویالتا وپوتسدام شرکت نمود. درسال ۱۹۵۷ به‌وزارت امورخارجه اتحاد جماهیرشوروی منصوب شد.

گورسل ، ژنرال

نظامی ترك‌نژاد . متولد سال ۱۸۹۵ . درسال ۱۹۱۵ در قسمت توپخانه ارتش خدمت می‌کرده ودرجنگ اول جهانی درفلسطین وگالی پولی انجام وظیفه مینمود . درجنگ استقلال

ترکیه شرکت جست. درسال ۱۹۴۶ به‌فرماندهی قسمتی ازسپاه ترکیه انتخاب‌گردید. در سال ۱۹۵۸ فرماندهی کل قوای زمینی به عهده او واگذارشد.
وی‌درسال ۱۹۶۰ به‌سمت وزارت دفاع‌ملی‌منصوب شد.

لمب ، هارولد

سیاستمدار ونویسنده امریکائی ـ متولدسال ۱۸۹۲ ازسال ۱۹۰۲ الی ۱۹۱۰ درکالج نیویورك مشغول تحصیل بود ودرجه لیسانس خود را ازدانشگاه‌کلمبیاگرفت (۱۹۱۶). ازسال ۱۹۱۷الی ۱۹۱۸ به خدمت‌ارتش درآمد ودرقسمت‌سرویس محرمانه انجام وظیفه نمود(جنگ جهانی اول). ازسال ۱۹۴۳ الی۱۹۴۵ به ریاست‌انجمن دوستداران‌امریکائی خاورمیانه‌منصوب گشت. وی تابحال چندین نشان دریافت نموده است‌که ازجمله نشان علمی از دولت ایران را میتوان نام‌برد (۱۹۳۲) آثارزیرازتألیفات اوست:
چنگیزخان(۱۹۲۷)تیمورلنگ(۱۹۲۸)جنگهای‌صلیبی(۱۹۳۰). شعله‌اسلام(۱۹۳۱) عمرخیام (۱۹۳۴) سلیمان (۱۹۵۱) تئودور وامپراطور(۱۹۵۲) وکورش کبیر.

لومومبا، پاتریس

سیاستمدارسیاهپوست‌کنگوئی ـ متولد سال ۱۹۲۵ درایالت ادیانتال ، فارغ التحصیل مدارس ابتدائی‌کنگوومدرسه عیسویان تیسویل واستانلی ویل. لومومبا ازاوایل دورهٔ تحصیلات متوسطه خودافکاراستقلال طلبی داشت‌وبهمین‌جهت مورد خشم بلژیکیها قرارگرفت (۱۹۴۱).
در پایان سال ۱۹۵۴ بود که موفق بدرجه لیسانس دانشکده سوربل فرانسه (بوسیله مکاتبه) شد، درسال ۱۹۴۹ وارد اداره پست‌کنگوشد. وی پس ازاتمام تحصیلات خود یك حزب سیاسی تشکیل داد و مبارزه بخاطر استقلال را تشدید نمود ، طی این جریانات چندین بار دستگیر وتبعید شد تاآنکه بلژیکیهاازاو دعوت نمودندکه برای مذاکره درباره استقلال‌کنگو به بروکسل برود. درباز‌گشت انتخابات‌کنگو آغازشد حزب لومومبااکثریت‌آورد وباینطریق میبایستی رئیس جمهور شود ولی او خود شخصاً باریاست جمهوری کازاوبو موافقت نمود وتنها سمت نخست وزیری رابه عهده‌گرفت. بعد ازاستقلال کنگواختلافات شدیدی بین لومومبا وسایر رجال درگرفت ولومومبا جان خویش را برسراین تحریکات‌گذاشت ودرششم فوریه ۱۹۶۱ به‌ـ طرزفجیعی درکاتانگا به‌قتل رسید.

مالنکف ، گئورگی

متولد سال ۱۹۰۳ فارغ‌التحصیل‌کالج صنعتی مسکو. درزمان انقلاب ماموره‌سیاسی‌نواحی شرقی وترکستان بوده است. در سال ۱۹۲۰ به عضویت حزب کمونیست درآمد . مدتی ریاست تشکیلات بلشویکی‌محصلین بوی واگذارشد. ازسال ۱۹۲۵ الی ۱۹۳۰ درکمیته مرکزی‌حزب کمونیست‌فعالیت داشت. درسال ۱۹۳۰ ریاست حزب‌کمونیست مسکو ونواحی‌آن بوی واگذار شد. بعد به ریاست اداره‌کارگزینی‌کمیته مرکزی حزب نایل آمد . ازسال ۱۹۳۷ الی ۱۹۵۷ عضویت دبیرخانه‌کمیته مرکزی راپذیرفت.
درسال ۱۹۴۱ عضویت کمیته حزب رابرای دفاع داشته . از سال ۱۹۴۶ الی ۱۹۵۳ سمت ریاست شورای وزراء را عهده‌دار بوده است . درسال ۱۹۴۳ لقب «قهرمان کارگران سوسیالیست» بوی داده شده وبه دریافت نشان طلای داس وچکش ونشان لنین دردوبار نایل گردید .

مالرو ، آندره

سیاستمدار و داستان‌نویس فرانسوی ـ متولد سال ۱۹۰۱ از سال ۱۹۳۹ الی ۱۹۴۰

درجنگهای داخلی اسپانیا درقسمت هنگ موتوریزه خدمت نموده . درسال ۱۹۴۰ بـه عنوان زندانی جنگ اسیرگشت اما بفرانسه گریخت ودرنهضت مقاومت ملی شروع بفعالیت کرد.

ازسال ۱۹۴۵ الی۱۹۴۶وزیراطلاعات‌بود. درسال ۱۹۵۸ بسمت وزیرفرهنگ و تبلیغات (درکابینه دوگل) انتخاب شد. درسال ۱۹۵۹ در کابینه میشل دبره نیزهمین سمت را داشت . تابحال موفق باخذ مدالهای متعددی ازجمله لژیون دونورشده است.

ازتالیفات متعدد وی میتوان : سرنوشت بشرورون‌شناسی هنررانام‌برد.

ماك میلان ، هارولد

سیاستمدار و ناشرانگلیسی متولد سال ۱۸۹۴. فارغ‌التحصیل کالجهای اتان وبالیوال و آکسفورد، مدیرسابق شرکت ماك‌میلان بامسئولیت محدود. مدیرشرکت ماشین حروف ریزی ـ ازسال ۱۹۱۴الی۱۹۱۸ با درجه سروانی درگاردهای گراندورخدمت میکرده ومقامهای‌سیاسی زیادی داشته‌است .

تادرسال ۱۹۵۴ باسمت وزیردفاع بکار ادامه داد . در سال ۱۹۵۵ پست وزارت امور خارجه بوی محول گشت.

ازسال ۱۹۵۵الی۱۹۵۷ پست وزارت مالیه وسرمایه‌داری انگلستان راعهده‌داربود در ژانویه سال ۱۹۵۷ به‌نخست‌وزیری انگلستان نایل‌آمد.

درسال ۱۹۶۰ریاست دانشگاه‌آکسفورد نیزبوی تفویض گشت.

ماك‌آرتور، ژنرال



نظامی امریکائی متولد سال ۱۸۸۰ فارغ‌التحصیل‌دانشگاه نظامی امریکا.

درسال۱۹۰۳ ازدانشگاه نظامی‌فارغ‌التحصیل شده ودرسال ۱۹۱۸ بدرجه سرهنگی ودرآخرسال ۱۹۱۸ بدرجه سرلشگری نایل‌گردید. درسال۱۹۴۴ به فرماندهی سپاه امریکا وریاست ستاد رسید وی تابحال باخذ مدالهای متعددی نایل آمده است. ژنرال ماك‌آرتور درجنگهای کره بسمت فرمانده سپاهیان آمریکا شرکت کرده و همان کسی است که معتقد بود ارتش امریکا باید سرزمین منچوری متعلق به چین‌کمونیست را بمباران نماید.

général FRANCO



فرانکو

فرانچسکو فرانکو دیکتاتور و رئیس کل سپاه کشور اسپانیا براثر انقلابات سالهای ۱۹۳۶ـ۱۹۳۹ برضد مردم اسپانیا قیام کرد و با همه مبارزاتی که مردم و آزادیخواهان برضد وی کردند قدرت را در سال ۱۹۳۶ دردست گرفت درسال ۱۹۳۷ عنوان رهبری و در سال ۱۹۳۹ نخست وزیری وسرانجام دیکتاتور کشور اسپانیا شد .

درسال ۱۹۳۷ احزاب این کشور مگریك حزب را منحل کردوباز درسال ۱۹۴۲ آن حزب را نیز منحل کرد. بااینکه موسولینی وهیتلر میکوشیدند که اسپانیا را نیز در جریان جنگ بین‌المللی دوم بمیدان بکشند نپذیرفت .

ماکیاولی (۱۴۶۹-۱۵۲۵)

نیکلای ماکیاولی ازرجال سیاسی و مؤلفان بزرگ ایتالیائی درعهد رنسانس بود. کتابی بنام پادشاه درسال ۱۵۱۳ تألیف و آنرا به حاکم فلورانس تقدیم کرد درین کتاب ماکیاولی خشونت وحکومت استبدادی جابرانه را تأیید میکرد. این کتاب ازلحاظ تاریخ جامعه‌شناسی ارزش بسیاردارد.

نهرو، جواهر لعل



متولدسال ۱۸۸۹ فارغ‌التحصیل کمبریج. در سال ۱۹۱۲ وکیل مدافعه بوده ودر محکمه عالی‌الله‌آباد بشغل قضاوت اشتغال داشته است.

در سال ۱۹۱۸ بعضویت کمیته پارلمان در آمد. در سال ۱۹۲۹ بدبیری کل پارلمان نایل‌آمد در سال ۱۹۲۰ در نهضتی که بدست گاندی پایه‌گذاری‌شده‌بود شرکت‌جست وبانهضت‌های‌ملی تشریك مساعی‌نمود. چندین‌بار بعلت داشتن‌فعالیتهای‌سیاسی‌زندانی گشت. درسال۱۹۲۹ دبیرکلی پارلمان هند بوی واگذار شد و در همین سال بجانشینی پدر خودکه ریاست کنگره ملی‌هند رابعهده داشت برگزیده شد درسالهای ۱۹۳۶و۳۷و۴۱ و۵۱ و۵۴ به همین سمت منصوب گشت درسال۱۹۴۳ بمعاونت دولت مرکزی و عضویت امور خارجی و روابط دولتهای مشترك‌المنافع انتخاب شد. در اوت سال ۱۹۴۷ به نخست وزیری ووزارت امورخارجه هند نایل میشود. ازسال ۱۹۵۳ الی ۱۹۵۴ وزارت‌دفاع هند را نیز عهده‌دار شد. درسال ۱۹۵۶ وزارت مالیه ومسئولیت اداره انرژی اتمی نیز بوی تفویض گردید.

کاسترو

فیدل‌کاسترو درسال ۱۹۴۵ بعد از تحصیلات متوسطه وارد دانشکده حقوق شد اما بعداز مدتی درس را ترك کرد وبه‌سپاه‌کوچکی پیوست، درسال ۱۹۵۰ دانشنامه حقوق‌را از دانشگاه هاوانا گرفت. در سال ۱۹۵۲دعوائی در دادگاه مطرح و تقاضای محکومیت باتیستا رئیس جمهور کوبا راکرد. اما چون نتیجه‌ای‌نگرفت او ویارانش هرچه داشتند فروختند واسلحه خریدند ولی بعداز چندی اسیرشدند و به ۱۵سال زندان محکوم گشتند اما در سال ۱۹۵۵ ایشان با طرفدارانش بکوهستان پناه برد و سرانجام باتیستا را که حکومتی خیانتکارانه داشت فراری‌داد وخود زمام اموررا درکف گرفت‌واکنون رئیس‌جمهور حکومت سوسیالیستی‌کوباست.

ماژلان

ماژلان دریانورد پرتقالی در سال ۱۵۲۰ بدورکره‌زمین باکشتی‌گردش کرد اما در فیلیپین‌بدست بومیان‌آنجاکشته شد. بعدها تنگه‌ای بنام تنگه ماژلان بنام وی‌نامگزاری شد

پروسپر مریمه Prosper Mérimée یکی از نویسندگان معروف فرانسه است که در بیست و هشتم سپتامبر سال ۱۸۰۳ در پاریس متولد گردید. پدرش ژان فرانسوامریمه معلم مدرسهٔ هنرهای زیبا بود ومادرش نیز درهنرنقاشی دست داشت.

او ابتدا براثر تعلیمات پدر ومادرش به پیشرفتهای زیادی نائل آمد و زبانهای انگلیسی واسپانیولی را بخوبی فراگرفت، پروسپرپس‌ازاتمام مدرسهٔ حقوق باسپانیا سفر کرد. مشاهدهٔ آثار تاریخی و اخلاق و ظواهر مردم اینکشور در روحیهٔ وی تأثیری عمیق بجای گذاشت و بهمین‌جهت دراغلب داستانهای‌اوقهرمان وشخصیتهای‌اصلی‌ازاهالی‌اسپانیا میباشند.پروسپرمدتی نیز درسالنهای ادبی فرانسه، که گروهی از نویسندگان معروف آنزمان مانند سن بوو ومادام رکامیه در آن شرکت داشتند، رفت و آمد کرد وبعداً فعالیتهای سیاسی‌خودرا آغاز نمود، که نتیجه‌اش رسیدن بنمایندگی مجلس بنابود. اودرسال **۱۸۷۰** درسن شصت وهفت‌سالگی در شهر گان بدرود حیات‌گفت. از آثار اومیتوان، «دواشتباه»، «کولومبا»، «کولیس» و« کارمن» را نامبرد.


MACHIAVEL


MÉRIMÉE

ماکیاولی ـ نیکلا Mackiavelli - Nicola

نیکلا ماکیاولی سیاستمدار و مورخ ایتالیائی در سال ۱۴۶۹ در فلورانس بدنیا آمد. پس‌از پایان تحصیلات درسال ۱۴۹۴ بخدمت دولت درآمد. در این دوران به سفرهای زیادی رفت وسرزمین‌های تازه‌ای دید که ازآن میان سفری بدربار قیصر بورژیا دراو اثر بسیار بجای گذارد، در۱۵۰۶ بوزارت جنگ جمهوری فلورانس برگزیده شد. حکومت جمهوری بسال ۱۵۱۲ ازکارافتاد وماکیاولی تبعید وزندانی‌گردید. ازسال **۱۵۱۳** که‌آزاد شد پژوهشهای‌خود را دراندیشه‌ها آغاز نمود. وی درنوشته‌های خود تابلوئی ازیك دولت پرشکوه و نیرومند رسم می‌نماید وراه نیرومندشدن وپیروزگردیدن را بدولتها می‌نمایاند. اوکتابهای، « شاهزاده »، « هنرجنگ » و«عبث دربارهٔ نخستین دههٔ تیت‌لیو»را نوشت ومکتب جدیدی‌را بنام ماکیاولیسم بنیان نهاد.

نیکلا ماکیاولی درسال ۱۵۲۷ بدرود زندگانی گفت.


WILDE

وایلد ـ اسکار Wilde-Oscar

اسکاروایلد نویسندهٔ ایرلندی درسال۱۸۵۶ درشهر «دوبلین» ازاستان‌ایرلند از پدری چشم‌پزشك ومادری نویسنده دیده به‌جهان‌گشود. تحصیلات خودرا دررشتهٔ ادبیات کلاسیك وهنر بویژه‌ادبیات کلاسیك‌یونان وروم درچندآموزشگاه ودانشکده درانگلستان بپایان‌رسانید. وایلد

درسال ۱۸۸٤ پای به جهان نویسندگی و هنرگذاشت . او در نوشته هایش پیوسته سبك « هنر برای هنر» را بکار می‌برد و آنرا به‌اوج رواج و گسترش خود می‌رساند . از آثار برجسته‌اش می‌توان اینها را نام برد ، نمایشنامه‌های، سالـومه، بادبزن خانم وبندمیر-داستانهـای، تصویر دوریان‌گری ، شاهزادهٔ خوشحال .

کنتس‌دونوای Contsse de Noailles که نام‌اصلی وی«**پرنس آناماتیا برانکودان**» میباشد، بسال **۱۸۷۶** چشم بجهان گشود . بی‌شك او عاشق پیشه‌ترین شاعرهٔ فرانسه و یکی‌از خونگرم‌ترین شاعره‌های دنیاست . این شاعرهٔ زیبا گذشته ازشیوائی ولطف جمال شایستهٔ علاقه واحترامی خاص است، زیرا وی یکی ازبزرگترین‌عاشقان سعدی است . **حافظ وسعدی**دوستان تنهائی وخلوت وی بودند ووی بطوری مفتون ایندو شاعر پارسی گردیده بود ،که یکبارشاعرهٔ زیبای فرانسه نوشت «**کاش در روزگار سعدی وحافظ بودم و ازایشان‌گدائی عشق میکردم**» دونوای مقدمه‌ای برترجمهٔ «**فرانتن توسن**» که «**گلستان سعدی**» را ترجمه کرده است نوشته که از زیباترین آثارادبیات معاصرفرانسه است . درنظر این شاعرهٔ زیبا زندگی‌فرصت کوتاهی است‌که باید حداعلای استفاده را ازآن نمود .

ازلحاظ ادبی شعرکنتس را باظرافت وزیبائی **لامارتین ودوموسه** نمیتوان مقایسه‌کرد، معهذا بسیاری از اشعار وی بسیار عالی‌است. دیوانهای اوموسومند به، **سایهٔ ایام** ، **زندگان و-مردگان** ، **خیرگیها** ، **افتخار رنج** ، **شعرعشق** ، **قلب ناشمردنی** ، **دل در همه‌جا** ، **نیروهای-جاودانی** ، **اشعارکودکی** . این شاعرهٔ زیبا بسال **۱۹۳۸** چشم ازجهان فروبست .



پل‌والری درروزسی‌ام اکتبر سال**۱۸۷۱** چشم‌بجهان گشود. در سیزده سالگی درمدرسه شبانه روزی **مون پلیه** بتحصیل‌علم پرداخت، ولی‌چون‌از ریاضیات‌وعلوم‌روگردان بودبادبیات‌روآورد وبمطالعه‌آثارنویسندگان‌بزرگی مانند؛ گوتیه، بودلر، پو،استفین ومالارمه پرداخت درسال۱۸۸۹ هنگامیکه تحصیلات خود را در رشتهٔ حقوق بپایان‌رسانید نخستین شعر دل‌انگیزش در یکی از مجلات هفتگی **مارسی** انتشاریافت وبا**پیر لوئیس**عهد دوستی‌بست . دیری نگذشت که **ژید و مالارمه** نیز با اوراه دوستی‌پیش‌گرفتند و این مناسبات بدانجا رسید که والری ازهان روشنفکران و نویسندگان وقت‌را بخودفریفت. درسال **۱۸۹۲** اندیشه‌های شاعررا نومیدیهای فلسفی بسیارفراگرفت در روزهای بحرانی‌چهارم وپنجم اکتبرهمانسال لحن یاد داشتهای خصوصی والری‌گریان ولرزان میشود واو روگردان وبیزار ازخلق‌بتنهائی مطلق فرومیرود، درشبی‌که نومیدی پل‌والری باوج خود رسیده‌است ، شاعر خاموشی عمیق وسکوت سمج وغم‌آلود خودرا میشکند ومیگوید «وقتی مینویسم‌مثل خدایان درهاله‌ای اززیبائی‌وخلقت فرومیروم وهنگامیکه ازنوشتن بازمیمانم اهریمنان بر من حمله میآورند» . والری‌را میتوان مردی‌افسرده چهر و بلند قامت‌درمیان مسائل عصرماشینی‌که فقط به عشق زن میاندیشدنمودار ساخت. اورا میتوان جزورمانتیك ترین شاعران قرن‌بیستم دانست. وی رسالات فلسفی چندی نیزنوشت وسرانجام در روزبیستم ژوئیه۱۹٤٥ درحالیکه‌شاعرآوازه‌ای‌جهانگیر بدست‌آورده‌بود دیده برهستی فروبست .

A. HUXLEY



آلدوس لئوناردهاکسلی Aldous Leonard Huxley در۲۶ماه جولای **۱۸۹۴** درچارترهاوس متولد شد. درسال ۱۹۱۸ با ماریاینس ازدواج کرد.

هاکسلی ازداستانسرایان وشرح حال نویسان مشهورانگلیسی که درفاصلهٔ سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ به عنوان زیرکسارترین‌نویسندهٔ جوان شناخته شد. وی‌سبکی‌گیراوبیانی دلنشین‌دارد وبرای‌ابرازمفاهیم‌خود موضوعاتی‌جالب ودرعین‌حال‌طنزآمیزانتخاب‌میکند. درسالهای میانهٔ‌عمر جدی وعمیق شد، جنبهٔ تلخ رومان «**جهان نو شجاع**» مبین این‌امراست.

درکتاب **زمان باید وقفه‌ای داشته باشد** با برخوردهای عرفانی ومادی مواجه‌می‌شویم.



توماس هاردی Thomas Hardy نویسنده و شاعر بزرگ انگلیسی‌بسال **۱۸۴۰** متولد شد. **هاردی** ده‌ها کتاب قطورازخود بیادگار گذاشته‌است، که دربین‌آنها کتاب **تس‌دختردوربرویل** شاهکارش محسوب می‌گردد.

هاردی راهمراه‌**بادیویدهربرت‌لارنس**‌طاغی‌ادبیات می‌دانند، دراین‌جابایدمتذکرشدکه‌لاورنس،هاردی‌و**ژوزف‌کنراد** را تنها نویسندگان بزرگ جهان می‌دانند.

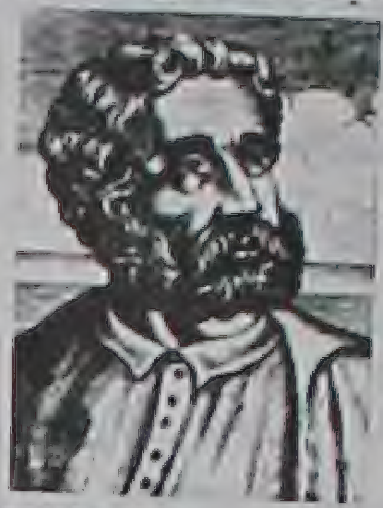
او درسال ۱۹۲۸ درگذشت.

برناردن دوسن پیر



درسال **۱۷۳۷** در لهاورمتولد شد و در سال ۱۸۱٤ جهان را بدرود گفت. ابتدادر صنف مهندسی ارتش‌بی‌آنکه موفقیتی‌کسب‌کند بخدمت پرداخت. سپس هلند و روسیه و لهستان وآلمان را بجستجوی‌کار ویافتن‌مقام مناسبی زیرپا گذاشت و در سال ۱۷٦۹ برای مدت دوسال به ماموریتی به ایل دوفرانس که امروزه بجزیره موریس معروف است عزیمت کرد و به مهندسی‌پرداخت. در مراجعت به پاریس چون مست ومسحورمناطق رویاانگیز و زیبای خارج‌شده بود به تشویق ژاك ژان روسو فیلسوف معروف‌فرانسوی‌که هر دو ازنظراحساسات وجه تشابهی دارند، به انتشارآثار خود مثل «مسافرت به ایل دوفرانس» ۱۷۷۳ «مطالعاتی‌در طبیعت» ۱۸۷٤ دست زد. کلبهٔ هندی (۱۷۹۰) پل وویرژینی (۱۷۸۷) ازجمله‌آثار اوست.

دنباله مسافرت ماژلان را همکارش سپاستین دلگانو گرفت .


MAGELLAN


MAUROIS

موروآ، آندره

داستان‌پرداز ومقاله نویس فرانسوی ـ متولد سال ۱۸۸۵ . عضو آکادمی فرانسه از سال ۱۹۳۹ الی ۱۹۴۰ عضو سرویس خبرگزاری فرانسه بود ـ درسال ۱۹۴۳ به الجزایر رفت و به‌قوای فرانسوی پیوست .

از آثار وی میتوان «زن بدون عشق» «گلهای سپتامبر» و «آب وهوا» رانام برد.

ازبیوگرافیهای وی میتوان. «ادواردهفتم وعصرش» «بایرون» «جنگ فرانسه» و«چرا فرانسه سقوط کرد» رانام برد.

همینگوی ، ارنست

ارنست همینگوی به‌یقین بزرگترین نویسنده امریکائی وبه‌احتمال بزرگترین نویسنده دنیا درقرن بیستم است. او درواقع مبتکر وپایه‌گذارداستان کوتاه نویسی بود هنگامی که اولین مجموعه داستانهای کوتاه منتشرشد دیدتازه‌ای اززندگی در ادبیات پدیدآمد و شیوه نوینی برای انتقال احساس وبرداشت نویسنده به‌ـ خواننده ارائه گردید . او همچنین بعنوان نخستین کسی که خط فاصل ومرزمیان روزنامه نگاری (ژورنالیسم) و ادبیات اصیل را پاك کرد شناخته شد. شیوه کار نویسندگی او که بیان موجزوقایع ساده وگریزازتوضیح مسائل احساساتی است بظاهر عـادی و قابل تقلید مینماید و بهمین علت مقلدان بسیاری یافته است اما آثاراین پیروان نیزهمچون آثارسایر مقلدان بااصالت فاصله زیادی دارد او از بکار بردن صفات عالی وآه وناله وزاری‌ها که مایه وابزارکارنویسندگان احساساتی بود شدیداً پرهیز کرد وبانوشتن قصه‌های بظاهر ساده‌وکم‌اهمیت اثری قوی وبادوام‌درخواننده



بجا نذارد. خواننده اوپس‌ازخواندن قصه‌های کوتاه اونیروی خیال وتفکرخود رابکارمی‌اندازد ودرحاصل کار وتجربه ماجراسهیم میشود واین تجربه را روشن وقابل لمس احساس میکند.خود همینگوی کوچکترین کمك مستقیمی به تأثیراحساس مثبت یا منفی داستان درخواننده نمیکند.

یکی‌ازدرخشانترین آثاراو «پیرمرد ودریا» است. دراین داستان بیش‌ازهرچیز کشمکش یك پیرمرد ویك دریا ویك ماهی نشان داده میشود که میتوان هرکدام ازآنهارابنوعی تعبیر و

تفسیر کرد و به هر کدام معنائی داد. از آثار دیگر او میتوان «وداع با اسلحه» ، «خورشید همچنان می‌دمد» ، «ناقوس‌ها برای که بصدا درمیاید» و «آنسوی رودخانه ودرمیان درختان» رانام برد.

اما شیوه بیان غیرمستقیم همینگوی بیشتر در داستانهای کوتاه او همچون «برفهای کلیما-نجارو» ، «آدمکشها» و «زندگی خوش کوتاه فرانسیز مکومبر» تجلی می‌یابد. اودرهر کدام از داستانهای کوتاه خود درحیطه‌ای محدود احساس غم‌انگیز یك واقعه ساده وتراژدی آدمهائی‌را بیان میکند که خود خاموشند وازدردی گنگ رنج میبرند.

همینگوی که درطول عمرخود رفتارغریب وسرکشی داشت و غالبا اوقات خود را به‌شکار وتماشای مسابقات گاوبازی ومیخوارگی میگذراند وریش میگذاشت و به ظواهر زندگی اهمیتی نمیداد ــ دراواخرعمر شدیداً خسته وافسرده شده بود . او درتیرماه سال ۱۳۴۰ هنگامی که تفنگ شکاری خود راپاك میکرد کشته شد وبه روایتی خودکشی کرد



Th. MANN

مان

توماس مان در سال ۱۸۷۵ در بندر ترلوبك که ازشهرهای شمالی آلمان است چشم بجهان گشودپدرش تاجرغله بودکه بعدها بمقام سناتوری شهرلوبك بر گزیده شد.

پس‌ازتحصیلات متوسطه توماس وارد خدمت یك‌شرکت بیمه‌گردید اما درهمین‌احوال به‌نوشتن‌پرداخت واولین‌اثرخود بنام افتاده‌هارا پدیدآورد.

توماس‌مان بکشورهای مختلف سفرکرد چون هیتلر وقوای نازی بچکسلواکی حمله کردنداین نویسنده‌که سراسراروپا را درکام‌آتش جنگ میدید بامریکارفت .

این نویسنده از بزرگان علم و ادب جهان بشمار میرود و آثار بدیع و جالبی پدید آوردکه برخی ازآنها بدینقرار است:

مرگ درونیز ـ ساعت دشوار ـ در آینه ـ گوته وتولستوی ـ گلاشها ـ قانون ـ گوته نماینده بورژوازی ـ ماریوجادوگر ـ خلاصه زندگی ـ یوسف‌جوان‌ـ یوسف‌درمصر ـ شوپنهاور ـ اروپا هوشیارباش ! ـ سرهای عوض‌شده ـ فروید آینده ، یادداشتهای‌ـ فائوستوس

مکتب های ادبی

رمانتیسم

نهضت رمانتیسم زائیده تمدن صنعتی و پیشرفت طبقه متوسط درسده نوزدهم است، زیرا توده‌پیشرفته سده نوزده اروپادیگر نمیتوانست سنت‌های ملوك الطوایفی (فئودالیسم) و کلاسیسیسم را گردن نهد. ازاین رو به نویسندگان وهنرمندانی نیازداشت که بدلخواه خویشتن و پندارهای بی‌بند و بار خود خامه بدست گیرند بنابراین شایسته است رمانتیسم را یك مکتب انقلابی و ناقص سنت‌های کلاسیسیسم دانست.

این نهضت از میانه‌های سده هیجده اوج گرفت وبالا رفت ، تاجائیکه آخرهای این سده وسرتاسرسده نوزده ، جهان هنروادب واندیشه را جولانگاه خویش ساخت .

«نوامیس» ازسرودهای رمانتیك بدینگونه یاد مینماید :

هنری است که همه چیزرابشیوه دل انگیزی شگفت‌آورمیسازد ، هنری که همه چیز را درفاصله‌های دورقرارمیدهد بی‌آنکه ازرنگ آشنا ودل فریب آن‌ها بکاهد.

رمانتیك‌ها به رؤیاها واندیشه‌های خود بیش ازهر انگیزه طبیعی و غیر طبیعی دیگر پروا داشتند وآنچه میسرودند ومینوشتند جلوه‌هائی ازجهان ناشناخته و دور دست اندیشه و پندار بود. آنها برعکس کلاسیست‌ها هرگز بخود نمی‌پرداختند، بلکه همواره بفرمان احساس و اندیشه گوش میسپردند.

خیال پردازان سده نوزده هیچگاه توده خود راآنگونه که بود نقاشی نمیکردند ، بلکه آنچنان که میخواستند باشد مجسم میساختند، ازاین رومکتب رمانتیسم دربرابر رئالیسم جای میگیرد .

هنرمند رمانتیك توده خود رادشمن میدارد وچون اززندگی دراجتماع خویش گریزان است ، بدامن خیالها و اندیشه‌های خویش پناه می‌برد و بدورانهای باستانی (بویژه سده‌های میانه) و روزگارکودکی وسرزمین آرزو وتنهائی بازمیگردد.

از سوی دیگر جنبش رمانتیسم را باید فریاد خشم و اعتراض برضد بندگی انسان ، کشاکش‌های سرمایه داری ، برگرداندن شهرها به اردوگاه‌های کارگری و بدبختی و سرانجام برضد صنعتگران سرمایه‌دار دانست ، نمونه برجسته‌ای ازاین فریادها را میتوان در شعرهای شیرین وبی‌پیرایه ویلیام «وردزورث» سراینده رمانتیك انگلیس جستجوکرد. ازآنجا که بنیان رمانتیسم باایده‌آلیسم هم‌آهنگی نزدیك وشناخته دارد. هنرمند رمانتیك زندگی و اجتماع را زائیده اندیشه میداند و برخلاف رئالیستها ، دگرگونی و چگونگی های توده را وابسته به‌ـ دگرگونی‌های اندیشه بشری میشمارد.

میتوان پیشوایان این مکتب را درفرانسه استاندال ، ویکتورهوگو ، شاتوبریان و در انگلستان وردزورث ، لرد بایرون ودرآلمان گوته و در روسیه پوشکین وگوگول دانست.

دیباچه هوگو بر نمایشنامه «کرمول» خود درحقیقت مرام نامه جنبش رمانتیسم گردید و همو با عرضه داشتن شاهکار جاودان خود «بینوایان» رهبری این مکتب را از آن خویش ساخت.

در پایان میبایست ناگفته نگذارد که گرچه این جنبش دیرگاهی درخشیدن گرفت و ستارگان روز افزونی چون هوگو، گوته و بایرون برسینه آن خود نمائی وتابندگی کردند ولی سرانجام با آزادی بی بند و بار خود و پدید آوردن جنبشهای دیگری همچون سمبولیسم و سوررئالیسم، هنر را به تباهی کشانید.

سمبولیسم

در آغاز سده ۱۹، در آن دوران که هریك از مکتبها و جنبشهای ادبی قلمروئی از جهان هنروادب را ویژه خود ساخته بود، جنبش دیگری بنام سمبولیسم پا به پهنه هستی گذارد.

این جنبش در حقیقت شورش و عصیان نسل جوان در برابر تمام هستی‌ها و پدیده‌های اجتماعی وهنری واخلاقی بود.

سمبولیسم مکتبی ادبی بود که بدبینی و نومیدی را با وهم و رؤیا ، همراه با احساس و خیالی ژرف و نیز درهم آمیخته بازبانی آکنده از کنایه و اشاره که ویژه خود این مکتب است ، بیان میداشت .

سمبولیسم تنها برپایه «اصالت احساس» تکیه داشت وهنرمندان این مکتب برای احساسهای خود بـه هیچ اصل دیگری گردن نمی نهادنـد و از هیچ منطق و واقعیت دیگری پیروی نمیکردند .

سرایند گان و نویسندگان ایـن مکتب هر یك بازبانی رمزی ویژه خویشتن سخن میگفتند زیرا که این گفته مالارمه شاعر سمبولیك سرآغاز اندیشه‌ها و گفتار آنان بود که میگوید :

« نام بردن از یك چیز سه چهارم لطف شعر را تباه میسازد، زیرا که جاذبه‌ی هرشعر بستگی به خرسندی خاطر دارد که خواننده در نتیجه درك نکته‌ها و مضمونهای شعری به کمك گمان خود بدست میآورد. با اشاره و کنایه چیزی را نمایاندن یا احساسی را برانگیختن ، زیبائی اندیشه هنری را به کمال میرساند.»

از همین رو بود که این رمزها و کنایه‌ها (سمبلها) به نوشته‌ها یا سرودهای هنرمند سمبولیك ویژگی خیال انگیزی میداد و پدیده‌های هنری او را بشکل یك پدیده عرفانی یا روحانی مینمایاند .

مالارمه درجای دیگر میگوید: «یك عبارت زیبای بی‌معنا خیلی باارزش‌تر از یك عبارت بامعناست که زیبائی چندانی ندارد.»

سمبولیکها به کمك «جادوی واژه‌ها» آنچنان جهان مادی ومعنوی ومحسوس و نامحسوس را بهم پیوستند که آهنگ وطنین واژه‌ها خود سرانجام بیش ازهرموضوع دیگری آنها را بسوی خویش کشید و گاه هدف برجسته برخی از سرودها گردید.

درهمه پدیده‌های هنری سمبولیکی ، یك احساس وخیال ژرفی که آمیخته با نومیدی و بدبینی است به چشم میخورد. این احساس سرکش همواره درون وبین خودنگران است و بارؤیا وخیال همراه است. سخنوری درباره این گروه هنرمندان میگوید:

«آنان به همه چیزها وپدیده‌ها معناهائی نامحدود نبخشیدند، به‌گونه‌ای که هرچیزی با ماوراء الطبیعه بستگی پیدا میکند ، اما شیوه بیان آنان دلپسند ونامفهوم است.»

از آنجا که سمبولیکها بستیزه‌جوئی باهر قیدو بند منطقی ورئالیستی درشعر وهنر برخاستند، مکتب سمبولیسم دربرابر رئالیسم قرار گرفت.

این شیوه درهنر تئاتر نیز اثر بخشید ورواج یافت ونمایشنامه‌نویسان بزرگی همچون موریس مترلینگ بشیوه سمبولیسم نمایشنامه نوشتند.
ازآنجا که ایندسته هنرمندان اصول استوار و پابرجائی را پیروی نکردند و با زبان ویژه رمزی خود سخن‌ازاحساس ورؤیا وخیال بمیان‌آوردند هرکس‌ازخواندن آثارآنان‌باندازه نیروی درك واحساس خود ، چیزخواهد فهمید .
پیشوای این مکتب در فرانسه شارل بودلر بود که بهره زیادی در برانگیختن این جنبش دارد .
همچنین ادگارآلن‌پو (امریکائی) وموریس‌مترلینگ (بلژیکی) از رهبران شناخته این مکتب بشمارمیروند .

ناتورالیسم

این مکتب زمانی درپهنه هنرواندیشه اروپاچشم بدنیا میگشاید که دانشهای تجربی و زیست شناسی به سرحدکمال رسیده وسده داروین‌آغازگردیده است. واین جنبش نیزبی‌اختیار در زیرنفوذ همین دانشها ودانشمندان شکل میگیرد.
ناتورآلیسم مکتبی است که نه‌تنها گرایش زیادی بسوی طبیعت ونیرو و آئین‌آن نشان میدهد، بلکه بی‌پرده گردن به «جبرعلمی» و «روشهای تجربی» می‌نهد.
بنیان‌گذارجنبش ناتورالیستی امیل زولا نویسنده فرانسوی‌است که خود برای‌شناساندن مکتب ناتورالیسم میگوید:
«اکنون دانش به‌قلمرومادرمیآید، ما داستان‌سرایان درایی مرحله ازکارخودنمایندگان ونغ فردی واجتماعی بشریم . همانگونه که زیست شناسی دنباله کارفیزیك دان وشیمی دان را گرفته است، ماهم باتجربه‌ها واندوخته‌هایمان‌کار زیست شناسی را دنبال میکنیم همانگونه که شیمی دان یافیزیك‌دان روی ماده‌های بی‌جان‌کارمیکند وزیست شناسی جسم‌های زنده رابه‌زیر آزمایش میکشد ، ما هم بایدروی‌چگونگی‌ها ویژگی‌ها، هوسها واندیشه‌ها ورفتارآدمی‌زادگان وتوده‌های انسانی کار کنیم.»
ازگفته پیشوای این مکتب بروشنی‌فهمیده میشود که این دسته ازنویسندگان هیچگونه ارزشی برای اندیشه ، خیال واحساس یك نویسنده وهنرمند نمی‌شناسد وآدمی را موجودی بی اختیاردربرابرطبیعت وناموس آن و موجودی بی‌اراده در پیشگاه « جبرعلمی » میدانند این نویسندگان درپژوهش‌های افسانه مانند خود به «زیست شناسی» بیش از«جامعه شناسی»اهمیت میدهند، ازاین روافسانه نویسی راباآزمایشهای طبیعی وتجربی یکسان میشمارند. خود «زولا» جای دیگر درباره افسانه ناتورالیستی مینویسد:
«افسانه ناتورآلیستی‌آزمایشی واقعی‌است که داستان نویس بابهره برداری ازتجربه‌های خود روی افراد بشرانجام میدهد.»
طبیعت پردازان سده نوزده‌گذشته از پذیرفتن و پیروی «آئین طبیعت» و «جبرعلمی» وروشهای آزمایشی‌به موضوع همخونی یاوراثت نیزپروای فراوان نشان میدادند و بهتأثیرخون پدر درفرزند باوری استوار داشتند . همچنین وضع جسمانی در دیده ازحالت روانی مهمتر و اصیلتر بوده ناتورآلیست‌هادرافسانه‌های خود هیچگاه انسان را بااراده و آزاد نشان نمیدادند بلکه اورابی اراده وبی‌اختیار دربرابرنیروهای‌جسمی وطبیعی ماوراء طبیعی نقاشی میکردند.
درشیوه افسانه نویسی طبیعت پرستان هرگزریزه‌کاریها راازچشم نمی‌اندازند و همچنین زبان‌گفتگوئی را درنوشته‌های خویش بکارمیبرند . جنبش ناتور آلیستی در آغاز سده نوزده درخشیدن‌گرفت ولی‌درخشش‌آفتابش بزودی روبه تیرگی‌رفت ودیری‌نپائید ، اما اثری پیوسته

و ژرف درمکتبها واندیشه‌های هنرمندان همزمان خود و دورانهای پس ازخود برجای نهاد .

کلاسیسیسم

کلاسیسیسم به‌آن مکتب ادبی گفته میشود که بامایه‌گرفتن‌ازهنروادب یونان ورم‌باستان ازسده پانزده تاهیجده دراروپا خود نمائی داشته است.

اصول وقواعدی چند هست که مکتب کلاسیسیسم راگسترش میدهد وآنرا ازدیگرمکتبها برجسته وبرکنارمیدارد. این اصول رامیتوان بدینگونه دسته بندی‌کرد:

۱ـ نمایش‌طبیعت: هنرمند کلاسیست بیش ازهرچیزمیبایست سازنده خوبی باشد. سازنده که نمونه‌کارش را استادکارکائنات وهستی‌ها پدیدآورده است واوبایستی آنرا درآثارخودنقاشی کند. دراین نقاشی ونگارگری دست هنرمند کلاسیك بازاست وجنبه‌های نیك ودلخواه طبیعت رابرمی‌گزیند وبا آب ورنگ خیلی بیشترودلپذیرتر بروی صفحه کاغذ مینمایاند.

۲ـ توجه به‌گذشتگان: ویژگی‌دومی که درکاراین‌دسته هنرمندان چشم‌گیراست نگریستن وپروای بی‌اندازه‌آنان به خداوند ذوق وهنرباستان است . اینهاهمواره برای یافتن بهترین و برجسته‌ترین قالبها ونمونه‌های هنری به‌کاوش و بررسی درگنجینه‌گذشتگان میپردازند. از این است که زمانی همریونانی وگاهی‌هوراس‌وویرژیل رومی درآسمان‌اندیشه و نوشته‌آنها جلوه‌گری مینماید .

۳ـ پروای خرد : هنرمند مکتب کلاسیسیسم هرگزدر جولان اندیشه پا از دایره خود بیرون نمی‌نهد ، به‌گفته روشن‌ترهیچگاه همچون رمانتیکها گرفتارپنجه رؤیا و خیال نمیگردد اصل‌خرد همواره‌راهبرهنرمندان کلاسیسیست‌است وآنان راازسرنگون‌گشتن بدامان «رؤیاهای شاعرانه» بازمیدارد ازهمین‌رو است که می‌بینیم پیروان این سبك همچون راسین و لافونتن در فرانسه وشکسپیرومیلتون درانگلیس ، پروای زیادی درتراوشهای روان خویش نسبت‌به خرد نشان میدهند.

۴ ـ آموزندگی ودل‌پسندی : یك پدیده‌کلاسیسیستی میبایست حتماً درجامه سادگی و دل پسندی، پدیده‌ای‌انگیزاننده وآموزنده‌باشد ، زیراآموزش نیکی‌ورواج خوبی‌ها و زیبائی‌ها هدف اصلی یك هنرمند کلاسیك است .

۵ ـ جلوه راستی : آنچه را که نیك ودرست است ، هنرمند به قهرمان داستان خود می‌بخشد وبرفتاراوجلوه درستی و راستی میدهد، تابا آموزش نیکی و نمایش واقعیت مردم را بسوی خوبی‌ها وروشنائیها راهبری نماید.

این مکتب درسده‌های شانزده وهفده به‌اوج توانائی وگسترش خود میرسد ودرفرانسه، ایتالیا،آلمان وانگلیس‌سخنوران زیادی‌بدان روی‌مینهد وبرخی‌چون ویلیام‌شکسپیردگرگونی‌های چندی درپایه‌های‌آن پدید میآورند. پدیده‌های این‌مکتب بیشتربه‌گونه شاهکارهای‌جاودان ادبیات جهان نمودارگردیده‌که بنام های «شادینامه» (کمدی) «غمنانه» (تراژدی) «رزم نامه» (حماسه) وهمچنین «شادینامه وغمنامه» (تراژدی‌کمدی) شناخته شده‌اند.

رئالیسم

جنبش رئالیسم در سده هیجده در اروپا پاگرفت و درسده نوزده راه پیشرفت و کمال پیمود وبزرگترین ودرخشان‌ترین مکتب ادبی جهان‌گردید. ازاین رومیبایست جنبش رئالیسم یا حقیقت پردازی را بدو دوره تقسیم‌کرد ، یکی رئالیسم سده هیجده که پیشاهنگان آن در انگلستان میباشند. دیگری رئالیسم سده نوزده‌که پیشوایان‌آن را دانیل دفو، هنری فیلدینگ

تولستوی ودیکنز ودرفرانسه بومارشه، مرسیه وبالزاك را میتوان نام برد.
پیروان این مکتب برخلاف رمانتیك‌ها به‌نقاشی توده وزندگی اجتماع خود میپردازند وآنرا آن‌چنان‌که هست‌نشان میدهند وحتی ریزه کاری‌هاازدیدگان تیزبین‌آنان‌پوشیده نمی‌ماند هنرمند رئالیست همواره میکوشد زندگی رابآن شکلی‌که واقعاً هست نمایش دهد نه آن گونه که باید باشد.
هدف رئالیسم‌کاوش وپی بردن ونمایاندن چگونگی واقعی هرچیزوبستگی‌هاوپیوندهای درونی یك پدیده ودیگرپدیده هاست از این رو رئالیسم همواره دربرابرایده‌آلیسم ورمانتیسم قرارمیگیرد.
گزینش طبقات پائین وگوناگون مردم ونقاشی‌کردن وبرجسته نمودن چگونگی‌های‌آن ونمایاندن آن ، نقش یك هنرمند رئالیست درجهان هنروادب بشمارمیرود.
برجسته‌ترین مسائل روز وموضوع‌های اجتماعی ، مطالبی‌است‌که پیوسته اندیشه و ذهن نویسنده واقع بین را بسوی خود میکشد . جنبش واقع بینی‌که زائیده زمان و مکان بوده و بیش ازهمه چیزبه‌اندیشه‌ها و ویژگی‌های مردم اروپا بستگی داشت ، اثربسیار زیادی در جهان هنروادب هم زمان خود وپس ازخود بخشید.
درفرانسه‌اونوره دوبالزاك بانوشتن«باباگوریو» و«اوژنی‌گرانده» ودرانگلستان‌چارلز دیکنز باپدیدآوردن شاهکارهای «اولیورتویست» و «داستان دوشهر» و «دیوید کاپرفیلد » این جنبش رابه اوج بزرگی وفروغ رسانیدند. به‌ویژه بهره روسیه دراین میان بسیارزیاد ودرخور پرواست . پیشوایان این مکتب در آن سرزمین خود در زمره برجسته‌ترین نویسندگان جهان بشمارمیروندکه‌ازآن میان‌لئون تولستوی‌باپرداختن«جنگ وصلح» وماکسیم‌گورگی وتورگینف بابوجودآوردن شاهکارهای فراموش نشدنی، توانستند خود را به‌گونه ستارگان تابناك آسمان نهضت رئالیسم درآورند.

هنر برای هنر

این مکتب را مانند همه‌ی مکتبهای دیگر نمیتوان زائیده یك دوره ویژه ویك عصر روشن وشناخته دانست ، ولی با وجود این ، آخرهای سده هیجده را میبایست دوران پیشرفت ورواج این مکتب شمرد.
این جنبش هنری نیزمانند دیگر جنبش‌ها در خاك فرانسه پدید آمد و شکل گرفت و هنرمندان بنامی همچون شارل بودلر وتئوفیل‌گوتیه پیشوائی‌آنرا ازآن خود ساختند ، ولی‌در دیگرکشورهای اروپائی بویژه انگلستان نیز هواداران زیادی یافت وهنرمندان بزرگی چون جان راسکین و والترپترواسکاروایلدبه‌آن رونمودند. درسده‌های هفده وهیجده‌گاه بانمونه‌هائی ازاین شیوه اندیشه و هنرمندانی که بدان سبك هنرنمائی کرده‌اند برمیخوریم ، ولی تنها در آخرهای سده هیجده و آغازهای سده نوزده است که تـابش این مکتب ادبی همه جا را فرا میگیرد .
این مکتب زمانی زائیده میشود و پرورش می‌یابدکه در پیش آمدن انقلاب صنعتی در اروپا ودگرگون‌گشتن اجتماع‌ها ونیروگرفتن سرمایه داری وارباباب‌کارخانجات هنرمند خود را درتوده خویش تنها می‌یابد وهمه چیزرا دشمن هنرمی‌پندارد.
رهروان وادی هنربرای هنر، برآن بودندکه هنرراازبند همه چیزجزآفرینش زیبائی رها سازند ، ازاین روهدف هنر جزآفرینش زیبائی چیزدیگری نمی بایست باشد وهیچ رنگ وشکل دیگری نباید بپذیرد.

تئوفیل گوتیه خود درباره هنر می‌نویسد : « فایده‌اش چیست ؟ زیبا بودن ! آیا همین بسنده نیست ؟ مانند گلها ، مانند عطرها ، مانند پرندگان ، مانند همه‌ی چیزهائی که انسان میتواند به خواست خود دگرگون سازد وتباه‌کند. هرچیزوقتی که سودمند شد دیگر نمیتواند زیبا باشد، زیرا وارد زندگی روزانه میگردد ، همه‌ی هنرهمین است هنرآزادی است ، شکوه است ولی بهیچ دردی نمیخورد...

همچنین درجای دیگرمی‌نویسد:

« مااز آزادی هنر پشتیبانی مینمائیم ، برای ما هنر هرگز وسیله نیست ، بلکه خود هدف است ، هرهنرمندی‌که در پروای چیز دیگر بجز آفرینش هنر وزیبائی باشد ، در دیده ما هنرمند نیست . »

این‌مکتب‌چندگاهی پیشرفت کرد ورواج‌یافت ، ولی سرانجام نتوانست پسندیده همگان به ویژه توده سخن پروران و هنردوستان گردد وهنرمندان نام آوری چون الکساندر دوما و دیگران به مخالفت باآن برخاستند، وازآن سخت بدگوئی نمودند.

اگزیستانسیالیسم

با آنکه این مکتب را پیش از اینکه یك مکتب ادبی بتوان نام برد یك جهان بینی فلسفی باید دانست ، باوجود این ، هرگز نمیتوان نفوذ این شیوه اندیشه را درنوشته‌های ادبی وادب پروران هم زمان ناچیزشمرد.

پیش ازجنگ جهانی دوم ودرگیرودار این نبرد مرگبار یك جنبش فلسفی و ادبی در فرانسه پرورش وگسترش یافت که شالوده خودرابر«اصالت وجود» و «آزادی انسان» و «پوچی زندگی»استوارساخته بود.

همان گونه که رمانتیسم مکتب «اصالت احساس» بود ، «اگزیستانسیالیسم» نیز مکتب «اصالت وجود» گردید، زیراندیشمندان سخن پرور این مکتب برآنند که :

«وجود ، سرچشمه هستی واحساس ، جهان واقعی است «اصالت» ازآن «وجود» است نه «ماهیت» زیراکه انسان دراصل و ماهیت دارای هیچگونه سرشت وخوی‌فطری نیست بلکه از آنچه‌که در «جهان وجود» بدست میآورد ساخته شده‌است ، به‌گفته دیگر، انسان زائیده‌کارهاو رفتارومحیط خودمیباشد.»

این مکتب انسان را پدیده‌ای کاملا « آزاد و فرمانروا » برسرنوشت خویش میداند و بستگیهای انسان را بااجتماع وآئین و سنت‌های آن پاك بریده و در هیچ کاری ارزش گذشته تاریخی ، همکاری دسته جمعی ونقش بندی سرنوشت را نمی‌پذیرد . اما چون زندگی‌کنونی را درچهارچوب اجتماع مینگرد وانگیزه‌ها وبندهای اجتماع را باآزادی انسان دشمن می‌یابد ، آنرا تلخ وچندش آور مینامد وراه خوشبختی را درگریختن ازاین جهان ناسازگارورهائی از تاروپودهای اجتماع میداند.

در دیده اگزیستانسیالیسم زندگی چیزپوچ و بی‌ارزشی بیش نیست ؛ و زنده ماندن جز کشیدن بارسنگین زندگی پوچ چیزدیگری نیست . ازآنجا که رنجها ودردهای ما همه زائیده هستی خود ماست ، تنها راه آسودگی انسان بریدن رشته زندگی و نابود ساختن تمدن است ، دراینجا است‌که «مرگ ونیستی» خود نمائی میکند.

سرانجام رهروان این مکتب به‌آنجا میرسندکه ایمان پیدا میکنند:

«همه چیزمسخره وپوچ وغیرواقعی است.»

اگربهتربخواهیم اگزیستانسیالیسم رابشناسیم بایدگفت :

« اگزیستانسیالیسم فلسفه مرگ و نومیدی و بیهودگی است . این مکتب جهان بینی توده‌ای است که دارد نابود میشود وازصحنه تمدن اروپا وامریکا رخت برمی‌بندد.»
پیش‌آهنگان این جنبش را میبایست ژان پل سارتر و آلبر کامو و آندره مالرونام‌برد.

سوررئالیسم

درمیانه‌های سده نوزدهم ، درآن هنگام که ادب دوستان سخن پرور هرگروه به گرد مکتبی جمع شده بودند وجنبشهای هنری وادبی درگوشه وکناراروپا وامریکا شکل میگرفت وگسترش می‌یافت ، جنبش نوین دیگری بنام سور رئالیسم جلوه نمود. آندره برتون درآغاز این مکتب را راهبری میکرد وهموست که برای شناسائی این مکتب گفته است :
« ژرفترین احساسهای‌شخص هنگامی بتمام‌معنا خود نمائی میکندکه پندارها وخیالهای وهم انگیزهمه چیزرا رهنمون‌گردد واختیار ازدست منطق انسانی بیرون شود.»
ازاین روست که می‌بینیم پدیده‌های سوررئالیستی نیزبسان آثار رمانتیك بیشترزائیده رؤیا وخیال هنرمند است تاواقعیتها وجلوه‌های زندگی واجتماع .
درچشم این دسته هنرمندان، انسان تاریخی وارادی باتمام نیروی سازنده ودینامیکش بی‌ارزش است . آنان درپی‌انسان غریزی وغیرتاریخی میگردند، ازاین روبه جهان‌کودکی و غریزه‌ها پامیگذارند و میکوشند تمام انگیزه‌های غریزی را در اندیشه و روان انسان متمدن نقاشی وزنده سازند.
سور رئالیسم را نمیتوان تنها یك جهان بینی ادبی و هنری شمرد ، بلکه میبایست یك مکتب فلسفی واجتماعی نیز بشمار آورد . ازنقطه دید فلسفی و اجتماعی سور رئالیست برپایه روانکاوی فروید استواراست .
پیروان این مکتب براصل‌هائی چند ایمان داشته وهمواره بدانها تکیه مینمایند،ازآن میان ، نگرش وگرایش بسوی جهان رویا و وهم ، بگونه‌ای‌که آنها را ازجهان راستی و واقع بدر میبرد. واقع بینان تندرو این‌گرایش را چنین روشن میسازند:
«فقط در جوار این جهان وهم‌آسا ، عقل نارسای بشرتوانائی خود را ازدست میدهدو آدمی میتواند ژرفترین هیجان هستی را درك وبیان‌کند.»
هنرمندان سور رئالیست باهرگونه‌کوششی که برای منطقی و واقعی ساختن هنر انجام میگردید به مبارزه ومخالفت برخاستند.
آنان هرگز روانمیداشتندکه نیروهای منطقی وخردی هنر برنیروهای خیالی وروپائی آن برتری یابد. پدیده آنها هیچ چیز بیهوده ترازهنری نیست‌که تنها ازبرخی از واقعیتهای گوناگون طبیعی سخن بمیان‌آورد.
باانذکی پروا وژرف بینی ، بخوبی همبستگی‌ها وهم آهنگی‌های فراوانی میان سور- رئالیسم با رمانتیسم وسمبولیسم نمایان میگردد.
هوبرت رید یکی از پیشروان این شیوه اندیشه می‌نویسد:
هنرمند سور رئالیست با اصول اخلاقی سرناسازگاری دارد از آن رو که آنرا کندیده میداند . »
او بهیچ روی نمیتوانداصول اخلاقی وعرفی‌ایراکه اختلاف وگسترش بی‌اندازه «نداری و دارائی رانديده ميگيرد احترام بگذارد...»
اگربخواهیم جهان بینی‌سور رئالیسم را درگفته‌کوتاه وفشرده‌ای بشناسانیم ، میبایست سخن خود آندره برتون را دراین باره بازگونمائیم‌که میگوید:

«یقین دارم که درآینده ، این دو حالت ظاهراً متضاد ، یعنی رؤیا و واقعیت ، در نوعی واقعیت مطلق ، که همان واقعیت برتراست درهم آمیخته ویکی خواهند شد.»

این مکتب که جنبه‌های علمی گوناگونی بخود میگیرد ، و از زبان شعر و هنر برای نمایاندن اندیشه‌ها وجهان‌بینی‌خود بهره ور میشود، پس ازچندی‌کوشش وگسترش رو به‌نابودی مینهد و پیش‌آهنگانش هریك براهی دیگر روی مینهند ، ولی سور رئالیسم در جهان هنر و ادب واندیشه جا پاهای فراوانی بجا میگذارد.

رمانتیسم در ادبیات فرانسه

وضع زندگی در نیمه اول قرن نوزدهم

درقرن هفده وهیجده در پرتویك سیاست مقتدر ویك زندگی‌آرام مردم پای بند باصول و قوانین بودند و یا حداکثر باصلاح وتکمیل آنها ابراز علاقه مینمودند . ولی قرن نوزدهم دوران عظیم تحول سیاسی و عدم استقرار موازنهٔ اجتماعی است. ازتاریخ ۱۸۱۴ میلادی ببعد بواسطه مبارزات شدید احزاب وعقاید واصول مختلف و بالنتیجه طغیان‌ها واغتشاشات پی‌درپی زندگی مردم درحال تعادل وآرامش نبوده است .فقط انقلابات(۳۱ و۱۸۴۰) وکودتای۱۹۵۱ نبودکه وضع زندگی‌مردم راآشفته میکردبلکه در تاریخ قتل‌عام مشهورتاکودتا دائماً درپاریس و شهرستانها بواسطه توطئه ها ، سوء قصدها وشورشها هر روز هزاران قربانی را بپای‌گیوتین میفرستادندکه آنرا فرانسویها روزهای وحشت نام نهاده‌اند .

در عین حال شرایط مادی زندگی هم تغییر پیدا میکند سال بسال امتیازات اجتماعی اهمیت و اعتبار خود را از دست میدهند . با وجود آنکه تا سال ۱۸۳۰ اشراف برای خود مزایائی قائل بودند ولی دیگر آن اهمیت‌گذشته را نداشتند . در قبال‌آن روزبروز براهمیت ثروت اجتماعی افزوده میشد ونه تنها مدتها در حیات سیاسی نقش بزرگی رابازی میکردبلکه جانشین نفوذ و اعتبار اشراف میگردید . این‌ثروت دیگر مثل سابق لزومی نداشت‌که از راه ارث و یاسفته بازی و تقلب چنانکه در قرن هیجدهم بین مأمورین دارائی معمول بوده است بدست آید بلکه از طریق شرافتمندانه تجارت ویاصناعت هرثروتی‌باسانی بدست میآمد .تمام ابواب بروی همه‌بازبود همه چیز درحال ترقی وتکامل بود ضمناً تعلیم وتربیت وحس‌کنجکاوی معنوی مردم‌توسعه می‌یافت بطوریکه مثلادرسال ۱۸۲۵ درپاریس‌شصت هزار مشترك روزنامه‌های سیاسی وجود داشت و در سال ۱۸۴۷این رقم بدویست هزار میرسید و وقتیکه با سال ۱۸۷۰ مقایسه میکنیم تعداد انواع مختلف مشترکین در آنموقع هشت تاده هزار بوده است.

بجرأت میتوان ادعا نمود که در قرن هفده وهیجده ادبیات واقعی وجود نداشته است

ادبیات باید خادم اجتماع بوده و عاری از هرگونه قید و مانعی باشد تا بتواند وظیفهٔ خطیر و انسانی خودرا بنحوشایسته انجام دهد. حتی‌درآندوره ازادبیات استفاده شغلی هم‌نمیشد. ادبیات در آنزمان در درجات پست رمان نویسی و تفریحی سیرمیکرد.

ادبیات حقیقی صرفاً آن بود که جنبهٔ آموزندگی و تربیتی داشت و درخدمت اخلاق، مذهب و فلسفه میبود در واقع بایدگفت‌که ادبیات‌آن دوران جزوسیله چیزدیگری نبوده‌است و خود شخصیت بارز مستقلی نداشته است. بعلاوه یك نویسنده نمیتوانست با قلم‌خویش تحصیل معاش‌کند. ولی درنیمهٔ اول قرن نوزدهم‌گذشته ازاینکه بسیاری ازنویسندگان‌ازاین‌راه‌زندگی میکردند حتی بوسیلهٔ قلم ثروتهای‌کلانی بهم زدند، مدیران روزنامه وجراید مختلف‌که اغلب ثروتمند شده بودند بنویسندگان خود حقوق مکفی و قابل‌توجهی پرداخت میکردند. چنانکه بالزاك سالیانه صدهزار فرانك فقط از نویسندگی درآمد داشت. رفته رفته ادبیات از قیود و خدمت اخلاق، عقاید فلسفی و حزبی سرباز میزند. این اخلاقیات وعقاید بقدری متعدد و وگوناگون‌بودندکه زمینه وهدف هریك‌بسرعت تغییر پیدا میکردبطوریکه هرنویسندهٔ‌آزاده‌ای خود را بی‌تأمل در طوفان وگردباد موقتی عقاید وارد نمیساخت. البته چنانکه خواهیم دید رمان‌ها و نمایشنامه های متعد اخلاقی، ادبی واجتماعی و فلسفی بنگارش درمی‌آمده است. با وجود اینکه نویسندگان بنامی مثل،لامارتین،میشله هوگونقش بزرگی درسیاست‌بازی‌میکردند ونظریات وعقاید سیاسی بخصوصی راپیروی مینمودند ولی معتقد بودندکه ادبیات باید فی‌نفسه مستقل باشد ودرحیات اجتماعی هرملتی روح استقلال و وحدت عمل داشته باشد در حقیقت‌باید گفت‌که درحدود سال ۱۸۴۰ بودکه یك نویسنده میتوانست ازسیاست،تجارت، صنعت وعلم و ادب جامعه آزادانه بانظر انتقاد صحبت‌کند.

خصوصیات و پیدایش رمانتیسم

نباید از نظر دور داشت‌که نهضت رومانتیك چنانکه ازتاریخ ۱۸۲۰ بطور علنی ظاهر میشود، نتیجه نهضتی است‌که مدتها از ابتدای قرن هیجدهم در حال تشکیل وتکمیل میبود.

در پایان قرن هجدهم عقیده رائج براین بوده است‌که عقل ودلیل زندگی درهیجانات و مکنونات قلب آدمی است. علاقه بآثار مهیج و غم‌انگیز و عشق بتخیلات و تاثرات روحی، انزوا و شکایت از مصائب دوران دراواخر قرن هجده رواج فراوان داشته است. و درعین‌حال در همین موقع، قواعد و اصول مکتب‌کلاسیك مورد بحث و انتقاد واقع شده، ردمیشوند. کسانیکه علیه‌کلاسی سیسم قیام میکردند بادبای بی‌بند و بار و یاغی مشهور بودند. از طرفی دامنه زبان و سیعتر شده. لغات واصطلاحات زیادی بوجود میآیند واشعار لطیف تر ودلنشین‌تر میکردند.

رمانتیسم را باید یك نهضت‌کاملا اروپائی نامید نه یك نهضت ادبی فرانسوی. ازابتدای قرن هجده عقاید و افکار انگلیسی در فرانسه نفوذ خاصی پیدا نبود و در همان موقع نفوذ ادبیات آلمان و اسکاندیناوی در روحیه فرانسویها بی‌تأثیر نبوده است. در قرن نوزدهم این تأثیر شدت پیدا میکند، بیشتر آثار رومانتیك آلمانی و انگلیسی بفرانسه ترجمه میشوند و یا اغلب نویسندگان بزرگ آنها را در زبان اصلی مطالعه میکنند. از این قبیلند آثار والتراسکات‌که از تاریخ ۱۸۲۲ ترجمهٔ آنها شروع میشود. واغلب نمایشنامه‌های شکسپیر را مانند اتلو، هاملت، رمئووژولیت‌با موفقیت فراوان‌نمایش میدهند فوست‌گوته و درامهای‌شیللر وداستانهای هوفمان متدرجاً در جامعهٔفرانسوی بطور اصلی ویاترجمه ظاهر میگردند وهمچنین آثار ترجمه شده ایتالیائی و اسپانیولی خواستاران و علاقمندان زیادی داشتند. گرچه نهضت

رمانتیسم اروپائی است و زائیده افکار متعدد است ولی با اینوصف در نبوغ ادبیات رمانتیك
فرانسوی و روح مخصوص آن تأثیر غیر طبیعی و نا مطلوب نبخشیده است.
باجرأت میتوان ادعا کرد که فرانسویها کورکورانه از ادبیات دیگران تقلید نکرده‌اند
بلکه مطابق محیط وروحیه خوداز آن انتخاب بعمل آورده‌اند چون‌ادبیات ملی‌سابق احتیاجات
جدید روحی و قلبی آنان را بحد لازم ارضاء نمیکرده است‌لذا قهراً بمنابع خارجی روی‌آور
شدند ، و در همین‌آثارخارجی‌بود که نویسندگان آندوره منویات و آرزوهای خود رامییافتند
و بطوری آن آثار ترجمان اسرار درونی و ندای قلبی آنها واقع میشد و باروح وذوق آنان
مطابق میکردید که گفتی اصل پیدایش و منبع آنرا فراموش میکردند و در اغلب ترجمه ها و
اقتباسات روح مشخص فرانسوی کاملا مشهوداست.

ابهام در رمانتیسم

رمانتیسم در واقع یك نهضت ادبی مبهم و پیچیده‌ایست که اصول متشکل آن دائماً در
حال مبارزه میباشند .گرچه در ادبیات و فلسفه جسور و قانون شکن است، ولی در مذهب و
سیاست محافظه کار و کهنه پرست است . و از سال ۱۸۳۰ ببعد است که که با قدرت وحرارت
باصلاحات اجتماعی میپردازد وحتی از کسانیکه میخواهند بمذهب‌کاتولیك صورت نوینی بدهند
دفاع مینماید . در دوران کلاسیکها قواعد و اصول مشترکی بود که اکثر نویسندگان آن مثل
بوالو ، راسین مولیر ولابروییر الحاد و اتفاق نظر کامـل داشتند .اولی بـر عکس هر یك از
نویسندگان رومانتیك حتی کلیات آنرا برحسب ذوق وسلیقه خودتفسیر وتعبیر مینمایند واصولی
که آنها را بهم مربوط میکند همانا تمایلات مبهم ومتباین تفسیر ناپذیری میباشند.

اصول رمانتیسم

با تمام تفاصیل فوق ظاهراً مکتب رمانتیسم میکوشیده است که دارای اصول یکنواخت
قطعی و مسلمی باشد.
درقرن هجدهم‌باستثنای‌ژان ژاك روسوبین نویسندگان وفلاسفه احساساتی‌مبارزات شدید
در نمیگیرد ، بسیاری از نویسندگان دارای قلب حساس وپر شور ولی خونسردبودند. برعکس
در زمان انقلاب‌کبیر و دوران امپراطوری کلاسیکها بنامهای مستعار جبههٔ خصمانه‌ای تشکیل
داده با سماجت واصرار مخصوص علیه مخالفین خود مبارزه مینمودند واغلب دولت هم ازآنها
حمایت مینمود این نبرد در تاریخ ادبیات فرانسه بمبارزه متقدمین و متجددین مشهور است.
از طرف دیگر رمانتیك ها نیز گردهم جمع شده وانجمن‌های علم وهنر **Cenoclos**
ترتیب میدادند . این دوجبهه بودند که در مقابل هم صف‌آرائی میکردند .
بالاخره در خلال تمایلات روحی واصول جدید ادبی تمایلات نوین واشتیاقات دیگری
بوجود میآیند که درنزد نوابغ و نویسندگان بزرگ مکتب موزون، مختلف‌اللون وحتی‌متباین
میباشند ولی در نزد نویسندگان درجه دو اغلب ناموزون و پراکنده هستند.
زیبائی و عظمت جهش‌های روحی بمواردفوق اطلاق میگـردد . در پرتو همین تمایلات
روحی‌است که ذوق و قریحه انسان پرورش یافته و حتی رهنما ودستور زندگی واقع میشوند پس
باید آزاد و بی‌قید باشند . وچنانچه عقاید خرافی ، وتضییقات اصولی و اخلاقی مانع و رادع
نضج و پرورش آنها باشند و همین تمایلات حق دارند مقام خویشتن را بالاتر از سنن وآداب
اجتماع دانسته در ماهیت علم اخلاق واسلوب زندگی اجتماعی بحث نموده ، برای خودجهان
نوین اخلاقی بوجود آورد و نیز باید در نظر داشت که قـوانین و مقرراتی برای تجدید آن
ملحوظ نگردد ، بلکه بزعم نویسندگان‌این مکتب ادبیات میتواند بتمام اشکال و موارد حیاتی

تسلط داشته و حاکم زشتی و زیبائی ومبتذل وعالی باشد ونیز حق دارد که از هردورهٔ تاریخی و از تمام وقایع و حوادث جهانی صحنه سازی نماید مثل قرون وسطی که دوران بربریت و وحشیگری و خرافات وسادگی و اطاعت کورکورانه میباشد بیشتر ازدوران کلاسیك مورد توجه بوده است این هیجانات روحی نباید جنبهٔ عمومی و کلی داشته باشد بلکه بایستی مورد علاقه وافرنویسنده باشد و برای نشان‌دادن و تجسم آن شاعر احساسات ومستدرکات خویشتن راباید بیان نماید. دنیا متعلق باوست ، او حق دارد ازدریچه چشم خود هرچه میبیند ودرروحیات اوتأثیر کرده‌است شرح دهد.حتی میتوان ادعا کرد که اوخودکانون‌پیدایش خاطرات واحساسات عمیق میباشد.

آنچه در فوق باجمال گذشت استخوان بندی و پیکرهٔ مطلق رمانتیسم میباشد اما باید که این اصول بیشتردارای جنبهٔ تئوری است . حتی نویسندگان درجه اول و عالیقدر رمانتیك نسبت بآنها وفادار نمانده‌اند این سرکشتگیها و عدم انضباط در عقاید ، افراد معمولی وغیر وارد راگمراه کرده است از طبقات مختلف اجتماع کسانی بروما نتیسم معتقد بوده‌اند که‌افرادی اتکائی و پای بند بقضا وقدر میبودند.

بویژه آنکه چون این مکتب دارای قوانین و اصول متباین‌بوده ، و راه روشن وقطعی نداشته است اغلب دربارهٔ آن مباحثات و مبارزات شدید اصولی‌صورت‌گرفته که ازبدوپیدایش تا تاریخ تکامل آن همیشه در حال تحول بوده است.

ادبیات کلاسیك هرگز اقرار بشکست نمینماید ، در عین حال‌که دوران تشعشع ادبیات رومانتیك میباشدکلاسیسیم قدرت معنوی سابق خود را برخ رومانتیسم میکشد ودرسال ۱۸۴۳ تراژدی لوکرس بمعرض نمایش‌گذارده میشود . و تراژدیهای سومه تا سال ۱۸۳۰ با موفقیت نمایش‌داده میشدند .وهمچنین کمدیهای سکریپ که‌بشیوه واسلوب کلاسیك‌ها میباشند درتآترهای پاریس در فاصله های سالهای ۱۸۵۰ ــ ۱۷۳۰ فراوان نمایش داده میشوند.

در هر صورت اگر از ابتدای قرن‌نوزده شعرا اغلب رومانتیك میباشند بدینجهت‌است که اطراف آنها را طرفداران این مکتب احاطه کرده‌اندگرچه درفاصله سالهای ۳۴ ـ ۱۸۲۰ مورخین ، منتقدین و فیلسوفانی دیده میشوند که هنر وعقایدآنهاکاملا مخالف رومانتیسم بوده است ولی‌چون‌این مکتب درابتدای‌پیدایش سروصدای فراوانی براه‌انداخت وعده‌ای رامسحور خود ساخت طرفداران زیادی بهمرسانید.

درهمان‌بدوپیدایش رومانتیسم مسلکها و مکتبهای دیگری مثل رآلیسم و فلسفهٔ مادی وجود داشتندکه هر یك بنوبت خود دارای اهمیت شایانی میباشند و در موقع فرصت از آنها صحبت خواهد شد .

تآتر رمانتیسم

ویکتورهوگو را باید از پیشروان رومانتیسم نامید زیرا اصــول و بنیان این مکتب بدست او پی‌ریزی شده است . وی مقدمهٔ مشهوری بنام **préface de Cromwell** نگاشته است که‌تئوری درام رومانتیك در آن‌کاملا تشریح شده‌است.گرچه رومانتیك‌ها برای این تئوری اهمیت فراوانی قائل هستند ولی اصلا این تئوری ناقص بود ،نه ویکتور هوگو و نه سایر درام نویسان رومانتیك موفق بتکمیل‌آن‌گردیدند .آلفرد دووئنی و دیگران چیزهائی‌بآن افزودند ولی‌کامل نگردید . برای اینکه بخط مشی‌تآتر رومانتیك پی‌بریم‌آنرا با تآتر کلاسیك مقایسه میکنیم :

۱ ــ تراژدی کلاسیك دارای قوانین و اصولی است : وحدت زمان و مکان وعمل.

مقصود از وحدت زمان این استکه موضوع نمایشنامه بایستی در یکموقع معین زمان انجام شود.

نمیشود موضوعی را نشان دادکه یك قسمت آن امروز و قسمت بعد هفته دیگر بوقوع بپیوندد تمام وقایع و حوادث باید در یکروز صورت پذیرد دروحدت مکان‌تمام اعمال واتفاقات باید در یك محل معین و بخصوصی باشد ، ممکن نیست‌قسمتی از نمایشنامه در یك محل وقسمت دیگر در محل دیگر ویا شهر دیگری اجرا شود مراد از وحدت عمل اینستکه موضوع اصلی نمایشنامه متعدد نباشدبلکه منحصراً بخاطرپرورش دادن و تجسم یك موضوع اخلاقی وتربیتی مجاهدت شود و آنچه نویسنده بصورت صغری وکبری فراهم میاورد همه منتج باثبات و یاعدم اثبات همان موضوع یگانه باشد.

ولی رمانتیك‌ها وحدت زمان ومکان راحذف‌نموده فقط وحدت‌عمل را حفظ مینمایند و وحدت علاقه را نیز بدان میافزایند.

۲ ــ تآترکلاسیك نمایشنامه رابانواع متمایز تقسیم میکند ؛ ولی رمانتیك ها معتقدند همانطورکه درزندگی ما غم و شادی، خنده وگریه بد وخوب و عالی باهم وجود دارند در تآتر نیز همه چیزمیتواند تواماً وجود داشته باشد.

۳ ــ تآتر کلاسیك همیشه موضوعات خود را از تاریخ یونان و روم اقتباس میکند ؛ ولی برعکس تآتر رومانتیك موضوعات خود را از تاریخ عصر جدید انتخاب میکند .

۴ ــ تآترکلاسیك اغلب به قراردادها ، تخیلات و راز های درون متوسل میشود ؛ ولی تآترکلاسیك آنها را رد مینماید.

۵ ــ تآترکلاسیك به حقیقت تاریخی ، به دکورآن و رنك محلی علاقه نشان نمیدهد و اعمال شدید از قبیل قتل وجرح و مرك و خلاصه آنچه راکه زننده و ملالت بار است بروی صحنه نمیآورد ، برعکس تآتر رومانتیك بنمایش جلال و شکوه دکور ، لباس و اعمال شدید رقت‌آور ، دوئل ، خودکشی ، قتل نفس علاقه و افری ابراز میدارد.

۶ ــ در تآترکلاسیك بازیکنان عقاید و دلایل خود را برای هم تشریح نموده بحث و مجادله میکنند ؛ در صورتیکه در رمانتیسم همیشه یك نیروی غیر ارادی ویا اسرار و مقدرات کورحکومت میکند .

اصل و منشاء تآتر رومانتیك

بر خلاف تصور رومانتیك ها تئوری تآتر آنها چندان تازگی نداشت.

بلکه آنها اغلب نمایشنامه‌های مهیج و صحنه های رقت آمیز و زننده خود را از تآتر قرن‌هیجدهم اقتباس میکردند ،اعمالی از قبیل تغییر لباس ،آشنائی‌های بیمقدمه ،عوض‌گرفتن، توطئه‌چیدن،علاقه‌بآرایش وجلال‌صحنه‌که ازمختصات‌تآتررومانتیك‌هامیباشد درMélodrame ودرDrame های‌قرن هیجدهم‌فراوان‌دیده میشوند. بعلاوه رمانتیك‌ها ازنکات حساس‌درامهای خارجی اقتباس میکردند،مخصوصاً بیشتر منابع الهام‌آنها درامهای شکسپیر میبود . بااینوصف اساس تآتر رومانتیک در زیر لفاف ظواهر جدیدشان بتآترکلاسیک خیلی نزدیک میباشدآنها نیز مانند کلاسیکهامصائب و بدبختیهای شخصیتهای بزرگ تاریخ را نمایش میدهند و مانند آنها بجای اینکه خصوصیات بارز اخلاقی را تشریح و توصیف کنند به بیان فرمول اخلاقیات اکتفا میکنند و نیزهمانگونه‌که شخصیتهای‌تراژدی‌قرن هیجدهم رومی‌یایونانی‌نبود ، بازیکنان تآتر رومانتیك هم، انگلیسی، اسپانیولی ویا ایتالیائی نبوده‌اندآنها فقط مجسم‌کننده احساسات

وسوائق مجردی بودندکه مصنوعاً ایجاد مینمودند مهمترین نمایشنامه‌ای‌که ویکتورهوگوبرای اولین باربمعرض نمایش‌گذارد (Hernani) است‌که مبارزه بین عشق وثروت رانشان میدهد (Ruy Blas) تصادم بین مقام اجتماعی وعشق را بیان میکند چنانکه ولتر نویسنده مشهور قرن هیجدهم درنمایشنامه زائیر Zaire خود مقابله عشق ومذهب رامجسم میسازد

درام رومانتیك رامیتوان یك تراژدی‌کلاسیك قرن هیجده منتهی بنام مستعار رومانتیك بشمارآوردکه دارای ابیات وبندهای غنائی ونمایشی بوده‌اند

مورخین رومانتیك

یکی ازخصوصیات مهم‌عصررمانتیك‌پیشرفت علم تاریخ است‌که مخصوصاً از(۶۰–۱۸۱۵) آثارتاریخی فراوانی‌نگاشته میشودکه چون همزمان باپیدایش واشاعه رومانتیسم میباشد، لازم است مختصری راجع بآن صحبت‌کنیم

یکی ازعلل اهمیت تاریخ نویسی دراینعصر نویسندگان بزرك ومورخین عالیقدری بودند که ذوق واستعداد سرشاری داشتند و بیشتر آنها ازرجال سیاسی و ذی نفوذ محسوب میشدند . دیگرآنکه مردم نیزازکتابها وتحقیقات تاریخی استقبال شایانی مینمودند. شاید بتوان‌گفت‌که دربن فاصله چهل سال این‌آثاربهتروشایسته‌ترازهراثردیگری افکار وعقاید فرانسوی را تشریح کرده است

ماتاریخ نویسی را دراینهدوره از این لحاظ جزو رومانتیسم ذکرکردیم نه‌از نظر اینکه مورخین دربن‌باره‌تحقیقات عمیقی‌بعمل‌آورده‌اندبلکه ازاین‌جهت‌که‌آثارخود رابسبك‌بیسابقه‌ای نگاشته و آمیخته باقدرت تخیل و احساسات رومانتیك نموده‌اند . چهارمورخ بزرك ، تی‌یری Thierry ، می نیه (Mignet) ، میشله (Michelet) وکینه (Quinet) از همه مهمتر میباشند زیراآنها‌کوشیده‌اند تاحیات تاریخی‌گذشته رابارنگ وصحنه‌های خیره‌کننده‌ای مجسم نمایند .

تی‌یری ومیشله باآثار رومانتیك پرورش یافته‌اند ودرآنوقتی‌که Martyrs (شهدا)ی شاتوبریان ونتردام دوپاری ویکتورهوگوجوانان‌رابخودمشغول‌کرده بودآنان‌ازمطالعه‌کنندگان ومعتقدین رومانتیسم بشمارمیرفتند

ولی درعین حال این مورخین میخواستند مثل رومانتیك‌ها فیلسوف مشرب باشند

دو مورخ بزرگ یکی ویکوی ایتالیائی‌که اثرمشهوری بنام اصول فلسفهٔ تاریخ نگاشته است دیگری هردرآلمانی‌که مؤلف فلسفهٔ تاریخ انسانیت میباشد ، تأثیر بسزائی درسبك وذوق آنها داشته‌اند وهمین‌امرسبب‌شده است‌که آنها تاریخ رانه‌ازلحاظ صحت ودقت وقایع بنگارش درآورند بلکه به تفهیم وتوجیه علل وتجسم‌آنها پرداخته‌اند. واغلب این تفسیر و توجیه تابع حوادث ووقایع پیچیده خشك وعلمی لایدرك نمیباشد. درواقع آنهابانظردقیق وروح حساس و سبك مخصوص‌خود اصول ومبانی تاریخی ، از قبیل اصل پیدایش سازمان‌ها ، نقش معتقدات ، تأثیرفتوحات واهمیت مردان بزرك راکشف نموده‌اند. نظرآنها ازاین اصول تکمیل مهم‌تاریخ وتسهیل ادراك‌آن دراجتماع‌زنده بوده است همانگونه‌که رومانتیك‌ها قصایدیارمان‌های‌اجتماعی مینوشتندآنها نیزازطرفی‌داستانهای اجتماعی برشتهٔ تحریردرمیآورند.

ولی درحقیقت امرآنان مورخین واقعی بوده‌اند، زیراباحوصله وپشتکارخستگی‌ناپذیری برای اثبات دلایل وحقایق تاریخی واثبات مدعیات‌خویش، بادقت ووسواس مخصوصی مدارك و اسناد تعجب‌آوری ازآرشیوهای منزوی وگمنام نقاط دور دست پیدا کرده‌اند . تمام مورخین رومانتیك مردانی پرکار وسرسخت بوده‌اند که اوقات خود را در کتابخانه‌ها و موزه‌ها صرف

میتمودند، وموقعی باحیاء وتفسیر وقایع گذشته می‌پرداخته‌اند که تمام جزئیات آن با اسناد ومدارك کافی بر آنها مکشوف گشته باشد آنگاه هریك از آنها باسبك وعلاقه مخصوص بخود بکارمیپرداخته است .

مختصری از عقاید مورخین ایندوره

تی‌یری معتقد است که اغلب مبارزات تاریخی بواسطه رقابت بین نژاد مغلوب و غالب بوجود میآید وکم کم عقیده پیدا میکند که تاریخ جزیك داستان حقیقی وزنده چیزدیگری نیست
تی‌ین، یکی دیگرازمورخین ایندوره وقایع وامورتاریخی را باروشی دقیق وبصیرت کامل ازلحاظ مسائل اقتصادی ، سیاسی ، دیپلماسی ونظامی بحث میکند
گیزو Guizot اثرمشهوری بنام تاریخ تمدن دارد وکوشش کرده است که ازواقعیات تاریخی ، افکار وعقایدی که جهت پیشرفت وترقیات اجتماعی را نشان میدهد ، استنتاج نماید
توکوویل Tocqueville بیشترمطالعات خود را برنهضت افکار ورسوم ملی وباآن علل نا معلوم ومبهمی که موجب شده است اجتماع فرانسوی وآمریکائی بسوی دموکراسی سوق داده شوند متمرکز کرده است .
Michelet که از محققین بزرك و نویسندگان زبردست عصر رمانتیك بشمار میرود جغرافیا را وارد تاریخ نموده است و معتقد است طبیعت یا بطور کلی اوضاع طبیعی هرناحیه‌ای انسان رابصورت وقالب خویش درمیآورد .

ناتورالیسم در ادبیات فرانسه Naturalisme

اهمیت علم مقارن ۱۸۸۰

در سالهای ۱۸۷۰ و ۱۸۹۰ علوم طبیعی بطرزشگرفی راه ترقی می‌پیمود تمام کشفیات عمده ازنظرتئوری وعمل بدون اشکال بود و درپایان قرن نوزدهم کمتر فرضیه‌ای بود که تحقق علمی نیافته باشد. درزیست شناسی آخرین کشفیات دراثرمشهورداروین بنام اصل انواع در سال ۱۸۶۲ بفرانسه ترجمه شد. آخرین تحقیقات علمی کلود برنارد تا سالهای ۱۸۷۰ بصورت منظم ورده بندی ظاهرمیشد و کتاب «مقدمه برطب تجربی» او درسال ۱۸۶۵ منتشر گردید . مع‌الوصف بعضی‌ازاین کشفیات درهمان بیست سال‌اخیرنشان میدهند که وضع زندگی‌اجتماعی را میتوان تغییرداد وحتی‌حیات کامل و نوینی‌بوجودآورد. درزیست شناسی‌مخصوصاً پس از ۱۸۷۰ تئوری سلولی پای‌گیرشد موزه‌ها وقرارگاههای حیوان شناسی ومردم شناسی تأسیس گشت . در همین موقع فرضیه‌های طبی پاستوربصورت عمل‌درآمد بویژه آنکه تحقیق ومعالجه سیاه زخم و مرض هاری عملا بواسطه پاستوربصورت علم مسلمی درآمد. تاسال ۱۸۷۰ نیزعلما ودانشمندان علم وآتیه آنرا فلسفه ویایکنوع مذهب می‌پنداشتند، لکن از همین دوره است که بدامنه وسیع واستقلال آن پی‌بردند . ازآن پس دانشمندان علوم وحتی فلاسفه و ادبا کوشیده‌اند تاعقاید و نظریات اجتماعی خود رابرپایه‌های علم استوارسازند Taine و رنان Renan گرچه آثار خود را پیش ازجنگهای ۱۸۷۰منتشر نموده‌اند ولی درواقع بعدازاین تاریخ است که سرمشق جوانان ومتجددین واقع میشوندآناتول فرانس راجع به تن میگوید : «قدرت روحانی وفکری این مرد است که درنسل جوان ماشور وشوق نوینی ایجاد نمود» درهرحال‌آثارو نوشته‌های تن بقدری‌درجوانان ونویسندگان‌معاصر وبعدی نفوذ وقدرت داشت که بیشترعلمای ادب‌ازشاگردان سرسپرده او بشمار میرفتند . برتوله آن دانشمند شیمی که باکشفیات اصول تجزیه و ترکیب

اجسام ، جهان جدیدی برروی علم گشود میگفت انسان بزودی مالك جسم وروح خواهد گشت حتی غذای خود را درآزمایشگاه درست خواهدکرد ودرسایه آن و در پرتو قانون مقدس کار هرچه زودتر روزگار گمگشته برابری و برادری را برپاخواهد نمود . هیچ نکته‌ای بر بشر مکتوم نخواهد ماند همه چیزبازبان علم تشریح وپیش‌بینی وآماده خواهد شد . ازحالا دیگر نباید هرواقعه وحادثه‌ای را معجزه واعمالی خارج ازقوه درك بشرتصورنمود، علم هرمشکلی‌را حل خواهد نمود وهرحادثهٔ طبیعی راتوجیه وتفسیرنموده وقوع وحدوث آنرا بشما خواهدگفت. علم اخلاق نیزباید تابع همین روش باشد وبرهمان اساس وپایه علوم طبیعی وفیزیکی بناشوند درواقع بایدگفت هرچه راکه اسم دانش برآن نهاده‌اندوجزء معلومات بشری محسوب میشوند ویاهرفکر واندیشهٔ نوینی راتابع قوانین وروشهای علمی مینمایندآنچه پیش از ۱۸۷۰ بعنوان ادبیات معمول بود باکم وبیش‌تفاوتی طبق‌اصول ومقررات ومعانی بیان قدیمی میبود ویاچیزی بودکه جزو ذوقیات ویااحیای آثارگذشته محسوب وازراه تخیل واحساسات حاصل میشد ولی ازسال ۱۸۷۰ دیگربذوق وظرافت‌بنظربدبینی مینگریستند پول بورژه درکتاب بحث‌روانشناسی معاصرین میگوید ، «ازاین حقیقت نباید غافل بودکه اگرما درجنگهای ۱۸۷۰ از آلمان‌ها شکست خوردیم ، علت انحطاط معنویات وعلوم ما بود ؛ وعلم‌آنها بودکه باعث فتح و پیروزی آنان‌گشت ، مابایستی مثل‌آنها دارای‌تحقیقات علمی وتاریخی باشیم ومانندآنها صاحب‌مدارس مجهزوکامل دانشگاهها وتأسیسات فرهنگی عالی بوده ومنتقدین ادبی‌ویك تاریخ علمی داشته باشیم». درسال ۱۸۷۳ میباشدکه مجلات وجراید بطرزشگرفی‌ترقی مینمایند ومؤسسات فرهنگی وعلمی بطورقابل ملاحظه‌ای پیشرفت میکنند.

علم حتی مشرب وسیاق فلسفه را تغییرمیدهد. روانشناسی‌کلاسیکها که ملاحظه و تدقیق نفسانیات وخودشناسی بود تغییرماهیت یافته و بیك روانشناسی عملی علمی که براساس تجربه است تبدیل مییابد. حتی علم‌الاجتماع‌که بعلم مطلق شباهت ندارد، درنوع خود بایستی‌براساس دقیق ومحکم روشها واسلوب‌های تحقیقی هموارباشد

در حقیقت باید گفت که یك یا دونسل در آندوره دانش دوست وعلم پرور بودند که برگزیدگان وپیشروان‌آن ، همه دانشمندان علوم مثبت بوده‌اند . آثار تن و رنان و باره و بخصوص ترجمه‌های آثار داروین بااشتیاق وکنجکاوی تمام مطالعه میشد . بالاخره همین نسل است که کوشش مینماید آینده علم و دمکراسی را بهم ارتباط دهد . تاسال ۱۸۷۰ جمهوری فرانسه سخت مورد فشار و تهدید بود . ولی سیاستمداران و روزنامه نگاران برای دفاع از ایده‌آل و اطمینان فتح نهائی بردانشمندان تکیه میکردند و آمال و هدف آنان را برخ ملت میکشیدند چنانکه درین نبردهاعقاید ونظریات Bertholet خیلی مورداستفاده واقع‌میشد: برابری ، آزادی واتحاد و سعادتی که ازکوشش درراه علم حاصل میشود ، در عوض امنیت ، سلامتی و آرامش که ما حصل زندگی و حتی فلسفه بشریت میباشد بما می‌بخشد . و این هدف علمی درادبیات تأثیرعمیقی نموده

رمان ناتورالیسم

شاید اگر اغراق نگفته باشیم بدون امیل زولا Emile Zola ناتورالیسم پیدا نمیشد وی‌که در سال ۱۸۴۰ میلادی درپاریس‌متولد شد وقسمت عمده زندگی خود را در **provence** گذراند ، چون در تحصیلات متوسطه کامیاب نشد بمشاغل بی اهمیت پرداخت و مدتی بفلاکت زندگی‌کرد بااغلب روزنامه‌های پاریس وشهرستانها همکاری میکرد ورمان‌های عاشقانه وبی‌اهمیت می‌نگاشت تااینکه در فاصله سالهای ۱۸۸۲ ــ ۱۸۷۹ مقالات متعددی درباره ادبیات

ناتورالیست (یارمان تجربی) برشتهٔ تحریردرآورد.

منشاء و روش آن

اغلب آثار زولا ازیك قدرت اراده خشك پرحرارت و وضع جسمانی افراد که این دو بشدت باهم درمبارزه میباشند بوجودآمده است.

روش آن بیشتر از رمان رئالیست بالزاك ، فلوبر وگنکور اقتباس شده است که توأم بافلسفه ومشرب تن میباشد. قبلا رئالیست‌ها گفته بودند که رمان‌های جدید مانندگذشته نبایستی تصورات افسانه‌ای ، خیالبافی وماجرائی باشند وصرفاً تفریحی ومشغول‌کننده هم نباشند، بلکه رمان نویسی ویانویسندگی تجسم حقیقت باشد ؛ ولی زولا ضمن مطالعه آثار تن‌کلودبرنارد و سایرنویسندگان باین نکته برخورد نمود که سبك رمان نویسی را ازیندرجه هم بالاتر میتوان برد یعنی رمان «تجربی» رابوجودآورد که درخدمت علم قرارگیرد وحقایق آنرا مجسم سازد. ونیزمطالعه مقالات علمی دکترلوکا بر زولا ثابت میکرد که اخلاقیات و روان کاوی در رمان کلاسیك قراردادهای ساده وبی‌آلایشی بودند که باساختمان جسمانی ووضع روحی افرادبستگی کامل دارد. واین وضع جسمانی نتیجهٔ شوم ؛ ۱ـ وراثت ۲ـ فشارمحیط وکیفیات ومقتضیات آن میباشد. بنابراین رمان همیشه نباید وضع روحی انسان راکه جزالفاظ و کلمات چیز دیگری نیست مطالعه نماید بلکه بایداساس تحقیق وتتبعات خود را بروضع جسمانی بنانهد مثلابعقیده اوپشیمانی جزیك «بینظمی ساده جسمانی» چیزدیگری نیست ، چنانکه خود دراین باره گوید، «اهمیت کارمن دراین است که من صرفاً ناتورالیست میباشم و درجسمانیات تحقیق میکنم» . در آنموقع عقاید ونظریات زولا بصورت فلسفه جلوه‌گرمیشد چون مزاحم آثارادبی دیگرنشده بود وباآنها مقابله نمیکرد. ولی رمان تجربی او کار را طوردیگری نمود وآن نمایش وتجسم‌است. تحقیق وملاحظه یاتفکررمان‌نویس دربارهٔ کسی که مبتلی‌بجنون الکلی ویاجنون عارفانه میباشد دارای علل وموجباتی است که نویسنده باید بانظردقیق وپشتکارعلت العلل هرچیزرا بیابد ودر اثرخود منعکس ومجسم نماید. آیاکسیکه مجنون است ویافردی غیرعادی ومنحط است براثر امری اتفاقی باخواست خداوند بوده است ویااینکه علت جسمانی داردکه بواسطهٔ بعضی کیفیات حاصل گشته است . اگربخواهیم باین رازپی‌ببریم‌باید بطورخلاصه ازمحك تجربه استفاده‌کنیم. برای اجرای اینموضوع باید آن امر ویافرد را دروضع خیالی قراردهیم وبانظروفکرتجربی تحقیق‌کنیم . موضوع را درشرایط مساعد بپرورانیم و چنانچه به نتیجه پیش بینی شده رسیدیم خواهیم دانست که آن‌نوع معلول‌تابع چه عللی میباشد. پس‌درادبیات، مایك کشف علمی کرده‌ایم وکاریك دانشمند را انجام داده‌ایم وبدینوسیله علم وادب را درخدمت هم‌درآورده‌ایم.

کیفیات وطرزعمل نویسنده

اغلب نویسندگان ورمان نویسان صرفاً استدلال کرده‌اند. ولی آنچه در آثار زولا باید بعظمت‌آن پی‌برد، صبر و حوصله ودقت و موشکافی اودرپیروی ازروش خود میباشد . بخصوص درتمام آثارناتورالیست خویش روش استقرائی منطق رابکاربرده است . روی این اصل هر کس راکه مورد دقت ومطالعه قرارداده تمام خانواده وبستگان اورا درنظر گرفته است ومانند یك دانشمند در«تاریخ طبیعی واجتماعی» آن خانواده غور وتحقیق کرده‌است چنانکه مثلا خانواده Rougon – Maquart که افراد آن در نتیجه یك ازدواج و روابطی غیر شرعی بوجود آمده‌اند مادری عصبی وهوسران وشوهری‌سالم وعفیف وعاشقی الکلی اساس تشکیل‌آن‌خانواده بوده است فرزندان‌آنها بدوگروه ، دسته شرعی ودسته غیرشرعی تقسیم شده‌اند وبطوری آثار وراثت درهردو دسته مشهود وهویدااست که کاملاازیکدیگرمتمایز میباشند . افراد دسته شرعی

جسماً وروحاً سالم ودرحال طبیعی هستند، درصورتیکه افراد دستهٔ دیگرهمه یامیخواره،مسلول وعصبی ویامبتلی بامراض مغزی میباشند و ازمنحط ترین افراد اجتماع شده هرزه ، فاحشه و یا ازخرابکاران وآتش افروزان اجتماع خود بشمار رفته‌اند. این موجودات فلك زده که زولا باآنهمه قریحه و استعداد نشان میدهد همه معلول تأثیرمحیط میباشند. در اثرمشهور خود بنام L'assommior تابلوتمام نمائی ازالکلیسم ، محله‌ها ، کوچه‌ها ، میخانه‌ها . مجالس‌رقص، رختشویخانه‌ها ، علافها ، آهنگرها ، بقالها بالاخره خانه‌های محقروپست میباشد، درهررمانی استناد بتجربه جسته ، علت عروسیهای بزرك ، طبقات واشراف واعیان ومفاسداخلاقی آنهارا با دلائل وشواهد مجسم میسازد.

«باروی» درباره آثار خود میگوید ، «هرچه میتوان باید تحقیقات علمی‌نمود» ولی‌این مسئله پیش میآید که آیاعلم قادر است تمام مکنونات و مجهولات آدمی را کشف نماید ؟ در هرحال کاوشها وبررسی‌های زولا اغلب سریع وعجولانه است . او بعضی محیطها راخوب میشناسد بیشتر محیط کارگران ، عوام الناس ، وزندگی نکبت بارطبقات پست راکه شاید خود اوبیشتر دربین آنها زندگی کرده است بطرزجالبی تشریح مینماید.

ولی برای رسوخ در زندگی اشراف واعیان فقط چند شام و دید و بازدید و یامختصری گفتگو کفایت میکند . درتمام موارد فوق میتوان گفت که آثار او دارای جنبهٔ ادبی نیست زولا درتمام نوشته‌های خود بیاد داشتهای خود اکتفا نمی‌نماید بلکه همچون نقاش زبردستی رنگها وسایه‌های جور ومتناسب باتابلو خود مینماید در عین‌اینکه درفشار زندگی بود واز راه آثار خود نان میخورد ومانند دانشمندی حقایق امورا تحقیق میکرد ، ادعا داشت که آثار او بی‌عیب ونقص است‌ضمنا ناگفته نماند که غالباًتوصیف وتشریح محیط درآثار او بصورت فهرست درمیآید وحقایق علمی بصورت یك لیست ملال انگیزوخسته کننده‌ای جلوه‌گرمیشود.

وضعیت روحی وطرز فکر زولا

خوشبختانه وضع روحی وبنیه وپشتکار زولا ازاصول فلسفی وشیوهٔ نویسندگی اوعالی‌تر بوده است اولین آثاراومانند Contes à Ninon بسبك رمانتیسم وتغزل ساده میباشد ، در واقع اول اویك رمانتیك بوده است وخود مشعر بدینمطلب نبود. موقعیکه اعلام داشت: « کار عمده من مانند یك دانشمند طبیعی‌وزیست‌شناسی تحقیقات علمی و ادبی میباشد» ضمناً میگفت رمان نویس‌باید سرپرشوروعاشقانه داشته باشد واین عشق‌هم صرفاً دقت وبررسی واثبات‌حقایق نیست بدینملاحظه وی دارای روح وقریحه جامعه دوستی ، جوانمردی بوده است. وی بترتیب جمهوریخواه سرسخت ، سوسیالیست وکمونیست بود ومتذکرمیگشت: «جمهوری بایستی‌برسیاق ناتورالیسم باشد ویااصلا وجود نداشته باشد» و ازآن چنین نتیجه میگرفت که تمام اشراف و اعیان وحتی سرمایه داران مرفه‌الحال جز خودکامگی وعشرت طلبی سود دیگری بحال‌اجتماع ندارند یاهمه بیرحم وکودن واحمق میباشند ، ولی همت والا ، جوانمردی ، نکوکاری و افکار پاك ومترقی درنزد تودهٔ مردم، هنرمندان وروشنفکرانی‌است که معتقد به جمهوری ناتورالیست میباشند. وی‌ازمخالفان ودشمنان‌سرسخت ظالمین وستمگران‌پول پرست بوده ، همه جاازبدبختی مردم ومحرومیت اینددسته سخن‌گفته وازآنان دفاع کرده است . ولی تابلوهای انسان پرستی او غالباً غیرواضح است و گاهی بوی نومیدی میدهد در این مبارزات مبهم بیشتر کشمکشها بین مفاسد و دوروئی‌ومهرانسانیت وبدبختیهای روحانی وجسمانی‌او میباشد بااینوصف زولا بعظمت واهمیت مبارزه ، بآینده بهتر وبه‌پیروزی دریك زندگی‌آزاد انسانی معتقد میباشد وگویا دم لسان‌الغیب درپاره‌ای ازآثار ونوشته‌های اواین نوید را میدهدکه :

بگذرداین روزگارتلختراز زهر   بار دگر روزگار چون شکر آید

وی مانند پیغمبری آتیه را پیش‌گوئی میکند وپیش از آنکه در زمان خود پیش‌گوئی ازیك روزگار شادمانی کند معتقد است که زندگی خیلی لذت بخش است وباصطلاح آن انجیل زندگانی را : «لذت زیستن» نام‌گذاشته است . همین شوق و لذت زندگی است که برخرافات فشارهای کشنده مذهبی وریاضتهای فریبنده غیرانسانی فائق میآید و برورائت‌های مسموم چیره خواهد شد. امید بزندگی ومزه لذت‌آن مطبوع واقناع‌کننده است اما از طرف دیگر آنجا که بدبین است چنان حس نفرت وقطع علاقه درانسان ایجاد میکندکه همه چیزدرنزد او بیمایه و ارزش است .

ناگفته نماندکه قدرت تخیل زولا قابل تحسین است . وآنچه راکه خود اوبیشتردوست میدارد نمایش صحنه‌های زندگی‌است . زشتی محض، معایب ومفاسد نیزبرای اومناظری مطبوع میباشد نمایش‌اگرمجموعه‌ای‌ازتصاویر وجنب وجوش زندگی‌باشد خود فی‌نفسه زیبا وفرح‌انگیز است قدرت روحی و رؤیای او درفن نویسندگی درواقع بدیع و کم سابقه است ویکتورهوگو و فلوبر مردم را در حال‌کینه ورزی ، جنب و جوش وجنك و نبرد توصیف میکنند و آثار آنها تابلوهای منظم ودقیقی است که طبق اسلوب مثل هیأت نوازندگان که بادکور واعمال قهرمانان تاتردرام باید هماهنگی داشته باشند ، ترتیب یافته‌اند . در صورتیکه در آثار زولا آنچه او آمار وار و فهرست مانند ثبت کرده است تغییرماهیت می‌یابد و یك زندگی شلوغ ودرهمی در سراسررمان حکمفرماست . قدرت تخیل وتنظیم آنهاست که آنهمه مطالب وفهرست را روح و قالبی داده است واودنیا راصحنه‌ای وسیع ، شلوغ ، پرماجرا وغیرقابل توصیف میداندکه اغلب ناشی ازتخیلات واوهام اومیباشد.

کلاسیسم درادبیات فرانسه Le Classicssme

پیش از بحث درین باب خوب است بدانیم ادبیات کلاسیك درچه دوره و درچه محیطی نضج وقوت گرفته است

قرن هفدهم رابایددوران ادبیات کلاسیك نامید. پس ازکشمکش‌های فروند Fronde یعنی جنگهای بین ملت وریشلیو ، پادشاه فعال مایشاء و قادر مطلق‌العنان میگردد . لوئی — چهاردهم که خود رافرستادهٔ خداوند وسلطنت خویش رانمونهٔ قدرت خداوندی‌میدانست برجان ومال وناموس مردم حکومت میکردوهیچکس رایارای‌اظهار وجود دربرابراو نبود میهن‌پرستی مفهوم واقعی خود را ازدست داده بود .

مبارزات شدید مذهبی علیه پرتستانها وژانسنیستها رعب ووحشت زائدالوصفی دردلها ایجاد نموده ومقام پاپ راپیش از پیش مستحکم ساخت . سختگیریها و تنبیهات مذهبی جزو عادات روحانیون‌آلوده‌بود. متظاهرین بکفروالحاد وعاملین به فسق وفجور راشدیداً سرکوب کرده وحتی محکوم بمرك مینمودند. کم کم ازشمارهٔ آنهاکاسته شد ، دسته‌ای مهاجرت و تبعید را اختیار نموده ، دستهٔ دیگراز ترس مهرسکوت برلب‌نهادند جسورترین‌آنها باحزم و احتیاط صحبت مینمودند بطوریکه تاتاریخ ۱۶۶۰ میلادی عدهٔ آنها بنحو فاحشی تقلیل یافت

در تمام شئون حیاتی و ادبی و اجتماعی ، همه چیزتابع قواعد ومقررات خاصی گردید. در ادبیات اولین قانون این بودکه هنرهوس و تفریح نیست . موقعی چیزیرا میتوان

هنر دانست که اولا شایسته تعلیم باشد و درخدمت علم اخلاق واقع شود. دوم اینکه هنر باید تابع قوانین ومقررات مخصوصی باشد ، فقط بحث دراین قوانین مجازاست ودر ماهیت آن‌نباید شك نمود. وبرای تکمیل آن باید روزبروز قوانین نوینی وضع کرد.

ولی باوجود همه اینها اگرصد درصد ادعا کنیم که حیات‌ادبی واجتماعی قرن۱۷ فرانسه بنظم وترتیب واصول وقوانین موضوعهٔ خاصی است اغراق‌گفته‌ایم. نکته‌ای‌که بیش‌ازهمه شایان توجه است فن تحبیب قلوب و نزاکت در رفتار وگفتاراست که از خصایص مهم ایندوره بشمار میرود ؛ درسالن‌ها و مجامع ادبی‌گرچه رعایت اصول علم ادب برهرادیبی لازم بود ولی همین اصول وقوانین رفته رفته مانند متظاهرین بفضل مورد سخریه واستهزاء واقع میشدند

دربارنیز که مظهرنزاکت و مبادی آداب بشمار میرفت باصولیون وفضل فروشان بیك چشم مینگریست. درواقع چیزیکه بیشترمورد توجه مردم‌آندوره بوده است اصالت وشرافت و آراستگی بزیورادب وخوش بیانی وآنکس بمبادی‌آداب متصف میبود که دقایق وموارد ادب‌را خوب بداند، ضمناًخوش‌گفتارونکته سنج باشد.

مسلماً مختصات فوق تابع قواعد واصولی نمی‌تواند بود و بهیچ قاعده وقانونی هم تفسیر وتعبیرنمیشود واین یك معمای قانون ناپذیری است که مربوط بظرافت روحی و فراست ذهنی است وبااستدلال ومنطق جور در نمیآید.

در پرتوهمین آداب ونزاکت بیان بودکه عده‌ای بدرجات و مقامات عالی بدون کار و زحمت نائل میشدند ویادارای تیول ومستمری ثابت میگردیدند

قرن هفده راباید دوران حکومت عقل واصول نظم و ترتیب نامید عقیده عمده در فن ادب‌براین‌است که همه چیزباید‌بمقیاس عقل ومنطق سنجیده‌شده وموضوعات موردبحث چیزهائی باشدکه بیشترجنبهٔ دوام وبقارا داشته باشد یعنی مثل‌ادبیات رآلیسم متخصص یکدوره یازمان معینی نباشد ، بلکه از احساسات انسانی که درعموم طبقات و ملل مختلف وجود دارد بحث و گفتگو نماید .

ولی باهمه‌اینها آثاری درپندوره شاهکارازآب درآمده‌اندکه چندان پای بند قیود نبوده بلکه حاوی اکسیرغیرقابل توصیفی‌که بفلسفهٔ «لاادری» میتوان موسوم ساخت بوده‌اند. گرچه بعضی ازمتنفذین ادبی ونویسندگان‌آندوره جزبدلیل عقل بهیچ چیزدیگراعتماد نداشته‌اندولی درحقیقت‌بایدگفت برای کیمیای لاادری که لطائف ودقایق وجهش‌های ادبی زائیده آن میباشند مقام مهمی را درنظرگرفته‌اند. تنها منطق عقل وتأثیرقوانین برای ایجاد یك شاهکارابدی کافی نیست ؛ چیزیکه بیشترازهرقاعده وقانون اهمیت دارد ذوق و قریحه است چنانکه عقیدهٔ کلی ورایج آندوره چنین بوده است : «مهمترین قواعد اصل ظرافت ونکته دانی است که لافونتن، راسین ومولیررامیتوان جزواین عده محسوب داشت درپیرامون‌آنها نویسندگان بسیاری دارای همان طرزتفکربوده‌اند.

پس‌گرچه قرن ۱۷ دوران حکومت عقل ومنطق وقوائد دقیق کلاسیسیسم است دوران سازش عقل واحساسات ومطایبات ذهنی نیزمیباشد وهمین امرسبب شده است که ادبیات‌کلاسیك ازبرودت وخشکی رهائی یابد.

باوجود نظم سیاسی ومذهبی‌که درتمام شئون زندگی مردم‌قرن‌هفده دخالت دارد ادبیات کلاسیك هیچگاه ازمذهب وازسیاست واجتماع صحبتی بمیان نیاورده است.

بعلاوه هرگونه استقلال وخود رائی ومیل وهوس فردی درآندوره محکوم ومطرودبوده است . خارجیانی‌که بفرانسه می‌آمدند ازاینکه میدیدند سراسر زندگی فرانسوی طبق اصول

وروش مخصوصی اداره میشود، متعجب میشدند وهرکس درآن اجتماع وارد میشد میبایست خود راباآداب ورسوم آنها منطبق نماید. لابرویر نویسنده مشهور ایندوره یگانه نویسنده اجتماعی و اخلاقی است که باصراحت تمام مردمی راکه در اجرای آداب و رسوم واصول اجتماعی مبالغه مینموده‌اند موردتمسخرواستهزاء قرارمیدهد.

یك ادیب ویاهنرمند کلاسیك هرگز نباید احساسات شخصی و افکار خصوصی خود را در آثار ادبی و هنری مجسم نماید. بطورخلاصه در ادبیات کلاسیك شاعرونویسنده نمیتواند ترجمان احساسات شخصی خودبوده افکارو ذوقیات خویشتن راتشریح کند. بلکه شخصیت نویسنده باید مثل آبهای سرگردان که داخل یك مجری میشوند بدواً درتار وپود قواعد وقوانین نفوذ نماید. ازین نظراست که موارد زیرین درادبیات کلاسیك ممنوع است.

۱ ـ تغزل که تراوش اسرار درونی ورشحه‌ای ازلطائف فکری است ویاحق اینکه نویسنده ازخود صحبت کند

۲ ـ رآلیسم که بدون رعایت نظم وترتیب ویا انتخاب هنرمند امور وحقایق زندگی را همانطورکه وجود دارد بدون دخل وتصرف تشریح وتوصیف میکنند.

۳ ـ داستانسرائی بویژه داستانهائیکه دارای جنبهٔ ثبات ودوام نبوده متعلق بجوامع و دوره‌های مختلف باشند.

۴ ـ احساسات عمیق طبیعی که بیشترجنبهٔ آزادمنشی داشته وانسان‌راازقید وبند مقررات و قوانین اجتماعی برکنار میدارد باتمام این اوصاف یکی ازخصوصیات مهم این ادبیات علاقه مفرط به‌تجزیه وتحلیل معرفت‌النفس است . برای کشف حقایق روحانی واسرار ومکنونات قلب انسانی ازقدرت عقل نهایت استفاده را میکنند بنحویکه ادبیات این دوره رابابد بیشترتحقیق تشریح و تحلیل روحی نامید . سرآمد این نویسندگان راسین و مولیر هستند که در آنالیز دراماتیك مهارت بسزائی‌داشته دربیان نفسانیات وشهوات آثارشان‌اهمیت خاصی راشامل‌میباشد. ونیزدرتوجیه مسائل مذهبی بوسوئه ودرتجسم صحنه‌های هیجان انگیز قهرمانی مادام لافایت و درتشریح مطالب اخلاقی لابرویر ولاروشفوکو را باید نام برد

بعقیده کلاسیکها چون خط مشی عقل و اغلب عواطف و روحیات در تمام مردم یکسان است بدینوسیله با منطق عقل خواسته‌اند ، آثاری بوجود آورندکه جنبه ملی یا فرانسوی قرن ۱۷ را نداشته باشد بلکه نفسانیات لایتغیر را کاوش‌کنند که در عموم مردم جهان مشترك باشد دیگر آنکه این عواطف واحساسات باید آنطورکه هستند مورد دقت ومطالعه قرارگیرند .

بطوریکه مستفاد میشود کلاسیك ها از عقل و طبیعت خیلی صحبت کرده و در بارهٔ آنها بحث فراوان نموده‌اند . بعقیده آنها هنر عبارت از تقلید و تشریح یا تجسم آنچیزی است که درطبیعت وجود دارد نه‌آنچه را ذوق وتخیل میتواند بوجود بیاورد. درطبیعت ازهرچه طبیعی است میتوان تقلید نمودوآنچه غیرطبیعی وزائیده تخیل واندیشه‌های ماست نزد انسان مطرود است و در طبیعت انسان آنچه از همه طبیعی‌تر باشد و دوام وبقایای بیشتری داشته باشد در جستجوی آنست . و این جنبه‌ها صرفاً در نفسانیات وجود دارد مثل عشق و حسد کینه ، خست درونی و دروغگوها چون اثرات شهوات وسوائق ماتقریباًهمیشگی و ثابت میباشند ازین لحاظ نویسندگان کلاسیك بیشتردرین باره کار کرده‌اندیعنی بحالات وکیفیات درونی انسان پرداخته‌اند چنانکه مذکور شدرآلیستها خلاف کلاسیکهابوده‌اندکه ازدنیای خارج ازانسان یعنی از طبیعت صحبت میکنند.

ممکن‌است بپرسید چطور مطمئن‌شویم که بعضی از سوائق و برخی از تمایلات روحانی ابدی هستند ؛ جواب آن اینستکه باید آثار قدما را مطالعه نمود ، زیرا دیدون **Didon**

«ویرژیل» یا «آندروماک‌اومر» درقرن ۱۷ مانند قدیم‌مورد علاقه بوده‌است ازمطالعه این‌آثار برمیآیدکه عشاق دوهزار واندی‌سال‌پیش با امروز فرق‌ندارند همان احساسات عشقی وتمایلات نفسانی در دوره‌های قدیم وامروز یکی است .

روی این اصل نویسندگان کلاسیك از قدما تقلید میکرده‌اند ، زیرا در مدارس معمول آندوره بیشترآثار باستانی یونان وروم تدریس میشده است . طبیعی است انسان‌آنچه آموخته است دوست میدارد ودرترویج آن میکوشد وهمین‌علاقه اکتسابی باعث ایجاد کلاسیسم درقرن۱۷ گردیده‌است ومجاهدت کلاسیك‌ها همواره برای این بوده‌است که ادبیات را تابع عقل کنندگرچه عشق مفرط ولجام‌گسیخته «فدر» ویا خست خلاف عقل«هارپاگون» مخالف عقل ومنطق است .

مختصری دربارهٔ اصل مطایبات ذهنی

دقت وتوجهی که‌اغلب نویسندگان ایندوره در ذوقیات وتجزیه‌احساسات ماو نفوذوتأثیر عمیق آن در روح بدون رعایت قواعد و اصول مکتب از خود بکار میبرده‌اند در واقع یکنوع عکس‌العمل غریزی وشاید عمدی علیه اصولیون وفضل فروشان‌بوده است‌که خود را امانت‌دار وحافظ ادبیات میدانستند. بنام‌همین‌قوانین‌بودکه اصولیون‌بمکتب زنان «مولیر» و«آندروماك» و«بریتانیکوس‌راسین» حمله میکردند وانفاقاً امروزآثاری‌ازقرن هفده بیشترمورد مطالعه‌واقع میشود که نویسندگان‌آنها میدان وسیع تخیل واحساسات خویشتن را صرف قونین «ارسطو» و «اسکالیژر»محدودنموده‌بلکه پیروی‌ازطبع سرشارخودمیکرده‌انددرحقیقت این‌قبیل‌نویسندگان مثل«مولیر»، «راسین»و«لافونتن» فقط بیك‌اصل‌پای‌بند بوده‌اند وآن‌ظرافت طبع‌وبداعت‌اندیشه بوده است .

بطورکلی دخالت احساسات‌ومطایبات ذهنی‌یگانه‌ملهم ورونق‌این ادبیات جهانی‌کلاسیسم بشمار میرودکه شایدآنموقع بی‌باهمیت‌آن نبرده بودند بطوریکه‌اغلب‌شاهکارهای ادبی‌آندوره از تأثیرآن بی‌بهره نبوده‌اند .

ولی این ذوق وظرافت پسندی رفته‌رفته با بداعات ذهنی تصنعی و بالنتیجه تملق‌گوئی تبدیل میشودکه‌آنرا بفرانسه La prêciosité یا تصنع در سخنوری نام‌گذارده‌اند .

منشأ ومبدءآن سالون‌ها واجتماعات‌آندوران بودکه رواج فراوان داشت متصنعین کلام قراردادهای عجیب وغیرمعقولی از خود ابداع مینمودند . بخصوص در توصیف از عشق‌بقدری الفاظ ومقررات غیر طبیعی وخارج ازذهن از خود میساختندکه بیشتر جنبهٔ مضحکه و تمسخر داشت . روی این‌اصل «مولیر» درنمایشنامه سخنوران‌متصنع وبوالودرهجویات خویشتن‌متصنعین را سخت مورد انتقاد ومسخره قرار داده‌اند .

بزودی این بازی‌کلمات یا الفاظ بازی اثر نامطلوب خودرا می‌بخشد وجای‌خودرابه‌بذله گوئی‌وحاضر جوابی میدهد . در بدو امر اینموضوع چندان اهمیت‌ورونقی نداشت ولی‌متدرجاً برعده ظرفا و بذله‌گویان افزوده میشود و در پرتوآن لطیفه‌گویان و سخن سنجان نامی مثل «فونتونل» ، «هامیلتون‌ها» وبعدها «ولتر» و غیره رادر قرن هجدهم بوجود میآورند که بنوبهٔ خوددارای اهمیت شایانی میباشند .

سمبولیسم درادبیات فرانسه Le symbolisme

در همانموقعیکه ادبیات ناتورالیست در حال‌ترقی ومیدان داری بودوباآن‌اسلوب‌علمی وروش تحقیقی خود سروصدای زیادی در اواخرقرن نوزدهم براه انداخته بود ، مکتب‌دیگر،

با یکنوع عقیده نوین دیگری که کاملا مخالف آن می‌بود در شرف نشو ونما بود . پیروان این نظریه جدید ادبی راعده‌ای شعرا وهنرمندان ادب وموسیقی تشکیل میدادند که برخلاف ناتورالیستها مدعی نبودند که ادبیات واقعی اعمال اصول ومبانی مکتب آنان میباشد ، با اینوصف نفوذ وتأثیر آن روزافزون بود ورفته‌رفته نظریات وعقاید ادبی وهنری یاحیات درونی خود را درمجموعه‌ای تدوین نمودند. هسته‌اصلی ونامی این مکتب را برای اولین بار درآثار «بودلر» **Baodelaire** میتوان یافت ونفوذ ادبی وتأثیر کلمه نویسنده درآن دوره دائماً درحال رشد وترقی بودواین امر در روح بعضی از نویسندگان این مکتب کاملا بارز وهویداست و حتی درآثارآنها نقش اصلی را ایفاء مینماید. یك قسمت کلی اشعار امروزی نتیجه تلقینات والهامات «بودلر» میباشد ولی نویسندگان وکارگردانان اصلی مکتب سمبولیسم زائیده افکاروآثار «ورلن» **Verlaine** و «رمبو» **Rimbaud** میباشد که در موقع مناسب راجع بزندگی وطرز تفکرآنها صحبت خواهد شد ودر اینجا چون اهمیت مکتب سمبولیسم در شعر است ، در این باره ، با مراجعه بمآخذ ادبی جدید بشرح مختصری اکتفا میشود.

شعر سمبولیك و اصول آن

درآنموقع که «ورلن» ، «رمبو» و «شوپنهاور» شهرت ونفوذ فراوانی کسب کرده بودند عده‌ای ازشعرای جوان عقیده نوینی درباره شعر پیدا کرده بودند که بعدآنام «سمبولیست» بآنها داده شد.

اجتماع وهمداستانی شعرای جوان دربادی امرصرفاً برای بحث وانتقاد درباره شعرقدیم بود وبیشترمنظورآنهااین بود که ازآن حالت برقید وبندرهائی یافته واساس شعر نورا ترتیب دهند ولی آنچه راجع بعقیده ونظریات جدید خود اظهار میداشتند نه واضح وصریح بود ونه با هم هماهنگی داشت . مثلاآنچه راکه راجع به «Symbole» صحبت کرده‌اند جز الفاظ چیزی نبوده‌است. وفقط در مطالعهٔ دقیق آثارآنهاست که بمفهوم عمیق وزنده سمبولیسم و سبك شعر آنان پی‌خواهیم برد .

اصل کلی این مکتب اینستکه میگویند شعر عبارتست ازتجسم محسوسات واحیای نفسانیات نه از راه درایت وبیان ماوقع، وادراك آن بستگی بدرجهٔ حساسیت خواننده دارد دراینصورت تقریباً تمام اشعار فرانسه تاآنموقع از طریق بصیرت ومعرفت شاعر بوجود آمده است . شاعر احساس تأثر وتألم مینماید وآنرا به زبان مفهوم درمیآورد ؛ واین زبان مفهوم از راه دانش ومعرفت خواننده ادراك میشود که احساسات اورا تحریك مینماید . دراین نقل و انتقالات محسوسات و مدرکات که همیشه دارای درجات شدت وضعف میباشند ، ممکن است تأثراصلی تغییر ماهیت داده، ضعیف شود یا اصلا غیرازآنچه بوده است مشهود گردد وشعر حقیقی میبایستی هرگونه احساسات را مستقیماً انتقال دهد . یعنی اینکه نه فقط بایستی بیان وتقریرباشد بلکه مانند سیم تاریاهر آلت موسیقی دیگر که با نواختن مضراب برسیم معین صدای مطلوب ایجاد میشود میبایددارای قدرت الهام وتلقین باشد .

«هانری دورنیه» **Henri de Règnier** میگوید شعر امروزدیگر مثل سابق که جنبهٔ خطابه وسخن پردازی را داشت نیست . شعردیگر تعریف وتوجیه نمیکند بلکه وظیفه مهمتری دارد یعنی الهام وتلقین میکند وقتیکه از **Mallarmè** عقیده‌اش را راجع بشعر میخواهند در پاسخ میگوید هرگاه شیئی را بالصراحه نام ببریم سه قسمت ازچهار قسمت لذت شاعر راکه کم کم از طریق تصور وبعد ادراك باو دست میدهد حذف کرده‌ایم درصورتیکه تلقین کردن ومنبع الهام شدن رؤیا واحلام شیرین زوال ناپذیری است .

برای نیل بدین مقصد است که روشهای متنوعی بکارمیبرند . ازذکرمطالب واضح وروشن

اجتناب میورزند یا اصلا در طلب بدیهیات نیستند . چون بیشتر تأثرات شاعرانه مبهم و غیر قابل توصیف با الفاظ است ، تقریباً تمام این تأثرات وهیجانات روحی‌همه پراز جهش‌های‌مبهم وامکانات غیرمصرحی هستند که جز بامجاهدت وهمت عالی حاصل نمیشود باز «مارلامه» درجای دیگر میگوید : «گفتار صریح‌ازحلاوت و وسعت‌میدان تخیل ولطافت فضای رؤیا انگیزادبیات میکاهد ودفتر شعر وادب راکه‌با احلام همسایه است‌مخدوش‌میسازد» . در این‌باره‌آناتول‌فرانس نیز میگوید : «اگر مفهوم شعری مکتوم نباشد نمیتوان‌آن‌را شعر نامید»روی همین اصل‌معنی ومفهوم اشعار این مکتب بقدری پیچیده ومبهم بنظر میرسد که نقش شاعر ازآن پی فرورفتن در اسرار ومکنونات غیر قابل توصیف ضمیروخیال انسان میگردد و تمام هم اوبراین مصروف میشود که اعمال وآثار نقاط‌تاریك روان‌وکوچکترین‌هیجانات زنده وبا معنی‌آدمی را باایماء واشارات در دیگران زنده کند Duhamel راجع به Paul claudel میگوید، «اگروی اسرارآمیزوعمیق است برای اینست که در جستجوی مطالب وموضوعاتی‌است که صرفاً وجودشان جنبهٔ اسرار و خفایارا دارد» شاعر برای تفسیر وتعبیر این اسرار ومعانی مکتوم مجبور است که علائم ورموز Symboles مخصوص‌بکار برد – این سمبل‌ها تشبیه و مجاز نیستند که زود بتوان بمعنی‌آنها معرفت پیداکرد ویا باهوش ودرایت زودتر بمفهوم آن‌پی‌برد بلکه تصویر و یا رشته‌ای تصاویر میباشند که بطور غریزی‌وطبیعی تراوش فکری است ودر مورد لزوم‌احساس میشوند ، بدون اینکه بعلت‌آن پی‌برده شود وانگهی وصف‌پذیر نیستند ولی‌حاکی ومشعر‌بوده، متضمن فکروروح شاعر میباشد – یعنی همچون‌گلی که‌علت بیان وجود نبات است ولی‌بدان‌هیچ شباهتی ندارد .

بالاخره شعر تلقینی ومرموز ویابطور کلی سمبولیك علاوه براینها بایستی موزیکال هم باشد یعنی روح‌ولحن موسیقی داشته باشد جای هیچ‌تردیدی نیست‌که موسیقی در فرانسه درروح شعرا تأثیر فراوانی داشته است ومقارن سال ۱۸۸۵ بین سایر فنون ، موسیقی هنری عالی و والابشمار میرفته است . موسیقی همانگونه که‌ازتلقینات شعرابرخوردار بود خود نیزمیتوانست منشاء الهام ودستیارآنها قرارگیرد . ولی برسایر هنرها تأثیری نداشت در حدود همین تاریخ کم‌کم موسیقی بصورت یك هنرعالی‌جلوه‌گر میشود وبا سایرهنرها مخصوصاً شعر وادب روابطی عمیق ودقیق برقرار میسازد، دیگر آنکه پیروزی درآنهاتوأم‌باموزیك «واگنر» برروشن‌فکران وبرگزیدگان متعدد آندوره این حقیقت را مسلم میسازد که موسیقی منبع‌قدرت بیانی درایجاد نفوذ وتلقین محسوسات ومدرکات است‌که‌آنرا میتوان حالت عرفان موسیقی نامید از همانوقت است‌که شعرادائماً در این‌فکر بوده‌اندکه‌هنری بوجودآورند تا صوت ولحن‌کلمات همان‌تأثرات موسیقی‌را بدون اینکه منطق‌معرفت ودانش‌درآن مداخله نماید، درذهن خواننده ایجادنمایند، گرچه «مالارمه» تاحدودی برخلاف سمبولیست‌ها خواهان شعر مخصوصی‌است ولی‌عقیده اوراجع بنفوذ وقدرت موسیقی در تجسم واحیاء رازهای مگو واسرار درون مورد قبول همگی آنهاست. باری باشیوه فوق مثل‌اینکه‌آنها میخواسته‌اندکه شعر بیشترجنبهٔ «اوراد» راداشته باشد وطالب تأثیر روحی‌آنان بوده‌اند .

«هانری‌رنیه» دراین مورد میگوید : «دیگرنباید شعرگفت بلکه باید نغمه سرائی کرد» «وپول‌کلودل» درمقدمهٔ‌آثار Rimbaud چکیده مطلب خود را چنین اظهار میدارد: «درشعر نباید در صدد معنی بود بلکه بایستی در طلب تلقینات و کلمات‌آهنك‌دار بود . ارزش «مفهوم زبان‌کمتر از تأثیربیان علائم والحان‌است ... کلمات اتفاقی‌که برسطح فکر ظاهر میشوند، ویا ترجیع بندها وتکرار توالی‌یك جمله همه اینهاحالت ذکراوراد را داردکه باعث انعقاد ادراك نطفه مکنونات و اسرار میگردد ... سایه اشیاء برمیدان خیال ما منعکس میشود وسبب تشعشع وجدان خفته ما خواهدگشت .»

باری آخرین نتیجه تکامل شاعرانه این مکتب منتهی بلزوم وجود شعر آزاد میشود با وجود انقلاب ادبی رمانتیك ، شعر فرانسوی در زمینه‌هائی وسعت و نرمی یافته بود امادر تنگنای شدید ترکیبات و آهنك موسیقی قرارداشت ولی با توسعه بیشتر آزادیهای «ورلن» و «رمبو» ، عموم سمبولیسم‌ها مخصوصاً فرضیه نویس مشهور این مکتب Cus ave Kahn که با جسارتی هرچه تمامتر ، قواعد ثابت و رسم قدیم شعر فرانسوی را در هم شکستند . اصولی از قبیل قافیه ، تقطیع ، حذف «e» گنك ، وزن اشعار که تا پیش ازآندوره مورد توجه شعرا بوده است، کم کم راه زوال میپیماید وتنها قانونی که برجای میماند شیوه وروح موسیقی آن است . اشعار رومانتیك ازینجهت که دارای وزن و آهنك موسیقی بوده‌اند بیشتر مورد توجه آنها واقع گشته است .

نتیجه

سمبولیسم بهمان سرعت که بصورت مکتب ادبی ظاهر شد بهمان شدت هم مورد حمله مخالفین خود واقع گشت واوج اقتدار آن تا سالهای ۱۹۰۰ ــ ۱۸۹۰ بود ازآن پس از اهمیت آن کاسته شد ولی یك سبك ومشرب بخصوصی را بوجود آورد که حتی پس از اضمحلال هم برقرار مانده .

از خصوصیات بارز سمبولیست‌ها این است که در ایجاد و هدف و هنری جدید که کاملا مخالف طرز تفکر رئالیست‌ها ــ ناتورالیست‌ها بوده است ، مجاهدت فراوانی مبذول نمودند اینان ایده‌آل والهامات خودرادر «مدارك واسناد» زندگی «حقایق وتجارب» علم وتجلی پیکره اشکال وصور میدانستند . فلاسفه ودانشمندان کوشیده‌اند تا حقایق علمی راکه جز وقرار داد و اموری ظاهری نیستند مجسم سازند واین خود شکست علم ودرعین حال شکست حقیقت محسوس ثابت کرده‌اند . برای یافتن حقیقت اخلاقی ، حقیقت اجتماعی ، حقیقت هنری وحقیقت شعری بایستی از این دنیای محسوس مادی که سودی جز زندگی مادی ندارد پارا فراتر گذاشت . مدتها بود که مردم فریفته رفاهیت مبتذل وتشعشع وفریبندگی این حقیقت نماها بوده‌اند . درواقع باید گفت : جهان رئالیست‌ها بخصوص ناتورالیست‌های ظاهربین خیلی بی‌ارج وفرومایه بوده است و شعر مولانا رومی دراین باره مؤید صادقی است که میفرماید :

پای استدلالیان چوبین بود　　　پای چوبین سخت بی تمکین بود

اگر حقیقتی وجود داشته باشد درجهان نهانی است وهنرمند واقعی آنکسی است که درطلب کشف عالم نامعلوم باشد .

اسکیپیسم :

فرار ازقید وبندهای هنری!!

چندی است که دوستداران شیوه‌های نوبرای رهائی از قیود کهن ترویج نو پردازی ، سبکهای تازه‌ای را بوجود آورده‌اند . اخیراً در جهان ادب وهنر هم مکتب نوظهوری بنام ــ اسکی پیسم قدعلم کرده است .

اسکیپ ــ Scape ــ در زبان انگلیسی بمعنی فرار کردن است واسکی پیسم یعنی فرار از قیود کهن ودشواریهای گذشته .

اسکی پیست میخواهد درجهان هنروادب محدودیت‌ها وقیود آزادی کش را ریشه کن کند وبت‌های فرتوت وبدعت‌های غیر معقول قدیم را درهم شکنند .

بدیهی است هرنوع تحولی نخست افراطی بنظرمیرسد وقهراً باشعائر کهن برخوردمی کند. تکرار مکررات وتقلید کورکورانه مایه رکود وانحطاط است.

چون دنیای هستی پیوسته روبتکامل میرود ، تجدد خواهی ناموس طبیعت است .

اسکی‌پیست که پرچمدار انقلاب ادبی وتجدد هنری است باید. لیاقت پیشروی را داشته باشد . شاعر ونویسنده وهنرمند نوپرداز باید در ادبیات و هنر قدیم از هر جهت کامل واستاد باشد ،آنگاه بانیروی مطالعه وتحقیق وسرمایه‌کافی‌راه تجدد وتحول را درپیش‌گیرد .

اسکی‌پیست اگر نتواندآثاری بهتر ازگذشتگان‌نشان‌دهد بیشك مقدمات انحطاط وسقوط ادب وهنر را فراهم خواهدکرد .

اسکی‌پیسم میگوید : «قیودی‌که ادبیات وهنر را درگذشته محدود ونارسا میکرد ومانع تجلی احساسات بحدکمال می‌شده است باید از میان برود وازهنر و ادبیات رفع نقص‌گردد تا شعر وهنر بحدکمال برسد» اسکی‌پیست با اصول‌فرد پرستی سخت مخالف است .

اسکی‌پیست‌ها پیوسته بت‌شکنی میکنند ومعتقدندکه نبایستی یك فرد یا عقاید و افکار یك فرد ادبیات وهنر را تحت تأثیر خویش درآورد وخلاصه باید پرندهٔ آزادیخواه طبع بشر از قید اسارت وتصنع‌کاملاآزاد باشد .

متأسفانه قسمت اعظم ادبیات‌گذشته مارا مدیحه سرائی وتوصیف‌هائی‌که در اثر تطمیع‌یا تهدید صاحبان قدرت بوجودآمده تشکیل میدهد وکمتر شاعر وهنرمند ونویسنده ویا مورخی را میتوان یافت‌که بکلی‌آثارش از این عیب ونقص مبرا باشد .

البته شعرا وهنرمندان‌را زیادنباید مقصر دانست زیراعوامل‌محیط وشرایط زمان‌چنین ایجاب میکرده وشاعر اگر راضی‌بمدح امیروقت نمیشد شاید مانند مسعود سعد تمام عمررا در گوشه زندان بسر میبرده و نیز مخالفین اسکی‌پیست‌ها ضمن طرفداری از ادبیات و هنر قدیم می‌گویند :

«هرچه بشر را محدود ومقید سازند ودر فشار مقررات خشك محبوس نمایند بیشترتشنه آزادی میشود ودر نتیجه واکنش شدید نشان میدهد .

ترقیات برق آسای ادبیات روسی در اثر قیدو بندها وشدت عمل تزاریسم بوده است . هنر ایطالیائی وقتی‌قدرت نمائی نمودکه نقاشان وهنرمندان سخت درفشارتعصبات خشك مذهبی و کلیسیا بودند .

موجدشاهکارهای معماری‌وحجاری روم وژرمن قدیم نیزاینگونه عوامل‌زننده بوده‌است،»

البته این هم عقیده‌ای است که اگر قابل قبول نباشد لااقل در خور بحث هست ولی اسکی‌پیست مخالف این مدعاست ومیگویدهنر نوبایدکاملا بدون قیدوبند وترس وطمع بوجود آید وهیچ قدرت وسلطه‌ای‌آن را محدود نسازد ودرضمن همان طورکه قالب‌کهنه خورد میشود وقالب نوی با ابداع وابتکار برای شعر بوجود میآید بهمین تناسب هم بایدمضامین تازه‌وبکر وایده والفاظ وتشبیهات بدیع درآن موجود باشدوگرنه مضامین‌کهنه وتشبیهات پیش پا افتاده در قالب شعر نو مانند لباس‌کهنه وژنده‌ای است‌که به‌گوهرهای قیمتی والوان زینت شده باشد.

واژه‌های سیاسی

آئین مونروئه

آئین پیشنهادی‌مونروئه‌رئیس‌جمهور سابق‌آمریکا که در ۲ دسامبر ۱۸۲۳ تقدیم کنگره گردید وتصویب شد وطبق‌آن از نفوذکشورهای قاره‌های‌دیگر درکشورهای‌آمریکائی جلوگیری بعمل‌آمد و همچنین دخالت‌آمریکا در امورکشورهای اروپائی منع‌گردید .

اپتیمیسم

نیك‌بینی نسبت وتغییر بهرچیز (ضدآن پسی‌میسم است .)

اپورتونیسم

ابن‌الوقت بودن و تغییر دادن عقیده سیاسی بمجرد تغییر وضع و پیوستن بهر شخص یا فرقه‌ای براساس منفعت شخصی .

اتحادیه پان‌امریکن

در سال ۱۸۸۱ برای جلوگیری از جنگ درآمریکا بوجودآمد . بعدها تغییر شکل‌داد ودر سال ۱۹۴۲ نام انجمن دفاعی داخلی قاره‌آمریکا را بخودگرفت .

اتحادیه عرب

اتحادیهٔ کشورهای عرب .

اتوریتاریانیسم

نام سیستم حکومتی یا فلسفه‌ای که‌آن‌آزادی فردی تحت‌الشعاع قدرت دولت قرارگرفته باشد وقدرت در دست یك‌گروه معدود وکوچك متمرکز باشد .

اتوکراسی

نام سیستم حکومتی است که درآن کلیه قدرتها عملا در دست زمامدار قرارگرفته باشد.

ارتش سفید

نام ارتش سلطنت طلبان روس که پس از انقلاب ۱۹۱۸ روسیه چندی بسا سپاه سرخ بالشکویکهامیجنگیدند .

اریستوکراسی

یا حکومت اشرافی که درآن قدرت دست عده معدودی از اشراف یا ثروتمندان است .

استالینیسم

نام فلسفه و مسلك استالین فرمانروای گذشته روسیه شوروی و تفسیراتی که بنا بمیل خود ومصلحت‌حکومت‌خود برای‌کمونیسم ومارکسیسم کرد وشدت عمل وسخت‌گیری‌وناسازگاری با سایر مسلکها وکشورهای جهان، دراصطلاح استنباط میشود پس ازمرك وی در روسیه‌شوروی این مسلك مردود شناخته شد .

اسکی‌پیسم

یا فلسفه فرار عقیده به فرار از شرکت درکارهای اجتماعی و سیاسی وامتناع از قبول پستهای دولتی وشرکت در امور حکومت . این فلسفه ازعهد یونان قدیم وجود داشته وتازگی ندارد .

اعلامیه بالفور

اعطمیه بالفور وزیر خارجه انگلیس در هفت نوامبر ۱۹۱۷ که درآن وعده حکومت مستقل ملی یهود را درفلسطین به یهودیان جهان داد .

اعلامیه‌پاناما

اعلامیه نمایندگان بیست کشورآمریکائی وکشورهای متحدآمریکا درپاناما در۱۲ اکتبر ۱۹۲۹ راجع بایجادکمربند امنیت یا منطقه امنیت آمریکا تا ۳۰۰ میل از سواحل آمریکا

عملیات جنگی وخصمانه بین کشورهای دیگر را ممنوع میسازد. بعدها معلوم شد غیرعملی است وبرصحفه کاغذ باقی‌ماند.

اعلامیه تهران

اعلامیه اول دسامبر ۱۹۴۳ بامضای روزولت وچرچیل واستالین راجع به همکاری سه دولت آمریکا وانگلیس وروسیه درجنگ دوم جهانی ودر دوره صلح پس ازجنگ.

اعلامیه واشنگتن

اعلامیه ۳۶دولت درحال جنگ با محور، در اول ژانویه۱۹۴۲مبتنی برتعهدهمکاری و وقف تمام منابع اقتصادی و نظامی خود برای جنگ با دشمن مشترک سایر متفقین نیز بعداً بآن پیوستند.

اقلیتها

این اصطلاح شامل اقلیتهای نژادی، مذهبی ویا زبانی میشود که مقیم کشوری هستند و نژاد یامذهب یازبان آنها بااکثریت مردم آن کشورتفاوت دارد مانند ارامنه، آشوریان، یهودیان وزرتشتیان در ایران امروز.

اکونومی کلاسیك

رجوع شود به لسه‌فر.

اگپو (بضم الف)

نام اداره پلیس سری و مأمورین امنیت ودستگاه جاسوسی روسیه شوروی که پس‌ازمرگ استالین از خشونت وبیرحمی وشدت عمل آن کاسته شده معتدل‌تر گردیده است.

اگوئیسم

خود پرستی و خودخواهی و اعتقاد باینکه پایه و مبنای زندگی برتوجه نسبت بنفس خویشتن است. ماکیاولی ایتالیائی (قرن ۱۶) از پرورش دهندگان این فلسفه بوده.

ابولوتیسم

نام رژیمی از حکومت که زمامدار درآن قدرت مطلقه ونا محدود داشته باشد.

الیگارشی

رژیم حکومتی که بوسیله چند نفر محدود اداره شود وکلیه قدرت حکومت دردست آن چند نفر متمرکز باشد.

امپریالیسم

نام خط مشی وسیاستی‌است که هدف آن تشکیل یك امپراطوری وسیع وعظیم باشد هم‌از حیث‌وسعت اراضی وهم جمعیت وهم اسارت ملل‌وطوایف‌دیگرواستثمارآنها به نفع ملت مرکزی وحاکم.

انارشیسم

حکومت هرج ومرج وفاقد قانون ونظم ودادگاه وکیفر.

انترناسیونالیسم

(در برابر ناسیونالیسم) عقیده باینکه تأمین صلح عمومی عالم و از میان بردن جنگها وتأمین خیر وسعادت بشر منوط است بحد اعلای همکاری ودوستی و وحدت ملل جهان تاآنجا

که یك حکومت جهانی تشکیل شود .

انتی‌سمی‌تیسم

ضد یهود که جزئی از برنامه ناسیونال سوسیالیسم آلمان بود .

انرا

نام مخفف اداره کمك به‌آوارگان از شعب فرعی سازمان ملل متحد .

انتالکتوئل

اصالت‌هوش وقریحه وعقیده به اینکه علم‌زاده عقل‌است وعقل منبع دانش وکشف‌حقیقت با علم صحیح بواقعیات تنها از طریق علم بوسیله قریحه وهوش عقل میسراست دراصطلاح‌سیاست بمعنی روشنفکراست .

اندوستریالیسم

صنعتی شدن زندگی انسان ورواج زیاد وکارخانه وماشین واعتقاد به لزوم‌آن.

اندیویدوالیسم

عقیده باصالت فرد واینکه درحکومت و وضع قانون اصل فرداست وجامعه فرعی برآن و جامعه بخاطر فرد، وجودآمده نه فرد برای جامعه (ضدآن‌کولکتیویسم وتوتالیتاریانیسم) .

انشلوس

نام جنبشی است که در اروپای مرکزی برای یکی شدن اطریش وآلمان وجود داشت‌و در سال ۱۹۱۴ آشکار شد

اوتارکی

استقلال اقتصادی یا بی‌نیازی اقتصادی یعنی‌آنکه ملتی‌کلیه احتیاجات اقتصادی خودرا در داخله تهیه‌کرده ازاحتیاج باجناس خارجی‌آزاد گردد

ایدئالیسم

عقیده باینکه سیاست باید تابع غایت‌آمال وایده‌آلهای‌آدمی باشد .

ایرسیونالیسم

فلسفه غیر عقلی (در برابر راسیونالیسم یا فلسفه عقلی) و در عقل ، واعتقاد به اشراق والهام اسرارآمیز .

ایزولاسیونیسم

سیاست کناره‌گیری یك دولت ازهمکاری سیاسی واقتصادی بادول دیگر .

بالشویسم

نام مکتبی ازمکاتب مارکسیسم که درآغاز انقلاب روسیهٔ شوروی بقیادت لنین پیشوا و مؤسس حزب‌کمونیست روسیه بوجود آمد و برخلاف مارکسیسم معتقد بود که نباید منتظر فساد تدریجی وطبیعی‌کاپیتالیسم‌گردید وپرولتاریا باید هرچه زودتر قدرت سیاسی را بدست‌گرفته ، طبقات بورژوا و سرمایه‌دار را براندازد . بالشویسم بمعنی اکثریت است و این‌اصطلاح درآن

زمان در برابر مانشویسم یعنی‌عقلیت معمول گردید ولی بعد منسوخ گردید حزب مزبوردرروسیه بعدها نام کمونیست را بخود گرفت

بربریسم

بدویت و توحش و بربریت .

بندر آزاد

بندری است دریك کشور که ورود وخروج‌وتخلیه اجناس،در آن برای کشتیهای کشورهای دیگر آزاد خواهد بود .

پاتریوتیسم

از واژه پاتریوت و بمعنی میهن پرستی است .

پارلمانتاریسم

سیستم حکومت پارلمانی که مسئولیت قوهٔ مجریه‌رادربرابر قوهٔ مقننه دربردارد ورئیس قوه مجریه ووزرای اویا عضوپارلمان ویامنتخب پارلمان هستند.

پاسی‌فیسم

حمایت از صلح بین‌المللی بهر قیمت وطرفداری از سازش وحکمیت در مورد اختلافات بجای توسل بجنگ .

پان‌امریکانیزم

عقیده به‌تشکیل یك اتحادیهٔ سیاسی مرکب از کلیه کشورهای آمریکای شمالی وجنوبی.

پراگماتیسم

فلسفه اصالت عمل و واقعیت است واعتقاد باینکه‌حقیقت را سنجش مقدار تطابق فکر با واقعیت فکر با واقعیت ونتایج عملی آن میتوان کشف ومعلوم‌داشت . واضع این‌فلسفه ویلیام جیمز (۱۸۴۲ ــ ۱۹۱۰) امریکائی است .

پری‌می‌تیویسم

عقیده به لزوم‌رجعت انسان به حالت سادگی‌وبی‌پیرایگی عهد بدویت والغای کلیه‌علائق مدنی و اجتماعی و ابطال تمام محدودیتها باستثناء علایقی که از حس وظیفه مرد حکیم ناشی گردد .

پسی‌میسم

بدبینی نسبت بهمه چیز وبیزاری از جهان وازدنیا گذشتگی .

پرومتیوس

نام‌جنبشی در پاریس ۱۹۲۸ بوسیله‌مهاجران گرجستان‌واوکرانی برای ایجاد گرجستان مستقل وارمنستان مستقل واوکرانی مستقل‌این‌جنبش راآلمانها تقویت میکردند .

پلوتوکراسی

یا حکومت ثروتمندان سیستم حکومتی که بدست ثروتمندترین افراد یك جامعه اداره

شود .

پلورالیسم

اعتقاد باینکه علاقهٔ فرد نباید منحصر به‌پیوستگی سیاسی وی‌بدولت باشد بلکه‌متساویا باید به‌گروههای دیگر اقتصادی ومذهبی‌واجتماعی وغیرآنهم پیوستگی‌داشته باشد ونیز اعتقاد به لزوم تعداد احزاب وجماعات وانواع انجمنها وعقاید وسلیقه‌های مختلف دراجتماع .

پوزی‌تیویسم

فلسفه اثباتی یا قطعیت منسوب به اوگوست‌کنت فیلسوف فرانسوی قرن ۱۹ که‌گوید : خارج ازحقایق فیزیکی وآثاری‌که حس شود هیچ چیز قابل شناسائی نیست .

پوگروم

لفظ روسی است بمعنی تخریب و غارت و خونریزی بتحریك حکومت برای حمله به یهودیان در ۱۸۸۱ که حمله عمومی در روسیه به یهودیان‌آغازگشت این اصطلاح معمول شد .

پیمان بالکان

پیمان ۹ فوریه ۱۹۳۴ بین چهارکشور یونان و رومانی و ترکیه ویوگسلاوی در مورد شناختن مرزهای تازه ، بلغارستان نیز بعداً بدین پیمان ملحق شدواز آن زمان‌اتحادیه مزبوربه اتحادیه بالکان معروف شد .

پیمان چاپولته‌پك

پیمانی بین نمایندگان‌کشورهای امریکای شمالی وجنوبی باستثنای‌کانادا ، درکنفرانس مکزیکوسیتی در فوریه ۱۹۴۵

پیمان‌لوزان

پیمان‌صلح‌بین‌ترکیه ، انگلیس وفرانسه وایتالیاوژاپون ویونان‌وبلغارستان ویوگسلاوی در لوزان در ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۳ .

پیمان سایکس - پیکو

پیمان‌سری بین سایکس‌نماینده انگلیس وپیکو نماینده فرانسه در ۱۶ مه ۱۹۱۶ (که بعداً روسیه نیز بدان ملحق شد) برای تجزیه امپراطوری عثمانی وتقسیم قسمت زیادی‌ازاراضی آن شامل عربستان وسوریه ولبنان وفلسطین واردن وعراق وموصل بین انگلیس وفرانسه .

پیمان مسکو

پیمان بین وزرای خارجه سه‌دولت انگلیس وامریکاوروسیه در مسکو در دسامبر۱۹۴۵ راجع بشرایط صلح باآلمان وژاپون وسایر مسائل راجع بجنگ وصلح .

پیمان‌مونیخ

پیمان بین‌چمبرلن، نخست وزیرانگلیس‌ودلادیه نخست‌وزیرفرانسه وهیتلرپیشوای‌آلمان با حضور موسولینی در سپتامبر ۱۹۳۸ راجع بالحاق چکوسلواکی به‌آلمان .

پیمان مونتوار

نام پیمان بین مارشال پتن وهیتلر درمونتوار در۲۴ اکتبر ۱۹۴۰ راجع بهمکاری‌بین

فرانسه غیر متصرفی و آلمان .

پیمان ورسای

پیمان صلح بین متفقین و متحدین پس از جنگ اول جهانی در قصر ورسای پاریس در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ .

تائوئیسم

مکتب فلسفی وسیاسی واجتماعی منسوب به لائوتسه فیلسوف معروف چین .

تئوکراسی

حکومتی‌که در دست پیشوایان روحانی باشد .

تروتسکیسم

عقاید فرقه منشعب از حزب‌کمونیست روسیه تابع فلسفه تروتسکی که معتقد به انقلاب جهانی همراه با انقلاب داخلی بود .

تروریسم

عقیده به لزوم‌آدم‌کشی وتهدید وتخویف و تخریب و ایجاد وحشت درمیان مردم برای برانداختن حکومت ودر دست‌گرفتن زمام دولت یاتحمیل عقیده وفلسفه‌ای به جامعه.

تریدیونیون

نام سازمانی ازکارگران برای تماس باکارفرما در مورد افزایش حقوق و تقلیل ساعات کار وسایر وسائل مربوط به زندگی .

توتالیتاریانیسم

یا حکومت جمعی، نام فلسفه وحکومتی است‌که با وسایل مجهز پلیسی ووضع مقررات در تمام شئون زندگی فرد دخالت‌کند واز انتقاد جلوگیری نماید .

تیرانی

حکومت جور وستمگری .

چهارآزادی

عنوان موضوعه روزولت درکنگره امریکا در ۶ ژانویه ۱۹۴۱ بشرح زیر .

۱ ــ آزادی نطق وابراز عقیده .

۲ ــ آزادی مذهب .

۳ ــ آزادی رهائی ازاحتیاج وفقر .

۴ ــ آزادی رهائی از ترس یعنی‌آنکه تسلیحات موقوف شود بطوریکه ملتهااز تجاوز مسلح ملل دیگر بیم نداشته باشند .

چهار ماده ویلسن

شامل مواد پیشنهادی ویلسن‌رئیس جمهور امریکار به‌کنگره امریکا در ۸ ژانویه۱۹۱۸ برای تأمین‌صلح جهانی .

خطر زرد

مقصود خطر قیام نژاد زرد (ژاپون وچین) وتفوق وغلبه‌آن برنژاد سفید است ،

خطر سیاه

مقصود خطر قیام نژاد سیاه (افریقا) وتفوق وغلبه‌آن برنژاد سفید است .

خط کرزن

نام مرزخاوری لهستان پیشنهادی لردکرزن‌وزیر خارجه انگلیس در شورای عالی متفقین در پاریس در هشت دسامبر ۱۹۱۹ که‌لهستانیها آن را نپذیرفته با پشتیبانی سری فرانسه ازآن سرپیچی کردند و پس ازجنگ دوم جهانی روسها تقریباً همان خط را خط مرزی بین روسیه و لهستان قرار دادند .

دالاندانزیك

رجوع شود به‌کریدور لهستان .

دترمینیسم

نام مکتب فلسفی جبر دربرابر اختیار .

دترمینیسم اقتصادی

نام یکی از فرضیه‌های مارکس مبنی بر اینکه خط‌مشی وسیاست دولتها وحوادث‌تاریخ عموماً نتیجه نیروهای جبری اقتصادی واسباب وعلل اقتصادی است .

دسانترالیسم

انتقال نظارت و کنترل از قدرت مرکزی به واحدهای محلی (استانها وبخشها) اصطلاح مترادف‌آن پارتانتالیسم است وروش مقابل‌آن سانترالیسم یاتمرکز.

دسپوتیسم

روش حکومت استبدادی .

دموکراسی

حکومت مردم برمردم بوسیله مجلس نمایندگان انتخابی وتبعیت ازرأی اکثریت .

دوگماتیسم

فلسفه جزمی یا نظری‌که طبق‌آن بایدکورکورانه از سابقه و سنت تبعیت‌کرد وآن را اصول وآئین قطعی دانست بدون پرس وسئوال.

دوازده ماده ترومن

اعلامیه ترومن رئیس‌جمهور امریکا در نیویورك در ۲۸ اکتبر ۱۹۴۵ شامل ۱۲ ماده تفسیر وتعیین سیاست خارجی‌آمریکای پس ازجنگ دوم جهانی .

دیالکتیك

بکار بردن روش مباحثه ومکالمه برای تحقیق در مسائل فلسفی .

دیکتاتوری

روش استبدادی وحکومت مطلقه بوسیله شخصی‌که‌او را دیکتاتور اصطلاح‌کنند .

رئالیسم

یعنی واقع پرستی وعقیده به لزوم وفق دادن خود با واقعیات جهان ومحیط وجامعه با ایده‌آلهای انسانی است .

راسیونالیسم

فلسفه اصالت عقل واعتقاد به تفوق عقل براحساسات وبرهمه چیز .

رویالیست

سلطنت طلب در برابر جمهوری طلب .

روسیهٔ سفید

نام سرزمین وایالاتی‌از اتحاد جماهیر شوروی که درمیان خاك اصلی روسیه واوکرانی ولهستان واقع شده است .

رولاتیویسم

عقیده به نسبیت‌درتمام مظاهر زندگی‌اجتماعی واخلاقی ومعتقدات،در برابراسولوتیسم یا مطلق بودن .

رویزیونیست

طرفدار تجدید نظر در یك فلسفه ، عقیده ومسلك .

زیونیسم

نام جنبشی بود در قوم یهود در تمام نقاط دنیا برای برگشت یهودیان بخاك فلسطین که در سال ۱۹۴۸ بثمر رسید دولتی درآنجا بنام اسرائیل تشکیل یافت .

ژئوپولیتیك

علم جدیدی از جغرافیا ومورد استعمال‌آن در لشگرکشی است باتوجه به روابط‌سیاسی وفعالیتهای سیاسی واقتصادی بین‌کشورها .

سانترالیسم

عقیده به لزوم تمرکز کلیه امورکشور در مرکزوادارات مرکزی پایتخت وانجام هرکار با اجازه مرکز .

سپتیکسم

فلسفه شك وتردید نسبت بهمه چیز (کلییون یا شکاکین)

ستون پنجم

عنوان‌گروهی سری از جاسوسان طرفداران دشمن در داخله کشور ودر پشت جبهه‌های جنگ که بنفع دشمن‌کار کنند این اصطلاح از زمان جنگ داخلی اسپانیا معمول شدکه فرانکوبا چهار ستون سرباز برضد نیروهای دولتی می‌جنگید ومادرید را محاصره‌کرده بود وستون‌پنجم وی جاسوسان اوبودند در درون مادرید که شکست نیروی دولتی وپیروزی فرانکو را تسهیل میکردند .

سندیکا

نام تریدیونیون یا اتحادیه‌های کارگری در فرانسه .

سندیکالیسم

عقیده به لزوم حکومت سندیکاها بوسیله نمایندگان خوددر کشور . این فلسفه معتقد به لزوم انقلاب وطغیان است .

سوسیالیسم

مالکیت دولت نسبت به کلیه مسائل تولیدی اعم ازصنعت وکارخانجات و وسایل حمل و نقل وامور بانکی واقتصادی واداره آنها از طرف دولت .

سوفیسم

فلسفه سوفسطائی منسوب به یونان قدیم که میگوید ، «انسان مقیاس همه اشیاء است»

سیاست درهای باز

بازگذاشتن مرزهای یك کشور برای اتباع تمام ملل دیگربا شرایط مساوی برای‌ورود وخروج بمنظورمعاملات وکارهای بازرگانی باآزادی‌تجارت این اصطلاح بخصوص از سال۱۸۹۸ ببعد در مورد تجارت باچین ودرمورد بنادر چین معمول گشت .

شووینیسم

افراط ومبالغه در میهن پرستی (منسوب به نیکلاشوون مداح فدائی ناپلئون)

شیسم

ایجاد انشعاب وشکاف در یك حزب یا فلسفه یا مذهب و تفکیك آن بفرقه‌های مختلف .

طرح مورگنتو

طرح اقتصادی پیشنهادی مورگنتو خزانه‌دارآمریکا در ۱۹۴۳ راجع‌به‌ایجاد یك‌سازمان اقتصادی درجهان برای تثبیت اوضاع مالی وارز وپشتوانه پول‌وهم‌آهنگی ارزها پس ازپایان جنگ .

فئودالیسم

حکومت ملوك‌الطوایفی .

فاشیسم

نام فلسفه حزب مولود موسولینی در ایتالیا معروف به پیراهن سیاهان که ملحوظ و معجونی است ازعقاید مسلکهای سیاسی مختلف ومعتقدبه لزوم تمرکز قدرت واتوریته درشخص پیشوا وشدت عمل است .

فالانژایسم

فلسفه مشابهی با فاشیسم که در اسپانیا برهبری ژنرال فرانکو بوجودآمد .

فاناتیسم

تعصب در یك عقیده ومسلك یا مذهب .

فاناتیك

شخص متعصب در یك عقیده یا مذهب .

فائو

نام سازمان بین‌المللی توزیع مواد غذائی وحل مشکلات کشاورزی شعبه‌ای از سازمان ملل‌متحد که اداره مرکزی آن در رم پایتخت ایتالیا قرار دارد .

فدرالیسم و فدراسیون

اتحاد چند کشور با یکدیگر وتشکیل یك حکومت ودولت ملی مرکزی بدین شرط که هر کشور در امور داخلی خود مستقل باشد ودولت مرکزی تنها روابط خارجی را اداره نماید و مجلس ملی مرکزی البته از نمایندگان کشورهای عضو تشکیل میشود مانند کشورهای متحده آمریکا

فورمالیسم

ظاهر پرستی و اعتقاد به فورمالیته در مؤسسات یا در مورد عبارات مذهبی و زندگی اجتماعی .

فیلانترو پیست

بشر دوستی ودر برابر کلمه میزانتروپیست .

کاپیتالیسم

سیستم حکومت سرمایه داری که در آن وسایل عمده تولید دردست سرمایه داران است واصل‌مالکیت آن محترم است .

کاسموپولیتانیسم

احترام به ایده‌آلها وافکار وعقاید ومؤسسات همه ملل و اقوام جهان (در برابر شووی نیسم یا میهن پرستی افراطی)

کاپیتولاسیون

حق قضاوت قونسولهای یك کشور خارجی نسبت بافرادمتبوع کشور خود درکشور دیگر.

کریدور لهستان

نام باریکه‌ای از خاك آلمان که طبق پیمان ورسای (۱۹۱۹) به لهستان واگذار شد تا به دریای بالتیك دسترسی داشته باشد وجنگ دوم جهانی با تصرف آن از طرف آلمان آغاز شد وپس از جنگ دوم بار دیگر جزء سرزمین لهستان شد وبندردانزیك یاگدافسك را شامل است وآن را دلان دانزیك نیز می‌نامند .

کمونیسم

سیستم حکومتی مبتنی برعقاید مارکس وانگلس که پس از اعلامیه کمونیست‌های جهان در ۱۸۴۸ برای رسیدن بدان کوشش فراوان شد . هدف کمونیست‌ها الغای مالکیت اراضی و برقراری سیستم مالکیت دسته جمعی زمین‌وکارخانه‌ها وسایر ثروتهای ملی است . مارکس‌عقیده داشت که چنین حکومتی بایستی پس از انقلاب کارگری در تمام جهان بوجود آید .

اما لنین بعدها با طرح امکان بر قراری رژیم مزبور در یك کشور در عقیده او تجدید نظر کرد .

کمینترن

مخفف دو کلمه کمونیست وانترناسیونال است که عنوان مجمع کمونیستهای جهان است کمینترن سوم به «بین‌الملل سوم» معروف شد که لنین در سپتامبر ۱۹۱۵ اساس آن را گذاشت و بعداً تعطیل شد و درخلال جنگ دوم جهانی استالین بسبب کمکهای امریکا اعلام کرد که دیگر آنرا تشکیل نخواهد داد و هدف آنرا که ایجاد جنبش کمونیستی وانقلاب در تمام کشورهای جهان است تعقیب نخواهد کرد.

کنستی توسیون

گاهی برمشروطیت وایام حکومت مشروطه وگاهی برقانون اساسی اطلاق میشود .

کنسرواتیسم

مسلك محافظه کاری خواه در مذهب یا سیاست یا امور اجتماعی ــ کنسرواتیو یعنی محافظه کار .

کنکوردا

پیمان بین واتیکان وسلطنت ایتالیا در ۱۹۲۹ پس از سالها کشمکش واختلاف .

کنوانسیون ژنو

پیمان بین‌المللی ژنو در ۶ ژوئیه ۱۹۰۶ راجع به حفظ وتوجه از مجروحین جنگ .

کنوانسیون مونترو

موافقتنامه ۲۰ ژوئیه ۱۹۲۶ متمم پیمان لوزان راجع به موضوع تنگه‌های بوسفور و داردانل بتاریخ ۲۴ ژئیه ۱۹۲۳ .

کنفرانس یالتا

کنفرانس بین روزولت وچرچیل واستالین دریالتا در شبه جزیره کریمه در فوریه ۱۹۴۵ راجع به تقسیم آلمان به مناطق مختلف تحت تصرف روسیه وفرانسه وانگلیس وامریکا و تقسیم برلن بدومنطقه خاوری وباختری .

کنفرانس سانفرانسیسکو

کنفرانس نمایندگان ملل متحد (طبق تصمیم کنفرانس یالتا) در سانفرانسیسکو از ۲۵ آوریل تا ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ برای تکمیل طرح تشکیل سازمان ملل متحد .

کنفرانس پوتسدام

کنفرانس بین ترومن واستالین وچرچیل وبعداً اتلی نخست‌وزیر انگلیس در پوتسدام آلمان در ژوئیه ۱۹۴۵ راجع به تعیین تکلیف اداره امور آلمان بدست متفقین وخلع سلاح آن کشور وتقسیم برلن بدومنطقه .

کنوانسیون برن

موضوع سال ۱۸۸۶ راجع به حفظ حقوق بین‌المللی مولفین آثار ادبی وهنری در تمام

کشورهای عضو کنوانسیون .

کنفرانس دمبارتن‌اوکس

نام‌کنفرانس نمایندگان چهار دولت بزرك (انگلیس وامریکا و روسیه و چین) در ۲۱ اوت ۱۹۴۴ دردمبارتن‌اوکس نزدیك واشنگتن امریکا که‌پایه تشکیل سازمان ملل‌متحد درآنجا گذاشته شد .

کنوانسیونهای لاهه

کنوانسیون‌های لاهه‌در ۱۸۹۹و۱۹۰۲ راجع به حل‌اختلافات‌بین‌دول بطریق‌صلح‌آمیز

کندومینیوم

حکومت مشترك دو یا چند قدرت بریك سرزمین مانند حکومت مشترك انگلیس‌ومصر در سودان تا پیش‌از استقلال سودان وحکومت مشترك‌انگلیس وامریکا وفرانسه‌دربرلن‌باختری بعداز جنگ دوم .

کنفدراسیون

فدراسیونی بین چندکشور .

کنفوانسیون

چند معنی دارد :

۱ ــ موافقت‌نامه بین دویاچند دولت درمورد مسائل درجه دوم‌مانند مسائل بازرگانی‌و فرهنگی .

۲ ــ نام مجلسی فوق‌العاده‌که برای تغییرات مهم در قانون اساسی بدان قدرت داده میشود .

۳ ــ نام مجلسی که‌گاه‌بگاه برای تجدید نظر در قانون اساسی تشکیل میشود

۴ ــ نام جلسه‌ای از رأی دهندگان یك حزب در یك شهر یابخش یا استان برای‌تعیین کاندیداها وبرنامه وهدف حزب ووضع مقررات سازمان حزب.

کومین‌تانگ

نام حزب افراطی‌دموکراتیك‌که پس از انقلاب ۱۹۱۲ چین بریاست‌سون‌یات‌سن‌بقدرت رسید وسپس چیان‌کای‌شک جانشین وی شد.

کورپوراتیف

دولت‌کورپوراتیف نام سیستمی حکومتی است براساس نمایندگی براساس تقسیم جمعیت به صاحبان مشاغل وحرفه‌های مختلف بنام‌کورپوراسیونها وانتخاب‌هیئت حاکمه ازطرف‌آنهااز میان نمایندگان خود این روش را موسولینی درنظر داشت درایتالیا اجراکند ولی عملی‌نشد .

فولکتیویسم

(اصالت جمع) سیستم حکومت جمعی و تفوق دادن جمع برفرد که شامل سوسیالیسم و کمونیسم وسندیکالیسم وفاشیسم هم میشود .

گشتاپو

نام پلیس سری سیاسی‌آلمان درمان جنگ دوم جهانی .

لسه‌فر

عدم مداخله دولت در امور اقتصاد وبازار ومعاملات و بازرگانی‌وآزادگذاشتن‌آنها در دست افراد مردم بدون‌کنترل دولت .

لگالیسم

عقیده باصالت قانون واصول حقوقی وقضائی ونگریستن همه چیز ازدریچه حقوقی .

لنینیسم

شکلی خاص از مارکسیسم منسوب به لنین که تجدید نظری در اصول مارکسیسم نمود تاآنرا با اوضاع وشرایط روسیه تطبیق دهد .

لیبرالیسم

آزادیخواهی وعقیده باینکه انسان‌آزاد بدنیاآمده وصاحب اختیار واراده است که‌خود را بنحوآزاد تاآنجاکه میتواند پرورش دهد .

ماتریالیسم

مکتب مادی یا فلسفه مادیت واعتقادباینکه تنها ماده وجوددارد وهمه طبیعت‌تجلی‌های گوناگون ماده است .

ماتریالیسم‌دیالکتیک

اصطلاح موضوعه مارکس‌که مبنای‌آن اعتقاد به‌جبر تاریخی ولزوم تاریخی است در راه تکامل واینکه نیروی اقتصادی پایه و اساس حوادث تاریخ است در برابر دیالکتیك هگل یا ایدآلیسم‌که نیروی روحی را محرك عالم بشری میدانست .

مارکسیسم

نام فلسفه‌کارل مارکس‌آلمانی واضع‌فرضیه کمونیسم‌جدید که‌درواقع‌تغییروتوجیه‌سوسیالیسم است.

ماکیاولیسم

فلسفه استبداد جدید منسوب‌بماکیاولی ایتالیائی (قرن ۱۵) که شرایط موفقیت‌زمامدار مستبد را شرح داده است وبراساس بدبینی وسوءظن ولزوم ستمگری در حکومت است .

ماندات

نام سیستم قیمومت‌کشوری بر کشور دیگر در اصطلاح قانون جامعه ملل سابق طبق ماده ۲۲ پیمان‌نامه جامعه ملل‌که در پیمان ورسای برای اداره امورمستعمرات‌آلمان وامپراطوری عثمانی مندرج‌گردید .

میلیتاریسم

عقیده به تفوق نظامیان وحکومت صنف نظامی واهمیت دادن به سنتها ورسوم نظامی و واردکردن انضباط شدید نظامی بزندگی‌کشوری (سیویل) .

ناسیونالیسم

فلسفه‌ومکتب ملیت و وحدت ملی‌یعنی‌تقسیم جهان به‌کشورهائی‌بنام ملتها که‌تابع‌حکومتی جداگانه ومستقل باشند .

نازیسم یاناسیونال سوسیالیسم

نام مکتب فلسفه ورژیم حکومت آلمان در زمان هیتلر ومشا به فاشیسم ایتالیا .

نیودیل

نام‌اقدامات دولت امریکا در زمان‌فرانکلن روزولت در ۱۹۳۳ بمنظورامنیت اجتماعی مردم امریکاکه بسبب بحران اقتصادی در معرض تهدید قرارگرفته بود .

یوتیلیتاریان

فلسفه سودجوئی یا انتفاعی وعقیده باینکه تمام خیرها و نیکی‌ها را باید در ترازوئی سنجیدکه معلوم شود سودآن برای‌آدمی تاچه درجه است .

یوتوپیانیسم

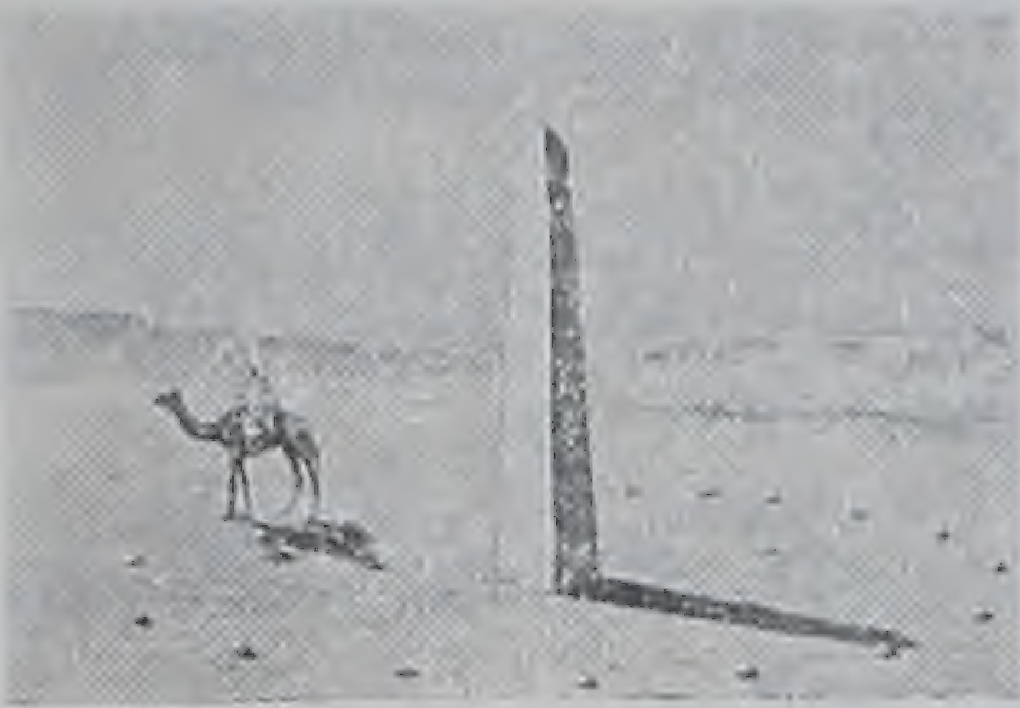
مترادف با ایدآلیسم یا خیال پرستی وتوجه به ایدآلها ودولت وجامعه ایدالی یا کمال مطلوب (یوتوپیا، نام جزیره خیالی یابهشت خیالی‌است درکتاب توماس‌مور انگلیسی) .

تاریخ علوم

۱ـ علم درمصر قدیم ـ علوم ریاضی‌وطبیعی درنزدمصریان‌کاملاتجربی بوده‌است . طرز نوشتن اعداد ، ترکیب علامات ، نمایش واحدوده وصدوغیره محصول علوم مصرقدیم بوده‌است. ترتیب دراعداد یعنی‌آحاد وعشرات ومآت را تشخیص‌وبهمان میزان علامات فوق‌الذکر رامرتباً تکرار مینمودند . ضرب وتقسیم را بصورت جمع و تفریق‌های متوالی عمل میکردند . موضوع مهم در نزد ایشان قضیه کسرهاست که در تقسیم اراضی مورد استعمال زیاد دارد . برخلاف محاسبات امروزکه مخرج نمایش تعداد تقسیمات واحد میباشد مصریها کسور را بطوری نمایش میدادندکه صورت همه ثابت وبرابر واحد بود مثلا $\frac{1}{5}$ و $\frac{1}{7}$ وغیره اما چون باین‌ترتیب همه‌کسور را نمیتوانستند نمایش دهندکسرهای مشکل را بکسرهای دیگری تجزیه میکردند . مثلاآن مقداری راکه ما امروز به‌کسر $\frac{2}{5}$ نمایش میدهیم در نزد آنها بمجموعه کسور $\frac{2}{5}=\frac{1}{3}+\frac{1}{15}$ نمایش داده میشد وهمچنین $\frac{2}{29}=\frac{1}{24}+\frac{1}{58}+\frac{1}{174}+\frac{1}{232}$ وباین ترتیب سایرکسوری راکه صورت آنها واحد نبود تجزیه میکردند واین مثله موضوع مهمی در محاسبات مصریها بوده‌است ودر جدولیکه‌اسمش تجزیه‌کسوری‌است کسوری‌که مخارجشان از۳تا ۹۹ باشد مندرج‌است وطرز تعیین‌این تجزیه‌ها کاملا تجربی واز روی محاسبه احتمالی قطعه‌خطی که نمایش‌مقدارکسری ازقطعه خط نمایش‌واحدبوده‌است ، معین‌میشده باین واسطه همه‌جاصحیح ولی تقریبی‌است .

علم هندسه در نزد آنان تجربی بوده و فرمولهایش اغلب تقریبی میباشد مثلا مساحت چهار ضلعی نزدآنها برابراست‌با مضرب نیم مجموع‌های اضلاع مقابل و پی در مساحت دایره برابر۳/۱۴ بوده‌است. بعقیده فیثاغورث نیز بربعضی قضایا آگاهی داشته‌اند و میدانسته‌اند که مثلثی‌باضلاع ۵و۴و۳ قائم‌الزاویه میباشد وآنرا بکار میبردند ونخهای ۱۲ قسمتی که قسمت‌های ۵و۹ گره‌گره‌دار بوده‌است استعمال میکرده‌اند.

ساختمان اهرام مصر نمونه‌ای از پیشرفت مجسمه سازی و نقاشی و حجاری بوده‌اند ودر هیئت نیز بعضی اطلاعات وپیشرفت‌های تجربی ازقبیل حرکات آفتاب و ماه و کواکب دست داشتند وارصاد جزئی هم کرده‌اند که برای تقسیم زمان‌لازم بوده‌است راجع به‌آسمان گمان‌میکردند که عبارت‌است از دریائی آبی که برزمین احاطه‌دارد وستارگان قایق‌های خدایان میباشند. در طب نیز دست داشته‌اند و درادویه آنان ترکیبات آمونیاکی دیده شده است .



حرکت‌آفتاب برای ساختن ساعت استفاده میشد

۲- کده و آشور - (۲۲ ـ ۶ قرن ق م) چون خداوندان‌آنها در بین ستارگان بوده زیرا ستارگان در بیابانها راهنمای آنها بودند در موضوع آتیه خود بآنها معتقد شدند باین ترتیب‌که برای هر فردستارهٔ میدانستند ومطابق حرکت این ستاره درآتیه‌آن بنای‌استرولوژی در نزد ایشان ریخته شد وکائنات متصدی این‌امر بودند ودر معابد رصدخانه‌هائی‌داشتند ودربین این ارصادکم‌کم‌کهنه به قسمت‌های صحیحی از علم هیئت نیز پی‌بردند از قبیل حرکات آفتاب وتمیز سیارات از ثوابت ومحاسبه سال تا ثانیه و کشف بعضی‌آلات از قبیل ساعت‌آبی و شاخص و غیره .



چینی‌ها اعدادرا با مرکب روی‌پارچه ابریشمی مینوشتند



بابلیها اعداد را وری تابلوهای گلی مینوشتند

سایر علوم نیز در نزدآنها رواج داشته مانند حساب وهندسه برای تقسیم و محاسبات که بعدها یونانیها ازآنها استفاده کردند .

درمحاسبات‌آنها برخلاف مصریهاعدد ۶۰ فوق‌العاده مهم بوده است بطوریکه برای‌واحد یك علامت مخصوص‌وبرای ۶۰ برابرآنهم‌علامت‌دیگری‌داشته‌وآنهارا متوالی می‌نوشته‌اند مثلا.

۸ مجذور=(۴+۶۰) یعنی۶۴

۹ مجذور=(۲۱+۶۰)یعنی۸۱

واما‌بچه منظور عدد ۶۰ راانتخاب کرده‌اند معلوم نیست.ممکن است چون۶۰عبارتست

ازآخر عدد ۳۶۰ (ایام سال)آنرا انتخاب کرده‌اند ویا چون ۵ ۳ ۲۲ ۶۰ عدد مهمی بوده است و یا بمناسبت اینکه ضلع ۶ ضلعی که مساوی شعاع است دایره را به ۶ قسمت ۶۰ درجه تقسیم میکند این انتخاب صورت گرفته است . درمورد هندسه موضوع زاویه خیلی اهمیت داشته است تقسیم دایره را به ۳۶۰ درجه میدانسته‌اند وبرای تعیین طول وعرض ستارگان ومشاهده حرکات آنها ربع دایره مدرج حامل لوله رصد را بـرروی دایره مدرج دیگر حرکت میدادند (اساس تئودویست باورینه) از روی حرکت سیارات منطقه البروج را یافته‌اند و باین وسیله خسوف وکسوف را تعیین می‌نمودند ولی بیشترکارشان جنبه پیش‌بینی داشت .

طب کلدانیها نیز مانند مصریها از دو قسمت تشکیل میشد یکی تئوری تشخیص مرض که مبتنی برخرافات وموهومات بود دیگر ادویه‌که برچهار نوع تقسیم می‌شد .

۳ ــ **یونان قدیم** - اوضاع اجتماعی یونان را به چهار مکتب میتوان تقسیم کرد :

الف - مکتب ایونی - علمائـی که در ۱۳ شهر ایونی درادوار مختلف ظاهر شده‌اند و ارسطوآنها را **فیز یولوك** مینامید زیرا همه‌درموضوع مبدأ اشیا فکر کرده‌اند وآنها را ازنقطه نظر عقاید فلسفی بدو دسته تقسیم می‌کنیم :

اول - دسته‌ای‌که فکر میکردند عالم ازچه جسمی درست شده وازچه جرمی‌تشکیل‌یافته

دوم ــ دسته‌ای که تنها باین قسمت‌فکر نمیکردند بلکه نیز میخواستند بدانند عالم‌چگونه‌تشکیل شده است . از دسته اول **طالس**(در حدود ۶۰۶ قبل از میلاد)وآناکسیماندر (در حدود ۵۹۰) و**آناکسیمن**(در حدود ۵۹۰ قبل ازمیلاد) بترتیب آب و بی‌نهایت‌وهوا رامبدأ اشیاء میدانستند .

از دسته دوم هراکلیت (۵۷۶تا ۴۸۰ ق م)مبدأ راآتش دانسته وتشکیل را درحرکت میداند. «آناس‌گور» مبدأرا ازماده بی‌شکل‌وتشکیل‌راتفکرمیداند. «لوسیپ دموکریت»(متولد ۴۶۰ ق م) دنیا را پراز اجزاء متحدالشکل موسوم به اتم دانسته است .

ب - مکتب فیثاغورثی - فیثاغورث در قرن ششم قبل از میلاد میزیسته و در ساموس متولد شده وعقائداو اخلاقی بود ودرگروتون مکتبی تأسیس نمود‌که شاگردان اوطرفدارعقائد او بودند وبعد از مرگ او دریونان پراکنده شده‌اند ومهمترین‌آنها فیلولائوس است .

ج - مکتب الیائیون - در الیاء‌که شهری در یونان‌کبیر میباشدکزنوفان (کنوفونس) در قرن ششم مقارن با دو مکتب مذکور مکتبی ایجاد نمود‌که ازعلمای‌اولیه‌آن «پارمیندس» و «ذوالنون» که بالاخره سوفتائیون را تشکیل‌دادند .

مکتب رواقیون وکلبیون و بیقوریون و شکاکین - طرفداران فلسفه اخلاقی‌وعرفانی سقراط‌کاملاعرفانی‌ومهمترین‌اینها افلاطون وارسطواست که بالاخره بمکتب‌اسکندریه ختم‌میشود.

از علماء مکتب ایونی‌طالس معتقد است‌که‌آب مبدأ اشیاء است . طالس بکرویت زمین معتقد است وطول وعرض‌جغرافیائی وکسوف راتعیین‌نموده وارتفاع اهرام مصر را بطریق‌سایه‌ها تعیین‌کرده است .

«اناکسیماندر» مبدأ اشیاء را جسمی‌بی‌نهایت میداند وآنرابینهایت مینامید وازدوستان طالس بوده وشاخص را بیونان‌آورده‌است ومعتقد به استوانه بودن زمین‌است .

اناکسیمن معتقداست‌که مبدأ اشیاء هوامی‌باشد.فیثاغورث معتقد به مناطق‌خمسه وطالس معتقد به‌کرویت زمین وحرکات وصفی وانتقالی‌است . «گزونون» طرفدارعقائد «اناکسیمن» و اناکسیماندرومتعقداست‌که زمین‌استوانه‌ایست‌که قاعده‌اش‌دربی‌نهایت ودرفوق‌آن‌طبقه‌هوائی‌است بی‌نهایت وسیع وستارگان درآن پراکنده‌اند .

تئوری اعداد ومحاسبات دراین دوره ترقی‌زیادی نکرده است ویونانیان بکمیت متصل

اهمیت داده‌اند .

فقط در مکتب فیثاغورث است که اعداد ومعنی آنها موقعیت مهمی در الهیات داراست. (تئودورسیرفی اسمیت) ۳√و۵√تا۱۷√ را پیدا کرده است .

درهندسه سه مسئله مهم که بمددخط کش وپرگارلاینحل بوده‌اند مطرح کردکه نقل‌مجالس دانشمندان بوده است سه مسئله عبارتست از سه قسمت کردن زاویه، مساحت دایره وتعیین قطر مکعب وبحث اضلاع .

از همه هندسیون‌یونان‌مهم‌تر **بقراط** است که مبحث دایره را در هندسه وارد کرده‌است وطریقه مخصوصی برای حل مسئله سوم تعیین کرده است که‌بمسئله واسطین هندسی موسوم‌است.

افلاطون بتقلیل حدود ورسوم وتعاریف قائل بوده و برای قابلیت انحلال مسائل اسلوب تحلیل وبرای حل‌آن اسلوب ترکیب را بکارمیبرده‌است .

ارسطو با استدلال کرویت زمین راثابت نمود ، اولا بدلیل اختلاف دید ستارگان ،ثانیاً به دلیل مساوی بودن جذب به مرکز (سقوط سنگ) ثالثاً بدلیل مدور بودن سایه زمین در خسوف .کره سماوی را جسم جامدی فرض میکندکه ستارگان‌برآن کوبیده‌شده‌اند وزمین‌مرکز آنست . اوعالم عقلی‌را بترتیب دارای چهاررکن‌آتش ، باد، آب وخاك میداند .

در پزشکی‌گویا بیمارستانهای چندی در مهمترین‌نقاط بوده ومهمترین دانشمندان این فن **بقراط** است که نوشته‌های او در طرز مداوا در دست است . افلاطون بدن را دارای مرکز مهم میداند سروسینه وشکم که بترتیب‌نمایندگان تعقل واحساسات وشهوات‌اند .

ابرخس از اسکندریون بادلائل‌چندحرکت ماه وآفتاب وستارگان را بدور زمین‌ثابت واسطرلاب راکشف نمود . او قواعد هندسی چندی در هیئت دارد (راجع بخسوف) «منالائوس» کتاب مثلثات‌کروی را تدوین‌کرده است . بطلمیوس عقائد هیئتی یونان را درکتاب المجستی بطلمیوس(almajeste) جمع کرده‌است‌اوراجع‌به‌تجربیات‌وارصاد قبل‌ازخوداز‌عقائد«ابرخس» وارسطو نتیجه میگیردکه ،

زمین‌کروی ودر مرکز عالم قرارگرفته ودر زمین کواکب بترتیب دوایری می‌پیمایند که مرکز مسیر دومی براولی است ومرکزسومی بر دومی بااین طریق اپی‌سیکلهائی می‌پیماید که هفت‌عدداول‌بمناسبت‌کوچکی شعاع معلوم است‌که‌آنها را ۷ فلك می‌نامندکه بترتیب‌عبارتند از ، قمر ، عطارد ، زهره ، شمس ، مریخ ، مشتری وزحل‌ودر سایرین‌چون‌شعاع‌این‌اپی‌سیکلها خیلی بزرگ است شبیه‌است بدوایر متشابه‌که‌آنهاراافلاك‌الافلاك‌مینامند . در این دوره رصدهای زیاد وصحیح تأسیس شده وآلات نسبتاً مهمی اختراع‌گردیده است . از علمای مهم تجربی این دوره بایده«ارستارك» و«ارشمیدس» و«آراستن وتئودوسیوس» و«پرودونیوس» را ذکرکرد .

۴ - تمدن وعلم اسلامی - فقط در دوره خلفای راشدین واموی هیچگونه علمی وجود نداشت وادبیات ترقی‌کرده است . ولی دردوره خلفای عباسی مخصوصاً مأمون وهارون راه‌علم مخصوصاً هیئت وریاضی باز شده وبیشترکتب علمای یونانی و مکتب اسکندریه بعربی ترجمه شده از قبیل هندسی‌اقلیدس‌که مأمون واداشت تا ترجمه شود ونفس ومنطق ارسطورو المجسطی بطلمیوس وغیره . در این دوره علمای زیادی پیدا شدند ورصدخانه‌هائی بر پا کردند از قبیل یحیی‌بن‌منصور (۲۱۵) ومحمدبن‌جائز حامی وخالدمروزی اسطرلابی‌که در دمشق رصدخانه‌ای بناکرد وجابربن محمد بتانی‌که از بزرگترین‌علمای شرق درآن زمان بود وکشف مبادی‌اولیه اندازه‌گیری مثلثاتی وزوایاراکه اساس ستاره‌شناسی ودریانوردی‌جدید است باو نسبت میدهند. باوجود این‌جای‌تردید نیست‌که وی با اسلوبی‌ساده‌آن مبادیرا برشته تحریر درآورده وراه را

برای ابوالوفا بوزجانی باز کرد تا تحقیقات اورا دنبال کند . از جمله ریاضی‌دانهای اسلام سه برادر بنام «بنوموسی» و«ثابت‌ابن‌قره» واین‌آخری‌برجسته‌ترین هندسه‌دان اسلام بشمارمیرود.



در هندوستان . هندوها ریاضیات را شناختند واین علم ازآنجا به عربها رسید .

دیگر از ریاضی‌دانهای مهم‌اسلام‌میتوان‌خواجه‌نصیرالدین طوسی ستاره‌شناس وهندسه‌دان را نام‌برد (وفات ۶۷۲هجری) که درمراغه‌ترصدات زیادی نمود وراجع به‌چهارضلعی‌هارساله‌ای که درآن اصول مثلثات را با اسلوب جدید توضیح میدهد تصنیف نمود . دیگر از دانشمندان میتوان عمرخیام (وفات ۵۱۷ هجری) رانام‌برد . اروپائیان اورا بعنوان یك شاعر میشناسند اما درخاور بعنوان یك نفر ریاضی‌دان دقیق مشهور است . دیگر ابوریحان بیرونی است که‌از دانشمندان بزرگ ریاضی است وکتاب«التفهیم» او شهرت دارد. خوارزمی که بین سال ۲۲۰و ۲۳۰ هجری در گذشت‌کتاب مشهوری در موضوع جبر و اصل اعداد ازخود بیادگار گذارد . ابوسهل ویجن صاحب‌کتاب الاصول واحداث‌النقط وابواسحاق ابراهیم‌بن‌هلال وکوثیار جبلی و غیره را از ریاضیون میتوان نام برد .

طب عملی وجراحی دراین‌دوره ترقی کرده‌است . «الرازی» که در اروپا به (Rhozes) معروفست در سال ۸۶۵ میلادی در ری (نزدیك طهران کنونی) ولادت یافت . وی متجاوز از ۲۰۰ تألیف‌گرانبهادرالهیات ، فلسفه ریاضیات ، اخترشناسی، طبیعات وطب بیادگارگذاشت. تحقیقات وسیع وی درطب باعث نفوذ عجیب وی در طب اروپا شد . از شاهکارهای گرانقیمتش نخستین شرح مفصلی است که راجع به بیماری‌آبله وسرخک نگاشته است.

دربین‌حکمای اسلامی‌ستاره درخشان دیگر «ابن‌سینا» می‌باشدکه‌دراروپا به (Avica) مشهور است . این خداوند فلسفه و طبیعی‌دان بخارا در بلخ متولد واز سال ۹۷۹ تا ۱۰۳۷ میلادی‌زندگی‌نمود . شماره تصنیفاتش‌در موضوعات‌گوناگون درحدودصد می‌باشد زبردست‌ترین تصنیفاتش کتاب‌قانون وشرح‌نفیس اوست که هردوبرفنون‌وفصول وتعالیم منقسم‌اند . گیتی‌فرهنگ ودانش عظیمش را تصدیق نموده تا سال ۱۶۵۰ در اروپا این‌کتاب معیار برنامه تعلیم پزشکی بوده وتدریس میشده است .

ابن رشد که در اروپا (Averroces) نامیده میشود در باختر زمین از بزرگترین فلاسفه عرب بشمار میرود سال ۱۱۲۶ میلادی در قرطبه (اسپانیا) تولد یافت تعلیمات وی‌در ترقی فلسفه قرون وسطی دراروپا از تمام شاهکارهای فلسفی نیرومندتر است .

ابوالقاسم‌که دراروپا به (Abdol cosis) معروفست جراح مشهوری بوده ونوشتجاتش موضوع جراحی را کسوت نوینی بخشوده ودانش‌بشر را دراین باب بسی‌توانگرتر نموده .

۵- تجدد علم دراواخر قرون وسطی دراروپا - درقرون ۱۴و۱۵ میلادی در نتیجه جنگهای صلیبی اوضاع اروپا آماده یك تجدد علمی بود. ببینیم این تجدد درکدام قسمت ظاهر شد ؛ فرانسه وانگلیس بواسطه جنگهای صدساله ودوگل دچار هرج ومرج است . اسپانیا نیز تازه میخواهد از تحت تسلط اعراب خارج شود ودوچار جنگهای داخلی است ؛ در مشرق‌روم شرقی دچار تاخت‌وتازمغول‌است پس در معنی باید درآلمان ولهستان وایتالیا واروپای‌مرکزی که عبارتست از شهرهای مستقل واتحادیه‌های آزاد این‌تجدد ظاهرشود وحقیقتاًهم‌همینطوراست درآلمان ولهستان‌منجمینی‌مانندکپرنیك وتیکو براهه وهولیوس ومایرو درایتالیا ریاضی‌دانانی مانندگالیله وکاوالیری ودراروپای‌مرکزی‌علمائی‌مانندگولان وکرکواردوسن ونسان ظاهرشدند وعلم را ترقی دادند .

۶- ترقی علوم درقرون‌جدید - ازهمان‌موقع‌هیئت وریاضی‌مرتباًترقی کرد وتاکنون‌پیش میرود وچون دیگر اشکالی برای پیشرفت‌علوم دربین‌نبود در ریاضیات وهیئت استعمال‌حروف را شروع کردند و**دکارت** طریقه هندسه تحلیلی را بنا نمود ولایب نیز باکشف ردیف‌های‌حساب جامع وفاضله (جبروآنالیز)راشروع نمودو**لاگرانژ** آنراتکمیل کرد . **مونژ**اساس هندسه‌ترسیمی را ریخت‌و **اینشتین** بابنای فرضیه نسبی یکقدم درترقی ریاضیات‌کمك کرد .

علم فیزیك‌باتجربیات‌بیکن ودکارت وپاسکال وغیره شروع وباتئوری نیوتون‌کامل گردیده وبالاخره‌کشفیات الکتریکی ترقیات‌آنرا باوج رسانیده است .

شیمی جدید را **لاوازیه** شروع کرد و**کاندیش** آنراکامل نمود **امیل‌فیشر** اساس شیمی‌آلی را ریخت و**مندلیف** جدول تناوبی راکشف‌کرد .

چون مقدمه تجدد با اکتشافات هیئت جدید شروع میشود بهتر آنست‌که این مقاله را با مختصری ازاحوالات پیشقدمان این علم ختم‌کنیم .

کپرنیك لهستانی پس ازآنکه در نزد **رژیوونتابی** تحصیل هیئت بطلمیوس و فیثاغورث را نمود بعد از تفکر زیاد ومقایسه این دو دومی‌بنظرش صحیح‌تر آمده وپس‌از ارصاد زیادبآن معتقدگردید وهیئت خود را مبنی بر گردش زمین وسیارات بدور آفتاب تدوین‌کرد ولی‌آشکار نکرد. پس ازآن «تیکوبراهه» دانمارکی دنباله ارصاداورا گرفت ورصدهای ناقعی درعلم‌هیئت نموده است . بالاخره اول مخالفت صحیح راگالیله نمود زیرا پس از ارصاد زیاد بمدد دوربین اختراعی خود صحت هیئت‌کپرنیك را تصدیق و آنرا گوشزد عموم نمود ولی با مخالفت پاپ مواجه شد . در ۱۵۷۱ کپلر درنتیجه ارصادخودقوانین مهم ذیل راکشف ونام خود رادرتاریخ علم ثبت‌کرد :

۱ - ستاره سیار مداری را تحت قانون مساحات حول خورشید می‌پیماید .

۲ - این مدارات بیضی‌هائی‌بکانون خورشیدمیباشد ۳ - زمان انتقالات سیارات بامکعب قطراطول مسیرآنها متناسب است .

بتدریج علوم ریاضی تکمیل‌شد محاسبه جامع وفاضل کشف‌شد هندسه تحلیلی‌دکارت‌ظاهر گردید قانون سقوط اجسام‌بوسیله‌گالیله‌کشف شد قوانین حرکت منحنی‌الخط را الیس‌ورن‌کشف کرد وفقط تاریخ علم منتظر یك‌نفر بودکه از این‌قواعد صحیح نتیجه صحیح اخذ نمایدبالاخره آن یك نفر ظاهر شد وآن **نیوتون** بود . نیوتون پس ازآنکه مدتی در راه علم زحمت‌کشید قانون مهم خود راکشف نمود ویك دوره مکانیك نظری برروی‌آن بناکرد وباین وسیله قوانین کپلر را با دلیل ریاضی ثابت کرد . قانون اواینست ، «هر دو جرم بانیروی متناسب مستقیم با اجرام‌آنها ومتناسب معکوس بامجذورفاصله‌آن‌ها یکدیگر را جذب میکنند» بعد ازنیوتون دیگر هیئت علمی تا حدی‌کامل بود وبه معلومات‌هیئت تجربی روزبروز افزوده میشد .

جغرافیای کشورهای جهان

آرژانتین

پایتخت بوئنوس آیرس ـ وسعت ۰۷۲ر۷۰۰ر۱ میل مربع جمعیت آن ۰۰۰ و ۹۵۶ر۲۰ نفر، طرز حکومت : جمهوری ـ واحد پول : پزو ومعادل ۱/۲ دولار آمریکا .

جبال آند ازین کشور میگذرد و نژاد اهالی آنجا از اسپانیولیها و بومیان هندی آمریکاست وبزبان اسپانیولی تکلم میکنند .

بوئنوس آیرس از پایتخت‌های مهم کشورهای آمریکای لاتین است و جمعیت آن ۳/۲۲۶/۹۰۰ نفر

کوهستانهای آرژانتین معادن سرشاری از زغال ، روی ، آهن ، سولفور نقره وطلا دارد و یکی از منابع در آمد اینکشور استخراج معادنست صناعت عمده نفت آنجا وسیله مؤسسات دولتی وخصوصی اداره میشود .

تنباکو ، توتون ، نیشکر وپنبه نیز ازمحصولات صادراتی آرژانتین بشمار میرود، صنایع شیمیائی وساختن ماشین آلات در آرژانتین نیز از تمام کشورهای آمریکای لاتین بیشتر است .

آرژانتین بسال ۱۵۱۵ ـ ۱۵۱۶ میلادی وسیله هیأتی ازکاشفین اسپانیائی بسرپرستی «خوزه‌زوان دیازدو-ولیس» کشف شد وتحت‌الحمایه اسپانیا گشت . در ۲۵ مه سال ۱۸۱۰ طی یك انقلاب خونین باستقلال رسید وحکومت جمهوری در آنجا اعلام شد .



در آرژانتین ۲۳ ایالت وجود دارد که هر کدام در انتخاب حکمران خود مختاری دارند رئیس جمهور از طرف پارلمان انتخاب میشود ومدت ریاست جمهوری آن شش سالست .

رئیس جمهور بایستی تابع مذهب کاتولیك واهل آرژانتین باشد . مهمترین رئیس جمهور آرژانتین « پرون » بود که با همسرش آوا واقعاً حکومت را مشترکا در دست داشتند . پرون در سپتامبر ۱۹۵۵ وسیله یك کودتای نظامی ساقط شد و ژنرال پدرو آرامبورو از نظامیان حکومتی تشکیل داد. طرفداران پرون در انتخابات آزادی که در سال ۱۹۵۸ بعمل آمد اکثریت پیدا کردند ولی رئیس جمهور از حزب رادیکال بنام «آرتوروفروندیزی» انتخاب شد. ولی مجدداً پرون در سال ۱۹۷۴ بحکومت رسید . اما چندماه بعد پس از یك بیماری در گذشت . و همسرش عهده‌دار اداره حکومت شد .

۹۰ درصد اهالی مسیحی کاتولیك هستند. تعلیمات ابتدائی برای همه رایگانست ومردان

از بیست سالگی تا چهل سالگی آماده خدمت نظام وظیفه هستند ، ارتش آرژانتین مرکب از سیصدهزار نفراست که ۲۱۵/۰۰۰ آنها درگارد ملی عضویت دارند .

نیروی هوائی آرژانتین نیز میان کشورهای آمریکای لاتین از همه قویتر است .

آلبانی

پایتخت تیرانا .

وسعت : ۱۰۶۶۹ میل مربع جمعیت : ۱/۸۱۵/۰۰۰ نفر، نوع حکومت جمهوری.

آلبانی ازکشورهای اقمار اتحاد شوروی بشمارست ، پس‌از جنگ اخیر حکومت آنجا وسیله انور خوجه دبیر کل حزب کمونیست ساقط شد ودر جرگه کشورهای کمونیست درآمد .

آلبانی یکی از کشورهای بالکان‌بشمار میرود . آلبانی‌تقریباًفقیرترین کشورهای کمونیستی جهانست که هنوز بمرحله صنعتی نرسیده و از اختصاصات آنجاهنر تمبر سازی میباشد که بـرای بسیاری از کشورهای جهان تمبر میسازد .



آخرین پادشاه آلبانی زوغو نامداشت ودر دسامبر ۱۹۴۵ کمونیستهاطی یك انتخابات که بمنزله کودتا بشمارمیرفت پادشاه را مستعفی ساختندوحکومت را در دست گرفتند . الحاق آلبانی به‌کمینفرم که‌درژانویه ۱۹۴۸ اتفاق‌افتادسبب قطع رابطه کشورهای انگلیس و آمریکا با این کشور شد ولی بالاخره در دسامبر سال ۱۹۵۵ آلبانی توانست خود رابعضویت سازمان‌ملل‌متحد درآورد.

مذهب رسمی آلبانی اسلام و مسیحیت است ، اکثر اهالی مسلمان میباشند و مسیحیان آنکشورنیز همگی‌تابع شیوه مسیحیت ارتدوکس هستند . تعلیمات ابتدائی برهمه جوانان واجب است و مردان از سن ۱۹ تا ۲۵ سالگی باید دو سال بخدمت نظام وظیفه بروند .

آلمان

کشورآلمان پس از اتمام جنگ اخیر تجزیه شد وبصورت‌دو کشورآلمان غربی وآلمان شرقی درآمد ، در آلمان شرقی یك حکومت کمونیستی برقرار است در آلماز غربی حکومت جمهوری فدرال برقرار است .

هنوزآلمان شرقی از طرف بسیاری از کشورهای‌جهان برسمیت شناخته نشده و نتوانسته عضویت سازمان ملل را نیز بدست آورد . آلمان غربی که امروز یکواحد جغرافیائی و رسماً آلمان نامدارد ، وسعت خاکی برابر با ۱۴۳۲۰۰ میل و جمعیت آن (مطابق سرشماری سال ۱۹۶۰) ۷۲/۸۷۵/۰۰۰ میلیون نفر بود.

وسعت خاك آلمان شرقی که جمهوری دموکراتیك آلمان‌نامدارد ۴۴/۱۳۰ میل مربع است وهنوزارتش‌شوروی درآنکشور اقامت دارد .

آلمان غربی یکی ازکشورهای بزرگ اروپاست که درصنعت وکشاورزی ترقیات‌فراوان بدست آورده است ، مردم‌آلمان بطورکلی رایش سوم ونهضت نازیها را فراموش‌کرده و بیشتر با خوی دموکراسی الفت‌گرافته‌ند .

متصرفات‌سابق‌آلمان‌میان‌کشورهای‌ذیحق‌تقسیم‌شدوبسال۱۹۵۱حالت‌جنگ‌آلمان‌ومتفقین پایان یافت .



پایتخت آلمان غربی شهر بن است . خدمت نظام در آلمان غربی اجباریست تحصیلات ابتدائی مجانی و بر همه لازمست ، درآلمان دانشکده ودانشگاههای فراوان وجود دارد وازلحاظ تکنیك آلمان غربی مانند همیشه جلوتر از سایر کشورهای اروپائیست .

بموجب قرار دادی که در رم منعقد شده شش کشور اروپائی آلمان غربی ، ایتالیا ، فرانسه ، بلژیك ، لوکزامبورگ وهلند بازارمشترکی تشکیل دادند ودرآن تعرفه‌های گمرکی واحدی برای کشورهای خویش انتخاب کرده‌اند ، در حقیقت بازار مشترك اروپا باتبکار آلمان غربی وفرانسه بوجودآمد واین بازار امروز بصورت غول اقتصادی‌عظیمی جلوه‌گری میکندکه درآینده با تمام جهان رقابت خواهد داشت . واحد پول درآلمان غربی مارك نامداردکه هر مارك **یك سوم** دولار ارزش دارد .

آندورا

پایتخت : آندورا، جمعیت : ۶۴۳۹ نفر، وسعت ۱۹۱ میل‌مربع .

آندورا جمهوری کوچکی در مرزهای مشترك فرانسه واسپانیاست .

قانون‌آزادی‌این‌کشور کوچك‌بسال ۱۸۰۶ وسیله ناپلئون تضمین شد بشرط آنکه‌اینکشور هر سال ۹۶۰ فرانك جزیه بفرانسه و۴۶۰ پزو جزیه باسپانیا (کلیسای مسیحی) بدهد .

آندورا وسیله یك مجلس شورا و مقننه اداره میشود که اعضاء آن ۲۴ نفر هستند و مستقیماً وسیله مردم انتخاب میشوند . شورای اجرائیه ودادگستری اینکشور وسیله یك هیات که بطور مساوی از نمایندگان فرانسه واسپانیا متشکل است فعالیت میکند .

زبان اهالی «آندورا» کاتالان نامدارد و اکثراً مسیحی تابع کلیسای‌کاتولیك و اتیکان هستند .

مساله تصاحب وحاکمیت برآندورا سالها بین فرانسه واسپانیا اسباب اختلاف بود . تا اینکه اختلافات فیمابین دو طرف براساس قرار داد ناپلئون بر طرف شد و حالیه این کشور کوچك با طرز حکومت بیسابقه‌ئی خود مختاری دارد .

اتحادیه‌جنوب‌افریقا

اتحادیه جنوب آفریقاکه بجمهوری جنوب آفریقا نیز مشهور است ، دارای دو پایتخت میباشد ، یکی پرتوریا ودیگری‌کاپ تاون است .

وسعت ، ۴۷۲/۳۵۹ میل مربع جمعیت ۱۵/۸۴۱/۱۲۸ میلیون نفر .

واحد پول ، راند برابر با یك دولاروچهل‌سنت‌تقریباً اتحادیه‌کشورهای‌آفریقای‌جنوبی از سال ۱۹۱۰ آغاز شد . درآنوقت‌آزادی ترانسوال واورانژاعلام‌گشت‌وبعد از جنگ بوئرها در سال ۱۸۹۹ ــ ۱۹۰۲ دو باره نقاط مختلف این سرزمین جمعاً تحت نظارت انگلیسی‌ها و هلندیها قرارگرفت .

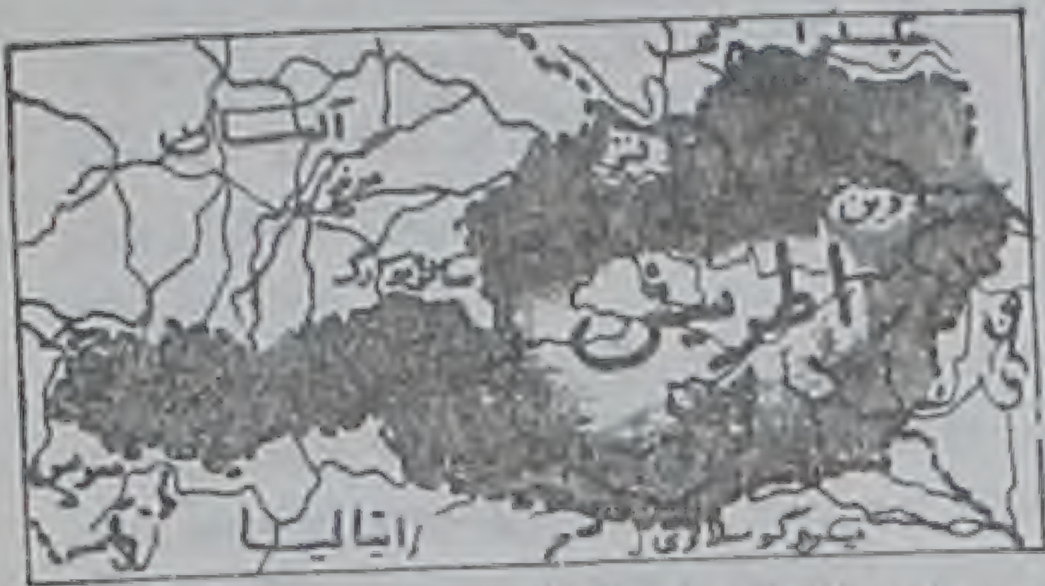
در سال ۱۹۵۷ ملیون‌آفریقای‌جنوبی‌بحرکت‌درآمدند تاآنکه‌بالاخره در ۳۱ مه ۱۹۶۱ توانستند استقلال‌کشورهای اتحادیه‌آفریقای جنوبی را بدست‌آورند .

هم اکنون اتحادیه جمهوری‌آفریقای جنوبی عضو رسمی سازمان ملل متحد است .

اتریش

پایتخت : وین وسعت : ۲۳۳۷۶ میل مربع‌جمعیت : ۷/۰۴۹/۰۰۰ میلیون نفرنوع

حکومت ، جمهوری واحد پول ، شلینگ برابر با ۳ دولار و ۸۳ سنت آمریکائی .



اتریش یکی از کشورهای صنعتی اروپا بشمار میرود که بیشتر نقاط آن نیز جنگلی و کوهستانی است ، ازینرو یکی از منابع در آمد اتریش از راه جلب سیاحان خارجی تأمین میشود . رودخانه دانوب که از باواریا سرچشمه میگیرد از سراسر خاك اتریش میگذرد ومخصوصاً بوین منظره جالبی میدهد.

رویهمرفته کسانیکه در زمستان برای ورزش وسیاحت باتریش میآیند در حدود ۲۰۰/۰۰۰ نفر و تابستانها در حدود ۱/۵۰۰/۰۰۰ نفر سیاح برای بازدید وسیاحت اتریش باینکشور روی میآورند .

صادرات مهم اتریش زغال ، آهن آلات ، سولفور آلمینیوم وغیره است . اتریش نیز یکی از کشورهائیست که صنعت تمبرسازی در آن دارد وا کثر کشورها برای تهیه تمبر باین کشور مراجعه میکنند، تهیه گرافیت ومداد ولوازم التحریر نیز یکی از صنایع خاص اتریش است، در آمد اتریش از راه توریسم و سیاحت هرساله به ۱۷۲/۰۰۰/۰۰۰ دولار بالغ میشود .

جنگ بین الملل اول با کشتن ولیعهد اتریش آغاز گشت و بالاخره این کشور پس از مجادلات فراوان داخلی در سال ۱۹۱۸ بصورت جمهوری در آمد . اتریش یکی از کشورهای پرحادثه اروپاست که بسیاری از شهرهای این مملکت درطی قرون از آنکشور جدا شده و بکشورهای آلمان، لهستان ، روسیه ومجارستان تعلق گرفته است .

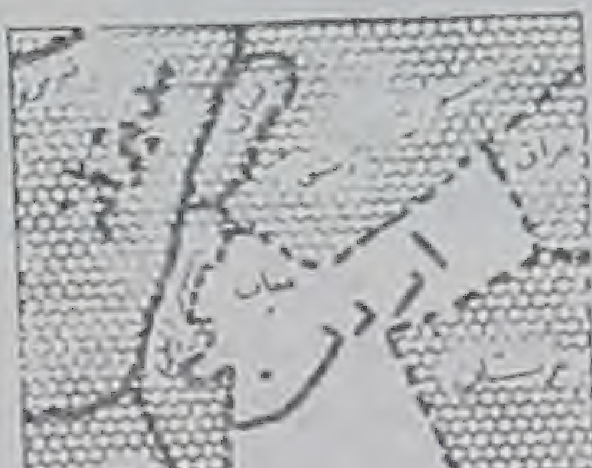
در طول زمانی که فاصله جنگ اول و دوم را بوجود آورد رهبر سوسیال دموکراتها در این کشور که دولفوس نام داشت کشور را بترقیات اجتماعی نزدیك کرد ولی در ۱۹۳۴ دولفوس وسیله نازیها کشته شد و در مارس سال ۳۸ هیتلر اتریش را اشغال نمود وپس از خاتمه جنگ این کشور وسیله روسها اشغال گشت و پس از کشمکشهای فراوان بالاخره استقلال یافت و کشورهای خارج آنجا را تخلیه کردند و اتریش بصورت جمهوری در آمد . دکتر کارل رئیس جمهور موقت گشت واین شخص بسال ۱۹۵۰ فوت کرد . رئیس جمهور وسیله پارلمان وبطور مخفی انتخاب میشود ومدت ریاست جمهوری در اینکشور شش سالست . بموجب قرارداد منعقده اتریش میان بلوك شرق وغرب دارای سیاست بیطرفی مطلق خواهد بود . تعداد نمایندگان مجلس ملی اتریش ۱۶۵ نفر است . مذهب مردم اتریش مسیحیت کاتولیك وزبان رسمی آنجا آلمانیست. دراین کشور تعلیمات ابتدائی مجانی واجباریست، دروین ، اینسبروك وگراز، سه دانشگاه مهم وجود دارد.

ارتش اتریش ۶۰۰۰ نفر وخدمت نظام اجباریست اتریش عضو سازمان ملل متحد است.

اردن

پایتخت: عمان، وسعت: ۳۷/۵۰۰ میل مربع

جمعیت : ۲/۰۱۶۰۰۰ نفر



پادشاه اردن ملك حسین نام دارد . کشور اردن بنام ماوراء اردن و کشور هاشمی اردن نیز خوانده میشود .

صنایع ومحصولات اردن: تهیه فوسفات، روغن، زیتون، صابون، مصالح ساختمانی وصید مرواریداست. منافع اردن ازراه توریسم نیز قابل توجه میباشد.

در قرن شانزدهم ماوراء اردن جزئی از امپراتوری عثمانی بود تا در جنگ بین الملل اول ضمیمه فلسطین شد و بالاخره درسال ۱۹۴۶ باستقلال

کامل رسید . در پانزدهم مارس ۱۹۵۵ با موافقت بریتانیا بعضویت سازمان ملل‌متحد درآمد. اولین سلسله پادشاهی را ملک حسین‌بن‌علی پدرملک‌عبدالله تشکیل داد ، پس ازاو پسرش ملک عبدالله وبالاخره درحال حاضر ملک‌حسین بسلطنت اردن رسیده‌اند.

اسپانیا

پایتخت : مادرید، وسعت:۱۹۵/۵۰۴میل‌مربع جمعیت: ۳۱/۶۰۴۰۰۰نفر،واحد پول: پزستا، حکومت اسپانیا بموجب قانون اساسی‌آن‌کشورسلطنت مشروطه است ولی پس ازجنگ داخلی اسپانیا «فرانکو» برآنکشور مسلط شد ودون‌ژوان را باخانواده‌اش بخارج ازکشورنفی بلد نمود .



در ۱۹۳۹ فرانکو کاملا بر اسپانیا مسلط گشت و بجنگهای داخلی پایان داد ، همچنین کمونیستها راکاملاقلع وقمع نمود .

ازآنسال تاکنون رهبرمطلق اسپانیا شخص فرانکو است ولی‌چون‌فرزندی‌ندارد وبعد ازاوامورحکومت‌اسپانیا از هم متلاشی خواهدگشت ، بموجب قرار داد محرمانه‌ئی که با دون‌ژوان بسته پس از فرانکو مجدداً رژیم سلطنت براین‌کشور حکومت خواهد داشت .

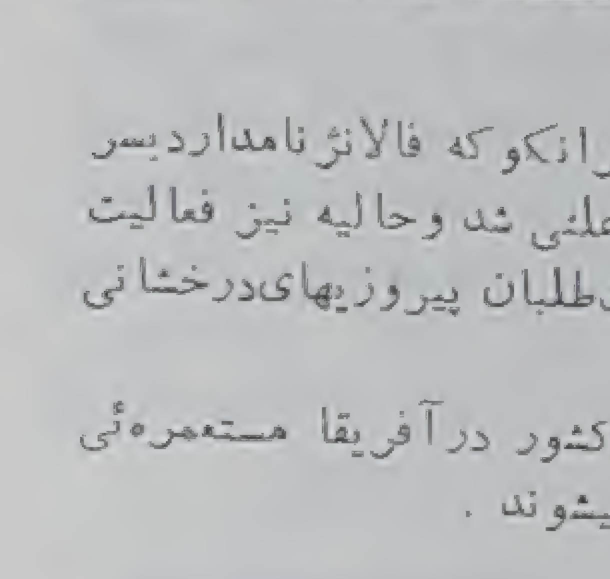
اسپانیا در حال حاضر تحت حکومت اعضاء حزب‌طرفدار فرانکوکه فالانژنامداردبسر میبرد ، ولی از چند سال قبل حزب‌زیرزمینی سلطنت طلبان‌کم‌کم علنی شد وحالیه نیز فعالیت دارد ، بطوریکه در انتخابات گذشته‌شهرداریها اعضاء حزب سلطنت‌طلبان پیروزیهای‌درخشانی بدست‌آوردند .

اسپانیا بسال ۱۹۵۵ عضویت سازمان ملل را پذیرفت این‌کشور درآفریقا مستعمره‌ئی داردکه با الجزیره هم‌مرز میباشد وبنام مراکش اسپانیا خوانده میشوند .

استرالیا

پایتخت : کانبرا ـ وسعت خاک۲/۹۷۴/۵۸۱ میل‌مربع ـ جمعیت۱۱/۳۹۸/۱۷۰ نفر، واحد پول پوند برابر با دو دولار و ۲۴ سنت‌آمریکا .

استرالیا بین۱۱۳ درجه و۹ دهم و ۱۵۳ درجه ۳۹ صدم طول‌شرقی‌و۱۰ درجه ۴۱صدم و۴۳ درجه و۳۹صدم عرض جنوبی قرار دارد .



استرالیا به هشت ایالت بزرگ‌تقسیم شده و امروز یکی‌ازکشورهای‌بزرگ‌صنعتی‌است که‌عضویت‌گروه‌کشورهای مشترك‌المنافع بریتانیارا دارد. محصولات صنعتی این‌کشور بیشتر بکشورهای‌آسیائی‌وسایر کشورهای عضومشترك‌المنافع صادر میشود . ماشین‌آلات‌کشاورزی ، صنعتی قند نیشکر ، پارچه ، آهن ، پشم ومواد لبنی وکشاورزی جزء مهمترین اقلام صادراتی این‌کشور بشمار میرود .

پشم استرالیا ونوع‌مرینوس‌آن در تمام جهان‌مشهور است از ۱۹۶۰ ببعد هرساله در حدود یکمیلیون نفر از کشورهای خارجی باسترالیا مهاجرت میکنند واکثریت‌این مهاجرین را اتباع انگلیسی تشکیل میدهند . ۶۰ درصد ازمحصول پشم وپارچه‌های‌پشمی‌جهان بافت استرالیاست .

استرالیا در ۱۷۸۸ تحت حمایت انگلستان در آمد ودر ۱۹۰۱ با خود مختاریش از طرف انگلستان موافقت شد ، از آن تاریخ ببعد یکنفر حاکم کل براسترالیا حکومت داشت و هنگام تشکیل گروه کشورهای مشترك المنافع، استرالیا اولین کشوری بود که عضویت این گروه را پذیرفت ، حکومت استرالیا از دومجلس مقننه نخست وزیر ویکنفر حکمران کل تشکیل میشود.

استرالیا عضو اتحادیه دفاعی منطقه جنوب شرقی آسیاست وباآمریکا نیز در سال ۱۹۵۱ پیمان نظامی منعقد کرده است .

اکثر اهالی استرالیا مسیحی (کاتولیك وپروتستان) هستند ولی آزادی مذهب و تحصیل برای همه وجود دارد . استرالیا عضو سازمان ملل متحداست .

استونی



پایتخت : تالین ، وسعت خاك ۱۷/۴۱۳ میل مربع، جمعیت ۱/۱۹۶/۰۰۰ نفر.

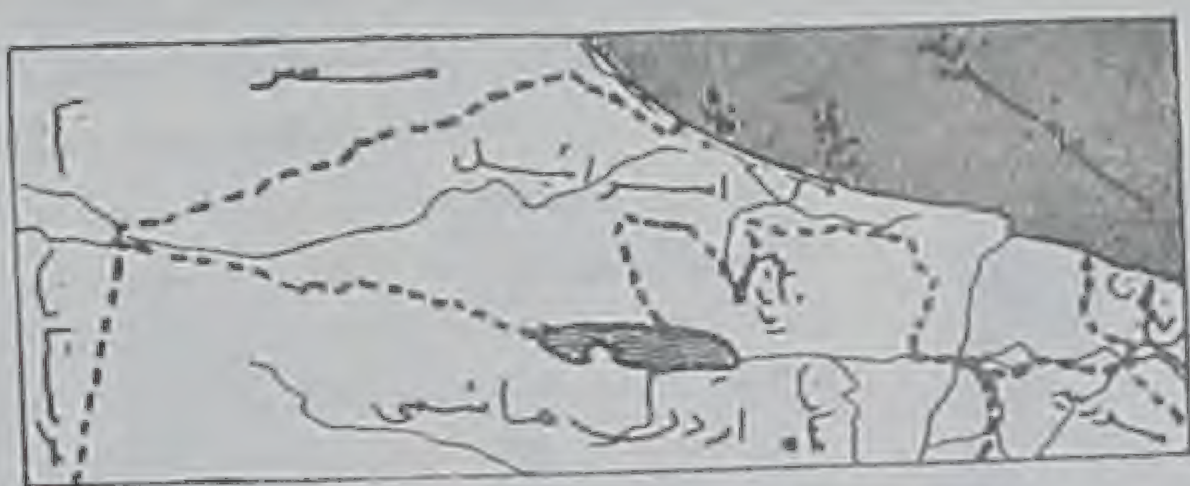
استونی یکی از کشورهای کوچك ساحل بالتیك است کمونیستها در آنجا مسلط هستند و رژیم فعلی آنجا نیز جمهوری کمونیستی است.استونی در سال ۱۹۱۸ یك جمهوری مستقل گشت .

این کشور تاکنون نتوانسته است عضویت سازمان ملل متحد را بدست آورد . «تالین» پایتخت استونی وسیله ولادیمیر دوم پادشاه دانمارك وبسال ۱۲۱۹ میلادی بنا شده است .

اسرائیل

پایتخت : اورشلیم، وسعت خاك ۷۹۹۳ میل مربع، جمعیت ۲/۵۳۶/۰۰۰ نفر.

شهرهای مهم اسرائیل حیفا وتل اویو میباشد . تل اویو درخطوط هوائی از شهرهائیست که بصورت بین المللی درآمده وهواپیماها برای سوختگیری یا تعویض وسائل ازآن استفاده میکنند .



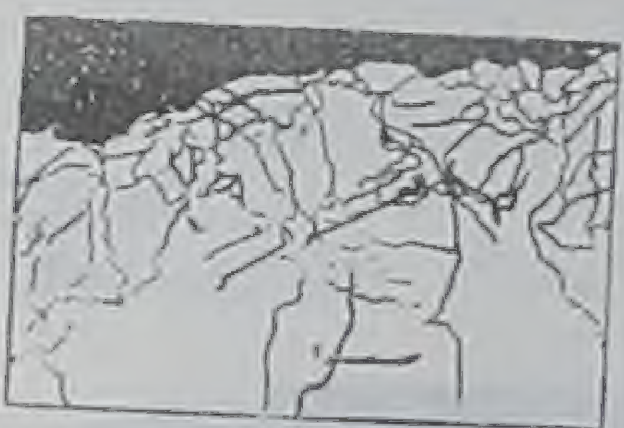
جمهوری اسرائیل بسال ۱۹۴۸ بوجود آمدو بواسطه اختلافات مرزی که مدتها با کشورهای عربی داشت ، همیشه در مرزهای مشترك اینکشور جنگ ونزاع بود ، تا اینکه از طرف سازمان ملل متحد نیروئی بآنجا فرستاده شده است.

اسرائیل کشور جوانیست که یهودیان اکثر نقاط جهان بآنجا روی آورده وزندگی نوینی راآغاز کرده اند ، در حقیقت پس از سال ۱۹۴۸ نفرین موسی عوض شد وقوم یهود ازآوارگی نجات یافت

اسرائیل کشور کشاورزی بشمار میرود ولی در چند ساله اخیر در رشته صنایع شیمیائی وتهیه بعض وسائل یدکی پیشرفتهائی کرده است .
اولین انتخابات رسمی دراین کشور در ۱۹۴۹ انجام گرفت واسرائیل در ۱۱ مه ۱۹۴۹ بعضویت سازمان ملل متحد درآمد .
هنوز هم برسر بین‌المللی شدن قسمتی از اورشلیم ،آب رودخانه اردن ، خطوط مرزی ومهاجرین عرب اختلافاتی میان اسرائیل واعراب وجود دارد .
پارلمان اسرائیل «کنست» نامیده میشود ومرکب از ۱۲۰ عضو است در پارلمان اسرائیل از اقلیت عرب ۸ نماینده وجود دارد که حافظ منافع آنهاست . سن قانونی برای رأی‌دادن ۱۸ سال است ، زنان نیز حق رأی دادن را دارند وازحقوق مساوی با مردان برخوردارمیباشند .
در تل‌اویو دانشگاه بزرگی ساخته شده وتأمینات اجتماعی در اسرائیل بسرعت پیش میرود .

الجزایر

پایتخت : الجزیره ، وسعت : ۱۱۳/۸۸۳ میل مربع ، جمعیت : ۱۰/۳۰۰/۰۰۰ نفر حکومت : جمهوری .
الجزایر بسال ۱۸۴۲ پس از جنگهای استعماری زیر سلطه فرانسویان قرار گرفت و سرانجام پس از صدوبیست‌سال‌در ۱۹۶۱ بموجب قرار داد «اویان» سند آزادیش بامضاء رسید . قراردادمذکور میان مقامات فرانسوی واعضاء کمیته موقت‌اجرائیه امضاء شد،ولی بعداختلافاتی میان بردن جبهه نجات ملی‌بوقوع پیوست وامضاء حکومت موقت وکمیته موقت اجرائیه بسازشکاری متهم گردیدند واعضاء برجسته جبهه‌نجات‌ملی‌منشعب شدند . دراین مبارزه که مدت‌یکسال طول کشید ، سرانجام محمدبن‌بلا معاون نخست وزیرپیروز شد و مطابق طرح خود بایجاد یك دفتر سیاسی پرداخت که امور مربوط بسیاست الجزایر را رتق وفتق میکرد ، سرانجام نیز انتخاباتی برای ایجاد پارلمان انجام‌گرفت ودر این پارلمان که اعضاء اقلیت فرانسوی‌باحقوق مساوی شرکت داشتند ، محمدبن‌بلا بسمت اولین رئیس‌جمهور الجزایر انتخاب شد .



طول ساحل الجزایر دریای مدیترانه ۶۵۰ میل است . در الجزایر در حدود یك میلیون نفر اروپائی زندگی‌میکنند ومذهب‌رسمی‌آنان‌آئین‌مسیح است .
مذهب ۸۰٪ مردم الجزایر اسلام میباشد .
حکومت جمهوری الجزایر نشانداد که با یك روش اعتدالی ومسالمت جویانه‌میخواهد همکاری بافرانسه راادامه دهد ، ازاین لحاظ دسته فاشیستی‌ارتش‌سری فرانسه طبعاً ازبین رفته وفرانسویان مهاجر نیز دوباره بسرزمین‌های‌مزوعی خویش بازگشتند وزندگی دوباره در الجزایر صورت عادی بخودگرفته است . در آمد الجزایر از راه صادرات و محصولات خود در سال ۴۴۵/۰۰۰/۰۰۰ میلیون دولار میرسدکه فرانسه سابقاً در حدود ۱۴۰/۰۰۰/۰۰۰ میلیون دلار ازآن راصرف‌آبادانی‌آن میکرد ولی حالا درآمد نفت وگاز تأسیسات الجزایر بدرآمد ملی‌این‌کشور علاوه شده والجزایرمیتواند درآینده منابع مالی‌کافی برای تأمین احتیاجات ومخارج خویش داشته باشد .
الجزایر پس ازکسب استقلال رسماً بعضویت سازمان ملل متحد درآمده است .

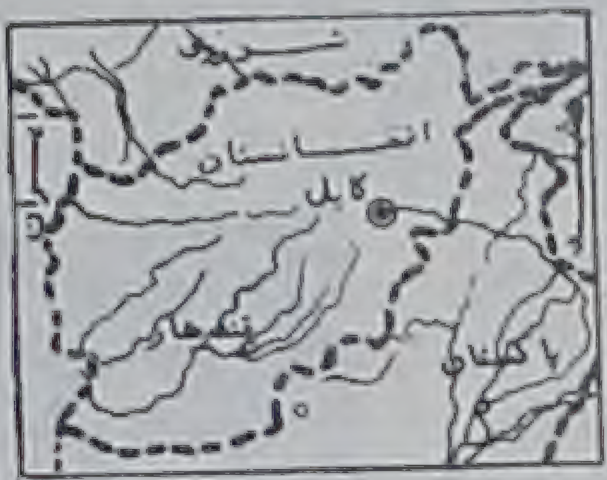
افغانستان

پایتخت،کابل ، وسعت ، ۲۵۰/۰۰۰ میل مربع ، جمعیت : ۱۵۲۲۷۰۰۰ نفر ،

، واحد پول ، افغانی .

طرز حکومت در افغانستان مشروطه سلطنتی **بود** ودارای دومجلس سنا وشورایملی ولی از احزاب درآن کشور خبری نیست . **حکومت افغانستان جمهوری است .**

جبال هندوکش از شمال آن میگذرد وارتفاع آن از سطح دریا حداکثر ۱۶/۰۰۰ هزار پاست ، در ناحیه جنوبی افغانستان تنگه‌ایست که خیبر نامدارد وسابقاً از لحاظ سوق‌الجیشی اهمیت فراوان داشته است ، این تنگه در ناحیه پشاور قرارگرفته است . افغانستان یک‌مملکت کشاورزی محسوب میشود و صادرات آن پشم گوسفند ، سنگهای معدنی وخشکبار است. مجلس سنای افغانستان متشکل از پنجاه عضو میباشد که تماماً وسیله پادشاه وبرای تمام عمر انتخاب میشوند .



اهالی افغانستان که بسن بیست سالگی رسیده باشندحق رأی دارند ، خدمت نظام وظیفه برای تمام مردان افغانی اجباریست ودانشگاه کابل نیز درسال ۱۹۳۲ تأسیس شده است.زبان رسمی افغانستان فارسی وپشتواست ولی اهالی بیشتر فارسی تکلم میکنند. مذهب رسمی اهالی افغانستان نیز اسلام است واین کشور عضو سازمان ملل متحد میباشد .

اکواتر

پایتخت ، کیتو، جمعیت آنجا ۵/۰۸۴۰۰۰ نفر، وسعت ۱۱۶/۲۷۰ میل مربع، واحد پول : شوکر برابر با ۵ دلار وپنج سنت آمریکا .

اکواتر یکی از کشورهای آمریکای جنوبی بشمار میرود ومنابع بکر طلا ونقره و سایر فلزات درآنجا فراوانست .

اسپانیولی‌ها سه قرن براین کشور تسلط داشتند بعداً بسال ۱۸۱۹ قراردادی میان اکواتر وکلمبیا منعقد شدکه نتایج آن در ۱۳ مه ۱۸۳۰ بصورت جمهوری ملی اکواتر درآمد .

فعلا نیز اکواتر دارای حکومت جمهوری ودومجلس است ، رئیس‌جمهور مستقیماً وسیله آراء مردم انتخاب میشود ، مذهب اهالی مسیحیت کاتولیک وزبان متداول اسپانیولی وانگلیسی است .

اندونزی



پایتخت، جاکارتا،جمعیت ۱۰۰/۰۴۵/۰۰۰ نفر،وسعت خاک حدود ۷۳۵/۸۶۵ میل مربع. واحد پول اندونزی روپیه است برابر با ۲ سنت آمریکا . اندونزی یک کشور بزرگ با جزایرمتفرق دارای منابع عظیم نفت ، قلع ، روی ، زغال، بوکسیت ، مانگنز ، سیکل،طلا

ونقره است . جنگل‌های عظیمی دارد که محصولات چوبی فراوانی ازآنها درست‌میشود ، صنعت کاغذ سازی نیز در اینکشور رایج است . میزان استحصال نفت خـام در اندونزی در هر سال تقریباً ۱۸/۰۰۰/۰۰۰ تن است .

در ۱۷ اکتبر ۱۹۴۵ دکتر سوکارنـو ودکتر احمد حیتا جمهوری اندونزی را اعلام داشتند ، استقلال طلبان با مأمورین هلندی پنج سال میجنگیدند تاتوانستند در نوامبر ۱۹۴۹ با مأمورین هنلدی قرار دادی بامضاء برسانند وموجبات انتقال‌حکومت را از هلند باندونزی فراهم‌آورند . ولی در این قرار داد مقرر شدکه گینه نو غربی و جزائر ایریان غربی حکومت خود مختار اداره شوند ، حالا نیز وضـع حکومت و تسلط براین جزایر مورد اختلاف طرفین میباشد .

در ۲۷ دسامبر ۱۹۴۵ دکترسوکارنو رئیس‌جمهور شدوتوانست حکومت مقتدری‌بوجود آورد وسرانجام در ۲۹ سپتامبر سال ۱۹۵۰ نیز توانست‌بعنوان‌شصتمین عضو ملل‌متحد بعضویت سازمان ملل‌متحد درآید . اعضاء پارلمان اندونزی ۲۵۷ نفر است .

۹۰٪ مردم اندونزی مسلمان و بقیه مسیحی ، بودائی وهندوهستند تعلیمات ابتدائی مجانی ودر دسترس همه است واندونزی دارای‌موقعیت ومقدماتیست که میتواند درآینده‌بصورت یك کشور غنی ومقتدر درآید. اکنون‌حکومت آنجادردست ژنرال‌سوهارتواست .

الساوادور

پایتخت «سان سالوادور» وسعت ؛ ۸/۲۵۹ میل مربع جمعیت : ۲/۶۱۲/۰۰۰ نفر .
واحد پول‌کولون برابر با ۴۰سنت دلار امریکا

الساوادور یکی از شش جمهوری‌آمریکای مرکزی است الساوادور در سال ۱۸۲۱ از تسلط اسپانیولی‌ها خارج شد وبسال ۱۸۳۹ در اتحادیه‌آمریکا واردگشت .

انگلیس

انگلستان شامل جزیره بزرگی بنام انگلند ، جزایر والس ، اسکاتلند و قسمت شمالی ایرلند میباشدکه مجموع‌آنرا یونایتدکنگ‌دام میخوانند ، **Unitet Kigedam** که همیشه‌با نام خلاصه **Ki** معرفی میشود .

جزیره انگلستان دارای ۵۰۸۷۴میل مربع وسعت و۵۴ میلیون‌نفرجمعیت‌است(باضافه چانل‌ـمن)جزایروالس۷۴۶۶میل‌مربع‌وسعت۲/۶۴۰/۶۳۲میلیون‌نفرجمعیت‌واسکاتلند۳۰۴۰۵ میل‌مربع وسعت ۶/۱۷۸/۴۹۰ میلیون نفر جمعیت و قسمت شمالی ایرلندکه تابع انگلستان میباشد ۵۲۳۸ میل‌مربع وسعت و۱/۴۲۵/۰۰۰ میلیون نفر جمعیت دارد . جمع کل‌وسعت‌خاك انگلیس ۹۴/۲۸۵ میل‌مربع وجمعیت کل‌آن ۶۰ میلیون نفر است .



انگـلستان دارای مستعمرات و مستملـکات فراوانی در قاره‌های مختلف جهانست که بعض آنها استقلال‌یافته‌و بعضویت گروه کشورهای مشترك‌المنافع انگلیس درآمده وبعض دیگرهنوز بصورت مستعمره ومستملکه باقی هستند. کشورهای عضوگروه مشترك المنافع بریتانیا عبارتند از :

کانادا ، استرالیا ، هندوستان ، پـاکستان ، زلاند جدید ، سیلان ، فدراسیون مالایا ، غنا قبرس نیجریه و سیرالئون . کشور تانگانیکا نیز بعضویت کشورهای مشترك‌المنافع بریتانیادرآمده است، این امر موکول بانجام‌کار استقلال‌آنجا شده بودوبمحض آنکه استقلال‌کشور اخیرالذکر مورد تأیید مقامات

سازمان ملل‌متحد قرار گرفت تانکانیکا نیز یکی از اعضاء کشورهای مشترك‌المنافع بریتانیا شناخته شد .

اعضاء کامنولث همگی دارای‌حکومت دموکراسی‌پارلمانی هستند وحکومت دردست‌کسی است که رهبری حزب اکثریت را در پارلمان‌دارد .

حکومت‌انگلستان مشروطه سلطنتی‌است‌که دارای دو مجلس بنام مجلس لردها ومجلس عوام است . مجلس‌لردهاهمان‌مجلس سنای سایرکشورهای‌دموکراسی‌ومجلس عوام همان‌پارلمان است . انگلستان دارای دو حزب قوی بنام‌حزب‌کارگران وحزب محافظه‌کارست‌که مطابق معمول کشورهای دموکراسی حکومت‌همیشه در دست رهبران‌احزاب‌است‌که بتوانند درانتخابات‌پارلمانی کرسی بیشتری بدست‌آورند .

سلطنت انگلستان فعلا در دست علیاحضرت الیزابت دوم ملکه انگلستانست و ولیعهد انگلیس فرزند ارشد مشارالیها بنام پرنس چارلز میباشد .

پایتخت انگلستان شهر لندن‌است‌که در کنار رودخانه تایمز قراردارد و جمعیت آن ۹۰۰۰۰۰۰ نفر است، واحد پول انگلیس پوند میباشدکه در برابر با دو دلار وهشتاد سنت است .

اعضاء مجلس لردها ۹۱۵ نفر واعضاء مجلس عوام ۶۳۰ نفر است .

زنان حق عضویت در مجالس عوام ولردها را دارند ، تا قبل از سال ۱۹۶۸ زنان‌فقط میتوانستند در مجلس عوام راه یابند ولی پس ازآن تاریخ اجازه شرکت در مجلس لردهانیز بزنان انگلیس اعطا شد .

اعضاءکابینه انگلیس متشکل از بیست‌نفر وزیر میباشد ، در خارج از هیئت وزیران‌نیز نیروهای دریائی ، هوائی ، زمینی فرماندهانی دارند .

آب وهوای بریتانیا معتدل از سایر نقاط اروپاست وعلت اصلی‌آن جریان‌گلف استریم دریائیست‌که جزائر بریتانیا را تحت تأثیر قرار میدهد .

مهمترین صادرات انگلستان زغال سنگ ، فولاد ، اتومبیل،تراکتورلوازم‌آلومینیومی، کاغذ ، موادغذائی ، پنبه ، تنباکو ، مواد نفتی ، سولفور ، مواد شیمیائی است‌وهرساله‌انگلستان درحدود ۱۹۳ میلیون‌تن زغال‌۲۴ میلیون‌تن فولاد ۱/۳۵۲/۰۰۰ عدد اتومبیل و ۳۳۸۰۰۰ تراکتور وکامباین تهیه میکند .

اولین مرکز برق اتمی جهان در انگلستان وبسال ۱۹۵۶ آغاز شد.

مذهب رسمی‌انگلستان مسیحیت پروتستان‌است واسقف‌کانتربوری بزرگترین مقام‌مذهبی درکشور میباشد .

بهداشت درسراسر انگلستان دردست دولت و برای عموم مجانیست کارگران بطورکلی از مزایای بیمه‌های اجتماعی وفردی استفاده میکنند وصاحبان مشاغل در مقابل‌حوادث‌اتفاقی بیمه اجباری هستند .

همچنین در انگلستان‌مراکزی برای حمایت ونگاهداری از اطفال بی‌سرپرست وپیران وازکار افتادگان دائرست .

اوروگوئه

پایتخت: مونته‌ویدئو، مساحت ۷۲/۱۷۲ میل مربع وجمعیت ۲/۷۰۰/۰۰۰ نفر.
طرز حکومت : جمهوری . وحد پول پزو برابر با ۹ سنت از دلارآمریکا .
اوروگوئه‌کوچکترین جمهوری‌آمریکای جنوبی بشمار میرود .
اوروگوئه‌ابتدا یکی از مستعمرات اسپانیا محسوب میشد واستقلال خود را دراوت سال



۱۸۲۵ اعلام داشت .

در انتخابات عمومی که در ۳۰ نوامبر سال ۱۹۵۸ انجام‌شد دست‌راستیهای ملی (ناسیونالیستها) پیروز شدند ، این حزب در حدود ۹۳ سالست که بر اوروگوئه حکومت دارد .

مذهب رسمی آنجا مسیحی (کاتولیك) است و تحصیلات برای عموم تا کالج مجانیست . اوروگوئه دانشگاهی دارد که بسال ۱۸۴۹ دائر شده است . دانشگاه اوروگوئه در مونته‌ویدئو قرار دارد .

اوگاندا

پایتخت : انتب ، مساحت : ۹۳/۹۸۱ میل مربع ، جمعیت : ۶/۶۸۳/۰۰۰ نفر ، حکومت : جمهوری .

اوگاندا تحت حمایت بریتانیا بود ودر ژوئیه سال ۱۹۶۱ باستقلال رسید ، اوگاندا یکی از بزرگترین کشورهای تهیه‌کننده قهوه است . دومین دریاچه آب شیرین جهان نیز در اوگانداقرار داردونامش دریاچه ویکتوریاست. اوگانداعضو کشورهای‌مشترکاالمنافع بریتانیاست.

ایتالیا

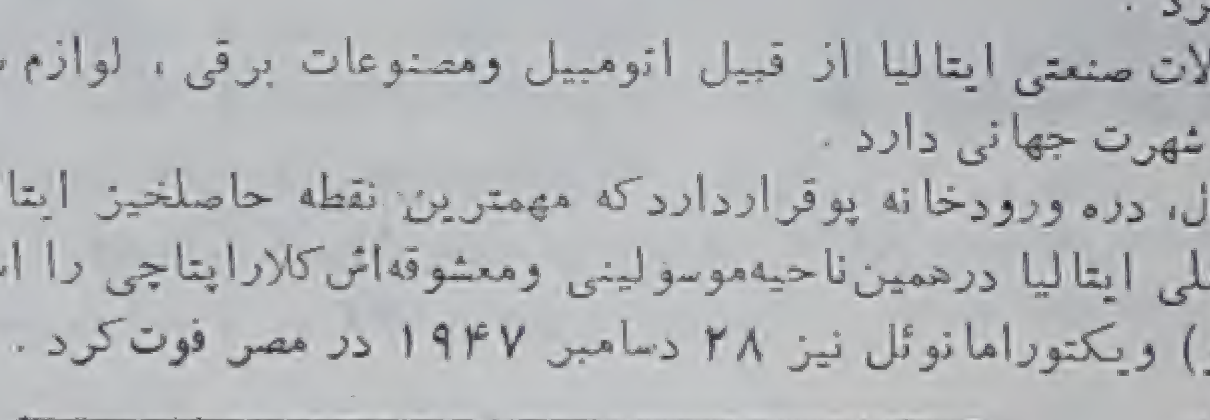
پایتخت : رم ، وسعت خاك : ۱۱۶/۳۷۲ میل‌مربع ، جمعیت : ۵۱/۵۷۵/۰۰۰ نفر واحد پول لیر یا لیرا برابر با ۱۶ سنت از دولارآمریکا .

ایتالیا یکی ازکشورهای بزرگ وصنعتی اروپاست وبموجب قراردادجزء شش کشورعضو بازار مشترك اروپاست .

حکومت‌ایتالیا پس ازجنگ بین‌المللی اخیرجمهوری شد و ویکتور امانوئل دوم‌پادشاه آنجا استعفاکرد .

محصولات صنعتی ایتالیا از قبیل اتومبیل ومصنوعات برقی ، لوازم سدبندی وسنگهای مرمر است‌که شهرت جهانی دارد .

درشمال، دره ورودخانه پوقراردارد‌که مهمترین نقطه حاصلخیز ایتالیاست جنگجویان وچریك‌های ملی ایتالیا درهمین‌ناحیه‌موسولینی ومعشوقه‌اش‌کلاراپتاچی را اسیر واعدام‌کردند (ناحیه دونگو) ویکتورامانوئل نیز ۲۸ دسامبر ۱۹۴۷ در مصر فوت‌کرد .



اولین انتخابات جمهوری‌در۱۹۴۸ انجام‌گرفت‌و«انریکو دونیکولا» رهبرحزب لیبرال رئیس جمهورشد، بعداز او «جیودانی کورنچی» بسمت رئیس جمهوری انتخاب گشت ، او رهبر

دموکراتهای مسیحی بود .

اعضاء مجلس سنای ایتالیا ۳۵۳ نفر و برای شش سال انتخاب میشوند ، اعضاء مجلس شورای ایتالیا ۵۹۶ نفر هستند .

برای مجلس سنا هر ۲۰۰/۰۰۰ نفر یکنفر نماینده و برای مجلس شورا هر ۸۰/۰۰۰ نفر نماینده انتخاب میکنند .

بندرگاه تریست که سالها مورد اختلاف یوگوسلاوی وایتالیا بود ، بموجب یك قرارداد که بامضاء چهار دولت بزرگ رسید ، منطقه بین‌المللی اعلام گشت .

مذهب رسمی ایتالیا کاتولیك مسیحی است وپاپ اعظم رهبر کاتولیك‌های جهان در واتیکان بسر میبرد . کلیسای واتیکان قدرت عظیمی درجهان مسیحیت بشمار میرود ورهبر مسیحیان کاتولیك دراین‌شهراقامت دارد .

ایرلند

پایتخت ، دوبلین ، وسعت : ۲۷/۱۳۶ میل‌مربع ، جمعیت : ۲/۸۳۴/۰۰۰ واحدپول : پوند برابر با ۲دولار و ۸۰ سنت .



رویهمرفته ایرلندیك کشور کشاورزی محسوب میشود ، قسمت شمالی اینکشور در اشغال انگلستان وهمه‌جا جزء لایتجزای اینکشور معرفی میشود ، در حالیکه‌ناحیه جنوبی آن کشوریست که ایرلندنامدارد در ایرلندیك مرکز تحقیقات‌مواد غذائی‌وکشاورزی ساخته شده که‌در نوع خود بی‌نظیر است . ایرلندیك کشور جمهوری است که اولین تظاهر و شورش‌ملیون آنجاعلیه‌انگلستان‌بسال ۱۹۱۶ روی‌دادودردسامبر ۱۹۲۱ جمهوری ایرلند در قسمت جنوبی بتأیید انگلستان رسید ولی همیشه ایرلندیها با انگلیسی‌ها مخالفت‌میورزندودشمنی دارند ولی سیاسیون‌ایرلند در ۱۹۲۵ پیمان اتحادی با انگلستان منعقد ساختند در ۱۹۳۷ جمهوری دموکراتیك ایرلند رسما بصورت مستقل درآمد و در ۱۹۴۹ عضویت خود را در جامعه کشورهای مشترك‌المنافع بریتانیا قبول‌کرد .

پارلمان ایرلند ۱۴۴ عضو ومجلس‌سنای‌آنجا ۶۰ عضو دارد . رئیس جمهور برای‌مدت هفت سال بارأی مستقیم مردم انتخاب میشود .

احزاب در ایرلندآزادی‌کامل دارند وپارلمان نیزازاقلیت‌ها ویك اکثریت قوی تشکیل یافته است . اکثریت در دست حزب سوسیال دموکرات است .

ایرلند در دسامبر ۱۹۵۵ بعضویت سازمان‌ملل‌متحد درآمد .

کشورهای متحده آمریکا

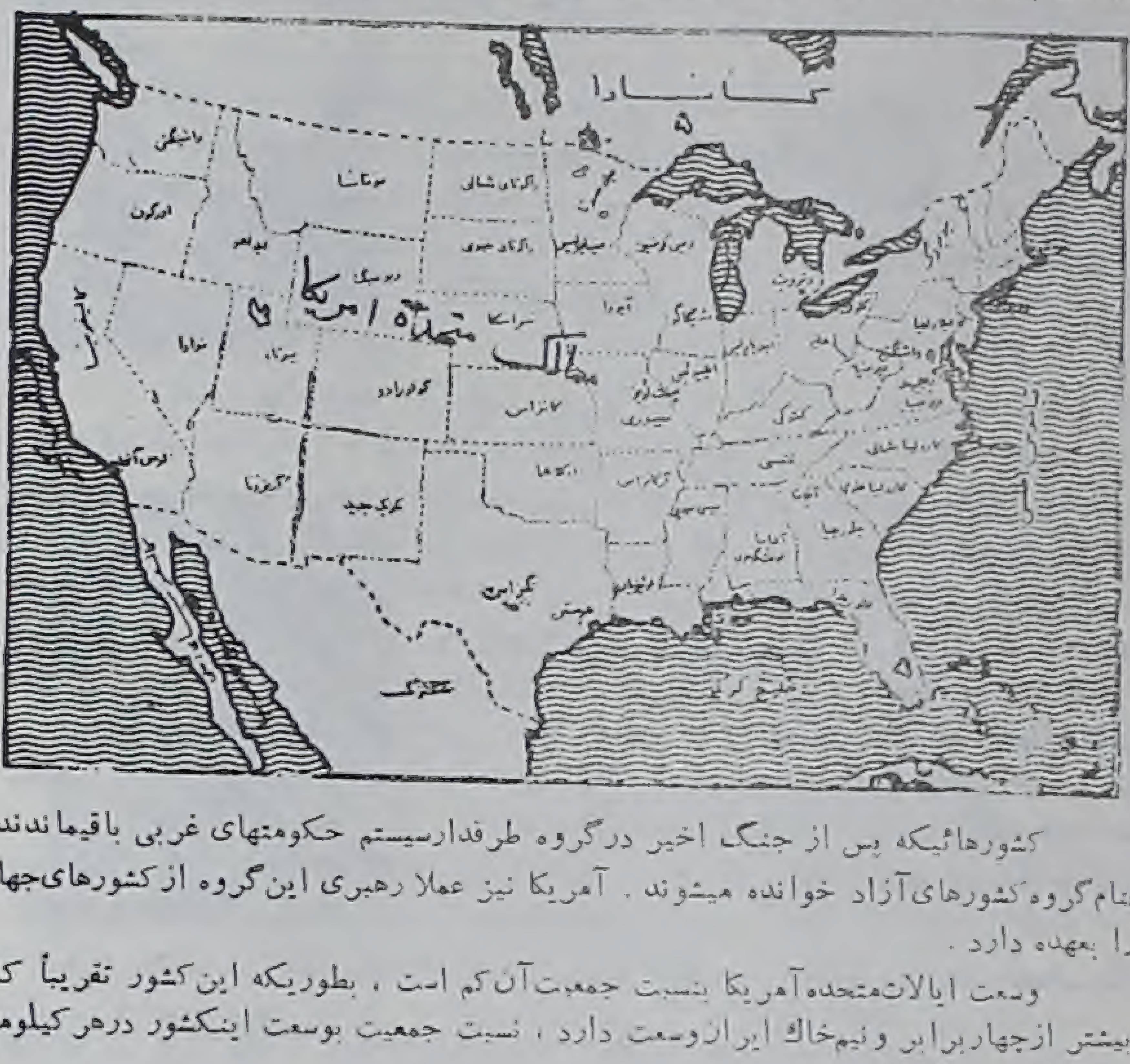
پایتخت ، واشینگتن،وسعت : ۷/۸۴۹/۰۰۰ کیلومترمربع جمعیت : ۱۹۵/۶۹۵/۰۰۰ نفر، حکومت جمهوریست، واحد پول : دلار .

کشورهای متحده آمریکا بسال ۱۷۸۳ استقلال پیداکرد ودر ۱۷۸۷ اولین‌قانون اساسی دول متحده‌آمریکا بمرحله اجراگذارده شد .

کشورهای‌متحدمرکب‌ازپنجاه کشورمختلف‌است که‌همگی بصورت دولت واحدی‌بزرگترین

قدرت صنعتی ومالی جهان را بوجودآورده‌است .

فکر تأسیس جامعه ملل وسازمانی که ریاست فائقه برتمام جهان داشته باشد از ابداعات ویلسن رئیس‌جمهوری سابق کشورهای متحده‌آمریکاست و همو بودکه اولین سازمان بین‌المللی را بنام جامعه ملل ایجاد کرد ، پس ازجنگ بین‌المللی دوم یعنی در سال ۱۹۴۵ علمدارتأسیس سازمان ملل‌متحد گردید . ایالات متحده‌آمریکا پس از جنگ اخیر نفوذکلی در سیاست جهان داشت ودارد وبراثر مساعی همین‌دولت بودکه منشورملل‌متحد واعلامیه حقوق بشر بوجودآمد وآزادی بسیاری ازکشورهای مستعمره جهان تأمین گشت .



کشورهائیکه پس از جنگ اخیر درگروه طرفدارسیستم حکومتهای غربی باقیماندند ، بنام‌گروه کشورهای آزاد خوانده میشوند . آمریکا نیز عملا رهبری این‌گروه ازکشورهای‌جهان را بعهده دارد .

وسعت ایالات‌متحده‌آمریکا بنسبت جمعیت‌آن کم است ، بطوریکه این‌کشور تقریباً کمی بیشتر ازچهاربرابر ونیم‌خاك ایرانوسعت دارد ، نسبت جمعیت بوسعت اینکشور درهر کیلومتر مربع ۱۱ نفر است .

نیویورك مرکزتجارت‌وسیاست،واشینگتون محل دولت وسیاست ، دیترویت محل‌صناعت اتومبیل سازی هولیوود (ایالت لوس آنجلس) کانون سینما وهنر فیلم ، است ، سایر شهرها و ایالات‌آمریکا نیز هرکدام وجه امتیاز خاصی دارند .

در نیویورك آسمانخراشهای عظیم نیز یافت میشود که مهمترین‌آنها امپایرستیت است که ۴۴۹ متر ارتفاع دارد وبروی‌آن یکی‌از ایستگاههای فرستنده تلویزیونی نیویورك قرار گرفته است .

هتل معروف‌والدورف‌آستوریا که مجللترین ومعروفترین هتل‌های جهانست درهمین‌شهر قراردارد وبالاخره مقر سازمان‌ملل‌متحد با ادارات‌متعدد وتشکیلات عظیمش‌نیویورك رابصورت یك شهر بین‌المللی درآورده است ،

نیویورك دارای نبض اقتصاد جهان نیز میباشد ، باینمعنی که بزرگترین بازار تجارت واقتصاد جهان ، یعنی «وال‌استریت» دراین شهرقرارگرفته است . در وال استریت نرخ سهام، اسعار وکالاهای سراسر جهان هر دقیقه بدقیقه باطلاع علاقمندان میرسد ، همچنین وال‌استریت دارای دستگاههای پخش خبر وبزرگترین تشکیلات محاسباتی جهانست که ماشین‌های الکتریکی کارخانجات I.B.M جزء آنهاست .

از چهل‌سال پیش باینطرف‌جمعیت ایالات‌متحده بسرعت روبفزونی گذارده و بطورمتوسط هرسال در حدود یك میلیون نفر مهاجر بخاك ایالات متحده قدم‌گذارده وتابعیت این کشوررا می‌پذیرند .

آزادی مذهب ، مرام سیاسی وکار در سراسر ایالات متحده موجود است ، تنها در یکی دوایالات‌آمریکابواسطه تعصبات قشری جمعی ازمردم تبعیضات نژادی حکومت میکرد که اخیراً تاحدودزیادی‌آثار انواع تبعیضات نژادی نیز وسیله حکومت فدرال‌آمریکا از بین رفته است .

زبان رسمی و متداول‌انگلیسی است ، ایالات متحده از لحاظ حکومت جمهوری فدرال است ، هریك از ایالات خودمختاری داخلی دارندولی درسیاست خارجی تابع حکومت‌مرکزی یا واشینگتن است .

رئیس‌جمهوری هرچهار سال یکبار انتخاب میشود ، انتخاب رئیس جمهور وسیله مجلس نمایندگان صورت میگیرد و بـاصطلاح انتخاب رئیس‌جمهوری بطریق دو درجه‌ایست ، هنگام انتخاب رئیس‌جمهورنامبرده معاونی‌برای‌خویش انتخاب میکند که در صورت حوادث غیرمترقبه برای رئیس جمهوری مثلا فوت یا استعفاء اختیاری،نامبرده پست ریاست جمهوری را اشغال خواهدکرد ، این صورت موقعی اتفاق میافتدکه بدلیلی رئیس جمهوری نتواند دوره چهار ساله خدمت خویش را باتمام برساند ، چنانچه هنگام مرگ روزولت چون مدتی ازریاست جمهوری اوباقیمانده‌بود ، معاون ثابتش(هاری‌ترومن)خودبخود رئیس‌جمهورشد (همچنین‌قتل‌کندی).

آمریکا دارای دو مجلس است ، مجلس مبعوثـان یا مجلس نمایندگان و مجلس سنا یا کنگره . اعضاء مجلس نمایندگان یا مبعوثان ۴۳۵ نفر و مجلس سنا یا کنگره ۹۶ نفراست.

انتخاب‌وزراء ، سفراء کبار ، وزراء مختار ، روساء عالیرتبه ، دادستان‌کل وفرماندهان نیروهای سه‌گانه از اختیارات خاص رئیس‌جمهور است وحتی رئیس جمهور میتواند قوانینی‌را که کنگره تصویب کرده درصورت لزوم برای یکبار رد کند .

هریك از ایالات‌آمریکا برای مجلس سنا دو نماینده برای‌مدت شش سال انتخاب‌میکنند انتخاب $\frac{1}{3}$ از از اعضاء مجلس سنا هر دو سال بدوسال تجدید میگردد .

قوای قضائیه در ید قدرت دیوانعالی ایالات متحده است دادستان‌کل عالیترین مشاغل قضائی را داراست .

باآنکه احزاب نیز در ایالات‌متحده‌آزادی‌کامل دارند ، مع‌الوصف دو حزب دموکرات وجمهوریخواه همیشه جلو بوده وفعالیت سایر احزاب را تحت‌الشعاع خویش قرار داده است . تعلیمات ابتدائی ومتوسطه درسراسر ایالات متحده مجانی واجباریست ودر سراسر ایالات‌متحده ۱۹۰۰ دانشگاه ، دانشکده وآموزشگاههای‌عالیه‌وجود داردکه هر ساله سه‌میلیون نفردانشجو درآنجا تحصیل میکنند .

$\frac{2}{3}$ از اهالی آمریکا در شهرها وبقیه در حومـه بمشاغل کشاورزی اشتغال دارند بیش‌از ۲۰۰ میلیون هکتار از اراضی ایالات‌متحده صرف کشت غلات مخصوصاً ذرت میشود که بواسطه زیاد

بودن محصول ذرت ازین غله برای تأمین خوراك دامها استفاده میشود . گندم ، جو ، برنج و سایر غلات نیز در ایالات‌متحده بحد وفور کشت میشود .

برزیل



پایتخت : برازیلا ، وسعت : ۳/۲۸۸/۰۵۰ میل‌مربع ، جمعیت ۶۸/۰۰۰/۰۰۰ نفر، واحد پول کروزیرو؛ برابر با ۵ سنت ازدلارآمریکا .

برزیل از اتحاد ۲۲ ایالت که همگی خود مختاری ناحیه‌ئی دارند تشکیل شده و دولت فدرال برزیل را بوجودآورده است .

برزیل با اتحادمتقابل‌باآمریکا پیمان‌نظامی دارد ودر هر دو جنگ بین‌المللی بکمك متفقین شتافت. برزیل‌پیمان‌امنیت مشترك کشورهای آمریکائی را نیز قبول وامضاءکرده است .

مذهب اکثریت اهالی مسیحیت کاتولیك و صادرات مهم‌آنجا قهوه است‌که در تمام چهان شهرت دارد .

برمه



پایتخت:رانگون ، جمعیت:۲۰/۶۶۲/۰۰۰ نفر ، وسعت خاك : ۲۶۱/۷۸۹ میل‌مربع .

برمه درسال ۱۶۱۲ تحت قیومیت بریتانیا درآمد ، ابتدا جزئی ازخاك هندو درقلمروحکومت نایب‌السلطنه‌آنجا بود ، بعداً خود مختاری یافت و سرانجام در سال ۱۹۴۸ آزادی یافت وبصورت یکی ازکشورهای مشترك‌المنافع درآمد .

برمه‌درسال۱۹۴۸ بعضویت‌سازمان ملل‌متحد درآمد . اکثریت اهالی‌آنجابودائی هستند.حکومت برمه جمهوری است و دو مجلس برای قانونگزاری دارد . مجلس شورای‌آنجادارای ۲۵۰ عضو ومجلس سنا که مجلس ملیون نامدارد دارای۱۲۵ نفر عضو است ، دوران‌قانونگزاری‌مجالس مذکورپنج‌سال است . رئیس جمورآنجا «فین‌مونگ» ونخست‌وزیر «اونو» است . خدمت نظام‌وظیفه برای مردان از ۱۸ تا ۴۶ سالگی وبرای‌زنان از ۱۸ تا ۳۶ سالی حتمی است ، خدمت نظام برای زنان در برمه درکشورهای بودائی بی‌نظیر است .

بلژیك

پایتخت : بروکسل ، وسعت: ۱۱/۷۷۵ میل‌مربع،جمعیت:۹/۱۰۴/۰۰۰ نفر، حکومت: مشروطه سلطنتی .

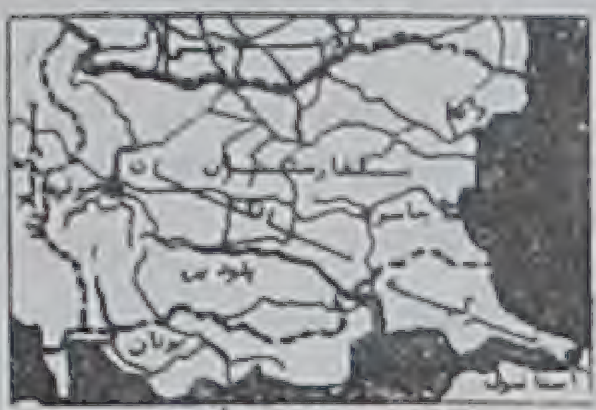
واحد پول : فرانك، برابر با دوسنت ازدولارآمریکا.

بلژیك یکی ازکشورهای صنعتی اروپا وعضو پیمان‌آتلانتیك شمالی است. بلژیك‌همچنین عضو بازار مشترك میباشد ، حکومت‌آنجا مشروطه سلطنتی وپادشاهش لئوپولدسوم میباشد .

بلژیکیها در جنگ گذشته بیش از پنجاه هزار نفر تلفات دادند .

بلغارستان

پایتخت : صوفیه ، وسعت : ۴۲/۷۹۶ میل‌مربع ، جمعت : ۸/۲۰۷/۰۰۰ نفر .
واحد پول لو برابر با یك سنت از دلارآمریکا .
حکومت حاضر بلغاستان جمهوری دموکراتیك بلغارستان نامیده میشود که از کشورهای کمونیستی جهانست .



بلغارهاازنژاد اسلاوبشمار میروند ،حکومت آنجامشروطه‌سلطنتی‌بودکه تا سال ۱۹۴۳ باسلطنت بوریس اداره میشد در آنسال بوریس مرد وبجایش سیمون دوم پادشاه‌بلغارستان‌شد . در ۱۹۴۶سلطنت در آنجا بهم خورد ، بوریس سوم مستعفی شد و در انتخاباتی که‌بعمل‌آمد،گئورگی دیمتروف رهبرحزب کمونیست‌نخست‌وزیرشدوپس‌ازآن بلغارستان‌بصورت یکی از کشورهای اقمار شوروی درآمد .

مذهب اکثریت اهالی مسیحیت ارتدوکس است و بیش از ۷۵۰ هزارنفر از اهالی‌آنجا مسلمانند.

بولیوی

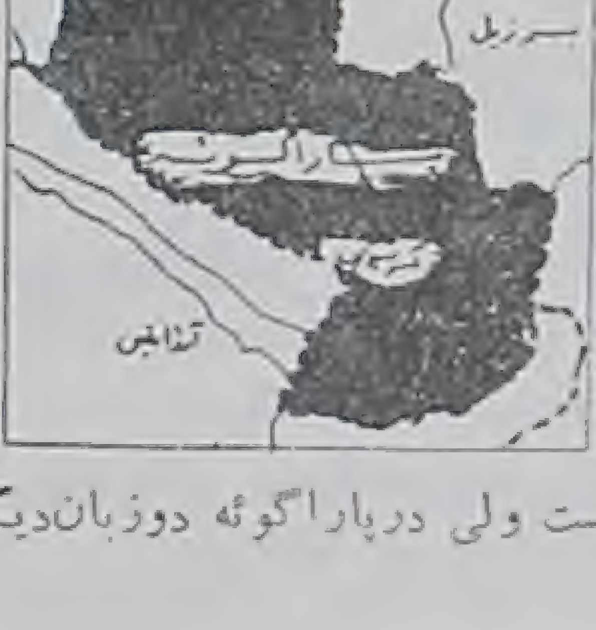


پایتخت : شوکر ، مقر حکومت لاپاز،وسعت خاك : ۴۱۶/۰۴۰ میل مربع ، جمعیت‌آن : ۳/۶۹۷/۰۰۰ نفر ، واحد پول : بولیویانو .

بولیوی یك کشورکشاورزی محسوب میشود . بولیوی ابتدا مستعمره پرتقال بود ولی بسال۱۸۲۵ وسیله‌یکی‌ازسرداران ملی‌بنام سیمون‌بولیوارآزادی خود را تأمین‌کرد .

حکومت بولیوی جمهوریست . دوره مجلس نمایندگان اینکشور ۴ سال ومدت ریاست جمهوری شش سالت .

پاراگوئه



پایتخت : آسانسیون ، وسعت : ۱۵۷/۰۰۰ میل‌مربع ، جمعیت : ۲/۰۳۰/۰۰۰ نفر واحدپول: گارانی برابر با ۰/۸ سنت از دولارآمریکا .

حکومت جمهوری .

پاراگوئه در۱۵۲۷ تحت‌استیلای‌اسپانیائیها درآمد وسال ۱۵۳۵ این‌استیلاوسعت یافت‌وبالاخره در سال ۱۸۱۱ توانست از زیر استعمار اسپانیائیها نجات پیداکند . این‌کشور بعد از جنگهای فراوان با برزیل ، آرژانتین و اوروگوئـه توانست اولین حکومت جمهوری‌خود را در سال ۱۸۷۰ تشکیل‌دهد

مذهب اهالی مسیحیت‌کاتولیك وزبان رسمی اسپانیائیست ولی درپاراگوئه دوزبان‌دیگر که «گارانی» و«هندی قدیمی» نام دارد رایج است .

پایتخت ، راولپندی، وسعت: ۳۶۴/۷۳۷ میل مربع، جمعیت : ۱۰۲/۸۷۶/۰۰۰ نفر
واحد پول : روپیه .
حکومت جمهوری پاکستان در ۱۴ اوت ۱۹۴۷ تشکیل شد ، ابتدا مشکلاتی در راه تأسیس جمهوریت بود که بتدریج رفع گشت پاکستان منقسم بدوقسمت شده که قسمت دیگر آن پاکستان شرقی نام دارد ودرشرق هندوستان‌است ، پاکستان فقط ازطریق هوا ودریا باپاکستان شرقی ارتباط دارد . پاکستان ازطریق راه‌آهن به میرجاوه و زاهدان با ایران مربوط است . در پاکستان یك دانشکده مهم نظامی وجود دارد و تقریباً این‌کشور بزرگترین کشور مسلمان روی زمین است (ازلحاظ جمعیت) و مذهب اهالی اسلام و زبان متداول اردو و انگلیسی است ، تمام ادارات پاکستان با زبان انگلیسی مکاتبه میکنند . پاکستان عضو سازمان ملل متحد میباشد .

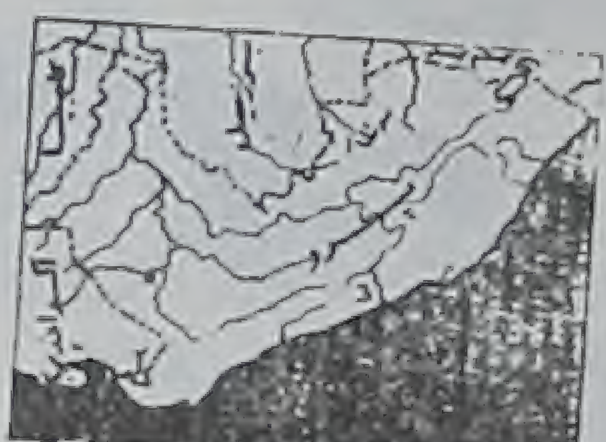
بنگلادش

بنگلادش‌کشور جدیدی است‌که ابتدا جزئی‌از پاکستان بود وپاکستان شرقی نامیده میشدولی‌درسال ۱۹۷۳ بعد ازیك جنگ داخلی از پاکستان جدا شد، حکومت بنگلادش جمهوری است و جمعیت آن حدود ۷۰ ملیون نفر است.

پرتقال

پایتخت : لیسبون . وسعت : ۳۵/۴۶۶ میل مربع جمعیت : ۹/۱۲۴/۰۰۰ نفر .
واحد پول : استودو برابر ۳/۴۸۷ سنت از دولارآمریکا . نوع حکومت : جمهوریت .
پرتقال با انقلاب سال۱۹۱۰ بصورت سلطنتی اداره میشد ودرآنسال مانوئل دوم پادشاه آنجا را تبعیدکردند وجمهوریت اعلام‌گشت .
مذهب اهالی مسیحیت کاتولیك میباشد و این کشور عضو سازمان ملل متحد و پیمان آتلانتیك شمالیست .

پرو



پایتخت ، لیما ، وسعت ، ۵۱۴/۰۵۹ میل مربع جمعیت ، ۱۱/۸۵۷/۰۰۰ نفر . واحد پول : سول برابربا ۳/۷۰ سنت از دولارآمریکا . نوع حکومت : جمهوری .
پرو درآمریکای جنوبی قراردارد واولین‌حکمرانان آنجا هندیهای بومی هستندکه درجبال آندآثار تمدن آنها هنوز باقیست .
در ۱۵۳۲ تحت استیلای اسپانیائیها درآمد و در ۱۸۲۱ باکمك آزادیخواهان باستقلال رسید .
اهالی پرو مسیحی‌کاتولیك هستند و زبان معمول‌آنها اسپانیولی است .

تانگانیکا

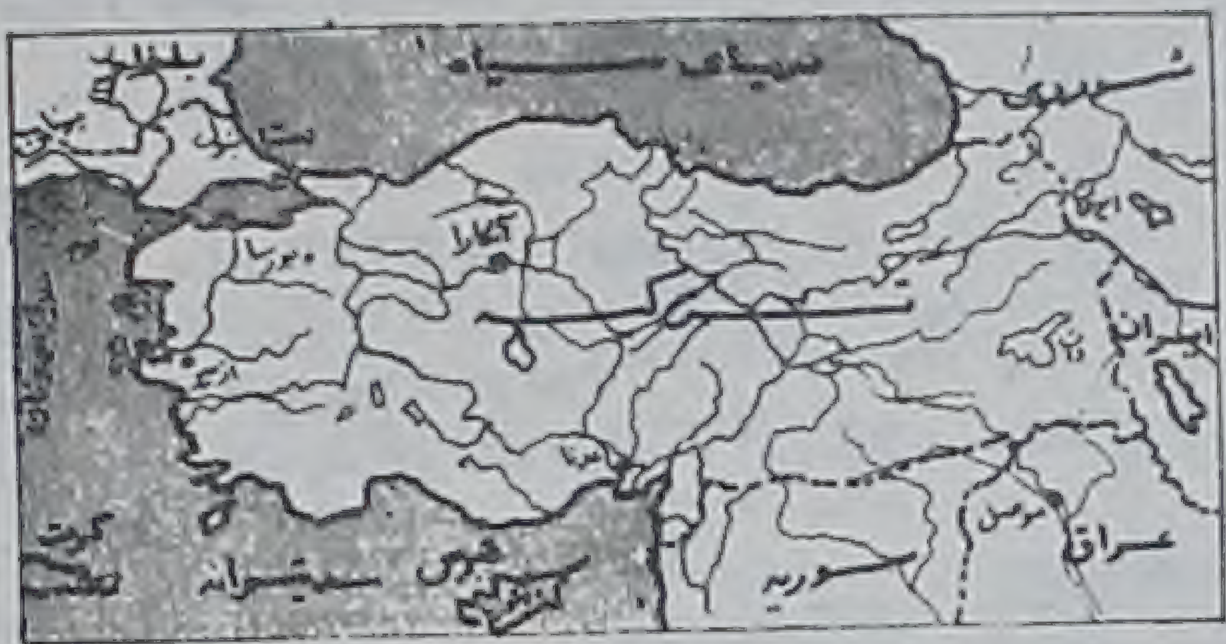
پایتخت ، دارالسلام، وسعت خاك ، ۳۶۲/۶۸۸ میل مربع جمعیت: ۹/۲۴۸/۰۰۰نفر
تانگانیکا دردسامبر۱۹۶۱ بطورکامل مستقل شد و بعضویت‌گروه‌کشورهای مشترك‌المنافع بریتانیا درآمد . تانگانیکا از مشرق باقیانوس هند ، ازشمال به‌کنیا و ازجنوب به رودزیا واز مغرب به‌کنگو محدود است .
تانگانیکا بطریق جمهوری اداره میشود ومجلس قانونگزاری و باصطلاح ملی آنجا از هفتاد و یك عضو مرکب شده است .
محصول عمده تانگانیکا طلا ، الماس ، پنبه ، قهوه ، کاکائو ، نمك ، کروم ، تونگستن و غیره است .

ترکیه

پایتخت ، آنکارا . وسعت ، ۲۹۶/۵۰۰ میل مربع . جمعیت ، ۳۲/۰۰۵/۰۰۰ نفر. حکومت ، جمهوری . واحد پول ، لیره ترك (مرکب از صد پیاستر) برابر با ۱۱/۱۱ سنت از دولار آمریکا .

ترکیه پس از جنگ بین‌المللی اول از هم متلاشی شد و بسیاری از کشورهائیکه تحت حکومت عثمانی بودند ، از آن‌کشور مجزا شده و باستعمار دیگران درآمدند ، یامستقل شدند، بهرحال کمال آتاتورك ناجی ملت ازهم‌گسیخته ترك بود و بعد از اومجدداً اوضاع ترکیه درهم ریخت . عدنان مندرس نخست وزیر مقتدری بود که انقلابی درمیان روستاها بوجود آورد ولی در سال ۱۹۶۱ کابینه او بوسیله نظامیان و با رهبری ژنرال گورسل ساقط شد . اعضاء کابینه مندرس مدتها زندانی بودند وپس از محاکمات یاسی‌آدا چند نفر ازآنان محکوم باعدام شدند که احکام محکمه یاسی‌آدا بلافاصله بموقع اجراگذارده شد .

زبان اهالی ترکی و طرز تحریر ترکها با خط لاتین است . اعضاء مجلس ملی ترکیه ۴۵۰ نفر و مجلس سنای آنکشور ۱۵۰ نفر عضو دارد .



تونس

پایتخت ، تونس . وسعت ، ۵۸/۰۰۰ میل مربع . جمعیت ، ۴/۵۶۰/۰۰۰ نفر . واحد پول ، دینار برابر با دو دولار و ۳۸ سنت از دولارآمریکا . حکومت ، جمهوری



تونس یکی‌ازمستعمرات فرانسه بود که درسال ۱۹۵۷ باستقلال نائل آمد . بورقیبه که یکی ازسرسخت‌ترین‌مبارزین ضداستعماری بود ، بریاست جمهوری تونس رسید و هنوزهم در این‌کشور حکومت میکند .

تونس یکبار پس از استقلال بر سر پایگاه نظامی دریائی بیزرت با فرانسویان بجنگ مشغول شدکه بالاخره‌با وساطت سازمان ملل متحد وآتش‌بس سازمان در ۲۲ ژوئیه ۱۹۶۱ جنگ خاتمه یافت . بیشتراهالی‌مسلمان وازقبیله بربرهاهستند . زبان مرسوم عربیست.

توگو

پایتخت ، لومه وسعت ، ۲۱/۸۹۳ میل مربع جمعیت ، ۱/۴۴۰/۰۰۰ نفر
حکومت ، جمهوری

توگو را «توگولاند» نیز میگویند و در ساحل غربی آفریقا قرار دارد ، این کشور تا

سال ۱۹۶۰ تحت تسلط واستعمار فرانسه بود و در آنسال با کمك فرانسویان باستقلال نائل آمد و عضویت گروه کشورهای متحد فرانسه را پذیرفت . توگو یکی از کشورهای عضو سازمان ملل متحد است . در ژانویه ۱۹۶۳ کودتائی در این کشور بوقوع پیوست که در آن رئیس جمهور بقتل رسید .

جبل الطارق

جبل الطارق نقطه سوق الجیشی مهمی است که با وجود سماجت اسپانیا هنوز در استعمار انگلیس باقی است . جبل الطارق اروپا را از افریقا جدا میکند ، تنگترین نقطه جبل الطارق ۷/۷۵ میل و عریض‌ترین نقطه ۲۳/۷۵ میل مربع است . جبل الطارق و پایگاه آن از سال ۱۷۱۳ دراختیار بریتانیا درآمده است .

جمعیت پایگاه جبل الطارق ۲۵/۷۲۱ نفراست که اکثراً اسپانیائی هستند وجبل الطارق ازطرف یکنفرانگلیسی که نام فرمانروای کل دارد اداره میگردد .

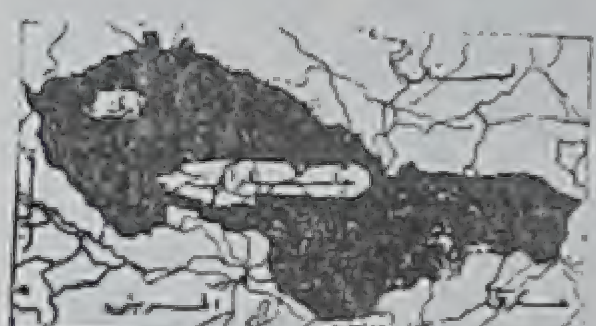
چاد

پایتخت ، فورت لامی، جمعیت : ۲/۵۸۰/۰۰۰ نفر ، وسعت : ۴۹۵/۰۰۰ میل مربع

حکومت : جمهوریت

چاد دراوت ۱۹۶۰ بطورکامل مستقل شد و در ۲۰ سپتامبرسال ۱۹۶۰ بعضویت‌سازمان ملل متحد درآمد .

چکسلواکی



پایتخت: پراك، وسعت : ۴۹/۳۸۱میل‌مربع

جمعیت : ۱۴/۱۴۹/۰۰۰ نفر واحد پول : کرونا

چکسلواکی یکی از کشور های کمونیست اروپای مرکزی است ، این‌کشورازلحاظ صنعت نیز یکی از پیشرفته‌ترین‌کشورها بشمار میرود .

چکسلواکی ازسال ۱۹۴۸ ببعد پس از بازداشت توماس مازاریك و تبعید ادوارد بنش بصورت یك کشورکمونیستی درآمد . در ۱۹۶۸ (برهبری دوبچك) چون میخواست از بلوك سوسیالیزم خارج شودباشغال‌نیروهای پیمان ورشودرآمد. صادرات چکسلواکی محصولات صنعتی وماشین‌آلات است اهالی چکسلواکی از دوفرقه چك واسلاو تشکیل شده است .

چین (کمونیست)

پایتخت : پکن جمعیت : ۷۵۰ میلیون نفر وسعت خاك : ۲/۲۷۹/۱۳۴ میل مربع .

حکومت جمهوری خلق چین ، یك حکومت کمونیستی است و بزرگترین کشور کمونیست جهان بشمار میرود . چین‌کمونیست پس از جنگ بین‌الملل اخیر و مبارزات دائمی کمونیستها برهبری مائوتسه‌تونگ توانست قوای چیانکانك را ازخاك اصلی‌چین‌خارج سازد. چین کمونیست هنوز نتوانسته است عضویت سازمان ملل متحد را بدست‌آورد و با پیشنهادات مکرری‌که شده، هنوز بعضی‌کشورهای‌گروه غربی حاضر نیستند چین را درجامعه ملل متحد راه دهند .

چین‌کمونیست بسرعت بطرف قدرت وکمال صنعتی میرود و درسالهای اخیر ناحیه تبت رابزور متصرف شده ودالائی‌لاما رهبربزرك بودائیان را ازآنجامتواری ساخته‌است . دالائی‌لاما

و عده‌ای از روحانیون بودائی درهندوستان بصورت پناهنده سیاسی بسرمیبرند .



چین (ملی)

چین ملی ازآنهمه سرزمین باعظمت و وسیع رانده و در یك جزیره بزرك وچندجزیره کوچك دیگر و ازجمله دوجزیره در نزدیك سواحل چین کمونیست بنام کموی و ماتسو محصور شده است .

پایتخت چین ملی جزیره کوچك تایوان وچین ملی درجزیره بزرك فرموز قرار دارد . وسعت این جزیره وتوابع ۱۳/۸۸۶ میل مربع وجمعیت آنجا ۱۲/۶۱۱/۰۰۰ نفر است . در حقیقت پایتخت اصلی چین ملی‌نانکینك نام دارد وپایتخت موقت تایوان یا تایپه نامیده میشود.

چین ملی حکومت جمهوری دارد ، رئیس جمهور آنجا چانکایچك نام دارد . محصولات عمده چین ملی شکر ، پنبه ، برنج وکاغذسازی است . چین ملی عضو سازمان ملل متحد و عضو اتحادیه منطقه‌ای جنوب شرقی آسیاست .

حبشه



پایتخت ، آدیس آبابا وسعت : ۳۹/۳۵۰ میل‌مربع جمعیت: ۲۲/۰۰۰/۰۰۰ نفر،واحد پول: دولارحبشه‌برابر با چهل دولار و۲۵سنت از دولارآمریکا حکومت : سلطنت مشروطه .

حبشه در زمان جنك بین‌الملل دوم توسط ایتالیا تسخیر شد و بعد ازآن نیروهای حبشه باکمك قوای‌متفقین سربازان ایتالیائی را ازآنجا اخراج کردند . سلطان حبشه خود را امپراتور مینامد ونامش هیلاسلاسی است ، همچنین خانواده سلطنتی حبشه خود را اعقاب ملکه سبا میدانند.

زبان مرسوم آمهاریك نامیده میشود وانگلیسی هم قدری رایج است . درحبشه یك‌مرکز بهداشتی و تحقیقاتی نیز بنام انستیتو پاستور وجود دارد .

دانمارك

پایتخت ، کپنهاك وسعت : ۱۶/۶۱۹ میل مربع جمعیت : ۵میلیون نفر

جزیره ایسلندوگرینلند نیز از متصرفات دانمارك بشمار میرود. حکومت دانمارك مشروطه سلطنتی است ، دارای مجلس شورا و مجلس سنا میباشد، این کشوردرزمان جنگ وسیله آلمانیها اشغال شد .

محصول مهم دانمارك مواد لبنی است ، کـه قسمت مهمی از صادرات آنجا را تشکیل میدهد ، بیش از یك سوم اهالی دانمارك بمشاغل زراعت وحشم دارای اشتغال دارند .

دانمارك دارای کارخانه‌های صنعتی نیز میباشد وشرکت ناظر کامپساکس مقاطعه‌کار راه‌آهن سرتاسری ایران نیز یك شرکت دانمارکیست پادشاه فعلی دانمارك فردریك هفتم میباشد .

واحد پول دانمارك کورون نامدارد که صدعددآنرا «کرونر» تلفظ میکنند و برابر ۱۴ دولار و ۴۸ سنت ازدولارآمریکاست .

داهومی

پایتخت: «پورتونووو»، وسعت خاك : ۴۴/۲۹۰ میل مربع وجمعیت آن ۱/۷۲۰/۰۰۰ نفر.

داهومی یکی از مستعمرات فرانسه در آفریقای غربی بود ، در ۱۹۵۸ ضمن عقد قرار داد با فرانسویان این کشور آزاد شد ودر سپتامبر ۱۹۶۰ بعضویت سازمان ملل‌متحد درآمد .

اولین مجلس اینکشور در ۲۵ نوامبر ۱۹۶۰ تشکیل شد و رئیس جمهور آنجا هوبرت ماگا نامیده میشود .

دومینکان

پایتخت: جیوداد تروخیلو، وسعت : ۱۹/۳۳۳ میل مربع . جمعیت : ۳/۰۱۴/۰۰۰ نفر.

واحد پول پزو برابر با ۱ سنت از دولارآمریکاست .

دومینکان مدتها در تصرف فرانسه واسپانیا بود ، تابراثر اصرار اهالی اولین انتخابات عمومی درآنجا دائر شد ، نیروی دریائی آمریکا در دومینکن پیاده شد تاآزادی مردم رابرای انتخابات بعمل‌آمد . دومینکن دارای دومجلس شورا وسناست ، مدتها بود که حکومت دومینکن بطریق دیکتاتوری اداره میشد وزمام قدرت در دست ژنرال تروخیلو بود نامبرده وسیله رقبای سیاسیش کشته شد و بجایش رافائیل تروخیلو فرزند ارشدش زمام قدرت را در دست گرفت . زبان اهالی اسپانیولی وانگلیسی است ومذهب اکثریت ، مسیحیت کاتولیك است .

رودزیا و نیوزلاند (فدراسیون)



وسعت : ۴۸۶/۹۷۳ میل مربع ، جمعیت : ۸/۳۳۰/۰۰۰ نفر .

رودزیا از کشورهای آفریقای مرکزی محسوب میشود ، نیوزلانـد یـك ناحیه حاکم نشین است که پیوستگی خود را به رودزیا اعلام داشته است .

رودزیانیزازدوناحیه رودزیای شمالی وجنوبی تشکیل‌شده وهرکدام حکومت خودمختاروفرمانروای داخلی دارد . یك شورای اجرائیه نیز در هریك از نواحی رودزیا امور اجرائی وقانونگزاری را انجام میدهد .

در حقیقت فدراسیون رودزیا ونیوزلاند از سه ناحیه خودمختار تشکیل شده و نمایندگان سه ایالت تشکیل مجلس فدرال را میدهند .

مجلس فدرال ۳۲ عضو دارد که نمایندگان اقلیت سفیدپوستان نیز درآن شرکت دارند.

شهر سالیسبوری در رودزیای جنوبی پایتخت فدراسیون محسوب میشود .

روسیه ـ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

پایتخت : مسکو ، وسعت : ۸/۵۹۹/۷۷۸ میل‌مربع ، جمعیت ۲۳۰/۵۸۵/۰۰۰ نفر . حکومت : جمهوری کمونیستی ، واحدپول : روبل : روبل برابر با یك دولار ویازده‌سنت .

روسیه بزرگترین کشورجهان از لحاظ وسعت‌زمین بشمار میرود ، لنین حکومت تزارها را درهم ریخت وبنام حکومت کارگران «دیکتاتوری پرولتر» ها را بوجودآورد . بعد از او استالین فرمانروای روسیه بود وحالا حکومت شوروی تعدیل شده وبرگزیدگان خوبی آنجا را اداره میکنند .



شورایعالی اتحاد جماهیرشوروی بانخست وزیر ویك نفر که عنوان او صدرعالی‌جماهیر شورویست امور مربوط بروسیه را اداره میکنند .

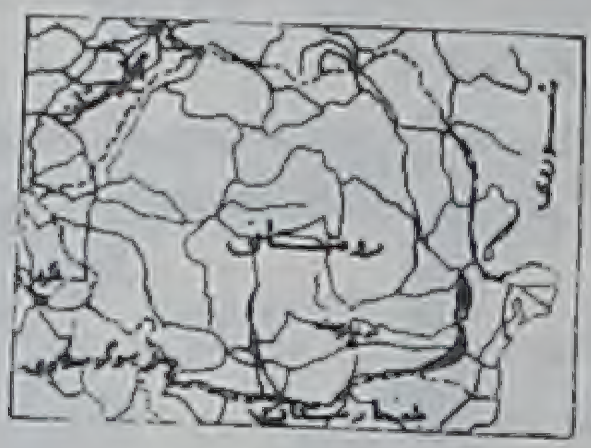
روسیه مرکب ازجمهوریهای متعددیست که مهمترین آنهاجمهوری‌قزاقستان ، بیلوروسی ، اوکرائین ، جمهوری‌آذربایجان، گرجستان، ارمنستان ، ازبکستان ، ترکمنستان ، تاجیکستان ، قرقیزستان ، جمهوری ملداوی و جمهوریهای لیتونی ، لیتوانی واستونی که بعداً بجمهوریهای شوروی علاوه شده‌اند . در اینصورت روسیه مرکب از ۱۵ جمهوری است .

سیستم حکومت جمهوری‌کمونیستی است و منابع در آمد اینکشور بسیار غنی میباشد ، روسیه یکی از بزرگترین‌کشورهای صنعتی ونفت‌خیزجهانست ، پس ازجنگ اخیر دانشمندان شوروی موفقیت‌های عظیمی‌درعلوم فضائی بدست‌آورده‌اند . مذهب وسیاست در ۱۹۱۸ عملا از یکدیگردراینکشور جداشد ومذهب رسمی آنکشورمسیحیت‌ارتدوکس‌میباشد ، اما درجمهوریهای مختلف روسیه مذاهب دیگر نیز وجود دارد .

رومانی

پایتخت : بخارست ، وسعت : ۹۱/۵۸۴ میل مربع ، جمعیت : ۱۹ میلیون نفر ،

واحدپول : لو، نوع حکومت: جمهوری کمونیستی.



رومانی تاقبل از خاتمه جنگ بین‌المللی اخیر بطریق سلطنتی اداره میشد و پادشاه آنجا میخائیل اول تحت فشار کمونیستها در سال ۱۹۴۰ تبعید شد و پس از آن جمهوری کمونیستی در آنجا اعلام گشت.

تقریباً جمهوری کمونیستی از دسامبر سال ۱۹۴۷ عملی شد. زبان اهالی مخلوطی از لاتین، ترکی، فرانسه، آلمانی و یونانیست.

ژاپن

پایتخت ژاپن : توکیو . وسعت : ۱۴۲/۶۸۸ میل مربع ، جمعیت : ۹۷/۶۰۰/۰۰۰ نفر ، حکومت : مشروطه سلطنتی ، واحد پول : ین برابر با ۲۷۷۸ دههزارم سنت آمریکا .

ژاپن از کشورهای صنعتی آسیاست که امپراطوری آنجا ۶۶۰ قبل از میلاد مسیح تشکیل شده است .



حکومت ژاپن مشروطه سلطنتی ودارای دومجلس مقننه‌است مجلس سنا وشوراکه‌اعضای مجلس شورا ۴۶۷ نفر ومجلس سنا ۲۵۰ نفر است .

دوره هریك از مجالس مذکور چهارسال و مستقیماً توسط مردم انتخاب میشوند . زنان نیز دارای حق رأی هستند . مذهب عمده اهالی بودلیسم وشینتوئیسم میباشد ، تعداد مسیحیان نیزدر ژاپن‌زیاد هستند ودرپایتخت ژاپن‌نیز اسقف‌اعظمی‌وجود داردکه ازطرف درباریاپ انتخاب میگردد . امپراتور هیروهیتو و ولیعهدآنجا پرنس‌اکی‌هیتو نـامدارد . ژاپن هشتادمین عضو سازمان‌ملل‌متحد بود .

اقتصاد ژاپن از لحاظ پیشرفت وترقی میان کشورهای آسیائی نظیر ندارد .

ساحل‌عاج

پایتخت : آبی‌جان ، وسعت : ۱۲۷/۵۲۰ میل مربع ، جمعیت : ۳/۲۰۰/۰۰۰ نفر حکومت : جمهوریت .

ساحل‌عاج جزء متصرفات آفریقای غربی فرانسه بود ودر سال ۱۹۵۸ مقامات محلی با فرانسویان یك حکومت موقت بوجود آوردند وبالاخره در هفتم سپتامبر سال ۱۹۶۰ ساحل‌عاج استقلال‌کامل یافت وبعضویت سازمان ملل‌متحد درآمد .

سان‌مارینو

پایتخت : سن‌مارینو ، وسعت : ۳۸ میل مربع ، جمعیت : ۱۵/۰۰۰ نفر .

جمهوری کوچك سن‌مارینو درقلب ایتالیا قرار دارد و تقریباً جمهوری اینکشور قدیمی ترین جمهوریهای اروپاست که درقرن چهاردهم بوجودآمده است ـ از سال۱۸۹۷ نیز قرارداد مشترکی با ایتالیا بسته‌که هنوز هم بقوت خود باقی میباشد . جمهوری سن‌مارینو را یك‌شورای عالی اجرائی مرکب‌از ۶۰ عضو که همگی مستقیماً باآراء مردم انتخاب شده‌اند اداره میکردد. از میان این شصت‌نفر دو نفر بعنوان عامل اجرای قوانین انتخاب میشوند ومدت خدمت آنان شش ماهست .

در سن‌مارینو از خدمت نظام‌وظیفه خبری‌نیست ، فقط چند نفر پلیس در این جمهوری کوچك خدمت میکنند وتجهیزات نظامی‌آنجا یك توپ باروتی متعلق بقرن هیجدهم است !

سنگال



پایتخت ؛ داکار ، وسعت ؛ ۷۶/۰۰۰ میل مربع‌جمعیت؛ ۲/۲۶۰/۰۰۰ نفر حکومت؛جمهوریت

سنگال‌جزء مستعمرات‌فرانسه‌ودرغرب‌آفریقا قرارداد . سنگال در ۱۹۵۸ دارای حکومت خود۔ مختار شد و در ژانویه سال ۱۹۴۹ باتفاق سودان فدراسیون مالی را بوجودآوردند.هریك ازدو کشور مذکور در ژوئن ۱۹۶۰ استقلال‌کامل یافتند سنگال در۲۸سپتامبر سال ۱۹۶۰ بعضویت سازمان‌ملل‌متحد درآمد .

سنگاپور

پایگاه و بندر مهم انگلستان در شرق دور بشمار میرفت ، سنگاپور حاکم نشین چند جزیره کوچك وبزرگ دیگرست‌که همه درحول وحوش‌آن قرار دارند .

سنگاپوردارای ۲۱۷ میل‌مربع وسعت و۱/۶۳۴/۰۰۰ نفرجمعیت‌است در۲۷مه۱۹۸۵ قرار دادی میان زعمای سیاسی سنگاپور و حکومت بریتانیا بامضاء رسیدکه این ناحیه تبدیل بحکومت خود مختار شود .

هم اکنون فرمانروای‌کل با یك مجلس منتخبه از سران‌سیاسی نواحی مختلف امورخود مختاری بندر را اداره میکنند .

سنگاپور عضویت‌گروه کشورهای مشترك‌المنافع بریتانیا را پذیرفته است .

سودان



پایتخت ؛ خرطوم ، وسعت؛ ۹۶۷/۵۰۰میل مربع ، جمعیت ؛ ۱۳/۲۶۲/۶۷۴ نفر واحد پول ؛ پوند سودان برابر با ۲ دولار و۸۷ سنت .

نوع‌حکومت ؛ جمهوری .

سودان تا قبل از استقلال مستعمره مشترك مصروانگلستان‌بود . در اکتبر سال ۱۹۵۱ بالاخره سودان توانست جمهوری مستقل و مجزائی از مصر بوجودآورد .

قرارداد استقلال در ۱۲ فوریه ۱۹۵۲ در قاهره بامضاء رسید .

زبان‌عربی‌زبان‌مرسوم در سودان میباشد واین‌کشور عضویت سازمان ملل متحد رادارد.

سوریه



پایتخت : دمشق ، وسعت : ۷۲/۲۲۴ میل مربع ، جمعیت : ۵/۵۶۱/۰۰۰ نفر ، حکومت : جمهوری ، واحد پول:پوند سوریه برابر ، ۲۷/۹۷ سنت ازدولارآمریکا .

سوریه سابقاً جزء متصرفات عثمانی بود ، بعداً تحت استعمار فرانسه درآمد وبالاخره در سال ۱۹۴۴ باستقلال‌نائل‌آمد. ارتش فرانسه‌نیز درهمین سال این‌کشور را ترك کرد.

سوریه در دوران ریاست جمهوری شکری‌القوتلی با مصر اتحاد وهمبستگی‌پیدا کرد و بصورت یکی از ایالات جمهوری متحده عرب درآمد ، ولی ملیون این‌کشور پس از پنجسال وسیله یك‌کودتای نظامی مجدداً حکومت را در دست گرفتند .

سومالی

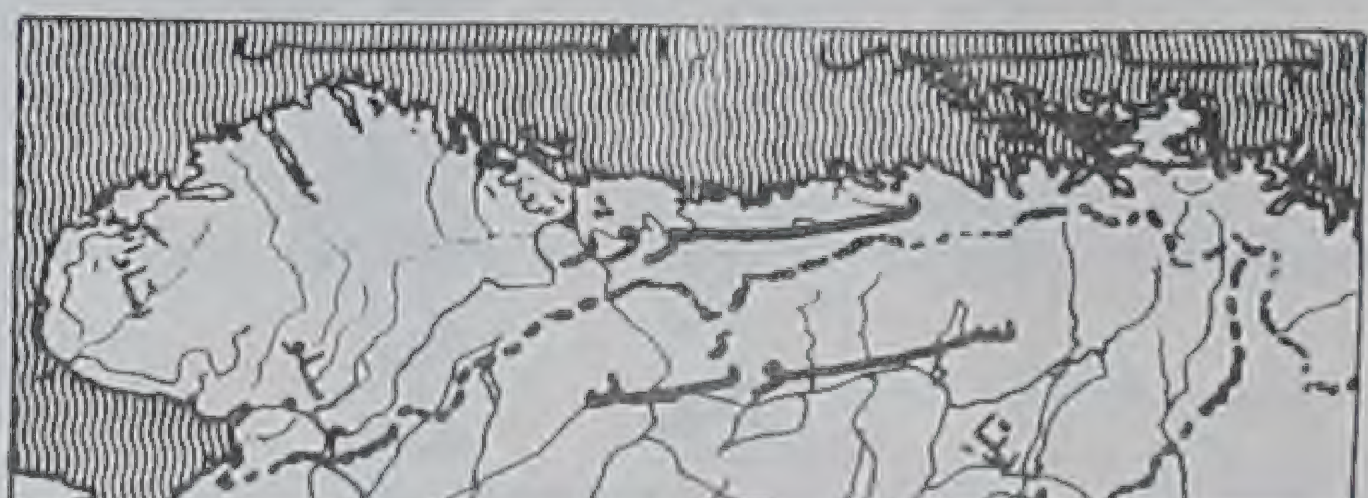


پایتخت : موگادیشو ، وسعت : ۲۶۲/۰۰۰ میل‌مربع،جمعیت : ۲/۵۰۰/۰۰۰ نفر ، حکومت: جمهوری .

سومالی درآفریقای شرقی قرار دارد وسابقاً جزء متصرفات ایتالیا بودکه‌بعداً بتصرف انگلستان درآمد.در ژوئیه ۱۹۶۰ باستقلال رسید وبعداًاولین رئیس جمهورآنجا بنام عدن عبدالله عثمان انتخاب گشت .

سوئد

پایتخت : استکلهم ، وسعت : ۱۷۳/۳۷۸ میل مربع، جمعیت : ۷/۷۳۴/۰۰۰ نفر ، حکومت : مشروطه سلطنتی ، واحد پول : کورون برابر با ۱۹/۳۳ سنت از دولارآمریکا .



سوئد از کشورهای مترقی اروپاست ، نوبل پایه گذارد جوائز نوبل که ضمناً مخترع دینامیت بود از اهالی سوئد بود و حالا نیز هرساله جوائز نوبل تحت سرپرستی پادشاه سوئد ببرندگان آن اهدا میشود ، سوئدعضوشورای کشورهای شمالی اروپا(نروژ ، دانمارك ، وایسلند) میباشدکه درفوریه سال ۱۹۵۳ بوجودآمده است .

سوئیس



پایتخت: برن ، وسعت : ۱۵/۹۴۴ میل مربع جمعیت : ۵/۹۴۵/۰۰۰ نفر ، واحد پول : فرانك سویس برابر با ۲۳/۱ سنت ، حکومت : جمهوری کنفدراتیو .

سویس ازاتحاد ۲۲ ایالت (کانتون) تشکیل شده و بنابراین جمهوری فدراتیو میباشد سویس در جنگ اول و دوم بیطرف ماند ویکی از کشورهای مترقی اروپاست .

دانشگاهها وصناعات ساعت‌سازی وابزار الکتریکی سویس در تمام جهان شهرت دارد.

سویس عضو ناتو وسازمان ملل‌متحد است .

سیام(تایلند)



پایتخت: بانکوك ، وسعت : ۲۰۰/۱۴۸میل مربع جمعیت : ۲۵/۵۲۰/۰۰۰ نفر واحد پول : باهت ، حکومت : سلطنت مشروطه .

سیام در جنوبی شرقی آسیا قرار دارد ، نام دیگرآن تایلند است .

این‌کشور عضو پیمان‌جنوب شرقی‌آسیا است وپادشاه آنجا«ومی‌فون» نامدارد که از سال ۱۹۵۰ برآنجا سلطنت میکند .

بودائیسم مذهب رسمی‌سیام است وزبان آنجا نوعی هندوچینی مخلوط با کلمات یك سیلابی است که «تاهی» نامیده میشود .

سیرالئون

پایتخت : شهر فری‌تاون ، وسعت: ۲۷/۹۲۵ میل مربع،جمعیت : ۲/۵۰۰/۰۰۰ نفر .

سیرالئون‌مستعمره بریتانیا بودکه از۲۷ آوریل سال ۱۹۶۱ مستقل شد وبعضویت‌گروه کشورهای‌مشترك‌المنافع‌بریتانیادرآمد .

معنای لغوی سیرالئو بزبان محلی « کوه‌شیر » است وپایتخت این کشور که در ساحل اوقیانوس‌کبیر قرار دارد ، یکی از زیباترین شهرهای‌آفریقای‌جنوبیست . حزب مردم دراین مملکت قدرت وحکومت را در دست دارد واعضاء حکومت ورئیس جمهور از میان‌آن انتخاب میشود .

سیلان

پایتخت:کلمبو، مساحت : ۲۵/۳۳۲ میل‌مربع، جمعیت : ۱۱/۲۳۲/۰۰۰ نفر واحد پول: روپیه برابر با۲۱سنت از دولارآمریکا .

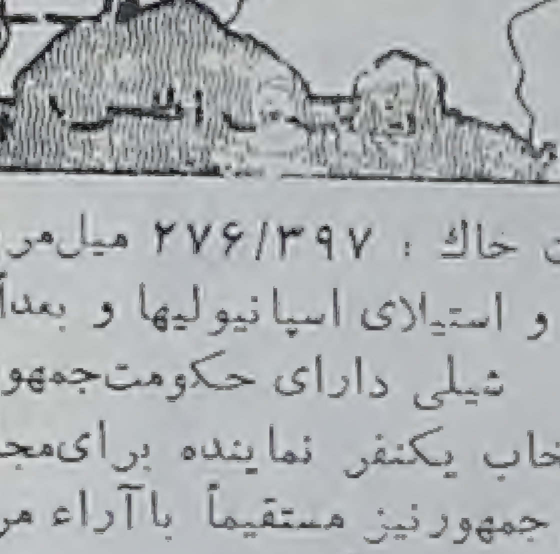
سیلان که یکی از کشورهای عضو جامعه کشورهای مشترك المنافع بریتانیاست ، دراقیانوس هند قرار دارد . سیلان تقریباً در ۵۴۳ قبل ازمیلاد مسیح کشف وشناخته شده است .
بسال ۱۵۰۵ وسیله پرتقالیها و بسال ۱۶۵۸ وسیله هلندیها وبالاخره بسال ۱۷۹۶ وسیله انگلیسی‌ها بصورت مستعمره درآمد .
بسال ۱۹۴۶ با مدل سیاسی که انگلستان ارائه کرد بصورت دومینیون درآمد وبالاخره درسال ۱۹۵۶ اعلام داشت که استقلال خواهد یافت وبعضویت کشورهای مشترك المنافع درخواهد آمد .
مجلس سنای سنا سیلان ۳۰ عضو ومجلس شورای آنجا ۱۵۱ نفر عضو دارد . اولین نخست‌وزیر سیلان باندرانیك نامداشت که بسال ۱۹۵۹ بقتل‌رسید وهمسرش بسال ۱۹۵۹ در مسند نخست‌وزیری نشست . مذهب اکثریت اهالی سیلان بودائیست .

شیلی



پایتخت : سانتیاگو، جمعیت ۸/۵۶۷/۰۰۰ نفر،وسعت خاك : ۲۷۶/۳۹۷ میل‌مربع.
شیلی تاریخ پرماجرائی دارد که ابتدا در بند رقیت و استیلای اسپانیولیها و بعداً با زورگوئیها وحملات همسایگانش مواجه شده است. شیلی دارای حکومت‌جمهوری ودو مجلس مقننه است ، هرسی‌هزار نفرازمردم شیلی حق انتخاب یکنفر نماینده برای‌مجلس شورا را دارد . مدت خدمت مجلس‌شورا شش سالست . رئیس جمهورنیز مستقیماً باآراء مردم انتخاب خواهد شد . درسال ۱۹۷۴ ... رئیس جمهور کشته شد.
زبان مردم شیلی‌اسپانیولی‌و کلیه مذاهب درآنجا آزادی مطلق‌دارند ، اما اکثریت‌مردم تابع مسیحیت کاتولیك هستند .
نیروی دریائی شیلی نسبتاً مرتب‌است‌ولی‌نیروی هوائی در اینکشور میان‌تمام‌کشورهای آمریکای جنوبی ضعیف‌تر است .

عراق



پایتخت بغداد ، وسعت : ۱۷۳/۰۰۰ میل مربع ، جمعیت : ۷/۰۰۴/۰۰۰ نفر ، حکومت : جمهوریت ، واحدپول : دینار که برابر با دودولار و ۸۰ سنت ازدولارآمریکاست .
ساحل فرات وتمدن قدیم ناحیه‌ئی که امروز عراق،سوریه ولبنان‌درآن قرار دارند ، بسیارقدیمی وعظیم است .
عراق‌سالها تحت تسلط انگلستان بودواولین پادشاهی که در قرن بیستم براینکشور حکومت کرد امیرفیصل‌اول‌بود که‌درسال ۱۹۲۱ باکومك انگلستان

روی کار آمد بعدازاو ابن‌فیصل غازی بسلطنت رسید که درآوریل ۱۹۳۹ طی یك تصادف اتومبیل کشته شد بعداز اوپرنس فیصل‌دوم بسلطنت رسید ونامبرده نیز درقیام افسران که در چهاردهم ژوئیه ۱۹۵۸ اتفاق افتاد بقتل رسید ، پس ازآن در عراق جمهوریت اعلام شد . رئیس‌دولت عراق ورهبر کودتا سرلشکر عبدالکریم‌قاسم عملا رئیس جمهور مطلق‌العنان عراق بود اما در روز هشتم‌فوریه ۱۹۶۳ مطابق با ۱۹ بهمن ۱۳۴۱ افسران ارتش عراق علیه شخص عبدالکریم قاسم قیام کردند وپس از قتل اوعبدالسلام عارف که همکار نزدیك قاسم‌در کودتای ۱۴ ژوئیه بود رئیس جمهور گردید . واوهم دریك حادثه‌هوائی کشته شد وبرادرش زمامدار شد . پس ازچندی اونیز درمرداد ۱۳۴۷ ازکار برکنار وفعلا البکر رئیس‌جمهور است .

عربستان سعودی



پایتخت : ریاض، وسعت : ۸۷۰/۰۰۰ میل مربع جمعیت : ۶/۶۰۰/۰۰۰ نفر ، واحد پول : ریال‌برابر با ۲۲/۲۰ سنت آمریکا، حکومت: پادشاهی

سال ۱۹۱۳ سران‌روحانی فرقه‌وهابی توانستند عربستان را از زیرنفوذ ترکان عثمانی خلاص کنند، محمدبن‌سعود جد پادشاه سعودی اولین پادشاه از سلسله سعودیست .

عربستان سعودی منابع نفتی غنی دارد که آمریکائیان درآنجا مشغول استخراج آنها هستند . هیأت وزراء از بستگان واقوام نسبی پادشاه تشکیل شده ومکه کعبه مسلمین درآنجا قرار دارد .

غنا



پایتخت : اکره ، وسعت : ۹۱/۸۴۳ میل مربع ، جمعیت : ۶/۶۹۱/۰۰۰ نفر ، واحد پول : پوند غنا برابر بادودولار و۸۰ سنت دولارآمریکا .

غنا جزء مستعمره انگلستان‌بودودرماه‌مارس سال ۱۹۵۷ وسائل انتقال حکومت از حکمران کل انگلیس بمأمورین‌داخلی بعمل آمدوباینترتیب استقلال کامل یافت و در اول ژوئیه سال ۱۹۶۱ حکومت جمهوری در آنجا برقرار گشت . نکرومه یکی از شخصیت‌های بارز سیاسی آفریقا رئیس جمهور غناست .

غنا عضوگروه کشورهای مشترك‌المنافع بریتانیاست .

فرانسه

پایتخت : پاریس ، جمعیت : ۴۸/۹۲۲/۰۰۰ نفر ، وسعت : ۲۱۲/۶۵۸ میل مربع حکومت : جمهوریت با دو مجلس ، واحد پول : فرانك برابر با ۲۰ سنت از دولارآمریکا .

فرانسه‌یك کشور صنعتی‌وپیشرفته است ، تا قبل از جنگ بین‌المللی‌اخیر نیزازکشورهای بزرگ استعماری بود که در قاره‌های مختلف جهان مستعمرات فراوان داشت . پس از خاتمه جنگ مستعمرات متعددی از اینکشور از جمله هندوچین ، ویتنام ، تونس ، مراکش، الجزائر سوریه ، لبنان وکشورهای آفریقای غربی فرانسه استقلال گرفتند .



فرانسه عضویت کلوپ اتمی اروپا دارد وضمناً از مؤسسین بازار مشترك اروپاست . ژنرال دوگل رئیس جمهورفعلی فرانسه مقتدرترین رؤسای جمهور فرانسه بشمار میرود وهموست که جمهوری پنجم را بنیان‌گزاری کرده است .

اکثر اهالی فرانسوی دارای مذهب مسیحی کاتولیك‌هستند، ولی درحدود یك‌میلیون نفرمسیحی پروتستان درآنجا هستند .

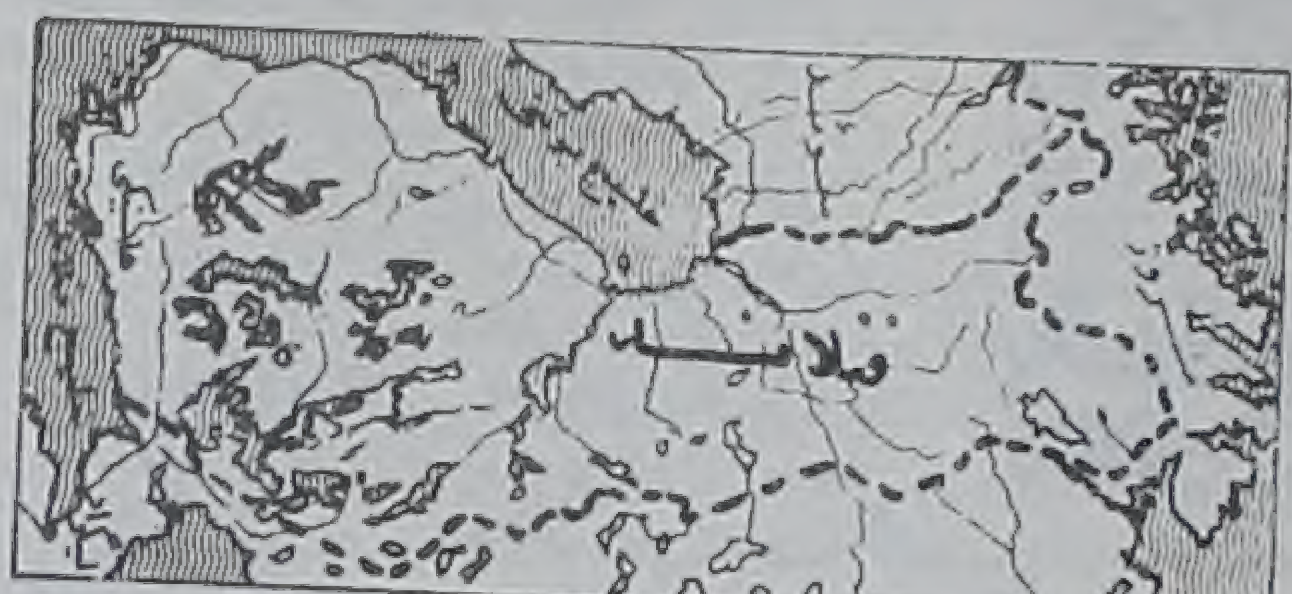
کلوپ‌اتمی اروپا را «اوراتوم»نامند وکشور فرانسه ضمناً عضو سازمان دفاعی‌آتلانتیك‌شمالی است .

در فرانسه هفده دانشگاه بزرگ وجود دارد و خدمت نظام‌وظیفه در این‌کشور ۱۸ ماه است .

فرانسه پس از جنگ میخواست اتحادیه‌ئی از مستعمرات سابق خویش بوجودآورد ونام آنها را اتحادیه‌کشورهای دوست فرانسه نام‌گزاری‌کرد . این طرح از روی‌کشورهای کامنولث اتخاذ شده بود ولی افسوس‌که فرانسه خیلی دیرتر ازموقع ضرور باین‌کار دست زد و عملاطرح اتحادیه‌کشورهای متحد ودوست فرانسه بوجود نیامد .

شهرسینمائی‌کان درفرانسه است ومطبوعات این‌کشور ازلحاظ محتوی عالیترین‌مطبوعات جهان بشمار میرود .

فنلاند



پایتخت : هلسینکی ، وسعت : ۱۳۰/۱۶۵ میل‌مربع ، جمعیت : ۴/۶۱۲/۰۰۰ نفر ، واحد پول : مارکا برابر با ۳۱۲۵ هزارم سنت‌آمریکا ، حکومت : جمهوری .

اهالی فنلاند بشجاعت وجنگ در میان برف شهرت دارند ، هنگام حمله آلمان بروسیه در جنگ‌بین‌المللی دوم فنلاندیها نیزوارد جنگ شدند وسرزمینهائی‌راکه روسیه ازآنها گرفته بود مسترد داشتند ولی‌آنهاشکست خوردند وروسها دوباره نواحی اشغالی را پس‌گرفتندفنلاند یکی ازکشورهای اروپائی است‌که بطورکلی ریشه بیسوادی را در خاك خویش‌کنده است .

فیلی‌پین

پایتخت : کورون‌سیتی ، وسعت : ۱۱۵/۷۵۸ میل‌مربع‌،جمعیت : ۳۲/۳۴۵/۰۰۰نفر واحد پول : پزو برابر ۵۰ سنت از دولارآمریکا ، نوع حکومت : جمهوری .

فیلی‌پین بسال ۱۵۲۱ وسیله ماژلان دریانورد معروف کشف شد وبسال ۱۵۶۵ وسیله

اسپانیائیها تصرف گشت .

فیلیپین وسیله قرار داد پاریس بایالات متحده ملحق شد (دسامبر ۱۸۹۸).

در ژوئیه ۱۹۴۶ استقلال فیلیپین از طرف آمریکا اعلام شد .

قبرس

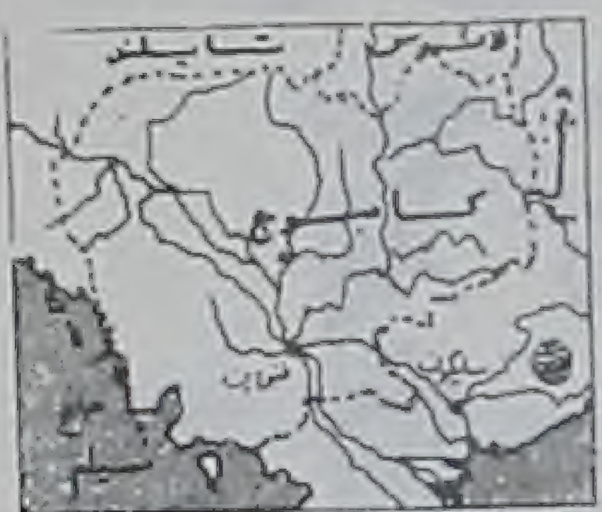
پایتخت : نیکوزیا ، وسعت : ۳/۵۷۲ میل‌مربع ، جمعیت : ۵۶۳/۰۰۰ نفر .

قبرس پایگاه نظامی مهم بریتانیا در دریای مدیترانه بود ، درآنجا اهالی ازدواقلیت واکثریت ترك ویونانی تشکیل شده‌اند ، یك نهضت ضد انگلیسی در آنجا برای استقلال طلبی بوجودآمد ، رهبر این دسته اسقف‌ماکاریوس بود و توانست درسال ۱۹۶۰ آزادی جزیره را بدست‌آورد . ماکاریوس‌طی انتخاباتی که بعمل‌آمداولین رئیس‌جمهور جزیره شد ودر ۱۳مارس ۱۹۶۱ قبرس بعضویت‌گروه کشورهای مشترك‌المنافع بریتانیا در آمد . قبرس سومین جزیره بزرگ دریای مدیترانه است . قبرس از سال ۱۹۱۴ طبق موافقتی‌که با ترکیه بعمل‌آمد تحت قیمومیت واداره بریتانیا درآمد .

کامبوج

پایتخت : «فنوم‌پن» ، وسعت : ۸۸/۷۸۰ میل‌مربع ، جمعیت : ۵/۸۴۵/۰۰۰ نفر .

کامبوج درجنوب شرقی‌آسیا و کشوریست‌که باحکومت مشروطه سلطنتی‌اداره میشود . همسایگان شمالی‌کامبوج لائوس وسیام هستند ؛ در شرق نیز تایلند و در جنوب خلیج سیام‌قرار دارد .



کامبوج کشوری عقب افتاده است‌که ۷۵٪ مردم‌آنجا بیسواد هستند،محصولات عمده‌آنجا برنج، ماهیگیری ، پنبه وچوبهای جنگلی است ، تاریخ مدنیت‌کامبوج باوائل ظهور مسیحیت میرسد واولین امپراتورآنجا «حمز» نامداشت ، بعددر۱۸۶۳تحت حمایت فرانسه درآمد ، اولین مجلس ملی در این کشور در ششم مه ۱۹۴۷ تأسیس شد ، کامبوج یکی ازکشورهای‌متحد فرانسه پس از استقلال‌شدو بموجب قرار دادی‌که در هشتم نوامبر ۱۹۴۹ میان فرانسه وکامبوج منعقد شد ، کامبوج باستقلال‌نائل آمد ودر نهم نوامبر سال ۱۹۵۳ رسماً بعضویت سازمان ملل‌متحد درآمد .

مذهب آنجا بودیسم میباشد .

کامرون

پایتخت «یاوانده» وسعت خاك ۱۶۶/۸۸۰ میل‌مربع ــ جمعیت ۳/۲۲۵/۰۰۰ نفر .

کامرون زمانی مستعمره آلمان بعدکلنی‌فرانسه و بالاخره در سال ۱۹۶۰ باستقلال‌رسید حکومت کامرون در حال حاضر جمهوری است . در حدود ۲۰۰ قبیله مختلف در آنجا زندگی میکنند وبیش از ۶۰۰/۰۰۰ نفر اهالی مسلمان هستند . در حدود همین‌رقم یعنی ششصد هزار نفر نیز از مسیحیان اروپائی درآنجا بمشاغل مختلف سرگرم هستند .

کامرون یکی ازکشورهای حاصلخیز آفریقاست‌که محصول عمده‌آنجاکاکائووبنان ، پنبه، توتون، روغن‌زیتون است . کامرون در سالهای اخیر قرار دادهای مشترکی میان فرانسه و انگلستان منعقدکرده است .

فرانسه در سی‌ویکم‌دسامبرسال ۱۹۵۸ خاك این‌کشور راتخلیه‌کرد وبآنجا خودمختاری

داخلی داد وسرانجام درسال ۱۹۶۰ (اول ژانویه) باستقلال کامل رسید .

در رفراندومی که در ۲۱ فوریه سال ۱۹۶۰ بعمل آمد اکثریت اهالی برژیم جمهوری اظهار تمایل کردند ورأی دادند . مجلس شورای آنجا صد عضو و مجلس سنا ۶۰ عضودارد و در انتخاباتی که بعمل آمد پارلمان بریاست جمهوری «احمد وآهنی‌جو» رأی داد .

کانادا

پایتخت اوتاوا، وسعت ۳/۸۵۱/۸۰۹ میل‌مربع ـ جمعیت ۱۹/۶۰۴/۰۰۰ نفر، واحد پول دولار آمریکاست .

کانادا یکی ازکشورهای پیشرفته‌ومترقی‌جهان بشمار میرود . سابقاً مستعمره انگلستان بود ، اما درحال حاضر مستقل است وعضویت کشورهای مشترك‌المنافع بریتانیا را قبول کرده است .

کشوری‌صنعتی و کشاورزیست ومنابع زیرزمینی فراوانی دارد. کانادا باکومك دانشمندان خویش در صدد تأسیس مراکز اتمی برای استفاده از نیروی اتم درصنایع است .

کانادا در ۱۴۵۸ وسیله برادران‌کابوت کشف وبانگلستان فروخته شد . بتدریج‌شهرهای مهمی در مراکزآنجا دائرگشت درکانادا جنگهای داخلی فراوانی بوقوع پیوست که فرانسویها نیز درآن مداخله داشتند ولی سرانجام در ۱۷۵۵ فرانسویها بطور مطلق‌کانادا را در اختیار انگلیسی‌ها گذاردند ورفتند .کانادا بطریق جمهوری فدراتیوتواداره میشود ویك مجلس سنا ویك مجلس ملی دارد .

اعضاء مجلس عوام ۲۶۵ نفر ومجلس سنا ۱۰۲ نفر است .

مردم‌کانادا نیز بسیار مترقی وپیشرفته‌هستندبطوری‌که تعلیم وتربیت درکانادا رامیتوان بعنوان نمونه در جهان ذکر کرد .

کره



پایتخت شهر سؤل است ، این کشور پس از جنگ بین‌المللی‌اخیرونجات از دست ژاپنیها گرفتار جنگهای داخلی شد ، بطوریکه کمونیستها باکومك عناصر چینی وروسی‌توانستند نیمی از خاك‌آن‌کشور را مسخر سازند،درحال حاضر کره منقسم بدوناحیه؛ کره شمالی‌وکره جنوبیست‌کره شمالی از ۳۸درجه عرض‌شمالی‌آغاز میشود ودرآنجاحکومت کمونیستی برقرار است . در کره جنوبی حکومت جمهوریست ودارای دومجلس مقننه میباشد .

مساحت‌کره جنوبی ۲۷/۴۲۷ میل‌مربع و جمعیت‌آنجا ۲۸/۳۵۳/۰۰۰ نفر است .

واحدپول درکره جنوبی «هورن» میباشد و ۱/۳۰ هورن برابر با یك‌سنت از دولارآمریکاست.

پایتخت‌کره شمالی«پیونگ‌یانگ» نامدارد ،

فعلا ارتش کره جنوبی مرکب از ششصد هزار نفر سرباز وافسر است ، یك‌میلیون نظامی‌ارتش آمریکا درکره جنوبیست که نمایندگی‌وفرماندهی نیروهای سازمان ملل متحد را نیز درآن‌کشور بعهده‌دارد .

کلمبیا



پایتخت بوگوتا، وسعت خاك ۴۳۹/۵۲۰ میل مربع جمعیت ۱۷/۸۸۷/۰۰۰ نفر .

کلمبیا در منتهی‌الیه شمال شرقی کشورهای آمریکای جنوبی قرار گرفته است ، کلمبیا دومین کشور صادرکننده کائو بشمار میرود، سایر صادرات این کشور ، تنباکو ، توتون و پنبه است .

کلمبیا درحدود سیصد سال زیر تسلط اسپانیولیها بود ، پس از آن چند کشور آمریکای جنوبی باهمدیگر متحد شدند و درانجام درسال ۱۸۸۶ کلمبیا جمهوری مستقلی شد ، درحالیکه پاناما نیز از آن مجزی گشت وحکومت مستقلی را ترتیب داد .

کلمبیا جمهوریست ، کنگره‌یی دارد که از ۸۰ عضو متشکل شده ومدت خدمت آنان چهارسالست ، اعضاء کنگره سناتور ، ندارد ، اعضاء مجلس ملی ۱۴۸ نفرمیباشند . زنان ومردان بالغ دراین کشور دارای حقوق مساوی وحق رأی میباشند . کلمبیا مردمی پیشرفته دارد ، دانشگاه آنجا که سال ۱۵۷۲ تأسیس شده یکی از بزرگترین دانشگاه‌های جهانست .

رئیس جمهور نیز در این کشور باآراء مستقیم مردم انتخاب میشود .

زبان اسپانیولی زبان متداول ورسمی کلمبیا و مذهب اهالی مسیحیت کاتولیك میباشد .

کنگو



پایتخت لئوپولدویل، جمعیت ۱۳/۸۲۱/۰۰۰ نفروسعت خاك ۹۰۴/۷۵۷ میل‌مربع.

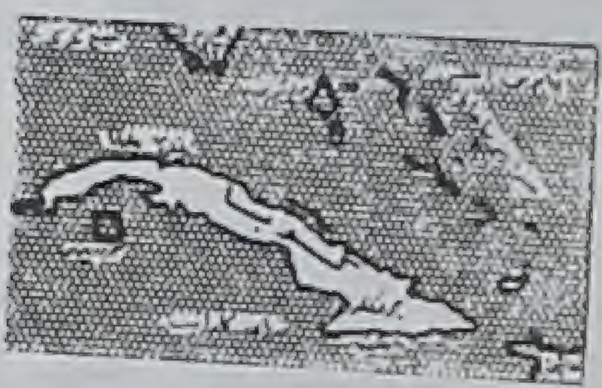
حکومت فعلی کنگو جمهوری است ، این کشور سابقاً مستعمره بلژیك بود وبالاخره پس

از مبارزات دائمی مردم جنگجوی آنجا مخصوصا بارهبر دلاوری بنام «لومومبا» استقلال کشور تامین شد .

یکی از ایالات کنگو کاتانگا نام دارد که رئیس جمهور مقتدر ولجوجی بنام «چومبه» دارد، کاتانگا از لحاظ معادن اورانیوم وسنگهای قیمتی ناحیه ثروتمندیست بهمین جهت کشورهای اروپائی واستعماری مانع برقراری آرامش در آن خط هستند .

هنوز هم اوضاع کنگو آرام نیست وچومبه حاضر نمیشود منافع خود را بدولت مرکزی تسلیم دارد ، قسمتی ازنیروهای سازمان ملل متحد نیز برای استقرار آرامش و تأمین وحدت آن کشور در آنجا بسر میبرند . بطوریکه شایع است و روزنامه‌های خارجی نیز تائید کرده‌اند، «لومومبا» رهبر دلاورسیاسی کنگو بدست ژاندارمهای چومبه کشته شده است

کوبا



پایتخت : هاوانا ، وسعت خاك ۴۴/۲۰۶ میل مربع ، جمعیت ۷/۷۴۳/۰۰۰ نفر ، واحد پول پزو برابر با یك سنت از دولار آمریکا .

پایتخت کوبا بزبان محلی لاهابانا نام دارد و جمعیتش یکمیلیون نفر است کوبا وسیله کلمبیوس در ۱۴۹۲ کشف شد .

کوبا ابتدا مستعمره پرتقال و پس از آن بتصرف بریتانیا درآمد و سپس اسپانیولی‌ها آنجا راگرفتند وازسال ۱۷۶۲ تا ۱۸۹۶ درتصرف انگلستان بود در ۱۸۶۸ نهضت آزادیخواهی درآنجا شروع شد و بسال ۱۸۷۸ ثمر داد . یك دوره جنگهای ده‌ساله با اسپانیولیها موجبات آزادی این کشور را فراهم آورد ، تقریبا اوائل سال ۱۸۹۵ بود که «خوزه ماکسیمو گومز» و رفقایش بیش ازنیمی ازخاك کوبا را در دست داشتند واسپانیا را مجبور بعقد قرارداد وتضمین آزادی خویش نمودند ولی در ۱۸۹۸ دولت فدرال آمریکا بکمك کوبا شتافت و با اسپانیا بجنگ مشغول شد و بالاخره درسال ۱۹۰۲ اولین رئیس جمهور دولت آزاد کوبا انتخاب شد که نامش «توماس استرادا پالما» بود. کوبا یکبار دزیر پنجه دیکتاتوری باتیستا افتاد واین حکومت سرانجام بدست «فیدل کاسترو» سقوط کرد.

کوبا درتاریخ معاصر نام پر سر و صدائی دارد ، زیرا باکمکهای نظامی که از شوروی دریافت کرد ، نزدیك بود جهان را بورطه جنگ بکشد .

زبان اهالی اسپانیولی است ولی انگلیسی هم در آنجا متداول میباشد ، مذهب رسمی اهالی کاتولیك است .

کوستاریکا

پایتخت : سان خوزه ، جمعیت : ۱/۱۷۱/۰۰۰ نفر ، واحد پول : کولون برابر با ۱۸ سنت از دولار آمریکا .

مهمترین محصولات آنجا قهوه است که رقم صادراتی مهمی را تشکیل میدهد .

کوستاریکا درحدود سال ۱۸۲۹ آزادی خود را بدست آورد ولی ارتش همیشه در این کشور مسلط براوضاع سیاسی است . مجلس شورای آنجا مرکب از ۴۵ عضو وبرای مدت چهار سال انتخاب میشوند، رئیس جمهور انتخابی برای دو دوره درآینده حق انتخاب شدن راندارد. مذهب اهالی مسیحیت کاتولیك است . ارتش آنجا مرکب از ۱۲۰۰ نفر از افرادگارد ملی است که وسیله مستشاران نظامی ایالات متحده اداره میگردد .

درکوستاریکا آزادی مذهب نیز وجود دارد ، زبان رسمی اسپانیولی وانگلیسی است ولی درمحاورات بیشتر زبان اسپانیولی بکار میرود .

کویت



پایتخت : کویت ، مساحتش ۵۸۰۰ میل مربع ، جمعیت : ۳۲۲/۰۰۰ نفر ، واحد پول دینار برابر با دو دولار و ۸۲ سنت آمریکا .

کویت وسیله شیوخ عرب اداره میشد، وخاندان صباح سالهاست برآنجا فرمانروائی دارند ، پس از اینکه این کشور استقلال یافت (۱۹ ژوئن ۱۹۶۱) مجلسی باعضویت دوازده نفرازنمایندگان ترتیب داد . مهمترین منبع درآمد کویت معادن نفت آنجاست . کویت عضو اتحادیه عرب وسازمان ملل متحد است .

انگلستان نیز تمامیت ارضی این سرزمین را تضمین کرده است .

گابون

وسعت ۱۰۲/۲۹۰ میل مربع ، جمعیت ۴۱۰/۰۰۰ نفر ، حکومت جمهوریت .

گابون در اوت ۱۹۶۰ باستقلال کامل نائل شد و در سپتامبر همان سال عضویت سازمان ملل متحد را پذیرفت .

گواتمالا



پایتخت: گواتمالاسیتی ، وسعت ۴۲/۰۴۲ میل مربع ، جمعیت ۴/۷۵۹/۰۰۰ نفر ، واحد پول کنتزال برابر با یك سنت از دولارآمریکا ، حکومت جمهوری .

گواتمالا در۱۸۲۱ از استعمار اسپانیا خلاص شد وجمهوری آن در۱۸۳۹ تاسیس گشت.

درگواتمالا یك کودتای نظامی درسال ۱۹۵۴ روی داد ونظامیان ضدکمونیست براوضاع مسلط شدند . در۱۹۵۷ نیز مجددا شورش نظامی درآنجا روی داد وبالاخره درانتخابات سال ۱۹۵۸ «ژنرال مگل ایدیگوراس» برای مدت شش سال رئیس جمهور شد.

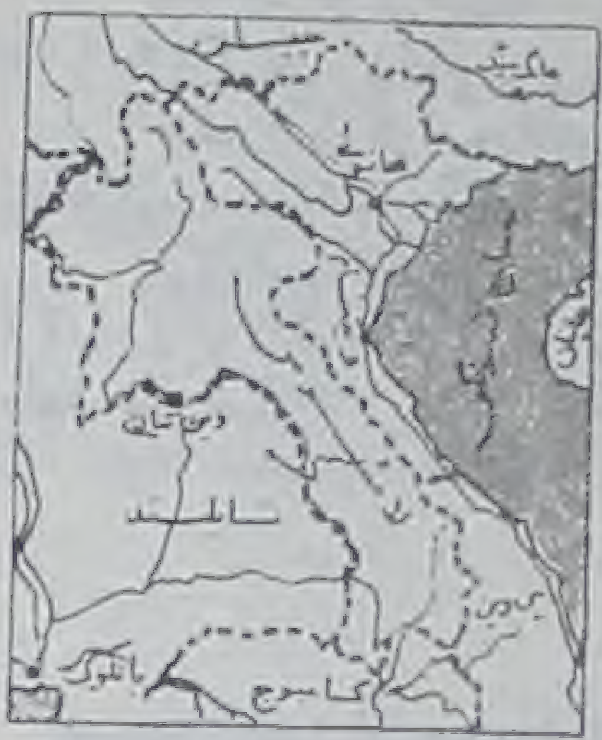
مذهب اهالی مسیحیت کاتولیك و زبان رسمی اهالی اسپانیولی است .

گینه

پایتخت : کوناکری ، وسعت : ۹۶/۸۶۵ میل مربع ، جمعیت : ۳۰۰۰/۰۰۰ نفر ، واحد پول : فرانک گینه ، حکومت جمهوریت .

گینه در ۱۹۵۸ حکومت جمهوری خویش را اعلام کرد . این کشور درغرب آفریقاقرار دارد . گینه درنهم دسامبر سال ۱۹۶۰ بعضویت سازمان ملل متحد قبول شد .

لائوس



پایتخت وین‌تیان ، مساحت ۹۱/۰۰۰ میل مربع ، جمعیت ۳۰۰۰/۰۰۰ نفر .

لائوس ازسال ۱۸۹۳ تحت حمایت فرانسه درآمد. ملیون لائوس ازسال ۱۹۴۰ شروع بمبارزه بااستعمار وتسلط اجانب کردند و پادشاه در سال ۱۹۴۷ مجلس شورای ملی را دائر نمودو بالاخره لائوس بصورت یك کشور مشروطه سلطنتی درآمد واساس موجودیت سیاسی آن در ۱۹ ژوئیه سال ۱۹۴۹ وسیله قرارداد مشترکی بافرانسه برسمیت شناخته شد .

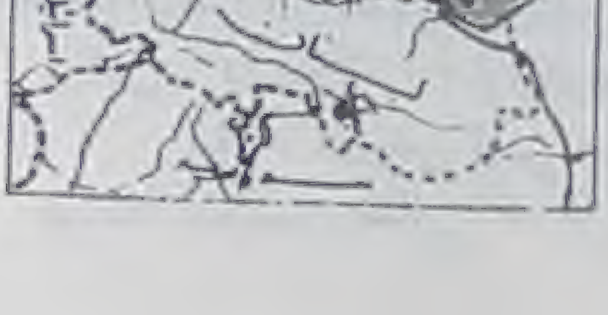
ولی لائوس درطول سالهای ۱۹۵۴ـ۱۹۶۱ صحنه جنگهای پارتیزانی داخلی شد که وسیله کمونیستهای شمالی و برهبری «پرنس سوواناوفونك» اداره میگشت، بالاخره سه دسته ازسیاسیون داخلی که عبارت بودند ازبیطرفها ، کمونیستها وجناح راست درکنفرانس ژنو اجتماع کردند و سه دولت بزرگ غربی نیز وسائل همکاری آنها را فراهم آوردند و باین ترتیب یك دولت ائتلافی در لائوس بوجود آمد . نیروهای کمونیست شمالی لائوس را پاتت‌لائو نامند .

لتونی



یکی از کشورهای ساحلی بالتیك است که پایتختش شهرریگاه نام دارد جمعیت آنجا ۲/۰۹۴/۰۰۰ نفر و مساحتش ۲۴/۶۹۵ میل مربع است . این کشور نیز درسال ۱۹۱۸ استقلال خویش را بدست آورد و در سال ۱۹۴۰ مجددا وسیله روسها اشغال شد ، حکومت ظاهری آنجا فعلا جمهوری لاتیویا نام دارد که از طرف ایالات متحده آمریکا برسمیت شناخته نشده است .

لبنان



پایتخت بیروت ، مساحت ۴/۰۰۰ میل مربع ، جمعیت ۲/۱۴۶/۰۰۰ نفر . واحد پول پوند برابر با ۳۱ دولار و ۷۸ سنت از دولار آمریکا .

لبنان قبل ازجنك بین‌الملل اول جزء امپراتوری عثمانی وپس ازآن جزء مستملکات فرانسه درآمد وبالاخره درسال ۱۹۴۴ موجبات انتقال حکومت از فرانسه بمقامات

لبنانی بعمل آمد ، لبنان چندین بار صحنه مبارزات خونین قرار گرفت ولی سرانجام توانست برای حکومت یك اساس جمهوریت بریزد .

اکثریت اهالی لبنان را مسلمانان ومسیحیان غرب تشکیل میدهند .



لوگزامبورك

پایتخت لوگزامبورك ، مساحت ۹۹۹ میل مربع ، جمعیت ۳۱۹/۰۰۰ نفر ، واحد پول فرانك .

حکمران لوگزامبورك «پرنس ژان دولوگزامبورك» میباشد که حکومت درخانواده آنان موروثی است .

لوگزامبورك عضو بازار مشترك اروپاست ، زبان اهالی فرانسه و لوگزامبورگی است ، لوگزامبورك عضو سازمان ملل متحد نیز هست .



لیتوانی

پایتخت ویلنا ، وسعت خاك ۲۶/۱۷۳ میل مربع وجمعیت ۲/۷۱۳/۰۰۰ نفر .

لیتوانی یکی از کشورهای ساحلی بالتیك است که در سال ۱۹۴۰ وسیله روسها اشغال شد و پس از آن در آنجا حکومت کمونیستی دائر گشت . درحال حاضر نیز لیتوانی دارای حکومت جمهوری کمونیستی است . لیتوانی عضویت سازمان ملل متحد را ندارد وآمریکا نیز الحاق این کشور را باتحاد جماهیر شوروی برسمیت نمیشناسد .

لیبریا

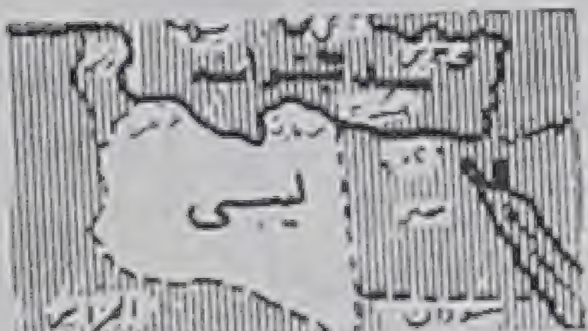
پایتخت مونراویا، وسعت ۴۳/۰۰۰ میل مربع ، جمعیت ۲/۵۰۰/۰۰۰ نفر ، واحد پول دولار آمریکاست .

لیبریا در مغرب آفریقا قرار دارد و سه چهارم اهالی را بومیان تشکیل میدهند وبقیه آمریکائی و اروپائی یا از سایر نژادها هستند .

لیبریا باکمك ایالات متحده در ۱۸۲۲ بوجودآمد و ۱۸۴۷ اولین جمهوری آنجا تاسیس شد . حکومت فعلی آنجا جمهوری و دوران ریاست جمهوری چهار سال است .

زبان رسمی در لیبریا انگلیسی است وخدمت نظام وظیفه بین سنین ۱۶ تا ۴۵ سالگی اجباریست .

لیبی



پایتخت طرابلس ، وسعت ۶۷/۹۳۵۸ میل وجمعیت ۱/۶۹۵/۰۰۰ نفر ، واحد پول پوندلیبی برابر با دو دولار و ۸۰ سنت است .

سابقه تاریخی لیبی بعهد کارتاژها میرسد و بواسطه موقعیت نظامی که در آفریقا دارد در جنك

بین‌المللی اول و دوم صحنه مبارزه و تسلط کشورهای اروپائی شده بود و هر نقطه‌ئی از آن را کشوری تصرف کرد ، مدتها تحت تسلط ایتالیا بود تا اینکه ملك ادریس‌السنوسی رهبر روحانی یکی از قبایل لیبی استقلال کشور را اعلام داشت و حکومت آنجا را سلطنتی و موروثی خود دانست ، (۳ دسامبر ۱۹۵۰) ولی بعدها با کودتای سرهنگ قذافی ملک ادریس از کار برکنار شد .

دولت لیبی بکنسرسیوم نفتی مرکب از آمریکا ، انگلستان ، فرانسه ، هلند و ایتالیا یك اجاره ۸۰ ساله برای استخراج و تسفیه نفت داده است .

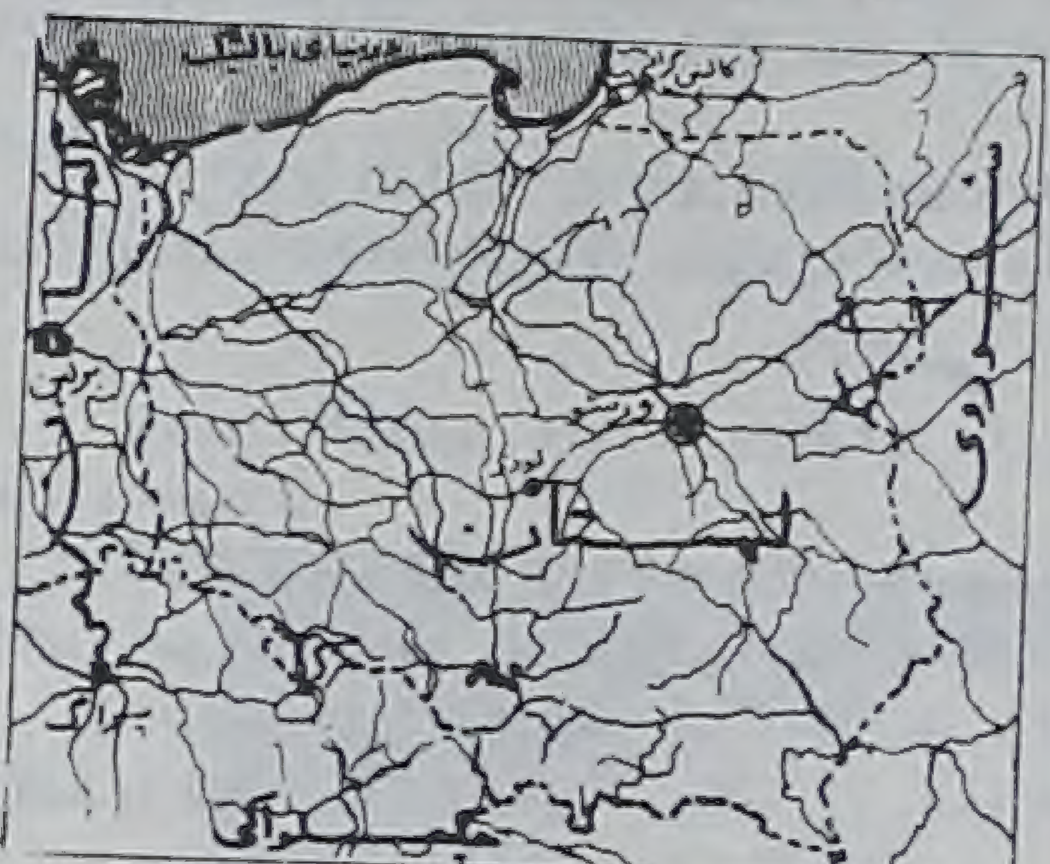
لیختن‌اشتین

پایتخت « وادوز » مساحت ۶۲ میل مربع جمعیت ۱۵/۸۵۲ نفر واحد پول فرانك سویس .

لیختن‌اشتین کشور کوچکی میان اتریش وسویس است ، این کشور در سال ۱۸۶۶ عضو کنفدراسیون آلمان شدو بالاخره در دسامبر ۱۹۱۸ استقلال کامل خود را اعلام داشت . لیختن اشتین ارتش ندارد تنها پنجاه نفر پلیس امور انتظامی آنجا را اداره میکنند .

حکومت آنجا شاهزاده نشین است و پرنس‌ژوزف دوم شاهزاده آنجاست . مذهب اهالی مسیحیت کاتولیك و زبان رسمی آلمانیست .

لهستان



پایتخت : ورشو .

مساحت: ۱۲۰/۳۵۵ میل مربع .

جمعیت: ۳۱/۴۹۶/۰۰۰ نفر (طبق تخمین سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۰) .

پرچم : دوقسمت افقی سفید و و قرمز .

واحد پول : زلوتی برابر ۴/۲ سنت آمریکا .

لهستان یك کشور کمونیستی است که درمرکز اروپا واقع شده .

۴۵ در صد مردم لهستان بکشاورزی اشتغال دارند ـ صنایع نساجی و شیمیائی و چوب وفلزکاری درلهستان اهمیت دارد . صنایع عمده کشور ملی شده وبوسیله دولت اداره میگردد . لهستان دارای منابع زیرزمینی از قبیل زغال ـ نفت ـ آهن ـ سرب و غیره نیز میباشد . تاریخ لهستان از سال ۹۶۶ آغاز میشود ـ این کشور در قرنهای ۱۴ و ۱۷ قدرت زیاد داشت . درجنگ جهانی اول بوسیله نیروهای اتریش وآلمان تسخیر گردید و در معاهده ورسای استقلال آن برسمیت شناخته شد . در جنگ دوم جهانی این کشور بوسیله روسیه و آلمان تسخیر شد و پس از جنگ دولت کمونیست در آنجا روی کار آمد .

قانون اساسی لهستان در سال ۱۹۵۲ تصویب شده و این کشور را یك کشور جمهوری خلق نام نهاد که بالاترین قدرت بموجب قانون مزبور پارلمان است .

مذهب عمده مردم لهستان کاتولیك است .

مالایا (فدراسیون)



پایتخت کوالالامپور .

فدراسیون‌مالایا ازتشکیل نه‌ایالت‌که هرکدام حاکم نشین خود مختار دارند و جزیره پنانگ و مالاکاکه تحت قیمومیت بریتانیاست بوجود آمده است .

فدراسیون‌مالایاعضو کشورهای‌گروه کامنوات میباشد و دومین‌کشور عضو این گروه است‌که با حکومت مشروطه سلطنتی‌اداره‌میشود . حکام‌ایالات بنابفرمان‌پادشاه انتخاب میشوند و اداره نواحی تحت قیمومیت بریتانیا نیز بعهده فدراسیون مالایاست .

وسعت‌آنجا ۵۰/۶۹۰ میل‌مربع‌وجمعیتش ۶/۹۰۹/۰۰۰ نفر میباشد . نیشکر و برنج مهمترین محصول صادراتی این سرزمین است .

مالایا تقریباً از سال ۱۸۲۴ تحت نفوذ بریتانیا در آمد و بالاخره در سال ۱۹۴۶ مقدمات استقلال آنجا فراهم آمد . و بسال ۱۹۴۸ قرارداد مقدماتی برای فدراسیون ایالات خود مختار باسلطنت فائقه سلطان بسته شد و سرانجام درسال ۱۹۵۶ استقلال فدراسیون مالایا اعلام گشت و این‌کشور عضویت گروه‌کشورهای مشترك‌المنافع بریتانیا را پذیرفت . مالایا در ۱۷ سپتامبر ۱۹۵۷ بعضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شد و بنا بتصویب پارلمان در طرح و قرارداد کلمبو نیز شرکت‌کرد .

اکثر اهالی فدراسیون مالایا مسلمان هستند و اقلیت های بودائی و هندو نیز در آنجا زندگی میکنند ، زبان اهالی مالایا مخلوطی از زبان «مالایوپولی‌نزی» است .

مالاگاسی

پایتخت : تاناناریو . وسعت ۲۲۸/۰۰۰ میل مربع . جمعیت ۵/۲۰۰/۰۰۰ نفر . حکومت جمهوری .

مالاگاسی درشرق‌آفریقا و ازجمله‌کشورهای مستعمره فرانسه بود، محصولات‌آنجا قهوه، کاکائو . آهن فسفات ، طلا ، اورانیوم ، چوبهای جنگلی ، توتون ، شکر و برنج است .

مالاگاسی جزئی ازحکومت ماداگاسکار بود و این دو در سال ۱۸۸۵ تحت‌الحمایگی فرانسه را قبول‌کردند .

مالی

پایتخت «باماکو» وسعت خاك ۴۵۰/۰۰۰ میل مربع جمعیت ۳/۷۰۸/۰۰۰ نفر .

در سال ۱۹۵۸ تحت نظارت موقت فرانسه یکی از کشورهـای آفریقای غربی فرانسه بنام سودان فرانسه ، جمهوریت خود را اعلام‌کرد و درسال ۱۹۶۰ اتحاد خود را بایکی دیگر از کشورهـای آفریقای غربی فرانسه بنام سنگال اعلام نمود و باین ترتیب فدراسیون مالی بوجود آمد .

سنگال بعداً از فدراسیون خارج شد و سودان نام جمهوری مالی را انتخاب نمود و در ۲۸ سپتامبر ۱۹۶۰ عضو سازمان متحد شد .

مالی یکی از اعضاء اتحادیه‌کشورهای آفریقا جنوبیست .

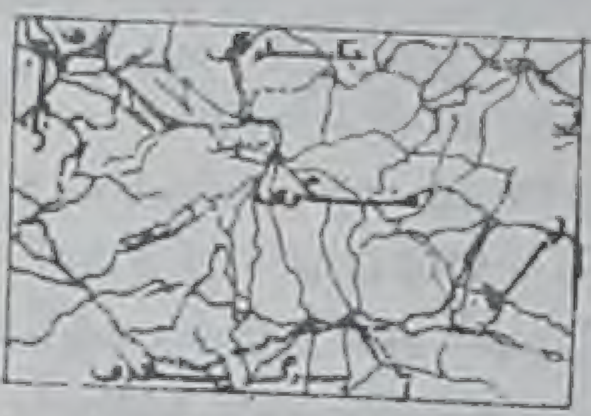
مالت

مالت‌جزیره‌ای در دریای‌مدیترانه است‌که ۱۸۰ میل‌تاآفریقا فاصله دارد . این جزیره

بسال ۱۸۱۴ بامپراتوری انگلیس پیوست . وسعت آنجا ۹۵ میل مربع و یکی از مناطق سوق الجیشی مهم در دریای مدیترانه است . در نزدیکی مالت جزیره کوچك دیگریست که گوزو نامدارد و ۲۶ میل مربع وسعت دارد وهمچنین جزیرهٔ کومین که مجموعاً این جزایر ۱۲۲ میل مربع وسعت دارند .

جمعیت آنجا ۳۲۸/۰۰۰ نفر و پایتختش والتا نامدارد مالت در سال ۱۹۵۸ تقاضای استقلال کرد ولی ترتیبی اتخاذ شده که این جزیره بصورت خود مختار اداره شود .

مجارستان

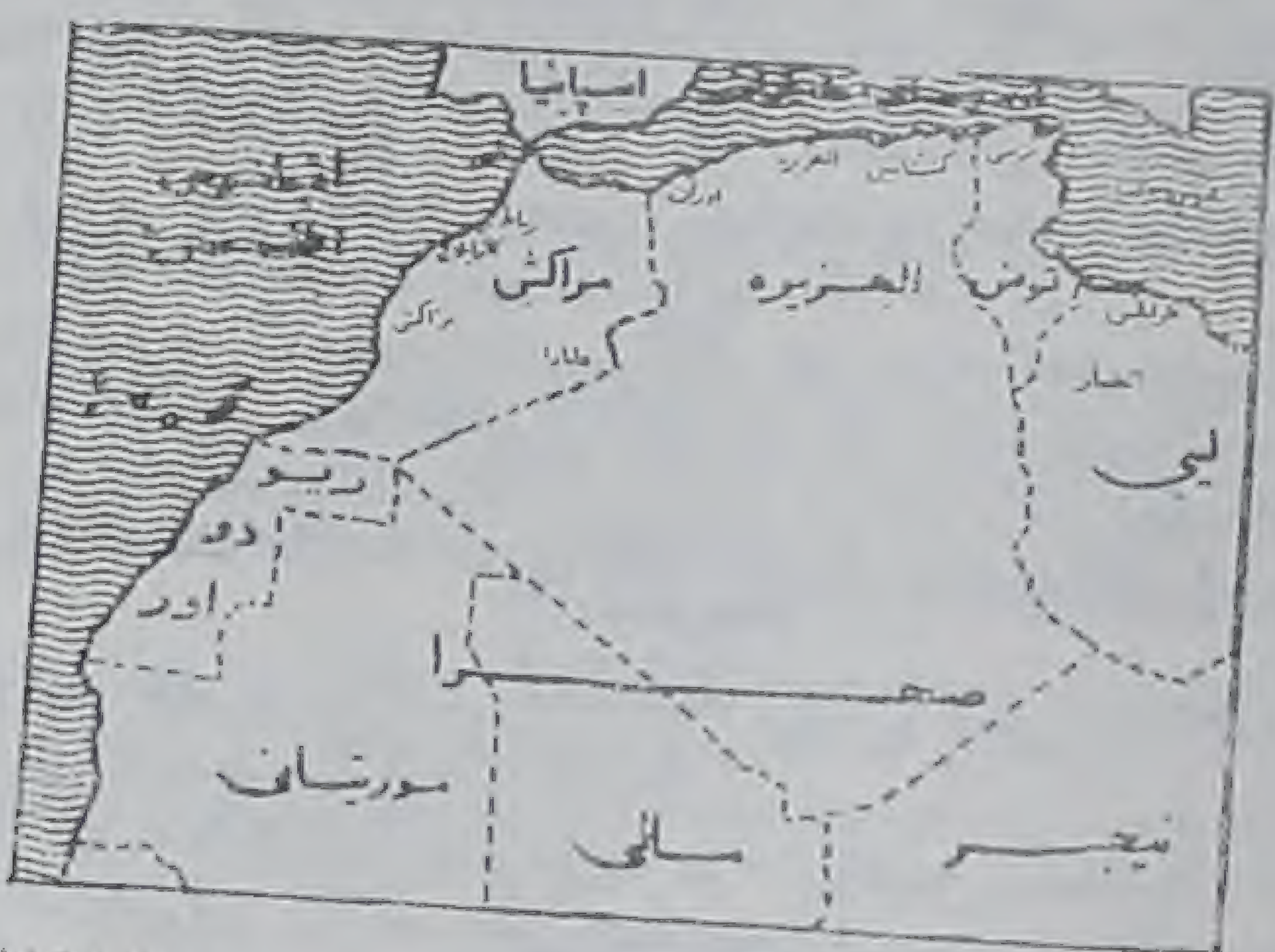


پایتخت : بوداپست وسعت : ۳۵/۹۱۸ میل مربع .
جمعیت : ۱۰/۱۰۲۰۰۰ نفرحکومت : جمهوری کمونیستی
واحد پول ، فورینت برابر ۸/۵ سنت از دلار آمریکا .

مجارستان یکی از کشورهـای قدیمی اروپاست که «هونها» ازآنجا برخاستند ، ازسال ۱۰۰۱ تابعد ازجنگ بین‌المللی دوم‌درمجارستان حکومت سلطنتی‌برقرار بود ، در۱۹۴۵ قسمت اعظم خاك مجارستان وسیله‌قوای روسیه اشغال شد . در ۱۹۴۶ پس از یك زد وخورد داخلی حکومت جمهوری اعلام گشت وتیلدی رئیس جمهور شد .کمونیستها مجدداً دریك انقلاب خردکننده در ۱۹۴۶ تیلدی را نفی‌بلد و حکومت را در دست‌گرفتند .

مجارستان یکی ازکشورهای صنعتی وکشاورزیست و در چهاردهم دسامبر سال ۱۹۵۴ بعضویت سازمان ملل متحدقبول شد . «ایمره‌ناگی» که ازنخست وزیران لیبرال مجارستان بود در سال ۱۹۵۳ دستگیر و اعدام شد .

مراکش



پایتخت ، رباط وسعت ، ۱۷۲/۱۰۴ میل مربع . جمعیت : ۱۲/۵۹۸/۷۰۰ نفر .
مراکش سالها تحت استعمارفرانسه بود تا اینکه در زمان سلطنت محمدبن‌یوسف که خود را محمد پنجم مینامید ، نهضت استقلال طلبان قوت گرفت و در ۱۹۵۷ فرانسه مجبور شد

باین کشور استقلال دهد ، نفی‌بلد سلطان کاری از پیش نبرد و فرانسه در سال ۱۹۵۸ استقلال کامل این کشور را اعلام داشت .

محمدپنجم بزودی فوت کرد و بجای او پسر ارشدش مولای‌حسن بسلطنت رسید . مراکش در حال حاضر دارای حکومت سلطنتی است و عضوسازمان ملل متحد میباشد ، زبان عربی و فرانسه زبان رسمی و متداول در آنجاست . در غرب الجزایر سرزمین دیگری بنام مراکش وجود دارد که هنوز هم در تصرف اسپانیاست و بنام مراکش اسپانیا خوانده میشود .

مغولستان

پایتخت : «اولان باتور» . وسعت ۶۲۶/۰۰۰ میل‌مربع جمعیتش ۱/۰۱۹/۰۰۰ نفر . واحد پول : طغر یك .

مغولستان از کشورهای تاریخی‌جهانست که تاقبل از جنگ بین‌المللی اول وسیله خانها و سلاطین‌اداره میشد در ۱۹۲۴ پس از در گذشت «بوغدوجنگ خان» حکومت جمهوری اعلام گشت و در سالهای ۱۹۴۵ و ۱۹۴۶ قراردادهائی با چین‌کمونیست و روسیه شوروی منعقد ساخت و این دو کشور آنجا راکاملا کمونیزه ساختند ، مذهب آنها بودائی لافائی میباشد و در سال ۱۹۵۳ با کمك روسها یك آکادمی علوم در اولان‌باتور تأسیس شده است .

مصر جمهوری متحده عرب



پایتخت : قاهره . وسعت : ۳۶۱۹۸ میل مربع . جمعیت : ۲۶/۶۰۰/۰۰۰ نفر . حکومت : جمهوری . واحد پول : پوند مصری (مرکب از ۱۰۰ پیاستر) برابربا دو دولار و ۸۷ سنت از دولار آمریکا .

مصر یکی از کشورهای تاریخی و قدیمی جهانست تمدن مصر به ۴۰۰۰ سال قبل ازمیلادمسیح میرسد . مصر تاکنون تحت استیلای بسیاری از کشورهای جهان از جمله رومیها ، یونانیها ، فرانسویها ، ترکها ، ایرانیان ، وانگلیسی‌ها بوده است . تاچندی قبل‌حکومت مصردر دست‌خانواده خدیو مصر که یکنفرترك عثمانی بود قرار داشت ، اعقاب خدیو مصر که با موافقت انگلستان بر اینکشور سلطنت میکردند ، چند قرن بر مصر سلطنت داشتند ، آخرین آنها فاروق بود که وسیله کودتای سرلشکر نجیب و عبدالناصر تبعید شد و حکومت جمهوری در آنجا اعلام گشت .

عبدالناصر بعداً با مهارت سیاسی سرلشکر نجیب را از صحنه سیاست برکنار ساخت و خود زمامدار مصر شد . درحال حاضر حکومت مصر بظاهر جمهوری میباشد و نام کشور جمهور متحده عرب را دارد مصرمدتهاست که با اسرائیل درکشمکش میباشد . با مرگ ناصر انور سادات زمام امور را در دست گرفت . مهمترین واقعه در زمان او شروع جنگ چهارم با اسرائیل بود

مکزیکو

پایتخت : مکزیکوسیتی‌وسعت ۷۶۰/۳۷۳ میل‌مربع جمعیت ۳۰/۹۱۳/۰۰۰ نفر واحد پول : پزو برابر با هشت سنت از دلار آمریکا .

مکزیکو سابقهٔ تاریخی زیادی دارد و در قرن پانزدهم وسیله ملاحان اسپانیائی فتح شد ، سه قرن اسپانیولیها بر آنجا تسلط داشتند و بالاخره در سال ۱۸۲۱ باستقلال نائل آمد و سالها بعد نیز با فرانسویان اسپانیولیها و غیره جنگید تا توانست استقلال ملی خود را در یابد .

مکزیکو یك کشور جمهوری فدرال محسوب میشود که از اتحاد ۲۹ ایالت تشکیل یافته است. مجلس نمایندگان بمدت سه سال ومجلس سنا بمدت شش سال‌در آنجا انتخاب میشوند، مدت ریاست جمهوری نیز شش سالست . مذهب رسمی مسیحیت کاتولیك و زبان رسمی اسپانیولی است انگلیسی نیز در آنجا در سالهای اخیر نفوذ فراوانی یافته است .

موریتانی

جمهوری اسلامی موریتانی سابقاً جزء آفریقای غربی فرانسه بود ، وسعتش ۴۱۸/۸۱۰ میل مربع و جمعیتش ۶۵۰/۰۰۰ نفر است .

موریتانی در ۲۸ نوامبر سال ۱۹۶۰ استقلال کامل یافت موریتانی یك کشور ضعیف است که در کشاورزی نیز استعداد فراوانی ندارد . محصول عمده آنجا توتون ، پنبه و بعضی مواد معدنیست .

موناکو

حاکم‌نشین موناکو درجنوب فرانسه نیم میلیون میل‌مربع وسعت دارد و بندر مهم آنجا مونت‌کارلوست . جمعیت موناکو ۲۳۰۰۰ نفر میباشد واهالی ازخدمت نظام معاف هستند .

شاهزاده موناکو که با فرانسه پیوستگی دارد و در سیاست خارجی تابع آن کشور است . پرنس‌رنیه سوم نامدارد . موناکو یك مجلس ملی دارد که مرکب از هیجده نفر از نمایندگان طبقات مردم میباشند ولی «پرنس‌رنیه» حاکم مطلق این سرزمین میباشد. درآمد موناکو از راه قمارخانه‌ها وکافه‌ها و پانسیونهای مونت‌کارلو تأمین میگردد .

نپال

پایتخت کاتماندو وسعت ۵۴/۰۰۰ میل مربع جمعیت ۹/۱۸۰/۰۰۰ نفر . واحد پول روپیه،حکومت سلطنتی این کشور در شمال هند ودر مرزهای مشترك چین کمونیست و هندوستان قرار دارد .

پادشاه نپال «ماهاندرا» نامیده میشود و برای اولین بار سلطنت مشروطه را در سال ۱۹۵۹ در کشورش اعلام داشت و پس از آن نمایندگان مردم در مجلس شورا جمع شده‌اند .

نپال کشور کشاورزیست و موسسه داروئی روش سوئیس در آنجا آزمایشگاه و مزرعه بزرگی دائر کرده است .

نپال سیاست بیطرفی را در پیش گرفته و بیشتر اهالی آنجا بودائی هستند .

نروژ

پایتخت، اسلو . وسعت ، ۱۲۵/۰۶۴ میل‌مربع . جمعیت : ۳/۵۸۷/۰۰۰ نفر . واحد پول : کرونر برابر با ۱۴ سنت از دلار آمریکا . حکومت : سلطنت مشروطه .

تقریباً از هفدهم مه سال ۱۸۱۴ حکومت نروژ بطریق سلطنت مشروطه در آمد و از آن تاریخ تاکنون اغلب آنها بر نروژ سلطنت میکنند .

پادشاه‌فعلی نروژ اولافه پنجم میباشد که در ۱۹۰۳ متولد شده و پسرهاکن هفتم میباشد مجلس نروژ از ۱۵۰ نفر عضو برای مدت چهار سال تشکیل میشود ، این مجلس بدو قسمت منقسم میشود که یك قسمت ازآن که مسأله نظارت بر قوانین بعهده‌شق ثانوی این مجلس است .

نروژ ازکشورهای مترقی‌اروپاست ، نروژ عضویت «ناتو» و سازمان‌ملل‌متحد را دارد .

نیکاراگوئه

پایتخت:ماناگوا . وسعت : ۵۷/۱۴۵میل‌مربع . جمعیت : ۱/۴۷۵/۰۰۰ نفر،حکومت جمهوریت . واحد پول : کوردوبا برابر با ۱۴٫۴ سنت از دلار آمریکا .

نیکاراگوئه بسال ۱۸۲۱ توانست از تسلط اسپانیا خارج شود و بالاخره پس از اتحادهای مختلفی که با کشورهای همجوار بست بسال ۱۸۳۸ بطور کامل مستقل شد .

حکومت جمهوری فعلی از یک مجلس تشکیل میشود ، مجلس نمایندگان که دارای ۴۵ عضو و مجلس سنا که دارای ۱۸ عضو است و مدت خدمت هر مجلس شش سال میباشد .

مذهب اهالی مسیحیت کاتولیک و زبان رسمی آن اسپانیولی میباشد .

نیجریه (فدراسیون)



وسعت خاک ، ۳۷۳/۲۵۰ میل مربع ، جمعیت : ۳۴/۲۹۶/۰۰۰ نفر ، پایتخت : لاگوس .

نیجریه بین داهومی و کامرون قرار دارد و بسال ۱۹۶۰ استقلال یافته است . فدراسیون نیجریه را با کشور نیجر که در شمال این کشور قرار دارد نباید اشتباه کرد .

در نیجریه بیش از ۱۵۰ زبان مختلف و قبائل متعدد وجود دارد ، نیجریه و فدراسیون آنجا از تشکیل سه ایالت مهم بوجود آمده است .

فدراسیون نیجریه در ۲۷ اکتبر سال ۱۹۵۸ عضویت گروه کشورهای مشترك المنافع را پذیرفته است .

محصولات عمده آنجا نیشکر ، توتون ، نفت ، کاکائو قهوه و پنبه است مجلس ملی نیجریه از ۳۱۲ عضو است که مستقیماً با آراء مردم انتخاب میشوند و مجلس سنا که اعضاء آن برگزیده دولت هستند .

نیوزلاند

پایتخت : ولینگتن ، وسعت : ۱۰۳/۷۳۶ میل مربع ، جمعیت : ۲/۴۰۳/۴۸۸ نفر ، واحد پول : پوند برابر با دو دلار و هشتاد سنت از دلار آمریکا .

نیوزلاند یك سرزمین کشاورزی محسوب میشود که بسال ۱۶۴۲ کشف شده است . کاشفین آنجا ملاحان هلندی بودند. تحت الحمایگی انگلستان از سال ۱۸۴۰ آغاز گشت و بالاخره در سال ۱۹۰۷ جزء دومینیون هـای انگلستان شد . نیوزلند عضو گروه کشورهای مشترك المنافع بریتانیاست و یکنفر فرمانروای کل با دو مجلس مقننه بنام مجلس شورا و مجلس سنا امور حکومتی آنجا را اداره میکنند . احزاب در آنجا آزادی دارند . مجلس شورای آنجا هشتاد عضو دارد و دو حزب جبهه ملی آنجا در انتخابات عمومی سال ۱۹۶۰ اکثریت و حکومت را در دست گرفت .

واتیکان

وسعت : ۱۰۸/۷ آکر ، جمعیت : ۱۵۰۰ نفر .

واتیکان کعبه مسیحیان کاتولیك جهانست که در آنجا دربار پاپ قرار دارد ، هر پاپی به محض انتخاب و فوت پاپ قبلی بواتیکان میآید و امور مربوط بمسیحیان کاتولیك جهان را در اختیار میگیرد . واتیکان از مراکز عظیم روحانیت جهانست که پرچم و سرود جداگانه و نیروی محافظ جداگانه‌ای در ایتالیا دارد .

واتیکان همچنین دارای راه آهن ، مقررات پستی و ایستگاه رادیوئی جداگانه‌ای نیز میباشد .

ولتا (علیا)

پایتخت : اواگادوگو ، وسعت : ۱۰۵/۹۰۰ میل مربع ، جمعیت : ۳/۵۰۰/۰۰۰ نفر ، حکومت : جمهوری .

علیای ولتا از مستعمرات فرانسه بود که در ۱۹۵۸ وسیله فرانسه حکومت موقتی در آنجا بوجود آمد و در۱۹۵۹ خودمختار شد و بالاخره درپنجم اوت سال ۱۹۶۰ باستقلال کامل نائل آمد و در ۲۰ سپتامبر سال ۱۹۶۰ بعضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شد . علیای ولتا درغرب افریقا قراردارد .

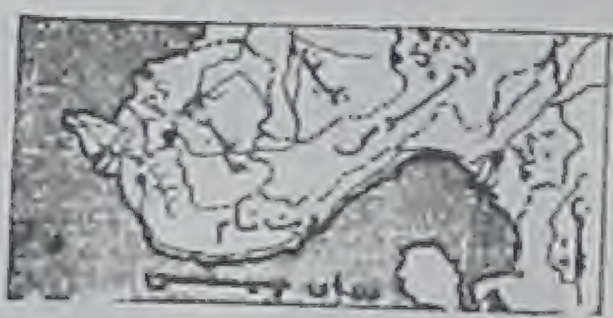
ونزوئلا



پایتخت : کاراکاس ، وسعت : ۳۵۲/۱۵۰ میل‌مربع، جمعیت : ۸/۷۰۹/۰۰۰ نفر، حکومت : جمهوری ، واحد پول : بولیوار برابر با ۲۹/۸۵ سنت از دلارآمریکا .

ونزوئلا سابقا از مستعمرات اسپانیا بود و استعمار اسپانیا تقریبا تا سال ۱۸۲۱ در آنجا ادامه داشت ، در ۱۸۳۰ هنگامیکه دو طرح فدراسیون کلمبیا بمیان آمد مستقل شد هم‌اکنون ونزوئلا دارای حکومت جمهوریست ویکی ازکشورهای نفت خیز جهان بشمار میرود .

ویتنام



پس از جنگهای داخلی ویتنام ، اکنون این کشور بدوقسمت تقسیم شده است ، ویتنام شمالی وجنوبی . اینك مشخصات ویتنام جنوبی :

پایتخت : سایگون ، وسعت : ۶۵/۰۰۰ میل‌مربع ، جمعیت : ۱۶/۶۱۶/۶۴۶ نفر، حکومت : جمهوریت .

مشخصات ویتنام شمالی :

پایتخت : هانوئی ، وسعت : ۶۲/۰۰۰ میل مربع ، جمعیت : ۱۸/۰۰۰/۰۰۰ نفر . ویتنام شمالی یك کشور کمونیست است که رهبر آنجا هوشی‌مینه نام دارد .

هائیتی

پایتخت : پورتوپرنس ، وسعت : ۱۰/۷۱۴ میل‌مربع ، جمعیت : ۴/۶۶۰/۰۰۰ نفر، واحد پول : گورد برابر با بیست سنت از دلارآمریکا ، حکومت : جمهوری .

مذهب اهالی مسیحیت کاتولیك است و زبان رسمی نیز زبان فرانسه است ولی تدریس انگلیسی در مدارس اجباری است .

اشغال امریکا و تسلط این کشور براین جزیره در چهاردهم اوت ۱۹۴۳ پایان یافت و پس ازآن حکومت جمهوری درآنجا برقرارگشت .

هندوراس

پایتخت : تگوسی‌گالپا ، حکومت ، جمهوریت ، وسعت : ۴۳/۲۲۷ میل مربع . جمعیت : ۲/۲۸۴/۰۰۰ نفر ، واحد پول : لامپیرا برابر با پنجاه سنت از دلارآمریکا .

هندوراس یکی ازجمهوریهای امریکای میانه یا مرکزیست . هندوراس پس ازآنکه خود را از تسلط اسپانیولیها درپانزدهم سپتامبرسال ۱۸۲۱ آزادکرد ، بلافاصله حکومت جمهوری را اعلام نمود .

مذهب اهالی‌کاتولیك و زبان متداول نیز اسپانیولی است .

هندوستان

پایتخت دهلی‌نو ، وسعت ۱/۲۲۱/۸۸۰ میل مربع ، جمعیت ۴۳۸ میلیون نفر ،

حکومت جمهوریت با دومجلس ، واحد پول روپیه هند برابر با ۲۱ سنت از دلار آمریکا .

حکومت هندوستان پس ازمبارزات دامنه‌دار «گاندی» و «جناح» باستقلال رسید ، مبارزات هند ازطرف مسلمین و هندوها مشترکا انجام میگرفت تا اینکه در بیستم فوریه ۱۹۴۷ آزادی هند اعلام شد .

از آن تاریخ هندوستان بموجب طرحی که ریخته شد بدوکشور هند و پاکستان منقسم گشت . هندوستان عضویت گروه کشورهای مشترك‌المنافع بریتانیا را قبول کرده وهم‌اکنون یکی از بزرگترین کشورهای کامنولث است .

هند از بزرگترین مراکز تمدن جهان است ، هم‌اکنون درآنجا زبان هندو و اردو و انگلیسی رایج است .

رئیس جمهور برای مدت پنجسال انتخاب میشود ، معاون رئیس جمهور ازطرف مجلسین انتخاب میگردد. درهندآزادی مذهب وجوددارد واقتصاداین کشورنیز بطرف صنعتی‌شدن میرود.

درهند ۸ میلیون مسلمان ، ۵ میلیون مسیحی ، سه میلیون بودائی، صدهزارنفرزردشتی وسی هزار یهودی زندگی میکنند .

مسأله کشمیر و جاموکه ۷۰٪ اهالی آنجا را مسلمان تشکیل میدهند ، مورد اختلاف هند و پاکستان است ، این‌اختلاف ازسال ۱۹۴۸ ببعد ادامه دارد ، اخیرا نیز زد وخوردهای شدیدی درشمال هندوستان و درمرزهای هند و چین کمونیست روی داد وچینی‌ها ازخط مرزی ماك ماهون تجاوز کردند .

هلند



پایتخت آمستردام ، وسعت ۱۲/۸۵۰ میل مربع ، جمعیت ۱۲/۲۹۲/۰۰۰ نفر ، حکومت سلطنت مشروطه ، واحد پول گلدن (که به‌گیلدر وفلورین تقسیم شده وبرابر با ۲۷ و۶۲٪ ازسنت آمریکاست .

هلنداز کشورهای سلطنتی وصنعتی اروپاست، محکمه داوری بین‌المللی درلاهه قراردارد .

ملکه هلند ژولیانانام دارد و ولیعهدآن کشوردختر ارشدش پرنسس بئاتریس است .

تولد فرزند مذکر درخانواده سلطنتی هلند یکی از مشکلات ارثی این خانواده بشمارمیرود وچندین نسل است که سلاطین هلند همگی زن بوده‌اند. هلند یکی‌ازکشورهای مستعمراتی جهان بود که پس از جنگ اخیر بسیاری از متصرفاتش استقلال یافتند و مهمتر از همه اندونزی بود ، حالا نیز برسر جزائرگینه جدید و ایریان غربی بین اندونزی وهلند اختلاف موجود است .

صنایع رادیو سازی ، سیمان سازی ، زغال سنگ ، وسائل الکتریکی ، کشتی سازی و صنایع شیمیائی ازمهمترین صنایع هلند بشمار میرود .

هلند عضو شش‌کشور تشکیل‌دهنده بازار مشترك وعضو پیمان آتلانتیك شمالیست . لاله هلند درتمام جهان شهرت دارد . ملکه هلند ژولیانا زن مقدسه وبسیار خانواده دوست میباشد کوچکترین دخترش «مارجوریك» کور مادرزاد میباشد ،ملکه هلند تمام اقدامات لازم را برای نجات دخترش ازکوری‌انجام داده ولی‌ثمری نبخشید تا اینکه چندسال قبل زن شیادی‌که رئیس تشریفات ملکه بود ، با توجه باحساسات و عواطف مادری ملکه مشارالیها را اغفال کرده و

بعملیاتی که شبیه بحقه‌بازیهای راسپوتین معروف بود دست میزد و نزدیك بود اساس سلطنت و زناشوئی ملکه هلند را بهم بریزد .

این زن که معروف به « راسپوتین زن » شده بود مدتها برملکه هلند مسلط شده بود و بملکه نوید داده بود که فرزندش را ازکوری نجات خواهد داد .

هونگ‌کونگ

هونگ‌کونگ درساحل چین کمونیست قراردارد و حاکم نشین آن از طرف بریتانیا تعیین میشود .

هونك‌کنك يك پایگاه تجارتی بین‌المللی درشرق دور است و تنها نقطه‌ایست که چین کمونیست از راه آن با جهان آزاد ارتباط تجارتی دارد . وسعت آنجا ۳۹۱ میل مربع و جمعیتش ۲/۹۸۱/۰۰۰ نفر است .

تقریبا ۲۰/۰۰۰ نفر انگلیسی درآن‌جا بامور بازرگانی وفعالیت در رشته‌های مختلف اشتغال دارند .

کلیه کشورهای جهان نیز بااین بندرگاه روابط تجارتی برقرارکرده وباین وسیله چین کمونیست روابط موثری برای تجارت با جهان‌آزاد دارد .

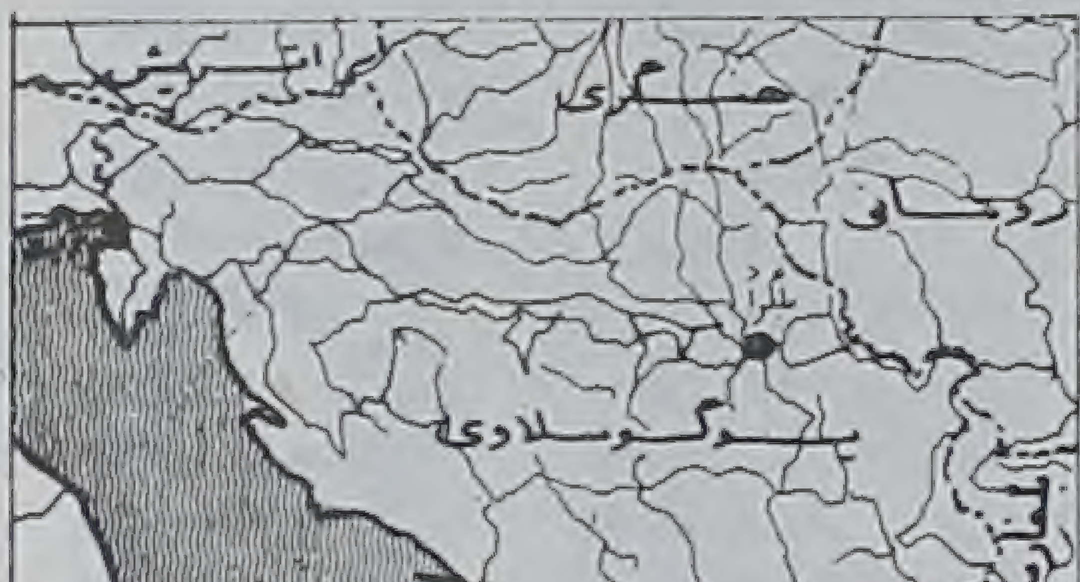
یمن



پایتخت : صنعا ، وسعت : ۷۵/۰۰۰ میل مربع ، جمعیت : ۵ میلیون نفر، حکومت : جمهوریت ، واحدپول: ریال نقره برابر با ۸۰ سنت از دولارآمریکا .

یمن کشور عقب‌افتاده‌ایست که تاچندی قبل بطریقه امامت اداره میشد ، ولی افسران‌آنجا برهبری ژنرال‌سلال برامام شوریدند وحکومتش را برانداختند .

یوگوسلاوی



پایتخت : بلگراد ، وسعت : ۹۸/۷۶۶ میل مربع ، جمعیت : ۱۹/۵۱۲/۰۰۰ نفر ، حکومت : جمهوری‌کمونیستی، واحد پول: دینار برابربا ۱۳/. سنت از دلارآمریکا .

تیتو رئیس‌جمهور یوگوسلاوی ازکمونیست‌ها وپارتیزان‌های معروف یوگوسلاوی بودکه درجنك بین‌المللی دوم درکوههای تیرانا و یوگوسلاوی علیه‌آلمانیها میجنگید ، پس ازجنگ در ۱۹۴۱ کمونیستها وسیله نفی بلد بادشاه راکه پترنام داشت‌فراهم‌کردند ونامبرده رابلندن‌فرستادند وحکومت را ساقط‌کرده براوضاع مسلط شدند ، ازآن زمان تاکنون تیتو رئیس‌جمهور و رهبر بلامنازغ یوگوسلاویست . چندبار درزمان حیات استالین سعی شدکه تیتو ازکاربرکنار

سازند ولی نامبرده با زیرکی خود را از زیر انقیاد مسکو آزاد ساخت .

یونان



پایتخت ، آتن ، وسعت ، ۵۱/۸۴۳ میل مربع ، جمعیت ، ۸/۵۱۰/۰۰۰ نفر ، حکومت ، مشروطه سلطنتی واحد پول ، درآخم .

یونان یکی از کشورهای تاریخی جهانست که درجنگ بین‌المللی دوم وسیله آلمانیها وایتالیائیها اشغال شد .

مذهب اهالی مسیحیت ارتدکس می‌باشد، یونان عضو پیمان سه‌گانه بالکان میباشد که باشرکت یوگوسلاوی و ترکیه منعقد شده‌است .

آثار تاریخی یونانی واقعا تماشائیست و یکی از منابع درآمد دولت ومردم یونان توریسم میباشد .

اقیانوس‌ها ودریاهای بزرك جهان

نام	مساحت بحسب میل‌مربع	بزرگترین عمق شناخته شده	محل وقوع عمیق‌ترین نقطه شناخته شده
اقیانوس کبیر	۶۴/۰۰۰/۰۰۰	۳۵۹۵۸	چلن‌جردیپ
اقیانوس اطلس	۳۱/۸۱۵/۰۰۰	۳۰۲۴۶	پورتوریکو ترو
اقیانوس هند	۲۵/۳۰۰/۰۰۰	۲۴۴۶۰	سوئدا تریخ
اقیانوس منجمد شمالی	۵/۴۴۰/۲۰۰	۱۸۴۵۶	۷۷ ۴۵ شمالی و۱۷۵ غربی
دریای مدیترانه	۱/۱۴۵/۱۰۰	۱۵۱۹۷	بین اروپاو افریقا
(بانضمام دریای سیاه واوزف)			
دریای کارائیب	۱/۰۴۹/۵۰۰	۲۲۷۸۸	برون جزائر کایمان
دریای جنوبی چین	۸۹۵/۴۰۰	۱۶۴۵۶	در باختر لوزون
دریای بیرینگ	۸۸۴/۹۰۰	۱۵۶۵۹	برون جزیره بولدیر
خلیج مکزیك	۶۱۵/۰۰۰	۱۲۴۲۵	سیگس بی‌دیپ
دریای اختسك	۶۱۳/۸۰۰	۱۲۰۰۱	۱۰ ۱۴۶ شرقی‌ـ۵۰ ۴۶شمالی
دریای خاوری چین	۴۸۲/۳۰۰	۹۱۲۶	۱۶ ۲۵شمالی ـ ۱۲۵ شرقی
خلیج هودسون	۴۷۵/۸۰۰	۶۰۰	نیرائترس (مدخل نزدیك)
دریای ژاپن	۳۸۹/۱۰۰	۱۲۲۷۶	سنترال بیسین (حوزه‌مرکزی)
دریای آندآمان	۳۰۸/۰۰۰	۱۲۳۹۲	برون جزیره نیکوبار
دریای شمال	۲۲۲/۱۰۰	۲۱۶۵	اسکاجوراك
دریای سرخ	۱۶۹/۱۰۰	۸۲۵۴	بین عربستان و افریقا
دریای بالتیك	۱۶۳/۰۰۰	۱۳۸۰	بین اسکاندیناوی و روسیه
دریای خزر	(رجوع شود بدریاچه‌های بزرك جهان)		

بلندترین قله‌های جهان

بترتیب ارتفاع از سطح دریا

نام قله	نام سلسله جبال	محل	ارتفاع بحسب فوت
اورست	هیمالیا	نپال ـ تبت	۲۹،۰۲۸
گادوین اوستن	قره قوروم	هند	۲۸،۲۵۰
ماکالو	هیمالیا	نپال ـ سیک‌کیم	۲۸۱۶۸
کان چن جونگا	هیمالیا	تبت ـ نپال	۲۷۷۹۰
دائولاگیری	هیمالیا	نپال	۲۶۷۹۰
نانگاپاربات	هیمالیا	هند	۲۶۶۶۰
گوسائینت‌هان	هیمالیا	تبت	۲۶۲۸۹
ناندادوی	هیمالیا	هند	۲۵۶۴۵
راکاپوشی	هیمالیا	هند	۲۵۵۵۰
کامت	هیمالیا	هند ـ تبت	۲۵۴۴۷
نامچاباروا	هیمالیا	تبت	۲۵۴۴۵
گورلاماندهاتا	هیمالیا	تبت	۲۵۳۵۵
اولوغ موزتغ	کون‌لون	تبت	۲۵۳۴۱
توریچ‌میر	هندوکش	پاکستان	۲۵۲۳۶
کولاکانگری	هیمالیا	تبت	۲۴۷۸۳
موزتاغ‌آتا	موزتاغ آتا	چین	۲۴۷۵۷
چام لانگ	هیمالیا	نپال	۲۴۰۱۲
الونگ کانگری	هیمالیا	تبت	۲۳۹۹۹
جومولهاری	هیمالیا	تبت ـ بوتان	۲۳۹۹۶
موزتغ	کون‌لون	چین	۲۳۸۹۱
گائوری سانکار	هیمالیا	نپال ـ تبت	۲۳۴۴۰
پائوهونری	هیمالیا	هند ـ تبت	۲۳۱۸۰
اکون کاگوا	اند	آرژانتین ـ شیلی	۲۳۸۳۴
کان کهنچهان	هیمالیا	هند	۲۲۷۰۰
سینیولچو	هیمالیا	هند	۲۲۶۰۰
اوجوس‌دل‌سالادو	اند	آرژانتین ـ شیلی	۲۲۵۸۸
بونت	اند	آرژانتین ـ شیلی	۲۲۵۴۶
سیمور	هیمالیا	هند	۲۲۳۴۶
توپون‌گاتو	اند	آرژانتین	۲۲۳۰۹
کونگه‌پو	هیمالیا	بوتان	۲۲۳۰۰
فالسو سازوفره	اند	آرژانتین ـ شیلی	۲۲۲۷۷
ولادرو	اند	آرژانتین	۲۲۲۴۴
پی‌سیس	اند	آرژانتین	۲۲۲۴۱
مرسداریو	اند	آرژانتین ـ شیلی	۲۲۲۱۱
هواس‌کاران	اند	پرو	۲۲۱۹۸
توکوربوری	اند	بلیویا ـ شیلی	۲۲۱۶۲
للول‌لائیل‌لاکو	اند	آرژانتین ـ شیلی	۲۲۰۵۷
لیبرتادور	اند	آرژانتین	۲۲۰۴۷
کائیلاس	هیمالیا	تبت	۲۲۰۲۷
اینکاهواسی	اند	آرژانتین ـ شیلی	۲۱۷۱۹
کارنی‌سرو	اند	پرو	۲۱۶۸۹
ساجاما	اند	بولیویا	۲۱۵۵۵
انکوهوما	اند	بولیویا	۲۱۴۹۰

نام قله	نام سلسله‌جبال	محل	ارتفاع بحسب فوت
الموژتو	اند	آرژانتین ـ شیلی	۲۱۴۵۶
ایلی مانی	اند	بولیویا	۲۱۱۸۴
کوروپونا	اند	پرو	۲۱۰۷۹
کوزکو (اٶسانگاته)	اند	پرو	۲۰۹۹۵
پارینا کوتا	اند	بولیویا ـ شیلی	۲۰۷۶۸
سالکانتای	اند	پرو	۲۰۵۷۵
ژنرال مانوئل بلگرانو	اند	آرژانتین	۲۰۵۰۵
کاکاآکا	اند	بولیویا	۲۰۳۲۸
مکین‌لی	آلاسکا	آلاسکا	۲۰۳۲۰
کوندوری‌ری	اند	بولیویا	۲۰۰۹۵
سالیمانا	اند	پرو	۲۰۰۶۹
فوادا	اند	آرژانتین	۲۰۰۲۳
آنتوفالا	اند	آرژانتین	۲۰۰۱۳
لوگان	سن الیاس	کانادا	۱۹۸۵۰
نارت پیک	آلاسکا	آلاسکا	۱۹۴۷۰
کلیمانجارو	—	تانگانیکا	۱۹۳۴۰
پوترو	اند	شیلی ـ آرژانتین	۱۹۱۳۷
فرینت جوف نانسن		قاره قطب جنوب (اتارک‌تیکا)	۱۸۹۵۳
اوری‌زابا (سیت‌لال‌تپت)	سیرامادره‌خاوری	مکزیک	۱۸۷۰۱
البروس	قفقاز	شوروی	۱۸۴۸۱
دماوند		ایران	۱۸۰۰۰
سن الیاس	سن الیاس	آلاسکا ـ کانادا	۱۸۰۰۸
پوپوکاته پتل	التیپلانومکزیکو	مکزیک	۱۷۸۸۷
فوراکر	آلاسکا	آلاسکا	۱۷۴۰۰
ایکس تاکی هواتل	التی پلانومکزیکو	مکزیک	۱۷۳۴۲
لوکانیا	سن‌الیاس	کانادا	۱۷۱۵۰
کینگ پیک (قلعه شاه	سن‌الیاس	کانادا	۱۷۱۳۰
دیخ تانو	قفقاز	شوروی	۱۷۰۵۴
جالند		قاره قطب جنوب (اتارک تیکا)	۱۶۹۹۵
ویس تینگ		قاره قطب جنوب (اتارک تیکا)	۱۶۹۹۵
استانلی (مارگریتا)	روون زوری	کنگو ـ یوگاندا	۱۶۷۶۳
کازبك	قفقاز	شوروی	۱۶۵۵۸
کارس تنز	ناسائو	گینه نو	۱۶۵۳۵
بالك برن	ورانگل	آلاسکا	۱۶۵۲۳
استیله	سن‌الیاس	کانادا	۱۶۴۳۹
بونا	ورانگل	آلاسکا	۱۶۴۲۱
سن‌فورد	ورانگل	آلاسکا	۱۶۲۰۸
وانه		قاره قطب جنوب (اتارک تیکا)	۱۶۱۴۵

آتش فشانهای جهان

تقریبا درحدود ۴۳۰ آتش فشان (۲۷۵ درنیمکرهٔ شمالی و ۱۵۵ در نیمکرهٔ جنوبی) درجهان وجود دارد که آتش فشانی آنها یا ثبت تاریخ شده و یا دیده شده است . از ۲۵۰۰ آتش فشانی ثبت شده در تاریخ بیش از ۲۰۰۰ آن در منطقه اقیانوس‌کبیر بوقوع پیوسته ، در حدود هشتاد آتشفشان ازجمله آتشفشانهای فعال امروزی از نوع زیر دریائی هستند .

اینك آتشفشانها را درتحت دوعنوان ، منطقهٔ اقیانوسهای اطلس و هند و دیگر منطقه اقیانوس‌کبیر صورت میدهم :

ناحیهٔ مدیترانه :

ایتالیا ، کوه **وزوویوس** درجنوب خاوری ناپل (ارتفاع ۳۸۵۸ فوت) تنها آتشفشان فعال درسرزمین اصلی اروپاست . شهر پمپی درسال ۷۹ میلادی در زیر مواد آتشفشانی این‌کوه مدفون‌گردید ، آخرین آتشفشانی آن در۱۹۴۴ بود .

سیسیل ، کوه **اتنا** درخاورسیسیل (ارتفاع۱۰۷۴۱فوت) دو دهانه ولکان درانفجارهای فوریه ـ مارس ۱۹۴۷ تشکیل داد . در مدت ۵۰ سال سخت‌ترین انفجارآن درنوامبر۱۹۵۰ تا ژانویه ۱۹۵۱ بوقوع پیوست .

جزائرلیپاری ، (درشمال سیسیل) ، کوه **استرومبولی** (ارتفاع درحدود ۳۰۰۰ فوت) که به چراغ دریائی مدیترانه معروف است و در۱۹۵۶ آتشفشانی کرد .

منطقه اقیانوس‌اطلس :

جزایرکاناری : پیکودتیدو (تنه‌ریف) درجزیرهٔ تنه ریف (ارتفاع ۱۲۱۹۲ فوت) جزایرکیپ ورد (دماغه ورد) ، کوه فوگو (متجاوز از ۸۰۰۰ فوت ارتفاع) ـ آتشفشانی شدید آن در۱۸۵۷ آخرین آن در۱۹۵۱ .

ایسلند ، در ازمنهٔ تاریخی آن حداقل ۲۵ آتشفشان فعال دیده شده . این آتشفشانها خیلی با آتشفشانهای هاوائی شباهت دارند . آتشفشان **اسك‌جا** (۴۶۰۰ فوت) ازهمه بزرگتر است **انتیلهای‌کوچك** (جزایر هند غربی) ، **مونت‌پوله** درشمال باختری **مارتی‌نیك** (درحدود ۴۴۰۰ فوت) انفجار سال ۱۹۰۲ آن شهر سن پتر را ویران‌کرده در حدود ۴۰۰۰۰ نفر را تلف نمود .

منطقه اقیانوس هند

جزایرکومورو (درخاور موزامبیك شمالی) ، آتشفشان **کارتالا** (متجاوز از۸۵۰۰فوت ارتفاع) از۱۰۰ میلی دیده میشود . آخرین انفجارآن در۱۹۰۴ بود .

جزیرهٔ رئونیون (درخاور ماداگاسکار) ، **پیتون دولافورنز** (اوولکان) (۸۶۱۰ فوت) مقدار هنگفت **لاو** (مواد آتشفشانی) ازآن جریان دارد .

بخش شمال باختری :

کامچاتکا ، دارای ۱۴ تا ۱۸ آتشفشان فعال است آتشفشان **اوچفس‌کایا** (کلوچف) بارتفاع ۱۵۹۱۲ فوت در۱۹۵۴ آتشفشانی کرد .

جزایرکوریل ، حداقل دارای ۱۳ آتشفشان فعال وچندین آتشفشان زیردریائی‌است .

ژاپن ، حداقل دارای ۳۳ مخرج آتشفشانی است .

فوجی‌یاما (فوجی‌سان) ، درجنوب باختری‌توکیو (۱۲۳۸۵ فوت ارتفاع) شکل‌خارجی آن متقارن وازبرف پوشیده ودرنزد اهالی‌کوهی مقدس شمرده میشود .

آدزومایاما (۷۷۳۳ فوت ارتفاع)

اساما یاما (۸۱۸۲ فوت ارتفاع) دائماً فعالیت دارد . انفجار شدید آن در ۱۷۸۳ بوقوع پیوست وآخرین انفجارآن در۱۹۵۵ واقع شد .

جزایر **بونین (اوگاساوارا)** :کوه سوری‌باچی در**ایووچیما** (۵۴۶ فوت)آتشفشانی‌است که بخارگوگرد ازآن خارج میشود . برافراشتن پرچم امریکا درقله کوه **سوری‌باچی** یکی از حوادث جنگ دوم جهانی بود .

مجمع‌الجزایر ساموئا : آتشفشانی **سوالی** در۱۹۰۵ خسارت قابل توجه وارد آورد .

نیوافو (قوطی حلبی) بین جزایر ساموئا وجزایر فیجی حفره و تنوره‌ای آتشفشانی دارد که عمق آن از ۹۶۰۰ فوت زیر سطح دریا شروع شده و رأس آن ۶۰۰ فوت بالای سطح دریا قرار دارد .

جزایر فیلیپین : درحدود یکصد مرکز انفجار درآن قرارگرفته . **هیبوك هیبوك** در جزیره **کامی گوئین** درسپتامبر ۱۹۵۰ و باردیگر درسپتامبر ۱۹۵۱ آتشفشانی‌کرده‌که ۷۵۰ نفر درائرآن تلف یا مفقود شدند وانفجار درخلال سالهای ۱۹۵۲ و ۱۹۵۳ نیزادامه داشت.

گروه هاوائی : مائونالوئا (۱۳۶۸۰ فوت) به (کوه وراز) نیز خوانده میشود وبیش از هرآتشفشان دیگر سعیر (لاو ـ موادآتشفشانی) بیرون میفرستد و بزرگترین‌کوه آتشفشان جهان ازلحاظ مقدارمواد خارج شده ازآن بحسب مترمکعب است . مساحت دهانه این‌آتشفشان ۳/۷ میل مربع است انفجار عظیم آن در ژوئن ۱۹۵۰ واقع شد و مواد آتشفشانی‌آن تا ۲۵ میل را پیموده به اقیانوس ریخت .

مائوناکی (۱۳۷۹۶ فوت) بلندترین‌کوه است درگروه بالا .

کیلائوئیا (۴۰۹۰ فوت) دهانه آتشفشانی است درکنار مائونالوئا ولی ظاهراً مستقل بوده ارتباطی با آن ندارد و یکی از آتشفشانهای فعال و جالب توجه است . وسعت دهانه آن ۴/۱۴ میل مربع است یکبار در۱۹۵۲ آتشفشانی‌کرده وخساراتی وارد آورد .

بخش جنوب باختری

سوماترا : نود آتشفشان در آن کشف شده‌که ۱۲تای آن فعالیت دارد . مشهورتر از همه آنها **کراکاتوئا** است‌که دریك جزیره‌کوچك آتشفشانی در بغاز **سوندا** واقع شده وچندین آتشفشانی ازآن در۱۸۸۳ بوقوع پیوست ویکی ازآنها باعث ناپدیدشدن بلندترین قله وبخش شمالی جزیره گردید . از این آتشفشان خاك خیلی نرم وگرد مانند به طبقات بالای آتمسفر پرتاب شده و بدور زمین‌گردش‌کرد ، ۳۶۰۰۰ نفر در نتیجه امواج تلف شدند این امواج تا دماغه **هورن** احساس شد . این آتشفشان درسالهای ۱۹۲۸ ، ۱۹۵۰ و ۱۹۵۳ فعالیت‌کرد .

زلاندنو: تاراورا درجزیره شمالی (نارت‌ایلند) در۱۸۸۶ انفجارشدید داشت ودریاچه داغی تشکیل داده خساراتی ببارآورد .

نگائوروهو : (۷۵۱۵ فوت) دائماً بخار داغ از آن خارج میشود . انفجارهای عمده آن در ۱۹۵۲ــ۱۹۵۴ صورت‌گرفت .

بخش شمال خاوری

منطقه الئوسیان : دارای ۳۲ مخرج شناخته شده و تعدادی مخروطهای آتشفشانی بی‌فعالیت است .

آلاسکا : ورانگل (۱۴۰۰۵ فوت) و **کاتمائی** (درحدود ۷۵۰۰ فوت ارتفاع) در ۶ ژوئن ۱۹۱۲ **نووارو پتا** انفجاری عظیم‌کرده «دره ده‌هزار دود» را تشکیل داد .

کالیفرنیا: اورگون ، ایالت واشنگتن: لاس‌پیك (۱۰۴۵۳ فوت) درکالیفرنی آتشفشان فعالی است که درآمریکا (غیر ازآلاسکا وهاوائی) دیده شده . آخرین دوره فعالیت آن ۱۹۱۴ـ ۱۹۱۷ بود . سایر کوههائی که اصل آنها آتشفشانی بوده عبارتند ازکوه **شاستا** (کالیفرنی) کوه **هود** وکوه ساحل دریاچه **کری‌تر** (اورگون) وکوه **رینیر** (واشنگتن) .

مکزیك : پوپوکاته‌پتل (۱۷۸۸۳ فوت) ـ تنوره آن ۶۷۳ فوت عمق دارد ومحیط دور آن ۲ میل ونیم است وکاملا خاموش نشده هنوز بخار ازآن متصاعد است .

کولیما (۱۴۲۳۹ فوت) در این‌گروه آتشفشانیهای متعدد داشته است .

اوری زابا (سیت‌لال ته‌پتل) (۱۸۶۹۶ فوت) .

پاری‌کوتین ابتدا درفوریه ۱۹۴۳ ظاهر شده از زمین سربدر کرد و در مدت کمتر از یك هفته مخروطی بارتفاع ۱۴۰ فوت که محیط دهانه آتشفشان آن ربع میل بود ازآن بوجود آمد . درهمان سال ارتفاع این مخروط به ۱۵۰۰ فوت رسید و در ۱۹۵۲ نیز آتشفشانی کرد.

بوکوئه‌رون (دهان بزرگ) نام تازه‌ترین آتشفشان درنیمکرهٔ غربی‌است که درسپتامبر ۱۹۵۲ درجزیره **سن‌بندیکتو** درحدود ۲۵۰ میل درجنوب کالیفرنیای سفلی کشف گردید .

گواتمالا : سانتاماریاکوئزال تنانگو (۱۲۳۶۱ فوت) درسالهای ۱۹۰۲ تا ۱۹۰۸ و ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۸ پس از قرنها خاموشی درفعالیت بوده است وآن خطرناکترین مخرج فعال آتشفشانی در امریکای مرکزی است . سایرآتشفشانها عبارتند از **تاجومولکو** (۱۳۸۱۴فوت) و**آتیت‌لان** (۱۱۶۳۳فوت) .

السالوادور : ایزالکو معروف به « چراغ دیدبان امریکای مرکزی » ابتدا در سال ۱۷۷۰ بظهور رسید و هنوز هم درحال نمو وبزرك شدن است ـ درسال ۱۹۵۰ و ۱۹۵۶ نیز آتشفشانی کرد .

سن‌سالوادور در ۱۹۲۳ و**کونچاگوئا** دراوایل سال ۱۹۴۷ آتشفشانی کرده وخساراتی وارد ساخت .

نیکاراگوا : آتشفشانهای مهم آن عبارتند از **تلیکا** ، **کوزه‌گوئینا** و مومو‌تومبو ، بین مومو‌تومبو در ساحل باختری دریاچه **ماناگوئا** وکوزه‌گوئینا خلیج **فونسکا** واقع است که در آن بیش از بیست مخروط آتشفشانی دیده میشود که بسیاری از آنها هنوز فعالیت دارند . یکی ازآنها **سررونگرو** است که در ژوئیه ۱۹۴۸ آتشفشانی کرده خسارات مالی و جانی ببار آورد وبار دیگر از ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۰ انفجار یافت .

بخش جنوب خاوری

کلمبیا : هوئیلا (۱۸۷۰۰ فوت) آتشفشانی است که بخارآب بیرون میفرستد و تولیما که ارتفاع آن ۱۷۱۰۹ فوت است انفجار آتشفشان **پوراکه** (۱۵۴۲۰ فوت) در ۱۹۴۹ هفده نفر را تلف کرد .

اکوادور : کوتوپاکسی (۱۹۳۴۴ فوت) شاید بلندترین آتشفشان فعال در جهان باشد و دارای یك رأس مخروطی منظم و زیباست .

کایامبه : (۱۹۱۷۰ فوت) تقریباً روی خط استوا قرارگرفته .

شیلی و آرژانتین : در حدود ۲۵ آتشفشان فعال یا قابل فعالیت در این دو سرزمین وجود دارد . انفجارهای مخرب آنها درسالهای ۱۹۴۸ ، ۱۹۵۵ و ۱۹۶۰ بوقوع پیوست .

جزایر بزرك جهان (بترتیب وسعت)

نام جزیره و وضع سیاسی آن	محل	مساحت بحسب میل مربع
گرینلند (جزء لاینفك سلطنت دانمارك)	اقیانوس اطلس	۸۴۰۰۰۰
گینه نو (بخش باختری آن جزء اندونزی است - بخش شمال خاوری آنرا ملل متحد در تحت قیمومت استرالیا قرارداده و بخش جنوب خاوری آن جزء استرالیاست)	جنوب باختری اقیانوس کبیر	۳۱۶۶۱۵
برنئو (بخش جنوبی آن متعلق به اندونزی و بخش شمالی تحت الحمایه ومستعمره انگلیس)	وسط اقیانوس کبیر	۲۸۶۹۱۴
ماداگاسکار (جمهوری مالاگاسی)	اقیانوس هند	۲۲۷۷۳۷
باف فین (جزء کانادا) شمال باختری	شمال اقیانوس هند	۱۸۳۸۱۰
سوماترا (بخشی از اندونزی)	شمال خاوری اقیانوس هند	۱۸۲۹۵۹
هونشو (یکی ازجزایر اصلی ژاپن)	دریای ژاپن واقیانوس کبیر	۸۸۹۲۵
بریتانیای کبیر (شامل انگلند، اسکاتلند و ویلز)	دریای شمال باختری اروپا	۸۸۱۴۰
الزمیر (جزء کانادا) شمال باختری	اقیانوس منجمد شمالی	۸۲۱۱۹
ویکتوریا (جزء کانادا) شمال باختری	اقیانوس منجمد شمالی	۸۱۹۳۰
سلبس (اندونزی)	باختر اقیانوس کبیر	۷۲۹۸۶
سوت ایلند (زلاند نو)	جنوب اقیانوس کبیر	۵۸۰۹۳
جاوه (اندونزی)	اقیانوس هند	۴۸۹۹۰
نارت ایلند (زلاند نو)	جنوب اقیانوس کبیر	۴۴۲۸۱
کوبا (جمهوری)	دریای کارائیب	۴۴۲۱۸
نیوفوندلاند (کانادا)	شمال اقیانوس اطلس	۴۲۷۳۴
لوزون (یکی ازجزایر اصلی فیلیپین)	باختر اقیانوس کبیر	۴۰۴۲۰
آیسلند (جمهوری)	شمال اقیانوس اطلس	۳۹۷۶۸
مین دانائو (یکی از جزایر فیلیپین)	باختر اقیانوس کبیر	۳۶۵۳۷
آیرلند (بخش جنوبی جمهوری - بخش شمالی جزء سلطنت متحده بریتانیا)	باختر بریتانیای کبیر	۳۲۵۹۵
هوکائیدو (یکی ازجزایر اصلی ژاپن)	دریای ژاپن واقیانوس کبیر	۳۰۳۷۲
هیسپانیولا (بخش خاوری جزء جمهوری دومینیکان بخش باختری جزء هائیتی).	دریای کارائیب	۲۹۳۵۵
تاسمانیا (جزء استرالیا)	جنوب استرالیا	۲۶۲۱۵
سرندیب (عضو ملل مشترك المنافع انگلیس)	اقیانوس هند	۲۵۳۳۲
ساخالین (جزء شوروی)	شمال ژاپن	۲۴۵۶۰
بانکس (جزء کانادا) شمال باختری	اقیانوس منجمد شمالی	۲۳۲۳۰
دوون (جزء کانادا) شمال باختری	اقیانوس منجمد شمالی	۲۰۸۶۱
تیررادل فوئگو (بخش خاوری جزء آرژانتین و بخش باختری جزء شیلی)	نوك جنوبی امریکای جنوبی	۱۸۶۰۵
کیوشو (یکی از جزایر اصلی ژاپن)	دریای ژاپن واقیانوس کبیر	۱۶۲۲۳
ملویل (جزء کانادا) شمال باختری	اقیانوس منجمد شمالی	۱۶۱۴۱
اکسل هیبرگ (جزء کانادا) شمال باختری	اقیانوس منجمد شمالی	۱۵۷۷۹
سوتمپتون (جزء کانادا) شمال باختری	خلیج هودسون	۱۵۷۰۰

بیابانهای عمده جهان

نام بیابان	محل	وسعت تقریبی	ارتفاع تقریبی از سطح دریا
آتاکاما	شیلی شمالی	۴۰۰ میل طول	۷۰۰–۱۳۵۰۰
بلک راک (صخره سیاه)	شمال باختری نوادا	درحدود هزار میل مربع	۲۰۰۰–۵۰۰۰
کلرادو	جنوب باختری کالیفرنی	۲۰۰ میل طول و حداکثر ۵۰ میل عرض	چندفوت بالای سطح دریا–۲۵ فوت زیر سطح دریا
دشت کویر	جنوب باختری دریای خزر – ایران		۲۰۰۰
کویر لوت	شمال خاوری کرمان–ایران		۱۰۰۰
گوبی (شامو)	حاوی بیشتر خاک مغولستان	۳۰۰/۰۰۰ میل مربع	۳۰۰۰–۵۰۰۰
عربستان بزرگ	بیشتر خاک عربستان	۱۵۰۰ میل مربع	
سوریه (الحمد)	شمال سی درجه عرض شمالی		۱۸۵۰
نفود (بیابان سرخ)	جنوب جائوف	درحدود ۸ هزار میل مربع	۳۰۰۰
دهنه	جنوب نفود	۴۰۰ در ۳۰ میل	
ربع الخلی	بخش جنوبی نجد		
استرالیای بزرگ	بخش باختری استرالیا	تقریباً حاوی نصف قاره	۶۰۰–۱۰۰۰
سالت لیک بزرگ (دریاچه نمک)	درباختر دریاچه نمک تا نوادا و یوتاه	۸۰ در ۵۰ میل	۴۵۰۰
کالاهوی	جنوب افریقا بین رودهای اورانژ و زامبزی	۴۰۰ در ۶۰۰ میل یا تقریباً ۱۲۰۰۰۰ میل مربع	بیش از ۳۰۰۰
قره‌قوم (صحرای خیوه)	جنوب باختری ترکستان درجنوب دریاچه ارال	۱۱۰۰۰۰ میل مربع	
قزل‌قوم	ترکستان مرکزی درجنوب خاوری دریاچه ارال	۳۷۰ در ۲۲۰ میل یا در حدود هفتاد هزار میل مربع	۱۶۰ نزدیک ارال تا ۲۰۰۰ درجنوب خاوری
لیبی	خاور صحرا و باختر رود نیل	بیش از ۵۰۰۰۰۰ میل مربع	
موهاوه	شمال کلرادو و درجنوب دره مرگ درجنوب خاوری کالیفرنی	۱۵۰۰۰ میل مربع	۲۰۰۰
نوبی	از دریای سرخ تا انحنای بزرگ باختری نیل		۲۵۰۰
بیابان نقاشی (پین تد)	شمال خاوری اریزونا	۷۵ میل وسعت	فلات بلندان ۵۰۰۰
صحرا	از دولتهای افریقای شمالی تا ۱۵ درجه عرض شمالی و از دریای سرخ تا اقیانوس اطلس	۳۲۰۰ میل بزرگترین طول در سراسر ۲۰ درجه عرض شمالی مساحت بیش از ۳/۵ میلیون میل مربع	۴۴۰ زیر سطح دریا تا ۱۱۰۰۰ بالای آن ارتفاع متوسط ۱۴۰۰–۱۶۰۰
تاکلاماکان	جنوب مرکزی سین کیانگ درحوضه تاریم	۷۰۰ میل طول	
تار (هندی)	بیشتر قسمت راجپوتانا–هند	درحدود ۳۰۰ میل در ۳۸۰ میل	

غارها و مغاره‌های جالب جهان

غار آگ‌تلک : درقصبه‌ای بهمین نام درشمال مجارستان واقع شده ودارای کتیت‌های عظیم وطول غار درحدود ۵ میل است .

غار آلتامیرا : نزدیك **ساندانتر** دراسپانیا که در دیوارها و سقف آن تصاویر حیوانات نقاشی وحکاکی شده و ازآثار هنری عصرحجر قدیم است .

غار آنتی‌پاروس: درجزیره‌ای‌بهمین‌نام درمجمع‌الجزایریونان واقع‌است. استاکتیت‌هائی بطول ۲۰ فوت درآن وجود داردکه دارای رنگهای درخشان واشکال عجیب وغریب است .

غاربلوگروت‌تو : در جزیره **کاپری** ایتالیاست . این غار به سبب عمل موج دائمی در سنگهای آهکی بوجود آمده واکنون بسبب اینکه ساحل به‌آب فرو میرود نصف آنرا آب فرا گرفته است . نام آن بسبب رنگ‌آبی روشن غیرمعمول غار است . نوراین غار ازیك سوراخی در زیرآب وارد میشود و از وسط‌آب میگذرد وفضای غار را روشن میسازد .

غارمغاره‌های کارلسباد : در جنوب خاوری نیومکزیکو واقع است و بزرگترین راهرو زیرزمینی است‌که تاکنون‌کشف شده وعمق‌آنها بترتیب ۷۵۴ و ۹۰۰ و ۱۳۲۰ فوت درزیرسطح اولیه غار قراردارد .

غارفینگال : درجزیره **ستانا** دربرون‌اسکاتلند قراردارد و ۲۰۰ فوت بدرون زمین‌ادامه یافته دارای ستونهای بازالت بارتفاع ۴۰ فوت است .

غار یخی : نزدیك **دوب سینا** در چکسلواکی بسبب بلورهای یخی زیبای آن مورد توجه است .

غارهای ژنولان: درفلات بلومونتین (کوه‌آبی) ویلزجدید دراسترالیا ـ استالاکتیتهای زیبا دارد .

مغاره کنت : نزدیك **تورکوای** انگلستان منبع اطلاعات بسیار در مورد انسان عصر پالئولیتیك است .

مغاره لورای : در لورای جدید در ویرجینیا دارای ستونهای بزرگ استالاکتیت و استالاکمیت با رنگهای متنوع است .

غارماموت : غار سنگ آهکی در**کنتوکی** مرکزی در امریکا که ده میل قطر آن ولی حداقل ۱۵۰ میل طول معبرهای نامنظم زیرزمینی آن درسطوح مختلف است و حرارت هوای آن درحدود ۵۴ درجه فارنهایت (متجاوز از۱۲ درجه سانتیگراد) است .

مغاره پیك یا سوراخ شیطان : در **در بی‌شیر** انگلیس‌که تا۲۲۵۰ فوت بشکم‌کوه فرو میرود وعمیق‌ترین نقطه آن ۶۰۰ فوت زیر سطح آن قرار دارد .

مغاره پوستوژنا (پوستومیا) گروت تو: نزدیك پوستومیا درآلپ‌های ژولیان درحدود ۲۵ میل درشمال خاوری بندر تریست قراردارد وبزرگترین مغاره استالاکتیت در اروپاست ـ رود **پیوکا** دربخشی ازآن جریان دارد . غار دارای استالاکتیت‌های متعدد وزیباست .

غارآوازه‌خوان : درآیسلند غاری از جنس مواد آتشفشانی (لاوا) و نام خود را از انعکاس صدای‌کسانی است‌که درآن آواز میخوانند .

غارباد : در **بلك هیلز** (تپه‌های سیاه) در داکوتای جنوبی درآمریکا این غار از جنس سنگ آهکی است که فاقد استالاکتیت و استالاکمیت میباشد ولی انواع اشکال بلوری موسوم به جعبه‌ها درآن دیده میشود .

غار ویاندوت : در**کرافورد** درجنوب ایالات ایندیانا درآمریکا نیز از جنس سنك‌آهك است ومعبرهای‌آن دارای پنج سطح‌است ویکی ازبزرگترین‌غارهای‌آمریکای شمالی‌است‌ـدراین غاریك‌گروه بارتفاع۱۳۵فوت نیزوجود داردکه یکی‌ازبزرگترین کوههای زیرزمین‌جهان‌است.

دریاچه‌های بزرگ جهان (بترتیب مساحت)

نام و محل وقوع دریاچه	مساحت بحسب میل مربع	طول بحسب میل	حداکثر عمق به فوت	ارتفاع نسبت بسطح دریا
دریای خزر ـ شوروی و ایران	۱۵۲۲۳۹	۷۴۵	۳۲۱۵	۹۲ فوت زیر سطح دریا
سوپریور ـ امریکا کانادا	۳۱۸۲۰	۳۸۳	۱۳۳۳	۶۰۲
ویکتوریا ـ خاور افریقای مرکزی	۲۶۸۲۸	۲۰۰	۲۷۰	۳۷۱۷
ارال ـ شوروی	۲۵۶۵۹	۲۶۶	۲۲۳	۱۶۴
هورون ـ امریکا وکانادا	۲۳۰۱۰	۲۴۷	۷۵۰	۵۸۱
میشیگان ـ امریکا	۲۲۴۰۰	۳۲۱	۹۲۳	۵۸۱
تانگانیکا ـ خاورافریقای مرکزی	۱۲۷۰۰	۴۲۰	۴۷۰۸	۲۵۳۴
بایکال ـ شوروی	۱۲۱۶۲	۳۹۵	۵۷۱۲	۱۴۸۶
گریت بیر (خرس بزرگ) ـ کانادا	۱۲۰۰۰	۲۳۲	۲۷۰	۳۹۱
نیازا ـ جنوب خاوری افریقا	۱۱۶۰۰	۳۶۰	۱۲۲۶	۱۵۵۰
گریت سلیو (بردهٔ بزرگ) کانادا	۱۱۱۷۰	۲۹۸	۵۳۵	۴۹۵
چاد ـ افریقای جنوبی	۹۹۴۶		۲۳	۹۲۲
اری ـ امریکا وکانادا	۹۹۳۰	۲۴۱	۲۱۰	۵۷۲
وینیپگ ـ کانادا	۹۰۹۴	۲۶۴	۲۰۴	۷۱۳
انتاریو ـ امریکا وکانادا	۷۵۲۰	۱۹۳	۷۷۸	۲۴۶
بالکاش ـ شوروی	۷۱۱۵	۳۷۶	۸۷	۱۱۱۲
لادوگا ـ شوروی	۷۰۰۰	۱۲۴	۷۳۸	۵۵
اونگا ـ شوروی	۳۸۱۹	۱۵۴	۳۶۱	۱۰۸
تی‌تی‌کاکا ـ بلیویا و پرو	۳۱۶۱	۱۱۰	۱۲۱۴	۱۲۴۹۷
نیکاراگوئا ـ نیکاراگوئا	۳۰۸۹	۱۱۰	۲۳۰	۱۰۵
اتاباسکا ـ کانادا	۳۰۵۸	۲۰۸	۴۰۷	۶۹۹
رودلف ـ افریقای خاوری	۲۴۷۳	۱۵۲		۱۲۳۰
رین دیر ـ کانادا	۲۴۴۴	۱۵۲		۱۱۵۰
ایسیک کول ـ شوروی	۲۳۹۴	۱۱۳	۲۳۰۳	۵۲۷۹
ارومیه ـ ایران	۲۳۱۷	۸۱	۴۹	۴۱۸۴
وانرن ـ سوئد	۲۱۴۱	۸۷	۳۲۲	۱۴۴
وی‌نی‌پکوسیس ـ کانادا	۲۰۸۶	۱۵۲	۵۹	۸۳۱
البرت ـ یوگاندا ـ افریقا	۲۰۴۶	۱۰۰	۱۸۰	۲۰۳۴
نی‌پی‌گون ـ کانادا	۱۸۷۰	۷۲		۸۵۲
مانی‌توبا ـ کانادا	۱۸۱۷	۱۴۰	۲۲	۷۱۳
گریت سالت ـ امریکا	۱۸۰۰	۷۵	۱۵/۲۵	۴۲۱۸
کوکونور ـ چین	۱۶۳۰	۶۶		۱۰۵۰۵
مورو ـ شمال رودزیا وجمهوری کنگو	۱۶۲۰	۷۵		۳۰۰۰
دوباونت ـ کانادا	۱۶۰۰	۶۹		۵۰۰
وان ـ ترکیه	۱۴۵۳	۷۸		۵۶۴۳

رودخانه‌های عمده جهان

بترتیب طول رودخانه‌ها

نام رود	سرچشمه رود	مصب رود	طول تقریبی بحسب میل
نیل	دریاچه ویکتوریا	دریای مدیترانه	۴۱۵۷
آمازون	دریاچه گلاسیه نده ــ پرو	اقیانوس اطلس	۳۹۱۲
میسی‌سی‌پی ــ میسوری	منبع رود صخره سرخ ــ مونتانا	خلیج مکزیك (دهانهٔ تنگهٔ جنوب باختری)	۳۸۶۰
یانك‌تسه کیانك	فلات تبت	دریای چین	۳۶۰۲
اوب	کوههای آلتائی ــ شوروی	خلیج اوب	۳۴۵۹
رود زرد (هوانگهو)	بخش خاوری کوههای کونین در باختر چین	خلیج چیه‌لی	۲۹۰۰
ینی‌سی	کوههای تان‌نواولا ــ باختر مغولستان	اقیانوس منجمد شمالی	۲۸۰۰
پارانا	اتصال رودهای پارانائیبا وگراند	ریودولاپلاتا (اقیانوس‌اطلس)	۲۷۵۹
ایرتیش	کوههای آلتائی ــ شوروی	روداوب	۲۷۵۷
کنگو	بین دریاچه‌های نیازا وتانگانیکا	اقیانوس اطلس	۲۷۱۶
آمور	اتصال رودهای شیکا (شوروی) و آرگون (منچوری)	بغاز تاتار	۲۷۰۴
لنا	کوههای تان‌نوالا ــ باختر مغولستان	اقیانوس منجمد شمالی	۲۶۵۲
مکنزی	رأس رود فین‌لی ــ کلمبیای انگلیس	دریای بوفورت (اقیانوس منجمد شمالی)	۲۶۳۵
نیجر	مرز سیرالئون	خلیج گینه	۲۶۰۰
مکونگ	فلات مرتفع تبت	دریای جنوبی چین	۲۵۰۰
میسوری	اتصال رودهای جفرسون ومدیسون (مونتانا)	رود می‌سی‌سی‌پی	۲۴۶۶
میسی‌سی‌پی	دریاچه ایتاسکا ــ مینه‌زوتا	خلیج مکزیك	۲۳۴۸
یوکون	ملتقای رودهای لیوزوپللی ــ یوکون	دریای بیرینگ	۳۲۰۰
ولگا	فلات والدائی ــ شوروی	دریای خزر	۲۲۹۱
مادیرا	اتصال رودهای گائوپوره ومائوموره ــ مرز بولیویا و برزیل	رود آمازون	۲۰۱۲
پوروس	جنوب باختری امازوناس ــ برزیل	رود آمازون	۱۹۹۳
سائوفرانسیسکو	جنوب باختری میناس‌گرائس ــ برزیل	اقیانوس اطلس	۱۹۸۷
سن‌لارنس	رود سن‌لوییز ــ مینه زوتا	خلیج سن‌لارنس	۱۹۰۰
ریوگراند	کوههای سن‌ژوان ــ کلرادو	خلیج مکزیك	۱۸۸۵
براهماپوترا	هیمالیا	رود گنگ (خلیج بنگال)	۱۸۰۰
سند(ایندوس)	هیمالیا	دریای عربستان	۱۸۰۰
دانوب	جنگل سیاه ــ آلمان	دریای سیاه	۱۷۶۶
فرات	کوههای دوملوداغ ــ ترکیه	خلیج فارس	۱۷۳۹
دارلینگ	بخش مرکزی فلات خاوری ــ استرالیا	رود مورای	۱۷۰۲

زامبزی	۲۱ ۱۱ جنوبی - ۲۲ ۲۴ خاوری - رودزیای شمالی	اقیانوس هند	۱۷۰۰
توکان تینز	نزدیك پیرنوپولیس - برزیل جنوبی	رودپارا (اقیانوس‌اطلس)	۱۶۷۷
موررای	الپهای‌استرالیائی - وبلزجنوبی‌جدید	اقیانوس‌هند (بخش‌جنوبی)	۱۶۰۹
نلسون	رأس رود بو - البرتای باختری-کانادا	خلیج هودسون	۱۶۰۰
پاراگوئه	ماتوگروسو - برزیل	رود پارانا	۱۵۸۴
اورال	کوههای جنوبی اورال - شوروی	دریای خزر	۱۵۷۴
گنگ	هیمالیا	خلیج بنگال	۱۵۵۷
آمودریا (اوکسوس)(یاسیحون)	سلسله‌کوههای نیکولا در پامیر - شوروی	دریاچه ارال	۱۵۰۰
جایورا	اند - کلمبیا	رود آمازون	۱۵۰۰
سالوین	تبت - کوههای جنوب کونیون	خلیج مارتابان	۱۵۰۰
ارکان ساس	کواورادوی مرکزی	رود می‌سی‌سی‌پی	۱۴۵۰
کولورادو	گراندکونتی - کلرادو	خلیج کالیفرنیا	۱۴۴۰
دنی‌پر	تپه‌های والدائی - شوروی	دریای سیاه	۱۴۱۹
اوهایوالگنی	پوترکونتی - پنسیلوانیا	رود می‌سی‌سی‌پی	۱۳۰۶
ایراوادی	اتصال‌رودهای‌نمائی‌ومالی-شمال‌خاوری‌برمه	خلیج بنگال	۱۳۰۰
اورانژ	باسوتولند	اقیانوس‌اطلس	۱۳۰۰
اوری‌نوکو	سیراپاریما درمرز ونزوئلا وبرزیل	اقیانوس‌اطلس	۱۲۸۱
پیلکومایو	کوردی‌لرای مرکزی - بولیویا	رود پاراگوئه	۱۲۴۲
هسی‌چیانگ	ایالت خاوری یون‌نان - چین	دریای چین	۱۲۳۶
دون	دریاچهٔ ایوان - شوروی	دریای ازوف	۱۲۲۳
سونگاری	مخزن سونگاریت منچوری - چین	رود آمور	۱۲۱۵
کلمبیا	دریاچه‌کلمبیا - کلمبیای انگلیس	اقیانوس‌کبیر	۱۲۱۴
ساس‌کات‌چه‌وان	البرتای باختری - کانادا	دریاچه وینیپگ	۱۲۰۵
پیس (صلح)	کوههای استی‌کین - کلمبیای انگلیس	رودگریت سلیو(بردهٔ‌بزرگ)	۱۱۹۵
دجله	کوههای تاروس - ترکیه	رود فرات(خلیج فارس)	۱۱۸۰

بلندترین آبشارهای جهان

بترتیب ارتفاع ریزش آب

نام آبشار	محل وقوع	نام رودخانه	ارتفاع آبشار بفوت
آنژل	ونزوئلا	شاخهٔ کارونی	۳۲۸۱
توگلا	ناتال - افریقای جنوبی	توگلا	۳۰۰۰
کوکه ناآم	گینه انگلیس	کوکه ناآم	۲۰۰۰
سونزلند	سوت آیلند - زلاندنو	آرتور	۱۹۰۴
ریبون (یوسمیت)	کالیفرنی	کریك که وارد یوسمیت میشود	۱۶۱۲
یوسمیت علیا	کالیفرنی	یوسمیت کریك - شاخهٔ مرسد	۱۴۳۰
گاوارنی	جنوب باختری فرانسه	گاودوپو	۱۳۸۴

تاک کاکا	کلمبیای انگلیس	شاخهٔ یوهو	۱۲۴۸
سیلوراسترند (اشکهای بیوه‌زن) (یوسه‌میت)	کالیفرنی	شاخهٔ مرسد	۱۱۷۰
استائوب باخ	سویس	استائوب باخ (دره‌لونز برون‌تن)	۹۸۴
وت‌تیس	نروژ	مورکدولا	۸۵۳
کینگ ادوارد هشتم	گینه انگلیس	کورانتین	۸۵۰
گرسوپ پا	هند	شاراواتی	۸۲۹
کائی‌تور	گینه انگلیس	پاتارو	۸۲۲
اسکای کجه‌فوس	نروژ	اسکای کجه‌دال (دره درونی هاردانگر فجورد)	۸۲۰
کالامبو	تانگانیکای شمالی ـ رودزیا		
فیری (پری) (کوه راینیرپارك)	واشنگتن	استونس کریك	۷۰۰
ترومل باخ	سویس	ترومل باخ (درهٔ لونزبرون‌تن)	۷۰۰
ته‌وه‌رون	ایتالی	ته‌ور (تیبر)	۶۸۰
کارکاد وسطی (یوسمیت)	کالیفرنی	یوسمیت کریك ـ شاخهٔ مرسد	۶۷۵
مارادالسفوس	نروژ	رودی که به‌اج کیس دالسواند (دریاچه) میریزد	۶۴۳
مالت‌سون‌یان	باسوتولند	کنگوی علیا	۶۳۰
بریدال‌ویل (یوسمیت)	کالیفرنی	یوسمیت کریك	۶۲۰
مولت نوماح	اورگون	مولت نوماح کریك ـ شاخهٔ کولومبیا	۶۲۰
وورینگزفوس	نروژ	بجوریا	۵۹۷
نوادا (یوسمیت)	کالیفرنی	مرسد	۵۹۴
اسکجااگ گدالسفوس	نروژ	تیس‌سو	۵۲۵
ترنی	ایتالیا	ولینو ـ شعبه‌نرا	۵۲۵
تکوئن‌داما	کلمبیا	فونزا ـ شعبه ماگدالنا	۵۱۵
مارینا	گینه انگلیس	شاخه کوری برونگ که شاخه‌ای از پاتارواست	۵۰۰
هاندول	سوئد	هاندولسا	۴۲۷
کینگ جورج	دماغه امید ـ جنوب افریقا	اورانژ	۴۰۰
گوائیرا	پاراگوئه ـ برزیل	پارانا	۳۷۴
ایللی‌لوئت (یوسمیت)	کالیفرنی	ایللوئت کریك ـ شاخهٔ مرسد	۳۷۰
ویکتوریا	رودزیای جنوبی	زام‌بزی	۳۵۵
یوسمیت سفلی	کالیفرنی	یوسمیت	۳۲۰
کومت (کوه‌راینیرپارك)	واشنگتن	وان ترمپ کریك	۳۲۰
یلواستون‌سفلی (سنگ‌زرد)	ویومینگ	یلواستون	۳۱۹
ورنال (یوسمیت)	کالیفرنی	مرسد	۳۱۷
ویرجینیا	کانادا ـ شمال باختری	ناهان‌نی جنوبی ـ شاخهٔ مکنزی	۳۱۵
گراند	لابرادور ـ کانادا	همیلتون	۳۰۲

هفت‌آبشار (سون‌فالز)	کلرادو		۳۰۰
سلوئیس‌کین (کوه رابنیرپارک)	واشنگتن	پارادیز (بهشت)	۳۰۰
رایشن‌باخ	سویس	روزن لائوئی	۳۰۰
چمبرلن	گینه انگلیس		۳۰۰

توضیح : ۱ـ آبشار نیاگارا درایالت نیویورک ـ انتاریو اگرچه حجم آب آن خیلی زیاد است ولی ارتفاع سقوط آب از۱۶۷ فوت تجاوز نمیکند .

۲ـ یوسمیت نام پارک بسیار بزرک ملی جنگلی وکوهستانی است که در آن آبشارهای متعدد وجود دارد و رودهای متعدد ازآن میگذرد .

چشمه‌های آب گرم و جوشان وآب فشان معروف جهان

چشمه‌های آب‌گرم وآب‌فشان دربسیاری از مناطق آتش‌فشانی جهان مانند ژاپون وامریکای جنوبی وجود دارد ولی بیشتر ازهمه در **آیسلند** و **زلاندنو** وپارک‌ملی **یلوستون** (سنگ زرد) امریکا دیده میشود .

درآیسلند : منطقه عمده چشمه‌های آب‌گرم در حدود ۳۰ میل‌درشمال باختری کوه **هکلا** واقع شده که درآنجا بیش از یکصد چشمه آب گرم وفواره‌های آب‌گرم در منطقه‌ئی بمساحت ۲ میل مربع دیده میشود . بیشتر این‌آبهای داغ بمصرف گرم‌کردن شهر **ریک‌جاویک** میرسید وچشمه‌های عمده‌آن بشرح زیر است :

آب‌فشان بزرک «گیسیر» که‌آب را در ستونی‌بارتفاع ۱۶۰ تا ۱۸۰متراز حفره‌ئی که مساحت دورانی ۹ فوت وعمق‌آن ۷۰ فوت است بهوا پرتاب میکند .

اشتروکر (چورن) این چشمه دائماً میجوشد واحیاناً منفجر میشود .

در **زلاندنو ،** چشمه‌های‌بسیار وبحد وفورآبهای‌جوشان ، بخارآب در حال فوران،ومواد لای وگل‌آتش‌فشانی در شمال خاوری دریاچه تائوپودر جزیره شمالی (نارت‌ایلند)وجود دارد، آب‌فشانهای عمده‌آن عبارتند از **وای‌کیت** باستون‌آب بارتفاع ۳۰ تا ۳۵ فوت ، و **پوهوتو** و **وای‌مائوکو** . اکنون برای استفاده‌از بخارهای درحال فوران در تولید نیروی محرک ژنراتور جداً مشغول مطالعه وآزمایش هستند .

در **امریکا** ، تنها ۱۲۰ آب‌فشان در پارک ملی سنگ زرد (یلوستون) درویومینگ وجود داردکه نامگذاری شده ونصف این‌رقم آب‌فشانهائی است که نامگذاری نشده‌بیشتر این‌آب‌فشانها وچهارهزار چشمه‌های‌آب داغ یا بیشتر دربخش باختری این پارک واقع شده که مهم‌ترین آنها بشرح زیر است :

آب‌فشان **نوریس** از ۲۴ آب‌فشان فعال یا بیشتر تشکیل‌شده و تعداد آنها متغیر است. تعداد زیادی از چشمه‌های بخار و چشمه‌های آب داغ وجود دارد . آب فشان **دالنتین** از همه بلندتر است وآب را ۵۰ تا ۷۵ متر ببالا بفواصل ۱۸ ساعت تا ۳ روز یا بیشتر فوران‌میدهد. **مینوته** ۱۵ تا۲۰ مترآب را بفواصل چندین ساعت بالا میفرستد . بقیه عبارتند از **ستیم‌بوت** (کشتی بخار) ، **فیرلس** (بی‌ترس) ، **وتران** ، **ویکسن** ، **کوریوال** ، **وزلی‌جیگ** و**پین‌ویل** .

حوضه‌آب‌فشانهای سفلی دارای حداقل ۱۸ آب‌فشان است : **فون‌تین**آب را بارتفاع ۵۰ تا ۸۵ فوت بتمام جهات و بفواصل غیر قابل پیشگوئی پرتاب میکند .

کاپ‌سیدرا با شدت از چهار سوراخ منفجر میشود وآب را بارتفاع ۳۰ فوت میرساند .

گرت‌فون‌تین هر ۸ تا ۱۵ ساعت‌آب را از ۳ تا ۹۰ فوت فوران میدهد .

حوزه آب‌فشان **میدوی** مقدار زیادی بخارهای الوان برنگ قرمز ، تاریخی ، ارغوانی و**سایررنگها** پراکنده میکند درآن حوزه دریاچه‌ها وچشمه‌هائی وجود دارد که ازآن جمله‌است چشمه‌قوس‌قزح بزرگ (بریسماتیك)، ودیگر **اکسلسیور** که‌آب جوش‌ازآن فوران میکند وورودی ازآن بمیزان جریان ۶ فوت مکعب در ثانیه تشکیل میگردد .

جانیت (دیو) آب را تا ۲۰۰ فوت‌بفواصل دو روز ونیم‌تا۳ روز فوران میدهد ومدت فوران یکساعت ونیم طول میکشد .

دیزی آب را بارتفاع ۷۵ فوت‌میفرستدولی نظم وترتیبی ندارد غالباً فعالیت نمیکند .

اولدفیت‌فول (وفادارقدیمی)ستونی ازآب تشکیل‌میدهدکه ارتفاع‌آن از۱۱۶ تا ۱۷۵ فوت تغییر میکند ودر فواصل ۶۵ دقیقه فوران نموده‌مدت ۴ دقیقه فوران‌آن بطول میانجامد ودر این مدت‌کم ۱۲۰۰۰ گالون‌آب ازآن خارج میشود .

جایانتس بندرت منفجر میشود ولی درخلاف فعالت خودآب را بارتفاع ۱۵۰ تا ۲۰۰ فوت میرساند .

لاینس‌گروپ (گروه‌شیر) ، آب را درهر ۲ تا ۴ روز بارتفاع ۶۰فوت میرساند .

کاسل (قلعه) معمولا روزی دو مرتبه تا ارتفاع ۷۵ فوت‌آب فشانی‌میکند .

چشمه‌های‌آب **ماموت** ، در این منطقه آب‌فشان (گیسر وجود ندارد ولی چشمه‌های آب گرم معدنی جوشان با بخار زیاد است و تمام این منطقه پوشیده از **آنگ** (خزه)های باالوان مختلف است .

حداقل و حداکثر درجه حرارت کشورها

حداکثردرسایه ، ۱۳۶ درجه فارنهایت(۵۸ درجه سانتیگراد بالای صفر) در عزیزیه در لیبی شمال افریقا .

درامریکا ، ۱۳۴ درجه فارنهایت در دره مرگ‌کالیفرنی ــ در ۱۰ ژوئیه ۱۹۱۳ .

حداقل ، منتهای ۱۲۶/۹ درجه فارنهایت (زیر صفر ۸۸/۳ سانتی‌گراد زیر صفر) در ووستوك نزدیك قلب مغناطیسی جنو ـ انتارکتیکا ــ در ۲۴ اوت ۱۹۶۰ .

درسیبری ، منتهای ۸۹/۹ درجه فارنهایت درآی‌مکون در ۶ فوریه ۱۹۳۳ .

ومنتهای ۸۹/۷ درجه فارنهایت در ورخویانسك در ۷/۵ فوریه ۱۸۹۲ .

در امریکا منتهای ۷۰ فارنهایت در تنگه راجزر در مونتانا ــ .ر ۲۰ ژانویه ۱۹۵۴.

حداکثر معدل درجه حرارت سالیانه در جهان

۸۸ درجه فارنهایت‌درلیو ــ سومالی ـ افریقا حد متوسط ۱۳ ساله از ۱۹۲۳تا۲۹۵۴

حداقل معدل سالیانه حرارت درجهان .

۶۷/۷ درجه فارنهایت در ووستوك ــ قاره‌قطب جنوب در ۷۸ درجه و۲۷ دقیقه عرض جنوبی و ۱۰۶ درجه و ۵۲ دقیقه طول شرقی از ژانویه ۱۹۵۸ تا دسامبر ۱۹۵۹ .

حداکثر بارندگی در۲۴ ساعت درجهان .

۴۶ اینچ در باگویو ــ لوزون ــ فیلیپین ــ ۱۴ تا ۱۵ ژوئیه ۱۹۱۱ .

حداکثر بارندگی در یك ماه درجهان .

۳۶۶/۱۴ اینچ در چراپونجی ـ هند در ژوئیه ۱۸۶۱ (در ۵ روز متوالی در اوت ۱۸۴۱ بیش از ۱۵۰ اینچ باران بارید) .

حداکثر بارندگی در یك درجهان ،

۴۶۰ اینچ دوکوه والیائیل‌ـجزیره کائوائی ـ از جزائرهاوائی ــ در ۱۹۱۲تا۱۹۵۸

و ۴۵۰ اینچ در چراپونجی ـ هند معدل ۷۴ سال .

حداقل بارندگی سالیانه جهان .

۰/۰۲ اینچ درآریکا ـ شیلی ـ معدل ۴۳ سال .

درشت ترین تگرگ درامریکا .

بوزن یك رطل ونیم در پوتر ـ نبراسکا در ۶ ژوئیه ۱۹۲۸ .

بزرگترین نزول برف دریك فصل درامریکا :

۱۰۰۰/۳ اینچ در پارادیزرینجر ـ رینیرپارك ـ واشنگتن در ۱۹۵۵ .

سدهای بزرك جهان «بترتیب ارتفاع»

حداکثر ارتفاع بحسب فوت	نام سد	محل سد	ظرفیت مخزن سد بحسب اکر ـ فوت
۸۷۳	وایونت	رود پیاو ـ ایتالیا	
۷۸۰	مووو تازن	رود درانس ـ سویس	
۷۸۰	تاکی‌ین	رود تاکیا ـ تائیوان	
۷۴۰	بهاکرا	رود سوتلک ـ هند	۷/۴۰۰/۰۰۰
۷۲۶	هوور	رود کولورادو ـ اریزونا ـ نوادا	۲۹/۸۲۷/۰۰۰
۶۰۲	شاستا	رود ساکرامنتو ـ کالیفرنیا	۴/۵۰۰/۰۰۰
۵۹۲	تینی	رودایزر ـ فرانسه	
۵۶۴	هنگری‌هارس(اسب گرسنه)	رور فلت‌هد ـ مونتانا ـ امریکا	۳/۴۶۸/۰۰۰
۵۵۰	گراند کولی	رود کلمبیا ـ واشنگتن	۱/۴۰۵/۰۰۰
۴۵۰	رآس	رود سکاکیت ـ واشنگتن	۹/۴۰۲/۰۰۰
۵۳۷	تری‌نی‌تی	رود تری‌نیتی ـ کالیفرنی	۲/۵۰۰/۰۰۰
۵۲۵	لی‌ین	رود رون ـ سویس	
۴۸۰	فونتانا	رود تنسی کوچك ـ کارولینای شمالی	۱/۴۴۴/۰۰۰
۴۶۵	لوئربیکر	رود بیکر ـ واشنگتن	۱۳۰/۰۰۰
۴۵۶	اندرسون‌رنج	رود بواز ـ ایداهو	۴۹۳/۲۰۰
۴۵۴	دیترایت	رود سانتیام شمالی ـ اورگون	۴۵۵/۰۰۰
۴۵۰	شامبون	رود رومانش ـ فرانسه	۱۳/۰۰۰
۴۵۰	واراگامبا	رود ویلزجنوبی جدید ـ استرالیا	۱/۴۱۱/۶۹۲
۴۴۰	بین‌العویدین	وادی‌العبید ـ مراکش	۱/۲۰۰/۹۰۰
۴۳۰	پاین‌فلت	رود کینگز ـ کالیفرنی	۱/۰۰۰/۰۰۰
۴۳۰	اوشانسی	رود تولومنه ـ کالیفرنی	۳۶۰/۳۶۰
۴۲۵	مدمونتین	رودوایت ـ واشنگتن	۱۰۶/۰۰۰
۴۲۰	کاریبا	رودزامبری ـ رودزیای جنوبی	۱۳۰/۰۰۰/۰۰۰
۴۱۷	اووهی	رود اووی‌هی ـ اورگون	۱/۱۲۰/۰۰۰
۳۹۵	برون‌لی	رود اسنیك ـ (مار) ـ ایداهو	۱/۴۷۰/۰۰۰
۳۹۴	لیم‌برگ	رود سالزاخ ـ اطریش	۶۶/۵۰۰

۳۹۴	سوته	رود دواك ـ در فرانسه	۱۰۶/۰۰۰
۳۹۰	آدامینابی	رود اکوم‌بن ـ استرالیا	۳/۵۰۰/۰۰۰
۳۸۹	دیابلو	رود سکاگیت ـ واشنگتن	۶/۰۰۰/۰۰۰
۳۸۳	ناواجو	رود سن‌ژوان ـ نیومکزیکو	۱/۷۱۲/۰۰۰
۳۰۸	دکان	رود زاب کوچك ـ عراق	۵/۵۰۹/۶۵۰
۳۷۷	کاستلودوبوده	رود ززر ـ پرتقال	۸۹۳/۲۰۰
۳۷۵	موریس	رود سن‌گابریل ـ کالیفرنیا	۳۵/۱۷۱
۳۷۳	گریمسل	رود آر ـ سویس	۸۱/۰۰۰
۳۶۸	آن‌سیپا	رود تروئینا ـ ایتالیا	۲۴/۶۰۰
۳۶۵	مانگلا	رود جلوم ـ پاکستان	۳/۵۰۰/۰۰۰
۳۶۰	ساریار	رود سکریار ـ ترکیه	۱/۵۴۰/۰۰۰
۳۶۰	کمر (بکسر کاف‌ومیم)	رود الکای ـ ترکیه	
۳۵۸	پردی	رود موکه‌لومنه ـ کالیفرنی	۲۲۲/۰۰۰
۳۵۰	اروروك	رود بواز ـ ایداهو	۲۸۶/۰۰۰
۳۴۵	ژنی‌سیات	رود رون ـ فرانسه	۴۰۰/۰۰۰
۳۴۰	فولسوم	رود امریکان ـ کالیفرنی	۱/۰۱۰/۰۰۰
۳۴۰	اوبه‌دار	رودآر ـ سویس	
۳۴۰	گراس	بولدرکریك‌جنوبی ـ کلرادو	۴۲/۰۰۰
۳۴۰	لکی‌پیك	رود بواز ایداهو	۳۰۶/۰۰۰
۳۳۸	هیلزکریك	رود ویللامت ـ اروگون	۳۵۶/۰۰۰
۳۳۸	کاماراسا	رود موگوئراپاللاررا ـ اسپانیا	۸۹/۰۰۰
۳۳۰	آلدر	رود نیس‌کوالی ـ واشنگتن	۲۳۲/۰۰۰
۳۳۰	چری‌والی	رود چری‌کریك ـ کالیفرنیا	۲۶۸/۲۰۰
۳۲۸	سالت‌اسپرینگز	رود موکلومنه ـ نارك‌فورك	۱۳۹/۴۰۰
۳۲۶	اکس‌چکس	رود مرسد ـ کالیفرنی	۲۸۱/۳۰۰
۳۲۵	بوفالوبیل	رود شوشون ـ ویومینگ	۴۳۹/۸۰۰
۳۲۲	ییل	رود لویس ـ واشنگتن	۵۹۰/۲۸۹
۳۲۰	پارکر	رودکلرادو ـ اریزونا ـ کالیفرنی	۷۱۶/۰۰۰
۳۱۹	فریانت	رود سن‌جوئیم ـ کالیفرنی	۵۲۰/۵۰۰
۳۱۸	واتوگا	رود واتوگا ـ تنی	۷۷۸/۸۰۰
۳۱۳	مروین	رود لویس ـ واشنگتن ـ اورگان	۶۵۰/۲۰۰
۳۱۰	سلطان شماره ۱	رود سلطان ـ واشنگتن	۳۳۴/۳۰۰
۳۰۷	هیواسی	رود هیواسی ـ کارولینای شمالی	۴۳۸/۰۰۰
۳۰۵	هارس‌مسا	سالت‌ریور ـ اریزونا	۲۴۵/۱۰۰
۳۰۲	ال‌پالمیتو	رود نازاس ـ مکزیك	۳/۲۶۲/۷۰۰
۳۰۱	الفنت‌بوت	رودگرانذ ـ نیومکزیکو	۲/۱۸۵/۴۰۰
۲۰۱	بیکرعلیا	رود بیکر ـ واشنگتن	۲۹۸/۰۰۰
۳۰۰	سن‌گلاکومودیفرائل	رود آدآ ـ ایتالیا	۵۲/۰۰۰

توضیح : سدهای بزرگ زیر اکنون دردست ساختمان هستند و هنوز ارتفاع آنها معلوم

نیست لذا در فهرست بالا نیامده است :

گراندیکن ـ سویس‌براتك ـ سیبری ، روسلند ـ فرانسه ، نورك ـ شوروی، یانهی- تایلند آسوان ـ مصر .

تاریخ اکتشافات جغرافیائی ودیدارهای تاریخی نقاط کره‌زمین

نام‌مکان یا کشور	نام کاشف یا دیدار کننده		تاریخ
افریقا			
سیرالئون	حانو ـ دریانورد کارتاژی	دیدار	۵۲۰ ق . م
رود کنگو	کائو ـ دریانورد پرتقالی	دهانه آنرا کشف کرد	۱۴۸۴ ب . م
دماغهٔ امید	بارتولمیودیاز ـ دریانورد پرتقالی بدوران گشت و برگشت		۱۴۸۸
رود گامبیا	مونگوپارك ـ جهانگرد اسکاتلندی دیدار		۱۷۹۵
صحرای افریقا	دنهام و کلاپرتون ـ جهانگرد انگلیسی از آن عبور کرد		۲۳ ـ ۱۸۲۲
رود زامبزی	لیوینگستون ـ جهانگرد انگلیسی اکتشاف		۱۸۵۱
سودان	بارت ـ جهانگرد آلمانی	دیدار	۵۵ ـ ۱۸۵۲
آبشار ویکتوریا	لیوینگستون	اکتشاف	۱۸۵۵
دریاچه تانگانیکا	برنون ـ و ـ اسپك جهانگردان انگلیسی اکتشاف		۱۸۵۸
رود کنگو	استانلی ـ جهانگرد انگلیسی	دنباله آن کشف شد	۱۸۷۷
آسیا			
پنجاب (هند)	اسکندر	دیدار	۳۲۷ ق م
چین	مارکوپولو ـ جهانگرد ایتالیائی	دیدار	۱۲۷۲ ق . م
تبت	اودوریك ـ راهب ایتالیائی	دیدار	۱۳۲۵
چین‌جنوبی	کونتی ـ حادثه‌جوی ایتالیائی	دیدار	۱۴۴۰
هند	واسکودوگاما ـ دریانورد پرتقالی از راه دماغهٔ امید		۱۴۹۸
ژاپون	سن‌فرانسیس اگزاویر ـ اسپانیولی دیدار		۱۴۵۹
عربستان	نیبور ـ جهانگرد آلمانی	دیدار	۱۷۶۲
چین	ریشتوفن ـ دانشمند آلمانی	دیدار	۱۸۶۸
مغولستان	پره‌والسکی ـ جهانگرد روسی	دیدار	۷۳ ـ ۱۸۷۰
آسیای مرکزی	هدین ـ دانشمند سوئدی	دیدار	۱۹۰۸ ـ ۱۸۹۰
اروپا			
جزائر شتلند	پیتیاس از اهل ماسیلیا (مارسی امروز) دیدار		۳۲۵ ق . م
دماغهٔ شمالی	اوت‌تار ـ جهانگردی نروژی	بدوران گشت	۸۷۰ ب . م

ایسلند	اشراف نروژی	آنرا مستعمره کردند	۸۹۰ - ۹۰۰

امریکای شمالی

گرین‌لند	اریك ـ دریانورد نروژی	آنرا مستعمره کرد	۹۸۵
لابرادور (نوا-اسکوتیا)	لیف اریکسون . جهانگرد نروژی	اکتشاف	۱۰۰۰
جزائر هند غربی	کریستف کلمب ـ دریانورد ایتالیائی	اکتشاف	۱۴۹۲
سواحل شرقی امریکای شمالی	جان کابوت از طرف انگلستان	اکتشاف	۱۴۹۷
اقیانوس آرام	بال‌بوئا ـ جهانگرد اسپانیولی	اکتشاف	۱۵۱۳
فلوریدا	پونس‌دولئون ـ جهانگرد اسپانیولی	دیدار	۱۵۱۳
مکزیك	کورتز ـ حادثه‌جوی اسپانیولی	فتح کرد	۱۵۱۹
رود سن‌لارنس	کارتیه ـ دریانورد فرانسوی	اکتشاف	۱۵۳۴
جنوب باختری امریکای شمالی	کورونادو ـ جهانگرد اسپانیولی	دیدار	۱۵۴۰ ـ ۴۲
رود کلرادو	الارکون ـ جهانگرد اسپانولی	اکتشاف	۱۵۴۰
رود می‌سی‌سی‌پی	هرناندودسوتو ـ جهانگرد اسپانیولی	اکتشاف	۱۵۴۱
خلیج فروبیشر	فروبیشر ـ دریانوردی انگلیسی	اکتشاف	۱۵۷۶
ساحل ماین	شامپلین ـ جهانگرد فرانسوی	دیدار	۱۶۰۵
جیمز تون	اسمیت ـ مستعمره یاب انگلیسی	مسکون گردید	۱۶۰۷
رودخانه هودسن	هودسون ـ دریانورد انگلیسی	دیدار	۱۶۰۹
خلیج هودسن (کانادا)	هودسون	اکتشاف	۱۶۱۰
جلیج بافین	بافین ـ دریانورد انگلیسی	اکتشاف	۱۶۱۶
دریاچه میشیگان	نیکولت ـ جهانگر فرانسوی	با کشتی پیمود	۱۶۳۴
رود ارکانساس	مارکوئت و ژولیت جهانگردان فرانسوی	اکتشاف	۱۶۷۳
رود می‌سی‌سی‌پی	لاسال جهانگرد فرانسوی	دیدار	۱۶۸۲
بغاز بیرینگ	بیرینگ ـ جهانگرد فرانسوی	اکتشاف	۱۷۲۸
آلاسکا	بیرینگ	اکتشاف	۱۷۴۰
رودمکنزی (کانادا)	مکنزی ـ جهانگرد اسکاتلندی کانادائی	اکتشاف	۱۷۸۹
شمال باختری کشورهای متحده امریکا	لویس و کلارك	دیدار	۱۸۰۴ـ۱۸۰۶
معبر شمال خاوری بطرف اقیانوس منجمد شمالی	نورنساك شولد جهانگرد سوئدی	باکشتی پیمود	۱۸۷۹
گرین‌لند	پیری جهانگرد امریکائی	دیدار	۱۸۹۲

معبر شمال باختری	آموندسن جهانگرد نروژی	با کشتی پیمود	۱۹۰۶

امریکای جنوبی

اصل قارهٔ امریکای جنوبی			
	کلمب دریانورد ایتالیائی	دیدار	۱۴۹۸
برزیل	کابرال ، جهانگرد پرتقالی	اکتشاف	۱۵۰۰
پرو	پیزاررو ، جهانگرد اسپانیوالی	فتح کرد	۱۵۳۲ـ۳۳
رود آمازون	اورلانا جهانگرد اسپانیولی	دیدار	۱۵۴۱
دماغه هورن	شوتن ــ دریانورد هلندی	اکتشاف	۱۶۱۵

اقیانوسیه

گینه جدید	منهزس ـ جهانگرد پرتقالی	دیدار	۱۵۲۶
استرالیا	جانسز ــ جهانگرد هلندی	دیدار	۱۶۰۶
تاسمانیا	تاسمان دریانورد هلندی	دیدار	۱۶۴۲
استرالیا	استورت جهانگرد انگلیسی	دیدار و تحقیق	۱۸۲۸
استرالیا	برك وویلزجهانگردان استرالیائی	دیدار و تحقیق	۱۸۶۱

قطب شمال ، قطب جنوب و نقاط پراکندهٔ زمین

اقیانوس پیمائی	کشتیهای ماژلان که کره زمین را دور زدند (هیئت دریانوردان)		۱۵۱۹ـ۲۲
اسپیتز برگن	بارنتز دریانورد هلندی	دیدار	۱۵۹۶
مدار قطب جنوب	کوك دریانورد انگلیسی	عبور کرد	۱۷۷۳
قارهٔ قطب جنوب	پالمر جهانگرد امریکائی (مجمع الجزایر) بلینگ شائوسن دریانورد روسی (سرزمین اکتشاف اصلی)		۱۸۲۰ـ۲۱
قارهٔ قطب	ویلکز جهانگرد امریکائی	دیدار و تحقیق	۱۸۴۰
قطب شمال	پیری جهانگرد امریکائی	اکتشاف	۱۹۰۹
قطب جنوب	آموندسن جهانگرد نروژی	اکتشاف	۱۹۱۱


نقشه کامل و مفصل
اقیانوس کبیر
اقیانوس کبیر
استرالیا
دریای فیلیپین
دریای تاسمانی

DATE LABEL



شرکت جغرافیائی و کارتوگرافی ایران



شرکت جغرافیائی و کارتوگرافی ایران



شرکت جغرافیائی و کارتوگرافی ایران



شرکت جغرافیائی و کارتوگرافی ایران

توضیح مختصری راجع به اوضاع طبیعی ایران

کشور شاهنشاهی ایران در قسمت باختری قاره آسیا بین ۲۵ تا ۴۰ درجه عرض شمالی و ۴۴ تا ۶۴ درجه طول خاوری از نصف النهار گرنیویچ قرار دارد ·

وسعت کشور ایران ۱/۶۴۸/۱۹۸ کیلو متر مربع یعنی حدود ۷ برابر انگلستان و تقریبا ۳ برابر خاک فرانسه و قریب ۵ برابر ایتالیا میباشد ·

کوههای ایران متعلق بدوران سوم زمین شناسی است که به رشته های مهم زیر تقسیم گردیده است ·

۱ ـ رشته کوههای شمالی (آذربایجان ـ البرز ـ خراسان ـ) میباشند که مهمترین آنها عبارتند از سهند ـ سبلان ـ رشته البرز ـ (بلندترین قله آن دماوند با ۵۶۷۱ متر ارتفاع) ـ طالش ـ توچال ـ فیروز کوه ـ سواد کوه ـ بینالود ـ آلاداغ هزار مسجد ـ

۲ ـ رشته کوههای جنوبی (جنوب فارس تا جنوب بلوچستان) عبارتند از شیب کوه ـ سنگستان ـ لارستان ـ بشاگرد ـ چشمه گل ـ کوه تابوس

۳ ـ رشته کوههای خاوری (خراسان تا بلوچستان) مهمترین آنها عبارتند از پلنگان ـ بم پشت ـ باخرز ـ ایرافشان کلسر

۴ ـ رشته کوههای باختری (کوههای زاگرس) مهمترین آنها عبارتند از ـ بیستون ـ بختیاری ـ زرد کوه ـ چهل چشمه پشت کوه ـ پیش کوه ـ الوند ـ اشتران ـ کهگیلویه

۵ ـ کوههای مرکزی که مهمترین آنها عبارتند از ـ قافلان کوه ـ کرکس ـ بنان ـ بارز ـ تفتان ـ شیرکوه ـ شاه زنده قراداغ

رودهای ایران اغلب پر آب نیست و فقط رود کارون است که قابل کشتیرانی میباشد از مهمترین رودهای ایران ـ کارون ـ ارک سفید رود ـ کرخه ـ زاینده رود ـ تجن ـ قره سو ـ قزل اوزن ـ جراحی ـ مهران ـ موند ـ کشف رود ـ هیرمند ـ هلیل رود ـ بمپور ـ رود کر ـ زرینه رود ـ سیمینه رود ـ گرگان رود ـ زنجان رود ـ کرج آبخرسان میباشند ·

دریاچه های مهم ـ رضائیه ـ دریاچه نمک ـ هامون ـ پریشان ـ مهارلو ـ میباشند ·

DATE LABEL



شرکت جغرافیائی و کارتوگرافی ایران



شرکت جغرافیائی و کارتوگرافی ایران

DATE LABEL



شرکت جغرافیائی و کارتوگرافی ایران



وسعت : ۴۲ میلیون کیلومتر مربع
جمعیت : ۲۵۷ر۰۰۰ر۰۰۰

صادرات عمده : مصنوعات فلزی - شکرونفت
شهر بزرگ : نیویورک



اروپا

وسعت : ۱۰ میلیون کیلومتر مربع
جمعیت : ۵۶۵٫۰۰۰٫۰۰۰
شهر بزرگ : لندن
بلندترین نقطه : مُبلان

استرالیا

وسعت ۷٫۷۰۰٫۰۰۰ کیلومتر مربع
جمعیت ۱۰٫۶۱۱٫۰۰۰ نفر
شهر بزرگ ملبورن
صادرات : محصولات کشاورزی



اوروپا
ایسلند
اقیانوس منجمد شمالی
اقیانوس اطلس
ایرلند
برتانیا
نروژ
سوئد
فنلاند
قسمت اروپائی جماهیر شوروی
روسیه سفید
اوکرائین
لهستان
آلمان
چکسلواکی
اطریش
هنگری
فرانسه
اسپانیا
پرتقال
ایتالیا
یوگوسلاوی
رومانی
بلغارستان
یونان
آلبانی
قفقاز
ارمنستان
مدیترانه
باب جبل الطارق



افریقا

جمعیت : ۲۲۵،۰۰۰،۰۰۰
وسعت : ۳۰،۳۰۰،۰۰۰ کیلومتر مربع

بلندترین نقطه : کیلیمانجارو
صادرات عمده : طلا ، نفت ، عاج ، فلات

شمه‌ای درباره جغرافیای طبیعی ایران

کشور ایران بین ۲۵ تا ۴۰ درجه عرض شمالی قرار گرفته‌است. مساحت آن ۱۶۴۵۰۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن مطابق تقریباً سرشماری در سال ۱۳۴۶ ۲۷/۰۰۰/۰۰۰ نفر است.

حدود- ایران محدود است ازشمال به قفقاز، دریای خزر وترکمنستان شوروی ازمشرق به‌افغانستان و پاکستان، ازجنوب به خلیج فارس و دریای عمان و از مغرب به ترکیه و عراق.

کوهها- درحدود چهارپنجم ازسطح کشور ما را کوههای‌مرتفع فراگرفته است. اطراف فلات ایران را رشته جبالی احاطه‌کرده است‌که بلندترین این رشته جبال درشمال وجنوب‌غربی قرارگرفته‌اند. کوههای شمالی ایران از شمال خراسان بسوی مغرب‌کشیده شده. رشته جبال البرزکه در سواحل بحرخزر قراردارد و ناحیهٔ ساحلی را ازکویر جدا میسازد، عظیم‌ترین و بلندترین سلسله جبال‌ایران را تشکیل میدهد. بلندترین قلهٔ این جبال دماوند است‌که‌ارتفاع آن ۵۶۰۴ متر میباشد واین قله بلندترین نقطهٔ فلات ایران می‌باشد. درجنوب وجنوب‌غربی ایران‌کوههائی بموازات خلیج فارس‌کشیده شده است‌که عبارتند از جبال پشتکوه و زاگرس و مکران. درشمال غربی‌کوههای آذربایجان وکردستان قراردارند. مهمترین قله‌های‌آذربایجان سبلان (۴۸۲۱ متر) و سهند (۳۷۲۲ متر) می‌باشد. کوههای شرقی که ازکوههای افغانستان منشعب میشوند عبارتند ازکوههای قائن و پلنگان در جنوب شرقی کوه‌های آتشفشانی سرحدی قراردارد که قسمتی ازآنها تا پاکستان امتداد پیدا میکند. مهمترین قلل مخروطی آتشفشانی این جبال، قلهٔ تفتان (۴۰۴۲ متر) وکوه برفان (۳۸۴۹ متر) می‌باشد:

مهمترین‌کوههای مرتفع ایران وارتفاع آنها ازسطح دریا بشرح زیر می‌باشند:

۱ــ دماوند (البرز)	۵۶۰۴ متر
۲ــ تخت سلیمان(البرز)	۴۸۲۳ »
۳ــ اشتران‌کوه (کوههای بختیاری)	۴۷۰۰ »
۴ــ کرو کوه (کوههای بختیاری)	۴۵۰۰ »
۵ــ کوه کرپوش (زاگروس)	۴۲۹۴ »
۶ــ کوه دینار (زاگروس)	۴۲۷۶ »
۷ــ سبلان داغ (آذربایجان)	۴۸۲۰ »
۸ــ کوه لاله‌زار (قهرود)	۴۳۷۴ »
۹ــ کوه هزار (کوه بنان)	۴۴۲۰ »
۱۰ــ کوه تفتان (کوه سرحد)	۴۰۴۲ »
۱۱ــ شیرکوه (قهرود)	۳۰۷۵ »
۱۲ــ کوه بل (رشته جنوبی)	۳۹۶۶ »
۱۳ــ کوه سه‌قوچ (کوه بنان)	۳۹۹۳ »

۱۴ـ سهند (آذربایجان) « ۳۷۲۲
۱۵ـ کوه بینالود (نیشابور) « ۳۳۲۲

بطورکلی از نقطه نظر زمین‌شناسی ایران بچهار ناحیه تقسیم می‌گردد :

۱ـ ناحیهٔ چین‌خورده شمالی که شامل کوههای آذربایجان، البرز وکوههای خراسان است.
۲ـ میانکوه یا فرورفتگیهای ایران مرکزی .
۳ـ قوس چین‌خوردگی جنوبی که میانکوه را ازسمت جنوب محدود میسازد .
۴ـ ناحیه جنوبی که درکرانه‌های خلیج فارس قرار گرفته است .

آب وهوا ـ از لحاظ آب وهوا کشورایران رامیتوان به هفت منطقه تقسیم کرد :

۱ـ منطقه کرانه‌های دریای خزر دارای آب و هوای گرم مرطوب میباشد. این قسمت شامل گیلان، مازندران و گرگان میباشد. میزان بارندگی سالیانه دراین ناحیه بیش از ۱۵۰۰ میلیمتراست . درجهٔ متوسط حرارت دربهلوی ۲۵ر۴ و در گرگان ۲۵ر۸ است حداکثر درجهٔ حرارت درتابستان به ۴۰ میرسد.

۲ـ منطقه استپ کوهی وجنگل کوهی گرمسیری مغرب ایران که شامل لرستان و آذربایجان است . میزان بارندگی دراین نواحی سالیانه از ۵۰۰ تا ۲۰۰ میلیمتر می‌باشد. حداکثر بارندگی درزمستان و بهاراست . گرمای ماههای وسط تابستان به ۲۵ درجه میرسد وسرمای زمستان زیر صفر میباشد. آب وهوای آذربایجان خشکتر از لرستان است ومیزان بارندگی سالانه در حدود ۳۰۰ میلیمتراست و از این جهت آنرا باید جزو استپ‌های خشك کوهی دانست زمستان در آذربایجان سردتر است .

۳ـ منطقه نیمه کویری کوهی شمال وشمال شرقی که شامل رشته جبال شمالی و شرقی و کوههائیست که دشت کویر رااز ۳۲ تا ۳۸ درجهٔ عرض شمالی فراگرفته است. آب وهوای این نواحی کاملا بری بوده واختلاف درجهٔ حرارت روزوشب وتابستان وزمستان بسیارزیاد می‌باشد. حداکثردرجهٔ حرارت به ۴۲ و۴۳ درجه میرسد ولی‌شبها قابل تحمل است مقدار بارندگی خیلی کم بوده و ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیمتر درسال میباشد.

۴ـ منطقه خشك گرمسیری جنوب ایران شامل نواحی کوهستانی است که دشت کویر رااز سمت جنوب محدود میسازد. حرارت متوسط سالیانه این نواحی ۱۷ درجه (کرمان) میباشد و بارندگی سالیانه نزدیك ۱۰۰ میلیمتراست حداکثربارندگی درزمستان وبهارمیباشد. زمستان دراین نواحی کوتاه وملایم است درجهٔ حرارت متوسط دردیماه بالاتر ازصفرودریزد ۲ تا ۳ ودر کرمان ۴ تا ۵ درجه میباشد. تابستان دراین نواحی بسیارگرم وحداکثرحرارت تا ۴۵ و ۴۷ درجه میرسد . در بیابانها طوفانهای سخت شنی میوزد وهنگام طوفان شن خورشید برنگ مس درمی‌آید.

۵ ـ منطقه گرمسیری دشتها که شامل کویر، دشت‌لوت‌هامونهای سیستان وفرورفتگی‌های گاوخانه وشوراب میباشد. اختلاف درجهٔ حرارت روزوشب شدید ورطوبت هوا و مقدار بارندگی بسیارکم است (سالیانه کمتر از ۱۰۰ میلیمتر درکویر ودشت لوت میباشد) . بادهائی داغ خشك وسوزان بعضی ازقسمتهای این‌نواحی طاقت فرساست .

۶ـ منطقه گرمسیری‌خشك دشت گرگان واترك مابین رودخانه‌های قراسو واترك قراردارد. زمستان این ناحیه نسبتاً ملایم وحداقل‌حرارت ۱۰ درجه است حداکثردرجهٔ حرارت درتابستان تا ۴۳ درجه درسایه میرسد.

۷ـ منطقه بیابانی گرمسیر کرانه‌های خلیج فارس‌ودریای عمان . ازمشخصات این‌نواحی بی ترتیبی‌درجه حرارت وبارندگی می‌باشد. دراین نواحی سال بدوفصل تابستان (فصل‌خشکی)

وزمستان (فصل بارندگی) تقسیم‌میشود. حداکثرحرارت به ۴۵ و ۵۰ درجه میرسد. ودرزمستان درجهٔ حرارت بندرت‌ازده کمتر‌میباشد . حداکثربارندگی درحوالی‌بوشهردرحدود ۲۷۰ میلیمتر درسال میباشد وحداقل بارندگی ۸۰ میلیمتردرسال درجزیرهٔ بحرین است در بقیه نقاط میزان بارندگی از ۱۰۰ تا ۱۷ میلیمتردرسال میباشد.

آب های ایران : رودخانه‌های ایران

۱- رودخانه هائیکه بدریای خزر میریزند: مهمترین رودخانه‌هائی که بدریای خزر میریزند عبارتند ازارس وسفید رود درمغرب ورودگرگان واترك درمشرق. دیگررودخانه‌های جنوب دریای خزراهمیت زیادی ندارند .

رود ارس ازکوههای هزار برکه در ترکیه سرچشمه گرفته وپس از پیمودن سرحد بین ایران وشوروی وارد دریای خزرمیشود. عمق این رود ازنیم مترتا ۲٫۵ مترمی‌باشد . مهمترین شاخه‌های آن عبارتند ازرود ماکو، آق چای ، قراسو.

سفید رود از کوههای چهل چشمه ، کردستان سرچشمه گرفته است این رود تا منجیل قزل‌اوزن نامیده میشود دلتای سفیددرحدود ۳۶۰۰ کیلومتر مربع وعرض دلتا ۱۱۰ کیلومتر است .

رودگرگان‌ازآلاداغ شروع شده وپس ازپیمودن ۲۰۰ کیلومترراه بدریای خزرمیرسد.

رود اترك که یکی ازبزرگترین رودهای ایران است وطول‌آن به ۵۰۰ کیلومترمیرسد از بیست کیلومتری شمال شرقی قوچان ازکوه عمارت سرچشمه میگیرد . این رودخانه سرحد شمال شرقی ایران باشوروی راتعیین میکند.

علاوه بررودخانه‌هائی که ذکرشد رودهای دیگری‌که بدریای خزرمیریزند عبارتنداز : قراسو، چالوس ، هراز، بابل ، تالار، تجن ، ونکا ،

۲- رودهائیکه بخلیج فارس ودریای عمان میریزند : مهمترین رود جنوب ایران شط‌العرب میباشدکه ازبهم پیوستن فرات ودجله بوجودآمده‌است طول شط‌العرب درحدود ۱۰۰ کیلومتراست‌که تقریبانصف آن سرحد ایران وعراق محسوب میشود . شط العرب پرآب ترین رودیست‌که بخلیج‌فارس میریزد.

رودهای زاب صغیر، دیاله و کرخه درخاك ایران جاری بوده وبطرف عراق میروند . این رودها درباتلاقهای‌شرقی دجله فرومیروند.

کارون طویلترین رود ایران بوده (۸۵۰ کیلومتر) وتقریبا ۳۸۰ کیلومتر آن قابل کشتی رانی است. کارون ازجبال‌کوهرنك بختیاری سرچشمه میگیرد. درمحلیکه آبدیزبکارون متصل میشود عرض‌کارون به ۲۵۰ تا ۳۰۰ مترمیرسد. پهنای این رودخانه درنزدیکیهای اهواز حتی به ۴۰۰ مترنیزمیرسد. حداکثر عمق این رودخانه هنگام پرآبی ۴ مترمیباشد.

ازرودخانهٔ‌کارون هرقدربطرف مشرق‌تاسرحدات پاکستان پیش‌برویم‌رودخانه‌های کوچك و کم اهمیتی وجود داردکه بعضی از آنها حتی بدریا نرسیده آبشان بمصرف زراعت میرسد . مهمترین این رودخانه‌ها عبارتند از: جراحی‌که دلتای آن باکارون سرچشمه میگیرد

۳- رودخانه‌هائی که بدریاچه‌های داخلی ریخته و یا درشن زارها وباتلاقها فرو میروند - مهمترین رودخانه‌ایکه درسرحد شرقی ایران جاریست رود هیرمند میباشدکه قسمت اعظم آن درخاك افغانستان جاریست وسپس وارد خاك ایران شده وسرحد طبیعی بین این دو کشورراتشکیل میدهد وبدریاچه هامون میریزد رودخانه‌های دیگری‌که درمشرق ایران جاری هستند عبارتند از: هریرود ، فراهرود ، خاش رود وشور رود وغیره .

رودهائی که بدریاچه نمك یا دریاچه‌قم ریخته ویا اینکه دلتای آنها درشن زارها ونمك‌زارها کورمیشود عبارتند از : قراسو ــ رود شور ــ رودخانهٔ کرج ــ جاجرود ــ رودکالیمورا ــ جوین ــ کال شور ــ جاجرم ــ حبله رود دامغان ــ رود موجین وغیره .

مهمترین رودیکه درمرکز ایران جاریست وبدریاچهٔ گاوخانه میریزدزاینده رودمی‌باشد. زاینده رود تمام زمینهای زراعتی اطراف اصفهان را مشروب میسازد.

مهمترین رودیکه به دریاچه نیریز واقع درمغرب شیراز می ریزد رودکر (بند امیر) میباشد. معروفترین شاخهٔ این‌رودخانه پلوار نام‌دارد. رودخانه‌های بیابان لوت اغلبشان دارای دلتای کور وآب شورهستند وبعضی از آنها بدریاچه‌های شوردشت لوت مانند دریاچه نمکزار واقع درمغرب شهر کرمان میریزند. مهمترین رودهای دشت لوت رود شور، تکاب ورود فهرج میباشند .

رودهائی که به هامون جزموریان واقع درمکران میریزند عبارتند ازهلیل رود که از مغرب و رود بمپور که ازمشرق واردآن میگردد.

رودهائی که بدریاچه رضائیه‌میریزند ــ دریاچهٔرضائیه بزرگترین‌دریاچهٔایران‌می‌باشد. طول آن ۱۴۰ کیلومترو عریضترین نقطه‌اش ۴۰ کیلومترمیباشد. مساحت متوسط آن در حدود ۵۰۰۰ کیلومترمربع است عمق‌آن از ۱۵ متر تجاوز نمی‌کند. آب دریاچهٔ رضائیه باندازه‌ای شوراست که هیچ نوع ماهی نمیتواند در آن زندگی کند . فقط حیوانات سخت پوست (از نوع خرچنگ‌ها) درآنجا یافت میشود . در قعردریاچه‌گیاهائی ازنوع جلبکهای کبود میروید . در وسط دریاچه رضائیه مجمع الجزایری مرکب از تقریباً پنجاه جزیره وجود دارد . مهمترین رودخانه‌ای‌که باین‌دریاچه‌میریزدجغاتوچای‌نام داردکه ازکوههای‌چهل چشمه کردستان‌سرچشمه میگیرد وطول آن ۲۴۰ کیلومترمی‌باشد

معادن ایران

نفت ــ ذخایر نفتی ایران در حدود ۲۱۰۰ میلیون تن برآورد شده است . مهمترین منطقهٔ نفتی که ازآن بهره برداری میشود منطقهٔ جنوب غربی ایران است . بزرگترین مراکز استخراج نفت درمسجد سلیمان وهفتگل می‌باشد. درسالهای اخیردرآغاجاری و گچساران نیز استخراج نفت پیشرفت کرده است .

در۱۹۰۱ دولت ایران امتیازنفت را درتمام مملکت باستثنای ایالات شمالی وخراسان بمدت شصت سال بیك نفرمیلونیر استرالیائی بنام ویلیام فوکس دارسی واگذار کرد . صاحب امتیازموظف بود که یك‌ماه بعد ازبراه افتادن‌کاربیست هزارلیره نقد ومعادل بیست هزارلیره ازسهام شرکت خود را بدولت ایران واگذار کند. اندکی بعد دارسی امتیاز خود را بشرکتی انگلیسی فروخت ودر۱۹۰۹ شرکت نفت ایران وانگلیس بوجودآمد. در۱۹۵۱ امتیازشرکت نفت لغوگردید. نفت ایران ملی شد ودر۱۹۵۴ کنسرسیوم بین المللی امریکائی ، انگلیسی ، فرانسوی وهلندی برای استخراج نفت تشکیل گردید.

علاوه برنفت جنوب غربی ، ذخائربزرگ نفتی درجزایربحرین وجود دارد که بتوسط شرکتهای امریکائی استخراج میشود.

منطقهٔ نفتی شمال ایران ازساحل بحرخزرتاسرحدات ترکمنستان شوروی و افغانستان امتداد دارد وهمچنین در جنوب البرز، سمنان ، اطراف تهران و خراسان و بلوچستان وجود نفت وگازمحقق شده‌است.

ذغال سنگ ــ مهمترین معادن ذغال ایران درنقاط زیرقراردارند ، زیرآب ــ قزوین ــ

شمشك ـ سمنان ـ دامغان ـ اصفهان ـ انارك ـ یزد ـ بافق ـ آذربایجان (خلخال و آستارا و مراغه)

آهن: معادن آهن درجزیره هرمز، سمنان ،آذربایجان، مازندران، تهران ، اراك وجود دارد .

منگنز ـ معادن یکسره و بزرك منگنز درایران تاکنون دیده نشده است درجنوب غربی تهران معادن منگنزوجود دارد.

مقداراستخراج سنگهای منگنز درسالهای اخیراز۹ تا۱۲ هزارتن درسال بوده است .

کرومیت ـ درخراسان (۴۰ کیلومتری مغرب عباس آباد) ، نواحی مرکزی و جنوبی (شهرستان بافق واقع در۴۰۰ کیلومتری شمال شرقی بندرعباس) معادن کرومیت وجود دارد .

مس ـ عمده ترین معادن مس درحوزه انارك وحوزه بحراسمان ودرآذربایجان وخراسان قراردارد درحوالی تهران ، عباس آباد وسبزوارنیزمس یافت میشود.

سرب ، نقره وروی ـ تعداد معادن سرب و روی زیاد بوده ولی مقدارفلزاغلب آنها کم میباشد بنابراین تعدادکمی ازآنهابدرد استخراج می‌خورند. معادن سرب درنقاط زیروجود دارد ، حوزه انارك ،کرمان ، بافق ، یزد ، آذربایجان ، تهران ، سمنان وخراسان .

رگه‌های روی معمولا مخلوط باسرب میباشد. دردوره‌های قدیم درکشورمانقره استخراج میشد ولی درسالهای اخیرآنرا بصورت مواد ثانوی ازسنگ‌های سرب و نقره وروی در انارك بدست می‌آورند.

نیکل وکبالت ـ کبالت که بنام لاجورد بکارمیرود. قبل ازآنکه دراروپا شناخته شود درکشورما ازآن برای تهیهٔ رنك لاجورد استفاده میشد . بزرگترین معادن نیکل وکبالت در حوزهٔ انارك قراردارد .

مولیبد نوم ـ مهمترین معادن مولیبدنوم در جبال قره داغ واقع درشمال آذربایجان میباشد. درانارك ، بافق وکاشان نیزمولیبدنیت دیده شده است .

آرسنیك ـ معادن آرسنیك بشکل زرنیخ درآذربایجان ، خراسان . قزوین وکردستان وجود دارد .

نمك طعام ـ بزرگترین معدن نمك سنك درمحلی موسوم به نمکدان در ساحل خلیج فارس است . ازآب درياچه رضائیه نیزنمك گرفته می شود.

گوگرد ـ بشکل گوگرد خالص و پیریت درآذربایجان ، سمنان و سواحل خلیج فارس وجود دارد.

معادن فیروزه ـ معروفترین معدن فیروزه ایران در۵۰ کیلومتری شمال غربی نیشابور قراردارد .

تهران (استان مرکزی)

جمعیت: طبق سرشماری سال ۱۳۵۰، **۳۶۳۹۰۰۰** نفر(جمعیت نسبی درهرکیلومترمربع ۴۴٫۷ نفرمساحت: ۶۰۷۶۱ کیلومتر بع)

مرکز : تهران . شهرستانهای تابعه : کرج ، قزوین ، دماوند ، محلات ، ساوه ، قم ، تفرش ، شهرری ، گرمسار، خمین وشمیرانات

استان مرکزی از شمال به مازندران و گیلان ، ازمشرق به استان دوم ، از جنوب به کاشان واراك وازمغرب به گیلان محدود میگردد .

آثار و ابنیه تاریخی

تهران : کاخ گلستان ، کاخ صاحبقرانیه ، عمارت تخت مرمر نقارخانه درباغ ملی ، امام زاده زید (۹۰۲ هجری.) مسجد سپهسالارمعبد موسوم به تخت رستم (متعلق بعهداشکانی) در رباط کریم ، مدرسه سپهسالار قدیم درمحله حیاط شاهی (قرن سیزدهم هجری) ، مدرسه مروی، مسجد ومدرسه شیخ عبدالحسین درمحله بازارومسجد حاج رجبعلی درمحله درخونگاه سنگلج (قرن سیزدهم هجری)

ری : مقبره و برج طغرل ، تپه چشمه علی و باروی شهر ، کوه نقارخانه ، مرکز شهر سلجوقیان (حسین آباد ، منصورآباد، حاجی آباد)، چال تلخان ، مقبره بی‌بی‌شهربانو، آستانه حضرت عبدالعظیم (۷۲۵هجری عهد صفویه ، قاجاریه ومغول)

ساوه : مناره مسجد میدان ، مسجد جمعه مقبره سیداسحق (قرن هفتم هجری)

دماوند : مسجد جمعه (عهد سلجوقیان)

ورامین : امام زاده جعفر، شاهزاده حسین (دوره مغول) ، مسجد جمعه

گرمسار : کاروان سرای عین‌الرشید (عهد مغول)

ساوجبلاق : خرابه‌های شهری درنزدیکی اندرکش

کرج : بنائی ازدوره قاجاریه درمحل کتابخانه دانشکده کشاورزی

قزوین: مسجد جمعه ، مسجد شاه ، مدرسه حیدریه ، عالی‌قاپو، امام زاده حسین ،مقبره حمداله مستوفی ، حسینیه امینی (۱۲۹۵هجری وقاجاریه) ، مسجد شاه (قرن سیزدهم هجری) دروازه کوشك (قاجاریه) ، دروازه قدیم تهران (قاجاریه)

تاکستان : بقعه معروف به پیر(عهد سجلوقیان)

قم : مرقد حضرت معصومه ، مقبره شاه صفی اول وشاه عباس دوم ، مقبره‌هائی که در ۵۱۹ ساخته شده‌اند (نزدیکی دروازه کاشان) ، مسجد جمعه ، امام زاده علی‌ابن جعفر(بناشده بسال ۷۴۰) ، امام زاده شاهزاده ابراهیم (قرن هشتم هجری) ازبناهای باعظمت قم صحن نو وایوان حضرت معصومه‌است که درواخرسلطنت ناصرالدین‌شاه ساخته شده است . همچنین سقف تیمچه‌ای دربازار که کمترنظیرآن وجود دارد .

محلات ، درشمال خمین خرابه‌های معبد عهداشکانیان ، محراب امام زاده ابوالفضل و یحیی (متعلق بعهد مغول) وآتشکده (دوره ساسانی)

تهران

شهرستان تهران در دشت‌های جنوب سلسله جبال‌البرزقرارگرفته است وشامل بخش‌های ورامین وکن می‌باشد

مرکزآن‌شهرتهران‌دارای۲میلیون‌نفرجمعیت است شهرتهران بزرگترین شهر ایران و مرکز استانداری استان مرکزی و محل اقامت شاهنشاه ، هیئت دولت و کلیه وزارت خانه‌ها و سفارتخانه های کشورهای خارجی می‌باشد.



شهرتهران مرکزتقاطع راهسازی‌ایران که درجنوب دریای خزر ودردامنه کوههای‌البرز قرارگرفته درحدود ۱۱۰۰ مترازسطح دریا ارتفاع دارد.

مساحت‌آن تقریباً پنجاه کیلومترمربع است.

جمعیت این شهر فوق العاده می‌باشد در هر کیلومترمربع ۲۶۰ نفرویا درهرمیل ۷۰۰

نفر زندگی میکنند و باتوجه به گزارش منتشره درسالنامه اداره کل آمارملل متحد درسال ۱۹۵۵ که تراکم جمعیت در کشورهای هلند وبلژیك دردرجه اول بوده وتراکم جمعیت درهلند ۸۵۸ نفردرهرمیل مربع بوده است درمقام مقایسه معلوم میشود که تهران درتمام جهان ازاین حیث در درجه سوم قرارداد.



سردرباغ ملی (نقاره‌خانه) که هنوز هم زیبائی خود را ازدست نداده است

جمعیت حوزه تهران ۱۷۹۷۴۲۹ نفر و جمعیت نسبی درهر کیلومترمربع ۲ر۲۵۳ نفرمی باشد.

(حدوداین حوزه باحدود شهرستان مطابقت ندارد)

تاریخچه تهران

تهران دارای تاریخی کهنسال است و ظاهراً اگرچه در حدود هزارسال از عمر آن می‌گذرد ولی آغاز رونق و اهمیت واقعی آن را تنها میتوان از دویست سال پیش ، اواخر سلطنت دودمان صفویه دانست .

یاقوت جهانگرد وجغرافی دان عرب درقرن ۱۲ میلادی از تهران نامبرده و می نویسد : منطقه بی اهمیتی است که آب وهوای ناسازگار داشته وجمعیت محدود آن بیشتر در دالانهای زیرزمینی بسرمیبرند. حمداله مستوفی در قرن ۱۴ میلادی مطابق تشریحی که دریاد داشتهای خود میکند برای تهران اندکی اهمیت قائل شده ووسعت ونفوس آنرا اززمان یاقوت عرب بیشترذکرمینماید .

دراواخرسلطنت شاهان صفویه تهران موردتوجه واقع شد ودرباریان برای شکاروتفریح باین ناحیه آمده وگاهی اوقات مدتی درآنجا اقامت مینمودند . بدین ترتیب رفته رفته جمعیت وساختمانهای آن روبافزایش نهاد.

درسال ۱۷۲۳ میلادی تهران بتصرف افغانها درآمد و ویران گردید.

در سال ۱۷۸۸ میلادی آغا محمد خان قاجار تصمیم گرفت تهران را بعنوان پایتخت برگزیند. مسلم نیست که آغامحمد خان روی چه علتی تهران را پایتخت خود قرارداد. عده‌ای عقیده دارند که علت آن نزدیکی تهران به ساو جبلاغ مرکز ایل افشار وازطرفی به استرآباد ستاد نیروهای او بوده است. بهرحال وقتی تهران پایتخت شد جمعیتش از بیست و چند هزار تجاوز نمیکرد

دورتهران دیواری وجود داشت که ازیادگارهای دوره شاه طهماسب دوم بود وزمان آغا-محمد خان خندقی اطراف تهران حفرشد که حدود برای تهران بوجودآورد واین حدود ازطرف شمال به خیابان چراغ برق، ازطرف مغرب به خیابان شاهپور، ازطرف مشرق به خیابان ری و ازجنوب به خیابان اسماعیل بزازیا مولوی محدود بود

بعدازآغا محمد خان قاجار درزمان فتحعلیشاه تهران رونق بیشتری گرفت و تامدتی نزدیك بهفتاد سال بهمان وضع باقی ماند ، در زمان سلطنت ناصرالدین شاه وضع تهران بار دیگر روبه بهبود نهاد و بفرمان ناصرالدین شاه برج و بارو ودیوارقدیمی دور شهر را خراب کردند وبجای آن خندقهائی دراطراف شهرحفرگردید . این خندقها و دروازه‌های قدیمی که

دارای کاشی‌کاری های زیبا بودند تا زمان سلطنت اعلیحضرت فقیدباقی بودند.

توسعه واقعی تهران درزمان سلطنت اعلیحضرت فقیدآغازشد وبااحداث بناهای بزرگ خیابانهای وسیع ، سازمانهای گوناگون ، راهها وسائل ارتباط و حمل و نقل این شهر بصورت مدرن و نسبتاً کاملی درآمد

قدیم و جدید ...



قدیمی‌ترین محلات تهران محله ارك فعلی ، محله ناصرخسرو،مروی،عودلاجان وحیاط شاهی‌است. محله حیاط شاهی محل اقامت خانواده سلطنتی بود معروف است آغا محمد خان لطفعلی خان زند را به چنار معروفی که هنوزهم در این محله باقیست می‌بست و شکنجه میداد. جدیدترین محلات تهران را خودتان میتوانید حدس بزنید که عبارت است از شهرهای نوسازاطراف ازقبیل تهران پارس ، نارمك، نازی‌آباد، وحیدیه ، کوی مهناز،کوی شاه ، ومحله شهرآرا ومحلات جدید دیگری که دردست ساختمان است .

خیابان ، میدان ، پارك ...

تهران‌پنجاه میلیون مترمربع مساحت دارد.ازاین مساحت ده میلیون مترمربعش‌خیابان است واکنون مهندسین مشغول بررسی هستند تا ببینند تهران چند خیابان دارد.

علاوه براین پایتخت شما ۴۰ میدان دارد ، ۸۰ مجسمه درنقاط مختلف این شهروجود دارد، چندین باغ عمومی‌دارد که عبارتندازپارك شهر،باغ راه‌آهن، پارك جنوب‌درخیابان شوش، پارك راه‌آهن پارك پهلوی و . . . پارك جنوب شهردارای استخرشنا ووسائل سرگرمی‌وتفریح کودکان می‌باشد . البته پارکها وموسسات ملی غیرازاینهاست.



بازاربزرك تهران‌که سقف‌آن اخیراً باشیشه پوشانده شده

طولانی ترین خیابهای تهران دو خیابان شاهرضا وپهلوی است . خیابان شاهرضا ازمیدان ۲۴ اسفند شروع میشود ودرمیدان‌فوزیه به‌خیابان‌تهران نومی‌پیوندد.خیابان پهلوی یا امیریه ازآبنمای کرج تامیدان راه آهن ادامه دارد .

کوتاهترین و تنك‌ترین خیابان تهران ، خیابان تهرانچی است درانتهای خیابان شاهپور.

بلندترین ساختمان شهر تهران عبارتند از : ساختمان ده طبقه بانك کشاورزی و ساختمان پلاسکو ...

بدنیست بدانیدسالیان‌دراز، درتهران عمارتی‌بلندتر ازعمارت‌شمس‌العماره‌وجودنداشت وباین‌عمارت‌آسمانخراش تهران میگفتند .

شهرسازی دراطراف تهران

درسالهای اخیرشهرهای کوچکی دراطراف تهران احداث شده است بااینکه این شهرها

اغلب درحکم شهرهای نسبتاً بزرك وپرجمعیت است ولی درهرصورت باین علت که وصل به‌تهران است جزوشهربزرك تهران حساب میشوند.

شهرهای مهم حومه عبارتنداز: تهران نو، نارمك ، نازی‌آباد ، جوادیه ، عباس آباد ، وچندین شهردیگر.

بناهای معروف

بناهای معروف ودیدنی تهران که مورد توجه ودقت جهانگردان وخاورشناسان خارجی می‌باشند عبارتنداز:

کاخ گلستان ـ بنای مجلس‌شورای ملی ـ مسجد سپهسالار ـ مسجد شاه ـ کاخهای سلطنتی ـ موزه ایران باستان ـ موزه کاخ گلستان وبالاخره بنا بعقیده پاره‌ای بازارهای تهران .

کرج

شهرستان کرج که شامل بخش‌های حومه ، ساوجبلاغ ، شهریار (علیشاه‌عوض) ، طالقان واشتهارد میباشد در چهل کیلومتری غرب تهران واقع شده است .

جمعیت حوزه کرج ۱۶۱۵۹۴ نفر میباشد .

مرکز آن شهر کرج دارای ۱۴۵۲۶ نفر جمعیت است .

(حدود این حوزه با حدود شهرستان مطابقت ندارد)

قزوین

شهرستان قزوین از بخشهای حومه ، بوئین ، ضیاءآباد ، معلم‌کلایه ،آوه ،آبیك‌وطارم سفلی (سیران) تشکیل شده است .

از نقاط تابعه‌قزوین : تاکستان باجمعیت ۱۰۵۳۴ نفر وشال (اشتال) باجمعیت ۵۵۴۶ نفر مرکز آن شهر قزوین دارای ۶۶۴۲۰ نفر جمعیت است .

جمعیت حوزه‌قزوین ۳۶۱۸۱۰ نفر وجمعیت‌نسبی درهر کیلومتر مربع ۲۲ نفرمیباشد.

(حدود این حوزه با حدود شهرستان مطابقت ندارد) .

تاریخچه قزوین

بعضی از مورخین عقیده دارند بنای قزوین بدست شاپور اول صورت گرفته است .

شهر کهن سال قزوین درآغازاسلام بسیارآباد بوده است این شهر چندین مرتبه ازطرف دیلمان ومغول مورد حمله قرارگرفت وعمارات وابنیه‌آن‌ویران شد. شاه طهماسب اول درسال ۹۶۴ قمری پایتخت خود را از تبریز به قزوین انتقال داد .

در سال ۱۰۰۶ هجری قمری به امر شاه عباس بزرك پایتخت را ازقزوین به اصفهان انتقال یافت .

در زمان شاه‌عباس سلطان‌حسین بعداز فتح اصفهان افاغنه به قزوین نیز حمله برده و خسارت زیادی براین شهر وارد نمودند در زمان شاه‌طهماسب اول و همچنین شاه‌عباس‌کبیر و هارون‌الرشید ـ فتحعلیشاه ساختمان‌های مجللی در قزوین بنا شده است .

ساوه

شهرستان ساوه در جنوب تهران واقع و از بخشهای حومه ، نوبران زرند ، خرقان و جعفرآباد تشکیل شده است :

مرکز آن شهر ساوه دارای ۱۴۵۳۷ نفر جمعیت است .

جمعیت حوزه ساوه ۱۳۹۳۸۶ نفر وجمعیت نسبی درهر کیلومتر مربع ۱۴ نفرمی‌باشد.

محلات

شهرستان محلات در جنوب قم واقع وشامل بخش دلیجان میباشد مرکز آن شهر محلات

دارای ۱۰۵۷۵ نفر جمعیت است .

جمعیت حوزه محلات ۳۷۸۸۸ نفروجمعیت نسبی درهر کیلومتر مربع ۱۱ نفر می‌باشد .

دماوند

شهرستان دماوند از بخشهای دماونـد فیروز کوه تشکیل شده و دارای ۵۸۲۲۱ نفر جمعیت است (جمعیت نسبی‌درهر کیلومترمربع ۱۰ نفر)جمعیت مرکز آن شهر دماوند ۴۵۲۳ نفر می‌باشد .

قم

شهرستان قم در جنوب تهران ومغرب دریاچه نمك قرار گرفته‌واز بخشهای جومه‌و کهك تشکیل شده است .

جمعیت حوزه آن ۱۶۰۹۸۱ نفر (جمعیت نسبی در هر کیلومتر مربع ۷۶ نفر) وجمعیت‌مرکز آن شهرقم ۹۶/۴۹۹ نفر میباشد .

سابقه تاریخی شهر قم

این شهر از قرنهاپیش از اسلام وجودداشته است وحتی خرابه‌های‌آن اکنون دریك کیلومتری مشرق این شهر مشاهده میگردد . بعلاوه طبق اسناد موجود شهر قم بدست اسکندر مقدونی ویران شده وهمچنین باحتمال‌قوی‌آبادی قم اززمان هخامنشیان شروع گردیده است .

در اواخـر قرن دوم هجری حضرت معصومه خواهر حضرت رضا امام هشتم که بقصد دیداربرادر خود به خراسان میرفت در شهر قم مریض گردید و ودر قم رحلت کرد ودرقبرستان‌قم به‌خاك سپرده شد.

درآنوقت مـردم بتدریج ساکن خـودرا بمدفن حضرت معصومه نزدیك کردند واز اینرو در اثر مرور زمان ساختمانهای‌شهر در قسمت‌های‌مشرق متروك ماند و مردم متوجه مغرب شدند وشهر باین حدود فعلی درآمد .



نمای خارجی مرقد حضرت‌معصومه‌درقم

دانشگاه روحانی قم

در دانشگاه روحانی قم در حدود شش‌هزار نفر از طلاب تحصیل میکنند .

این دانشجویان بدون هیچگونه تشریفاتی شروع به تحصیل مینمایند .

در این حوزه مسابقه ورودی‌و کنکور وجود ندارد.محصلین حوزه علمیه‌قم‌ازنقاط‌مختلف ایران وجهان گردآمده‌اند .

دریاچه قم

دریاچه قم یا ساوه‌که طول‌آن ۸۰ کیلومتروعرض‌آن ۳۰ کیلومتر می‌باشد درگودال‌بین جنوبی‌ترین دامنه البرز وشرقی‌ترین دامنه‌های‌کوه الوند در مغرب کویر مرکزی قرار دارد .

آب‌آن بعلت هوای متغیر فلات مرکزی اغلب تغییر می‌کند و سطح دریاچه زیاد و کم می‌گردد وکمترین وسعت این دریاچه ۲۴۰۰ کیلومتر مربع است .

آب دریاچه شور وتلخ می‌باشد . سواحل آن غالباً باطلاقی وتا مساحت ۲۰ کیلومتر ازرسوب پوشیده شده وغیر قابل سکونت است .

تفرش

شهرستان تفرش در جنوب‌ساوه واقع وشامل بخشهای حومه ، خلجستان،فراهان‌وآشتیان میباشد .

جمعیت مرکزآن ۳۰۱۹ نفر وجمعیت حوزه‌آن تقریباً ۲۱۵۳۸ نفر است .

شهرری

شهرستان شهرری در جنوب تهران قرار دارد وشامل بخش‌های حومه وفشاپویه است .

مرکزی‌آن شهرری در نزدیکی ری قدیم واقع شده ودارای ۲۲۳۲۷ نفر جمعیت‌است.

تاریخچه

درکتاب اوستا که تألیف‌آنرا شش قرن قبل از میلاد ویا هشت قرن پیش از تولدمسیح میدانند از شهرری صحبت میکنند وآنرا جزء شهرهای با شکوه نام میبرد درکتیبه بیستون نام ری «راآگاه»آمده ودرکتاب توراة از این شهر بنام راگس ذکر شده است واروپائیان به‌صورت لاتینی‌آنرا راژس میخوانند . ری مانند واتیکان‌که مرکز سلطنت‌روحانی‌پاپ است مرکزسلطنت روحانی زرتشتی بوده است .

ری در زمان عمر بدست قشون اسلام افتاد واز مهمترین بلاد اسلامی شد . تا آنجا که آنرا عروس شهرهای ایران نامیدند . در زمان سلطنت سلاجقه ری تا اندازه‌ای‌آبادگردید در آن زمان ری ۹۶ محله داشته است . در حمله مغول ری دوچار چنان مصیبتی شدکه در تاریخ کمتر نظیرآن وجود دارد وآن قتل عام هفتصد هزار نفر بدست لشکریان مغول میباشد .

گرمسار

شهرستان‌گرمسار در جنوب‌شرقی‌تهران ومحل تلاقی خطوط راه‌آهن خراسان‌ومازندران وتهران واقع شده است .

مرکزآن شهرگرمسار میباشد .

خمین

شهرستان خمین در جنوب محلات قرار دارد . مرکزآن‌شهر خمین دارای ۸۳۹۷نفر جمعیت است .

شمیرانات

شهرستان شمیرانات در شمال تهران قرار دارد و شامل بخشهای حومه ، لواسانات ، و رود بار قصران (فشم) میباشد .

مرکزآن تجریش‌دارای ۲۶۵۲۵ نفر جمعیت .

گیلان (استان اول)

جمعیت : طبق سرشماری سال (۱۳۳۵)۱۶۲۹۶۹۹ نفر (جمعیت نسبی در هرکیلومتر مربع ۳۳/۵ نفر . مساحت : ۴۸۶۳۱ کیلومتر مربع . مرکز رشت . شهرستانهای تابعه : بندرپهلوی لاهیجان ، رودسر ، طوالش ، فومن ، زنجان، اراک ، انگرود ، رودبار وصومعه‌سرا مساحت : ۴۸۲۱ .

استان اول بین دریای خزر ، مازندران ، تهران ، لرستان ، کرمانشاهان کردستان و آذربایجان محصوراست .

تاریخچه

سرزمین گیلان در اوستا «ورن» نامیده شده است . نام گیلان ترکیبی از دو کلمه گیل (نام سکنهٔ نواحی ساحل) وان (علامت نسبت در فارسی قدیم) میباشد .

در قدیم اهالی قسمت کوهستانی گیلان‌را دیلم وسرزمین ایشان را دیلمیان میگفتند. مردم قدیم دیلم بشجاعت و بی‌باکی وسلحشوری مشهور بودندوشاهنشاهان ساسانی‌مانندشاپور اول شخصاً باین ناحیه لشگرکشی میکرده‌اند .

پس از انقراض شاهنشاهی ساسانیان و استیلای عرب بر ایران مردم گیلان از برکت وجود سلسله البرز تا مدتی جلوی اعراب مهاجم مقاومت بخرج دادند واعراب نتوانستندباین قسمت از ایران راه یابند وقتی چنگیزخان ایران‌را تسخیر کردهیچیك‌ازامرای‌مغول‌نتوانستند به‌گیلان دست یابند .

محصولات‌کشاورزی ودامپروری

محصولات عمده استان گیلان‌عبارتنداز،گندم، جو ، چای ، برنج،کنف ، ابریشم،توتون، میوه‌جات، انگور ، پنبه ، چغند رقند ، مرکبات نیشکر، زیتون ، بادام ،سیب‌زمینی حبوبات و صیفی .

جنگل گیلان از بزرگترین وانبوه‌ترین جنگلهای ایرانست وازآن بهره‌برداری‌میشود. گله‌داری وپرورش دام نیز درکوهستانهای گیلان رواج دارد .

ماهی‌خاویار

انواع ماهی‌های حلال وحرام گوشت درکناره‌های ساحل گیلان صید میشود وبهترین‌نوع خاویارکه مختص به دریاچه خزر است در مسیر سفیدرود بدست می‌آید .

معادن وصنایع

معادن ، زاج ، زغال‌سنك ،آهن ، نمك ، گل‌سرشور وسرب ، فن بافندگی دستی ،صنایع فلزی وچوبی ،گلدوزی ، زربافی ورنك سازی از صنایع مهم گیلان است .

دراین استان یك‌کارخانه‌گونی‌بافی وابریشم‌کشی و۶۶ جوراب‌بافی وهمچنین در اغلب شهرهای‌آن دهها‌کارخانه نوشابه‌سازی ، روغن‌کشی ، یخ‌سازی،چوب‌بری ، و۸۰ کارخانه تهیه‌چای وجود دارد .

آثار وابنیه تاریخی

اراك : امامزاده سهل‌ابن‌علی (دوره صفویه) درآستانه ،آتشکده در بزرو سلطان‌آباد .
سلطانیه : مقبره سلطان الجایتو خدابنده ، مقبره چلبی‌اغلی‌ومقبره ملاحسین شیرازی.
زنجان : بقعه قیداربنی (صندوق‌آن متعلق بسال ۶۹۱ هجری) .
لاهیجان : بنای چهارپادشاه (دوره صفوی) .

درخت‌کهنسال

در«هرزویل»گیلان درخت سروی وجوددارد که‌بزرك‌ترین‌وکهنسال‌ترین درختهای‌ایران است . این درخت در ۹۳۸ سال پیش‌کاشته شده است . دور تنه درخت چهارمتر وارتفاع‌آن۲۵ متر وقطر دایره چتر درخت ۶ متر میباشد وحکیم ناصر خسرو علوی درکتاب خود ازآن‌یاد نموده است .

رشت

شهرستان رشت شامل بخش‌های حومه ، خمام ، لشت نشاء ، وکوچصفهان میباشد جمعیت

استان اول دارای ۳۵۸۱۷۲ نفر جمعیت میباشد .

بندرپهلوی

شهرستان بندرپهلوی در شمال رشت قرارگرفته است .
مرکز آن شهر بندرپهلوی بندریست زیباکه‌درکنار مرداب انزلی بنا شده وبارشت ۳۶ کیلومتر فاصله دارد . این بندر را میتوان دروازه اوروپا نامید .
جمعیت بندر پهلوی ۵۹۷۳۷ نفر است .

لاهیجان

شهرستان لاهیجان در ساحل دریای مازندران قرارگرفته و شامل بخش‌های سیاهکل ، آستانه وحسن‌کیاده میباشد .
مرکز آن شهر لاهیجان دارای ۲۲۸۴۲۸ نفر جمعیت است .

رودسر

شهرستان رودسر درکنار دریای خزر قرار دارد ومرکزآن شهر رودسر دارای ۱۳۷۶۰۵ نفر جمعیت است .

طوالش

شهرستان طوالش در ساحل غربی دریای خزر واقع وازبخشهای طالش، دولاب وماسال تشکیل شده است .
جمعیت حوزه طوالش ۹۴۷۹۸ نفر

فومن

شهرستان فومن در مغرب رشت قرار گرفته و مرکز آن شهر فومن دارای ۱۲۳۷۳ نفر جمعیت است .

لنگرود

شهرستان لنگروددر ساحل دریای مازندران قرارگرفته ومرکزآن شهر لنگروددارای ۶۷۹۱۲ نفر جمعیت است .

رودبار

شهرستان رودبار در جنوب گیلان قرار داردوشامل بخشهای حومه وعمارلو (جیرنده) میباشد .
مرکزآن شهر رودبار است .

صومعه سرا

شهرستان صومعه‌سرا از بخشهای حومه وتولم (مانك) تشکیل شده است .
جمعیت مرکزآن شهر صومعه‌سرا ۹۱۷۵۹ نفر میباشد .

شهرستانهای مستقل

زنجان

شهرستان مستقل زنجان درمغرب قزوین و جنوب گیلان واقع و شامل بخشهای حومه ، ابهر، طارم علیا (جورزق) ، ماه نشان وخدابنده می‌باشد.

مرکز آن شهرزنجان دارای ۴۷۱۵۹ نفراست .

اراك

درمغرب قم وکاشان وجنوب همدان قرارگرفته وازبخشهای حومه سربند وفس تشکیل شده است .

مرکز آن شهراراك ازشهرهای جدید ایران‌می‌باشد وساختمان آن درسال ۱۲۴۰ قمری درزمان سلطنت‌فتحعلیشاه قاجارانجام گرفته است.

جمعیت اراك ۵۸۹۹۸ نفرمیباشد. راه‌آهن سراسری ایران ازاین شهرمیگذرد.

تاریخچه اراك

سلطان آباد را یوسف خان گرجی (سپهدار) درخلال سنوات ۱۲۲۰ تا۱۲۲۳ بنام‌قلعه سلطان آباد بنا نهاد وتدریجاً تا۱۳۲۷ساختمان برج وباروی شهروعمارات دولتی وبازار را بانجام رسانید.

مازندران (استان دوم)

مرکز : ساری. جمعیت ۱۸۴۳۳۸۸ نفرمساحت: ۱۵۵۱۶۶ کیلومترمربع جمعیت نسبی

شهرستان های تابعه ، گرگان ، بهشهر ، شاهی ، بابل ، نوشهر ، چالوس ، شهسوار و دشت گرگان .

شهرستانهای مستقل: کاشان ـ شاهرود ـ دامغان ـ سمنان

اوضاع طبیعی :

مازندران ازشمال به دریای خزر، ازمشرق به خراسان ، ازجنوب به سمنان وتهران و وازمغرب به اراضی رودسر ولاهیجان وگیلان محدود میگردد.

رودهراز ازبزرگترین رودخانه‌های مازندران است‌که در نزدیکی آمل جریان دارد ، رود بابل ورود تجن ساری ، سرداب روددرغرب مازندران و رود اترك ورودگرگان درخاك گرگان وصدها رودخانه کوچك دیگراین استان را مشروب میکنند.

جزائر

سابقاً درجنوب شرقی دریای خزرجزایری بنام آشور زاده وجود داشته که مدتی است بواسطهٔ پائین رفتن سطح دریا این جزایرکوچك بشبه جزیره میانکاله متصل شده‌اند

شبه جزایر

تنها شبه جزیره‌ای‌که در کرانه جنوبی دریای خزردر خاك مازندران وجود دارد شبه

جزیره میانکاله است که طول آن ۶۰ کیلومتر وحداکثرعرض آن ۴ کیلومترمی باشد.
آثاردوقلعه نظامی که درزمان ناصرالدین شاه قاجارساخته شده هنوزباقی است. ازطرف شیلات تأسیسات مفصلی دراین شبه جزیره بنا شده است.

بنادر مهم: شهسوار ـ نوشهر ـ بابلسر ـ محمودآباد و فرح آباد و همچنین بندرگز و بندرشاه

خلیج ها

خلیج گرگان درجنوب شرقی دریای مازندران واقع و طول تقریبی آن ۶۰ کیلومتر و حداکثرعرض آن دوازده کیلومتراست.
سابقاً این خلیج لنگرگاه مناسبی برای توقف کشتی‌ها بود ولی درسنوات اخیر بواسطه پائین رفتن آب دریا خلیج مزبور کم عمق شده و اهمیت خود راازدست داده است اکنون جز دردهانه خلیج ولنگرگاه بندرشاه قابل کشتی رانی نیست.

ذخائر زیرزمینی

ذغال سنگ، آهن، مس، طلا، نفت، گوگرد، گچ، سنگ مرمر، سنگ تراورتن، زاج، شوره وگل قرمز.

صنایع وکارخانجات

صنایع درمازندران قبل ازسال ۱۳۱۰ منحصر بصنایع کوچك دستی و چندکارخانه پنبه پاك کنی بود ولی دردوره تحولات جدیدکارخانجات زیادی تأسیس گردیده که فعلا متعلق بدولت است وقراراست دولت نیزآنها را بمردم و اگذار نماید. این کارخانجات عبارتند از: پارچه، کنسروسازی وگونی بافی شاهی، چیت سازی بهشهر، حریربافی چالوس، برنج پاك کنی شاهی، محمودآباد، نکا، بندرگز، شهسواروگرگان، همچنین کارخانجات پنبه بابل، بابلسر، جویبار، کیاکلا، ساری، بندرگز، بهشهر، کردکوی، گرگان، علی‌آباد وگنبدکاوس وکارخانجات برنج پاك کنی، روغن کشی وصابون سازی درشهرهای مهم این استان مشغول کارهستند.
درترکمن صحرا صنعت قالی بافی رواج دارد ونوعی ازقالی آن شهرت جهانی دارد.

کشاورزی

مهمترین محصولات زراعتی مازندران عبارتست از برنج، سیب زمینی، غلات، بادام زمینی، پنبه، کنف، توتون، چای، ابریشم، کنجد، سبزیجات، صیفی وحبوبات.
انواع مرکبات ازقبیل پرتقال، نارنگی، لیموترش، لیموشیرین، توسرخ، ته پشقابی، سلطان مرکبات، با درنك. بالنك، ترنج، نارنج وغیره بعمل می‌آید.

ماهی

رودخانه‌ها ودریای مازندران دارای‌انواع ماهیهاهستندکه ازحیث طعم و لطافت ممتاز هستند درنمایشگاه ماکولات سال ۱۳۰۸ برنده جایزه شدند.
مشهورترین ماهی‌ها عبارتند از ماهی آزاد، سیم، سوف، کپور، ماهی سفید، کفال، مارماهی، سس، اسبله، شاه ماهی، اورنج، قزل‌آلا، تلاجی‌یاکسمه، کولی وماهیهای‌خاویاری مانندتاس بوزه‌دار از (ازون‌برون) وشیپ بهترین خاویاری‌که دراروپا وآمریکا و سایرنقاط دنیا طالب فراوان دارد خاویاریست‌که ازدریای مازندران تهیه وصادرمیگردد.

سابقه تاریخی

طبرستان یا تپورستان قدیم که قسمت اعظم‌آن اکنون مازندران نامیده میشود سرزمین سرسبزوخرمی است که درشمال ایران درکنار دریای خزر واقع گردیده است و بواسطه محصور

بودن برشته کوه های عظیم البرز وداشتن جنگل‌های انبوه وسنگرهای طبیعی اززمان‌های بسیار قدیم دارای موقعیتی مهم و پناهگاه آزاد مردان وایران پرستان بوده و در تحت سرپرستی خانواده‌هائی ازپادشاهان مقتدر بومی توانسته است قرنها استقلال خود را در مقابل مهاجمین حفظ نماید. همچنین در صدر اسلام که قشون اعراب بربلاد ایران غلبه و تسلط یافته بودند طبرستان تااواسط قرن دوم هجری استقلال خود را حفظ نمود.

ابنیه وآثار تاریخی

در مازندران آثارتاریخی بسیاری وجود داردکه هنوزپابرجا و استوارهستند . از آن جمله درشهر آمل‌که از آبادترین شهرهای قدیم مازندران بوده است بناهائی بشکل آتشکده یافت میشود. درکوهستان سوادکوه ونقاط دیگر گنبدهای مهمی باکتیبه‌های خط پهلوی وجود دارد وهمچنین دربیشترنقاط آن منطقه بقعه‌هائی بنام امامزاده برپاست‌که از لحاظ معماری و خطوط وآثارمعلوم میشودکه بین‌سنوات ۸۰۰تا۹۵۰ هجری قمری‌بناشده‌اندکه درزیرباختصار شرح داده میشوند ،

بقعه امامزاده ابراهیم‌که درجاده شوسه محمودآباد به‌آمل‌قراردارد وازشاهکارهای‌قرن نهم هجری است .

بقعه میرقوام‌الدین مرعشی معروف بمیربزرك سرسلسله سلاطین مرعشی‌که بعد از فوت اودرسال ۷۸۱ درآمل بنا شده است .

بقعه میرحیدر معروف بامامزاده سه تن و مقبره شمس‌آل رسول که در شمال آمل واقع گردیده‌اند .

مقبره شیخ شهاب الدین برروی تپه مشرف به قریه حاجی دلا جزء دهستان دلارستان لاریجان واقع می‌باشد.

مقبره‌کاوس بن کیومرث . قلعه بزرگ ومعروف نورکه در بالای کوه شمالی بلده قرار دارد. این قلعه تا عصر سلاطین صفویه دائروآباد بوده است.

قلعه شاهاندشت‌در بالای کوه شاهاندشت‌لاریجان جنب‌آبشار معروف واقع‌گردیده‌است. این قلعه در سال ۱۰۰۵ هجری بوسیله فرستادگان شاه عباس صفوی ویران شده است . قلعه کمرود یاکاروکه در لاریجان آمل واقع شده وسید فخرالدین مرعشی پسر میر بزرگ در سنه ۷۸۵ این قلعه را خراب‌کرد .

شکل شاه بین‌آمل ولاریجان درچهارکیلومتری‌قریه شاهاندشت درکنار رود هرازقرار داشته وعبارتست از سنگی‌که شکل ناصرالدین‌شاه قاجار وده نفراز وزرای وقت در روی آن بطوربرجسته حجاری شده است . تاریخ این حجاری ۱۲۹۵هجری میباشد.

مسجد جامع‌آمل درعهد خلافت هارون الرشید درسنه ۱۷۷هجری بناشده است .

بقعه امامزاده قاسم‌معروف به آستانه پسرامام موسی‌کاظم علیه السلام ازشاهکارهای‌قرن نهم هجری است .

مقبره سلطان محمد طاهرواقع درشش‌کیلومتری بابل‌که درقرن نهم ساخته شده است.

مقبره شیخ طبرسی واقع درقریه شیخ‌گلها در دوفرسنگی جنوب شرقی بابل.

مقبره امامزاده ابراهیم دریك‌کیلومتری بابلسرواقع است .

مقبره امامزاده عباس واقع در قریه آزادگله در پنج کیلومتری ساری . گنبد معروف بامزاده یحیی پسرامام موسی‌کاظم وبرادرش حسین بن موسی و خواهرش سکینه‌که درسنه ۸۴۹ بناگردیده است .

مقبره سیدزین العابدین‌که درسنه ۸۷۲ تا۸۸۰ درساری وآمل حکومت میکرده‌است

درساری قراردارد.
بقعه ملا مجدالدین درشمال ساری واقع شده است .
بندر فرح آباد که دربیست و هفت کیلومتری ساری قراردارد و در دوره صفویه یکی از بزرگترین بنادر شمالی بشمارمیرفته است .
مسجد جامع واقع درمحله چناربن ساری درسنه ۱۴۴ هجری بنا شده است .
استخرعباس آباد که در دوره شاه عباس ساخته شده است.کاخ صفی آباد دربهشهر.
برج یا گنبد رسکت واقع دردوفرسنگی لاجیم سرحد سوادکوه و دودانگه که در حدود سال ۵۰۰ هجری بنا شده است .
برج یا گنبد لاجیم که بین سالهای ۳۹۷تا۴۶۶ ساخته شده است .
محل شهرقدیم جرجان درگرگان ، مقبره شمس تبریزی درآمل ، مسجد جامع گرگان. امامزاده روشن آباد مربوط به سالهای ۸۶۵ و ۷۷۷ و ۸۷۹ هجری در روشن آباد گرگان و گنبدکاوس دردشت گرگان ازآثارمهم تاریخی این استان است .

ساری

شهرساری مرکزمازندران تقریباً در وسط این استان قرارداشته و جمعیت آن بالغ بر ۲۰۶۰۴۶۳ نفراست
استانداری ومراکزادارات استان مازندران همگی درساری است.

درساری یك مهمانخانه درجه یك ، یك مهمانخانه درجه۲ چند مسافرخانه و۴رستوران-چندسینما، یك بیمارستان ویك درمانگاه وجود دارد.

شاهی

شاهی که درکناربابل قراردارد بواسطه اهمیت کشاورزی وبازرگانی وهمچنین کارخانجات آن یك شهرکارگری وصنعتی خوانده میشود. شهرهای تابع آن یك شهرو دوازده دهستان و چهارصد وسی وهفت قریه است .
شهرشاهی دارای ۲۰۲۳۹۹ نفرجمعیت است

آمل

آمل درفاصله ۲۱ کیلومتری دریای مازندران واقع ودارای ۱۷۲۲۲۷ نفرجمعیت است

بهشهر

بهشهر که سابقاً اشرف خوانده میشد شهری است صنعتی که در فاصله هشت کیلومتری دریای مازندران مقابل شبه جزیره میکانکا واقع شده است .
جمعیت بهشهر ۱۱۲۶۹۸ نفر است

دراین شهرکارخانجات بزرك چیت سازی و چندین کارخانه بزرك پنبه پاك کنی و روغن کشی وجود دارد .

کل جمعیت حوزه بهشهر ۷۱ر۳۵۹ نفر وجمعیت نسبی درهر کیلومترمربع ۴۰ نفرمی باشد. دربهشهردومهمانخانه درجه ۲ دو رستوران ، دو سینما ، یك بیمارستان و یك درمانگاه وجود دارد .

بابل

بابل با جمعیت ۳۶ر۱۹۴ نفرپرجمعیت ترین شهرهای استان مازندران است که اداره آن بافرمانداری است . شهرهای بابلسروفریدون کناروبندپی تابع آن می باشند.

بابلسریا مشهد سرسابق درکرانه دریای خزر و۱۸ کیلومتری شهربابل قرار دارد و جمعیت آن بالغ بر۷ر۲۳۷ نفراست.

کل جمعیت حوزه بابل ۱۹۲ر۱۸۸ نفروجمعیت نسبی درهر کیلومتر مربع ۱۰۸ نفر می باشد. دربابل یك مهمانخانه درجه ۲، سه مسافرخانه درجه ۲، دورستوران درجه یك ، ۴ سینما، سه اتوبوس شهری ، چهل تاکسی ، یك بیمارستان ویك درمانگاه وجود دارد.

نوشهر

نوشهرشامل دوبخش کلاردشت وچالوس است ودارای ۸۰۷۰۱ نفرجمعیت می باشد.

درنوشهربتازگی پلاژ زیبائی ساخته شده که از نظر نزدیکی به تهران مورد توجه قرار گرفته است جمعیت شهرنوشهر ۲۷۱۷ نفراست که ازاین عده ۱۴۱۲ نفرمرد و۱۳۰۵ نفر زن میباشند. درنوشهریك مهمانخانه درجه یك ،یك مهمانخانه درجه ۲، دوکافه درجه ۳، دوداروخانه ویك بیمارستان وجود دارد.

چالوس درفاصله ۱۹۳ کیلومتری تهران قراردارد ودارای ۹۷۵۸ نفرجمعیت است که ازاین عده ۵۰۰۳ نفرمرد و۴۷۵۵ نفرزن میباشند. درچالوس یك مهمانخانه درجه یك متعلق به بنیاد پهلوی ، دومهمانخانه ، درجه ۲ ، دو سینما و۴ داروخانه وجود دارد.

شهسوار

شهسوار در مغرب مازندران واقع و دارای ۷ر۶۲۶ نفر جمعیت است که از این عده ۳ر۹۷۰ نفرمرد و۳ر۶۵۶ نفرزن می باشند وشامل بخش های حومه و رامسر است کل جمعیت حوزه شهسوار ۱۸۹ر۹۹۲ نفروجمعیت نسبی درهر کیلومترمربع ۳۸ نفر است . شهسوار دارای شش مسافرخانه دورستوران یك سینما ویك بیمارستان است .

رامسرنه تنها اززیباترین پلاژهای ایران بلکه خاورمیانه وآسیااست دراین شهرمناظر بدیع . هتل عالی ــ ویلاهای زیبا ــ کازینو ــ جنگل های سرسبزوبالاخره یکی اززیباترین نقاط شمال ایران است .

گرگان

گرگان ازبزرك ترین و آبادترین شهرستانهای استان مازندران است و شهرهای تابعه آن عبارتند از، بندرگز ــ بندرشاه ــ کردکوی پهلوی دز ــ مینودشت ــ رامیان ــ علی آباد کومیشان ــ داش برون گرگان دارای ۲۸ر۳۸۰ نفرجمعیت است که ازاین عده ۱۵ر۷۷۳ نفر مرد و۱۲ر۶۰۷ نفرزن می باشد.

کل جمعیت حوزه گرگان ۱۸۹ر۲۴۸ نفر می باشد.

بندرگز

بندرگز یکی از زیباترین شهرها وبنادری بوده که رضاشاه کبیردرکناردریای مازندران

بنا نموده است . این شهردرحقیقت یك شهر کوچك صنعتی نیز بشمار میرود ودارای دو کارخانه بزرك پنبه پاك کنی وسه کارخانه روغن کشی و دو کارخانه صابون پزی است این بندر بواسطه کم شدن معاملات باهمسایـه شمالی و همچنین پائین آمدن سطح آب خزر و هجوم نیروهای نظامی شوروی باین شهر نه تنها از بین رفت بلکه خیابانها و ساختمانهای آن بصورت مخروبه‌ای درآمد



گنبدکاوس دردشت گرگان ویکی ازکشاورزان ترکمن باکلاه وچهره مخصوص بخود

دشت گرگان

دشت گرگان که به‌آن ترکمن صحرا نیزمی - گویند دشت وسیعی است که درمجاوراستان خراسان ومرزهای روسیه دربین دو رود اترك وقراسوواقع شده و وسعت آن ۱۲۰ در ۵۰ کیلومتر است دشت گرگان پرحاصل ترین نقاط مازندران است وخاك آن برای کشت پنبه ، گندم ، توتون ، هندوانه و خربوزه بسیار مناسب می باشد مرکزآن شهر گنبد کاوس وبخش تابعه آن مراوه تپه است. کل جمعیت حوزه دشت گرگان ۹۳۳ر۱۳۰ نفر

چند شهرستان ، شهروبخش ازلحاظ تقسیمات اداری مستقل میباشند . این شهرستانها عبارتنداز شاهرود. سمنان ، دامغان وکاشان که ذیلا اطلاعات مختصری دربارهٔ آنها داده میشود.

کاشان درشمال اصفهان و جنوب قم واقع گردیده ویکی از قدیمی‌ترین شهرهای ایران است . نخستین اشیاء باستانی که درموزه ایران باستان جلب نظر میکند سفالهائی است که از تپه سیلك کاشان بدست آمده است . بنابردلائل علمی ، این شهر درچهارهزارسال پیش ازمیلاد مسیح آباد بوده است .

آب و هوای کاشان درقسمت جلگه خشك وگرم ودر کوهستان معتدل و سرد است .

از بخش های کاشان حومه ، اران ، قمصر و نطنز رامیتوان نام برد.

کارخانه ریسندگی

بزرگی دراین شهروجود دارد. گلاب قمصروگلابی نطنز درتمام ایران مشهور است . در کاشان صنعت قالی بافی رواج دارد

شهرکاشان مرکز این شهرستان دارای ۹۵۵ر۴۵ نفرجمعیت است

آثار وابنیه تاریخی

معبد عهد سلوکیه ـ مسجد میدان ـ امامزاده حبیب ابن موسی متعلق بعهد صفویه ـ باغ شاه فین متعلق بعهد صفویه ـ مدرسه سلطانی مناره مسجد جمعه ـ آتشکده نیاسر دوره ساسانی تپه سیلك ـ مسجد آقامحمد قاجاریه درکاشان وهمچنین مسجد محله ده مربوط بدوره مغول در قمصر ازآثارمهم این شهرستان است .

شاهرود

شاهرود وبسطام شهرستانی است کوهستانی که درجنوب شرقی استان دوم وشمال کویر واقع گردیده است . از شاهرود نامی درکتب قدیم نیست وبسطام نیز شهر کوچکی است که بنای آنرا به وسطام نام فرمانروای خراسان و گرگان در قرن ششم هجری نسبت داده‌اند . کل جمعیت حوزه شاهرود ۷۷۱۲۵ نفر

آثار تاریخی

مسجد شیخ بسطامی وبرج آن که در ۵۱۴ دربسطام ساخته شده است ازآثار مهم تاریخی این شهرستان است .

دامغان

دامغان در جنوب گرگان واقع گردیده وزمانی پایتخت اشکانیان ومشهور به صددروازه بوده است .

کل جمعیت دامغان ۳۹/۱۵۵ نفر می‌باشد.

. بخش‌های تابعه عبارتند از حومه ، صید آباد وشکارگاه حرم وباصای مهماندوست که بواسطه جنگ نادر با اشرف افغان معروف گردید .

آثار تاریخی

خرابه‌ها تپه‌های واقع‌در جنوب غربی‌شهر ، مقبره پیرعلمدار ، مسجدو مناره چهل‌ستون امامزاده جعفر ومقبره چهل دختران ازآثار مهم تاریخی این شهرستان است .

سمنان

سمنان در مشرق‌تهران واقع گردیده است .

شهرستان‌سمنان دارای ۲۹/۰۳۶ نفر جمعیت است.

بخش‌های تابعه سمنان عبارتند از حومه وسنگسر .

در سمنان یك کارخانه‌بزرك ریسمان بافی وجود داردعلاوه بربشهرت محصول‌پسته وانواع میوه‌ها این شهرستان مرکز یك رشته از چاه‌های نفت شمال ایران است که در شمال شرقی سمنان در محلی بنام حوریان قرارگرفته است .

آثار تاریخی

مسجد سلطانی ـ خانقاه و مزار شیخ‌علاءالدوله سمنانی مربوط بدوره مغول ، مسجدشاه ودروازه ارك مربوط به عهد قاجاریه ازآثار تاریخی مهم این شهرستان است .

نطنز

شهرستان نطنز در جنوب کاشان قرار گرفته است مرکز آن شهر نطنز است که دارای ۲۰۹۰ نفر جمعیت است .

آذربایجان

استان سوم وچهارم

مساحت ، ۱۰۹۰۷۴ کیلومتر مربع

آذربایجان بخش شمالی ایران را تشکیل میدهدودر بین ارمنستان ترکیه ، دریای خزر، گیلان ، رود ارس و کردستان قرار گرفته و شامل دو استان آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی است .

حد بین این دو استان ساحل شرقی دریاچه رضائیه درهٔ زرینه رود و امتداد خط آهن تبریز بجلفا است نام آذربایجان را از آتروپاتنه یا آتروپات نام سردار اسکندر که بر این فلات حکومت رانده است مشتق میدانند .

محصولات کشاورزی.

بطور کلی در آذربایجان بیش از مقدار مصرف داخلی پنبه ، گندم ، جو ، حبوبات، میوه وخشکبار تولید میشود .

معادن

براکس ، ذغال ، سنگ ، آهن ، نمك ، گوگرد ، زرنیخ ، مس وشوره از جمله معادن مهم آذربایجان میباشد .

صنایع وکارخانجات

مردم آذربایجان علاقه شدیدی بتجارت وذوق مفرطی به صنعت دارند وجود کارخانه‌های متعدد چرم‌سازی ، بافندگی وکبریت‌سازی در تبریز وکارخانه‌های تهیه خشکبار مراغه بهترین شاهد این مدعی است .

ریسندگی ، بافندگی وکشبافی

برادران غفاری درآذرشهر ـ پشمینه اتحاد واطمینان ، آگاه، باقری ، بلور ، بهنام، پایدار ، ثریا،جوادی ، دانشگر ، دسترنج.دقت ، رهنما ، شایان ، شمس عدل ایران‌پارس‌مخترع ممتاز و وطن در تبریز .

بعضی ازکارخانجات دیگر

کارخانجات چرمسازی زهتابی فرناد ، آذربایجان ، افروزی ، برار ، حمید ، خسروی وممتاز در تبریز .کارخانجات پنبه‌پاك کنی اصلاندوز در دشت مغان ، تقی‌زاده ، ظهری وعباس درخوی‌کارخانجات‌تبریز در تبریز،نقی‌زاده علمداری،نورعلمدار واصغرزاده‌علمداری درعلمدار مرند یولالگداری درماکو ـ تیکران واواکیان و خوئیلر در مرند ـ قربانی وعزیز دراهر . وهمچنین صدهاکارخانه بزرك و کوچك برنج ،آرد ، قندساز ، ماکارونی ، نوشابه‌های الکلی ، خشکبار وغیره آذربایجان را بصورت دو استان بزرك صنعتی درآوره است .

آثار وابنیه تاریخی

در تبریز : مسجدکبود (گوی مسجد) بنا شده در اواخر سال ۸۷۰ هجری ، ارك(که در فواصل سالهای ۷۱۲ و۷۲۲ هجری بنام مسجدعلیشاه بنا گردیده است) ، عالی‌قاپو ، مسجد ساحب ، عمارت شهرداری باغ شمال ومسجد جمعه .

در مراغه : گنبد سرخ (که در اواخر سال ۵۴۲ هجری بناشده است) ، گنبد کبود ، و گنبد غفاریه .

در اردبیل : مقبره شیخ صفی ، مقبره شیخ‌جبرائیل ومسجد جمعه .

در مرند : محراب ومسجدی‌که ابوسعید ساخته است .

در اهر ، بنای عهد اشکانیان .

در جنوب دریاچه رضائیه : دخمه سنگی

در رضائیه : برج سرگنبد ومسجدجامع

در تخت‌سلیمان خرابه‌های شهر و آتشکده مربوط به عهد اشکانی ومغول از آثار تاریخی مهم‌آذربایجان میباشند .

آذربایجان شرقی (استان سوم)

جمعیت ، طبق سرشماری ۲۵۹۸۰۲۲ نفر . مرکز : تبریز شهرستانهای تابعه : مرند، خلخال . اردبیل ، میانه ، سراب ، مشکین‌شهر، اهر، مراغه هشترود وآستارا.

استان‌آذربایجان شرقی بین قفقاز ، دریای خزروکوه‌های طالش‌کردستان وآذربایجان غربی قرار گرفته است .

تبریز

تبریز ، حاکم‌نشین‌آذربایجان شرقی از نظر عظمت وجمعیت دومین شهر ایران‌است .

این شهر در شمال باختری کشور و درست در ۱۶۰ کیلومتری مرز ترکیه واقع شده است .

استانداری وسایر ادارات مرکزی استان در این شهر قرار دارد وخط‌آهن سراسری ایران‌که ازطریق‌جلفا به‌خطوط‌آهن‌بین‌المللی وهمچنین‌راه ترانزیتی ایران وترکیه مربوط میشود براهمیت‌آن افزوده است .

بخش‌های تابعه‌شهرستان تبریز عبارتنداز:حومه شبستر ، اسکوآذرشهر ، آلان برآغوش هریس وسراسکند .

کل جمعیت حوزه تبریز ۸۰۹۶۳۱ نفر میباشد .

بعضی از مشخصات دهات

حوزه‌تبریز دارای ۴۰۸ ده‌کمتر از پنجهزار نفر است‌که در بین‌آنها ۳۱۷ ده‌دارای شورای ده و۵۷ دهداری مدرسه دولتی یا ملی هستند وفقط در ۱۲ ده ویا ۳ در صداز مجموع دهات درمانگاه و با مؤسسات بهداشتی دیگر وجود دارد ۳۹ ده دارای مسجد و ۱۲۹ ده دارای‌گرمابه عمومی هستند . در ۸۳ ده از رادیو استفاده میگردد . در ۳۰ درصد از دهات قسمتی ویاکلیه زمینها بمالکین‌کشاورز تعلق دارد. (آمار۳۵)

تاریخچه تبریز

در وجه تسمیه تبریز مانند اکثر شهرهای ایران اختلافاتی وجود دارد . عده‌ای معتقدندکه این شهر تب را میریخته وبنام تبریز معروف شده است .

از روی قرائن چنین می‌آیدکه‌این شهر در دوره ساسانیان (۶۵۱ـ۲۲۶ پیش ازمیلاد) آباد بوده است ولی در این‌باره اطلاعات‌قطعی در دست‌نیست وبقول صحیح‌تر این شهر دردوره اسلامی بنا شده است .

اینکه بعضی‌ها معتقدندکه زبیده‌خاتون زوجه هارون‌الرشید خلیفه معروف عباسی آنرا در ۱۷۵ هجری (۷۹۱ میلادی) بناکرده است بنظردرست نمی‌آید زیرا مدارك‌کافی‌نشان میدهد که پیش ازآن تاریخ تبریز وجود داشته است .

در سال ۲۴۴ هجری (۸۵۸ میلادی) زمین لـرزه شدیـدی این شهر را بکلی ویران ساخت ولی طولی نکشیدکه خرابیها آبادگردید ویکقرن‌بعدیکی از شهرهای زیبا شد . درسال ۴۳۴ هجری باز براثر یك زلزله موحش قسمت‌عمده این شهر ویران‌گردید وچنانکه‌نوشته‌اند چهل هزار نفر ساکنین‌آن براثر این حادثه تلف شدند .

در دوره هجوم مغولها یعنی اوایل قرن سیزدهم میلادی‌سپاهیان مغول خود را به‌تبریز

رسانیدند ولی بجای آنکه آنرا محو و نابود کنند براهمیت آن افزودند .

تبریز در زمان غازان‌خان ایلخان مغول (۷۰۴ ــ ۶۹۵) پایتخت امپراطوری وسیعی که از رود جیحون تا مصر وسعت داشت گردید .

پس از انقراض سلطنت ایلخان مغول ، تیمور لنگ فاتح بزرگ آسیا شهر تبریز را بتصرف درآورد و آنرا حاکم‌نشین ایالتی کرد که میرانشاه فرزندش برآن حکمرانی میکرد .

سی‌سال بعد ترکان قره‌قویونلو تبریز را مرکز خود قرار دادند .

در اوایل قرن شانزدهم‌میلادی شاه اسماعیل‌موسس‌سلسله بزرگ صفوی این شهررا پایتخت خود قرار داد ولی در مدت دویست سال پس‌ازاین دوره دائماً میان ایران و ترکان‌عثمانی آتش جنگ مشتعل بود و در این حوادث شهر تبریز بمناسبت نزدیکی‌بسرحد ترکیه چندین بار میان سپاهیان طرفین دست‌بدست گشت .

در سال ۱۱۳۴ هجری تبریز یکبار دیگر دچار زلزله شد . در سال ۱۱۳۵ ترک ها تبریز را بتصرف آوردند ولی در سال ۱۱۴۳ هجری طهماسب قلیخان که بعدها بنام نادرشاه افشار برایران سلطنت کرد ترکان عثمانی را از ایران بیرون راند .

در زمستان ۱۱۵۱ هجری تبریز دچار طاعون گردید و ۴۷/۰۰۰ تن بهلاکت‌رسیدند .

در موقع جنگ ایران وروس در سالهای ۲۸ ــ ۱۸۲۶ میلادی‌شهر تبریز بدست‌سپاهیان روس افتاد ولی در موقع عقد پیمان صلح آنرا بایران واگذارکردند .

چندین ماه پس از اشتغال جنگ جهانگیر اول یکعده از سپاهیان ترک و کرد ازسرحد ایران‌گذشته و تبریز را اشغال‌کردند . ولی در ژانویه ۱۹۱۵ قوای روس سپاهیان ترک و کرد را بیرون راند .

پس از انقراض حکومت تزاری‌روسیه در سال ۱۹۱۷ بلشوکها قوای خود را ازایران فراخواندند در این موقع ترکها از اوضاع‌استفاده‌کرده ویکبار دیگرتبریز را اشغال‌کردند و یکسال در این شهر ماندند .

حوادث شهریور تبریز را بیش از سایر نقاط دچار خرابی نمود .

میانه



میانه‌در جنوب شرقی آذربایجان قرار دارد.

کل جمعیت حوزه میانه ۱۳۸۹۶۷ نفر

خط‌آهن

سراسری ایران از شهر میگذرد .

خلخال

خلخال‌ناحیه‌ایست‌کوهستانی وسردسیر که در مغرب‌گیلان‌واقع‌شده ومرکز آن شهر هروآباداست. وکل‌جمعیت‌حوزه آن ۱۰۰/۰۲۲

نفر میباشد .

مرند

مرنددر شمال شرقی‌دریاچه‌رضائیه واقع شده است. مرکز آن‌شهر مرند دارای ۱۳/۸۲۲

کل جمعیت حوزه مرند ۱۱۷۳۳۶۵ نفر

اردبیل

اردبیل در قسمت شرقی آذربایجان واقع شده است. مرکز آن شهر اردبیل
بخشهای تابعه آن عبارتند از ، جوه ، نمین ونیر .
جمعیت حوزه اردبیل ۲۹۶۱۵۶ نفر .

تاریخچه اردبیل

عقیده عموم براین است که این شهر را فیروز (۴۸۹ - ۴۵۷ میلادی) پادشاه ساسانی بنا کرد وآنرا (باران پیروز) نامید.

اما روایات باستانی قدمت بیشتری براین شهر قائل شده است در نزد اهل محل شهرت دارد روزگاری اردبیل راآب درباچه فراگرفته بوده است .

اردبیل در زمان خلفای بنی‌امیه (۴۱-۱۳۳ هجری) مرکز ایالت آذربایجان و بواسطه موقعیت جغرافیائی همواره در معرض تهاجم وحملات قبایل واقوام مختلف بوده است .

طبری در کتاب خود می‌نویسد در زمان هشام (۱۰۶ر۱۲۶) از خلفای بنی‌امیه طوایف بارین خزر به آذربایجان حمله کردند و اردبیل را دچار قتل عام و خسارت فراوان نمودند اما بزودی خرابیها را ترمیم کردند واردبیل دوباره در راه ترقی گام برداشت در زمان خلفای عباسی اهمیت واعتبار تبریز بدرجه‌ای رسید که اردبیل را تحت شعاع قرار داد .

در سال (۶۰۶) یکی ازسرداران گرجی به اردبیل حمله کرد ودوازده هزار نفر ازمردم آنرا قتل عام نمود وشهر را ویران کرد .

تقریباً مقارن همین احوال سپاهیان خونخوار مغول به اردبیل حمل کردند وبقتل وغارت وخسارت پرداختند .

با این همه قتل و غارتها و ویرانی‌ها باز طولی نکشید که اردبیل جبران خرابی را کرد وآباد شد ویك قرن بعد که مرکز اقامت شیخ صفی‌الدین (۶۵۰-۷۳۰) از عرفای معروف وجد سلاطین صفوی گردید اشتهار آن بمنتهای درجه رسید .

تاریخ اردبیل تا دو قرن بعد از فوت شیخ صفی‌الـدین توأم با تاریخ اعقاب این مرد بزرك است .

در سال (۹۰۶) شاه اسماعیل بکمك قزلباش براردبیل استیلا یافت و در اندك مدتی آذربایجان را از چنك آق‌قویونلوها درآورد وتبریز را مقر سلطنت خود نمود .

در سال ۹۷۹ هجری در اردبیل و همچنین در یك قسمت مهمی از ایران قحطی شدیدی روی‌آورد .

در سال ۱۱۳۸ ترکان براردبیل تسلط یافتند لیکن چهار سال بعد نادرشاه افشار آنها را ازدستشان بیرون کرد .

درآغاز قرن نزدهم میلادی عباس‌میرزا فرزند رشید فتحعلیشاه مرکزستاد سپاهیان خود را در اردبیل قرار دادو پس ازآنکه آتش جنك بین ایران وروس مشتعل شد قوای روس باردبیل حمله کردند وپس ازجنك آنرا تصرف نمودند .

پس از امضاء عهدنامه ترکمن چای اردبیل به ایران مسترد شد .

در زمان سلطنت ناصرالدین شاه وهمچنین‌در زمان سلطنت اعلیحضرت فقید برای‌ترمیم خرابی‌های ابنیه تاریخی این شهر اقدامات مؤثری صورت‌گرفت .

سراب

سراب بین اردبیل وتبریز واقع است .

کل جمعیت حوزه سراب ۱۳۲۰۶۴ نفروجمعیت نسبی در هرکیلومتر مربع ۳۲/۵ نفر میباشد .

دشت مغان

صحرای مغان‌آن‌که درگوشه شرقی‌آذربایجان قراردارد ۴۵ کیلومترطول دارد.

تمام خاك صاف وهموارمیباشد مغان از بهترین‌وحاصلخیزترین نقاط ایران است واگر برای‌آبیاری‌آن اقدامات لازمه صورت‌گیرد از پرحاصلخیزترین نقاط ایران خواهد شد .

مشکین شهر

مشکین‌شهر در شمال شرقی‌آذربایجان شرقی واقع است

کل جمعیت حوزه مشکین‌شهر ۱۷۱/۱۷۴ نفر میباشد .

اهر (ارسباران)

شهرستان‌اهر درشمال شرقی تبریز قرارگرفته وشامل‌بخش‌های ورزقان ،کلیبر وهوراند است .

کل جمعیت حوزه اهر ۲۳۹/۶۴۵ نفر

مراغه

مراغه در ۱۲ فرسنگی جنوب شرقی دریاچه‌رضائیه واقع است .

جمعیت حوزه‌مراغه ۲۱۱/۴۸۶ نفر میباشد.

مرکز این شهرستان شهر قدیمی مراغه است . این شهر را هلاکوخان مغول پایتخت خود قرار داد وخواجه نصیرالدین‌طوسی دانشمندمعروف بنام اورصدخانه‌ای درآن بنا نهادکه خرابه‌های آن هنوز باقی است .

شاهین‌دژ

شاهین‌دژ از بخشهای تابعه مراغه است .

هشترود

شهرستان هشترود (سراسکند) در شمال مراغه قرارگرفته وشامل بخشهای چارا ویمان (قره‌اغاج) است. وجمعیت حوزه‌آن ۱۴۰/۹۵۳ نفر.

آستارا

شهرستان آستارا در شمال شرقی آذربایجان و در ساحل دریاچه خزر قرارگرفته است. مرکز آن آستارا بندرکوچکی است که در جنوب دریای خزرآخرین نقطه مرزی ایران واقع شده است.

آذربایجان غربی (استان چهارم)

جمعیت : طبق سرشماری سال ۱۰۸۷۷۰۲ نفر. مرکز: رضائیه.
شهرستانهای‌تابعه : نقده ماکو ، مهاباد ، شاهپور ومیاندوآب .
استان آذربایجان غربی بین ترکیه ، ارمنستان ، آذربایجان شرقی و کردستان واقع گردیده است .

رضائیه

شهرستان رضائیه مرکز استان‌آذربایجان غربی درچهار فرسنگی جنوب دریاچه‌رضائیه قرارگرفته واز بخش‌های حومه ، سیلوانه ، صومای وبرادوست تشکیل شده است .

شهر رضائیه بعلت نزدیکی باسرحدات شوروی و عراق وترکیه اهمیت سیاسی ونظامی بسیار دارد وعده زیادی از ارامنه وآسوریها دراین‌شهر سکونت دارند .

کلیه‌ادارات‌استان وهمچنین استانداری‌آذربایجان غربی در رضائیه قرار دارد .جمعیت حوزه رضائیه ۲۹۱۳۶۹ نفر میباشد .

دریاچه رضائیه

این دریاچه‌که نام اصلی‌آن در ایران ، قبل از اسلام ، دریاچه چجیست و بعد ازاسلام دریاچه ارومیه بوده است در استان‌آذربایجان در منطقه‌ای‌که ۱۲۲۵ مترازسطح دریا ارتفاع دارد بین رشته‌کوههای داخلی فلات‌قرارگرفته وطول‌آن‌تقریباً ۱۳۰ کیلو متروحد اکثرعرض آن ۵۰ کیلومتر می‌باشد . حداکثر عمق‌آب ۱۷ متر وحدمتوسط‌آن ۱۲ متر است .

آب دریاچه شور وتلخ ودارای مقدار زیادی املاح مختلف است .

هرساله‌تعداد زیادی از بیماران عصبی واستخوانی ورماتیسمی برای‌درمان بکناردریاچه میروند چون معتقدند که‌آب و لای و لجن این دریاچه برای این نوع بیماری‌ها بسیار مفید است .

فاصله تبریز با دریاچه‌رضائیه ۸۳ کیلومتر است‌وقطار راه‌آهن هفته‌ای دوبار ازتبریز بطرف شرفخانه‌که اولین بندر دریاچه مزبور بشمار میرود حرکت می‌کند .

شبه‌جزیره شاهی‌که درکرانه شرقی دریاچه قرار دارد هنگام بالاآمدن سطح‌آب‌بصورت جزیره درمی‌آید و در نزدیکی این شبه جزیره لنگرگاه شرفخانه واقع شده است .

بنادر مهم‌آن عبارتند از:بندر جدیدالتأسیس دانالویه در مشرق‌دریاچه ، بندرگلمانخانه

بندر شرفخانه ، حیدرآباد ، تالو ، سفیدگنبد وخان تختی .

تاریخچه رضائیه

نام پیشین شهریکه امروز آنرا رضائیه مینامند ارومیه بوده است . ولی هنوز بدرستی معلوم نیست که واژه ارومیه از چه زمانی گرفته شده است .

عده‌ای معتقدند که واژه ارومیه کلدانی ویا بابلی است که مرکب ازدوکلمه «اور» بمعنی نزدیك و«میه» بمعنی آب میباشد .

عده‌ای دیگر عقیده دارند که این اسم فارسی است و از دو کلمه خوروماه که کنایه از زیبائی ارومیه میباشد تشکیل شده است .

درجنك بین‌الملل اول این‌شهر چندین‌بار مورد حملات‌متقابل‌روس وعثمانی واقع گردید وسکنه‌آن در واقعه قیام‌آشوریان که بتحریك بیگانگان رخ داد دوچار فلاکت شدند و بشهر ارومیه نیز آسیب فراوان رسید .

آقا محمدشاه در سنه (۱۲۰۲) در ارومیه تاج سلطنت برسر نهاد .

نقده

شهرستان نقده در جنوب غربی دریاچه‌رضائیه واقع واز بخش‌های اشنویه وخانه‌تشکیل شده است .

مرکز آن شهر نقده دارای ۴۴۵۳ نفر جمعیت میباشد .

ماکو

ماکو در شمال غربی‌آذربایجان در دامنه‌کوه آرارات واقع واز بخشهای پلدشت و سیه چشم تشکیل شده است .

جمعیت حوزه ماکو ۸۵۱۲۹ نفر میباشد.

خوی

شهرستان خوی در شمال غربی دریاچه رضائیه واقع و شامل بخش‌های حومه و چایپاره است .

شهر خوی مرکز این شهرستان میباشد وچون‌درمحل‌تقاطع دوراه مهم تبریز به طرابوزان ورضائیه به جلفاواقع‌شده است از نظر بازرگانی ونظامی‌دارای موقعیت مهمی است .

جمعیت حوزه خوی ۱۶۰/۶۱۱ نفر میباشد .

مهاباد

شهرستان مهاباد در جنوب دریاچه رضائیه‌قرارگرفته وازبخشهای بوکان‌وسردشت‌تشکیل شده است . اهالی این شهرستان بیشتر ازکردهای شهرنشین میباشند .

جمعیت حوزه مهاباد ۲۳۳۷۵۱ نفر وجمعیت نسبی در هر کیلومتر مربع ۲۱/۳ نفر

شاهپور

شهرستان شاهپور در شمال غربی دریاچه رضائیه قرارگرفته است مرکزآن شهرشاهپور

دارای ۶۷۴۳۱ نفر جمعیت میباشد .

میاندوآب

شهرستان میاندوآب درجنوب شرقی دریاچه‌رضائیه بین‌مراغه ومهاباد قرارگرفته‌وجمعیت آن بالغ بر ۱۷۶۹۲۵ نفر است .

کرمانشاهان (استان پنجم)

جمعیت : طبق سرشماری سال ۱۳۴۵ ، ۷۷۹۳۳۶ نفر

نفر مرکز : کرمانشاه شهرستانهای‌تابع : قصرشیرین ، ایلام،نهاوند ،تویسرکان، شاه‌آباد غرب ، پاوه (اورامانات)

استان‌کرمانشاهان از شمال به‌کردستان ، از مشرق به اراك ، از جنوب به لرستان واز مغرب بخاك عراق محدودگردیده است .

محصولات‌کشاورزی وگله‌داری

غلات ، توتون ، صیفی ، چغندرقند،پنبه ، انگور،خشکبار ازمحصولات مهم این‌شهرستان میباشد و همچنین گله‌داری ، بخصوص پرورش گوسفند توسعه فراوان دارد و روغن وپنیر از فرآورده‌های مهم این استان است .

معادن

معادن مهم این استان عبارتند از . نفت ، طلا ، سرب ، نقره ، مس و زغال‌سنك .

صنایع وکارخانجات

رواج صنایع جدیدکه ازسال ۱۳۱۴ درایران‌آغازگردید به‌آبادی واهمیت‌کرمانشاهان افزود ، درهمین سال شرکت نفت پالایشگاهی تأسیس‌کردکه بنزین‌ومواد نفتی‌لازم برای‌مصرف داخلی‌کشور را تهیه مینماید .

صنایع نساجی

پنبه‌پاك‌کنی ، کارخانجات شرکت سهامی توسعه واصلاح‌کشت پنبه درکرمانشاه شاه آباد غرب ، هفت کارخانه حلاجی پشم‌در همدان ، سه‌کارخانه‌کشبافی درکرمانشاه ، ۷ کارخانه‌جوراب بافی در همدان وکرمانشاه .

وهمچنین‌دهها‌کارخانه چرمسازی،سیمانکاری، خشکبار ویك‌کارخانه قندسازی درشاه‌آباد، ۲۵ کارخانه قند ریزی ، ۳۵ کارخانه آرد در شهرهای مختلف این استان وچندکارخانه برنج کوبی ویخ‌سازی وتهیه مشروبات الکلی‌کرمانشاهان را بیك استان صنعتی مبدل‌کرده است .

آثار وابنیه تاریخی

در همدان ، آرامگاه ابوعلی‌سینا باباطاهر عریان ، گنبد علویان ، اکباتان ، قدیم ، گنج‌نامه (تخته‌سنگی‌که نام داریوش والقاب وی‌بخط میخی روی‌آن حك شده است) ، سنگی‌که یادگار دوره پارت (۲۵۰ پیش از میلاد تا ۲۲۶ میلادی) .

در قصرشیرین : دوبنای‌عهد ساسانیان موسوم به قصر شیرین وخوش‌کوری .

در بیستون ، تخت شیرین ، حجاری وکتیبه‌های داریوش اول .

در ، طاق‌بستان : نقاط مجاور طاق‌بستان ، کامبادنهٔ‌قدیم ، غارهای‌حجاری عهد ساسانیان حجاریها وکتیبه‌های طاق‌بستان (طاق‌کوچك‌در حدود ۳۸۴ میلادی وطاق بزرك در حدودششصد میلادی بنا شده است) حجاریهاوکتیبه‌های عهدهخامنشی ، معبدی از دوره‌سلوکی بنام‌آنتیوکوس سوم (بناشده در سال ۱۹۳ پیش‌از میلاد)

در سرپل ذهاب : محل خلخال قدیم آشوریها ، دکان داود ، دخمه .
درکنگاور : محل کتلبار قدیم (خرابه‌های عهد اشکانیان) معروف باطاق فرهاد و نقش برجسته سنگی واقع درهورن شمال غربی سوبل (بناشده در ۲۰ تا ۳۰ پیش از میلاد)
در نهاوند : تپه کیان.
در هرسین : خرابه‌های ساسانی .

کرمانشاه

شهرستان کرمانشاه در مغرب همدان واز دوبخش جلگه‌ای‌وکوهستانی تشکیل شده‌است. بخش‌های آن شامل حومه ، هرسین ، صحنه ، کنگاور وسنقر میباشد .

مرکز آن شهر کرمانشاه که مرکز استانداری استان پنجم میباشد دارای ۱۲۵۴۲۹ نفر جمعیت است .

درکرمانشاه منابع نفتی مهمی وجود داردکه بنام نفت شاه استخراج میگردد وپالایشگاه آن درکنار رود قره‌سو قرار دارد .

شهرستان کرمانشاه بواسطه واقع شدن برسرراه ایران بعراق اهمیت زیادی دارد جمعیت سنقر که از بخش‌های کرمانشاه میباشد ۶۵۴۵۵ نفر است .

جمعیت حوزه کرمانشاه ۴۲۴۹۷۸ نفر

تاریخچه کرمانشاه

بنای این شهر را به طهمورث دیوبند پادشاه پیشدادی نسبت‌میدهند ولی از روی ماخذ معتبر وصحیح ثابت‌میگردد که بهرام پادشاه ساسانی که‌از ۳۸۸تا ۳۹۹ میلادی سلطنت‌میکرده . آنرا بنا نهاده است .

وجه تسمیه کرمانشاهان آنست که بهرام چهارم در زمان سلطنت برادر خویش بهرام‌سوم حکومت کرمان را داشت وخود را باین مناسبت شاه‌کرمان میناميد . بعدها که شهر جدیدی در محل کنونی کرمانشاه بنا کرد آنرا کرمانشاهان بمعنی شهرستان کرمان‌شاه نامید .

اندکی قبل ازآنکه کرمانشاه ساخته شودطاق بستان بامر شاهپور سوم در شش کیلومتری شمال شرقی آن شهر بنا گردید .

در سال ۶۲۸ - ۵۹۱ میلادی خسروپرویز قصر مجللی برای خود در این شهرساخت سیزده سال پس از مرگ خسروپرویز ، اعراب مسلمان چون سیل روبایران گذاشتند وکرمانشاه را بدون برخورد بمقاومت بتصرف درآوردند .

اعراب پس از استیلای برایران کلمه پهلوی کرمانشاه را معروف کرده قرمیسین ویا بقول اصطخری وحمداله مستوفی قرماسین نامیدند .

هارون‌الرشید نیز بکرمانشاه دلبستگی خاصی داشت . در دوره مغول این شهر مانند بسیاری از شهرهای ایران بدست یغماگران مغولی افتاد و بکلی ویران شد . در دوره صفویه کرمانشاه روبه‌آبادی گذارد وتقریباً بحداعتبار وجلال اولیه خود رسید .

در جنگ‌هائی که میان‌ایران وعثمانی‌روی‌داداین شهر چندین‌بار میان طرفین دست‌بدست شد تا اینکه‌بموجب عهدنامه ذهاب که درسال ۱۰۴۹ هجری امضاءگردید خط مرزی میان‌ایران وعثمانی درباختر کرمانشاه در همان محلی که امروزه نقطه مرزی میان وعراق میان تعیین‌شد .

یکسال پس از حمله افغان و انقراض سلسله سلاطین صفوی «حسین پاشا» والی بغداد بقصد تصرف کرمانشاه از مرزگذشت ولی اجل مهلتش نداد وبدرود زندگی گفت .

فرزند وی احمدپاشا دربهارسال۱۱۳۷ هجری نقشه پدر را اجرا کرد ولی‌افاغنه‌غلجائی

سه‌سال بعد اوولشکریانش را ازآن شهر بیرون راندند و خود افغانها در سال ۱۱۴۳ بدست نادرشاه تارومار شدند .

در جنگ بین‌الملل اول ترکان عثمانی‌درسال ۱۹۱۵ ازمرز ایران عبورکرده‌وکرمانشاه را تصرف نمودند ولی در سال بعد در نتیجه پیروزی ژنرال «مود» انگلیسی در کوت‌العماره ترکها ازکرمانشاه عقب‌نشینی کردند ودرآوریل‌همان سال یعنی در ۱۹۱۷ سپاهیان روس‌داخل کرمانشاه شدند .

کنگاور

کنگاور از بخشهای تابعه کرمانشاه‌بشمارمیرودوجمعیت حوزه‌آن ۷۰۹۷۲ نفروجمعیت نسبی در هر کیلومتر مربع ۲۶/۳ نفر میباشد .

قصرشیرین

شهرستان قصرشیرین مجاورمرز عراق قرارگرفته وازبخشهای سوماره وپل‌ذهاب‌تشکیل شده است .

مرکزآن شهر قصرشیرین میباشد . در اطـراف این شهر خرابه‌هائی دیده میشودکه‌آنرا به خسروپرویز نسبت میدهند .

جمعیت حوزه قصرشیرین ۷۵۷۵۳ نفر و

ایلام

شهرستان ایلام در شمال غربی لرستان‌واقع شده وشامل بخشهای حومه ، ابدانان،دهلان، مهران ، چوار ، صالح‌آباد ، بهره ، زرین‌آباد شیروان وچرداول میباشد .

مرکزآن شهر ایلام

نهاوند

شهرستان نهاونـد در جنوب تویسرکان قرار گرفته وجمعیت‌حوزه‌آن۷۶۱۸۸ نفر وجمعیت‌نسبی درهرکیلومتر مربع ۴۰/۱ نفر است .

مرکزآن شهر نهاوند دارای ۲۰۹۷۲ نفر میباشد .

تویسرکان

شهرستان تویسرکان‌که از دو قصبه بنام توی و سرکان تشکیل شده در جنوب همدان قرار گرفته است .

جمعیت‌حوزه‌تویسرکان۶۹۴۴۷ نفروجمعیت نسبی در هرکیلومتر مربع ۴۷ نفر میباشد .

شهر تویسرکان مرکز این شهرستان است و دارای ۱۱۳۲۳ نفرجمعیت میباشد.



یکی از پاسگاههای نظامی نوارمرزی (از بنای قدیمی)

ملایر

شهرستان ملایر در جنوب همدان قرارگرفته واز بخشهای حومه سامن تشکیل شده‌است .
مرکز آن شهر ملایر یکی از شهرستانهای فرمانداری کل همدان است
۱۰۰ نفر میباشد.
جمعیت حوزه ملایر ۱۵۷۳۴۹ نفر

شاه‌آبادغرب

شهرستان شاه‌آباد درمغرب کرمانشاه واقع واز بخشهای حومه، کرند و گیلان غرب تشکیل شده است . این شهرستان بعلت داشتن آب کافی یکی از مراکز مهم کشاورزی غرب است ، میباشد
جمعیت حوزه شاه‌آباد ۱۳۲۴۴۲ نفر

پاوه (اورامانات)

شهرستان پاوه در شمال کرمانشاهان مجاور مرز عراق قرارگرفته است وشامل بخشهای حومه ، نوسود ، روانسر ، جوانرود ، باباجانی وبانیکان میباشد . مرکز آن پاوه‌دارای ۲۶۳۱ نفر جمعیت است .

همدان

شهرستان مستقل همدان در مشرق کرمانشاه، در دامنه الوند واقع شده است و شامل بخشهای حومه ، اسدآباد ، رزن ، کبوترآهنگ ، سیمینه رود ، شراء وبیشخور میباشد .
مرکز آن شهر همدان و مرکز فرمانداری کل همدان میباشد
مربع ۳۴/۵ نفر میباشد.
جمعیت حوزه همدان ۵۵۳۵۹۸ نفر

تاریخچه همدان

در بین تمام شهرهای جهان کمتر شهری است که در قدمت و سابقه تاریخی بپای همدان برسد تاریخ همدان از یازده قرن پیش از میلاد آغاز میگردد .
نام همدان برای اولین‌بار درکتیبه «تیگلاث پالسر» اول‌پادشاه آشور دیده میشود واین پادشاه آنرا «امدانه» ذکر کرده است .
درکتیبه‌های هخامنشی این شهر «هکمتان» ذکرشده وهرودوت مورخ‌معروف آنرا اکباتان ضبط نموده است .



مقبره ابوعلی‌سینا در همدان

هرودوت بنای شهر همدان را به «دیوکس» نخستین پادشاه ماد (۷۰۸ ــ ۶۵۵ قبل ازمیلاد) نسبت میدهد .
دردوره هخامنشی‌پایتخت ازاکباتان (همدان) به‌تخت جمشید انتقال یافت وهمدان‌محل ییلاقی پادشاهان هخامنشی شد .
در دورهٔ ساسانیان یعنی از سال ۲۲۶ میلادی تا اواسط قرن هفتم همدان در اهمیت واعتبار سابق خود باقی بود ودر اواسط همین دوره بود که ملکه «سوسن» یهودیها را مقیم همدان ساخت . همدان در سال ۶۴۴ میلادی یعنی اندکی پس ازپیروزی‌اعراب درجنگ نهاوند بدست‌مهاجمین عرب افتاد .
در سال ۳۱۹ هجری مرداویج دیلمی باسپاهیان‌کوه نورد خویش همدان را بتصرف درآورد .

یك قرن پس از این حادثه ابوعلی‌سینا فیلسوف و دانشمند و پزشك ایرانی در همدان زندگی را بدرود گفت . در نیمه دوم قرن دوازدهم میلادی سلاطین سلجوقی از بغداد به همدان انتقال یافتند و مدت پنجاه سال این شهر را مرکز سلطنت خود قرار دادند . در دورهٔ مغول همدان نیز مانند سایر شهرهای ایران بدست مهاجرین یغماگر مغولی ویران گردید .

در سال ۶۹۵ هجری بیدوخان مغول در این شهر تاجگذاری کرد . در دورهٔ تیمورلنك این شهر بدست قشون تیموری افتاد وبسیاری از ساکنین آن کشته شدند .

در دوره شاه‌عباس همدان آباد گشت . در اواخر قرن هفدهم میلادی به میسیونهای مذهبی کاتولیك اجازه اقامت در همدان داده شده .

احمدپاشا والی بغداد در سال ۱۷۲۴ میلادی شهرهمدان رابتصرف درآورد وشش سال بعد نادرشاه همدان را از ترکها پس گرفت وآنها را بکلی از ایران بیرون‌راند ولی در پائیزسال ۱۷۳۱ ترکها پس از غلبه بر سپاهیان شاه طهماسب دوم بار دیگر برآن شهر استیلا یافتندو بعد بموجب پیمانی‌که در ژانویه سال ۱۷۳۱ میان ایران وعثمانی به امضاء رسید شهر همدان بایران مسترد گردید .

همدان در یکصد وپنجاه سال پیش ۴۰۰۰۰ نفر جمعیت داشته است .

خوزستان (استان‌ششم)

جمعیت ، طبق آخرین سرشماری ۱۳۳۵ ۱۶۱۴۵۷۶ نفر ــ جمعیت در کیلومتر مربع ۱۷/۶ نفر مساحت: ۱۷۷۱۳ کیلومتر مربع مرکز : اهواز شهرستانهای تابعه : آبادان مسجد سلیمان ــ خرمشهر ــ دشت میشان ــ دزفول ــ شوشتر ــ بهبهان ــ **بندر ماه شهر** خرم‌آباد ــ بروجرد ــ الیگودرز .

حدود ، از شمال به‌محلات ــ اراك ــ کرمانشاهان ــ شرق به‌کاشان ــ اصفهان ــ چهارمحال بختیاری ــ فارس .

جنوب ــ خلیج‌فارس ــ مغرب کرمانشاهان ــ عراق واروندرود .

آب وهوا : زمستان خیلی ملایم وتابستان گرم وطولانی است .

حداقل حرارت خوزستان چند درجه زیر صفر وحداکثرحرارت درتابستان درسایه ۵۸ سانتیگراد است .

معادن : بزرگترین معادن خوزستان نفت است وبعد ازآن پنبه نسوز ، آهن ، مس، طلا ونقره بنیوم شیست .

بنادر مهم : بندر خرمشهر ــ بندر معشور ــ بندر شاهپور وآبادان .

رودهای مهم : کارون ، کرخه وهندیجان .

کوههای خوزستان ــ ازکوههای پشت‌کوه لرستان و بختیاری شروع میشود دارای دو رشته‌کوه است که یك رشته‌آن‌در بهبهان واقع شده وموسوم به‌کهکیلویه است واکثرنقاط‌آن سبز وخرم وپوشیده از جنگل می‌باشد ودیگری در رامهرمزمسجد سلیمان ومعروف بکوه‌کج است. کوه‌کج منبع نفت خوزستان است وعاری از اشجار میباشد .

محصولات عمده : گندم ــ جو ــ شلتوك ــ چغندر ــ پنبه ــ کنجد ــ کتیرا ــ خشخاش ــ مرکبات ــ خرما ــ نیشکر .

صنایع وکارخانجات

صنایع خوزستان شامل کارخانجات صنایع نفت . پنبه پاك کنی ــ بافندگی ــ ریسندگی ــ

مبل‌سازی ـ تراشکاری ـ سیمانکاری ـ آردسازی ـ تولید نیرو وروشنائی ـ چوب‌بری‌وصنایع‌ـ نوشابه‌های غیرالکلی ـ یخسازی ـ برنجکوبی .

برنامه عمران خوزستان

در سال **۱۳۳۵** و**۱۳۳۶** سازمان برنامه با شرکت عمران ومنابع قرار دادی بمنظور عمران خوزستان منعقد نمودکه شامل :

ساختمان سد دز ـ احیاء کشت نیشکردرخوزستان ـ ایجاد خط نیرو ازآبادان باهواز تأمین برق عمومی وگاز ـ کارخانه پترو شیمیائی در اهواز برای تولید پولی کلروردو وینیل (نوعی پلاستیك ازگاز طبیعی مناطق نفت‌خیز) ـ مطالعه درباره نتایج کود شیمیائی و تحقیقات دیگر مربوط بعمران عمومی واقتصادی میباشد .

کشت نیشکر وتهیه‌نیشکر

در شهریور **۱۳۳۶**طرح پیشنهادی شرکت عمران ومنابع برای احیای‌کشت نیشکر در خوزستان و تأسیس یك کارخانـه قند از نیشکر بظرفیت اولیه **۳۰/۰۰۰** تن در سال بتصویب سازمان برنامه رسید . سازمان برنامه ده هزار هکتار زمین در هفت تپه برای اجـرای طرح خریداری نمود . برای‌آبیاری‌این‌اراضی از سددز استفاده می‌شود.

آثار وابنیه تاریخی

در اهواز : خرابه‌های «هرمز اردشیر» قدیم .

بهبهان : ارجان (خرابه‌های عهد ساسانیان ردپای‌کوه).

هندیجان : بین اسك وارجان (خرابه‌های عهد ساسانیان)

مال امیرایذه : محل پایتخت قدیم، (حجاریهائی‌که درسنك‌کوه احداث‌گردیده) .

رامهرمز : طاق نصرت (عهد ساسانیان)

خرم‌آباد : مناره‌ای در سمت چپ رودخانه ، قلعه فلك‌الافلاك .

شوش : محل وتپه‌های مجاورآن ـ بقعه دانیال .

کرخه : خرابه‌هائی از ایوان‌کرخه .

شوشتر : پل‌میزان (عهد ساسانیان وقاجاریه)

مسجد جمعه (قرن سوم هجری) ـ پل‌شاه‌علی در سرراه میناوب .

دزفول : پلی از عهد ساسانیان ؛ مسجد جامع (قرن‌اول‌هجری) ، امامزاده عبدالله(بنا شده بسال **۶۲۹** هجری)

شاپور : حجاریهای عهد ساسانیان ، مجسمه شاپور در غاری بهمین نام .

گلپایگان : مسجد جامع .

بروجرد : مسجد جامع (بنا شده بعهد سلجوقیان) مناره‌ای ازدوره سلجوقیان ، امزاده هفده‌تن (بناشده بسالهای **۱۰۳۲ـ۱۰۳۱** عهد صفویه) .

مسجد سلیمان : آتشکده‌ای در زمان ساسانیان واشکانیان .

برسك لرستان : خرابه پلی برودخانه‌کشانرود (بنا شده بسال **۳۹۹** هجری)

نورآباد : آتشکده میل‌اژدها (دورهٔ ساسانیان)

خیرآباد : چهارطاق دوره ساسانی وپلی از این دوره .

میدان نفت : معبد بدرنشانده (دوره اشکانی)

تاریخچه خوزستان

جائیراکه امروزخوزستان میکوئیم در روزگاران‌گذشته بنام (انزان ـسوسونکا) بوده‌که درلغت ایلامی بمعنی‌کوهستان است. وبعد بترتیب بنامهای (سوزیان) و (خوج) ، (الی‌نائیس)

واهوازدرآمده است .

درکتاب لغت عرب گاهی خوزآمده که نام کوهی است ازخوزستان وباین جهت اهالی آنجا راخوزنامیدند.

روایت است هوزی یاخوزی اسم قبیله‌ای بوده که دراین ایالت سکنی داشتند وبعدهانام خود رابه خوزستان نیزداده‌اند که بمعنای (ملك خوزیها) میباشد. وبعدها اسامی دیگر بدان داده شد .

پس ازتشکیل فرهنگستان وتبدیل اسامی بلاد پیش ازتقسیمات کشورخوزستان خوانده شد وپس ازسه قرن‌مجدداً این نام زنده گشت

قدیمی‌ترین آثارتمدن‌بشری که درخوزستان (شوش) پیدا شده متعلق بچهارهزارسال‌پیش ازمیلاد (شش‌هزارسال قبل از زمان ما) بوده است . در حدود سه هزارسال قبل از میلاد مردم خوزستان بیك دوره عالیتری‌ازتمدن قدم نهاده بودند زیر' دراین عهد خط اختراع شده‌نوشتن در روی الواح‌گلی معمول گردیده بود.

الواحی‌که درشوش پیداشده ثابت میکندکه خوزستان دردوره قدیم نه تنهاباسایرایالات ایران بلکه باکشورهای همجوارنیز روابط داد وستد داشته است.

درسه هزارسال پیش ازمیلاد دولت پادشاهی ایلام درحوالی‌شوش تشکیل شد دردوهزار سال پیش ازمیلاد ایلام چنان قدرتی بدست‌آوردکه تواناترین دولت آسیای میانه شد در هزار سال پیش ازمیلادآفتاب امپراطوری ایلام دچارکسوف وگرفتگی شد و امپراطوری جدیدآشور آنراباشکست پی درپی ازپای درآورد.

درسال ۶۴۰ قبل ازمیلاد آشور بانیپال پادشاه آشوربایلام حمله بردو شوش را تصرف نمود ودولت ایلام دیگرقادربه تجدید نیروی ازدست رفته خود نشد.

هخامنشیان

بعقیده اغلب مورخین خوزستان در دورهٔ هخامنشیان بسیارآباد بوده است.

ازسال ۵۲۱ تا ۴۸۶ پیش ازمیلاد داریوش‌کبیر برایران حکومت میکرد ومقر او در خوزستان بود وبرای آبادی آن زحمت فراوان‌کشید درسال ۳۳۱ قبل ازمیلاد اسکندرکبیر قشون ایران را درنزدیکی (آربلا) شکست داد وسلسله هخامنشی رابرانداخت .

اشکانیان

درزمان اشکانیان نیزخوزستان ازمراکزآباد ایران بوده است.

ساسانیان

در دورهٔ ساسانیان برای‌آبادانی خوزستان سعی وکوشش فراوان شده است وساسانیان اولین‌کسانی بودندکه بااحداث سدها وشهرها وترویج‌کشاورزی‌نه تنها باعث آبادانی واعتبار خوزستان شدند بلکه از همه نقاط ایران و کشورهای همجوار مردم را برای آبادی این سرزمین جمع‌کردند واین اولین اقدامی بودکه برای اسکان ایلات ومردم بیابان‌گرد صورت گرفته است.

تازمانیکه سدبندیهاوآبیاری عهدساسانیان هنوزبجابودشهرها ودهات خوزستان‌اکثریت سکنه را دربرگرفته بوداما پس ازویرانی‌آن سدها وابنیه اراضی حاصلخیزبایروبیشترساکنین دهات صحراگرد شدند. ازخیلی قدیم قبیله‌های چادرنشین هرسال اول بهاربمحض اینکه سوزش آفتاب علفهای صحرا را میخشکانید کوچ میکردند واکنون نیزازهمان راههائیکه سالیان دراز رفته بوده‌اند بکوهستانها کوچ مینمایند تااحشام خود را بنواحی خنك کوهسار و چراگاه‌های

تابستانی برسانند و بازوقتیکه پائیزوآثارسرما در کوهستان ظاهرمیگردد عشایرازبالاسرازیرو بجلگه‌ها ،راجعت مینمایند.

هنگام سلطنت یزدگرد سوم اعراب به ایران حمله کردند خوزستان اولین نقطه‌ای بود که اعراب آنرا ویران نمودند وسلسله ساسانیان را برانداختند

سلجوقیان

در دورهٔ سلجوقیان خوزستان ازمراکز بزرگ کشاورزی شمرده میشد زیراآنها توجه بیشتری بکشاورزی وآبادانی میکردند.

شاه شجاع معاصرخواجه حافظ استان خوزستان راجزوقلمروحکومت‌خودکرد ولی‌طولی نکشیدکه لشکریان امیرتیمورآنجا راتسخیر نمودند.

صفویان

خوزستان مقارن سلطنت صفویان در ایران بدست خاندان مشعشی حویزه افتاد ولی سلاطین مزبورنواحی شرقی خوزستان راضمیمه قلمرو خود ساختند.

درتمام مدتی‌که سلاطین صفویه در تمام ایران با قدرت کامل سلطنت میکردند خاندان مشعشی دارای‌استقلال‌بودند. دراین زمان شاه اسماعیل صفوی‌بعدازتصرف بغدادمتوجه خوزستان شد واهواز راتصرف‌نمود.

در زمان صفویه یعنی از ۱۵۰۰ تا ۱۷۳۶ میلادی خوزستان یکی از مهمترین قطعات ایران محسوب میشد زیرا یکی ازچهار ایالتی بودکه یك نفروالی درآنجا حکومت میکرد.

پس ازانقراض سلسله صفویه افغانها بخوزستان استیلا یافتند.

نادرشاه

نادرشاه درسال۱۱۴۲عازم خوزستان شد وافغانها راازاین‌استان بیرون راند وفرماندار آنجارابقتل رسانید.

ازکارهای بزرگ نادرشاه دراین مسافرت بستن سد میزان بود.

کریمخان

خوزستان دردوره کریمخان زند علاوه‌برانقلابات‌داخلی وخشکسالی وشکستن بند میزان درشوشتردچارخرابی گردید

کریمخان زند برای سرکوبی‌کعبیان به خوزستان آمد.

قاجاریه

دراوایل سلطنت قاجاریه خوزستان دردست حکمرانان محلی‌بود دراین دوره خوزستان بدوقسمت شمالی وجنوبی تقسیم‌گردید.

قسمت‌شمالی‌که ضمیمه‌ایران غربی بود جزو قلمرومیرزا محمد علی دولتشاه بودوبخش جنوبی‌آن ضمیمه فارس گردید.

در زمان فتحعلیشاه فرزنداومحمد علی میرزاکه والی‌کرمانشاه بود خوزستان راضمیمه حکومت خویش نمود وبند میزان شوشتر راتعمیرومرمت‌کرد.

دراین زمان عده زیادی ازمردم خوزستان بعلت شیوع وباکشته شدند.

دوسال‌بعد درناحیه شوشترطاعونی‌نیزبروزکرد وعده زیادتری‌را ازبین برد.

از زمان فتحعلیشاه ببعد ایران‌درسیاست وارد شد و اروپائیان‌که درخلیج فارس دارای نفوذ شده بودند بفکرتوسعه قلمروخود درداخل ایران افتادند.

دراین هنگام قوای انگلیس بایران حمله‌کرد و وارد خوزستان‌گردید ولی پس ازسال

۱۲۷۳ که قضیه هرات خاتمه یافت درخوزستان آرامش برقرارگردید و حکومت خوزستان به رجال پایتخت واداره آن بشیوح مختلف سپرده شد دراین سالها بود که سلاطین قاجار برای برقراری نظم درخوزستان پادگانهائی برقرارکردند .

در اواخرقرن سیزدهم حاج نجم الملك منجم باشی از طرف ناصرالدین شاه بخوزستان آمد .

درسال ۱۳۰۵ شاهزاده ظل‌السلطان حسین‌قلی خان نظام السلطنه را بحکومت‌بختیاری نامزدکرد .

آثارخیراین مرد بزرك هنوزدرخوزستان مشهود است دوره حکومت این مرد سه سال بود وباردیگردرسال ۱۳۱۲ به خوزستان‌آمد وتاسال ۱۳۱۴ دراین سمت باقی ماند.

ازسال ۱۸۸۰ میلادی خوزستان مورد حمله انگلیسها واقع شد ودرسال ۱۸۸۸میلادی آنها امتیازکشتیرانی راازناصرالدین شاه در رودخانه کارون بدست آوردند.

درآغازجنك بین‌المللی اول انگلیسها سپاه خود را بخوزستان واردکردند وشیخ‌خزعل کاملا دست نشانده آنهاگردید ومرکزسپاه انگلیس درامانیه (حوالی اهواز) قرارگرفت

در دوره تسلط انگلیس (گرن هوس) رئیس شرکت نفت در تهران به خوزستان آمد و حکمران قسمتی‌ازخوزستان گردید. ومدتی‌نیز قسمتی ازخوزستان توسط اویس قنسول انگلیسی اداره میشد.

پس ازاین واقعه اولین‌حکمرانی‌که از تهران مامورخوزستان شد مؤیدالدوله بود، ولی کاری ازپیش نبرد زیرا شیخ خزعل باتمام قدرت برخوزستان حکومت میکرد

اعلیحضرت فقیدکه درآن موقع مقام سردار سپهی داشت وتوانسته بود در اغلب نواحی ایران امنیت برقرارکند درسال ۱۳۴۴ قمری باسپاهیان زیاد به خوزستان رفت ودراین ناحیه نیزامنیت کامل برقرار کرد . شهرستان اهواز در مرکز استان خوزستان واقع است .

اهواز

جمعیت حوزه اهواز ۳۲۲۰۶۸ نفر باشد.

مرکز آن شهراهوازکه مرکز استانداری استان ششم (خوزستان) است

اهواز کنار رودخانه بزرك‌کارون ودرمرکزخوزستان واقع شده و دارای چندین هتل درجه یك ، مهمانخانه درجه یك ، مسافرخانه درجه یك ، مسافرخانه درجه ۲، مسافرخانه درجه۳، سینماوخط اتوبوسرانی ، تاکسی ، بیمارستان ، زایشگاه، درمانگاه و داروخانه‌است . خط آهن سراسری ازاین شهرمیگذرد.

یك فرستنده قوی دراهواز وجود دارد.

تاریخچه اهواز

شهراهواز درزمان‌ساسانیان‌احداث شده ودرآنوقت معروف به (هرمزاردشیر) بوده‌است وقتی اعراب به ایران حمله بردندنام هرمز اردشیررابه (سوق‌الاهواز) تبدیل نمودندکه معنای (بازارهوزیها) باشد چه هوزی یاخوزاسم قبیله‌ای بودکه درآن محل سکنی‌داشتند و نام خودرا به خوزستان نیزداده‌اندکه بمعنای (ملك خوزیها) می باشد.

ساسانیان پلها و سدها وبناهای زیادی در اهواز وروی رودخانه کارون ساختند که در جنگلها واغتشاشات داخلی روبخرابی رفت .

(نخستین بنیاد شهر کنونی **اهواز** کنار اهواز قدیم بسال ۱۳۰۶ قمری بدستور

ناصرالدین‌شاه و بکوشش **حسینقلی‌خان نظام‌السلطنه** والی‌خوزستان بنام **بندر ناصری** احداث گردید وسپس نام بندرناصری به **اهواز** تغییریافت)

جزیره آبادان

آبادان جزیره‌ایست بطول ۶۴ وعرض ۲ تا ۳۰ کیلومتر که درمصب آرام وعریض اروندرود قرارگرفته است .

این جزیره تنها نقطه‌ای‌از‌ایران‌است‌که دارای سه فصل (بهار وتابستان وپائیز) میباشد.

این جزیره بواسطه هوای گرم و خشك خود هیچوقت رنگ زمستان بخود نمیبیند . تابستانهای این‌منطقه طولانی وطاقت‌فرساست وگرما گاهی به ۵۰ تا ۶۰ درجه‌بالای‌صفرمیرسد. باین‌گرمای سخت وشدید باید شرجی آبادان راهم اضافه‌کرد.

تاریخچه آبادان

ازآبادان‌که معرب‌آن (عبادان) است وهنوزاعراب اطراف‌آنرابهمین نام میخوانند‌در شصت سال پیش یعنی درست درسال ۱۹۰۰ جزنامی وجود نداشت ولی بعد ازجنك جهانی اول بتدریج بروسعت آن افزوده شد.

در ۶۰ سال پیش پس از آنکه اولین چاه نفت درمسجد سلیمان بنفت رسید و نفت آن بوسیله لوله بکنارخلیج فارس برای بارگیری‌کشتی‌ها انتقال یافت. ساختمان پالایشگاه‌آبادان آغازگردید وبعدازآن هرچاه نفتی‌که بنفت میرسید براهمیت‌آبادان میافزود.

درسال ۱۹۰۰ جزمعدودی‌کپرمتفرق وچند نخلستان وچند خانه حصیری جمعی اعراب بادیه نشین دراین جزیره وجود نداشت. ولی پس ازآنکه پالایشگاه آبادان درسال ۱۹۰۹ و ۱۹۱۰ دراین جزیره احداث‌گردیدآبادان‌ازلحاظ اقتصادی وسیاسی‌اهمیت جهانی فوق‌العاده‌ای کسب کرد بطوریکه درطول‌نیم قرن‌مرکز صنعتی‌بزرگ‌کشور ونقطه ثقل مبارزات وکشمکش‌ها شد .

آبادان

جمعیت شهرستان آبادان ۳۳۹۱۲۱ نفر میباشد مرکزآن شهر بزرگ وصنعتی آبادان

درآبادان یکی ازبزرگترین پالایشگاه‌های نفت جهان قرارداد.

نفت‌اغلب مناطق خوزستان‌بالوله باین جزیره میرسد وپس ازتصفیه به‌کلیه جهان صادر میگردد .

پل خرمشهر

پل خرمشهر که جزیره آبادان را به خرمشهر متصل میکند یکی از شاهکارهای صنعت مهندسی است. این پل‌که مجموعاً طول آن سه‌کیلومتراست و ۶۱۶ مترآن معلق میباشد بروی شش پایه بتونی قراردارد.

این پل درچهار کیلومتری اروندرود قرار دارد ، عرض آن ۱۰ متراست‌که سه مترآن پیاده‌روهای‌اطراف وهفت متربرای عبور ومرور وسائط نقلیه است

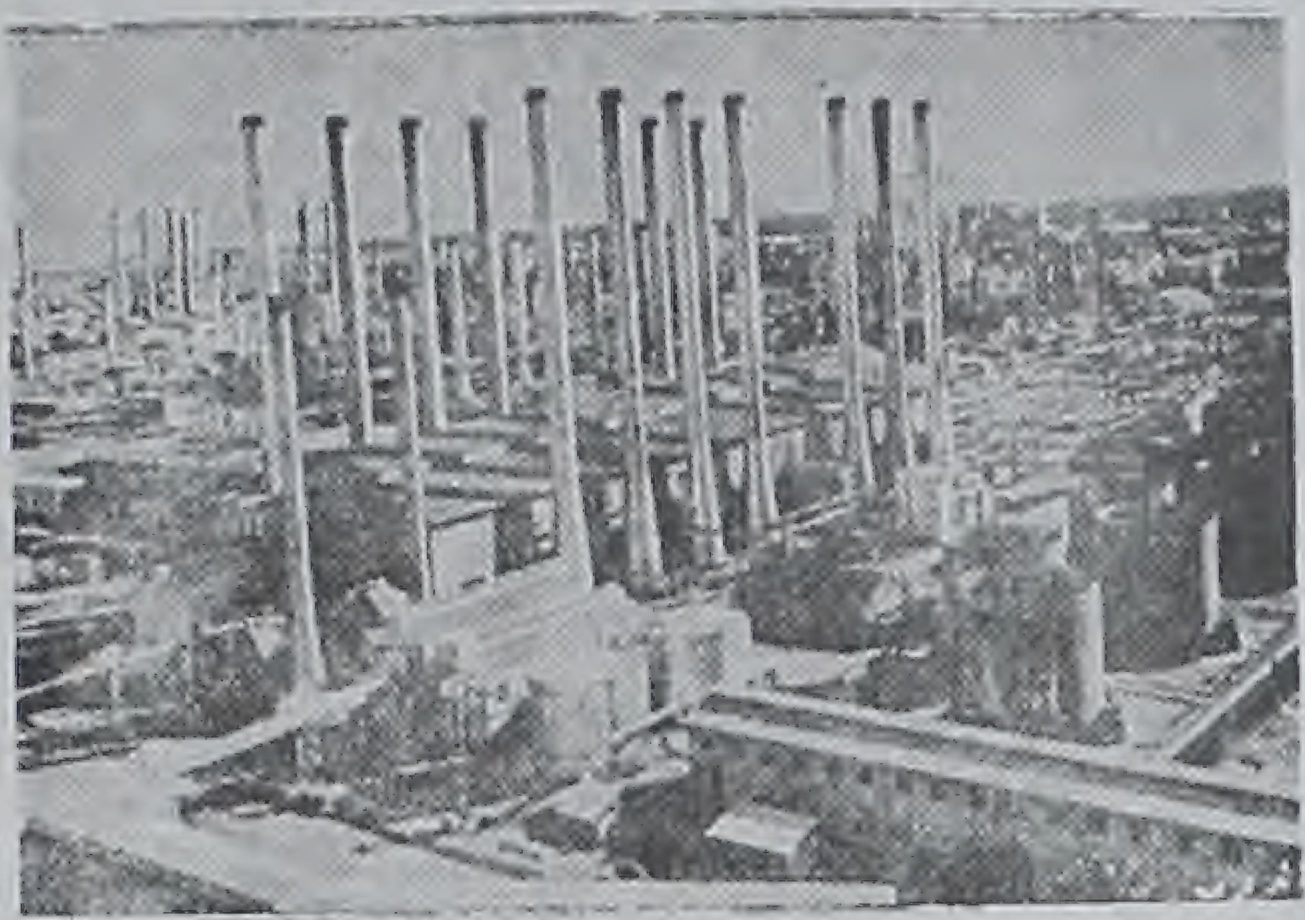
این عرض‌ده سانتی مترازعرض معمولی‌پل‌های آمریکائی برای هرنوع وسیله نقلیه‌بیشتر است. عرض مدخل پل ۱۲ مترمیباشد.

پل روی پایه‌های بتون مسلح در ۳۵ تا ۶۰ پازیرآب بناشده وپایه‌های آبی پل بافولاد بسیارمحکمی ساخته شده است. روی‌پل نیز بتون ریزی‌شده وجاده‌های دوطرف آن ازبتون‌مسلح شصت سانتی متری میباشد .

جاده اصلی‌پل شصت سانتیمتر عمق دارد وبهترین‌جاده‌ای است‌که تاکنون درخاورمیانه

ساخته شده است .

با ساختمان این پل کامیون واتومبیلها میتوانند باپرداخت ده تاپنجاه الی صد ریال از پل عبور نمایند. ساختمان پل خرمشهر که صد وهشتاد میلیون ریال هزینه آن شده تماما توسط موسسه بنیاد پهلوی بانجام رسیده و از روز دهم دیماه ۱۳۳۸ پل برای عبور و مرور افتتاح شده است .



عظیم ترین پالایشگاه‌های نفت خاورمیانه که در آبادان قراردارد .

خرمشهر

شهرستان خرمشهر درساحل اروندرود قرارگرفته و شامل بخش‌های حومه ، شادگان ، صلبوخ میباشد.

جمعیت حوزه خرمشهر ۱۵۶۳۲۳ نفر جـ است

مرکز آن شهرخرمشهر که ازبزرگترین بنادر خلیج فارس می‌باشد

است نام قدیمی آن محمره بود راه آهن سراسری ایران از اهوازمنشعب شده ویك رشته آن خرمشهررابه راه‌آهن سراسری مربوط میسازد.

شادگان

شادگان ازبخشهای تابعه خرمشهراست.

جمعیت حوزه شادگان ۱۴۰ر۱۱۷ نفروجمعیت نسبی درهر کیلومتر۳ر۸ نفرمیباشد.

جمعیت شهرستان شادگان ۴۳۲۱ نفراست

مسجد سلیمان

شهرستان مسجد سلیمان درشرق خوزستان ، مجاور چهارمحال بختیاری واقع شده است وشامل بخشهای حومه وهفتگل میباشد.

جمعیت حوزه مسجد سلیمان ۱۱۱۱۵۵ نفروجمعیت نسبی درهر کیلومترمربع ۱۸ نفر است .

مرکز آن شهرمسجدسلیمان مرکزچاههای‌نفت میدان نفتون می باشد ودارای ۴۴۶۵۱

نفر جمعیت است .

بعضی ازمشخصات دهات

حوزه مسجد سلیمان دارای ۵۷۱ ده کمتر ازپنجهزار نفراست که از آن ۸۰ ده دارای شورای ده و ۱۶ ده دارای مدرسه دولتی یاملی وفقط سه ده یایك درصد ازمجموع دهات دارای درمانگاه یا مؤسسات بهداشتی هستند ۵۰ ده دارای گرمابه عمومی هستند ودر ۱۶ ده یك یاچند رادیووجود دارد ودر ۸۸ درصد ازدهات قسمتی یاهمه زمینها متعلق بمالکین کشاورزاست.
(حدود این حوزه با حدود شهرستان مطابقت ندارد)

دزفول

شهرستان دزفول درمرکز خوزستان واقع شده وشامل بخشهای شوش واندیمشك است .

جمعیت حوزه دزفول ۱۷۳۸۸۸ نفر میباشد.

مرکز آن شهرقدیمی دزفول است که ۵۲۱۲۱ نفرجمعیت دارد دزفول دارای چند مهمانخانه، مسافرخانه ، حمام میباشد.

تاریخچه شوش

شهرشوش مرکز دولت ایلام ویکی از مقرهای سه گانه دولت هخامنشی واز معروفترین شهرهای عالم بوده است وحتی درقرن بیست وسوم قبل ازمیلاد اهمیت بسزائی داشته است .

شوش رابزبان سوری سوسون وبعربی وآشوری سوسان وبیونانی ولاتین سوسا میگفتند.

این شهر که خشاریارشاه درآن سکونت اختیار کرده بود درزمان اردشیراول ودوم متروك شده روبکوچکی نهاد.

شوش توسط آنتیوکوس چهارم ملقب به اپیتفان غارت شد ودوباره توسط شاپوردوم بنام شاپورخوره تعمیر گشت ودرموقع حمله اعراب استحکامات آن خراب شد. بااینحال بسبب اهمیت نیشکرآن درصدراسلام ازشهرهای درجه دوم خوزستان بشمارمیرفت.

تا اواخر قرن پنجم شوش از بزرگترین شهرهای ایران بوده وپس ازآن رو بانحطاط نهاده است .

در حفاریهائی که توسط دمورگان درسال ۱۸۹۷ انجام گرفته آثاری ازدوره حجر جدید بدست آمده ومعلوم میشود دراین زمان نیز شوش دارای تمدن بوده است .

شوشتر

شهرستان شوشتردرمغرب مسجد سلیمان واقع شده وشامل بخشهای حومه وگتوندامت. میباشد.

جمعیت حوزه شوشتر ۷۹۱۸۴ نفروجه

تاریخچه

اسم شوشترازشوش گرفته شده وچنانکه میدانیم شوش درکنار رودکرخه و مغرب شوشتر فعلی قراردارد وشاید شوشترجانشین شوش قدیم شده ازقدیمترین آثاری که بدست آمده میرساند که شوشتردرزمان ساسانیان وجود داشته است

درکتاب تحفه العالم بنای شوشتررابهوشنك نسبت میدهند.

بعقیده بعضی ازنویسندگان ومورخین شوشتر در زمان هخامنشیان واشکانیان آبادبوده است .

اردشیربرای آبیاری شوشتر زحمات زیادکشید ولی این کار راپسرش شاپوربانجام رسانید

در هرحال شوشتر در اوایل دوره ساسانیان رو به آبادانی نهاد و یکی از بزرگترین شهرهای خوزستان شد.

درحمله اعراب شوشتر نیز بتصرف آنها درآمد و پس ازمدتی این شهر ازمراکز امپراطوری اسلام گردید .

هنگامیکه محمد علی‌میرزا دولتشاه پسر ارشد فتحعلیشاه بحکمرانی غرب ایران رسید تصمیم به بستن سد میزان گرفت ودرمدت سه سال این کار راباپایان رسانید.

شوشتر در زمان سلطنت صفویان بدست خاندان مشعشی حویزه افتاد و درسال ۱۰۴۲ فتحعلی میرزا حاکم شوشتر گردید وبرای آبادانی آن اقداماتی نمود.

نادر درسال ۱۱۴۲ به شوشتر آمد. در دوره کریمخان زند شوشتر ازخرابی ایمن نماند وبند میزان هم مدتی پیش شکسته بود وشوشتر روبخرابی رفت.

دراوایل سلطنت قاجاریه شوشتر بدوقسمت تقسیم گردید قسمت شمالی ضمیمه ایران غربی وقلمرو دولتشاه بود وبخش جنوبی ضمیمه فارس گردید.

فتحعلیشاه قاجار درزمان سلطنت خودبه شوشتر آمد دراین اوقات باعده زیادی از مردم این شهررا ازبین‌برد. دراوایل دورهٔ مظفرالدین شاه دو دستگی‌هائی که درشوشتر ازقدیم وجود داشت شدت پیدا کرد چون این اوقات مقارن باانقلاب مشروطیت درایران وگرفتن امتیاز نفت ازمظفرالدین شاه بود طایفه آغاوات دست بعملیات وحشتناکی زدند، وشوشتر را دچار مصیبت بزرگی نمودند.

تااینکه جنگ بین المللی اول آغازشد دراین دوره انگلیسها شوشتر رانیز تصرف کردند وگون هوس رئیس شرکت نفت حکمران شوشتر گردید.

پس ازاین تاریخ اولین حکمرانی که ازتهران بشوشتر فرستاده شده مؤیدالدله وپس از وی مشارالدوله بود که کاری ازپیش نبردند زیراکه شیخ خزعل برخوزستان مسلط بود.

چند سال نیزشوشتر مرکزخوزستان بود.

دشت میشان

دشت میشان ناحیه حاصلخیزی است که در مغرب خوزستان واقع شده و شامل بخشهای بستان ، هویز، موسیان میباشد.

جمعیت حوزه دشت میشان ۷۹۵۲۳ نفر

بندرمعشور

شهرستان بندرمعشور دربریدگی خورموسی قرار گرفته است شامل بخشهای هندیجان ، بندرشاهپورمیباشد .

بندرمعشور دارای ۱۵۴۶۹۹ نفرجمعیت است .

بندرشاهپور

بندر شاهپور درکنارخلیج خورموسی قراردارد. این بندرمبدأ خط آهن سراسری ایران وازبزرگترین بنادرخلیج فارس می باشد. ساحل آن طوریست که کشتیها بسهولت میتوانندبپهلو بگیرند. بندرشاهپور دارای ۳۷۲۴ نفرجمعیت است .

بهبهان

شهرستان بهبهان درجنوب شرقی خوزستان واقع شده واز بخشهای حومه آغاجاری و

گرمسیر (زیدون) تشکیل شده است.
جمعیت حوزه بهبهان ۱۷۴۴۱۵ نفروجمعیت نسبی درهرکیلومترمربع ۱۰ نفرمیباشد.
مرکزآن شهربهبهان دارای ۹۱۶۲۶ نفرجمعیت‌است.

رامهرمز

شهرستان رامهرمز درشرق اهوازقرار دارد وشامل بخش خلف آباد میباشد.
مرکزآن شهررامهرمز است.
جمعیت حوزه رامهرمز ۷۶۵۵۸ نفرو جمعیت نسبی در هر کیلومتر مربع ۱۱٫۴ نفر میباشد.

کهکیلویه

فرمانداری کل کهکیلویه که از بخش‌های حومه ، لند ، بهمئی ، باست ، اوداب ، گچساران تشکیل شده درجنوب شرقی خوزستان وشمال کازرون واقع شده است مرکز آن گچساران است که معادن‌بزرگ نفت درآن مشهورمیباشد.

لرستان

لرستان منطقه‌ایست کوهستانی‌است که تقریباً فاقد جلگه واراضی مسطح است کوههای آن مستورازجنگل میباشد.
مساحت: لرستان درحدود ۳۰۰ کیلومترطول و ۳۰۰ کیلومترعرض دارد.
آب وهوا: خشک ومتغیر
عشایر: عشایرلرستان‌عبارتنداز‌طوایف شگوند، صغوند، بیرانوند ، دیرکونه ، فائدرحمت پاپی رشنو، جودکی ، فلاوند ، میریوسفند ، کاکاوند ، نورعلی ، باوالی ، کرمعلی.
زبان: زبان مردم لرستان لری است.

خرم آباد

شهرستان خرم آباد که شامل بخشهای حومه سلسله ، دلفان چغلوندی ، ویسان ، زاغه، کوهدشت ، تنگ ملاوی ، پاپی ، الوار گرمسیری ودره‌شهر میباشددرمرکزلرستان واقع‌شده‌است جمعیت حوزه خرم‌آباد ۳۸۶۲۲۲ نفر میباشد
مرکزآن شهرخرم‌آباد است.



مسجد جامع بروجرد

گلپایگان

شهرستان گلپایگان درشمال شرقی خوزستان ومشرق استان واقع شده، وشامل بخشهای حومه وخوانساراست.
جمیت حوزه گلپایگان ۸۳۱۸۶۱ انفروجمعیت نسبی
گلپایگان یکی از شهرستانهای استان دهم است
مرکزان شهرگلپایگان دارای ۱۲۴۰۰ نفرجمعیت میباشد

بروجرد

شهرستان بروجرد درشمال لرستان واقع شده است و شامل بخشهای دوره واشترنیان میباشد.
مرکزآن شهربروجرد دارای ۴۹۱۸۶ نفر جمعیت

است .

جمعیت حوزه بروجرد ۱۳۰۲۸۱ نفرو جمعیت نسبی در هر کیلومتر مربع ۵۸٫۷ نفر میباشد .

(حدود این حوزه باحدود شهرستان مطابقت ندارد)

الیگودرز

شهرستان الیگودرز از بخشهای چوبه‌مار ، جاپلق ودامون تشکیل شده است .

نفر میباشد .

مرکز آن شهر الیگودرز **یکی از شهرستانهای فرمانداری کل لرستان است**

فارس وبنادروجزایر خلیج فارس(استان هفتم)

جمعیت ، طبق آخرین سرشماری سال ۱۳۴۵ _ ۱۴۴۹۴۷۲

مساحت ، ۱۴۸۶۶۹ کیلومتر مربع . مرکز : شیراز . شهرستانهای تابعه ،آباده ، کازرون ، فیروزآباد ، جهرم ، فسا ، اصطهبانات ، داراب ، لار ، بوشهر ، بندر لنگه ودشتستان.

حدود : از شمال شرقی وشمال غربی به‌کرمان ، یزد ، اصفهان وبختیار . ازطرف‌مشرق به‌کرمان و بنادر دریای‌عمان . از جنوب به خلیج فارس واز مغرب به خلیج فارس‌وخوزستان.

آب وهوا

فارس براثر موقعیت‌های مختلفی که‌داردآب وهوایش هم‌مختلف است نقاط کوهستانیش سرد وییلاقی وجلگه‌ها ونقاط ساحل آن گرمسیر است .

رودخانه‌های مهم : بندامیر (کر) ، شاهپور ، سانسان ، رامجرد .

کوههای فارس

فارس منطقه‌ایست کوهستانی که کوه‌های آن دنباله مرتفعات زاگرس ورشته‌های متعدد آن بموازات یکدیگر در جهت شمال غربی ، جنوب شرقی در سراسر این استان گسترده شده و تا بندرعباس امتداد دارد .

مهمترین ارتفاعات فارس رشته «دینار» است که در شمال غربی این استان قرارگرفته و بزرگترین قله آن «دنا» است که (۵۲۰۰) متر ارتفاع‌دارد وبعد ازقله دماوند مرتفع‌ترین قلل کوه‌های ایران میباشد .

محصولات‌کشاورزی

محصولات عمده این استان عبارتنداز ،گندم ، جو، حبوبات مرکبات، خرما ، انگور ، برنج ، زعفران ، کتیرا ، کنجد وخشخاش .

معادن : سنگ آهن ، گوگرد ، کرومیت و نمك ، مس ، شوره ، زاج ، ذغال سنك ، سرب .

کارخانجات مهم این‌شهرستان عبارتنداز ، پنبه‌پاك کنی تخت‌جمشید وجین‌فارس درشیراز ریسندگی‌وبافندگی ،کارخانه اعتمادیه وشرکت سهامی‌برق‌فارس، برنجکوبی، روغن‌کشی،یخسازی وقند سازی (کارخانه قند مرودشت فسا) .

از صنایع دستی ، قلمزنی ، مینیاتور ، میناکاری وقالی‌بافی در این استان رواج دارد .

بنادر مهم : بوشهر ، لنگه ، مقام ، بندرگنك ، بندر طاهری ، بندر ریك وبندردیلم .

دریاچه نیریز (بختگان)

دریاچه نیریز یا بختگان در مشرق‌فارس‌واقع شده است ودارای ۳۰ الی ۱۰۰ کیلومتر عرض میباشد.

در این دریاچه دو جزیره بزرگ کوهستانی بارتفاع ۱۲۰۰ متر وجود دارد.

گذشته تاریخی فارس

نام فارس از قوم‌آریائی پارس‌گرفته شده‌که بعد از ورود به ایران‌دراین سرزمین‌ساکن شده ونام‌آنها برروی این منطقه باقی مانده است فارس همواره‌مرکزجنبش‌های تاریخی‌وسیاسی بوده ودر تاریخ پیش از اسلام سلسله‌های بزرك هخامنشی وساسانی از این خطه برخاسته‌اند و دو دوره‌های بعداز اسلام هم مرکز حکومتهای‌آل‌بویه واتابکان وآل مظفروزندیه بشمار میرفته واز این ادوار ،آثار تاریخی مهمی مانند تخت‌جمشید و نقش رستم و پاسارگاد و شهر شاهپور باقیمانده‌که حاکی از اهمیت وعظمت‌کشور مادر روزگار پیش است.

آثار وابنیه تاریخی

بوشهر : محل ریشهر قدیم.

شیراز : تخت مادر سلیمان (قصر ابونصر) ، حجاریهای مجاور تخت مادر سلیمان(عهد ساسانیان) ، خرابه‌های مسجد عتیق ، مسجد نو (بنا شده در عهد اتابك سعدبن‌زنگی) ، باغ و عمارت هفت تن ، مدرسه خان ، مقبره متعلق بدختر اتابك ، مسجد وکیل ، مقبره‌کریم‌خان‌زند موسوم به‌کلاه فرنگی کریم‌خان (وفات در ۲۳ صفر ۱۱۹۳) مقبره سیدعلاءالدین ، آتشکده (جزء دوره‌ساسانی) ، مزار شیخ‌یوسف سروستانی (سال ۶۸۰ هجری) ، بقعه شاهچراغ(درزمان سلطنت اتابك ابوبکر سعدبن زنگی) ومسجد نصیرالملك (۱۲۹۳)

فهلیان : دخمه سنگی موسوم به داود دختر.

لار : قیصریه لار (دوره صفوی)

کازرون : آتشکده (دوره ساسانی)

سرمشهد : نقش برجسته بهرام‌گور درحال دفاع از شیر (دوره ساسانی).

داراب‌گرد : قلعه درب در پنج‌کیلومتری جنوب شهر.

مسجد سنك ونقش برجسته موسوم به نقش رستم.

فسا : تپه‌ای موسوم به قلعه ضحاکی.

فراش‌بند : بنای‌کوچك‌گنبددار ، بنای‌گنبددار (عهد اشکانیان) وآتشکده‌کران (عهد ساسانیان).

مسوریان : مسجد جامع (قرن ششم هجری)

تخت‌جمشید : دو تپه متعلق (بعهد ماقبل از تاریخ)

نیریز : مسجد جمعه.

کتایون : حجاری‌های عهد عیلام.

پازارگاد : محل شهرقدیم (عهد هخامنشیان)

مرودشت : نقش رستم‌ونقش‌رجب.

سروستان : قصرونقاط مجاورآن.

نسوزآباد : نقش برجسته (ساسانی)

فیروز : محل‌گود قدیم ، پلی از عهد ساسانی،عمارت اردشیر ، قلعه دختر (ساسانیان) خرابه‌های‌آتشکده.

استخر : محل شهر قدیم استخر ،

شیراز

شهرستان شیراز در مرکز فارس ومغرب دریاچه نیریز قرار گرفته واز بخشهای حومه، بیضا (اردکان)، زرقان، سروستان، تلخسر و مرودشت تشکیل شده است.

جمعیت حوزه شیراز **۵۹۹۵۷۷** نفر میباشد.

(استان هفتم) میباشد.

تاریخچه شیراز

پیش از پیدایش وترجمه الواح گلی میخی در تخت‌جمشید قدیمترین اطلاعاتی که مورخین ایرانی بعد از اسلام نسبت بتاریخ وقدمت شیراز ضمن تألیفات خود داده‌اند اینست که شهر شیراز را محمدبن یوسف ثقفی برادر حجاج بن یوسف عامل عبدالملك ابن مروان خلیفه بغداد که حاکم استخر بود در سال ۷۴ هجری در ۶۰ کیلومتری جنوب استخر بنا نهاده است.

شیراز از شهرهای بسیارقدیمی است که در دورهٔ هخامنشیان دهی در پیرامون شهر استخر بوده و در کتیبه‌های تخت‌جمشید بنام «شیرازیش» ازآن نام برده شده ولی از دوره بنی‌امیه بتدریج رو بتوسعه گذاشته وجانشین قدیمی استخر شده است.

اما دکتر لاکهارت مؤلف کتاب شهرهای معروف ایران مینویسد که وجود دو آتشکده و ارك کهنسال بنام «شاه‌مؤید» درشیراز خود دلیل بر این است که این شهر دردورهٔ ساسانیان وجود داشته است.

ولی پیش از اینکه خشت‌های نوشته میخی درتخت‌جمشید توسط استادان زبان وخط میخی درسه چهار سال اخیر خوانده وترجمه گردید لفظ شیراز، دریکی دو کتیبه آن دیده شد و رفع هرگونه شبهه وتردید رانمود وثابت کرد عمرشیراز بیش ازآنست که تصور کرده وتحقیق نموده‌اند نتیجه این تحقیقات معلوم داشت که شهر زیبای شیراز که روزی سعدی وحافظ را در کنار خود پرورانده از زمان شهریاران هخامنشی نیز دایر بوده است.

هیئت حفاری قصر ابونصر که از طرف موزه «متروپلیتین» در سال‌های ۱۳۱۲و۱۳۱۳ در ویرانه‌های مشرق شیراز کاوش‌هائی کرده، پاره‌ای مسکوکات وظروف واشیاء مربوط بدوره‌های سلوکی و اشکانی و ساسانی بدست آورده که همه حاکی از اهمیت این شهر در آن اوان بوده است.

نتیجه کاوشهای قصر ابونصر در دوسال وچند ماه مدلل ساخت که ساختمان نامبرده متعلق بدوره ساسانیان ویا اواخر اشکانیان بوده است. ضمن اشیاء چند مهره نیز پیداشد که روی‌آن نام اردشیر خورده ونام شهری شبیه به شیراز خوانده شده است.

روایات قدیم حکایت از این میکند که این شهر بامر «شیراز» فرزند طهمورث دومین پادشاه سلسله پیشدادیان بناگردیده است.

پس از اعراب و واژگون شدن امپراطوری ساسانی همانطور که مورخین اسلامی متذکر گردیده‌اند چون شهر استخر در برابر قوای مهاجم عرب پافشاری زیادی نموده وچند نوبت مصافهای خونین داد شهر شیراز مقرعمال خلفاوجایگزین شهر استخر گردید وبتدریج که استخر از سکنه وآبادی میافتاد برآبادی و جمعیت شیراز میافزود تا سرانجام در سال ۴۳۶ هجری (امیرابوکالنجار) شهر استخر را بکلی ویران کرد وبا خاك یکسان نمود وبقایای ساکنین آنجا را بشیراز کوچانید نامیده میشده است در زمان سلطنت صفاریان نخستین سلسله ایرانی پس از حمله عرب که قلمرو وسیعی از کشور ایران را تحت سلطه خویش درآورد بر وسعت شیراز

فوق‌العاده افزوده گشت وعمرولیث دومین پادشاه این سلسله در سال ۲۸۱ هجری هنگامی که درفارس مشغول تدارك قوا برضد خلیفه بغداد بود مسجد جامع عتیق راکه معروف به مسجدجمعه می‌باشد بنا نهاد .

این بنا یکی از قدیمی‌ترین آثار تاریخی شیراز می‌باشد ولی متأسفانه در این چند سال اخیر قسمتهائی ازآن که در طرف مغرب مسجد بود طرز ساختمان ومعماری دوره صفاری را مینمایاند بوسیله تعمیر کنندگان مسجد خراب گردید .

در دوره دیالمه شیرازآبادانی وزیبائی فراوان واعتبار بزرگی کسب نموده . بخصوص عضدالدوله (۳۶۶–۳۷۲) برآبادانی‌شهر شیراز افزود ساختمان‌های‌مفصلی‌از لحاظ توسعه شهر ورفاه مردم در مشرق شیراز وجودآورد که اینك اثری ازآنها نیست وفقطاز گفته‌های پاره‌ای از مورخین اسلامی میتوان پی‌بچگونگی‌آنها برد .

بعد ازآل‌بویه‌اتابکان فارس باعث‌شهرت فارس گردیدند وبر رونق شیراز افزودند . تنها آثاری‌که ازآنها در خود شهر باقیمانده مسجد نوفعلی است‌که‌آنرا مسجد اتابك نیزگفته‌اند . این مسجد از زمان اتابك سعدبن‌زنگی سال ۵۹۸ هجری شروع و در سال ۶۱۵ با تمام رسید پس از اتابکان سلاطین‌آل مظفر (۷۴۳ تا ۷۹۵) سهمی درآبادانی شیراز دارند .

در عصر مظفریان شیراز مرکز علم‌گردید ولی طوفان هجوم تیموریان فتوری در این پیشرفت حاصل‌کرد .

در دوره صفویه شیراز اعتبار خود را بعنوان مرکز یك ایالت مهم محفوظ نگاهداشت و امامقلی خان حاکم‌آن شهر بناها و عمارات و قصرهای زیادی بنا نهاد ودر زیبائی‌آن جهد فراوانی نمود .

در سال ۱۰۷۹ هجری، براثر سیل‌مدهشی خرابیهای عظیمی براین شهر واردآمدوهنوز ویرانی‌های این حادثه مرمت نیافته بودکه پنجاه وچند سال‌بعد افاغنه باین شهر حمله‌کردند وشهر راتصرف نمودند در این حادثه خرابیهای زیادی‌برشیراز واردآمد ومردم‌آن دچارمحنت ومصیبت فراوان شدند لیکن‌درسال ۱۱۴۲ هجری نادرشاه در جنگی‌که در نزدیکی شهر‌بوقوع پیوست افغانها را شکست داد وشیراز را از دست‌آنها خارج ساخت و امنیت و آرامش براین شهر برقرار ساخت وفرصتی‌برای ترمیم خرابیهای‌آن‌بدست‌آمد . اما بدبختانه در سال ۱۱۵۷ تقی‌خان شیرازی حاکم فارس براثر جاه‌طلبی بفکر استقلال وقیام برعلیه نادر افتاد ودرشیراز خود را فرمانروای مطلق ومستقل اعلام‌کرد . نادر بیدرنك عده‌ای از سپاهیان خود را برای دفع غائله وی به‌شیراز فرستاد و سپاهیان نادر پس از چهار ماه ونیم محاصره برشیراز تسلط یافتند وبسیاری ازمردم‌آنرا ازدم‌تیغ‌گذرانیدند وبسیاری ازعمارات‌آنرا با خاك‌یکسان‌نمودند. پس ازآن طاعون بسراغ این شهر رفت وچهارده هزار تن از مردم‌آنرا بهلاکت افکند .

کریم‌خان زند در سال ۱۱۸۰ هجری‌شیراز را پایتخت‌خود قرارداد وبه تعمیر ومرمت خرابی‌های‌آن همت‌گماشت وبطورکلی بنای شهر را تجدید نمود .

کریم‌خان برای‌رفاه‌وآسایش مردم شیراز زحمت‌بسیار کشیدبدین جهت مورخین‌نوشته‌اند در شرق زمین پادشاهی به‌عطوفت ومهربانی وعلاقه کریمخان‌برفاه وآسایش ملت خودپای‌بعرصه وجودنگذاشته است .

در زمان‌آغا محمدخان‌قاجار وبامر وی در سال ۱۲۰۷ هجری برج و باروی شهر را خراب‌کردند وباآنکه بعدها باروی محکمی در این شهر ساخته شد با اینحال زمین لرزه سال ۱۲۳۹ اغلب باروهای‌آنرا ویران نمود .

تخت جمشید

نام تخت جمشید در زمان هخامنشیان «پارسه» بوده و بهمین جهت نویسندگان یونانی هم آنرا باسم (پرس‌پولیس) یا شهرپار سه‌خوانده‌اند . و خرابه‌های آن بعداً بنام«تخت‌جمشید» معروف شده است .

پانصد و پنجاه سال قبل از میلاد کورش کبیر سرسلسله دودمان هخامنشیان در سرزمین پارس کشورگشائی و کشورداری راآغاز نمود ودیری نپائیدکه امپراطوری، خود را از باختر تا دریای مغرب وخاور تا رود سند وجیحون وسعت داد .

شاهنشاهی‌ایران که شالوده‌آن‌بدست‌توانای کورش بزرك‌ریخته شده بود در دوران‌پادشاهی داریوش اول باوج عظمت رسید بطوریکه‌آثار خیره کننده‌تمدن‌آن زمان پس‌از گذشت‌بیست‌و‌پنج قرن مایه مباهات وسرافرازی ما وحیرت جهانیان است .

داریوش در دوران ۳۶ ساله سلطنتش به نیروی اراده وحسن تدبیر وهمت بلند ایران را ازهر لحاظ شهره‌آفاق‌کرد .

گذشته از کتیبه‌های بیشمار وبناهای بی‌نظیری‌که در دورترین نقاط از این شهریار بجا مانده برجسته‌ترین‌آثارهنری وصنعتی‌دوران سلطنت اوکاخهای بلند تخت‌جمشید است‌که نزدیك بدوقرن عهد تمدن وفرهنك ایران محسوب میشده است .

ساختمان این‌کاخها در حدود ۵۲۰ قبل از میلاد بفرمان داریوش بزرك‌آغازگردیده و تا پایان زمامداری خشایار شاه وحتی اوایل سلطنت اردشیر اول ادامه داشته است .

حمله‌اسکندر

در سال ۳۳۷ قبل از میلاد داریوش سوم به سلطنت رسید وددزمان پادشاهی او بود که اسکندر پادشاه یونانی بایران حمله‌کرد .

پیشروی اسکندر ازآسیای صغیر تا مصر دوسال طول‌کشید ، دراین مدت اسکندر پس‌از غلبه بر پادگانهای پارس درکنار رود «گرانیك» فریژی شهرهای یونانی‌آسیای صغیر وسواحل مدیترانه را از قید اطاعت هخامنشیان خارج ساخت وپس‌ازتسخیر شهر مستحکم (هالیکارناس) که چند ماه محاصره آن بطول انجامید و پس از عبور از در بندهای‌بلادفاع سیلیسی بحوالی ایسوس رسید ودر همین نقطه بودکه بانیروی داریوش تلاقی کرد وپس از نبرد سختی داریوش را شکست داد .

اسکندر پیشروی خود را ادامه داد وکوتوال شهردمشق خزانه دولتی‌آنجا رابوی‌تسلیم کرد . شهر صورکه واسطه تجارت شرق وغرب بود هفت ماه در محاصره قرارگرفت ونابودشد دوماه هم در زیر قلاع شهر (غزه) معطل شد واسکندردستور داد مردم‌آنشهر را قتل عام‌کنند. بسال ۳۳۲ قبل از میلاد قوای مقدونی بکشور مصر وارد شد . مصریها تسلیم و برای اسکندر مقام خدائی قائل شدند وبدستور او بندر (اسکندریه) ساخته شد .

اسکندر پس‌از تصرف مصرهیجده ماه مشغول جمع‌آوری وتجهیز نیرو بود ودر بهارسال ۳۳۱ قبل از میلاد بطرف پارس حرکت‌کرد .

پس از چند روز راه‌پیمائی بساحل فرات رسید و وارد خاك بین‌النهرین شد واز دجله عبورکرد وبزرگترین وآخرین نبرد اسکندر وداریوش‌در این محل اتفاق افتاد پس از تصرف موصل قتل و غارت‌کنان ببابل و از بابل به شوش و از آنجا شتابان به پارس حرکت کرد تا هرچه زودتر به تخت‌جمشید برسد و با تصرف پایتخت اصلی ایران بساط هخامنشی را یکباره برچیند .

در راه خوزستان به پارس در محلی از معابر سخت‌کهکیلویه بنام (دربند پارس) جنك

سختی بین سربازان ایرانی ومهاجمین مقدونی در میگیرد که مقدونیان تلفات سنگینی میدهند و رشادت پارسیان و وظیفه شناسی فرمانده پادگان آنجا بنام (آریا برزن) در تواریخ مکرر نقل شده است.

اسکندر در این نبرد پس از عقب نشینی با خدعه از بیراهه عبور و بازهم مورد حمله قرار میگیرد ولی سرانجام بطرف تخت‌جمشید حرکت میکند.

آتش‌زدن تخت‌جمشید

اسکندر اعلان‌کرد پرس‌پلیس بدترین دشمن یونان‌است وفرمان داد باستثنای قصرهای شاهی تمام شهر را غارت‌کنند.

شبی که اسکندر ازباده ناب سرگرم عیش ونوش‌بود یکی‌ازمعشوقه‌هایش بنام تائیس گفت اگر امشب قصر پادشاهان پارس راآتش بزنی یونانیها تا ابد نسبت بتو حق‌شناس خواهندبود. اسکندر مست وخراب مشعلی‌بدست‌گرفت‌گفت‌چرا معطلید ومشغول‌آتش‌زدن قصرها شدوپایتخت مشرق‌زمین نابود شد.

پس از فوت اسکندر پارتهای اشکانی از ریشه پاك ایرانی دولت بزرگی بوجودآوردند وهمین دولت در عصر ساسانیان سیر درخشان تمدن ایران را تأمین نمود.

دفینه‌های تخت‌جمشید

در سال ۱۳۰۸ شمسی (رکفلر) ثروتمندمعروف‌آمریکائی نه میلیون دلار برای‌کاوشهای علمی‌آثار تاریخی تخصیص داد ویکسال بعد بنگاه شیکاگو باکسب اجازه دولت ایران ازمحل این اعتبار هیئتی بریاست دانشمند فقیدآلمانی پروفسور هرتسفیلد بایران فرستاد واین هیئت در تخت‌جمشید مشغول‌کاوش شد ودر ظرف دوسال‌کوشش‌آثار نفیسی از جمله:

پله‌کان شرقی کاخ آپادانا وآثار برجسته کاخ سه دروازه از زیرخاك بیرون‌آمد.

قبل از این‌کاوشها در جنوب محوطه بین‌کاخهای‌آپاداناوصدستون‌آثار خرابه قصری‌دیده میشد که زیر توده‌های خاك مدفون بود وفقط ۳ دروازه سنگی‌بالابلندبرفراز این تل‌خاك‌نمایان بود. در سال ۱۳۱۱ یك رشته پله‌کان دو طرفه دیگر با نقش‌های زیبا کشف ومعلوم شد راه اصلی ورود به‌کاخ سه دروازه است. ایوان خارجی‌این پله‌کان دارای یك ردیف تصویر برجسته سربازان‌نیزه‌دارمادی وپارسی است روی دیوارهای داخلی‌آن‌در یك قسمت نقش‌برجسته‌افسران مادی ودر سمت دیگر نقش برجسته افسران پارس‌که دست بدست‌هم داده وباحال نشاط مشغول هستند دیده میشود.

روی بدنه دروازه سنگی جلوتالار نقش برجسته شاه برروی تخت سلطنتی باقی مانده درحالیکه ولیعهد پشت سراو قرار دارد و تخت برروی‌دست ۲۸ نفر نمایندگان ملل تابع‌ایران نگاهداشته شده است.

یك رشته پله‌کان‌کوچك وظریف از سنك یك‌پارچه و سرستون بزرگی بصورت انسان و بدنه‌گاوبالدار وچند لوح زرین وسیمین بتهران حمل واکنون در موزه ایران‌باستان‌نگاهداری میشود.

مضمون یکی از لوایح مزبور بشرح زیر است:

«داریوش» شاه بزرك، شاه‌شاهان، شاه کشورها، پسر ویشتاسب هخامنشی داریوش شاه گوید:

این است‌کشوری‌که من دارم از سکستان‌آنطرف سغد تاکوشا از هند تا سارد که آنرا آهورامزدا بزرگترین خدایان بمن داده است. آهورامزدا مرا وخاندانم را پاس دارد)

دومجلس بار داریوش بزرك وخشایارشاه‌که درایوانهای عمارت خزانه تخت‌جمشید کشف

شده ودرسال ۱۳۱۷ به موزه ایران‌باستان‌انتقال یافت در این دومجلس‌داریوش بزرك روی‌تخت جلوس کرده وعصای بلند سلطنتی را بدست‌گرفته وپشت سراو خشایارشاه ولیعهد با دو تن از وزیران کشور ودوسرباز نیزه‌دار پارسی ایستاده‌اند .

در تالار صدستون دو وزنه از سنك مرمر سیاه یکی بوزن ۵ کیلو و دیگری بوزن ده کیلو که روی‌آنها کتیبه‌ئی کنده شده بدست‌آمده‌است در تالار ۹۹ ستون نیز اشیاء زیاد ونفیس دیگری بدست‌آمده نمایندگان یکی ازاقوام با تعیین ملیت وشکل لباس وهیئت است . درکاخ آپادانا بیست و سه مجلس که در هر مجلس تصویر مخصوص آنها حجاری شده دیده میشود .

کاخ صدستون وکاخ تچر وکاخ هدش نیز ازآثار جالب تخت‌جمشید ونموداری از عظمت ایران باستان است .

آباده

شهرستان‌آباده در شمال غربی فارس وجنوب شهرضا واقع وشامل بخشهای حومه،بوانات ابرقو واقلید میباشد .

مرکزآن شهرآباده است

جمعیت حوزه‌آباده ۹۵۷۵۸ نفر میباشد.

کازرون

شهرستان‌کازرون در مغرب فارس قرار دارد وشامل بخشهای ممستی (نورآباد) ، خشت وکمارج وکوه مرد میباشد .

جمعیت حوزه‌کازرون ۱۶۲۰۹۸ نفر است .

فیروزآباد

شهرستان فیروزآباد در جنوب شیراز قرار دارد واز بخشهای وقیروکازرین و فراشبند تشکیل شده است .

مرکزآن شهر فیروزآباد است .

جهرم

شهرستان جهرم در جنوب فسا قرار دارد و از بخشهای صمیکان خضر وکردیان تشکیل شده است .

جمعیت حوزه جهرم ۴۲۳۴۷ نفر و نفر میباشد

مرکزآن شهر جهرم دارای ۲۹۱۶۹ نفر جمعیت است .

فسا

شهرستان فسا در مغرب اصطهبانات واقع شده و شامل بخش حومه است . جمعیت حوزه فسا ۵۶۶۳۲ نفر می‌باشد .

مرکزآن شهر فسا دارای ۱۱۷۱۱ نفر است .

نیریز

شهرستان نیریز در مشرق دریاچه بختگان واقع شده است .

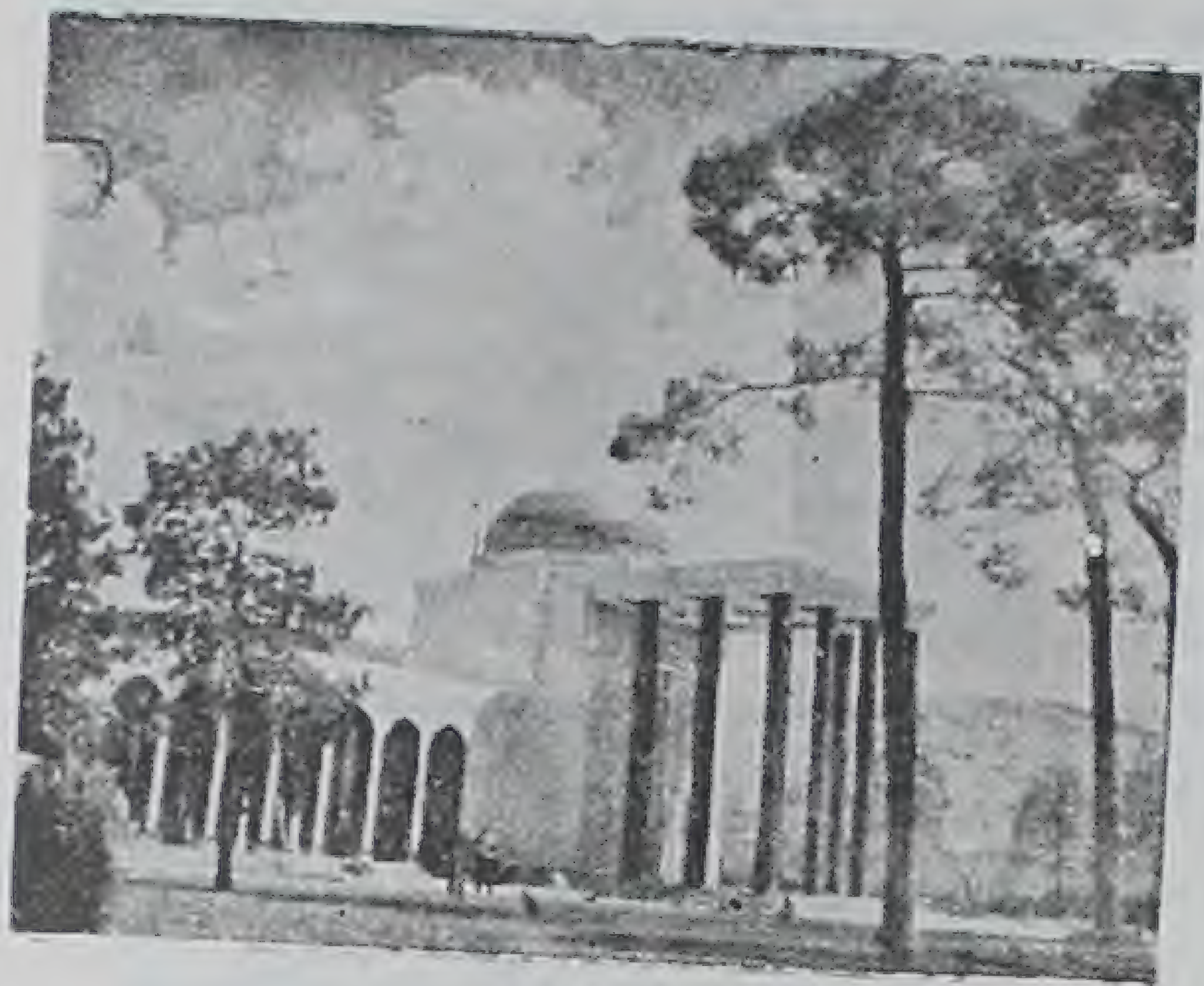
مرکزآن شهر نیریز دارای ۱۲۴۰۱ نفر جمعیت است .

بعضی ازمشخصات دهات

حوزه نیریز داری ۳۱۱ ده کمتر از پنجهزار نفر است که در بین آنها ۳۰ ده دارای شورای ده و ۲۲ ده دارای مدرسه دولتی و یا ملی هستند وفقط در یك ده یا یك درصد ازمجموع دهات درمانگاه یا سایر مؤسسات دیگر وجود دارد . ۱۵ ده دارای مسجد و ۲۰ ده دارای گرمابه عمومی هستند .

در ۳۲ ده ازرادیو استفاده میگردد . در ۷۰ ده قسمتی یا کلیه زمینها بمالکین کشاورز تعلق دارد .

حدود این حوزه با حدود شهرستان مطابقت ندارد .



مقبره سعدی در شیراز

اصطهبانات

شهرستان اصطهبانات در جنوب دریاچه بختگان قرار دارد .

مرکز آن شهر اصطهبانات دارای ۱۶۳۰۸ نفر جمعیت است .

داراب

شهرستان داراب درمشرق فارس وجنوب نیریز واقع شده است . جمعیت حوزه داراب ۶۶۲۹۱ نفر

لار

شهرستان لاردرجنوب فارس قرار گرفته وازبخشهای حومه جریم اوز و لامرد تشکیل شده است . جمعیت حوزه لارستان ۱۲۵۳۹۸ نفر

سابقه تاریخی

لارستان ویاقسمتی از آن درفاصله سالهای ۴۴۸ـ۴۱۳ تحت تسلط اتابك شبانکاره از فرزندان فیض‌الله خان بوده است وبعد ازآن درقلمروحکومت آل مظفربوده واین توی بانوی برآن حکومت میکرده است

در دوران شاه عباس لار از تابعیت دولت مرکزی سرپیچیده و بالاخره منجر بشکایت مردم شد ودرنتیجه شاه عباس اول بااعزام اردوی جنگی آنرا تحت نفوذ دولت ایران قرارداد.

در اوائل قرن بیستم پس ازتبریز لارستان اولین ایالتی بود که علم طغیان برضد استبداد محمد علی شاه قاجار برافراشت .

خلیج فارس

مساحت . ۲۵۱۲۲۶ مترمربع .

طول کلیه سواحل دریائی ایران(درخیلج فارس ودریای عمان) ۱۸۰۰ کیلومتراست و عرض آبهای ساحل ایران‌طبق قانون مصوب تیرماه۱۳۱۳ ولایحه اصلاحی فروردین‌ماه۱۳۳۸ ازخط مبدأ آبهای مزبور ۱۳ میل دریائی (میل دریائی مساوی با۱۸۵۲متراست) می‌باشد.و خط مبدأ با رعایت حقوق بین‌المللی تعیین شده است.

حدود: ازشمال شرقی به‌کرانه‌های‌ایران ، ازمشرق به دریای عمان وازجنوب ومغرب به‌شبه جزیره عربستان‌سعودی محدودگردیده‌است‌طول‌آن مبدأ خلیج (دهانه‌کارون درخرمشهر) تاتنگه هرمزبالغ بر۱۲۰۰ کیلومتراست‌خلیج فارس ازپدیده‌های طبیعی دوره سوم زمین‌شناسی است که درقسمت خاوری آسیا وجنوب ایران قراردارد.

این خلیج ازنظرموقعیت خاص وممتازجغرافیائی خود همواره مورد توجه ومحل رفت و آمد ملل عالم بوده است. علاوه برذخایرماهی درکف‌آبهای خلیج فارس و دریای عمان بزرگ ترین منابع نفتی جهان یافت میشود.

جزایر: جزیره آبـادان ، خارك ، شیخ ، سعد ، شیخ شعیب ، شتور ، هندرابی ، کیش (گیس) ، فرور، نابی‌فرور، سیری ، ابوموسی ، تنب ، نابی تنب ، قشم، هنگام ، لارك ، هرمزو وچند جزیره کوچك دیگر

بنادر: آبادان، خرمشهر، بندرشاهپور، معشور، دیلم ،گناوه ریك، بوشهر، هلیله ، دیر، کنگان ، طاهری، عسلویه ، شیوه ، مقام ، نخیلو، چیرو، طاخوبه ، چارك ، منو، بستانو، ملو، لنگه ، بندر باسعید و در جزیره قشم ، خمیر ، بندرعباس ، جاسك ، کنارك ، طبس چاه بهار و گواتر.

تاریخچه خلیج فارس

بیش از دوهزار سال قبل دسته‌ای از آریا نژادان از سرزمین هند بکنار خلیج آمدند وبزرگترین تیره این‌گروه‌آریائی‌پارس‌ها بودند پارس‌ها درکرانه خلیج اقامت‌گزیدند وموطن اصلی آنان‌که همین فارس وبنادرجنوب باشد بنام پارس موسوم‌گردید و خلیجی که بوسیله آن پارسیان با دنیاآمد وشد داشتند ودرکرانه‌آن شهرها وده‌ها وآبادی‌های خود رااحداث کرده بودند بنام خلیج فارس نامگذاری شد این واقعه مربوط به بیست قرن پیش است یعنی دوهزار سال است‌که موطن اصلی آریائی هاباسم پارس مشهورشده وخلیج مجاور کانون پارسیان خلیج فارس نام‌دارد بعدهاگروههای دیگرآریائی‌هامانند مدیها لیدی‌ها ــ وغیره بکانون اصلی پارس پیوستند و امپراتوری ویا شاهنشاهی بزرگی تشکیل دادند که مجموع آنرا شاهنشاهی ایران نامیدند بااین همه اسم پارس یعنی‌کانون اصلی همچنان باقی ماند و خلیج پارس هم در برابر تمام حوادث تاریخی بهمان نام ونشان استوارماند.

اقوام وملل مختلفی بسرزمین پارس وایران هجوم‌آورشدند برای مدت موقت (کم یا زیاد) حکومت را ازدست‌آریانژاد هاوپارس‌ها گرفتند امانتوانستند نام‌پارس و خلیج فارس را عوض‌کنند وحتی درتاریکترین‌دورهٔ استیلای بیگانگان براین‌مرزوبوم‌اسم پارس وخلیج پارس عوض نشد.

پس از اینکه داریوش بزرك پادشاه هخامنشی بسلطنت ایران رسید و کشورهای تابعه امپراتوری وسیع خود راکه سربشورش برداشته بودند دوباره مطیع‌کرد، درصدد برآمد‌که در خلیج فارس برای ایران یك ناوگان جنگی وتجارتی تشکیل دهد و بدینمنظورازکشتی سازان وملاحان فنیقی‌که‌کشتیرانی در دریای مدیترانه رابدست داشتند‌کمك خواست.

فنیقی‌هاتعداد زیادی‌کشتی‌های جنگی وتجارتی برای داریوش ساختند و وی چون‌مایل بود بین خلیج فارس و دریای مدیترانه یك راه دریـائی ایجاد کند فرمان داد ترعه‌ای بین

رودخانه نیل وانتهای دریای احمرحفرشود تا کشتیهائی که فنیقی‌ها برای ایران ساخته بودند ازاین راه بتوانند به خلیج فارس برسند.

این ترعه پس ازمدتها تحمل زحمت ومخارج فراوان حفر گردید وبرای اولین بار در دنیای قدیم راه خلیج فارس دارای یك ناوگان جنگی وتجارتی گشت.

ازاین تاریخ ببعدتمام سواحل وجزایرخلیج‌فارس تحت اختیاردولت ایران درآمد وناخدایان ایرانی با۔ کشتیهای‌خوددرسراسرآن به‌پشتگرمی دولت مقتدری‌که همهٔ دول‌بزرك‌دنیای قدیم رامنکوب کرده بود بدریانوردی وتجارت مشغول شدند وازراه بنادر و جزایرخلیج‌باممالك دورونزدیك‌مانند عربستان وهندوستان وچین و آفریقا بداد وستد ورفت وآمد پرداختند.



مقبره‌کورش بنای سنگی مجللی است که در ۲۴۶۰سال پیش ساخته شده‌است. درون‌این مقبره یك اطاق سنگی باابعاد ۲٫۱ × ۳٫۵ متر قرار دارد اطاق آرامگاه برروی شش طبقه سنگ بزرگ سفید شبیه سنگ مرمر قرارگرفته مساحت کل‌این بنا ۱۵۶مترمربع است.

پس‌ازانقراض سلسله هخامنشی واستقراراشکانیان تسلط دولت ایران برسواحل وجزایر خلیج فارس که در جریـان حمله اسکندر مقدونی مدتی دچار ضعف و فتور شده بود دوبـاره برقرارگردید واسناد ومدارکی‌که از آن زمان بدست‌آمد نشان میدهد که اشکانیان هم برسواحل شمالی وهم سواحل جنوبی وهم برجزایرخلیج فرمان روائی میکرده‌اند.

ازجمله اسنادی‌که دراینمورد دردست میباشد سفرنامه یك دریانورد یونانی است‌که در حدود سال ۸۰ قبل ازمیلاد سفری بدوربحراحمر وقسمتی ازسواحل افریقا وهند وخلیج فارس کرده و درجزوتصرفات وایالات ایرانی در این قسمت ، سواحل جنوبی خلیج فارس را باعمان حالیه ذکرمیکند.

این‌سفرنامه نشان میدهد‌که درآنموقع علاوه برجزایرخلیج ، سواحل جنوبی‌آن نیزدر تملك ایرانیان بوده است.

لشکرکشی شاپوردوم ببحرین وتصرف‌آن

پس ازانقراض اشکانیان وتشکیل سلسله ساسانی ، اردشیربابکان در سال ۲۲۸ میلادی بگفته طبری مورخ معروف ، سپاهی بجزیره بحرین فرستاد وشخصی را بنام «ساطرون» که سر بشورش‌برداشته ودرقلعه‌ای‌متحصن شده بود منکوب‌کرد وپسرخود شاپوراول را درآنجا گذاشت وضمناً بامراوشهری درساحل بحرین بنام «بتنی اردشیر» احداث‌گردید.

چندین سال بعد، هنگامی‌که یکی‌ازپادشاهان دیگرساسانی «شاپور دوم» بسلطنت ایران رسید، عده‌ای‌ازمهاجرین عرب دربحرین خردسالی‌پادشاه ایران رامغتنم شمرده ودست‌باغتشاش وتجاوزرزدند.

وقتی‌که شاپوربزرك شد همت به‌تنبیه‌آنان‌گماشت وازراه دریا به بحرین لشکرکشی‌کرد وشورشیان راسرکوبی وقتل عام نمود.

وی نیزازجد خود اردشیر بابکان تبعیت کرد وشهری بیادگار این لشکر کشی و پیروزی دربحرین ساخت که بنام «شاپوره» معروف شد وخرابه آن دربحرین باقیست.

درزمان انوشیروان کلیه سواحل وجزایر خلیج فارس تحت تسلط ایرانیان بوده وتجارت باهند وافریقا وچین ازراه خلیج یمن رونق فراوان داشته است .

حتی کشور یمن درجنوب عربستان ضمن یك لشکر کشی ازراه دریا توسط سپاهیان ایران فتح شده است .

بنادر وجزایر خلیج فارس

مرکز: بندربوشهر. شهرستانهای تابعه ، بندرلنگه ودشتستان(برازجان)

حدود : ازشمال به فارس وخوزستان ، مشرق به بنادر دریای عمان وجنوب و مغرب به خلیج فارس.

بوشهر

شهرستان بوشهردرجنوب دشتستان سواحل خلیج فارس قرارگرفته و ازبخشهای حومه ، کاکی ، خورموج (دشتی) ، بندر ریك (گناوه) دیلم ، تنگستان ، کنگان و خارك تشکیل شده است .

جمعیت حوزه بوشهر ۵۳۶۰۲ نفروجمعیت نسبی درهر کیلو مترمربع ۱۱٫۲ نفرمیباشد. مرکز آن بندربوشهراست که ازبنادرقدیمی وبزرك فارس ومرکزبنادر وجزایرخلیج فارس نیزمیباشد .

جمعیت بندربوشهر ۱۸۴۱۲ نفراست.

تاریخچه بوشهر

ریشهرازشهرهای قدیم ایران است که درآثارشوش نیزنامی ازآن برده شده و میگویند بدست لهراسب بناگردیده است ودر دوره اردشیر بابکان تجدید بناشده است .

پروفسور «اندریاس» آلمانی درسال ۱۸۷۲ میلادی و «پیراو» عتیقه شناس فرانسوی در سال ۱۹۱۴ میلادی درخرابه‌های ریشهر اکتشافات مهمی نمودند.

بعضی ازآثارقدیم ریشهر اکنون درموزه لوورپاریس موجود است .درسال ۹۴۷ قمری حسن سلطان ریشهری حکمران دشتی ودشتستان دردورهٔ شاه طهماسب صفوی ازفرمان آن پادشاه سرپیچی نمود، ولی لشکریان شاه طهماسب اوراشکست دادند.

درسال ۱۷۶۱ نادرشاه مرکزنیروی دریائی خود را دربوشهر تمرکزداد. درسال ۱۱۵۰ آبادی ریشهربه بوشهرانتقال یافت درسال ۱۱۸۲ که شیخ ناصرخان حاکم بوشهر بودانگلیسها قرار دادی بااو بستند که دربوشهرتجارت خانه‌ای تأسیس نمایند.

بوشهرتاپیش ازتأسیس راه‌آهن واحداث بندرشاهپوراز مهمترین بنادر ایران بود ولی رفته رفته روبخرابی رفت تااینکه درحال‌حاضردولت کنونی برای اسکله‌های جدید، ساختمان بنادر وبازارها پروژه‌های مفیدی تهیه نمودکه در دست ساختمان میباشد.

کنگان

کنگان ازبخش‌های تابعه بوشهراست. جمعیت حوزه‌آن ۳۵۰۱۵ نفروجمعیت نسبی‌در هرکیلومترمربع ۱۰ نفرمیباشد.

درشهر کنگان ۲۶۸۲ نفرزندگی میکنند.

دشتستان (برازجان)

شهرستان دشتستان (برازجان) درجنوب کازرون واقع و ازبخش‌های حومه وسعدآباد تشکیل شده است.

مرکز آن شهربرازجان دارای ۱۰۲۳۲ نفرجمعیت است.

بندر لنگه

شهرستان بندرلنگه درجنوب شرقی فارس درساحل خلیج فارس قرارگرفته و ازبخشهای حومه، شبیکوه، بستك، جزیره کیش و گاوبندی تشکیل شده است جمعیت حوزه بندر لنگه ۲۹۷۱۹ نفر میباشد.

مرکز آن شهربندرلنگه است.

جزیره خارك

جزیره خارك که ازبخشهای تابعه بوشهرمیباشد درفاصله ۳۷ کیلومتری بندر گناوه ودر جنوب بوشهر قراردارد.

طول این جزیره ۸ کیلومترو عرض آن ۴ کیلومتراست.

جزیره خارك دارای هوای آن معتدل وآب آشامیدنی آن فراوان میباشد.

تاریخچه

میگویند جزیره خارك در زمان اسکندر کبیر موقعیت مهم دریائی داشته و سرداران اسکندر چندی دراین جزیره بسربرده‌اند.

دویست وچند سال پیش هلندیها جزیره خارك راتصرف کردند وآنجا رامرکزبازرگانی خود درخلیج‌فارس قرارداده وقلعه مستحکمی دراین جزیره برای حفظ وحراست خودساختند.

درسال ۱۷۵۳ رئیس تجارتخانه هلندی دربصره (بارون نیفون) درصدد تصرف جزیره خارك برآمد.

چندین سال نفوذ هلندیها در خارك ادامه داشت تااینکه در سال ۱۷۵۶ بساط تجارت آنان دربصره بکلی برچیده شد وچندسال‌بعد بطورکلی ازبوشهروبندرعباس نیزخارج گردیدند وتنها نقطه‌ای که درتصرف داشتند خارك بودکه آنهم درسال ۱۷۵۷ ازدست آنان خارج گردید.

حکومت هند شرقی هلند چون جزیره خارك را نقطه پرزحمتی میدانست دیگر درصدد استرداد آن برنیامد وپس ازخروج هلندیها عمال کمپانی‌انگلیسی باسپاهیان کریم خان زندمتفق شده به خارك حمله کردند تابه شرارت و یاغی‌گریهای میرمنها برای همیشه خاتمه دهند لیکن حملات آنهابی نتیجه ماند ومهناپس‌ازشکست قوای متفقه ایران وانگلیس به جرئت و جسارت خود افزود ودامنه دزدی ویاغیگری رادر دریاتوسعه داد وحتی یکی ازکشتی‌های انگلیسی را نیزاسیر نمود.

درسال ۱۷۶۹ کریمخان زندباتجهیزات فراوان اطراف جزیره رامحاصره کرد وبالاخره میرمهنامجبوربفرارازجزیره شدند وجزیره خارك بدست ایرانیان افتاد. در سال ۱۸۴۲ میلادی خارك بتصرف انگلیسها درآمد واین قضیه درموقعی اتفاق افتاد که محمد شاه قاجار در هرات مشغول جنك بود. پس ازمتارکه جنگ انگلیسها خارك را تخلیه کردند.

درسال ۱۸۵۷ میلادی موقعیکه ناصرالدین شاه هرات را محاصره کردباردیگرانگلیسها خارك را تصرف کردند وافسران نظامی‌انگلیس بلندن‌پیشنهاد نمودندکه جزیره خارك رامرکز

سیاسی ونظامی انگلیس درخلیج فارس قراردهند ولی اولیاء انگلیس این پیشنهاد را نپذیرفتند.
دردوره اعلیحضرت فقید که قدرت ایران درسراسر کرانه‌های خلیج فارس بسط وتوسعه یافت خارك وسایرجزایرزیربرچم شاهنشاهی قرارگرفتند.
ولی جزیره خارك همچنان از نظرها دوربوده جائی متروك و مفلوك و خراب مینمود بطوریکه درسالهای اخیر زندان مقصرین شده وتایك سال قبل هنوزعده‌ای محکوم و محبوسین سیاسی درآنجا بسرمیبردند تا اینکه شرکت عامل نفت (کنسرسیوم) تصمیم گرفت جزیره خارك راتبدیل به پایگاه نفتی نماید واکنون مدتی است که ساختمان بندر واسکله هاومخازن ولوله‌کشی آن شروع شده است وجزیره را برای پهلوگرفتن کشتیهای بزرك نفتکش آماده میکنند و معادن گچساران ازطریق بندرگناوه و جزیره خارك بوسیله لوله زیر دریائی به خارك خواهد رسید ودرمخازن عظیم که درمرتفعترین نقاط جزیره ایجاد شده ذخیره میگردد وازآنجا به کلیه نقاط جهان صادر خواهد گردید.
فعلا جزیره خارك مرکز فعالیتهای نفتی شده و باانجام این فعالیتها امید میرود این جزیره رونق دیرین خود را بازیابد.

بحرین

جمعیت : ۱۲۰۰۰۰ نفر **وسعت :** طول جزیره ۴۷ وعرض آن ۱۲ کیلومتر **مرکز :** منامه
بحرین ازتعدادی جزایر کوچك از زمینهای تخته سنگی که اغلب درزیرآب واقع است و محل صید مروارید میباشد تشکیل یافته این جزیره مانند سایرقسمتهای جنوبی خلیج فارس از ازمنه قدیمه جزوقلمرو ایران بوده واغلب یکنفرازبزرگان محلی درآنجا حکومت میکرده‌اند.
مذهب اهالی دین اسلام است و زبان آنها فارسی وعربی است و حرفه اهالی زراعت ـ تجارت ـ پارچه بافی وساختن ظروف سفالی است .

آب وهوا

آب وهوای این جزیره مرطوب ولی سالم میباشد ویکی ازمزایای مهم آن وجودچشمه‌های زیردریائی است که دراثربکاربردن وسائل جدیدآب آنها بسطح زمین آورده شده و بهمین جهت جزیره بحرین دارای بهترین آب مشروب است .

کشاورزی وصید مروارید

خاك بحرین بسیارحاصلخیزومستعداست ومحصول آن خرما انجیروانگوروکاج وگلهای مختلف میباشد.

مروارید در طول کرانه بحرین بعمق ۱۵ الی ۱۶ متر یافت میشود. مروارید بحرین بسفیدی مروارید سیلان نیست ولی درشت‌تر ومرغوبتر است. بطورمتوسط درهرسال هزار قایق و۲۰ هزارغواص درجزایربحرین بصید مروارید اشتغال دارند و درآمد صید مروارید در سال به یك میلیون وپانصد هزارلیره بالغ میگردد.

تاریخچه

ولیعهد ، حاکم بحرین

دراوایل قرن سوم میلادی اردشیرپادشاه ایران پس‌ازتسخیر اطراف ونواحی فارس ارتشی به بحرین گسیل داشت . در آنزمان در بحرین شخصی بنام ساتیرون سلطنت میکرد و در قلعه مستحکمی اقامت داشت پس‌ازیکسال محاصره ساتیرون مغلوب شد وازآن‌پس اردشیر پسرخودشاپور اول را حکمران بحرین کرد واین نکته شدت علاقه اردشیررا باین ناحیه می‌رساند.
محمد بن جریرطبری مورخ معروف اسلامی مینویسد دراوایل قرن سوم میلادی اردشیر

بابکان پادشاه ایران بحرین را متصرف شد وولیعهدخود را بحکمرانی آندیار منصوب کرد تا پیدایش اسلام بطور تحقیق بحرین وجزایر خلیج فارس در تصرف ایران بوده است.

پس از اسلام

درسال نهم بعثت شخصی بنام خضرامی ازجانب حضرت رسول (ص) مأمورشد نزد حاکم بحرین برود واوراکه دست نشانده خسروپرویز بود به اسلام دعوت نماید حاکم بحرین که منذر نام داشت بدین اسلام درآمد واهالی نیزاز اوپیروی کردند.

بحرین مدتها تحت انقیاد خلفای اسلامی بود مادامی که خلفای اولیه اموی در نواحی شامات گرفتار بودند باین قسمت توجه نمیکردند درزمان خلافت عبدالملك ابن مروان حجاج بن یوسف مأمورسرکوبی یاغیان نواحی وخلیج عمان گردید.

حجاج اردوئی ببحرین فرستاد وبرائرزد وخورد چاهها کورشد زراعت کاهش یافت ومردم فقیرشدند وجزاطاعت چاره‌ای ندیدند.

اززمان تأسیس سلسله سلجوقی نفوذ خلفای عرب بتدریج ازنواحی خلیج فارس برکنده شد ومجدداً سلاطین ایران حاکمیت خود رابربحرین اعمال نمودند.

حمله مغول

تاحمله مغول بایران بحرین توسط سلاطین آل بویه ، سلجوقی وقرمطیان اداره میشد و پس ازحمله چنگیز نواده‌اوهلاکوخان ببحرین ونواحی خلیج تاخت وآنجا رابه‌آتش وخون کشید وآنگاه آنجارا بدست فرمانداران ایرانی سپرد وخود ببردن غنائم اکتفانمود.

صد سال پس ازهلاکولشکریان خون‌آشام تیمور بایران تاختند وبه بحرین نیزلشکرکشی کردند بحرین تا ورود پرتقالیها دردست حکمرانان تیموری بود.

پرتقالیها درسال ۱۶۲۲ پس ازتصرف هرمزبتدریج بحرین راهم بدست‌آوردند ودرآنجا قلعه‌ای ساختند وچهل سال برآن حکومت داشتند.

تااینکه دوباره بحرین بدست ایرانیها افتاد ولی هرج ومرجی که دراواخرسلطنت‌صفوی ظاهرشد باعث تزلزل ارکان حکومت ایران دربحرین گردید.

ظهورسردار مقتدری چون نادر ایجاب میکرد که حکومت ایران دراین نواحی استوار شود، لشکریان نادربحرین را متصرف شدند وتازمان‌کریم خان دردست ایران بود.

کریم خان درسال ۱۷۷۹ میلادی فوت‌کرد وبین جانشینان اونزاع وکشمکش درگرفت ودرنتیجه درسراسرکشورعلم طغیان برافراشته شد وبحرین نیزدعوی استقلال کرد.

ازسال ۱۷۸۳ یعنی سال خاتمه نفوذ پرتقالی‌ها ، برخی ازشیوخ محلی بربحرین مسلط شدند ودولت ایران نیزبواسطه اشتغالات داخلی وضعف سیاسی توجهی باین دخالت ننمود.

دولت انگلیس درسال ۱۸۲۰ بعنوان مبارزه با دزدان دریائی خلیج فارس وبهانه اینکه حکمرانان بحرین امنیت دریائی آن منطقه را مختل کرده‌اند در امور بحرین و جزایر خلیج دخالت مستقیم نمود وشیوخ این جزایر را مجبوربالحاق بقرارداد ۱۸۲۰ نمود وازآن پس‌در حالیکه دولت انگلستان حاکمیت‌ایران را ضمن قراردادها ومذاکرات سیاسی بربحرین اقرار مینمود اما هدف ونقشه اساسی آن دولت تقویت شیوخ محلی و تسلط کامل برآن نواحی بوده است.

شیوخ بحرین‌بکرات اطاعت وتابعیت خود رانسبت بدربارایران اعلام داشتند وپیوسته تحف وهدایائی‌که علامت اطاعت وتابعیت بود بدربارایران ارسال داشته ومأمورینی از جانب دولت ایران بکرات برای رفع اختلافات محلی و تمشیت اموربه بحرین رفت و آمد میکردند

حتی درتلگرافی بتاریخ ۱۸ مارس ۱۸۴۵ وزیرمختارانگلستان درایران‌خطاب بوزارت‌خارجه متبوع خود اصالت وصحت یك سکه طلا رابنام فتحعلی شاه که درسال ۱۸۱۷ میلادی دربحرین ضرب شده بود تصدیق مینماید.

دخالت انگلیسها

انگلیسها درسال ۱۸۴۷ رسماً درکاربحرین دخالت کرده واهالی رامجبوربعقد قرار داد تحت‌الحمایگی‌انگلیس وخروج ازتبعیت ایران نمودند ولی براثرپافشاری ایرانیها ازکارخود نتیجه‌ای نگرفتند ومنصرف شدند.

در سال ۱۸۶۱ چون ترکها به سواحل عربستان بخصوص بحرین چشم طمع داشتند انگلیسها بنام دفاع‌ازجزیره ومردم آن وبمنظورسلب حاکمیت‌ایران باشیخ محمد حاکم بحرین وارد مذاکره شدند وپیشنهادهای دولت انگلیس راژنرال قنسول انگلیس که بایك ناوجنگی‌از بوشهرآمده بود بشیخ تحمیل کرد وحاکم بحرین‌ازناچاری پذیرفت ونتوانست نظرخود رااعلام دارد انگلیسها تمام قایقهای مسلح راکه احتمال‌میرفت روزی علیه آنهابکار افتد طعمه حریق ساختند ازآن تاریخ ببعد حکام این جزیره بانظردولت انگلیس تعیین میشدند.

بااینوضع بحرین‌همواره جزوایران‌بوده است حتی‌در زمان عدم اقتدارحکومت مرکزی بازامورجزیره بامشورت یکنفرایرانی اداره میشد ، بعدهاانگلیسها نیروی دریائی خود رااز هنگام ببحرین انتقال دادند ودرآنجا مؤسساتی ازقبیل باشگاه افسران وباشگاه‌های ورزشی - انبارسوخت وغیره احداث نمودند.

درسال ۱۹۲۹ میلادی شرکت‌های نفت «تکزاس» و «استاندارد» اوایل کمپانی‌کالیفرنیا امتیازنفت رادربحرین بدست‌آوردند وبعدباسرمایه این دوشرکت شرکتی‌بنام «بحرین پطرولم کمپانی» تشکیل شد.

بهره برداری نفت بحرین ازسال ۱۹۳۳ میلادی آغازگردید.

پایگاه دریائی

درسال ۱۹۳۵ پایگاه نیروی دریائی انگلیس ازجزایرقشم و هنگام به بحرین انتقال یافت وانگلیسها درآنجا ساختمانها، انبارها وفرودگاه وبندرگاهها ایجادکردند

پرچم بریتانیا پائین آمد

در روز۷ سپتامبر۱۹۵۹ پس از۲۱۴ سال پرچم بریتانیا از فراز پایگاه دریائی هند شرقی دربحرین پائین آمد واین پایگاه برای همیشه تعطیل گردید.

تاریخچه نفت بحرین

داستان نفت بحرین توسط یکمرد نیوزلاندی‌که میجرفرانك هومز نام داشت شروع‌شد. هومز شخصی بود فعال که در روی زمین‌میگردید تا نقشه‌هائی راکه بنظرش‌قابل‌استفاده‌می‌آمد ترویج ودرپیشرفت آن تبلیغ کند .

انگلیس‌ها چهل‌سال‌پیش کشف کردندکه‌درجنوب ایران نفت وجود دارد ودرسال ۱۹۲۲ شخصی بمنظور قانع کردن انگلیسها برای‌کاوش‌نفت‌درکشورهای عربی بلندن مسافرت‌کرد، ولی درآنجاکسی به‌پیشنهاداتش توجه نکرد زیرا دانشمندان‌زمین‌شناس تصورمیکردند درشبه‌جزیره عربستان نفت وجود ندارد ولی این شخص بمیجرهومز معرفی شد و وی توجه خاصی بمطالعه گزارشات ونوشته‌هایش نمود تا احتمال وجود نفت در بحرین‌در اوتقویت‌شد ویقین حاصل‌کرد که درآنجا نفت موجود است لذا عازم بحرین شد ــ اما امیربحرین دراین موقع توجهی بنفت نداشت وبیشتر نظرش متوجه‌آب شیرین بود .

در بحرین نزدیك بساحل داخل دریاچشمه‌های شیرین‌موجود است که‌اهالی‌آب آشامیدنی

خود را از آنجا می‌آورند ولی هنگام طوفان این آبها با آب شور دریا مخلوط میشود و دیگر قابل شرب نیست ـ در آن روزها که هومز وارد بحرین شد طوفانهای شدید وپی‌درپی خاطرامیر را مشوش کرده بود و هومز بشیخ گفت من برای تو یك چاه آب شیرین حفر میکنم اگر آب کافی داشت مخارج آنرا بپردازید وضمناً امتیاز استخراج نفت را بمن واگذار کنید و اگر موفق به استخراج آب شیرین نشدم چیزی دریافت نمیکنم شیخ موافقت کرد .

دوماه نگذشت که هومز دوچاه آب شیرین حفر کرد وپیمان دیگری برای کندن ۲۰ چاه آب شیرین که سود فراوانی از آن حاصلش شده بود بست و پس از آن موفق بگرفتن امتیاز نفت شد .

قبل از شروع بکار ۵ نفر از بزرگترین کارشناسان اروپا را آورد ویکی از آنها گفت بنظر من در اینجا احتمال نفت میرود ولی دیگران مخالفت کردند هومز مأیوس نشد شش سال تمام وقت خود را در لندن صرف ملاقات وراضی کردن رجال بزرك و کوچك نفت کرد تا دست بکار آزمایش کوچکی درباره نظریه آن دانشمندی که عقیده مثبت داشت بزنند وهمینکه دیدانگلیسیها حاضر نیستند آزمایش کنندآنها را راضی کرد که اجازه دهند باکشور دیگری وارد مذاکره شود .

هومز نزد شرکت خلیج که به «آندره ملون» موسوم است رفت (آندره ملون یکی از ثروتمندترین مردان امریکائی وسابقاً وزیردارائی وبعد سفیرامریکادرلندن بود) شرکت مزبوریکی ازکارشناسان خود را برای کاوش به بحرین فرستاد کارشناس مزبور درگزارش خود چنین نوشته بود : «احتمال وجود نفت در بحرین قوی است» وروی نقشه دو نقطه را علامت گذاشته بود که باید برای آزمایش وکاوش حفر کنند ولی قبل از کندن چاهها ملون بسمت سفیر ایالت متحده امریکا در لندن تعیین شد وباین علت شرکت خلیج ازاین معامله برکنار شد ولی بهومز پیشنهاد کرد که این موضوع را باشرکت دیگری در میان گذارد .

هومز یکمرتبه دیگر به انگلستان مسافرت کرد این مرتبه مردم انگلستان را باگزارش متخصص امریکائی تحریك مینمود وبه انگلیسها فهماندکه اگر آنها پیشنهادوی را ردکنند یك شرکت امریکائی برای کندن چاهها حاضر است . معذالك انگلیسها قبول نکردند !! .. هومز بامریکای شمالی مراجعت کرد شرکت خلیج سهم خود را ازامتیاز این نفت بشرکت استاندارد اویل بمبلغ پنجاه هزار ریال سعودی فروخت ودر سال ۱۹۳۲ نفت در عمق ۲۰۰۸ پا (تقریباً ۶۵۲ متر) پیدا شد وقتی شرکت امریکائی شروع به کاوش دربحرین نمود ۳۰۰ نفر متخصص برای رسیدگی ونظارت مشغول کار شدند وپس از ۳ ماه برای اولین بار نفت خام ازچاهها بکشتی باری که درسه میلی لنگر انداخته بود جاری شد .

ماهیگیران اعتصاب کرده مطالبه خسارت ازشرکت میکردند وادعا داشتند که قطره‌های نفت از لوله‌ها درآب ریخته وباعث شده است که ماهیها از این منطقه فرار کرده وروزی آنان قطع گردد شرکت هم از نظر سیاست پیشرفت کار خود دوستی آنها را لازم دانسته خساراتشان را جبران کرد و ضمناً جهت تکمیل ساختمان لوله‌ها که نفت ازآنها نچکد اقدام کرد ودوماه بعد کاملا ترمیم گردید .

اکنون شرکت استاندارد اویل که سهم شرکت خلیج را به پنجاه هزار ریال خریده است حاضر نیست امتیاز خود را حتی به یکصد هزارمیلیون ریال بفروشد وهومز که امتیاز را ازقیمت آب ارزانتر بدست آورده بود دراین شرکت سهیم گشت .

جزیره کیش

جزیره کیش درفاصله ۱۷ کیلومتری بندرگرزه و ۳۶ میل دریائی بندر لنگه قراردارد.

طول‌آن ۱۵ کیلومتر وعرض‌آن ۷ کیلومتر است .
آب و هوای‌آن در بین تمام جزایر خلیج بخوبی مشهور است .
. مرواریدی‌که در اطراف‌آن صید میشود از بهترین مرواریدها است .

جزیره شیخ‌شعیب

جزیره شیخ شعیب در ۸ میلی بندر لنگه‌واقع شده است وطول‌آن ۱۲ کیلومتر و عرض آن ۵ کیلومتر است اکثر مردم‌آن‌ماهیگیر هستند . در اطراف‌آن صیدماهی رواج دارد .

جزیره‌فرور

فرور در فاصله ۲۵ میل دریائی بندرلنگه واقع شده و طول‌آن ۷ کیلومتر و عرض آن در حدود ۵ کیلومتر است

جزیره سری

سری در فاصله ۷۰ کیلومتری بندرلنگه قرار دارد وطول‌آن ۷ کیلومتر وعرض‌آن۴/۵ کیلومتر است

جزیره لارك

لارك در فاصله ۱۸ میل دریائی بندرعباس واقع شده وطول‌آن ۱۱ کیلومتر و عرض‌آن ۷ کیلومتر است
در این جزیره معادن خاك سرخ وگردرز وجود دارد .

هندرابی

جزیره هندرابی در فاصله ۲۰ میل دریائی بندرلنگه واقع شده وطول‌آن ۹ کیلومتر و عرض‌آن ۴ کیلومتر است

کرمان (استان هشتم)

جمعیت طبق‌آخرین‌سرشماری **۷۶۳۶۸۹** نفر وجمعیت نسبی در هرکیلومتر مربع مساحت ، ۱۷۸۶۲۵ کیلومتر مربع . مرکز ، کرمان . شهرستان‌های تابعه ، رفسجان ، جیرفت ، سیرجان بم حدود ، از شمال به‌خراسان و سیستان ازجنوب به‌استان بنادر دریای عمان ، از مغرب به‌فارس‌واصفهان .

آب وهوا : کرمان چون درکنارکویرلوت واقع شده‌آب وهوای‌آن تابع‌کویر می‌باشد بطوری‌که‌درتابستان‌گرم وسوزان ودرزمستان‌سرد است ولی‌رویهمرفته‌کرمان جزء نقاط‌خوش آب وهوا به شمار می‌آید در هنگام فروردین وزیدن بادهای موسمی‌کویر لوت‌که به‌کرمان هم سرایت می‌کند هوای این استان از شنی‌که بهمراه باد است تاریك می‌گردد . این بادها اغلب تا یك ماه ادامه دارد .

رودها

به‌علت خشکی هواو کمی‌بارندگی‌رود معتبری‌درکرمان جاری نیست وتنها رودخانه‌قابل الذکر هلیل رود است .

کوه‌های‌کرمان

امتداد کوه‌های‌کرمان از شمال‌غربی به جنوب‌شرقی وبلندترین قله‌آن‌کوه هزار درشمال

غربی بم است که در حدود پنجهزار متر ارتفاع دارد .

معادن

کرمان دارای معادن وذخائر سرشاری از آهن ، نفت ، مس ، طلا وزغال سنگ است که با اکتشافاتی که اخیراً از طرف شرکت‌ها بعمل آمده آتیه خوبی برای آن پیش بینی می‌شود .

محصولات کشاورزی

کتیرا ، خرما ، مرکبات ، پرتقال ، نارنگی ، نارنج ، لیموشیرین و ترش، پسته ، زیره گندم ، جو ، پنبه ، کنجد ، کرچک ، صیفی ، عدس لوبیا ، ذرت ، میوه‌جات، از جمله محصولات کشاورزی کرمان است .

صنایع و کارخانجات

صنایع وکارنجات کرمان شامل ،

نساجی ، حلاجی پشم ، ریسندگی نخی ، صنایع مصالح ساختمانی ، صنایع غذائی ، یخ‌سازی ، صنایع تولید نیرو ، صنایع چوب ، مقوا ، کاغذ چاپ ، قندسازی می‌باشد . مردم کرمان عموماً صنعتگراند واز صنایع دستی این استان ترمه‌دوزی، شال‌های پشمی وقالی‌بافی ورشوسازی است .

وضع راه‌های کرمان

راه‌های شوسه کرمان منحصر است به سه‌رشته راه که یکی یزد و رفسنجان را به کرمان متصل می‌کند دیگری راه بم وزاهدان وسومی راهی است که سیرجان وبندرعباس را به کرمان متصل میسازد ودیگر هیچیك از بخشهای کوچك این استان راه شوسه‌ای که با مرکز استان مربوط باشد ندارد وراه‌های آنها منحصر است براه‌های مال روکه هنگام بارندگی عبور ومرور برای مدت چند روز قطع می‌گردد .

آثار وابنیه تاریخی

کرمان : بازار کرمان که به بازار اختیاری معروف است قریب ۱۲۰۰ متر طول داردو تماماً ازآجر ساخته شده است ، مسجد جامع‌مظفری (بناشده ۶۵۰ هجری‌قمری) ، گنبد جبلیه (سلجوقیان) ، مسجد) ، مسجد ملك که بدست ملك توران شاه بنا شده است (۴۰۷ تا ۴۹۰) ، گنبد ابراهیم‌خان ، قعله دختر ، ارك بم ، مشتاقیه (دوره قاجاریه) ، گنبد سبز، مسجد پامنار ، مقبره خرابه اتابك ، مسجدجامع ، مدرسه گنجعلیخان (عهد صفویه) وحمام وبازارابراهیم‌خان (قرن ۱۳ هجری) .

ماهان : بقعه ومرقد شاه‌نعمت‌اله ولی.

نرماشیر : میل نادری

سیرجان : خرابه‌های قدیم . پایتخت کرمان

سابقه تاریخی

ازتاریخ قدیم چنین برمی‌آید که کرمان ایالت عمده‌ای بود وبیش از چندین هزار سال سابقه دارد .

یك مورخ معروف یونانی می‌گوید که جرمانیان یك‌طایفه از دوازده طایفه ایرانی‌بودند ودر زمان دارا حکومت چهاردهمی حکومت کرمان شمرده میشود .

استربت مورخ یونانی دیگر میگوید که کامانیان ولایت بزرگی است که مابین فارس و بلوچستان واقع شده ومقصودش کرمان بوده است .

فردوسی میگوید وقتی کیخسرو لشکری جمع میکرده است پادشاه کرمان در لشکریان او بوده است . در هرحال اسکندر در مراجعت از هندوستان از خاك کرمان عبور کرده است.

درزمان حضرت امیرع زردشتیان در کرمان شورشی برپا کرده بودند زبیر تدبیری اندیشید ورؤسای یاغیان را بر ضدهم برانگیخت تا فتنه خاموش شد.

خبری که مورد توجه است این است که عبدالملک درزمان خلافت خود حجاج راگفت یا خود به کرمان برو یا امینی را بفرست تا از وضع آنجا ما را آگاه سازد شخصی که به کرمان رفته بود چنین گزارش داده است که این مملکت از برای نگاهداشتن قشن زیاد حاصلش کفایت نمی کند قشون کم هم اورا نمی‌تواند نگاهدارد.

در زمان سلجوقیان در سال ۵۵۲ طایفه غز که از سرخس فرار کرده بودند به کرمان آمدند وچنان کرمان را خراب کردند که اثری از آبادی در این شهر نماند بطوری که از قدیم مانده است مردم کرمان کلمه غز را مترادف با دزد آورده‌اند وهنوز هم می گویند دزد غز.

در اوائل سلطنت قاجاریه در سال ۱۱۹۶ لطفعلیخان زند بکرمان آمد و به واسطه کمی لشکر نتوانست آنجارا تصرف کند واغلب مردم کرمان هم بواسطه تحریك مرتضی قلیخان زندی که از آغامحمدخان قاجار حکومت کرمانرا داشت با لطفعلیخان همدست نمی‌شدند.

در سال ۱۲۰۸ آغامحمدخان قاجار بقصد لطفعلیخان بطرف کرمان آمد ودریك فرسخی شهر قلعه‌ای برای لشکریان خود ساخت زیرا مدت ششماه کرمانی‌ها دروازه‌های شهر را بسته وخندقهای اطراف شهر راپرازآب کرده ودرمقابل آغامحمدخان مقاومت کردند وهنوز آثارقلعه آغامحمدخان باقی وبه نام سنگر آغامحمدخان معروف است.

قنات

چون کلیه آبهای زراعتی کرمان در قنوات تأمین میگردد وقتی آغا محمدخان در خارج شهر بسر می‌برد لشکریان او کلیه قناتهای آبرا پر کردند بطوری که بعد از آغا محمد خان کوچکترین مزرعه‌ای در کرمان یافت نمی‌شد.

پس ازششماه آغا محمد خان وارد کرمان شد وشروع به خرابکاری وکشتار کرد حتی لشکریان او به گربه‌ها هم رحم نکردند.

هفتاد هزارچشم

آغا محمد خان دستورداد هفتاد هزارچشم از مردم بیرون آوردند هنگامی که چشم‌هارا جفت جفت از مأمورین تحویل می گرفت یك چشم کم بود فوراً دستورداد یك چشم ماموررا بیرون آوردند بااین ترتیب ۳۵هزار نفراهالی کرمان کورشدند که هنوزنواده‌های آنها درکرمان هستند.

درتکیه‌ای از محلات کرمان عده‌ای را کشتند و از سرهای آنان مناره‌ای ساختند و در آن تکیه گذاشتند که هنوزآن تکیه بنام پای منارشهرمشهور وباقی‌است.

بیست هزارکشته

لشکریان آغا محمد خان بیست هزارنفرزن و مرد وبچه راکشتند وفروختند حتی‌بچه‌های شیرخوار راهم‌باآب داغ می کشتندوچنان کرمان راخراب کردند که هنوزآبادانی سابق رانیافته است واغلب ازقنات‌هائی که بدست لشکریان آغا محمد خان پرشده است هنوز باقی و مخروبه می‌باشد بااین ترتیب کرمان مرتب مورد تعدی وظلم وجور بوده‌است درطی تاریخ گذشته این شهرآنقدر به حملات وزد و



گنبد جبلیه (بناشده درعهد سلجوقیان) درکرمان

خوردهای متوالی برخورد می‌کنیم که گاهی عجب داریم از این که باز اثری ازآبادانی کرمان می‌بینیم .

شاید بیش از ده بار در تاریخ برخورد کنیم که کرمانیان از فرط غلا وقحطی به‌خوردن گوشت سك وگربه پرداخته‌اند وکاربجائی می‌رسیدکه‌یکی از ظرفا می‌گویددر عهد ماهرخوشه‌ای که از زمین می‌روید بی‌رحمی با خوم می‌آورد .

ازهمان ساعت که قشون اسکندر ازکرمان گذشت تا روزی که اردشیر براین شهر دست یافت از روزی که حکام عرب درآنجا منزل گرفتند ، تازمانیکه محمدبن‌الیاس راهزن خراسانی برکرمان تسلط یافت وروزیکه زد وخوردآل بویه‌دراین شهر شروع‌شد تادمی که‌قاوردد براریکه حکومت کرمان تکیه زد این شهر ازقتل وغارت ایمن نبود وبازجای‌خوشوقتی است که اثری‌از آبادانی دراین شهر دیده میشود .

کرمان

شهرستان کرمان که ازبخش‌های حومه ، شهداد ، راور،زرند تشکیل شده در مرکزاین استان قرار دارد .

جمعیت حوزه کرمان ۲۴۳۷۷۰ نفر می‌باشد .

مرکزآن شهر کرمان است است .

تاریخچه

وجه تسمیه این شهر مانند بسیاری ازبلاد ایران بدرستی‌معلوم نیست وآنچه درباره‌آن گفته شده بیشتر بافسانه شباهت دارد .

عده‌ای سعی‌میکنندکه نام کرمان را بکرم‌افسانه‌ای (هفتن‌بوخت) ارتباط دهندوناحیه‌ای راکه محل زندگی این کرم است کرمان می‌نامند .

مطابق کتیبه‌های هخامنشی کرمان بوتیا وبعدهاباسم (کارمانیا) نامیده شده وکم‌کم‌تبدیل بکرمان گردیده است .

همچنین در اخبار وروایات‌قدیم گفته میشود که‌گشتاسب‌ازپادشاهان پیشدادی‌آتشکده‌ای در شهرکرمان بنا نموده ولی نمیتوان‌این روایات را حتمی دانست وثابت‌کرد کرمان درازمنه قدیم وجود داشته است .

عده‌ای معتقدندکه اردشیر ساسانی بانی این شهر بوده واین قول یك اساس وپایه واقعی دارد . اردشیر پس از بنا ویا تعمیر بنای شهرآن را به اردشیر یعنی‌کارنیك اردشیر نامید .

اردشیر علاوه برکرمان دوقلعه هم درآن ناحیه بنا نموده است و این دو قلعه‌که یکی بنام (قلعه دختر) و دیگری (قلعه اردشیر) نامیده شده وهنوزهم در مشرق شهر کنونی کرمان برپا هستند .

(آمیانوس مارسیلنوس) مورخ رومی‌که در تاریخ ۳۶۳ میلادی در لشکرکشی (ژولین) امپراطور روم برعلیه شاهپور دوم همراه وی بایران‌آمده بود می‌نویسد استان‌کاراما نیا یکی از قدیمی‌ترین استان‌های ایران است وشهر قدیمی‌کاراما نا مرکز این استان می‌باشد .

کرمان در زمان ساسانیان یکی‌از مهمترین قسمت‌های ایران بوده و والی‌آنرا مرزبان می‌نامیدند . و چون مؤسس این سلسله بانی این شهر بوده کرمان اهمیت واعتبار خاصی‌داشته است .

یك قسمت از استان کرمان در زمان خلافت عمر خلیفه دوم (۶۴۴ ـ ۶۳۴) بتصرف مسلمین درآمد اما استیلای اعراب موقتی بود وچندان‌طولی نکشید زیرا پس از درگذشت‌عمر اهالی برضد اعراب قیام‌کردند .

آشوب وقیام همچنان درکرمان باقی‌ماند تا اینکه سرداران عمربن‌عبدالعزیز اموی‌آن را تحت استیلای خود درآوردند .

اعراب پس از تسخیر (به‌اردشیر) آنرا بردسیر نامیدند ولی در آن تاریخ ومدتها بعد ازآن محل مزبورگواسیر نیز نامیده میشد .

برد سیر در زمان اعراب رونق واعتبار وآبادی فراوان یافت ودر سال نودم هجری‌که سیرجان مرکز ایالت‌کرمان بود بردسیر کوچکتر وکم‌اهمیت‌تر بوده است .



در سال ۹۳۸میلادی(۳۱۶ هجری)ابوعلی‌بن‌الیاس که از طرف سامانیان بحکومت‌کرمان منصوب شده بودمقر ایالت خود را از سیرجان به بردسیر تغییر داد وعلت‌این اقدام این بودکه‌سیرجان در دومنزلی‌باختر بود ودرمعرض حملات‌آل بویه قرار داشت .

آل‌بویه دراین هنگام در فارس‌اقامت داشتند وروز بروز بر قدرت خود میافزودند وبا وجود بعد مسافت میان فارس وبردسیرعضدالدوله‌دیملی‌به‌ابوعلی وفرزندانش‌که‌باهم اختلاف داشتند حمله برد وشهر را تصرف‌کرد . در اوایل قرن یازدهم میلادی ترکان سلجوقی به پیشوائی طغرل بیك برقسمت اعظم ایران استیلا یافتند و (قارود) برادرزاده طغرل در سال ۱۰۴۱ میلادی قسمت عمده ایالت‌کرمان‌را تحت تصرف خود درآور دوچون مردلایق وفعال وباشخصیتی بودسلسله‌ای تأسیس‌نمودکه مدت ۱۳۸ سال تمام‌مستقلاوبدون‌آنکه‌تحت فرمان سلاجقه باشند برناحیه‌کرمان حکومت‌کردند .

سلسله سلاجقه در سال ۱۱۸۷ میلادی‌که ترکان (غز)برآن ایالت هجوم بردند منقرض گردید .

درمدت سی‌سال ازآن‌تاریخ‌کرمان عرضه‌آشوب وهرج‌ومرج‌وجنگهای‌داخلی میان‌طوایف بوده است وخوشبختانه مغولها باین ایالت هجوم نیاوردند و شهرهای‌کرمان ازشر قتل وغارت مغولهاکه ایران را عرصه تاخت وتاز خود قرار داده بودند مصون ماند . درسال‌بعدشخصی‌بنام (براق حاجب) با تدبیر وسیاست رقیبان را بجان یکدیگر انداخت وخود برکرمان‌استیلایافت وازجانب خلیفه بنام (قتلغ‌بیك) ملقب‌گردید .

خاندان قتلغ تا سال ۱۳۰۷ میلادی‌برکرمان حکومت‌داشتند وخودراظاهرأدست‌نشانده سلاطین مغول میخواندند .

مهمترین اعقاب قتلغ دختر وی (ترکان خاتون)بودکه از سال ۱۲۵۸ تا ۱۲۸۲میلادی برکرمان حکومت نمود .. ترکان خاتون همواره در فکرعمران وآبادی قلمروحکومت خودبود چنانکه چندین دهکده درکرمان بنا نهاد وقنوات بیشماری احداث‌کرد . (برفراز قبروی قبه‌ای سبز بنا کردند که تاریخ ۱۸۹۶ میلادی دارد که براثر زمین لرزه‌های شدید ویران گردیده است)

در زمان همین خاتون بودکه مارکوپولو جهانگرد معروف ازکرمان عبورکرد .

کرمان از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۴۰ میلادی تحت حکومت امرای مغول بوده ولی ازآن

تاریخ مبارزالدین این ایالت را تحت قبضه خود درآورد.

کرمان پس از انقراض خاندان تیموریان بتصرف ترکمنان قره‌قویونلو (گوسفند سیاه) در آمد واندکی بعد ترکمنان آق‌قویونلو براین ایالت استیلا یافتند. در سال ۱۵۰۲ شاه اسمعیل مؤسس خاندان صفوی این ایالت ومرکز آنرا از قبضه وتصرف ترکمنان آق‌قویونلو بیرون آورد همین ایام ویا مقارن این دوران بودکه بردسیر منحصراً کرمان نامیده شد.

صرف نظر از تاخت و تاز ازبکها در سال ۱۵۰۹ میلادی و اغتشاشات جزئی دیگر کرمان دردوران سلطنت خاندان صفوی از نعمت امنیت وآرامش وعمران وآبادی کاملا برخوردار بود

در قرن هفدهم میلادی کمپانی هند شرقی انگلیس وهلند پس از استقرار در بندرعباس کارخانجاتی درکرمان تأسیس کرد وازپشم معروف این ایالت که مقدار زیای بخارج صادرمیکرد سود ومنفعت فق‌العاده بدست می‌آورد.

شهر کرمان همچنان مرکز اجناس وکالاهای اروپائی گردید وبوسیله معاملات تجارتی مهم با هندوستان ارتباط حاصل نمود.

متاسفانه در قرن هیجدهم میلادی کرمان نتوانست از نعمت امنیت و آرامش برخوردار گردد زیرا در سال ۱۷۲۰ میلادی محمود قندهاری بسرکردگی افاغنه غلجائی در مقابل حاکم نشین ایالت کرمان نمایان شدند وچون کرمانیها غافلگیرشده بودند ناچار تسلیم شدندوافغانها باین ترتیب بر شهر استیلا یافتند ولی چهارماه بعد قوای دولتی مهاجمین را از شهربیرون راند.

اما این فرصت چندان به طول نیانجامید زیرا در ماه ژانویه ۱۷۲۲ محمود باردیگر با قوای عظیمی حمله کرد وشهر کرمان را به تصرف درآورد و تا دسامبر ۱۷۲۹ شهر درتصرف افغانها باقی‌ماند.

در این موقع فتوحات قوای ایران در نقاط دیگر باعث شدکه قوای افغان این شهررا ترک گویند پس مردم کرمان تصور کردندکه خورشید سعادت وراه امنیت باردیگر طلوع کرده‌است اما بزودی امیدآنها بیأس مبدل گردید، زیرا نادر وسپاهیان عظیم اودرموقع عزیمت بقندهار وهندوستان در نوامبر ۱۷۳۶ ازکرمان عبور کردند در موقع محاصره قندهار که برای حمل خواربار ومهمات جنگی احتیاج فوق‌العاده به حیوان بارکش داشتند نادر عده زیادی ازمردان وزنان کرمان را به حمل لوازم ومهمات مجبور کرد وبدین ترتیب مردم دچار رنج ومحنت فراوان شدند.

نادر سفر دیگری در فوریه ۱۷۴۷ به کرمان کرد وچون در این موقع به خبط دماغ مبتلا شده بود بعلت شرکت چندین تن ازمردم کرمان در شورش سال گذشته مردم این شهر را بشدیدترین وجهی تنبیه ومجازات نمود.

پس از هجوم نادر عده‌ای از افغانها به فرماندهی احمد شاه درانی بکرمان هجوم‌آورده محله زرتشتیان را باخاك یکسان کردند خرابه‌های این قسمت تا بامروز هم باقی است.

در سال ۱۷۹۴ میلادی مردم کرمان گرفتار مصیبت وبلیه بسیار بزرگی شدند. توضیح اینکه در این تاریخ لطفعلیخان زند قهرمان دلیرزندیه که ازتعقیب دشمن جانی خود آغامحمدخان مؤسس سلسله قاجار بستوه آمده بود مانند یزدگرد ساسانی باین شهر پناهنده شد و با یاران خود مدت چهار ماه درمقابل سپاهیان آغامحمدخان مقاومت ورزید اما براثر خیانت یکی از اهالی کرمان خونخوا قاجاریه به شهر دست یافت.

لطفعلیخان به بم فرارکرد ولی درآنجا دستگیر گردید وپس از آنکه بامر خان قاجار دوچشمانش را بیرون آوردندپس از مدتی بقتل رسید. چون مردم کرمان از لطفعلیخان حمایت کرده بودند آغامحمدخان‌قاجار به فجیعترین‌وجهی ازآنها انتقام کشید وبه سپاهیان خود دستور

داد که در مدت سه‌ماه شهر را غارت کنند و بیست‌هزار تن از سکنه را به‌عنوان برده بفروش رسانند و بیست‌هزار تن دیگر را نابینا سازند .

هنگامی که چشمهای مردم بدبخت را نزد آغامحمدخان آوردند اوشخصاً آنها را شماره کرد واطمینان حاصل نمود امر اواجرا شده و بیست هزارتن ازنعمت بینائی محروم گردیده‌اند.

کرمان پس از این‌مصیبت عظیم ویران گردیدوجمعیت آن تقلیل فوق‌العاده فاحش یافت وبا اینکه فتحعلیشاه تا حدی‌موجب تعمیرو ترمیم‌خرابیها گردیده بود شهر تا سال ۱۸۶۰ میلادی مخروبه و ویران ماند .

زرند

زرند از بخشهای تابعه کرمان است .

جمعیت حوزه زرند ۵۵۵۸۷ نفرو جمعیت نسبی در هر کیلومترمربع ۲ نفر می‌باشد .
شهر زرند دارای ۴۰۹۹ نفر جمعیت است .

رفسنجان

شهرستان رفسنجان در شمال غربی کرمان قرار دارد و جمعیت آن ۶۱۲۰۴ نفر است مرکز آن شهر رفسنجان میباشد .

جیرفت

شهرستان جیرفت(سبزواران) درجنوب استان کرمان‌قرار گرفته وازبخش‌های‌جبال بارز، کهنوج ، ساردوئه (اسفندقه) تشکیل شده است .

جمعیت حوزه جیرفت (سبزواران) ۱۲۰۰۱۴ نفر

سیرجان

شهرستان سیرجان از بخشهای باخت ماشیر(سردسیر) تشکیل شده ودر جنوب رفسنجان قرار دارد .

جمعیت حوزه سیرجان۶۰۰۶۹ نفر می‌باشد
مرکزآن شهر سیرجان است

تاریخچه

سیرجان در زمان اعراب رونق وآبادی زیادی یافت ومرکز استان کرمان بود .

ازسال ۹۲۸ میلادی (۳۱۶هجری) «ابوعلی بن الیاس» که ازطرف سامانیان به‌حکومت استان کرمان منصوب شده بود مقرایالات خود را ازسیرجان تغییرداده وبرد سیر را بجای آن انتخاب کرد.

بافت

بافت ازبخشهای‌تابعه شهرستان‌سیرجان‌می‌باشد.

بم

شهرستان بم که ازبخش‌های حومه ، راین . نرماشیر (فهرج) تشکیل شده درمشرق‌استان کرمان قراردارد.

جمعیت حوزه بم ۷۸۰۷۶ نفروجمعیت نسبی درهر کیلومترمربع ۳۱۳ نفرمی‌باشد.
مرکزآن شهربم است

خراسان (استان نهم)

جمعیت : طبق سرشماری سال ، ۲۴۹۴۲۸۳ نفر
مساحت : ۳۱۴ر۲۸۶ کیلومتر مربع مرکز ، مشهد . شهرستانهای تابعه ، گناباد، بیرجند، کاشمر، قوچان ، سبزوار، تربت حیدریه ، نیشابور ، درگز، فردوس و بجنورد .

حدود : ازشمال به شوروی ازمشرق به افغانستان ، از جنوب به کرمان وسیستان و از مغرب به اصفهان ومازندران وگرگان .

آب وهوا : خراسان چون ناحیه پهناوری است قسمتهای شمال آن دارای آب و هوای سرد وجنوب آن دارای آب وهوای گرم است واین گرما باندازه‌ای است که خرما نیز بعمل میاید.

رودهای مهم : رود سمبادواترك ـ گرگان ـ کشف رود هریرود وقراسو

معادن : مس، نقره ، آهن ، فیروزه ، سرب ، نفت ، لعل ، پنبه نسوز، طلا.

کوهها : شمال خراسان تماماً کوهستانی ومرکب ازسه رشته کوه‌هائی است که یك رشته آن ازبلخان ودورشته دیگر آن از البرزمنشعب شده است وهمه جابطرف شرق وجنوب شرقی امتداد دارد. از رشته سوم درجنوب کوه‌هائی منشعب وتاحوالی کویر کشیده شده‌است.

محصولات کشاورزی : جو، گندم ، حبوبات ، کنجد ، پنبه ، میوه‌جات ، صیفی، تنباکو، زعفران ، خرما.

محصولات دامی : شیر وپشم گوسفند وپوست.

صنایع وکارخانجات

وجود صنایع وکارخانجات دراستان خراسان قابل توجه است وعده کثیری از مردم این استان بکارهای صنعتی مشغول هستند تعداد کارخانجات وکارگاههای صنعتی بطورتقریب درخراسان بشرح زیراست،

۹ کارخانه پنبه پاك کنی ، ۵ کارخانه حلاجی پشم ، یك بافندگی . یك کشباف ، ۵ نو ـ سازی ، ۹۱ کارخانه سماورسازی و ورشوسازی، یك کارخانه سیمان ، ۶ چرمسازی ، ۸ خشکبارو تهیه مواد غذائی ۲۱ کارخانه تهیه آرد ۳ کارخانه قندسازی یك نوشابه سازی الکلی و تعداد زیادی کارگاههای چوب بری وغیره .

صنایع دستی : قالی‌بافی درخراسان یکی ازصنایع دستی مهم صادراتی است وقالی‌های خراسان دربازارهای دنیا معروفیت بسزائی دارد.

آثار وابنیه تاریخی

مشهد: مجموعه بناهای متعلق به بقعه حضرت‌رضا امام‌هشتم، مصلی، مقبره خواجه ربیع ، مسجد شاه ، قدمگاه خراسان(سال ۱۰۹۱ هجری)، مدرسه دو در (بناشده درسال ۸۴۳ هجری قرن نهم) مدرسه پیراد (دوره تیموری) ، مدرسه بالا سر(دوره تیموری) مقبره نادرشاه مسجد گوهرشاد .

رادکان : (نزدیك بندرشاه) مقبره‌ای که بصورت برج ساخته شده است وبرج دیگری در نزدیکی قوچان.

سبزوار: مناره‌ای که درحدود ۵۰۵ هجری ساخته شده است.

سرخس : مقبره‌ائی که درقرن هشتم ساخته شده است .

طوس : بنا وگنبدی که معروف به هارونیه است ، آرامگاه فردوسی

تربت جام : مزارشیخ جام.

تربت حیدریه : مقبره‌ای که توسط خواجه نظام‌الملك درآوکان ساخته شده است .
نیشابور: آرامگاه خیام ـ مرقدامامزاده‌محروق ـ آرامگاه شیخ‌فریدالدین‌عطار ـ آرامگاه کمال‌الملك ـ تپه‌آلب‌ارسلان ـ تپه‌شاریا هنگران‌تپه شادیاك ـ تپه‌ای‌درحوالی مشهد ـ امامزاده محمد معروف (صفوی) مسجدجمعه (ساخته شده بسال ۸۹۹ هجری) رباط شرف درجاده قدیمی مروبه نیشابور (اوایل سده ششم هجری)
طبس : منار کبیر(متعلق بعهد سلجوقی) مناره مدرسه ومنار (عهد سلجوقی)
تایباد: مسجد مولانا (بنا شده بسال ۸۴۸هجری قرن نهم)
گناباد : مسجد جامع (بنا شده قرن هفتم هجری) . در کاخك امامزاده سلطان محمد عابد (۹۶۰ هجری)
کلات نادری : عمارت خورشیدی (قرن هفتم هجری)
گلشن : امامزاده حسین‌ابن موسی‌الکاظم (بناشده ۴۴۹هجری)
طرق : بنای محلی (بناشده در۸۳۷) درسه‌کیلومتری جنوب مشهد
زوزن : مسجد ملك زوزن (بناشده ۶۱۰ هجری)
افسنجان : (میل‌افسنجان)
سابقه تاریخی :

خراسان در لغت بمعنای محل طلوع خورشید میباشد که از قدیم بروی این استان باقی مانده است .

در دوره‌های قدیم ایالت خراسان باختر ویا باکتریان خوانده میشد وازلحاظ تاریخی این استان وسیع نقش بزرگی را دربیدار کردن حس ملی ایفاءکرده و درمواقع بحرانی نوابغ بزرگی ازاین سرزمین برخاسته‌اندکه باازخود گذشتگی دست بیگانگان راکوتاه و استقلال و وعظمت‌کشورایران را تجدیدکرده‌اند

ازجمله سلسله‌های صفاری و سامانی ازخراسان برخاسته‌اند که هریك سهمی بزرگ در تجدید حیات سیاسی کشور مادارند.

این ایالت بزرگ قرنهای متمادی مرکزتشکیل حکومت‌ها و سلطنت‌های ایران بعد از اسلام بوده و این اهمیت سیاسی را در دوره‌های باستان نیزداشته است وبواسطه همین موقعیت سیاسی حدودآن همیشه درحال تغییربوده است .

دردوره قدیم ایالت خراسان تارود جیحون وکوههای شرقی افغانستان امتداد داشته و یکی ازفعالترین‌نواحی ایران بوده است در دوره‌های‌اسلامی تاحمله مغول خراسان وسعت‌اصلی وقدیمی خود را ازدست نداد وهمیشه شهرهای بین جیحون وکوههای بلخان وناحیه افغانستان شمالی جزء خراسان محسوب میشد . مدت ۶ قرن شهرهای خراسان مانند بلخ ومرو وهرات و نیشابورمرکزسلطنت ایرانیان بود. حمله تاتار ومغول یکباره این ایالت بزرگ رابویرانه‌ای مبدل ساخت وازشهرهای معظم آن چیزی باقی نماند وچنان ضربتی بر بیکرخراسان وارد آمد که هنوزهم نتوانسته است وضع سابق خود رابدست‌آورد.

مشهد

شهرستان مشهد در شمال خراسان قرار دارد و شامل بخشهای حومه فریمان ، طرقبه ، چناران (رادکان) ، احمدآباد ، وسرخس میباشد.

جمعیت حوزه مشهد ۷۵۷۸۸۴ نفروجمعیت نسبی درهرکیلومترمربع ۶ر۱۹نفراست.
مرکزآن شهربزرگ مشهد است که محل استانداری استان خراسان (نهم) نیزمیباشد .
جمعیت شهرمشهد ۲۴۱۹۸۹ نفراست و یکی از پرجمعیت ترین شهرهای ایران است.

تاریخچه مشهد

چون مشهد در واقع قسمتی کوچك از شهر قدیمی طوس است بی‌مناسب نیست که شمه‌ای در باره آن شهرقدیمی که امروز جزچند تپه خرابه از آن باقی نمانده بیان کنیم .

طوس در پانزده میلی شمال باختری مشهد کنونی قرارداشت. درافسانه‌های ایران معروف است که جمشید آنرا بنا کرد و کیخسرو و جانشین وی آن شهررا باتوابعش تیول مردی بنام «طوس» ساخت واز آن تاریخ شهرمذکور بنام طوس معروف گردید. لیکن اطلاع درستی درباره اصل ومنشاء این شهر در دست نیست مسلم‌است که این شهربسیارقدیمی است و شاید در زمان اسکندر ویا در دوره وی ساخته شده باشد



گنبد مرقد و بارگاه حضرت رضا (ع) در مشهد

دربهارسال ۸۰۹ میلادی هارون‌الرشیدخلیفه بزرگ عباسی برای‌خوابانیدن شورشی درماوراالنهر ازخراسان لشگرکشی نمود وهنگامی‌که درسان‌آباد واقع درنزدیکی‌شهرکوچك‌نوقان اقامت داشت‌بیمار گردید وسرانجام‌چشم ازدنیافروبست .

دوسال بعد هنگامیکه مأمون جانشین‌هارون ازمروعازم بین‌النهرین‌بود به سان‌آباد رفت‌که قبر پدررا زیارت‌کند در این سفرحضرت رضا (ع) امام هشتم شیعیان نیز همراه مأمون بود . امام هشتم پس ازتناول انگورزهرآلودبشدت بیمار شد وبلافاصله‌ازاین جهان رحلت فرمود مأمون جنازه حضرت را درکنارقبرپدر بخاك سپرد و بقعه‌ای برروی هردوقبربنا کرد وچند سال بعد دهکده‌ای دراطراف بقعه بوجود آمد وچون عقیده عموم‌بر آن بودکه امام هشتم شهید شده است بدان مناسبت دهکده را مشهد یعنی محل شهادت امام نام نهادند.

درقرن دهم میلادی قسمت بقعه‌اصلی وساختمان های مجاور ویران‌گردید لیکن سلطان محمود غزنوی بااینکه سنی متعصبی بود، درسال ۱۰۰۹ بقعه جدیدی برروی هردوقبربنانهاد.

قسمتی ازطوس درسال ۱۲۲۰ میلادی براثرتهاجم مغول ویران شد ویکصد و هشتادسال بعد آخرین ضربت را ازدست میرانشاه‌یکی‌ازفرزندان‌تیمورلنگ خورد وبکلی ویران‌گردید. چون حاکم طوس‌قیام‌کرده بود میرانشاه شهررامحاصره وپس ازتسخیرآنرا باخاك یکسان‌نمود. دراین حادثه بیش ازده هزارتن از ساکنین طوس یادر جنگ‌کشته و یاپس از شکست قتل عام شدند وآنهاکه جان سالم‌بدربرده بودند بجای‌کوشش درعمران خانه وکاشانه خود بمشهدکوچ کردند وبدین ترتیب بروسعت‌آن شهرافزودند

بااینکه درمدت‌دوقرن‌مهاجمین ترکهای‌آسیای مرکزی‌صدمات ولطمات شدیدی برمشهد وارد ساختند بازبراهمیت واعتبار آن افزوده شد بطوریکه دامنه وسعت آن نه فقط شهرنوقان را دربرگرفت بلکه هردوشهر یکی شد ونام مشهد برآن اطلاق‌گردید.

درسال ۱۲۲۰ میلادی‌که مغولها برمشهد استیلا یافتند مرقد مطهر وساختمانها وبناهای شهررا غارت‌کردند.

چند ماه پس ازدرگذشت تیمورلنگ شاهرخ فرزندوی مالك امپراطوری وسیع اوشد و

بااینکه شاهرخ مشهد راپایتخت خود قرارنداد بااین حال درزبنا ساختن این شهرسعی فراوان کرد مشهد پس ازآنکه چندین بار درقرن شانزدهم میلادی عرصه تاخت تازو چپاول و غارت یغماگران ترکمن واوزبك شد، درعصرآخرین سلاطین سلسله صفوی‌که دارای احساسات شدید ملی وتعصب شیعه‌ای بودند وارد دوره‌آرامش نسبتاً ممتدی‌گردید شاه عباس‌کبیر که میخواست نظرافراد مملکت خویش را اززیارت اماکن مقدسه که دردست ترکان عثمانی بود منحرف‌سازد منتهای سعی وجدیت بعمل آورد که زیارت مشهد را معمول و متداول ومردم ایران را به آن ترغیب وتحریص نماید واجازه دادکه هرزائرقبرامام هشتم حق داشته باشدکه براول اسم خود «مشهدی» بیفزاید. شاه عباس‌برای‌اینکه خود سرمشق ونمونه برای مردم باشد یکباراز‌اصفهان باپای پیاده به زیارت شاه خراسان رفت. شاه عباس همچنین بناهائی برمرقد افزود ویك جاده خوب‌که ازشمال باختری به جنوب خاوری‌کشیده شده است برای آن شهرساخت .

مشهد درقرن هیجدهم تغییرات متعدد دید . مدتی ازطرف افاغنه ابدالی محاصره شد و پس ازآن یاغی دیگری باسم ملك محمود سیستانی برآن شهردست یافت و دربارخویش را در آنجا دایر کرد.

در زمان سلطنت نادرشاه مشهد بمنتهای درجه جلال ورونق خود رسید وچون خود از مردم خراسان بود مشهد راکه شهرعمده و معروف آن ایالت بشمارمیرفت پایتخت کشور قرار داد .

پس از مرگ نادر شاهرخ نواده نابینای وی مدت چهل سال مقر حکومت خویش را در مشهد دایر نگاهداشت دراین موقع خراسان حد فاصل میان دوقلمروی وسیع شدکه در باختر آن کریمخان‌زند حکومت می‌کرد وخاور وجنوب خاوری‌آن قلمرو فرمانروائی احمدشاه‌درانی (معروف به ابدالی) افغان بود.

دردوره سلطنت احمد شاه روسیه تزاری این شهررا بمباران‌کرد وخسارات زیادی‌برآن شهروارد ساخت.

در زمان سلطنت اعلیحضرت رضا شاه فقید اقدامات مهمی برای عمران و آبادانی و مدرن ساختن شهرمشهد بعمل‌آمدکه این اقدامات درحال حاضرنیزدنبال میشود.

نیشابور

شهرستان نیشابورازبخشهای حومه ، تخت جلگه ، زبرخان ، سرولایت تشکیل شده‌وبین مشهد وسبزوارقرارگرفته است .

جمعیت حوزه نیشابـور ۱۸۱۷۹۳ نفر می‌باشد .

مرکزآن شهر نیشابوراست وخط آهن شمال شرق ازکنارآن میگذرد.

تاریخچه نیشابور

نیشابوریکی‌ازقدیمی‌ترین وتاریخی‌ترین شهرهای ایران‌است بانی این شهرمانندبسیاری ازشهرهای ایران به تحقیق معلوم نیست . ولی‌گفته میشود که بنای آن بدست طهمورث دیوبند صورت‌گرفته است. اماقولی‌که شاپوراول پادشاه ساسانی را مؤسس نیشابورمیدانند نزد مورخان بیشترازاقوال دیگرمقرون بصحت واعتباراست .

ظاهراً این شهریکصد سال پس از شاپور اول ویران شده است زیرا در تاریخ میخوانیم که شاپوردوم(۳۷۹-۳۰۹میلادی)آن شهررااز‌نو‌بنامیکند وبهمین جهت ازآن‌پس به‌نیوشاپور یعنی «اثر» نیك شاپورموسوم میگردد.



حمدالله مستوفی درتاریخ گزیده مینویسد ، اینشهر ابتدا بصورت صفحه شطرنج بناشده بود و باین جهت شصت وچهار محله داشت که خیابانهای آن بطور عمودی یکدیگر را قطع میکردند .

اینشهر در زمان ساسانیان آباد بوده وتا اواسط قرن پنجم میلادی مرکز وپایتخت خلیفه مسیحیان فرقه منظوری بوده است . نیشابور ازلحاظ دین زرتشت نیز دارای اهمیت بوده زیرا درحوالی آن آتشکده «برزین مهر» وجود داشته ومیگویند این آتشکده در قله سلسله جبال «بینال» قرار داشته است .

در سال ۳۱ هجری اعراب به نیشابور استیلا یافتند ولی نتوانستند ساکنین میهن دوست آنرا مطیع خویش سازند زیرا طولی نکشید که مردم شهر شورش کردند اعراب را بیرون راندند ولی اعراب باز در سنه ۴۲ هجری برآن شهر مسلط شدند وحاکمی که از مسلمان عرب برای خراسان تعیین شده بود نیشابور را مرکز حکمرانی خود قرار داد .

نیشابور در زیر سلطه مسلمانان به پیشرفت وتوسعه خود ادامه داد بنحوی که در اندك مدتی یکی از بلاد بسیار مهم ودرجه یك ایران شد ولقب (ایرانشهر) به آن داده شد .

هنگامیکه ابومسلم خراسانی به حکومت خراسان رسید مسجد بزرك نیشابور را بنا نهاد .

ابومسلم خراسانی تعصب ملی فراوان داشت وهمواره باحکومت اعراب در ایران مخالفت میورزید . هم اوبود که در برانداختن بنی امیه وروی کار آمدن عباسیان سعی ومجاهدت فراوان کرد وعاقبت در سال ۱۳۰ هجری بمقصود خود نائل آمد وعباسیان را برسریر خلافت نشانیدو خود اندکی پس از آن تاریخ حکومت خراسان یافت .

در دوره سلطنت طاهریان نیشابور مرکز قلمرو آنان بوده ودر دوره سلسله سلاطین ایرانی بعد ، یعنی در زمان سلطنت صفاریان وسامانیان نیز نیشابور همچنان پایتخت بود وروز بروز بر اعتبار آن افزوده میگشت .

عمرولیث دومین پادشاه سلسله صفاری مسجد بزرك نیشابور را که ابومسلم خراسانی تقریباً یك قرن ونیم پیش بنا نهاده بود تعمیر ومرمت کرد . در سال ۴۲۹ هجری طغرل پادشاه سلجوقی برنیشابور استیلا یافت وآنشهر را پایتخت خود قرار داد و بعداز وی جانشین اوآلب ارسلان نیز نیشابور را پایتخت خویش کرد .

گویند نظام الملك وزیر با تدبیر وسیاستمدار بزرك دوره سلاجقه حکومت نیشابور را به عمرخیام که (بروایتی ضعیف) دردوران کودکی باوی هممکتب بود پیشنهاد میکند اما خیام که مردی بزرك وگرانمایه وفیلسوفی بلندپایه بود واز شئون و اعتبارات ظاهری احتراز میجست جواب میدهد که سودای سروری وحکومت درسر ندارد (قبر خیام در نزدیکی شهر جدید نیشابور است) .

در سال ۵۴۰ هجری یعنی بیست ودوسال پس از در گذشت عمرخیام زلزله شدیدی نیشابور را ویران کرد اما بدتر از زلزله حمله ترکان غز بود که هشت سال پس از آن برشهر تاختند و بناهائی که ازآفت زلزله مصون مانده بود ویران ساختند ومردم شهر رااز دم تیغ گذرانیدند . کسانیکه از این فاجعه نجات یافته بودند باطراف شادیاخ که در اندك مدتی اهمیت و اعتباری کسب کرده بود کوچ نمودند .

درسال ۶۰۵ هجری زلزله دیگری روی داد وخرابیهای فراوان ببار آورد .

پنج سال پس از آن مصیبت بسیار بزرگی برنیشابور وارد آمد .

خونخواران‌مغول برشهرحمله‌آوردند وبناهای آبادآنراباخاك یکسان نمودند وازپیر و جوان هرکه رابرسرراه خود یافتند سربریدند ـ اما این‌بارنیزمانند سابق نیشابورکمراز خرابیها و ویرانیها راست کرد چنانکه ابن بطوطه که یکصد سال پس ازآن خرابیها وقتل عام به نیشابور مسافرت کردآن شهررا (دمشق کوچك) خواند.

هفتاد سال بعد زلزله دیگری درنیشابور روی داد وهمه شهررابکلی ویران ساخت .پس ازاین واقعه اهالی شهربشمال باختری کوچ نمودند ودرچند کیلومتری شمال باختری شهر قدیم نیشابورشهرجدیدی ساختند ـ ازآن تاریخ به‌بعد دیگرزلزله براین شهرزیان وآسیب‌نرسانید ولی ترکمن‌ها هرچندین باربرنیشابورجدید دستبردزدند وافغانها درسال۱۱۳۵هجری آن‌شهر رابکلی غارت کردند.

درسال ۱۱۶۴ هجری‌احمد شاه درانی که سال‌پیش شکست خورده بود باردگربرنیشابور حمله کرد وآنجاراتصرف نمود وسپاهیان اوشهرراچپاول وغارت نمودند.

در دوره جدید نیشابور تاحدی آبادگردید ولی دیگر به پایه سابق خویش نرسید شهر جدیدنیشابورمانند شهرقدیم بشکل مربع‌بناشده است .

پیش ازجنگ عده‌ای ازدانشمندان باستان شناس ازطرف موزه آثار هنری متروپولیتن نیویورك درمحل قدیم شهرشادیان وحومه آن به حفریات مشغول بودند ودرنتیجه این حفریات آثاری مربوط بدوره نهم میلادی کشف گردید.

سبزوار

شهرستان سبزواراز‌بخشهای حومه جغتای داور زن ششتمد بام وصفی‌آباد تشکیل‌یافته‌و ودرمغرب مشهد قرارگرفته است.

جمعیت‌حوزه سبزوار دارای ۱۸۹۸۶۶ نفر میباشد مرکزآن شهرسبزواراست

سابقه تاریخی

نام پیشین سبزوار درگذشته بیهق بوده و در دوران مغول ویران شده ودراوائل دوره صفویه مجدداً ساخته شده است

تاریخ‌نویسان‌بنای‌آنرادرسال۶۰۰ قمری‌حدس میزنندوازبناهای‌آن‌میل خسروکرد است که طبق کتیبه‌ای درسال ۵۰۵ قمری بناگردیده است .

تربت جام

شهرستان تربت جام ازبخشهای حومه باخزر(تایباد) زورآباد (جنت‌آباد) تشکیل شده ودرجنوب شرقی مشهد ودرجوارمرزهای ایران ـ افغانستان قرارگرفته است .

بیرجند

شهرستان بیرجند ازبخشهای حومه ، درمیان ، قائنات ، خوسف ، نهبندان تشکیل‌شده ودرجنوب شرقی استان خراسان قراردارد.

جمعیت حوزه بیرجند ۱۴۴۱۱۲ نفر میباشد .

مرکزآن شهربیرجند است که درمرکزاین شهرستان قرار دارد جمعیت است.

تربت حیدریه

شهرستان تربت حیدریه ازبخشهای حومه‌کدکنی ، فیض‌آباد ، خواف ، رشتخوار تشکیل

شده ودرجنوب مشهد قرارگرفته است .
جمعیت حوزه تربت حیدریه ۱۹۴۶۱۹ نفر
مرکز آن شهرتربت حیدریه است .

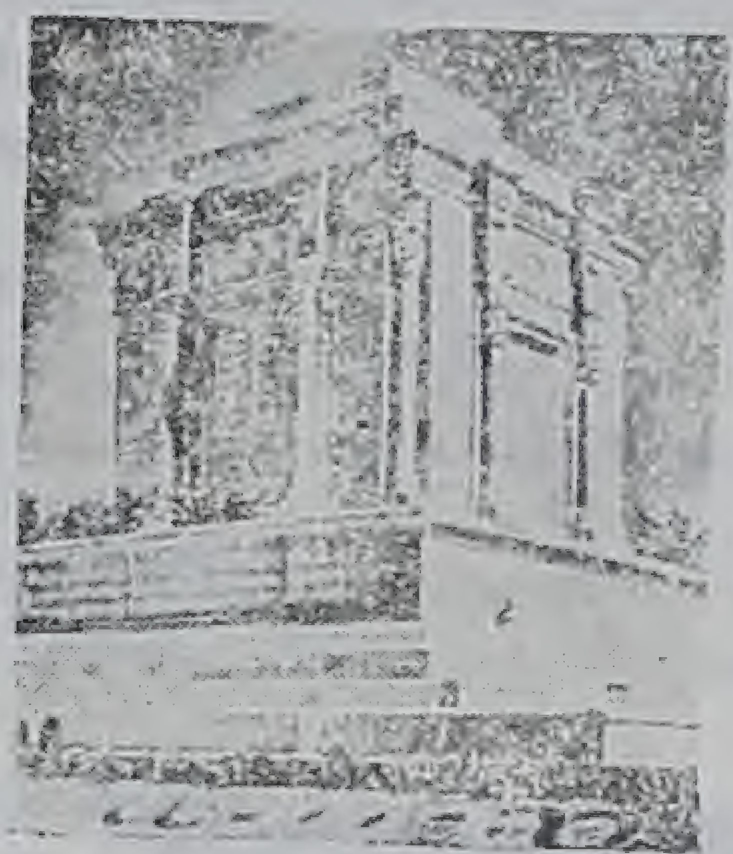
ش
در

گناباد

شهرستان گناباد که از بخشهای حومه وبجستان تشکیل شده بین شهرستانهای تربت حیدریه، کاشمر، فردوس وقاین قرارگرفته است .
جمعیت حوزه گناباد ۵۵۵۲۰ نفر میباشد.
مرکز آن شهرگناباد است که دارای ۷۵۵۵ نفرجمعیت است .

قاین

قائن ازبخشهای تابعه بیرجنداست که درشمال این شهرستان قرار داردجمعیت حوزه قائن ۶۳۸۲۶ نفر و جمعیت نسبی در هرکیلومتر مربع ۳٫۷ نفرمیباشد .



آرامگاه فردوسی درطوس

کاشمر

شهرستان کاشمردرمغرب خراسان واقع شده وشامل بخشهای حومه ، کوه سرخ (ریوش)، خلیل آباد ، بردسکن میباشد.
جمعیت حوزه کاشمر ۹۳۶۴۵ نفر میباشد .
مرکزآن شهرکاشمر است که در مشرق این شهرستان قرار دارد

جمعیت است .

فردوس

شهرستان فردوس که از بخشهای طبس ، بشرویه ، سرایان ، تشکیل شده درجنوب کاشمر قرار گرفته است .

جمعیت حوزه فردوس ۲۷۲۲ نفر

طبس

طبس از بخش‌های تابعه شهرستان فردوس است .

جمعیت حوزه طبس ۳۷۳۱۴ نفر

قوچان

شهرستان قوچان درشمال نیشابورقراردارد وشامل بخشهای حومه ، شیروان ، باجگیران می‌باشد.

جمعیت حوزه قوچان ۱۷۱۸۵۶ نفر میباشد .

مرکز آن شهرقوچان‌است

بجنورد

شهرستان‌بجنورد درشمال غربی خراسان ومجاوردشت گرگان واقع شده وشامل‌بخش‌های حومه ، اسفراین ، مانه ، حاجرم ، جوکلان (راز) می‌باشد.

جمعیت حوزه بجنورد ۱۷۸۰۲۶ نفر و جمعیت نسبی در هر کیلو متر مربع ۲ر۹ نفر می باشد .

مرکز آن شهربجنورد است

درگز

شهرستان درگز درشمال غربی مشهد قراردارد وشامل بخشهای محمدآباد، لطف‌آباد ، کلاب نوخندان ، چاپشلومیباشد.

جمعیت حوزه درگز ۴۲۱۱۷ نفر میباشدمرکز آن شهر درگز است و درکنار مرز ایران و شوروی قرار گرفته است .

اصفهان (استان دهم)

جمعیت : طبق سرشماری ۱/۷۰۴۷۲۶ نفرجمعیت نسبی درهر کیلومتر مربع ۱ر۷ نفر. مساحت: ۱۸۱۴۵۰ کیلومترمربع مرکز، اصفهان شهرستانهای تابعه،فریدن، شهرضا ، اردستان ، نائین، نجف‌آباد.

استان اصفهان درمرکزایران بین‌فارس، کرمان ، خراسان ، کاشان وکوههای بختیاری قرارگرفته است .

رودهای مهم - زاینده رود که ازبزرگترین رودهای مرکزی ایران است‌آب زاینده رود بوسیله برگرداندن مقداری ازآب‌کارون توسط تونل‌کوهرنگ درحدود ۱۲۰۰ متر مکعب افزوده میشود.

کوههای مهم : کوههای مهم اصفهان عبارت‌است ازکوه دلان ، کوه سرخ ، شاهکوه - کوه جرزدان واشترحان .

معادن : نمك ، ذغال سنگ ، سنگ مرمر ، سرب ، روی ، انتیموان ، آهن ، کرومیت، گل سفید ، منگنزومس .

آب وهوا - بواسطه‌کوهستانی بودن جنوب و مغرب جلگه‌های مشرق و شمال اصفهان دارای اختلاف هوا وبارندگی میباشد.

اراضی شمال وشرق بواسطه مجاورت باکویر در روز برائرتابش آفتاب بسیارگرم ودر شب سرد است

دریاچه‌گاوخونی

این دریاچه‌که درحقیقت مرداب‌کم عمق است محل ریزش‌آزاد آب زاینده رود می‌باشد که در هنگام بهار از سیلاب ومازاد آب رودخانه‌های حوزه خود پرو مبدل بدریاچه میشود.

محصولات‌کشاورزی، غلات ، حبوبات ، پنبه ، تنباکو، تریاك ،کتیرا، دانه‌های روغنی، روناس ، پسته ، کشمش ، بادام وانواع صیفی جات مخصوصاً خربزه‌که شهرت بسزائی دارد.

صنایع و کارخانجات : وجودکارخانجات متعدد ریسندگی وپارچه بافی وپنبه پاك‌کنی‌و کارخانجات متعدد دیگر دراستان اصفهان بخصوص درمرکزاستان موجب شده است که اصفهان بزرگترین مرکزصنعتی ایران بشمارآید وازلحاظ تولید پارچه‌های پشمی ونخی بنام منچستر ایران خوانده شود.

کارخانه‌های مهم ریسندگی وبافندگی اصفهان عبارتند از : ریسندگی وبافندگی وطن - ریسباف زاینده رود - نختاب - صنایع پشم ، شهرضا، نور، پشمباف ، اتحاد شهرضا ، شهناز، ناهید، ریسندگی نجف‌آباد ورحیم زاده .

کارخانجات‌پنبه پاك‌کنی :کارخانجات پنبه‌شرکت‌سهامی‌توسعه‌واصلاح‌کشت پنبه-پنبه پاك کنی‌شرکت سهامی ریسندگی وبافندگی ریسباف زاینده رود - اتحادشهرضا - جرقویه .

کارخانه‌کبریت سازی شرکت فیروز وکبریت سازی تابان .

صنایع دستی : دیاگنال - متقال - کرباس - کرکرطرح برزنتی - پرده‌های قلمکار- میناکاری - قلمکاری روی نقره - منبت کاری - زرگری - خاتم سازی - ملیله دوزی - قلاب دوزی ازجمله‌کارها و صنایع دستی اصفهان است‌که هرساله مقداری ازاین مصنوعات درخارج‌از ایران وشهرهای دیگرایران ببازار می‌آید.

قالی : درشهراصفهان وحومه آن درحدود سیصد کارگاه قالیبافی وجوددارد که محصول سالیانه آنها حداقل شش هزارمتربرآوردشده است. قالی یکی ازارقام بزرگ صادرات اصفهان به بازارهای دنیااست .

قلمزنی روی نقره ، متجاوزاز یکصدوده کارگاه قلمزنی نقره دراستان اصفهان وجود داردکه مصنوعات نقره توام باسیاه قلم را تهیه مینماید.

آثار وابنیه تاریخی

دراصفهان، عالی قاپو، مسجد شیخ لطف الله ، مسجد شاه ، عمارت چهل ستون ، میدان شاه ، چهار باغ ، پل‌الله وردی خان (سی وسه پل) ، مسجد جمعه ، مسجد علی ، مقبره سلطان سنجر، نقارخانه وبازارشاهی(قیصریه) ، مقبره ملکشاه ، تالاراشرف ، مقبره خواجه نظام‌الملك منارخواجه علم ، مقبره بـاباقاسم ، مسجد شیعا ، مدرسه امامی ، مناره داروذشت پل خواجو (بابارکن‌الدین)، دروازه درب‌کوشك، مدرسه مادرشاه ، امامزاده جعفر، مقبره بابارکن‌الدین، درب امام ، سردرمسجد قطبیه، سردربقعه شیخ امیرمسعود، مسجد ظلمات ، مسجد حکیم، مدرسه



گنبد کاشی کاری مسجد شیخ لطف الله
از آثار زمان شاه عباس کبیر
(بسال ۱۰۳۸-۹۹۶ هجری)

ملاعبدالله ، مسجد علی قلی آغا ، حمام علی قلی آغا، عمارت هشت بهشت ، مناره چهل دختران (بناشده ۵۰۱ هجری)مناره ساربان (متعلق بعهد سلجوقیان)، امامزاده احمد (متعلق بعهد صفویه)

خانقاه و مقبره شیخ ابوالقاسم در نصرآباد (بنا شده در ۸۵۳ هجری)

مسجدلبنان درزمان شاه عباس کبیر،امامزاده زید ، مدرسه کاسه گران .

دو مناره معروف بمنارجنبان وآرامگاه امیر عبدالله .

درنائین، مسجد علویان متعلق بقرن چهارم، مسجد باباعبدالله

در نطنز، مسجد جمعه ، محراب کوچه میر.

درپنج فرسنگی اصفهان ، مقبره پیرپیکران .

در اردستان ، شهر وخرابه‌های ساسانی ، مقبره شیخ شهاب‌الدین ، مناره و مسجد امام حسن (مربوط بعهد سلجوقی) ، مسجد پامنار (بنا شده درقرن پنجم هجری)

درزیار (اصفهان) ، مناره متعلق به اواسط قرن ششم .

درگز (اصفهان) ، مسجد بزرك ، کاروانسرای گز.

درکاج ، مسجد جامع

در دشتی ، گنبد دشتی که در ۳۴ کیلومتری مشرق اصفهان و شمال زاینده رود قرار دارد .

درمهیار (اصفهان) ، کاروانسرای مهیار (بناشده در دوره شاه سلیمان صفوی)

درتوران پشت (یزد) ، گنبد شیخ جنید (بناشده درسال ۵۴۳)

در ابرقو ، گنبد علی ، مقبره طاوس‌الحرمین ، مسجد جمعه ، محراب ومقبره پیرحمزه سبزپوش .

درباسیان (اصفهان) . مسجد جمعه ومناره آن .

دریزد ، مسجد جمعه ، مقبره دوازده امام ، مقبره شمس الدین ، مقبره سیدرکن‌الدین، مسجد میرچخماق ، مصلا (بنا شده درسال ۹۵۸ بنای معروف به‌تکیه میرچخماق) .

درجلفای اصفهان ، کلیسای سن سوور.

اصفهان

اصفهان مرکزاستان‌دهم ازبخش‌های حومه ، ماربین(همایون‌شهر) ، لنجان(فلاورجان)، کوهپایه ومیمه تشکیل شده است.

شهراصفهان‌دارای ۸۶۲۴۵۴ نفرجمعیت‌است وبعدازتهران وتبریزبزرگترین‌وپرجمعیت‌ترین شهرهای ایران میباشد.

تاریخچه

درسه هزارسال پیش‌ازمیلاد زاینده رودمرکزقراء وقصبات آباد بوده است درکتیبه‌های زمانهای قدیم اصفهان بنام‌گاباویاگی اسم برده شده است که‌گویا همان خرابه‌های جی‌امروزی است‌که درخاورشهرواقع‌گردیده است

اصفهان‌پایتخت پادشاهان‌هخامنشی بوده ودر دوران پادشاهی شهرباران اشکانی وساسانی

مرکزجمع آوری سپاه گردید. وبهمین‌جهت‌نام سپاهان به‌آن‌داده شد تااینکه درسال ۲۳ هجری این شهر بدست ابوموسی اشعری سردار مسلمین مهاجم فتح ونام سپاهان به اصفهان تبدیل گردید.

بعقیده برخی از مورخین اصفهان در دوره خلافت منصور یعنی ازسال ۷۵۴ تا ۷۷۵ همان دوشهرمجاورجی یاگابای ویهودیه بوده است ومشهور است که بخت‌النصربادشاه اسرائیل عده‌ای از یهودیان اورشلیم رابابن شهرکوچ داده وساکن نموده است وباین جهت اسم آن یهودیه‌گذارده شد ومورخین عرب دراین دوشهرازدو مسجد جامع وعتیق نام‌برده‌اند



منارجنبان اصفهان شامل دومناره می باشد بلندی هریك‌از این دو مناره ازکف زمین ۲۱متروازکف پشت‌بام۷متراست وهریك دارای پله‌کانهای‌کوچکی است‌که ازبام‌تابالای مناره می‌توان رفت ودرقسمت بالای مناره دریچه‌ای وجود داردکه میتوان جدار آنراگرفته و مناره را تکان داد تامناره دیگر نیز تکان بخورداین دومناره مطابق (قانون رزونانس) واصول علمی‌بناشده وتاریخ قطعی‌آن معلوم نیست ولی میتوان گفت که دراول قرن هشتم هجری بنا شده است.

نظریه دیگراینکه اصفهان از زمان پیشدادیان وسلاطین کیان پایتخت بوده و از چهار دهکده بنام‌کهران (یاکران)، جوباره، درکوشك و در دشت تشکیل‌شده بود. که هنوزاسامی آنهاروی محلات اصفهان باقی مانده است. وبالاخره در قرن هشتم هجری تیمورلنگ براین شهراستیلا یافت. تازمان شاه عباس کبیر پایتخت سلاطین صفویه تبریز وقزوین بودوشاه عباس نیردرشهرقزوین به‌تخت سلطنت‌نشست. ولی پس‌ازیازده سال روزی عازم اصفهان شد و وقتی زیبائی، موقعیت سیاسی ودوری این شهررا از دسترس بیگانگان مشاهده‌نمودپایتخت خودراازقزوین باصفهان‌منتقل کرد وچند هزارتن از ارامنه جلفای آذربایجان را درمحلی در زاینده رود ساکن نمود واین محل‌بنام جلفا معروف‌گردید.

عظمت اصفهان ازاین تاریخ شروع میشود وهرروز شاه عباس بنای تازه‌ای احداث کرد بطوریکه این شهررا نصف جهان نامیدند. ولی افسوس‌که اصفهان در زمان سلطنت شاه سلطان حسین روبه ویرانی نهاد ودیگرنتوانست از لطمات وخرابیها واثرات قتل و عامی که افاغنه پس ازتسلط براین شهرمرتکب شدند کمر راست کند ودرسال ۱۲۸۸ هجری قمری در همان زمانیکه ظل‌السلطان پادشاه بی تخت و تاج اصفهان بشمار میرفت. خرابی این شهر روبفزونی نهاد.

در دوره سلطنت رضاشاه فقید اصفهان مرکز صنایع جدید گردید واکنون نیز از حیث آثارتاریخی ازمعروف ترین وازنظرصنعت مهمترین شهرهای ایران است.

شهرضا

شهرستان شهرضا درجنوب اصفهان واقع شده وازدوبخش جومه وسمیرم تشکیل گردیده است.

حوزه شهرضا دارای ۹٫۸۷۴۵ نفرجمعیت است که در هر کیلومتر مربع ۱۲ نفرمیباشد. دراین حوزه ۱۵۴ ده کمتر ازپنجهزار نفر وجود داردکه در بین آنها ۴۸ ده دارای شورای ده و۳۹ ده دارای مدرسه دولتی ویا ملی است و فقط در ۴ ده یا ۳ درصد از مجموع دهات درمانگاه ویا مؤسسات بهداشتی دیگروجود دارد . ۵۳ ده دارای مسجد و۷۲ ده دارای گرمابه عمومی هستند در ۴۰ ده ازرادیو استفاده میشود.

شهرشهرضا مرکزاین شهرستان دارای ۲۹٫۳۱۱ نفرجمعیت است.

(حدود این حوزه باحدود شهرستان مطابقت ندارد)

فریدن

شهرستان فریدن بین خوانسار، گلپایگان، شهرکرد والیگودرزواصفهان واقع شده ودارای ۱۱۴٫۷۲۸ نفرجمعیت ودوبخش . . میباشد.

حوزه فریدن دارای ۲۴۴ ده کمترازپنجهزار نفراست که ازآن ۱۲۶ ده دارای شورای ده و۵۸ ده دارای مدرسه ملی و یادولتی میباشند و فقط در ۸ ده یا۳ درصد از مجموع دهات درمانگاه یا موسسات بهداشتی وجود دارد . ۱۰۴ ده دارای مسجد و ۱۵۵ ده دارای گرمابه عمومی هستند در۹۱ ده رادیو وجود دارد .

شهرداران مرکزاین شهرستان بوده ودارای ۳٫۳۳۱ نفرجمعیت است.

(حدود این حوزه با حدود شهرستان مطابقت ندارد)

نائین

شهرستان نائین که درشمال یزد قرار گرفته ازسه بخش ، حومه ، انارك ، وخور بیابانك تشکیل شده است .

حوزه نائین دارای۳۳٫۸۲۱ نفرجمعیت و۴۰۲ ده است که ازآن ۳۰۶ ده داری شورای ده ، ۲۴ ده دارای مدرسه دولتی یا ملی وفقط سه ده دارای درمانگاه یاموسسات بهداشتی دیگر هستند .

۷۹ ده مسجد ودر۵۸ ده گرمابه عمومی وجود دارد

در شهرنائین در سرراه اصفهان به یزد قرار دارد وجمعیت آن ۴۶۸۱ نفراست.

(حدود این حوزه با حدود شهرستان مطابقت ندارد)

اردستان

اردستان متصل بکویرلوت ودر ۲۴۰ کیلومتری جنوب خاوری تهران و ۱۰۳ کیلومتری شمال خاوری شهراصفهان واقع شده وجمعیت آن بالغ بر ۴۱٫۳۹۰ نفراست حوزه اردستان دارای ۳۲۷ ده کمترازپنجهزارنفر است که دربین آنها۴۳ ده دارای شورای ده و۳۲ ده دارای مدرسه دولتی ویا ملی است وفقط در۵ ده یایك درصدازمجموع دهات درمانگاه ویاسایرمؤسسات بهداشتی دیگروجود دارد. ۸۱ ده دارای مسجد و ۹۱ ده دارای گرمابه عمومی هستند. در۱۹ ده از رادیو استفاده میکنند.

شهراردستان مرکزاین شهرستان دارای ۵۸۶۸ نفرجمعیت است.

(حدود این حوزه باحدود شهرستان مطابقت ندارد)



(فردوسی طوسی)

بی افکندم از نظم کاخی بلند — که از باد و باران نیابد گزند
جهان کرده ام از سخن چون بهشت — کزین بیش تخم سخن کس نکشت

نجف‌آباد

شهرستان نجف‌آباد در سرراه اصفهان باراك وازنا واقع شده است جمعیت نجف آباد ۱۰۳۲۲۲ نفراست.

شهرستانهای مستقل استان دهم

یزد

شهرستان مستقل یزد از بخش‌های خضرآباد ، بابك ، حومه نیر ، خزائق ، مهریز، اشك زر ، تفت ، بافق ، ابرقو ، اردکان تشکیل شده است .

جمعیت حوزه یزد ۲۸۰۴۹۲ ، نفر،

شهر یزد مرکز شهرستان است

تاریخچه

عده‌ای از زمین‌شناسان عقیده دارند که نواحی مرکزی ایران که یزدهم‌ازآن جمله‌است روزگاری دریا بوده وبمرور خشك شده است وجود کویر لوت باریکزارهای فعلی را هم دلیلی براین ادعا میدانند .

یزد را هم قدیم (کته) یا (کت) می‌نامیدند ،

عده‌ای عقیده دارند بمناسبت اینکه یزدگرد اول‌آنجارا بناکرده نام یزد به‌آنجا داده شده .

در مورد شهریزد برخی از مورخین نوشته‌اندکه اسکندر مقدونی بمنظور ایجاد زندان ونبعیدگاه برای محکومین محلی راکه فعلا یزد نامیده میشدانتخاب کرد وبعدهاآنجارا زندان اسکندر نامیدند .

ولی درهرحال اسکندر رانمی‌توان بانی اولیه یزد دانست وفقط باید باین تعبیر کرد که یزد دور افتاده، وکوچك وبدآب وهوا بوده است وسرکشان راآنجا زندانی میساخته‌اند .

این نظریه نیز موجود است که شهر یزد قبلا بنام ایساميس‌وپیش‌ازآن فرافیر بوده‌است وهم اکنون قریه‌ای بنام هرفته باقی است که شاید همان فرافیر می‌باشد .

بطورکلی شهر یزد خیلی قدیمی است ودر زمان تسلط اسلام جزیه میداده و در نتیجه آئین زردشتی را حفظ کرد وبعداً بتدریج دین اسلام درآن نفوذکرده است .

یزد نزد زرتشتیان مقدس بوده وهم‌اکنون نیز معبدی درآنجا موجود است که بنام‌هفت آتشکده معروف می‌باشد .

(حدود این حوزه با حدود شهرستان مطابقت ندارد)

استان بلوچستان‌وسیستان

جمعیت ، طبق سرشماری سال ۱۳۴۵ ، ۴۵۶۴۳۵ نفر

. **مساحت** : ۳۱۴٫۲۸۶ کیلومتر مربع **مرکز** ، زاهدان .

شهرستان‌های تابعه ، زابل ، ایرانشهر ، چاه بهار ، سراوان .

این استان از ناحیه سیستان وبلوچستان تشکیل شده واز شمال بـه خراسان ، مشرق به افغانستان وپاکستان،جنوب دریای عمان واز مغرب به‌کرمان واستان بنادر وجزایر دریای‌عمان محدودگردیده است .

کوههای مهم : تفتان ، جبال بارز ، کاجاکو ، کوه بهشت ، کوه شاه لشاگرد و کوه نای‌بند .

رودهای مهم : هیرمند .

بنادر مهم

چاه‌بهار ، گواتر وتیز، بنادر مهم این استان بشمارمیروند .

گواتر دورترین نقطه ایران به تهران می‌باشد .

آب وهوا : آب وهوای سیستان و بلوچستان رامی‌توان بسه منطقه تقسیم کرد ، منطقه گرمسیر وکرانه که قسمت اعظم بلوچستان‌جزء آن است ـ منطقه معتدل ـ منطقه کوهستانی .

منابع ثروت

دشت یاری از جنگلهای طبیعی پوشیده شده که درآنها انواع مختلف اشجار گرمسیری از قبیل،نارگیل ، موز ، تمبر هندی ، بادام هندی درختان کائوچوك به ثمر میرسند ، درحدود سرباز انبه نیز میروید .

محصولات عمده این استان عبارتند از ، گندم ، جو،ذرت‌سفید ، پنبه ، خرما،میوه‌جات سردسیری مانند آلبالو ، گوجه ، گیلاس و گردو .

معادن : نفت ، نقره ، منگنز ، مس ، آهن ، سرب ، فیروزه ، نوشادر،گل سرشور .

ماهی

در سواحل بلوچستان ماهی‌های معروفی چون «پشوك» و «ماهی شیر» صید می‌گردد ، طول ماهی شیرگاهی به یك متر ونیم میرسد وگوشتش بسیار لذیذ ومطبوع می‌باشد .

آثار تاریخی وابنیه

«میل نادر» بین راه کرمان بزاهدان .

زرنج : خرابه‌های پایتخت قدیم سیستان .

دریاچه هامون

دریاچه هامون‌وهامون سواران‌که بوسیله ناحیه باطلاقی موسوم‌به‌نیزار بهم‌مربوط‌میشوند درشمال شرقی سیستان واقع شده است وقسمتی ازآن درخاك افغانستان قرار دارد.

آب این دریاچه از رودهای هیرمند،هریرود ، فراه رودوخاش ، شور رود تأمین‌میشود.

سیستان

سیستان در تاریخ ایران بسیار مشهور وظاهراً یکی از مراکز دین زرتشت بوده استو در قدیم‌آنرا بنامهای زرنگار وسکستان ونیمروز وزابلستان نیز میخوانده‌اند ونخستین قسمتی از خاك ایران‌که پس از حمله اعراب استقلال یافت سیستان بودکه پس از آن رو به آبادانی گذاشته ورونق بسزائی یافت واز این‌آبادانی نیز تا قبل از دوره‌های ترك و مغول نیز وجود داشته وازآن پس در نتیجه ترکتازی این دو قوم رویه ویرانی نهاده وتاکنون نیز برونق‌سابق نرسیده است‌آب وهوای سیستان نیز مانند بلوچستان‌گرم‌وفصولش‌عموماً منحصر ببهار وتابستان است در سیستان بطورکلی برف نمیبارد اراضی مزروعی‌آن‌بوسیله رود هیرمندکه سرچشمه‌آن در افغانستان است‌آبیاری می‌شود .

این رودخانه‌که استفاده ازآن طبق قرار دادی‌که‌بین دولتین ایران وافغانستان امضاء شده باید بطور مساوی انجام‌گیرد از اواسط اردیبهشت تا اول تیر در حال طغیان است و از اوائل مهرماه روبکاهش‌میرود تا بجائی‌که نهرهای منشعبه ازآن‌که اراضی مزروعی راآبیاری می‌کند بکلی خشك می‌گردد.

وسعت‌کلیه خاك سیستان ۶۴۱۲ کیلومترمربع است که از این مقدار درحدودسه‌هزار کیلومترآن دائر ودوهزار وپانصدکیلومتر آن بایر و بقیه باطلاقی است محصولات کشاورزی سیستان مانند اغلب نقاط ایران‌گندم وجو بوده وفقط در حدود ۱۵ در صد ازاراضی دائرآن بکشت محصولات دیگر اختصاص دارد علاوه برگندم وجو در سیستان پنبه (از نژاد مروی) و

تنباکو بمقدار کم نیز بعمل می‌آید وانگور وحبوبات آن نیز میزان قابل توجهی را تشکیل می‌دهد.

زابل

شهرستان زابل در شمال این استان قرار دارد ، شامل بخش‌های میانکنگی ، پشت‌آب وشیب‌آب ، ناروئی وشهرکی می‌باشد .

مرکز آن شهر زابل دارای ۱۶۲۲۹۳ نفر جمعیت است و مرکز سیستان نیز می‌باشد .

بلوچستان

بلوچستان در مشرق ایران واقع شده وچون درجوار کشورهای افغانستان و پاکستان قرار گرفته دارای موقعیت نظامی وسیاسی مهمی است . زبان مردم بلوچستان بلوچی است که یکی از لهجه‌های فارسی مانند گیلکی و کردی ولری است .

از نظر آب وهوا بلوچستان به سه منطقه گرمسیر و کرانه ، منطقه معتدل ومنطقه کوهستانی تقسیم می‌شود .

منطقه گرمسیر و کرانه که قسمت اعظم بلوچستان در این منطقه قرار دارد هوایش بشدت گرم است بطوریکه گاهی در سایه گرما به ۵۵ درجه سانتیگراد هم میرسد ،

منطقه معتدل که جلگه خاش و بیشتر بخش سراوان جزو آنست منطقه کوهستانی که شامل حوزه کوه تفتان است .

بلوچستان دارای کوههای آتشفشانی است وحتی از دهانه بعضی از آنها مانند تفتان هنوز هم گاز سوزان ودود خارج میشود .

تاریخچه



بلوچستان در قرنهای پیش آباد ومعمور بوده ودر تاریخ آمده است که داریوش کبیر برای فتح سرزمین پنجاب وسند از راه بلوچستان لشکر کشی کرده و آذوقه بین راه خود را از بلوچستان تهیه کرده و بهمین جهت می‌توان گفت که در آنزمان این سرزمین بمراتب آبادتر وسکنه آن بیشتر از زمان کنونی بوده است .

مردمان بلوچستان بسیار شجاع ودلیر هستند آب وهوای نامساعد وشرایط سخت زندگی آنها را چون پولاد محکم نموده است واین شجاعت ودلیری از قرنها پیش مورد تایید تاریخ نویسان وشعرا بوده است .

بلوچستانی که اینك درخط ایران قراردارد قسمتی از بلوچستان بزرگی است که قرنها پیش جزئی از خاك ایران بوده وداستان انتزاع یك قسمت از آن نیز صفحه‌ای از تاریخ کشور ما تشکیل می‌دهد .

در سال ۱۸۶۱ دولت انگلیس برای ارتباط باهندوستان که در آن زمان مستعمره بوده درصدد بر آمد که خط تلگرافی بین هند واروپا برقرار کند وچون سیم تلگراف می‌بایست از بلوچستان عبور

کند از ایران تقاضای امتیاز نصب تیر تلگراف وایجاد تلگرافخانه‌هائی درخاك ایران نمود ولی‌دولت ایران ابتدا باین پیشنهاد روی موافقی نشان نداد ولی‌در نتیجه اصرار فراوان‌وزیر مختار انگلیس با عبور سیم‌تلگراف از بلوچستان موافقت شد واز طرف حکومت بریتانیا یکی ازمأمورین زبردست بنام فردریك گلداسمیت برای اجرای این امتیاز عازم بلوچستان‌شد .

فردریك گلداسمیت که از طبع سرکش وماجراجوئی‌اهالی وایلات بلوچستان با خبر بود پس از ورود ببلوچستان‌تمام‌وقت خود راصرف‌دید وبازدید سران ایلات نموده وهدایای‌فراوانی بین‌آنها تقسیم‌کرد . منجمله با دادن تحفه‌های گران قیمتی بدونفر از سران ایلات بلوچستان بنام سردار جان میرخان و سردار فقیر محمد آنها را راضی کرد از سیم‌های تلگراف که از بلوچستان می‌گذرد حفاظت ونگهداری نمایند ولی در این میان عده دیگری از روسای ایلات که خود را مغبون می‌دیدند‌گاه و بیگاه دست بتحریکاتی زده و با قطع سیمهای تلگراف برای مأمورین انگلیسی ایجاد مزاحمت می‌نمودند وازاین هم پا را جلوتر گذاشته چندبار بتلگراف هائی که در بلوچستان دائر شده بود حمله‌کردند وعده‌ای راکشته وجمعی را اسیر نمودند و برای رها کردن اسراازمأمورین انگلیسی‌تقاضای پول‌نموده وتا مبلغ مورد درخواست رادریافت نمی‌داشتند مأمورین تلگرافخانه را رها نمی‌کردند .

این حملات ومزاحمت‌های مداوم‌که ازتحریك مأمورین شرکت تلگراف هند واروپانیز سرچشمه می‌گرفت سبب شدکه حکومت بریتانیا ازایران تقاضاکند برای تعیین سرحدات بین هند و بلوچستان وخط‌کشی سرحدی اقدام نماید تا پس از انجام این عمل معلوم شود که این تجاوزات ازکدام ناحیه صورت میگیرد.

دولت ایران‌که با این امر موافقتی نداشت درخواست تعیین حدود سرحدی را ردکرد ولی فردریك گلداسمیت‌که بخوبی‌بزبان‌های‌بلوچ‌ها آشنا بودآنها را تحریك‌کرده بعصیان‌واداشت وبالاخره پس ازکشمکش فراوان ناصرالدینشاه موافقت‌کرد‌که هیئتی بریاست میرزا سعیدخان وزیرخارجه ایران‌برای رفع اختلافات‌وتعیین‌نقاط مرزی بلوچستان برود وبا مأمورین‌انگلیسی وارد مذاکره شود .

در جریان این مذاکرات معلوم شدکه انگلستان در مورد قسمتی از بلوچستان ایران ادعای ارضی دارد وآنرا جزء خاك‌هند میداند چندبارمذاکرات بمرحله شکست رسیدوبالاخره طی‌یك پیمان ۳ ماده‌ای دعاوی انگلستان‌رسمیت یافت ومقرر شدکه حکومت انگلستان سالیانه سه هزار تومان بابت حق‌الحمایه سیم‌های تلگراف بایران بپردازد و فردریك گلداسمیت نیز بواسطه حسن خدمت در جریان این مذاکرات بدریافت لقب «سر» نائل‌گردید .

زاهدان

شهرستان زاهدان شامل بخشهای خاش ، میرجاوه ونصرت آباد میباشد مرکز آن شهر زاهدان است‌که دارای ۱۷۴۹۵ نفر جمعیت است . این شهر را یك رشته خط‌آهن به‌پاکستان ارتباط‌می‌دهد. ومرکز‌استانداری بلوچستان وسیستان‌می‌باشد . جمعیت حوزه زاهدان ۶۱۴۸۴ نفر وجمعیت نسبی در هرکیلومتر مربع ۱٫۱ نفر می‌باشد .

ایرانشهر

شهرستان ایرانشهرشامل بخش‌های سرباز ، راسك وفیروزآباد ، بزمان وبمبور (فنوج) می‌باشد ودر مرکز بلوچستان واقع شده است .

جمعیت حوزه ایرانشهر ۱۷۹۲۵۷نفر

چاه بهار

شهرستان چاه‌بهار درجنوب بلوچستان در ساحل دریای عمان قرار دارد وشامل‌بخشهای

دشتیاری ونیکشهر (قصرقند) میباشد .
مرکز آن بندر چهاه بهار است . این بندر که در اصل گویا «چهاه بهار» بوده بندری است که از حیث آب وهوا از تمام بنادر جنوب ایران سالم‌تر ومعتدل‌تر است .

بندر چهاه‌بهار بعلت عمق‌ساحلی مناسب وهمچنین خلیج وسیعی که درکنارآن واقع شده است از نظر کشتی رانی اهمیت فراوانی دارد و چنانچه اسکله بزرگی در آن ساخته شود از مهمترین بنادر جنوب خواهد شد .

جمعیت حوزه‌چهاه‌بهار ۵۶۶۴۳ نفر

سراوان

شهرستان سراوان در مشرق بلوچستان واقع‌شده وازبخشهای جالق سیب وسوران‌وزابلی تشکیل شده است .

جمعیت حوزه سراوان ۵۶۵۰۴ نفر

مرکزآن شهر سراوان دارای

استان کردستان

جمعیت : طبق سرشماری سال ۱۳۴۵ ، ۶۲۴۲۵۶ نفر .

مساحت ، ۸۰۰۰۰ کیلومتر مربع . **مرکز** : سنندج . شهرستانهای تابعه : مریوان ، سقز ، بانه ، قروه . مرکز ، بیجار .

کردستان محدود است . از طرف شمال به‌آذربایجان‌از مشرق به زنجان وکرمانشاهان، از جنوب به‌کرمانشاه واز مغرب به عراق .

کردستان فلاتی است مرتفع که یك قسمت آن دنباله کوههای ارمنستان وقسمت دیگر رشته‌کوههای متعدد زاگرس می‌باشد .

سکنه‌آنرا کردها که یکی‌ازقدیمی‌ترین اقوام سلحشورایرانی‌نژاد هستند تشکیل داده‌اند وهمچنین نظر بوضع طبیعی وبرکنار بودن از سیل مهاجرت خارجی توانسته‌اند زبان قدیمی خود را حفظ نمایند .

رودخانه‌های‌مهم : قشلاق ، سقز سفیدرود قراسو ، رود خور خوره .

آب‌وهوا : کردستان بطورکلی سردسیر است لیکن نقاط معتدل وگرمسیر همدارد .

نقاط معتدل‌آن روانسر ونقاط‌گرمسیرآن نواحی غربی مانند مریوان میباشد .

کشاورزی

کردها بسبب موقعیت‌کوهستانی کردستان وعدم ارتباط با شهرنشینان ایران غربی در مرحله صحرانشینی باقی‌مانده‌اند وکشاورزی توسعه زیادی نیافته است .

محصولات عمده این استان عبارتند از : غلات ، توتون ، مازو وکتیرا .

معادن وصنایع

معادن ، نفت ، فیروزه ، لعل ، ارسنیك ونیکل .

صنایع دستی درکردستان شامل قالی‌بافی و تهیه‌گلیم و جاجیم و اشیاء ظریف از چوب می‌باشد .

تاریخچه

در دوره تسلط سلجوقیان اگرچه کردها مصائب زیادی دیدند ولی نام خاصی برنواحی

کردنشین وضع شد .

در «نزهتةالقلوب» حمدالله مستوفی که در سال هجری تحریر شده است می‌نویسد .

« کردستان وآن شانزده ولایت عراق عرب وخوزستان وعراق عجم وآذربایجان و دیار بکر پیوسته است .

بطوریکه از این مقدمه برمی‌آمد معلوم‌می‌شود دراوایل‌قرن هشتم‌هجری ولایت کردستان فعلی ایران شامل قطعه‌ای از لرستان وناحیه شهر زور (عراق) نیز بوده است .

حمدالله مستوفی در وجه تسمیه زور مینویسد :

«آن شهر را زور بدان‌گویندکه پیوسته حکامش اکراد بوده‌اند وهرکس را زور بیشتر بوده حاکم میشده»

هر ورقی از تاریخ نشان می‌دهدکه نیروی ایران دوش بدوش اهالی کردستان کنونی در برابر خصم صف‌آرائی کرده‌اند .

ازآغاز حمله عرب بایران کردستان هم مانند سایر استانها آسیب دید . سلاطین صفوی توجه مخصوصی بنواحی کردستان داشتند .

در سنه ۶۱۲ هجری قلعه ظلمه‌که درخاك زور واقع است‌پایتخت هستند ومرکزحکومت کردستان گردید .

سنندج

شهرستان سنندج شامل بخش‌های حومه، کامیاران ومیرانشاه می‌باشد .

جمعیت حوزه سنندج ۲۰۴۶۷۶ نفر

مرکزآن شهر سنندج در بیست کیلو متری گردنه صعب‌العبور صواب‌آباد واقع شده

سقز

شهرستان سقز در شمال کردستان واقع شده است . جمعیت حوزه سقز ۹۲۴۳۴ نفر و

قروه

شهرستان قروه در جنوب کردستان واقع شده وشامل بخشهای حومه و ییلاق (دهگلان) است .

جمعیت حوزه قروه ۱۱۵۵۱۲ نفر

مرکزآن شهر قروه است .

بیجار

شهرستان بیجار در شمال شرقی کردستان قرار دارد .

مرکز آن شهر بیجار دارای ۹۵۹۷، نفر جمعیت است .

بانه

شهرستان بانه در مغرب کردستان ومجاور مرز عراق قرارگرفته وشامل بخش‌های‌حومه، نمشیر ، پهلوی دژوالوت می‌باشد .

بانه دارای ۴۱۰۵۷نفر جمعیت است .

مریوان

شهرستان مریوان مجاور عراق قرارگرفته وازبخش‌های‌حومه،خاور میرآباد، کلاترزان،

سرشیو ، مریوان ، وسروآباد تشکیل شده است . مرکز آن شهر مریوان می‌باشد .

فرمانداری کل

بنادر وجزایر دریای عمان

جمعیت: طبق سرشماری سال ۱۳۴۵) ۲۴۶۷۸۴ نفر
مرکز : بندر عباس . شهرستانهای تابعه : بندرمیناب

حدود : ازشمال بکرمان ازمغرب به بلوچستان ازجنوب بدریای عمان وازمغرب بفارس و بنادرخلیج فارس محدود است .

محصولات کشاورزی

غلات ، کتیرا ، انقوزه ، روناس ، گل سرخ خشکبار، خرما ، مرکبات ، موزواتبه ، گندم ، برنج .

صنایع وکارخانجات: منحصراست بچندکارخانه‌ریسندگی وکنسروسازی ماهی‌وکارگاه‌های صنایع دستی قالی بافی وحصیربافی .

معادن : گوگرد خاك سرخ ، کرم وآهن ، نفت ، زغال سنك ، نمك ، زاج.

بندر عباس

شهرستان‌بندرعباس درجنوب ایران وساحل دریای عمان ودرشمال تنگه هرمزواقع شده وازبخشهای حومه ، جاسك ، جزیره قشم بندرفین ، بیابان ، سعادت آباد وحاجی‌آباد تشکیل گردیده است .

جمعیت حوزه بندرعباس ۱۶۳۱۳۲ نفر است .

مرکزآن شهرقدیمی وبندر بزرك عباس است‌که مرکزاستانداری استان بنادر و جزایر دریای عمان نیزمی‌باشد

تاریخچه

بندرعباس را میتوان شهرتاریخی هرمزدانست . هرمزازقرن دهم میلادی تا اوایل قرن چهاردهم بزرك ترین مرکز داد وستد ومعاملات شرق بوده ودرانتهای مردابی در مشرق محل کنونی بندرعباس قرارداشته است .

دراواخرقرن سیزدهم میلادی حملات ودستبردهای قبائل غارتگر به هرمز بقدری مکرر بوده‌که پادشاه وقت ناچارمی‌گرددآن شهررامتروك‌گذاشته وساکنین‌آنجا رابااموال منقولشان به جزیره‌کوچك «جاردن»انتقال دهد. درشمال جاردن بندر زیبائی ساخته شد وشهربزرگی‌بنام هرمزجدید درآن جزیره بوجود آمد ازآن تاریخ این اسم به خود جزیره نیزاطلاق شد.

درمدت سه قرن هرمزجدید رونق وجلال واهمیت فراوان‌کسب‌کرد وازحیث زیبائی‌بندر ومرکزیت معاملات تجارتی شرق جانشین هرمزقدیم شد.

پس ازفتح قسطنطنیه درسال ۱۴۵۳ میلادی راه شمالی‌که آسیارا باروپا ازطریق ایران وصل میکرد بسته شد درنتیجه اروپائیها ازراه دماغه امید متوجه آسیا شدند ونزدیك‌ترین راه آنها همان راه خلیج فارس بود.

درسال۱۵۰۷ میلادی ناوگان پرتقالیها بفرماندهی «آلبرکرك‌بزرك» دریانورد معروف برای‌اولین‌بار‌به خلیج فارس وارد شد وقصد تسخیرهرمزرانمود ولی موفق نشد ودرسال۱۵۱۴ باردیگر باتجهیزات و ناوگان بیشتری بازگشت وسهولت حاکمیت و اقتدار پرتقال رابرآن جزیره برقـرارساخت . شك نیست‌کـه شاه اسمعیل اول سرسلسله خـاندان صفوی از ایـن ماجری سخت خشمناك بود ولی چون باشدت وحرارت‌تمام به جنك‌باترکان عثمانی اشتغال‌داشت

وازهمه مهمتر فاقد نیروی دریائی بود نمی‌توانست با پرتقالیها پنجه درافکند.

دراین موقع است که کلمه «گامبرون» یعنی نام اصل بندرعباس برای اولین بار برسرزبانها میافتد وبطوریکه درجلداول صفحه ۶۹۴ دائرة المعارف اسلامی نوشته شده گامبرون از «جارون» اسم سابق جزیره هرمز مشتق شده است.

آلبرکرك برای تحکیم موقعیت خویش دردهانه خلیج جزیره قشم وباریکه‌ای ازسواحل ایران را درشمال وشمال باختری هرمز بتصرف درآورد. ازجمله نقاطی که در سواحل از طرف پرتقالیها اشغال گردید دهکده ویاشهر کوچك «گامبرو» بود که دردوازده میلی بندرهرمز قرار داشت. این شهرچگونه وچه موقع بناشده تاریخ چیزی دراین باب نمیگوید ولی چون حمل و نقل امتعه وکالاهای تجارتی میان هرمز وسواحل ایران ضرورت داشت بدینجهت احتمال میرود که «گامبر» اندکی پس ازهرمز جدید پای بعرصه وجود گذاشته باشد.

پرتقالیها برای حفاظت گامبروان ازحمله وتجاوزقلعه‌ای درساحل بنا کردند وحصارمحکمی نیزازجانب خشکی بر گردان آن کشیدند وآن نقاط را (کومازوا) ویا (کامباروا) نامیدند بعدها انگلیسها آنرا «کمبرون» ویا «کامبرون» خواندند (بعضی ازنویسندگان اشتباها گمبرون رامشتق از کلمه ترکی گمرك دانسته‌اند. اما (لیوروین) سیاح معروف هلندی معتقد است که شاید پرتقالی‌ها این نقطه را بعلت اینکه یکنوع خرچنگهای دریائی کوچکی باسم (گامبری) فراوان داشته باین اسم نامیده باشند.)

باآنکه کمبرون درظرف یك قرن وسعت پیدا کرد بازنتوانست درمقابل اهمیت و اعتبار هرمز چندان رونقی بیابد قرن هفدهم میلادی شروع دوره ضعف پرتقالیها درخلیج فارس ودریای عمان است رفتارخشن وبیرحمی و بیدادگری آنها وحرص وطمع فرمانروایان آنها سبب شد که ازنظرایرانیان منفور واقع شوند ازطرف دیگرچون سعی داشتند دست انگلیسها وهلندیهارا ازتجارت پرسود خلیج کوتاه کنند دودولت اخیر برضد ایشان قیام کردند ازهمه اینها مهمتر سلطنت ایران درآنموقع بدست شاه عباس اول پادشاه بزرك و مقتدر بود وبرای چنین پادشاه متصب ومقتدری بسیار ناگوار بود که پرتقالیها برجزائر قشم وبحرین وهرمز وهمچنین برباریکه‌ای ازسواحل ایران که درمقابل جزایرمذکورقرارداشت مسلط وحکمروا ببیند.

شاه عباس درصدد برآمد پرتقالیها راازجزایروااضی ایران براند دراولین قدم بحرین بدست ایرانیان افتاد زیرا در سال ۱۶۰۲ شورشی دراین جزیره بوقوع پیوست که زمینه را برای استیلای مجدد ایران براین جزیره مهیا ساخت از آن پس پرتقالیها چندین بار کوشیدند که آن جزیره راازایران پس بگیرند وحتی دریك موقع ناوگان نیرومندی را به آنجا اعزام داشتند اماپادشاه ایران برای منحرف ساختن توجه پرتقالی‌ها قوائی به گمبرون فرستاد درآنجا نیز سپاهیان ایران بفتح وپیروزی نائل شدند. قسمت اعظم جزیره قشم نیز بدست سپاهیان ایران افتاد.

دراین ایام شاه عباس باانگلیسها طرح دوستی ریخت و در صدد برآمد که برای بیرون راندن پرتقالیها ازهرمز وبطورکلی ازآبهای خلیج فارس باانگلیسها عقد اتحاد ببندد.

دراین موقع مناسبات پادشاه ایران با اسپانیا و پرتقال (پرتقال از سال ۱۵۸۰ جزء اسپانیاشده بود) بمنتهای درجه تیرگی رسید.

دوسال بعد شاه عباس بنمایندگان کمپانی هند شرقی فشار آورد که درحمله سپاه ایران به هرمز شرکت کنند ودرعوض قول داد که به آنها اجازه دهد کارخانه‌ای را در بندر گمبرون بنانهند.

درژانویه ۱۶۲۲ کشتیهای انگلیسی بمعیت عده زیادی کشتیهای محلی کوچك سپاهیان ایران رادربندرگمبرون بحرکت درآوردند متفقین ابتدا به جزیره قشم رفتند ودرآنجا آخرین

قلعه مستحکم پرتقالیها را بتصرف درآوردند.

آنگاه متفقین رو بجانب هرمز گذاشتند ودرآنجا شهرو بندرهرمز بزودی بدست مهاجمین افتاد وپس ازآن جزیره روبویرانی گذاشت وساکنین آن به بندرگمبرون مهاجرت نمودند.

شاه عباس که درنتیجه فتوحات خویش بسیارخرسندوراضی بنظرمیرسید درصدد برآمد که برشکوه واعتبارگمبرون بیفزاید وآنجا را مهمترین بندرقلمروسلطنت خویش کند این بود که نام آن بندر را باسم خویش گذاشت اما با اینحال تایك قرن بعد اروپائیان خلیج فارس آن بندر را باسم سابق خودگمبرون میخواندند.

پادشاه ایران خانه‌ای درگمبرون درمقابل دریا به انگلیسها واگذار نمودکه کارخانه‌ای بسازند ازآن تاریخ انگلیسها باشرایط بسیارمساعدی دربندرعباس مستقرگردیدند.

اما بااینکه پرتقالیها ازهرمزرانده شده بودند هنوز درخلیج فارس دارای نفوذ و قدرت بودند انگلیسها سرانجام باکمك هلندیها ریشه آنهارا ازخلیج فارس کندند ولی برخلاف انتظار انگلیسها هلندیها خود درتجارت رقیب ایشان شدند . وبزودی توانستند در بندر عباس مستقر گردند دراواخرقرن هفدهم فرانسویها کارخانه‌ای درآن بندربنا نهادند اما تجارت آنها دربرابر رقیبان انگلیسی رونقی نیافت .

راهزنی و ناامنی که ناشی از ضعف حکومت مرکزی بود روبانحطاط گذاشت. در سال ۱۷۲۱ عده‌ای ازیغماگران بلوچ وارد شده وپس ازقتل وکشتارساکنین اموال ایشان رابغارت بردندسپس قصد هجوم بکارخانه انگلیسها وهلندیها کردند ولی با دادن تلفات سنگین بازگشتند. سال بعد افاغنه اصفهان را مسخر وشاه سلطان حسین پادشاه صفوی را ازسلطنت خلع کردند . سپس ترکان عثمانی ایران را عرصه تاخت وتازخود قراردادند اگرچه افاغنه کوشش مختصری برای حفظ نظم وامنیت درایران نمودند. بازبلوچها وقبایل دیگر موجب ناامنی راهها شدند . تااینکه نادرشاه افشارنظم وامنیت‌را اعاده نمودوراهزنان را درسواحل بندرعباس وخلیج‌فارس ودریای عمان ریشه‌کن کرد.

درسال ۱۷۵۹ یك ضربت‌مدهش وقطعی برانگلیسهای بندرعباس واردآمد. زیرا درآن سال کشتی‌های فرانسوی در مقابل بندرعباس نمایان شدند و کارخانه انگلیسها رابتوپ بستند . بلافاصله قوای پیاده نظام وتوپخانه فرانسه درساحل پیاده شد وانگلیسها باوجود مقاومت‌شدید مجبوربه تسلیم شدند.

سه‌سال بعدکمپانی هند شرقی بندرعباس را بالمره ترك گفت وبه بوشهرنقل مکان کرد. دراواخرقرن هیجدهم دولت ایران بندرعباس وقسمت باریکی ازخاك ساحلی را به «اجاره» شیخ مسقط واگذارکرد درسال ۱۸۳۰ شیخ مسقط کارخانه قدیم هلندیهاراتعمیرکرد وبشکل قصری‌در آورد و زمستانها که به بندرعباس می‌آمد دراین کاخ بسرمی‌برد.

درسال ۱۸۸ میلادی دولت ایران‌اجاره را ملغی ساخت ودست شیخ مسقط را ازآن بندر کوتاه‌کرد وحاکمی بدان شهرگسیل داشت و چندی بعد بندرعباس مرکزبازرگانی جنوب شد .

دراواخرقرن نوزدهم‌بندرعباس روبه‌آبادی گذاشت‌وکشتی‌های شرکت‌کشتی‌رانی هفته‌ای چندباربدان بندرمی‌آمدند.

در زمان اعلیحضرت فقید اسکله بندرعباس تعمیر و تکمیل شد ولی چون سیاست دولت پس ازکشیدن خط آهن این‌بودکه بندرخرمشهروشاهپوررا آبادکنداین سیاست موجب خرابی بوشهروبندرعباس وبندلنگه شد .

درنتیجه تمام بنادرجنوب بحال ویرانی افتاد ومردم آن سامان بهندوستان وعربستان و بحرین وشارجه وقطروسواحل عربستان مهاجرت‌کردند وخرابی بندرعباس به پایه‌ای رسید که

چندین سال آنجا راتبعیدگاه اشرار وچاقوکشان کردند.

جاسك

بندرجاسك ازبخشهای تابعه شهرستان بندرعباس میباشد
جمعیت حوزه جاسك ۲۳۶۶۵ نفر است.

سابقه تاریخی

درسال ۱۶۱۵ میلادی «ریچارداستیل» انگلیسی به نمایندگی شرکت هند شرقی به‌بندر جاسك آمد وآنجارابرای مرکزتجارتخانه انتخاب نمود و درسال ۱۶۱۹ میلادی انگلیسی‌ها باب تجارت را دربندرجاسك وخلیج فارس مفتوح نمودند.
درسال ۱۶۲۰ میلادی جنك دریائی بین کشتی‌های انگلیسی وپرتقال درلنگرگاه جاسك واقع شدکه بشکست پرتقالیها پایان یافت و «ویرشلی» دریادار انگلیسی دراین نبرد دریائی کشته شد.

میناب

شهرستان میناب از بخش‌های حومه رودان احمدی تشکیل شده و در شمال قرار گرفته است .
جمعیت حوزه میناب ۱۰۴۷۱۰ نفروجمعیت نسبی درهرکیلومترمربع ۸ نفرمیباشد.
مرکز آن شهرمیناب دارای ۴۲۲۸ نفرجمعیت است .

جزیره هرمز

جزیره هرمز در فاصله ۱۸ کیلومتری بندرعباس واقع شده است . طول این جزیره ۹ کیلومتر وعرض آن ۸ کیلومتراست.

تاریخچه

امرای هرمزدر روزگاران گذشته تابع اتابکان یا والیان استان کرمان بوده‌اند.
دراوایل سلطنت سلجوقیان قادر برادرآلب ارسلان که فرمانفرمای کرمان بود جزیره هرمزراتصرف کرد. درسال ۷۱۵ بهاءالدین ایازحکمران هرمزبود واولاداوتاسال ۹۱۳ قمری حکومت این جزیره رابدست داشتند.
درزمان امیربهاء الدین پانزدهمین حکمران این جزیره لشکریان مغول بهرمز حمله کرده وجزیره‌راغارت‌نمودند امیرنامبرده‌ومردم‌هرمزازترس‌جزیره راترك نموده به‌جزیره کیش فرارکردند وپس ازچندی بازگشتند .
«الفونسوآلبوکرك»سردارپرتقالی‌پس ازتصرف مسقط وسواحل‌عمان باکشتی‌های جنگی خود بهرمزحمله نمود. مردم جزیره پس ازمقاومت شدیدی شکست خوردند و هرمز به تصرف پرتقالی‌هادرآمد.درزمان‌شاه اسماعیل‌چون اوسرگرم‌جنك باعثمانیها بود نمیتوانست‌باپرتقالی‌ها درخلیج فارس بنبرد وزد وخورد مبادرت کند.
بعدازآلبوکرك یك نفرپرتقالی دیگرموسوم به لوپوسوازر درهرمزحکمرانی میکرد در سال ۱۰۴۰ قمری شاه عباس بزرك پس‌از معاهده صلح باترکها بقصد تصرف هرمز با «جمس» پادشاه انگلیس قراردادی منعقدکردکه متفقا پرتقالی‌ها را ازجزیره هرمزخارج کنند شاه‌عباس ابتدا بندرعباس را تصرف کرد وبرای دفاع ازهرمزآنرا مستحکم نمود.
لشگریان ایران بکمك اعراب پرتقالیها را از راس‌الخیمه وجزیره قشم وهرمز بیرون ریختند؛ وآنجا رامتصرف‌شدند وپرچم‌ایران‌را پس‌ازچند سال برفرازهرمزباهتزاز درآوردند. وبموجب شرایط صلح که بوسیله انگلیس‌ها برقرارشد اسرای پرتقال‌ها را بمسقط روانه نمودند

ودست پرتقالی‌ها ازجزیره هرمز وبنادر خلیج فارس کوتاه گردید درسال ۱۳۰۶ قمری در دوره ناصرالدین شاه مهندسین نظامی روسی بهرمز آمدند وتنگه هرمزرابازدید نمودند و دوباره به کشورشان مراجعت کردند .

جزیره قشم

قشم از بزرگترین جزایر خلیج فارس بشمار میرود و مشهور به جزیره طویل است واز بخش های تابعه بندرعباس می‌باشد طول این جزیره ۱۰۸ کیلومتر و عرض آن در حدود ۱۸ کیلومتر ومساحت بین این جزیره تابندرعباس ۱۸ کیلومتراست.

سابقه تاریخی

انگلیسها بعد ازسرکوبی دزدان دریائی درخلیج فارس درخواست یك ایستگاه دریائی ازفتحعلیشاه نمودند.

درسال ۱۲۱۷ قمری آن پادشاه نامه‌ای بوالی مسقط که درآن زمان جزیره قشم وبندر عباس دراجاره وی بود نوشت که قطعه زمینی برای این منظوربانگلیس‌ها دربندرسعید واگذار نماید. دراین بندرانگلیسها برای سوخت کشتی‌های خود مخازن بزرك وساختمان‌های متعددبنا نهادند. وبعدها مرکز نیروی دریائی آنها ازبندرسعید بجزیره بحرین انتقال یافت .

جزیره هنگام

جزیره هنگام درفاصله ۱۳۶ میل دریائی بندرجاسك و۲ کیلومتری جنوب جزیره قشم واقع شده است طول این جزیره ۹ کیلومتروعرض آن درحدود ۶ کیلومتر است .

فرمانداری کل
چهارمحال وبختیاری

جمعیت تقریبی : ۲۹۹۰۵۷ نفر **مساحت تقریبی :** ۱۵۹۵۳ کیلومترمربع **مرکز:** شهرکرد. شهرستان‌های تابعه ایذه بروجن

چهارمحال وبختیاری بخشی است کوهستانی که بین اصفهان ،لرستان ، فارس وخوزستان واقع شده است . این منطقه مرکزایلات بختیاری ومنبع رودهای کارون وزاینده رود میباشد. مرکزآن شهرکرد وشهرهای مهم آن ایذه وبروجن است.

جمعیت نسبی درهر کیلومترمربع ۶ر۱۴ نفرمیباشد.

آب وهوا : آب وهوای آن بعلت کوهستانی بودن سرد سیرودارای زمستانهای بسیار سرد وتابستان‌های معتدل است

رودهای مهم ـ کارون که ازشاخه‌های رشته کوهرنك بختیاری سرچشمه میگیرد وزاینده رودکه سرچشمه‌اش دردامنه‌های شرقی کوهرنك است .

کوههای مهم ـ کوههای بختیاری که بلندترین نقطه آن زردکوه (۴۵۴۷ متر) است وتقریباً همیشه مستوراز برف میباشد.

عمده ترین رشته‌های کوههای بختیاری کوه منار (۳۱۱۷ متر) ودرشرق آن رشته‌های کوه لیلا وکوه هفت تنان که ارتفاع آن به ۳۵۰۰ تا ۴۳۰۰ مترمیرسد. بعضی از کوههای بختیاری دارای قله‌های غیرقابل دسترس سنگی است که قلعه‌های طبیعی محسوب میشود وآنها را دیزمی‌نامند ودربعضی ازآنها حتی درتابستان هم برف باقی میماند.

دربختیاری بواسطه سکونت ایلات که بیشتر بگله داری اشتغال دارند زراعت توسعه نیافته است .

آثار تاریخی

تنك سونك که نقوش عهد اشکانیان برروی آن کنده شده درکوه‌های بختیاری قراردارد. شمی (ایذه) گورستان قدیمی (دوره اشکانیان)

شهر کرد

شهرکرد بخط مستقیم در۸۲ کیلومتری جنوب باختری اصفهان واقع‌شده است. این‌شهر درسابق بنام ده کرد و درعهد اعلیحضرت فقید بنام شهرکرد مرکزچهارمحال بختیاری گردید. این شهرمحل ییلاقی ومرکزعشایربختیاری است .

جمعیت شهرکرد **۱۷۸۶۰۷** نفروبخشهای تابعه‌آن حومه وشوراب می‌باشد.

ایذه

شهرستان ایذه ازبخشهای حومه ، باغ ملك ، دهدز ، اندیکا و سردشت تشکیل شده است مرکزآن شهرایذه است .

بروجن

شهرستان بروجن ازبخشهای گندمان ، اردکان واورول تشکیل شده است. مرکزآن شهربروجن است .

هنرمندان تاتر ایران

اسکوئی ، مصطفی

مصطفی اسکوئی درهفده سالگی واردمدرسه هنرپیشگی شد ودرپاریس باتفاق زنش مهین اسکوئی تحصیل این رشته راادامه داد. پس ازآن مدت شش سال نیزدرمسکو بتحصیل پرداخت وسپس بایران بازگشت. نمایشنامه‌هائی که اودرآنها بازی‌کرده عبارتنداز؛

۱ـ اتللو ۲ـ خانه عروسك ۳ـ هیاهوی بسیار برای هیچ ۴ـ اتوبوسی بنام هوس و غیره ..

بهرامی ، صادق



پس‌ازفارغ‌التحصیل‌ازکلاس وزارت دارائی‌هنرستان هنرپیشگی را طی نمود. تعداد بیشماری از نمایشنامه‌ها را وی کارگردانی کرده است و انجام نمایشنامه‌های رادیو نیز بعهده ایشان است ، وی بیش از چهل سال **بود** که در راه هنرنمایش بفرهنگ کشورخدمت مینمود.

حسینی ، حسین



درسال **۱۳۲۰** درتهران متولد شد ودرسال **۱۳۴۰** دیپلم‌متوسطه خودرا گرفت. کارهنری‌خودرادرکلاس تاترنصر شروع‌کرد وپس ازاتمام دوره برای اولین باردرتلویزیون ایران‌ظاهرشدکه موردتوجه قرارگرفت . پس ازآن‌باتروپ لرتا وجعفری همکاری‌کرد سپس باگروه هنرهای دراماتیك تاتر کسری وبیست و پنج شهریور درنقش‌های مختلف **زیر** بازارچه ظاهر میشود . قبلاً نیز در سریال تلویزیونی «سرکار استوار» در نقش سرگروهبان نیز نمائی میکرد .

دیهیم ، مهین



مهین دیهیم تحصیلات خود را در مدرسه ناموس تا کلاس یازده گذرانده و با کمال علاقه‌ئی که با دامه تحصیل داشته بعلت عدم دلسوزی پدرش کار علم را رها کرده است.

خدمات اجتماعی را از شرکت در کارهای خیریه شروع کرده است و در دو مدرسه پسرانه و دخترانه درس تاتر می‌دهد در کارهای هنری رادیو و تلویزیون ، سینما و تاتر شرکت دارد.

او بهمراه یك هیئت ۸ نفری به منظور شناساندن هنر ایران به‌شوروی سفر کرده است.

زرندی ، علی



زرندی تحصیلات متوسطه خود را دررشته ادبی بپایان رسانده و نیز دوره هنرستان هنرپیشگی را دیده است.

وی دررشته الهیات با درجه عالی لیسانس گرفته است در سال **۱۳۴۲** موفق به دریافت فوق لیسانس در رشته فلسفه وعلوم تربیتی شده است

اودرسال **۱۳۳۵** مامور خدمت درانتشارت ورادیو شده است.

اوتعداد زیادی فیلم بفارسی دوبله کرده ودر رادیو ایران نقش‌های عمده‌ئی داشته است

ایرن زازیانس



ایرن تحصیلات سیکل اول خود را در دبیرستان بابلسرانجام داده است وازسال **۱۳۲۹** وارد فعالیت های هنری شد وزیر نظرخانم لرتا ابتدا در تاتر فردوسی و بعد سعدی برنامه‌های هنری اجرا می‌کرده است ـ مجموع پیس‌هائی که درآن شرکت داشته درحدود ۱۵ نمایشنامه بوده که معروفترین آنها بادبزن خانم ویندرمیر بوده است وی در سال ۱۳۳۱ باهیئتی به‌شوروی مسافرت کرده است

محتشم ، نصرت‌الله



محتشم دیپلمه دبیرستان نظام و دوره‌اول دبیرستان دارالفنون است‌ودررشته حقوق سیاسی‌وعلوم مالی‌واقتصادی لیسانس شده است و آثار و تألیفاتی در حدود ۳۰ جلد داستان ونمایشنامه بوجودآورده است .

در وزارت کشور ریاست اداره‌کل آمار و بررسی‌ها ، امور شهرداریها ، اداره‌کارگزینی ، اداره حقوقی ودادرسی واداره نمایش را داشته‌است ومدتی نیز فرماندار گرگان، اصفهان، معاون‌استانداری استان دهم وشهردارآذربایجان بوده است وی درکار تاتر وسینمادر مرحله‌کارگردانیست به‌کشورهای اروپائی وشوروی سفر کرده است .

شهرزاد ، رضاکمال

رضاکمال شهرزاد در سال ۱۲۷۷ شمسی تولدیافت ودوره متوسطه را در سن‌اوئی باتمام رساند . وی یکی از بنیانگذاران تآتر در ایران است‌که نمایشنامه‌هائی‌نوشته که مهمترین‌آنها پریچهروپریزاد ،شهرزاد-درسایه‌حرم،عروس‌ساسانیان،مرگ‌کلئوپاتراوزرتشت‌است. وی در۱۳۱۶ خودکشی کرد .

شروان ، امیر

شروان درسال ۱۳۰۹ متولدشد وی‌کارهنریش را ازتاتر پارس فعلی شروع کرد وبعد بآمریکا رفت و یکسال در کار هنری خود تحصیل کرد . مهمترین کار های او قهوه خانه ماه اوت ، بین مرگ وزندگی سیاهان و سفیدان است

شهلا ، قدرت زمان وفادوست



شهلا بیش‌ازبیست سال است‌که درنقش‌های‌گوناگون بازی می‌کند ودر بیش از ۲۵۰ نمایشنامه وبیست فیلم‌بازی کرده است‌که سرگذشت خانم کاملیا وجاده مرگ و دختر ولگرد .. ازجمله‌آنهاست .

نصر ، سیدعلی

در سال ۱۲۷۰ خورشیدی درکاشان متولد شد و تحصیلات خود را در مدارس شرف ،

علمیه وآلیانس فرانسه انجام داد . در ۱۴ سالگی به معلمی زبان فرانسه وریاضیات نائل آمد . در حدود ۱۲۰ نمایشنامه وکتاب نوشته است .

نص هنرستان هنرپیشگی را در ۱۳۲۰ تأسیس کرد و هنرپیشگان مشهور کنونی اغلب از شاگردان او هستند .

وی در ۱۳۴۰ در اثر سکته قلبی درگذشت .

نوشین، عبدالحسین

عبدالحسین نوشین از هنرمندان بنام تاتر میباشدکه چندین کتاب نوشته ویا ترجمه کرده‌ودر نمایشنامه‌های معروفی هنرنمائی کرده است مهمترین کتابهائیکه نوشته وترجمه کرده عبارتند از، هنر تاتر، والپن (بن‌جانسون) هیاهوی بسیاربرای‌هیچ(شکسپیر)پرنده‌آبی(موریس مترلینگ) وی مدتها در تاتر سعدی‌سابق مشغول هنرنمائی بود .

شعرای معاصر ایران

اشتری ، علی

شاعرفقید متخلص به فرهاددرسال ۱۳۰۱ تولدیافت‌ودر سال ۱۳۴۰ بدرودزندگی گفت ، اشتری تحصیلات خود را تا پایان‌ششم‌ادبی ادامه داد . رویهم اشعار اورا بیشترغزلیات پرسوز او تشکیل میدهد . غزلیات اوهمگی در سبك«صفوی» وکمی‌آمیخته بشیوه عراقی‌سروده شده است واین نموداری از احساس تند وشدید ولطیف وزود رنج اوست .

اوستا ، مهرداد



از شعرای‌جوان است‌که در سال ۱۳۰۸ درخراسان تولد یافت و آثاری در طول مدت تحقیق و کار ادبی خود ساخته وپرداخته ودردسترس‌عموم قرارداده که ازاینقرارند:

۱ ـ تصحیح دیوان سلمان ساوجی .

۲ ـ تصیح‌دورساله ازخیام«رساله‌وجود ونوروزنامه»

۳ ـ کتاب فلسفه ومنطق وروانشناسی

۴ ـ ازکاروان رفته (مجموعه‌شعر) پالیزبان (نثر)

وی از قصیده سرایان‌مقتدراست وشیوه قصیده سرایان‌قرون چهارم وپنجم وششم است.قصائد اوستا بازبانی بسیاراستوار وتوأم با فصاحت وبلاغت سروده شده است .



بهبهانی ، سیمین

سیمین بهبهانی فرزند عباس خلیلی در سال ۱۳۰۶ بدنیا آمد .وی ابتدا در سن۱۴ سالگی احساسات رقیق و افکار بلند خود را در قالب شعر وکلماتی زیبا ودلنشینی به رشته نظم کشید .

وی۱۷ سال‌است‌شعرمیسرایدودواثر«سه‌تارشکسته»و«جای‌پا» از او بچاپ رسیده است . سیمین از جمله شعرائی است که توانسته است مضامین نو وافکار تازه‌ای راکه اکثرآمیخته با دردهای اجتماع وناراحتی‌های روحی جامعه است طی قطعات موزون ودلنشینی بیاورد .

بختیاری ، پژمان



درسال ۱۲۷۹ میان یك خانواده بختیاری پا بعرصه وجود گذاشت ، پدرش علیمرادخان میرپنج بختیاری از خـوانین مشهور ایل بختیاری و مـادرش از خـانـدان میرابوالقاسم قائم‌مقام وازبانوان فاضله وشاعره‌ی عصرخود بود و «ژاله» تخلص میکرد.

پژمان طی سالهای مطالعه وفعالیت عمرخویش آثار زیررا تهیه وتدوین کرده است :

۱ــ کتاب بهترین اشعار پژمان ۲ــ دیوان حافظ ۳ــ دیوان پژمان ۴ــ خیام ۵ــ دیوان جامی ۶ــ تاریخ پست و تلگراف ۷ ــ سه منظومه «زن بیچاره» ، «سیه روز» ، «محاکمه شاعر».

وی خود را مقید به پیروی ازسبك معینی نمیکند وبیشترزبان حافظ وسعدی را انتخاب کرده و سخنش تقریباً درسبك عراقی است. ولی درهمان غزل ممکن است بایك یا دوتك بیت کاملاً آمیخته به سبك هندی یاصفوی مواجه شود.

توللی ، فریدون



در سال ۱۲۹۸ در شیراز متولد شد . وی پس از تحصیلات ابتدائی ومتوسطه بتهران آمد ودررشته باستانشناسی بادامه تحصیل پرداخت ودر ۱۳۲۰ فارغ‌التحصیل شد. توللی رایکی ازشعرای باقریحه وچیره‌دست ویکی ازبنیان‌گزاران دقیق ودانشمند شعرامروز باید دانست کتاب‌های او عبارتند از :

۱ـ کتاب رها ۲ـ التفاصیل ۳ـ کاروان ۴ـ نافه .

دکتر حمیدی ، مهدی



دکترمهدی حمیدی فرزند «ثقة‌الاعلوم» درسال ۱۲۹۳ در شیراز تولد یافت . وی تحصیلات مقدماتی خود را در زادگاه خودتادیپلم‌ادبی گذرانید ودر ۱۳۱۳ وارد دانشکده ادبیات‌شد وبدریافت لیسانس نائل آمد وبعد دوره دکترای خود رانیز گذراند سروده‌های اورابیشتر قطعات دوبیتی و قصائد بلندتشکیل داده‌اند. آثاربرارزش حمیدی بقرارزیر است :

شاعردرآسمان، سبکسریهای قلم ، پس ازیکسال، فرشتگان زمین، عشق دربدر ، شکوفه‌ها، سالهای سیاه ، اشك معشوق ، طلسم شکسته ، زمزمه بهشت و عروض ،

همچنین چند ترجمه‌از آثار نویسندگان خارجی‌مثل ماه وشش پنی‌اثر سامرست‌موام.



حالت ، ابوالقاسم

ابوالقاسم حالت فرزند کربلائی محمد تقی در سال ۱۲۹۲ خورشیدی در تهران متولد شد . او درسن چهارده سالگی نخستین شکوفه‌های طبع خود را به ادب دوستان عرضه کرد ودرهمان اوان آثار او در مطبوعات چاپ شد . طبع شوخ و دید قوی وذوق طنزآمیزوی مایه شد تا در ۱۳۱۷ سردبیری روزنامه «توفیق» بوی محول گردد.

آشنائی حالت بزبانهای فرانسه وعربی و انگلیسی مایه بیشتری به آثار او بخشیده است .

وی با امضاهای مستعار «خروس لاری ، ابوالعینك ، شوخ نیز مقالات واشعاری منتشر کرده است ولی بهترین نمونه آثار اواز این قرارند .

۱ ـ ترجمه کتابهای بهار زندگی ، پیشروان موشك سازی ، جادوگر شهر زمرد . شبح در کوچه میکلانژ .

۲ ـ ترجمه منثور ومنظوم کلمات قصار حضرت علی ع به فارسی در قالب رباعی .

۳ ـ فکاهیات حالت در دوجلد (۱۳۲۵)

۴ ـ کتاب رقص کوسه، پروانه وشبنم ودیوان اشعار حالت کلمات قصار حضرت محمد ص. حالت بارعایت اسلوب وشیوه قدما از نظر قالب شعر کوشش کرده که شاعر زمان خود باشد .

دکتر خانلری ، پرویز



در سال ۱۲۹۲ متولد شد وهنوز چهارمین بهار زندگی او پایان نیافته بود که سرودن شعر در نهاد او سرکشی کرد . او بیش از نیمی از عمر خود را در راه علم ودانش ومطالعه درباره شعروادب گذرانده است. دکتر خانلری با نگارش پایان‌نامه‌ای راجع به «تحقیق در عروض فارسی» بدریافت درجه دکترای ادبیات نایل شد ابتدا در سال ۱۳۲۲ سمت دانشیاری کرسی «تاریخ زبان فارسی» وسپس باستادی این کرسی در دانشکده ادبیات تهران نایل آمد .

خانلری از سال ۱۳۲۲ بانتشار مجله ادبی «سخن» پرداخت . تألیفات او از این قرارند :

روانشناسی ــ یوسف وزلیخا ، چهار مقاله ، رستم وسهراب وسفرنامه ناصرخسرو . اشعار دکتر خانلری بیشتر قصائد وقطعات و غزلیات او تشکیل میدهد . زبان او در قصیده بلند وسخنش رساست .

م . امید (اخوان ثالث)

مهدی اخوان ثالث درسال ۱۳۰۷ درطوس مشهد متولد شد. دوره هنرستان را درهمان شهر بپایان رساند سپس در تهران بمعلمی پرداخت ، مدتی نیز نظارت برنامه‌های ادبی وزارت اطلاعات بعهده وی بود. سروده‌های چاپ شده او بقرار زیراست :

ارغنون - زمستان - آخرشاهنامه - ازاین اوستا - شکار،

دکتر براهنی ، رضا

دکتررضا براهنی درسال ۱۳۱۴ درتبریزمتولد شد وموفق بگرفتن لیسانس و ادبیات انگلیسی ازدانشگاه بین‌المللی استامبول گردید دکتربراهنی علاوه برسرودن شعر مترجم قابلی نیزهست آثاراوازاین قرارند :

آهوان باغ - جنگل شهر و برفرازه‌ار - شبی از نیمروز - پلی بررودخانه درینا (ترجمه) - تراژدی ریچارد سوم - طلا درمس

رهی معیری



در سال ۱۲۸۸ تولد یافت ودر خاندانی بزرگ و هنرمند پرورش یافت و در آبان ۱۳۴۷ دیده از جهان فروبست رهی مجموعه‌ای از صفات پسندیده و مجموعه‌ای از لطف وصفا بود .

رهی هنرمندی بود که صرفنظر از چیره‌دستی درفن شعر وسخن در نقاشی و موسیقی کاملا دست‌داشت رهی در ساختن آهنگهای تصانیف خود با استادان موسیقی همکاری میکرد تصانیف وی ازساخته‌های بسیار دلپذیر ولطیف اوست بطورکلی اشعار «رهی» ، زیبا وشیوا و رسا است زیرا او همیشه در اشعار خود تعمق میکرد و کلمات و تشبیهات را تاجائی که برایش مقدور است زیبا ودلنشین میساخت .

زهری ، محمد

محمد زهری درسال ۱۳۰۵ درمازندران‌تولد یافت وموفق بگرفتن لیسانس ازدانشکده ادبیات گردید

آثارچاپ شده او ازاینقرارند:

جزیره - گلایه

شاملو ، احمد (ا. بامداد)

احمد شاملو درسال ۱۳۰۴ درتهران تولد یافت نخستین کتاب او « آهنگهای فراموش شده» «نظم ونثر» بود که درسال ۱۳۲۶ بچاپ رسید ازآثاردیگراومیتوان :

باغ آینه - آیدا درآینه - آیدا درخت وخنجروخاطره ، ققنوس درباران - هوای تازه - زنگار(ترجمه)**- پابرهنه‌ها** (ترجمه)وترجمه کتابهای دیگر.

کسرائی ، سیاوش

سیاوش کسرائی درسال ۱۳۰۴ تولد یافت وپس ازگرفتن دیپلم ادبی خوداز دارالفنون وارد دانشکده حقوق تهران گردید وموفق به دریافت دانشنامه لیسانس در رشته حقوق سیاسی گردید اوعلاوه برشعرنوگاهی نیزدوبیتی وترانه میسراید. کتابهای چاپ شده او ازاینقرارند،

آوا - آرش کمانگیر - دماوند خاموش - خون سیاوش



ه . ا . سایه «هوشنگ ابتهاج

در سال ۱۳۰۶ متولد شد . آثار «سایه» از بدو شروع به شاعری مورد توجه اهل ادب قرار گرفت ازآثار چاپ شده او بصورت کتاب میتوان « سراب » « سیاه‌مشق» و « زمین»را نام برد . درشعر «سایه» جنبه‌های کاملا متفاوت به چشم میخورد نیمی غزلیات بسیار شیوا و دلانگیز ونیمی دیگر مجموعه‌اشعاری است که باصطلاح امروز درقالب‌نوین موزون ولی غیرمقفی سروده است .



سهیلی ، مهدی

مهدی سهیلی در سال ۱۳۰۳ بین‌خانواده‌ای مذهبی در تهران بدنیای زندگی قدم نهاد . وی تحصیلات ابتدائی ومتوسطه را دردبستان‌شریعت‌ودبیرستان‌نظام‌گذرانیدوسپس در مدرسه عبدالله‌خان واقع‌دربازار بزرگ نزد **شیخ‌عباس انصاری** همدانی بفراگرفتن علوم‌عربی پرداخت .

نخستین اثرفکری وی‌هنگام ۲۱ سالگی درروزنامه توفیق چاپ شد . آثار دیگر اوعبارتند از :

زنگ تفریح - چوب دوسرطلا - مادر و حوا - الاراجیف - خیام و سهیلی - دزد ناشی‌که بکاهدان‌زد - سردبیرگیج - سخنان حسین‌بن‌علی - گنجینه سهیلی - کاروانی ازشعر - اشک مهتاب و ...

کسانیکه برنامه مشاعره ویرا در رادیو شنیده‌اند می‌توانند درباره تسلط‌او درشعرخوب‌داوری کنند .



شهریار، محمد حسین

فرزند «حاج میرآقاخشکنابی» ازوکلای درجه‌اول تبریز در سال ۱۲۸۳ هجری در تبریز متولد شد. شهریار تحصیلات مقدماتی خود را در مکتب قریه زادگاه خود و نزد پدردانشمند خود شروع کرد ودرهمان اوان با «دیوان خواجه» الفتی سخت یافت . دوره متوسطه را در مدرسه «متحده وفیوضات» بپایان رسانید ودرسال ۱۳۰۰ به‌تهران آمد ودنبال تحصیلات خود را در دارالفنون ادامه داد تا بالاخره در۱۳۰۳ وارد مدرسه طب آن زمان شد ویکسال قبل‌ازدریافت درجه دکترای‌خود دست‌ازادامه تحصیل کشید وبه خراسان رفت وتاسال ۱۳۱۴ درخراسان بود وپس از بازگشت به تهران وارد خدمت بانک کشاورزی شد.سخنور معاصربه موسیقی‌آشنائی دارد وخود سه تارمینوازد. دیوان شهریارنیزاولین باردر۱۳۰۸ بچاپ رسید.

دکتر صورتگر، لطفعلی



درسال ۱۲۷۹ شمسی درشیراز تولد یافت وتحصیلات ابتدائی را درشیرازومتوسطه را در هندوستان و انگلستان بپایان رساند و درسال ۱۳۰۶ شمسی از طرف دولت برای ادامه تحصیلات در رشته ادبیات وزبان انگلیسی عازم اروپا شد و دراین رشته بدریافت درجه لیسانس نائل آمد و پس از مراجعت ازاروپا مدتی در دانشگاه بتدریس پرداخت و سپس مجدداً در سال ۱۳۱۶ برای ادامه تحصیلات عالی و اخذ درجه دکترا دراین رشته به لندن رفت وبدریافت درجه دکترا ازدانشگاه ادبیات انگلیس لندن نائل گشت و سپس به مطالعه وتحقیقات خودادامه داد که نتیجه آنها بقرارزیر است :

سبک رمانتیزم درانگلستان ـ تاریخ ادبیات انگلیسی بزبان فارسی ـ اصول علم اقتصاد ـ سخن سنجی ـ برگهای پراکنده ـ وجغرافیای تاریخی ایران تألیف لواسترانج وغیره ...

ازآثارنظم او «برگهای پراکنده» چاپ ومنتشرشده است . قطعات و منظومات مختلف شاعردرکمال روشنی وروانی است. اوسخت پای بند اصول وقواعد عروضی است.

فرخ زاد ، فروغ



فروغ فرخزاد در دیماه ۱۳۱۳ اولین روز زندگی خود راآغازکرد.فروغ هم مانند بسیاری‌ازهمه مردم‌دوران کودکی‌خود راپشت سرگذاشت وسال سوم متوسطه راپپایان نرسانده‌بودکه شوهرکرد.

فروغ وقتی بزندگی زناشوئی پیوست‌جوان بود پس ازچندی نوزاد پسری شمع کاشانه زن وشوهرگردید . وی درسال ۱۳۴۶ دراثرتصادف ناگهانی دیده ازدنیا فروبست. اوزنی بود بااحساسات آتشین و نهفته ، مؤدب ومهربان ، بانگاهی عمیق وافسرده وروحی دردآلود. فروغ علاوه بر تحصیلات خود فن خیاطی رانیزآموخت وبادیدن هنرستان نقاشی کمال الملك ثابت کردکه وجوو او شیفته بیقرار هنر است. استقبال اکثریت مردم ازاشعارفروغ باعث شدکه وی ابتدا دست بتدوین اولین مجموعه اشعارخود بنام «اسیر» بزند وپس‌ازچندی‌اثردوم خودرابنام «دیوار» بچاپ‌رساند.

ازآثاردیگراو «تولدی دیگر» «عصیان» را بایدنام برد. درمورد شعرفروغ باید گفت ،قدرت فکروتخیل وسیع واحساس قوی وآتشین ونو وبالاخره قوه «دینامیك» اشعارخیلی زیاد است . تنها عیبی که نقادان ادبی بروش سرایندگی فروغ داشته‌اند بی‌پردگی اوست.

گلچین معانی ، احمد

احمدگلچین معانی درسال ۱۲۹۵ شمسی درتهران تولد یافت وبعدازطی دوران بخدمت اداره ثبت درآمد.

غنچه‌های طبع روان «گلچین» از کودکی شکفته شد وعشق بهنرشعر از ۱۵ سالگی در وجودش شعله کشید. تمام مدت فراغت خود راسرگرم تحقیق ومطالعه آثار ادبی اساتید فن کرد



بطوریکه امروزمیتوان اورا درشمارشعرای پرمایه واساتید مقتدراین هنرمحسوب داشت.

او بمناسبت مطالعات ادبی ونظرصائب وطبع توانای خویش سمت ریاست دبیرخانه، دبیراول انجمن ادبی فرهنگستان ایران را بعهده دارد. اومردی است بی‌نهایت خوش قلب و رئوف، احساساتی وسریع‌التأثر، صدیق ودرستکار ودر کمال تواضع وفروتنی.

گلچین درتمام زمینه‌های شعر دارای طبعی قادر و معلوماتی وسیع و سخنی شیرین و دلپذیراست. شیوه «گلچین» درکارغزل پیروی از سبك عراقی است و در عین حال غزلیات اوازابهامات وکنایات واستعارات لطیف سبك هندی نصیب دارد غزلیات گلچین آنطور که باید بدل‌مینشینند.

مشیری ، فریدون



فریدون مشیری درشهریور ۱۳۰۵ در تهران تولد یافت تحصیلات ابتدائی ومتوسطه رادرتهران ومشهد گذراند ومدارج عالیتررا درآموزشگاه کمك مهندسی‌وزارت پست‌و تلگراف گذرانده وباستخدام آن وزارتخانه درآمد.

مشیری ازشعرای نسبتاً پرکارمعاصر و ارزنده ترین پیشقدمان شعرامروز بحساب میآید ومجموعه‌هائی ازاشعارش بنام ، تشنه طوفان، گناه دریا، نایافته ، ابرمنتشرشده‌است.

اودرآفرینش آثارخودش‌هیچگاه گردقصیده نگشته‌است آثار مشیری در میان قالبهای دوبیتی واشکال آزاد شعر نمود میکند. آنچه شعرمشیری را شعروحال ویژه‌ای‌بخشید، امتیازی است که چه در شیوه اندیشه و چه در قدرت بیان تخیلات شاعرانه اوبچشم میخورد.

نظام وفا

درسال ۱۲۶۶شمسی در «آران» کاشان تولدیافت ودراواخر ۱۳۴۳ بسرای باقی‌شتافت او پس از فراغت ازتحصیل هفت ساله در نجف بایران بازگشت و درغائله مشروطه در شمار آزادیخواهان درآمد وبآنان پیوست وبجرم آزادی خواهی وسربازی در دوران محمد علیشاه درباغشاه محبوس شد امابا وساطت «احمدآقا» که باپدرنظام دوستی داشت نظام ازسیاست معاف شد نظام وفا یك عمرمعلمی کرد واین خود افتخاری جاویدان برای اوکسب کرد . حاصل عمر نظام‌تألیفات متعددی است ازقبیل :

تاچهل سالگی ــ جیب درباب‌فروز وفرزانه ــ ستاره وفروغ ــ پیوندهای دل ــ یادگار اروپا ــ پیروزی دل ــ کاکلی ــ مهتاب ــ منطق وفا ــ رمزشاعری ــ نویسندگان واقعی معاصر سروده‌های استادکه متجاوزاز ۲۰۰۰۰ بیت شعراست. وی ازسبك عراقی و شیوه حافظ

وسعدی وبیان اندرزهای اجتماعی وحکمت وفلسفه پیروی میکند.

نادرپور ، نادر



نادر نادرپور درسال ۱۳۱۲ متولد شد و در محیطی‌مهرپرور، روزگارکودکی راپشت سرگذاشت تادیپلم متوسطه خود را گرفت . احساسات شاعرانه ازسن ۹ سالگی دروجود اوشروع به رشد کرد . او جوانی‌است بتمام‌معنی‌شاعر، مهربان وباصفا، صمیمی ویکدل بدون هیچگونه تظاهر وریا.. مطالعه‌درمجموعه‌های‌شعرنادرپوربنام«چشمهاودستها» «دخترجام» و «شعرانگور» طرزسخن وشیوه افکاراو رابیشتر وبهتر آشکارمیکند. اوازجمله نوپردازانی است که اکثراًازقوانین واصول عروضی تخلف نمی‌جوید و همواره اندیشه‌های لطیف خود را در قالب دوبیتی بیان میکند

نیمایوشیج ، علی

نیمایوشیج در سال ۱۲۷۴ دریوش‌بدنیاآمد . تادوازده سالگی درمیان قبائل‌کوهستانی وچادر نشینان‌گذرانید تا اینکه بشهرآمد ودر اثر تشویق نظام‌وفا معلم اوبشعرگفتن‌پرداخت.

برای اولین بار در روزنامه «قرن بیستم» مرحوم عشقی ، قسمتی از «برن‌هاولکه‌ها» بچاپ رسید وبعد با انتشار قطعه«ای‌شب» در روزنامه «نوبهار» نام‌نیما برسرزبانها افتاد. آثار چاپ شده نیما بصورت‌کتاب ودرمجلات ازاین‌قرارند :

قصه رنگ‌پریده ـ افسانه ـ خانواده سرباز ـ دونامه ، قسمتی ازآثار او به‌زبانهای فرانسه ، انگلیسی وروسی ترجمه شده است . نیما پیشاهنگ سرایندگان معاصر است . نیمادر دیماه ۱۳۳۸ به بیماری ذات‌الریه چشم از جهان فروبست .

اقسام شعر فارسی

رباعی

رباعی‌که وزن‌آن را می‌توان با جملهٔ «لاحول‌ولاقوة‌الابالله» تطبیق کرد عبارت از یکدو بیتی است که قافیهٔ مصراع سوم‌آن با قافیهٔ سه مصراع دیگرفرق داشته باشد . مانند این‌رباعی خیام :

روزی‌که گذشته است از اویاد مکن — فردا که نیامدست فریاد مکن
بر نامده و گذشته بنیاد مکن — حالی خوش باش و عمر برباد مکن

دو بیتی

تفاوت دوبیتی با رباعی در وزن آن است ، زیرا که دو بیتی بروزن «مفاعلین مفاعلین مفاعیل» می‌باشد ، مانند دوبیتی‌های بابا طاهر عریان که به شیوهٔ فهلویات سروده شده است از جمله ،

اگر دستم رسد بر چرخ گردون | همی پرسم که این چینست واز چون
یکی زا داده‌ای صد ناز و نعمت | یکی را قرص جوآلوده در خون

قطعهـ نوع شعری است از دو بیت تا ۱۸ بیت سروده می‌شود و تمام ابیات آن هموزن و هم‌قافیه هستند ولی مصراع اول بیت اول قطعه احتیاج به‌قافیه ندارد.

زمانه پندی آزاد وار داد مرا | زمانه را چونکو بنگری همه پنداست
به‌روز نیک کسان گفت غم‌مخور زنهار | بسا کسا که بروز تو آرزومند است

غزلـ شعرهایی است که روی عواطف واحساسات عاشقانه سروده می‌شود و از هفت تا چهارده بیت می‌باشد تمام ابیات یك غزل هموزن وهمقافیه هستند ودر بیت اول (مطلع) هردو مصراع باید دارای قافیه باشد معمولا تخلص شاعر در بیت آخر غزل بکار برده می‌شود. غزلهای عاشقانه را غزل ذوقی وغزلهایی را که دارای مفاهیم عرفانی است غزل عرفانی نیز می‌گویند.

قصیدهـ اشعاری است که در وزن وقافیه معین سروده می‌شود وتعداد ابیات آن از ۱۸ بیت ببالا میباشد .

درمطلع قصیده یعنی بیت اول هردو مصراع دارای قافیه میباشند ـ قصیده گاهی دارای مقدمه است و آن مقدمه را اگردربیان احساسات عاشقانه باشد تغزل میگویند .

مثنوی

مثنوی اشعاری است که دارای وزن واحدی باشند ، لکن هربیت آن قافیه‌ای جداگانه داشته باشد . این نوع شعر بیشتر برای بیان داستانها و شرح موضوعات مفصل بکار می‌رود . مثنویهای شاهنامهٔ فردوسی ، بوستان سعدی ، خمسهٔ نظامی ، مثنوی مولوی وحدیقهٔ سنایی از این جمله‌اند .

ترجیع بند

مراد از ترجیع بند اشعاری است که در بخش‌های هم وزن با اختلاف قوافی گفته باشند ودر فواصل بخشها یك بیت را عیناً تکرار کنند ، وباید آخر هربخش برای بیت ترجیع مستعدو مناسب باشد ، مانند ترجیع بندهای سعدی وهاتف اصفهانی .

ترکیب بند

ترکیب بند مانند ترجیع بند است ، با این تفاوت که بیت برگردان آن که حد فاصله بندها است از حیث مضمون وقافیه متغیر است ، در حالی که برگردان ترجیع بند تا آخر عیناً تکرار می‌شود .

قاآنی در ساختن ترکیب بند مهارتی تام داشت .

مسمط

مسمط عبارت است از شعری که چند مصراع آن بریك وزن وقافیه گفته شود و مصراع آخر برقافیهٔ جداگانه باشد وبازبندی دیگر شروع شود . مانند مسمطهای منوچهری دامغانی.

مستزاد

مستزاد آنست که درآخر هر مصراع جمله‌ای زیاد کنند که در وزن بدان احتیاجی نباشد

ولی در مصراع ارتباطی داشته باشد . مانند این دوبیت از حسام هروی :

آن کیست که تقریر کند حال گدا را — در حضرت شاهی
کز غلغل بلبل چه خبر باد صبا را — جز ناله و آهی (الخ)

ملمع ملمع شعری است که یك مصراع یا بیت آن فارسی و مصراع یا بیت دیگر آن عربی ، ترکی ، یا بزبانی دیگر باشد مبتکر ملمع رابعهٔ بنت قزداری بود . سعدی وحافظ نیز اشعار ملمع فراوان وزیاد دارند .

حافظ گوید :

الا یا ایها الساقی ادرکاساً و ناولها — که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها

تصنیف ـ شعری است که روی آهنگ موسیقی ودر وزنهای مختلف ساخته می‌شود و وزن آن تابع آهنگ است واکنون تصنیف را ترانه هم میگویند.

از پیشگامان تصنیف سازی درایران **میرزا علی‌اکبر شیدا** و **میرزا ابوالقاسم عارف قزوینی** را میتوان نام برد .

سبکهای ادبی فارسی

سبکهای ادبی فارسی را از لحاظ اصول بدین ترتیب تقسیم کرده‌اند .

سبك خراسانی وترکستانی

این سبك که تا اواخر دورهٔ سلاجقه امتداد داشته است شامل نظم و نثرهائی میشود که شعرا و نویسندگان در عصر سامانیان و غزنویان بوجود آورده بودند از خصایص آن اینکه تشبیه و استعاره و کنایه در آغاز این دوره در سخن وجود نداشته‌است ودر قسمت دوم این‌دوره بوسیله‌ی منوچهری این نوع معانی تا حدودی در ادب راه یافته است . جملات وعبارات ساده بوده‌اند واز پیرایهٔ تعبیرات لفظی ومعنوی وبدیعی خالی . حرف اضافه بجای‌اینکه برسر کلمه بیاید بعد از کلمه میآمده و برسر کلمه تنها حرف «با» را می‌افزوده‌اند .

مانند : «بخانه اندرکسی نیست» . ازآوردن کلمات مکرد باکی نداشته‌اند . در دو یا چند جمله که دارای معنی واحدی بود تمام افعال را ذکر می‌کردند و افعال دیگر را بقرینه حذف می‌نمودند . لغات وکلمات عربی در این عهد خیلی کم بکار میرفته است .

آداب ورسوم ایران قبل از اسلام در ادب این دوره هنوز نفوذ ورسوخ و ظهور زیادی داشته است .

تعصب دینی در ادب این دوره دیده نمیشود .

ابوشکور بلخی ـ رودکی ـ کسائی مروزی ـ عنصری ـ فرخی ـ منوچهری ـ امیرمعزی وانوری از سرایندگان این سبك بودند .

سبك عراقی

این سبك پس از سبك خراسانی آغاز می‌گردد و تا اوایل عهد صفویان ادامه می‌یابد خصایص این سبك بدین ترتیب است :

لغات عربی بحد و فور در ادب فارسی راه پیدا میکند ـ تشبیه وکنایه واستعاره تاسرحد افراط بکار برده میشود ـ فنون بدیعی مورد ترجه خاصی واقع میشود ـ توجه به نکات مذهبی زیادتر میشود . نثر فارسی بتدریج خودآرایی میکند ؛ حرف اضافه بتدریج مختصرتر میشودو برسر کلمات درمی‌آید . مثلا بجای اندر یا اندرون ویا «ابر» تنها «در» ، «با» و «بر» بکار میرفته‌است افعال متشابه درآخر جملات بقرینه حذف میگردد ـ مکرر آوردن کلمات عیبی بشمار میرود و اگر گوینده مجبور از تکرار کلمه‌ای باشد آنرا بلفظ وتعبیری دیگر بیان میکند. این شاعران

به سبک عراقی شعر سروده‌اند ، انوری ، سیدحسین غزنوی ، نظامی گنجوی ، خاقانی ، ظهیر فاریابی وجمال‌الدین عبدالرزاق .

سبک‌هندی

این سبک‌که تا اواخر دوره زندیان ادامه می‌یابد دارای خصایص زیر است .

گوینده از مطالب و مضامین پیش پا افتاده معنایی بکر برمی‌گزیندوآنرا بیان‌میدارد، مانند ، اظهار عجز پیش فرومایه سفلگی است. که شاعرسبک هندی گفته است : اشك کباب‌موجب طغیان‌آتش است .

پاره‌ای از نکات دقیق ومعانی باریك با الفاظی شیوا و زیبابیان‌می‌گردد که درسبکهای دیگر نوع‌آن دیده نمی‌شود مانند ،

ریشهٔ نخل کهن‌سال‌از جوان‌افزودنتراست   بیشتر دلبستگی باشد بدنیا پیر را

صائب تبریزی وکلیم‌کاشانی از مشهورترین سرایندگان این سبک‌اند .

سبک بازگشت ادبی

گویندگان و شاعران اواخر زندیه‌که از غلو در تعبیرات‌سبك‌هندی بستوده‌آمده‌بودند. بفکر افتادندکه دوباره سخن خود را بسبك خراسانیان بیان بدارند

از اینرو سبك‌هندی را ترك‌گفته وراه قدما را پیش گرفتند . این شیوه درسراسر عهد قاجاریه تاآغاز مشروطیت ادامه داشته است‌که درآغاز تنها شیوهٔ شاعران دوران سامانی‌مورد تقلید بود وسپس روش شاعران عهد سلاجقه نیز مورد توجه قرارگرفت .

سبک مشروطیت یا سبک دورهٔ تحول و انقلاب

در دورهٔ مشروطیت ملل و اسباب مذکور در ذیل تحولی در ادب فارسی پدید آمد که هنوز ادامه دارد بدین‌گونه‌که زبانهای بیگانه مورد توجه قرارگرفت وگویندگان ونویسندگان با ادب اروپایی آشنایی یافتند و خواه ناخواه افکارگویندگان و نویسندگان اروپایی در ادب فارسی راهی پیداکرد .

مطبوعات روبکثرت ورواج نهاد و افکار رابیدار و روشن‌کردواین خود درایجاد تحول سخت مؤثر افتاد . دانش وفضلیت‌که تاآن عهد مخصوص طبقه‌ی ممتاز و توانا بود تعمیم یافت وهمگان بفراگرفتن علوم وفنون رغبتی یافتندواز اینراه ادب وادبیات رونق و رواج‌دیگری پیداکرد . تجدد طلبی و نوع خواهی باعث‌آن شد که شیوه‌هایی ساده در ادب فارسی راه‌یابد و سخنان منثور ومنظوم‌بکیفیتی بدیع و بی‌سابقه ظهور ورواج پیدایش شعر نو ونثرساده محصول این مهم است . از مشهورترین سرایندگان این سبك می‌توان : نشاط ، هاتف ، بیگدلی ، ادیب نیشابوری ، ادیب پیشاوری ومحمودخان صبا را نام برد .

نویسندگان ومحققین معاصر ایران

آل احمد ، جلال

جلال‌آل‌احمد تحصیلات مقدماتی وعالی خود را درتهران بپایان رساند ودوره دکترای ادبیات فارسی رانیز گذرانده و سپس بتدریس ادبیات پرداخته است . اولین اثراوبنام **زیارت** در۱۳۲۴منتشرشد. سایرآثاراوعبارتنداز:

دید و بازدید ـ زن‌زیادی ـ هفت مقاله ـ ازرنجی که میبریم ـ سرگذشت‌کندوها ـ نون والقلم ـ مدیرمدرسه ـ خسی‌درمیقات ـ غرب‌زدگی ـ ارزیابی‌شتابزده وترجمه‌هااوعبارتنداز: **قمارباز**(داستایوسکی) **بیگانه**(آلبر کامو) **سوء تفاهم**(آلبر کامو) **دستهای‌آلوده**(ژان پل‌سارتر)

بازگشت ازشوروی (آندره ژید) ...

اسدآبادی ، سید جمال الدین

سید جمال‌الدین فرزند سید صفدرمتولد درقصبه اسدآباد همدان درسال **۱۲۵۴** ه . ق بزرگترین متفکر و مصلح اجتماعی شرق مردی آزادیخواه وآزادمنش و دارای افکار و عقائد فلسفی وسیاسی وطرفداراستقرار دمکراسی‌درممالک شرق وایجاد وحدت میان مسلمین وتشکیل اتحادیه دول اسلامی ، تمام مدت عمرخود را درمبارزه استبداد گذراند وپیوسته درحال سفر به شرق وغرب بود درپاریس روزنامه عروةالوثقی راانتشارداد وسخت به سیاست انگلیس درشرق حمله‌کرد. درقاهره واستانبول وهند و افغانستان طی نطقهای پرشوری افکار آزادیخواهانه را بمردم تلقین‌کرد. دروطن خود ایران پیوسته متواری وتحت تعقیب‌قوای استبدادی ناصرالدین شاه بود، نفوذ کلام وتأثیر بیان‌او بحدی‌بود که درقاهره طی‌نطقی پرشور **۱۰۰۰۰۰** نفرشنوندگان خود رابگریه انداخت . نماینده سیاسی انگلیس درقاهره طی تلگرافی لندن را ازخطربزرگی که بعلت حضورسید درمصرمتوجه انگلیس شده بود آگاه‌کرد وآن دولت وسائل اخراج سیدرا ازمصرفراهم ساخت . سیدباردیگردر**۱۳۰۶** بلندن رفت و روزنامه ضیاءالخافقین را بدوزبان عربی وانگلیسی‌منتشرساخت وبازمورد تعقیب قرارگرفت وناچاربترك خاك‌اروپا شد.عبدالحمید سلطان عثمانی‌بطمع استفاده ازنفوذ سیاسی واجتماعی سید برای‌ایجاداتحادیه مسلمین وبدست آوردن ریاست عالی اتحادیه‌از سید بگرمی استقبال‌کرداما چون سید قصد داشت پادشاه‌ایران رابریاست‌آن اتحادیه منصوب‌کند سلطان عثمانی در**۱۳۱۴** سید رامسموم کرد . نشرافکا رسید بطورمسلم‌درتهیه زمینه انقلاب مشروطیت ایران وعثمانی مؤثربوده است.

اقبال ، عباس (رجوع شود به صفحه ۱۴۶)

پیرنیا، مشیرالدوله

تحصیلات خود را در رشته حقوق درشهرمسکوگذراند وسپس بایران مراجعت‌کرد و در وزارت امورخارجه عضویت یافت. وی چندین باربوزارت وچهاربار بمقام رئیس‌الوزرائی وچند دوره بوکالت مجلس رسید ونیزمدتی بریاست **مدرسه علوم سیاسی** و عضوکمیسیون معارف بود از آثار او ، **تاریخ ایران باستان - داستانهای ایران قدیم و حقوق بین‌الملل** را میتوان نام برد .

جمال زاده ، سید محمد علی

سید محمدعلی جمال زاده فرزندسید جمال‌الدین واعظ تهرانی درسال **۱۲۷۴** خورشیدی متولد شد. تحصیلات‌مقدماتی را دراصفهان ومتوسطه وعالی را دربیروت وسویس وفرانسه‌بپایان رساند. وی اولین داستان خود رابنام **فارسی شکراست** درسال **۱۳۰۰** در روزنامه کاوه که در آلمان منتشرمیشد انتشارداد . انتشارکتاب **یکی بود یکی نبود** او درهمان سال بابی تازه در سبك نویسندگی ایران پدیدآورد. آثاردیگراوعبارتنداز:

صحرای محشر - قلتشن دیوان - راه آب نامه - دارالمجانین - شاهکار - معصومه شیرازی و...ترجمه‌آثارخارجی

چوبك ، صادق

صادق چوبك درسال **۱۲۹۵** دربوشهربدنیاآمد وبعد ازاتمام تحصلات مقدماتی خود در بوشهربتهران‌آمد و واردکالج آمریکائی تهران شد.آثاراوازاین قرارند :

خیمه شب بازی - انتری‌که لوطیش مرده‌بود - تنگسیر - چراغ‌آخر - روز اول‌قبر

سنگ صبور

صادق چوبك نیز از نویسندگان ساده نویس ایران است که قهرمانان و موضوعات داستانهای خود را از طبقه پائین اجتماع برمیگزیند. او در ساده نویسی افراط میکند.

حجازی ، محمد (مطیع الدوله) درگذشت : ۱۳۵۳



محمد حجازی درسال ۱۲۷۹ شمسی در تهران متولد شد و تحصیلات خود را در ایران و فرانسه بپایان رساند. حجازی نویسنده‌ایست که خدمتی را که خدمت خود با اعطای ذوق نویسندگی و فکر خلاقه بر عهده او گذاشته بطور کامل ادا میکند. وی مدیر مجله **ایران امروز** بوده و وظیفه انسانی و ادبی خود را که هدایت خوانندگان به نیکی و محبت و شرافت وسعادت باشد بنحو احسن انجام داده است. نثر فصیح و روان وشیرین او مثل موسیقی جانفزاست. تا کنون ۲۶ کتاب بوجود آورده است که مهمترین آنها از اینقرارند.

آهنگ - آئینه - آرزو - اندیشه - سرشك - ساغر - پریچهر - زیبا - پروانه - نسیم - هما .

خانلری ، پرویز ناتل (رجوع شود به شعرای معاصر ایران)

خواجه نوری ، ابراهیم

ابراهیم خواجه نوری در ۱۲۷۹ در شیراز متولد شد. پس از طی تحصیلات مقدماتی خود در تهران از شهر بروکسل در رشته علوم و حقوق اداری دانشنامه گرفت خواجه نوری تبحر زیادی در نوشتن بیو گرافی دارد و از نخستین کسانی است که برای شناساندن روانشناسی جدید و روانکاوی به فارسی زبانان کوشیده است. آثار مهم او عبارتند از:

بازیگران عصر طلائی - عقائد لله آقا - زندان باغ فردوس - اولین برخورد و ترجمه سیمای شجاعان (کندی) و روانکاروی...

خواجه نوری چندین دوره سناتور انتخابی تهران بوده وچندین بار معاونت نخست وزیری را داشته است.

دهخدا ، علی‌اکبر (رجوع شود به صفحه ۱۴۸)

دشتی، علی

علی دشتی درسال ۱۲۷۴ شمسی در کربلا تولد یافت و با انتشار روزنامه **شفق سرخ** به نویسندگی پرداخت. شهرت او با انتشار **کتاب فتنه** آغاز شد. دشتی در تجزیه وتحلیل روحیه زنان مهارت زیادی دارد آثار او عبارتند از:

فتنه - سایه - جادو - ایام محبس - نقشی از حافظ - درقلمرو سعدی - سیری در دیوان شمس - اعتماد بنفس (ترجمه) **هندو شاعری دیر آشنا - دمی با خیام و...**

دکتر صفا ، ذبیح‌الله

دکتر ذبیح‌الله صفا درسال ۱۲۹۰ شمسی متولد شد وتحصیلات ابتدائی را در شهر بابل و متوسطه را دردبیرستانهای سیروس ودارالفنون وعالی را در دانشگاه تهران بپایان رساند و بأخذ لیسانس فلسفه وادبیات ودرجه دکتری در زبان و ادبیات فارسی نائل آمد. او استاد دانشگاه ورئیس دانشکده ادبیات تهران است. آثار متعددی دارد از این قرار:

حماسه سرائی درایران(تزدکترای خودش)ـ تاریخ مختصرتحول نظم و نثرفارسی- تاریخ ادبیات ایران ـ دانشهای یونانی درشاهنشاهی ساسانی ـ گنج سخن ـ یادنامه خواجه نصیرطوسی ـ مرگ سقراط (لامارتین)ـ **مزدا پرستی در ایران قدیم ـ کیانیان (پرفسور** کریستن سن) داراب‌نامه و ...

حکمت ، علی اصغر



تحصیلات‌مقدماتی‌خودرا درشیرازبپایان رساندسپس به دبیرستان کالج آمریکائی وارد شده و بعد به فرانسه عزیمت کرده و ازدانشگاه سوربن پاریس در رشته ادبیات فارغ‌التحصیل میگردد . وی زبانهای فرانسه ، انگلیسی و عربی رامیداند مشاغل وسمت‌هائی‌که تاکنون عهده‌دابوده ازاینقرانند:

وزیر فرهنگ (۱۳۱۷ ـ ۱۳۱۳) رئیس دانشگاه (۱۳۱۷ـ۱۳۱۴)وزیرکشور۱۳۱۸ـ وزیربهداری۱۳۲۰ وزیردادگستری ۱۳۲۲. استاد دانشگاه تهران و...آثارو تألیفات زیادی دارد ازاین قرار:

رمئوژولیت ولیلی ومجنون ومقایسه شکسپیر و نظامی ـ ازسعدی تاجامی ـ امثال قران ـ سرزمین هند ـ رستاخیز (تولستوی) پنج‌حکایت شکسپیرـ تاریخ ادیان ـ شرح حال میرعلیشیر نوائی‌و ...

علوی ، بزرگ

بزرگ علوی ازنویسندگان پیشرومعاصراست‌که اولین باربا انتشارمجموعه چند داستان بنام **چمدان** نبوغ خود را ظاهرساخت . وی یکی ازبنیانگزاران سبك جدید نثرفارسی است . قهرمانان داستان او رابیشتر هنرمندان و قشرهای پائین اجتماع تشکیل میدهند آثار مهم او عبارتند از:

چمدان ـ نامه ها ـ چشمهایش ـ پنجاه وسه نفرـ بادسام ـ دیو، دیو انیران ـ پلیس ینگی دینا ـ انتظار ـ پادنگ ـ ورق پاره‌های زندان و...

اوبزبان آلمانی تسلط کامل دارد وآثاریکه ترجمه نموده ازاینقرانند ،

حماسه ملی‌ایران (نوکه) ، دوشیزه‌اورلئان (شیلر) دوازده‌ماه ، مستنطق(پریستلی) کسب وکار مسیزوارن (برنارد شاو) باغ‌آلبالو (چخوف) شبی درپائیز، قزاقها

جدیدترین اثراو **فرهنگ کامل فارسی‌آلمانی** میباشد .

فاضل ، جواد

جواد فاضل درشهرآمل بدنیاآمد. اوبزبان عربی تسلط کامل داشت وازبهترین‌آثاراو ترجمه **نهج‌البلاغه** حضرت علی علیه‌السلام است‌که بانثری شیوا بفارسی برگردان شده است‌آثار دیگرش عبارتنداز:

صحیفه سجادیه ، دختران پیغمبرسخن میگویند . وچهارده معصوم و کتابهای رمان ، مهتاب ـ دختریتیم ـ شعله ـ ماجری ـ عشق واشك و....

جواد فاضل در۱۳۴۰ زندگی رابدرودگفت .

فروغی ، محمد علی ـ ذکاءالملك (رجوع شود به صفحه ۱۴۷)

دکتر صدیق عیسی ـ (صدیق اعلم)

تحصیلات خود را در دبستان کمالیه و دبیرستان دارالفنون و دانشگاههای پاریس، کمبریج وکلمبیا بپایان رسانده و در رشته تعلیم و تربیت از دانشگاه کلمبیا بدریافت درجه دکترا نائل آمده است . آثار او عبارتند از :

روش نوین در تعلیم و تربیت ـ تاریخ مختصر آموزش و پرورش ـ روابط فرهنگی ایران و اروپا ـ تاریخ فرهنگ ایران ـ تاریخ اروپا ـ یادگار عمر ـ مشهودات چهل ساله در فرهنگ و...

قریب ، عبدالعظیم

استاد فقید عبدالعظیم قریب تحصیلات مقدماتی خودرا در قریه گرکان انجام داد و برای تکمیل تحصیلات خود به تهران آمد و صرف ونحو ومعانی وبیان وفقه واصول ومنطق وحکمت را در محضر دانشمندان واساتید فن فراگرفت و زبان فرانسه را نیز در دارالفنون نزد استادان فن امتحان داد وباخذ گواهی نامه نائل آمد . آثار و تألیفاتش بشرح زیرند :

دستور زبان فارسی ـ بردایة الادب ـ سخنان شیوا ـ تاریخ برامکه ـ فرائدالادب ـ کلیله ودمنه ـ گلستان ـ گنج هنر و ....

قزوینی ، محمد

محمدبن عبدالوهاب قزوینی ملقب به علامه در سال ۱۲۵۴ تولد یافت . وی سالها در کشورهای اروپا عمر خودرا صرف مطالعه وتحقیق درکتب ونسخ خطی اسلامی کرد . وی درسال ۱۳۲۸ خورشیدی بدرود حیات گفت ، ازآثاراو بیست مقاله قزوینی وتصحیح چهار مقاله عروضی را میتوان نام برد .

کاظم زاده ایرانشهر ، حسین

در سال ۱۲۶۲ شمسی در تبریز بدنیا آمد .

ایرانشهر دانشکده‌های حقوق استانبول، بلژیك وسوربن گذراند ومدتی در دانشگاه کمبریج به معاونت ادوارد براون مستشرق معروف زبان فارسی تدریس میکرد او مدت چهار سال در آلمان مجله ایرانشهر را منتشر کرد . از تألیفات او میتوان ،

رهبر نژادنو ، راه نو در تعلیم و ترتیب ، اصول اساسی فن تربیت ، شرح حال و آثارمولوی، شرح زندگی زرتشت و... را نام برد .

کسروی ، احمد (رجوع شود به صفحه ۱۴۸)

دکتر کیا ، محمدصادق

دکتر کیا استاد کرسی زبان و ادبیات پهلوی دانشگاه تهران است که تحصیلات متوسطه خود را در دارالفنون گذراند وبتحصیل در رشته زبان وادبیات فارسی دانشسرای عالی ودانشکده ادبیات پرداخت ودر سال ۱۳۲۳ دکترای زبان وادبیات فارسی را دریافت کرد . وی تألیفات متعددی در زبانشناسی وادیان ایرانی دارد ازآن جمله : **نصاب طبری ، کتاب قلب درعربی، کویش اشتیان و .... او شاعر نیز هست .**

پورداود ، ابراهیم

پورداود بی‌شك یکی ازبزرگترین خدمتگزاران زبان وفرهنگ ایران است او آنچنان به ملیت وزبان ایرانی وفرهنگ کهن ایران دلبسته بود که گهگاه این دلبستگی شدید درنظر دیگران بشکل یك تعصب جلوه میکرد پورداود در سال ۱۲۶۴ خورشیدی در شهرستان رشت زاده شد وپس از تحصیل مقدماتی فارسی وعربی در مکتب ، آهنك تهران کرد تا با تحصیل علم طب قدیم حکیم باشی شود ولی چون آرزوی سفر خارج داشت سرانجام در سال ۱۹۰۹ عازم بیروت گردید ودر سال ۱۹۱۰ بپاریس کشانده شد تا علم حقوق بیاموزد . در پاریس بود که

برای اولین بار مطالب تازه‌ای درباره فرهنگ کهن ایران شنیدو اولین بارقه‌های عشق بفرهنگ قدیم ایران درقلبش درخشید .

پورداود پس ازآموزش کامل زبان فرانسه دانشگاه پاریس را به اتمام رسانید وزیرنظر استادان بنام علم حقوق را فراگرفت و برای ادامه تحصیلات خود سفری به آلمان نمود .

پس از چند سال تحصیل در رشته حقوق عاقبت عشق بملیت کهن ایرانی اورا بسوی راهی که باید درآینده پیش گیرد سوق داد .

ادبیات اوستا و پهلوی و کهن ایران را زیر نظر دانشمندان بزرگ آلمان وفرانسه فرا گرفت .

در نتیجه مطالعات عمیق و دامنه دار و مسافرتهای طولانی بزبانهای فرانسه آلمانی ، انگلیسی وعربی تسلط یافت .

پورداود هنگامیکه به ایران بازگشت نخست بعضویت فرهنگستان درآمد وسپس کرسی ادبیات باستان وزبان اوستا در دانشگاه تهران به اوسپرده شد .

کتاب اوستا سنگر وتکیه‌گاه استادپورداود بود و تسلط و تبحر اودر این زمینه مورد تصدیق همگان وگفته‌هایش در این زمینه سند و حجت بشمار میرفت .

ترجمه اوستا بزرگترین تألیف اوست ونثر زیبا و شعرگونه‌ای که در این ترجمه بکار برده تسلطی راکه او برادبیات کنونی زبان فارسی داشت ، نشان میدهد .

از پورداودگزارش اوستا در ده جلد .

ایرانشاه ـ خرمشاه ـ پوراندخت ـ گفت وشنود فارسی ـ فرهنگ ایران باستان ـ هرمزد نامه وبیش از ۵۱ مقاله تحقیقی در مطبوعات مختلف ایرانی وخارجی بیادگار مانده است .

پورداودچندسفربهند کردومدتی نیز در دانشگاه بمبئی به تکمیل معلومات خودپرداخت وی در سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۰ مقیم هند بودودر این‌مدت اشعار صدپند را بیندرانات‌تاگور شاعر وفیلسوف بزرگ هند را بفارسی برگرداند .

همین اثر موجب شدکه در سال ۱۹۶۵ جایزه تاگور به استاد پورداود تعلق بگیرد ، در اهمیت این جایزه همین بس که بدانیم قبل از پـورداود برترانـد راسل فیلسوف معاصر انگلیـسی ـ توین‌بی مورخ معروف امریکائی ـ راداکریشنان‌فیلسوف ورئیس جمهور هند ـ البرت شوایتزر فیلسوف وانسان دوست معروف آلمانی این جایزه راگرفته بودند .

پور داود در آبانماه ۱۳۴۷ درگذشت

دکتر سیاسی ، علی اکبر



دکتر علی‌اکبر سیاسی استاد دانشگـاه تحصیلات خود را در مدارس خرد وسلطانی وعلوم سیاسی تهران‌آغاز کرده ودر فرانسه بپایان رسانده و از دانشکده ادبیات و علوم انسانی‌پاریس درجه دکترا دریافت کرده است . دکتر سیاسی چندین دوره وزیر فرهنگ ورئیس دانشگاه تهران بوده وهنگام تصدی خود اقدامات مفیدی انجام داده‌است .

مهمترین آثاراواینقرارند، **علم‌النفس یاروانشناسی‌جدید ، روانشناسی‌پرورش‌ـ مبانی‌فلسفه ـ علم‌النفس ابن‌سیناروانشناسی جنائی ونمایشنامه‌های عشق‌ووطن،ماهیار یک‌قربانی‌دیگر وعشق‌وتجدد ایران درتماس‌بامغرب زمین (بزبان‌فرانسه)**

مستعان ، حسینقلی

حسینقلی مستعان در سال ۱۲۸۳ شمسی بدنیا آمد وی یکی از نویسندگان پرکارمی باشد که در اغلب جراید بنامهای انوشه ح ، م . حمید ، حبیب پاورقی می‌نویسد و بیش از ۱۰۰۰ داستان کوتاه و بلند نوشته و بزبانهای انگلیسی ، عربی و فرانسه آشنائی دارد . از کتابهای او میتوان ، **قصه انسانیت ، عشق مقدس ، قصه رسوائی و ترجمه کتاب بینوایان ویکتورهوگو را نام برد .**

استاد مشکوة ، سید محمد

دکتر سیدمحمد مشکوة تحصیلات قدیم وجدید دارد ودارای اجازه اجتهاد از مراجع تقلید بزرگ زمان ودکترای ادبیات از دانشگاه میباشد . بزبانهای عربی وانگلیسی نیز مسلط است . در ۲۲ سالگی کتاب کلمه التوحید را نوشته و از نوشته‌های دیگر او تعلیقات بر کتب فلسفه بخصوص اسفاراربعه ملاصدرا است . **تصحیح وتحشیه ومقدمه بردرةالتاج ملاقطب شیرازی دانشنامه علائی ابن‌سینا ، رساله نبض ابن‌سینا ، رساله عشق ابن‌سینا ، درایه شیخ بهائی ، درةالاصفار ولمعةالانوارو** ... ازکارهای ارزنده او اهداء ۱۳۴۲ جلد کتاب نفیس خطی به کتابخانه مرکزی دانشگاه میباشد .

مینوی ، مجتبی

مجتبی مینوی در سال ۱۲۷۹ متولد شد و بعد از اتمام اتمام تحصیلات ابتدائی و متوسطه دوره دارالعلمین عالی را نیز بپایان رساند . وی مدتها در کشورهای اروپائی مأموریت داشت وسرپرستی محصلین ایرانی در لندن بعهده او بود . اکنون استاد دانشکده ادبیات است. آثار مینوی از اینقرارند ، **صلاح‌الدین ایوبی ، بنگیان، تصحیح شاهنامه ، مازیار ، اقبال لاهوری ، تصحیح کلیله‌ودمنه ، تاریخ خط عربی‌وفارسی، تصحیح نوروزنامه خیام .**

دکتر معین ، محمد

دکتر محمد معین در سال ۱۲۹۳ شمسی در رشت بدنیا آمد . وی دکتردر ادبیات فارسی واستادکرسی تحقیق در متون ادبی و عضو پیوسته فرهنگستان است ، ضمناً بنابوصیت مرحوم دهخدا او نظارت در امرچاپ وانتشار لغت‌نامه را عهده‌دار است . دکتر معین دارای چندین نشان علمی از کشورهای خارج وایران است مهمترین آثاراوازاینقرارند ؛ **فرهنگ فارسی معین در ۶ جلد ، تصحیح برهان قاطع در ۵ جلد ، تصحیح چهار مقاله و...**

نفیسی ، سعید (رجوع شود به صفحه ۱۴۷)

هدایت ، صادق (رجوع شود به صفحه ۱۴۹)

همائی ، جلال



استاد جلال همائی تحصیلات خودرا ابتدا نزدپدرش آغاز سپس در مدرسه حقایق‌ومدرسه قدسیه ومدارس طلبگی مدت ۲۰ سال حجره‌نشینی کرده وباشوق وذوق درس خوانده بطوریکه در علوم عقلی استاد و درفنون نقلی شرعی بسرحد اجتهاد میرسد . فن طب وتشریح قدیم را نیز نزد استادان فن میاموزد مهمترین تألیفات اوعبارتند از ؛ **تاریخ‌ادبیات ایران ، غزالی نامه ، التفهیم (بیرونی) ، نصیحةالملوك مصباح‌الهدایه،رساله درباره شرح‌احوال شعرای اصفهان قرن ۱۳ و۱۴ و۱۵ ، صناعات ادبی ، تاریخ‌اصفهان‌و...**

رشید یاسمی ، غلامرضا

غلامرضا رشید یاسمی درسال ۱۲۷۴ خورشیدی در کرمانشاه متولد شد . وی فارغ التحصیل مدرسه سن‌لوئی بود ومدتها با ملك‌الشعراء بهار همکاری داشت ... رشید یاسمی بزبانهای عربی وپهلوی وفرانسه تسلط داشت او در سال ۱۳۳۸ شمسی درگذشت . اشعاری نغز وشیوا وتألیفاتی در تاریخ وادبیات دارد .

دکتر ناظرزاده کرمانی ، احمد ـ استاد دانشگاه



تحصیلاتش را از دبستان سعادت ودبیرستان پهلوی کرمان شروع نمودوسپس باگذراندن‌دوره ادبی دارالفنون، رشته سیاسی دانشکده حقوق و همچنین رشته ادبی معقول‌و منقول ورشته‌علوم تربیتی‌دانشسرایعالی ورشته ادبیات‌دوره دکترای ادبیات فارسی دانشکده ادبیات راگذرانده‌است. آثار وتألیفاتش بردو نوعاست ، قسمتی شامل مقالات ادبی وسیاسی وتاریخی است ، قسمت دیگر آثارش عبارتند از: **آوازهای جوانی ، منظومه ، آفات شرق**، شام‌شوم ، رقص باخنجر ، برازسیجون،بخاطر لیلی ، دختر شامگاه ، شیرزاد (دردوجلد)

رزم‌آراء، حسینعلی



سرتیپ رزم‌آراء تحصیلات خود را در دبستان‌های رشدیه، قدسیه ، الیاس‌فرانسه‌ودبیرستان نظام تهران‌گذراند واز دانشکده علوم جغرافیائی فرانسه‌ودانشگاه‌جنگ‌تهران دانشنامه دریافت داشته است . بزبان‌های فرانسه وانگلیسی و روسی‌آشنائی دارد تألیفات وی عبارتند از ، **مراةالبدل نقشه‌برداری ، فرهنگ جغرافیائی ایران** (ده جلد) . . . اختراعات‌وی‌عبارتنداز،**دستگاه‌آموزش‌عملیات‌نقشه‌برداری، قبله‌نمای رزم‌آراء، سمت‌نمای نابینایان** .

قهرمانان انقلاب مشروطیت ایران

بهبهانی ، سیدعبدالله

از روحانیون تراز اول تهران ورهبر شجاع‌آزادیخواهان در انقلاب مشروطیت نخست رهبری مشروطه طلبان را بدون همکاری با سید محمدطباطبائی روحانی‌آزادیخواه دیگرتهران برعهده داشت ولی براثر فشار شدید نیروهــای استبدادی این دو رهبر روحانی با یکدیگر

متحد شدند. بهبهانی پس از پیروزی انقلاب و استقرار حکومت مشروطه در تیر ماه ۱۲۸۸ بوسیله چند نفر تروریست در خانه خود بقتل رسید

میرزاعلی ثقةالاسلام

ازآزادیخواهان سرسخت وشجاع آذربایجان که در انقلاب مشروطیت ایران و مبارزه با نفوذ روسیه تزاری سهم بسزائی داشت وسرانجام بدست روسهای تزاری دستگیر و با چند تن دیگر ازآزادیخواهان و وطنپرستان در ۱۰ محرم ۱۳۳۰ ه . ق در تبریز بدارآویخته شد .

ستارخان

از رهبران نهضت مشروطیت ایران در آذربایجان ملقب به سردار ملی که بکمك باقرخان (سالار ملی) مجاهدین تبریز وسایر شهرهای آذربایجان را برای فتح پایتخت بسیج کرد ، ودر فتح تهران با مجاهدین جنوب ایران وگیلان همکاری نمود . ستارخان وباقرخان وصدها جوان با غیرت ایرانی خون خود را در راه کسب آزادی واستقرار مشروطیت ایران نثار کردندولی بی نام ونشان بربستر خاك خفتند .

سیدجمال الدین واعظ

سیدجمال الدین واعظ، زبان گویای مردم آزاده ومشروطه طلب بود و باخطابه‌های آتشینی که بالای منبر در مسجد ومراکز اجتماعی آزادیخوهان ایراد می کرد رشته وحدت واتفاق آنان را در راه کسب آزادی واستقرارمشروطیت تشویق وبه پایداری دربرابرفشار استبدادترغیب میکرد وسرانجام جان خود را برسر آزادی طلبی وثبات عقیده گذاشت و چند ماه پس از بتوپ بستن مجلس بدست حاکم بروجرد در زندان کشته شد .

صور اسرافیل (رجوع شود به صفحه ۱۴۷)

روحی ، شیخ احمد

شیخ احمد روحی کرمانی از تعلیم یافتگان مکتب آزادی پرور سیدجمال الدین اسدآبادی (رجوع شود به اسدآبادی صفحه ...) از مدیران و پیشقدمان نهضت انقلابی مشروطیت ایران که بدستیاری چند تن آزادیخواهان کرمان واز جمله میرزا آقاخان کرمانی بمبارزه با استبداد شاهزادگان ودستگاه حکومت مطلقه قاجار قیام کردوسرانجام جان خود را برسر آزادی وتجدد طلبی گذاشت .

سلطان العلماء خراسانی

مدیر ونویسنده روزنامه «روح القدس» و از آزادیخواهان بنام ایران بود که در دوره استبداد صغیر (سلطنت استبدادی محمدعلیشاه بعد از بتوپ بستن مجلس) اندکی قبل از فتح تهران بدست مجاهدین بدست قزاقهای دولتی در انبار ارك تهران خفه شد و جسدش را بچاه انداختند پس از فتح تهران ، مجاهدین جسد اورا ازچاه در آوردند وبا تجلیل فراوان بخاك سپردند

طباطبائی ، سیدمحمد

از روحانیون آزادیخواه و مشروطه طلب ایران(متوفی بسال ۱۲۹۹ ه . ش) که رهبری عده‌ای ازآزادیخواهان را برعهده داشت وبعد از ائتلاف با سیدعبدالله بهبهانی در راه رسیدن بهدف کوشش وتلاش کرد . مردی دانشمند وفقید ودارای نشان ژنرال فراماسونری ایران بود.

ملک‌المتکلمین ، میرنصرالله

متولد سال ۱۲۷۷ ه . ق در اصفهان . از وعاظ وخطبای‌مشهور دوره انقلاب مشروطیت ایران‌که با چند تن دیگر از مشروطه‌خواهان با محمدعلیشاه و همدستان روس او بقتل رسید (جمادالثانی ۱۳۲۶ ه . ق) مردی ثابت‌قدم، مبارز،صاحب عقیده وبا ایمان بودسخنرانیهای مهیج‌اورا باید یکی از عوامل مؤثر در پیشرفت انقلاب مشروطیت دانست .

یفرم‌خان

از آزادیخواهان ارامنه ایران وازمجاهدین دوره مشروطه وفرمانده ورهبر عده‌ای از مجاهدین ارمنی شمال ایران دوش به دوش رهبران دیگر انقلاب مانند سالار ملی وسردارملی ومجاهدین جنوب در سرکوبی نیروی استبداد و فتح تهران واستقرار مشروطه فداکاری کرد - سرانجام در روز ۲۹ اردی ۱۲۹۱ شمسی در محل شورچه همدان در جنگ با مستبدین کشته شد .

آقاخان کرمانی

میرزاآقاخان‌کرمانی از تعلیم یافتگان‌سیدجمال‌الدین اسدآبادی ومردی آزادی خواه ومبارز واز پیشقدمان انقلاب مشروطیت ایران‌که جان‌خود را برسرعقیده ثابت واستوارخویش در راه‌آزادی ومشروطیت ایران از دست داد . (۱۳۱۴ ه . ق) .

سرداران وقهرمانان دیگر ایرانی

ابومسلم‌خراسانی

سردار سپاه ایران که برای ریشه کن‌کردن ظلم وفساد دستگاه خلافت بنی‌امیه با **عبدالله‌سفاح** از اولاد عباس‌بن‌عبدالمطلب (از خاندان حضرت محمد ص) برای خلافت اسلامی بیعت‌کرد و درجنگ زاب (در مغرب ایران) سپاه مروان دوم اموی را در هم شکست‌وعبدالله سفاح بدستیاری او وسربازان ایرانی در کوفه بخلافت نشست (۱۳۲ ه . ق) منصور خلیفه دوم عباسی‌که از قدرت ابومسلم در بیم بود اورا فریفت وبا تملق بسیار اورا بمقر خلافت‌کشانیدو در سال (۱۳۷ ه . ق) آن سردار رشید ایرانی را بقتل رسانید .

اللهوردیخان

از سرداران مشهورایران در دوره سلطنت شاه‌عباس اول صفوی‌که در تسلط مجددایران برجزائر وبنادر خلیج فارس وبسیاری از نیروهای دوره سلطنت شاه‌عباس شرکت داشت .

المقنع

مردی بنام هاشم‌بن‌حکیم یا هشام‌از ایرانیان مروکه خود را جانشینی ابومسلم‌خراسانی سردار دلیر ایرانی‌میدانست وادعای خدائی داشت‌ودر زمان‌خلافت‌المهدی(۱۵۸ــ۱۶۹ه . ق) در خراسان قیام‌کرد وچون نقابی از پارچه سبز ویا بقولی از طلا بصورت داشت اورا المقنع خوانده‌اند ، پیروانش را باجرای‌آئین مزدکی میخواندند ومدت چهارده سال بکمک مردم غیور و وطن پرست خراسان بااعمال عرب مبارزه‌کرد و سرانجام چون در برابر سپاه عظیم خلیفه شکست خورد خود وخانواده‌اش را درآتش انداخت‌تابدست دشمن اسیر نشوند . پیروان‌المقنع چون لباس سفید می‌پوشیدند درخراسان به **سپیدجامگان** مشهور شده‌اند. معجزه المقنع این‌بود که در محل اقامت خود یعنی شهر نخشب ماهی ساخته بودکه از قعر چاهی بیرون میآمدومثل

ماه حقیقی مدتی در شهر نخشب میماند وبعد غایب می‌شد .

امیر کبیر ، میرزا تقی‌خان (رجوع شود به صفحه ۱۵۱)

خیابانی ؛ شیخ محمد

شیخ محمدخیابانی از روحانیون تبریز در خلال جنگ اول (۱۸ - ۱۹۱۴) در برابر مظالم روسهای تزاری که آذربایجان را در تصرف داشتندایستادگی وبعد از جنگ چون‌ازوضع حکومت مرکزی ایران‌ناراضی بود باحکومت مرکزی‌نیز مخالفت کردوچون مردی بلندپرواز وجاه طلب بود میخواست حکومت مستقل « آزادیستان) درآذربایجان ایجاد کند ودرعین حال از نفوذرژیم بالشویکی روسیه جلوگیری ودراین زمینه نقشی راکه **کوچک جنگلی** درگیلان برعهده گرفته بود ، خیابانی درآذربایجان انجام‌دهد وسرانجام پس ازورود حاجی مخبرالسلطنه هدایت نماینده حکومت مرکزی تبریز کشته شد .

راوندیه

در سال ۱۴۱ هجری عده‌ای از مردم استقلال طلب ایران که اغلب از طبقه بزرگان ومتوسط‌الحال وفقیر ناحیه راوندکاشان بودند در باطن بخونخواهی ابومسلم ودر ظاهر بعنوان اینکه منصور خلیفه عباسی وقاتل ابومسلم خداوند ایشان است وباید اورا حضوراً سجده کنند بسوی بغدادحرکت کردند وهمینکه بقصرهاشمیه بغداد رسیدند ناگهان‌بجانب خلیفه حمله کردند ونزدیک‌بودکه اورا نابود سازند لیکن خلیفه گریخت وراوندیه‌ها که درحدود ۶۰۰ نفر بودند تاآخرین نفس باگماشتگان خلیفه جنگیدند وهمگی کشته شدند .

رضاشاه کبیر (رجوع شود به بخش تاریخ سلسله پهلوی)

سندباد مجوسی

قتل ناجوانمردانه ابومسلم بدست منصور یکی ازطرفداران‌اورابنام سندبادمجوسی رادر خراسان بخونخواهی‌اوبرانگیخت وجمعی ازایرانیان استقلال طلب گرد اوراگرفتند وطرفداران آئین مزدکی نیز اورا یاری‌کردند تا برقسمتی از شمال ایران مسلط شده لیکن بدست یکی‌از سرداران خلیفه‌بنام جوهربن‌مراد در جنگ خونینی که نزدیکی همدان با اوکرد ازپای‌درآمد. رویهمرفته قیام سندباد تاکشته شدن اوفقط ۷۰ روز طول کشید .

طاهرذوالیمینین (رجوع شود به‌بخش‌تاریخ سلسله طاهریان)

کلنل محمدتقیخان پسیان (رجوع شود به صفحه ۱۴۹)

کوچک‌خان جنگلی

میرزا کوچک‌خان جنگل از مردم‌گیلان هنگام جنگ اول بین‌الملل که بیطرفی ایران‌از طرف دول روس وانگلیس وعثمانی نقض وخاک ایران غربی وشمال غربی وجنوبی میدان جنگ نیروهای متفقین ومتحدین گردید وحکومت ناتوان‌وتزلزل ایران از عهده حفظ امنیت و اعمال نفوذ در قسمت اعظم مملکت عاجز ماند ، درگیلان زمام امورآن ناحیه را در دست‌گرفت و در پناه جنگلهای انبوه‌گیلان حکومت خود مختاری ایجاد وپس از ظهور انقلاب بالشویکی در روسیه وحمله بالشویکهای قفقازبه‌گیلان‌وی دفاع ازگیلان وراههای ارتباط‌آن ایالت به تهران را برعهده‌گرفت وبا بالشویکهای‌گیلان وارد نبردشد وازتوسعه قلمروحکومت بالشویکی‌گیلان که بوسیله راهوئی‌خان تأسیس شده بود بمازندران و آذربایجان و ولایات مرکزی جلوگیری کردوکاری راکه‌نیروهای قزاق اعزامی دولت‌مرکزی نتوانسته بودند انجام دهند بخوبی انجام

داد و چون کودتای ۱۲۹۹ به شهر رسید و وضع سیاسی مملکت و ماهیت حکومت کودتا بر کوچك‌خان و مجاهدین دیگری مانند کلنل محمدتقی‌خان پسیان (رجوع شود به محمدتقی‌خان پسیان) مجهول بود واینگونه‌افرادوطن پرست وفداکار نسبت به حکومت جدیدمردد وشاید بدبین بودند میرزا کوچکخان از اطاعت نسبت به حکومت جدیدسر بازدوچون دولت مرکزی برای سر اوجایزه هنگفتی تعیین نمود سرانجام در سال ۱۳۰۰ شمسی ناجوانمردانه بدست منافقین کشته شد واونیز مانند پسیان جان را برسر وطن دوستی ثبات عقیده گذاشت .

لیث ، یعقوب (رجوع شود به صفاریان)

مازیار (ماه‌ایزدیار)

از سال ۲۰۸ ه . ق از جانب خلیفه مأمون عباسی حاکم قسمت کوهستانی طبرستان و رویان وماوندشد ودراندك مدتی سراسرطبرستان را بتصرف درآورد واز سال ۲۲۴ به تحریك افشین از اطاعت خلیفه سرپیچید ومجدداً بدین زرتشتی درآمد وبمنظور احیاء استقلال ایران **بابك‌خرمی** یکی دیگر ازفرزندان رشید ایران ، علیه دستگاه بیگانه تازیان پیمان بست‌ولی کوهیار برادر جنایتکار مازیار ، بامید اینکه خود بر طبرستان حکومت کند و سائل دستیگری مازیاررا بدست عمال خلیفه فراهم ساخت . مازیارفرزند قهرمان ایران ، زیر تازیانه دژخیمان معتصم خلیفه عباسی در بغداد جان سپرد (۲۳ ه . ق)

قائم‌مقام فراهانی ، ابوالقاسم

میرزا ابوالقاسم فراهانی فرزند میرزابزرگ فراهانی مانند پدر مردی دانشمند ومدبر ولایق‌وکاردان بود و بعد از فوت پدر به وزارت عباس میرزا ولیعهد ونایب‌السلطنه در تبریز منصوب ولی بسعایت بدخواهان مدت سه سال ازآن مقام معزول ودوباره در سال ۱۲۴۱ ه.ق به پیشکاری آذربایجان و وزارت نایب‌السلطنه منصوب گردید . در سال ۱۲۴۹ که عباس میرزا مأمور سرکوبی حاکم‌هرات وفتح آن شهر گردیدقائم‌مقام بهمراهی ولیعهد وفرزند اومحمدمیرزا به خراسان رفت و بعد از فوت فتحعلیشاه بازبردستی ومهارت تمام‌برشاهزادگان مدعی سلطنت غلبه‌کرد ووسائل‌سلطنت‌محمدشاه را فراهم‌کردوقائم مقام بمقام صدارت نائل‌آمد و چون مردی لایق وکارآمد بود در درباریان‌فاسدو متملق‌که نفع خود را درخطر میدیدند محمدشاه را ازقدرت قائم‌مقام ترساندند ، سرانجام توطئه درباریان مؤثر افتاد وقائم‌مقام روز ۲۰ ماه صفر ۱۲۵۱ بامر شاه به‌باغ نگارستان احضار و بوسیله اسمعیل خان قراجه‌داغی رئیس فراشان خفه شد . قائم مقام در نظم ونثر مقامی ارجمند دارد ومنشآت او معروف است .

وزرای معروف ایران

بزرگمهر (بوذرجمهر)	وزیر انوشیروان ساسانی
ابوعبدالله جیهانی	« نصربن احمد سامانی
ابوالفضل بلعمی	« « «
ابوعلی بلعمی	« منصوربن نوح «
عمیدالملك کندری	« طغرل‌اول سلجوقی
خواجه نظام الملك طوسی	« آلب ارسلان‌وسلطان‌ملکشاه‌سلجوقی
خواجه نصیرالدین طوسی	« هلاکوخان
حسن بن محمد میکال (حسنك وزیر)	« سلطان محمود غزنوی

شمس‌الدین محمد صاحبدیوان جوینی	« اباقاخان مغول
سعدالدوله کلیمی از وزرای یهودی مذهب ایران	« ارغون خان مغول
خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی	« سلطانمحمود غازان مغول اولجایتو وسلطان ابوسعید مغول
خواجه امیرعلیشیر نوائی	« سلطانحسین میرزابایقرا
میرزا عیسی فراهانی قائم‌مقام اول	« محمد شاه قاجار
حاجی ابراهیم کلانتر	« آغا محمد خان و فتحعلیشاه قاجار
حاجی میرزا آغاسی	« محمد شاه قاجار
میرزا تقی‌خان امیرکبیر	« ناصرالدین شاه قاجار
میرزا آقاخان نوری اعتمادالدوله	« ناصرالدین‌شاه قاجار
حاجی میرزا حسین خان سپهسالار	« « «
میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک	« « «
میرزا علی‌اصغرخان اتابک	« « «
امین‌الدوله	« مظفرالدین شاه «
شاهزاده عبدالحمید میرزا عین‌الدوله	« « «
صاحب بن عباد	« مؤیدالدوله وعزالدوله دیلمی
احمد عبدالصمد	« سلطانمسعود غزنوی و سلطان مودود غزنوی
ابوالعباس فضل بن احمد اسفراینی	« سلطانمحمود غزنوی
میرزا تقی خان اعتمادالدوله	« شاه عباس دوم صفوی
ابوالمظفرمحمد بن ابراهیم برغشی	« سامانیان
ابوعلی محمد بن عیسی دامغانی	« «
صدرالدین زنجانی	« غازان خان مغول
طاهربن محمد مستوفی	« سلطان مودود غزنوی
عبدالرحمن فارسی ابومحمد عبدالرحمن‌بن‌احمد	« سامانیان
عبدالرزاق میمندی خواجه ابوالفتح	« سلطان مودود غزنوی
ابوالحسین مجیدالله بن احمد عتبی	« سامانیان
ابوجعفرحسین بن محمد عتبی	« «
علیشاه‌ـخواجه علیشاه گیلانی	« ابوسعید بهادرخان‌مغول
ابوعبدالله حسین بن محمد عمید	« مردآویز زیاری
عبدالله بن محمدبن عزیز	« سامانیان
فتحعلیخان	« شاه سلطان حسین صفوی
غرالدین مظفر	« گیخاتومغول
ابوالفضل محمد بن حمید معروف به‌ابن عمید	« رکن‌الدوله دیلمی
میرزا سلمان	« شاه سلطان محمد
ابوالحسن محمد بن مرنی	« سامانیان
میرزا نصرالله خان	« مظفرالدین شاه قاجار
ابوطیب محمد بن حاتم	« امیرنصربن احمد سامانی

نصر بن هارون از وزرای عیسوی مذهب ایران « عضدالدولهٔ دیلمی
نظام‌الملك صدرالدین مسعود هروی « علاءالدین تکش خوارزمشاه
میرزا حسین فراهانی متخلص به‌وفا « کریمخان زند
ابومنصور یوسف بن‌اسحق « سامانیان

تاریخچهٔ فرهنگ و تمدن ایران

نژاد ایرانی از نخستین روزی‌که پا بدایرهٔ تمدن‌گذاشت نسبت بفرهنگ توجه خاصی داشته وعلم و فرهنگ را دوست میداشته ودر رواج آن می‌کوشیده است . زردشت پیامبرایران قدیم فرموده‌است که کودکان را درپنج سالگی بدبستان بسپارید. اززمان هخامنشیان ایرانیان از پنج سالگی تا بیست سالگی فرزندان خود را بتعلیم و تربیت می‌گماشتند .درهمین زمان هنگامی که دولت کلده و آشوربدست هخامنشیان منقرض شدایرانیان وارث علوم قدیم کلده و آشورشدند ونجوم وحکمت وریاضیات وطب را اخذ کردند وپس‌از آنکه روابط‌ایران ویونان توسعه یافت و ایرانیان ممالك‌یونانی‌نشین رامتصرف‌شدند حکمت وطب‌یونانی نیز بایران‌آمد وحتی پادشاهان هخامنشی وبزرگان علمای یونان را بایران دعوت میکردند. درزمانی‌که ایرانیان‌مصررانیز فتح کردندعلوم مصریان قدیم را مانندکیمیاوطب واختر شناسی پذیرفتند. دردورهٔ ساسانیان از جملهٔ وظایف رسمی روحانیان ایران‌یعنی مؤبدان تعلیم و تربیت فرزندان ایران‌بود ودرضمن همان‌روابط علمی بایونان ادامه داشت وبلکه بیشترشد زیراکه‌شهرهای‌ادس و نصیبین وانطاکیه واسکندریه مراکزعلمی دنیا شد وایرانیان ازآموزگاران معروفی که درین‌شهرها بودندعلوم را اخذمیکردند. بهمین‌جهت علمای ایران‌زبان سریانی رابرای فراگرفتن‌علوم‌می‌آموختندو کم‌کم مدارس شهر گندی‌شاپور درخوزستان وبیمارستانهای آنجاطلاب‌ایرانی‌را ازشهرهای دیگر بی‌نیاز کرد .

در همین زمان روابط ایران باهندوستان و چین توسعه‌گرفت و علوم وصنایع هندی و چینی نیز در ایران راه یافت وبهمین‌جهت از زمان ساسانیان تعدادکثیری کتابهای مختلف در هرعلمی چه بزبان سریانی وچه بزبان پهلوی درایران تألیف‌گردیدکه تامدتهای مدید دردوره های‌اسلامی منبع عمدهٔ معارف ایران‌ترجمه‌های فارسی یاعربی‌همان‌کتابها بود دراین دوره صنایع ظریفه مانند موسیقی ومعماری ونقاشی در ایران ترقی‌کرد ، موسیقی ایرانی خالص پدیدآمد و معماری نیز ازنفوذهای‌خارجی پیراسته شد ودر دوره‌های اسلامی همان معماری زمان ساسانیان رااصلاح‌کردند وبرزیبائی وجمال آن افزودند ومعماری دورهٔ‌اسلامی ایران‌که مخصوصاً درعهد سلجوقیان و درزمان مغول و در دورهٔ صفویه ترقی‌کرد پدیدار شد .

در آغاز تأسیس معارف اسلام ایرانیان شرکت عمده داشتند وهمواره در هر عصری در تمام شعب علوم ومعارف اسلامی‌بزرگترین علمای اسلام ایرانیان بودند وچون زبان عرب زبان علمی ملل مسلمان شده‌بود مؤلفات عمدهٔ خود رابااین زبان‌پرداختند. اصلا نهضت علمی‌اسلام در قرن اول و دوم هجری‌کار ایرانیانست وتمام علوم متداول عصرخود را از زبان‌سریانی وپهلوی بعربی‌نقل‌کردند وعلمای‌ایرانی‌که شاگردان همان دانشمندان‌زمان‌ساسانیان‌بودندطلاب مسلمان رابعلوم ومعارف زمان خودآگاه ساختند وبزرگان ایران در شهرهای معروف ایران وحتی در شهرهای‌کوچك مساجد و بیمارستانهای بسیار وخانقاه‌های متعدد برای پرورش علما ساختند و

موقوفات بسیار گذاشتند و دوره‌های بسیار در تاریخ ایران پدید آوردند که در آن ادوار تمام رشته‌های علم و ادب و صنایع در دربارهای ایران ترقی بسیار کرد مانند دورهٔ برمکیان در بغداد و دینور وشهرور و انبار و کوفه وغیره، دورهٔ سامانیان درسمرقند وبخارا وبلخ وهرات ومرو وطوس و دورهٔ آل زیار درگرگان وری واصفهان و دورهٔ آل بویه درقم وهمدان وبغدادو کرج وشیراز و دورهٔ غزنویان درغزنین وبست ولاهور وفراه ونیشابور ودورهٔ سلجوقیان درتمام ایران وقسمت اعظم از قلمرو اسلام ازیك سو درکرمان وازسوی دیگر در بخارا ومرو وازیك سوی درآذربایجان و ارمنستان وگرجستان و از یك سوی در انطاکیه شام و ازجانب دیگر دربغدادوبصره ودورهٔ خوارزمشاهیان در خوارزم و ماوراءالنهر و در همدان و ری و اصفهان و دورهٔ مغول درمراغه وسلطانیه وبغداد و دورهٔ گورکانیان در هرات کابل وقندهار و دورهٔ صفویه در اصفهان و قم و مشهد و شیراز . در تمام این مدت متجاوز از هزار سال هرگز ایران ازدانشمندان بزرگ و هنرمندان در هر فنی خالی نبوده . درهرعصری تبلیغات بسیار در علوم مختلف شده است که معارف جدید اروپا دنبالهٔ مسلم آن بود و قطعاً اگر ایرانیان درهررشته‌ای مطالعات و کشفیات و اختراعات نکرده بودند تمدن ومعارف امروزبدین پایه نمی‌رسید زیرا مسلم است که درفراهم آوردن این اساس علمی امروز دنیا، سه قوم بیشتر شرکت نکرده‌اند: نخست یونانیان ورومیان قدیم،دوم ایرانیان،سوم اروپائیان. ازاواخر قرن یازدهم تااوایل قرن سیزدهم مدتی متجاوز از صدسال ایران گرفتاراغتشاشات داخلی بود. وسلسله‌های پادشاهان ایران که یك یك جانشین یك دیگر می‌شدند وبرای دانشمندان ایران وسایل امن ورفاه وتکمیل معارف پدران خود فراهم نبود ناچار ایران ازکاروان علم ومعرفت باز پس ماند و ملل متمدن اروپا در راه دانش پیش افتادند وبسرعتی هرچه تمامتر خود رابسرحدکمال رساندند. درایران در اواسط قرن سیزدهم هجری توجهی نسبت بمعارف جدیدپدیدار شد ودولت ایران درصددبرآمد از علوم جدید اروپا استفاده کند بهمین جهة در ضمن قرارداد هائی که با ناپلئون امپراطور فرانسه بسته شد مقرر گردید که چندتن صاحبمنصب فرانسوی برای تعلیم نظام جدید بایران فرستد و مشارالیه ژنرال گاردان را بسفارت ایران مأمورکرد واو با۵۳ تن صاحبمنصب فرانسوی مامور درایران شد و این هیئت از ۲۵ رمضان ۱۲۲۲ ق . تا ۲۸ ذیحجه ۱۲۲۳ ق. درایران متوقف بود ودرمیان ایشان صاحبمنصبان مختلف برای تمام فنون نظامی و نقاش ومعمار ومهندس بودند وکارخانه توپ ریزی در اصفهان دایرکردند و سپاهیان ایران را باصول نظام جدید اروپا آشنا ساختند ودر ضمن زبان فرانسه را در میان تحصیل کردگان آن دوره رواج دادند . پیش از آن در زمان صفویه مخصوصاً در زمان شاه عباس اول نیز نهضتی درایران برای قبول فنون جدید اروپا پدیدار گشته بود چنانکه چند صنعتگر از قبیل نقاش وساعت ساز وجواهرساز و اسلحه سازاز ممالك مختلف اروپا مانند انگلستان و پرتقال و ایطالیا وهلاند وغیره باصفهان خواسته بودند. پس از عزیمت صاحبمنصبان فرانسوی در سال۱۲۲۴ق. سفیر انگلستان دوتن صاحبمنصب انگلیسی با خود بایران آورد که نظام جدید رابه‌ایرانیان بیاموزند وازآن پس تاافتتاح مدرسهٔ دارالفنون همواره معلمین وصاحبمنصبان انگلیسی برای تعلیم معارف جدید اروپادرایران بوده‌اند روابط ایران واروپا درقرن هفتم هجری درزمانی که پادشاهان مغول درایران سلطنت می کردندشروع شده ولی منتهای بسط آن در زمان شاه عباس اول بود که چون شهر اصفهان را پای تخت کرد بمبلغین عیسوی اجازه داد که در آن شهر کلیسا ها وصومعه‌ها دایر کنند ومبلغین مزبور ومسافرینی که برای مقاصد سیاسی یا تجارت بایران می‌آمدند، بازگشت کتابهائی در باب ایران می‌نوشتند و ایران را باروپائیان معرفی می کردندیا بعضی کتابهای علمی وادبی ایران را ترجمه می کردند یا بالعکس کتب مقدس نصارا را بزبان فارسی نقل می کردندچنانکه نخستین قسمتی که از تورات

بتوسط ایشان بزبان فارسی ترجمه شده ترجمهٔ زبورداود است که در حدود سال ۱۰۴۳ هجری صورت گرفته و نخستین فرهنگ فارسی بزبان لاتین که چاپ شده در ۱۰۶۲ ق. انتشار یافته نخستین لغت فارسی بفرانسه و فرانسه بفارسی در ۱۰۹۶ ق. منتشر شده. در نتیجه همین روابط وبیشتر درنتیجهٔ توجه اروپائیان بهندوستان که زبان فارسی زبان رسمی آن بود از آغاز قرن سیزدهم هجری توجه خاصی در اروپا نسبت بمعارف ایران و ادبیات و زبان فارسی پیدا شد وعده‌کثیری از دانشمندان هر مملکت بفراگرفتن این فنون پرداختند که ایشان را مستشرق نامیدند و تا امروز نسل بنسل مشغول مطالعات خود هستند و خدمات بسیاری بفرهنگ ایران کرده‌اند که قابل انکار نیست. اولین صرف ونحوی که برای زبان فارسی در اروپا نوشته شده بزبان‌لاتینی‌در رم در ۱۰۲۳ ق. انتشاریافته. اولین‌کتاب درباب‌ادبیات فارسی بزبان لاتینی درلایپزیك (آلمان) در۱۰۲۳ ق. منتشرشده ــ اولین فهرستی‌که بتوسط اروپائیان بر کتابهای فارسی نوشته شده در ۱۰۳۰ ق. در پاریس چاپ شده اولین تاریخ ادبیات ایران که بزبانهای اروپائی نوشته‌انـد در ۱۱۹۲ ق. دروین بزبـان لاتینی چاپ شده است اولین مجموعه امثال فارسی در ۱۰۵۴ ق. باترجمهٔلاتینی در لیدن (هلند) چاپ شده ــ اولین‌کتاب مستقل فارسی که بزبانهای اروپائی ترجمه شده گلستان سعدی است که ترجمهٔ فرانسهٔ آن در سال ۱۰۴۴ق در پاریس‌انتشاریافته ــ اولین‌کتابهای مستقل‌فارسی سه‌جلد شرح احوال اولیای مذهب مسیحی است که در لیدن (هلند) در ۱۰۴۹ ق چاپ کرده‌اند.

توجهی‌که درایران نسبت به‌فرهنگ جدید پدیدآمد روز بروز درافزونی بود و مؤسس عمدهٔ این توجه درآذربایجان میرزاعیسی‌معروف بمیرزا بزرگ قایم‌مقام وزیر و پسرش میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی بودند و این‌توجه بحدی بودکه در سال ۱۲۴۵ ق از ایران بپرنس مترنیك صدراعظم اطریش مراسله نوشتند و از او خواسته بودند که نمونه‌هائی ازاسلحه جدید اطریش برای وی بفرستد که از روی‌آن در ایران بسازند و درآن زمان‌کارهای بسیار درجلب معارف جدید بایران کردند از آن جمله تعمیم آبله‌کوبی و مهندسی و توپ ریزی و باروت سازی وماهوت سازی ونقاشی رنگ و روغن و نظام جدید و تأسیس‌کارخانه اسلحه سازی بود. دیگر از کارهای ایشان اعزام محصلین ایرانی باروپا بود که نخستین بار در سال ۱۲۲۵ ق. یك نفر را برای تحصیل طب بانگلستان فرستادند و سپس درسال ۱۲۳۱ ق پنج تن دیگر را برای فراگرفتن علوم مختلف بانگلستان روانه‌کردند. دیگر ازکارهای ایشان این بودکه در سال۱۲۴۲ق درصدد برآمدند جمعی‌کثیرازمهاجرین اروپائی را برای‌آبادکردن وترقی دادن آذربایجان بآن دیار جلب‌کنند و وعده مساعدتهای بسیارکردند ولی پس ازکوششهای چندین سال بواسطه موانع سیاسی کامیاب نشدند. بزرگترین‌کار ایشان در رواج فرهنگ جدید اهمیت بسیار داشت تأسیس چاپخانه و صنعت چاپ درایرانست. صنعت چاپ سربی در آلمان درحدود سال ۸۴۰ هجری ق بتوسط گوتنبرگ مخترع معروف معمول شد.

نخستین کتاب عربی‌که در عالم چاپ شده‌است طب محمد بن زکریا رازی است که در سال ۹۱۵ هجری ق. در ایتالیا چاپ شده و نخستین‌کتاب فارسی تورانی است‌که بچهار زبان بخط عبری چـاپ کرده‌اند که یکی از آنها بزبان فـارسی است و در ۹۵۳ هجری ق. در استانبول از چاپ بیرون آمده و اولین‌کتابی‌که بخط و زبان فارسی انتشار یافته سیرت مسیح است‌که در سال ۱۰۴۹ ق. در لیدن از شهرهای هلند چاپ‌کرده‌اند.

در زمان صفویه‌چاپخانه بایران نیزآمده بود چنانکه جمعیت مبلغین‌کرملیط‌در اصفهان چابخانه‌ای‌داشته‌اند وارمنیان‌جلفا نیزچاپخانه‌ای برای‌خط دایرکرده بودند که در سال ۱۰۵۰

کتابی بعنوان «زندگانی اجداد روحانی» دراین چاپخانه چاپ شده است ودربار صفویه نیز چندی در صدد آوردن مطبعه فارسی بوده است ولی این کار بی‌نتیجه ماند. در قلمرو عثمانی مطبعهٔ در شهراسکدار نخست درسال ۱۱۳۵ ق. و درشهر استانبول در ۱۱۳۹ ق، دایر شد. نخستین کتاب فارسی که در عثمانی چاپ شده فرهنگ شعوری درلغت فارسی بترکی است که در دوجلد دراستانبول درسال ۱۱۵۵ چاپ کرده‌اند. نخستین کتاب فارسی که درهندوستان چاپ شده مجلد اول کلیات سعدی است در دو جلد و دیوان حافظ که هر دو در کلکته درسال ۱۲۰۶ انتشار یافت و مجلد دوم کلیات سعدی در ۱۲۱۰ ق، انتشاریافته و نخستین چاپ خط عربی که در آن دیار تأسیس شده در سال ۱۲۰۰ ق بوده است. در مصر اولین چاپخانه در سال ۱۲۳۷ ق. دایر شده و نخستین کتابهای فارسی که در آنجا چاپ کرده‌اند اول کتابیست که باسم «مفاتح‌الدریه فی اثبات‌القوانین‌الدریه» در صرف و نحو فارسی که در سال ۱۲۴۲ ق، چاپ شده وگلستان سعدی و دیوان حافظ و پندنامه عطارست که هر سه را در سال ۱۲۴۳ ق، با حروف نستعلیق سربی انتشار داده‌اند. اما نخستین بار چاپ در ایران بسال ۱۱۹۹ ق هجری وارد ایران شده ولی از مطبوعات آن چیزی بدست نیست واولین مطبعه‌ای که انتشار آن بدست مطبعه چاپ سربی است که در حدود ۱۲۲۷ ق. در تبریز دایر شده و نخستین چیزی که از مطبوعات آن باقی مانده رساله‌ایست بعنوان «فتح نامه» که در یکی ازفتحهای ایرانیان هنگام جنگ ایران و روس انتشار داده‌اند و این مطبعه تا سال ۱۲۴۵ ق دایر بوده وکتاب چاپ کرده است. بعد ازآن چاپخانه سربی دیگر در تهران در سال ۱۲۳۹ ق تأسیس یافته و نخستین کتابی که انتشار داده محرق القلوب است که در ۱۲۳۹ ق. انتشار یافته واین مطبعه تا ۱۲۷۰ ق. کتاب چاپ کرده است. پس از آن چاپ سنگی در تبریز در سال ۱۲۵۰ ق. معمول شده و دستگاه آنرا از روسیه آورده‌اند.

نخستین کتابی که بچاپ سنگی در تبریز انتشار داده‌اند قرآن است که در ۱۲۵۰ ق. چاپ شده. چاپ تهران در سال ۱۲۶۰ ق. دایر شده واولین کتاب آن حدیقةالشیعه ملااحمد اردبیلی است که در آن سال انتشار یافته‌است.

پس از تهران چاپخانه سربی دیگر در اصفهان در ۱۲۴۴ ق. دایر شده و اولین کتابی که در آنجا چاپ کرده‌اند رساله حسنیه ملاابراهیم استرآبادی در ۱۲۴۴ ق. است. پس از تهران تأسیس چاپخانه‌ها درشهرهای دیگر ایران بدین ترتیب است: ارومیه، شیراز، مشهد، انزلی، رشت، اردبیل، همدان، خوی، یزد، قزوین، کرمانشاه، کرمان، گروس، کاشان، بوشهر، اهواز، زنجان، ساری. در تهران مطبعهٔ سربی دیگری در حدود سال ۱۲۹۶ ق دایر شده و پس از مدتی از میان رفته و بار دیگر در حدود سال ۱۳۱۴ ق مطبعه سربی در تهران تأسیس شد.

دیگر از کارهای بسیار مفید که در آن زمان در معارف ایران کرده‌اند اقدام بترجمه کتابهای مفید از زبانهای اروپائی است. چنانکه درسال ۱۲۲۸ ق جیمز کمل نام انگلیسی که در زمره عمال معلمین اروپائی در آذربایجان بوده تاریخ اسکندر را اززبان انگلیسی بفارسی ترجمه کرده است و ظاهراً این نخستین کتابی است که از زبانهای اروپائی بفارسی ترجمه شده و پس از آن تاریخ ۱۲۳۰ ق محمدعلی نام منشی تاریخ پطرکبیر وشارل دوازدهم را که هردواز کتابهای معروف ولتراست اززبان فرانسه ترجمه کرده ودرسال ۱۲۴۳ ق محمدبن عبدالصبورخوئی طبیب رساله آبله کوبی تألیف لودویق قاران را اززبان لاتین بفارسی ترجمه کرده ودر ۱۲۴۵ ق بچاپ رسیده است، آغاز آبله کوبی درایران درسال ۱۲۲۸ ق بوده که جاقی کارمك طبیب انگلیسی که از

همان معلمین اروپائی مقیم تبریز بوده است در تبریز باین کار شروع کرد پیش از آن ترجمه کتابهائی از عربی بفارسی در تمام ادوار در ایران معمول بوده مخصوصاً درقرن دهم و یازدهم در زمان صفویه درایران ودرزمان پادشاهان بابری در هندوستان رواج بسیارداشته است پس ازسپری شدن این روزگارتوجه نسبت به معارف مدتی درتعطیل ماند وحتی دربعضی موارد دامنه آن قطع شد و بعضی کارهائی راکه شروع کرده بودند بانجام نرساندند وشخص محمد شاه و وزیر وی حاج میرزا آقاسی چندان توجهی بمعارف نشان نمیدادند . تنها اقدام مهمی که دراین دوره شد این بود که در سال ۱۲۶۰ ق . پنج نفر محصل ایرانی را برای فراگرفتن علوم جدید بفرانسه فرستادند و بعضی از معلمین اروپائی را در ایران نگاه داشتند ، اقدام مهم دیگر که در این دوره شده اینست که نخستین روزنامه فارسی در ایران چاپ شده و اولین شماره آن که دردست است تاریخ محرم ۱۲۵۳ ق . را دارد و عهده دار آن میرزا صالح تبریزی بوده که چندی بسفارت از جانب ایران بلندن رفته و پیش از آن برای تحصیل چندی در انگلستان اقامت کرده بود ، این روزنامه در دو ورق بزرگ بقطع رحلی در روی یك کاغذ بچاپ سنگی انتشار یافته و ظاهراً اسم خاص نداشته و در صدر آن نوشته شده بود (اخبار و وقایع در شهر محرم الحرام ۱۲۵۳ ق در دارالخلافه طهران انطباع یافته است) این روزنامه چنان می نماید که مرتباً انتشار نیافته است و شماره دیگری از آن که تاریخ ۱۸ ذیقعده (۱۲۵۴) ق دارد نیز بدست آمده هست .

در دوره صدارت میرزا تقی خان امیرکبیر فراهانی توجه خاص نسبت بمعارف ایران پدیدار شد وشخص صدراعظم که خود سفری بروسیه رفته وترقیات اروپائیان را درمعارف جدید دیده بود دلبستگی تام بجلب معارف جدیدداشت و از ۱۲۶۶ ق یعنی از سال سوم صدارت خود که ازامنیت داخله مملکت فارغ شدتوجه بسیار بمعارف کرد ودرآن سال به بنای مدرسه دارالفنون مطابق مدارس عالیه جدید اروپا شروع کرد و چون در سال ۱۲۶۷ ق . آن بنای بانجام رسید وسایل افتتاح آن مدرسه را فراهم آورد و چند نفرعلمای انگلیسی را که درایران مانده بودند بمعلمی آن مدرسه گماشته و برای دروس دیگر معلمینی از دیگر ممالك مختلف اروپا مانند اطریش و لهستان و ایتالیا و فرانسه استخدام کرد و هفت شعبه علوم جدید اروپا را که عبارت از پیاده نظام ، طب ، جراحی ، معدن شناسی و دواسازی بود تأسیس کرد و صد نفر از نجیب زادگان تهران را از هرطبقه برای تعلیم درآن مدرسه اختیار کردند و روز یکشنبه پنجم ربیع اول ۱۲۶۸ ق . این مدرسه رسماً افتتاح یافت و سپس بتمام حکام ولایات ایران دستور دادند که از هر شهری اعیان زادگان را برای تحصیل باین مدرسه بفرستند . این مدرسه در مدت متجاوز از چهل سال باهمان اصول دایر بود وخدمات بسیار بفرهنگ ایران کرد وجمعی کثیر ازدانشمندان هر فنی را آماده ساخته و نهضت علمی مهمی که درنیمه دوم قرن سیزدهم و چند سال اول قرن چهاردهم درایران پیش آمد بواسطه مساعی شاگردان همین مدرسه بود و در این دوره هر سال متجاوز از دویست شاگرد در فنون مختلف در آن تحصیل می کردند و در هر زمان عده ای ازمعلمین اروپائی در آن تدریس می کردند. درانتخاب معلمین بصیر و دانا توجه خاصی داشتند و گذشته از علوم سه زبان فرانسه و روسی وانگلیسی را نیز تدریس می کردند و بعد از چندی فن نقاشی و موسیقی را نیز در آن تعلیم میکردند وکتابهای بسیار در هر علمی چه بتوسط معلمین اروپائی وچه بوسیله معلمین و شاگردان ایرانی از زبانهای اروپائی ترجمه کرده و در چاپخانه مخصوص مدرسه انتشار داده اند این مدرسه ۴۴ سالی که درزمان ناصرالدین شاه دایره بود دوازده دوره شاگرد فارغ التحصیل بیرون داد وادوار دوازده گانه آن بدین قرار است : دوره اول ۱۲۶۹ ق دوره دوم ۱۲۷۱ ق دوره سوم ۱۲۷۲ ق دوره چهارم ۱۲۷۴ ق

دوره پنجم ۱۲۷۸ ق . دوره ششم ۱۲۸۲ ق دوره هفتم ۱۲۸۴ ق دوره هشتم ۱۲۸۸ ق دوره نهم ۱۲۹۱ ق دوره دهم ۱۲۹۷ ق دوره یازدهم ۱۳۰۳ ق دوره دوازدهم ۱۳۰۹ق . دراین مدت شانزده معلم ایرانی و بیست و شش معلم اروپائی در ادوار مختلف آن تدریس کرده‌اند حد وسط عده شاگردان‌آن در هرسال نزدیك به ۲۷۰ نفربودند هزار و صدنفر فارغ‌التحصیل از آن بیرون آمده‌اند شاگردان مدرسه نیمه شبانه روزی بوده‌اند بدین معنی‌که ناهار را در مدرسه میخوردند وتمام‌مخارج‌تحصیل‌وناهار را دولت می‌پرداخته و از شاگردان حقی نمیگرفته و حتی‌کتابهای چاپ مدرسه را نیزمجاناً بشاگردان می‌داده است دیگر ازکارهای مهم میرزا ـ تقی خان‌امیرکبیر در پیشرفت معارف ایران تأسیس روزنامه‌ای مرتب بودکه اخبار سیاسی و اجتماعی و علمی ایران و اروپا را منظم انتشارمیداد مدیریت این روزنامه با حاج میرزاجبار ناظم‌المهام خوئی و مباشرت آن بـا برجلیسی انگلیسی بوده و شماره اول آن باسم روزنامه وقایع‌اتفاقیه در روز جمعه چهارم ربیع‌الثانی ۱۲۶۷ ق انتشار یافته این روزنامه بقطع رحلی مرتباً هفته‌ای یك‌بار منتشر می‌شد و عـده صحایف آن ابتدا چهار و بعد هشت صفحه و گاهی بیشتر شد و در مطبعه سنگی چاپ می‌کردند از شماره ۴۷۲ مورخ ۲۸ محرم ۱۲۷۷ ق آنرا مصورکردنـد و تصاویر آن از میرزا ابوالحسن غفاری نقاشی معروف آن زمان‌بود از شماره ۴۷۲مورخ ۱۹ صفر۱۲۷۷ ق باسم (روزنامه دولت‌علیه ایران) درآمد تابالاخره‌در ۱۲۸۸ق تعطیل شد و بجای‌آن روزنامه ایران بمدیریت محمدحسن‌خان‌اعتمادالسلطنه منتشرشدکه تاریخ شماره اول‌آن یکشنبه یازدهم محرم ۱۲۸۸ق . است وآن روزنامه پس ازمرگ محمدحسنخان اعتمادالسلطنه بمحمدباقـرخان اعتماالسلطنه سپرده شد و مدتی در زمان مظفرالدین شاه نیز انتشار یافت وتا ۱۳۲۴ق چاپ شدترقی عمده‌معارف‌ایران دراین دوره بیشتر از سال ۱۲۷۲ق است چون علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه یکی از بزرگترین دانشوران ودوست‌داران علمای‌آن زمان بود و از آغاز تأسیس مدرسه دارالفنون ریاست آنرا داشت بوزارت علوم برقرار شد و وزارتخانه خاصی برای رسیدگی بامور معارف در ایران تأسیس‌کردند ؛ اعتضادالسلطنه گذشته از آنکه خود محیط به‌معارف قدیم و جدید بود با بزرگترین علمای زمان شب و روز معاشرت میکرد وبمنتهی درجه علم ومعرفت را دوست می‌داشت بهمین جهت در زمان وی معارف ایران ترقی بسیارکرد وحتی درقبول تمدن اروپاقدمهای بلند برداشت چنانکه در ۱۲۷۴ق.تلگراف را درایران تأسیس‌کردند و وزارت تلگراف ضمیمه وزارت علوم شد و در ۱۲۸۰ ق در دربار اداره مخصوص باسم دارالترجمه‌برای ترجمه از زبانهای اروپائی تأسیس شده و سال بعد میرزا ابوالحسن نقاش باشی‌رئیس دارالترجمه مدرسه نقاشی مجانی در تهران تأسیس‌کرد در۱۲۸۳ق حاج میرزا حسین خان مشیرالدوله صدراعظم ایـران شد و وی نیز علاقه مفرط بجلب معارف جدید داشت بهمین جهت مساعی خود را باکوششهای اعتضادالسلطنه توأم‌کرد و این دو مـرد بزرگ جنبش واقعی در معارف‌ایران فراهم‌کردند و تمام دانشمندان و علمای متجددآن عصر را بکارگماشتند وکارهای‌بزرگی‌که اساس ترقیات ایران بوداز پیش بردند چنانکه در ۱۲۹۰ق مدرسه مجانی باسم‌مکتب مشیریه برای‌تدریس زبانهای خارجی‌بمدیریت محمدحسن‌خان اعتماد-السلطنه درتهران تأسیس شدودراین سال‌کتابخانه سلطنتی‌تهران راترتیب دادند و در ۱۲۹۲ق اولین سالنامه ایران را بریاست‌اعتمادالسلطنه‌انتشاردادند و در ۱۲۹۳ ق . نخستین‌بیمارستان جدید را بسبك بیمارستانهای اروپا بریاست مرحوم‌دکترمیرزا علی‌اکبرخان‌نفیسی‌ناظم‌الاطباء تأسیس‌کردند ودر همین سال حفظ‌الصحه‌ای مرکب از اطبای ایرانی و اروپائی تشکیل دادند و نیز پست را در ایران بریاست مرحوم حاج میرزا علیخان امین‌الدوله دایرکردند و اولین

تا ترایرانی را بکمك محمد حسنخان اعتمادالسلطنه ومیرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله نقاشباشی دایر کردند و درهمان سال مجلسی باسم «مجلس تألیف کتاب رجال» از نخبهٔ دانشمندان ایران مرکب از یك مدیر و سه عضو و دو مترجم و یك منشی و یك دبیر وچهار پیشخدمت و فراش تشکیل دادند که تا مدتهای مدید دایر بود و بعدها باسم «مجلس تألیف نامه دانشوران» معروف شد و مجلدات هفت گانه نامه دانشوران که شامل احوال بزرگان علمای ایـران و اسلام است و جلد هفتم آن در ۱۳۲۴ ق انتشار یافته از کارهای آن مجلس است و درهمین سال موزه سلطنتی ایران ترتیب یافت و نیز در ۱۲۹۳ ق مدرسه دولتی دیگری در تبریز با معلمین اروپائی و ایرانی تأسیس کردند که پس از مدرسه دارالفنون دومین مدرسه جدیدی بود که درایران تشکیل شد . در ۱۲۹۷ ق آبله کوبی را توسط اطبای حافظالصحه که در تمام شهرهای ایران بخدمت گماشته بودند عمومی کردند در ۱۳۰۰ ق مدرسه نظامی اصفهان باسم مدرسه همایونی و در ۱۳۰۲ ق مدرسه نظامی تهران را تأسیس کردند ومعلمین فرنگی وتحصیل کردگان دارالفنون را بمعلمی آن گماشتند توجه دیگری که در این مدت نسبت بمعارف میکردند توجه خاصی نسبت بجراید بودچنان که نخستین مجلات علمی ایران دراین دوره تأسیس شده . درتاریخ اول شعبان ۱۲۸۰ ق شماره اول روزنامه‌ای باسم «روزنامه علمیه دولت علیه ایران» انتشار یافت که روزنامه ماهیانه بود و مقالات آنرا بسه زبان فارسی، عربی وفرانسه می‌نوشتند و اغلب آن مقالات را اعتضاد۔ السلطنه خود مینوشته واین روزنامه تا شماره ۵۳ در تاریخ اول شوال ۱۲۸۷ ق . منتشر شده سپس در ۱۴ ربیع‌الاول ۱۲۸۳ ق . روزنامه علمی دیگر باسم «روزنامه ملتی» بتوسط اعتضاد۔ السلطنه انتشار یافت که تاشماره ۳۴ مورخ ۲۰ جمادی‌الآخر ۱۲۸۷ ق منتشر شددر ۱۲۹۶ ق حاج میرزا حسینخان مشیرالدوله «روزنامه نظامی» را برای آگاهی نظامیان در تهران تأسیس کرد و روزنامه‌دیگری درهمین فن و درهمان سال باسم مریخ انتشار داد در ۱۲۹۳ ق روزنامه دیگری باسم (روزنامه علمی) درتهران تأسیس شد و ازآن پس تامدتهای مدید وزارت معارف ایران عهده دار روزنامه علمی مخصوصی بود که اول باسم روزنامه دانش خوانده میشود شماره نخستین آن در ۲۳ رجب ۱۲۹۹ ق منتشر شده وسپس باسم روزنامه معارف نامیده شد و شماره اول آن در شعبان ۱۳۱۶ ق بتوسط انجمن معارف تهران انتشار یافته است دراین دوره عده جراید فارسی در ایران و خارج از ایران دائماً رو بتزاید بود چنانکه در ۱۲۶۲ ق . جام جمشید در بمبئی و جام جهان‌نما در کلکته و چابك در بمبئی و سکندر در کلکته و لودیانه اخبار در کلکته و در ۱۲۷۵ ق «روزنامه تبریز» درتبریز ودر ۱۲۸۸ ق. مرآت‌السفرومشکوه الحضر درتـهران و در ۱۲۸۹ ق . فـارس در شیراز و در ۱۲۹۲ ق اختر در استانبول و در ۱۲۹۳ ق روزنامهٔ باسم La Patrie درتهران ودر ۱۲۹۵ ق اطلاع در تهران و در ۱۲۹۶ قمری روزنامه باسم (تبریز) در تبریز وفرهنگ در اصفهان و در ۱۲۹۷ ق (جریده تجارت) در تهران و در ۱۳۰۰ ق شریف در تهران شامل احوال رجـال دربار ایران و تصاویر ایشان بقلم میرزاابوتراب غفاری و میرزاموسی نقاش و اردوی همایون در تهران و مدرس فارسی در بمبئی ودر ۱۳۰۱ ق مدنیت درتبریز ودر ۱۳۰۲ ق مفرح‌القلوب درکراچی وروزنامه فرانسه‌ای باسم Echo de Perse بتوسط اعتمادالسلطنه درتهران ودر ۱۳۰۶ ق روزنامه‌ای باسم «شاهسوه» در استانبول و سیدالاخبار در حیدر آباد دکن ودر ۱۳۰۷ ق روزنامه قانون در لندن بتوسط میرزاملکم خان و در ۱۳۰۸ ق . التودودر پاریس ودر ۱۳۰۹ ق . کوکب ناصری در بمبئی و در ۱۳۱۰ ق حکمت در مصر و در ۱۳۱۱ ق ناصری در تبریز حبل‌المتین در کلکته تأسیس شده است .

اولین مدرسه دخترانه‌که در ایران تأسیس شد در همین دوره‌بود یعنی درسال ۱۳۱۵ ق در قریه چالیاس از توابع کرمان مدرسه دخترانه‌ای افتتاح‌یافت ونیزدراین دوره ترجمه از زبانهای اروپائی چه درعلوم وچه در ادبیات بحدکمال خود رسید و در هررشته کتب بسیارمفید وجالب توجه با بهترین زبانی‌از زبانهای اروپائی ترجمه کرده‌اند وعده کثیری‌ازدانشمندان در ایران بوده‌اندکه‌آثار برجسته از مساعی خودگذاشته‌اند مانند میرزا جعفرخان مشیرالدوله و حاج میرزا عبدالغفار نجم‌الـدوله و میرزارضای معروف بدکتر معلم دارالفنون ومیرزا کاظم محلاتی معلم فیزیك و شیمی وعلیخان‌ناظم‌العلوم ودکترمحمدخان‌کرمانشاهی ومیرزا علی‌دکتر و میرزاعلی اکبرخان ناظم‌الاطباء و میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله ومحمد حسنخان اعتماد السلطنه و جلال‌الدین میرزای قاجار وحاج محمد طاهر میرزای قاجار ومیرزا ابوالحسنخان دکتر ورضا قلی‌خان هدایت‌امیرالشعراء ومیرزا محمدتقی‌سپهرلسان‌الملك وسلیمانخان مهندس وآقاخان مهندس ومیرزا ابوالقاسم سلطان‌الحکماء ومیرزا بابای حکیم‌باشی‌ومیرزا سیدرضی حکیم و میرزاجعفر قراجه داغی و میرزا نظام‌الدین مهندس‌خان‌الممالك و میرزا محمودخان نجم ومیرزاعباس خان‌مهندس‌باشی ومیرزامحمد عبدالوهاب‌قزوینی وفرهادمیرزا معتمدالدوله.

اقدام مهم دیگری‌که در این دوره شد فرستادن ۴۷ نفر شاگـرد برای تحصیل فنون مختلف بفـرانسه در سال ۱۲۷۵ق . بود کـه مخصوصاً ایشان را از میان بهتریـن شاگردان دارالفنون اختیارکردند واین عده‌کثیر روزششم محرم ۱۲۷۶ ق وارد پاریس شدند و هریك در فن خاصی بتحصیل پرداختند وپس از چندی‌که یك‌یك بایران برگشتند چه در علم وچه در صنایع در رشته خودکارهای مهم از پیش بردند ودرحقیقت اساس نهضت فکری ایران راایشان گذاشتند وآنچه در سالهای بعد در معارف ایران ترقی فراهم شد بواسطه مقدماتی‌بودکه ایشان آماده‌کرده بودند.دوره چهارم نهضت معارف ایران درسال ۱۳۱۶ بودکه مرحوم میرزاعلیخان امین‌الدوله صدراعظم ومرحوم جعفرقلیخان نیرالملك وزیرمعارف بودند این هردو مرد نامی توجه خاصی نسبت بمعارف ایران داشتند بهمین جهت‌گروهی ازمعارف پروران طهران راگرد خود جمع‌کردند و در ماه شعبان ۱۴۱۶ ق. باحضور صدراعظم و وزیر علـوم مجلسی‌ترتیب دادند باسم «انجمن تأسیس مکاتیب علیه ایران»کـه بعدها باسم انجمن معارف معروف شد و نظامنامه‌ای شامل بیست فصل در همان مجلس ترتیب دادند وتأسیس‌مدارس ملی جدید وایجاد وسایل تعمیم معارف جدید را وجهه همت خود ساختند و اعضای این انجمن بجز صداعظم و وزیر علوم میرزا نصراله‌خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه میرزا محمدخان احتشام‌السلطنه و حاج مهدی قـلی‌خان مخبرالسطنه و میرزا سید محمد طباطبائی معروف بسنگلجی و میرزا محمودخان‌مفتاح‌الملك ومیرزاعلی‌اکبرخان ناظم‌الاطباء وحاج میرزایحیی‌دولت‌آبادی ومیرزا سید حسین‌خان‌نظام الحکماء ومیرزاکریم‌خان منتظم‌الدوله سردار مکرم و سردار فیروزرئیس قورخانه و محمد باقرخان اعتمادالسلطنه و حاج حسین آقا امین‌الضرب و میرزا اسمعیل‌خان آجودانباشی توپخانه و حاج میرزا حسن رشدیه و شیخ مهدی‌کاشانی معروف بمظفری و دکتر عنایت‌الله‌خان بودند. برای‌آغازکار درباغ‌بهارستان بسرپرستی وریاست صدراعظم‌گاردن پارتی تشکیل دادند و عایدات آنرا بمصرف تأسیس چند مدرسه ملی در طهران رساندند و بعد ها دولت ایران عهده‌دار شدکه‌بهرکدام در ماه‌کمك خرج بدهد . مدارسی‌که دراین زمان تأسیس شد عبارت بود ازمدرسه علمیه بتوسط احتشام‌السلطنه مدرسه شرف بتوسط ناظم‌الاطباء ، مدرسه رشدیه توسط امین‌الدوله و مدیریت حاج میرزا حسن رشدیه ، مدرسه سادات بتوسط حاج سیف الدوله و مدیریت حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی مدرسه افتتاحیه بتوسط مفتاح‌الملك ، مدرسه

اسلام بتوسط میرزا سید محمد طباطبائی مدرسه‌اقدسیه بتوسط میرزا شکرالله‌خان مترجم‌الدوله و مدرسه تربیت بتوسط دکتر عنایت‌الله‌خان ومدرسه خیریه بتوسط منتظم‌الدوله وبعد از چندی میرزا رضاخان دانش ارفع الدوله سفیر ایـران در پطرزبورك مدرسه دیگری باسم دانش در طهران تأسیس کردند که مدتها در جز و مدارس ابتدائی دولتی باقی ماند . از این مدارس بعضی مانند شرف و رشدیه و سادات وخیریه مجانی‌بود وبعضی دیگرشهریه مختصری‌که در ماه از پنج قران تجاوز نمی‌کرد از شاگردان می‌گرفتند . عدهٔ از این مدارس هنوز دایـر مانده است . این انجمن روزنامه معارف را هم چنانکه پیش از این اشاره شد تأسیس‌کرد و در ضمن در ۸ جمادی‌الثانیه۱۳۱۷ اساس «کتابخانهٔ باسم کتابخانه ملی مرکزی ایران» نهادند و هر یك از اعضاء انجمن مقداری بیش یا کم‌کتاب بکتابخانه مزبور دادندکه پس از چندی منحل شد و دیگر اقدام ایشان تأسیس شرکتی باسم «شرکت طبع‌کتب» بودکه بعضی ازکتابهای مفید چاپ‌کرد و از هریك از اعضاءکه میتوانستند کتابهای ابتدائی برای مدارسی‌کـه تأسیس‌کرده بودند تألیف چاپ‌کردندکه‌تا مدتهای مدید درمدارس ایران رایج‌بود. در همین اوان وزارت امورخارجه ایران مدرسه علوم سیاسی طهران را در ۱۳۱۷ ق تأسیس‌کرد و دوسال بعد یعنی در ۱۳۱۸ ق مدرسه فلاحت مظفری بمدیریت یك نفرمتخصص‌بلژیکی در طهران تأسیس شد در این میان اروپائیان نیز از دولت ایران اجازه یافته بودندکـه دربعضی شهر های ایران مدارس دخترانه و پسرانه دایر کنند و تـاریخ افتتاح مـدارس مهم ایشان بدین قرار است در ۱۲۵۶ ق مدارس مبلغین لازاریست فرانسوی در تبریز وجلفا و ارومیه وسلماس در۱۲۸۷ ق مدرسه سن‌لوئی‌طهران بتوسط لازاریست ها در ۱۲۸۲ق مدارس دخترانه خواهران سن ونسان دوپل فرانسوی درارومیه و سلماس وتبریز واصفهان در۱۲۸۹ق مدرسه آمریکائی درطهران در ۱۳۲۲ کالج انگلیسی در اصفهان در ۱۳۳۴ق مدرسه پسران ستاره صبح بتوسط لازاریست ها دراصفهان در۱۳۹ق مدرسه دخترانه ژان‌دارك‌بتوسط خواهران سن‌ونسان دوپل درطهران برای نمونه تشکیلات‌مدارس‌ملی درآن زمان جزئیات مدرسه مجانی شرف طهران را یادداشت می‌کند: این مدرسه شامل چهار سال بود وهرکلاس آن باسم خاصی خوانده می‌شد ؛ الفباخوان فارسی‌خوان عربی خوان ریاضی‌خوان ازاین قرارچهار سال ابتدائی را داشته است عده‌شاگران چهار سال آن در میان ۲۱۰ و ۲۷۰ بوده رئیس‌آن مرحوم میرزا ابراهیم‌خان آجودان‌باشی توپخانه سردار نظام وناظم‌آن مرحوم میرزا ابوالفضل‌خان خواجه نوری بود معلم ریـاضی از آغاز تأسیس میرزاعبدالرزاق‌خان‌مهندس ، از۴ صفر ۱۳۱۸ق میرزا رضاخان سرتیپ مهندس الملك و از ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۱۸ مهدی‌خان سرتیپ پسرمرحوم ملك‌الشعراء محمودخان‌معلم عربی‌آن شیخ محمد رفیع‌معلم‌فارسی وسیاق میرزا علی‌اکبرخان و معلم‌الفبا حاج میرزا محمد علی و از سوم ربیع‌الاول۱۳۱۹ ق میرزا علی ، طبیب حافظ‌الصحه میرزا سید محمد معاونین معلمین هشت نفر ، پیشخدمت ۳ نفر ،فراش ۲ نفر ، دربان وسرایدار یك نفر مؤذن یکنفر و روی هم رفته ۱۲ نفر نوکر داشته است.مدرسه دفتر منظمی داشته‌که روزبروز حضور وغیاب معلمین واعضاء وشاگردان وقایع مدرسه را در آن مدیر و ناظم بخط خودمی‌نوشتند و مهر میکرده‌اند وسه مجله از این دفاتر از ذیحجه ۱۳۱۷ق تا شنبه ۲۱ذیحجه۱۳۲۰ق درکتابخانه فنی‌وزارت فرهنگ‌ضبط‌است

تاریخ فیزیک

۱ ـ ما قبل تاریخ ـ همانطورکه متقدمین از روی تجربه و امتحان بخواص باطنی پارهٔ از اجسام پی‌برده و از ترکیب مواد بوسایل مختلفه (تشویه ـ تکلیس ـ تقطیر و غیره) مواد

شیمیائی بدست آورده و برای علمای شیمی جدید مایهٔ درست کرده‌اند همینطور هم تحقیق در خواص فیزیکی اجسام از مسائل تازه نیست و از قدیم‌الایام انسان در صدد کشف آنها بوده و از توجه به تغییرات و خواص ظاهری به بعضی اصول و قواعد فیزیکی پی‌برده و فیزیك جدید در حقیقت مولود توجهات و تحقیقات متقدمین میباشد .

مثلا تالس (Thalés) که قدیمی‌ترین و معروفترین حکمای سبعه است و تقریباً در شش قرن قبل از میلاد میزیسته محقق ساخت که از مالش کهربا خاصیتی در آن بظهور میرسد که جذب اجسام سبك را میکند ، همچنین فیثاغورث حکیم و ریاضی دان معروف یونانی و شاگردهایش بپارهٔ مسائل و قضایای «صوت» پی‌برده بودند . (این دانشمند اول کیست که زمین را متحرك میدانست) .

ارسطو (Aristote) نیز درچهار قرن قبل ازمیلادتأوریهای دقیقی درباب کائنات‌الجو (از قبیل قوس و قزح ، هاله‌های قمری و شمسی ، شفق شمالی و شبنم) استخراج کرده است .

ارشمیدس که سه قرن قبل از میلاد میزیسته آلاتی ازقبیل جرثقیل ـ منجنیق ـ میزان ـ الغلظة و.پیچ (پیچ ارشمیدس Vis sans pin) را اختراع نموده .

البته موضوع محاصرهٔ سیراکوز (Syracuse) را بتوسط رومیان و سه سال مقاومت اهالی آنشهر را بوسیله نقشه‌های ارشمیدس اغلب در تاریخ دیده‌ایم . گویند یکی از وسایلی که ارشمیدس برای دفاع از وطن خود بکارمیبرد این‌بود که بوسیله‌آئینه‌های مقعراشعه آفتابرا جمع کرده بجانب کشتیهای دشمن منعکس میساخت و بدین وسیله آنها را آتش میزد .

همچنین قانونی راکه راجع به «اجسام مرتمسهٔ در مایعات» وضع کرده از قوانینی است که بواسطهٔ اتفاق غریبی بکشف آن نائل شده است.

هیرن (Hiéron) پادشاه سیراکوز به زرگری دستور داده‌بود که تاجی ازطلای خالص برای او بسازد ، زرگر در ساختن تاج تقلب کرده مقداری نقره با آن ممزوج کرده و نزد هیرن برد اتفاقاً پادشاه به زرگر ظنین شد و برای اطمینان خاطر خود ارشمیدس را بطلبید و اورا مأمور تحقیق خلوص یا عدم خلوص تاج نمود . ارشمیدس‌مدتها دراین باب فکر میکرد ولی راه حلی به‌نظرش نمیرسید تا روزیکه بحمام‌رفته بود درخزینهٔ آب احساس کرد که دستها و پاهایش سبکتر بنظرش‌می‌آید این مسئله کوچك روزنهٔ امیدی برای او پیدا و بدین وسیله به کشف حقیقت بزرگی نایل گردید .

معروف است که در اثر حالت غیر طبیعی که از اکتشاف مزبور برای ارشمیدس دست داده بود با همان حال برهنگی از حمام خارج و دوان دوان بجانب خانه سلطان روان گردید و فریاد میزد ! Euréka ! Euréka یعنی یافتم یافتم . و در واقع هم وسیله کشف تقلب زرگر را از روی کشف قانون کلی «تعیین وزن مخصوص اجسام نسبت به آب» پیدا کرده بود .

قانونیرا که ارشمیدس بوسیلهٔ فوق موفق بکشف آن گردید موسوم به Principle D' Archiméde وبقرار ذیل میباشد:

برکلیه اجسام مرتمسه در سیال (مایعات وگازها) فشاری از تحت بفوق وارد می‌آید که مقدار آن مساویست باوزن سیال تغییر مکان یافته .

بالاخره بطلمیوس Ptolémée (قرن دوم میلادی) منجم وریاضی‌دان‌یونانی نیزتحقیقات عمیقی راجع به نورکرده وکتاب نفیسی در این مبحث از خود باقی‌گذارده است.

پس از بطلمیوس تحقیقات فیزیکی تا قرن ۱۳ میلادی متوقف شد وحتی میتوان گفت



بزرگترین صدراعظم
یکصدسال اخیر

میرزا محمد تقی خان امیر کبیر

که رو بانحطاط گذارد فقط عدهٔ از قبیل جابر و محمدبن موسی در این رشته زحماتی کشیده و اطلاعات قابل توجهی کسب کرده بودند .

۲ ـ قرون وسطی ـ اما تحصیل فیزیك در ممالك غربی ازقرن سیزدهم شروع میشود علمای معروف این علم در این قرن عبارتند از : (Roger Bacon) و آلبرت کبیر Albert le grand در این قرن دو اختراع مهم بعمل آمد :

یکی آئینه‌های صیقلی و دیگری عینك (Salvino - Degli - Armati)

در قرن چهاردهم استعمال قطب نما تعمیم یافت .

قرن پانزدهم راجع بفیزیك تقریباً چیز مهمی ندارد .

بالعکس در **قرن شانزدهم** مخصوصاً مباحث ثقل ونورومغناطیس رو بکمال رفته‌اند. دراین زمان Fracastoro (ایتالیائی) قانون ترکیب قوه راوضع کرد ، Gardon ریاضیات را با فیزیك مربوط ساخت ، Moralyeus عمل زجاجیه چشم را بواسطهٔ آثار عدسیها بمورد تجربه گذارد .

Jansen میکروسکپ را اختراع (۱۵۹۰) و Robert Norman انگلیسی میل مغناطیسی راتعیین نمود . بالاخره Gilbert اولین تجارب علمی الکتریکی ومغناطیسی را در کتاب معروف خود (Magnête) تدوین و منتشر ساخت .

۳ ـ فیزیك جدید ـ پایهٔ فیزیك جدید در قرن هفدهم بتوسط گالیله Galileo) Galilei) گذارده میشود ؛ این دانشمند شهیر ایتالیائی مولدش شهر پیز (Pise) بود ، گویندروزی بکلیسای بزرگ پیز رفته‌بود اتفاقاً چشمش بقندیلی‌میافتدکه بسقف‌آویزان‌بود و آهسته نوسان میکرد چون خوب متوجه شد دید ، نوسانات که رفته‌رفته‌از وسعت خود میکاستند زمانشان‌پیوسته تغییرناپذیر میماند-بدین طریق‌قانون متحدالزمان بودن (Isochronisme) نوسانات کوچك پاندولرا کشف و بعدهم بلافاصله مورد استعمال آن برای‌تنظیم ساعتهای دیواری از نظرش خطور کرد .

میزان‌الحراره ، ترازوی آبی و دوربین نجومی ازاختراعات و اصول دینامیك جدید و عدهٔ از قوانین ثقل ازکشفیات او میباشد .

گالیله نه تنها فیزیك‌دان معروفی بوده بلکه درریاضیات و نجوم نیزمقامی بس‌ارجمند داشته . این‌دانشمند در سال ۱۶۰۹ اولین‌دوربین نجومیرا در شهر ونیز (Venise) بنا نهاد و بوسیلهٔ آن حرکت ماه را بدور خود محور مکشوف داشت .

رصدهای دقیق گالیه او را به سلسله هیئت کپرنیك Copernic هدایت نمود وبه‌عکس نظریه قدماکه زمین را مرکز عالم سماوی میدانستند ثابت کردکه مرکز عالم شمسی آفتابست نه زمین . بیان این نظریه درآنزمان درایتالیاکه بمنزلهٔ کفر وزندقه محسوب میشد و بخصوص دربار رم با این نظر بشدت مخالفت کرده و گالیله را وادارکردند سوگند یادکند که دیگر باظهار چنین نظریه‌ای زبان نگشایدگالیله نیز خواهی‌نخواهی قبول‌کرد ولی درسال(۱۶۳۲) در مراجعت‌بفلرانس‌کتابی تدوین و درآن جمیع ادله وبراهین خود را درموضوع سلسلهٔ هیئت مزبور بیان نمود .

باری دانشمند ایتالیائی برای صرف اظهار حقیقت اواخـر عمر را بطور نیمه اسیر و شدیداً تحت نظرانگیز یسیون (Inqusition) میزیسته تا اینکه بالاخره در سال (۱۶۴۲) زندگانی را بدرود و خود را از شر دشمنان علم و حقیقت آسوده ساخت .

اگر چه اول‌مخترع میزان‌الحراه‌گالیله میباشد ولی نقطهٔ‌ذوبان‌یخ را برای صفر میزان

الحراره (Hooke) قراردادو ثبوت نقطهٔ غلیان آنرا Halley تعیین کرد بالاخره میزان الحرارهٔ که صعود منظم درجات حرارترا نشان دهد بتوسط Renaldini ساخته شد .

دکارت Descartes قوانین انکسار و تأوری قوس و قزح را بنانهاد . Torricelli تریچلی میزان الهوا را ساخت که پس ازاو پاسکال Pascal آنرا برای اندازه گرفتن ارتفاعات بکار بـرد . تحقیقات و تجسساتیکه پاسکال در تعادل مایعات کـرد او را باختراع منگنهٔ آبی راهنما شد .

درهمین دوره آکادمی دل سیمانتو Académie Del Cimento که لئوپلد دومدیسی Léopold de Médicis درفلرانس تشکیل داده بود کمك زیادی بهپیشرفت شعب مختلفهٔ فیزیك نمود .

نیوتن (Newton) منجم ، ریاضی دان و فیزیکدان انگلیسی جاذبهٔ عمومی عالم را کشف و پردهٔ از معما های طبیعت بدرید . مدتی بود حکما منجمله نیوتن در منشا قوانین کپلر تفکر می کردند تـا اینکه نیوتن ازمشاهدهٔ سقوط سیبی از درخت فوراً باین فکرافتاد که ممکن است علت حرکت ماه بدور زمین ثقل آن باشد و بلافاصله خیال خود را موضوع حساب قرار داد ولی بواسطهٔ نقصیکه در اندازهٔ قوهٔ ثقل بود نتیجه محاسبه موافق میل او نشد و از این‌خیال منصرف گردید چندی بعد درفرانسه قوهٔ ثقل را اندازه گرفتند و مقدار (G) تصحیح شد (۹٫۸۱ متر) مجدداً نیوتن بعد از شنیدن این خبر بخیال اول خود رجوع نموده و آنرا موضوع حساب قرارداد گویند در اواخرهمینکه دید نتیجه موافق پیش‌بینی اوست بواسطهٔ کثرت شعف نتوانست محاسبه را با تمام رساند .

نیوتن بواسطهٔ استدلال رفته رفته بکشف این قانون کلی نایل شد : هر دو ذرهٔ مـادی یکدیگر را بنسبت معکوس مجذور فاصله و مقدار جرمشان جذب میکنند . خلاصه این عـالم شهیر بواسطه اکتشافات واختراعات خودیك روح‌جدیدی بفیزیك (بخصوص مبحث نور) بخشید . حلقه‌های رنگین (Anneaux colorées) وتجزیهٔ نور بالون اصلیهٔ آن‌از اکتشاف وتلسکپ آئینه دار از اختراعات او است .

Ronmer رمرسرعت نوررااندازه گرفت وماریت Mariotte (فرانسوی) و(Boyle) (انگلیسی) قانون فشار گازها را وضع کردند .

در درجهٔ حرارت ثابت حجم هر بخار یا گاز نسبت معکوس دارد با فشاری که بـرآن وارد می‌آید .

بویل ماشین تخلیهٔ هوا راکه Otto de Cuériche قاضی عدلیه شهر ماگدبورگ اختراع کروه بود تکمیل نمود بالاخره اولین طرح ماشین بخار بتوسط Papin ریخته شد .

اگرچه **قرن هیجدهم** برای‌فیزیك بدرخشندگی قرن هفدهم نمیباشد ولی معذلك آن را قرن بی‌ثمرهم نمیتوان نامید .

در این قرن صوت بر روی مبانی محکم قرارگرفت : قانون تارهای مرتعشه را سوور Sauveur طرح ریزی‌وتایلر (Taylor) و(Bernoulli) و Euler و D'Alambert تکمیل کردند .

دوفه Dufay جذب و دفع‌های الکتریکی را تحت تحقیق درآورد .

دوفه میگوید ، من در تجربیات خود قانونی یافتم که غالب مشکلاترا حل میکند و تا درجهٔ راه تاریك را روشن میسازد .

اجسام الکتریزه هر چیز غیر الکتریك را جذب میکنند و چون الکتریزه شدند دفع

مینمایند وتادارای الکتریسته هستندجذب نمیشوند مثلا ورقهطلائیرابدواً لولهٔبلوری الکتریزه جذب می‌کندولی فوراًدفع‌مینمایدوتا هنگامیکه ورقهٔطلامجاور جسم دیگری نشود تا الکتریستهٔ آن خارج شود جذب نمیگردد .

علاوه بر این دوفه الکتریسته را منقسم بدو قسم نموده و میگویند :

اتفاق بمن قانون عمومی‌تر و مهمتری آموخت و درالکتریسته تغییری کامل داد وآن اینستکه الکتریسته دو نوع است که من‌یکی را شیشهٔ و دیگری را سقزی مینامم خواص دونوع الکتریسیته مزبور اینستکه دو الکتریسیته هم جنس یکدیگر را دفع و دوالکتریسیته مختلف الجنس همدیگر را جذب مینمایند .بلور ، سنگ،احجارکریمه ، پشم وبسیاری از اجسام دیگر جزء نوعاول وکهربا ، سقزها ، ابریشم ، نخ ، کاغذ وغیره وجزءنوع دوم میباشند بعد قوانین واصول‌کولن (Coulone) در خصوص جذب ودفع باعث‌شدکه الکتریسیته در تحت محاسبات دقیق در آید .

گری (Grey) ثابت‌کردکه بدن انسانرا میتوان الکتریزه نموده و دوفه در تجربهٔ که جمیع‌تماشاچیانرا مبهوت ساخت ازبدن انسان شراره درآورد.در سقف اطاق خود چند ریسمان ابریشمی میاویخت و در زیرآن چیزی گهواره مانند بسته درآن میخوابید و خود را با میلهٔ کلفت بلوری‌الکتریزه مینمود وچون‌کسی دست بطرف اودراز میکرد از بدنش جرقه میجست. اول دفعهٔکه دوفه این تجربه را نمود موجب تعجب بسیار شاگرد خود آبه‌نله Abbé Nollet که بعدها عالمی‌مشهوری شدگردید آبه‌نله میگوید «هیچوقت تعجبی راکه‌از رویت جهش جرقه از بدن انسان برایم دست داد فراموش نمی‌کنم» .

خلاصه‌کارهای دوفه به‌تجسسات بیفایده علما خاتمه داد و ازآن بعد الکتریسیتهٔ داخل تاریخ تازهٔ گردید .

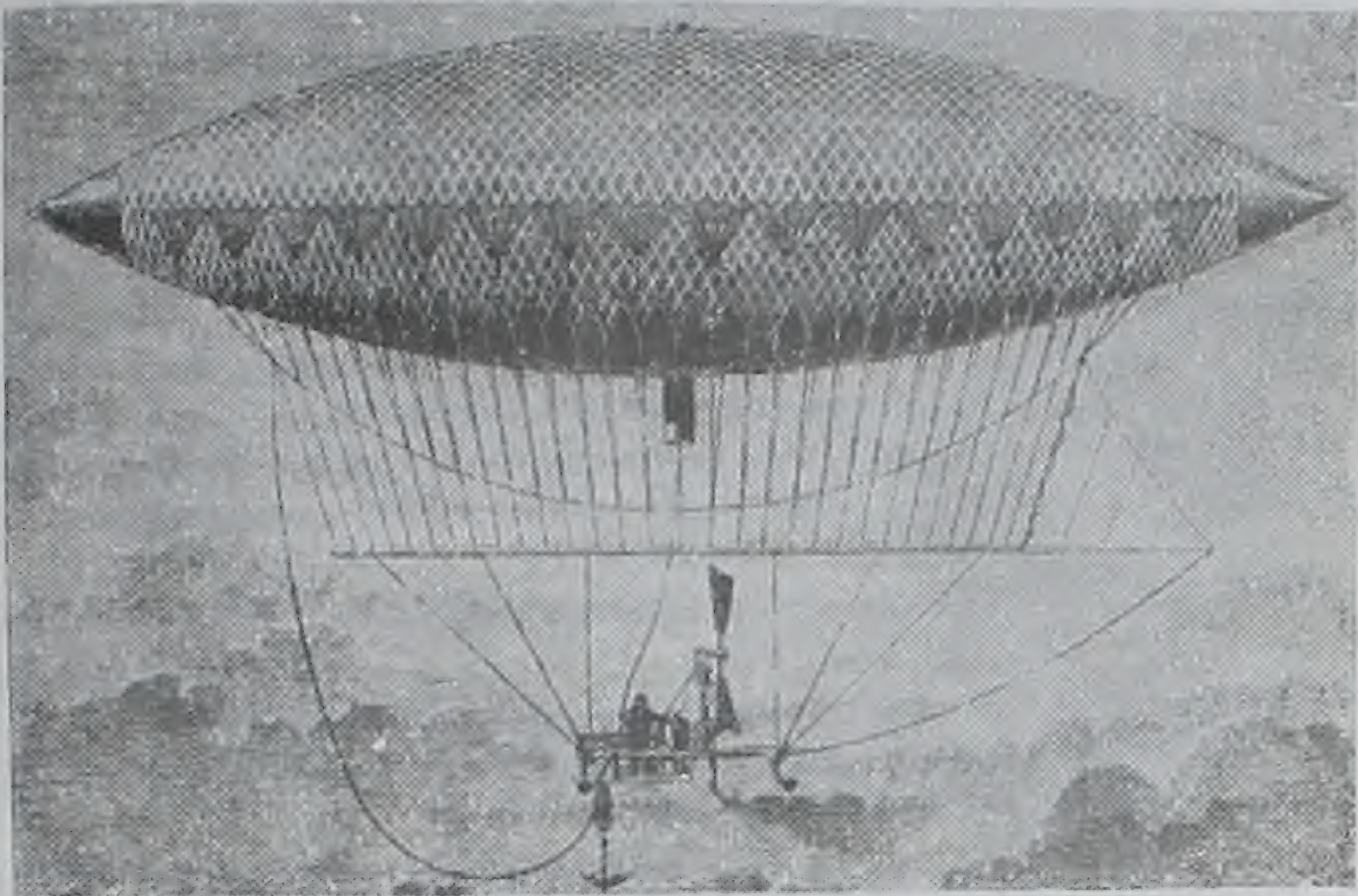
Muschenbroech بطری‌لید رااختراع‌کرد (۱۷۴۳) وفرانکلن B. Franclin شباهت نام تخلیهٔ الکتریکی و صاعقه رانشان داد ودر نتیجه برق‌گیر را برای حفظ عمارت از برق اختراع‌نمود . تجربهٔ گالوانی Galvani ولتا Volta را باختراع پیل (۱۸۰۰) یعنی اساس الکتریسیته جاری هدایت‌کرد و آن بقرار ذیل است :

ابتدا ستون فقرات ناحیهٔ قطنی‌قورباغهٔ را بدو قسمت‌کرده فوراً قسمت تحتانی را پوست می‌کنند بعد ما بین دو عصب قطنی راکه در طرفین ستون فقرات مثل رشته‌های سفیدی بنظر میآیند مفتولی از مس داخل‌میکنند سر دیگر مفتول وصل بمفتول دیگرستکه از روی ساخته شده ، هروقت سر مفتول مسی راباعصاب قطنی وسرمفتول روئیرا بعضلات یکی از پای قورباغه وصل‌کنیم پاهای حیوان تا شده و تکان میخورد و هر دفعه‌که این دو مفتول را مجاور آن دو دضوکنیم این اثرتجدید میشود ؛ این‌دوفلز (مس و روی)که بشکل قوسی ساخته شده‌اند برای جریان الکتریسیته با بدن قورباغه تشکیل مداری میدهد .

در این قرن خیال‌هواپیمائی‌که از آمال‌دیرینه بشر بوددردماغ اروپائیان قوت می‌گیرد منجمله دوبرادر ؛ میشل منگلفیه و اتین منگلفیه رئیس‌کارخانه‌کاغذ سازی‌آننه (Anonay) که‌درپنجم‌ژوئن (۱۷۸۳) بالنی‌درست‌کرده‌بهوا فرستادندخودبالن‌معروف‌شد(Motgolfiere) و هنوز هم در آتش بازی‌ها معمول است وماآنرا فانوس می‌گوئیم . با این‌که مسافرت با این نوع‌بالن‌بسیارصعب وخطرناك بودمعذلك‌درهمین‌سال پیلاتردو رزیه (Piiatre de Rozier) فیزیك‌دان فرانسوی دستگاهی ساخت و در سال بعد نسبهٔ آنرا تکمیل و با این دو دستگاه بهوا صعودکرد ومی‌خواست با آن از دریای مانش عبورکند بدبختانه درحوالی دریای مانش ترکید وخود ورفیقش‌رومن (Romain) فیزیك‌دان ازارتفاع (۶۰۰)متری پرت شده و فوراً

جان سپردند .

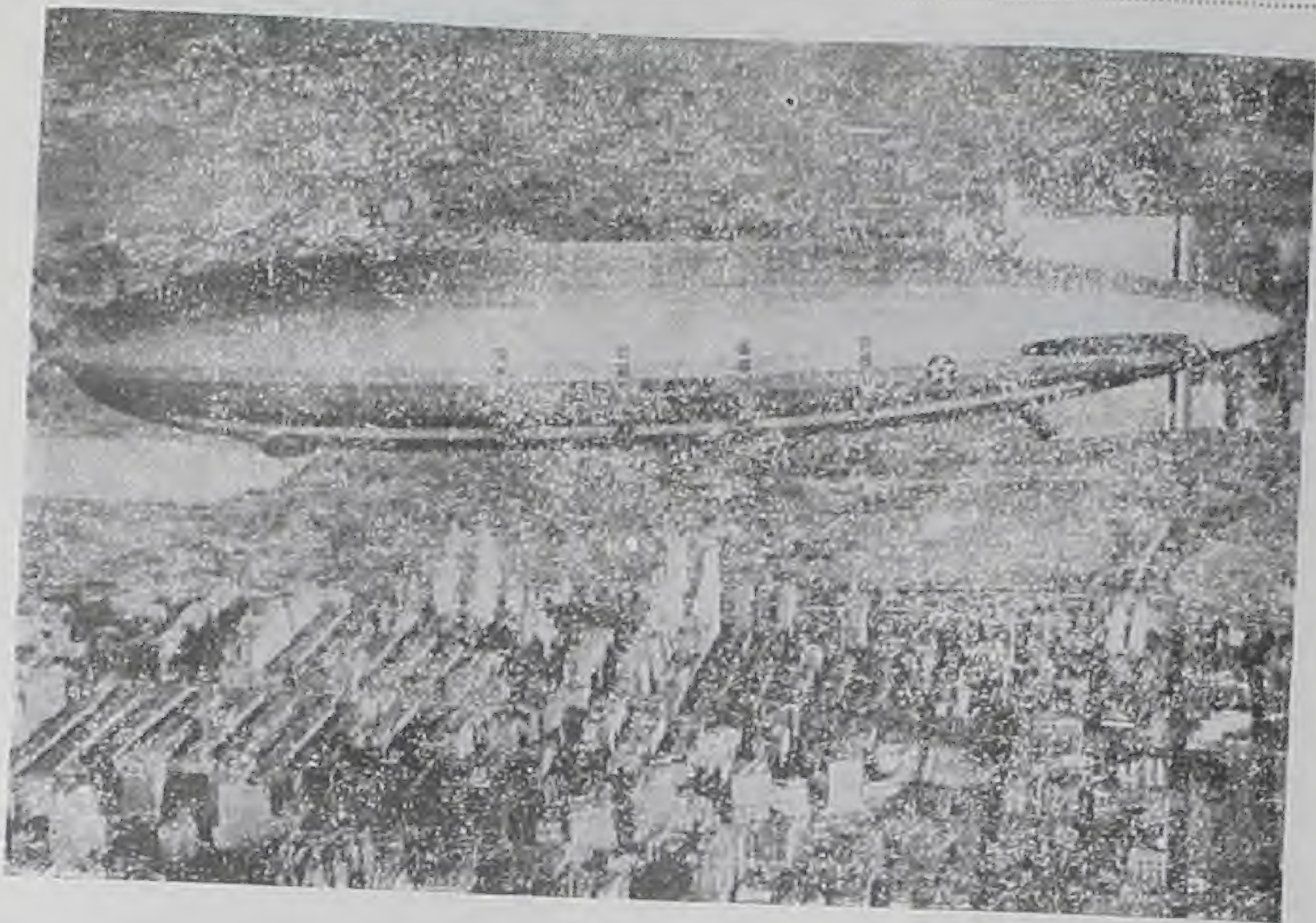
بالن‌های سابق‌الذکر که بالنهای با هوای گرم بودند از همان اوایل اختراع معایبشان معلوم شد لهذا ازهمان سال اول یکنفرفیزیك‌دان فرانسوی موسوم به شارل‌بخیال افتادکه بالنی بسازد و آنرا از گاز هیدروژن پر نماید پس درسال(۱۷۸۳) اولین بالن هیدروژنی ساخته شد ولی مسافر همراه نمی‌برد درهمین سال وسال بعد بالن نوع دیگری ساخته شدکه مسافر هم حمل مینمود .



اشخاصی‌که با این نوع بالن مسافرتها کرده و جان خود را در این‌راه‌گذارد ندبلانشار فرانسویست‌که بالن خود را در (۱۷۸۴) ساخته و در (۱۸۰۹) در‌لاهه پرت شد و مرد .

زنش سفی‌آرماند (Sophie Armand) که‌اولین زن هواپیمادرعالم محسوب میشود کار شوهر را تعقیب و در (۱۸۱۹) شبی در پاریس با بالن بهوا رفت و تنها باین امر قناعت نکرد بلکه بالن خود را چراغان‌کرده و آتش بازی میتمود غفلتاً گاز بالنش را محترق‌کرده سوار خود را سوزانده و تلف نمود .

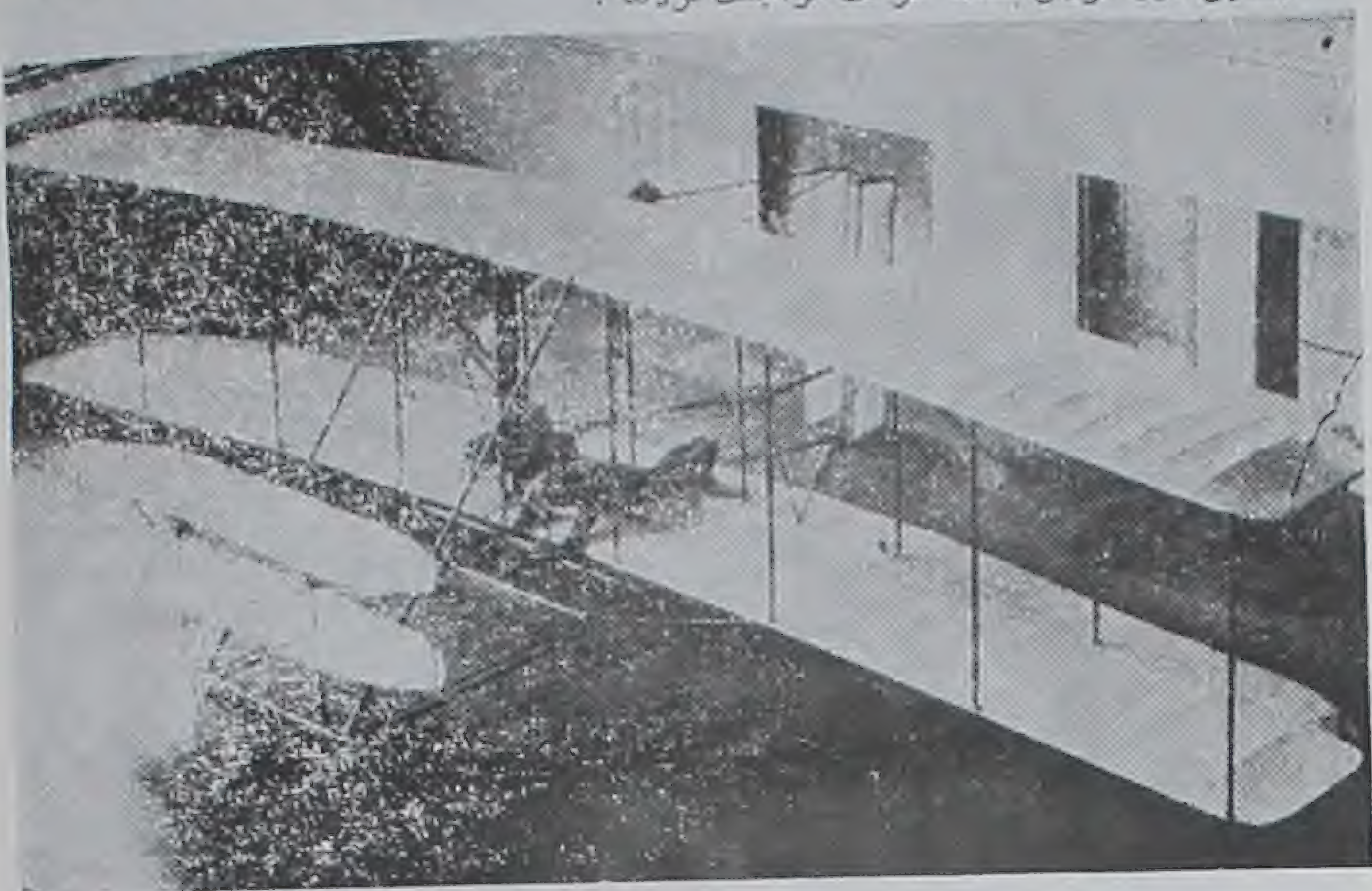
بسیاری از علماء برای‌کشفیات و تجربیات علمی با بالن‌های مدور بارتفاعات زیاد بالا رفته‌اند منجمله ، گی‌لوساك فیزیك دان و شیمی‌دان معروف فرانسویست‌که تا حدود (۷۰۰۰) متری رفته و ملاحظه نموده است‌که در این‌ارتفاع هوا بقدری خشك‌می‌باشدکه پوست‌بدن جمع شده وکاغذ و مقوا مثل اینکه در مجاورت‌آتش شدیدی باشند پیچیده واوله می‌شوند (۱۸۰۴) این دانشمند پس از خروج ازدارالفنون در لابراتوار برتله (Berthollet) بعمل و تجربه پرداخت و قانون انبساط گازها راکشف‌کرده سرعت صوت را نیز اولین دفعه‌گی‌لوساك بمعیت Huniboldt تعیین نمود . در (۱۸۷۴) سیول «Sivel» بحرپیما وهواپیما باکرسه سپینلی «Croce Spinelli» فرانسوی تا (۷۴۰۰) مترصعود کردند . سال بعد همین دو نفر بمعیت گاستن تیساندیه .



یک کشتی هوائی امروزی برفراز شهر نیویورک

(Gaston Tissandier) تا ۸۵۰۰ متر بالا رفتند ولی کروسه‌وسپول بواسطه رقت هوا هلاک شدند (بالنی که این مسافرت در آن واقع شد به سمت الرأس زنیت «Zenith» معروف است درسال (۱۸۶۱) گلیشر Glaicher وککسول «Coxwell» انگلیسی به ۸۷۰۰ متری رسیدند دیگری دوبرسن «de Berson» است که تا حدود ۱۰۰۰۰ متر رسید، یکی از سیاحان سوئدی آندره نام نیز بخیال کشف قطب افتاد از اسپیتزبرگ سفر نمود ولی بهیچوجه اثری از او ظاهر نشده چترهوائی را گارنرلن «Gurnerlin» اختراع وبلانشار (سابق‌الذکر) تکمیل کرد یک نقص بزرگ بالنهای مزبور اینست که در موقع سکون هوا حرکتش فقط صعودی ونزولیست ودر مواقع باد وطوفان هم اختیار دردست راکب نمی‌باشد لذا برای رفع این عیب شکل کروی راکه موجب ازدیاد مقاومت هوانسبت بحجم بالن بودتغییر داده و شکل بیضی را اختیار کردند زیرا طرفین بیضی باریک وبرای حرکت‌افقی کاملا مناسب بوده وبسهولت می‌تواند هوا را بشکافد امابدیهی است که فقط تغییر شکل کروی به‌بیضی نمی‌تواند عمل حرکت را انجام دهد پس برای انجام این منظور از روی هلیس کشتی‌ها هلیسی ساختند که باسرعت حرکت کرده هوا را بشکافد ودر فضا پیش برد. (تصویر صفحه ۲۰ بالن هانری ژیفاررا نشان‌میدهد ۱۸۵۲)
برای‌متحرک ساختن هلیس هانری‌ژیفار Henri giffard مهندس فرانسوی قوه بخار را بکاربرد دوپوئی‌دولم Dupuy de leme (مهندس بحری فرانسه) دونوع دستگاه ساخت که هر دو با قوه عضلانی‌کار می‌کردند تیساندیه سابق‌الذکر محرک‌برقی استعمال نمود ولی هیچ یک نتیجه‌مفیدی بدست نیاوردند. اشخاصی که تاحدی موفقیت پیدا کرده و راه‌را برای‌دیگران باز کردند دو نفر افسر یکی کاپیتن رنار و دیگری کربس بودند. دیریژابل آنها بوسیله محرک الکتریکی حرکت میکرد قوه‌های محرک به دسته تقسیم و عده آنها ۳۲ بود و

در صعود نهم اوت (۱۸۸۴) وزن آئرستا با انضمام سوار ولوازم قریب ۷ خروار بود و پس از چندین دور گردش بنقطه حرکت مراجعت کردند.



قرن نوزدهم - در این قرن دامنه فیزیك بسط شایانی پیدا کرد تجربیات جدید خیالات و تصورات گذشته راتغییر داد، قوانین رفته رفته دقیق و تئوری‌ها کم کم تعمیم یافت و مخصوصاً استعمال آلات و ادوات فیزیکی در صنایع و کارخانجات روز بروز رو بتزاید نهاد.

در (۱۸۰۱) کارلیسل «Carlisle» و نیکلسن «Nicholson» آب را تجزیه کردند در (۱۸۰۷) داوی بوسیله تجزیه الکتریکی املاح قلیائی پتاسیم و سدیم را بدست آورد. رفته رفته عدهٔ نیز بفکر تکمیل اختراع ولتا (پیل) افتادند و پیل‌های کاملتر وقویتری ساختند پلانته «Plante» آکومولاتر را ساخت ارستد «Orsted» دانشمند دانمارکی ثابت کرد که جریان الکتریسته عقربه مقناطیسی را که همیشه بجهت ثابتی متوجه است منحرف میسازد (۱۸۱۹) این کشف توسط یکی از اعضاء انجمن علمی فرانسه که در ژنو بود بفرانسه آمد. آمپر عالم بزرگ وزبردست فرانسوی که درهمین عصر میزیسته کشف این را شنید وچند روزی بیش طول نکشید که بکشف بزرگتری نائل شد یعنی درواقع اصول مبحث مقناطیس الکتریکی را که کلید حقیقی و مبنای اصلی تلگراف است تحت قانون ذیل بیان نمود: دو مفتول که جریان الکتریسته از آنها عبور کرده اگر جریانشان دریك جهت باشد یکدیگر را جذب و در صورتی که بر خلاف باشد همدیگر را دفع می‌نمایند.

پس در حقیقت موضع حقیقی تلگراف آمپر است زیرا اول دفعه او بخیال افتاد که الکتریسته را برای انتقال اخبار بکار برد ولی عمرش وفا نکرد و قبل از انجام این مقصود درگذشت. بواسطه خدماتیکه آمپر در الکتریسته نموده دانشمندان او را به نیوتن الکتریسته ملقب ساخته‌اند.

باید دانست که مبحث مقناطیس الکتریك نتیجه اکتشافات دو عالم سابق الذکر یعنی

ارستد و آمپر میباشد وهمانطور که نام ایندو دانشمند دریکموقع و یکعصر و یك مبحث برده شده‌همانطور هم جهات تشبیه در بسیاری از مباحث بین ایشان موجود بود : اولا هر دو معاصر بوده تولدشان دو سال و وفاتشان یك سال بایکدیگر فرق داشته ثانیاً آمپر فقط یکسال بیش از ارستدعمر کرده (عمر آمپر ۷۵ وعمر ارستد ۷۴ سال است) . ثالثاً هردو درابتداء تحصیل در نهایت فقر و پریشانی بسر میبردند وبخرج وکفایت اولیای دیگر و معلمین خود تحصیل را تکمیل کردند رابعاً ارستد درعنفوان جوانی‌اشعاری می‌سرود که چندان بی‌اهمیت نبوده آمپر نیز قطعات نظمی گفته که بعضی از آنها راآراگو (Arago) و دیگران ضبط کرده‌اند . خامساً آمپر فیلسوف و حکیم نیز بوده وارستد هم فلسفه وحکمت را نزد بزرگترین‌فلاسفه یعنی کانت آموخته و ازاین علم نیزبهره‌کافی داشت . سادساً در باقی علوم نیز با یکدیگرشباهت داشتند و چنانچه ذکر شده هر دو در اندك فاصله در یك مبحث کشفیاتی نموده‌اند . خلاصه در تاریخ عالم‌کمتر دیده شده‌که دو نفر تا این درجه با یك دیگر شباهت داشته باشند .

فاراده (Faraday) ابتدا الکتریسته را بنا نهاد ، اصول گالوانوپلاستی را ژاکبی «ga، cobi»اهل‌پتروگرادوسپنسر«I.Spebser» اهل‌لندن‌وضع والکینگتن«Elkington» و روالتس «Ruoltz» برای مفضض و مطلاکاری بکار بردند گالوانوپلاستی صنعتی است که توسط تجزیه الکتریکی فلزات را درقالب مخصوص رسوب ومورق میکنند بقسمی که بجدارآن نچسبد و خود تشکیل شکل درونی قالب را بدهد . چنانکه سابقاً ذکر شد آمپر عمرش وفا نکرد و بعدازاو بنتیجه رسیدند چنانکه آراگوقانون اورا تکمیل کرده وتعمیم‌داد وگوس یکی‌از اعاظم‌منجمین وریاضیون آلمان‌اختراع‌تلگراف راتکمیل کردوبعدها طبیعی‌دان آمریکائی‌موسوم به مرس الفبائی برای تلگراف درست کرده دستگاه‌آنرا ساخت و دستگاه تلگرافی وی که به تلگراف‌مرس موسوم است‌هنوز درکلیه ممالك معمول و مرسوم میباشد .آراگوعلاوه برتکمیل قوانین آمپر وارستد اکتشافات و تحقیقات علمی دیگر هم‌کرده است منجمله ثابت کرد که نور در شیشه بطئی‌تر از هواسیرمیکند وبهمین جهت قانونی راکه نیوتن درباره عبور نور ازاجسام گفته بودباطل کرد . هم چنین ثابت کرد که درعالم خلاءوجود نداردبلکه درتمام‌فضای لایتناهی جسم سیال بسیار رقیقی موسوم به اثر «Ether» موجود است که در همه جا حتی در خلل و فرج اجسام جای دارد و نیز مدلل نمود که اجسام منیره دارای ارتعاشات بسیار سریعی هستند واثر این ارتعاشاترا باسرعت زیادی بما منتقل می کند . پس از تکمیل تلگراف طولی نکشیدکه بواسطه تجربیات هرتس «Herz» آلمانی در خصوص انتشار امواج الکتریکی باب جدیدی برای تلگراف بی‌سیم باز شد چنانکه پس از او مارکنی (Marconi) (ایتالیائی) و برانلی «Branly» فرانسوی تجربیات او را تعقیب وبالاخره تلگراف بی‌سیم را عملی کردند در اینجا بی‌مناسب نیست که بطوراختصار شرحی از تاریخ‌تلگراف بیان شوددر قدیم‌الایام بین چینی‌های ویونانی‌ها و رومی‌ها مرسوم‌بودکه دراوقات جنگ برای‌اخبار یااستخبار از وضعیات دستجات قشون خود ویا دادن دستورات سوق‌الجیشی دربالای برجهای مخصوص ویا قلل تپه‌ها وکوه‌ها آتش روشن میکردند وبوسیله حرکت دادن مشعل‌های بزرگ و علامات و اشاراتی که قبلا قرارداد کرده بودند مطالب خود را بطرف مقابل می‌فهماندند مردم‌گل مرسومشان این بود که ازافراد خود بفواصل متساوی پست می‌گذاردند و این مأموران‌کنایات در مورد قرارداد را فریادکنان به پست‌ها میرساندند .

پس از هجوم و استیلای وحشیان و تا مدتی بعد از آن یعنی تا قرن شانزدهم این نوع علائم اخباری از بین رفت . از قرن شانزدهم به‌بعد مجدداً این ترتیب مخابره شروع شد و تا قرن هیجدهم ادامه داشت در این قرن کلدشاپ Claude chappe مهندس و فیزیك دان

فرانسوی یکدستگاه تلگراف هوائی اختراع کرد و اولین دفعه مجمع کنوانسیون آنرا برای پیغام و اطلاع خبرفتح کننده اطریشی‌ها بکاربرد بالاخره پس از آنکه دامنه الکتریسته وسعت یافت بواسطه انتقال اخبارجریان الکتریسته شد. اولین دستگاه تلگرافی دنیا درسال ۱۷۷۴ میلادی بتوسط لزاژ (Lesage) فرانسوی درژنوساخته شد. هردستگاه تلگراف (باسیم)شامل چهارقسمت است ، اولا یك منبع الکتریکی از قبیل پیل یاآکوموولاتر ثانیاً یکدستگاه ارسالی خبر که بتوان منبع الکتریك را بوسیله مفتول‌های فلزی (سیم) بهپست مقابل مربوط ساخت بطوریکه تلگرافچی بتواند بااراده خود جریانرا قطع ووصل کند. ثالثاً سیم بواسطه ارتباط و هادی جریان الکتریسته دستگاه ارسال است بدستگاه ضبط رابعاً دستگاهی بـرای ضبط خبر که بتوسط آلات مخصوص علامات ورموز را در روی نواری ازکاغذ ثبت کند سیمهای تلگرافی برسه نوعند: هوائی، تحت الارضی وتحت البری. سیمهای هوائی ــ چون مقاومت سیمهای مسی چندان زیاد نیست و ممکن است زود بزود گسیخته شود لهذا سیمهای هوائی را با آلیاژهای مسی می‌سازند این مفتولها بواسطه مقره‌های چینی به تیرهای فلزی یا چوبی ثابت و در هوا نگاهداشته شده است. سیمهای تحت‌الارضی ــ مرکب است ازچند مفتول مسی بهم پیچیده که از یك ورقه ضخیم گوتاپیرکا (Gutta Pereka) پوشیده وروی‌آنرا یکورقه سرب کشیده‌اند. سیم های تحت البری و تحت‌الشطی ــ این نوع سیمها معمولا مرکبند از یك دسته هفت تائی مفتول مسی متصل‌بهم که روی‌آنرا بایك ورقه ضخیم از جسم عایقی پوشانده‌اندواین ورقه عایق‌از سیمهای فولادی مستوراست دوراین مفتولها نوار مـارپیچی شکل علفی (از جنس شاهدانه) آلوده بقطران پیچیده‌اند.



درسال۱۸۰۳ ناپلئون اول‌تصمیم گرفت بوسیله بالنهائی که ۳۰۰۰ سوار با اسبهایشان راحمل کند بریتانیا را اشغال نماید .

تاریخچه راه‌آهن

مسئله استخراج ذغال از معادن و حمل آن بخارج مشکلی بود که برسر راه مردم فعال خودنمائی میکرد .

ابتدا سعی کردند در طول معادن سطح همواری برای عبور ارابه‌های حامل ذغال ایجاد کنند اما اینکار نه علمی بود و نه کافی .

در سال ۱۵۵۶ میلادی، مهندسین آلمانی راه حل جدیدی برای اینکار جستند بدین ترتیب که در طول معدن دورشته الوار در دوخط موازی قرار دادند و سپس ارابه‌های حامل ذغال را برروی این دوخط چوبی بکار انداختند و چون در بعضی معادن سطح اتکاء الوارهای چوبی بسیار سست و مقاومت آن کم بود مجبور شدند زیرالوارها را با قطعات مسطح و مکعب سنگ بپوشانند و بدین ترتیب اولین قدم در راه ابداع ریل و تراورس برداشته شد و بعدها قطعات سنگ تبدیل به قطعات چوب گردید که ازعرض در فواصل معین زیرالوارها قرار میدادند و امروز همین قطعات چوبی بعنوان تراورس مورد استفاده راه‌آهن است .

انگلیسها تدریجاً متوجه شدند که الوارهای چوبی مقاومت زیادی نداردو خیلی زود فرسوده میشود . برای رفع این عیب روی الوارها را با ورقه‌ای ازآهن پوشاندند و سرانجام در سال ۱۷۵۰ الوارهای چوبی را بکلی جمع کردند و بجای آن نوارهای چدنی با مقطع گونیائی گذاشتند بطوریکه چرخ ارابه‌های حامل ذغال بر روی لبه قائم آن قرارمیگرفت .

سپس شخصی بنام (رینولد) پیشنهاد کرد که صاحبان معادن ذغال ازتیرآهن استفاده نمایند، نتایج حاصله ازاین پیشنهاد عالی بود زیرابزودی با تکامل ریلهای آهن توانستند مقداربیشتری بار را با نیروی کمتر بحرکت درآورند واز دل معادن ذغال استخراج کنند .

اما با همه این پیشرفت‌ها هنوز حمل بار با کندی صورت میگرفت زیرا تنهاوسیله کشش واگن‌ها اسب وانسان بودواین نیروها نمیتوانست جوابگوی احتیاج صاحبان معادن ذغال باشد.

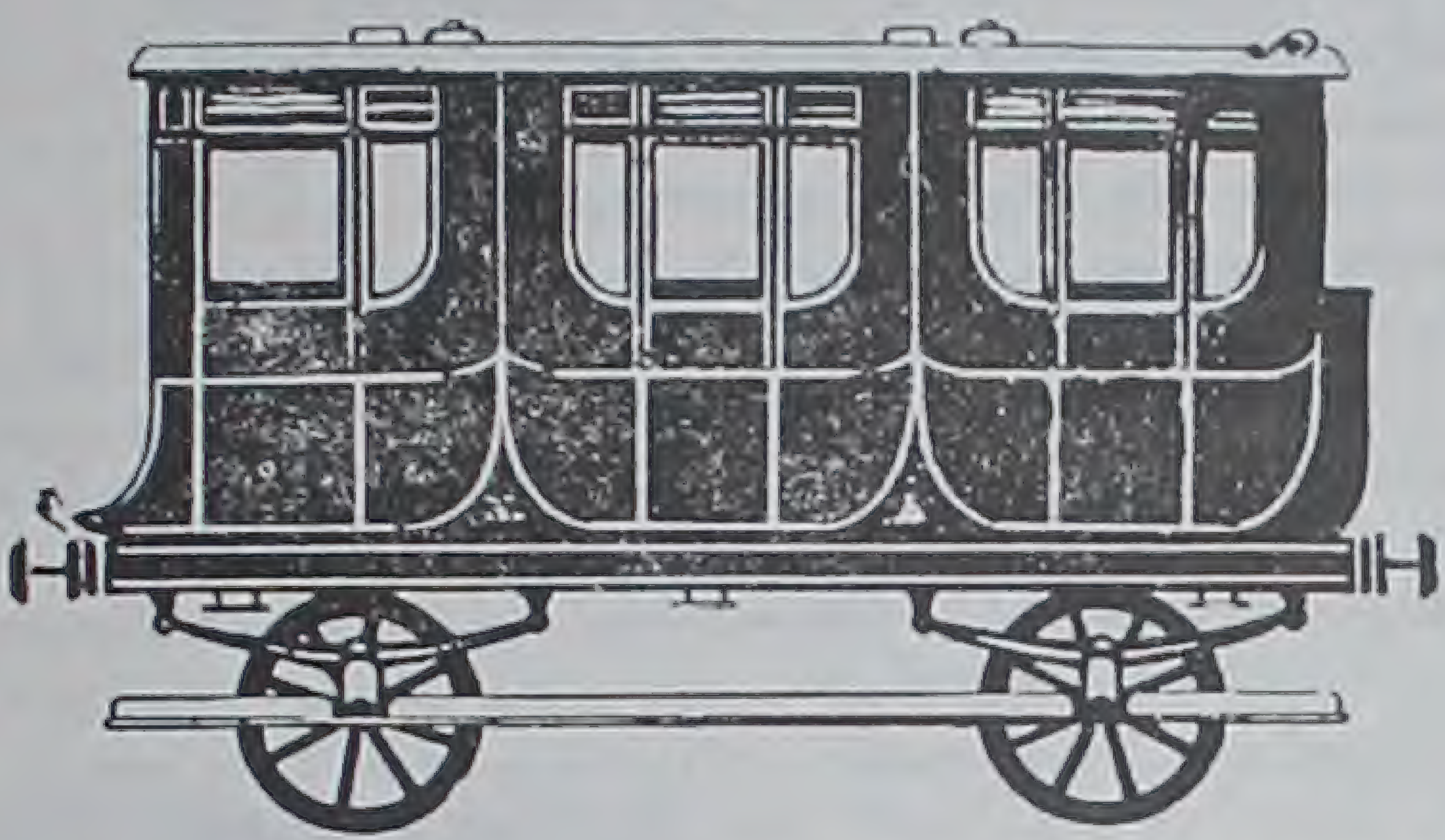
استفاده از نیروی بخار برای بکار انداختن تلمبه‌ای که آب را ازمعادن خارج میکردو ادامه کارکارگران را ممکن میساخت و «وات» مخترع ومبتکرآن بود استخراج سریع ذغال را ممکن‌تر ساخت وازطرفی چون مقادیر معتنابهی ذغال در محوطه‌های جلومعادن روی هم انباشته شده بودگاری‌های اسبی نمیتوانست آنرا ببازارهای فروش وبنادر برای بارگیری درکشتی‌ها حمل نمایند بفکر افتادند که در روی زمین نیز ازریل استفاده کنند وبزودی دربعضی معادن انگلستان اینکار انجام گرفت درحالیکه هنوز تنها نیروی محرکه واگن ها اسب بود و چنین نیروی کند روئی نمیتوانست احتیاج صاحبان معادن را برای تسریع درحمل ذغال برآورد .

در این هنگام جمعی ازمتفکرین متوجه نیروی بخار شدند واین سؤال مطرح شد که اگر نیروی بخار قادر است تلمبه‌ای را بکار اندازد آیا نمیشود ازآن نیرو درکشیدن واگن استفاده کرد :

حماسه جالب وهیجان انگیز اختراع «لکوموتیو» که اینك صدای سوت دلنوازش درسراسر جهان طنین انداز است از اینجا آغاز میشود .

ازسال ۱۸۰۰ تا ۱۸۱۳ چند نفر از مخترعین ماشین‌هائی که با نیروی بخار حرکت میکرد ساختند ولی هر کدام نواقصی داشت . در همین زمان بود که مردی با اراده پولادین واندیشه‌ای رسا وارد میدان عمل گردید وهمه پیشرفت‌ها وترقیات راه‌آن را بنیاد گذاشت . وی شخصی بود بنام «جرج استفنسن» که زندگی پرماجرائی راگذرانده وبتمام معنی مردی خودساخته وصاحب نبوغ واستعداد بود .

در معدن طرز کار تلمبه بخار توجه او را جلب کرد و با کنجاوی فراوان طرز کار آنرا دانست وحتی متوجه وجود بعضی نواقص و عیوب آن شد و چون آدم بی‌سوادی مثل او حق اظهار نظر نداشت تصمیم گرفت از راه منطقی آن وارد معرکه شود . بزودی خواندن و نوشتن را فرا گرفت و بعد بمطالعه کتاب فیزیك پرداخت وحتی جزوات درس پسرش را که به دانشگاه میرفت میخواند و فرامیگرفت . وی تدریجاً آنقدر معلومات خود را افزایش داد که درمیان مهندسین معدن جائی برای خود باز کرد وصاحب رأی وعقیده شد .



اولین واگون مسافربری که درسال ۱۸۴۲ بین لندن و بیرمنگام مورد استفاده قرار گرفت

«استفنس» در سال ۱۸۱۴ موفق به ساختن لکوموتیوی شد که ازهر حیث بر مصنوعات دیگران رجحان وبرتری داشت وهم او بود که برای اولین بارمحور چرخهای لکوموتیورا وسیله اهرم بهم متصل کرد . وی بعد ازساختن اولین لکوموتیو که درخط آهن «لینگورث» بکار افتاد درصدد اصلاح معایب آن برآمد وسه سال بعد لکوموتیودیگری ساخت که درهمان خط با سرعت ده کیلومتردرساعت باهفتاد تن باربکارافتادطبعاً اینموفقیت باومجال‌میداد که دست‌ازکاردرمعدن بردارد ومستقلا حرفه لکوموتیو سازی را بعنوان‌صنعت مورد احتیاج زمان‌پیشه سازد وی‌ازآن پس تا سال ۱۸۲۹ شانزده لکوموتیو ساخت که حتی یکی از آنها را به صاحبان معادن «سنت آتین» در فرانسه فروخت‌وبدین ترتیب‌اولین‌گام‌را برای ایجاد یك مصنوع صادراتی‌انگلستان برداشت .

«استفنس» تدریجاً کار خود را تکمیل کرد وازآن جمله از داخل دیك بخار لوله هائی گذراند که دود و حرارت کوره ازآن عبور کند وبخار لازم را سریع‌تر ایجاد نماید وبا این تغییرات توانست سرعت وقدرت لکوموتیو را افزایش دهد . باید گفته شود که تغییراخیر در همان زمان وسیله شخصی بنام «مارك‌سگن» که مخترع کشتی با موتور بخار درفرانسه بودپس‌از مشاهده‌لکوموتیوساخت استفنس‌که فرانسویها خریداری کرده‌بودند بعمل‌آمده بود ومعلوم‌نیست آیا استفنس ابداع مزبور را شخصاً انجام داد یا ازکار مارك‌سگن قبلامطلع شده بود .

«استفنس» در این زمان معتقد شده بود که نه‌تنها راه‌آهن یك وسیله نقلیه خوب برای حمل بار درتمام نقاط میتواند باشد بلکه برای مسافرت نیز وسیله مطمئن ومفیدی است که‌باید جایگزین درشکه ودلیجان شود .

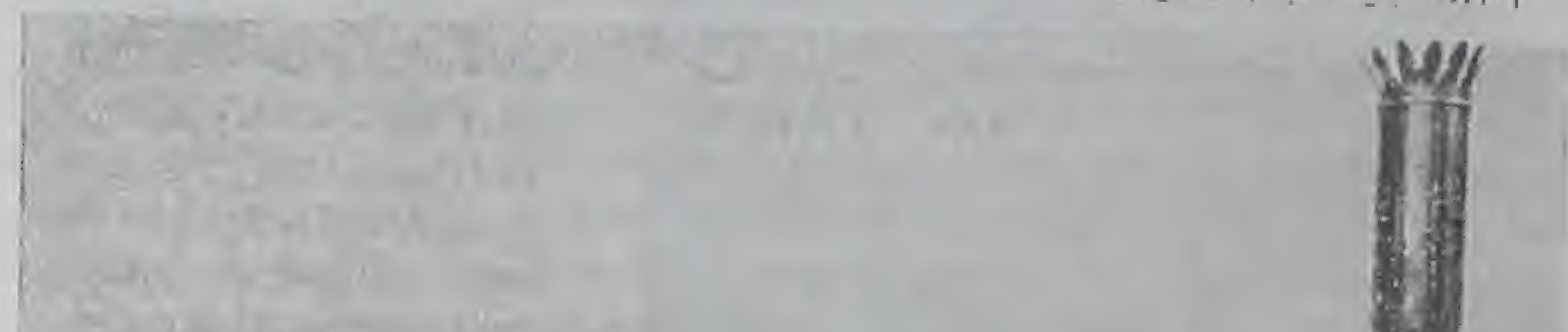
چنین نظری درجامعه‌آن روز انگلستان طبعاً قبولیت عامه پیدا نمیکرد، بهمین جهت

با مخالفت بسیار شدیدی مواجه شد و کار مباحثه در این زمینه بالا گرفت که حتی کلیسا نیز وارد معرکه شد و از آن بنام یک وسیله شیطانی یاد کرد و با آن بمبارزه برخاست .

در این هنگام مسئله حمل و نقل بار بین دوشهر منچستر و لیورپول بصورت مشکل بزرگی در مقابل صاحبان کارخانجات نساجی منچستر خودنمائی میکرد. آنها میخواستند منسوجات خود را که بمیزان زیاد تولید میشد به لیورپول برسانند و باهمان سرعت مواد اولیه را از لیورپول به کارخانجات خود حمل نمایند اما این کار وسیله کشتی‌های کوچک که از کانالهای بین دوشهر حرکت میکردند ممکن نبود .

میزان حمل و نقل بار دربین این دوشهر بقدری زیاد بود که با امکانات باربری ابداً تطبیق نمیکرد و آنچه حمل و نقل میشد بـا کندی و سختی انجام میگرفت و متناسب با حجم محمولات نبود .

صاحبان صنایع نساجی بفکر افتادند که مشکل خود را با ایجاد خط آهن بین دو شهر مذکور حل کنند و برای اینکار بین سازندگان لکوموتیو مسابقه‌ای ترتیب دادند که درششم اکتبر ۱۸۲۹ باید انجام میگرفت .



استفن‌سن با اختراع فنیکس پیروزی خود را باثبات رساند

شرایط مسابقه جالب ومضحک بود زیرا وزن وارزش لکوموتیو نیز شرط شرکت درمسابقه بود بدین ترتیب که شرکت کنندگان میبایست لکوموتیوی عرضه کنند که بیش ازشش تن وزن و معادل ۱۳۷۵۰ فرانك ارزش نداشته باشد وبتواند ۲۰ تن بار را با حداقل سرعت ۱۶ کیلومتر در ساعت حمل کند . در این مسابقه تاریخی چهار لکوموتیو شرکت کردند که دوتای آن شرایط لازم را واجد نبودند ویکی پس ازحرکت ایستاد ولوله‌های آن ازهم در رفت و تنها لکوموتیو

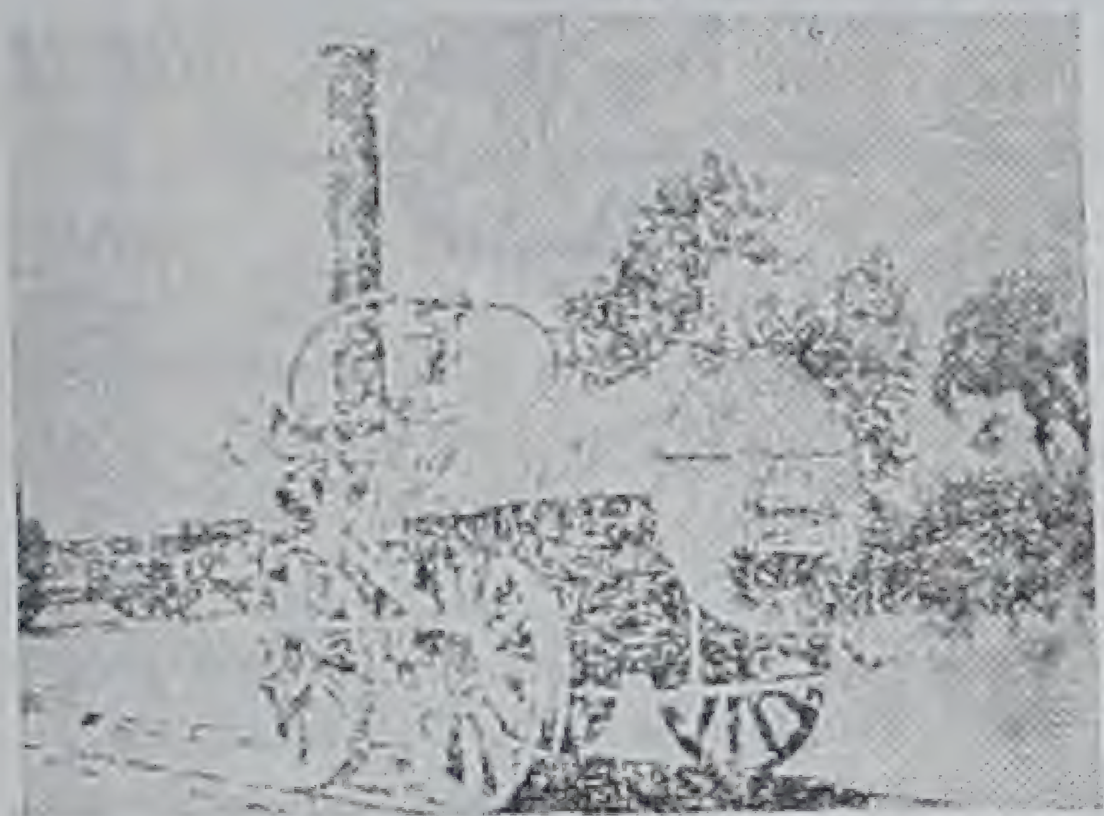
استفنس بنام (موشك) که ۴۳۲۰ کیلو وزن‌داشت توانست‌بارمورد نظر را با سرعت ۲۶ کیلومتر در ساعت حمل کند و وقتی بدون بارآزمایش شد سرعت‌آن به ۴۷ کیلومتر درساعت رسید.

برای ما که درعهد موشك‌های فضا پیما زندگی میکنیم وانسان راه تسخیر فضا وکرات آسمانی را در پیش گرفته‌است سرعت موشك «استفنسن» مضحك مینماید اما درآن زمان همین سرعت بقدری حیرت انگیزبود که غالباً تصورمیکردندآنچه را دیده‌اند وهم وخیال است.

خط آهن منجستربه‌لیور پول بدنبال‌این مسابقه تاریخی وعلیرغم مخالفت های شدیدی که بظهور پیوسته بود و کلیسا نیز دراین مخالفت هم آهنگی داشت بالاخره ساخته شد ودر ۱۵ سپتامبر سال ۱۸۳۰ رسماً افتتاح گردید. داستان ایجاد این خط که همه‌کار آن ازنقشه‌برداری وساختمان پلها وریل گذاری زیر نظراستفنسن انجام گرفت‌یکی‌ازحوادث مهم‌تاریخ پیدایش راه آهن است هرچند که مخالفین‌اوحتی کمین کردند تااین مرد شیطانی رابکشند و بعضی‌ها میگفتند صدای عبور لکوموتیومحصول مزارع راکم میکند مرغهارا از تخم‌گذاری بازمیداردوزنان حامله رامبتلا به‌سقط‌جنین‌میسازد قهوه‌چی‌ها، ساربرها صاحبان کشتی‌های باربری میگفتندبازارکسادشد وگرسنگی تهدیدمان میکند و بعضی سیاستمداران فیلسوف مآب نیزمخاطرات عظیم این وسیله شیطانی را یادآورمیشدند.



مسابقه‌ایست بین توم تومپ ویك اسب درآمریکا، در۲۵ اوت ۱۸۳۰



انویکتا ساخت ۱۸۳۰ وقتی سرعت لکوموتیو۱۲ ـ ۲۰مایل درساعت بود

باهمه اینهااستفنسن موفق شد وبا ایجاد خط آهن‌من‌بورطلسم مخالفت‌ها شکست وازآن پس درسراسرانگلستان واروپا وامریکا این وسیله نقلیه مورد استقبال قرارگرفت والبته‌بتدریج تکمیل شد وقدرت ونیروی‌آن افزایش یافت.

کشورهای‌اروپائی‌به‌ترتیب بلژیك درسال ۱۸۳۰ آلمان درسال ۱۸۳۵ اسپانیا در۱۸۳۸ فرانسه‌که قبل ازهمه متوجه این‌نیروشده بود درسال ۱۸۶۰ رسماً ایجاد شبکه راه‌آهن راوارد زندگی خود کردند. امریکا نیزدرسال ۱۸۲۶ متوجه راه‌آهن شد.

راه‌آهن در ایران

اولین خط راه‌آهن که درایران احداث گردید درسال ۱۸۸۶ میلادی ، راه آهن تهران به‌ری‌بطول ۸۷۰۰متر بود.

از آن تاریخ تا سال ۱۳۰۴ شمسی که مقدمات راه آهن سراسری فراهم گردید چندرشته خطوط کوتاه در ایران کشیده شد مانند راه‌آهن آمل به محمودآباد وراه‌آهن زاهدان به میرجاوه راه‌آهن جلفا به تبریز و بندرشرفخانه وراهن بوشهر به برازجان

احداث راه‌آهن ازجمله آرزوهای مردم وبازرگانان ایرانی بود ولی بعللی نقشه و هدف آنها به نتیجه‌ای نمیرسید.

زمانیکه اعلیحضرت رضاشاه کبیر زمام امور را بدست گرفت برای اجرای این هدف و بمنظور توسعه امور بازرگانی مصمم‌شدند بوسیله یك رشته راه‌آهن سراسری ازدریای مازندران تاخلیج فارس شهرهای بزرك ومراکز پرجمعیت ونواحی کشاورزی ایران رابیکدیگرمتصل‌سازند وبرای تأمین هزینه‌آن درتاریخ ۹ خرداد سال ۱۳۰۴ شمسی قانون انحصارقند وشکروچای از تصویب مجلس گذشت که بموجب‌آن مقررشد ازهرسه‌کیلو قند وشکر که بایران وارد میشود دو ریال وازهرسه کیلوچای شش ریال جهت هزینه ساختمان راه‌آهن سراسری دریافت گردد پس از دو سال که مقدمات امرفراهم‌گردید عملیات ساختمانی از شمال و جنوب شروع و ۱۱ سال‌بعد یعنی درسال ۱۳۱۷ خط‌آهن شمال وجنوب بیکدیگراتصال یافت

راه‌آهن سراسری ایران ازشمال بندرشاه واقع درجنوب شرقی دریای خزرشروع شده و پس ازعبورازشهرهای ساری وشاهی واردمناطق‌کوهستانی البرزگردیده وازگردنه مرتفع‌فیروز کوه بوسیله تونلها وپلهای متعددگذشته وازطریق جلگه ورامین به‌تهران متصل میشود.

سپس‌ازمین‌های هموارقم واراك‌گذشته وازایستگاه دورود به‌بعد وارد مناطق‌کوهستانی لرستان میگردد و پس از گذشتن ازتونلها وپلهای متعدد دراندیمشك بجلگه هموار خوزستان میرسد وازکنار دزفول وشهراهواز وپل‌عظیم‌کارون‌گذشته ازیك سمت به‌خرمشهر وازطرف‌دیگر به بندرشاهپور درخلیج فارس منتهی میشود.

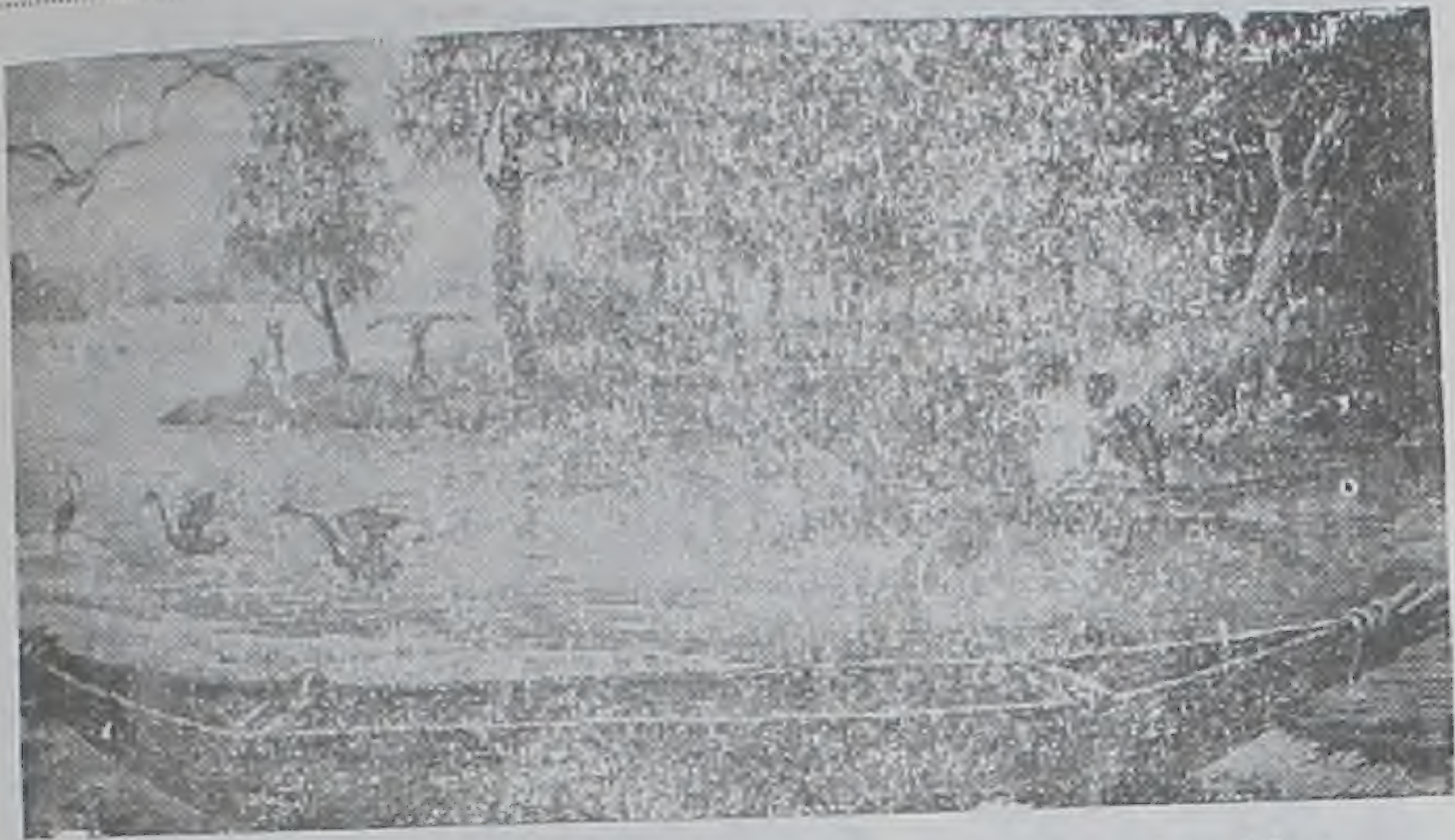
طول راه‌آهن‌سراسری ۱۳۹۴ کیلومتروعرض‌آن ۱۴۳۵ میلیمترودرطول‌آن ۹۰ ایستگاه دائراست. مرتفعترین‌نقطه راه‌آهن درشمال تونل‌کدوگ است‌که ۲۱۱۲ مترازسطح دریا ارتفاع دارد. بزرگترین پل فلزی راه‌آهن پل‌کارون دراهوازاست‌که ۱۱۰۰ مترطول و ۵۱ چشمه‌دارد ومهمترین پلهای شمال پل‌ورسك است‌که یکی از شاهکارهای صنعت پل‌سازی است‌که در ابتدا و انتهای خط‌آهن سراسری بندرشاه وبندرشاهپورساخته شده است. بعد ازاتمام راه‌آهن سراسری ازسال ۱۳۱۸ ساختمان سه رشته خط‌آهن دیگربشرح زیر شروع‌گردید ۱ـ راه‌آهن تهران به مشهد ۲ـ راه تهران به تبریز۳ـ راه‌قم به‌کاشان راه تهران بمشهد وراه تهران به‌تبریزساخته شدوراه قم به‌کاشان‌انجام‌گرفت . همچنین خط‌آهن تبریز به‌مرزایران وترکیه‌که شبکه خط‌آهن ایران رابه اروپا وصل میکند دردست ساختمان میباشد.

کشتی بخار

پیشتر گفتیم دنی‌پاپن سعی کرد ازماشین خود برای حرکت کشتی استفاده کند کشتی‌مورد نظر را هم ساخت لیکن ملوانان ازاینکار بتشویش افتادند وآنرا منهدم‌کردند.

در ۱۷۷۵ **مارکی‌کلدژوفروادابانس**[1] دست‌باختراعی زد. مقدمهٔ‌کارش ازاینجاست ، وی پای بندعشق زنی‌صاحبجمال گردیدکه **کنت دارتوا**[2] نیزبدونظرداشت اما چون‌کنت زورمندتر بود مارکی راگرفتار و درقلعه‌ای[3] زندانی‌کرد. وی درآنجا از دریچهٔ زندان که مشرف بدریا

1ـ Claude Francois Marquis de Jouffroy d' Abbons
۲ ـ Comte d' Artois
۳ـ قلعه سنت مارگریت درجزایرلرن Lérins .



در اواخر قرن ۱۸ و اوائل قرن ۱۹ بومیان استرالیا ازقایق استفاده میکردند.





دو نمونه کشتی که ازچوب ساخته شده‌اند



کشتی جنگی اسپانیولی در۱۵۸۸میلادی همراه باسفائن آرمادادرعملیات جنگی



کشتی تجارتی شراعی رومیان در۲۰۰سال بعد ازمیلاد

بود حرکت وسیر کشتیها را مشاهده ومطالعه میکرد و درباب کشتیرانی در دریای اندیشه فرو میرفت . معلوم است که درآن احوال وقت کافی هم برای اینکار داشت .

همینکه مارکی آزاد شد درحالی خانواده‌اش اورا طرد کرده‌بودند وازهر کمکی بدو دریغ میداشتند باشخصی بنام **شوالیه دکسیرین**[1] که امتیازدریانوردی بوسیلهٔ تلمبهٔ آتش(نتیجهٔ کارهای جمیزوات) داشت شریك شد . پس از کوششهای بسیار وبرخورد با دشواریهای فراوان مارکی توفیق یافت کشتی خود را روی رود **سن**[2] بحرکت درآورد . کشتی او دارای ۴۶ مترطول و ۴/۵ متر عرض بود وبوسیله دوچرخ پره‌دار بحرکت در میآمد ، کمیسیونی از دانشمندان و گروه بسیاری از مردم این‌آزمایش را نظارت میکردند فاصله بین وزوبارب[3] در یکربع‌ساعت با این کشتی پیموده شد .

از فرهنگستان علوم فرانسه کمیسیونی برای بررسی این اختراع تعیین گشت که در آن حسودان وبداندیشان کار خود راکردند وهرگونه‌آزمایش بعدی را تاخیر ثانوی موقوف‌ساختند. رفع ممنوعیت همچنان تأخیر افتاد تا انقلاب فرانسه در رسید .

مارکی که باساس‌کار خود اعتقادفراوان داشت مهاجرت‌اختیار کرد اما چندی‌بعدبفرانسه بازگشت وبا سرسختی تمام دنبالهٔکار خود راگرفت تاآنجاکه یك بدنه ازخانه خویش راخراب کرد تا برای ساختن‌کشتی دیگری جاباز کند . در ۱۸۱۶ باز موفق به‌کشتیرانی‌گردیدلیکن در ۱۸۱۹ باورشکستی ومرگ زوجه وتهیدستی روبروگشت .

هرچند عشق سوزان مارکی رهنمون وی‌دراختراع گردید لیکن‌ازبخت بدآن‌عشق‌چندان بمزاج عاشق نامراد ودلخسته سازگار نیفتاد . وی در ۱۸۳۲ بمرض وبادرگذشت وجسداو را درگودال عمومی مخصوص وبازدگان انداختند وبار دیگر ثابت شدکه بخت واقبال هم محلی را در زندگی انسان داراست .

در همین اوقات **فولتن**[4] امریکایی‌که چهره بسزا وابتکاراتی‌توجه‌کردنی درساختمان‌پلها و ماشینهای بافندگی داشت کشتیرانی با قوه بخار را بصورت امر واقع درآورد . فولتن با شخصی‌بنام **لیوینگستن**[5] شریك شد و سرمایه بازرگانی وکمك اوبا نبوغ فولتن دست بهم داده اختراع را تکمیل کردند . نخستین کشتی بخار فولتن در ۹ اوت ۱۸۰۳ روی رود سن بآب انداخته شد .

فولتن‌که زیر دریایی‌را نیز اختراغ‌کرده بود بانگلستان رفت ودرآنجاکارهای وی‌دچار خرابی شد وناچار در ۱۸۰۶ دوباره بامریکا برگشت اما بهرحال موضوع‌کشتی‌بخاردرآنهنگام امری واقع وانجام شده بود .

ماشینهای الکتریکی

ماشینهای الکتریکی با جریان دائم نخستین ماشینهایی است‌که پس ازپیل ولتااستفادهٔ علمی از برق را توسعه داد . کشف ایـن ماشینها نتیجهٔکار و کوشش اشخاصی مانند **پیکسی**[6] **پاچی‌نتی**[7] **زیمنس**[8] و بویژه **گرام**[9] بوده است .

گرام ماشینی‌القایی ابداع‌کرد که برای نخستین‌بار در صنعت بکار افتاد . این ماشین

۱ – Chevalier d' Auxiron . ۲ – Saône .
۳ – Vaise – Barde . ۴ – Fulton .
۵ – R. R. Livingston . ۶ – Pixi (در ۱۸۳۲)
۷ – Antonio Pacinétti . (۱۸۶۰) ۸ – Siemons (۱۸۶۶) .
۹ – Gramme .

بطور متقابل کار میکرد و بـارادهٔ انسان محرك یا مـولد نیرو میگردیـد . همین ماشین را **ادیسن**[۱] و **تامسن**[۲] و **دپره**[۳] تکمیل کردند وهنوز هم مورد استفاده وعمل میباشد .

هرچند انتونیوپاچی‌نتی درکار پیشقدم بوداما گرام با شکلی که به‌کلکتور ابتکاری خود داد اصلاح وبهبود علمی بسیار مهمی را پدیدآورده است . گرام‌کاشف اصل تازه‌ای نبود بلکه بوجه الهام در ضمن‌کار وبی‌توجه بروشهای علمی تحقیق‌وتدقیق توفیق یافت نخستین موتورقابل استفادهٔ واقعی را بسازد ، از اینرو گرام را باید ازجمله‌مخترعان‌زبردست و زرنك وخوش‌بخت بشمارآورد .

گرام همراه با **هیپولیت‌فنتن**[۴] «شرکت‌ماشینهای مانیتوالکتریك‌گرام» را بوجودآورد وموفق‌گردید اختراع زیبای خود را یکر است وارد بازار وعمل‌کند .

تلگراف وتلفن

در دنیای قدیم ودرکشورهای باستانی مانند ایران بوسیلهٔ افروختن‌آتش درقله‌کوهها‌و جاهای بلنداز نقاط‌دور بهم‌علامت میدادند واز خبرها آگاه میشدند ، در زمان سلاطین‌هخامنشی اینکارمعمول‌بود ونگهبانی درپستهای‌خود مراقب بودند. شاهنشاه از خبرهای مهم وپیش‌آمدهای غیر منتظر بموقع‌آگاه میشد ودستور اقدام فوری ومقتضی صادر میکرد .

یونانیها ورومیهای قدیم نیز همین روش را بکار میبردند . بومیان سرخ‌پوست امریکا بوسیلهٔ دود بهم علامت میدهند وسیاهان افریقایی ازصدای نوعی طبل (تام تام) برای‌مخابرات استفاده میکنند . اینها همه مقدمات تلگراف‌هوایی است‌که توسط **کلدشاپ**[۵] اختراع شدونخستین بار در ۱۷۹۴ برای اعلام خبرفتحی بموقع عمل‌گذاشته شد .

اما الکتریسته طریقه‌ای برای انتقال علامات بدست دادکه مطمئن‌تر ، کاملتر وانعطاف پذیرتر بود . ابتدا **کوك**[۶] سپس **ویتستن**[۷] در ۱۸۴۰ بوسیلهٔ الکتریسته مغناطیسی جریانهایی فرستادند اما یکنفر نقاش موسوم به**ساموپل‌مرس**[۸] از ۱۸۳۲ باین فکرافتادکه علامات‌رابرای همیشه درمجموعه‌ای ثبت‌کند این مجموعه شامل تـرکیبی ساده از خط و نقطه است‌که نمایندهٔ حروف‌الفبااست وبافرستادن جریانهای‌کوتاه یابلند خط ونقطه‌ها یعنی حروف را انتقال میدهند این روش امروز جهانی وبین‌المللی‌گردیده است .

تلگراف همواره روبـه تکمیل رفته و **بودو**[۹] موفق گردید علامات را بطور خودکـار چاپ‌کند .

در ۱۸۵۴ **بورسل**[۱۰] ارتعاشات‌صوتی انسانرا درهوا تبدیل بمـوجهای الکتریکی‌کرد و پایه اختراع تلفن راکارگذاشت اما **گراهام‌بل**[۱۱] است که با ساختن غشاء یا پردهٔ ناقل افتخار این اختراع را بدست‌آورد .

از هنگامی‌که تلگراف وتلفن اختراع شد نوید اختراع دیگری را نیزمیدادندکهٔ عبارت از **بلینوگرافی**[۱۲] (انتقال تصاویر) و **رادیو وتلویزیون** بود چنانکه بعد خواهیم دید .

---

۱ - Edison ۲ - Thomson
۳ - Desprez ۴ - Hippolite Fontsine .
۵ - Claude Chappe . ۶ - Cook
۷ - Wheatstone . ۸ - Samuel Morse
۹ - Baudot ۱۰ - Bourseul
۱۱ - Graham Bell ۱۲ - Belinographie

رادیو

تولید امواج الکتریسیته مغناطیسی توسط هرتز[1] و انتشار آن بزودی از جنبهٔ نظری وعلمی بمرحلهٔ علمی رسیده وتلگراف بی‌سیم از آن بوجود آمده است . کارهای علمی که تا آنگاه انجام یافته بود توسط **مارکنی** ایتالیایی مخترع نامدارمورد استفاده قرار گرفت ، درباره‌اوچنین گفته‌اند :

«شرح احوال مارکنی نمونه‌ای درخشان ازپیروزیهایی است که وی درخورآن بوداین مخترع خوشبخت تمام شرایط لازم را در خود جمع‌داشت ، میدانست چه میخواهد وهدفی راکه دنبال میکرددر نظرش روشن بود.چون حوصله وکاردانی‌وعزمی راسخ داشت جلب اعتمادمیکرد و وسایل مالی لازم را برای‌کارهای خودفراهم میآورد.»

خلاصه میتوان گفت **اندیشهٔ استفاده از امواج الکتریسیتهٔ مغناطیسی برای تلگراف در فضا مارکنی را دست بکار کرد** . وی بزودی عوامل اصلی این منظور را بدست آورد از اینقرار :

قرقره رمکرف[2] واکلاتورهرتز[3] برای‌فرستنده ،**آنتن دستگاه ارتباطی برانلی[4]** برای گیرنده ، بدینسان امواج را از چند صدمتری میتوانستند بگیرند . مارکنی در تاریخ دوم ژوئن ۱۸۹۶ حق امتیاز اختراع راگرفت .

در ایتالیا اشخاصی‌که مورد مراجعه وشور قرار گرفتند اختراع مارکنی را جدی تلقی نکردند اما اوبانگلستان رفت (درآنوقت ۲۲ سال‌داشت) ودرآنجا باگرمی‌ازاوپذیرائی کردند وکمکهای مالی باو اعطا داشتند وهم درآن هنگام لیستی برای جوایز T. S. F. درآن‌کشور گشودند .

در ۱۸۹۸ نخستین بارعملا ارتباط برقرارگردید ونخستین‌اخبار رادیویی‌را فرستادند. در ۱۸۹۹ یك تلگراف بی‌سیم دریایی‌ازدریای‌مانش به **برانلی**مخابره شد . در ۱۹۰۱ ارتباط کرس با قاره اروپا با ۱۷۵ کیلومتر فاصله برقرارگردید . پایان همان سال ، برای آنکه از ارض جدید یا نقطه‌ای‌از انگلستان‌بفاصله ۳۵۴۰ کیلومتر مخابره کنند، آزمایشی‌بعمل‌آوردند.

شرکتهای بازرگانی‌کابل زیردریائی‌که این اختراع‌کارشان را میخواباند وزیان فراوان میدیدند اخلال وکارشکنی آغازکردند لیکن کار آنها بجایی نرسید و این اختراع شگرف و نمایان‌که خدمتهای شایان بدریانوردی (وبعدها بهوا نوردی) میکرد بزودی جای خود را همه جاگشود .

درآن هنگام پیش‌بینی نمیشدکه T. S. F. مقدمهٔ پیدایش فنون شگفت‌آور **الکترونیك** میگرددکه امروز درشؤن‌گوناگون زندگانی انسان دخیل است.لازمهٔ پیشرفت در این زمینه‌آن بودکه براساس اختراعات **ادیسن ولی‌دفره**[5] لامپهای دی‌یدوتری‌ید[6] را میزان‌کنند تا تبدیل به لامپهای‌رادیو[7]گردد . همین‌لامپها است‌که‌برای برپا کردن **رله**[8] ، **فرمان خودکار[9]ماشینها، ساختن‌آلات صوتی‌مغناطیسی**[10]،**تجهیزات صوتی سینما** ، **ساختن وسایل حفاظتی وشمارش، ساختن ماشینهای حساب الکترونیك** ، **سوارکردن اسبابهای تلویزیون** و جزآن بکار میرود

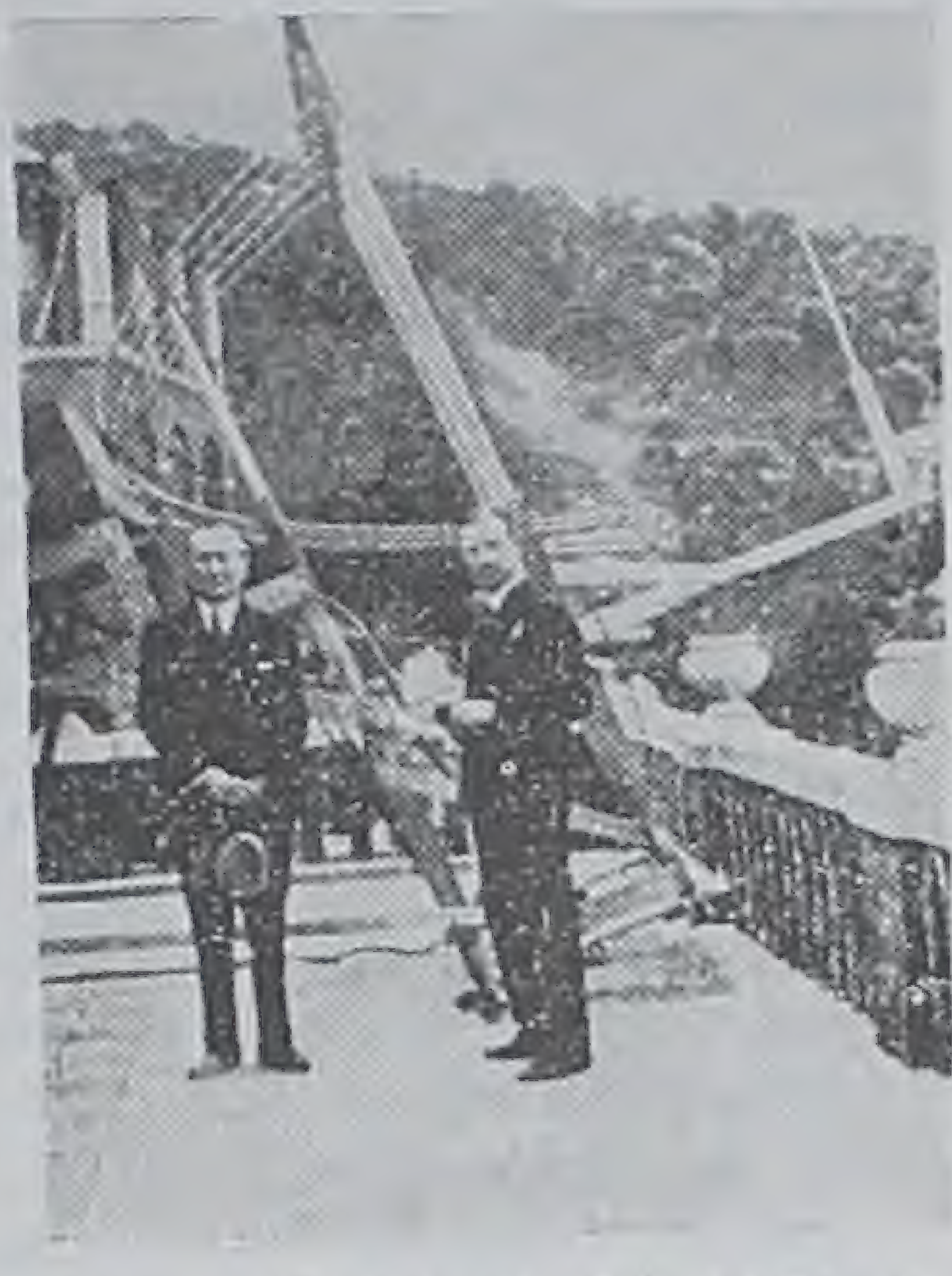
---

۱ – Hertz . ۲ – Bobine de Ruhmkorff . ۳ – Eclateuv de Hertz . ۴ – Cohéreur de Branly ۵ – Lee de Foretz . ۶ – Dioes et te triodes . ۷ – Tubes radios . ۸ – Montage des relais . ۹ - Commandes automatiques . ۱۰ – Magnétophone .

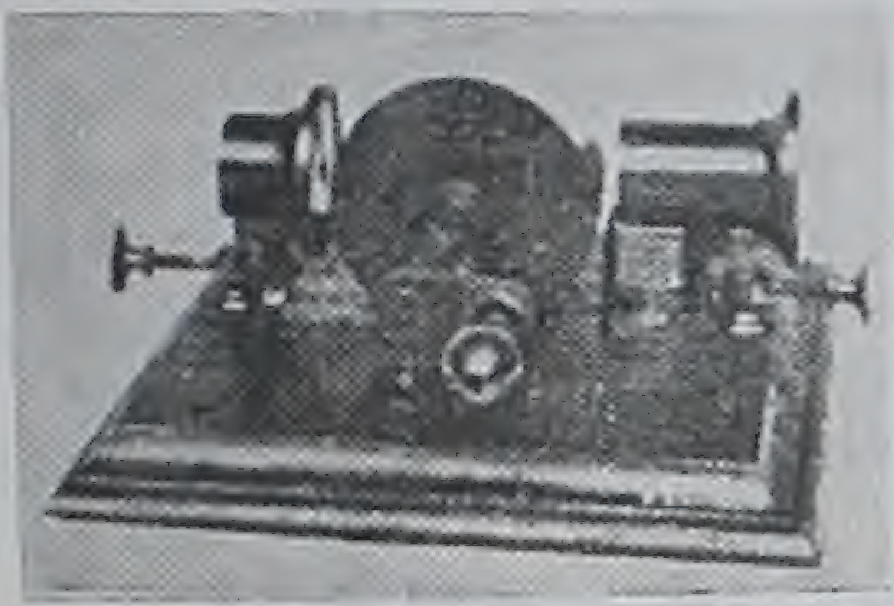
بزودی توجه پیدا شد که انتقال علامات و گفتارها بوسیلهٔ امواج در فضا کافی نمیباشد. یك دانشمند فرانسوی بنام **ادوار بلن**[۱] دست بکار انتقال تصاویر کامل ومتن نوشته‌ها و ترسیمات و عکس گردید وبدینسان صنعت **بلینوگرام**[۲] را پدید آورد ؛ وی از کسانیست که ازجمله مخترعان تلویزیون ورادار بشمار میرود . بلن سپس اندیشید که با همین روشهای فنی امواجی بکرهٔ ماه فرستند که پس از آن بزمین منعکس گردد (پاریس ماه ـ ملبورن) این امر چیرگی انسان را برای عملی ساختن انتقال امواج رادیوالکتریك ثابت میکند . برای یك تن بشر قرون وسطایی یا فردی بدوی که از تمدن عد نی بی‌خبر است تلگراف بی‌سیم و عملیات بلینوگرام بی‌گمان اختراعاتی حیرت‌آور وخارق جلوه‌گر خواهد شد .



ماشین گرام بل در ۱۸۷۵



در ۱۹۳۰ مارکنی (چپ) دستگاه بی‌سیم را اختراع کرد



فنوگراف اختراع توماس ادیسون

اتومبیل

هرگاه عرابه‌ای سه‌چرخ وخشن که درجلو آن ماشین بخار حجیمی قرار دارد در نظر آورند پدربزرگ اتومبیلهای امروزی را خواهند شناخت. این عرابه که آنرا **فاردیه**[۳] مینامیدند امروز در موزهٔ پیشه وهنر پاریس[۴] موجود است . ومیتوان آنرا از نزدیك مشاهده کرد این اسباب توسط **کونیو**[۵] ساخته شده است . میگویند هنگام نخستین ... وآخرین آزمایش در ۱۷۶۸ این وسیلهٔ نقلیه یکمرتبه ازجا کنده شده ودیوار مقابل را فروریخته است .

---

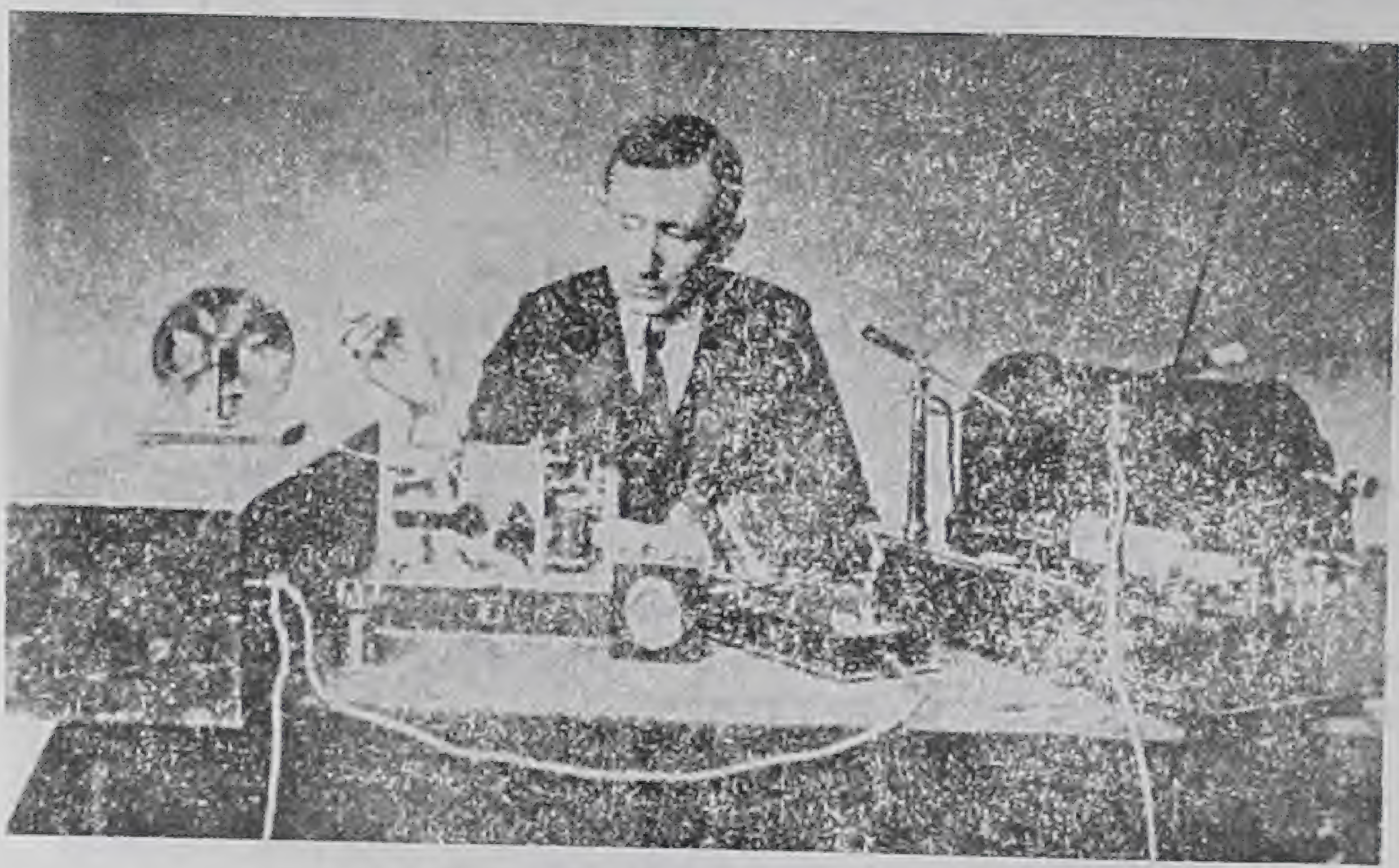
۱ – Edouard Belin .
۲ – Belinagramme .
۳ – Fardier .
۴ – Museé d' Arts Métieus .
۵ – Cugnot .



گراهام‌بل در اولین روز آزمایش

عرابه «کونیو» ساعتی ۴ کیلومتر راه میپیمود اما بادیگ بخار آب بیش ازیکربع ساعت حرکت خودکار ممکن نبود. با وجود آنکه کونیو نمونهٔ دیگری هم ساخت اما این نمونه‌ها جز برای نگاهداری در موزه بکار دیگری نیامد. اما این امر مانع از آن نیست که بگوئیم کونیو راه باز کرده و پیشقدم بوده است و با تکمیل موتور ومواد و مصالح بعدها نتیجه گرفته شده است

در ۱۷۷۳ آمده بوله[۱] اتومبیل بخاری اختراع کرد که محور چرخهای جلو روی درمحور دیگر قرار میگرفت ودر پیچ و خم راه وجاده تأثیر فرمان چرخهای جلو وضع مناسب و درستی پیدا میکرد



مارکنی در ۱۸۹۶ درسن ۲۲ سالگی درمقابل نخستین گیرنده اختراعی خود.

۱ - Amédeé Bollée .

در ۱۷۸۵ **دملر**[۱] یك کالسکهٔ نفتی ساخت و با مهندسی بنام **لواستر**[۲] شریك شدند ودر ۱۸۹۰ کاربوراتور باسطح ثابت رااختراع کرد. درهمان سال مهندس دیگری بنام **لئون سرپله**[۳] دیگ بخارمنفجر نشدنی(نترك) را ابداع کرد وساخت . پس ازآن یکرشته تکمیل توسط جمعی ازمحققان درکاراتومبیل صورت گرفت ازجمله **کارل بنز**[۴] در۱۸۹۶ نخستین کالسکه اتومبیل را که پدربزرگ تاکسی های امروزی است درپاریس بحرکت درآورد.

نام **مارکی البردودیون**[۵] راهم باید برد. وی در ۱۸۸۹ موتور ستاره‌ای، شکل دارای استوانهٔ گردان ودر۱۸۹۹ انتقال حرکت بوسیلهٔ دوصفحهٔ متمایل را ابداع کرد. **رنه پانار**[۶] در ۱۹۰۷ موتوربی دریچه را ساخت. **هانری فرد**[۷] درامریکا نمونه اتومبیل جهانگردی را پدید آورد. **لوئی رنو**[۸] فرانسوی در۱۸۹۹ آلتی برای تغییرسرعت اختراع کرد وهمچنین....

اگربخواهیم ازکلیهٔ مخترعان چه معروف و چه گمنام و صاحبان صنایع چه خوشبخت و چه بداقبال که اتومبیل را بصورت امروزی بااین پایه ازتکمیل پدید آوردند نام بریم سخن بدرازاخواهد کشید. بااینحال برخی‌ازاین اختراعات که راه رسیدن باتومبیلهای کنونی رانشانه گذاری کرده است توجه کردنی و نام بردنی میباشد . **فرنان فر**[۹] که بسال ۱۸۵۱ در کلرمن بدنیاآمد هم خود را مصروف ساختن موتورکرد. وی نخست ازموتورهای افقی کار راآغاز کرد بعد موتورهای قائم سپس موتورهای ۲و۴و۶ سیلندر را پدیدآورد؛ کاردیگراواینکه دریچه‌های خودکار را تبدیل بدریچه‌های‌فرمانی کرد. طریقه روشن‌کردن ماشین رابا قرقره وجسم لرزان وبعد باماگنت رااویافت . بین سالهای ۱۸۸۵ و۱۸۹۹موتور۳۲ سیلندرشعاعی وموتورمرکب ۵ سلندری رابوجودآورد.

همینکه‌اتومبیل‌سازی رونق‌گرفت فره یقین کرد که صاحب مکنت وثروت‌سرشاری‌خواهد شد.. اماسازندگان ماشین‌کارهای سابق‌را ندیده گرفتند وآنچه را خود درنظرداشتند درساختن اتومبیل بکاربردند. درحالی‌که فره بیست سال بود ماگنت استعمال میکرد دارندگان اتومبیل رنج روشن‌کردن ماشین بااجسام سوزنده رابرخود هموارمیکردند،

باتمام این احوال فره دلسرد نشد ودرسال ۱۹۰۶ **انحراف مدخل و مخرج دریچه‌ها رانسبت بنقاط متحرك** اختراع کرد. حق آنستکه بگوئیم‌فره مخترعی‌بانبوغ‌وپدرموتورانفجاری بشمارمیرود .

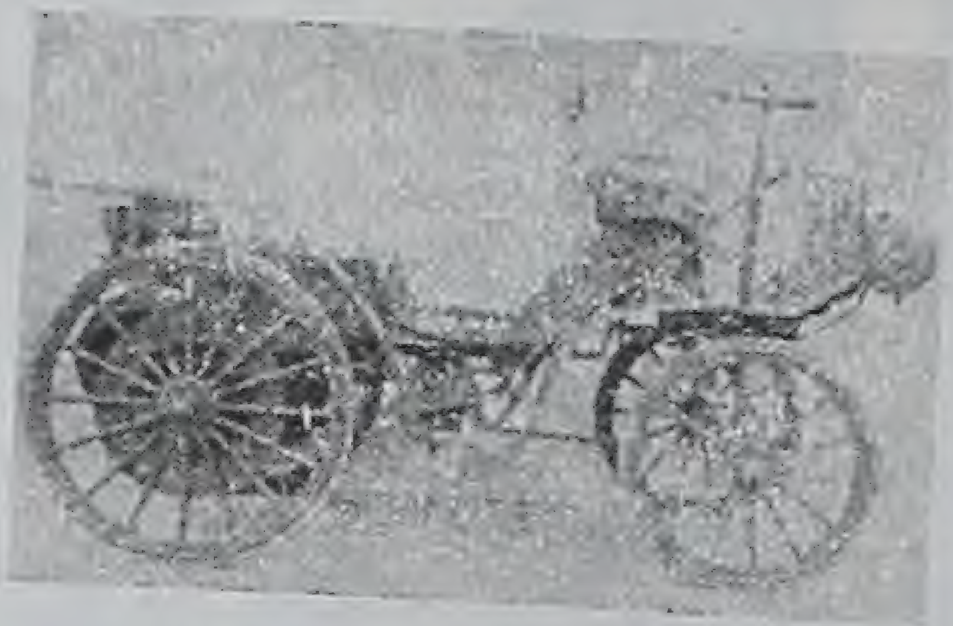
در زمینهٔ بجلوراندن باکشش **رودلف دیزل**[۱۰] آلمانی (در۱۸۵۸ درپاریس متولدشد) موتورسوختی را اختراع کردکه بنام وی معروف‌است. **کترنیگ** هم کارهایی‌برای‌کشش(رانش) با اتومبیل‌انجام داد وطریقهٔ روشن‌کردن ماشین بوسیلهٔ باتری را بنام **دلکو delco** ابداع‌کرده است .

طریقهٔ رانش با واکنش موضوعی بودکه **اپل**[۱۱] کوشش بسیار راجع بدان کرد همچنین رانش بوسیلهٔ توربین بسیاری اهل تحقیق را مشغول داشت اما تحقق این امر مربوط بکارها و اختراعات دسته جمعی بود واختصاص باتومبیل‌هم نداشت بلکه مربوط به‌تکنیك عمومی هرنوع وسیله بودکه رانش وکشش درآن منظورباشد

کترنیگ راجع باجسام ضد انفجار بنزین و جعبهٔ نیمه خود کار سرعت و مقداری

۱– Gottlieb Daimler. ۲– Levassor .
۳ – Léon Serpollet. ۴– Carl Benz.
۵– Aldert be Dion ۶– René Panhard.
۷– HenryFord . ۸– Louis Renault.
۹– Fernaad Forest .
۱۰ – Rudolf Diesel ۱۱ – Opel.

تکمیلات دیگری بررسیهای فنی کرده و وسایلی در نظر گرفته بود باابنهمه باید گفت مخترعان دارای حق امتیاز بسیار بودند که باهم رقابت میورزیدند کترنیگ همیلک تن از آنجمله بود. یکی ازهمین مخترعان رنو معروف دارای ۷۰۰ اختراع دراین زمینه‌ها بود ازجمله بریز مستقیم ، روشن کردن مضاعف توسط ماگنت وباتری ومیرا کنندهٔ ارزش هیدرولیکی وغیرآن.



دایملر ۱۸۹۵ پیشرو سرعت آلمانی

آنچه گفته شد چند مثال از کارصدهامخترع وهزاران اختراع است که ترقیات فنی ورونق کاراتومبیل‌را بپایه ومایهٔ امروزی رسانیده و صنعتی نیرومنداز آن پدیدآورده است، چنانکه پیشتر هم اشاره شد باشیوه نوین زندگی در عصر اتومبیل زمان و مکان ارزش پیشین خود را ازدست داده اماکار بهمین جاپایان نیافته است رانش بوسلیه واکنش باساختن هواپیمای جت وموشکهای قاره پیما وفضاپیما از صورت قضایای علمی ونظری وارد مرحلهٔ عمل گردیده است ازسوی دیگر موضوع اینکه نیروی اتم جانشین نیروهای محرك پیشین گردد خود بحثی جداگانه است که مجال گفتگو دربارهٔ آن در اینجا نیست .

تلویزیون

درعصر کنونی رونق بازارتلویزیون نیز بترقی وپیشرفت رادیو افزوده شده است. فکر تلویزیون قدیمی است و آغاز این فن راباید از زمان کشف یك تن فیزیك دان بنام **می**[1] در **۱۸۷۳** دربارهٔ خواص مقاومت درمقابل عکس سلنیوم[2] دانست که بنابراین خاصیت تصویرهای نورانی را به نیروی الکتریك تبدیل میکند.

در **۱۸۷۶ کاری**[3] سیستمی از تلویزیون پیشنهاد کرد که بااستفاده ازاصل یادکرده نمونه‌ای بطور تقلید ازچشم انسان بوسیلهٔ ترکیبی ازسلولهای کوچك فتوالکتریك سلنیوم درست میکرد. آزمایشهای بسیار کردند تا **صفحه نیپ‌کو**[4] راپدیدآوردند. این اسباب درحالت خیلی ساده از صفحه‌ای تشکیل میشود که دارای یك ردیف سوراخهای مارپیچی است وپس از یك دور گردش تغییرجای آن باارتفاع تصویری که میخواهند متصل کنند تطبیق پیدا میکند. به بیان دیگر باید گفت تصویر راچند جزء قسمت میکنند ونورهرجزء را پس ازتبدیل بجریان الکتریك انتقال میدهند؛ درپست گیرنده ، دستگاه بعکس عمل میکند. اصل انتقال تصویرعامل تازه‌ای راپدید آورد که سپس مورد استفاده قرارگرفت ازینقرار که هم درپست فرستنده وهم در پست گیرنده **لوله‌های اشعهٔ کاتودیك**[5] را مورد استعمال قراردادند.

تکمیلات پی‌درپی که دراین اصول بعمل آمد منتهی باختراع **ایکونوسکپ**[6] توسط دانشمند امریکایی **زوریکین**[7] که اصلا روس بود گردید . این اسباب امروز بمنزلهٔ چشم فرستندهٔ رادیو است وتصویررا درون صفحهٔ ظریف موزائیك خودکه نسبت بعکس حساسیت داردضبط میکند .

تلویزیون‌اختراعی‌است کاملاالکترونیکی واختراعات‌دیگری درزمینهٔ‌رؤیت‌الکترونیکی ازآن متفرع گردیده است مانند میکرسکپ وتلسکپ الکترونیکی . بااین وسایل میتوان‌اشیاء رابی اندازه بزرگ کرد ویا درتاریکی چیزها رادید.

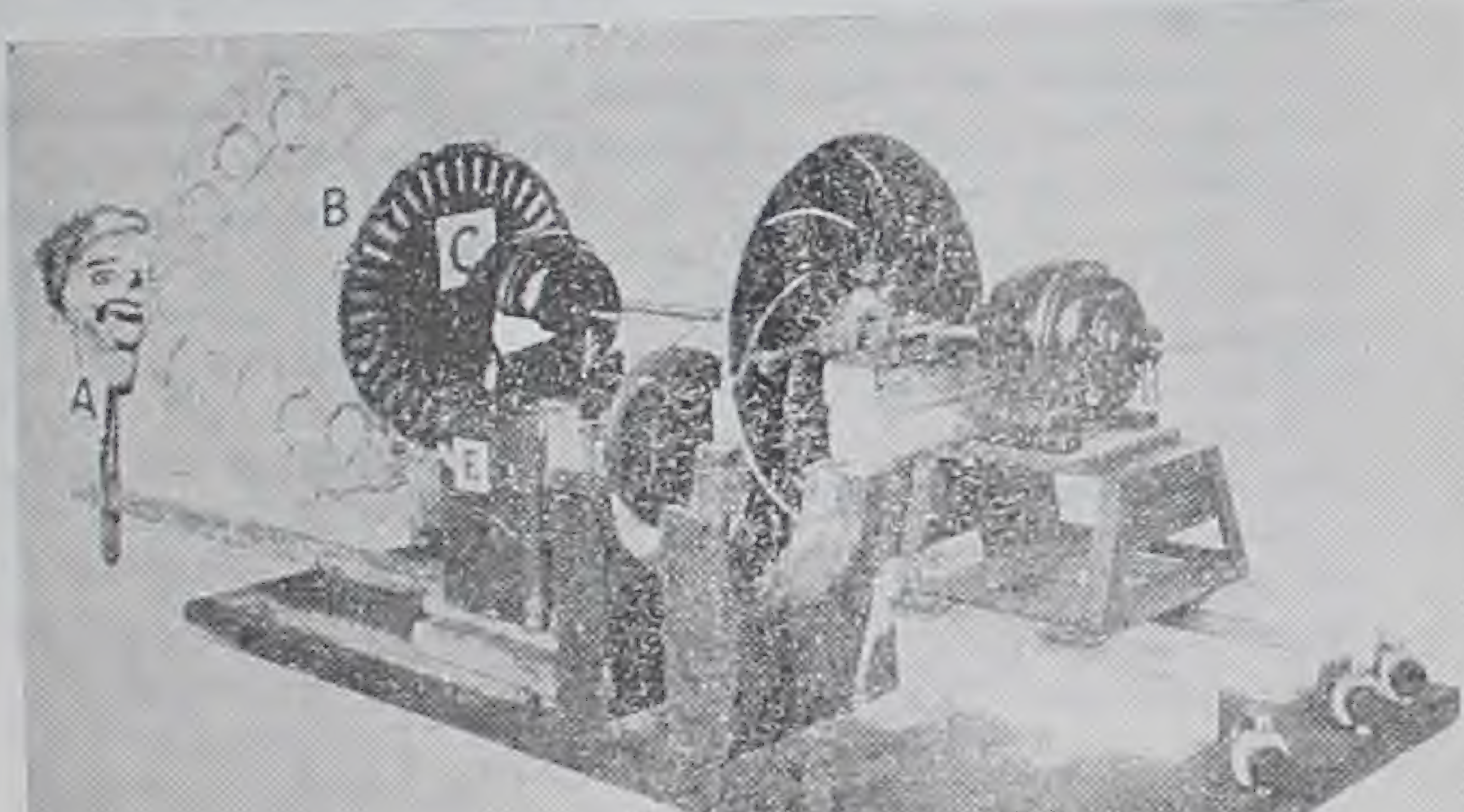
1- May . 2- Sélenium .
3- Carey . 4 - Dispue de Nipkow .
5 - Oscillographes 6- Iconoscope . 7- Zworykin .



یک رصد خانه آمریکائی که در علم کیهان‌شناسی بکارمیرود.



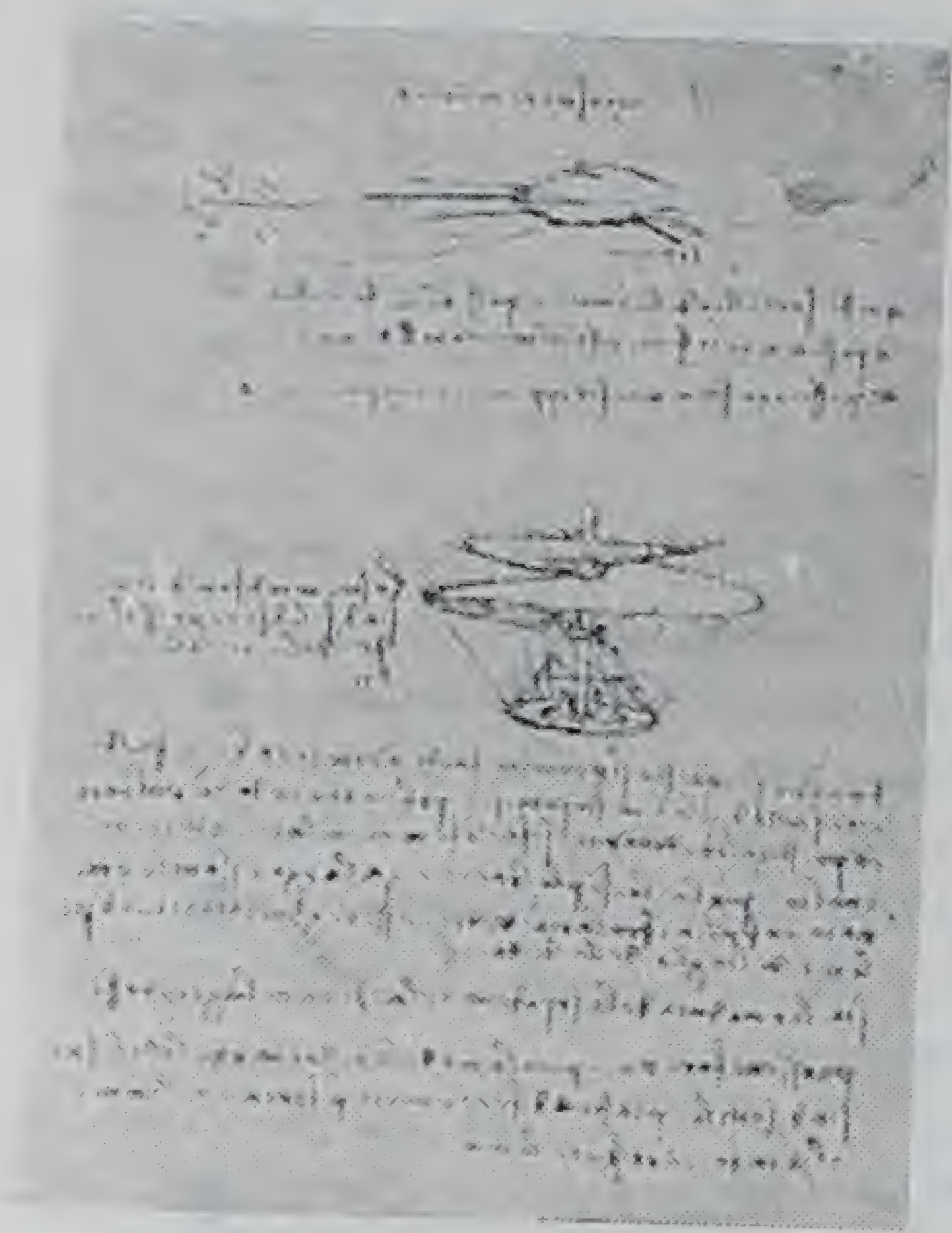
رادیو تلسکوپ بزرگ و مدرن عصر حاضر که درعلوم کیهانی بکارمیرود.



صفحه نیپ‌کو که روی یکی از نخستین دستگاههای تلویزیون برد بکاربره شده‌است

هواپیما

چگونه پروازمیکند؟ چگونه اختراع شده است ؟
تاریخچه تکامل هواپیما باختصار



نمونه نوشته لئوناردوداوینچی
درباره‌پرواز

● اندیشه پرواز به آسمانها ورهائی یافتن از زمین‌ازدیرباز درمخیله آدمی وجود داشته است . در افسانه‌های اساطیر یونان و و روایات بسیار باستانی این آروزی دیرین بشر بخوبی مشاهده‌میشود. درکتابها آمده است که یکی ازامپراطوران باستانی چین اژدهای بزرگی ازپارچه مخصوصی ساخت ودرون آن را ازدودگرم‌پرکرد ودربرابرچشمان متحیر رعایای خویش اژدها رابه‌آسمان فرستاد.

● بطور کلی در تاریخ هرکشوری نظائراقدام‌این‌امپراطور چینی مشاهده‌میشود، شاید نخستین کسیکه عملا دراین راه کوشش مثبتی‌کرد و امکان پرواز را وسیله بالهای مصنوعی ویااسباب‌وادوات مکانیکی ثابت‌نمود «لئوناردو داوینچی» بود.

● لئونارد دواینچی‌نقاش مجسمه‌ساز فیزیکدان،فیلسوف، طبیب ودانشمندایتالیائی نیازی به معرفی ندارد. وی زمانی مدعی شد که توسط بالهای متحرك مصنوعی میتوان مانند مرغان در آسمان پروازکرد و یالااقل ازمکانهای مرتفع‌به‌آسانی وبی‌خطرفرودآمد، اندیشه وی را یارانش به باد مسخره گرفتند ولی او پس از مدتی آزمایش موفق شد دستگاه‌کوچکی بسازدکه مرکب از دو بال و یك بدنه و یك سکان بود، «لئوناردو» دستگاه خود را ازمکان مرتفعی بپائین رهانمود. این دستگاه که در حقیقت پدر بزرگ هواپیما های امروزی بود پس از طی خط سیرطولانی به آرامی برروی زمین نشست.

● چندی بعد لئوناردو درسال ۱۵۰۰ دستگاه خود راکاملترنمود بدین معنی‌که بوسیله یك فنرکه حرکات‌ملایمی به بالهای دستگاه اختراعی میداد موفق شدآنرا مدت بیشتری درهوا نگاه دارد ولی‌البته‌کسی باآن پروازنکرد واطرافیانش دستگاه را خردکرده استاد رارنجیده خاطرساختند واز ادامه این‌کارمنصرف نمودند.

● اگرچه لئوناردو کار خود را ادامه نداد ولی پس از وی دیگران طرح او را دنبال کردند، عده زیادی از افراد جسوراظهارمیداشتند.

چگونه پرندگان با بالهای خود درهوا پرواز میکنند وبزمین سقوط نمیکنند ؛ ما نیز میتوانیم با تعبیه دستگاهی شبیه بال پرندگان ویابادبادك لئوناردو درهواسربخوریم . بالهای دستگاه میتواند ما را روی هوا نگاه دارد.

در سال ۱۶۷۸ بسینه فرانسوی بـا تعقیب فکر لئوناردو دستگاه دیـگری ساخت که بالهایش توسط انسان حرکت میکرد وی در این کار یعنی پرواز موفق نشد .

● در سال ۱۷۸۴ بین و نو فرانسوی دستگاهی ساخت که بالهایش شبیه پروانه یافرفره بود . این دستگاه نیز میتوانست مدت زیادی در هوا باقی بماند و سقوط نکند .

● در سال ۱۸۴۳ هنسون آلمانی دستگاهی ساخت که دارای دوبال بسیار بزرگ ، یك سکان ویك اطاقك کوچك برای حمل انسان بود . این دستگاه که نسبتاً کاملتر از دستگاههای قبلی بود میتوانست کم وبیش مانند هواپیماهای بی‌موتور عمل کند . بدین ترتیب که آن را با زحمات فراوان به مکان مرتفعی میبردند وهنگام وزیدن باد مناسب آن را بسوی جلو پرتاب میکردند . دستگاه سبك حتی با داشتن یك سرنشین درهوا چرخ میزد و به آرامی برروی زمین مینشست.

● موفقیت هنسن دراین راه توجه عده زیادی ازمحققین را جلب کرد وازاین تاریخ به بعد متوجه شدند که ممکن است دستگاه کامل تعبیه کرد که از مکانهای مرتفع درفضا رها شود و مانند پرندگان برروی هوا بلغزد بدون این که سقوط آنی دربی داشته باشد ولی ماندن درهوا وادامه پرواز مشکل بزرگی بود که حل آن بنظر هیچکس نمیرسید ازسوی دیگر همین اختراع تکمیل شده هنسن نیز معایب فراوانی داشت ودیگران که کاروی را تقلید کردند فدای بلندپروازی خود شده سقوط کردند وجان شیرین ازدست دادند .

● در حقیقت علت ادامه نداشتن پرواز این بادبادکها در هوا یکی سنگینی آنها بود دیگر آنکه محور ثقل دستگاه کامل نبود و بهمین علت آنطوریکه پرندگان میتوانند پرواز آزاد داشته باشند دستگاه اختراعی نمیتوانست این کار را انجام دهد .

● رفته‌رفته محققین دریافتند که برای این بادبادکها یا هواپیماهای بی‌موتور لازمست محور ثقل ترتیب داد محور ثقل هواپیما که امروز برای هردانش‌آموز روشن است وشاید بسیاری از افراد عادی اجتماع نیز آنرا میدانند درزیر بالها واقعشده است اما یافتن آن برای جویندگان بیش از ۷۰ سال بطول انجامید .

● پس از هنسون پنو فرانسوی در سال ۱۸۷۱ هواپیمای دیگری ساخت که بسیارسبك بود ومدتها میتوانست درهوا باقی بماند .

● پس ازپنو افراد دیگری درکشورهای مختلف دست به تکمیل این اختراع زدند تا آنکه سرانجام در سال ۱۸۰۱ لیلیان‌تال انگلیسی موفق شد بال پرنده بسازد . این بال پرنده که شبیه بالهای یك خفاش بزرگ بود میتوانست یك سرنشین با خود حمل کرده ومدت زیادی در فضا باقی بماند . جنس این بالها از ابریشم وفوق‌العاده سبك ومحکم بود ومحور ثقل آن نیز کم وبیش در محل مناسبی تعبیه شده بود . اختراع لیلیان‌تال باآنکه موفقیت‌آمیز بود ولی سرانجام بعلت فنی کوچك مخترع خود را به هلاکت رسانید .

● پس ازلیلیان‌تال مخترعین دیگری سالها در این راه آزمایش کردند تا سرانجام در سال ۱۸۹۶ شانو فرانسوی موفق شد یك هواپیمای بی‌موتور کاملی اختراع کند . این هواپیمای بی‌موتور دارای دوبال یك سکان متحرك ویك محور ثقل صحیح بود وسرنشین آن میتوانست با خیال راحت درآن به‌نشیند وازمکان بسیار مرتفعی در هوا رها شود وبمیل خود سکان راحرکت داده بسیر هواپیما تغییر جهت دهد وبهمین‌نحو وزش بادنامناسب راکنترل کند. این‌هواپیما در حقیقت پدر هواپیماهای موتوری‌دوبله است.جنس آن ازابریشم وآلمینیوم وچوبهای فوق‌العاده سبك ومحکم بود .

● از این‌هنگام به‌بعد اختراع هواپیمای بی‌موتورتکمیل شد وبردانشمند ومردم‌عادی محقق شدکه با ساختن یـك دستگاه سبك و وسیع که سطح بسیار زیادی را در فضا اشغال کند

میتوان تا مدتی در فضا باقی بود و یك انسان نیز همانطوریکه پرندگان میتوانند در پرواز آزاد بدون حرکت دادن بالهای خود در فضا باقی بمانند ، درآسمان باشد بدون اینکه سقوط کند .

● اکنون اساس هواپیما کشف شدو بمرحله‌عمل درآمده بود . همه میدانستند جسم‌مسطح سبك و وسیعی که دارای شکل منظم ومحورثقل معین باشد میتوانند برروی ذرات هوا بلغزد. در حقیقت ذرات هوا از سقوط آنی این دستگاه بواسطه تماس با سطح وسیع آن جلوگیری میکردند .

● ولی بلند پروازی انسان ارضاء نمیشد . همه میخواستند این بادبادك آرام کند روکه فقط براثر وزش باد ویا از مکان‌های مرتفع حرکت میکنند دارای حرکت سریع بوده بمیل سر نشینش ببالا وپائین وچپ وراست وبالاخره ازمکانی به‌مکان دیگر برود .

● شاید نخستین کسانیکه موفق‌شدند هواپیمای‌بی‌موتور یا بادبادك هوائی را نیرو داده با سرعت وبمیل سرنشینش درفضا به پرواز درآورند برادران رایت‌آمریکائی بودند . برادران رایت پس از سالها آزمایش در تاریخ ۱۹۰۳ موفق شدند موتورکوچکی بروی بادبادك هوائی نصب کنند وبمحور این موتور پروانه‌ای که عیناً شبیه یك فرفره بود متصل سازند و در نتیجه هواپیما را براثرگردش فرفره با استفاده ازنیروی موتور درهوا بپرواز درآوردند .

● با اینکه پیش ازبرادران‌رایت موتورهای‌نفت‌سوز اختراع شده بود ولی فکراستفاده ازپروانه(هلیس) برای‌شکافتن هوا وپیش‌بردن هواپیما به‌اندیشه کسی‌خطورنکرده بود. آنهائیکه میخواستند هواپیما را با سرعت درفضا بحرکت درآورند همه سعی‌داشتند با استفاده ازحرکت دادن بالها این‌کار را انجام دهند زیراآنهامیخواستند عیناً از پرندگان تقلید کنند ولی‌کوشش مخترعین در این‌راه بجائی نرسیده‌برهمه‌ثابت شدکه فکر برادران‌رایت یعنی استفاده ازپروانه برای پیش‌بردن هواپیما در هوا صحیح‌ترین اندیشه‌هاست .

● پس از برادران رایت کورتیس امریکائی درسال ۱۹۰۸ اختراع رایت را تکمیل کرد وبا قرار دادن چند چرخ‌کوچك در زیر هواپیمامسئله فرودآمدن وبرخاستن را حل‌کرد وبدین ترتیب ازآن سال‌به‌بعدمخترعن در تکمیل این ماشین‌کوشیدند وبعد از اختراع‌لئوناردو-داوینچی سرانجام پس ازچهار قرن تجربه ، آزمایش و زحمت ماشین هوائی اختراع شد و به آسمان رفت .

● اکنون باآنکه هواپیماهای‌جت اختراع شده ولی‌بسیاری‌ازهواپیماهای جهان‌براصول همان اختراع برادران رایت ساخته میشود بدین معنی‌که پروانه هواپیما براثر نیروی موتور با سرعت میچرخد وعیناً مانند پیچی‌که در چوب‌پنبه سربطری فرومیرو: درهوافرومیرود وچون‌به بدنه هواپیما وصل است‌خود وهواپیما را بطرف جلوپیش میبرد . مانند پیچ سربطری‌که دراثر چرخاندن درچوب‌پنبه فرو میرود وقتی پروانه درهوا پیش رفت با فشار زیاد هوا را بزیر بال میزند، سکان‌یابا له‌عقب‌فشارهوارانگاه داشته سرهواپیمارابسوی‌آسمان متمایل‌میکند. براثرادامه این‌کارهواپیما به‌حرکت درآمده به‌هوامیرود ومانندکسیکه درآب شنامیکند وآبها را بزیربدن خودمیلرزاند پروانه نیز درآسمان هوا را بزیر بال وبدنه هواپیما لغزنده پیش میرود .

● هواپیمای جت‌که پروانه نداردگاز حاصل از سوختن بنزین یا نفت را با شدت زیاد به‌عقب میراند . فشارگازکه درحقیقت بصورت انفجار است کسیکه پای خود را درآب به بدنه استخر بزند بدنه هواپیما را به جلومیراند . با ادامه این‌کار هواپیمای جت به پرواز خود در فضا ادامه میدهد .

● اکنون هواپیمائی ساخته‌اندکه بیش از دوهزار کیلومتر درساعت پرواز میکند . حد

متوسط سرعت هواپیما درساعت ۸۰۰ کیلومتر است .
حداقل‌آن نیز برای یك هواپیمای کوچك سبك ۱۸۰ تا ۲۰۰ کیلومتر در ساعت است بدینمعنی که اگر هواپیمائی کمتر از ۱۸۰ کیلومتر درساعت حرکت کند سقوط کرده به‌زمین‌میافتد مگرآنکه بی‌موتور بوده بواسطه سبکی فوق‌العاده بتواند درفضا باقی‌بماند .

هلیکوپتر

چه‌کارهائی انجام میدهد وآینده‌آن چگونه است

هلی‌کوپتر وسیله نقلیه‌موتوری تازه‌ایست که‌کارآن وخدماتیکه‌میتواند انجام دهد ازتمام وسائط نقلیه دیگر اعم از زمینی‌وهوائی ودریائی دلچسب‌تر است . این ماشین میتواند عمودی بالا برود وپائین بیاید وبه پهلوی راست یا چپ وهم به جلو با هرسرعتی‌که راننده میل دارد در حدود قدرت موتور خود پرواز‌کند وحتی قادر است در فضا بعقب حرکت نماید .
هلیکوپتر میتواند درفضای کوچکی که تنها کمی بزرگتر ازشعاع پروانه‌های‌آن باشدپائین آید ودرهمانجا دوباره پروازکندگاراژآن ممکن است روی پشت بام اسفالتی باشد وازهمانجا بلند شود وبجای خود برگردد .
هلی‌کوپتر در واقع درسلسله وسائط حمل ونقل شکاف بین وسائل نقلیه سطح زمین‌ودریا را با وسائل نقلیه هوائی یعنی هواپیما پرکرده وحدوسطی‌است بین وسائط نقلیه هوائی وزمینی ومیتواند خود را با هرنوع شرایط مزبور به حمل و نقل ازلحاظ سرعت وسمت حرکت و غیره وفق دهد .
هلی‌کوپتر قدرت خود را از پروانه‌ها یا بالهای دوارکسب میکندکه هم سبب بلند شد آن از زمین وهم باعث حرکت‌آن بسمتی‌که رهبری میشود میگردد .
این وسیله میتوانند با اطمینان وبدون‌خطر وبدون بکار بردن قوه یعنی درحال خاموشی موتور بواسطه همان حرکت اتوماتیك تیغه‌ها آهسته به زمین فرود آید وقابلیت نشستن در یك زمین‌کوچك درمقام مقایسه با تمام وسائط نقلیه مزیتی‌خاص به‌آن بخشیده است . ضمناً وظایف هلی‌کوپتر را سایر وسائطنقلیه‌نمیتوانند انجام دهند. کارهای هلیکوپتر مثل سایر وسائط نقیله محدود بخطوط زمینی یا هوائی نیست بلکه بالای سر وسائل موتوری زمینی و زیرپای وسائط نقلیه هوائی نیز فعالیت میکند .
اختراع وتکمیل هلی‌کوپتر برخلاف وسائط نقلیه تاریخچه خیلی‌کوتاهی دارد و اولین بارهلی‌کوپتر درامریکا درسال ۱۹۴۰ بپرواز درآمد .
این مرغ خوش‌پرواز از قرنها پیش‌ایده‌آل مخترعین وسایرافرادبشر بوده وامروزنه‌تنها خدمات مختلفی انجام میدهد بلکه برای حمل ونقل بازرگانی نیز بکار میرود هلی‌کوپترهم‌در جنگ وهم در صلح آینده درخشان‌تری خواهد داشت و روزبروز بیشتر جای خود را درمیان وسائط حمل ونقل بازمیکند .

فرق هلی‌کوپتر با هواپیما

۱ ـ هواپیما بواسطه بالهای ثابت وقدرت تحرك به‌جلوکه ازپروانه یا جت‌کسب میشود بپرواز در میآید . هلی‌کوپتر بلند شدن‌خود را مدیون تیغه های‌گردنده افقی بالای اطاق‌است.
۲ ـ هواپیما برای اینکه در هوا بماند وسقوط نکند باید همیشه سرعتی روبه‌جلوداشته

باشد . اما هلی‌کوپتر محتاج باین سرعت نیست ومیتواند درهوا بایستد .

۳ ـ هواپیما به نسبت بزرگی خود برای‌پرواز میدان بزرگ میخواهد و مانعی هم‌نباید سر راهش باشد . هلی‌کوپتر محتاج به میدان پرواز نیست مانعی هم سر راه خود ندارد چون عمودی بلند میشود .

۴ ـ هواپیما هنگام طوفان وخطر وتاریکی هوا میدان وسیعی لازم دارد و باید بطبقات بالاتر پروازکند واحیاناً بخطر میافتد .

اما هلی‌کوپتر هنگام خطر پائین‌تر آمده در زیر طبقات ابروطوفان بحرکت خود ادامه میدهد ودرحال خاموشی بسهولت بزمین می‌نشیند .

هلی‌کوپترچگونه پروازمیکند ؟

برای پرواز به‌بالا تیغه‌های پروانه را طوری مایل میکنند که هوا بطرف پائین میراند وهلی‌کوپتر را بالامیبرد .

برای پائین‌آمدن عمودی پروانه هارا طوری مایل میکنندکه هوا را بطرف بالا رانده و هلی‌کوپتر را پائین میآورد .

برای بجلو راندن هلی‌کوپتر تمام دستگاه پروانه را قدری بطرف جلو تمایل میدهد .

هرگاه سرعت پروانه دم هلی‌کوپتر راکم وزیادکنند هلی‌کوپتر بدور خود میچرخد .

مایل کردن دستگاه پروانه بطرف راست یا چپ هلـی‌کوپتر را به بهلو راست یا چپ حرکت میدهد .

ترکیب سرعت مناسب موتور با زاویه مناسب پروانه ها سبب توقف هلی‌کوپتر در هوا میشود .

خدماتی‌که هلی‌کوپتر انجام میدهد

مسافربری هوائی بسلامت واطمینان خاطر حمل پست وکالاهای بازرگانی .

انجام‌کار تاکسی‌ها در داخل شهر .

کمك به پلیس هنگام بروز حوادث .

حمل ونقل ونشر روزنامه ومجله .

نقشه برداری ومساحی از اراضی وباغها وساختمانها .

پاره‌ای ازاختراعات مهم ونام مخترع هریك

نام مخترع	سال اختراع	مخترع	ملیت
اتومبیل با نیروی بخار	۱۸۸۹	روبر	آمریکائی
اتومبیل‌با استارت خودکار	۱۹۱۱	کترینگ	«
اتومبیل با ماگنت	۱۸۹۹	دایملر	آلمانی
اتومبیل‌گازوئیلی	۱۸۸۷	دایملر	«
اتومبیل برقی	۱۸۹۲	مورین	آمریکائی
اتومبیل‌گازوئیلی (تکمیل ساختمان)	۱۸۹۴	کرپ	آلمانی
الکتروموتور	۱۹۳۹	الکساندرسون وادوارد	آمریکائی
آلمینیوم استخراج با برق	۱۸۸۶	هال	«
اژدر ـ با پروانه	۱۸۶۸	وایت‌هد	انگلیسی
اژدر ـ هدایت شونده	۱۸۷۶	برنان	«

اختراع	سال	مخترع	ملیت
اژدر ـ ساده	۱۸۷۶	بوشنل	آمریکائی
آبکاری برقی	۱۸۰۵	بروک ناتلی	ایتالیائی
آبکاری برقی	۱۸۳۸	ژاکوب اسپنسر	انگلیسی
اره موتوری	۱۸۰۸	نیوبری	انگلیسی
اتوبوس برقی	۱۸۸۴	واندپل	امریکائی
اشعه ایکس	۱۸۹۵	رونتگن	آلمانی
استارت آسانسور	۱۹۲۲	لارسون	امریکائی
اسپکتروسکپ (دستگاه تجزیه نور)	۱۸۵۹	کیرشف و بونسن	آلمانی
استخراج سود از نمك	۱۷۹۱	لبلان	فرانسوی
بالن	۱۷۸۳	مون گل فیه	»
برق گیر	۱۷۵۲	فرانفاس	امریکائی
باروت بی‌دود	۱۹۲۱	فلارتی	امریکائی
بلندگو	۱۹۲۴	رایس کلوك	»
بمب	۱۹۰۳	اونکه	سوئدی
بمب (تکمیل)	۱۹۱۶	تیت	امریکائی
بنزین سبك (تجزیه شده)	۱۹۱۳	برتون	»
بنزین غلیظ (با املاح سرب)	۱۹۲۲	میجلی	»
بنزین با اکتان زیاد	۱۹۳۰	ایپاتیف	روسیه
پاندول	۱۵۸۱	گالیله	ایتالیائی
پیانو	۱۷۰۹	کریستوفری	ایتالیائی
پروانه کشتی	۱۸۰۴	استیونس	امریکائی
پیل الکتریکی	۱۸۰۰	ولتا	ایتالیائی
تجزیه و تقطیر نفت	۱۸۹۱	دوار	امریکائی
توربین بخار	۱۹۸۴	پارسون	انگلیسی
تانك	۱۹۱۴	سوینتن	انگلیسی
تلگراف بصورت ابتدائی	۱۸۳۲	مورس	امریکائی
تلگراف (دوطرفه)	۱۸۵۳	جین‌تی	اطریشی
تلگراف (چند طرفه)	۱۸۷۴	ادیسون	امریکائی
تلگراف بیسیم	۱۸۹۶	مارکونی	ایتالیائی
تلفن	۱۸۷۶	گراهام بل	امریکائی
تلفن خودکار	۱۸۹۱	استراگر	»
تلفن بیسیم	۱۸۹۹	کارلنس	»
تلسکوپ	۱۶۰۹	گالیله	ایتالیائی
تلسکوپ نجومی	۱۶۱۱	کپلر	آلمانی
ترمز آسانسور	۱۸۵۲	اوتیس	امریکائی
ترمز بادی	۱۸۶۸	وستینگهاوس	امریکائی
تلویزیون ترانسفورماتور باکوران متناوب	۱۹۲۶ ۱۸۸۵	برد استانلی	اسکاتلندی امریکائی

اختراع	سال	مخترع	ملیت
ترانسفورماتور برای جریانهای مختلف	۱۹۳۰	کلارك	امریکائی
تراکتور	۱۹۰۰	هالت	»
توربین آبی	۱۸۴۹	فرانسیس	»
توربین گاز	۱۸۹۹	کورتیس	»
تفنگ دوربین‌دار	۱۹۹۱	فیسك	»
ترن برقی با کوران متناوب	۱۹۳۳	جونگ	»
جوشکاری برقی	۱۸۷۷	تامپسون	»
جعبه‌ای برقی‌خودکار (آفتومات)	۱۹۰۴	وستینگهاوس	امریکائی
چاپ	۱۴۵۰	گوتنبرگ	آلمانی
چسب باکلیت	۱۹۰۷	بکلاند	بلژیکی
چرخ خیاطی	۱۸۳۰	تیموئید	فرانسوی
چراغ گازی	۱۸۵۵	بونس	آلمانی
چراغ گازی معدن	۱۸۱۶	دیوی	انگلیسی
چراغ برق زغالی	۱۹۲۳	الکساندرسن	امریکائی
چراغ برق زغالی خودکار	۱۹۳۲	سن‌بیان لودویك	»
دوچرخه	۱۸۴۲	مك میلان	اسکاتلندی
دوچرخه (تکمیل)	۱۸۸۴	استارلی	انگلیسی
دوچرخه بطریق امروزی	۱۸۸۶	پوپ	امریکائی
دوربین سینما	۱۸۹۳	ادیسون	»
دوربین سینما	۱۸۹۳	جین کینز	»
دوربین سینما	۱۸۹۵	اومیر	فرانسوی
دینامو با کوران مستقیم	۱۸۶۰	پیچی‌نوتی	ایتالیائی
دینامو با کوران مستقیم (کامل)	۱۸۷۰	گرام	بلژیکی
دینامو با فرکانس قوی	۱۹۳۹	تومپسون	انگلیسی
دینامیت	۱۸۶۶	نوبل	سوئدی
دیفرانسیل اتومبیل	۱۸۹۵	بنز	آلمانی
رادیو بصورت ابتدائی	۱۸۹۵	مارکونی	ایتالیائی
رادیوتلفن	۱۹۰۲	پولسن	امریکائی
رادار	۱۹۲۲	تیلورویونگ	»
رزیستانس الکتریکی	۱۹۲۵	هیلیارد	»
زیردریائی	۱۸۹۱	هالند	»
زپلن	۱۹۰۰	زپلن	آلمانی
ژیروسکپ	۱۸۵۲	فوکو	فرانسوی
سرقلم آهن بجای پر	۱۷۸۰	هاریسون	انگلیسی
سینما (دوربین)	۱۸۸۷	ادیسون	امریکائی
سنجاق کاغذ	۱۹۴۹	هانت	»
سوخت گاز	۱۷۹۲	مرداخ	اسکاتلندی
سلوفان	۱۹۰۰	براندنبرگ	سویسی

اختراع	سال	مخترع	ملیت
سلولوئید	۱۸۷۰	هیات	امریکائی
سیمان پرتلند	۱۸۴۵	آسپ دین	انگلیسی
ساعت دیواری پاندول دار	۱۶۵۷	هوگنس	هلندی
سینمای سه بعدی	۱۹۵۲	والر	امریکائی
سیم داخلی لامپ		پاز	«
شیرخشک	۱۸۵۶	بردن	«
عکس رنگی	۱۸۹۱	لیپمان	فرانسوی
عکاسی (کاغذ)	۱۸۹۸	سیکلاند	امریکائی
قلم خودنویس	۱۸۸۴	واترمن	«
قلم خودنویس (تکمیل)	۱۸۸۵	ویرت	«
کلروفورم	۱۸۳۱	گوتری	«
کشتی بخار	۱۷۸۳	ژوفرو	فرانسوی
کوره مخصوص تجزیه نفت	۱۸۹۱	گاوریلف	روسی
کشتی بخار (تکمیل)	۱۸۰۷	فولتون	امریکائی
کاغذ از (چوب)	۱۸۸۴دال	دال	آلمانی
کبریت سمباده‌ای	۱۸۲۷	جان واکر	انگلیسی
کبریت فسفری (تکمیل)	۱۸۳۶	فیلیپس	امریکائی
کاربراتور گازوئیلی	۱۸۷۶	دایمد	آلمانی
کابل برقی دوطرفی	۱۹۶۹	آفل واسپنسر	امریکائی
کوره ذغالی	۱۸۹۳	هوفمان	اطریشی
کنتور برقی	۱۸۷۷	فلت	امریکائی
کشتی جنگی مونیتور	۱۸۶۱	اریکسون	امریکائی
کندانساتور	۱۹۲۰	دنت	امریکائی
کشتی الکتریکی	۱۹۱۳	امت	امریکائی
کوره ذوب آهن	۱۸۶۱	زیمنس	آلمانی
کشتی هوائی	۱۹۵۲	ژیفار	فرانسوی
کشتی هوائی هدایت شونده	۱۸۹۸	سانتوس دومون	برزیلی
گوشی پزشکی (مخصوص قلب)	۱۸۱۹	لانه	فرانسوی
گرامافون	۱۸۸۷	برلینر	امریکائی
گراورسازی	۱۸۹۳	آیوز	امریکائی
گالوانمتر	۱۸۲۰	سوای‌گر	آلمانی
لاستیک بادی دوچرخه	۱۸۸۹	دانلپ	ایرلندی
لاستیک مصنوعی	۱۹۳۱	هیل	انگلیسی
لامپ رادیو	۱۹۱۳	لانگ تور	امریکائی
لامپ اشعه ایکس	۱۹۱۶	کولیج	امریکائی
لکوموتیو اولیه	۱۸۰۱	تروتیک	انگلیسی
لکوموتیو آزمایشی	۱۸۱۴	جرج استیونسون	انگلیسی
لکوموتیو (تکمیل)	۱۸۲۹	جرج استیونسن	انگلیسی

اختراع	سال	مخترع	ملیت
لکوموتیو مخصوص امریکائی	۱۸۳۰	کوپر	امریکائی
لکوموتیو برقی	۱۸۵۱	ویل	»
لامپ برقی	۱۸۷۹	ادیسون	»
لامپ برقی (تکمیل)	۱۹۶۴	پیت کین	»
ماشین شخم زنی	۱۸۹۷	نیوبلد	»
ماشین چاپ دوار	۱۸۴۶	هو	»
ماشین کفشدوزی	۱۹۶۰	مك کی	»
ماشین بطری سازی	۱۹۰۳	اونس	»
ماشین حساب	۱۶۴۲	پاسال	فرانسوی
ماشین حساب نواری	۱۸۸۸	بورو	امریکائی
میزان‌الحراره	۱۵۹۳	گالیله	ایتالیائی
میزان‌الحراره جیوه‌ای	۱۷۱۴	فارنهایت	آلمانی
ماشین تحریر	۱۸۶۴	میترهوفر	اطریشی
ماشین نساجی	۱۷۸۵	کلرت رایت	انگلیسی
مسلسل	۱۸۶۱	کاتلینگ	امریکائی
مسلسل (تکمیل)	۱۸۷۲	هاچ کیس	»
مسلسل ماکزیم	۱۸۸۳	ماکزیم	انگلیسی
ماگنت الکتریکی	۱۸۲۸	هنری	امریکائی
ماشین درو	۱۸۳۶	مور	»
ماشین تهیه یخ	۱۹۵۱	گویل	»
ماشین درو وجمع‌آوری‌خرمن	۱۸۸۸	ماتسن	»
میزان الهوا	۱۶۴۳	تری چلی	ایتالیائی
ماشین سنجش دخل وخرج	۱۸۷۹	ریتی	»
میکروفون	۱۸۷۷	برلیز	»
میکروسکپ مرکب	۱۵۹۰	جانسون	هلندی
موتور برقی باکوران متناوب	۱۸۹۲	تسلا	امریکائی
موتوربرقی القائی	۱۸۸۹	تسلا	»
موتور برقی دوار	۱۹۰۷	استاسنك	چکسلواکی
موتورسیکلت	۱۸۸۵	دایملر	آلمانی
ماشین چمن زنی	۱۸۶۸	هیلز	آمریکائی
ماگنت الکتریکی	۱۸۲۴	استرگون	انگلیسی
موتور با گازذغال	۱۸۷۷	اوتو	آلمانی
ماشین لانیوتایپ	۱۸۹۵	مرگنتالر	امریکائی
موتور گازوئیل	۱۸۹۶	دایملر	آلمانی
موتور با استارت برقی	۱۸۸۰	بنز	»
موتور کمپرسی	۱۸۸۳	دایملر	»
ماشین بخار با پیستون	۱۷۰۵	نیوکامن	انگلیسی
ماشین بخار با پیستون	۱۷۶۹	وایت	اسکاتلندی

اختراع	سال	مخترع	ملیت
ماشین بخار	۱۶۹۸	ساوری	انگلیسی
ماشین تخلیه‌گاز	۱۸۲۳	براون	«
ماشین بخارمرکب	۱۷۸۱	هورن بلوور	«
موتوردیزل	۱۸۹۵	دیزل	آلمانی
ماشین تهیه‌کره ازشیر	۱۸۸۰	دولاوال	سوئدی
نایلن	۱۹۳۷	لابرانواردوئن	امریکائی
نوارسنجش دقت	۱۸۹۴	کوبن	«
نیتروگلسیرین	۱۹۴۶	سوبرر	«
نایلون سن‌تنیك	۱۹۳۰	کاروتر	«
نورافکن مخصوص صحنه تآتر	۱۹۲۶	درومونه	«
هفت تیرخودکار	۱۸۱۱	تورنتون هال	«
هفت‌تیرازنوع رولور	۱۸۳۵	کلت	«
هفت‌تیربرونینگ	۱۹۱۶	لانگ‌لی	«
هواپیمای آزمایشی	۱۸۹۶	اورویل وویلبررایت	انگلیسی
هواپیمای موتوردار	۱۹۰۳	اورویل وویلبررایت	امریکائی
هلیکوپتر	۱۹۱۶	برتان	انگلیسی
هلیکوپتر (تکمیل)	۱۹۳۹	سیکورسکی	امریکائی
هواپیمای جت	۱۹۳۰	ویتل	«
هواپیمای آبی	۱۹۱۱	کورتیس	«

اکتشافات بزرگ درفیزیك - شیمی - پزشکی

آسپرین	۱۸۹۹	درسر	آلمانی
آبله (واکسن)	۱۷۹۸	جنر	انگلیسی
اتر (برای بیهوشی)	۱۸۴۲	لانگ	امریکائی
اتم والکترون (تئوری)	۱۸۰۳	دالتون	انگلیسی
الکترون (تئوری‌کامل)	۱۹۱۸	تامسون	«
امواج الکتریکی (تئوری)	۱۸۸۸	هرتز	آلمانی
اتم (تئوری انفجار)	۱۹۱۹	راترفورد	انگلیسی
اورومایسین	۱۹٤۸	دوگار	امریکائی
الترپتومایسین	۱۹۴۵	واکس من	کانادائی
انسولین	۱۹۲۲	بانتینگ	«
پنی‌سلین	۱۹۲۹	فلمینگ	انگلیسی
پنی سلین (قابل استفاده)	۱۹۴۱	«	«
رادیوم	۱۸۹۸	پیر.مارکوری	فرانسوی ولهستانی
رادیواکتیویته	۱۸۹۶	بکرل	فرانسوی
راکتوراتمی اورانیوم	۱۹۴۲	انریکوفرمی	ایتالیائی
د. د. ت	۱۸۷۴	زایدلر	آلمانی

عجایب هفتگانه جهان

عجایب هفتگانه جهان مربوط به زمانهای گذشته است که پاره‌ای از آنها از بین رفته و نابود شده است.

این عجایب هر یك محصول نبوغ و کوشش عالی نوع بشر است که باصرف هزینه‌های سنگین وطی مدتهای مدید ساخته شده وقربانیان فراوانی داده است وهریك از آنها در زمانی ساخته و پرداخته شده‌اند که جزابزارهای بسیار ساده و ابتدائی چیزی در دست هنرمندان و دانشمندان زمان نبوده است.

۱ ـ اهرام مصر ـ ساختمان نخستین‌هرم مصری ازسه‌هزارسال پیش ازمیلادمسیح آغاز گردید وآخرین‌آن درسال ۱۸۰۰ پیش ازمیلاد رسید.



اهرام‌مصر که‌هریك شاهکای از معماری و مهندسی و هنر بشمار میروند مقبره فراعنه بزرگ مصری بوده‌اند که درون آنها اشیاء گرانبهای متعلق به فراعنه و لوازم زندگی آنها بالاخره جسد مومیائی‌شده آنها بانهایت دقت‌وبارعایت‌نکات‌علمی (برای محفوظ ماندنشان) قرار داده میشد.

قدیمی‌ترین هرم مصری درناحیه ساکارا قرار دارد که بهمین نام نیز خوانده میشود، بزرگترین و کامل‌ترین هرم مصری هرم کئوپس است که در نزدیکی گیزه در جنوب قاهره قرار دارد.

هرم‌کئوپس درحدود۱۳جریب زمین را میپوشاند ارتفاع اصلی‌آن ۴۸۱پا (فوت) بوده

است ولی اکنون بعلت جابجا کردن و برداشتن پاره‌ای از سنگهای بزرگ آن ۴۵۰ (چهارصد و پنجاه) فوت ارتفاع دارد. کف این هرم مساحتی معادل ۷۵۶ فوت مربع را میپوشاند.

۲ ـ **باغهای معلق بابل** ـ بنا بروایات تاریخی، باغهای معلق بابل بوسیله نبوکدنظر (بخت‌النصر) ساخته شد بخت‌النصر، پس از ویران کردن معبد سلیمان در ۶۰۰ سال پیش ازمیلاد، باغهای معلق را برای ملکه خود ساخت.

بنا به‌روایات تاریخی باغ بزرگ معلق شامل ۵ طبقه باایوان (تراس) بوده است که هر طبقه با ۵۰ فوت‌فاصله‌بروی طبقه زیر بناشده، هریك ازطبقات شامل مقادیر فراوانی گل و گیاه و درختهای کمیاب و زیبا بوده‌است، واز آنجائیکه ارتفاع این باغ بزرگ بسیارزیاد بوده وشاخه های درختان و گلها بسوی زمین مخصوصاً بطرف طبقات زیرین آویزان شده‌است، این باغها را باغهای معلق‌نام‌داده‌اند، درحال‌حاضر کوچکترین اثری از این تپه و باغهای مربوط به آن وجود ندارد.



۳ ـ **مجسمه‌زئوس** ـ مجسمه زئوس در سال ۴۳۷ پیش از میلاد مسیح بوسیله فیدیاس ساخته شد، این مجسمه در شهر اولمپیا حاکم نشین الیاس (یونان) نصب گردید این مجسمه درشهر اولمپیا حاکم‌شاهکاری‌ازهنرودانش‌بشری بوده‌است، جنس‌مجسمه مرمرخالص بوده که‌برای تزئین قسمتهای مختلف آن از عاج وطلا استفاده شده است، مجسمه زئوس در خلال جنگهای گوناگون خود بکلی نابود گشت.

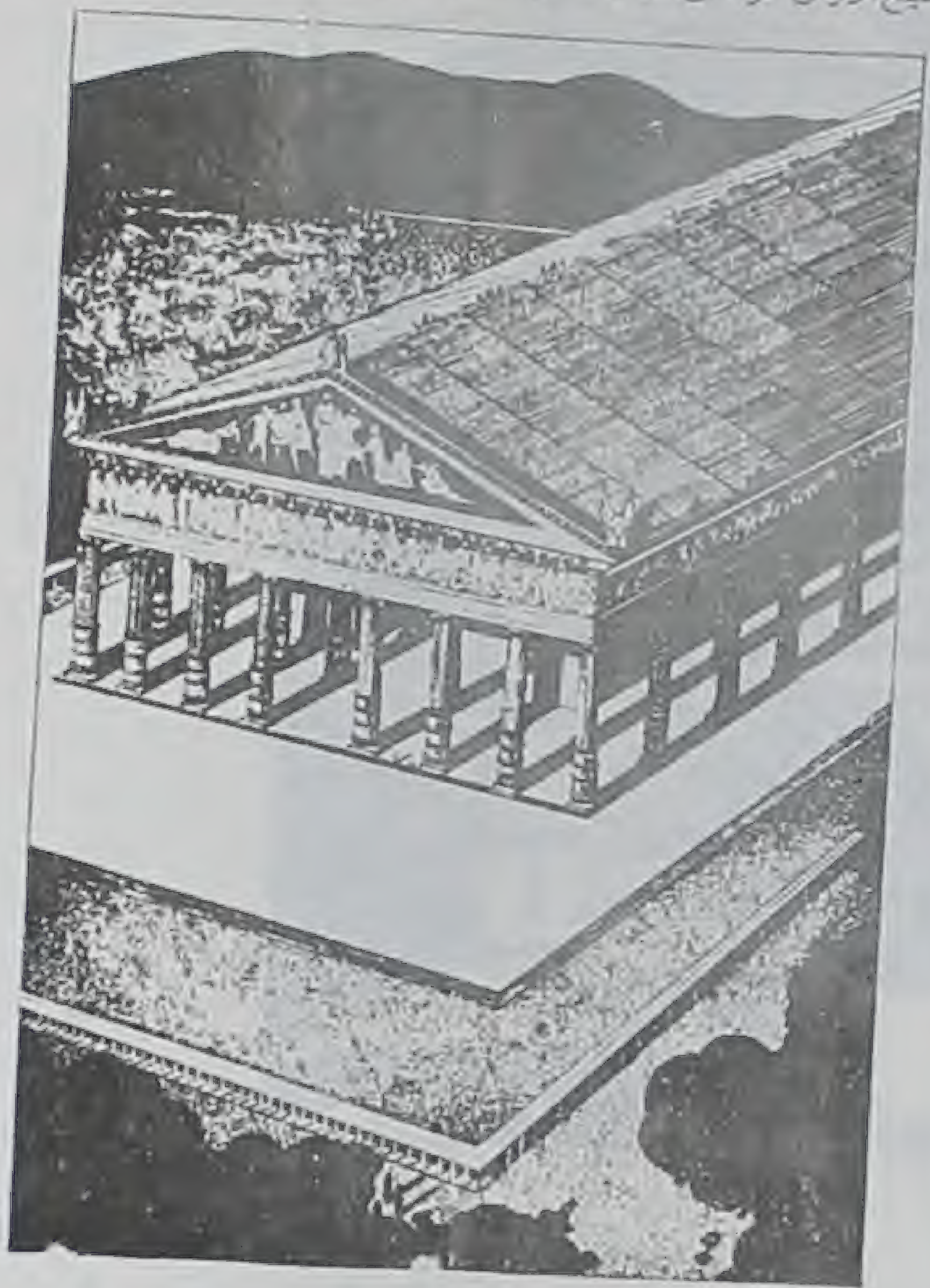
۴ ـ **معبد دیانا** ـ معبد دیانا یا معبدآرتمیس ۵ سال پیش از تولد مسیح در ناحیه افه‌سوس در جنوب اسمیر ساخته شد در ساختمان این معبد عظیم مردم‌چندین‌شهردست داشتند

وخواه بوسیله کمکهای‌مادی و یا تنظیم نقشه‌کمك وهمکاری نمودند، این معبدرامعبد افه‌سوس نیز مـیخوانند پس ازتکمیل این معبد رفته‌رفته جنبه تقدس پـیدا کرد و ازتمام نقاط برای زیارت بدانجا میشتافتند.

مساحت معبد۴۲۵در ۲۲۵فوت بود، معبددارای ۱۲۷ ستون بود که از مـرمر مخصوص بسیار گرانبها ساخته شده بود طول هریك از ستونها ۶۰ فوت (درحدود ۲۰ متر) بوده‌است.

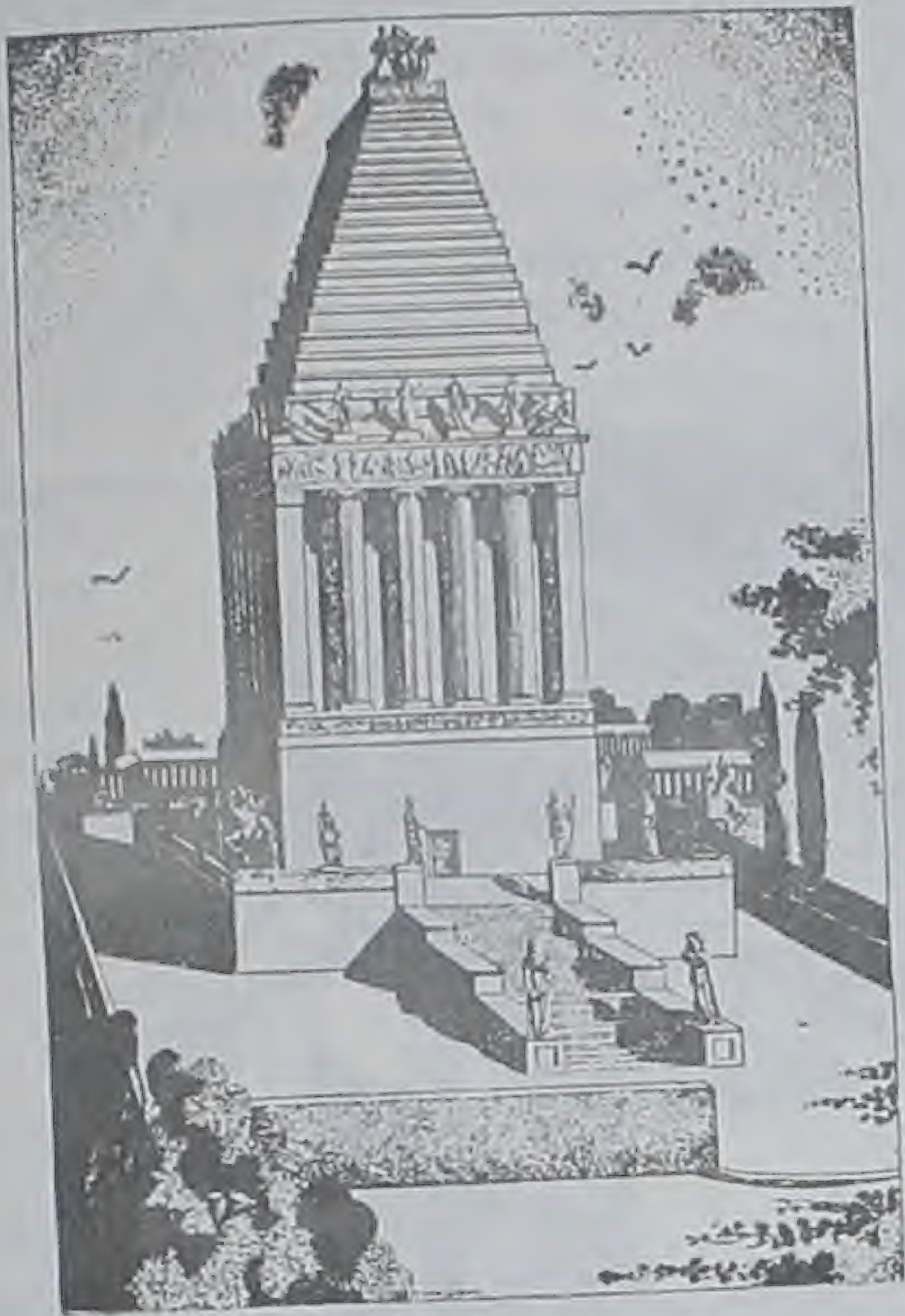
درسال ۳۶۵ بعد ازمیلاد مسیح‌اروس توستن‌تنها بخاطر کسب شهرت وقدرت معبدرابه‌آتش کشید ولی معبد بکلی نابودنشد وپس‌ازچندی آنرا تعمیر کردندو تالار تازه ای جهت آن تعبیه نمودند.

بنا بروایات تاریخی دال مقدس (سنت هال) درهمین‌معبد، بت‌پرستان رابه‌پرستش‌یگانه‌دعوت نمودوخشم‌تمام‌مردم را بااین‌کارخودبرافروخت پس ازوی نرون دستور تخریب‌معبدراصادرنمود ودستورنرون اجرا شد ولی‌بازهم‌آثاری‌ازمعبد باقی ماند ، تاآخرین بقایای‌آنراآن‌رپاك‌رئیس قوم‌گوتها ازمیان برد.



معبد دیانا

۵ ــ آرامگاه موسولوس ــ در سال ۳۲۵ پیش‌ازمیلادمسیح هنگامیکه‌موسو لوس‌پادشاه کاریس (آسیای صغیر) درگذشت همسر بیوه اودستورداد تـاآرامگاه بسیار مجلل و بزرگی از مرمرخالص در شهرهالی‌کارناسوس برای وی بنا کنند ، این آرامگاه که شاهکاری از هنروذوق بشری بود خوشبختانه مورد تهاجم وتخریب جنگجویان قرارنگرفت ولی متأسفانه براثرزلزله شدیدی شکاف برداشت وبچندقسمت پاره شدورفته رفته روبتخریب‌نهاد، درقرن نوزدهم‌قسمتهای گرانبها ازساختمان وکنده‌کاریهای این‌آرامگاه بموزه لندن (بریتیش میوزیوم) رسید که‌هنوز هم درآنجاست.



آرامگاه موسولوس

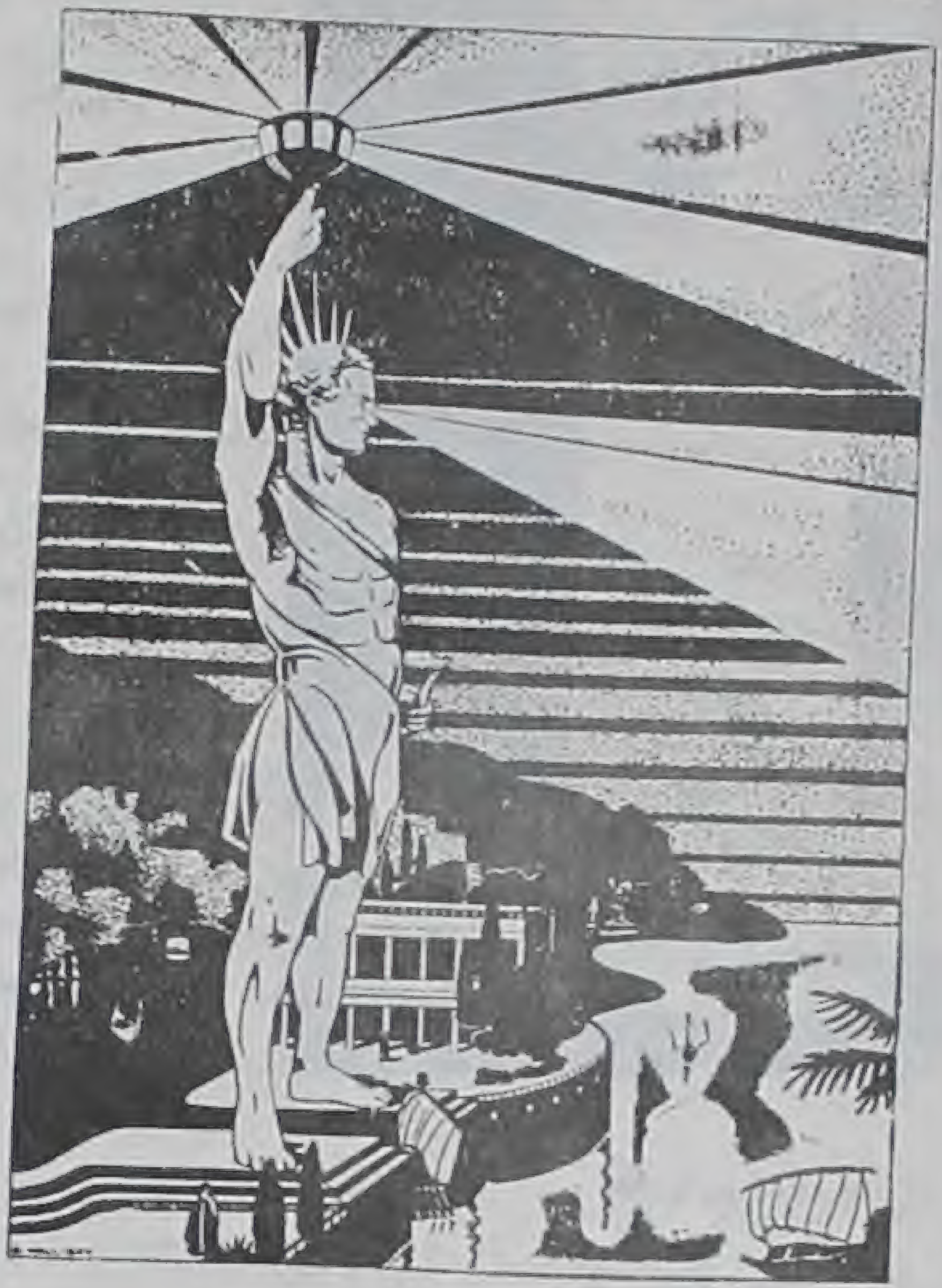
نکته قابل توجه درمورد این آرامگاه آن است که واژه آرامگاه موسولئوم درزبان انگلیسی ازنام همین پادشاه یعنی موسولوی گرفته شده است .

۶ ـ مجسمه بزرگ آپولو ـ مجسمه آپولو که مجسمه رودس نیز نامیده میشود بنا بروایات تاریخی مجسمه بزرگی بوده که در ۲۸۰ سال پیش از میلاد مسیح در جزیره رودس درنزدیکی آسیای صغیر بر پا شده است .

جنس این مجسمه ازبرنز ، ارتفاع آن ۱۰۰ پا یادرحدود ۳۰ متر) وهیکل و ترکیب آپولورا نشان میداده است، نصب این مجسمه برروی زمین ازشاهکارهای هنری محسوب میشده ومخصوصاً حالت ایستادن آپولودرحالی که پاهای خود راازیکدیگر بازکرده بوده بسیارجالب بوده است ، این مجسمه درسال ۲۲۴ پیش ازمیلاد مسیح براثریك زلزله شدید سرنگون گشت وتاسالیان سال بهمان ترتیب بحالت درازکشیده برروی زمین باقی ماند، پس ازمدت مدیدی رفته رفته مردم

اطراف برای استفاده ازفلز مجسمه (برنز) ازبدنه واطراف آن بریدند وآنرا ناقص کردند. جدا کردن قطعات فلزی مجسمه آنقدرادامه یافت تاچیزی ازآن برجای نماند!

بنا به‌پاره‌ای روایات دیگر تاریخی هنگامی که مجسمه آپولوبرپای بوده کانال بزرگی از دریای مدیترانه ازمیان دوپای مجسمه عبورکرده وبه‌بندررودس میرسیده است، بسیاری نقاشی های افسانه‌ای نیزاین حالت رانشان داده‌اند، ولی تحقیقات تاریخ نویسان وباستان‌شناسان نشان



مجسمه بزرگ آپولو

میدهدکه این جریان افسانه‌ای بیش نبوده است.

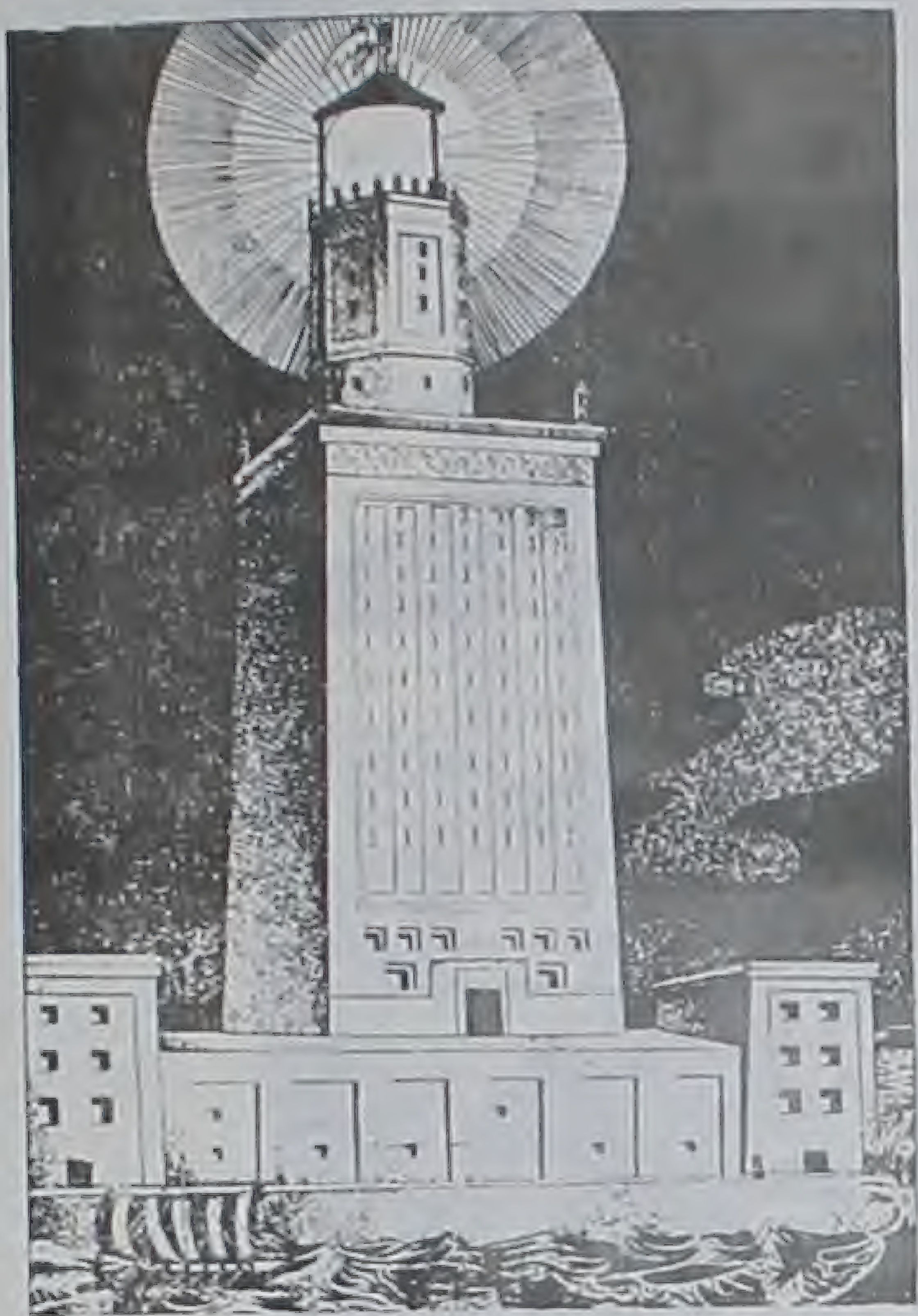
۷ ـ فار، یا چراغ دریائی اسکندریه جالب‌ترین و شاید سودمندترین عجایب هفتگانه دنیای باستانی فاروس یافاراسکندریه بوده است.

۲۰۰ (دویست) سال پیش ازمیلاد مسیح، فرعون معروف مصر، بطلمیوس فیلادلفوس در جزیره‌ای بنام فاروس درنزدیکی بندراسکندریه برج بزرگی ساخت که برفرازآن آتش فراوان شعله‌ای شب وروزروشن بود، بربدنه برج باخط برجسته‌ای جمله زیررا نوشتند:

«هدیه فرعون بطلمیوس به خدایانی که وظیفه نجات دریانوردان را برعهده دارند.»
بنا بعقیده بسیاری از مورخان، برج ابتکاری این فرعون خیرخواه در حقیقت نخستین چراغ

دریائی در تاریخ جهان بوده است. بزبان دیگر مخترع چراغ دریائی که جان هزاران هزار نفر از دریانوردان را نجات داده و میدهد همان بطلمیوس فرعون بوده است.

بعدها واژه فاریا فاروس که بمعنای چراغ دریائی بکار رفت از نام همان جزیره فاروس اقتباس گردید. برج دریائی اسکندریه تا مدت ششصد سال در کمال استحکام برپا بود و دریانوردان را راهنمائی میکرد، در سال ۴۰۰ بعد از میلاد قسمتی از آن آسیب دید و پس از آن نتوانست مانند سالهای قبل بکار ادامه دهد سرانجام در سال ۳۷۵ بعد از میلا و براثر یك زمین لرزه شدید سرنگون و نابود گردید.



فاریا چراغ دریائی

تحولات تاریخی نظریات درباره انرژی

«مفهومیکه درباره انرژی داریم پس از تحقیقات ممتد و»
«کوششهای تدریجی دانشمندان علم فیزیك در قرن نوزدهم حاصل»
«گشته است. ذیلا تحول تاریخی نظریات درباره انرژی توضیح داده»
«میشود، سعی شده است که مطالب بازبانی ساده و قابل فهم برای»
«همه بیان گردد.»

کالوریک (Calorique) سیال فنا ناپذیر

برای تفسیر پدیده‌هائیکه درنتیجه آنها، تبادلات گرمائی انجام میشود، در قرن هیجدهم بوجود سیالی ازنوع خاص که آنرا کالوریک مینامیدند معتقدبودند. تصوردانشمندان این دوره چنین بود که کالوریک بمقدارزیاد درتمام اجسام وجودداشته وهمواره فنا ناپذیرمیماند.

امروزه برای ماروشن است که چنین تصوری اشتباه‌آمیزمیباشد. چه درماشین بخار و در سایرماشین‌های حرارتی مقداری گرما از بین رفته ودرمقابل آن کارانجام میشود. ازبین رفتن گرما هرچندکه درازای آن کارانجام میشود بانظریه فنا ناپذیربودن کالوریک متباین است.

ولی درقرن هیجدهم فرضیه کالوریک باخواصی که برای آن گفته‌ایم، کاملاصحیح تلقی میشد وباآن تبادلات گرمائی راتوجیه مینمودند.

ـ اگر جسمی گرم تر از دیگریست علت آنست که اولی بیش از دومی «کالوریک» دربردارد.

اجسام‌درطول مدتی‌که گرم میشوند. «کالوریک» جذب میکنند وهنگامیکه سردمیگردند «کالوریک» ازدست میدهند.

ـ چون‌آب‌گرم وسرد را باهم مخلوط‌کنیم‌آب‌گرم «کالوریک» از دست داده وآب سرد «کالوریک» میگیرد ودرنتیجه‌آب ولرم حاصل میشود.

یادآوری مینمائیم‌که قسمت اخیر(تبادل گرمائی‌آب سرد وگرم). مفهوم کنونی اصل‌بقاء گرما راکه براساس‌آن‌آزمایش‌های کالوریمتری انجام میشود ، میرساند وبدون اینکه امروزه برای‌گرما مادیتی چون «کالوریک» درنظرگیریم براساس «اصل‌بقاءگرما» تبادلات‌گرمائی را توجیه مینمائیم.

شك نیست‌که دانشمندان تاقرن نوزدهم ، برای توضیح پدیده ذوب ،که در آن در طول مدت ذوبان گرما صرف شده ولی ازدیاد درجه حرارتی پدید نمی‌آید دچاراشکال بودند. یخ صفردرجه بادریافت‌گرما بآب صفردرجه تبدیل میگردد پس گرماکجارفته‌است؟

برای وفع اشکال فوق‌چنین فرض مینمودندکه مایع‌حاصل فیزیکی انجام شده ولی‌ازدیاد درجه حرارت بظهورنمیرسد (گرمای ذوب ـ گرمای تبخیر) به‌گرمای نهانی (Latoent) تعبیرمینمودند.

ماشین بخار

درسال ۱۶۹۰. **دنی پاپن** (۱۷۱۴ـ۱۶۴۷) طرح دستگاهی را ریخت .که به‌کمك‌آن بتوان ازنیروی بخارآب برای تغییرمکان پیستون دراستوانه‌استفاده نمود.

پاپن، درته استوانه قائمی‌که بوسیله پیستون متحرکی مسدود است . مقداری‌آب رابجوش آورد. هنگامیکه فشار بخار بحدکافی میرسید پیستون بالا میرفت ـ موقعی‌که پیستون بطرف پائین میامد وباتکرارعمل دوره فوق راتجدید مینمود.

درسال **۱۷۰۷** پاپن رساله‌ای تحت عنوان (طریقه جدید برای‌کشیدن‌آب بکمك نیروی آتش) منتشرنمود دراین رساله، نقشه عملی ماشینی‌که ازیك طرف ماشین بخار وازطرف دیگر تلمبه‌ای برای‌کشیدن‌آب بود طرح ریزی شد.

کمی بعدمهندس‌انگلیسی **وات** (۱۸۱۹ـ۱۷۳۶) طرح‌اولیه ماشین بخاررابکمك‌دستگاه جدیدی‌که توزیع خودکار بخارراداستوانه تأمین مینمود تکمیل‌کرد وباین ترتیب اولین‌ماشین بخاردوائره رابوجودآورد.

از لحاظ تئوریك عمل ماشین بخار مدلل نمود که بامصرف گرما و تولید بخار آب میتوان کار را نتیجه گرفت معذلك در آنروز کارهنوز پی نبرده بودند که تولید کار مستلزم اتلاف مقداری گرما بین دیك و کندانسور (چگالنده) است. بلکه برعکس تصور میمودند که مقدار «کالوریك» همواره ثابت مانده ومی تواند بدون کم و کاست از دیك به کندانسور برسد.

حتی درسال ۱۸۲۴ دانشمند فرانسوی **سادی کارنو** (۱۸۳۲–۱۷۹۶) درباره عمل ماشین بخار چنین نوشت، «کالوریکی که در نتیجه سوختن حاصل میشود، از جدار دیك عبور کرده آب را ببخار تبدیل نموده در آن بنحوی داخل میگردد. بخار آب کالوریك راباخود باستوانه برده ودر آنجا عمل معینی را (حرکت پیستون) موجب میشود پس از آن بخار آب وارد کندانسور شده در نتیجه تماس با آب سرد بمایع تبدیل می گردد. بنابراین آب سرد کندانسور کالوریك حاصل از احتراق راکه همراه بخار آب وارد آن میگردد، جذب مینماید ... ازاینرو بخار آب در ماشین بخار فقط وسیله انتقال کالوریك است. بنظر کارنو عمل ماشین بخار در ایجاد کار، کاملا نظیر عمل آسیاب (بااستفاده از ریزش آب) بوده است. همچنانکه مقدار آب درطول سقوط تغییر نمی پذیرد، این دانشمند مقدار کالوریك را در طی مسیر دیك تا کندانسور ثابت فرض مینمود. بعقیده وی کاملترین ماشین بخار، ماشینی بود که عیناً تمام کالوریك حاصل از دیك را به کندانسور منتقل نماید و بهیچوجه تلفات بخار و بالنتیجه تلفات کالوریك نداشته باشد.

فرضیه کالوریك درحال افول

بتدریج فرضیه کالوریك بامشکلات جدیدی مواجه میشد واعتبارخودرا ازدست میداد.

ازجمله مشکلات این بود که اگر کالوریك ازجسم سرد بجسم گرم منتقل می گردد، وبهیچ وسیله امکان تولید آن نیست، پس چگونه در نتیجه مالش دوجسم بادرجات حرارت مساوی گرما ایجاد شده وهردوجسم گرم میشوند ـ درصورتی که اگر انتقال «کالوریك» رامبنا قراردهیم باید گرم شدن یکی مستلزم سرد شدن دیگری باشد.

علمای آنزمان برای رفع این اشکال به تشبث جدیدی پرداختند وچنین اظهار میداشتند که درهنگام عمل آنچه که امروز به گرمای ویژه موسوم است (گرمای ویژه یك جسم مقدار کالری گرمائیست که بتواند درجه حرارت آنرا یکدرجه بالا برد) برای قطعاتیکه دراصطکاك پائین آمده و درنتیجه کالوریك درونی باعث ازدیاد درجه حرارت آنان می گردد ـ ولی موقعیکه رامفودانشمند آمریکائی (۱۸۱۴–۱۷۵۳) باآزمایش خود ثابت نمود که گرمای ویژه اجسام قبل وبعد اصطکاك ثابت میماند. بی پایه بودن نظریه کالوریك کاملا آشکار گردید.

تدریجاً علمای اینزمان دریافتند که میتوان باصرف کار گرما ایجاد نمود واین خود با فرضیه کالوریك که آنرا سیالی جاویدان، می پنداشتند مغایرومتباین بود.

برابری گرما و کار

بطوریکه گفته‌ایم، فرضیه کالوریك دیگر قابل قبول نبود ـ بتدریج دانشمندان فیزیك متوجه شدند که گرما وکار دو صورت قابل تبدیل بیکدیگرمیباشند ـ لازمست که ازسه دانشمند بزرگ **سادکارنو** «فرانسوی» **روبرمایر** «آلمانی» **ژول** «انگلیسی» که دراینباره کوشیده‌اند نام بریم.

درسال ۱۸۲۰ کارنو باعدول از نظریه خود که درفوق اشاره نمودیم دررساله معروفی

تحت عنوان « اندیشه‌هائی درباره قدرت محرکه آتش ووسائل مخصوص برای استفاده از آن » چنین اظهار نظر نمود:

«گرما چیزی جز نیروی محرکه تغییر شکل یافته نیست «منظوراز نیروی محرکه دراینجا همان کاراست » ــ هرجا که کاری از بین رفته باشد ، همزمان با آن گرما پدید میآید گرمای حاصله دقیقاً باکار از بین رفته ، متناسب است . بر عکس هر جاکه گرما از بین رفته باشد کار ایجاد میشود.»

سادی کارنوباطریقه‌ای که درجائی ازآن یاد ننموده معادل مکانیکی کیلوکالری را ۳۷۰ کیلوگرام متر پیشنهادکرده است ــ این عدد بامعادل مکانیکی کیلوکالری که امروزه موردقبول است (۴۲۸ Kgm) چندان دورنیست .

پس ازکارنودانشمندآلمانی روبرمایر (۱۸۷۸ــ۱۸۱۴) بطور واضح برابری کاروگرما راتوضیح داده وبرای معادل مکانیکی کیلوکالری ۳۶۵ کیلوگرام متررا اعلام داشت .

ازاین پس علمای فرانسه، دانمارك وانگلستان برای تعیین دقیق معادل میکانیکی کالری کوشش نمودند وبالاخره دانشمند انگلیسی **ژول**(۱۸۸۹ــ۱۸۱۸) باآزمایش‌های تاریخی‌خود که ازسال ۱۸۴۰ آغازنمود معادل میکانیکی کیلوکالری را ۸ر۴۲۸و۱ر۴۳۹و۱ر۴۳۲ کیلو گرام متر نتیجه گرفت.

پس ازایندوره روشهای تازه برای تعیین دقیق «معادل میکانیکی» بکاررفت که‌نتایج حاصل ازکلیه‌آزمایشها کاملاباهم متوافق میباشد.

مفهوم انرژی

اززمان **دکارت** (۱۶۵۰ــ ۱۵۹۶) باصل بقاءکار در ماشین‌های ساده پی‌برده بودند ــ ازدوره **لایب نیتز** (۱۷۱۶ــ ۱۶۴۶) دریافته بودندکه تولیدکارهمراه باپدید آمدن فرس‌ویو (ازجنس انرژی سینیتیك) است.

هلم هلتزدانشمند آلمانی (۱۸۹۴ــ۱۸۲۱) تمام مفاهیم « قدرت انجام‌کار » راتحت عنوان انرژی خلاصه نمود (واژه انرژی ،مترادف باکار میکانیکی اولین بار بوسیله دانشمند انگلیسی **یونك** بکاررفته بود)

درسال۱۸۴۷ یونك دریادداشت‌های خودتحت عنوان (دربارهٔ بقاء انرژی) چنین‌توضیح داد: « هرعاملی‌که باعث بروزکار و یاگرما شود ، انرژی است انرژی واحدی است که‌میتواند باشکال مختلف جلوه‌گری‌کند وجاویدان (ازبین نرفتنی)است ازجمله نتایجی‌که از بحث فوق حاصل میشود اینست :

«باید تصورماشینی راکه بدون دریافت انرژی میتواند همواره‌کارکند ازذهن دور نمود انرژی ازعدم بوجود نمیآید»

از این پس مفهوم انرژی بنحوی که در فوق‌گفته‌ایم درازهان جایگرفت ــ باصل بقاء انرژی دقیقاًتوجه یافتند ــ بخوبی درك نمودندکه انرژی میتواند تغییرشکل دهد ولی‌دردستگاه منفی و مقدارآن ثابت خواهدبود.

درآن زمان تصورمی‌نمودندکه انواع انرژی ازهرلحاظ بایکدیگرمعادلند وتمام صورت هایآن بطورکامل می‌توانند بیکدیگر تبدیل گردند ــ کارنو اولین بارعدم وجود برابری‌کامل انرژی مکانیکی وانرژی حرارتی را دریافت ــ منظور ازعدم وجود برابری‌کامل بین انرژی مکانیکی وانرژی حرارتی اینست که میتوان مقداری انرژی مکانیکی‌کاملا بر گرما تبدیل نمود

در صورتیکه بر عکس نمیتوان بکمك همین مقدار گرما ، انرژی مکانیکی حالت اول را بوجود آورد .

تنزل رتبه انرژی

کارنو، نشان داد که تولید کار در ماشین بخار مستلزم وجود منبع گرم (دیگ بخار) و منبع سرد (چگالنده) است و در طول مسیر بخار مقداری از حرارت منبع گرم به منبع سرد منتقل میگردد و تا درجه حرارت عامل تبدیل (بخار آب) تنزل ننماید امکان انجام کار نیست همچنین اعلام نمود که راندمان ماشین بخار بهیچوجه بجنس عامل تبدیل بستگی ندارد و میتوان مثلا بجای بخار آب مایع دیگری را بعنوان عامل تبدیل بکار برد.

همچنین کارنو خاطر نشان نمود که نمیتوان مقدار معینی گرما را تماماً بکار تبدیل نمود چه درطی این تبدیل مقداری گرما بصورت‌های مختلف تلف میشود.

بعد **کلاپیرون** (۱۸۶۴ــ ۱۷۹۹) اهمیت و وسعت نظریه کارنو را توضیح داد بالاخره دانشمند آلمانی کلوزیوس (۱۸۶۴ــ۱۸۹۹) درسال ۱۸۶۳ درکتاب خود بنام (فرضیه مکانیکی گرما) اساس اصل دوم ترمودینامیك را که امروز بنام کارنو ــ کلوزیس معروف است بنا نمود و نشان داد که این اصل کاملا با اصل اول (اصل بقاء انرژی) متوافق میباشد.

تا اینجا متوجه شده‌ایم که تمام صور انرژی میتوانند به گرما تبدیل شوند برعکس امکان پذیر نیست بطور کامل انرژی گرمائی را به نوع دیگری از انرژی تبدیل کنیم بنابر این انرژی حرارتی آخرین جمله تبدلات انرژیك است .

بطور کامل انرژی گرمائی را بنوع دیگری از انرژی تبدیل کنیم بنابراین انرژی حرارتی آخرین جمله تبدیلات انرژیتیك است بعبارت دیگر حرکت دائمی بدون کسب انرژی از محیط خارج امکان پذیر نیست .

برای روشن شدن این موضوع آونگی را در نظر می‌گیریم آونگ را از حال تعادل منحرف و سپس آزاد مینمائیم اگر برای حذف مقاومت هوا، این آزمایش را در خلاء انجام دهیم، بازهم پس ازمدتی متوقف می‌شود زیرا درنتیجه اصطکاك محور تعلیق تدریجاً انرژی میکانیکی به انرژی گرمائی تبدیل شده که دراثر تشعشع تلف می‌شود . اگر بکمك دستگاه مناسبی بتدریج از انرژی گرمائی حاصل برای جبران نقصان انرژی میکانیکی استفاده کنیم ، بطوریکه گفته شد جبران کامل نقصان این انرژی بکمك انرژی گرمائی امکان پذیر نبوده و بالنتیجه گلوله آونگ حرکت جاویدان نخواهد داشت .

خلاصه هرچند انرژی فنا ناپذیر است ومقدار آن در تبدلات مختلف ثابت میماند ولی از کیفیت بالضروره تنزل حاصل نموده و ازمقدار قابل استفاده آن کسر میشود و بعبارت دیگر **(تنزل رتبه حاصل میابد.)**

انرژی چیست؟ نظریات جدید درباره انرژی

توسعه دانش فیزیك سبب گردید که دانشمندان دو رشته نتایج جدید را درباره انرژی بپذیرند .

۱ــ انرژی منفصل است .

پلانك (۱۹۴۷ــ۱۸۵۸) دانشمند آلمانی، درمطالعه تشعشع اجسام ملتهب درسال ۱۸۹۹

باین‌نتیجه رسید که باید برای انرژی ساختمان حبه‌ای (Granulaire) منظور داشت ـ همچنانکه قابلیت تقسیم ماده اتصالی نیست و بحدی محدود میشود (اتم) بهمین ترتیب حدی برای کمترین مقدار انرژی موجود است که آنرا «حبه» انرژی ویا باصطلاح فیزیك کوانتا (quanta) مینامیم که مقدار آن ازروی آزمایش ومحاسبه معلوم میگردد.

نباید تصور نمود که نظریه‌فوق فقط ساخته وپرداخته ذهن است بلکه یادآوری می‌نمائیم که این فرضیه ازآزمایشهای دقیقی نتیجه شده وپدیده‌هائی راکه با تئوری‌های قبلی قابل تفسیر نبوده‌اند بخوبی بیان می‌نماید. فرضیه فوتونی نورنتیجه‌ای ازفرضیه کوانتا است که در دنباله این بحث، بتوضیح آن خواهیم پرداخت.

۲ ـ بین ماده وانرژی همبستگی برقراراست

انشتین دانشمندان معروف آلمانی (۱۸۷۹ـ۱۹۵۵)، درسال ۱۹۰۵، اساس فرضیه نسبی خود راگذاشت. که یکی ازنتایج غیره منتظره آن بقرارزیراست:

انرژی دارای اینرسی ودارای جرم می‌باشد ـ برعکس هرجرم مادی بامقداری انرژی معادل است. جسمی که انرژی میگیرد برجرمش افزوده میشود و چون انرژی از دست دهد جرمش کاهش می‌یابد هرتغییرانرژی (M) دستگاهی، بایك تغییر(m) ازجرم آن که دررابطه زیر بهم بپوسته‌اند همراه میباشد.

$$m=\frac{W}{C^{۲}}$$

که درآن C معرف سرعت‌سیر نوردرخلاء است.

$$C=۳۰۰۰۰۰ Km:S=۳\times ۱۰^{۱۰}. C\cdot G\cdot S$$

بطوریکه ملاحظه میشود جمله $C^۲$ مقدارش زیاد است که باید W خوددارای‌مقدار زیادی باشد تا m مقدارقابل ملاحظه‌گردد. درتشکیل یك ملکول گرم آب از۱۶ گرم اکسیژن و۲ گرم ئیدروژن ۶۹۰۰۰ کالری گرما پدید میآید ـ تقلیل جرم در این واکنش شیمیائی چنین خواهد بود.

$$m=\frac{۹۶۰۰۰\times ۴/۱۸\times ۱۰^{۷}}{۹\times ۱۰^{۲۰}}=۳\times ۱۰^{-۹}g$$

این تغییر بی‌نهایت کوچك برای جرم دستگاه حتی بیك هزارم دقت بهترین ترازو ها نمی‌رسد وازاین جهت محسوس نیست.

ولی درتبدلات رادیواکتیو، تقلیل جرم قابل ملاحظه بوده و درنتیجه انرژی حاصل از این تبدلات مقدار بسیارزیادی است. بآسانی میتوان محاسبه نمود که در نتیجه اتلاف یك گرم ۹ ارك وبعبارت دیگر۲۵ میلیون کیلووات انرژی پدید میآید. $۱۰^{۲۰}$

این مثال بخوبی نشان میدهد که تمام مواد مخزن عظیمی ازانرژی هستند.

ازاینقرارمفاهیم متشتت که قبلا ازکار ـ انرژی سینتیك، گرما، انرژی شیمیائی، انرژی الکتریکی وجود داشت، دریك مفهوم وسیعتری جمع میشوند. و چون «ماده» را نیز در این مجموعه واردکنیم وحدتی پدید می‌آید که مورد توجه دانشمندان فیزیك وفلاسفه است.

ترجمه : کوشا

آکادمی

«آکادمی» زمینی را می‌گفتند که بمسافت دو کیلو متر و متعلق بیك‌نفر خداوند دانش موسوم به‌آکادموس بود این زمین درشمال غربی‌آتن بود وصاحبش‌آنرا به‌چهار دیواری محصور نموده عنوان مدرسه روی‌آن‌گذاشته بود و پس ازوی محل مذکوربه «سیمون» پسر «میتوس» رسید، واو درزمین مزبوردرختان‌گوناگون نشانیدوآوازه‌آن رابهرجا رسانیددرآکادمی مذکور مجسمه‌ای برای رب‌النوع‌آتن ساخته بودند کـه دوازده اصل درخت زیتون مقدس آنرا احاطه نموده بود وبرای سایرخدایان نیزدرآنجا قربانگاهی بودکه «افلاطون» فیلسوف مشهورآنرا برپانموده بود. فیلسوف مذکوراین باغ رادوست میداشته و درزیرسایه درختان‌آن نشسته برای شاگردان خود درس می‌گفت و با این لحاظ یونانیها لفظ‌آکادمی را بافراد با تمام شاگردان افلاطون اطلاق نمودند ونیزلفظ (مدرسه‌آکادمی) را برمدرسه‌ایکه فیلسوف مزبور تأسیس نمود اطلاق‌کردند. سپس مدلول ایـن لفظ توسعه یافت وتمام مجامع ادبی وعلمی و موسسات فنی از قبیل‌آکادمی «بطالسه» دراسکندریه وآکادمی «عبری» ومدارس و موسسـات علمی دیگری راکه بعضی ازخلفا وپادشاهان اسلامی درد مشق و بغداد واندلس تأسیس و تشکیل نمودند باین اسم نامیده شد و نیز آکادمی «شارلمـانی» و «فردریك‌کبیر» و غیره باین اسم موسوم‌گردیده اغلب موسسات مزبور شباهت کاملی بمدارس و مجامع علمی امروزه و دانشگاهها کنونی‌داشته‌نظامات و دستور قرائت و تعلیمات آن قریب باین سبك و اسلوب بوده است مملکتی کـه از همه جازودتر در تأسیس آکادمی پیشقدم گردید و در هر شهری از شهرهای خود مؤسسه یا مجمع علمی و دانش ترتیب داد ایتالیا بودکه در حدود بیست مؤسسهٔ دانش یازیادتـر تشکیل یافته ولیکن قسمت عمده‌آن راچندان دوام وبقائی پیدا نشد واکثرآن‌ها پس از چندی بهم خورد و تشکیلات‌آن ازبین رفت.

طولی‌نکشیدکه فرانسه ازایتالیاتقلیدکردوبرای توسعه‌معارف‌خود قدم دراین راه‌گذاشته ازقرن۱۷میلادی مجامع علمی وآکادمی دراغلب شهرها تأسیس نمود.

آکادمی ومجامع علمی ولغوی درفرانسه

ماوقتی‌که بمجامع علمی ومؤسسات ادبی‌توجه مینمائیم‌می‌بینیم‌که غالباًدراین‌گونه‌مجامع ومحافل‌خصوصی مردمانی عضویت وشرکت داشته‌اندکه اخلاق وافکاروروحیات ایشان‌بیکدیگر نزدیك بوده براثرهمین قرابت نظر وتوافق اخلاقی بایکدیگرمرواده وآمیزش نموده وبرای پیشرفت دانش وبسط معرفت وتوسعه دایره زبان ولغت دست بدست هم داده و مقصود خودراکه خدمت بجامعه ووطن بوده است درکمال وفاداری وصمیمیت اجراکرده‌اند درفرانسه نیزجمعی ازاینگونه مردم روشنفکر گرد یکدیگرجمع شدند و ازپرتو مجاهدت ایشان موسسهٔ وضع لغت فرانسه «آکادمی» درآغازسال۱۶۲۹میلادی بوجودآمده که مقارن بازمان«ریشلیو» وزیرکاردان ودانشمند معروف لوئی سیزدهم بود وعده‌کارکنان‌آن درابتدای امر دوازده نفربودند. وقتی‌که خبرتشکیل‌این جمعیت بکاردینال‌ریشلیورسید مؤسسین مجمع‌تصور کردندکه «ریشلیو»درپیشرفت

مؤسسه وانجام مقصود به‌ایشان مساعدت نخواهدکرد، ولی ریشلیودرسال ۱۶۳۴ بمؤسسه مزبور تمایل پیدا نمود وآن‌را طرف توجه خویش ساخت و میخواست کارکنان‌آن جمعیتی باشندکه در قدرت دولت ومساعدت‌های‌لازمه درباری بعالم‌لغت وزبان وبسط وتوسعه‌آن خدمت کنندکارکنان واعضای‌آکادمی متدرجاً نزد (ریشلیو) آمدوشدکردند وازوی مساعدت وهمراهی میدیدندلذاین عده خود افزودند وتعدادایشان ازدوازده نفربه‌بیست وهشت نفررسید ومدت یکسال اوقات‌خود را بمطالعه وتحقیق‌گذرانیده امورمقدماتی وکارهای اساسی‌آکادمی راانجام دادند. دراول‌سال (۱۶۳۵) نظامنامه‌آکادمی در۵۰ ماده تصویب شد مقصود ازوضع واجرای‌نظامنامه ضبط وجمع آوری لغـات وتعیین وتجدید ووضع الفاظ جدید و اصطلاحات بود تا بتوانند زبان فرانسه را مانند زبان لاتین ویونانی واعصارطلائی درخشان آنان از حیث ادبیات غنی سازند. نظامنامه آکادمی فرهنگی«دیکسیونر» ترتیب وتدوین‌نموده‌وقواعدی رادرلغت ومنطق وشعروضع وابداع کندعده‌کارکنان‌آکادمی دراین بین بچهل نفررسید واین عده تاکنون نیز‌بحال ثابت باقی‌مانده است.کاردینال ریشلیوطرفدارآکادمی فرانسه بوده وهرگونه موانع ومشکلات راازجلوآن بر-میداشت وازضدیت ومخالفت باحسدبدخواهان وجهال جلوگیری میکرد وخود راملزم‌گردانیده بودکه بعد ازوفات خودکسی راجانشین خویش‌نمایدکه نسبت بآکادمی حسن ظن داشته وطرفدار آن باشدبااین جهت عقیده وی به‌«سیگیه» تعلق‌گرفت‌که دردوره‌اوکارکنان جدیدی درآکادمی پذیرفته شدند.

خطباودانشمندان‌اغلب مطالب‌ادبی وموضوعات علمی‌رادرمجمع بطورخطابه یاکنفرانس ایرادمیکردند.ازجمله خطابه‌های مشهورکه‌درمجمع‌آکادمی‌آن زمان‌ایراد شده یکی‌خطابه‌ایست که «لابرویر» ازعلمای‌اخلاق وادبای مشهوردر۱۶۹۳ بیان‌کرد ودیگری خطابه‌ایست‌که‌بوفون نویسنده وطبیعی‌دان معروف در۱۷۳۵ ایراد نمود.

«لوئی چهاردهم» علاقه زیادی نسبت بآکادمی فرانسه ازخود ابرازنمود ومؤسسه مزبور راازجمله دوائررسمی‌سلطنتی شمردودر قصر«لوور» برای‌آن‌مکانی مخصوص معین‌کردوباعملیات آن بهیچوجه اظهارمخالفت یااعتراض ننمودفقط‌گاهی درانتخاب اعضاء وکارکنان مجمع‌بطور ندرت نظریه شخص ابرازمی‌کرد واعضای‌آکادمی نزدوی از دیگران‌گرامی‌تر بودند و اجازه داشتند درمجالس ومجامع خصوصی وغیره بااعیان و اشراف وارباب مشاغل مهم وصاحبان جاه ومقام مجـالست نمایند.

بنابراین بواسطه مساعدت‌لوئی چهاردهم وتشویقات زیاد اوعده قابل ملاحظه‌ای‌ازبزرگان وادباودانشمندان فرانسه خود رابااین مجمع‌ادبی وعلمی پیوسته یاافتخـاراً خود را بطرفداری وعضویت‌آن نسبت دادندکه ازآنجمله «دکارت» ریاضی‌دان وفیلسوف و«پاسکال» عالم ریاضی و «مولیر» و «بوالو» و «مالبرانش» ودیگران بودند. فی‌الحقه‌آکادمی مرکز‌بیشترپیشرفت‌ها و ترقیات ومرجع رشد ونمو وموجب مدنیت وازدیاد عظمت وافتخار وسربلندی ملت فرانسه بین سایردول اروپاگردید. ادبا ونویسندگان و ارباب دانش برای عضویت‌آکادمی بیکدیگرسبقت میگرفتند و بالاخره‌آکادمی توانست مهمترین وظیفه خود راکه جمع‌آوری و تدوین فرهنگی جامع برای ضبط لغات‌زبان فرانسه بود انجام دهد. فرهنگی را که‌آکادمی جمع‌آوری نمود کاملاطرف اعتماد بود ومردم معانی الفاظ جدید واستعمال‌آنرا قابل اهمیت واعتماد دانسته‌در محاورات ونگارشهای خود بکارمی‌بردند. علاوه براین‌آکادمی فرانسه عملیات دیگری راکه‌از جمله «مسابقه ادبی سالیانه» بود جزو برنامه خود قرارداده و همه‌ساله مفادآنرا بموقع اجرا گذاشته وپس‌ازرسیدگی باوراق شرکت‌کنندگان روی تصدیق‌حکمیت متخصصین فنی ودانشمندان جایزه‌های مخصوصی راکه برندگان جوائز معین شده بود باشان می‌دادند.

«کلبر» وزیرمشهورلوئی‌چهاردهم در۱۶۶۳مجامع دیگربنام‌مجمع صنایع ظریفه ومجمع علوم اخلاقی وسیاسی ومجمع طبی ومجمع زراعتی وفلاحتی تأسیس نمود واعضای‌آن را درحدود چهل نفرازمعروفین علماودانشمندان تعیین‌کردکه وظیفه‌ایشان‌تحقیق ورسیدگی درآثاروصنایع وخطوط ولغات قدیمی وتاریخ ادبیات بود. اماآکادمی علوم و دانش یا «سوسیته» علمی تاریخ ظهورآن تا قبل ازسال ۱۶۶۳میلادی نا معلوم بود وکارکنان مجمع مزبور تا آنوقت بطوری سری ومخفیانه بین خودشان جمعیتی علمی تشکیل داده وگاهگاه درخانـه بعضی از دوستان و رفقای خود اجتماع نموده مطالب وموضوعات علمی رامورد بحث ومذاکره قرارمیدادند ومابین ایشان‌کسانی ازقبیل دکارت وپاسکال ودیگران‌بودند. وقتی‌که «کلبر» وزیرلوئی چهارده از این قضیه‌آگاه شد محلی ازکتابخانه دولتی رابرای اجتماع هیئت مذکورتخصیص داد و بعدها آکادمی علمیْ درآنجا تشکیل یافت ودرمباحث علمی وتاریخی داخل تتبع وتحقیق گردیدمجمع مزبورتاسال ۱۶۹۹بدون اینکه دارای نظامنامه داخلی باشد یاعمل برجسته وقابل ملاحظه‌بعد ازفوت‌کلبرازخود نشان دهدادامه یافت ولیکن دراین سال‌برای خودنظامنامه ودستورمخصوص تنظیم‌کرد. آکـادمی علمی ازاین تاریخ محل خودرابقصرلوورعمارت جدید البناء احداثی‌کلبر انتقال داد ونشاط وذوق وعشق‌کارکنان مجمع درآنجا روبفزونی وازدیادگذاشت ولی بفاصله کمی انقلاب فرانسه اینمؤسسه راماننداسایرمؤسسات ومجامع‌آنروزی‌ازبین برد ومؤسسه جدیدی که موسوم «مؤسسه وطنی علوم وفنون» بود بجای‌آن برقرارگردید.

این مؤسسه هم چندان دوام نیافت زیرا در۱۸۱۶ امردولت صادرگردیدکه « مجامع و مؤسساتی راکه سابقاً ملغی شده بود مجدداً بحالت اولیه برگردانندولیکن لفظ (مؤسسه) رااز یکایك‌آنها برداشته وروی مجموع بگذارند»آنوقت‌آکادمی علوم بحالت خود برگشته واعضای آن مرکب از۷۵نفرگردیدکه هرکدام درسنوات بعد خدمات شایسته‌ئی‌بعالم علوم‌وفنون‌کردند.

اما «مجمع صنایع مستظرفه »که درآنوقت آنرا ادبیات عالیه می‌نامیدند در سال ۱۷۹۵ از « مجمع دولتی رسم ونقاشی ومجمع دولتی معماری وبنائی تشکیل یافت» مجمع صنایع مستظرفه‌از اقسام مؤسسات علوم و فنون و محل‌آن متصل بمدرسه صنایع مستظرفه در پاریس بود و مجمع اخلاقی وسیاسی جزء موالید دوره انقلاب فرانسه است زیراتاآنوقت اینگونه مجامع رارسمیتی نبود بلکه اسمی هم ازخود نداشت. اعضای این مجمع بالغ بسی و پنج نفربودند و به‌پنج شعبه تقسیم می‌شد. شعبه فلسفه، شعبه سیاست ، شعبه قانون‌گذاری ، شعبه حقوق عمومی ، شعبه اقتصاد سیاسی وشعبه تاریخ علوم وفلسفه. درسال ۱۸۵۵ برشعب مذکور شعبه هفتمی افزودندکه اعضای آن ده نفربودند وبعنوان سیاست مالی دراداره نمودن امورمالیه مشغول بودند وبنابراین عده اعضای مجامع مذکوربچهل وپنج نفررسید ، حکومت و دیگران باین مجامع کمك‌های مادی و معنوی‌کرده وجوهات واملاك و اموال بذل می‌نمودندکه صرف امورخیریه وتشویق‌مؤلفین میشد. یکی دیگر ازمجامع تحقیق در اطراف‌اموربهداشتی‌و رسیدگی بعلل و موجبات‌امراض مسری و اجرای طب قانونی واساس وتجزیه‌آب‌ها وآگاهی‌ازمعالجات وتوبه درم ضدامراض‌و سایرلوازم پیشرفت فنی مداوا ومعالجه واستشفا ازامراض بوده است ومجمع مذکور بسه شعبه: طبی ــ و دواسازی ــ جراحی تقسیم می‌شد ودارای ۸۵نفرعضورسمی ۶۰۰ نفرعضوافتخاری وعده‌کثیری ازاعضای مبلغین یامعاونین وغیره بود ازمجامع دیگر درفرانسه «مؤسسه فلاحتی» است که‌دردوره جنگ بزرگ بین‌المللی برحسب فرمان مورخه۲۳ فوریه ۱۹۰۵ تأسیس شده و بجای جمعیت فلاحتی‌که درایام «لوئی پانزدهم» تأسیس شده باشد.

تاریخچه گمرك در ایران

کلمه گمرك از ریشه لاتینی کومرسیوم Comercium اتخاذ شده که در زبانهای فرانسه وانگلیسی کومرس Commerce بمعنی تجارت ومبادله کالا گفته میشود.

ازاین واژه درزبان یونانی کلمه مشابهی بصورت کـومرك Commerx متداول شده کـه اصطلاحاً برحقوق که ازمال التجاره اخذ میشود اطلاق گردیده است.

بنظرمیرسدکه دراوان تسلط عثمانیها برشبه جزیره بالکان این کلمه را ازآنجا اقتباس ودرزبان ترکی رواج داده‌اند وبعدها دردوران صفویه بواسطه همجواری باایران این کلمه در کشورما نیزمتد اول شده است.

گمرك ازقدیمترین ایام وجود داشته وهرکشوری درهمان گامهای نخستین که بسوی تمدن وپیشرفت برداشته واندك مراوده‌ای باممالك دیگرپیدا کـرده گمرکی بوجودآورده است زیرا احساس کرده است که احتیاج بحساب وکتاب ونظارت برواردات وصادرت خود دارد .

درمیان ممالکی که تاریخ کهن دارند میتوان ایران وروم و یونان را بطورمثال نام برد که هریك بعد ازتحولات چندی تشکیلات منظم گمرکی بوجودآورده‌اند .

در یونان قدیم معادل $\frac{1}{50}$ و در امپراطوری روم معادل $\frac{1}{40}$ بهای کالا گمرك میگرفته‌اند

درایران بطوریکه گفته شد تشکیلات گمرکی سابقه دیرین دارد .

درزمان اشکانیان سازمان منظم گمرکی وجود داشته و صادرات از حقوق گمرکی معاف بوده است و بااین ترتیب روشن میشودکه درآنموقع از سازمان گمرك علاوه برنقش مالی جنبه نظارت برامور اقتصادی وتشویق وتوسعه صادرات هم منظور بوده است. درزمان ساسانیان کاربعضی مالیاتها ازجمله مالیات گمرکی بیکی ازسازمانهای مهم دولتی بنام دیوان بوده است که حقوق دیوانی میگرفته‌اند و دد این عبارت « حقوق دیوانی » تا چندی پیش هـم بکار میرفته و در کتابهای تاریخی وادبی ازآن ذکرشده است لغت Douane که درفرانسه بمعنی گمرك است نیز ازهمین ریشه میباشد.

بـهر حال دردوره ساسانیان از واردات بکشور بمیزان $\frac{1}{10}$ از روی ارزش و یامقدار حقوق گمرکی دریافت میشده است ولی ازصادرات چیزی بنام گمرك گرفته نمیشد.

وقتیکه عربها برایران مسلط شدند این رویه را اقتباس ودرجزیر العرب و ممالك زیر نفوذ خود بسط دادند ودامنه آنرا تاجبل الطارق واندلس کشانیدند .

دراصطلاح عربها گمرك راعشوریعنی ده یك ومأمورین گمرك راعاشرمیگفتند.

البته اعراب تعصبات مذهبی راهم درماخذ و میزان گمرك خود واردکردند چنانکه از مسلمانان ازهر ۴۰ درهم ازیهودیان ومسیحیان ازهر ۲۰ درهم یك درهم واز سایرین از هر ۱۰ درهم یك درهم حقوق گمرکی میگرفتند.

بعد از تسلط عربها بر ایران در نتیجه آشفتگی اوضاع مملکت بخصوص حملات اقوام بی‌فرهنگ وعاری از تمدن آنروزمانند غزها و ازبکان ومغولها، باین سرزمین و جنگهای متوالی که خاك ایران درمعرض تاخت و تاز قرار گرفت کار گمرك نیز مختل شد و این اختلال تازمان صفویه ادامه داشت.

دردوره صفویه واستقرار اوضاع توجه بیشتری بگمرك پیدا شد و اززمان شاه سلیمان (۱۶۷۴ میلادی) تا ۲۲۰ سال بعد گمرك بصورت اجاره اداره میشد که بیشتر جنبه مالی آن در نظر بود. باین ترتیب که حکام وقت عواید گمرك را با مقاطعه باشخاص واگذار میکردند و آن اشخاص درمقابل مبلغی که گمرك را ازحکام اجاره کرده بودند خودشان درآمد گمرك خانه‌ها را جمع‌آوری میکردند ومعروفترین مقاطعه کار گمرك در ۷۰ سال قبل کربلائی عباسعلی نامی بوده که بازارچه کربلائی عباسعلی در تهران بنام اومشهوراست.

ضعف حکومتهای مرکزی درزمان قاجاریه اجرای مقررات را مشکل نموده بودچنانکه درسال ۱۲۹۹ هجری قمری یعنی ۸۰ سال پیش بموجب فرمانی که پادشاه وقت صادر کرده تره‌بندرعباس وتوابع آنرا ازحقوق گمرکی معاف میکرد تخلف کنندگان ازاجرای آنرا بلعنت خدا ورسول وملائکه مقربین وانبیاء مرسلین حواله مینمود.

این اختلال و آشفتگی اوضاع حکومتها را گرفتارقرض خارجی نمود و عواید گمرکی گروگان پرداخت این قرضه‌ها قرارگرفت وبرای تأمین وصول عواید گمرکی مستشاران بلژیکی درسال ۱۲۷۷ خورشیدی مطابق با ۱۸۹۸ میلادی بسرپرستی نوز بایران آمدند.

مسیو نوز که بعدها دراین مملکت بوزارت گمرکات وپست وتلگراف نیزرسید بعد ازورود بایران عده‌ای همکار بلژیکی برای سرپرستی گمرکخانه‌های مرزی درخدمت دولت ایران وارد کرد وقوانین ومقرراتی برای وصول درآمدهای گمرك وضع نمود و فرمانهائی از پادشاه وقت برای اجرای آن گرفت.

درابتدا اداره گمرك بنام وزارت گمرکات نامیده میشد بعدها که اداره مالیه مملکت بدست شوستر آمریکائی وهمکاران اوافتاد گمرك راضمیمه وزارت دارائی نمودند واداره گمرك یکی از ادارات وزارت دارائی شد.

بعد ازشکستهای نظامی ایران ازروسیه درزمان فتحعلیشاه وتحمیل قراردادهای ننگین گلستان و ترکمانچای رژیم کاپیتولاسیون[1] دراین مملکت برقرارشد و خارجیها امتیازات زیادی از جمله امتیازات گمرکی برای افراد و مؤسسات خود درایران گرفتند که تازمان سلطنت رضاشاه فقید این وضع برقرار بوده وبفرمان آن پادشاه بزرگ کاپیتولاسیون لغو واستقلال اقتصادی وقضائی در این مستقر گردید.

مستشاران وروسای خارجی تاسال ۱۳۱۳ خورشیدی درایران خدمت میکردند ولی چون شاهنشاه فقید بمقتضای تعصب شدید وطن‌پرستی باهرگونه مداخله ونفوذ بیگانگان مخالف بودند دراین سال که عده‌ای ازجوانان تحصیل کرده و اروپا دیده ایران برای خدمت بمیهن آمادگی داشتند عذرروسای بلژیکی ازگمرك و دارائی خواسته شد و اداره گمرك بدست روسای تحصیل کرده ایرانی سپرده شداز آنسال ببعد اداره گمرك وراه تکامل پیموده وسازمان وتجهیزات خود را گسترش داده‌است.

ازآغازسال ۱۳۳۶ وزارت گمرکات وانحصارات تأسیس واداره گمرك نیزازوزارت دارائی جداوضمیمه وزارت گمرکات شد.

از اواخرخرداد ۱۳۴۰ بنا بتصویب هیئت وزیران اداره کل گمرك سازمان خود جزء وزارت بازرگانی شده و اسفند ماه ۱۳۴۱ نیز که وزارت بازرگانی با وزارت صنایع و معادن

ادغام وتواماً تشکیل وزارت اقتصاد رادادگمرك جزء وزارت اقتصاد متشکل گردید.

ازتیرماه ۱۳۴۵ طبق قانون مصوبه دومجلس گمرك ازوزارت اقتصاد مجزی وزیر نظارت وزارت دارائی قرار گرفت .

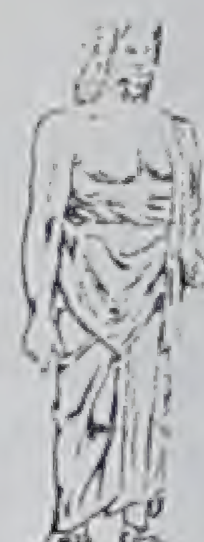
اولین تعرفه گمرکی در سال ۱۲۸۲ خورشیدی مطابق ۱۹۰۳ میلادی تدوین شد لغت تعرفه که باگمرك سروکارزیادی دارد مطابق بعضی قولها ازنام شهرطریف درجنوبی‌ترین نقطه اندلس گرفته شده است که اعراب دراین منطقه‌ازکشتیها ئیکه‌ازجبل‌الطارق عبورمیکردند حقوقی میگرفتند وهمین لغت بعدهادرایران وممالك عربی تعرفه و درزبان اروپایی Tarif گفته‌شده است بعضی دیگرمعتقدند که کلمهٔ تعرفه از واژه عرب بمعنی شناسائی گرفته شده و چون گرفتن حقوق گمرکی مستلزم شناختن کالاهاست حقوق کالاهای شناخته شده راتعرفه خوانده‌اند.

خدایان جهان باستان

در تاریخ ادبیات زبان‌های کنونی و بعضی از زبانهای فراموش‌شده به‌فصلی از خدایان یونان برمیخوریم . این خدایان ارباب انواعی هستند کـه هر کدام از آنها برچندین جنبه گوناگون‌اززندگی انسان وکره زمین وآنچه مربوط به‌عالم وجوداست نظارت وسرپرستی‌دارند. این‌خدایان ازلحاظ سلسله‌مراتب وطبقه بندی، قدرت وستی ، مانندمردم زمین هستند . برخی خیلی مقتدر وبعضی دارای توانائی محدود هستند، عده‌ای نیز در خدمت بزرگترها کارمیکنند .

مقر خدایان بزرگ واصلی قله‌کوه‌المپ (Obhmlua) است. ازاین قله مرتفع زئوس (ژوپیتر) خدای خدایان فرامین خود را به‌سایر خدایان صادر میکند خدایان هر کدام خانه‌ئی مخصوص خوددارند . قله‌المپ مرتفع ترین قله‌های یونان‌است؛ شعرافکر میکردند این‌قلـه با آسمان تماس‌دارد. تعداد خدایان‌اصلی ۱۲ میباشد وبزبان رومی ازاین‌قرارند_ژوپیتر Jupiter نپتون Neptun ، پلاتو Platu ، مارس Mars وولـکن Vulcan، آپـولو Apollo یونو Juno ، مینرو Minerva ، دیانا Diana ، ونوس Venus وسرس Ceres .

ژوپیتر (زئوس) فرزند ساترن‌وری‌آ ، خدای خدایان و خدای‌مردم روی‌زمین است . ژوپیتر بایونو (هرا) ازدواج کرد. این‌زن که‌خود جزو خدایان بود رسما شریك‌مقام خدائـی زئوس شد و بااو در اداره جهان شرکت جست هراکه الهه بسیار زیبائی بود اصولاخواهر زئوس‌بود، زیرا هردو ازکرونوس«جوهر هستی» زاده‌شده بودند.زئوس در اول بصورت خدای نـوروآسمان بود ولی‌کم‌کم به‌صورت بزرگترین خدایان درآمدوصاحب اختیار مطلق‌شد. وی‌خدای حامی سرزمین یونان نیزهست و تمام یونانیان تحت حمایت‌خاص‌او هستند .



ژوپیتر

یونو (هرا) ــ ملکه آسمان و ربه‌النوع زنان جهان بود وی درعین حـال‌الهه ازدواج‌وزناشوئی والهه مادری نیز محسوب میشد . او را همیشه نمونه کامل و زوجه عاقل ووفادار میشمردند برپیشانی او عادتاً تاج زیبائی نهاده شده بود وبرتن جامه‌ای بلند داشت‌که همه اندامش‌راپوشانده‌بود . عصای جواهرنشان‌که فـاخته کوچکی بربالهای آن‌بود دریك دست واناری که دریونان مظهر عشق‌زن وشوهری وتولید مثل بود دردست دیگرداشت.

معابدی که برای‌پرستش‌این‌الهه‌ساخته میشده، همیشه دربلندیها قرار داشت؛ معروفترین

آنها در کوسی بود .

می‌نرو (آتنا) ــ الهه‌عقل وهنر بود. وی‌را درتمام یونان می‌پرستیدند و بخصوص در آتن‌مورد ستایش خاص‌بود زیرا آتنی‌ها اورا الهه وحامی‌شهر خود می‌شمردند ونام آتنا نیز از کلمه آتن گرفته شده‌است بعدها رومیان نیزاورا باندازه یونانیان مورد پرستش قراردادند.



می‌نرو

آتنادختر خدای‌خدایان بود. مادراو متیس الهه‌ای بود که مظهر عقل کل‌بود.دو الهه‌دیگر ازاین رب‌النوع نزد زئوس‌بدگوئی کردند و گفتند که ممکن است‌فرزند این‌زن‌ترا ازتخت خدائی‌فرود آورد . زئوس ترسید ومتیس را که فرزندی‌در رحم داشت‌بلعید. اندکی‌بعد درسرخود دردی شدید حس‌کرد واین دردنه روزونه‌شب ادامه داشت‌دراین موقع‌بود که‌هفاتیستوس‌خدای‌صنعت‌بکمکش‌رسید وباتبری‌سرش‌را شکافت والهه‌زیبا‌بیرون آمدکه بلافاصله فریادی ازپیروزی‌بر کشید .

وستا(هستیا) Vesta الهه‌آتش بود. آتش درنزدیونانیان مثل همه‌ملل‌آریائی‌مقدس بود وهسته‌مرکزی خانواده‌بشمارمیرفت؛ اصولا کانون خانوادگی نامی‌است که ازکلمه آتش‌آمده این الهه برآتش‌خانوادگی‌نظارت میکرد وازاین راه سرپرستی‌خانواده‌هارا بعهده داشت .

هستیا تنها الهه‌ایست که‌زاده خیال‌پردازی یونانیان نبودبلکه ریشه‌واصیل‌آریائی‌وبسیار قدیمی‌تراز سایرارباب‌انواع یونان داشت .

آپولو (فبوس) Abella پسر ژوپیتر است‌ودرجزیره دولوس بدنیاآمد . وی‌رب‌النوع موسیقی ؛ هنر؛ شعر وبسیاری چیزهای دیگر بودوی دراصل خدای نور وروشنائی بود بدین دلیل او را در یونان فبوس Phabus میتامیده‌اند که معنی درخشان میدهد . آپولو خدای غیب‌گوئی وهمچنین خدای شبانان‌نیزبود وماموریت حفظوحراست گله‌هاوگوسفندان‌راداشت. درمجسمه‌های آپولو اورا بصورت جوانی فوق‌العاده زیبابااندام نیرومند ومناسب و در حالیکه صورتش هیچوقت موئداشت مجسم‌میکردند. چیزهائیکه همیشه بااوبودکمان وترکش‌وچوبدست چوپانی‌وچنگ‌بود .

دیانا(آرتمیس) Diana دخترژوپیتر وخواهر دوقلوی‌آپولون است . درزمین نامش دیانا والهه شکار است ودرآسمان نامش فابه (سلن) (Phabe (Selene خدای ماه است این الهه دوشیزه جوانی است که‌زیباست وزیبائی او باسختگیری توام است ؛ گیسوان اوحلقه حلقه‌شده‌وبالای سرپاپشت گردنش‌جمع‌شده است . جامه‌ای کوتاه دربر دارد کــه فقط تازانوان او میرسد و کفشهای پوستی مخصوص شکار در پــا دارد ؛ بــازوان و ساقهای پایش‌برهنه‌است‌جز تیراندازی وشکار افکنی‌بهیچ چیز علاقه ندارد این الهه زیبای شکار افکن وسنگدل با همه‌دلربائی‌از عاشق‌پیشگی بیزار است وبا هرکس‌که دلداده او باشد سرستیز دارد .



دیانا

سرس (دمتر) Ceres الهه‌گندم ومظهر حاصلخیزی است آنچه در یونان اهمیت‌خاصی‌برای‌این الهه‌بوجود آورده جشن‌های معرف الووزیس‌Elusis بودکه سالی یکبار برقرار میشد و از سراسر یونان‌هزاران‌نفر برای‌شرکت دراین مراسم به‌کنار دریای

یونان‌روی‌میآوردند این جشنها همیشه بامراسمی‌مرموزپایان میبافت که برازهای الوزیس‌معروف بودوتنها کاهنه‌ها ودخترانی که درخدمت‌معبد الهه‌بودند حق‌شرکت درآنراداشتند دارای‌قیافه‌ای زیبا ولی جدی، گیسوان طلائی که رنگ خوشهٔ رسیده گندم بود.

وولکن (هفائیستوس) Vulcan فرزند ژوپیتر وهرا، زشت‌بودواز هردوپا می‌لنگید اما خدای صنعت بود ودائماً در زمین باکوره وآتش سروکار داشت. بطور کلی تمام کارهای صنعتی، دستی وامور مربوط به‌معادن زیر نظر او بود همچنین وی خدای آهن، برنج ونقره نیز میباشد لغت وولکانو Volcano بمعنی آتش‌فشان نیز ازهمین خدا آمده است. در دست وی چکشی دیده میشود، کلاهی کارگری ومخروطی شکل برسر وجامه‌ای ساده‌که بازو و شانه راستش از آن بیرون است بسر تن دارد، دارای ریشی انبوه است که غالب خدایان از آن بی‌بهره اند.

مرکور (هرمس) Hermes پسر ژوپیتر وخدای سفر بود وچون درقدیم سفر بمنظور تجارت صورت میگرفت هرمس خدای‌تجارت و منافع مشروع نیز محسوب شدوچون لازمه‌تجارت‌داد سخن است‌مرکور خدای‌فصاحت وبلاغت خدای هادی ارواح مردگان وهمچنین‌قاصد خدای خدایان نیز بشمار میآمد.


هرمس

ورزش کاران یونان اورا حامی خـود هم می‌پنداشتند، چنانکه‌درمدخل میدان ورزش‌معروف(اولمپیاد)که مرکزمسابقات اولمپیك بودمجسمه‌اش را نصب کرده بودند .در تجسم‌هرمس‌همیشه ازاین جنبه ورزشکاری او استفاده میکنند.

اندامی موزون ورزیده، موهائی‌کوتاه‌وانبوه‌وکفشی بالدار دارد. دردست اونیزعصائی‌بالدار است‌که دومار برآن پیچیده اند.

مارس (آرس) Ares خدای جنگ‌وجدال‌بود. قیافه‌ای‌که یونانیان برای این خداقائل شده بودند اورا جوانی قوی هیکل وخوش اندام وتقریباً برهنه که گاه کلاه خودی برسرونیزه‌ای دردست دارد وگاه روی چلیکی نشسته‌است‌وسری‌برهنه‌باموهای‌حلقه حلقه‌دارد‌مجسم‌میگردد.درنگاهش‌حالت‌جنگجوئی وپیکارطلبی احساس‌میشود.

ونوس (آفرودیت) Venus الهه عشق فرزند کاپید یا اروس گل سرسبد خدایان‌است وی همیشه بصورت زنی‌جوان‌وزیبا باقیافه‌ای غالباً هوس‌انگیز نشان داده میشدعالیترین مجسمه های دوران کهن مجسمه هائی است‌که‌برای‌این‌الهه‌ساخته شده‌عالیترین اشعار قدیم یونان ورمم بوصف این الهه اختصاص یافته. اندام او مظهر کامل تناسب ازنظریونانیها بـودبدین سبب هروقت‌که مفهوم زیبائی ازنظر آنها ورومیان تغیر پیدا میکرد درتجسم ونـوس نیز تغیر داده میشد. عالیترین مجسمه‌ایکه ازونوس دردست است درملوس درسال ۱۸۲۰ بدست‌آمده واکنون در موزه لوور پاریس میباشد.


ونوس

کوپید (اروس) Eros ونوس عده زیادی الهه کوچك در زیر فـرمان خود داشت و یك خدای کوچك ولی خطرناك همیشه همراه او وآماده فرمان او بود وی اروس نام داشت، باتیر و کمان خود مراقب بود که ونوس هرکس را که فرمان دهد آماج تیر نامرئی خود



قرار دهد و این دل را گرفتار عشق نماید علامت قلب تیرخورده مظهر تیراندازی همین اروس است. کوپید را معمولا بشکل بچه‌ای ۶ یا ۷ ساله نشان داده اند. در حالیکه‌تیر وکمانی‌نیز‌همراه اوست.

بکیوس (دینزیوس) Bacchus ازخدایان مهم وپسر ژوپیتر میباشد.

درحالیکه شیئی دردست دارد واورا بصورت نیمه عریان نشان داده‌اند.

هلن- تمام قتل وکشتار سهمگین تروا که خدایان‌را هم درآسمان بصف‌بندی دربرابر یك دیگر واداشت بخاطر هلن زن زیبای منلاس پادشاه اسپارت بود. هلن عشاق بسیارداشت‌ولی بشوهرش‌وفادار‌بود. روزی‌پاریس پسر پادشاه تروا بدربار اسپارت رفت‌ودرآنجا براثراغوای ونوس اووهلن عاشق یکدیگرشدند وباهم‌به‌تروافرار کردند. شاهزادگان و پهلوانان‌سرتاسر یونان از این واقعه غیرتشان‌بجوش‌آمد ودست همراهی‌به منلاس‌دادند وتحت‌فرمان‌آگامنون برای سرکوبی پسر پادشاه تروا وبازگرفتن هلن زیبا، روانه تروا شدند واز اینجا جنگی درگرفت که دهسال تمام ادامه داشت‌واما یونانیان که‌قادر بشکست تروا نشدند. ناچار دست به حیله زدند واسبی چوبین ساختند و خودرا درون‌آن پنهان کردند وباآن به‌تروا‌راه یافتند



بکوس

وشهر را آتش زدند پادشاه و پسرانش همه‌کشته شدندوهلن با منلاس‌به اسپارت‌بازگشت‌واندکی بعد عاشق‌دیگری برای خودش‌پیدا‌کرد. بالاخره بعدازمرگ شوهرش‌بروایتی‌بجزیره رودس‌رفت ودرآنجا بامر ملکه بدرختی بدار آویخته شد.

هرکول (هراکلس) Heraklaes بزرگترین پهلوان بشری افسانه خدایان یونان بود. وی در تاریخ جهان بصورت مظهر نیرومندی وقدرت درآمده است بدین‌جهت ویرامؤسس و موجد بازیها ومسابقات اولمپیك‌شمرده‌اند.هرکول‌رابصورت پهلوانی بتمام معنی شریف‌واصیل در حالیکه عضلاتی بسیار ورزیده‌ومحکم وسری نسبت‌به‌بدن‌کوچك دارد و غالباًایستاده و به چوبدستی تکیه داده است نشان داده اند. هرکول کارهای قهرمانی و تاریخی بسیار کرده‌از جملهٔ‌آنها‌پیروزی های‌دوازده‌گانه‌اوست بنام دوازده خوان (شیر نمه، مارنه‌سر، گرازایمانت، خفاشهای دریاچه استیفال، غزال کوهستان سرنید، اصطبل اوکیاس، گاو وحشی‌کرت، اسبان دیومد، کمربند هیپولیت، گاوان گریون، سیب های زرین، سفرهرکول‌بدوزخ)میباشد.



اسب چوبین

پرومته Prometheur – مظهر نیرومند عصیان بود. پرومته که تقربی در دستگاه زئوس داشت تصمیم گرفت علم ودانش خدایان را بآدمیان بیاموزد تا اطاعت وتسلیم محض را

که خدایان از آدمیان میخواستند بصورت عصیان درآورد، اما زئوس (ژوپیتر) خدای خدایان بکمك چند خدای دیگر پرومته را اسیر کرد و با زنجیری ناگسستنی در یکی از قله های مرتفع کوههای قفقاز بهبند افکند و بهتخته سنگی عظیم بست و عقابی را مامور ساخت که هرروز صبح بدانجا رود و جگر پرومته را بیرون بیاورد وغذای روزانه خود قرار دهد. اما هرشب دوباره جگر پرومته بجای خود بازمیگشت وصبح روز بعد دوباره شکنجه شروع میشد. اما پرومته این شکنجه راتحمل میکرد ودرعصیان خود باقی میماند و زبان بهتقاضا نمیگشود. زئوس که نتوانست پرومته رابهپشیمانی وادارد محرمانه بهرکول دستورداد که با تیرخود عقاب قفقازرا ازپای درآورد وپرومته راازبند برهاند. وی نیزاینکارراکرد.

هیپریون - پسر کالوم وترا وپدرخورشید بود. اما شاعران اغلب او را خود خورشید میدانستند. دیگرقهرمان وخدایان عبارتند از:

۱ - سال ۲ - پیتون ۳ - لسیفر ۴ - وسپر ۵ - لونا ۶ - هیراد ۷ - اریون ۸ - سیریوس ۹ - کالیستو ۱۰ - پاندورا ۱۱ - اپیمتیوس ۱۲ - تمپستیاس ۱۳ - میترا ۱۴ - ادیس ۱۵ - لاوس وینالس ۱۶ - یونیوس ۱۷ - فرتونا ۱۸ - میجیا ۱۹ - همین ۲۰ - مرفئوس.

خدایان کشورشرق - ۱ - ورتنوس ۲ - فلورا ۳ - پومونا ۴ - پالس ۵ - ترمینیوس ۶ - یانوس.

خدایان آبها - ۱ - اوسینوس ۲ - تلیس ۳ - نریدس ۴ - نپتون ۵ - آمفی تریت ۶ - تریتون ۸ - پرتئوس ۸ - گلاکوس ۹ - سیرس - ۱۰ چاریبدیس ۱۱ - سیلا ۱۲ - سیکلپها ۱۳ - گرگنها ۱۴ - آرتوزا ۱۵ - لادون.

خدایان کوهها و جنگلها - ۱ - دافینس ۲ - فاندز ۳ - اریستئوس ۴ - بربادوس ۵ - مارسیاس ۶ - پان ۷ - نارسیسوس ۸ - هاما دریادس ۹ - دریادس ۱۰ - ولکانوئس ۱۱ - آتلانتیدها.

دیوار چین

دیوارچین عجیبترین وبزرگترین کاریستکه بدست بشر انجام گرفته است. بسیاری از منجمین معتقدندکه ازآثارفرزندانآدم درروی زمین، این دیوارعظیم یگانه چیزیستکه ازکره ماه میتوان بیدوربین، بچشم دید، وبامصالحیکه برای ساختن ایندیوار بکاررفته است، میتوان دورزمین، برروی خط استوا، دیواری ببلندی ۲٫۴۰ متروبقطر ۹۰ سانتیمتر بنا کرد.

درسال ۱۷۹۰ یکی ازدانشمندان انگلیسی معتقدبود که آجروسنگیکه دراین بنای عظیم مصرف شده، ازآنچه در ساختمان تمام خانههای انگلستان و اسکاتلند و ویلز بکار بردهاند، بیشتراست.

دیوارچین ازنقطهایکه پستترازسطح دریاست، شروع میشود وتدریجاً درکوههای پیچا پیچ چین تابیش ازچهارهزارمترارتفاع بالامیرود وبسرحدات کشورمرموز «تبت»، ختم میشود، فاصلهٔ آغازوانتهای این دیوار بخط مستقیم ۱۸۰۰ کیلومتر، یعنی در حدود سیصد فرسنگ، و طول حقیقی دیوار، باتمام پیچ وخمها وفرازونشیبهایآن، قریب ۴۰۰۰ کیلومتریا قریب ۶۶۶ فرسنگ است.

بانی این دیوارعظیم، امپراطور «چینشیهوانگ» است که در سال ۲۴۶ پیش ازمیلاد، درایالت مستقل «چین»، که امروز آنرا «چنسی» میگویند، برتخت سلطنت نشست و دراینزمان سیزده ساله بود. اتفاقاً این در اوان سلسلهٔ معروف امپراطوران «چو» کههشتصد سال برسراسر چین، حکمروائی کرده وفلاسفهٔ بزرگی مانند «کنفوسیوس» و «من سیوس» و «لائوتسه» را بوجود

آورده بود، منقرض گشته و کشور آسمانی چین گرفتار تجزیه و انقلاب و جنگهای داخلی گردیده بود. «چین‌شی‌هوانگ» با آنکه از جانب مادر اصل و نسبی نداشت و مادرش رقاصهٔ دوره گردی بیش نبود، در خودخواهی و جاه طلبی نظیر نداشت. از آغاز پادشاهی آرزوهای بزرگ در سر می‌پخت و پس از هفت سال بدستیاری سرداران لایق و وزیران با تدبیر خویش بر دولتهای چینی اطراف غلبه کرد و حدود کشور خود را از حدود سرحدات شمالی چین کنونی تا رود «یانگ تسه کیانگ» و از دریای زرد تا ایالت «سه چوون» امروزی وسعت داد.



پس از آن برای اینکه دشمنان قدیمش نتوانند در برانداختن او دست یکی کنند، صد و بیست هزار تن از تواناترین و توانگرترین ایشان را بپایتخت خود شهر «هسین‌یانگ» انتقال داد. این اشخاص در آنجا در نهایت جاه و جلال، مانند سایر رجال و بزرگان کشور، زندگی میکردند، ولی از داشتن هرگونه ارتباطی با سایر قسمتهای چین و یا رعایا و طرفداران خویش ممنوع بودند.

بطوری که در تواریخ چین نوشته‌اند «چین‌شی‌هوانگ» برای آنان قصرهای مجللی، که از هر حیث مانند قصور شخصی ایشان بود، بنا کرد و سیصد و بیست کیلومترمربع زمین را در اطراف پایتخت باینکار اختصاص داد.

امپراطور خود نیز در کمال شکوه وجلال بسر میبرد. کاخ سلطنتی او که در پایتخت بدست نیم میلیون کارگر چینی ساخته شده بود، گذشته از هزاران اطاق گوناگون، تالار بسیار بزرگی داشت که ده هزار نفر میتوانستند در آنجا در کمال آسودگی بنشینند و سراسر این تالار عظیم با فرشهای گرانبهای زربفت مفروش بود.

در اطراف کاخ سلطنتی نیز قصور کوچکتری برای همخوابگان امپراطور، که از میان زیباترین زنان چینی گلچین شده بودند، ساخته شده بود. عدهٔ زنان او بقدری بود که بگفتهٔ خواجه سرایانش، چون امپراطور هرشب را بترتیب بایکی از ایشان صبح میکرد، پس از سی و شش سال نوبت باردیگر بزن اولین رسید!

چندی بعد از آنکه «چین‌شی‌هوانگ» بتشکیل امپراطوری چین توفیق یافت، غیبگویان باو خبر دادند که پادشاهیش فقط بدست اقوام «هی‌نگ‌تو» یا «هون»، منقرض خواهد شد. مقصود غیبگویان طوائف وحشی تاتار و مغول و اقوام شمالی بود که از پانصد سال پیش از آن نیز برخاک چین میتاختند و روستائیان چینی همواره از ترکتازیهای ناگهانی ایشان در بیم و اضطراب بودند. هنوز هم در چین مثلی هست که میگوید: «از ببر جنوبی نترس، اما اگر خروسی از شمال آمد مراقب

خودباش.»

«چین شی‌هوانك» چون درخود یارای مقاومت بااقوام وحشی شمال را نمیدید، برآن شدکه درمقابل ایشان سدی عظیم وطویل برپای کند که گذشتن از آن یادورزدن آن برهیچ‌سواری میسر نباشد.

پس برای ساختن این سد تمام مردم تندرست چین رابکار گماشت.

نویسندگان وهنرمندان که انگشتان لطیفشان تاآنروز جزباقلم یا قلم مومأنوس نبود، بکوه‌کنی وسنگ تراشی مجبورشدند. جنایتکاران ودزدان وزندانیان رانیزبظاهربرای ساختن دیوارآزادکرد، ولی در حقیقت تمام ملت را باعمال شاقه محکوم ساختند، و چنانکه از تاریخ چین برمی‌آید ازهرسه مرد چینی، یکتن ناچاردرساختن این دیوارشرکت کرده است.

هزاران سرعمله باخشونت وتندخوئی بسیار، بضرب شلاق، مردم را بکار وامیداشتند و هرکس راکه مقاومت میکرد، یادر ضمن کارمیمرد، زنده یامرده در میان دیوار میگذاشتند. بطوریکه این دیوارعظیم را میتوان درازترین قبرستانهای جهان بشمارآورد.

دیوارچین ازمحل «چان‌هائی‌کوان» آغازمیشود، ازین محل کارگران تیره روز دودیوار موازی بفاصلهٔ هشت متر، باسنگ وآجر، ببلندی شش متربنا نهادند و میان آندو دیواررابخاك انباشتند وبرروی آن باز ازدوجانب بارتفاع یکمترونیم دیواری ساختند. بنابراین دیوارچین درحدود هفت مترونیم ارتفاع دارد وقطرش باندازه‌ایست‌که شش سوار میتوانند پهلوبپهلو از روی آن عبور کنند.

پانصدکیلومتراول دیوار تماماًدرمناطق کوهستانی ساخته شده‌است. درین قسمت کارگران بیچاره ناگزیرسنگهای عظیم رابردوش ازکوه بالامیبردند، درحالیکه پشتهایشان اززخم شلاق سرعمله‌های بیرحم خونین بود... هزاران نفرازکم غذائی وبی‌لباسی میمردند وغذا و لباسی‌هم که ازطرف اقوام و نزدیکان‌کارگران فرستاده میشد، کمتر بدست ایشان میرسید. زیرا غالب فرستادگان ازترس اینکه مبادابکارمجبورشوند، بدیوارنزدیك نمیشدند. یکی ازمورخان‌چینی مینویسد ازدویست کیسه برنجی‌که برای‌کارگران فرستاده میشد، تنها یکی بمقصد میرسید.

هنوز هم خوانندگان چین ترانه‌های غم‌انگیزی میخوانندکه مصیبتهاوآلام دوران‌بنای دیواربزرگ راوصف میکند، وازآنجمله یکی این ترانه است:

«درنخستین ماه بهار، بردرهرخانه چراغی سرخ‌آویخته است...

«همهٔ شوهران بخانهٔ خود بازگشته‌اند...

«جزشوی من‌که دیواربزرگ را میسازد!...»

همینکه قسمتی ازدیوارتمام میشد، «منك‌تی‌ین» سپهسالار«چین‌شی‌هوانگ» سربازانی در برجهای دیوارمیگماشت. هریك ازین برجها ازدیگری ۱۶۰۰ مترفاصله دارد. درآنزمان نه سربازمأموردیده‌بانی میان دوبرج، وتیراندازانی هم درهربرج آماده جنك بودند وچون ساعات خدمتشان بپایان میرسید، بمشقهای نظامی یابکارهای کشاورزی، در زمینهائی کـه دولت در اطراف دیواربایشان سپرده بود، مشغول میشدند. عدهٔ سربازانی را که ازین دیوار نگهداری میکرده‌اند نهصد هزار نوشته‌اند.

بدین ترتیب ساختمان دیوارماه بماه وسال بسال، پیش میرفت وسلسلهٔ پرپیچ وخم آن‌از کوهها ودشتها ومناطق گوناگون میگذشت. گاه ازکوهی بارتفاع ۱۶۰۰ متربقعر دره‌ای فرود می‌آمد وازروی رودخانه‌ای خروشان میگذشت وباز ازدامنه‌ای تند، بالامیرفت و سیرماربیچ خود را درگردنهای‌کوه دیگرپیش میگرفت.

درست معلوم نیست‌که ساختمان دیوارعظیم چند سال طول‌کشیده است. یکی ازمورخان

قدیم چین مینویسد که «چین‌شی‌هوانگ» آنرا درمدت هیجده سال بپایان رسانید ، ولی دیگران گفته‌اند که بنای دیواررا پس ازوی امپراطوران دیگر تمام کردند .

«چین‌شی‌هوانگ» درسال ۲۱۰ پیش ازمیلاد مرد. ولی مرگ اوهم مانند زندگانیش با جاه وجلال بسیار توأم بود. بطوریکه بزرگترین مورخان چین « شیه‌چی» مینویسد آرامگاهی که امپراطور برای خود ساخته بود دودیوارداشت، یکی ازسنگ ودیگری ازمفرغ ویك خندق زیر زمینی پراز جیوه نیز آنرا احاطه کرده بود. گنبدآرامگاه آسمان و ستارگان را نشان میداد و برزمین آنجا نقشه امپراطوری چین را رسم کرده بودند . دراطراف آرامگاه کمانهائی تعبیه شده بود که اگرکسی بدرون مقبره داخل میشد، خود بخود اورا آماج تیرهای جان شکارمیساخت .

پس ازمرگ «چین‌شی‌هوانك» تمام کارگرانی که آرامگاه اورا ساخته بودندکشته شدند، تاکسی ازاسرارآن بنای مرموزآگاه نشود. تمام زنان امپراطوررا نیزهلاك کردند تاروح اودر جهان دیگرتنها نباشد.

دیوارچین، باعظیمترین کارهای بشر،وظیفهٔ خویش رابخوبی انجام داد و بیش ازچهارده قرن ازتاخت وتاز وحشیان شمال جلوگیری کرد. ولی درقرن سیزدهم میلادی (قرن هفتم هجری) چنگیزخان مغول وجانشینانازین دیوار گذشتند وچین رابتصرف درآوردند و درسال ۱۶۴۴ نیز سربازان «منچو» پس ازسی سال جنگ ازدیوارعبور کردند. پس میتوان گفت این مثل چینی که میگوید «دیوارچین اگریك نسل راکشت، صد نسل را از مرگ رهانید » چندان دور از حقیقت نیست .

* * *

دیواری که امروزدرچین می‌بینیم، درست همان دیواری که « چین شی‌هوانك » بناکرد نیست. زیرا دیوارچین پس ازمرگ آن امپراطورمکرر تعمیرشد ورشته‌های دیگربرسلسله اصلی آن اضافه گشت. یکقسمت ازدیوار کنونی کارسلاطین سلسلهٔ «مینك» است که از ۱۳۷۰ تا ۱۶۴۴ میلادی سلطنت کردند. قسمتهائی ازدیوارهنوزهم سالم وپای برجاست ، اما قسمتهای کهن‌تر از آسیب باد وباران ازپای درآمده وبتلهای کوتاه خاك مبدل شده است ... ولی هرچه باشد این بنای شگرف ازاراده وقدرت یك پادشاه، وتحمل واطاعت ملتی حکایت میکند .

***

درین‌جا بی‌مناسبت نیست یادآورشویم که گذشته ازدیوارعظیم‌چین، درسایر کشورهای‌جهان نیزدیوارهای دیگری برای جلوگیری از تاخت و تاز دشمنان یا قبائل وحشی ساخته شده‌که معروفترین آنها ازینقرارند:

۱ - «رامسس دوم» فرعون مصر دیواری ازشهر «هلیوپولیس» تا بندر «پلوزیوم» برای جلوگیری ازورد اعراب بمصرساخته بود.

۲ - دریونان اسپارتیها دیواری در برزخ « کرنت » بقصد ممانعت از حملهٔ خشیارشا شاهنشاه هخامنشی بشبه جزیرهٔ «پلوپونزوس» بناکردند.

۳- «آنتیوخوس» پادشاه سلوکی برای جلوگیری ازتاخت و تاز طوائف سکائی دیواری بطول ۲۰۰ کیلومتردورناحیهٔ حاصلخیز «مرگیان» درسوریه کشید .

۴ - «یولیوس سزار» سردارمعروف رومی، دربرابرقبائل «هلوت» کـه در خاك سویس کنونی میزیستند، درسال ۵۸ میلادی دیواری میان دریاچه ژنو وکوه «ژورا» ساخت .

۵ - «آدریانوس» امپراطورروم درجزیرهٔ برتانی دیواری بطول ۱۲۰ کیلومترازخلیج

«سلوه۱» نامصب‌رود «تاین۲» بنا کرد. همچنین درآلمان کنونی دیوار درازتری میان رودهای «راین» و «دانوب» برای جلوگیری ازحملهٔ وحشیان ساخت.

۶ـ «والانسیوس» امپراطورروم درسال ۳۷۷ بعد ازمیلاد دیواری عظیم ازرود نواب تا دریای سیاه کشید که قسمتی ازآثارآن هنوزهم باقیست.

ولی هیچیک ازین دیوارها درجلوگیری ازتاخت وتازوحشیان مؤثر نیفتاد.

اولمپیك

یك آئین سه‌هزارساله

نام «اولمپیك» چنانکه غالباً میدانند ازبازیهای معروف «اولمپیاد» یونان مشتق میشود این‌مسابقه‌های بزرگ‌ورزشی معروف‌ترین مسابقه‌های نوع‌خود دردنیای قدیم بود وهرچهار سال یکبار، درمیدان‌های ورزشی «اولمپی» درنزدیك اسپارت درمغرب شبه‌جزیره پلوپونز یونان صورت میگرفت، ودرهر کدام از این مسابقه‌ها تمام شهرها ونواحی مختلف یونان بهترین ورزشکاران خودرا برای شرکت درمسابقه اعزام میداشتند. رویهم‌رفته این‌مسابقه‌های بزرگ ورزشی، مهمترین‌واقعه زندگانی اجتماعی یونانیان‌بود، واین‌مردم ورزش‌دوست وهنرمند وبا ذوق، بقدری بورزش‌های «اولمپیك» خوداهمیت میدادند که‌تاریخ یونان را برحسب دوره‌های این‌مسابقه‌ها تعیین‌کرده بودند. مثلاًمینوشتند: فلان‌واقعه دوسال بعداز المپیك پنجم‌صورت گرفت، فلان جنگ یکسال‌پیش ازاولمپیك نهم وقوع‌یافت ... وغیره

ازتحول وجریانی که منجربه پیدایش بازی‌های ورزشی اولمپیك‌شد اطلاع کامل در دست نیست، ولی‌تاریخ نخستین اولمپیاد کاملا معلوم‌است، این‌دوره المپیك، درسال ۷۷۶ پیش از میلادمسیح، یعنی ۲۷۴۰ سال‌پیش ازاین صورت گرفت. ویونانیها معتقد بودند‌که ایجاد آن شاهکار هرکول پهلوان نامداراساطیری یونان بوده‌است.

برای مسابقه مردم‌همه ایالات‌خود راآماده میکردند وهنگام‌مسابقه ازتمام شهرها و دهات یونان، باکشتی وارابهٔ ویا پیاده بسوی «المپی» روی میاوردند. هنگام هرالمپیك‌که بفاصلهٔ چهارسال بعداز اولمپیاد پیشین صورت میگرفت، بقدری جمعیت از اطراف واکناف یونان‌جمع میشدکه هرگزنظیرآن درهیچ نقطه دیگریونان دیده‌نمیشد.

این مسابقه‌ها هربارپنج روزطول میکشید ودرآن انواع‌واقسام ورزشها ازقبیل دو، کشتی، وزنه‌پرانی، شنا، پرش‌وبازی‌های مختلف صورت میگرفت.

جایزهٔ برندگان‌صرفا جنبهٔ معنوی داشت یعنی‌پولی باًنهاداده نمیشد، ولی‌درجه شهرت واحترام ومحبوبیت برندگان اولمپیك بقدری درنزد مردم ورزش‌دوست یونان زیاد بودکه هرورزشکاری که برندهٔ المپیك شناخته‌میشد باشکوه وجلال وتشریفات رسمی درحالی که جامه‌ای ارغوانی برتن‌کرده وبرسرتاج معروف اولمپیك‌را نهاده‌بود سواربرارابه‌ای‌که باچندین اسب سفیدکشیده میشد، درمیان هلهله هزاران نفرکه سرراه اوصف کشیده بودند، واردشهر میشد وبرای ورود اوقسمتی ازحصار شهررا میشکافتند تاوی ازآن داخل شهرشود، و بدین ترتیب نشان میدادندکه درنظرآن‌ها حصار واقعی شهرسینه آن قهرمانی‌است‌که برنده‌اولمپیك شده است.

درشهر تا چندروز بافتخار وی جشنهای متعدد برقرارمیشد. شعرا در مدحش شعر میخواندند وزیبایان شهر برایش دسته‌گل میآوردند، ودولت برای‌همیشه مسکن‌مجللی در

۱- Solway
۲- Tyne

اختیارش میگذاشت واورا ازپرداخت مالیات معاف میکرد ، چنانکه اگرغروروی را ازراه بدر نمیبرد ، مسلما تاآخرعمر خود راحت بود ودیگرغم معاش نداشت ، زیرا جیره‌ای برای او معین میشد که همیشه دریافت کند .

دوره این مسابقه‌ها تاسال ۳۹۳ میلادی یعنی بیش از هزارسال بطول انجامید.

درین تاریخ تئودوزاول امپراتورروم شرقی که مسیحی شده بوداولمپیاد را بقایای رسوم بت پرستی نامیدوآنرا قدغن کرد ، ودوسال بعد نیزدر سال ۳۹۵ گتها درحملهٔ وحشیانه خود یونان معبد بزرگ اولمپی ومؤسسات وساختمانهای ورزشی را آتش زدند وغارت کردند ، وبدین ترتیب دوره بازیهای اولمپیک معروف یونان بپایان رسید .

پس از پانزده قرن

درست ۱۵۰۰ سال بعد ، بازیهای اولمپیک بصورت بین المللی احیاشد وبسرعت اهمیتی روزافزون کسب کرد ، تاجائی که امروز مسابقه‌های المپیک بزرگترین مسابقه‌های ورزشی جهانی است واهمیت آن درسرتاسرجهان اهمیت این مسابقه‌هارا دردوران جلال یونان قدیم بخاطر میآورد .

کسی که بفکر تجدیداین رسم پرافتخارباستانی وبرقراری ورزشهای اولمپیک در دنیای امروزافتاد ، «بارن دوکوبرتن» فرانسوی بود ، وی جزوکسانی بود که درنیمه دوم قرن نوزدهم ، برای تقویت نیروی ملی فرانسویها به تبلیغات شدید درراه توسعهٔ ورزش وتقویت جسمانی جوانان پرداخته بودند .

درسال ۱۸۸۸ ، این شخص که بیست وشش سال بیش نداشت درانگلستان کتابی دربارهٔ ورزش نوشت ودرسی سالگی طی کنفرانسی درتالار بزرگ دانشگاه «سوربن» درپاریس درباره بازیهای ورزشی معروف اولمپیک وفکر تجدیدآنها دردنیای نو بتفصیل سخن راند .

درسال ۱۸۹۴ کمیته‌ای بنام اتحادیه مرکزی ورزش فرانسه تحت نظر بارن دوکوبرتن تشکیل شد ودرباره برقراری عملی مسابقه‌های اولمپیک بکار پرداخت، وبدین ترتیب نخستین مسابقهٔ اولمپیک عصرجدید درسال ۱۸۹۶ صورت پذیرفت وافتخاربرپا کردن اولمپیک اول ، بیاد گذشته به آتن پایتخت یونان تعلق گرفت

ازآن سال تاکنون ، جزدردوره جنگهای جهانی ، هرچهارسال یکبار مسابقه‌های بزرگ اولمپیک دریکی ازکشورهای اروپائی ، آمریکائی آسیائی واسترالیا صورت گرفته است .

مرکزدائمی کمیته بین المللی اولمپیک درشهرلوزان درسویس است.

شعاراولمپیک ازروزاول این سه کلمه تعیین شد :

Fortius	Altius	Citius
قویتر	بالاتر	تندتر

وپرچم اولمپیک نیز ، پرچم سفید بی حاشیه‌ای معین شد که درروی آن پنج حلقه به پنج رنگ مختلف بعلامت همکاری واتحادورزشکاران پنج قاره جهان درداخل هم رفته‌اند، ازاین حلقه‌ها سرخ نشان آمریکا ، سیاه افریقا ، سبزاسترالیا ، زردآسیاوآبی اروپااست ، درسال ۱۹۲۰ دولت بلژیک پرچم رسمی اولمپیک رابکمیته بین المللی اولمپیک هدیه کرد ومقررشد که این پرچم پس ازپایان هردورهٔ اولمپیاد ، باامانت نزد شهری که آخرین مسابقه‌هادرآن صورت گرفته‌است باقی بماند تادر دوره بعد بشهرآینده واگذارشود ، درسال ۱۹۳۶ دربرلن، یک شعارتازه بشعارهای معروف آتش اولمپیک وپرچم پنج حلقه ای افزوده شد وآن شیپوراولمپیک بود که شعارآن چنین بود:

«من تمام جوانان جهان را بخودمیخوانم»

آتش اولمپیک بزرگترین مظهر بازیهای اولمپیک است ، این مشعل باید درآغاز هردوره مسابقه

های اولمپیك درمحل اصلی این بازیها ، یعنی در اولمپی (یونان) افروخته شود واز آنجادست بدست توسط ورزشکاران یونان و کلیه کشورهای عرض راه به محل بازی‌های اولمپیك برسد، ورزشکاران معمولا در فواصل معین مشعل را از ورزشکار دیگر تحویل میگیرند و با دو آن را بجائیکه ورزشکار بعدی منتظر است میبرند و بدست او میسپارند، و اینکار در تمام طول خشکی ادامه می‌یابد.

مسابقه‌های اولمپیك

شعب مختلف ورزشی که در هر رشته آن مسابقه‌های بزرگ جهانی صورت میگیرد. و تعداد قهرمانان در اولمپیك (برلن سال ۱۹۳۶) چنین بود:

۱۹ نوع ورزش مختلف هر ورزش) ، ۱۱۴ برندهٔ مرد، ۱۵ برندهٔ زن

این شعبه‌های مختلف که در اولمپیك لندن نیز مورد مسابقه قرار گرفت بدین قرارمیباشند:

دو- (۱۰۰ متر ، ۲۰۰ متر ، ۴۰۰ متر، ۸۰۰ متر، ۱۵۰۰ متر ، ۵۰۰۰ متر ، ۱۰،۰۰۰ متر، دوماراتن، دو باموانع وغیره) دوچرخه‌سواری (۱،۲،۴، ۲۰۰۰ کیلومتر)

ژیمناستیك (بارفیکس، پارالل وغیره)

وزنه‌برداری (خروس‌وزن ، سبك، متوسط ، نیمه‌سنگین)

شمشیر بازی

کشتی گیری یونانی‌ورومی

کشتی آزاد

بوکس (سبك- متوسط - سنگین)

تیراندازی

شنا (۱۰۰ متر ، ۲۰۰ متر، ۱۵۰۰ متر، آزادو کرال وغیره)

قایق‌رانی

سواری

بازیهای ورزشی (فوتبال، هندبال، هوکی ، باسکتبال)

ورزشهای مختلط

مسابقه‌های هنری (معماری، نقاشی، مجسمه‌سازی، شعر ، موسیقی).

ازسال ۱۹۴۴ بازیهای المپیك زمستانی نیزجزو برنامه قرارگرفت و دراین سال در شامونی (فرانسه) قهرمانان اسکاندیناوی (سوئد، نروژ، دانمارك) موفقیت عجیب و بیسابقه‌ای بدست آوردند وازآن ببعد همواره موفقیت قطعی در ورزشهای زمستانی المپیك با ورزشکاران اسکاندینا بود. یکی ازین قهرمانان «سونیاهنی» ستاره مشهور سینما بود که درمسابقه پاتیناژ (بازی روی یخ) سه پیروزی پیاپی بدست آورد .

تاریخچه مختصر المپیك‌های جدید

آتن ۱۸۹۴- کنگره المپیك پاریس نخستین مرکز بازی‌های المپیك جدید را بپاس تقدم کشور یونان شهر آتن تعیین کرد. دراین مسابقه ۴۸۴ ورزشکار ازملل مختلف شرکت جستند و با اینکه بدین ترتیب مسابقه، وسعت زیادی نیافت، شهرت و موفقیت بسیار بدست آورد .

پاریس ۱۹۰۰ — پاریس مرکز دومین دوره مسابقه‌های بزرك بین المللی اولمپیك بود، ولی دراین سال اولمپیك تحت الشعاع نمایشگاه معروف ۱۹۰۰ پاریس قرار گرفت و بیش از ۴۲۷ ورزشکار در آن شرکت نکردند . دراین مسابقه‌ها آمریکائی‌ها پیروزی فوق العاده بدست آوردند . یعنی از ۱۷ نوع مسابقه ورزشی مختلف ، در ۱۲ نوع برنده شدند.

سن‌لوئی ۱۹۰۴

دورهٔ سوم اولمپیک در شهر سن لوئی در آمریکا صورت گرفت. این مسابقه بیشتر جنبه آمریکائی داشت زیرا از کشورهای دیگر خیلی کم در آن شرکت جسته بودند. رویهم ۵۹۵ ورزشکار در ۱۶ رشته مختلف مسابقه دادند و در سه رشته دیگران و در بقیه آمریکائیها پیروز شدند.

لندن ۱۹۰۸

دوره شکوه واقعی بازیهای المپیک از لندن شروع شد.

قبلا مقر چهارمین المپیک رم معین شده بود، ولی ایتالیائیها درسال ۱۹۰۶ معذرت خواستند و لندن بجای رم تعیین شد.

درین مسابقه‌ها ۲۳ کشور شرکت کردند و بیش از ۲۰۰۰ ورزشکار به لندن فرستادند؛ ۱۱۰ مسابقه در ۲۳ نوع ورزش مختلف صورت گرفت و دوره این مسابقه‌ها نزدیک سه ماه طول کشید. این دوره را پادشاه انگلستان با تشریفات خاصی افتتاح کرد.

استهکلم ۱۹۱۲

پنجمین دورهٔ بازیهای المپیک در استکهلم صورت گرفت. از ۲۷ ملت، ۴۳۰۰ ورزشکار شرکت جستند. درین مسابقه‌ها نیز امریکائیها موفقیت‌های بسیار بدست آوردند.

برلن ۱۹۱۶

دورهٔ ششم المپیک میبایست در شهر برلن صورت گیرد، ولی این دوره مصادف با جنگ جهانگیر اول شد و مسابقه صورت نگرفت.

آنورس ۱۹۲۰

درسال ۱۹۲۰، دورهٔ هفتم المپیک در شهر آنورس بندر بزرگ بلژیک تشکیل گردید. ۲۹ ملت در آن شرکت جسته بودند و بیش از ۲۷۰۰ ورزشکار برای مسابقه آمده بودند. درینجا بود که برای نخستین مرتبه تصمیم گرفته شد که در هر مسابقه از هر ملت فقط چهار نفر حق شرکت داشته باشند. بعدها در لوس انجلس این رقم به ۳ تنزل یافت.

پاریس ۱۹۲۴

دوره هشتم اولمپیک دوباره در پاریس برقرار شد.

این مسابقه که شکوه بسیار داشت، ۴۵ ملت و ۳۳۷۵ ورزشکار شرکت کرده بودند، فقط آلمان از شرکت درین مسابقه‌ها بعلامت اعتراض برعلیه اشغال روهر از طرف فرانسویها خودداری کرده بود. درین دوره فنلاندیها موفقیتهای فراوان بدست آوردند و ازین دوره ببعد بازیهای المپیک اهمیت وشهرتی روزافزون احراز کرد.

آمستردام ۱۹۲۸

درین دوره آلمانها نیز شرکت جستند وبطور کلی ۴۸ ملت و ۳۹۰۵ ورزشکار در آن نام‌نویسی کردند.

آمریکائیها برای نخستین دفعه شکست خوردند و فقط یك پیروزی بدست آوردند. فلاندیها وسوئدیها موفقیتهای تازه احراز کردند و برای اولین بار یك ورزشکار ژاپنی «نودا» نیز یك پیروزی درخشان المپیك بدست آورد

لوس آنجلس ۱۹۳۲

دهمین دورهٔ مسابقه‌های اولمپیک دوباره درخاك آمریکا تشکیل شد ولی مثل نخستین بار شرکت بین‌المللی در آن زیاد نبود ۳۷ ملت در اولمپیک لوس آنجلس شرکت کردند و رویهم ۱۷۰۰ ورزشکار که خیلی از آنها آمریکائی بودند حضور یافتند.

این ورزشکاران غالباً راه دور و درازی رابرای رسیدن به‌آمریکا طی کرده بودند تا بقول خود «باآمریکائیها درخانه خودشان دست وپنجه نرم کنند».

برلن ۱۹۳۶

پرچم اولمپیك درسال۱۹۳۶،ازلوس‌آنجلس به‌برلن برده شد.اولمپیك برلن درتاریخ اولمپیاد جدید ، درخشان‌ترین وبا عظمت‌ترین دوره‌های اولمپیك بود . ۵۲ ملت با ۵۰۰۰ ورزشکار دراولمپیك برلن شرکت‌کردند و ازاطراف دنیا صدها هزارمردم برای تماشای این جشنها ومسابقه‌های باشکوه به‌پایتخت آلمان روی‌آوردند،بطوریکه تقاضاهای‌عمومی، ۲۵ برابر کارت‌های چاپ شده بودکه تعدادآنها خوبه ۱۱۰،۰۰۰ بالغ میشد

یك قهرمان سیاه درین دوره۴پیروزی بزرگ بدست‌آورد. ژاپنی‌ها وآمریکائیها باهم دست وپنجه فراوان نرم‌کردند. مسابقه‌ها پانزده روزطول‌کشید ودرین مدت در تمام دنیا ، گفتگوی اولمپیك تمام سخنان دیگررا تحت‌الشاع قرارداد .

اولمپیك چهاردهم لندن

اولمپیك دوازدهم وسیزدهم،درسالهای ۱۹۴۰ و۱۹۴۴ برقرارنشد. برای سال ۱۹۴۰ توکیومرکزاولمپیك تعیین شده بود ولی درین سال دنیا غرق درآتش وخون بود. در ۱۹۴۴ نیزهمین‌طور. برای۱۹۴۸، دوباره لندن این افتخاررابدست‌آورد.

در۱۹۵۲ فنلاندودر ۱۹۵۶ ملبورن ودر ۱۹۶۰ رم محل برگزاری مسابقات المپیك بوده است .

فن تأتر و تحولات آن در دنیا

تئاتردرزندگانی اجتماعی عصرحاضرمقام ارجمندی حائزشده است و یکی از شعب مهم فنون وادبیات هرکشوری بشماراست. تئاترخستگی‌های روزانه رابرطرف میکند، درسهائی از زندگی میاموزد،زشتی وزیبائی، خنده وگریه، حقیقت ومجاز رامنعکس میسازد.

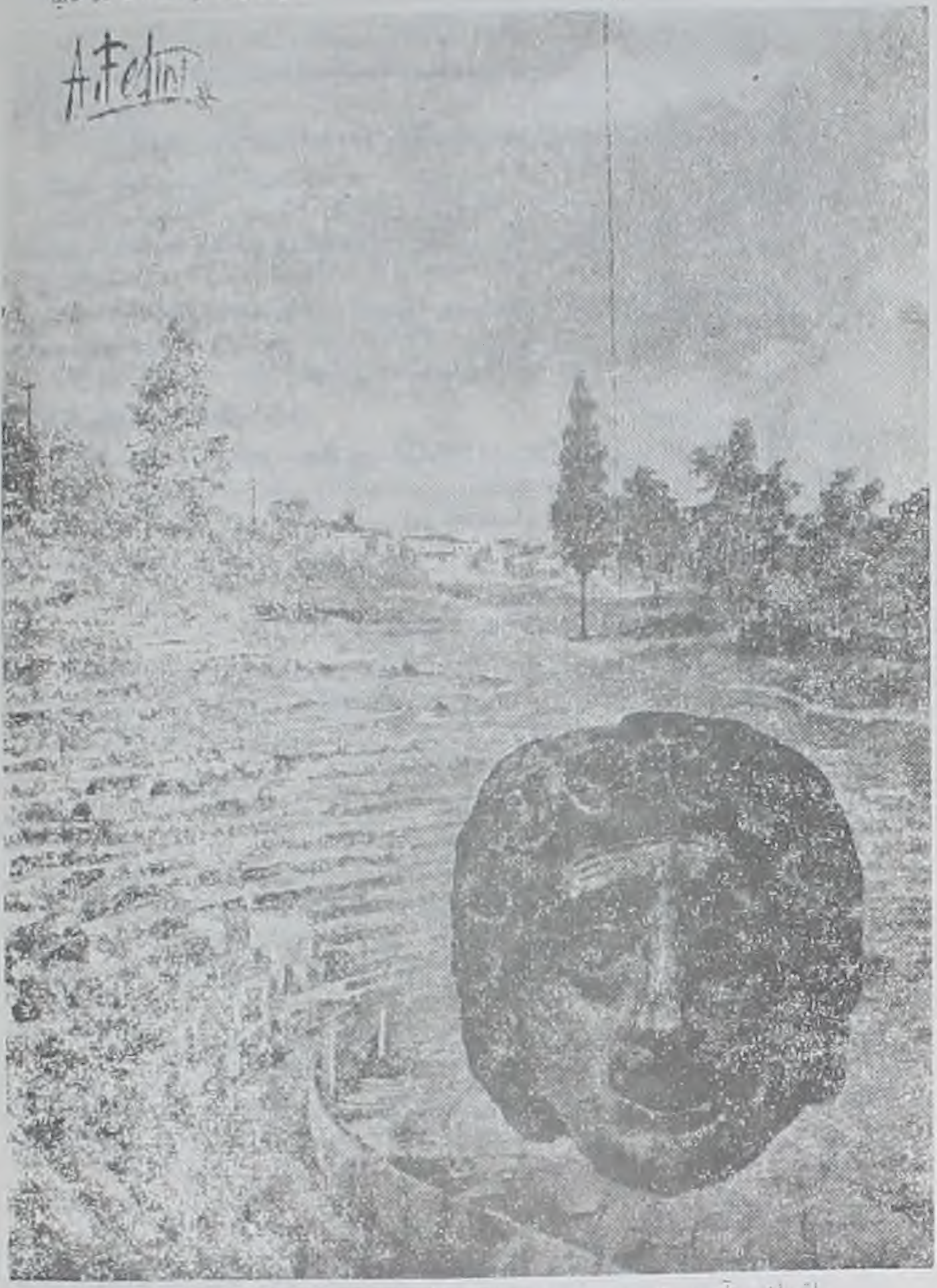
تئاترنیزمانند موسیقی وهمهٔ هنرهای زیباحدود وثغوروملیت خاصی ندارد نهایت‌آنکه تابع‌قواعد قراردادی ولازمی است‌که رعایت‌آنهاازلحاظ فنی ضروری است.کسانیکه میخواهند هنرو بخصوص موسیقی رادرچهاردیوارهٔمیهن خود محصور و محدود سازند دچار اشتباه فاحشی هستند ومسلماً دراین راه پیشرفت نخواهندکرد.

تئاتر ازاعصارباستانی بازندگانی‌ملتهای متمدن وقت قرین ودمسازبوده ویونان نخستین کشوری بوده‌که فن تئاتررا بوجودآوردو رونق داد واین فن ازآنجا بسایرنقاط جهان و از آنجمله شرق اشاعه پیداکرد. کنت دوگوبینو در «تاریخ ایرانیان»خود شرح میدهد که درعهد اشکانیان تراژدی یونان بخصوص مورد توجه و علاقه پادشاهان ودربار وملت ایران بود .

پس پیشرفت تئاترازهمان طلوع مدنیت‌آغازگردیده وبعد از یونان رومیها نیزدارای تئاتری بودندکه تقلیدی ازتئاتریونان بود.سپس درقرون وسطی تئاتربصورت تعزیه‌های مذهبی تغییرشکل پیداکرد وتاعصرتجدد یعنی تاقرن شانزدهم و هفدهم از نویسندگان کلاسیك یونان تقلید میشد.

تئاترکلاسیك — تأترکلاسیك رامعمولا باثری‌اطلاق میکنندکه ازهرحیث‌کامل وبی‌نقص وبمنزله نمونه وسرمشق باشد

بطوریکه میدانیم کلاسیك باثاری گفته میشودکه ازیونان قدیم بدنیای‌متمدن‌بارث‌رسیده ونویسندگان کلاسیك دررشته، تئاتردرقرن‌هفدهم میلادی کرنی، راسین، مولیروکلیه نویسندگانی که بتقلیدآنهاپرداخته‌اندمیباشند.کلاسیکها ازیونانیان‌باستان‌تقلیدمی کنندوآثارآنها بامنطق ودقت



باقیمانده تآتر دیونیسوس Dionysus در آتن (۴ قرن قبل از میلاد)
سمت راست ، ماسك تراژدی یونان .

تمام تنظیم گردیده وقهرمانهای آنها بطور کلی نیکوکاری و نجابت را برپستی وخیانت غالب میسازند.

تئاتر رومانتیك — انقلاب فرانسه دنیای کهنه را درهم فروریخت وادبیات بجانب رمانتیسم گرائید، تئاتر نیز خود بخود از نهضت پیروی نمود، تئاتر رمانتیك یك نوع عکس العملی در برابر کلاسیك بشمار میرود این نوع تئاتر از قید قواعد ترکیب وسبك نویسندگان کلاسیك آزاد است و مجسم کننده احساسات وتخیلات فردی میباشد.

تئاتر رمانتیك که شیوه نوینی در پیش گرفت رفته‌رفته نوع و سبك تئاتر کلاسیك را که معمولا قهرمانان آن تحت نفوذ یك جنون، یك هوس، یك فضیلت هستند از رونق انداخت.

بعقیده نویسندگان در تئاتر رمانتیك انسان همیشه در امیال و هوسهای خود ثابت نیست و چه بسا ممکن است از این حیث تغییر نماید.

درام رمانتیك برخلاف درام کلاسیك که بیشتر جنبه دسته جمعی دارد بتشریح احساسات وافکار فرد میپردازد. تا پیش از آن تئاتر عبارت از نمایش یا تفسیری از آداب ومناسك مذهبی وزنده کردن شعائر ملی واساطیری و تهییج احساسات میهنی و غرایز جنگجوئی بود. اما از آن پس فن تئاتر بصورت تشریح حالات انسانی درآمد که میتوان آنرا «تئاتر او ما نیست» ، یا «تئاتر انسانی» نام نهاد.

تئاتر اومانیست — این نوع تئاتر بشناساندن و معرفی انسان و روابط افـراد بین یکدیگر میپردازد.

تئاتر اومانیست سرگذشتهای خاص را که درام نویس برأی‌العین دیده یا به‌نیروی خیال ساخته وپرداخته کرده است بروی صحنه میآورد واین سبك تئاتر صرف نظر از تمام مکتبها و تغییرات وتحولاتیکه در تئاتر روی داده تاامروز هنوز معمول ومتد اول میباشد. حال این سبك تغییر کرده ویا دچار تحول خواهد شد مربوط بآینده است.

وما بر همین اساس خواهیم دید که تئاتر چگونه اشکال جدیدی پیدا کرده وچگونه بچندین مکتب وسبك تقسیم خواهد شد.

***

چنانکه در پیش گفتیم کلاسیکها قهرمانان ثابتی راخلق میکنند که همیشه تمایل بارزی ببزرگی نجابت و نیکوکاری دارند رومانتیکها ازایـن نظر باکـلاسیکها اختلاف دارنـد و ویکتورهوگو نخستین نویسنده رمانتیك درمقدمه مشهوری که بردرام معروف خود بنام «کرمول» نوشت راه جدیدی را بروی سایرین گشود وماچند جمله ازاین مقدمه را که پیش ازهمه معروف راه ورسم جدید اوست و دروقت خود مشاجرات قلمی شدیدی در سراسر اروپا براه انداخت در اینجا نقل میکنیم:

«ازروزیکه به‌بشر گفتند: تو مرکب ازدووجود هستی یکی فناپذیر و دیگری جاویدان، یکی اسیر امیال وشهوات واحتیاجات ودیگری سوار به‌شهپر آرزو وخیال — ازهمان روز فن تئاتر بوجود آمد.

«این معارضه بین دوقطب واین جنگ غرابزدربین دواصل مخالف همیشه درزندگی وجود دارد ودروجود آدمی ازگهواره تاگور بین یکدیگر بمبارزه مشغولند.

«تئاتر جدید تمام قراردادها وقواعد کهنه را برهم زده است تا براهی که طبیعت باو نشان میدهد برود. اکنون هنگام آنست کـه بگوئیم آنچه درطبیعت وجـود دارد متعلق بهنر میباشد. طبیعت، طبیعت وحقیقت.

«درام آئینه‌ایست که طبیعت درآن منعکس میگردد. اما این آئینه باید صافی ودرخشان

باشد و این درخشندگی نیز در اثر هنر بوجود آید.

«پس تئاتر آنچه را که در دنیا و در تاریخ و در زندگی و در انسان وجود دارد منتهی با هنرمندی منعکس میسازد، هنر کتاب قرون را ورق میزند، تاریخها را زیرورو میکند وسعی دارد که حقیقت اعمال را مجسم سازد و در عادات و طبایع بررسی نماید. هرچیزرا بصورت شاعرانه و طبیعی مجسم میسازد و این حقیقت نمائی بیننده را متأثر مینماید..»

بدینسان تئاتر جدید قدم بعرصه وجود نهاد وسراسر اروپا را تحت نفوذ گرفت و کم کم تئاتر بجانب رئالیسم (حقیقت بینی) گرائید.

تئاتر رئالیست ـ بعد از تئاتر رمانتیسم که بیشتر جنبه تخیلی و احساسی داشت نوبت به تئاتر رئالیست رسید تئاتر رئالیست برخلاف تئاتر رمانتیك نمایش دادن طبیعت از جنبه حقیقی آنست خواه این جنبه زشت و خواه زیبا باشد.

تئاتر رئالیست عبارت از ملاحظه دقیق زندگی و نمایش دادن جنبه حقیقی آنست بی آنکه درام نویس بخواهد جنبه زشت و زننده زندگی را خوب و زیبا جلوه گر سازد.

تئاتر ناتورالیست ــ تئاتر ناتورالیست (تئاتر طبیعی) در واقع ادامهٔ تئاتر رئالیست میباشد با این تفاوت که در این نوع تئاتر بیشتر از تئاتر رئالیست نویسنده پای بند حقیقت است و بخصوص زندگی را با تمام جزئیات زشت و کثیف آن بی آنکه هیچ چیزرا پوشیده بدارد مجسم میسازد.

***

باوجود آنکه بعداز رمانتیسم راه تازه‌ای بروی تئاتر بازشده بود تا آنجاکه تئاتر واقعی رئالیست پیشرفتی بسزا نمود، ولیکن همیشه یك «فن تئاتر» وجود داشت که تئاتررا تابع قراردادهای معینی میکرد.

برعلیه این «فن تئاتر» هانری بك نویسنده فرانسوی که موجد حقیقی تئاتر رئالیست است و نظریات او درسراسر اروپا مقبولیت عامه داشت بمخالفت برخاست، نظریات او در این چندجمله خلاصه میشود: تئاتر نیازی بعقاید یا قراردادها ندارد همینقدر کافیست که حقیقت داشته باشد و بالاخره در تئاتر رئالیست فقط باید بزشت و زیبا توجه داشت، بدین طریق تئاترهای رئالیست و ناتورالیست همیشه «تیکه‌هائی از زندگی» را مجسم میسازند.

بعداز ناتورالیسم نوبت به سمبولیسم رسید.

تئاتر سمبولیست ــ تئاتر سمبولیست روابط مخفیانه اشیاء را باروح ما تشریح میسازد، سمبول یا علامت بمعنی رابطه بین دوشئی که یکی از آنها مادی و دیگری معنوی است میباشد مثلا گل سفید، پارچه سفید و بطور کلی رنگ سفید علامت یا سمبول پاکی و پاکدامنی و نیك فطرتی است، وهر گاه دختری را در نمایشی با لباس سفید ببینیم قهرا نجابت و عفت او درخاطره ما نقش می‌بندد و یا رنگ سیاه علامت خبث طینت و بدنفسی یا عزاداری وسوگواری میباشد.

اکنون که ما معنی و تعریف دقیق اشکال وانواع فن تئاتررا تشریح کردیم برای ما دنبال کردن سیر تحول بعدی آن دیگر آسان است.

در این سیر تحول عمیقی که تئاتر در اینمدت پیدا کرد درام نویسهای بزرگی بوجود آمدند که آثار جاویدانی ازخود بیادگار گذاشتند مانند ایبسن (نروژی) وهوپتمن (آلمانی) و عده‌ای از نویسندگان روسی وغیره

تئاتر ایبسن تاثیر بزرگی در دنیای تئاتر بخشید. وی سعی میکرد که فرد را ازیك فشار خفه کننده وازریا وعوام فریبی معمول درجامعه آزاد نماید ومیخواست مردم بتوانند زندگی را چنانکه باید بسر برند. اما قدرت ایبسن تنها در تجسم این آرزو نبود ودر آثار او خاصیت دیگری وجود دارد بدین معنی که ختی وقتی قهرمانانش درست بدانندکه چه میخواهند ووقتی همدیگر را

بفهمند مانند قهرمانان درام کلاسیك معنویات خودرا برزبان نمی‌آورند بلکه رفتار آنها نشان میدهد که درفکر آنها چه میگذرد.

گذشته ازمستثنیات نادری بطورخلاصه پیش ازجنك ۱۹۱۴ تأترجنبه بورژواداشت وتئاتر عبارت ازکمدی‌های سبکی درانتقاد ازرسوم وعادات بورژوازی بود . فقط شایدهوپتمن درام نویس آلمانی ازیك موضوع اجتماعی سخن بمیان آورد ومبارزه اجتماعی او با نوشتن پیس مشهور «بافندگان» تأثیر خودرا ولوبطور موقت بخشید .

پیش از ۱۹۱۴ بورژوازی اروپاغرق درلذات وخوشیهای مادی بود. ازطرفی توده‌های مردم رنج میبردند وازطرف دیگر بورژوازی ثروتمندشده ازلذات زمینی حداکثر استفاده را مینمود جنگ ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ بقایای دنیای کهنه را درهم فرو ریخت و انقلاب اجتماعی در روسیه بروزنموده فاتح شد. آلمان مغلوب سازمان اجتماعی خودرا تغییراساسی داد ودرهمه جای دنیا آثار تحول وانقلاب پدیدار گردید.

ازاین پس بحث ما درباره این دوره بعدازجنگ (ویا بعبارت دیگر دوره بین دوجنگ (۱۹۲۰ـ۱۹۴۰) میباشد زیراتحولات این دوره مستقیماً باتئاترمعاصرایرانی تماس دارد

ما امیدواریم که دربین ما ودرمیان نسل کنونی نویسندگان ودرام نویسانی بوجود آیند که درزوایای زندگانی امروزایرانی بکاوش وتحقیق پردازند ونتیجه کاوشهای خودرا بروی صحنه آورند .

وما این مقاله‌را بخصوص بکسانی تقدیم میکنیم که میل دارند روحیه جدید ایرانی ، خواسته‌ها وتمایلات وعیوب ونواقص اورا ازنزدیك شناخته وپرده‌هائی از زندگانی واقعی ایرانی‌را بروی صحنه آورند .

درپشت این دیوارهای گلی حقیقتاً چه نمونه‌های عجیب وچه امیال پنهانی وچه روحیه‌های شگفت انگیز وچه عشقها وچه سرگذشتهای عبرت آور برای دنیای تئاتروجود دارد. باید اینها همه‌را ازلحاظ تئاترمورد مطالعه وبررسی قرارداد ، زمینه مستعد است وسیرتحول راه‌را باندازه کافی هموار نموده . پس کسانی که میخواهند درام نویسان آینده ایران بشوند گنجینه نفیسی از موضوعات دست نخورده وبکر دراختیار دارند ومیتوانند تئاتر ایران‌را باندازه کافی غنی و ثروتمند سازند.

تئاتر درفاصله بین دوجنگ

بعدازجنگ بین‌المللی اول آشفتگی وپریشانی خاصی درتمام شئون زندگی حکمفرماشده بودوهمه درحال بلاتکلیفی وانتظار بسرمیبردند . هیچکس نمیدانست کاررا ازکجا شروع نماید وچه کاری انجام دهد. دررشته ادبیات ازجمله رمان وتئاتر نیزهمان سبکها ومکتبهای گذشته ادامه داشت وباآنکه زمینه برای ابتکارهائی دراین فن مستعد بود ولی خستگی وفرسودگی که در افکار پیداشده بود ازبروز وظهور آن ابتکارات جلوگیری میکرد .

ازطرف دیگر تئاتر رقیب بزرگی پیداکرده بود که آن سینما بود . بمحض تکامل وپیشرفت سینما بخصوص سینمای ناطق بحران شدیدی درعالم تئاتر ظاهرشد . خوشبختانه چنانکه امروز میبینیم تئاترهمیشه مقام وموقع خودرا حفظ نموده ودربرابر سینما پیروزمندانه مقاومت بخرج داده . تئاترفن زنده‌ایست درصورتیکه سینما هراندازه هم روبکمال رفته باشد بازفنی مصنوعی وبیروح است .

ممکن است دراین باره عقاید مختلف باشد اماحقیقت امرحاکی ازآنست که تئاتروسینما رقیب یکدیگر نیستند بلکه دورشته هنری مجزا میباشند.

تئاتر اومانیست (تئاترانسانی) بعداز ۱۹۲۰ متروك گردید . دراین عصر درام نویسان بزرگ معاصر مانند برناردشاو (انگلیسی) وپیراندلو (ایتالیائی) و مترلینك (بلژیکی) و

برنشتاین (فرانسوی) آثارفنا ناپذیر خودرا بوجودآورده شهرت‌جهانی کسب کردند (ومادر موقع‌خود بتفصیل از آنها بحث‌خواهیم کرد) ودرام نویسان جوان‌یعنی متعلق بنسل بعد (مانند اونل آمریکائی وکرملینك بلژیکی وراینال فرانسوی) هریك آثاری بوجود آوردند که زندگی‌را ازنقطه نظر شخص خود مجسم‌میکرد .

هنر درام نویسی چنانکه میدانیم جنبه اجتماعی داشت. درام‌آئینه یك سیستم اخلاقی و اجتماعی (ازقبیل معرفی‌انسان ، اخلاق ، خانواده ، میهن ، مذهب) بود ویکنوع هم‌آهنگی روحی‌بین بازیگرو تماشاچی برقراربود .

همانطور که گفتیم درنیمه دوم‌قرن نوزدهم تئاتر کاملا جنبهٔ تشریح حالات فردی را پیداکرد . تئاتر بورژواکه دراین عصر بیش ازهمه رونق داشت‌دیگر گرد تهییج احساسات عمومی نمیگردید بلکه تئاتر نویس نمایشنامه‌های خود را آزادانه وبی‌آنکه توجهی بافکار عمومی تماشاچیان داشته‌باشد وحتی‌گاهی برخلاف عقیده تماشاچی تنظیم‌میکرد وبدین طریق نویسنده بکلی درنوشتن درامهای‌خود آزادی‌عمل پیدا کرد .

ازآن‌پس ایجادهم‌آهنگی بین تئاتر وتماشاچی بانظر نامساعدی تلقی‌گشت و برعکس این‌عقیده پیداشدکه خلوص‌فن تئاتر باید بقسمی حفظ‌شودکه توده متوسط تماشاچی‌کمتر چیزی ازآن درك‌نماید .

این عقیده بعد از نهضت سمبولیسم وروی صحنه آمدن نمایشهائی بنام «آوانگارد» که خاص‌یك طبقه زبده روشن‌فکر وغالباً نامفهوم بود روبکمال رفت و نویسندگان شروع به پیدا کردن نمونه‌های‌عجیب وغیرعادی‌نمودند .

عقاید روان‌شناسی فروید ومارسل پروست‌وپیراندلو بتوسعه این‌طرز فکر کمك شایانی نمودند وازاین پس نویسندگان بجستجوی قهرمانان عجیب‌وغیر طبیعی پرداختند وتوده مردد وپریشان فکربعد ازجنگ نیزاز این‌نمایش‌ها استقبال‌شایان نمود .

اما تشریح حالات‌فردی درتئاتر نیززیاد بطول نیانجامید وتوده‌را زود خسته نمود . توده درتئاتر درپی‌شباهت‌هائی بودیعنی میخواست حالات وافکار خودش‌را روی صحنه منعکس ببیند نه‌اینکه باشخصیت‌های عجیب‌وغیر طبیعی روبرو شود .

کوشش کنونی درام نویسان که توده نیزبا آن همراه میباشد انصراف از فرد وتجسم زندگانی بشرمیباشد .

موضوع دیگری‌که موردتوجه درام‌نویسان قرار گرفت پیدا کردن راهی بودکه دوباره ارتباطی راکه بین‌تماشاچی وصحنه‌بود برقرار سازد .

در تئاتر قاعده‌ای وجود داردکه بدان وسیله هرچه بیشتر ممکن است محبت یا نفرت تماشاچی‌را نسبت‌بموضوع تئاترجلب‌نماید .

کلاسیکهای فرانسه (مولیر، کرنی، راسین) قهرمان های خودرا بجنگ‌هم میاندازند و آنها بابیانی هرچه رساتر وشیواتر احساسات ، امیال ومشاجرات خودرا شرح میدهند . در تئاتر شکسپیر قهرمانها موقعیکه مشغول عمل فوق‌العاده‌ای از قبیل کشتن پادشاه اسکاتلند بدست ماکبت یاکشتن دزدمونا بدست‌اوتلو هستند صحنه‌ناگهان تغییر میکند ویکی از این قهرمانان درطی مونولوك (بیان) درازی‌علت وفلسفه این عمل‌را برای تماشاچی تشریح‌میسازد واین عمل در بیننده تأثیر فوق‌العاده‌ای می‌بخشد .

درتئاترهای رمانتیك ورئالیست انتریك نمایشنامه‌ها بطورکلی جنبه ساختگی‌وتصنعی داشت. درتئاتر ناتورالیست نویسنده مبارزه بین‌احساسات قهرمانان وتیکه‌هائی از زندگی‌را تشریح‌میساخت اما اینگونه نمایشها فقطرغبت تماشاچی را جلب میکرد ودیگر نه اورا تهییج ونه‌متأثر مینمود. درتئاتر سمبولیست نیز نویسنده فقط‌بمکالمه توجه داشت واین مکالمه ارزش



۱ ۲ ۳ ۴



مجسمه‌ای از علامت تاتر کمدی روم (موزه استانبول)

۱ـ اولین ماسك كميك یونان (موزه روم)
۲ـ اولین ماسك تراژدی یونان (موزه روم)
۳ـ آخرین ماسك كمدی یونان (موزه لوور پاریس)
۴ـ آخرین ماسك تاتر یونان (لوور پاریس)

ادبی فوق‌العاده‌ای دارا بود وهمچنین حالات روحی قهرمانانش را بطـور درهـم و پیچیده‌ای نشان میداد .

همانطور که در پیش گفتیم این نوع تئآ تر ممکن بودعده معدودی از تماشاچیان را متأثـر نماید ولی‌هرگز توده را بطورعموم جلب نمیساخت .

بالاخره تئآترا ومانیست نمایش ساده‌ای بودکه نه‌توده را تحت‌تأثیر قرار میداد ونه او را تهییج میکرد وازهمین جهت توده ازاین نوع تئآ تر زودخسته شد زیرا قهرمانهـائیکه‌در این تئآ تر نمایش‌داده میشد برای‌توده ناشناس و تقریباً بیگانه‌بودند وحال آنکه قهرمانان کلاسیکها هرگز بیگانه‌ازمردم‌نمیباشند‌بلکه‌وجه‌مشترکی‌با توده‌تماشاچی‌دارند ویکنوع اخلاق‌عمومی‌را منعکس میسازند یعنی‌بایستی میان خیروشر وعشق ووظیفه‌وعشق‌وافتخار عشق وپول‌وغیره یکی‌را برگزینند . اکنون چنانچه غالب منازعاتی‌راکه درام نـویسان بروی صحنه میآورند مورد بررسی‌قراردهیم ، منازعاتی‌که اغلب برسرعشق نامشروع ویابچه‌حرامزاده واختلاف طبقه‌باثروت میباشد ، ملاحظه خواهیم کردکه این منازعات بستگی بیك شکل جامعه بورژوازی دارندکه‌آن جامعه براساس قراردادهای ثابتی تاسیس‌شده ولی‌از۱۹۱۸ ببعد رو به انقراض وزوال رفته است .

اما چون بعد از جنگ دیگر سیستم اجتماعی ثابتـی وجود نداشت تئاتر نیز بالطبـع نمیتوانست بر پایه و اساس ثابتی متکی باشد واز اینروصورت آشفته وبی‌نظمی‌بخودگرفت .

دربرابر این بحران دودسته نویسندگان قیام کردند :

دسته‌ای برای احیای عمومی فن‌تاتر ودسته دیگر برای ایجـاد انقلابی درمفاهیم‌عمومی تاترشروع بکار کردند .

کسانیکه بیشتر برای احیای فن‌تئاتر وبجهت برقراری این‌رابطه میان صحنه‌وتماشاچی کوشیده‌اندژاك‌کوپو فرانسوی گوردون گریك انگلیسی و بخصوص کارگردان‌بـزرك اتریشی ماکس رنهاردت میباشند .

تمام سعی ماکس‌رنهاردت مصروف این‌شده است که بامتنوع‌ترین وسایل یـك رابطـه و هم‌آهنگی صمیمانه میان بازیگر وتماشاچی برقرارسازد وبرای تسهیل این ارتباط فضای‌جلوی پرده (رامپ) راحذف وصحنه رابا تالارنمایش‌بوسیله پله‌هائی مرتبط نموده وباتزئینات‌وموزیك اثرنمایش را دربیننده افزون ساخت .

این‌طریقه پله‌بندی ازآن پس‌تقریباً درتمام تئاترهای جدید معمول‌گردیده و در تهران برای نخستین‌بار تئاتر فردوسی سابق از این عمل پیروی نمود دسته دیگـری از درام نویسان که هواخواه انقلابی‌درفن تئاترهستند مرکبند از، گاستون باتی (درفرانسه) اروین پیسکـاتور (درآلمان) میرهولد ، تائیروف وکرانوسکی (در روسیه) این‌نویسندگان متن‌را در درجه دوم اهمیت قرارداده وحتی ازتغییر دادن آن پروا ندارند وهمه‌کار را بدست‌کارگردان میسپارندو او درتئاترهمه‌کاره میباشد . اینان برای افزون ساختن‌تاثیرنمایش ازهمه وسایل‌ازقبیل رقص، موزیك، تکنیك سینما ، موزیك‌هال، بالت استفاده میکنند .

باید درنظرداشت‌که بعد از۱۹۱۸ جنبش‌بزرگی برای تآترهای ملی بظهور رسید ودر تمام‌کشورها نمایشنامه‌های ملی ومحلی‌برشته نگارش‌درآمد . بسیاری ازدرام نویسان درامهای ملی‌را باهمان لهجه‌خاص محلی وبا بررسی در عادات و رسوم یك ناحیه از نواحی کشورشـان نمایش میدهند . غالب نمایشنامه های محلی جنبه مضحکی دارند و اغلب با موفقیت شایانـی مواجه میشوند .

تاتر در یونان قدیم

یونانیان اولین ملتی هستندکه بنیان تأتر راپی‌ریزی کردند وبه آن «اودی‌توریـوم»

میگفتند .

تأتر ازدوره‌های بسیار کهن دریونان‌وجود داشته‌وشواهدی که ماامروز دردست داریــم‌و آثاریکه درموزه‌ها باقیمانده وخرابه‌هائیکه از تأترهای یونان باستان درآتن دیــده میشود ، همگی گواه آن است که ازحدود ششصدسال پیش‌ازمیلاد مسیح‌تأتر دریونان‌رواج داشته‌است

یونانیان‌تأتر راجزء مراسم‌مذهبی میدانستند. وپرستش‌رب‌النوعها نیزقسمتی از آن‌بوده است. برای‌تجلیل ازمظاهرانواع ومهمترین‌آنها که دیونی‌سوس رب‌النوع‌شراب نامداشت سالــی یک‌مرتبه‌مراسمی برپامیکردند. مشهوراست که دیونی‌سوس کاشف شراب‌بوده‌ودرحقیقت هموست که درلذت‌شراب پنهان‌است و بانسان‌نشأه وسرمستی‌میدهد.

زندگی‌ومرگ دیونی‌سوس‌یک‌جنبه عرفانی‌وعمیق دارد. کموکیف کشف‌شراب ، دفن‌آن‌در زمستان‌وبیرون کشیدن غرابه‌های‌شراب دربهارونوشیدن‌آن وبالاخره سکوت‌وتنهائــی شراب‌در زمستــان ونشاط‌انگیزی وتحرک‌آن دربهاررا تعبیری‌اززندگی انسان‌میشمردند.

کم‌کم تجلیل‌وسنت‌شادی‌آفرین جشن‌شراب دیونی‌سوس‌برای عموم‌خدایــان گسترش‌یافت‌و بالاخره‌برای هریک‌ازخدایان نوعی‌جشن برقرار شده‌بود .

یونانیان‌بجای تأتر کلمه (ترازدی) رابکارمیبردند واین‌کلام ماخوذازدوواژه یــونانی تراگو(بز) واکل (ترانه‌ونغمه) بودودرحقیقت ازترکیب‌این دوکلمه که مفهوم‌لغوی آن‌ترانه‌بز میشود، اصطلاح‌ترازدی‌معمول شد.



اخیلوس‌یااشیل‌یاپدرترازدی یونان قدیم

علت‌العلل‌انتخاب (نغمه‌بز) برای‌تأتر ونمایشنامه‌آن بودکه بــزحیوان مقدس رب‌النوع‌شراب‌بود وحاکم‌آتن که پی‌سیس‌تراتوس نامداشت مسابقه‌ای طرح کردکه هرکس یک درام عــالی بنویسد و هیئت منصفه‌آنرا بعنوان‌بهترین‌درام تائیدکند، یک‌رأس‌بزومقداری جائزه نقدی‌دریافت میکند‌بهمین‌سبب درام‌ونمایشنامه درآنوقت به نغمهٔ بزیا ترازدی‌اطلاق میشد. محل‌تأتر دریونان‌باستان‌عمارت رو بازوبدون سقفی بودکه مردم دریک نیمدایره درقسمت شمالی سالن می‌نشستند .این‌نیمدایره‌چندین‌طبقه بودودرهرطبقه لژهای‌مخصوصی قرارداشت، دروسط‌اودی توریوم دسته‌هنرپیشگان‌قرارداشتندوبازی میکردند . این‌محل دراصطلاح یونانی (ارکسترا) نامداشت ولغت ارکستروارکستراسیون‌که بعدهادرموسیقی راه یافت ازهمین محل وبهمین‌مناسبت بوده‌است.(صفحه۵۱۰)

درقسمت‌جنوبی تأترساختمان مجلل‌باغرفه‌ها ولژهای بسیارعالی ومرتب قرار داشت‌که این‌محل‌اختصاص به‌نشستن‌امراء ، امپراتوران ، حکام‌مدعوین‌آنان ، سفراء خارجی زنان و غیره‌داشت . درطرفین‌میدان نمایش‌وجلوی غرفه‌های‌سلاطین هیات‌ارکستروموزیک ونوازندگان ورقاصان‌قرارمیگرفتند . راه‌عبورومرور مدعوین به‌میدان تأترنیزازطرفین همین‌قسمت بود

درحالی‌که دریونان‌نمایشنامه‌نویسی وتأتر کاملا جنبه‌مذهبی داشت، بعکس‌دررم‌فاقد جنبه مذهبی‌بود، ولی‌منبع‌الهام دمیهاتیز درتأتر ونمایش ، یونان‌بود .

درحدود ۵۳۴ قبل‌ازمیلاد مسیح‌بودکه یکی‌ازشعراء ونمایشنامه‌نویسان یونانی‌بنام‌فری نیکوس‌تأتر راتکان‌داد وتاریخ‌زندگی سلاطین، امراء وشخصیت‌های مشهوررا بنمایش‌درآوردو بااین‌طریق‌اولین تحول‌دراماتیک درتأترپیدا شد.

در۴۷۶ ق.م. نمایشنامه‌ای‌بنام‌زنان فنیقی‌نمایش‌داده‌شدکه مردم‌را دچارهیجان‌فوق‌العاده ساخت‌ومردم فهمیدندکه تنهاجنبه‌مذهبی تأترونمایشنامه جالب‌نیست، بلکه‌داستانها وسرگذشت های‌شیرین‌دیگری نیزممکن‌است‌بصورت تأتردرآیدومشغول کننده‌باشد.



سوفوکل بزرگترین تراژدی نویس

مبتکر و ابداع کننده حقیقی تراژدی شاعری بنام (آشیل) یا اخیلوس (۵۲۵،۴۵۶ ق.م) است و هموبود که تراژدی را تبدیل بیکی از هنرهای اصیل وزیبا ساخت ارسطو دررساله ای که در باره شعر نوشته، درمورد اشیل یا اخیلوس مینویسد:

«او عده هنرپیشگان را ازیك بدو نفرمبدل ساخت ازبازیکنان اضافی وسیاهی لشکر کاست ومکالمات اصلی را به هنرپیشگان قوی که رل اصلی را دردست داشتند سپرد وبعد از او سوفوکل هنرپیشگان را به ۳ نفر رسانیداو برای اولین بار صحنه ها را بادکور تزئین کرد و...»

سوفوکل تغییرات دیگری را نیز در صحنه و نمایشنامه و بازیکنان داد ، بازیکنان درجه دوم را از دوازده به پانزده نفر رسانید ، داستانهای دراماتیك زندگی مردم را بروی صحنه آورد و برای آن که جنبه تأثر تماشاچی را بیشتر کند موسیقی را نیز با نمایش همراه ساخت ... »

تحول اولیه فن تاتر وسیله اشیل وسوفوکل انجام گرفت تا آن که نوبت بهاوری پید رسید (۴۸۰.۴۰۶ ق.م) درام بزرگ باکانت اثر اوری پید وهمچنین درامهای سوفوکل مانند ادیپ و الکترا ازشاهکار هائی است که درآن زمان مورد توجه مردم بود وهنوز هم اعتبار خــود را حفظ کرده است .



اوری پید

رویهمرفته تأتر کلاسیك یونان در وهله اول جنبه سخنرانی داشت ، هنرپیشه حرکت ومیم نداشت .آرام می ایستاد وباقوه نطق وبیان حوادث نمایشنامه را نقل میکرد وهریك ازهنرپیشگان نیزدر مقام خودچنین وظیفه ای راداشتند . بعلاوه از گریم وحالات ظاهری هنرپیشگان تماشاچیان متوجه می شدند که هنرپیشه چه نقشی دارد و باین ترتیب معلوم میگردد که هر کس قبل ازآن که برای تماشای نمایشی میرفت ناچار بودیك سلسله معلومات راجع بهنرپیشه نمایشنامه وخصوصیات تأتربداند ، مثلا هنرپیشه ای که موی مجعد داشت سمبل شجاعت وجوانمردی محسوب میشد . موی سیاه علامت غم وموی قرمز علامت شیطنت ، موذیگری ودنائت طبع وانواع رذائل بود .

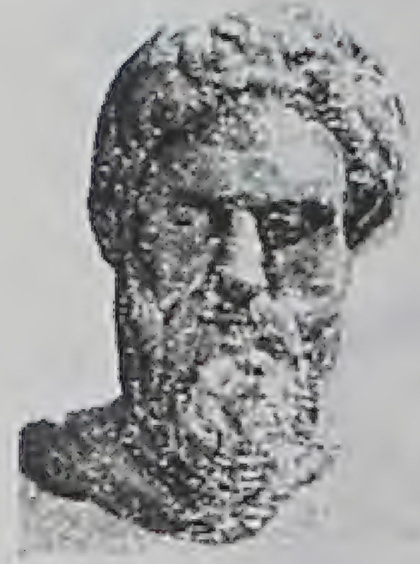
زن با کلاه گیس خرمائی علامت زنی صاحب جمال ومتشخص را داشت . موهای ژولیده و ریخته علامت زنان پست وموهای بافته وسیاه علامت زنان عاشق پیشه بود ، ولی من حیث المجموع مقام هنرپیشگان کمتر ازنویسندگان وهنرمندان طراز اول نبود ، زیرا همانها بودند که درمواقع اضطرار از قبیل جنگ وبدبختی با اجرای نقشهای حماسی ومثلا خواندن اشعار هومر روح عصیان ودلاوری را درمردم بیدار میکردند .

مردم یونان آنقدر به تراژدی علاقه داشتند که گاه اتفاق میافتاد یك تراژدی وبازی آن سه روزطول میکشید ومردم با کمال رغبت به آن گوش میدادند. اگر این ارقام اغراق آمیز باشد ، لااقل ۲۴ ساعت آنرا میتوان قبول کرد.

محل تاترهای یونانی تقریباً ظرفیت پذیرفتن ۱۷۰۰۰ نفر تماشاچی را داشت ، درحالی که صندلیها ازسنگ بود ولی مردم بارغبت روی آن می نشستند وبازی هنرپیشگان توجه داشتند

ارزش هنرپیشگان اززمان فیلیپ وپسرش اسکندر مقدونی بالا گرفت . هنرپیشگان در مجامع ومجالس عمومی درصدرمجلس قرارداشتند ونسبت به آنان بامحبت واحترام فوق العاده ای رفتارمیشد . درزمان اسکندر درهریك ازشهرهای یونان یك تماشاخانه دائر شد و اهمیت تاتر ،

در آن عهد ازهمین اقدام بخوبی هویدا میشود . درچهار قرن پیش ازمیلاد مسیح آتن فقط ۲۷ هنرپیشه داشت، ولی‌این هنرپیشگان بتمام علوم وفنون عصرخویش آگاهی‌داشتند .



آریستوفان بزگترین کمدی‌نویس یونان‌قدیم

ازنقاشی ، مجسمه‌سازی، شعر ، ادب ، رقص وسایر هنرها و منجمله نوازندگی‌اطلاعات‌کافی داشتند . ازدولت‌برای‌مخارج‌خویش مقرری دریافت میکردند واگرسال‌ها نیزکاری‌به‌آنان رجوع‌نمیشد، بازهم حقوق مقرره‌را ازخزانه دولت‌دریافت میکردند .

درهمان اوقات بودکه هنرپیشگان یونانی برای اولین بار درتاریخ‌اقتصادی ، سیاسی وصنعتی جهان اتحادیه‌ای‌تشکیل‌دادند که امروزآن‌را سندیکا می‌خوانیم .

این سندیکا برای حفظ حقوق وصیانت احترام و شخصیت هنرپیشگان‌تاسیس‌شد. نام‌این‌سندیکا «انجمن‌خدام‌دیونی‌سوس» بود.

کم‌کم موسیقی ، رقص ، و میم نیز وارد تاتر گردید . ابتدا آلتی‌که‌شبیه به‌شیپور بودشروع تاتررا اعلام میکرد، درخلال بازی نیز در جاهائی که اشعار یا جملات حماسی و قهرمانی ادا میشد ، بعضا باصدای موزون‌شیپور همراهی‌میشد، تا اثرآن درشنونده وبیننده‌صدچندان بشود، همچنین دراوقاتی‌که نمایشنامه‌عاشقانه یـا (لیریك) بودموسیقی آرام‌وموزونی که‌چنگ یا (لیر) آن‌را همراهی میکرد بگوش تماشاچی‌میرسید واحساساتش‌را برمیانگیخت .

تاتر کلاسیك یونان بهمین‌طریق پیش‌میرفت وبسیاری ازکشورهای اروپائی وبیش‌ازهمه مردم‌روم‌را تحت‌تاثیرخودقرارداد ولی‌درروم جنبه مذهبی‌اش‌منتزع گشت وراه مستقلی‌را درپیش گرفت. تاتردرسایر کشورهای‌اروپائی رو بهمرفته تاقرن دهم‌جنبه خصوصی‌وتعیینی‌داشت

هنرپیشگان محل‌های مخصوص‌بخود داشتند یادراستخدام رجال ، پادشاهان‌وامراءبودند وآنان‌را درمواقع معین‌سرگرم میساختند . بعدازقرن دهم ویازدهم مجددا تاتر وهنرپیشگی از حالت انحصاری سرمایه‌داران وسلاطین وبزرگان خارج‌شد وکمی جنبه‌مذهبی گرفت ، دراین‌راه موسیقی‌دانان نیزبهنرپیشگان کومك‌میکردند وتابلوهائی اززندگی مسیح وحواریونش‌نیزمورد توجه‌مردم بود. تقریباً تاترحالت (اوراتوریو) را داشت وجنبه‌مذهبی آن بیش از سایر جنبه‌ها موردتوجه بود.

این‌اوضاع نیزادامه داشت‌تاعصر رنسانس‌رسید وتاتریکباره درکشورهای‌مختلف‌اروپائی رونق‌گرفت، وسیع‌شد وضمائم وملحقاتی به‌آن‌راه یافت‌وکم‌کم آن‌را بصورت هنرکاملی‌درآورد.

هنرتاتر باعصر رنسانس وانقلاب‌کبیر فرانسه جهت تکاملی خودرا درپیش گرفت و از آن‌تاریخ ببعدمکتب‌ها وشیوه‌های مختلفی‌دراین هنر بوجود آمده که بذکر اهم آنها تا امروز پرداختیم .

تئاتر معاصر

جنك ۱۹۱۴ ـ ۱۹۱۸ شرایط قدیمی‌زندگی‌را بکلی‌دگرگون ساخت و نمایشنامه‌هائی که بیش ازاین دروصف رسوم‌وعادات نوشته‌شده بود از اعتبار افتاد .

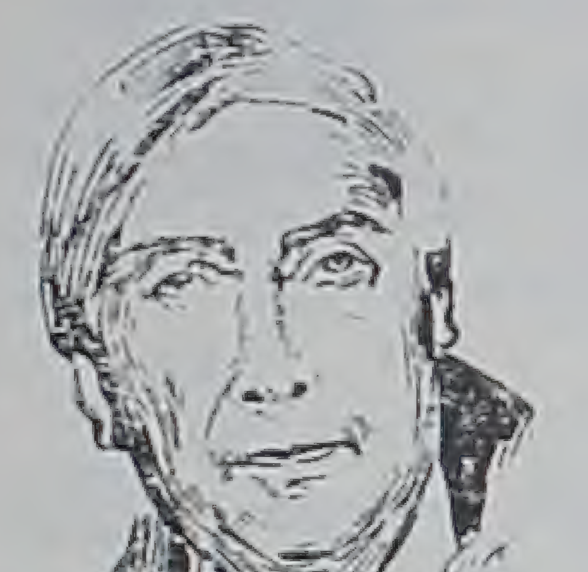
این‌نمایشنامه ها که یك‌نوع‌تحقیق روانشناسی ویا اجتماعی بودند از ۱۸۸۰ تا ۱۹۱۴ درتئاترهای‌اروپارونقی‌بسزا کسب‌کرده بود وطبقه‌بورژوازی‌اروپا که سالن‌های تئاتر راپرمیکرد عادات واخلاق وروحیه خود را روی‌صحنه منعکس‌میدید . مشهورترین نویسندگان تئاترمانند هانری بك، پورتوریش، هانری باتای ، هانری برنشتاین، امیل‌فابر درفرانسه و اسکاروایلد، جیزماری ، جان‌گالازورثی درانگلستان وهوپتمن، هرمان سودرمان درآلمان ، آرتورشنتلردر

دراتریش، نیکودمی، انتونا تراورسی درایتالیا و غیره با تمام اختلافات خصوصی که در بین آنها هست ازلحاظ موضوعی که از آن بحث میکنند وطریقه‌ای که دراین‌باره اتخاذ کرده‌اند گروه رئالیستی‌را تشکیل میدهندکه ازطرفی تحت تاثیرشعرسمبولیست وسمبولیسم اجتماعی و ازطرف دیگرتحت تاثیر کلاسیکها درتنظیم نمایشنامه‌ها قرار گرفته اند. بدیهی است هریك از این نویسندگان سبك و رویه‌ای مخصوص بخود دارند وقهرمانان آنها ازلحاظ روحیه‌واخلاق از همدیگر متمایزند اما وجه مشترك‌همه آنها مطالعه مستقیم یا غیر مستقیم در رسوم و عادات بورژوازی است.

در دوره جنك و بعدازجنك چنان تغییرات سریع‌وناگهانی در کلیه شئون اجتماعی روی داد که نویسندگان موفق نشدند یك‌نمونه ثابتی را انتخاب کرده بروی صحنه بیاورند. وبدینسان گردباد بعدازجنك همه‌حقایق مثبته را بیرحمانه درهم‌پیچید ویاتهدید بانهدام و ویرانی کرد. ازاین روی تجزیه وتحلیل حقیقت بینانه رسوم و عادات کم کم جای خود را به ترکیب ضد رئالیست سپرد، این ضدرئالیست در فرانسه صورت خفیف ودرآلمان صورت‌خشن‌ودرکشورهای انگلوساکسون صورت پیچیده‌ای پیداکرد.

۱ــ ترکیب ضدرئالیست درتئاتر بمعنی تلقین عمل میباشد بدین معنی‌که اصل عمل در روی صحنه نمایش‌داده نمیشود بلکه ازحرکتی‌که بازیگر انجام میدهد تماشاچی بنحوه عمل پی‌میبرد ــ مثلا اگر بازیگر کارد را بلند نمود وپرده افتاد بیننده بفکر میافتدکه حریف خود را حتماً کشت.

بموازات این‌ترکیبات ضدرئالیستی یك‌نوع ضدرئالیستی‌که بجانب فانتزی متمایل بودو توسعه ورونق پیداکرد زیرا توده‌مایل بود غم‌های‌زمانه‌را بدست فراموشی‌بسپارد ودرتئاتر شبح دنیای مفرح‌تر و آسوده تری را به‌بیند و بعبارت دیگر از چنك حقیقت تلخ زندگی بگریزد.


مترلینگ

درام نویس‌مجارستانی(فرانتزمولنار)این‌سبك تئاتررا درآثارخودبا موفقیت هرچه تمامترپرورانده است. نویسندگان فرانسوی از قبیل ساشاگیتری، مارسل‌آشار، و نوئل‌کووارد انگلیسی و کارل چاپك چکوسلواکی بتئاتر فانتزی رغبتی نشان‌دادند و در آثارخود بشروجامعه‌را بباد تمسخر گرفتند.

اکنون ما میتوانیم نهضت های درام نویسی کنونی را به‌سه‌دسته اصلی تقسیم کنیم:

۱ ــ اکسپرسیونیسم ۲ ــ تئاتر سکوت
۳ ــ تئاتر«فرار»

تئاتر اکسپرسیونیسم ــ اکسپرسیونیسم یك نوع طریقه‌ای برای بیان احساسات‌است دراین نوع تئاتر احساساتی را که نویسنده یا بازیگر در درون خود حس میکند بوسیله ژست یا خطوط چهره ابرازمیدارد. مثلا در تئاترهای کلاسیك ابراز تنفر و خشم طبق قواعد معمولی تئاتر با خشن کردن صدا و یا داد وفریاد انجام می‌گیرد در صورتی که در تئاتر اکسپرسیونیسم برخلاف این قاعده کلی ممکن است بازیگر همان تاثر را حتی باصدای نرم ولطیف دربیننده ایجاد نماید.

دراین نوع‌تئاتر میزآنسن (صحنه گردانی)ممکن است دیگرجنبه رئالیست نداشته‌باشد ولی‌در دکوراسیون ازروشنائی الکتریك یاموسیقی استفاده میشود وبازیگران به تغییر دادن

صدا وحرکات خودمیپردازند - مثلادرنمایش مستنطق که قبلا در ایران نمایش داده‌شد موسیقی نیمه‌روشن نمودن سن دراواسط پرده‌ها وتاریک کردن سن در پرده آخر یک نوع تئاتر اکسپرسیونیسم بوجود آورده بود .

اکسپرسیونیسم بخصوص دردو کشور آلمان وآمریکا رونقی بسزا پیدا کرد و هر چند در فرانسه نیز پاره‌ای نویسندگان را ممکنست پیرو اکسپرسیونیسم دانست اما درآثار آنها باندازه نویسندگان آلمان وآمریکا جنبه هجوو تمسخر جامعه قوی نیست .

اکپرسیونیسم در آلمان — در آلمان آثار اکسپرسیونیست ها عبارت از نمایشنامه هائی در باره موضوعات روز بود که تمایلات بشر دوستانه و صلحجویانه ودموکراتیک و حتی کمونیستی در آنها نمایان بود .



ژرژ کیزر

دربین اکسپرسیونیستهای آلمان نویسندگانی امثال فرانك‌ودکیند، کارل‌اشترنهایم، ژرژ کیزر وغیره را باید نام‌برد .

اکسپرسیونیسم آلمان عبارت ازجنبشی است که با مکتب ناتورالیست مغایرت دارد و ژرژ کیزر بهترین نمونه ومظهراین جنبش بشمارمیرود ودرچهل‌وچند درامی که اونوشته است نه فقط فریاد عصیان‌آمیزاو برعلیه استثمار فقرا بوسیله اغنیاء وبرضد تمدن ماشینی‌بلند است و نه فقط خانواده و اخلاق و تقوی را نفی کرده بلکه خواسته است اعمال نامربوطی را که درنتیجه تصادف واتفاق درزندگانی بشررخ میدهد ببادهجو وریشخندبگیرد.

درامهای کیزر غالباً دارای دکورهائی است که فرهنگ و تکنیك جدید را ضمن آنها نمایش میدهد .

پیس های اکسپرسیونیست غالبا به موضوع منازعه بین نسل ها میپردازد (از قبیل نزاع بین پدر و فرزند وبین بزرگترها وکوچکتر ها) اما اکثرآثار اکسپرسیونیست ازجنگ وفجایع جنگ الهام گرفته که بافجیع‌ترین درامهای جنسی تلفیق گردیده .

بطورخلاصه تئاتراکسپرسیونیست برای جلب‌کرده توده‌ای که دیگربهیچ چیز عقیده نداشت وبهیچ قاعده وقانون اخلاقی پایبندنبود بانشان دادن‌صحنه‌های زشت و کثیف زندگی و حتی دعوت توده بعصیان وانقلاب احساسات او را بجوش میآورد .

اکسپرسیونیسم درآمریکا — اکسپرسیونیسم آمریکابجای اینکه مانند اکسپرسیونیسم آلمان عکس‌العملی برعلیه ناتورالیسم باشدبرعکس‌ادامه ودنباله‌آن بشمار میرود .

اوژن‌اونیل یکی‌از بزرگترین درام‌نویسان آمریکاپیس‌هائی درباره رسوم وعادات‌خشن وحیوانی نوشته است .

نمایشنامه‌های اونیل‌که رنگ وتمایل انقلابی‌دارند نه‌تنها بدستگاه ورژیم‌حکومتی‌حمله میکنند بلکه عدم تساوی نژادها وفقدان حس‌برادری‌میان افراد را بسختی بباد انتقادمیگیرند اونیل دارای قدرت بیان وحرارت بخصوصی است‌که به نمایشنامه های او برجستگی خاص می‌بخشد .

علاوه براونیل چنددرام‌نویس دیگرامریکائی ازقبیل تئودوردرایزر ، لورنس لانگز ، المررایس رانیز باید ازنویسندگان اکسپرسیونیست بشمار آورد .

برناردشاو — برجسته‌ترین مظهرسبك اکسپرسیونیسم برنارد شاو درام نویس مشهور ایرلندی است .

پیس‌های شاو اکسپرسیونیست وضدرئالیست ودرعین‌حال جای تجزیه وتحلیل‌های روحی است که باجدیدترین فرضیه‌ها ومباحث ایدئولوژیك تلفیق گردیده، درنمایشنامه‌های بعدازجنگ ۱۹۱۴ شاو تقریبا تمام فرمولهای تئاتری کنونی رابکارمی‌بندد .

شاو سعی دارد دربحثی که شروع میکندعقیده موافق‌ومخالف را نشان دهد ، یکی دیگر ازاقداماتش استعمال‌ضد ونقیض برای‌معرفی افکاری‌است که بدانها پابند است وتمسخرآنهائی است که میخواهد تخطئه نماید .

علاوه براستعمال ضدونقیض وکاریکاتورکه اساس طریقه شاو بشمارمیرودباید حس‌بی احترامی را نیز اضافه نمود . تمام‌قهرمانهای اوبیرحمانه موردتمسخر وتحقیرقرار میگیرندتا بدینوسیله چهره حقیقی‌آنها راعیان سازد .

بدینطریق برناردشاو بجای‌اینکه تماشاچیان را ازراه تهییج احساسات جلب نمایدآنها را از راه تعقل، تعقلی‌که ازطریق مسخره بوجود آمده ولی‌رفته‌رفته این مسخرگی صورت غم‌انگیزی بخود میگیرد، جلب‌میکند . شاو بجای اینکه تمایلات ومبارزات فردی رامجسم نماید تمایلات ومبارزات اجتماعی را بروی صحنه میآورد (مانندمبارزات طبقاتی وپیشه‌ای وجنسی و مبارزات ملی) وغالباً قهرمان‌های خودرا بجان یکدیگرانداخته آنها رادربن‌بست میگذارد و عاقبت بامسخرگی وخنده ازعقایدشان انتقاد مینماید .

بدین‌طریق برناردشاو دربحبوحه اضطراب ونارضایتی بعد ازجنگ آئینه‌ای از عادات و افکار بدست دادکه تماشاچیان درآن قیافه خود را منعکس میدیدند . ولی این آئینه قیافه آنها را طوری با مسخرگی و خنده نشان می داد که از مشاهده آن زیاد به وحشت نمی‌افتادند .

اکسپرسیونیسم در ایتالیا ــ در تئاتر ایتالیائی سبك اکسپرسیونیسم صورت خاصی دارد و در آن خیال جایگزین حقیقت میگردد و در لباس افسانه و خیال از حقیقت انتقاد میکند .

بدین‌سان درام نویسان روانشناس ایتالیائی موضوع جدیدی درتئاتر بوجودآوردندکه آن عبارت ازتحلیل‌نفس است وقهرمانان تئاتر که سابقا میپرسیدند « چه‌باید کرد؟ » اکنون میپرسند «من که هستم ؟» ودرام‌نویسان مزبور میخواهند درباطن ودرون قهرمانان خود نفوذ یافته آنهارا چنانکه هستند به تماشاچی نشان دهند .

تمام درام نویسان اکسپرسیونیست ایتالیائی اصل موضوع درامهای خود را بر پایه « شخصیت مضاعف » قرار داده اند .این اصل بعد ازجنگ بخصوص کسب اهمیت‌بسیار کرده است .

این طرز درام‌نویسی از افکار چندین نویسنده بزرك از جمله داستایوسکی نویسنده بزرك روسی اقتباس شده است. داستایوسکی درآثارخود اشخاصی را نشان میدهد که دارای احساسات مضاعف هستند بدین‌معنی که آن‌اشخاص درعین‌آنکه قادرند بهمه‌نوع نیکوکاری‌مبادرت ورزند میتوانند انواع جنایات وتبهکاریها را نیزمرتکب شوند .

وهمچنین مکتب فرویدیا فرضیه شعورباطن این‌طرز تفکررا تقویت‌کرده است و مارسل بروست نیزدر رمان معروف‌خود بنام «درجستجوی وقت‌گمشده» ازاین موضوع بتفصیل سخن گفته ونیز تئوریهای برگسون وفرضیه نسبی انشتین درادبیات بعدازجنگ تاثیرشایانی بخشیده وباعث شدندکه بجای‌قهرمانهای ثابتی‌که مولیروبالزاك خلق‌میکردند برعکس‌شخصیتهای‌متغیر وغیر ثابتی درتئاتر بوجودآید .

لوئی‌جی‌پیراندلو ــ لوئی‌جی پیراندلو یکی ازبزرگترین درام نویسان معاصر بشمار میرود .



لوئی‌جی پیراندلو

وی در ۱۸۶۷ در جزیره سیسیل (ایتالیا) بدنیا آمد. این نویسنده در درامهای خود در موضوع شخصیت ومعرفی شخصیت قهرمانان خود بحث میکند مثلاً قهرمان درام درضمن بازی تمام توجهش معطوف اینست که حقیقت شخصیت خود را معرفی کند یعنی همانطور که در بالا اشاره کردیم بازیگر بجای اینکه از خود بپرسد «چه باید کرد؟» میپرسد: «من که هستم؟» آثار پیراندلو مبنی بر یك اساس فلسفی است و این فلسفه بر پایه تناقص بین زندگی و شعور استوار است.

جنبه غم انگیز نمایشنامه‌های او در اینست که قهرمانانش بطور ناگهانی و همیشه خیلی دیر پی‌میبرند که آنها غیراز آن‌هستند که خیال میکردند ویا اینکه بازهم ناگزیرند خود را بدیگران غیراز آنچه هستند ویا میخواستند باشند معرفی کنند. هنر پیراندلو در آنست که تماشاچی بقدری مجذوب نمایش میگردد که تصورمیکند آنچه میبیند منطبق با حقیقت و واقع است.

تئاتر پیراندلو تاثیر بزرگی در دنیای تئاتر بخشید و تمام درام های جدید از تئاتر پیراندلو تقلیدشده است وعلاوه براین دونوع تئاتر اکسپرسیونیست یکی موسوم به تئاتر «اقرار» ودیگری بنام «تآترسکوت» ازتآتر پیراندلو منشعب میشود.



هانری برنشاین

تآترسکوت — قهرمانان این گونه نمایشنامه‌ها احساساتی ازقبیل عشق، کینه، حسد، بخل وغیره دارند که درضمن نمایش بروزمیکند ووظیفه درام‌نویس اینست که علت نهائی این احساسات را در خلال صحنه های پرهیجانی تشریح کند. اساس این تآتر مبنی بر دعوا وجنجال ومنازعه میباشد.

نویسنده سوئدی استریندبرك یکی از بهترین نویسندگان این نوع تآتر بشماراست.

برعکس در تآتر سکوت، غالب صحنه‌ها در سکوت میگذرد و ازطرف بازیگر اقراری بعمل نمیآید و در این تآتر احساسات بازیگر فقط بایك ژست یا یك کلمه در ضمن یك قطعه موسیقی ابراز میگردد.

ممکن‌است مبتکراین نوع‌تآتر را چخوف نویسنده بزرك قرن نوزدهم روس‌دانست اما کسی که این تاتررا بسبك جدید درآورد ژان‌ژاك برنارد درام نویس‌فرانسوی‌است.

باین نوع‌تآتر میتوان‌یك‌شکل تآتر موسوم به «تآترقرار» را نیزاضافه نمود، شخصی را تصورکنیدکه بزندگانی عادی خود ادامه میدهد اما ناگهان میلی سراپای وجودش رامسخرمیکند. میل باینکه جای دیگربرود، با اشخاص دیگری سروکار پیدا کند وهوای دیگری را تنفس کند. همین میلی‌که ناگهان در این شخص پیدا شده و واکنش هائی که او در تماس با اشخاص ودنیای جدید از خود بروز می‌دهد-موضوع‌تآتر قرارمیگیرد.

کارگردان — نفوذکارگردان در تآتر کنونی فوق‌العاده کسب اهمیت کرده است،

کارگردانان کنونی نسبت بمتن نمایشنامه بکلی معامله‌ای غیر از آنچه تا امروز معمول بوده میکنند، پیش از این در تآتر متن ادبی را اساس و پایه هنر تلقی میکردند ولی بعد اموزیک ورقص و تزئینات و روشنائی‌های رنگارنگ بکمک تآتر آمدند و ناتوانی متن در تولید هیجان تماشاچیان کارگردانان را ناگزیر نمود که در پی وسائل دیگری بر آیند و در صورت امکان متن نمایشنامه را خلاصه کرده و در صورت اقتضا آنرا تغییر دهند.

در فرانسه، گاستون باتی نماینده اصلی این نوع تمایل است. وی بدور خود نویسندگانی را گردآورده که صرفا آنچه از لحاظ کارگردانی مقتضی باشد برای او مینویسند. کارگردان‌های روسی مانند تائیروف و میرهولد پا را از اینهم فراتر نهاده وحتی از تغییر شکل دادن نمایشنامه پروا ندارند.

تآتر شوروی — تآتر شوروی راه را برای تمام بدعتهای تآتری باز نموده و کارگردانانش در تنظیم هنرمندانه نمایش مهارت تامی دارند بخصوص در صحنه سازی تآتر شوروی ابتکارات زیادی از خود نشان داده. بطور خلاصه کوشش تآتر شوروی مصروف نشان دادن منازعاتی میشود که در خلال آنها روحیه انسان امروز بخوبی معرفی میگردد.

(در تنظیم این بخش از مقاله شاهین سرکیسیان استفاده شد)

اپرا

اوپرا یعنی چه ؟

کلمه اوپرا اصلا لغتی است لاتین و بمعنی اثر میآید و اما خود اوپرا عبارت از نمایشی است که در آن موضوع درام یا کمدی وحتی مذهبی را که متن آن اغلب بصورت شعر نوشته شده با موزیك توام میسازند و بازیکنان تمام گفته‌های خود را با آواز و بهمراهی ارکستر ادا میکنند و نیز نه تنها گفته‌های بازیکنان بصورت آواز رد و بدل میشود بلکه اغلب حرکات آنها و اصلا صداهای مختلف دیگر نیز توسط ارکستر بتقلید از طبیعت انجام میشود مثلا کسانی که اوپرای (لابوهم) اثر (پوچینی) را دیده‌اند میدانند که این موسیقدان معروف ایطالیائی چقدر در این اوپرا و سایر اوپراهایش مراعات این نکات ظریف موسیقی را کرده مثلا او در اوپرای (لابوهم) موقعیکه (ردلف) قهرمان نمایش به پیشانی (می‌می) معشوقه خود آب میپاشد تا وی بهوش بیاید، ارکستر در آن اثناء باهارپ و ویولون بطرز بسیار ظریف وقشنگی افتادن قطرات آب را بصورت می‌می تقلید میکند، و در جای دیگر همین اوپرا، موقعیکه (ردلف) برای گرم کردن اطاق خود دفاتر و کتابهای حاوی اشعار مختلفهٔ خود را در بخاری میریزد، ارکستر با چه مهارتی تقلید از صدای جرق وجرق آتش میکند تا آنجائیکه اصلا آتش خاموش میشود و ارکستر نیز ساکت میشود تمام اوپراهای معروف مملو هستند از این نوع نکات ظریف موسیقی و در همه آنها حالات مختلفه روحی بازیکنان از شعف و خوشحالی گرفته تا ترس و وحشت و غم و غصه همه‌اش با ارکستر حس میشود و اصلا بتقلید از او پراها امروزه در اغلب فیلمهای سینما صحنه های مختلفه را بهمراهی موسیقی نشان میدهند وشکی نیست که این خود برجذابیت فیلم افزوده بینندگان را برای درك احساسات مختلفه آن صحنه‌ها کمك میکند. اکنون که منشأ کلمه اوپرا وشمهٔ ازمعنی اوپرا را بیان کردیم اشاره بانواع مختلف اوپرا کرده سپس نظری بتاریخ اوپرا ازهمان ابتداء ظهورش تا بامروز خواهیم افکند.

نمایشات اوپرا برچهار نوع است:

۱— **اوپرای جدی** که بآنها اوپرای بزرك میگویند واین دسته از اوپراها اغلب اثرهای تراژیك ودرامهای تاریخی و ادبی هستند.

۲ــ **اپرای کمیك** که اثرهای نیمه کمدی و نیمه جدی یعنی شامل همه نوع اتفاقات مختلفه بخصوص موضوع‌های حیاتی وفاجعه‌های عشقی وغیره هستند .

۳ــ **اوپرای بوف** که اثری است تماماً کمدی

۴ــ **اوپرای مذهبی** که امروزه به آن (اوراتوریو) میگویند ، اکنون سه نوع اوپرای اول یعنی اوپرای جدی و کمیك و بوف با دکور ولباسهای مخصوص وبازی نمایش داده میشود در صورتیکه اغلب (اوراتوریو) ها امروزه فقط بصورت آواز بهمراهی ارکستر اجرا میشود یعنی خوانندگان آواز دسته جمعی وبعد خوانندگان تکی (سالو) وسپس ارکستر قرار میگیرد و ازاول تاآخر اثر بدون بازی فقط باآواز وارکستر اجرا میشود .

تراژدی وموسیقی در یونان قدیم :

ازهمان موقعیکه یونانیان قدیم دارای ادبیات ونمایش شدند اغلب اشعارخود راباآهنك مخصوص وبهمراهی نی ویاچنگ میخواندند . مثلا بسیاری ازتراژدی ها وگفته‌های (اشیل) در موقع بازی با یك ریتم بخصوصی خوانده وبازی میشد و بعلاوه گاهی آوازهای دسته جمعی نیز بهمراهی نی‌وچنگ با آنها همراهی میکرد . بعدها درقرن پنجم میلادی درامهای مذهبی متداول شد واین نمایشات اغلب پیش ویا بعدازمراسم مذهبی اجرا میشدو بازیکنان آن نیز اغلب خود کشیش‌ها واهل‌دین بودند . موضوع این نمایشها آمیخته بموسیقی واقتباس ازانجیل بوده وخیلی جدی بازی میشد . بتدریج بعضی قسمت‌های کمیك هم بدان علاوه شد واغلب این نمایشات را در میدان جلوی کلیساها با دکور ولباس‌های مخصوص اجرا میکردند . بعدها درقرن سیزدهم و بخصوص درقرن چهاردهم میلادی این طرز نمایشات که تاآنوقت تماماً جنبهٔ مذهبی داشت ازکلیسا جدا شد . اولین نمایش که میشود آنرا حقیقتاً باپرای کمیك تشبیه ساخت اثری بودباسم «بازی روبن و ماریون» که در سال ۱۲۸۵ در ناپل ازطرف شخصی باسم (آدام دوهال) نمایش داده شد .

پیدایش اوپرا

ولی پیدایش اصلی اوپرا بصورتی شبیه باوپرا های امروزی در قرن شانزدهم اتفاق افتاد .

توضیح اینکه درشهر فلورانس عدهٔ ازهنرمندان وصنعتکاران مختلف باریاست وتشویق شخصی باسم (باردی) گاهگاهی درمنزل این شخص جمع میشدند وباصطلاح دوره های هنری تشکیل میدادند . بتدریج این جمعیت بفکراین افتادند که تراژدی‌های قدیم یونان را با همراهی موسیقی برروی صحنه آورند وهرکدام ازبازیکنان باآواز مخصوص گفته‌های خود رابخوانند وچون تا بآنموقع کاملترین وبهترین شکل آواز همیشه بصورت دسته جمعی انجام میشد این گروه تصمیم گرفتند که آوازهای فردی خوبی نیز بوجود آورند ولی چون متاسفانه درمیان این دسته موسیقی‌دان قابل و استادی وجود نداشت نتوانستند آنطورکه باید این تصمیم را عملی کنند . اولین نمایشی که بعد ازاین دوره بوجود آمد (اریدیس) اثر (جاکوب پری) ایطالیائی است که برای باراول در طی جشن ازدواج ماری دومدیسی باهانری چهارم پادشاه فرانسه نمایش داده شد . بعد از آن (منت وردی) ایطالیائی اثری اقتباس ازتراژدی قدیم یونان باسم (ارفئو) ساخت ولی ناگفته نماند که اغلب این نمایشها خالی ازعیب ونقص نبود .

اولین اپرائی که بوجود آمد چه ازنظرآواز وچه ازنظر ارکستر معایب بسیار داشت ودر آنجا تنها چیزی که خیلی جلب توجه میکرد ومورد نظر بود تلفظ صحیح کلمات و اصطلاحات ادبی بود ومیتوان گفت که اوپرا درموقع پیدایش خود پیش ازآنکه یك اثر موسیقی باشد یك اثر

ادبی بود درآن دوره این‌نوع نمایشات مختص طبقه اشراف واغنیا بود ولی به‌تدریج توده مردم نیز بدیدن این‌بازی‌ها میل پیدا کردند واوپرا درمیان عامه نیزمحبوبیت یافت و سالونهای‌نمایش درشهرهای مختلف ایطالیا دائرشد .

موسیقی دانان واهل‌فن موقعیکه وضعیت‌را بدین‌شکل دیدند در صدد بـرآمـدند که نمایشات خودرا بصورت‌بهتر ومجلل‌تری نشان‌دهند ودر این‌دوره است که (اسکارلاتی)موسیقی دان ایطالیائی آوازیك نثری اوپرا را که در اصطلاح موزیـك بآن (آریا) و بفرانسه (ار) میگویند سروصورت بهتری داد ونیز اغلب نمایشات‌دارای بازیکنان زیادودکورهای مختلف شد وحتی‌کار بجائی رسید که ارابه‌های جنگی واسب وشیر وفیل وسایرحیوانات را نیز داخـل صحنه کردند تانمایش بصورت‌زنده‌تری نشان داده شود.

درهمان موقع یعنی‌درحین اینکه صنعت اوپرا درایطالیا پیش‌میرفت ، درفرانسه‌صنعت (بالت) محبوبیت داشت وگاهی این بالت‌ها باآوازهم همراه‌بود . ولی‌دیری نگذشت که‌صنعت اوپرا توسط «لولی» (موسیقی‌دانی است ازاهل فلورانس که در دربارلوئی چهاردهـم اهمیت خاص داشت و بعدها رامو و بالاخره گلوك در فرانسه محبوبیت ورواج پیداکرد .)

ونیز عده‌زیادی ازموسیقی‌دانان وهنرپیشگان ایطالیائی بفرانسه‌آمده درآنجا نمایشات مختلفی دادند . در انگلستان پرسل موسیقی دان معروف انگلیسی اپـرائـی ساخت باسم «دیدووادنیس» که موضوع‌نمایش آن اقتباس‌ازادبیات یونان‌است.

درآلمان «تی‌له» نمایشی ساخت باسم «آدم وحوا» ونیز «هندل» که اصلا آلمانی است درهمان دوره‌جوانی بایطالیا وسپس انگلستان رفت ومعروفترین اثری‌که ازخودباقی گذاشته اوپرای مذهبی یعنی «اوراتوریو» میباشدکه اکنون درجهان به‌خصوص در انگلستان‌که میشود موطن ثانوی «هندل» نامید، محبوبیت خاص‌دارد باخ ـ هایدن ـ مندلسون وبعدها سزارفرانك سن‌سانس وبسیاری ازموسیقی دانان معروف اوراتوریوهای عالی وزیبائی ساخته‌اند که شهرت جهانی دارد.

پیدایش اوپرای کمیك :

چنانچه قبلا اشاره شد اولین‌اوپراهای جهـان اقتباس ازافسـانه‌ها وادبیات قدیم یونان بودند واین‌وضعیت تاسال ۱۷۱۲ ادامه داشت‌ولی درایـنسال انقلاب جدیدی در تاریخ اوپـرا بظهور رسید.

درفرانسه عدهٔ بفکر ساختن ونمایش‌دادن اوپراهائی برآمدندکه موضوع آن مربـوط بزندگانی عمومی وباصطلاح مطالب‌عادی روزانه باشدوبدین طریق اوپرای‌کمیك بوجود آمد . اولین سازندگان این نوع اوپرا گرتری و مونسی‌نی بودند که در دورهٔ خوداشتهار بسیاری داشتند ولی‌امروزه کمتر کسی اسم‌آن رامیشناسد .

وضعیت اوپرا چه جدی وچه کمیك ازنظر فنی وآهنگ سازی وغیره تا بآنموقع چنداز رضایت‌بخش نبود، اولین کسی که شیرینی وجذابیت موسیقی ایتالیائی‌را با عمق وقوت روحیهٔ آلمانی و در ضمن باستفاده از فن آرمونی ساخت موزار معروف بود . موزار که میشود او را یکی ازنوابغ موسیقی نامید دردورهٔ بچه‌گی آهنگهای بسیار زیبائی ساخت ودر ۱۴سالگی اوپرا درست‌کرد .

موزار با یك چالاکی و ظرافت مخصوص‌که مختص سبك خودش میباشد ، شعـر را با موسیقی توأم ساخت واوپراهای عالی بوجود آوردکه هنوز هم در اغلب سالـونهای اوپراهای معروف سالی چندین‌بار نمایش داده میشود واصلا عدهٔ بخصوصی از هنرپیشگان هستندکه فقط اوپراهای موزار را بازی میکنند واشتهار خود را مدیون استیل و موسیقی مـوزار میباشند .

معروف‌ترین اوپراهای موزار عبارتند از دختر دزدی ازقصرعروسی فیگارو دون‌ژوآن‌فلوت سحرانگیز وبسیاری اوپراهای‌کوچکتر دیگر.

بتهوون سازندهٔ بسیاری از بهترین سنفونی‌های جهان فقط یك اوپرا ساخت باسم فیدلیو که موضوع آن اخلاقی وموزیکش مانند سایر آثار این استاد مشهور بسیار نفیس و قوی است. موقعیکه بتدریج صنعت اوپراپیشرفت حاصل کرد هرملتی بسته بذوق وسلیقهٔ خود وتحت تأثیر احساسات و عادات ملی ازروی احتیاجات معنوی رنگ وشکل خاصی باوپراهای خودوحتی طرزکار کردن آواز وتهیهٔ صحنه‌ها دادکه امروز دراصطلاح فن‌آواز واوپرابهرکدام از این سبکها مدرسهٔ مخصوص اکل میگویندکه معروفترین آنها سبك ایطالیائی، فرانسوی‌و آلمانی است.

اوپراهای ایطالیائی رنگ وظرافت خاصی دارند وحتی درعمق ملدی‌های ساکن‌آنها خون‌گرم واحساسات سرشارکه زائیدهٔ آفتاب درخشان و مناظر زیبای آن مملکت است نهفته شده ونمونه‌های بسیاری از آنرا درهمه اوپراهای معروف ایطالیائی میشود دید. اوپراهای فرانسوی ازهمان ابتداء تأسیس‌آکادمی موزیك درپاریس یعنی درحدود سال ۱۶۶۹ تابامروز تاریخ صحیحی دارد وفرانسویان نیزصاحب اوپراهای بسیارعالی هستندکه بنوبهٔ خوداز آثار متعدد آنها وایطالیائیها صحبت‌خواهیم کرد.

و اما درآلمان اولین کسی‌که حقیقتاً باعث بین‌المللی شدن موزیك خالص آلمانی شد (واگنر) بود. قبل‌از(واگنر) گواینکه موسیقی‌دانان دیگرآلمانی ازقبیل(وبر) سازنده‌اوپرای معروف‌آلمانی‌باسم(فرایشوتز) و(نیکولائی)و(لورتزنیگ)که بعضی‌ازآن‌هاحتی‌همدوره (واگنر) بودند وجود داشتند وحتی(فرایشوتز) درآلمان ودرهمه‌جهان اوپرای زیبا ومهمی‌شناخته‌میشود ولی‌باوجود همهٔ اینها بالاثرازهمه موسیقی‌دانان آندورهٔ‌آلمان وبخصوص درفن‌اوپرا (واگنر) مهم‌ترین شخصیت موسیقی‌آلمان است. این‌مرد عجیب‌که میشود اورا نابغهٔ عصرخود نامید هم شاعرهم موزیسین‌هم دکورساز وهم‌رژیسوربود وعجیب‌ترآنکه همهٔ این‌کارهارا بنحواکمل انجام میداد ونمایشات خود راکه ساخته وپرداخته‌فکر عمیق ونبوغ‌سرشارش بوداغلب خودش بر روی صحنه میآورد وخودش اداره میکرد اوپراهای واگنرمثل موزیك کنسرتی وی دارای احتشام بخصوص وقوت‌وابهت زیاداست و اغلب درامهائی‌که منشأآن افسانه‌های قدیمی آلمان میباشد موضوع اوپراهایش را تشکیل‌میدهد.

ازآنجائیکه اغلب‌آوازهای (واگنر) ازنقطه‌نظر فن‌آوازبسیار مشکل وخواننده باید صدای رسا وقوی‌داشته باشد اینست‌که اغلب‌ایفاکنندگان رل‌های مهم‌اپراهای (واگنر)مردمانی قوی‌بنیه و درشت‌هیکل‌هستند و حتی بطوری این موضوع متداول شده‌که در اصطلاح اوپرائی به خوانندگان قوی البنیه و چاق (واگنرین) میگویند (ملکیور) آواز خوان معروف اوپرای (متروپولیتن) نیویورك که ستارهٔ بسیاری از اوپراهای (واگنر) میباشد نمونهٔ بارزی از خوانندگان (واگنرین) است. ملکیورتاکنون درچندفیلم معروف امریکائی نیز آواز خوانده. اوپراهای معروف(واگنر)عبارتنداز (تانهویزر)(لوهنگرین) ـ(والکیری)، (تریستان‌وایزوت وغیره میگویند هیتلر فریفتهٔ موسیقی (واگنر) بود و در اغلب نمایشات اوپرا های معروف (واگنر) که خانم (امی‌گورینگ) زن مارشال گورینگ ستارهٔ آن اوپرا ها بود، حاضر میشد.

چنانحه قبلانیزاشاره کردیم، اوپراهای (واگنر) بسیارمحتشم وقوی است‌ولی‌بهمان‌نسبت نیز ایفایش مشکل است. چونکه (واگنر) بیشتر وقت خود را صرف موزیك و تطبیق آن با شعر و جملات بلند ادبی کرده، آهنگهای اوپراهایش بسیار مشگل و خوانندگان ماهری میخواهد.

ایطالیائیها نیز در ابتدا رو به تراژدی‌های قدیم آورده و به شعر و ادبیات و تطبیق آن با موزیك اهمیت زیادی دادند ولی بتدریج این طرز در ایتالیا منسوخ شد و از آنجائیکه ایتالیا همیشه محل پیدایش استادترین و بهترین آوازخوانهای جهان بوده، این آوازخوانها هر کدام تغییر و تحولی در طرز خواندن اوپرا دادند و کار بجائی رسید که سبك ایطالیائی سبك (Virtuosité) یعنی چالاکی و مهارت در فن آواز شناخته شد و چندان اهمیتی برای گفته‌های آوازها و ارزش ادبی آن نماند. ولی در فرانسه گواینکه قسمت آواز و اصل اوپرا از هر حیث پیشرفت حاصل کرد ولی تا کنون نیز با رزش ادبی آن اهمیت میدهند. و مخصوصا معروف است در کنسرواتورهای فرانسوی قبل از هر چیز به تلفظ واضح کلمات اهمیت میدهند و در یك اوپرای خوب و حسابی فرانسوی کوچکترین کلمه باید دارای تلفظ و ارزش محسوس باشد.

اما نباید فراموش کرد که با وجود اینکه در اوپراهای ایطالیائی قبل از هر چیز به آواز اهمیت داده میشود و نه بار کستر، ولی با وجود این همیشه در همه دنیا اوپراهای ایطالیائی مقام اول را حائز شده و هواخواهان زیادی دارند و بعضی از اوپراهای ایطالیائی گذشته از زیبائی آهنگها، موزیك عالی نیز دارند و اهمیت اخلاقی و قوت ادبی آنها نیز زیاد است.

سابقا گفتیم که اوپراهای ایطالیائی و فرانسوی و آلمانی هر کدام دارای جنبهٔ خاص بوده و اصلا سبك مشخص داشتند ولی (روسینی) سازنده بسیاری از اوپراهای معروف ایطالیائی موقعی که اوپرای (گیوم تل) خود را در پاریس نشان داد بی‌اندازه در آنجا هواخواه پیدا کرد و بسیاری از موسیقی‌دانان آندوره منجمله (می‌یربر) که اصلا یهودی آلمان ولی ساکن فرانسه بود بتقلید از سبك (روسینی) اوپراهای زیبائی ساخت که مشهورترین آنها (هوگنو)، (روبرشیطان)، (پیغمبر) و مخصوصا (آفریکن) این موسیقی‌دان بسیار اوپرای مشهور و زیبائی داشت. مشهورترین اوپرا نویسان ایطالیائی که تقریبا همدوره (روسینی) بوده‌اند عبارتند از (بلینی) که مشهورترین اوپرا هایش عبارتند از (نورما) و (سومنامبولا) و نیز (دونیزتی) سازندهٔ اوپرای (دن‌پاسکال) که از حیث ظرافت موسیقی و خوشمزگی موضوع بی‌شباهت باوپرای (باربیه دوسویل) روسینی نیست.

تقریبا از صد سال باینطرف در همهٔ ممالك مترقی جهان عدهٔ زیادی اوپرانویس پیدا شد و از آنوقت تا کنون بسیاری از اوپراهای زیبا و مشهور بر برنامهٔ نمایشات اوپرا علاوه شد و ما اگر بخواهیم از شرح حال فرد فرد آنها بحث کنیم موضوع بسیار مفصل خواهد شد اینست که بترتیب اسامی مشهورترین اپراها و سازندگان آنها را یادآور میشویم.

در ایطالیا :

(روسینی) سازندهٔ اپراهای (باربیه دوسویل)، (اوتلو)، (سمی‌رامیس)، (گیوم تل) وغیره،

بلینی: سازنده اوپرا های (کاپولت ها و مونتگوها)، (نورما) (بآتریس دوتندا)، (سومنامبولا) وغیره.

دنیزتی: سازندهٔ اپراهای (دن‌پاسکال)، (لوکرس بورجیا)، (لوچیا دولامرمور)، (ماری دوروهان) و بسیاری از اوپراهای دیگر.

وردی: این اوپرانویس مشهور ایطالیائی که بیش از بیست و پنج اوپرا نوشته یکی از مشهورترین سازندگان اوپرای جهان میباشد، هر کدام از اوپراهای وردی زیبائی واحتشام مخصوصی دارد و گواینکه بعضی از موسیقی‌دانان مشهور و اهل فن، موسیقی اوپراهای (وردی) را قدری نامرتب و حتی از نقطه نظر آرمونی ضعیف میدانند ولی با وجود این بیشتر اوپراهای وی دارای آهنگهای بسیار شیرین و ریتم‌های عالی است که هر شنوندهٔ را مجذوب خود میسازد.

مشهورترین اوپراهای (وردی) عبارتند از:

آئیدا – آتیلا – بال‌ماسکه – دزد دریائی – دن‌کارلس – ارنانی – قدرت سرنوشت –

ماکبت ـ ریگولتو ـ تراویاتا ـ تروبادور وبسیاری ازاوپراهای زیباومشهور دیگر . قبل‌از اینکه اسمی ازاوپرانویسان مشهورفرانسه وآلمان و روسیه ببریم خوبست ازیك موضوع دیگری نیزصحبت کرده و چند نفراز اوپرانویسان مشهورایطالیائی رانیز که بااین‌موضوع بستگی‌دارند نام ببریم .

تقریبا ۷۰ سال‌قبل درایطالیا دستهٔ بخصوصی شروع‌به‌ساختن اوپراهای جدید کردند که همهٔ‌آنها امروزشهرت جهانی دارند. می‌دانیم‌که تا مدت‌مدیدی در همه کشورها موضوع اوپرا یا تراژدی قدیم‌یونان یا افسانه‌های ملی ویاآثار ادبی‌بخصوصی بود وحتی‌وقتیکه درحدود سال‌های ۱۷۱۱ و۱۷۱۵ درفرانسه اوپراکمیك پیداشد وبعضی‌ازموسیقی‌دانان درصددانتخاب‌موضوع‌های متعدد برای اوپراهای خودبرآمدند تاحدی موفق‌شدندولی اسم ومقام و اصلا ارزش موسیقی آن اوپراهـا درنظراهل‌فن بسیارکم‌وناچیزبود واین‌وضعیت تاتقریبا چنانچه‌گفتیم ۷۰سال‌قبل ادامه داشت تااینکه عدهٔ درایطالیا درصدد ساختن‌اوپراهائی برآمدند که موضوع‌آنهابستگی‌بزندگانی روزانه مردم داشته وحوادث بسیارعادی وعمومی‌را مداراوپراهای خود ساختند .

این‌عده‌را (Veriste) نامیدند (انشاء این کلمه ایطالیائی و از لغت (Vero) یعنی حقیقی ودرست می‌آید) سبك‌Vérisme هواخواهان زیادی درایطالیا ودرسایر نقاط جهان پیدا کرد وخوشبختانه اغلب‌آنهائی‌که طرفداروشایع این‌طرز بودند موسیقی دانان معروف و اساتید ماهری شناخته می‌شدند معروفترین اوپرانویسان این عده (ماسکانی) سازنده اوپرای یك پرده ای‌ولی‌معروف(کاوالیراروستیکانا)و(لئون‌کاوالو)سازندهٔ اوپرای (پالیاچو) و(پوچینی) سازندهٔ بسیاری ازاوپراهای معروف جهان‌مثل (لابوهم)(توسکا)، [مادام‌باترفلای)، (توراندخت)وغیره می‌باشد .

(وریست)ها حقیقت را باهمهٔزشتی‌ها وزیبائی‌های خودنمایش دادند وقهرمانـان‌نمایشات آنها مردمان عادی مثلادرشکه‌چی ونقاش وشاعرومقلد تآتروغیره بودند . وهمین سبب شد که تودهٔ مردم وبعدهااصلا همهٔ‌جهان ازاین اوپراهای زیبا وطبیعی طرفداری‌کنند و می‌دانیم کـه اکنون اوپرائی درد‌نیا وجودنداردکه جزو برنامه نمایشاتش (مادام‌باترفلای) ویا(پالیاچو) را نمایش‌نداده باشد.

(جیگلی) خوانندهٔ معروف ایتالیا بیشتر شهرت خود را مدیون اوپراهای پوچینی است ودرهمهٔ آنهاتاکنون بازی‌کرده وشهرت جهانی‌بدست‌آورده است.

معروفترین‌اوپرانویسان فرانسوی عبارتند از:

(بوالدیو) سازندهٔ اوپرای (خانم سفیدپوش)، (اوبر) سـازندهٔ اوپـرای (فرادیاولو) و (دخترلال) ؛ (می‌یربر)که سابقا ازآثارش‌بحث شد .

(توماس) سازندهٔ اوپرای (مینیون) ، (گونو) سازندهٔ اپرای (فاوست) ، (رومئو و ژولیت۔ (بیزه) سازندهٔ اپرای مشهور(کارمن) ، (لئودلیب) سازندهٔاپرای (لاکمه) ، (ماسنه) سازندهٔ اوپراهای (پادشاه لاهور)۔ (هرودیاد) و(مانون)، (سن‌سانس) سازندهٔ اوپرای(سامسون ودلیله) واوپرای (هانری هشتم) وغیره۔ (شارپانتیه) سازنده اوپرای (لوئیز) و (دبوسی) سازنـدهٔ اوپرای (پله آس وملیساند) اقتباس از اثر معروف نویسندهٔ بلژیکی (مـوریس مترلینك) .

درآلمان معروفترین اوپرانویس بعدازواگنر (ریهارد اشتراوس) (با یوهان‌اشتراوس سازندهٔ والسهـای مشهوراشتباه نشود) می‌باشدکه بسیارمراعات پرنسیب‌های واگنر را کرده و مخصوصا قسمتهای مربوط بارکستراوپراهایش خیلی‌قوی وبا اهمیت است .

مهمترین اوپراهای ریهارد اشتراوس ـ (سالومه) و(الکترا) می‌باشد .

در روسیه چند اوپرانویس خیلی‌خوب می‌توان اسم برد که آثار عالی از خود بر جای گذارده‌اند ولی‌ازآنجائیکه این‌اوپراها کمتر به‌زبانهای خارجی ترجمه شده اغلب‌در روسیه‌نمایش داده میشود وفقط بعضی ازآنها شهرت بین‌المللی دارد ازآنجمله است اوپراهای (اوژن‌اونگین) و (دام دو پیك) ازآثار(چایکوفسکی) (دمون یاشیطان) اثر(روبنشتین) - (بوریس- گودونف) اثر(موسورسکی) .

از اسکاندیناوی نیز می‌توان (گریگ) را نام برد که سازندهٔ اوپرای (پرگینت) می‌باشد .

شناختن‌اوپرا

موسیقی‌دان یکی‌ازآثار ادبی‌قدیم یاجدید ویا موضوع‌یك‌رمان و یاماجرائی را انتخاب میکند ونویسنده باید طوری بنویسد که با موزیك جور درآید تا کلمات نمایش درست باریتم و آهنگهای مختلف جوردرآید، نوشتن یك‌اپرا ومدتی‌که برای‌آن لازم است بسته باستعدادوعلاقه و وضعیت اوپرانویس ازچند ماه‌گرفته تاچند سال ممکنست بطول انجامد .

بعد ازآنکه اوپرا حاضر شد، کارهای اوپرا تقسیم می‌شود از یکطرف خوانندگانی که رل قهرمانان نمایش را بازی می‌کنند و باصطلاح ستاره نمایش هستند (وهرکدام برای آموختن فن‌آواز اوپرا ونمایشات آن اقلا ۶ ویا۸ سال‌کار کرده‌اند) بایك پیانیست‌بخه وص‌شروع به ازبر کردن موضوع‌نمایش یعنی‌آهنگها ومکالمات مختلف میکنند .

ازطرف دیگرخوانندگانی‌که رل‌اشخاص مختلف دیگر مثلا (سربازان و مدعوین ویا هر دسته مختلف دیگر را تشکیل می‌دهند ، شروع به تمرین‌آوازهای دسته جمعی‌که (کر) میگویند میشوند .

از طرف دیگرنیز ارکستر اوپراکه اغلب عدهٔ نوازندگان‌آن بسیار زیاد است مشغول تمرین موزیك اوپرامیشود .

خیاط ها و دکور ساز ها بنوبت خود قیافه های مختلف و صحنه های لازمه را حاضر میکنند .

بعد از اینکه (سولیست ها) یعنی ستارگان نمایش ، قسمتهای خود را آموختند و «کر» نیز آماده شد ، اثررا بروی صحنه می آورند و باصطلاح فرانسویان « سوار میکنند » و خود فرانسویان اقرار میکنند که سوار کردن یك اوپرا ازسوار کردن یك ماشین پرپیچ و مهره سخت‌تر است .

اولین تمرین‌های بازی وآواز بهمراهی پیانو وبدون نورافکن ولباس‌انجام‌میگیرد ولی بتدریج وقتیکه همه بازیکنان آهنگهای مربوط بخود را یعنی بهتربگوئیم مکالمات خودرا به‌خوبی با بازی توام ساختند ، آنوقت نوبت ارکستر میرسد ونیزلباس و دکورها علاوه میشود و بالاخره قبل ازنمایش یك ویا دوتمرین عمومی انجام میگیرد وهمه این‌کارها دست‌کم سه یاچهار ماه وقت لازم دارد .

البته همهٔ این زحمات برای او پرای جدید است و چنانچه همین اوپرا در سالهای بعد نمایش داده شودزحماتش کمتراست ولی باهمهٔ این‌خوانندگان محترم ازهمین مختصر پی‌باهمیت اوپرا برده و اقرارخواهندکردکه تمام این‌کارهای مشکل ومفصل، هم‌کارکنان مبرز وهم بودجهٔ سنگینی‌لازم دارد .

دراکثرممالك جهان بودجهٔ اوپراها را دولت و شهرداری می‌پردازد و تا جائیکه اطلاع داریم بودجه اپرا های معروف‌فرانسه وآلمان وامریکا همه‌ساله بچند ملیون پول‌رائج آن‌ممالك میرسد وبا وجود اینکه اغلب‌مشتریان اوپراها آبونمان سالیانه‌دارند واصلااغلب اشراف‌واغنیاء

لژهای مخصوصی را برای یك‌ویا چندسال کرایه میکنند وبدین‌طریق می‌توان گفت که تقریباهر شب سالون بزرگ اوپراهای معروف پرازتماشاچی است ولی‌با وجوداین عایدات اوپراها اغلب کفاف خرج آنها را نمی‌کند ودولت همیشه کسر بودجه آنها راتامین میکند وشکایتی‌هم از این موضوع ندارد چونکه می‌گویند ؛

«اوپرا مانند موزه وکتابخانه جائی‌است برای توسعه وزنده نگاهداشتن صنعت‌وهنرهای زیبا وماهم انتظار نداریم که موزه وکتابخانه‌هایمان‌برای ماعایدی داشته‌باشند پس‌چرا ازاوپرا انتظارعایدات داشته باشیم؟.»

تاریخچه سینما

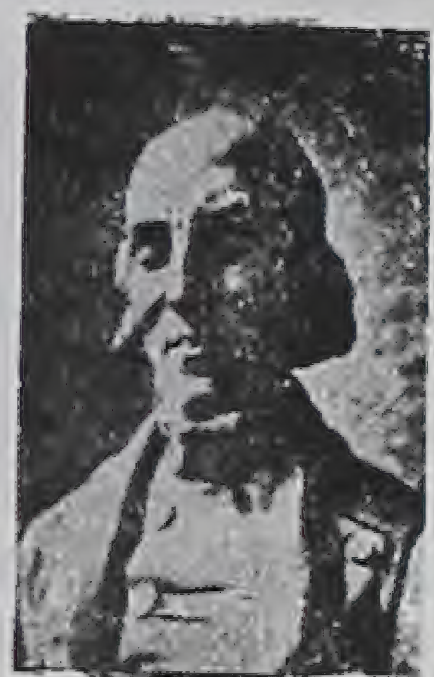
اختراع و آغاز

(تا نخستین جنگ جهانی)

پیدایش

بقول‌ها نری لانگلواسینما ازابتدا درجهان ما وجود داشته ولی‌دارای‌شکل‌علنی‌نبوده‌است «اوریول» مدیرمجلهٔ سینما اضافه‌می‌کند که سینمافطرتاً درفکر بشرهست . مهمترین فیلمها همان آثاریست که درپردهٔ خیال‌ما نمایش داده‌میشود. شبها هنگام خواب‌باچشم‌بسته عالیترین‌تصاویررا درخوابهای خودتماشا میکنیم .

همینطورهم درابتدا هیچکس‌بفکرایجاد سینما بمعنی فعلی آن (یعنی دستگاهی برای ضبط ونمایش تصاویر وتشکیل هنراجتماعی) نبود . اتفاقاًتجسسات مختلفی که در رشته‌های گوناگون بعمل میآمد . منجر به پیدایش سینما شد بدینجهت نمیتوان گفت که کسی سینمارا اختراع کرده‌است وباید اعتراف کرد که مطالعات گروهی که« کورکورانه میجستند » باکتشاف منتهی‌شد »(لانگلوا).



ژوزف پلاتو

درهمهٔ علوم نیزهمینطوراست، حقیقتا قوه ونیروی علم‌هم‌از همینجا میآیدکه درعالم نادانی و تاریکی مطلق به نتایج‌فوق‌العاده امیدبخشی میرسد و روز بروزجهان ظلمات ونشناخته را برایمان روشن میسازد .

درقرن‌هفدهم‌وهیجدهم چنددانشمند مشغول‌مطالعه برای پیدا کردن راهی‌جهت بقای اشکال در شبکهٔ چشم‌بودند

«نیوتن» عالم نامی انگلیسی‌باین نتیجه رسیدکه شبکهٔ‌چشم انسان‌مدتی شکل‌تصاویررا نگاه‌میدارد .(۱)

در۱۸۲۵ بازیچه‌ای بنام Thaumatrope ساخته شدکه عبارت بودازمقوای گردی که یك طرف آن شکل‌قفسی‌کشیده شده بود وطرف دیگر،تصویرپرنده‌ای رسم‌گردیده بود، و وقتی‌که مقوا را تند میچرخانند دو شکل روی هم انطباق پیدا میکرد و بنظر میرسید که مرغ در قفس است .

در ۱۸۳۲ فیزیك دان بلژیکی «پلاتو» با ساختن دستگاهی بنام « فناکیس تی کوپ »

(۱) شاعررومی «لوکرس» که از۹۵ تا۵۳ پیش از میلاد میزیست در « طبیعت اشیاء » اشاره‌ای به‌همین‌قانون فیزیك (Persistance Rétinienne) نموده است.

موفق شدکه تجزیه وترکیب بعضی ازحرکات را بوسیله نقاشی‌هـای پی در پی برای چشم انسان نمایان سازد.

در۱۸۵۳ «فن‌اخاتیوس» اتریشی، نقاشی‌های مختلف را بتوسط «فانوس سحر آمیز» خود نمایش داد.

فـانوس سحرآمیزرا ازدیرزمانی میشناسند وبخصوص درمیان ملل‌مشرق‌زمین و منجمله ایرانیان‌رواج زیادی‌داشته ویکی ازعمده‌ترین وسائل‌نمایش وتفریح‌راتشکیل‌میداده‌است‌بطوری که درنهصد سال‌پیش خیام اشاره مستقیمی بدان نموده‌است :

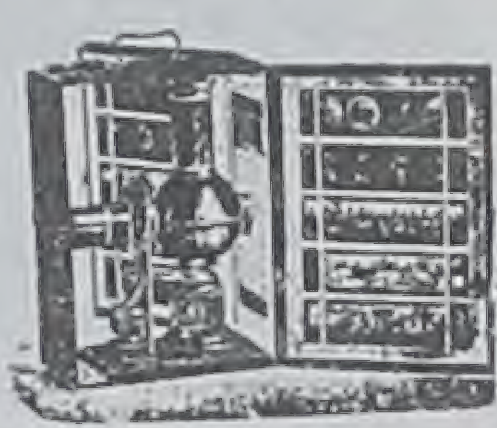
این چرخ فلك که ما دراو حیرانیم
فانـوس خیـال از او مثالـی دانیـم
خورشید چراغدان و عالم فانـوس
ما چـون صوریـم کاندرو حیـرانیم



فانتاسکوپ دبرستون دستگاه روی یك چرخ‌حرکت میکرد

دراروپا فانوس‌خیال ازقرن هفدهم شناخته شد وحتی‌باآن نمایشهائی‌هم میدادند، میرزاابوطالب خان ایرانی که در اوائل قرن نوزدهـم زمـان امپراطوری ناپلئون سفری بفرانسه‌کرده بودیکی‌از جلسات نمایش این فانوس را برای ما شرح می‌دهد (مسافرت درآسیا.افریقا واروپا ، ترجمهٔ فرانسوی پاریس.۱۸۱۹)

فن‌عکاسی نیزاز۱۸۲۳ توسط پیشقدمان‌این فن«نیپس»Niepce و «داگر» درترقی‌بود «هراختراعی برای اینکه ریشه پیداکند و پیشرفت نماید. باید جزء لاینفك اجتماع وتمدن وفنون دورهٔ خودباشد، وچون همه‌چیز در جامعه و در طبیعت بهم مربوط‌است‌یك اختراع اختراع دیگررا پیش‌میاندازد» (سادول).



فانوس جادو

ترقی تلگراف در ۱۸۵۰ ازپیشرفت راه‌آهن بوجودآمد. در ۱۸۸۹ برق وتلفن نیز ازترقی تلگراف بهره‌مندگردید.

درآمریکا ایالت کالیفرنی از سرزمین‌های پرهیجـان آن کشور بود ودر۱۸۴۷ مقداری معادن طلادرآنجاکشف شدکه‌دورهٔ مشهوری را بنامد ورهٔ « یـورش بسوی طلا » بـوجود آورد . در ۱۸۵۰ گفته‌میشد.«اقیانوس‌آرام درآینده‌همان‌نقشی‌رابازی خواهد کردکه اقیانوس اطلس و مدیترانه ازدورهٔ باستان وقرون وسطی تا امروز ایفا میکردند . ایـن اقیانوس راه دریائی‌تجارت جهانی‌خواهد شدواقیانوس اطلس‌بیك‌دریای داخلی همچون مدیترانهٔ امروزی بدل خواهدگشت.»

یکی‌ازتجارعمدهٔ شهرسان‌فرانسیسکو بنام «ستان‌فورد» که بعداً نیز بترتیب فرمانفرمای ایالت کالیفرنی و رئیس کمپانی‌بسیارمهم راه‌آهن وکشتی‌رانی شد وبقدری‌ثروتمندبودکه‌توانست مبلغ‌بیست میلیون دلار(نزدیك به۱۴میلیون‌تومان امروز) وقف شهر خود نماید . روزی‌باچند نفراز دوستان متمول خویش‌که باسب سواری علاقه داشتند شرط‌عجیبی‌بست.ستان‌فوردمیگفت‌که درموقع تاخت ، اسب بریکی‌ازسم‌های‌جلوخود تکیه‌میکند. دیگران‌حرف‌او را باور نمیکردند. یك شرط بیست وپنج‌هزار دلاری بسته شد و قرار شدکه از تاخت اسـب عکس برداری شود .

برای این منظوریك عكاس انگلیسی بنام «موی بریج» استخدام گردید (۱) که از ۱۸۷۲ ببعد مشغول کارشد . نامبرده توانست با ۲۴ دوربین مختلف که پهلوی یکدیگر قرار داشت ۲۴ عکس پی‌درپی ازتاخت اسبی بردارد . حرکات حیوان را درمجموعه این تصاویر میتوان اولین آزمایش حرکت در عکس‌نامید. از نتیجهٔ شرط‌بندی «ستان‌فورد» خبری نداریم ولی عکاسی یکقدم به پیش‌رفته‌بود .

در ۱۸۸۲ عالم‌فرانسوی «ماره» برای‌تحقیقات درحرکات حیوانات و تجزیهٔ پرواز طیور عکاسی را بکار برد و شش‌سال‌بعد دستگاهی‌بنام «کرنوفوتوگراف» ساخت که درآن‌برای اولین‌بارمنظره‌برداری ، روی فیلم انجام‌گرفت (۲).

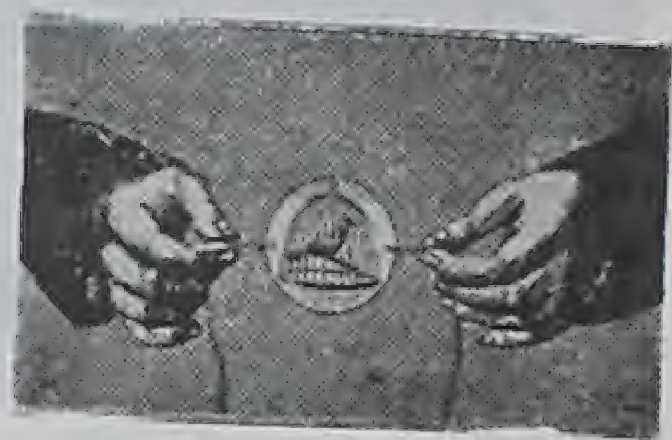


نیسه مورتیه‌پس و لوئی‌داگر

درهمان‌موقع نیزدرانگلستان گروهی موفق شدند رشتهٔ فیلمی‌راکه سوراخ‌کرده و بهم‌پیوسته‌بودند روی پرده نمایش‌دهند.

در ۱۸۹۲ درپاریس «امیل‌رنو» نقاشی های متحرکی تنظیم‌کرد که مطابق اصول‌امروزی است . این‌هنرمندبا استعداد بتصاویربشری فیلمهای خود چنان‌روح‌لطیف وزیبائی‌بخشید که حتی «والت‌ویسنی» هم‌هیچگاه موفق‌بآفریدن آنچنان پرسوناژهای‌انسانی حقیقی‌نگردید وبایجادکاریکاتورهای‌بی‌روح‌وچهره‌سرد اکتفا نمود . رنو بدبخت ، درپایان زندگی‌اش ورشکست‌شدوازناامیدی‌آثارخودرابرودخانه‌افکند ودرتیمارستانی‌جان‌داد (۳) .

درامریکا «ادیسن» فیلمهای سی‌وپنج میلیمتری (قطع معمولی‌کنونی) ازرشته نرم «سلولوئید» که هر طرف تصاویرچهارسوراخ داشت‌به «ایستمن کوداك» سفارش داد وبالاخره در ۱۸۹۴ دستگاه «کی نه توسکوپ» Kinètoscope که شبیه‌به شهرفرنگ‌های خودمان و درآن فیلمهای متحرك بکار میرفت بمعرض‌فروش گذارده شد.



«توماتروپ» دکتر پاریس ــ دریك‌روی دایره مقوا قفس و روی دیگر پرنده نقاشی‌شده ــ هنگام چرخیدن پرنده‌را درقفس می‌بینیم

در ۱۸۹۳ پروفسور «لبن‌بی‌موف» بکمك‌معاون خود «تی‌موشنکو» در دانشگاه «نووسیبیرسك» دستگاهی‌ساخت که سه ماه‌پیش، ازسالن کی‌نه‌توسکوپ «ادیسن» براه افتاد وخیلی ازاختراع وی‌کاملتربود در ۹ ژوئن ۱۸۹۴ نمایش‌عمومی‌با این دستگاه در نهمین کنگرهٔ اطباء وطبیعت شناسان روسیه «رشتهٔ فیزیك» انجام شد (۴)

(۱) به‌رسالهٔ «سینما درانگلستان» نشریهٔ کانون‌ملی‌فیلم، تهران ژوئیه ۱۹۵۰ رجوع شود

(۲) مادر زبان‌فارسی لغت فیلم‌راهم برای آثار سینمائی و هم برای رشتهٔ فیلم عکاسی (pellicule) بکارمیبریم ودراینجا البته مقصود معنی دوم‌است .

(۳) به رسالهٔ (امیل‌رنو) نشریهٔ فیلمخانهٔ‌فرانسه، پاریس ۱۹۴۶ رجوع شود.

(۴) به مقالهٔ «سوکولوف» بعنوان «مخترعین‌روس سینماتوگراف» درمجلهٔ «هنرشوروی» شماره ۲۸، بیستم مه ۱۹۵۰ رجوع شود.

سال ۱۸۹۵ سال قطعی اختراع جدید بود. با این دستگاه در کلیهٔ ممالک متمدن نمایشهائی داده میشد. درامریکا نیز درماههای فوریه واکتبر چنین نمایشهائی صورت گرفت.

لومیر

آنهائی که برای نخستین بار دستگاه عملی منظره برداری و نمایش را بوجود آوردند برادران «لومیر» فرانسوی بودند که در ۲۸ دسامبر ۱۸۹۵ درسالن هندی زیرزمین «گران کافه» واقع در «بولوارده کاپوسین» ــ محل کنونی هتل «سکریب» نخستین نمایش عمومی را ترتیب دادند.

تاریخ حقیقی سینما ازاینجا آغاز میگردد.

صاحب «گران کافه» سالن خودرا روزی ۳۵ فرانك به «لومیر» اجاره میداد. منافع روز اول به ۳۵ فرانك رسید و حق ورودی برای تماشاچیان یك فرانك بود. درست سه هفته بعد دخل روزانه بالغ بر دوهزار فرانك شد. سینماتوگراف رفته رفته مشهور میشد، درهرجلسه که نزدیك بیك ربع طول میکشید ده فیلم (هفده متری) نمایش داده میشد.



نخستین «پراکزینوسکوپ» امیل رنو ــ که تفاوت آن با «فناکیستیکوپ» این بوده که تصویر متحرك در داخل آینه‌های داخل استوانه دیده میشده است

لوئی لومیر (متولد ۱۸۶۴ متوفی در ۱۹۴۸) با فامیلش در «لیون» کارخانه‌ای برای تهیهٔ مواد عکاسی داشت، وی در کارگاه خود عدهٔ زیادی منظره بردار یا «اپراتور» تربیت کرد که مامور نمایش دستگاه جدیدالاختراع درنقاط مختلف دنیا بودند. لومیر که اهمیت اختراع خودرا درك نکرده بود درموقع استخدام یکی از فیلمبردارها بوی گفت، «میدانید ما بشما شغل ثابتی پیشنهاد نمیکنیم. حرفهٔ شما بیشتر جنبهٔ دوره گردی برای بازارهای مکاره دارد. شاید شش ماه طول بکشد، شاید یکسال. شاید کمتر شاید بیشتر» (۱)

امروز تقریبا ۷۰ سال است که سینما دوام دارد.

نخستین بار لغت «سینماتوگراف» را (مشتق ازواژهٔ یونانی که معنی تحت اللفظی آن «جنبش نگاری» است وما مخفف آنرا بشکل سینما درایران بکار میبریم) شخصی بنام «لئون بولی» بکار برد واین کلمه درتمام دنیا معروف شد. (کینو) در روسیه وآلمان و «چینما» درایتالیا.

بسال ۱۸۹۶ اولین سالن سینمائی در «بولوارسن دنی» پاریس افتتاح شد وتا امروز بنام «پاته ژورنال» کارمیکند.



ل ــ لومیر

فیلمهائی که آنشب لومیر نشان داد عبارت بوداز، «خروج کارگران از کارخانه‌های لومیر»، «ورود قطار به ایستگاه لاسیوتا» «نهاربچه»، «آهنگران»، «خروج قایق ازبندر»، «تخریب دیوار» (۲) و غیره. از نظر فن عکاسی، آثار لومیر بسیار خوب بود وروبهم رفته فیلمهای اومانند آلبومهای خانوادگی بنظر میرسید. حرکت تصاویر، مردم را خیلی جلب کرده بود همگی میگفتند «طبیعت میجنبد» و وقتی که قطار ترن وارد ایستگاه میشد عده‌ای ازمردم وحشت زده ازصندلیهای خود بااضطراب بلند میشدند بخیال اینکه لوکوموتیو ازپرده میگذرد و واردسالن میشود، لومیر نیز اولین فیلم مضحك

(۱) کتاب «چرخ دسته» نگارش «مگیش»، پاریس، ۱۹۳۴

(۲) درموقع نمایش گاهی آپاراتچی این فیلم را وارونه میچرخاند وبنظر میرسید که دیوار ازنوساخته میشود. این حقه یا تروکاز را بعدا خیلی بکار بردند.

وکمیك سینما را بنام « آتش‌نشان خیس شده » تهیه نمود . بسال ۱۸۹۷ در ر... ! لومیر صحنه های تاریخی مانند «قتل Duc de guise» ساخته شد و درمحل یکی از تآترهای مرثیه‌خوانی مسیح (مانند تعزیه‌های خودمان) فیلمی راجع به « مرگ و رنج عیسی» تهیه گردید .



ا- لومیر

ملیس (۱)

ژرژملیس مدیر تاترشعبده‌بازی پاریس نقاش‌خوبی‌بود که بر ضد تمایلات دیکتاتوری «ژنرال بولانژه» کاریکاتور های تندی کشیده بود ودراولین‌نمایش سینماتوگراف‌خواست که دستگاه‌جدید راخریداری نماید. وی ازلومیرپاسخی‌شنید که باردیگرثابت‌میکند تاچه‌اندازه خودمخترعین به‌آیندهٔ سینما ناامید بودند . لومیر باو گفته‌بود: «اختراع من‌برای فروش‌نیست و اگر شما آنرا بخرید ورشکست خواهیدشد. از این‌دستگاه میتوان تاچندی‌بعنوان‌تازگی علمی بهره‌برداری کرد اماهیچ‌آینده تجارتی ندارد.» (۲)

امروزسینما پس ازفولاد دومین صنعت ممالك‌عمدهٔ سرمایه‌داری است . ملیس‌شخصا دوربینی تهیه‌کرد وسال۱۸۹۷دراطراف پاریس‌اولین استودیوی‌فیلم‌برداری را بپا کرد. این شخص‌درفیلمهای خودحقه‌بازیهای تاتری رابکاربرد ومقدارزیادی ازنیرنگهای سینمائی‌را اختراع کرد(۳) ازآثاروی باید «مردی باکلهٔ کائوچو» (۱۹۰۱- که‌در آن‌یك‌منظرهٔ نزدیك‌یا Grosplan از صورت مردکی موجود است) ، و Le Mélomane (۱۹۰۳) (با ۷ نمایش‌ازیك سر، دریك‌صحنه) و «سفر درمحال» (۱۹۰۴) را نام برد. علاوه برفیلمهای خارق‌العاده وپرازجن و پری وعجایب وغرایب که با «مسافرت درماه» (۱۹۰۲) بحدکمال خودرسید ملیس مقدارزیادی ازحوادث و وقایع روزانه را دراستودیوی خود میزانسن کرد وباتقلید ازاخبارسیاسی وعکسها فیلم‌های خبری رابوجودآورد . این آثار رابعنوان‌فیلمهای حقیقی‌میفروخت اودر «محاکمهٔ دریفوس» (۱۸۹۹) که اولین فیلم‌طولانی وی‌بود (۲۵۰متر) ازعقایدآزادی طلبانهٔ محکوم بی‌گناه هواداری کرد: عقاید عدالتخواهی‌ملیس



اوگوست لومی‌یر و اولین‌دستگاه نمایش فیلم سینما این دستگاه درسال۱۸۹۴بوسیله لوئی‌لومی‌یرساخته شد ومیتوانست هم فیلم‌برداری‌کند وهم‌فیلم را روی پرده نمایش‌دهد . برادران لومی‌یر اختراع‌جدید را سینماتوگراف نام نهادند.

---

(۱) Mélies
(۲) د. ماریون- جنبه‌های سینما- بروکسل، ۱۹۴۵
(۳) سادول- تاریخ‌عمومی‌سینما -جلد دوم - بنام «پیشقدمان» ، پاریس ۱۹۴۷وفهرست آثار ملیس،لندن، ۱۹۴۷.

درفیلم «تمدن درازمنهٔ مختلفه» (۱۹۰۸) وبعداً درفیلم «عدم بردباری» آشکارشد. ملیس برضد شکنجه‌های عیسویان در روم‌باستان وجنایات محاکم‌مذهبی وطریقهٔ‌بردگی و فئودالیزم وسیاست های امپریالیستی وفجایع‌جنگ اعتراض‌میکرد.

علل انحطاط مهم‌این هنرمند، همانا پیروی کورکورانه ازاصول وسبک‌میزانسن‌تآتربود.

درفیلمهای ملیس دوربین‌همیشه ازیك نقطهٔ ثابت، صحنه‌راعکس‌برداری میکرد و کوچکترین حرکتی نمینمود، ملیس از ترقیات جدید پیروی نکرد و درپایان، بعلت‌آنکه آمریکائیها آثاراورا جعل کردند، و نیزبسبب کلاهبرداریهای‌وقیحانهٔ عده‌ای‌ناچاربفروش اسباب بازی در ایستگاه «مونپارناس» پاریس شد و سرانجام در تیمارستانی‌جان‌سپرد.



این‌عکس ازبرادران «لومی‌یر» درسال ۱۸۹۴ یعنی‌سال اختراع سینما برداشته شده است

سینما درسنوات اول‌قرن‌بیستم بدست بازرگانان‌دوره‌گردی افتادکه دربازارهای مکاره وچادرهای مخصوص‌عرضه کردن‌کالاها (Foire) آن‌رانشان دادند وازهرسوبشهرت‌اختراع جدیدافزودند.

انگلستان

پیشقدمان سینما درانگلستان‌کسانی بودند که اغلب وسائل «بیان» هنرجدید را اختراع کردند یابشکل‌بهتری درآوردند.

در۱۸۹۸ «سمیت» انطباق دوتصویر در روی یك صحنه را بکاربرد (Surimpression) ودرسال‌بعد «ویلیامسن» عمل «مونتاژ» یا بهم‌چسباندن قطعات فیلم وپیوستن‌آن را مطابق‌جریان اصلی‌بیکدیگر شروع کردو این‌تاریخ، درواقع اولین‌باریست‌که فن‌وتکنیك مطلق‌برای ایجاد هیجان و احساسات دراماتیك بکار رفته‌است. در۱۹۰۱ برای نخستین‌بار «سمیت» درفیلم«طبیعت‌کوچك» پس از یك منظرهٔ دورکه دورنمای عمومی صحنه‌رانشان میداد، منظرهٔ بزرگی از سر یك‌گربه نمایش‌داد. «ویلیامسن» همانسال درفیلم «پرخور» بوسیلهٔ تروکازی منظرهٔ دهان بازشده‌ای را ازفاصله‌ای نزدیك نشان میداد که دوربین، منظره‌برداری را می‌بلعید. یکسال قبل از اوهنرمند دیگری بنام «پول» Paul حرکت دستگاه فیلمبرداری را که متخصصین «تراولینگ» یا «عرابه» میگویند بوجود آورد که به بازیگران دور و نزدیك میشد. همان رژیسور بسال ۱۹۰۴ در فیلم «اتومبیل‌ران» صحنه‌های بسیار مضحکی ترتیب دادکه در آن صحنه‌ها اتومبیلی روی‌حلقهٔ زحل، بگردآن ستاره میچرخید. سبك تعقیب‌یادنبال کردن‌را که‌در‌آن گروهی پشت‌سرکسی میدوندانگلیسیها بوجودآوردند. ازآثارباصطلاح اجتماعی مکتب‌سینمای بریتانیا «زندگی‌چارلزپیس» دزد وقاتل‌مشهور اثر «موترشا» رادر ۱۹۰۵ باید ذکر نمود «کالینز» نیزاز رژیسورهائی‌بودکه‌کلیهٔ وسائل فنی را بکاربرد وبنظرمیآمدکه نخستین شخصی‌باشدکه در آثار خود بمسائل‌معاش وکاردهقانان، معدنچیان وملاحان توجه نمود درهمان اوان «کلارندن» فیلم «روزاجرت» و«بچهٔ‌مزاحم» راتهیه‌کرد که شاید موردالهام چارلزچاپلین معروف درفیلم Pay day و Kid واقع شده.



«غذای کودك» از جمله نخستین فیلمهائی بود که برادران لومی‌یر برداشتند هنرپیشگان‌آن اوگوست، زنش و دختر خردسالشان بودند

پاته

بسال ۱۸۹۸ نخستین سهم‌گذاری در تاریخ اقتصادی سینما انجام گرفت. کارخانه های نساجی، صنایع‌سنگین‌وبانك «کردی لیونه» فرانسه شرکت «پاته»را ایجاد کردند وزیر کنترل خود گرفتند.

کارکنان این‌موسسه‌درفیلمهای خودبانواع و اقسام مختلف آثار انگلیسی را تقلید کردند (۱) یکی از رژیسورها که «زکا» نام‌داشت در۱۹۰۱ مناظری را روی پردهٔ شفافی نمایش‌داد که وقتی باردیگر ازآن فیلمبرداری میکردند، بنظر دکورطبیعی میآمد. این‌حقه را در فن سینما Transparence نامند. «زکا» چندین فیلم نیمه اجتماعی بنام «فدائیان الکل» (۱۹۰۱) و «اعتصاب» و «درسرزمین سیاه» ازکتاب «ژرمینال» اثر «امیل‌زولا» اقتباس‌کرد در۱۹۰۸ «زکا» «محاکمهٔ دریفوس» را تهیه‌نمود و درآن‌بقدری ازمحکوم طرفداری کرد که نمایش آن درفرانسه قدغن‌گردید و در امریکا نیز مورد اعتراض مطبوعـات دست راست واقع شد. «زکا» مـردی آزادیخواه بود وبسال ۱۹۰۵ درفیلم «پیشامدهای ادسا» شورش‌ملاحان دریای سیاه را برضـد بیدادگری زمامداران تزاری تشویق‌کرد و بعداً نیزاز «نیهی‌لیستها» که علیه امپراطـور روسیه عصیان‌کردند پشتیبانی نمود.

رژیسور دیگری «شرح مرگ حضرت‌عیسی» (۱۹۰۲) را با دکور های عظیمی تهیه کرد و رفته‌رفته بقدری ازاین‌نوع‌آثارساخته شدکه بالاخره در۱۹۱۳ پاپ تهیهٔ فیلمهای مـربوط به زندگی مسیح‌را قدغن نمود.

شرکت پاته استودیوهای مهمی‌ساخت ودر ۱۹۰۰ منافع‌خود رابه‌سیصدوچهل و پنج‌هزار فرانك رساند. هفت سال‌بعدهمان منافع‌از ۲۴ میلیون فرانك تجاوزکرد. پاته شعباتی در اروپا امریکا. روسیه، کلکته وسنگاپورداشت وبا دردست داشتن‌کارخانه‌ها وتهیهٔ‌لوازم و امضای‌قرار-دادهای انحصاری با نویسندگان سناریو، واعزام نمایندگان توزیع‌فیلم واحداث سالنهای نمایش بقدری نیرومند شده‌بودکه اهمیتش درآنزمان ازقدرت هولیوودکنونی بیشتربود. پاته نخستین شرکتی است که‌بقول علمای‌اقتصاد درتاریخ‌سینما ـ «تمرکزعمودی وافقی» را انجام‌داد(۲) اولین موسسهٔ جدی ورسمی‌فیلمهای خبری‌را «پاته» در۱۹۰۸ بنام پاته‌ژورنال ایجادکرد وتاامروزهم فیلمهای خبری واقعی‌میسازد.

نوع‌فیلم ـ تعقیب ـ نیزدر۱۹۰۵ ازانگلستان بفرانسه رسید وفیلم ده‌زن برای‌یك‌شوهر تهیه‌شد. «ولگردان‌کوچك» ازآثار دلپذیرهمانسال است‌که درصحنهٔ‌آخرآن دو ژاندارم بلندقد تنومند، سوار‌اسب هستند وپسرکی‌را زنجیر نموده‌اند و بجرم‌دزدی خـرگوشی بسوی محکمـه میکشند، مسخرکردن رسوم اجتماعی بیمعنی، درآنزمان خیلی‌مطلوب بود.

بازیگران کمیك‌آن زمـان. بازشتها ولباسهای خود، همگی‌ازنمایشهای سیرك یا موزیت

(۱) هانری لانگلوا معتقداست‌که درآغاز، فرانسویان مورد تقلید انگلیسی‌ها واقـع شدند نه بالعکس، وتا چند سال دیگر که فیلمهای قدیمی فرانسوی پیدا شود این‌موضوع ثابـت خواهد شد. بهرحال این مساله ازمسائل تـاریك تاریخ سینما است وبایدبطورکلی گفت‌که در این موضوع اکتشافات فیلمهای قدیمی‌هرروز محتویات تاریخی‌را تغییرمیدهد واصول پابرجا و تئوری ثابتی نمیتوان عرضه‌کرد وهر دوسه‌سال یکمرتبه درمتن تاریخ سینما بایدتجدیدنظرنمود ومطالب آنرا تصحیح کرد. خود سادول(منجمله درجلد دوم تاریخ جامعش) گرفتار تئوریهای سهل‌انگاری شده است.

(۲) سینما بعنوان امتعه، نگارش‌بشلین، پاریس۱۹۴۶ وبیك هفتگی شماره ۱۵،

هال بصحنهٔ فیلمبرداری میآمدند .

تیپ «بوآرو» (Boreau) ازاین نوع است. «آندره‌ژید» آفرینندهٔ بوآرو شاهکار فیلم خنده‌دار را با «چکمه‌های برزیلی» تکمیل کرد. (۱)

«ماکس‌لندر» L.inder اولین فیلم کمیك خودرا در ۱۹۰۵ بازی کرد وی نخستین بازیگر مضحك سینما بود و با حرکات وآثارش تاثیرزیادی درچارلزچاپلین نمود . شاهکار «ماکس‌لندر» بنام «ماکس وشراب کن کینا» است که درسال ۱۹۱۱ تهیه شد .

شرکت پاته پیش از ۱۹۰۷ فیلمی بنام «روزبدبختی» تهیه کرد که شاید نخستین اثری باشد که در آن دوداستان «موازی»، در آن واحد شرح داده شده است. سبك داستان باعمل موازی، در تاریخ سینما بطوریکه خواهیم دید اهمیت فراوانی را حائزاست .

دیگران

در ۱۹۰۵ بانك اعتبارصنعتی فرانسه با ایجاد کمپانی – گومـن – (Gaumont) کمك زیادی کرد واین شرکت تاحدی رقیب پاته شد.

بسال ۱۹۰۸ –ژاسه– نخستین فیلم پلیسی را بسبك سریال درچند قسمت– اقتباس ازکتاب نیك کارتر – آغاز کرد . همان رژیسور در ۱۹۱۱ با فیلم – زیگومار عظمت حزن انگیز محیط زندگی کارگران اطراف شهرهای بزرك رانشان داد . در ۱۹۱۲ «ماشن– در بازیك فیلمی راجع بزندگی دشوار کارگران و خیاطهای مغازه‌های بزرگ مد بنام خوشبختی خانمها – تهیه کرد.

رویهمرفته درهیچیك ازآثار اجتماعی آنزمان مسائـل اجتماع بطورقطعی تجزیه وتحلیل نمیشد وموسساتی که کاملا زیردست بانکها وارباباں صنایع واقع‌شده بود نمیتوانست برضد جامعهٔ اربابان خود آثاری تهیه کند، ومثلا هرزمان که یکی ازقهرمانان داستانها انسانی الکلیك بود او را اجباراً بشکل اصلی نشان نمیدادند .

درژوئیهٔ ۱۹۱۳ چند نفرانجمنی بنام سینمای ملت – برای تربیت و آموزش و تفریح وآزادی مردم تاسیس کردند و چند فیلم کوتاه نیز تهیه شد ، اما جنگ بین‌الملل اول کار آنهارا بهم‌زد و در ۱۹۱۵ ایجاد سانسوررسمی درفرانسه برابر تمایلات مترقی سینما سدی ایجاد کرد. سینما رفته‌رفته دراغلب ممالك بوجودآمد: ۱۹۰۱ دراسپانیا، ۱۹۰۳ درژاپن، ۱۹۰۴ در چین، ۱۹۰۵ درایران (۱)، ۱۹۰۶ درهلند ودانمارك، ۱۹۰۸ درچکسلواکی، لهستان، فنلاند ، و پرتقال ۱۹۱۰ درهندوستان وغیره .

از ۱۹۰۵ ببعد درایطالیا نیزشرکتهائی بوجودآمد و یکی ازاین شرکتها سه سال بعد نخستین میزانسن عظیم را که بسبك ایطالیائی معروف گردید (A'l'italienne) بافیلم «آخرین روزهای پومپئی» آغاز کرد .

بهمان شیوه فیلم کجا میروی نیز ۱۹۱۱ تهیه شد . اثر بسیار مشهور کبیریا از رژیسور پاسترونه pastrone با دکورهای بلندوسیاه ، لشگرهای بسیار ومقداری فیلم جنگی تهیه شد که دریکی ازصحنه‌ها، ازکوههای صعب‌العبور آلپ میگذشتند . دراین فیلم چندین بار دوربین روی عرابه یـا تراولینك بکار رفت. مرد تنومندی درفیلم کبیریـا بازی میکرد کـه بنام مـاسیست معروف شد وسلسله فیلمهای دیگراورا درایران نیزنمایش دادند، در ۱۹۱۴ فیلم «گمشده» درمه دارای جنبهٔ اجتماعی حقیقی بودو بسبك سینمای ایطالیائی سنوات اخیرومکتب رآلیسم کنونی نزدیك بود. ستاره‌پرستی بی‌معنی ومتمول ساختن آنان که پولهای گزافی میگرفتند وادعاهای زیادی نیز داشتند، سیستم غلط تقدیس ستارگان رابوجودآورد . این‌موضوع وخرجهای هنگفت بـرای میزانسنهای عظیم واحساسات شدید وغروربیجا بفتوحات دورهٔ باستانی (یکی ازمخاطرات بزرگی

(۱) مجلهٔ سینه کلوب ، پاریس. مارس–آوریل ۱۹۵۰

که ممکن است روزی گریبانگیر سینمای ایران هم بشود)(۱) باعث ورشکستگی اقتصادی دستگاهها درسینما آن کشور گردید وهنر نو وارد دوره سکرات شد.

در دانمارك بازیگرزنی بنام آستانیلسن مشهورشده بود وردرامهای عشقی و احساساتی که مربوط بزندگی نجبا ، وبورژوآزی بود زیرنظر رژیسوراوربان گاوبازی میکرد .

فیلمهای دانمارکی درهمین حال نمونهٔ زن‌های باوقار وشهوانی را که Vamp مینامند بوجود آورد(۲) وبوسه‌های طولانی را درصحنه‌ها معمول ساخت. پات وپاتاشون ازبازیگران کمیك مشهورند که درفیلمهای بیشماردانمارکی بازی کردند ودرایران نیزخیلی معروف شدند. نام حقیقی این دونفرمادسن وشن‌تروم است.

در روسیه نیز فیلمهائی اقتباس ازکتب ادبی ورمانها تهیه میشد وایون‌مازوخین هنرپیشهٔ مرد وناتالی لیسنکو بازیگرزن شهرت جهانی بدست آوردند .

فیلم هنر (۳)

داستانهای مبتذل وسبك فیلمهای فرانسوی بحرانی بوجود آورد. برای رفع این بحران شرکتی بنام فیلم‌هنر (Film d'art) تشکیل شد که در ۱۹۰۸ قتل دوك‌دوگیز را تهیه کرد اغلب اعضاء این مؤسسه ازنویسندگان آکادمی یا بازیگران تآترکمدی فرانسه بودند؛شرکت نامبرده باتبلیغات خودعده زیادی ازپولداران واشراف رابسوی سینما کشید .

بسال ۱۹۰۸ در این کمپانی فوياد (Fauillade) اثربسیار زیبائی بعنوان (پری دریائی) ساخت ولی بعداً به مضامین رئالیست تری پرداخت واقتباس از رمان پلیسی فانتوماس ۵ فیلم از ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۴ تهیه نمود. معروف بود که فویاد بدون سناریوی نوشته ودفترچهٔ فنی (دکوپاژ) کار میکرد و فقط از روی چند یاد داشت صحنه ها را بهم می‌پیوست . وی در فیلم ژودکس (judex) (۱۹۱۶) وخفاشان (۱۹۱۵) دکورطبیعی شهرپاریس ودورنماهای اطراف آنرا بشکل مطلوبی بکاربرد .

پیشه‌وران ودوره گردهائیکه سینما رابه‌این طرف وآن طرف برده‌بودند منافع سرشاری جمع کردند ودراین‌میان سالنهای نمایش مجللی درخیابانها بپاساختند .

پیش‌ازاینکه بشرح سینمای امریکائی بپردازیم بایدذکری از «پره» Perret بکنیم که هم‌بازیگربود و هم رژیسور و باتیپ مضحکی که بنام «لئونس» ساخت مردم‌زیادی رادرآن زمان خنداند.

آمریکا

«ادیسن» مخترع،شرکت معتبری داشت وفیلمهای بامزه‌ای مانند «عروسی‌شلوغ» میساخت که‌درآن تروکاژسریع بکارمیرفت، امارژیسورواقعی کمپانی‌او «پورتر» بود که‌در ۱۹۰۱ «زندگی آتش‌نشان آمریکائی»را تهیه‌کرد.ژرژسادول درتاریخ جامع‌خود اشتباهاً این‌رژیسور را«مخترع مونتاژ وداستان‌موازی» دانسته‌است، نگارندهٔاین سطورکپی‌اصلی‌این فیلمراکه متعلق به‌فیلم ــ

---

(۱) داستان آوردن سینما توگراف به ایران و ایجاد اولین سالن نمایش بوسیلهٔ روسی‌خان، از حوصلهٔ این تاریخچه بیرون است وباید بنوشتهٔ جداگانه‌ای که اکنون در دست تدوین است‌محول شود.

(۲) مادام «موزیدورا» ایفاکنندهٔ قهرمان مهم فیلم «وامپیر» (خفاشها) برعکس عقیده دارد که لغت «وامپ» ازعنوان فیلموی میآید.

(۳) این‌واژه نبایدبافیلم‌هنری یافیلم مربوط به‌هنراشتباه شود.

خانهٔ موزهٔ هنرهای جدید نیویورک» میباشد دیده است و با کمال جرئت میتواند بگوید که کوچکترین اثری از این ابتکار در فیلم نامبرده موجود نیست. تنها امتیازی که میتوان برای این رژیسور قائل شد اینست که در ۱۹۰۳ فیلم «دستبرد به قطار بزرك» او اولین وسترن Westren است یعنی نخستین اثر سینمائی است که در آن اشاره‌ای به ماجراهای گله داران غربی امریکا شده است و آنرا میتوان نخستین گام در راه فیلمهای بزن بزن و اسب‌سواری و جویندگان طلا و حملات سرخ پوستان بکاروانها و عرابه‌ها محسوب داشت (۱)

صنعت سینما و بهره‌برداری از آن در بازارهای مکاره و تآترها و موزیك‌هالها پیشرفت میکرد و در ۱۹۰۵ اولین سالن نمایش آمریکائی در «پیتس بورگ» افتتاح گردید. سالن های کوچکی نیز بنام «نیکل‌ادئونس» بازشد که مشتریانش از طبقات فقیر ومهاجرین بودند، سال ۱۹۰۵ در تمام اتازونی بیش از ده تا لار نمایش وجود نداشت. چهارسال بعد شماره سالنها به ده هزار رسید و در ۱۹۰۸ هم جمعیت بزرگی بنام Trust برای انحصار و گرفتن حق از تهیه کنندگان (پردوکتور) و بهره‌برداران تشکیل شد. و نیز درهمان دوره گروه زیادی از مهاجرین صاحب «نیکل ادئونس» ها شدند و مانند «فوکس» و «زوکور» zukor و برادران «وارنر» بعداً تهیه‌کنندگان معتبری شدند. (۲)

گریفیت(۳)

دراوایل ۱۹۰۸ دونفر رژیسور برای تهیه فیلم «کنت دومونت کریستو» اطراف شهر لوس آنجلس ــ درمحلی که معروف به «جنگل آس» (هولیوود) بود استودیوئی بنا کردند. تا آن موقع فیلمبرداری‌ها در نیویورك یا شیکاگو یا اطراف آن شهرها انجام میگرفت.

در یکی از فیلمهای «پورتر» نامبرده مردی بنام «دیوید وارك گریفیت» (متولد ۱۸۷۵ ــ متوفی در ۱۹۴۸) بازی میکرد، گریفیت در ۱۹۰۸ بعنوان رژیسور مشغول فیلم برداری شد «کلاه نیویورکی» (۱۹۱۲) از آثار ابتدائی اوست که در آن با لطافت بی‌نظیری رسوم خرافی شهرهای کوچك امریکا را هجو کرده است. «مری پیکفورد» و «لیونل بریمور» در این فیلم بازی میکردند درهمان سال «تفنگداران Pig alley» شاهکار کوچکی محسوب شد که نمونه‌ای از هنرنمائی گریفیت وحس انتقاد اجتماعی اوست؛ دراین فیلم زندگی وحرکات گنگسترها با نکته بینی بسیار دقیقی تجزیه شده بود. در ۱۹۱۱ فیلم «تلگرافچی لاندیل» با فن «داستانهای موازی» تهیه شد و محیط جذابی ایجاد کرد، درپایان فیلم، بشکل بامزه‌ای از آچاری بعنوان هفت تیر استفاده شده است و با آن دختر کوچکی دسته‌ای ازدزدان را تهدید میکند.

گریفیت کلیه مشخصات فنی جدید را که کسان دیگر درممالك مختلف اختراع کرده بودند مرتبا بکاربرد و بهمین جهت نام بسیار مشهور در تاریخ سینما ازخود بجا گذاشت. درفیلم «وجدان انتقام‌گیر» (۱۱۱۴) چندمنظره بسیار نزدیك از ناخن‌های متشنجی برداشته است که درجریان فیلم اثر عصبانیت را میرساند.

گریفیت علاوه براینکه عده زیادی از بازیگران زن ومرد را روی کار آورد ومشهور ساخت،

(۱) به کتاب «کیاتونه» ــ فیلم‌وسترن ــ میلان، ۱۰۳۹ و مجله ایتالیائی «چینما» ۱۵ ژوئیه و اول نوامبر ۱۹۵۰ رجوع شود.

(۲) برای داستان «زوکور» بررسالهٔ کارخانه رویا نگارش ایلیا ارنبورك (پاریس، ۱۹۳۶) رجوع شود.

(۳) D. W. Griffith. به فهرست آثار گریفیت ازسترن (لندن ــ ۱۹۴۴ ببعد) ومجلهٔ «سینه کلوب» دسامبر ۱۹۴۸ رجوع شود.

یکی از نخستین رژیسورهائی بود که مسائل احتکار در فروش گندم(۱) وعقاید خرافی مردم و دزدیهای اجتماعی را باکمال زبردستی پیش کشید وانتقاد کرد.

قبل از گریفیت بجز «پورتر» و «بلاکتن» (که برای یك کمپانی رقیب بنام «ویتاگراف» کار میکرد) از کس دیگری درامریکا نمیتوان نامبرد. گریفیت تا سال ۱۹۱۲ نزدیك به چهارصد فیلم تهیه کرده بود وتا آخر عمرش منظره بردار او «بیلی بیتزر» بود.

در ۱۹۱۵ گریفیت دست بایجاد یکی ازمهمترین فیلمهای تاریخ سینما یعنی فیلم «منشاء یك ملت» (۲) زد. دراین اثر که مربوط به جنگ داخلی امریکا بین ایالات شمالی وجنوبی برسر مسألهٔ بردگی بود مهارت فنی عجیبی بکار رفته بود؛ قطعه که مربوط به نبرد «آتلانتا» بود یکنوع تابلو جنگی بشمار میرفت که ازمناظر دور و نزدیك تشکیل میشد. قسمت برجستهٔ دیگر این فیلم، تکه قتل دختر کی سفیدپوست بدست یك سیاه‌پوست ونجات وی درآخرین دقیقه توسط سواران «کو-کلوکس کلان» است. با تمام مهارت، گریفیت درانتخاب داستان خود اشتباه کرد ومردی که درواقع آدم ترقی‌خواه ومنصفی بود درفیلم خود به سیاه‌پوستان متعصبانه حمله ورشد وازدسته‌های مخالف آنها دفاع کرد. این جنبهٔ نژادی نفرت‌انگیز فیلم، باعث دعوا وجنجال زیادی در امریکا شد. اما این اثرسینمائی رویهم‌رفته بزرگ بود ودوساعت ونیم طول میکشید وبیش ازصد هزاردلار برایش خرج شده بود واستقبال مردم باعث گردید که بیش ازبیست میلیون دلار هم دخل کند. بنظر می‌آید که تا آنروز این رقم مهمترین نفعی باشد که ازفیلمی بدست آمده است. «سادل» روزاول نمایش «منشاء یك ملت» را روزپادشاهی جهانی هولیوود برای چندین سال میداند.

گریفیت مردی مترقی وبشردوست وایده‌آلیست بود. ازجاروجنجال درباره فیلم خود بسیار متاثرشد وتصمیم گرفت که اثراجتماعی‌تری بسازد. درنتیجهٔ دیدن «کبیریا» فیلم ایتالیائی، وبجهت تمایل شخصی خودش برای تجملات صحنه‌ای ومیزانسنهای بزرگ، گریفیت در ۱۹۱۶ مشغول تهیهٔ «ناشکیبائی» Intolerance یا «مبارزه عشق دردوران مختلف» گردید. بازبیش ازسه میلیون دلارخرج شد وفیلمی بوجود آمد که درآن چهار داستان مختلف باهم مخلوط بود. یکی شرح تسخیر بابل بتوسط کورش هخامنشی، دیگری مرگ حضرت مسیح دربیت المقدس – سومی قتل عام پرتستانهای فرانسوی درشب «سن بارتلمی» درقرن شانزدهم وبالاخره داستان جنائی مربوط به بی تقصیری کارگری درامریکای امروزه. فن مونتاژ وپشت سرهم انداختن تصاویر که مربوط به ادوارمختلف تاریخ بود دراین فیلم بحداعلی رسیده بود.

شاهکارعجیبی بوجود آمده بود که طول دکورهای مربوط بصحنهٔ شهر بابل در دوره باستان به یك کیلومتر و نیم میرسید و تامدتها بزرگترین ساختمان دکور سینمائی جهان محسوب میشود، نمایش این فیلم زنده وپرهیجان در شوروی، در رژیسورهای جوان آن کشور نفوذ مستقیم وفنی نمود.

سینما واختراع آن نتیجهٔ تجربیات لابراتوارهای مختلف است. کسانی درراه علم وتجزیهٔ حرکت حیوانات گام میزدند وعده‌ای برای تفریح مردم و کودکان بازیچه میساختند. درطی قرن نوزدهم وقتی اکتشافات مربوط بحرکات جانوران باترقیات فن عکاسی وساختن بازیچه‌ها توام شد، دستگاه سینما بمعنی حقیقی بوجود آمد.

---

(۱) داستان فیلم «غله فروش» (۱۹۰۹) چنین است، تاجری که محتکر است بالاخره دریکی ازانبارهای میان دانه‌های غله می‌افتد وزیرامتعه خودخفه می‌شود، «دریر» رژیسور دانمارکی عاقبت این داستان را درفیلم «خفاش» (۱۹۳۱) تلقید کرده است.

(۲) The Birth of a nation

مجموعه واژه‌های سینمائی متداول

فرارداد ــ فر ــ اصطلاح فرانسه، انگ ــ اصطلاح انگلیسی کلماتی که این علامت‌ها جلو آنها نیست مربوط به هر دو زبان است .

ابژکتیف Objectif فر . ــ ObJect - glass یا Lena انگ.
عدسی یا ذره‌بین دوربین فیلمبرداری که دارای انواع گوناگون است .

آرتیست Artiste فر . ــ Artist انگ.
درلغت بمعنی هنرمند و کسی است که دررشته‌ای ازهنرهای عالی یا مستظرفه مهارت دارد ، بطور کلی به نقاش و درجهان سینما به بازیگر اطلاق میشود.

استودیو Stodio .
محل و کارگاه تهیه فیلم که صحنه‌های داخلی آنرا در دکورهائی که درآنجا بسته شده فیلمبرداری میکنند و بعلاوه مجهز بوسایل لازمه برای تهیه و عرضه فیلم است

آکتریس Actrice فر . ــ یا آکتری Actress انگ.
هنرپیشه زن .

آکتور Acteor فر ــ Actor انگ.
هنرپیشه مرد .

آکسیون ـ Action
درلغت بمعنی عمل است و در سینما به اعمال، جنبش‌ها و اتفاقاتی که غالباً پدیدآورنده حوادث است اطلاق می گردد .

اکسپرسیونیسم Expressionisme فر . ــ (انگ: Ism) (۱)

---

۱ ــ ازآثار مهم اکسپرسیونیست آلمان «اطاق دکتر گالیکاری» محصول ۱۹۱۹ توسط روبرت وین و نیبلونگن محصول ۱۹۲۳ توسط فریتز لانگ مشهور قابل ذکر است .

اثر اولی یک فیلم ترسناک و گیج کننده بشمار میرفت که در آن با نهایت استادی محیط کابوس مانندی ایجاد شده بود و راه تازه‌ئی به مبتدیان نشان داد و فیلمهائی چون اطاق شکلک‌های مومی ود کترما بوز درتقلید ازآن ساخته شد .

نیبلونگن یک داستان قهرمانی دارای روحیه خاص ژرمنی بحساب آمد . از دیگر محصولات مهم اکسپرسیونیست آلمان دراین زمان خفاش بود که در ۱۹۱۱ توسط فردریک ویلهم مورنو تهیه‌شد. این سبک مخصوص سینمای آلمان بلافاصله درکشورهای دیگر نیز تأثیر کرد بطوری که مارسل لربیه کارگردان معروف فرانسوی در ۱۹۱۴ ضد انسانیت را تهیه که در آن با پختگی خاصی محیط خرد کننده‌ئی بوجود آورده بود .

درحال حاضر اکسپرسیونیسم جرح و تعدیل یافته توسط بسیاری ازکارگردانان مورد استفاده قرارمیگیرد. ایزن‌اشتاین کارگردان بزرگ روسی که در ۱۹۴۸ فوت کرد ازاین سبک، نورسایه روشن ، درفیلمی بنام ایوان مخوف محصول ۱۹۴۴ استفاده کرد .

درانگلستان فیلمهای یتیم (الیورتویست) ، پنجه عدالت ، بی‌بی پیک وغیره را درپیروی ازاین سبک جدید اکسپرسیونیسم ساخته‌اند.

هیچکاک ، مخصوصاً بکمک زاویه دیدهای غیرطبیعی و بکاربردن و وارد کردن زیاد اشیاء

سبك مخصوص‌نور و تزئینات صحنه‌که برای اولین‌بار درآلمان بوجودآمد وآن‌عبارت بود ازنمایش دکورهای عجیب‌وغریب پرآرایش ومصنوعی‌که طبیعة برای فیلمهای ترسناك بکار میرفت. این‌سبك رامیتوان بطورکلی « حالت‌گویای وقایع » تعریف‌کرد.

بعدازآلمانها بعضی‌ازمتوراسن‌های‌کشورهای دیگرنیز باجرح وتعدیلی از این مکتب پیروی میکنند. اکسپرسیونیسم درنقاشی‌نیزوجود دارد.

انتریك Intrique

هیجان فیلم‌یاعاملی‌که درتماشاچی‌ایجاد هیجان مینماید واز نکات مهم فیلم‌است. آنچه که انتریك قوی بوجود می آورد موضوع فیلم نبوده بلکه دکوپاژ، میزانسن و مونتاژ آن است.

ایده Idée فر. — Idea انگ.

فکری‌که بوسیله فیلم القاء میشود — هر منتقدی باید باین نکته ازهرفیلم توجه عمیق مبذول دارد.

پردوکتور Producteur فر. — Producer انگ.

حاصل دهنده یا تهیه‌کننده که هزینه تهیه فیلم را او می‌پردازد ولی چنانچه بموفقیت محصول خویش علاقمند است واطلاعی نیزازامور فنی و هنری سینما ندارد نباید در امور آن دخالت کند.

پرسوناژ Pérsonnage فر. — Personage انگ.

یك‌فرد یاشخصیت درسناریو وبطریق اولی‌درفیلم. هرهنرپیشه درفیلم درنقش‌یك‌پرسوناژ یا درموارد استثنائی درنقش‌دویاچند پرسوناژظاهر میشود.

پزیتیف Positif فر. -

نسخه مثبت نوارفیلمبرداری شده

پلاتو Plateau

محل‌فیلمبرداری‌که دراستودیوقرار دارد ودکورها درآنجا بسته‌شده وفیلمبرداری‌میگردد یك استودیو ممکن است‌دارای چندین پلاتوباشد.

پلان Plan فر. — Shot انگ.

یك‌صحنه ساکن‌یا متحرك‌که بدون انقطاع فیلمبرداری شده‌باشد.

تراژدی Tragèdie فر. — Tragedy انگ.

چه درسینما وچه درتآتر بنمایشات تاثرآور و رقت‌انگیز‌که حوادث فجیع را می‌نمایاند اطلاق‌میگردد. نمایشات تراژیك غالبا با مرگ‌قهرمان داستان‌پایان می‌پذیرد. تراژدی‌را بفارسی شایدبتوان فاجعه ترجمه‌کرد.

تراولینك Travelling انگ.

(دراملای امریکائی بایك I نوشته میشود) حرکت دوربین‌یا آکتور درجهات مختلف.

تروکاژ Troucage فر.

درکادرهای فیلمبرداری (بایددانست‌که او درمیزانسن‌فیلمهایش‌بشئی همانقدر اهمیت میدهد‌که بهنرپیشه) ازاین‌سبك برای‌تشدید هیجان درتماشاچیان فیلمهایش استفاده‌میکند اماکاروی از نفوذ امپرسیونیسم نیزعادی‌نیست - درآمریکا گاه‌وبیگاه سایه روشن مورداستفاده‌قرارمیگیرد درایتالیا نوررابرای تشدیدزیبائی ازنظراستتیك (علم‌الجمال) بکاربرده‌اندآنها در ایجاد یك‌محیط مملو اززیبائی لطیف‌ازطریق روشنائی‌صحنه‌ها دربسیاری ازمحصولاتشان‌آنقدر میکوشندکه شخص‌درانتساب این‌سبك به‌اکسپرسیونیسم کاملاشکاك ومترودمیشود.

حقه‌های سینمائی پانیرنگهائی که دریك فیلم‌دیده میشود وبرای دومنظوربکار میرود ، یکی‌نشان دادن جریاناتی که احتمالا درواقع اتفاق‌افتاده یا امکان وقوع آن‌هست لیکن‌نمایش آن با تکنیك معمولی محال‌است مانندآتش‌سوزی درابنیه‌های عظیم یاخرابشدن‌آنها وغیره ، دیگری نشان دادن یك‌اتفاق‌محال‌که تنهاپدیده تخیل‌است مانند مردنامرئی وامثال آن .

تکنیك Technique فر. – (انگ. nic–)

فن، اصول‌فنی وروش‌کار– مقصوداز تکنیك یك‌فیلم قواعدفنی ونکات ودقایقـی است‌که درتهیه‌آن مراعات گردیده .

تکنی‌کالر Technicolor

ازنظرهنری . عبارتست از طریقی که هنرمند برای بهتر نشان دادن ادراك خـویش انتخاب میکند .

طریقه متداول برای فیلمبرداری رنگی‌ازمحصولات هالیوود– این طریقه ازنظرتجارتی فقط برای‌فیلمهائی‌که بخواهند ازآن نسخ‌متعدد چاپ‌کنند قابل‌استفاده است . طریق مهم دیگر عبارتند از:ایستمان‌کالر– سوو کولور– آ گفا کولور–فرانیا کولوروغیره که درمحصولات کشورهای مختلف مورد استفاده قرارمیگیرد.

درام Drame فر. – Drama انگ.

درتآتروسینما عبارت ازنمایشی‌است‌که از زندگی‌عادی برداشته شده ومثل زندگی‌عادی ممکن است‌درآن هم‌خنده وهم‌شادی وجود داشته باشد. درام‌بهترین نوع داستان برای فیلمهای سینما است.

دکوپاژ Découpage فر. – Continuity انگ.

تعیین دقیق‌پلانها ومشخصات‌آنها ازقبیل‌فاصله باموضوع. انتخاب کادر و زاویه رویت و نوع‌ذره‌بین‌دوربین فیلمبرداری تعیین هرسکانس وحرکات دوربین و تغییرمکان هنرپیشه‌وغیره درمقابل سناریو ودیالوگ‌آن – دکوپاژ رامیتوان باختصارتنظیم وترتیب‌دادن سناریـو برای فیلمبرداری تعریف‌کرد .

دکور Dêcor فر. – Set انگ .

معماریها – نقاشیها و ترتیب جای گرفتن اثاثیه ها و بطور خلاصه تمام تزئینـات در یك صحنه .

دکوراتور Dècorateur فر. –

طرح‌تزئینات صحنه‌ها که‌احتمالاخود نیز ترتیب‌آن تزئینات را درپلاتو میدهد.

دکومانتر Documentaire فر. – Documentary انگ .

فیلمهای حقیقی یامستندکه ازروی طبیعت یاپدیده‌ها و عوامل طبیعی تهـیه میشود و از بهترین‌نوع محصولات سینمائی‌است وارزش فراوان دارد.(۱)

دوبلاژ Doublage فر. – Dubbing انگ.

تبدیل‌وبرگرداندن گفتگوهای فیلم ازیك زبان (غالباًزبان اصلی) بیـك‌زبان دیگرکه چنانچه خوب‌انجام پذیرد بخود فیلم‌وارزش‌آن لطمه‌ای‌نزند اقدام‌بجائی‌است.

(۱) هروقت صحبت ازسینمای مستندشود باید ازروبرت فلاهرتی پدراین‌رشته‌سینمائی نیزیاد گردد .

وی‌که در ۱۹۵۱ فوت کرد بادوربین‌فیلمبرداریش ثابت کرد‌که سینما می‌تواندد‌ریچه‌ای برای‌نمایش ناشناخته‌های زندگی‌بمردم باشد.

از آثار او فانوك شمال در ۱۹۱۱ و مردی از آران در ۱۹۳۱ بعنوان نمونه ذکـر میشود .

دیالوگ Dialogue
گفتگوهای فیلم.

سکانس Sequence
مجموعه پلانهای مختلف که برحسب نوعشان ممکن است بازاویه‌دیدها، فواصل‌وعدسی‌های مختلف برداشته شده‌باشدولی‌مربوط‌بیک‌آکسیون واحدوپیوسته است.

ساریست Scènariste فر. - Scenarist انگ.
نویسنده سناریوی فیلم - در این معنی باصطلاح امریکائی Screenplay Writer نیز میگویند.

سناریو Scènario، Screenplay انگ.
نمایشنامه‌ای که ازروی‌آن‌کارگردان فیلم‌راتهیه میکند وشامل آکسیونها، اعمال،حالات و گفتارهای پرسوناژها و وضع‌مکانی‌آنها وغیره‌است که مجموعاًسوژه فیلم‌راتشکیل‌میدهد. باید دانست که کلمه سناریواصلا ایطالیائی است.

سوررئالیسم Surrèalisme فر. - Surrealism انگ.
یك مکتب‌ادبی وهنری که بیان‌یادلالت برضمیرنیمه‌هشیار (۳)میکند بدون‌اینکه‌بطرحها وقواعد معموله وروزمره توجه‌داشته‌باشد وبعلاوه حاصل‌تخیلات واندیشه‌های‌بشری راکه احتمالا میتواند غیرتعقلی باشد عرضه میدارد.

سینماتوگرافی Cinèmatographie فر.
کلیه امورصنعتی،فنی، هنری وتجارتی مربوط بسینما.

سینه‌کلوب Cinè Club فر.
کانون سینمائی‌که درآن دوستداران سینمامیتوانند محصولات‌گرانبها و غیر تجارتی دید سینمائی راعرضه و در باره آن ببحث و انتقاد پردازند و نیز فرهنگ سینمائی خود را بالا برند.

فستیوال‌سینمائی Festival
نمایشگاه یاجشن بین‌المللی سینمائی که درآن‌برجسته‌ترین محصولات سال کشور های مختلف (که ازطرف خودآن‌کشورها ارسال‌گردیده) بمعرض‌نمایش گذارده شده وباانتخاب یك هیئت ژوری‌که ازمتخصصین فیلم وخبرنگان‌امورسینمائی تشکیل‌شده جوائزی درقسمتهای‌مختلف تکنیکی‌به‌بهترین‌آنها داده میشود.(۵)

فون Fond (بتلفظ انگلیسی: فوند)
بمعنی متن‌است. چنانچه موزیك‌فون‌گفته شودمنظور موزیکی است‌که‌برای تولیداحساس وانتریك وبرای بیان‌درصحنه‌ها انجام میشود، اگردرمورد یك کادر فیلم باین کلمه اشاره شود منظورزمینه تصویروبعبارت دیگرسطوح جدا ازموضوع درروی تصویراست.

فیلم (متحرك) Motion - Picture Film یا Moving Picture انگ.
رشته نوار نرمی‌که ازسلولوئید و چند ماده دیگرساخته شده و شامل یك سری عکس پشت سرهم میباشدکه توسط عدسی یك kinetoscope (۶) که برنقطه کانونی دلخواهی در

۳- Subconscious
۴- ازآثار سینمای سوررئالیست بعنوان نمونه اورفه اثرژان کوکتوی فرانسوی محصول ۱۹۵۰ و سگ‌آندالو و عصرطلائی اثرلوئی‌برنوئل اسپانیولی قابل ذکراست.
۵- مانندفستیوال سینمائی‌کان و ونیز در درجه اول وفستیوال برلین وغیره دردرجه‌بعد
۶- دستگاه نمایش تصاویرمتحرك

جلوی نور الکتریکی میزان شده بروی پرده نقل و دریک توالی سریع بسرعت رد میشوند.
توضیح: تعریف بالاتنها ازجنبه مکانیکی صحیح است.

فیلمبردار Operateur فر. — Cameraman انگ.
فیلمبردارصحنه‌ها که زیرنظر کارگردان وازروی مشخصات دقیقی که درباره هرپلان باو داده شده کارخود را انجام میدهد.

کاراکتر Caractère فر. — Composer انگ.
یک رل درداستان که واجد نهاد وشخصیت خاصی است.

کمپوزیتور Compositeur فر. — Composer انگ.
سازنده آهنگها.

کمدی Comèdie فر. — Comedy انگ.
بیان دراماتیک نکات مضحک وخنده‌آورزندگی انسانی درسینما وتآتر بهمین نحو. ازدی را نیزمیتوانستیم بیان حادثه یاحوادثی که درآن زندگی انسانی باتندی جنایت آمیزیا با یک بلای ناگهانی فنا میگردد تعریف کنیم.

کولاژ Coulage فر.
بترتیب چسبانیدن نوار های فیلمبرداری شده بدون رعایت اصول روائی و تنها از روی شماره‌های پلانهاوسکانسها — این عمل در کشورهای خارجه در روی نسخه کار Roughcut صورت میگیرد وبهیچوجه دقت درآن بکارنرفته ونباید بامونتاژ اشتباه شود.

گریم Grime
آرایش صورت بازیگران بنحویکه کاملا با تیپ پرسوناژمورد نظردرآیند. بجای این کلمه ندرة Maquilage فر. نیز بکاربرده میشود.

مونتاژ Edit - Montagè یا Editting انگ.
مرتبط ساختن قطعات فیلمبرداری شده مطابق سناریووبا مراعات دقیق دکوپاژ و رعایت مداوم — مونتاژرا میتوان «میزانسن روی نوار» نامید.

میزانسن Mise en acéne فر. — Direction انگ.
بمعنی کارگردانی است، یعنی مجموعه اعمال انتخاب مأمورین فنی وهنرپیشگان، تدوین دکوپاژ، تنظیم صحنه‌ها ورهبری بازیگران وبطور کلی اجراء یا نظارت بر کلیه امور فنی وهنری مربوط به تهیه فیلم.

متورآنسن Metteur èn scéne فر. — Director انگ.
کارگردان یا بوجودآورنده فیلم. کسی که میزانسن بعهده اوست.

نئورئالیسم Neorealism.
مکتب سینمائی شایسته‌ای که پس ازجنگ درایتالیا براساس نوحقیقت بنیادنهاده شد واز آن پس مبنای غالب آثارنئورئالیسم ایتالیا برپایه فقر که مهمترین مسئله مطروحه پس ازجنگ در این کشور بودقرار گرفت (۱).

۱ــ اهمیت نئورئالیسم ایطالیا، که گوئی متأسفانه پیشرفتش متوقف گردیده یا گرفتار نوعی تحول شده، خیلی بیشتر ازآنست که دراین مختصر بآن اشاره شود.
برای نمونه ازآثارمهم نئورئالیست ایتالیانام می بریم:
پایزا، شوشا، رم شهر بیدفاع، دوشاهی امید، دزد دوچرخه، شکاردرد آلود، معجزه درمیلان وغیره — ازهنرمندان وپیشروان این مکتب بایدویتوریو دوسیکا، لوکینوویسکونتی روبرتوروسیلینی سزارزاواتینی — رناتو کاستلان — جیوسپ دوسانتیس را نام برد.

نگاتیف Negatif فر.
نسخه منفی نوار فیلمبرداری شده

وریسم Vérisme عبارتست از پایبندبودن و نمومستقیم حقایق که میتوان آنرا با رئالیسم مترادف دانست با این تفاوت که درووریسم هنرمندالزام بیشتری به‌پیروزی از حقیقت صرف دارد . فیلمهای دکومانتررا میتوان ازجمله آثار وریست دانست .

کارگردان و تهیه کنندگان بزرگ سینما

هیچکاک ـ آلفرد

کارگردان انگلیسی ـ متولدسال ۱۸۹۹ فارغ التحصیل رشته مهندسی،
فیلمهائی که او کارگردانی کرده است عبارتنداز: باجسبیل، زن دهاتی، سی و نه پله، مردیکه زیاد میدانست، خرابکارجوان . بیگناه ، زنی که غیب‌میشود، مهمانخانه جامائیکا، ربکا، سوء ظن، بیگانه‌ای در ترن، اعتراف ، پنجره‌روبحیاط، مرد عوضی ، سرگیجه ، شمال از طریق شمال غربی و روح .

هیچکاک نمایشاتی نیزدرتلویزیون اجرا کرده است .

بیشتر فیلمهای هیچکاک در آمریکا تهیه شده است و در آنهـا بیننده تا آخر فیلم دستخوش اضطراب و دودلی است و اغلب مطلقا نمیتوان سرانجام داستان فیلم راحدس‌زد .

هوستون ـ جان

نویسنده سینمائی و کارگردان آمریکائی ـ متولد ۱۹۰۶ در سال ۱۹۳۸ با عنـوان نویسنده ، وارد کمپانی بـرادران وارنـر گشت فیلمهـای « این زندگی » و « قـوش » را کارگردانی نمود .

ازفیلمهای اومیتوان «نشان سرخ‌دلیری» «ریشه‌های آسمان» « نابخشوده» و «مابی‌دیک» را نام برد.

ویدور ـ کینگ

کارگردان معروف‌فیلمهای‌آمریکائی‌ـ متولدسال۱۸۹۵فارغ‌التحصیل‌دانشکده‌گالادستون وآکادمی‌نظامی‌پی‌کاک سال آنتونیو وتگزاس .

ازفیلمهائیکه کارگردانی‌کرده میتوان فیلمهای،
نمایش بزرگ، جمعیت ، دوئل در آفتاب ، جنگ وصلح، سلیمان و ملکه سبا ، وداع با اسلحه را نام‌برد .

میلر ـ آرتور

نمایشنامه نویس آمریکائی ـ متولد ۱۹۱۵ ، فارغ‌التحصیل دانشگاه میشیگان درسال ۱۹۳۶ ـ ۱۹۳۷ جایزه هاپ و در اپرا بهترین نمایشنامه و جایـزه دانشگاه میشیگـان را دریافت کرد .

درسال ۱۹۳۸ جایزه تاترملی به‌وی تعلق‌گرفت .

درسال ۱۹۴۷ به اخذجایزه نقادان نیویورک نایل‌شد ودرسال۱۹۴۹ جایزه پولیتزر در درام بوی تعلق‌گرفت .

در سال ۱۹۵۳ موفق باخذ جایزه آنتوانت‌پری و درسال ۱۹۵۹ نشان طلا درهنر و ادبیات گردید .

ازآثار وی میتوان مردی که کاملا خوشبخت‌بود (۱۹۴۳) حالت طبیعی(۱۹۴۴)کانون (۱۹۴۵) تمام پسرانم(۱۹۴۷) مرگ‌یك‌پیشه‌ور(۱۹۴۹) منظره‌ای ازپل(۱۹۵۵) خاطره‌ای‌از دو دوشنبه (۱۹۵۵) ومجموعه نمایشنامه (۱۹۵۸) رانام برد .

آرتورمیلر درسال ۱۹۵۸ بامارلین‌مونرو هنرپیشه فقیدآمریکائی ازدواج کرد امااین ازدواج بجدائی انجامید .

کارو ین-ساموئل

تهیه کننده آمریکائی، متولد سال۱۸۸۲ درلهستان. درسال۱۹۱۳کمپانی (جس لاسکی فیچرپلی) را تاسیس‌نمود ودرسال ۱۹۱۶ کمپانی مترو گلدوین مایر را تشکیل داد . از سال ۱۹۲۳ بعنوان یك تهیه‌کننده ارزنده معروف گشت و ریاست کمپانی گلدوین را در دست گرفت.

کلر- رنه

تهیه کننده ونویسنده سینمائی فرانسه- وی‌اولین فعالیت خود را با روزنامه نگاری و نویسندگی آغاز نمود. بعد در ردیف تهیه کنندگان سینمائی‌درآمد. درکشورهای‌فرانسه،انگلستان و آمریکا بکارمشغول گشت. وی عضوآکادمی فرانسه است وبه اخذ نشان لژیون دو نورنایل آمده است .

ازفیلمهای اومیتوان: کلاه حصیری، ژولیت، روح‌بمغرب می‌رود، با ساحره‌ای ازدواج نمودم، فردا اتفاق افتاد رانام‌برد .

وی تالیفاتی‌هم دارد که «انعکاسات درسینما» ازآنجمله است .

کو بریك - استانلی

سناریو نویس و کارگردان امریکـائی ، متولد ۱۹۲۸ فارغ التحصیل سیتی کالج نیویورك .

ازسال ۱۹۴۶ تا۱۹۵۰عکاس مجله«لوك» بوده ودرسال ۱۹۵۱ فیلمهای مستندآر.ك.ا راکارگردانی‌کرده است .

درسال ۱۹۵۲ و۱۹۵۴فیلمهای ترس‌وهوس وبوسه‌قاتل رابرای‌کمپانی یونایتدآرتیست کارگردانی کرده و در سال ۱۹۵۶ سناریو جنایت را نوشت و کارگردانی‌آنرا نیز خود بر عهده گرفت .

راه افتخار واسپارتاکوس، ازآخرین فیلمهائیست که او کارگردانی نموده است . کوبریك برای فیلم «راه افتخار» جوایرمتعددی دریافت داشته است .

کازان - الیا

کارگردان تاتر و سینمای آمریکا. متولدسال ۱۹۰۹ فارغ‌التحصیل کالـج ویلیامز و مدرسه دراماتیك یال.

ازسال ۱۹۳۵ الی ۱۹۴۱ نمایشنامه‌های «پسرك طلائی ، مردم‌آرام لیلان . آوازشبانه را نمایش‌داده است ونمایشنامه‌های مینای دندان، هاریت،جکوبسکی، سرهنك، اتوبوسی‌بنام‌هوس مرك پیشه‌ور ، جای و محبت . گربه روی شیروانی داغ و تاریکی بالای پیکان را کارگردانی

کرده است.
از فیلمهائی که او کارگردانی کرده است میتوان، قرارداد، وحشت درخیابانها، اتوبوسی بنام هوس، دربارانداز، شرق بهشت، بیبی دال، چهره ای در جمعیت و شورش بی‌دلیل و آمریکا، آمریکارا نام برد.

فوزه - جان

کارگردان آمریکائی. متولد سال ۱۸۹۵ اوفیلمهای زیادی را درکمپانیهای یونیورسال فوکس. متروگلدوین‌مایر ویونایتدآرتیست کارگردانی کرده است.
ازفیلمهای اومیتوان، فراری، مردآرام، موگامبو وسوارکاران رانام برد.

سلزنیک - دیوید

تهیه‌کننده آمریکائی - متولد سال ۱۹۰۲ فارغ‌التحصیل مدارس عمومی نیویورك و موسسه هامیلتون ودانشگاه کلمبیا.
وی در تمام فنهای‌مختلف صنعت فیلم برداری کار کرده و تجربیات ذیقیمتی اندوخته است.
درسال ۱۹۶۲ باکمپانی متروگلدوین‌مایر همکاری خودراآغازنمود.
ازسال ۱۹۲۷ الی ۱۹۳۱ برای‌کمپانی پارامونت کار کرد در سال ۱۹۴۰ شرکت اینترناشیونال‌پیکچرز راتشکیل‌داد. ازفیلمهای اومیتوان، دوئل‌درآفتاب، اززمانی‌که بسفر رفتی، پرنده بهشت، سمفونی‌شش‌میلیون، کینگ‌کنگ، پروازشبانه، زن‌رقاص، تام‌ساویر، بربادرفته، ربکا، وداع‌با اسلحه رانام برد.

رید - سرکارول

تهیه‌کننده وکارگردان انگلیسی - متولد سال ۱۹۰۶ فارغ‌التحصیل مدارس کینگ و کانتر بوری.
درسال ۱۹۲۴ برای اولین‌بار درتئاتر امپایرلندن بروی صحنه‌آمد. ازسال ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۷ درنقشهای‌کوچکی ظاهر گشت. درسال ۱۹۲۷ به ادگاروالیس بعنوان هنرپیشه و تهیه کننده پیوست ودرسال ۱۹۳۰ تاتررا ترك‌کرد وبه‌کارهائی سینمائی پرداخت. ازآنزمان ببعد فیلمهای زیر راکارگردانی‌کرده است.
تعطیلی‌بانك، رفیقه شماکیست، صحبت ازشیطان، دختری بایدزندگی‌کند، ستارگان به پائین‌مینگرند، قطار شبانه به مونیخ، نامه‌ای ازوطن، مردسوم، بزغاله دوبوبی، کلید ومردما درهاوانا، وی درجنگ دوم‌جهانی درارتش خدمت میکرده است.

زانوك - داریل

تهیه‌کننده فیلمهای‌آمریکائی- متولد سال ۱۹۰۲. درگذشته باکمپانی برادران وارنر کارمیکرده وسمت‌نویسنده وتهیه کننده وسرپرست‌را دراین موسسه‌داشت‌بعدخود مستقلا کمپانی داریل زانوك‌را بنانهاد.
ازفیلمهائی‌که وی ساخته میتوان، ویلون، چقدروادی من‌سرسبز بود، این‌یکی بالای‌همه خوشه‌های خشم، لبه تیغ، گودال‌مار، برفهای‌کلیمانجاور، مردخاکستری پوش، جزیره‌ای در خورشید، خورشید همچنان میدرخشد و ریشه‌های بهشت رانام برد.

روسینی - روبرتو

کارگردان فیلمهای ایتالیائی - متولد سال ۱۹۰۶ ازجمله فیلمهائی که در تهیه و کارگردانی آن دخالت داشته میتوان ژاندارك را نام برد.

وی تابحال چندین فیلم مختلف ایتالیائی را به تنهایی کارگردانی نموده است.

درسال ۱۹۵۹ موفق باخذ جائزه شیر طلائی سنت مارك و نیز گردید.

دلارینتس - دینو

تهیه کننده ایتالیائی - متولد سال ۱۹۱۹. درسال ۱۹۴۳ عنوان تهیه کننده ومسئول «لوکس فیلم» را داشت ودرسال ۱۹۲۸ استودیوی سافیروتئاتر دلافارنزیا را تاسیس نمود. فیلمهای متعددی تهیه نموده که اکثر آنها جوایزی بدست آورده است. ازجمله فیلم «جاده» است که جایزه اسکار را برده و «طوفان» که جایزه روبان نقره‌ای را دریافت نمود وبالاخره «اروپای ۵۹» که جایزه شیرنقره‌ای ونیز را ربوده است.

داس - ژول

کارگردان فرانسوی که درسال ۱۹۱۱ درآمریکا متولد شده است او فارغ التحصیل دانشکده «موریس» میباشد.

درسال ۱۹۳۶ وارد مدرسه دراماتیك اروپا شد. درسال ۱۹۴۰ به خدمت آلفرد هیچکاك کارگردان معروف درآمد. درآمریکا فیلمهائی راخود کارگردانی کرده‌است.

از فیلمهای او میتوان: دیوهای آزادی، شهر بی‌نقاب ودزدان شب را نام برد.

ازسال ۱۹۶۴ درفرانسه اقامت گزیده است ودراین کشور فیلمهائی ازقبیل ریفی‌فی وقانون را کارگردانی کرده است وباخذ جایزه کارگردان وهمچنین جایزه فستیوال کان را برای فیلم «ریفی‌فی» نایل آمده است (۱۹۵۵).

جوائز سینمائی اسکار

تهیه و تنظیم از: ساسان کمالی

۴۱ سال پیش یعنی سال ۱۹۲۷ درشهر هولیوود بمنظور کمك به موسسات فرهنگی وعلمی که بکار سینما اشتغال داشتند سازمانی تشکیل گردید که آنرا (آکادمی علوم وهنر سینمائی) نام نهادند این آکادمی که اعضاء آن همیشه برجسته ترین کارگردانان، هنرپیشگان ومتخصصین علوم سینمائی است ازبدو تاسیس بخاطر ترویج وپیشرفت این صنعت جوائزی درنظر گرفت که هرساله طی مراسم خاصی درآغاز بهار به برندگان آن اهدا میشود، اهمیت معنوی این جوائز چنان افزایش یافته که اکنون نام اسکار وجوائز آن درسراسر جهان شهرت یافته وسرچشمه اصلی آن یعنی آکادمی را نیز تحت الشعاع قرار داده است.

آکادمی نیز شهرت خودرا مدیون جایزه اسکار میداند ولی نادیده نباید گرفت که انتخاب صحیح وخالی ازغرض برندگان عامل اصلی شهرت واهمیت آن می باشد.



هر ساله ۲۶ مجسمه طلا بعنوان جایزه به بهترین فیلم، هنرپیشه کارگردان، فیلمبرداری، داستان صدابرداری، موسیقی وغیره داده میشود. انتخاب برندگان بدین ترتیب صورت میگیرد که ابتدا فیلمهای بیشماری که قبلا نامزد شده است برای شرکت در مسابقه و دریافت جایزه به آکادمی ارسال میشود و بشاخه‌های مختلف آکادمی تقدیم میگردد. شاخه‌های مزبور هرکدام پس از بررسی کامل، لیست کاندیداهای مورد نظر خود را به هیئت داوران ارائه میدهند داوران نیز روزهای معینی بخاطر ایجاد شرایط یکسان فیلمهای انتخاب شده را یکی پس از دیگری در سالن مخصوص بدقت تماشا می کنند و سپس رأی نهائی و اسامی برندگان سال را در یك محیط مملو از بی‌صبری و هیجان اعلام میدارند.

آنچه برندگان ظاهرا دریافت میدارند یك مجسمه طلای کوچك است ولی آنچه عملا بدست میآورند شهرت فراوان و نام جاویدانیست که در تاریخ سینما از خود بیادگار میگذارند. بعلاوه همین شهرت باعث میشود که برندگان در قراردادهای بعدی خود استفاده‌های مادی شایانی ببرند و بنام برندگان اسکار مورد احترام و توجه خاص قرار گیرند.

لغت اسکار که تلفظ امریکائی آن اسکار میباشد از بدو پیدایش معنی خاصی نداشته وفقط یك اسم خاص مذکر میباشد و کسی از علت اصلی نامیدن جوائز آکادمی بدین نام آگاه نیست ولی گفته میشود اولین بار یکی از کارمندان آکادمی پس از دیدن یکی از مجسمه‌ها اظهار کرده است: «دیدن این مجسمه مرا بیاد عمو اسکار می اندازد» و از آن پس این نام بر این مجسمه طلائی خوش ترکیب باقی مانده و اکنون شهرت جهانی خاص یافته است.

همانطور که گفته شد هرساله جوائز اسکار در ۲۶ رشته مختلف داده میشود ولی از همه آنها معروفتر و پراهمیت تر جوائز اسکار بخاطر بهترین فیلم سال بهترین هنرپیشه مرد سال و بهترین هنرپیشه زن سال است. ضمناً ممکن است هنرپیشه‌ای بدریافت جایزه اسکار نائل گردد ولی فیلمیکه بازی کرده جایزه نگیرد یا بعکس بهر صورت فهرست زیر شامل اسامی برندگان این سه اسکار از بدو تاسیس آکادمی میباشد. بطوری که مشاهده میشود تا سال ۱۹۳۳ جوائز سالیانه به بهترین فیلمهای تهیه شده در نیمه آخر سال قبل و نیمه اول سال بعد داده میشد ولی از ۱۹۳۴ به بعد این روش تغییر کرده است.

سال	بهترین فیلم	بهترین هنرپیشه مرد	بهترین هنرپیشه زن
۱۹۲۷_۲۸	بالها	امیل جانینگز	جانت گینور
۱۹۲۸_۲۹	ملودی برادوی	وارنر باکستر	ماری پیکفورد
۱۹۲۹_۳۰	آرامش در جبهه غربی	جرج آرلیس	نرما شرر
۱۹۳۰_۳۱	سیمارون	لیونل باریمور	ماری درسلر

سال	بهترین فیلم	بهترین هنرپیشه مرد	بهترین هنرپیشه زن
۱۹۳۱ـ۳۲	گراند هتل	فردریك مارچ والاس بیری	هلن هیز
۱۹۳۲ـ۳۳	اسواران	چارلز لافتون	کاترین هپبورن
۱۹۳۴	اتفاق یك شب	کلارك گیبل	کلودت کلبرت
۱۹۳۵	شورش در کشتی بونتی	ویکتور مك لاگلن	بتی دیویس
۱۹۳۶	زیگفلد کبیر	پل مونی	لوئیز رینر
۸۹۳۷	زندگانی امیل زولا	اسپنسر تراسی	لوئیز رینر
۱۹۳۸	میراث	اسپنسر تراسی	بتی دیویس
۱۹۳۹	بربادرفته	رابرت دونات	ویویان لی
۱۹۴۰	ربه کا	جیمز استوارت	جینجر راجرز
۱۹۴۱	دره سرسبز	گاری کوپر	جون فونتن
۱۹۴۲	خانم مینیور	جیمز کاگنی	گریر گارسون
۱۹۴۳	کازابلانکا	پل لوکاس	جنیفر جونز
۱۹۴۴	براه خود میروم	بینگ کروزبی	اینگرید برگمن
۱۹۴۵	آخرین تعطیل	ری میلاند	جون کرافورد
۱۹۴۶	بهترین سال زندگی	فردریك مارچ	اولیویادهاویلند
۱۹۴۷	قول مردانه	رونالد کلمن	لرتایانگ
۱۹۴۸	هاملت	لورنس اولیویه	جین وامن
۱۹۴۹	همه سربازان شاه	برادریك کرافورد	اولیویادهاویلند
۱۹۵۰	ماجرای حوا	ژوزه فرر	جودی هالیدی
۱۹۵۱	یك آمریکائی در پاریس	همفری بوگارت	ویویان لی
۱۹۵۲	بزرگترین نمایش روی زمین	گاری کوپر	شرلی بوث
۱۹۵۳	از اینجا تا ابدیت	ویلیام هولدن	ادری هپبورن
۱۹۵۴	در بارانداز	مارلون براندو	گریس کلی
۱۹۵۵	مارتی	ارنست بورگناین	آنامانیانی
۱۹۵۶	دور دنیا در هشتاد روز	یول براینر	اینگرید برگمن
۱۹۵۷	پل رودخانه کوای	آلك گینس	جون اوودوارد
۱۹۵۸	ژی ژی	دیوید نیون	سوزن هیوارد
۱۹۵۹	بن هور	چارلتون هستون	سیمون سینیوره
۱۹۶۰	آپارتمان	برت لانکاستر	الیزابت تایلور
۱۹۶۱	داستانی از غرب	ماکسیلیان شل	سوفیالورن
۱۹۶۲	لورنس عربستان	گریگوری پك	آن بانکرافت
۱۹۶۳	تام جونز	سیدنی پواتیه	پاتریشیانیل

چهره های عالم سینما

آلبرتو سوردی



آلبرتوسوردی

«آلبرتوسوردی» این کمدین مشهور ایتالیائی درسال ۱۹۲۰ متولد شد ودر برنامه‌های نمایشی مدرسه شرکت‌میجست وچون‌خیلی شوخ وخوشمزه بودساعات مختلف همکلاسانش گرد اوجمع شده از شوخی‌ها وحرکاتش میخندیدند. «آلبرتوسوردی» پس‌ازپایان‌تحصیل وارد تاترشد وازتآتر بسینما راه‌یافت. ابتدا نقشهای کوچکی را بعهده اوگذاردند وسپس چون قدرت ومهارت خود را ثابت کرد با بازی درفیلمهای معروف ایتالیائی درردیف‌هنرپیشگان‌بزرگ‌ایتالیا قرار گرفت.

فیلمهای اوعبارتنداز:

دستفروشان ، چهارمرد جانباز ، بی‌ستاره ها . این مامبو عجیب رقص است .آسمان هفتم و افسانه های تابستانی ،افسانه‌های زمستانی .

آن باکستر



آن باکستر

هنرپیشه امریکائی- متولد ۷مه سال ۱۹۲۳ در ایالت میشیگان فارغ‌التحصیل مدرسه تئاترابرویـن وی در سال ۱۹۴۰ مدرسه هنرپیشگی کمپانی فوکس قرن‌بیستم را تمام کرد . در سال ۱۹۴۶ « با جان هودیاك » ازدواج نمود . از فیلمهای او میتوان خرابکاران، اعتراف‌میکنم، کارناوال، بهترین دوست دمسر من مهمانی درخانه، ستاره شمال، یك هوس،و فرشته ای بردوش من را نام برد.

آن‌باکستر برای بازی‌درفیلم «لبه‌تیغ» درسال۱۹۴۷موفق بدریافت جایزهٔ اسکار گردید .

اسپنسر تریسی



اسپنسر تریسی

هنرپیشه آمریکائی متولد۲۵ آوریل سال ۱۹۰۰ در شهر «میل‌وکی» آمریکا .

اسپنسر تریسی پس‌از آنکه از دانشگاه ریبون فارغ‌التحصیل شد به یك‌هیئت سیار تآترپیوست . سپس بـه «برادوی» رفت و از آنجا به هالیوود راه‌یافت نام‌اولین فیلم‌او«بالای رودخانه» بود .

فیلمهای دیگر تریسی‌عبارتند از:

«کاپیتان‌شجاع»معبرشمال« تبهکارسانفرانسیسکو»«آپارتمان بورتیلا»صلیب‌هفتم، بدون‌عشق،ادواردپسر. پدرعروس‌قدرت‌وشکوه، کوه، زن‌دیگراو، مردپیر و دریا و روزهای بد درصخره سیاه.

استوارت گرینجر



استوارت گرینجر

هنرپیشه انگلیسی الاصل متولد پنجم ژوئن ۱۹۱۳ درشهر لندن ـ وی ابتدا میخواست طبیب شود اما درهمان اوایل به‌هنرپیشگی علاقمند شد ؛ و بالاخره دنبال تحصیل طب را رها نمود و درسال ۱۹۳۳ «وارد هنرستان هنرپیشگی «وبرادا گلس» شد اودررشته روزنامه‌نگاری نیز فارغ التحصیل شد وچندی درانگلستان روزنامه‌ای منتشر میساخت ازسال ۱۹۳۴ الی ۱۹۳۶ درتماشاخانه «برمینگام» مشغول کار گردید، درسال ۱۹۳۸ درفیلم «پس این است لندن» ظاهر شد. پس از آن بعلت جنگ بارتش پیوست ودرسال ۱۹۴۲ کارهنرپیشگی خود رادوباره آغاز نمود. درسال ۱۹۴۲ درفیلم «ماموریت سری» شرکت جست وسپس درفیلم «ربه‌کا» نقشی را بعهده گرفت.

ازفیلمهای اومیتوان «بچه پنجشنبه، مرد خاکستری پوش، چراغ‌هنوزمیسوزد، چراغ گاز، آدم وحوا، داستان عاشقانه، راه واترلو و غروب عشق» را نام برد. استوارت گرینجر از هنرپیشگان معروف امریکا است و با «جین‌سیمونز» ازدواج کرده است.

آنتونی کوئین



آنتونی کوئین

هنرپیشه وکارگردان امریکائی، متولدسال ۱۹۱۶ در سال ۱۹۳۶ برای اولین‌بار روی‌صحنه تئاترظاهرشد و بعد بتدریج در فیلمهای زیرنقشهای عمده‌ای را بعهده گرفت.

«شهرت زندگی، لاسترادا، مردی از دل ریو، ثعلب سیاه. وارلوك، آخرین‌قطار گان‌هیل، تصویرسیاه، زنده‌باد زاپاتا، توپهای ناوارن وگوژپشت نتردام.

ازفیلمهائیکه کارگردانی کرده میتوان «بوکانیر» رانام‌برد. جایزه سینمائی‌ونیز را برای فیلم «لاسترادا، وجایزه اسکار درجه ۲ رابرای فیلمهای زنده‌بادزاپاتا درسال ۱۹۵۲ وشهرت‌زندگی‌در سال ۱۹۵۶ بدست‌آورده است.

«آنتونی‌کوئین» با دختر «سیسیل ب دومیل» ازدواج کرده واکنون شخصاً در هالیوود فیلمهائی تهیه میکند.

الویس پریسلی



الویس پریسلی

«الویس» در۸ژانویه سال۱۹۳۵ در شهر توپلو از ایالت میسوری متولدشد. اوراننده‌کامیون بود وچون صدای دلنشینی داشت بعالم هنرراه یافت وخیلی‌زودهم مشهور شد. تهیه کنندگان برای استفاده ازشهرتش اورا بعالم سینما کشاندند وازاو فیلمهائی تهیه وروانه بازار ساختند. بعد بخدمت سربازی رفت و اکنون با مراجعت ازخدمت سربازی درهالیوود مشغول بازی در فیلمها و خواندن‌آوازاست. ازآهنگهای‌جالب اویکی راك‌درزندان‌ودیگری حالا یاهیچوقت است، وفیلم «راك درزندان» اردرسالهای‌گذشته‌در تهران‌نشان دادند.

اودری هیپورن



اودری هیپورن

هنرپیشه امریکائی متولد سال ۱۹۲۹ در بروکسل فارغ‌التحصیل کنسرواتوار آرنهم. هنر رقص را در آمستردام ولندن فرا گرفته و بالت را در لندن ـ درفیلمهای انگلیسی نظیر:

خنده در بهشت ، تپه‌های سنبل، افسانه زنان جـوان و در فیلمهای امریکائی شبی در رم، سابرینا، جنگ وصلح، چهره‌مضحک وعشق دربعدازظهر ظاهرشده است.

اودری‌هیپورن درموقع بازی در نمایشنامه «اوندین» باملفرر آشنا شدوسپس باهم ازدواج کردند.

«اودری هیپورن» درسال ۱۹۵۳ جایزه اسکار رابرای بازی در فیلم «شبی در رم» بدست آورد .

اینگرید برگمن



اینگرید برگمن

ستاره سوئدی متولدسال ۱۹۱۷ دراستکهلم ـ فارغ‌التحصیل آکادمی استکهلم. وی در فیلمهای سوئدی ، آلمانی ، امریکائی ، ایتالیائی وفرانسوی شرکت‌جسته است .

ازفیلمهای‌اومیتوان: نمایش‌کوتاه.ادنا.بازگشته.کازابلانکا زنگهای کلیسای ماری، استرامبلی، چراغ‌گازآناستازیا، مهمانخانه ششم‌خوشبختی، ژاندارك، زندگی‌دوزخی، دکترجکیل ومستر هایدو طلسم‌شده را نام‌برد.

«اینگرید برگمن» برای بازی‌درفیلم‌چراغ‌گاز وآناستازیا موفق بدریافت جایزه اسکار گردیده‌است .

ایومونتان



ایومونتـان

هنرپیشه و خواننده فرانسوی متولـد سال ۱۹۲۱ فارغ‌التحصیل مدارس‌مقدماتی مارسیل .

درسال ۱۹۵۲ در چندین نمایشنامه کـه در تئاترهای پاریس واتوال بمعرض‌نمایش‌درآمدشرکت جست. سپس‌به عالم سینما راه یافت . وی درفیلمهای مزدترس وبیاعشق‌بورزیم بازی‌کرده است.

برت لنکستر

در دوم‌نوامبر سال ۱۹۱۳ درنیویورك متولد شد واورا «برتون استیفن‌لنکستر» نامیدند



برت لنکستر

درسه سالگی بروی‌صحنه تئاترظاهرشد. ۱۵ سال داشت که با «نیك کراوات» (همبازیش درفیلمهای مشعل و کمان ودزد دریائی سرخ پوش) آشنا ودوست گردید ومدتی با تفاق درسیرك کار کردند ـ آنگاه بسربازی رفت وپس‌ازمراجعت مامور آسانسور شد. سپس بسینما راه یافت ودرفیلمهائی‌چون «وراکروز. ده مردرشید، مشعل و کمان ، دزد دریائی‌سرخ پوش»، بوسه بردستهای خونین. خال گل سرخ ، مارتی، میزهای جداگانه شرکت کرد..، اورا هنرپیشه بدشانسی‌لقب داده‌اند زیرا همه‌ساله درهرفیلم‌که بازی میکرد هنرپیشگانی که نقش مقابلش را بازی میکردند جایزه میگرفتند ولی‌او موفق‌باخذ جایزه نمیگردیدتااینکه سرانجام سال۱۹۶۲ اولین جایزه اسکار رابدست آورد اودارای استودیوی مستقلی‌است که بنام زنش«نرما» نامیده‌است‌ازفیلمهای‌دیگراو بندبازاست.

بریژیت باردو



بریژیت باردو

«بریژیت باردو» درسال۱۹۳۴ درفرانسه متولد شد علاقه به سینما اورا ازتحصیل‌بازداشته ودرعوض‌درس‌خواندن پیوسته به سینما میرفت ودلبری میکرد۱۷ سال‌تمام داشت که وارد فعالیت سینمائی‌شد وباپشتکاری که داشت درعرض مدت بسیارکمی توانست رقبای‌خود راشکست‌دهد وبشهرت‌ومحبوبیت برسدبطوری‌که«ب.ب» از بزرگترین وپولسازترین هنرپیشگان‌فرانسه است ومنبع درآمد بسیارخوبی برای فرانسه بشمارمیرود.

ازجمله فیلمهای او:«وخدا زن راآفرید، زن‌پاریسی،مسابقه زیبائی،نورمقابل، عروس‌خوشگله، شب‌عروسی، تعطیلات نرون ...» را می‌توان نام برد.

«روژه وادیم» شوهرسابق او است که درشهرتش نقش مهمی‌را عهده‌دار بود.

بوب هوپ



باب هوپ

کمدین امریکائی ـ پدرش‌بازرگان صادرکننده سنگ های قیمتی‌بود امابزودی ورشکست شد و«بوب» ناچارتحصیلاتش راترك کرد وبکار روزنامه‌فروشی پرداخت وبعد ازچندی وارد تئاتر شد ودرتئاترملی شیکاگو وسپس در«برودی» مشغول کارگردید.
بوب‌هوپ دررادیو وتلویزیون نیزبرنامه‌هائی اجراء کرده است . فیلمهای مهم‌اوعبارت است‌از: جاده سنگاپورـجاده مراکش‌ـجاده ریوـ رنگ‌پریده ـ جاسوس دلخواه من ـ کازانوا و تعطیلات در پاریس .

بوب‌هوپ تالیفاتی نیز دارد که «هرگزخانه راترك نگفتم واین‌است‌صلح» ازآن جمله‌اند.

بینگ کراسبی



بینگ کراسبی

هنرپیشه وخواننده آمریکائی ـ متولد ۲مه سال ۱۹۰۴ درشهر تاکوما ـ ازسال ۱۹۲۵ الی ۱۹۳۰ با دسته‌ای ازرقاصان آوازمیخواند وازسال ۱۹۳۲ در رادیو وتلویزیون به‌خوانندگی‌پرداخت. کراسبی در فیلمهای متعددی ظاهرشده که ازآنجمله است، آسمان آبی، داستان‌جیمی دورانت، ناقوسهای سنت ماری، دختر نمایشات، وراه‌خود میروم، همچنین درفیلمهای باتفاق بوب‌هوپ و دوروتی‌لامور بازی‌کرده است. بینگ کراسبی درسال ۱۹۴۴ برای بازی در فیلم « براه خود میروم » موفق بدریافت جایزه اسکار گردید و بهترین هنرپیشه مرد سال شناخته شد.

تونی کرتیس



تونی کرتیس

هنرپیشه امریکائی ـ متولدسوم ژوئن‌سال ۱۹۲۵ درنیویورك فارغ‌التحصیل دانشکده سیواردپارك نیویورك. درسال ۱۹۴۲ وارد خدمت نظام‌شد ومدت سربازی خودرا درنیروی دریائی انگلستان بپایان رسانید . بعدبه دسته تئاتر«امپایرپلیرز» درنیوجرسی‌پیوست درسال ۱۹۴۹ وارد عالم‌سینما شد ودرفیلمهای متعددی شرکت‌کرد که فیلمهای بوی‌خوش‌موفقیت، بعضی‌ها داغش‌را دوست‌دارند ، آن زن‌که بود، اسپارتاکوس، درراه انجام‌وظیفه، خانم‌قمارباز، پسرعلی بابا، سپرسیاه وبندبازازآنجمله است.

« تونی‌کرتیس » چون وارد عالم هنر شد با « جانت‌لی » آشنا گردید و درسال 1951 با او ازدواج کرد ایندو درچندفیلم بایکدیگرهمبازی بوده‌اند .

جری‌لوئیس



«جری‌لوئیس» درسال ۱۹۲۴ متولدشدوچون علاقه‌فراوانی بهنرپیشگی داشت از همان اوان کودکی ضمن‌تحصیل بفراگرفتن فن‌هنرپیشگی پرداخت . او ابتدا بدسته‌هنرپیشگان‌سیار پیوست، سپس بعالم تآتررفت وسرانجام بسینما کشانیده شد اواکنون علاوه بربازی درفیلم‌های مختلف برای‌تلویزیون‌هم شخصاً فیلم‌می‌سازد و ضمنا اموركارگردانی راهم انجام‌میدهد ، وهرزمان فیلمی‌هم تهیه میکند .

اوچندی‌بادین‌مارتین همبازی‌بود ولی‌اکنون بتنهائی در

فیلمهاشرکت میکند ازفیلمهای اومیتوان «کشتی را گم نکنی– بشقاب پرنده – پول پرست ومسخره سیرك» را نام برد .

جنیفر جونس

هنرپیشه امریکائی متولد دوم مارس سال ۱۹۲۰ درشهر «تولسا» از ایالت اوکلاهما . فارغ التحصیل آکادمی درام در نیویورك .



جنیفرجونس

درسال ۱۹۴۳ نقش برنادت درفیلم «آوازبرنادت» باو واگذارشد بامهارتی که اودراین فیلم ازخودنشان داد درماه مارس سال ۱۹۴۴ ازطرف آکادمی صنایع وعلوم سینما بعنوان بهترین ستاره زن ۱۹۴۳ شناخته شد وبدریافت جایزه اسکار نایل آمد . درسال ۱۹۴۴ «سلزنیك» فیلم «ازوقتی که تورفتی» راازجنیفرتهیه کرد.

درسال ۱۹۴۵ درفیلم نامه‌های عشق برای کمپانی پارامونت و درسال ۱۹۴۶ فیلم «کلونی براون» رابرای کمپانی فوکس قرن بیستم باتمام رسانید .

درسال ۱۹۴۷ فیلم «دوئل درآفتاب» اوبه بازارآمد که شهرتی فراوان برایش فراهم آورد. پس از آن نیز درچندین فیلم دیگر از جمله مادام بوواری – عشق چیزبا شکوهی است – وداع بااسلحه – وغیره شرکت نمود که همگی با موفقیت روبروشد .

جون آلیسون



جون آلیسون

هنرپیشه امریکائی – متولدسال ۱۹۲۳ درنیویورك، در ده سالگی قهرمان شناشد . بعدازپایان تحصیلات بکلاس رقص رفت وسپس درتئاترهای نیویورك مشغول بازی شد. بعدازچندی بسینما راه یافت و درسال ۱۹۴۳ دراولین فیلم خودبنام «دختردیوانه» بازی کرد .جون آلیسون در ۱۹۴۵ با «دیك پاول» ازدواج نمود. ازفیلمهای دیگر اومیتوان : دودختر ویك ملوان – سرگذشت گلن میلر – یك ملوان عروسی میکند – دو خواهر ازبوستون – صحنه جنگ – قلب پنهان اخبارخوب– عروس دیوانه میشود – سه تفنگدار – زن کوچك – و دختر سفیدپوش را نام برد .

آخرین فیلم او «غریبه‌ای دربازوان من» نام دارد که درسال ۱۹۵۸ تهیه شده است.

جون کرافورد

هنرپیشه زن امریکائی–متولد ۲۳ مارس سال ۱۹۰۸ درتکزاس بعداز پایان تحصیلات



جون کرافورد

دریکی ازتئاترهای شیکاگو بعنوان رقاصه استخدام شد . سپس به نیویورك رفت و وارد یکی ازتئاترهای این شهرشد . بعداز چندی بعالم سینما راه یافت. ودر فیلمهای عاقبت مادام چسنی‌وسرگذشت پیرسن ، شرکت کرد . وی‌درسال ۱۹۴۵ برای بازی درفیلم اخیر موفق بدریافت جایزه اسکار گردید وبعنوان بهترین هنرپیشه سال شناخته شد .

جیمز استوارت



جیمز استوارت

هنرپیشه امریکائی متولدسال ۱۹۰۸ درایندیانا ــ تحصیلاتش را درآکادمی «مرسرسبورك» بپایان رسانید وچندی درانگلستان بود سپس‌بآمریکا رفت وببازی‌درفیلمها پرداخت . ازفیلمهای او میتوان ــ نمیتوانی‌آنرا باخودببری ــ ساخته‌شده برای همه،آقای اسمیت بواشنگتن میرودــ داستان فیلادلفیا ، کمان‌شکستهــ پنجره روبه‌حیاط ــ تبهکارــ بزرگترین‌نمایش روی‌زمینــ طنابــ ساعت طلائی ــ داستان گلن‌میلر ومردی ازلارامی را نام‌برد.

وی بخاطربازی درفیلم‌ماجرای فیلادلفیا در سال ۱۹۴۰ موفق بدریافت‌جایزه اسکارگردید ،

همچنین جایزه‌ونیز برای‌فیلم «تشریح‌یك‌جنایت» بوی‌تعلق گرفته‌است .

جیمز میسن

هنرپیشه انگلیسیــ متولد۱۵مه سال ۱۹۰۹ درهودرسفیلد یورکشایر ابتدا شغل‌معماری‌را پیشه‌کرد سپس‌وارد یکی‌ازتماشاخانه های لندن‌شد وبعدوارد عالم‌سینما گردید ودرلندن در حدود ۲۵ فیلم‌بازی‌کرد . درسال۱۹۴۶ به‌آمریکا رفت ودراین‌کشور اقامت نمود .

ازهمین سال‌ببعد بعنوان‌هنرپیشه وتهیه‌کننده به‌کارپرداخت ازفیلمهای معروف‌وی میتوان ، بنجه عدالت ــ چراغ‌گازــ روباه صحرا رومل ــ داستان سه عشق ــ ۲۰ هزار فرسنگ زیر دریا ــ پاندورا وجولیوس‌سزاررانام‌برد . اودر سال ۱۹۴۱ **باپاملاکلینو** ازدواج کرده است .



جیمز میسن

جینالولو بریجیدا



جینالولو بریجیدا

هنرپیشه ایتالیائی ــ متولدسال ۱۹۲۷ در نزدیکی رم ــ فارغ التحصیل هنرستان هنرپیشگی رم .

ابتدا مانکن وطراح بود ودرسال ۱۹۴۶ دراولین فیلم خود بنام «دیوانگان اپرا» شرکت کرد . سپس درفیلمهای فانفان لاتولیپ رویای شیرین ــ شمشیرهای متقاطع ــ خط سفید ــ فال بزرگ ــ عیال یك شبه ــ سلیمان وملکه سبا ــ گوژپشت نتردام ــ ورق سرنوشت و چندفیلم دیگر بازی کرد . جینا درسال ۱۹۶۰ بتابعیت کانادا درآمد .

چارلز چاپلین



هنرپیشه وتهیه کننده شهیر انگلیسی . متولد ۱۶ آوریل سال ۱۸۸۹ ــ درسال ۱۹۱۸ استودیوی تهیه فیلم خودرا درهالیوود تأسیس کرد وبعدبه موسسه یونایتدآرتیست پیوست .

ازجمله فیلمهائیکه ساخته وخود در آن شرکت داشته است می توان : درجستجوی طلا ــ سیرك ــ روشنائی های شهر ــ عصرجدید دیکتاتوربزرگ ــ موسیووردو ــ لایم لایت وشاهی درنیویورك رانام برد

چاپلین اگرچه یك هنرپیشه کمیك است باوجود این درخلال فیلمهایش مقاصد عالی اجتماعی وانساندوستی خودرا ظاهرمی سازد

چارلی چاپلین چهار بارازدواج کرده است.

زن چهارم او «اوونااونیل» نام دارد که در ۱۹۴۲ بااوازدواج کرده است .

چارلتون هستن



چارلتون هستن

« چارلتون هستن » که فیلمهای « بن هور وده فرمان » را ازاو درتهران نشان داده اند ازمقتدرترین هنرپیشگان هالیوود بوده که زمانی درنقش حضرت موسی وزمانی دیگر درنقش بن هور و زمانی درنقشهای کاوبوئی ظاهرگردیده ودر فیلمهای جنائی نیز نقش جنایتکاران را ایفامیکرده است. او هنرپیشه با قدرتی است که هرزمان درنقشی ظاهرمی شود و بخوبی مهارت خودرا باثبات میرساند

ده فرمان ــ بن هور ــ کشور بزرگ ــ ازجمله فیلمهائیست که چارلتون هستن درآن شرکت داشته است .

درسال ۱۹۶۲ چارلتون هستن ازطرف کانون روزنامه نگاران بهترین هنرپیشه سال شناخته شد .

چارلز لافتون



چارلز لافتون

هنرپیشه آمریکائی انگلیسی الاصل- متولد سال ۱۸۹۹ – فارغ‌التحصیل آکادمی هنرهای دراماتیك سلطنتی هرست ، لافتون اولین‌بار درسال ۱۹۲۶ روی صحنه‌ظاهر شد . وی‌از سال ۱۹۲۷ تا۱۹۳۳ درلندن ونیویورك نمایشاتی اجراء نمود، درسال ۱۹۳۸ نمایش«مهمانی» را روی‌صحنه‌آورد وخود نیز درآن نقشی بعهده گرفت. درسال ۱۹۵۹ درتئاتر استرادفورد انگلستان‌در «پیس» کینگ‌لیر اثرشکسپیر روی‌صحنه‌آمد .

ازفیلمهای‌اومی توان ؛ زندگی‌خصوصی هانری‌هشتم-خانواده بارت‌ساکن‌خیابان ویمپل-بینوایان - گوژپشت‌نتردام - نقاب آبی و شاهد برای‌تعقیب‌را نام‌برد. وی‌درسال ۱۹۳۷ باتفاق‌اریك‌پالریك کمپانی فیلمبرداری شخصی تأسیس کرد .

«چارلز لافتون» درسال ۱۹۳۲ بخاطر بازی درفیلم «زندگی‌خصوصی هانری هشتم» موفق بدریافت جایزه‌اسکار گردید .

اسپارتاکوس نیز فیلمی‌است که ازاین‌هنرپیشه دیده‌ایم .

دانی کی



دانی کی

کمدین آمریکائی متولدژانویه ۱۹۱۳- در نمایشنامه‌های کلاه‌حصیری ـ زنی درتاریکی وبگذار باآن روبرو شوی‌ـم شرکت نموده واز فیلمهای او می‌توان ؛ «در بازوان ـ زندگی خصوصی‌والترمیتی آوازی‌بوجود می‌آید - بازرس‌ـهانس کریستان‌اندرسن بزن‌به‌چوب ـ کریسمس‌سفید- مـن‌وسرهنگ ـ پنج پنی، سفیر کبیر مرد عجیب ، شیر فروش قهرمان و آخرین مقلددربار ر نام‌برد .

این کمدین‌معروف درسال ۱۹۴۰ با «سیلویافاین» ازدواج کرده‌است .

دانیل‌داریو


دانیل‌داریو

هنرپیشه فرانسوی ـ متولد ماه‌مه سال ۱۹۱۷ فارغ‌التحصیل دانشگاه پاریس.

او درفیلمهای زیرنقشهای عمده‌ای داشته‌است :

مجلس‌رقص، سرخ‌وسیاه، عاشق‌خانم‌چترلی، اسکندر کبیر، مایرلینگ، لوبال، چشم‌پاریس، جوان زیبا وثروتمند، تاراس‌بولبا وپنج انگشت.

دانیل‌داریوچند سفربهالیوود کرده وهربارنیز در فیلمهای آمریکائی شرکت‌جسته است.

دوریس دی


دوریس دی

در ۱۹۲۵ درشهرسین‌سیاتی متولدشد اورا دوریس کاپلهوف نامیدند. فعالیت هنریش‌را ازآوازخوانی‌شروع کرد وابتدا خواننده رادیو گردید. بعدبنا بدعوت کمپانی وارنر بعالم‌سینما آمد ودرفیلمهای بسیاری بازی کرد که عبارتند از«دلیران حسود، رویای شیرین، جوانی‌باشیپور، جای برای دونفر، کارلامیتی‌جین و...»

همچنین فیلم‌مشکل اطاق‌خواب را ازاودیده‌ایم، او درسال ۱۹۴۳ با «آل‌جوردن»ازدواج کرد ومدتی‌بعد طلاق گرفت ۱۹۴۷ با «جورج‌ویلدر» ازدواج کرد" وازاوهم طلاق گرفت و در ۱۹۵۹ با مارتی‌میچر ازدواج کرد.

دیویدنیون


دیویدنیون

هنرپیشه انگلیسی ـ متولد سال ۱۹۱۰ فارغ‌التحصیل دانشکده‌های نظامی«استوورویال» «ساندهرست».

ازسال ۱۹۲۱ الی ۱۹۳۲ وازه۱۹۳۸ الی ۱۹۴۵ درارتش انگلستان بادرجه افسری خدمت میکرد. ازسال ۱۹۳۲ الی ۱۹۳۵ به مشاغل‌مختلفی‌دست‌زدکه ازآن‌جمله نویسندگی و روزنامه‌نگاری بود.

نیون درفیلمهای متعدد ازجمله فیلمهای زیرشرکت جسته است.

ارتفاعات‌وحشت‌خیز، مسئله زندگی‌ومرك، بی‌تاسف،ماه‌آبی است، دوردنیا درهشتادروز، کلبه کوچك،سلام‌برغم، میزهای‌جداگانه توپهای ناوارن، ازدختران بپرسید.

دیویدنیون موفق‌بدریافت جایزه اسکار گشته و بخاطربازی درفیلم میزهای‌جداگانه بعنوان بهترین‌هنرپیشه‌سال شناخته‌شده‌است

«دیوید نیون» دوبار ازدواج کرده است و از همسر اولش دو پسر دارد. همسر فعلی او «جورودیس ترسمیدز» نام دارد .

دین مارتین



دین مارتین

چندی قبل فیلم «ریوبراو» را از او «دین مارتین» دیده‌ایم و این فیلم خیلی بشهرت و محبوبیت او در ایران افزود دین مارتین درسال ۱۹۲۰ متولدشد چون صدای دلنشینی داشت ، رشته آوازرا دنبال کرد وضمنا بعالم سینما نیزروی آورد و با «جری لوئیس» زوجی تشکیل داد ، ودرفیلمهای بسیاری شرکت جستند. چون جری تشکیلات مستقلی را براه انداخت وشخصا دست بکار تهیه و کارگردانی فیلم گردید دین مارتین از او جداشد وشخصا درفیلمها بتنهائی شرکت جست . دین مارتین اکنون هم خواننده مشهوری است وهم هنرپیشه ای معروف ازفیلمهای او «پول پرست، هتل ماه عسل، مسخره سیرك وریوبراوو را درتهران نشان داده‌اند.

رابرت تایلور



رابرت تایلور

هنرپیشه امریکائی متولد ۱۵ اوت سال ۱۹۱۱ درایالت نبراسکا ـ وی چندی به فراگرفتن علم موسیقی پرداخت ـ بعد وارد دانشکده پزشکی گردید وعاقبت وارد هنرستان هنرپیشگی شد.

چندی درتئاتر «پاسادنا» کارکرد و در آن موقع بودکه موردتوجه یکی ازتهیه کنندگان فیلم واقع شد و وارد عالم سینما گردید. تعدادی از فیلمهای اولیه او عبارتنداز، پزشك، جنایت در دریا ، آهنگ برادوی، تب زرد، دخترده‌اتی. آخرین امید ، مشت زن، دانشجوی آکسفورد، درسال ۱۹۳۵ با کمپانی یونیورسال ودرسال ۱۹۳۶ بافوکس قراردادی بست و در فیلمهای دوشیزه پاکدامن و آخرین امیدظاهر گشت .

از فیلمهای دیگراو میتوان پل واترلو، وقتی که خانمها راملاقات میکنند ، جائی دیگر، برای عمل آماده باش، آیوانهو. هوسهای امپراطور و آهنگ سیبریه رانام برد.

راك هودسن



راك هودسن

«راك‌هودسن» که ازاوفیلم «مشکل‌اطاق‌خواب» درتهران نمایش داده‌اند ازستارگان پرکار هولیوود است که درامریکاچشم بجهان‌گشود، واورا «فیتزجرالد» نامیدند ـ درشانزده سالگی بوکسور ماهری بود وپس از پایان تحصیلاتش شوفر شد و چون با اربابش اختلاف پیداکرد بکالیفرنیا رفت وگرفتار تهیه‌کنندگان گردید وسرانجام بکمپانی‌یونیورسال اینترناشنال رفت و در آنجا مشغول کارگردید و فیلمهائی بازی‌کردکه اکثرآنها را در تهران نمایش داده‌اند.

ربرت میچم



ربرت میچم

در۱۹۱۷ درشهربریج‌پورت متولدشد_او از کودکی‌واردکارهای هنری‌گردید وچون پدر نداشت برای خرج‌معاش باخواهرش درتآترمیرقصید وآواز میخواند چندی‌کارگریك‌کشتی بود وشغلهای دیگری برای خود انتخاب کرد ولی سرانجام بسینما آمد و مشغول‌بازی درفیلم‌شد ازفیلمهای معروف‌او «سرقت بزرك، سارقین زبردست، فرشته صورت، شکارچی تبهکار، ماکائو،رودخانه بی‌بازگشت‌و...» رامیتوان ذکرکرد.

اوازمعتادین بنام‌هالیوود است همیشه تحت تعقیب بودگاهی اورا در شیره کشخانه‌ها وزمانی در میخانه‌ها به‌جرم بدمستی دستگیر می‌کنند و روانه زندان میسازند.

رداسکلتون



رداسکلتون

هنرپیشه وکمدین‌معروف امریکائی ـ متولد ۱۸ژوئیه سال۱۹۱۴ درشهروینسنزازایالت ایندیانا از ده سالگی‌وارد عالم‌تئاترشده مدتی‌بدسته‌موزیسین های دوره‌گرد پیوست. درسال ۱۹۳۹ کمپانی آر.ك او. وی را استخدام‌نمود تا درفیلم «ساعات خوشی» شرکت‌جوید. درسال ۱۹۴۰ باکمپانی‌متروگلدوین‌ـ مایر قراردادی‌بست واولین فیلمی‌که این کمپانی‌از اوتهیه‌نمود فرماندهی‌پروازنام‌داشت‌که رابرت‌تایلور نقش اول‌آنرا بعهده‌گرفته بود.

درسال۱۹۴۱ در فیلمهای « لیدی بی‌گود ،

دشمنان دکتر کیلدر، وسوت در تاریکی ظاهر گشت .

درسال ۱۹۴۲ پس از بازی درفیلم تا اولابشهرت رسید ودرسال ۱۹۵۳ پس از شرکت در فیلم مهرویان شنا گروارد ارتش شد.

از فیلمهای دیگر وی میتوان دوبارلی خانمی بود، دلقك، با نجام رساندم، ریگفلد فالیز ، چسی وشلوار راه راه را نام برد .

همسر رد اسکلتون، جورجیا دیدیس، نام دارد .

ریچارد ویدمارك

در ۲۶ دسامبر ۱۹۱۴ درشهرسانریز ازایالت مینه زوتا متولد شد ـ پس از پایان تحصیل بشیکاگو رفت ودوره کالجهای پرینستون ولایك فورست را در رشته دراماتیك بپایان رسانید آنگاه در رادیومشغول کارشد وسپس به برادوی رفت جندی درتآترهای برادوی بازی کرد وعاقبت از تآتر به سینما کشانیده شد ودرفیلمهای «بوسه مرگ، خیابان بی نام، جهنم دراقیانوس، باغ گناه، جیپ بسر خیابان جنوب» بازی کرد .


ریچارد ویدمارك

اودرسال ۱۹۴۲ با «جین مازل وود» که نویسنده است ازدواج کرد و ازفیلمهائی که اخیرا از او در تهران نشان داده اند: تله، مردطپانچه طلائی، فرار بسوی خورشید سرحد قهرمانی را می توان نام برد همچنین فیلمهای محاکمه نورنبرك و راههای سری ازوی نمایش داده شده.

ریتاهیورث


ریتاهیورث

«ریتاهیورث» ستاره آشوبگر هالیوود ازکودکی علاقه بسیاری به سینما داشت و یکی از آرزوهایش این بود که روزی ستاره سینما گردد وبراثر کوشش بسیار سرانجام موفق شد بهالیوود راه یابد وبعالم سینما پانهد اودرفیلمهائی چون «گیلدا، خون وشن، سالومه آتش وخاکستر، عشقهای کارمن وچندفیلم دیگر بازی کرد وشهره آفاق شد.

ابتدا با اورسن ولز ازدواج کرد و پس از جدائی بعقد پرنس علیخان درآمد این ازدواج نیز از هم گسست ومنجر بجدائی شد .

ژان گابن



ژان گابن

هنرپیشه فرانسوی متولد سال ۱۹۰۵ کار هنرپیشگی خودرا درفولی‌برژه پاریس آغاز کرد فیلمهای معروف وی‌عبارتند از نوئل، خانواده‌بزرگ کان کان، انسان وحشی. ساحل‌مه‌آلود ، قرص ماه وبینوایان .

ژان گابن درسال ۱۹۴۱ برای بازی درفیلم «کریسمس‌رالمس کنید» و «هوای پاریس» بهترین هنرپیشه سال‌شناخته شد .

سوزان هیوارد



سوزان هیوارد

در ۳۰ ژوئن سال ۱۹۱۹ در بروکلین متولدشد نام اصلی او «ادیت ماریز» است پدرش مهندس‌بود واورابمدرسه وسپس‌دانشگاه فرستاد وسوزان‌درموسسه تجارت واقتصاد فارغ‌التحصیل‌شد،باپایان تحصیلاتش در کارخانه پارچه‌بافی مشغول کارگردید ولی‌چون علاقه بسینما وتئاترداشت به‌عالم هنرپانهاد وابتداء درتئاتر وسپس‌سینما مشغول کاروبازی شد وازجمله فیلمهای اوه‌داود وملکه‌سبا،برفهای کلیمانجارو، دیمتریوس وگلادیاتورها ، فاتح، باغ گناه، فرداگریه خواهم کردوجائیکه‌عشق‌نیست را میتوان‌نام‌برد.

بالاخره درفیلم «میخواهم‌زنده بمانم» بازی‌کرده است که برای بازی درفیلم‌مذکور موفق‌باخذ جایزه اسکار گردید.

او ابتدابا «جس‌بارکر» ازدواج کرد ولی‌ازاوجدا شد وفعلابتنهائی زندگی‌می کند .

سوفیالورن



سوفیالورن

هنرپیشه ایتالیائی- ۲۰ دسامبر ۱۹۳۴ - برای اولین بار درفیلم هوسهای امپراطورظاهرشد، بعددر ۲۰ فیلم ایتالیائی نقشهائی را بعهده گرفت، ازفیلم‌های امریکائی اومیتوان ، غرور و شهوت ، هوس‌زیردرخت‌های نارون، قایق‌خانگی، ثعلب‌سیاه و زن اونچوری را نام‌برد .

درسال ۱۹۵۸ بخاطربازی درفیلم ثعلب‌سیاه موفق‌بدریافت جایزه فستیوال ونیزشد.

سوفیالورن ازجمله هنرپیشگانی است که این‌حرفه راازصفر شروع کرده ودرنتیجه تلاش‌بسیار مقام‌ممتازی رابدست‌آورده است. اودر ۱۶ سالگی‌مدل یك‌مجله ماهانه‌بود وازهمین راه بعالم سینما

راه یافت. ابتدا درفیلمهای «برده فروشی سفیدودوشیزگان درخطر» بازی کرد وسپس درفیلمهای دختررودخانه، آتیلا، چرخ وفلك ناپل وحیف که خیلی حقه ای ظاهرشد .

شارل بوایه



شارل بوایه

هنرپیشه فرانسوی. متولد ۲۸ اوت ۱۸۹۹ . تحصیلاتش را دردانشگاه سوربن باتمام رسانید. درنه سالگی درنمایشنامه «سیرانو دوبرژاك» و درامها وکمدیهای شکسپیر بازی میکرد. پدرومادرش مخالف فعالیت‌های هنری او بودند ولی شارل ضمن تحصیل به کار هنرپیشگی نیز پرداخت و در چندین نمایشنامه و فیلم بازی کرد.

بعدبه هالیوود رفت ودرفیلم‌های زیرظاهرشد :

کاروان، دنیاهای مخصوص. قلبهای شکسته، آتشپاره ، هتل پالاس، خیابان‌شخصی، چراغ گاز. ایام خوش، رعد در گوش و گوشواره‌های مادام‌دوفوندر.

فرانك سیناترا



فرانك سیناترا

هنرپیشه وخواننده امریکائی. متولدسال ۱۹۱۷ . فارغ التحصیل موسسه هنری دربك. بادسته‌های «هاری‌جیمز» و «تومی داری» خوانندگی کرده و درفیلمهائی ازقبیل لاس وگاس، بلند تر و بلندتر، در بروکلین‌روی‌داد، ازاینجاتاابدیت، جوانان‌وعروسکان مردبازو طلائی، جانی کانچو، غرور وشهوت، پال‌جوی، آنها دوان دوان آمدند، شاهان به‌پیش‌میروند، داستان جیمی‌دورانت . کاکان وغیره ظاهرشده است.

درسال ۱۹۵۳ بخاطر بازی درفیلم ازاینجا تا ابدیت موفق بدریافت جایزه اسکار ازدرجه دوم گردید .

فردریك مارچ



فردریك مارچ

هنرپیشه امریکائی متولد ۳۱ اوت سال ۱۸۹۸ درایالت ویسکانسین. ازفیلمهای اومیتوان: بهترین سالهای زندگی، آناکارنینا. دنیای فردا، یك صحنه قاتل، قسمت دیگر جنگل. کریستف کلمب ، علامت صلیب، دکترجکیل ومسترهاید. قدرت عشق ورستاخیز را نام برد.

مارچ برای بازی درفیلم بهترین سالهای زندگی درسال ۱۹۴۶ موفق بدریافت دومین جایزه اسکارشد. اولین اسکاررادرسال ۱۹۳۲ برای بازی درفیلم «دکترجکیل ومسترهاید» دریافت نمود.

نام اصلی فردریک مارچ «فردریک اینتایر بیکل» است . «فردریک مارچ سفری هم بایران کرده است .

فرد آستر



فرد آستر

هنرپیشه ورقاص آمریکائی ـ متولد سال ۱۸۹۹ در انگلستان.

فرد درهشت سالگی بکلاس رقص فرستاده شدو موفقیت زیادبدست آورد، فرد با «آدل» خواهرش در تاتر «ارفوم» شروع ببازی کردند وچون خواهرش با جوانی ایرلندی ازدواج کرد «فرد» تنها شد و بـه هالیوود رفت .

ازسال ۱۹۱۶ تا ۱۹۳۲ درفیلمهای «نمایش سیار ۱۹۱۸ـ درآن بالا وشکوفه‌های درخت سیب نقش های درجه دوم بعهده وی واگذار شد. پس ازاین دوره بود که در فیلمهای کمدی و موزیکال نقشهای حساس را بعهده گرفت ودرفیلمهائی نظیر «عروسی شاهانه ، بیا برقصیم. با بالنگ دراز، توهرگز پولدار نمیشوی، سه لغت کوچك وجوراب ابریشم ظاهر گشت.

کلارك گیبل



کلارك گیبل

در اول فوریه سال ۱۹۰۱ در کادیز از ایالت اوهایـو متولد شد.

اوبا اتمام تحصیلاتش در پالایشگاه نفت مشغول کار شدولی چون علاقه بتئاتر وسینما داشت، دست کشید وبجمع هنرپیشگان سیار پیوست و سپس بعالم سینما راه یافت و درفیلمهای ذیل بازی کرد ، «بربادرفته، سرگذشت کشتی بونتی، زلزله سانفرانسیسکو، کلید شهر، شاه وچهارملکه، حادثه یکشب وتعطیلات در کاپری »

او پنج بار ازدواج کـرد و ژوزفین دیلون ، ریـا لانگام ، کارول بهارد وسیلویا آشلی وسرانجام کی ویلیامز زنان او بودند.

کلارك گیبل درسال ۱۹۳۴ برای بازی درفیلم واقعه یکشب «جایزه اوسکار گرفت. وی نزدیك به شش سال پیش درگذشت.

کیم نواك



کیم نواك

«کیم نواك» در آمریکا متولد شد، پس از پایان تحصیل به توصیه «لوئی شور» بکمپانی کلمبیا راه یافت وبه «جری والد» معرفی گردید وتاکنون درفیلمهای معروفی چون حق السکوت، پیك نیك، سرگذشت ادی دوجین، مرد بازو طلائی و... بازی کرده وشهرت او عالمگیر شد، «کیم نواك» با «مك کریم» ازدواج کرد واکنون نیز با او بسر میبرد. ازفیلمهای دیگر او که در تهران هم نمایش داده‌اند کتاب، زنگ وشمع وسرگیجه را میتوان نام برد.

کاترین هیپورن



کاترین هیپورن

هنرپیشه آمریکائی متولد سال ۱۹۰۹ ــ ازنمایشنامه‌هائیکه درآن نقشی داشته است میتوان: دریاچه، داستان فیلادلفیا، بدون عشق، هرچه بخواهی، زن میلیونر، باران ساز، کلوخ انداز راپاداش سنگ است واز فیلمهای او: صبح سادت، زن کوچك، تابستان شوم، باران ساز، داستان راهبه، نابخشوده، ناگهان تابستان گذشته، ملکه افریقا، نسل اژدها وزن نامی سال را نام برد.

وی بدریافت مدال طلای ونیزدرسال ۱۹۳۴ وجایزه منتقدان نیویورك درسالهای ۱۹۴۰ و۱۹۵۹ نایل آمده است. ضمنا برای بازی درفیلم «صبح سعادت» درسال ۱۹۳۳ جایزه اسکار را ربود وبهترین هنرپیشه زن سال شناخته شد.

کرك دوگلاس



کرك دوگلاس

هنرپیشه وتهیه کننده آمریکائی متولد سال ۱۹۱۸ فارغ التحصیل دانشگاه سنت لارنس وآکادمی آمریکا در رشته‌هنرهای دراماتیك. دربرادوی در نمایشهای «بهارمجدد. سه خواهران، ببوس و بگو، آلیس دربازوان و درفیلمهای عشق‌عجیب مارتاایورز نامه‌ای به سه‌زن، زشت وزیبا، بیست هزار فرسنگ زیردریا، کلانتری ۲۱، اولیس، راه‌افتخار، وایکینگها آخرین‌قطارگان‌هیل و اسپارتاکوس، شرکت نموده وتابحال چندین‌جایزه دریافت داشته است. کرك ــ دوگلاس اکنون بجمع تهیه‌کنندگان هالیوود پیوسته وخود شخصاً فیلمهائی تهیه میکند.

گاری کوپر



هنرپیشه فقید آمریکائی متولدهفتم مه‌سال ۱۹۰۱ درشهر هلنا ـ ازجمله فیلمهائی‌که درآن ظاهرشد می‌توان ، وداع بااسلحه برای‌که زنگها بصدادرمی‌آیند ، ماجرای‌نیمروز ، تسخیر ناپذیر دالاس ، باغ‌شیطان ، وراکروز ، ترغیب دوستانه ، نیزه‌دار بنگال توپ‌آتشین ومراکش‌را نام برد .

بخاطر بازی درفیلم «گروهبان یـورك» درسال ۱۹۴۱ و بخاطر بازی در فیلم ماجرای نیمروز ، در سال ۱۹۵۲ بـدریافت جایزه اسکار نایل گردید .

گاری‌کوپر درسال ۱۹۶۱ پس ازشصت سال زندگی بمرض سرطان درگذشت . این هنرپیشه دربسیاری ازفیلمهای «وسترن» نیزشرکت‌کرده و در سراسر دنیا طرفداران‌بسیاری داشته‌است. گاری‌کوپرسفری‌هم بایران کرد .

گریگوری‌پك



در ۵ آوریل ۱۹۱۶ درلاجولا ایالت کالیفرنیا متولدشد بورزش علاقه داشت ، فعالیت هنریش‌را ازتاتر شروع کـرد ـ در ۱۹۴۳ به‌هالیوودآمد وفعالیت سینمائی‌را آغاز کرد وتـا کنون فیلمهای «برفهای‌کلیمانجارو ، طلسم‌شده ، جدال‌درآفتاب ، غزال. داودوملکه‌سبا ، چرا بله‌گفتم ،دنباله،دربازوان او ، شبی در رم ، توپهای ناوارون ... رادرتهران نشان داده‌اند .

«گریگوری‌پك» درکودکی به‌نجاری علاقه فراوانی داشت، چندی‌گوینده رادیوبود ، چندی‌هم فروشندگی میکرد ولی‌سرانجام بعالم‌سینما آمدواکنون ازهنرپیشگان خوب‌هالیوود است. او ابتدا با «گرتاکوین» ازدواج‌کرد ولی‌بعداز ۱۱ سال بااینکه سه‌فرزند ازاوداشت باوی متارکه‌کرد وسپس با «وردنیکاپاسانی» زندگی میکند .

گلن‌فورد



هنرپیشه آمریکائی متولد اول مه ۱۹۱۶ در شهر «کبك» کانادا . فارغ‌التحصیل دبیرستان سانتامونیکا درایالت‌کالیفرنیا . درسال ۱۹۳۹ پس‌از خاتمه تحصیلات به کار تئاتر پرداخت و در نمایش «ساعت بچه‌ها» شرکت‌نمود . سپس به هالیوود رفت و وارد کمپانی پارامونت‌گشت ولی پس از بازی دریك فیلم کوتاه دوباره وارد تئاترشد .

سرانجام به‌کمك «نام‌مور» هنرپیشه‌کمپانی فوکس‌قرن‌بیستم درفیلم «بهشت‌باسیم خاردار» شرکت‌نمود .

درکمپانی کلمبیا درفیلمهای «پایان‌جنایت ، مردان بی‌روح وزن‌محکوم شرکت‌جست . امافقط پس از بازی درفیلم «خاتمی در

دادگاه» بود که مشهورشد و بعدبازی درفیلمهای درغرب‌خبری‌نیست‌وشب‌ما اینطوربپایان میرسد را نیزبوی محول‌نمودند پس از بازی‌درفیلم «سرگذشت» مارتین‌ایدن اثر جك‌لندن بشهرت او اضافه شد. فیلم‌های بعدی اوعبارتند از «ستوان نیروی هوائی ، مایوسان ،خرابکاران ، گیلدا ، زندگی سرقت‌شده ، چوپان؛گریه خوشحالی ، سفرشجاعانه ویولد ، همسربیلی ، عشقهای کارمن ومردکلرادو . وی درسال ۱۹۴۳ بااینورپاول ازدواج کرد .

گرتاگاربو

هنرپیشه سوئدی ، متولدسال ۱۹۰۵ فارغ‌التحصیل مدرسه تئاتر ملی استکهلم در سال ۱۹۲۴ به‌هنرپیشگی تئاترملی انتخاب‌شد . پس‌از بازی درچند فیلم سوئـدی در سال ۱۹۲۵ به‌آمریکا رفت .

ازفیلمهای اومیتوان ، خیابان ملال‌انگیز ، سیلاب ، عشق ، زن ربانی ، زن اسرارآمیز بوسه، ماتاهاری، گراندهتل، ملکه‌کریستینا ،آناکارنینا ،کامیل، تسخیر، زن‌دوچهره‌رانام برد.

گرتاگاربو چندی باتفاق «جان‌ژیلبرت» یك‌زوج معروف سینمائی راتشکیل دادند ودر فیلمهای‌بسیاری بازی‌کردند‌که فیلمهای‌عشق‌ـ وزن‌حادثه‌جو ازآن‌جمله‌است .

گرتاگاربو ازدواج نکرده‌است .

لاناترنر



هنرپیشه آمریکائی ـ متولد سال ۱۹۲۰ درشهـردالاس ، پس‌از پایان تحصیلاتش به‌هالیوود رفت ومورد توجه‌کارگـردانان قرارگرفت . ازفیلمهای مهم اومیتوان . دکترجکیل ومسترهاید ، الهه عشق ، آهنگ جاز ، نا اهل،در جائی پیدایت خواهم کرد ، دوشیزگان فریبنده وسه‌تفنگدار را نام‌برد .

آخرین‌فیلم اوتصویرسیاه نام داردکه باتفاق‌آنتونی کوئین هنرپیشه‌آمریکائی درآن‌ظاهر شده‌است.

لاناترنر با «لکس‌پارکر» ازدواج‌کرده است.

لسلی‌کارون



بالرین وهنرپیشه فرانسوی .

متولد هفتم‌ژانویه ۱۹۳۲درپاریس فارغ‌التحصیل کنسروـ اتوار رقص پاریس . ازسال ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۰ باگروه بالت«الیزه» واز سال ۱۹۵۴ بادسته بالت پاریس همکـاری داشتـه است . در فیلمهای بسیاری‌ظاهرشده‌که از آن جمله‌اند :

یك آمریکائی درپاریس ، مردی‌باقبایش ، داستان‌سه عشق کفش‌بلورین ـ بابالنگ دراز ، گابی ژژی ؛ مردی که زنـان را میفهمید لی‌لی وکوچه‌افتخار . بعلاوه درصحنه تئاترهای پـاریس و لندن نیزظاهرشده است.

«لسلی‌کارون» با یك سناریونویس بنام «جـرج هـورمل» ازدواج کرده‌است .

مارلون براندو



هنرپیشه آمریکائی ــ متولد سال ۱۹۲۴ ــ فارغ‌التحصیل آکادمی نظامی ، شاتوك ، درفیلمهای مادر به‌یاد دارم ، کاندیدا ، عقاب، اتوبوسی بنام‌هوس، ژول‌سزار، وحشی ، دزیره ، دربارانداز جوانان وعروسکان ، قهوه‌خانه ماه‌اوت ــ سایونارا ،شیرهای جوان وآمریکائی زشت ، سربازهای‌یك‌چشم‌شرکت‌جسته است .

وی درسال ۱۹۵۴ بعنوان بهترین‌هنرپیشه سال‌شناخته شده و برای بازی در فیلم دربارانداز ، موفق بدریافت جایزه اسکار گردید .

«مارلن‌براندو» اکنون درهالیوود شخصا دست بکار تهیه فیلم وکارگردانی‌شده است.

مارلن دیتریش



مارلن دیتریش

هنرپیشه آلمانی متولد۲۷ دسامبرسال۱۹۰۲ دربرلن، ابتدا واردمدرسه موسیقی‌شد. اما بعد دست ازاین‌کار کشید و واردتماشاخانه‌ای دربرلن گردیـد درآنجا بود که‌بامدیر کمپانی‌اوفا آشنا گشت‌وقراردادی با اومنعقد نمود.

ازفیلمهای اولیه اومیتوان، فرشته ، باغ‌خدا سه‌عشق، آرزو، شعله نیواورلئان . خرابکـاران و نیروی انسانی‌را نام‌برد.

شهرت او با فیلمهای قسمت ، پسرك زیرك ، مراکش، سه‌گیلاس‌بسلامتی‌بچه‌ها، گوشواره‌های‌طلائی وشاهد برای تعقیب‌عالمگیرشد .

مارلن دیتریش با«رودلف زیبر» کارگردان آلمانی ازدواج کرده است .

مریلین‌مونرو



مریلین مونرو

هنرپیشه آمریکائی که درسال ۱۹۵۲عنوان بهترین‌هنرپیشه زن‌بوی‌تعلق گرفت .درسال ۱۹۵۸ نیز جایزه آکادمی‌سینمائی‌فرانسه باوداده‌شد .

ازفیلمهای اومیتوان« نیاگارا، مردان موخرمائیهاراترجیح میدهند. چطوریك‌میلیونرازدواج میکند، وسوسه هفت‌ساله،ایستگاه اتوبوس، پرنس ودخترنمایشات، بعضی‌ها داغش‌را دوست دارنـد ، جنگل‌اسمالت وبیاعشق بورزیم رانام‌برد.

«مریلین‌مونرو» ابتدا بایك‌جوان امریکائی ازدواج کـرد بعدازچندی ازاوجدا شده‌با «جودیماگیو» قهرمان‌بیس‌بال‌امریکـا ازدواج کرد وازاوهم‌جدا شدوسپس باآرتورمیلر نویسنده معـروف

ازدواج نمود. درسال ۱۹۶۱ از آرتورمیلر نیزجدا شد. وی پس از چندی خودکشی کرد .



موریس شوالیه

موریس شوالیه

هنرپیشه و موسیقی‌دان فرانسوی متولد سال ۱۸۸۸ در پاریس .

پدرومادر این هنرپیشه معروف فرانسوی بسیار فقیر بودند واو دارای زندگی سختی بود. از ۱۲ سالگی فعالیت هنری خود را آغاز کرد و کارخود را ازآماتوری موزیک آغاز نمود. درسال ۱۹۰۴ بعنوان هنرپیشه تالارموزیك «ادن» درپاریس روی صحنه آمد درسال ۱۹۰۷ ودرتالارموزیك «الدورادو» پاریس بروی صحنه ظاهر گشت.

درجنگ جهانی اول بخدمت ارتش فرانسه درآمدو بین سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۹ سفری به آرژانتین نمود وبعدچندین فیلم موزیکال ساخت که بهترین آنها عبارتنداز: «جلوه عشق، استخر بزرك وسیب من. درسالهای ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ مسافرتی به ایالات متحده امریکا نمود. درسال ۱۹۴۸ چند رسیتال درتآترهای الیزه پاریس اجرا نمود.

ازفیلمهای اومیتوان، عشق در بعدازظهر، پادشاه ژی‌ژی، کان‌کان‌را نام‌برد .



میکی‌رونی

میکی رونی

هنرپیشه آمریکائی متولد ۲۳ سپتامبر سال ۱۹۲۱ در شهر نیویورك پس از ورود به هالیوود درچند فیلم کمدی وکوچك شرکت جست وبعدباکمپانی متروگلدوین‌مایر قرارداد بست.

ازفیلمهای معروف‌وی میتوان، آخرین‌جدال، قفس بزرگ ، شانس‌بزرگ، ناخدای جسور ، رویای یك‌شب‌تابستانی، شهرجوانان، آخرین‌برده‌فروشان، تام‌ادیسون، آهنگ‌دلپذیر، ناخدای بی باك و سلسله فیلمهای زندگی‌هاردی رانام‌برد.

این هنرپیشه موسیقی‌دان نیزهست وتا بحال چندین آهنگ مشهورساخته است‌وضمناً «هرچندگاه نیزداستانی مینویسد. نام‌اصلی میکی‌رونی «جویول» است.



هنری‌فوندا

هنری فوندا

هنرپیشه آمریکائی ــ متولد سال ۱۹۰۵ ــ فارغ‌التحصیل دانشگاه «مینزوتا» مدتی‌عضویت شرکتهای مسافری رابعهده داشت وسپس‌درسال ۱۹۳۴ به‌نیویورك رفت ودرسال ۱۹۳۵ درچند فیلم شرکت جست. درنمایشنامه‌های «دهاتی‌زن‌میگیرد و هامی‌لابــرنس ظاهرشد ودرفیلمهای جسی‌جیمز، مسترلینکلن‌جوان، خوشه‌های‌خشم فراری، دوازده مرد خشمگین، وجنگ‌وصلح ، نقشهای حساسی را عهده‌داربوده است.

همفری بوگارت


همفری بوگارت

هنرپیشه فقید آمریکائی متولد ۲۵ دسامبر ۱۹۰۰ درشهر نیویورك فارغ‌التحصیل آکادمی آندوور پس‌از۱۹۱۴ وارد عالم‌هنرپیشگی‌شد. نخستین نمایش اودربرادوی «ازروی ساعت» نام داشت.

درسال۱۹۳۰ وارد جهان سینما شد و در فیلمهای شیطان وخانمش، یك‌ترورمقدس، سه نفر در یك مسابقه، کازابلانکا، مجری‌قانون، پیروزی‌تاریك ملکه‌آفریقا، دونفربرضدجهان ، مبارزه باتبهکاران کنتس‌پابرهنه، لات‌گالابد، لژیون‌سیاه، زنان‌علامت‌دار پادشاه زیرزمینی، تمامش‌درست‌درآمدوعبورازمارسی بازی‌کرد. وی درسال ۱۹۴۴ ازمایوستوت‌زن اولش جداشد وبا لورن‌باکال ازدواج‌نمود، درسال ۱۹۵۱ بخاطربازی درفیلم‌ملکه‌آفریقا موفق‌بدریافت جایزه اسکار گردید.

همفری بوگارت درسال ۱۹۶۰ بدرود حیات گفت .

والت دیسنی


والت دیسنی

هنرپیشه وتهیه کننده امریکائی متولد۵ دسامبر ۱۹۰۱در شیکاگو، چندی روزنامه میفروخت.چندی‌هم‌کارمند اداره پست بود زمانی‌هم برای مجلات‌کاریکاتورمیکشید تا اینکه به‌عالم سینما راه یافت ومطالعات خود رادرزمینه تهیه‌فیلمهای کارتون دنبال‌کرد... وی ازباقدرت‌ترین تهیه‌کنندگان این‌قبیل فیلمهاست.

درسال۱۹۲۸ کارتون‌های میکی‌موس راتهیه‌نمود و از این تاریخ‌تا سال۱۹۶۰ بتدریج دست‌بتهیه فیلمهائی ازاین‌سری‌زده‌است که هریك درنوع خودبرجسته است.

والت‌دیسنی علاوه برفیلمهای کارتون یك دوره فیلم مستند وچندین فیلم سینمائی‌نیزتهیه‌کرده است‌که عموما با موفقیت‌مواجه شده‌اند.

والت دیسنی بالغ‌بر ۲۲بارجایزه اسکار گرفته است . ازبهترین فیلمهائی که‌ساخته‌است میتوان فیلمهای عاشق‌هواپیما ،بیست هزارفرسنگ زیردریا، ماجرای روبن‌هود، پریچهرو‌پریزاد سه‌کابالرو، سیندرلا، دره سنگ آبی، صحرای‌زنده، پیترپن وخانم‌خانه‌بدوش را نام‌برد.

ویتودیودسیکا



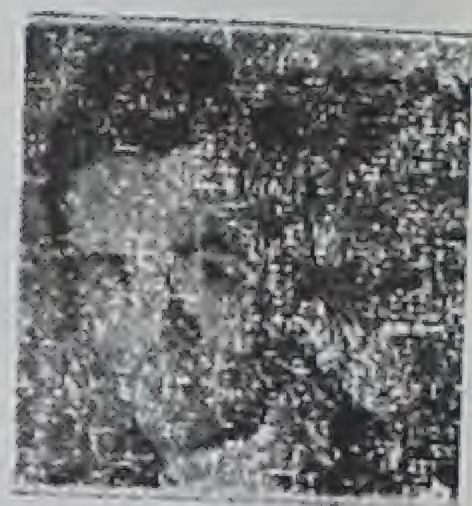
ویتتودیودسیکا

هنرپیشه و کارگردان ایتالیائی ـ متولد هفتم ژوئیه سال ۱۹۰۱ درقصبه سارا. ابتدا کارخویش‌را باشرکت درنمایشات کمدی آغاز نمود ودرسال ۱۹۲۳ برای اولین‌بار دریك نقش‌جدی روی صحنه ظاهر گشت. وی‌ازسال ۱۹۱۷ درفیلم‌ظاهرشد.وی درفیلمهای‌متعددی بازی‌کرده است که ازآنجمله‌اند ، فردا خیلی‌دیراست، حیف‌که خیلی‌حقه‌ای، نان وعشق وفانتری، نان‌وعشق وحسادت، ازدست‌رفته وداع‌با اسلحه، توپ‌بزرك وژنرال دلارووره.

درسال ۱۹۴۶ جایزه آکادمی امریکامخصوص هنرهای سینما وعلوم باوتعلق گرفته است.

دسیکافیلمهای دزد دوچرخه ـ معجزه درمیلان ـ بام ـ گلهای ارغوانی و واکسی را کارگردانی‌کرده است.

ویتوریو گاسمان



ویتوریو گاسمان

هنرپیشه وکارگردان ایتالیائی ـ متولدسال ۱۹۲۳ درشهر جنوا، فارغ‌التحصیل دانشکده حقوق‌وآکادمی‌دراماتیك رم ـ تابحال در۹۵ نمایشنامه بازی‌کرده‌که میتوان ازمیان‌آنها هاملت ـ اتللو هرچه‌بخواهی ـ تریلوس و کریسیدا ـ اودیپوس ـ ازدواج رانام‌برد درفیلمهای بسیاری ازجمله برنج‌تلخ ـ آنا ـ راپسودی ـ جنگ و صلح ـ پنجره ـ شرکت نموده ودرسال ۱۹۵۶ فیلم « کین » را کارگردانی‌کرده است .

تابحال‌چهاربار بعنوان بهترین هنرپیشه سال تآتروسینما شناخته شده وجوائزی دریافت داشته است. ویتوریو گاسمن ازجمله بزرگترین هنرپیشگان مشهور وبرجسته ایتالیا است‌که در ایفای‌نقشهای مختلف قدرت و مهارت بسیاردارد، وچندی هم درآمریکابسربرده ودر فیلم های امریکائی‌بازی‌کرده‌که ازآن‌جمله فیلمهای دیوار شیشه‌ای ـ سومبره‌رو ـ فریادصید ـ مرد سرگردان، دلاوران‌دریا ـ سوارمرموز ـ آهنگی درقلب‌تو و مامبو را میتوان‌نام‌برد .

ویلیام هولدن



ویلیام هولدن

«ویلیام‌هولدن» هنرپیشه معروف امریکائی که فیلم «دنیای سوزی وانگ» باشرکت اودرتهران معروف‌شد. درسال ۱۹۱۹ بدنیا آمد واکنون ۴۷ سال‌ازسن اومیگذرد. نام‌اصلی‌او ویلیام‌بیل است درآغازدرس داروسازی میخواند ولی‌بعدا بعالم‌سینما کشانیده شد «ویلیام‌هولدن» تاکنون یکبارجایزه اسکار گرفته ودرسال ۱۹۵۳ بهترین‌هنرپیشه سال‌شناخته شده‌است. اوباورود بعالم‌سینما نمایش مورد توجه قرارگرفت وکارش رابا ایفای نقشهای درجه اول‌آغاز کرد وتاکنون درفیلمهائی‌چون «پسرطلائی- بازداشتگاه شماره۱۷ پیك‌نیك- پلی‌برفراز رود کوای وچند فیلم دیگر شرکت کرده است.

برای بازی درفیلم «بازداشتگاه شماره۱۷» جایزه اسکار گرفت و اکنون علاوه بر هنرپیشگی درایستگاه رادیوی هنگ‌کنگ دریك‌شرکت الکترونیکی توکیونیز کارمیکندوضمنا یك‌هتل بسیارمجلل نیزبرای توریست‌ها درکنیا ساخته‌است. ودرآمد سرشاری داشته و همسرش نیز «ویلی‌براندا» نام‌دارد.

یول براینر



یول‌براینر

«یول‌براینر» باورود بعالم‌سینما وبازی درچند فیلم‌مختلف نتوانست موقعیتی کسب کند وچون سرش را تیغ‌انداخت ودر فیلمها شرکت‌جست، مشهور ومعروف شد بطوریکه اکنون از هنرپیشگان بی‌رقیب سینمای آمریکا است.

یول‌براینر را ما درفیلمهای بسیاری‌دیده‌ایم‌که «سلطان‌ومن سافاری- بسته مرموز -آناستازیا- برادران کارامازوف و فیلم معروف «ده‌فرمان» ازآنجمله است.

«یول‌براینر» درسال ۱۹۲۰ متولد شد پس‌ازپایان تحصیل وارد عالم‌سینما شد وبازی در فیلمها را ازسیاهی لشگرشروع کرد واکنون‌ازهنرپیشگان بزرك‌هالیوود است.



سلطان موسیقی بتهون

پیدایش موسیقی

پس‌ازسپری شدن‌هزاران یاحتی‌میلیونها سال‌آنطورکه انجیل‌میگوید ، «هنوزبر ازبحر جدانگشته بود» . امابا وجوداین درآن‌عهد نیزکه هنوز جنبنده‌ای روی زمین نمیزیست . جهان ماوای خاموشان‌نبود. امواج کوه‌پیکر باصخره‌های عظیم‌برخوردمیکرد، باد درشاخسارهامیپیچید وازتماس‌آب،باسنگها وسنگریزه‌ها آوای‌دلنشینی برمیخاست.بعدهاجانوران درروی‌زمین‌پدیدار شدند وبااصوات بسخن گفتن بایکدیگر آغازکردند و پرندگان بهنگام دمیدن صبح‌صادق بنغمه پردازی پرداختند .

اما باین اصوات ، سروصداها و نغمات . موسیقی نمی‌توان اطلاق کرد . موسیقی فقط و فقط از آن انسان‌هاست . زیرا فقطانسان بزیور دانائی آراسته شده است بکمك‌موسیقی است که انسانها هیجانات درونی خود را بیان می‌دارند . موسیقی چیزی برتر ازاصوات وسرو صداها ست ، موسیقی‌یکی ازطریق‌بیان واظهارآگاهانه انسانهاست .

چه سبب‌شدکه انسان موسیقی‌را «اختراع کند» ؛ بشرچگونه کشف‌کردکه بازی اصوات می‌تواند مبین‌وترجمان روح واحساساتش‌باشد؛ ازهزاران سال‌پیش، یعنی تقریبا از زمان‌پدید آمدن موسیقی، تابحال‌بشر بتحقیق و تدقیق در این باره مشغولست ، حتی انسانهای اولیه نیز می‌کوشیدند برای این سئوال پاسخی بیابند . آنان ماهیت سحر آسای موسیقی را جز اینکه بگویند عطیه خدایانست . بطریق دیگری توجیه نمی‌توانستندکرد.هرملتی بنحوی خاص‌داستان این احسان وبخشش را ضمن‌افسانه‌ها و قصص‌بیان داشته است. میتوان‌گفت‌که تمام‌ملل و اقوام مختلف ازاین‌قبیل‌قصص‌برای خودساخته وآنها را در طول هزاران سال سینه بسینه بیکدیگر نقل‌کرده‌اند .

یونانیها هرمس‌را بشکرانه بخشیدن موسیقی‌ستایش‌میکردند. اماهرمس خدای بازرگانی وبازرگانان بود وبنظرما بعیدمیآیدکه بتواند باموسیقی سروکاری داشته‌باشد . ولی ازنظر دور نباید داشت‌که اودرعین‌حال پیك وقاصدخدایان دیگرنیز بود. قطعاهنگامی‌که او ضمن گردش و سیاحت درساحل‌دریای مدیترانه، رشته روده‌ای راکه‌ازبرادرش‌آپولون بسرقت‌برده بود برروی کاسهٔ‌لاك‌پشتی استوارکرد، ازجانب ابومنش‌یعنی‌زئوس‌ومحبوبه‌اش مایا،مأموریتی بعهده‌داشته است وبدین‌ترتیب است‌که اولین‌سازیعنی لیربوجودآمد .

چینی‌ها خیلی‌پیش‌ازاین‌با موسیقی‌آشنائی داشته‌اند. چهارهزار وپانصدسال‌پیش از این پادشاه مقتدری بنام هائونك‌تی (۱) «فرمان‌داد» تاموسیقی، را اختراع‌کنند وچهچهه مرغان‌و زمزمه‌جویباران را سرمشق‌دانایان وخردمندان‌کشورخویش قرارداد. درژاپن روزی‌وروزگاری الهه خورشیدقهر کرد وبه پناهگاه خودخزید، مردم‌هرچه عقلشان را روی‌هم‌گذاشتند جز این حیله‌ای بخاطرشان نرسیدکه باسراودن الحان متوالی وپیوسته، اورا به‌بیرون‌آمدن اغوا کنند (در این‌افسانه مراد ازالهه‌قهرکرده خورشید،کسوف میباشد)، حتی امروزنیزدر ژاپن بهنگام وقوع کسوف، مردم بخواندن‌آوازهای فوق‌العاده قدیمی‌متوسل‌میشوند. درایران نیز عوام بر بام می‌روند وطشت می کوبند .

یکی‌ازقبایل‌آمریکای‌شمالی معتقدندکه موسیقی‌ازجانب یکی ازخدایان بنام(تسکانی‌پوکا) (۲) مرحمت‌شده‌است. وچنین‌می‌پندارندکه اویلی ازلاك‌پشت‌ها ونهنگ‌ها ساخته است‌که‌در موقع‌آوازخواندن ونوازندگی با استفاده ازآن خورشید صعود می کند . حبشی ها نیز خدائی دارند بصورت کبوتر، بزعم‌آنان این‌خداوندخواندن ونوشتن راباآنها آموخته وموسیقی راباآنان

Haong - Ti –۱

Tezcatinpoca –۲

ارزانی‌داشته است.

درافسانه‌های ژرمنی(هایمدال) (۱)قاپچی آسمانها . بوقغول‌آسائی‌داردکه آنرا زیر شجرةالحیات دفن‌کرده‌است وهرگاه آنرا بصدادرآورد روزقیامت‌آغازخواهد شد واو درآن‌روز همه خوانندگان وموسیقیدانان رادرپناه خود خواهد گرفت وچون‌خود او نیزموسیقیدان وآواز خوان بوده‌است برایشان شفاعت‌خواهدکرد (۲).

بدین نحو تمام‌ملل قدیم تاریخ و داستان پدیدآمدن موسیقی رابا قصه‌ها و افسانه‌ها درآمیخته‌اند.حتی درقرون‌وسطی نیزچنین می‌پنداشتند که موسیقی را (یوبال) (۳)پسر(کاین)(۴) اختراع کرده است.

ازطرف دیگر به‌آن دلیل که موسیقی‌راعطیه خدایان میپنداشتند، آنرا وسیله‌نزدیک‌شدن بخدایان و نیرو های مابعدالطبیعه قرار دادند . با توسل بآن از طرفی چشم زخم و ارواح خبیثه را از خود می‌راندند ، مرگ وبیماری را طردمیکردند وازانقلابات جوی وحریق احتراز می‌نمودند ، و از طرف دیگر برای جلب عطوفت خدایان ، نزول باران و برکت و بار وری مزارع خویش دعا می‌کردند . یکی ازمبلغیـن مذهبی بنام (سیبره) (۵) صحنه ای ازمداوای بوسیلـه موسیقی را که خود درماداگاسکار ناظر وشاهد وقـوع‌آن بوده است بدیـن نحو شرح می‌دهد :

«روزی دوبار مراسم‌رقص برگزارمیشدبطرز مخصوص‌جوال‌خانه را به صحن حیـاط آورده درکناریک سکه‌نقره‌ای توی هاونی چوبی‌گذاردند وروی‌هاون حصیری پهـن کرده بیمارانی راکه بطرزشگفت‌آوری‌بزک‌کرده بودند روی‌آن نشاندند، بعدطبل‌ها گیتارهای بومی‌وفلوت‌ها را بصدآوردند. تمام‌ساکنین ده‌گرداگرد بیمار حلقه‌زده در حین‌آنکه زنان ودختران‌آوازی یکنواخت‌میخواندند مردان وکودکان‌بلاانقطاع‌دست میزدند، دراینموقع زنی‌که برای این‌موقع‌خاص برگزیده‌شده‌بودوازخاندان‌سرشناسی بنظرمیآمد برخاست وبرقص‌آغازکرد . درهمین‌احوال زنی‌که پشت‌سربیماران پنهان شده بود بابیلی‌که دردست داشت به‌شدت برصفحهٔ فلزی‌لبه‌تیزی‌که ازطنـاب کهنه‌ای آویخته بود ، ضربه میزد بدینطریق پهلوی گوش بیماران سر و صدای کـر کنندهٔ وحشتناکی پدید میآمد. آنان‌گمان داشتند بدین‌نحو می‌توانند روح‌خبیث را از بدن بیمارخارج کرده‌بجان یکی ازرقص‌کنندگان بیندازند. درجمیع‌این احوال که هرآن صدای طبل‌ها فزونی میگرفت، دستهای بیشتری بهم‌کوفته میشد وحنجره‌های تازه‌ای درآوازشرکت میجست. هردوبیمار باوجودآنکه صدای گوش‌خراش چنـدش آوری برخاسته بود همچنان ساکت وبیحرکت برجای خود نشسته بودند . ناگهان با حال تعجبی که بمن دست داده بود دیدم هردوبیمار از جا برخاسته ودرحلقه نوازندگان برقص پرداختند .

نیروی محسورکننده اصوات تاروزگارما نیز برجامانده است‌وهنوزهم‌که هنوزاست‌مردمی که درمراحل‌پائین تمدن‌هستند دربهاربرای باروری مزارع‌وگاوهای‌خود باخواندن‌سرودها دعا میکنند. آویختن زنگوله بگردن‌گاوهائی‌که بچرا میروند نیزدلیل‌بهمین‌است . درهمین قـرن بیستم‌نیرهنگامیکه‌کاتولیک‌ها درکلیسا بعبادت مشغولند وصدای‌دلنواز ارگ طنیـن می‌افکنـد دستخوش جذبه وشورمی‌گردند .

آنچه درفوق‌گذشت شمه‌ای بود ازعقاید وافسانه‌های ملل‌قدیمی یا قبایلی‌که در مـراحل

۱– Heimdall

۲– داستان صوراسرافیل نیزمضمونی شبیه‌به‌این دارد.

۳– Jubal ۴– Kain ۵– Sibrée

پائین تمدن زندگی میکنند ولی باید متذکر بود که ما مردمی که درعهد سیادت علوم طبیعی زندگی می‌کنیم بهیچوجه به افسانه های کهن بدیدهٔ تحقیر نمی‌نگریم بلکه می‌کوشیم زیبائی و حکمتی را که دراین قصص نهفته به بهترین وجهی دریابیم اما بهرحال باین اشارات و کنایات استعارت آمیز دلخوش نمی‌توانیم ساخت بلکه باوسایلی که در اختیار داریم بتحقیق وتتبع در باره منشأ موسیقی بپردازیم .

شناختن مبداء ومنشاء موسیقی برای ما کمال استفاده رادربردارد زیرا کشف این نکته بشناسائی ماهیت موسیقی کمك بسیارمی‌نماید و بهمین دلیل است که تاکنون علماوفلاسفه فرضیات متعددی دراین باره کرده‌اند که ازمیان آنها سپنسر (۱)، نیچه(۲) هاوس اگر(۳) وهردر(۴) را باید نام برد .

در ادواراخیرعلما ومحققین باتحقیق دراحوال ملل بدوی، وحشی ونیمه‌وحشی طریق مطمئن تری برای تتبع دراین زمینه برگزیده‌اند. فرانسویان قبل ازدیگران بمطالعه دراین باره ابراز رغبت نمودند. نخست ژان‌ژاك‌روسو دراثرخود بنام (فرهنگ موسیقی) (۵) ۱۷۶۷ وبعد از او (دولابورد) (۶) درکتاب (تحقیقی درباره موسیقی قدیم وجدید) (۷) ۱۷۸۰ این‌بحث را پیش کشیدند، مردم‌سیاحت پیشه انگلستان‌نیزپس ازفرانسویان بتحقیق دراین موضوع پرداختند ودر این‌اواخر آلمانی ها تحت عنوان علم موسیقی سنجشی به این تحقیقات رونق عمیق بسزائی بخشیدند .

آیاموسیقی ازمشتقات زمانست؛ وقتی که مردم ازحال‌عادی خارج ودستخوش احساسات می‌گردیدند خدای خودرا بلندمی‌کردند و به‌اصوات‌کشش ودوامی‌دلخواه می‌دادند. درصحت‌این فرضیه تردید زیاد روا نبایدداشت. کارل شتومپف(۸) استاد سابق‌فلسفه دانشگاه برلن تاریخ شروع‌وآغاز موسیقی‌را ازلحظه‌ای میداند که مردم ناگزیرشدند برای تفهیم‌وتفهم باصوات‌متوسل جویند وبزعم او ازهمین اصوات است که علم موسیقی به معنای امروزی آن بوجود آمده است مطالعه درموسیقی قبایل مختلف ممکنست مارابکشف پیوستگی‌های نژادی‌که بین‌این قبایل موجوداست رهنمون شود. سخن‌گفتن هنرپیشه‌ها روی صحنه در روزگارما نیزبنوعی آواز میماند. تغییرلحن واعظ واتخاذلحن تازه‌ای هم همان‌آوازاست. ملل‌قدیم‌نیز هنگامی‌که بنیایش خدایان میپرداختند مسلماً چنین‌میکردند. آنان درحال‌عبادت سخت تحت‌تاثیرهیجان درونی خودقرارمی‌گرفتند واین‌هیجان وشوریدگی‌وادارشان می‌ساخت چیزی راکه کلمات یارای بیان آنرانداشت اظهارکنند .

نکته‌ای‌که بسیارجالب توجه‌است ونبایدآنرا ناگفته‌گذاشت‌اینست‌که استفاده ازموسیقی برای هرفرد مجازنبوده وپیشهٔ موسیقی‌دنی خاص‌کاهنان ، جادوگران‌وطبیبان گردید . اینان خواندن بسیاری ازترانه‌ها ونواختن برخی‌ازسازها رابخود منحصرساخته بودند. البته‌آشکار است‌که دیگران حق‌دست زدن باین‌سازها رانداشتند وحتی‌اگرچشم زنی باین سازها می‌افتاد واجب‌القتل شناخته‌میشد. موسیقی‌نیزمانند خیلی‌ازچیزهای دیگر دردست بعضی وسیله احراز تفوق وکسب امتیازات‌شد. کشیشان می‌کوشیدند باانحصارموسیقی‌بخودشان سری‌توی سرها بیرون بیاورند و مقام و وضعی استثنائی برای خودشان ایجادکنند. بدین طریق پای موسیقی نیز که روزگاری عطیه خدایان بود در نبردی که بخاطر کسب قدرت و امتیازات طبقاتی درگیر بود ، کشیده شد.

از آنچه درفوق ذکر شد چنین برمیآیدکه موسیقی از زبان مشتق شده است . موسیقی

۱– Spencer ۲– Nietzsehe ۳-- Hausegger ۴– Herder
۵- Dictionnaire de la musique ۶– J.B.de Labord
۷– Essai sur la musique ancienne et modèrne ۸– Carl Stumpf

در آغاز همان سخن گفتن بود که در آن هر صدائی کشش خاصی می‌یافت . زیر و بم شدن ناپایدار اصوات بعدها اندك اندك بوضع ثابتی گرائید. تحقیقات علمی صحت این نظریه را به ثبوت رسانیده‌اند .

بعدها پرسش دیگری پیش آمد. پرندگان چرا نغمه‌پردازی میکنند ؛ برای دلربائی . نغمه‌سرائی مرغان راجز به‌منزله که بخاطر تکثیر نسل انجام می‌گیرد به‌چیز دیگر تعبیر نمیتوان کرد ، انسانها هم فقط بخاطر نیایش خدایان سرود نمیخواندند بلکه عشق و علاقه‌ای هم که بیکدیگر و جنس مخالف داشتند آنانرا باینکار تحریص و تشویق میکرد. و اما جلب مهر و محبت جنس مخالف ترانه سردادن منحصر با نسانهای اعصار اولیه نیست ترانه های ملی(۱) قرون وسطی نیز همچون ترانه‌ها و سرودهای ملی و محلی کنونی همه و همه آوازهای عشقی هستند . مردمی که این ترانه‌ها را ساخته‌اند بکمك الفاظی که به‌ندرت تعقید و پرده‌پوشی در آن دیده میشود کوشیده‌اند که آن را با خود برسر مهر آورند. بگمان چارلز داروین، مهرورزی و جفت‌جوئی مردم را بر آن داشته است که دست نیاز بسوی موسیقی دراز کنند و از این وسیله سحر آسا برای برآوردن حاجت خویش کمك گیرند .

با وجود آنچه گذشت پنهان نباید داشت که عوامل فوق‌العاده مهم نیز در کار پدید آوردن موسیقی سهم بسزائی داشته‌اند. در روزگاران گذشته هنگامیکه انسانهای اولیه درختی را میافکندند بارگرانی را حمل میکردند، احساس میکردند که اگر از نظر زمانی فاصله معینی را رعایت کنند و یا بزبان دیگر اعمال خودرا با یکدیگر موزون نمایند، انجام دادن کار برایشان سهل‌تر خواهد شد در کار دسته‌جمعی موزون هرفردی مقداری از نیروی خودرا ذخیره میکند . حتی امروز کار براین منوال است و هریك از ما هر روز در کوچه و بازار ناظر کار موزون دسته‌جمعی کارگران هستیم. همین حالا هم وقتی انسانهای قرن بیستم بارگرانی را با نیروی بدنی خود بجائی حمل میکنند از نظر حفظ هم‌آهنگی و موزون بودن کار دسته جمعیشان تفاوتی با انسانهای هزاران سال پیش ندارند .

درحین انجام دادن کارهای دسته‌جمعی بوده که اندك اندك ریتم یا وزن که مهمترین عنصر موسیقی است با بعرصه وجود گذاشته رو به‌کمال رفت، شایدهم بتوان مدعی شد که نخست وزن بوجود آمدن است و سپس موسیقی . براثر تحقیقات گرانبهائی که عالم اقتصاد ملی «کارل بوشر»(۲) درباره مقتضیات حیاتی ملل بدوی نموده به‌تئوری جالب‌توجهی درمورد پیدایش موسیقی دست یافت که آنرا در کتاب بسیار گرانبهای خود بنام (کار و ریتم) (۳) اظهار داشته است. طبق این تئوری که صحت آن ازسایر فرضیه‌ها بیشتر است کارهای دسته‌جمعی و متحدالشکل این خاصیت را دارند که باملحوظ داشتن وزن وریتم در آن ، بهتر و سهل‌تر انجام میگیرند. موزون بودن از صعوبت و توانفرسائی کار میکاهد و بهمین دلیل است که حتی درجائیکه ظاهراً محلی برای موزون بودن کار نمیتوان یافت مردم خودبخود این قبیل کارها را موزون انجام میدهند و برای رعایت و نگهداشتن وزن بناچار آواز میخوانند. «بوشر» سرودها و آوازهای گوناگون ملل وقبایل مختلف را ذکر می‌کند که برای امور متفاوت روزمره خود از قبیل آرد کردن، ریسیدن، بافتن و بلند کردن و حمل بارهای سنگین وغیره پدید آورده‌اند. از آن جمله ازقول یکی از رهبران آواز دسته جمعی بنام (لورینك) (۴) طرز کارعده‌ای ازسیاه‌پوستان آمریکائی را درحین آماده کردن برگهای تنباکو چنین نقل میکند،

« درطالار بزرگی درحدود یکصدوپنجاه تن، زن ومرد ودختر و کودك، دربرابر میز درازی ایستاده با برگهای تنباکو سرگرم کار بودند. ناگهان یکنفر آغاز خواندن کرد و دوپاسه لحن سرداد. دیری براین نگذشت که آواز دسته‌جمعی پرتوان، دلکش وجذابی

۱- Vockslied

۲- Karl Buecher ۳- L'rbeit und Rhythmus ۴- Levering

درطالار طنین افکند. فوراً آواز قدیمی (نان آسمان)(۱) رابازشناختم. درحین خواندن این آواز که قطعهٔ آهسته‌ای بود، قسمت فوقانی بدن خودرا باملاحت خاصی به این سو و آن سو خم میکردند. ازهرحرکتی حال جذبه وشور بخوبی هویدا بود. شوریدگی دلها بالاخره به سرانگشتان انتقال یافت. چنان با نرمی ومهرورزی بر کهای تنباکو را در روی میز لمس میکردند که گفتی تارهای بانجو(گیتار مخصوص سیاهان) را میخواهند بارتعاش درآورند. تشخیص اینکه هارمونی شگفت آورصداها ازچند نوع صدا (سوپرانو آلتو ــ تنور) تشکیل میشد امری بود سخت دشوار. درمدت محدودی هم درپردهٔ واحدی آواز میخواندند ولی بلافاصله دسته دیگری که صدایشان توانائی بیشتری داشت یک اکتاو بالاترمیرفتند، درحالیکه سیاه‌پوستان غول پیکری که دربرابرماشینهای فشار ایستاده بودند باصدای رعد آسای باس خود چنان میخواندند که بطورقطع دم نیرومند ارك اگرآنرا میشنید، دچار رشك وحسد میگردید. بعدازاین آواز آهنگ دیگری راآغاز کردند بنام (بغلطان،جردان،بغلطان) که از آهنگهای ملی مخصوص سیاهان بشمارمیرفت. آوازی مهیب، عجیب و مهیج بود حرکات بدنی کارگران با این آواز سریع‌تر شد. و بجرأت میتوانم گفت که اگر دستهایشان بکار بند نبود قطعاً دست میزدنــد زیرا در حین آوازخواندن نمیتوانستندازهیچیك ازحرکات بدنی خودجلوگیری کنند. چهره آنان دراین حال جذبه وخلسه، روحانیت وملاحتی خاص یافته بود»

بوشرچنین میگوید که درمورد قبایلی که ازسایرین عقب‌مانده‌تر هستند فقط ملودی با ریتم (وزن) بستگی دارد وهنگام کارهای دسته‌جمعی، متن توسط یکی از حضار قرائت میشود و بعد دیگران ترجیع واحدی راباهم میخوانند. بوشراینرا آغازهنردراماتیك میداند ودرحرکاتی که بمنظورازپیش بردن کاری صورت میگیرند ، اوجوانه‌های موسیقی وشعررا تشخیص میدهد. عقیده بوشر را دراینمورد تحقیقات متعدد مورد تایید قرارداده‌اند. زیرا درقدیمترین دراماهائی که بدست ما رسیده‌است همواره ارتباطی بسیارنزدیك بین شعر وموسیقی را باهم توأم می‌بینیم که با حرکات موزون بدنی نیزهمراهی دارد. انشقاق رشته‌های مختلف هنری فقط درجریان تکامل هنر صورت وقوع یافته است امابطورقطع ویقین میتوان اظهارداشت که حرکات موزون بدنی و موسیقی تاثیرمتقابل بریکدیگردارند وهمانطور که باردیگرنیزیادآورشدیم ریتم یا وزن یکی از اساسی ترین ارکان موسیقی راتشکیل میدهد. (بولو) (۲) چنین گفته است که «درآغاز فقط وزن وجود داشت» ، واگنرنیز این نظر را تایید نموده‌است. کودکان هم در ضمن بازیهای خود به ثبوت رسانیده‌اند که وزن را زودتر و بهتر احساس مینمایند و بهمین دلیل است که بنا بتوصیه (ژاك دالکروز) (۳) امروز بحق تربیت موسیقی کودکان را باوزن آغاز میکنند. بازتذکار این مطلب در اینجا زاید بنظر نمیرسد که قابلیت درك واحساس وزن مختص ومنحصربه انسانهای متمدن قــرن بیستم نیست ومطالعه وتحقیق درزندگی قبایل بسیارعقب‌مانده که چندین هزار سال از کاروان بــدور مانده‌اند به این نتیجه منتج میشود که این مردم وحشی یانیمه‌وحشی ازاین لحاظ با انسانهای قــرن بیستم برابری دارند. یکی ازمحققین بنام (ماینرس) (۴) تحت عنوان «دربارهٔ احوال سیاهپوستان افریقائی» در ۱۷۹۰ چنین مینویسد :

«چه هنگام راه‌رفتن وبازی کردن وچه موقع رقصیدن، آوازخواندن وکارکردن همیشه وزن وریتم را رعایت میکنند. گول‌ترین وخرف‌ترین سیاهان بدون کوچکترین وجه تمایزی ، خیلی بهترازسربازان وموسیقیدانان، پس‌ازمطالعه وتمرینهای بسیاروزن را احساس میکنند ».

۱ــ Bread of Heaven
۲ــ Buelow ۳ــ Dalcroz – jaque ۴ــ Meiners

حالا اگر بادر نظر گرفتن مطالب فوق درافسانه‌هائی که میگویند موسیقی را خداوندان به بشر ارمغانی داشته‌اند تحقیق کنیم . چنین نتیجه خواهیم گرفت که خداوندان به مسافران، برای سفردور ودراز وخسته‌کننده‌ای که در پیش داشتند، توشه راهی بخشیده بودند که عبارت بوداز قدرت درك واحساس ریتم والحان. هر گاه که این مسافران از بیابانهای خشك وبی‌آب وعلف میگذشتند به صدای گامهای خود یاچارپائی که مرکوبشان بود گوش فرامیداشتند وبعداین ریتم رابا کلمات و الفاظی که برزبان میآوردند منطبق ساختند وازاین رهگذر بمرور دهور ترانه‌های کوچکی پدیدآمد که‌در تنهائی رفیق راه ومونس دل مسافران میگردیدواز رنج طاقت‌فرسای سفرشان اندکی میکاست . اما بایاد آوری این‌مطلب کـه درآن‌روزگاران فقط بازرگانان وپیشه وران رنج‌سفر را بخودهموارمی‌ساختند،می‌توان باین‌راز پی‌برد که چرادرآن‌افسانه کهن یونانی‌هرمس خدای بازرگانان در اختراع‌موسیقی سهم شایسته ای بعهده‌داشته‌است .

هزاران سال‌پیش ازاین‌مردم دریافتند که ترکیب بعضی‌از اصوات مطبوع‌است در حالیکه برخی ازاصوات دیگر تاثیری نامطبوع وحتی گوشخراش درشنونده بجامی گذارد واین‌همان‌چیزی است که ما امروز آنرا به (کونسونانس) (۱) و (دیزونانس) (۲) تعبیرمیکنیم. البته این کشف نیز با گذشت زمانی‌مدید همراه بود وچنین‌نتیجه‌ای نیزضمن تجارب زندگانی روزمره بدست ما مثلاشبانان یاشکارچیان ازفواصل نسبه بعیدبه‌کمك‌اصوات با یکدیگر ارتباط برقرارمی‌کردند وازپاسخی که ازجانب دیگرمیرسید گاهی سرورو گاهی اشمئزاز بآنان دست میداد .

ممکن‌است ازما بپرسند که خوب کدام‌یك ازفرضیات وتئوریهائی راکه درمورد پیدایش موسیقی‌آورده‌اند بایدبعنوان نظر وفرضیه صحیح مورد توجه وامعان نظرقرارداد؛ و ما بـرای کدام‌یك ازاینها بایدقطعیت ونفوذ قایل‌شویم؛ پاسخ‌ما اینست که فعلا ادامه مباحثات بـی‌سرانجام را بعهده دانشمندان ومتبتعین باید گذاشت .

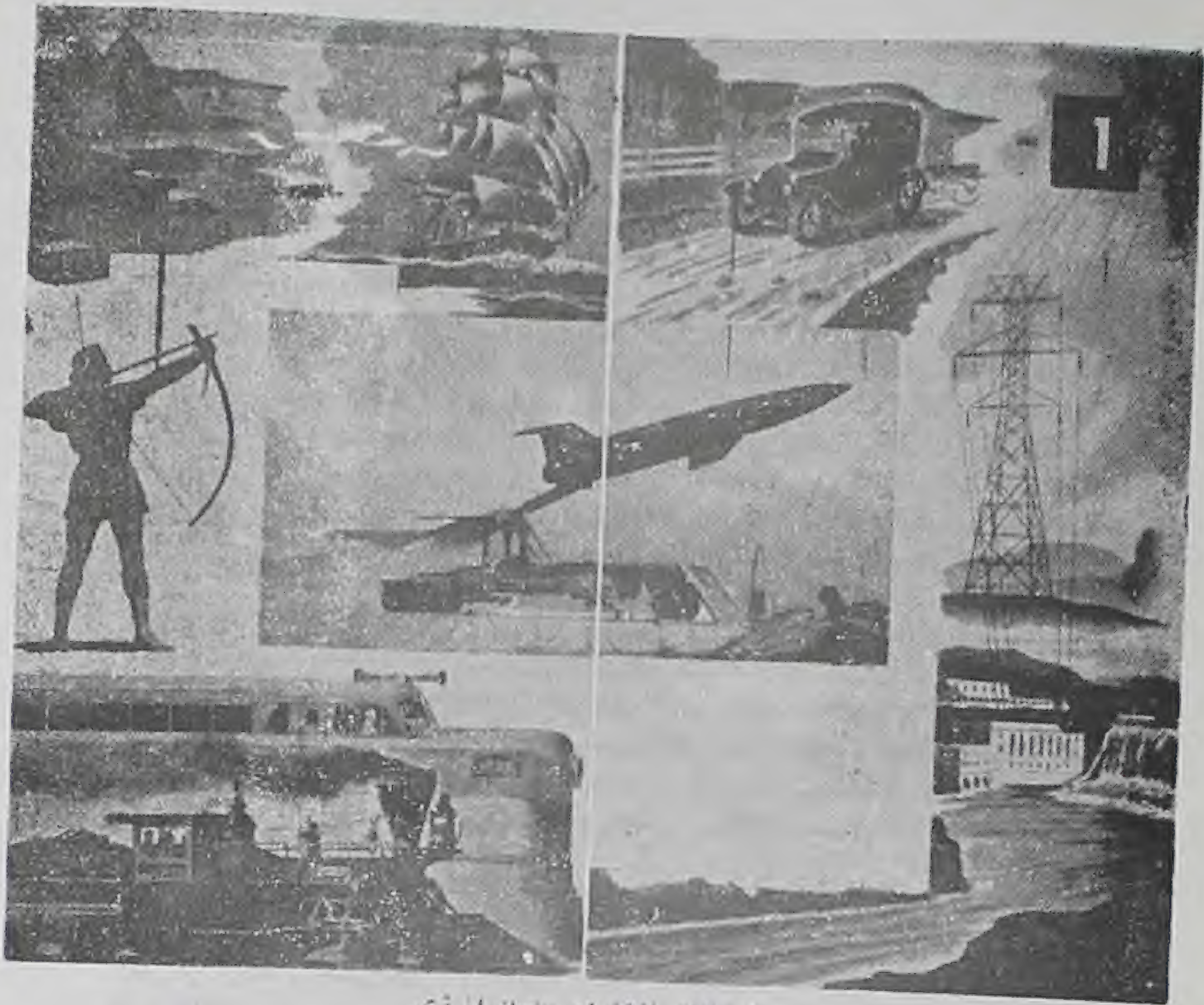
دانستنیهای علوم

انرژی

می‌دانیم که هر گاه آبرا گرم کنیم بخارمیشود بخارمیتواند ماشینی‌را بحرکت درآورد بنابراین گرما یك نوع انرژی‌است. همینطوربکمك برقمیتوان ماده‌بی‌نور و سرد را روشنائی وگرما بخشید. برق‌نوع‌دیگر انرژی است. سنگی‌را درفضا پرتاب میکنیم اگر بشیشه‌ای بخورد آنرا میشکند بنابراین سنگی که درحرکت است دارای انرژی‌است. هرجسمی که نسبت بسطح زمین دربلندی قرارگرفته باشد هنگام فرودآمدن میتواند کاری انجام دهد.

همه دیده‌ایم که درآسیای بادی پیوسته‌آب را ازنقطه‌بلندی برروی پره‌ها چـرخ جاری میسازند همین کیفیت چرخ آسیا را بگردش میاندازد وباهمین‌روش ازآبشارها استفاده بیشتری میبرند . غذای روزانه انسان‌که به‌اوتوانائی کار و حرکت وتفکر را میدهد نوع‌دیگری‌انرژی است . قوه مخرب گلوله‌ای‌که از دهانه‌تفنگ بیرون‌آمده وبهدف میخورد انفجارباروت نیز در خراب‌کردن هدف تاثیردارد. باروتی‌که درداخل گلوله میریزند نظیر غذائی‌است که وارد بدن انسان میشود. پس‌عواملی‌را که درماده تغییراتی بوجودمیآورند وجهان را ازسکونت و آرامش

۱– Consonence ۲– Disonence



نمونه‌ای از انواع مختلف انرژی



این تصویر نشان میدهد که چگونه تمام انرژی‌ها از خورشید است.

رهائی می‌بخشند انرژی نام دارند انرژی ابدی است یعنی هرگز تولید نمیشود و هیچ وقت از بین نمی‌رود فقط تغییرصورت میدهد مثلاوقتی که بکمك نیروی‌برق اطاقهای خویش رادرزمستان گرم میکنیم ویامنزل‌وشهرها را روشن‌میسازیم حرارت وروشنائی بخودی خود ایجاد نگشته‌اند بلکه همان نیروی برق است که این‌دورا پدیدآورده درحالت اول‌نیروی برق‌بصورت‌گرما ودر حالت دوم‌بصورت روشنائی تغییریافته است. همینطورهنگامیکه‌ازآبشاری‌برای تولیدبرق‌استفاده می‌بریم انرژی‌آبشار است که به‌نیروی برق‌مبدل میگردد.

انواع‌مختلف‌انرژی که دراطراف خودمی‌بینیم همه ازخورشید سرچشمه‌میگیرند مثلاگرما دراثرسوختن چوب وذغال ایجادمیگردد وهمه می‌دانیم که ذغال‌وچوب راگیاهان‌فراهم‌میآورند وزندگی گیاهان بدون‌نورخورشید ازجمله محالات است‌پس‌انرژی که درذغال و چوب‌است بطور غیرمستقیم ازخورشیدگرفته میشود، ذغال‌سنگ ونفت که سوختهای دیگری‌ازآنها درست‌میکنند نتیجه تغییرشکل گیاهان وجانورانی است که دردورانهای بسیارکهن درسطح زمین میزیسته‌اند. آبشارهانیز که سرچشمه بسیاری ازانرژی‌ها می‌باشند در اثرحرارت خورشیدپدیدمی‌آیند زیرا گرمای آفتاب است که‌آبهای سطح‌زمین را بخارکرده و بصورت ابر بآسمان می‌فرستد. ابرها بصورت باران یا برف بر روی زمین فرو می ریزند و از آنها رودخانه ها و آبشارها بوجود می‌آیند.

نور آفتاب زندگی گیاهان را تامین می‌کند و زندگی حیوانات بسته بوجود گیاهان است. از اینرو روزی‌که خورشید ازصفحه گیتی نابود گردد سکوت و مرگ همه‌جا را خواهد گرفت.

زمین

خودپسندی انسان اورا برآن‌داشت‌که زمین را مرکز جهان بداند و خودرا سرآمد موجودات بشمارد، از اینرو تا مدتی می‌پنداشتند ستارگانی‌که در آسمان پراکنده‌اند همه‌بدور زمین می‌گردند. جمس جینز (James Jeans) دانشمند انگلیسی گذشته زمین را چنین شرح میدهد:

«بین‌پنج میلیون‌میلیون وهشت میلیون‌میلیون سال‌پیش ابرهای غلیظ ودرخشانی‌ازگازهای مختلف فضای بی‌سروته راپرکرده بود. این‌ابرهاخود راگرفته وشکل‌ستارگان بیشماری که همه‌جا پراکنده است درآمد. یکی‌ازاین ستاره‌ها خورشید بود. درطول‌زندگی این‌ستاره اتفاق ناگواری برایش رخ داد وآن این‌بودکه ستاره دیگری بشدت باونزدیك شده اورا درهم‌شکست ودرنتیجه لکه‌هائی ازآن‌جدا شده باطراف پراکنده‌گشت، این قضیه در ۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰ سال پیش اتفاق‌افتاد. زمین یکی‌ازتکه‌های خورشید و سایرستارگان منظومه شمسی تکه‌های دیگر آن هستند. زمین‌هنگام جداشدن ازخورشید جزیك‌پارچه‌آتش‌آبگون که باشتاب زیادی‌بدورخود میچرخید چیزدیگری نبود این‌توده کم کم سردشد وسطح‌آنرا پوسته جامدی پوشانید. این همان پوسته‌ای است‌که زندگی‌درآن‌آغازگردیده است».

زمینی‌که مادرآن زندگی میکنیم یکی ازستارگانی است‌که بدورخورشیدمیگردند میان این‌ستارگان بیقین زهره ومشتری رانیز میشناسیدکه بهنگام شب‌بخوبی نمایانند ومانند زمین بدورآفتاب فصول‌چهارگانه حاصل‌میشود. گذشته ازگردشی‌که درمدت یکسال بدورآفتاب انجام میدهد زمین‌بدورخود نیزمیچرخد وازاین‌گردش شبانه‌روز بوجود می‌آید. بنابراین روشنائی زمین مانند تاریکی‌آن ازخورشید است شکل‌زمین‌گرد است وسطح آن ناهموار زمین دائما درتغییر است وزلزله،آتش‌فشانی، آبهای ساکن‌وجاری، باران وبرف، گرما و سرماهر آن آن‌را بصورتی دیگرجلوه گرمیسازند. درحقیقت هیچ‌نقطه‌ای‌ازسطح‌زمین‌نمیتوان‌یافت‌که همیشه بیك‌صورت باقی‌بماند وتغییر نپذیرد. هرچه ازسطح‌زمین بمرکز آن پائین‌رویم گرمای زمین‌شدت می‌یابد. همه‌کس میداند هنگامی‌که چاهی‌میکنیم هرچه چاه گودتر باشد گرمای درونی‌آن‌بیشتر

است. بطور کلی هر ۳۹ متری که از سطح زمین پائین میرویم حرارت یکدرجه بالا میرود باین ترتیب درعمق شصت کیلومتری درجه حرارت به ۲۰۰۰ میرسد ودراین حرارت هیچ جسمی را درسطح زمین نمی‌شناسیم که گداخته نگردد.

پیدایش انسان

موجودات کنونی ازتغییرشکل وتکامل موجودات گذشته زمین بوجود آمده‌اند ، بعبارت دیگرحیوانات ویانباتاتی که امروزما می‌بینیم دراصل چنین نبوده وپیشرفتهائی کرده‌اند. انسان مانندسایرموجودات زنده ازاجتماع کوچك زنده‌ای بوجود میآید که هریك را یاخته (سلول) گوئیم ساختمان وترکیب شیمیائی یاخته درتمام موجودات یکی است ازطرف دیگر هرموجودزنده‌ای درآغازپیدایش ازیك سلول تشکیل میگردد که آنرا سلول تخم می‌نامیم این سلولها درمحیط مناسب بزودی تقسیم می‌گردند وسلولهائی که ازاین تقسیم بوجود می‌آیند گردیکدیگر جمع آمده وکم‌کم اندامهای گوناگون جانور را پدیدمی‌آورند.

انسانی که در آغاز برروی زمین پیدا شده با انسان کنونی در قد و سیما ، وضع ایستادن ، وضع شصت با نسبت بانگشتان دیگر ، حجم جمجمه وزن مغز ، و غیره تفاوت داشته است.

ازآغازپیدایش انسان اولیه تاکنون بیش ازدویست هزارسال نمی‌گذرد و این مدت نسبت بتاریخ گذشته زمین بسیارناچیزاست. بنابراین زمان پیدایش انسان ازعصر کنونی چندان دور نیست پیش ازانسان موجودات بسیاری درسطح زمین میزیسته‌اند که هریك بنوبه خود ظاهرشده وتغییرشکل یافته ناپدیدشده‌اند.

نژاد

افراد بشر با آنکه در ظاهر هیکل انسانی دارند معذالك میان خود اختلافاتی ظاهر می‌سازند که بکمك آن می‌توان دسته‌ای را ازدسته دیگر متمایز ساخت. اختلافات افرادبشر بیشتر در رنگ پوست ، رنگ وریخت مو ، رنگ چشم . بلندی قامت ، ریخت ، سرو...میباشد. هریك از این دسته‌ها رانژادخوانند. بنابراین نژاد عبارتست ازمجموعه افرادی که دارای صفات بهمان صورت ازنسلی به نسل دیگر منتقل گردند.

درقدیم افرادانسانی را ازروی پوست بچهارنژاد زرد،سیاه،سرخ وسفید تقسیم میکردند. ولی این دسته‌بندی ساده اغلب درست درنمی‌آمد چه درنژاد سیاه گاهی اختلاف میان افراد باندازه‌ای است که نمی‌توان همه آنهارا ازیك نژاد دانست.

تقسیم افراد انسانی به نژادهای گوناگون بطورمطلق معنائی ندارد زیرا غالب افرادانسانی ازحیث صفات درفواصل نژادها قرارگرفته‌اند وحقیقتاً نمیتوان فهمید کجا نژادی آغازمی‌گردد ونژاد دیگرپایان می‌یابد. برای رفع این اشکال چند صفت را باهم ترکیب میکنند و مجموع صفات آنهارا ممیز نژادمی‌دانند. امروزه درافرادانسانی چهار گروه تشخیص می‌دهند که هریك بنوبه خود نژادهای گوناگونی دربردارد.

اولــ کوتاه قدان(از ۱۴۰ تا ۱۵۰ سانتیمتر) رنك آنها زردروشن تا سرخ وقهوه‌ای فرق میکند، تنه نسبت به اعضای سافله خیلی بلند است.

دومــ گروه سیاه‌پوستان که درآن نژادهای بسیاری وجود دارد ، بهترین نمونه آن سیاهان آفریقائی هستند که پوستشان ازقهوه‌ای سیاه تاسیاه تغییرمیکند. قدآنها کشیده و بلند وشانه‌ها پهن، موها سیاه ومجعد، بینی پهن، لب‌ها کلف وبرجسته وفك پائین بسمت جلو متمایل است. دراین گروه صفات بعضی ازنژادها مثل ساکنین حبشه که ازاختلاط دوگروه سیاه و سفید بوجودآمده با

صفات پیش‌تفاوت بسیاردارد .

سوم — گروه زدد پوستان — که سرخ‌پوستان آمریکائی ، منول ها ، اسکیمو ها جزو آنها بشمار می‌آیند ، رنگ آنها زرد، موها سیاه وبلند و صاف و چشم ها مورب و گونه ها برجسته است .

چهارم— گروه‌سفیدپوستان- که‌افراد آن‌رنگی‌سفیدوگندم‌گون دارند، رنگ‌مو،ازخرمائی روشن تاسیاه ، رنگ‌چشم‌ازآبی تا قهوه‌ای سیرفرق میکند نژادهای این‌گروه بخصوص‌درآسیا واروپا بسرمی‌برند .

علل‌تغییرشکل موجودات ونظریات تکامل

درباره‌چگونگی وعلت‌تغییرات موجودات زنده‌نظریات بسیاری است، فکرموجودات فقط ازاواسط قرن‌گذشته درعلوم طبیعی‌پیدا شد. گرچه بین دانشمندان یونان‌قدیم پاره‌ای بکیفیت تکامل‌عقیده داشتندولی‌این‌فکرهرگزسروصورتی‌بخودنگرفت . گته‌شاعربزرگ‌آلمانی‌نخستین کسی‌بود که بامدارك صحیح‌تغییرشکل‌موجودات‌را نشان دادو‌ثابت‌کرد‌که اعضای مخالف‌گل‌نتیجه تغییربرگ‌است واستخوانهای سرهمان‌استخوانهای ستون فقرات‌است. بعد از گته دانشمندان دیگری ازبررسی‌وسنجش بازوی انسان وبال‌پرندگان وشباهت‌میان‌آندو نتیجه‌گرفتند که یك بستگی‌وقرابتی‌باید میان این‌جانوران برقرارباشد . نخستین‌کسی‌که بطوردقیق فکرتغییر شکل وتکامل‌موجودات را ایجادکرد وانتشارداد لامارك فرانسوی‌بود.

نظریه لامارك یالامارکیزم

در یك قرن‌پیش یعنی هنگامی‌که این دانشمند عقاید خودرا درباره‌کیفیت تکامل‌بیان کردمعلومات بشرهنوزباندازه‌ای نبود‌که تمام اطراف وجوانب‌آنرا درنظرگیرد .

لامارك علت‌تغییرشکل موجودات را ازطرفی‌وابسته بمحیط خارجی وعوامل‌آن میدانست وازطرف دیگر بعادات و اعمال موجود یعنی وسائلی‌که بکمك‌آنها موجودبقای‌فردوبقای نسل را تامین‌می‌کند .

قسمت‌اخیر‌که لامارك‌درتحت عبارت«آثاراستعمال‌وعدم استعمال‌اعضاء» بیان میکندنکته اصلی نظریه اورا بیان می‌کند .

بگفته لامارك«درهرحیوانی‌که نموآن پایان نیافته استعمال‌زیاد و پیوسته عضوی موجب نموآن می‌گرددونیروئی‌متناسب‌با زمان استعمال‌درآن پدید می‌آورد برخلاف عدم استعمال‌دائمی یك عنصرآن‌را ضعیف‌یا کوچك‌کرده وتوانائی‌آنرا تخفیف‌می‌دهدوبالاخره‌به ازبین‌بردن‌آن‌عضو منتهی می گردد .

مثلا زرافه‌که‌گردنی‌درازودستهائی بلنددارد ، غالباً درنقاطی بسرمیبرد‌که زمین خشك وبی‌آب وعلف‌است ناچار برای‌تغذیه‌به‌برگ درختان‌روی میآورد وپیوسته میکوشدتا بآن‌برسد این‌عادت مدتی‌مدید ودرسالهای متوالی باعث‌درازی گردن وبلندشدن دستهای‌زرافه گردیده است بهترین‌مثالی‌که لامارك دراین باب‌ذکرمی‌کند فقدان‌چشم درجانورانی است‌که تمام‌زندگی خودرا درتاریکی‌می‌گذرانند بنابراین‌عامل تاریکی وجودحس بینائی را بیهوده‌ساخته و موجب کوچك‌شدن یا ازبین رفتن‌آن می‌شود . بطورکلی عقیده لامارك‌را می‌توان درتحت دوقانون زیر خلاصه‌کرد :

نخستین قانون‌پیدایش تغییرات درنتیجه شرائط محیط‌وبروزعادات‌دومین‌قانون انتقال تغییرات‌به اعقاب .

مکتب‌داروین یاداروینسیم (تنازع‌بقاء وانتخاب‌جنسی)

نظریه داروین بقدری درمیان‌مردم شیوع واهمیت دارد‌که امروزه درکشورها‌کمترکسی

است که با عقیده این دانشمند آشنائی نداشته باشد و آنرا کم و بیش نشناسد. در نظریه او دو قسمت متمایز ازیکدیگر وجود دارد.

یکی اثبات تغییر شکل موجودات زنده که فکر تازه‌ای نیست ولامارك بطور وضوح بیان کرده است، اما در این قسمت مطالعات داروین دقیق‌تر است علت تغییر شکل موجودات تامدتی برای داروین پوشیده ماندولی یك نکته نظرش راپیوسته جلب می‌کرد و آن اهمیت دخالت انسان در تربیت حیوانات اهلی و پرورش گیاهان بود.

انسان پیوسته می‌کوشد که برای رفع حوائج و استرضای خاطر خویش حیواناتی سودمندتر و یازیباتر بدست آورد یا گیاهانی بپروراند که بیشتر و بهتر مورد استفاده قرار می‌گیرند مثلا می‌کوشد تا گل‌هائی که بزرگ وزیباترند ودر بازار خریدار بیشتری دارند بوجود آورد یا انواعی از چغندر که مقدار قند آنها زیادتر است تولید کند همینطور گوسفندانی که پشم آنها مرغوبتر یا اسبانی تندرو یا کبوترانی زیبا ... برای خود تحصیل نماید و آنهائیکه برای صفت معینی بر دیگران برتری دارند انتخاب کرده و باهم می‌آمیزد، توجه داروین بیشتر متوجه کبوتران خانگی گردید.

تربیت کبوتر ازقدیم در کشورهای بزرگ مانند مصر قدیم ودولت روم معمول ومتداول بوده است. هر کبوتر شجره‌نامه‌ای داشته که نزدیکی ونسبت آنرا با کبوتران دیگر معلوم مینموده است در نتیجه طرق مختلف تربیت ودرطول قرون متمادی نژادهای کنونی پدید آمده‌اند که اختلاف پاره‌ای از آنها ازحیث شکل، رنگ، بزرگی وغرائز طبیعی بسیارزیاد وقابل ملاحظه می‌باشد. داروین با بررسی دقیق و کوشش خستگی ناپذیری بالاخره باین نتیجه رسیده که نژادهای کنونی نوع کبوتر همه یك اصل ویك جد مشترك داشته واراده انسان در انتخاب وتقویت صفات ودر پیدایش نژادهای گوناگون دست داشته‌است.

درطبیعت نیزموجودات زنده بیش از آنچه که زمین می‌تواند غذاومکان بدهد پدید می‌آیند؛ بهمین جهت میان آنها برای ادامه زندگی وتهیه خوراك وجامبارزه‌ای درمی‌گیرد. دراین مبارزه موجوداتی موفقیت می‌یابند که طبیعت در آنها امتیازاتی که موجب پیروزی آنهاست بودیعه گذارده باشد. این امتیازات پاره‌ای ازهمان اختلافات ذاتی هستند که افراد یك موجود را از یکدیگر متمایز می‌سازند.

بنابراین همینطور که درپرورش حیوانات یا نباتات انسان، افراد ممتاز را برگزیده و باهم می‌آمیزد طبیعت نیز در «تنازع بقاء» افرادیرا که ممتازهستند انتخاب کرده ودرمبارزه پیروز می‌گرداند. این افراد هنگام تولید مثل امتیازات ذاتی خودرا باعقاب منتقل مینمایند که دره‌رنسل دراثر «تنازع بقاء» تقویت یافته، پس از چندین نسل موجب تمایز موجودی ازموجود دیگر میگردد.

برای توضیح بیشتر بیائید دوفرد نر وماده راکه ازیك نوع هستند درمحیط محدودی فرض کنید، این دوفرد که هیچ رقیبی درزندگی ندارند، ازفراوانی خوراك برخوردارندو بخوبی تولید مثل می‌کنندو کم کم برشمارهٔ افراد می‌افزایند البته هیچیك ازافراد بایکدیگر شباهت کامل ندارند ومیان آنها اختلافاتی موجود است که یکی‌را ازدیگری متمایز ومعین مینماید. ازآنجاکه سرعت ازدیاد موجودات زیاد است افراد بزودی تمام محیط را فرامی گیرند فراموش نکنید که مقدار مواد غذائی ثابت است یا اقلا بهمان نسبت افزایش نمی‌یابد این است که پس ازمدتی مواد غذائی محیط کفاف احتیاجات افراد رانمیدهد. دراینجاست که میان افراد مبارزه درمی‌گیرد وهر اختلافی که مایه برتری ومزیت یکی ازافراد باشدوموجب سهولت مبارزه گردد پیروزی آن فرد را تامین خواهد نمود. افراد ضعیف یا افرادیکه فاقدهرگونه امتیازند درمبارزه مغلوب گردیده ومحکوم بفنا می‌باشند.

چنانچه می‌بینید میان افراد محدود در نتیجهٔ «تنازع بقاء» انتخابی بعمل می‌آید وداروین آن‌را «انتخاب طبیعی» می‌نامد.

مبارزه‌میان افرادتنهاعامل «انتخاب‌طبیعی» نیست‌موجود زنده‌پیوسته دستخوش شرایط نامناسب محیط‌است که هر لحظه‌زندگانی اورا بمخاطره می‌اندازند دراینجا نیزافراد ضعیف‌وناتوان تاب‌مقاومت نیاورده‌ونابود خواهند گشت.

همه‌می‌دانیم که گرگ زندگانی‌خودرا ازشکار حیوانات‌علف‌خوارتامین می‌کند، حال‌فرض کنیم که میان‌انواع علف‌خواران یك‌نوع‌مثلاآهو ازحیث‌شماره بردیگران‌برتری یابدزندگی گرگ‌بستگی باتوفیق‌درشکار آهوداردوازآنجاکه‌آهو حیوان‌تندروئی است‌تنهاگرگان تندروو چابك‌می‌توانند بمقصودرسیده بزندگی‌خودادامه‌دهند. صفت‌تندروئی وچابکی که صفتی‌ذاتی‌است باعقاب‌منتقل گردیده وچندی‌نمی‌گذرد که‌میان‌گرگها نوع‌تندرو بوجودخواهدآمد.

این‌نکته را بایدمتذکرشدکه لازمهٔ پیروزی‌دارابودن صفت‌معین ومعلومی نیست صفات دیگرنیزهرکدام بنوعی‌میتوانند موجودرا درادامه زندگی‌توفیق‌دهند. حیوان‌گوشت خواررادر نظرآرید که درفضای محدودی بسرمیبرد، اگرشمارهٔ علف‌خواران‌دراین‌محیط‌بحداکثرخودرسیده باشد احتیاجات غذائی‌افرادگوشتخوار راکه‌بسرعت افزایش‌می‌یابند نمیتوانند برآورند، دراین میان پاره‌ای ازافرادگوشخوار درمبارزه بردیگران چیره‌گشته وعلفخواران را می‌ربایند ولی افراد دیگرلزوما نابودنمیگردند چه، ممکن‌است رژیم‌غذائی‌خودرا تغییرداده ازجانوران‌دیگر تغذیه‌کنندیا محل‌زندگی‌خود را تغییرداده بازندگی‌درآب سازگارشوند یا برروی درختان بسر برند یعنی‌درمحیط‌های دیگری غیرازمحیط اصلی خوراك‌بچنگ‌آورند یاآنکه بالاخره کمی از خوردن‌گوشت دست بکشند وبه‌خوردن علف بپردازند.

افرادیکه در روش‌زندگی ازیکدیگر دورمیشوند بزودی ازنظرشکل وصفات نیزمتفاوت می‌گردند.

بطورخلاصه بنظرداروین علت تغییرشکل موجودات زنده اختلافات‌میان افراد یعنی صفاتی‌است که ذاتا درآنها موجوداست این‌صفات برحسب اتفاق ممکن است در «تنازع بقاء» سودمند واقع‌گردند و «انتخاب‌طبیعی» آنها را بسوی معینی هدایت وتقویت نماید، البته‌داروین بعلت پیدایش این‌صفات ذاتی وقعی‌نمی‌گذارد وبنظراومهم آنست که بدانیم چگونه موجودات زنده ازیکدیگرمشتق‌شده وچه عواملی دراین‌اشتقاق دخالت‌داشته‌است. ازگفته‌های فوق نظریه داروین‌را میتوان باعبارت زیرخلاصه‌کرد:

هرفرصتی که در «تنازع بقاء» بحال فردمفید واقع‌گردد خواه ازنظراینکه اورا بر افراد دیگربرتری دهد یاازنظراینکه موجب پایداری اودر برابرشرایط نامناسب‌باشد درنسل‌های‌بعد بتدریج تقویت‌گردیده وسبب‌پیدایش موجود جدید میشود.

مکتب داروین یا داروینیسم

«انتخاب جنسی»

هرموجود زنده پیش از مرك تولید مثل میکند یعنی موجوداتی شبیه بخود بر جای می‌گذارد. تولیدمثل‌درجانوران بدوصورت انجام میگیرد. نخست آنکه یك فرد بتنهائی‌توانائی داردکه ازخود موجوداتی بیادگارگذارد دوم‌آنکه برای تولیدمثل حتما شرکت دو فرد لازم

است که از نظر دستگاه تناسلی بایکدیگر اختلاف‌فاحشی دارندیکی ازاین دوفرد رانر ودیگری را ماده‌گویند صورت اخیر یعنی‌شرکت دوجنس‌نروماده درعمل تولیدمثل‌درتمام موجودات زنده کلیت دارد.

همه‌کس‌خروس‌ومرغ‌خانگی‌را باچشم‌خود دیده‌واختلاف‌آن‌دو را می‌شناسد وفوراًدراولین نظرمیتواند مرغ‌را ازخروس‌تشخیص‌دهد ، زیراخروس‌گذشته ازاینکه ازمرغ بزرگتراست تاج بزرگی بسردارد وسیخکی درپا وبالهای رنگارنگش زیباترازپروبال مرغ‌است وسحرگاهان با بانك رسای‌خود خفتگان‌رابیدارمیکند وبعلاوه حس‌جنگجوئی‌ورقابت در آن بخوبی نمایان و آشکار است .

اگربسیاری ازخوانندگان شیررا ندیده‌اند ولی ازروی تصاویریا مجسمه‌ها باین نکته برخورده‌اندکه شیرنرقوی‌ترازشیرماده وداری یال‌بلندی است .

همینطور گوزن نر دارای شاخ وگوزن ماده فاقد آنست . در انسان مرد را بکمك ریش وسبیل و صفات دیگرفوراً از زن‌که برای پرورش وتغذیه‌کودکان خود دارای پستان‌است تمیزمی‌دهیم .

اختلاف میان دوجنس‌نروماده تقریباً درتمام جانوران‌عمومیت دارددودرهمه‌جا یکی‌ازدو جنس درنظراول بواسطه پاره‌ای صفات ازجنس‌دیگر مشخص‌ومتمایزمیگردد .

پیدایش‌صفاتی که‌جنس‌نروماده را ازیکدیگرمتمایزمیسازند غالب اوقات بکمك«انتخاب طبیعی» نمی‌توان بیان‌کرد زیراهیچ یك‌ازاین‌صفات مفید فایده بنظرنمی‌رسد ودر «تنازع بقاء» بکارنمیخورد امابايد بخاطرداشت‌که این‌صفات را غالباً دریکی ازدوجنس بخصوص جنس نر می‌یابیم حال‌آنکه جنس‌ماده فاقدآنهاست، بعلاوه درحیواناتی‌که‌تلاقی دوجنس وعمل تولیدمثل درموسم وفصل‌معینی ازسال‌انجام میگیرد این‌صفات فقط هنگام تولیدمثل ظاهرمیشوند و از آن پس دوباره برای مدتی‌دوباره ازبین میروند. ازاین‌رومیتوان‌نتیجه‌گرفت که‌این‌صفات‌فقط‌هنگام تولید مثل ظاهر میشوندواز‌آن‌پس‌دوباره‌برای‌مدتی ازبین میروند ازاین‌رومیتوان‌نتیجه‌گرفت که‌این صفات‌بایستی باعمل تولیدرابطه نزدیك داشته‌باشنددراین‌نکات‌توجه‌نمودوعامل پیدایش آنها را «انتخاب‌جنسی» دانست .

« انتخاب جنسی» برعکس«انتخاب طبیعی»که موجب‌پیروزی جانوران « تنازع بقاء » میگردد سبب‌پیروزی بعضی افرادیك‌جنس است بردیگران درعمل تولیدمثل.

بنظرداروین چون‌حیوانات‌نر برای تملك‌ماده با یکدیگررقابت میورزند میان آنها افرادی‌که امتیازات بهتری‌مانند رنگ‌های زیبا، آوازخوش‌یا رفتار وحرکات موزون دارند بوسیله ماده انتخاب‌گردیده و امتیازات خودرا با عقاب‌منتقل می‌کنندگاهی نیز برای تصاحب ماده کاربمبارزه ونزاع‌میکشد دراینجا موفقیت‌بانرهائی‌است‌که سلاح‌قوی ونیرومندی دارند (سیخك‌خروس، شاخ‌گوزن).

البته برای‌آنکه «انتخاب‌جنسی» صورت‌گیرد باید شماره‌نرها بمراتب‌ازشماره ماده ها زیادترباشد ، درغیراینحال مبارزه ورقابت‌نرها مصداق و معنائی‌پیدا نمی‌کند، در بعضی از پستانداران وماهیان وحشرات حقیقتاً جنس نرازحیث شماره برجنس‌ماده فزونی دارد ، تعدد زوجات نیزهمین‌کیفیت را ایجاد میکند، زیرا اگریك‌نرچندین‌ماده را تصاحب‌کند نرهای‌دیگر ازعمل‌تولید مثل‌محروم‌خواهند ماند .

اما درغالب‌حیوانات شماره‌افراد دوجنس‌تقریبا مساوی‌است دراینحال‌دیگراز رقابت و مبارزه نرها تملك‌ماده نمیتوان‌سخن‌راند. داروین خودباین اشکال برخورده وآنرا بطریق‌زیر حل‌میکند ؛

هنگامیکه پرندگان مهاجرازمکانی بمکان دیگر مهاجرت میکنند افراد نرپیش‌ازماده

بمقصد میرسند. در حشرات نیز نوزادانی که بحد بلوغ میرسند درابتدا همه ازجنس نرند، بنا بر این لزوما بر سر ماده‌های تازه‌وارد یا نودس رقابت ومبارزه بمیان می‌آید. داروین برای تائید نظر به خودشواهد ومثال‌های بسیار ذکر می کند. مثلا بلبلهای نر هیچگاه در دنبال ماده نمیروند بلکه برروی شاخه‌های درخت نشسته وبخواندن می‌پردازند، بلبل ماده میان نرها آنکه آوازش موزون وپسندیده‌تراست انتخاب کرده وبسوی آن پروازمی کند. طاوس نر بالهای دم را میگستراند وخود را دربرابر ماده جلوه گرمی‌سازد ودرعین حال گلو وسینه خود راکه برنگ‌های زیبائی مزین است نمایش می‌دهد، در بعضی ازپرندگان قاره آمریکا هنگام تولیدمثل نرها دربرابر ماده حرکات مخصوصی انجام میدهند. در تمام این حالات ماده میان افرادنر آنراکه زیباتریاحرکاتش موزون‌تراست برای همسری انتخاب میکند. این صفات که درعمل تولید مثل مفیدواقع میشوند به نوزادان به ارث میرسند ودرمدت نسلهای متوالی تقویت میگردند وسرانجام اختلاف میان دوجنس را پدید می‌آورند.

مبارزه میان افرادنر برای تملک ماده درنوع گوزن بخوبی مشهود است گوزنهای نر با شاخهای خودبجان یکدیگر افتاده وبجنگ می‌پردازند، البته موفقیت بافردی است که در این مبارزه بررقیبان خودچیره گردد وآنها را ازپای درآورده یا ازمیدان بدرکند. این کیفیت در جانوران دیگر بخصوص خروس وپاره‌ای حشرات دیده شده ولی مشاهدات داروین و دانشمندان دیگر دراین باب زیاد ومتنوع نیست.

پیدایش وتکامل وسائل تولید

چیزی که جامعه انسانی را از جامعه حیوانات، متمایز میسازد وتمام تاریخ وتمدن بشر مولود آنست پیدایش وتکامل افراد وسائل تولیداست. انسان ازآغاز پیدایش مانند بسیاری ازپستانداران بخصوص میمونها برروی درختهای جنگل‌های نواحی گرمسیر بسر میبرده واین تنها وسیله نجات او ازچنگال درندگان بوده است. در این هنگام خوراك او رامیوه جات وریشه درختان تشکیل میدهد، نخستین افزاری که بدست انسان ساخته شده افزار سنگی است.

انسان در برابر درندگان ناچار باید ازخود دفاع نمایدیا برای بدست آوردن خوراك جانوران دیگر راشکار کند افزارهای سنگی مانند تیر، سنان، چخماق وغیره مولوداین دو احتیاجند وتراش آنها درآغاز خیلی خشن ودوراز ظرافت بوده است، مقارن همین زمان است که آتش کشف گردید وازآن برای طبخ شکار وماهی استفاده شد.

افزارهای سنگی برای رفع تهیه خوراك ودفاع دربرابر درندگان پدیدآمد وچون رفع این دواحتیاج انسان در هرنقطه‌ای امری لازم وحتمی است. بنابراین نباید ازشباهت افزارهای سنگی که نقاط دوراز دیگربدست آمده در شگفت ماند.

افزارهای نامبرده دربالا نمیتوانند خوراك انسانرا بطورمنظم تامین نمایند زیرا شکار حیوانات بکمك آنها جزدرمواردی که بخت یاری نمایدممکن نیست، ازاین رو شکار هنوز چندان رونقی ندارد امااز روزی که تیر و کمان پیداشد شکار حیوانات یکی ازشعب فعالیت انسان بشمار آمد. باافزارهای دیگری مانند چاقوی سنگی انسان پوست شکاررا میکندو گوشت او راقطعه قطعه نموده می‌پزد وپوست آنرا بکمك سوزنهائی ازاستخوان بهم دوخته ولباس تهیه مینماید. هرچه تکامل انسان پیش میرود افزارهای تولید هم تکمیل میگردند.

درمرحله بعدوقفه‌ای درساختمانهای سنگی پدیدار میگردد واستخوان‌شاخ وچوب برای‌تهیه ظروف واثاثیه‌دیگرجای‌سنگ ؛ باساقه‌های‌نازك نی سبدهای مخصوصی ساخته‌میشود ، تنه‌درختان بکمك‌تبرسنگی‌بصورت قایقهائی‌در می‌آید ووسیله‌ای برای‌تعییر مکان‌بدست می‌دهد . درچنین جـامعه‌ساده وفاقدوسائـل ،تولیدهنوزاز احتیاج‌فرد تجاوزنمیکند ، تقسیم کارجزمیان زن‌ومرد مفهومی‌ندارداینست که‌هیچ‌نوع‌تفاوت وامتیازی‌میان‌افراداز‌نظرمادی‌واقتصادی نیست. برای‌تامین زندگی‌درتمام مواردبه‌شکار نمیتوان‌اعتمادداشت درصورتیکه تربیت‌دامها وکشت گیاهان زندگی انسان‌رابخوبی‌تامین‌میکند.اینست که‌انسان‌دریك‌مرحله‌جلوتر به‌کشاورزی‌وتربیت حیوانات اهلی میپردازد وحیواناتی‌مانندگاو وگوسفند وخوك‌را پرورش‌میدهد وسگ‌واسب را بکار میگیرد . همین‌موضوع‌سبب میشود که انسان زندگی‌ولگرد خودرا کنار گذارده ودرسرزمینی‌مستقرشود.از زندگی درغار دست بکشد ودرکنار مزارع یا دره‌ها کنار دریاچه کلبه‌های محقری از چـوب بنا کند .

کشاورزی پس‌ازپیدایش کم‌کم ترقی مینماید وگیاه‌های بسیار از جمله گنـدم و ذرت و سبزیجات رابکمك‌افزارهای‌کشاورزی (داس وگاوآهن) که همه ازسنگ‌یاچوب ساخته میشونـد کشت میکند ازالیاف شاهدانه وگیاه برای تهیه طناب وطورماهی‌گیری وبافتن پارچه‌های‌ضخیم استفاده میبرد .

وقفهٔ که ازساختمانهای افزارسنگی رخداده بودازتراش افزارهای سنگی‌مانند سابق‌خشن نیست بلکه انسان‌آنرا بکمك‌سنگهای سخت‌صیقلی‌کرده ودسته‌هائی ازاستخوان یا شاخ و یا از استخوان اشیاء دیگری مانندظروف وقاشق وشانه میسازد. پیدایش فخاری یکی‌ازافتخارات‌این دوره است، مقارن همین‌دوران است که صنعت وتجارت پدیدارمیگردد وپیشرفت میکند، توسعه تجارت موجب پیشرفت‌کشتیرانی میگردد وانسان باقایقهای‌کوچك خود درآبها بحـرکت در-می‌آید. پیشرفت‌کشاورزی وتربیت حیوانات اهلی وتوسعه صنعت وتجارت مایه‌ازدیاد و تمـرکز انسان میگردد. ازاین‌دوران ببعد فلزات رابکارمیبرد. نخستین فلزی‌که مورد استفاده قـرار میگیرد مس‌است‌که بعدهابا آن مفرغ تهیه میکند . اماپیدایش‌مس ومفرغ باعث این‌نمیگردد که ازفلزات استفاده‌کنند چون برای‌تهیه افزارمناسب نبودند.

لذا افزارهای سنگی‌ازبین نمیرود . با پیدایش آهن دوره تاریـخ بشر آغاز میگردد زیرا با آن صنعت وکشاورزی رونق می‌گیرد و تولید بمقدارزیادی بالامیرود .

سرگذشت علم‌پزشکی

درقرون هفدهم، هجدهم ونوزدهم‌میلادی اختراع مدهای مختلف کلاه‌گیس. تورهای‌زینتی پیش‌سینه، دستکش‌آرایش. سرخاب وسفیداب وحتی‌توری‌که خانمهاروی صورت‌میکشندوبسیاری ازوسائل‌دیگرمرهون بیماری سیفلیس‌است! بشربرای پوشاندن معایب وآثاری‌که از این‌بیماری خطرناك ومدهش‌برپیکرش عارض‌گشته باختراعاتی ازقبیل‌آنچه‌که ذکرشد دست زده‌است «خانم پرنسس‌پالاتین» ازورسای چنین‌مینویسد: «ازنه‌نفر جوانانی که بانوام «دوك‌شاتر» صبحانه‌صرف میکردند هفت نفرشان به بیماری فرانسوی (مقصود سیفلیس‌است) مبتلابودند.

تاریخ وتاریخچه تکامل‌علم‌طب وپیچ وخمهای این‌علم‌را دکتر «ه. س. گلاس‌شیب» برشته

تحریر درآورده وما را به خواندن کتاب «درجستجوی رازبزرگ» از انتشارات «میز گرد» دعوت میکند.

این کتاب دارای چهار فصل بزرگ است مطالعه عناوین این چهار فصل یك فکر کلی ازمندرجات آن بما میدهد، فصل اول این کتاب «کاوالیه‌های آپو کالیپس» (مرگ سیاه خجلت بار، مرگ خاکستری مرگ سیاه) است که اختصاص به بیماریهای واگیرداری دارد که بشریت را با نهدام سوق میداده است فصل دوم آن مبارزه علیه درد (زایمان، ازاطاق شکنجه تا اطاق عمل بیهوشی) است. فصل سوم «راه‌های غلط» نام دارد، نویسنده دراین فصل ازتئوری چهارعصر، امواج مغناطیسی واصول درمانی گذشته وارد بحث درباره حقه‌بازانی که بنام پزشك درجامعه وجود دارند میشود وبالاخره چهارمین فصل «نفوذ علم پزشکی باعماق انسان» یعنی رادیوگرافی روح بوسیله متدفروید است!

دراینجا ما به ترجمه و نقل چند قسمت جالب آن میپردازیم.

☐ مرگ سپید

دراواخر قرن هیجدهم مسلولین درکشورهای جنوبی اروپا عینا نظیر جذامی‌های قرون وسطی ازکلیه حقوق ومزایای فردی واجتماعی وسیاسی محروم بودند. بیماری سل درکشورها بزرگترین بدبختی بشر محسوب میشد. مالکین وصاحبان روستاها برای اینکه ازاین بدبختی ومشکلات آن خود را رها سازند مسلولین را باکمال بیرحمی ازخانه وسرزمین خود بیرون میکردند وحتی بمحض اینکه نسبت بکسی مظنون میشدند که به بیماری سل مبتلاشده همین سوءظن کافی بود که اورا آواره سازد. دامنه این جریان تاسال ۱۹۴۸ که درمان قطعی این بیماری کشف نشده بود کشیده شد. «شوپن» هنگامیکه به بیماری سل دچارشد احساس کرد که موضوع از آنچه که او تصورمیکرد جدی‌تر است، لذا جزیره آفتابی «ماژورك» را برای معالجه بیماری خود انتخاب کرد و درآنجا بدرمان خود پرداخت. زرزساند بهترین اطبای جزیره آفتابی را بربالین وی فراخواند. همین امرسبب شد که اعتماد اهالی جزیره نسبت به این نابغه هنرسلب گردد وسوءظن آنان رابیدار کند. تا جائی که صاحب مهمانخانه این هنرمند را باهمراهان اوازمهمانخانه بیرون کرد، «شوپن» عدم توانائی پزشکان، وضعف ایشان را دربرابراین بیماری بابذله گوئی وبلحنی پرتمسخر ولی توام با واقع بینی و حقیقت شرح میدهد:

«سه پزشك ازمشهورترین پزشکان جزیره برای معاینه ومشاوره طبی ببالینم آمدند. یکی از ایشان اخلاط مرابوکرد. دومی بمحلی که اخلاط می‌آمد چند ضربه زد. سومی درطول مدتی که من مشغول تف کردن بودم، گوشش راروی سینه‌من نهاده بود. اولی گفت که ریتین من ترکیده! دومی گفت که درشرف ترکیدن است! سومی معتقد بود که درآینده‌ای که چندان دور نیست خواهدترکید! بزحمت زیادی توانستم مانع ایشان شوم که خون مرا بگیرند و مشمع و ضماد روی سینه ام بیندازند!»

درآنموقع یعنی درسال ۱۸۳۸ هنوز برای تشخیص بیماری گوش خود را روی قلب بیمار میگذاشتند وضرباتی میزدند. نیم قرن بعد هم بهمین منوال عمل میشد وهیچگونه پیشرفتی حاصل نشده بود...

● منشاء علم جراحی ازسیاهچالها وزندانهای تاریك است

درآنموقع که طب کلاسیك یونانی براثرمطالعاتی برروی جراحات وارده در میدان های ورزشی روبتکامل میرفت علم جراحی غربی ازمیان شکنجه‌ها و بیرحمی‌های بشری سربدرآورد،

آری ازاطاقهای شکنجه واز زندانهای تاریك وسیاهچالهای قرون‌وسطی‌بود که جراحی‌پا بعرصه حیات‌نهاد. شکنجه‌های بیشماری که‌دراین‌دوره ازحیات‌بشر بوسیله مامورین‌مخصوص‌حکام‌وسلاطین مستبد انجام‌میگرفت سبب‌شد میرغضبانی مجرب و ورزیده که در کارشکنجه استاد بودند پدید آمدند واین‌قبیل‌افراد میتوانستند آزمایشهای گوناگونی‌روی استخوانها و سایراعضای انسانی بعمل‌آورند زیراکاری که بدانها سپرده‌شده بود آنانرا دراجرای چنین تجربیاتی آزاد میگذاشت وچون طبق‌فرمان امیروفرمانده مستبد،محکوم‌را برای گرفتن اعتراف‌شکنجه میکردند بنابراین مامورین‌شکنجه میبایستی آنقدر در کارخود بصیر باشند که محکوم درموقع‌شکنجه نمیرد! درغیراین صورت سرنوشت هولناکی درانتظارمیرغضب‌بود امابندرت اتفاق میافتاد که متهمی درزیر شکنجه جان دهد. ازاینرو‌مامورین‌شکنجه‌یکرشته معالجات ازراه تجربه فراگرفته بودندوشغل‌میرغضبی معمولا‌درعین‌حال شغل‌درمانی‌بود! اومیبایستی بتواند اعضاء پاره شده یااستخوان شکسته‌راترمیم کند تا حدی که لااقل بتوان‌آن بیچاره رابرای‌باردوم ودرصورت لزوم برای بارسوم‌روی‌سه‌پایه ودستگاه قرارداد.

باکتری‌شناسی‌ومیکروب‌شناسی هنوزپیدانشده بود، میان‌طرفداران پروپاقرص‌وباحرارت این‌علم باید دکتر«ادلف‌لوبر» اهل«کیل» رانام‌برد دکترادلف برای‌اینکه تبخیر«فنل» را که عموم‌جراحان ازآن‌میترسیدند بیفایده سازد وبرای‌اینکه بتواندرهوائی کاملا آزاد وخالص‌کار کند، درسال ۱۸۸۵ کلینیك‌خود را درمیان‌جنگلی‌خالی ازسکنه ودوراز شهربنانهاد. هیچکس به‌آنجانمیرفت مگراینکه باپزشك کار داشته‌باشد، هیچ‌چیز ناصاف وآلوده‌ای‌تاشاع چند کیلومتری آن محل‌حق ورودنداشت. هوای‌جان‌افزای‌جنگلی‌طبق سیستم‌مخصوص‌وغامض بوسیله بادبزن‌های متعدد وعبورازصافیهای ضخیم‌تصفیه وداخل اطاق عمل‌میشد. وجود هرنوع‌فضولاتی درآن کلینیك ابدأ قدغن‌بود وپس‌ازانجام عمل‌هرچه باقی‌مانده بودبحیاط حمل‌وفورا رانده‌میشد. کسانی که دراینجا کارمیکردند تحت‌قواعد وتشریفاتی سخت وجدی‌قرارداشتند. دراین کلینیك پنج اطاق عمل‌با پنج درجه‌تصفیه مختلف که هوای هراطاق‌بدرجه معین تصفیه‌شده بود، باپنج‌دسته کارمند که هرکدام مجهزبه وسائل‌وابزارکامل برای‌نابودکردن میکربها بودند وجود داشت و جراح و دستیارانش پس‌ازاینکه کاملاخود راشستشو‌میدادند حق‌داشتند که باطاق‌عمل‌داخل‌شوند. هنگامی که ازآستانه درمیگذشتند با بارانی‌ازسوبلیمه استقبال‌میشدند! درسکوت عمیق روپوشهای‌سفید وبلند ونو را باپیش‌بند وشب کلاه‌سفید میپوشیدند و دوباره تشریفات‌شستشو انجام میگرفت، بازو دست وصورت‌را باسوبلیمه می‌مالیدند بعدمحلول‌سوبلیمه رابه‌دیوارها و کف‌زمین میپاشیدندواین کارازهنگام عمل‌شروع میشد.

شعرشاگرد داروساز و گازخنده‌آور

درکتب ومجلات علمی‌طبی‌از «انیدرید ازتیك» بعنوان‌یك‌گاز سمی‌خطرناك نام‌برده شده بود. ولی‌این‌امرمانع‌آن نبود که داروسازجوانی بنام «همفری‌دیوی» آزمایش‌ها ومطالعاتی روی این گازبعمل‌آورد. شاگرد داروسازدرآزمایشگاه کوچکی مقداری «انیدریدازتیك» بدست‌آورد وآنرا دربالنی‌داخل‌کرد وسپس‌با احتیاط‌فراوان استشمام‌کرد‌زیراتصورمیکرد که‌این گاز کشنده است. ولی‌چیزی حس‌نکرد، برای‌سومین‌بار بوئید‌با کمال‌تعجب مشاهده‌کرد که هنوز زنده است. برای‌چهارمین‌بار بایکنفس‌عمیق آنرابوئید واحساس‌کرد که برفرازدیرها درپروازاست! دراین حالت‌سرمستی وبیخودی صدای‌غرشی عظیم‌بگوشش‌رسید. بنظرمیرسید که اشیاء اطاق بطرز غول آسائی‌بزرك‌شده درحال‌محوشدن است. سپس‌ملاحظه نمود که احتیاج‌مبرمی‌بخندیدن دارد و دلش می‌خواهد بخندد، بطوری که قدرت مقاومت ازاوسلب شده بود، بنا کردقاه‌قاه‌خندیدن،خوشبختانه

دراین‌موقع بالن ازدستش افتاد وخردشد! چون بخود آمدگفت چه گاز عجیبی! این گاز خنـده‌آور است، سپس تصمیم گرفت کاغذی برداشته مشاهداتش را یادداشت کند ولی‌دراین‌موقع مشاهـدات او بصورت شعر بوی الهام شد ! در حالی‌که خود غرق حیرت و تعجب بود این اشعار را یاد داشت کرد،

درهیچ رؤیای وحشتناکی به‌نظیرچنین شعله‌های مسرت‌انگیز برنخورده‌ام !
قلبم ازشعله ناپاکی‌میسوزد واعضای بدنم‌را شجاعت قهرمانان فراگرفته است!
گونه‌هایم راهزاران تب گداخته دارد وچشمانم ازهوس وتمنا میدرخشد !
چقدرسینه‌ام سبك وتواناست! من‌با تمام‌قوا بهم پیچیده شده‌ام!

این‌شعر ازنوجوانی نوزده‌ساله، بهتر ازهرتجزیه وتحلیل‌علمی، خواص‌این گاز و مستی محرکی‌راکه ازاستنشاق وجذب‌پروتوکسید ازت‌بانسان‌دست‌میدهد تشریح کرده است واین‌خواص عبارتند از، ازدیادحس‌اعتماد بنفس وحساسیت شدید حواس‌وغیره ..

● معالجات عجیب

لوئی سیزدهم حساب کردکه درعرض‌یکسال ۴۷ بارخون گرفته و۲۱۵ مسهل‌خـورده است پادشاه کشور آفتاب که بهتر ازخود مراقبت مینمود چندین‌هزار بار مسهل‌خورده بود.

لیکن‌بدون‌شك چارلزدوم پادشاه انگلستان دراین‌مورد رکورد را شکست واوقبل ازمرك مجبورشد چیزهای باورنکردنی راتحمل‌نماید. درصورتی‌که احتمل میرودبه‌آمپولی‌مغزی(غلظت خون) دچارشده بود! دریادداشتی‌که ازدکتر«اسکاربورك» یکی‌ازچهارده پزشك معالج‌شاه‌باقی مانده جزئیات متد معالجه و داروهای تجویزشده ذکرگشته است،

یکی‌ازروزهای زمستان سال ۱۵۸۵ که روزدوشنبه دوم‌فوریه بود هنگامیکه مشغول‌اصلاح صورت شاه بودند ناگهان شاه فریادی‌کشید وبه‌پشت افتاد ودچارلرزش‌شدید شد. بسرعت اطباء ببالینش جمع‌شدند ومتفقاً دستوردادندکه ازبازوی راست اومقدار ششصد گرم خون گرفته شود ، چون این‌مقدار،نظرشان غیرمکفی‌رسید ازشانه راست‌او با نیشتر وایجاد برشی‌بشکل‌صلیب باکمك بادکش‌مقدار ۳۵۰ گرم دیگرخون گرفتند . بلافاصله به‌بیمار داروئی مهوع ویك‌مسهل خورانده شد واندکی‌بعد مسهل دوم تجویز گردید، سپس‌مقداری پودرعطسه‌آور «برای تقویت‌مغز» داخل بینی‌بیمار کردند . تخلیه‌معده شروع‌شد ومسهل‌بکارافتاد دراین‌فاصله شربت‌های مقوی‌برای قلب ومسکن باومیخوراندند... وبالاخره چون‌هیچکدام اینها موثرواقع نمیشد وشاه قوه‌تشخیـص و شناسائی را ازدست داده بود، دوباره خون گرفتن شروع‌شد ولی‌حالت شاه روبه وخامت میرفت وهرلحظه بدترمیشد! درآن‌حالت فلاکت‌بار برای تسکین‌دردچهل قطره‌عصاره مغزباوخوراندند بعدا پادزهری بنام «رالی» که ازهفتاد ماده حیوانی ونباتی تهیه شده‌بود دربدنش‌واردکردند.. عاقبت هنگامیکه «بروسه» سررسید لشکری ازالوهای مختلف‌بجان‌شاه فروریخت!ولی‌هیچکدام موثرنشد وشاه درگذشت .

● شیادان علم پزشکی

دکتر «یورك مالك‌نوکسویل» ازیك موزه تشریح‌مخصوص مردان استفاده‌می‌کـرد واین موزه‌برای ترساندن‌مردانی بودکه پیش‌خود تصورمیکردند بـه‌بیمـاری تناسلی وآمیزشی مبتلا شده‌اند . این‌آقای «دکتر» سالن‌انتظار بزرگی بایك‌پیشخدمت داشت ، روی‌تابلو نوشته بود : «داروهای اختصاصی مخصوص‌مردان ! »

هنگامی که مشتریان پولدار، برای مشاهده وتماشای عکس‌های مقوائی که مشتمل بر عواقب بی‌احتیاطی در آمیزش واز این قبیل مسائل بود بدانجا میرفتند پیشخدمت فوراً کارت متخصص مشهور را بدست آنان میداد وایشان‌را بطرف محکمه میکشاند. وباین ترتیب دکتر او را میدوشید. همکار دیگرش بنام «برنیکلی» وقتی درمحکمه‌خود مستقرشد شروع بدرج یك سلسله آگهی درروزنامه محلی کرد بمضمون: «آیاواقعاً قوای‌مردی درشماوجود دارد؟» حالت‌شك و تردیدی بدل‌مردم راه مییافت. ناچار به‌آقای «دکتر» مراجعه میکردند وآقای «دکتر» پس‌از تلقیح مقداری‌آب مقطر اظهار میداشت که غددحیوانی‌را پیوندمیکند وازده‌تا پانزده‌دقیقه عمل اوطول میکشید وبازاء‌آن ۱۵۰۰ دلاردستمزد دریافت‌میکرد. بزودی شهرتش در سراسر شهر پیچید ومطب‌او مشهور گردید. برنامه‌های رادیوئی‌برای اوتنظیم گردید ... هرکس که بمطب اومراجعه میکرد نامه‌هائی‌را که اوتنظیم‌کرده بود باین‌مضمون: «بعقیده من دکتر برنیکلی بزرگترین متخصص پرستات‌جهان است زیرا ...» امضاء مینمود وآنچه که دراینجا جالب‌وواجد اهمیت‌بود اینست که‌شیاد مزبوریك اتومبیل الدزمبیل‌را جایزه گذاشته بود تابین‌کسانی‌که نامهٔ مزبور را امضاء میکردند قرعه‌کشی شود!»

بدین‌طریق درآمد سالانه برنیکلی به‌یك میلیون‌وصدهزار دلار رسید. موقعی‌که بسال ۱۹۴۲ سرپوش ازروی‌کارش برداشته‌شد وحکم بازداشتش صادرگردید او در بیمارستان حالت احتضار را میگذرانید!

باین‌ترتیب باکتشافات مسائل جنسی‌این‌مرد خاتمه‌داده شد!

دکان دیگری که بعضی ازدکانداران وشیادان‌باز میکنند دکان «عمرطولانی» است. این افراد داروهای‌ترکیبی بی‌نفع وضرری ساخته وبعنوان‌کیمیای زندگی بمردم میخورانند بهمین ترتیب‌بود که منتچیکف بتمام اروپائیان ماست‌خورانید تادویست سال‌عمر کنند واروپائیان‌نیز کورکورانه تسلیم‌نظر اوشده واکثراً به‌تصور اینکه ماست‌عمر را طولانی میکند شب‌وروز آنرا مصرف میکنند.

گوستاو جیجرحیوان شناس مشهورتئوری جالبی تحت عنوان «راز سلامتی وعمرطولانی» منتشرساخت بااین‌مضمون: برای اینکه همیشه سلامت باشید وعمرطولانی بکنید بایدلباس‌زیری ازنسوج حیوانی بپوشید! و چنین استدلال میکرد: مواد بوداری‌که درعرق حیوانات وجود دارد سبب‌توالد وایجاد غرائز، تحریك واحتمالا نیروهائی میگردد. لیکن همانطور که عرق حیوانات بوسیله پوست وپشم‌وغیره نگاهداری میشود عرق انسان هم باید نگاهداری شود زیر لباسی‌هائی ازنسوج حیوانی مانع‌تبخیر عرق‌انسان میشود.

● شروع تشریح جسد

همه میدانند که برای‌پایان دادن به‌جهل ونادانی قرون وسطی میبایستی بشر منتظر «وزال» ودسترسی بعلم تشریح‌میشد. کتاب «گالین» درحقیقت انجیل پزشکان‌بود. نویسنده این کتاب میمون‌وسگ وخوك‌را بعنوان مدل‌کار خود در تشریح‌انتخاب کرد.

اکنون میدانیم که کبدانسانی ازدوقسمت تشکیل‌شده ولی تمام‌علمای علم تشریح که بعد ازگالین‌آمده‌اند آنراپنج قسمت‌میدانستند. با اینکه گالین‌روی خوك‌آزمایش کرده وآنرا با انسان تطبیق‌داده بود ولی دراشتباه بود زیرا وی‌هرگز از اعضاء وجوارح درونی انسانی اطلاعی پیدا نکرده وهیچوقت داخل بدن‌انسان را ندیده بود ولی‌سالها بعد بااینکه پزشکان هزارها کبد مشاهده کرده بودند بازهم درهمان اشتباه گالین قرارداشتند. مدتها بود که‌تشریح جسد انسان براثر یك عقیده باطل وخرافی قدغن شده بودتا جائی‌که دانشجویان پزشکی‌شبها

محرمانه به گورستانها میرفتند واجساد تازه‌را ازقبرها بیرون میکشیدند تا ازکم وکیف وجود مادی انسانی اطلاع حاصل کنند .

برای اینکه این سدشکسته شود عده‌ای ازعلمای علم تشریح وصیت کردند که پس از مرگ جسدشان دراختیار تالارتشریح دانشکده پزشکی قرارگیرد تادانشجویان طب با تشریح آنها بخوبی ازاین دانش بهره‌مند شوند . اولین کسی که دراین‌راه پیشقدم شد «فردریك‌تئودورمیکل» از «هال» بود که وصیت کرد جنازه‌اش‌مورد تشریح‌قرارگیرد واسکلت‌اورانیز درموزه تشریح که پدرش آنرا درشهرتاسیس کرده‌بود ، بمعرض تماشا بگذارند . وی‌بسال ۱۸۰۳ چشم ازجهان فروبست و وصیت‌نامه‌اش اجراگردید . بطوریکه‌هرکس که امروز از مجموعه انستیتوی تشریح دانشگاه هال بازدیدمیکند میتواند‌اسکلت اوراکه درون‌صندوق شیشه‌ای قرار داده‌اند تماشاکند . پائین‌پای اوسه جمجمه کودك دیده میشودکه یکی‌ازآنها متعلق به‌نوه‌های اوست که اجسادآنانرا پس‌ازمرگشان که درسنین کودکی اتفاق‌افتاد ، تشریح کردند . میگویند وقتی جسددکتر میکل‌را تشریح‌میکردند باکمال‌تعجب دراستخوان‌بندی اودووضع غیرعادی‌مشاهده کردندکه بندرت‌چنین اتفاقی‌میافتاد وعلمای‌علم تشریح‌دراین باره‌پیشگوئیهائی کرده بودند لیکن هنوز کسی‌بچشم‌ندیده بود . یکی ازدانشجویان دوان دوان خود را‌بمنزل متوفی رسانده موضوع رابهمسرش که‌عزادارو مشغول گریه وزاری بوداطلاع میدهد همسرش درمیان گریه‌وزاری چنین گفت: «آه‌خدای‌من‌اگرشوهر بیچاره‌ام اینهارادیده بودچقدر خوشحال میشد !... »

یکی ازافراد دیگر که‌باین دانش‌علاقه داشت‌دکتر مولوبود ، داستان هائی‌دراین باره ازاو نقل میکنند منجمله می‌گویند : مدتها بودکه‌دکتر مولو مشغول معالجه جمجمه یکی‌از دوستانش بودتااورامعالجه نمایدلیکن‌بدون‌فایده بودوعاقبت‌هم به‌همین بیماری‌درگذشت ، دکترمولو فوراژاکت‌و لباس رسمی‌پوشید وکلاه‌میلندربرسرگذشت‌و به‌تسلیت‌خانواده‌متوفی‌رفت ! همسر متوفی بادیدگانی گریان چنین گفت :

ــ استادعزیز ، من میدانم که‌شما برای‌شوهرم‌چه دوست‌فداکاری‌بوده‌اید وباچه دقت و مراقبتی اورا معالجه‌می‌کردید وازهیچگونه کوشش وکمك درراه‌بهبوداوخودداری نمیکردید شماباوفاترین ومطمئن‌ترین دوست‌شوهربیچارهٔ ازدست‌رفته‌ام بوده‌ایدنمیدانم باچه زبانی ازشما تشکرکنم که درچنین‌لحظه اندوهباری‌به‌دیدار ما آمده‌اید !

دکترمولو بابیحوصلگی‌عجیبی که یارای پنهان کردن‌نداشت درحالی‌که کلاه‌میلندرش‌را لای‌انگشتانش می‌چرخاند درجواب گفت :

ــ خانم‌عزیز ، اجازمیدهید که‌من‌فورا کله اورا‌باخود ببرم ؟

دکتر «گلاس‌شیب» باجملاتی بسیارپرمغز و عمیق کتاب خود راچنین پایان‌میدهد :

« علم‌پزشکی راهها وپیچ‌وخم‌های صعب‌العبورو غیرقابل توصیفی‌راطی کرده است تا باسرار حیات‌نزدیك شده‌و توانسته‌است بیشتروعمیقانه‌تردرآن نفوذکرده وپرده‌هارایکی بعداز دیگری‌بالابزندوعجائب آفرینش‌راکشف کند.معهذانبایدتصور کرد که‌ما توانسته‌ایم‌موفق‌شویم هنوز مجهولات زیادی‌باقی‌مانده‌و‌نقاط‌ابهام‌وتاریك‌درماشین‌بدن‌انسانی‌فراوان وجوددارد، زیرابنابگفته پاسکال ، علم شبیه ستاره‌ای درحال کشش وانبساط است ، هرقدر قطرآن زیادشود تعداد نقاط تماس بامجهول وناشناخته افزایش می‌یابد. ولی‌آن نقطه انتهائی‌راکه ماخیال میکنیم نزدیك ماست ومیتوانیم آنرا بادست بگیریم مانند سراب‌دورتر میرود واز ما فاصله میگیرد . هر مسئله‌ای که حل‌شود یك سلسله غوامض ومعماهای تازه‌ای‌را دربرابر انسان‌مطرح‌می‌کندو به‌این ترتیب‌تعطیل‌بردارو وقفه‌پذیر نخواهدبود.

کمکهای اولیه پزشکی

مقدمه

چگونگی وقوع حوادث و بیماریها قابل پیش‌بینی نیستند. دسترسی به پزشک نیز همه وقت وهمه‌جا فراهم نیست. در این قبیل موارد باید اطلاعات اولیه‌ای راهنمای هر حادثه دیده یا اطرافیان او باشد که بیمار یا حادثه دیده را پیش از رسیدن پزشک مراقبت نماید.

دراین مختصر سعی شده است دانستنیهای لازم ضمن شرح چگونگی بیماری ومداوای اولیه تا رسیدن پزشک شرح داده شود. این دانستنیها ازدفتر اطلاعات بهداشتی آکادمی داروسازی نیویورک نقل گردیده است وشامل چگونگی حوادث وبیماریها ودرمان آنهاست که در بیشتر خانواده‌ها روی میدهد. گو اینکه اطلاعات مفیدی جهت راهنمائی شماست معهذا چنانچه درهر شرایطی احساس کردید که احتیاج به پزشک دارید در رساندن خود یا بیمارتان به او مسامحه ننمائید.

حوادث همیشه بزرگترین قاتل اطفال است ـ وما بدینوسیله خطرات ناشی از آنرا بشما تذکر میدهیم ویادآور میشویم که داروها رادر منزل جائی بگذارید که از دسترس اطفال دور باشد وطبق دستور از آنها استفاده نمائید.

متوجه باشید، باوجودیکه داروهای ضدمیکربی دردرمان بیماریهای چرکی اعجاز میکند هرگز بدون تجویز پزشک از آنها استفاده ننمائید.

این مطالب را بادقت مطالعه فرمائید و یک قفسه دوا از روی فهرستی که ذکر شده برای منزل تهیه کنید وبرای رفع احتیاجات ضروری از آنها استفاده نمائید. چه «علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد.»

مواد اولیه واصلی قفسه دوا

قرص‌های مسکن
محلول آمونیاک
داروی ضد حساسیت
قیچی
کیف یخ
کیف آبجوش
پودر کوچک
چشم‌شوی
موچین
دستگاه بخور
جوش‌شیرین
شیرمنیزی
قرص نعناع
ترکیبات ضداسهال

باندازگاز استریل
گازچهارگوش استریل
پنبه استریل
لوکوست (نوارچسب)
باندازهای دوانزده
محلول ۱٪ زفیرون
محلول بارد
آب کالمین
الکل سفید
آرژیرول ۱۰٪
ادرنالین برای مصارف موضعی

ترکیبات بیسموت — مرهم‌چشم
داروهای بین‌المللی ضدسم — داروی سینه‌درد
مایع‌طبی‌پاک کننده — قطره گوش
درجه حرارت ۲ عدد عادی ومخصوص‌نشیمن
آسپرین‌معمولی ومخصوص اطفال
وازلین استریل‌درلوله (وازلین‌های سرباز‌غیراستریل‌هستند)
قطره بینی غیرروغنی درشیشه‌های پلاستیکی‌قابل‌فشار
تنطور‌بنزوئن
روغن میخك

نشانی‌ها

در برابر بعضی داروها نشان‌هائی گذاشته شده که درهمه‌جا مفهوم‌آن علامت‌ها یکسانست. اینك بجای‌اینکه درمقابل هرنامی علامتی‌بگذاریم وذیل‌صفحه مطالب را تکرارکنیم – از جهت اختصار وهمچنین توجه‌بیشتر مفهوم‌نشان‌ها را باتفسیرآنها شرح میدهیم وازخوانندگان عزیز خواهشمندیم‌که با مطالعه این‌یادآوری هرجا علامتی دیدند متوجه معانی‌آنها باشند.

۱ــ علامت ستاره * :
اگردرمقابل نام داروئی‌باین‌علامت برخوردید تفسیرآن چنین‌است:
ازپزشك خانوادگی‌سئوال‌کنید چه‌نوع ازآن‌دوا را اگرتهیه‌کنید بهترومفیدترخواهدبود وپس‌ازتهیه آن دارو درآنرا محکم‌به‌بندید ونگاهدارید.

۲ــ علامت بعلاوه + :
اگردرمقابل نام‌داروئی باین‌علامت برخوردید تفسیرآن چنین‌است:
هرگزبکودکی‌که مبتلا به‌حساسیت شدیداست آسپرین ندهید،هرگزآسپرین‌رادردسترس اطفال‌نگذارید.
دستورمصرف‌آسپرین:
اطفال‌بیش‌از۵سال یك‌قرص– ازسه ساله‌تا پنج‌ساله نصف‌قرص– شش‌ماهه‌تا سه ساله یك قرص‌آسپرین مخصوص‌اطفال– کمتر ازشش ماه نصف‌قرص‌آسپرین مخصوص اطفال.

۳ــ علامت دایره ● :
اگردرمقابل داروئی‌باین‌علامت برخوردیدمثلاتفسیرآن‌چنین‌است.

دستور مصرف‌شیر منیزی:
اطفال‌بیش‌ازپنج‌سال یك‌تادوقاشق سوبخوری–ازیکساله‌تاپنجساله دوقاشق چایخوری کمتر ازیکسال یك‌قاشق چایخوری.

توجه لازم

۱ــ تمام‌داروهائی‌راکه بدستورپزشك تهیه کرده‌اید باید ازیکدیگرجدا نگهدارید.
۲ــ هرداروئی راکه برای‌اطفال میگیرید اگرتایکسال مصرف نشد دوربیندازید.
۳ــ هرنسخه‌ای راکه برای بیمارتان تهیه‌میکنید فقط‌بمصرف‌آن بیماربرسانید.
۴ــ به‌گنجه دوای‌منزل چفت وبست‌محکم بزنید تا اطفال نتوانندبازکنند.

۵ـ مسمومیتهائی که اطفال را در دوسه‌سالگی بمرگ‌میکشانند اغلب‌درنتیجه خوردن داروهای قفسه‌دوای منزل است.

بیماریها

۱ـ گزیدگی بوسیله‌جانوران
۲ـ تاول‌سائیدگی
۳ـ دمل
۴ـ ضرب‌خوردگی
۵ـ سوختگی‌وتاول
۶ـ پوست اطفال
۷ـ غش
۸ـ سرفه
۹ـ خروسك
۱۰ـ بریدگی روی‌جلد
۱۱ـ جوش‌پای‌کودك
۱۲ـ اسهال
۱۳ـ گوش‌درد
۱۴ـ شوك‌برق
۱۵ـ بیهوشی
۱۶ـ تب
۱۷ـ سرمازدگی
۱۸ـ سرماخوردن سر
۱۹ـ آسیب‌دیدن سر
۲۰ـ گرمازدگی
۲۱ـ سکسکه
۲۲ـ کهیر
۲۳ـ گزیدگی‌حشرات
۲۴ـ خون‌دماغ
۲۵ـ سرخ‌شدن چشم
۲۶ـ مسمومیت
۲۷ـ مسمومیت نباتی
۲۸ـ عرق‌جوش
۲۹ـ خفگی‌اطفال
۳۹ـ گزیدگی‌مار
۳۱ـ گرفتن‌گوش
۳۲ـ چیزی درون‌چشم رفتن
۳۳ـ چیزی درون‌بینی رفتن
۳۴ـ چیزی درگلوگیرکردن
۲۵ـ گلودرد
۳۶ـ خراشه فرورفتن در گوش
۳۷ـ رگ‌برگ شدن
۳۸ـ گل‌مژه
۳۹ـ دل‌درد
۴۰ـ آفتاب‌سوختگی
۴۱ـ آفتاب زدگی
۴۲ـ چیزی قورت‌دادن
۴۳ـ دندان‌درآوردن اطفال
۴۴ـ دندان درد
۴۵ـ استفراغ

گزیدگی بوسیله جانوران

احتیاجات:

۱ـ صابون سفید معمولی‌یا آب پاك‌کننده طبی *
۲ـ گاز کمپرس
۳ـ محلول زفیرن ۱٪
۴ـ گازاستریل ولوکوپلاست.

چه باید کرد:

۱ـ زخم را باآب پاك‌کننده کاملاشستشو داده ومدت پنج‌دقیقه باگاز کمپرس‌آرام مالش

دهید. بعد خوب خشك کنید .

۲ــ با محلول زفیرن ضدعفونی کنید.

۳ــ گاز استریل روی آن بگذارید .

۴ــ به پزشك مراجعه نمائید .

احتیاط لازم :

۱ــ گزیدگی جانوران ممکن است تولید چرکهائی بنماید ولی نکته بسیار مهم وقابل تذکر اینست که احتمال انتقال میکرب هاری از بزاق جانورهار بانسان بسیار زیاد است ، بیمار مبتلا به هاری را اگر فورا به پزشك نرسانند واز خطر جلوگیری نکنند بدون شك بهلاکت خواهد رسید در اینصورت هر جانور گزیده ای را بیدرنگ به پزشك برسانید .

۲ــ اگر میتوانید جانور گزیده را هم بگیرید تا بدان وسیله از شیوع بیماری هاری جلوگیری بعمل آید. چنانچه لازم شد جانور مزبور را بکشید ولی مراقب باشید که بمغز او صدمه وارد نیاید . زیرا میتوان از مغز جانورها در آزمایشگاه آزمایش میکربی بعمل آورد.

۲ــ تاول سائیدگی

احتیاجات :

۱ــ صابون سفید معمولی یا آب طبی پاك کننده *

۲ــ آب نمك رقیق: نصف قاشق چایخوری نمك در هشت اونس آب.

۳ــ قیچی ــ لوکوپلاست ــ گاز استریل و باند از داروئی نشده .

۴ــ وازلین استریل شده در لوله .

چه باید کرد:

۱ــ محل تاول را تکان بدهید .

۲ــ تاول را بدون ترکاندن خوب با آب صابون بشوئید .

۳ــ یك چهار گوش گاز استریل را در آب نمك خیس کرده و روی زخم بگذارید تا اینکه تاول بخوابد .

۴ــ وازلین استریل روی تاول که فروکش کرده بگذارید و ببندید .

۵ــ اگر پوست ترکیده باشد بدستوراتی که برای بریدگی داده شد عمل نمائید .

احتیاط لازم :

۱ــ اغلب تاولهائی که بپا میزند از پوشیدن کفش تنگ است. برای جلوگیری از آن میتوان کفشهای راحت تر با پاشنه کوتاه یا بدون پاشنه بپوشید .

۲ــ از ورم کردن و دردناك شدن وسائیدگی کشالهران وزیر بغل جلوگیری کنید، زیرا اگر در آن قسمتها تاولی پیدا شد واطراف آنرا جوشهای سرخ رنگ پر کرد یقین بدانید که میخواهد چرك کند وباید فورا به طبیب رجوع کنید .

۳ـ دمل

احتیاجات:

۱ـ آب نمك گرم، نصف قاشق چایخوری نمك درهشت اونس آب
۲ـ گاز کمپرس

چه بایدکرد:

۱ـ دمل را فشار ندهید .
۲ـ برای تسکین درد آب نمك داغ روی دمل بگذارید .
۳ـ بدکتر مراجعه کنید .

احتیاط لازم

۱ـ دمل یك منبع چرکی است و باید آنرا بسیار تمیز نگهداشت .
۲ـ دمل‌هائی که تجدید میشوند و یادمل‌هائی که توی صورت ومخاط بینی میزنند باید با دستور پزشك مداوا گردد .

۴ ـ ضرب خوردگی

احتیاجات

کیف یخ یا کیف آبجوش و یا پارچه با آب سرد و یا آب گرم

چه بایدکرد

۱ـ ازآب گرم یا سرد و یا کیف یخ یا کیف آبجوش هر کدام را که بیمار بهتر میپذیرد روی کوفتگی بگذارید .
۲ـ اگر پوست ترکیدگی پیدا کرد بدستورات بریدگی پوست مراجعه کنید.

احتیاط لازم

اگر مرتبا در روی بدن لکه‌های سیاه و کبود مشاهده شد با پزشك مشورت کنید.

۵ـ سوختگی و تاول

احتیاجات

۱ـ صابون سفید معمولی یا آب طبی پاك کننده .
۲ـ وازلین سفید استریل شده .
۳ـ قیچی ـ لوکوپلاست ـ گاز استریل.
۴ـ آسپرین +

چه بایدکرد

۱ـ محل‌را آرام‌آرام با آب وصابون‌بشوئید .
۲ـ روی سوختگی را وازلین‌بمالید و با گاز استریل‌بپوشانید .
۳ـ و با باند استریل‌محکم به‌بندید.
۴ـ برای‌رفع درد آسپرین‌بدهید.

احتیاط لازم

۱ـ برای جلوگیری ازحوادث ناگوارهیچوقت کتری آبجوش را لب اجاق ، دستشوئی و یامیز نگذارید .

بچه‌ها را از برداشتن وسایل برقی وبخاریها و گازونزدیك شدن به آتش وپریزهای‌برقی ممانعت کنید .

هرگز برروی روغنی که درحال‌جوشیدن وسوختن‌است آب نریزید. میتوانیدبجـای‌آب ، نمك‌ـ شن وسودا بکاربرید تاآتش خاموش‌شود .

۲ـ درسوختگی‌های درجه سوم(یعنی‌آنهائی که به‌نسج میرسد) و آن سوختگی هائی که تولید شوك میکنند بیمار را بخوابانید و گرم‌بپوشانید وباعجله اورا به بیمارستان برسانید.

۳ـ هرگز روی سوختگی را مستقیما پنبه‌نگذارید ـ وهیچوقت‌لباسی‌راکه به سوختگی چسبیده است نکنید .

یبوست اطفال

احتیاجات

شیرمنیزی یاهرمسهل‌ملایم ●

چه بایدکرد

۱ـ درمورد اطفال‌باید مقدارآبی‌که داخل‌مسهل‌میکنید بیشترباشد ودرمورد تغییر نوع مسهل‌با دکترمشورت‌کنید.

۲ـ مواظب‌رژیم غذائی‌کودك‌باشید‌ـ موادسبزی، میوه وآب‌میوه غذای‌طفل‌را زیاد کنید شوکلات و غذاهای سنگین وچرب را از برنامه حذف نمائید . روزانه یك لیتر شیر مرتبا بـه طفل بدهید .

۳ـ آلو وآب‌آلو برای یبوست مفید است‌ـ حتی‌میتوانید آب‌آلو را بشیر مخلوط‌کرده وبطفل‌بدهید .

۴ـ برای بچه‌هائی‌که بیش‌از دوسال‌دارند یك‌قاشق چایخوری سبوس به حبوبات مـورد علاقه‌اش اضافه‌کنید .

۵ـ شیرمنیزی‌هم بدهید .

احتیاط لازم

۱ـ هرگز کودکی‌راکه آپاندیسیتش را عمل‌نکرده‌اید، موقع دل‌درد مسهل‌ندهید، وتنقیه نکنید‌ـ تنقیه نباید برای‌طفل‌عادت شود . فقط درمواقع‌خیلی ضروری می‌توانید از آن استفاده نمائید .

۲ــ از دادن روغنهای معدنی بکودك‌خودداری‌کنید ــ چه‌که‌کودك روغن‌معدنی رادوست ندارد وبعلاوه ممکن‌است موقع‌خوردن در گلویش گیر کرده و داخل‌ریه‌شود .
۳ــ متوجه باشیدکه اصرارزیاد برای اجابت مزاج طفل‌باعث یبوست میشود .

۷ــ غش

احتیاجات

۱ــ چند حوله وآب گرم
۲ــ آلتی‌که زبان را باآن نگاه میدارند ــ قاشق‌یاگازلوله‌کرده
۳ــ پوار کوچك

چه بایدکرد

۱ــ زبان‌رابا اسباب مخصوص‌یاقاشق ویاگازنگهدارید ــ یعنی‌طوری‌یکی از آنها را در دهان‌بیماربگذاریدکه درحال‌غش‌زبانش راگازنگیرد .
۲ــ برای‌کمك به‌بهبودی سریع‌بیماراورا در حوله‌های خیس‌ازآب‌گرم‌بپیچید ــ البته‌آب نباید داغ‌باشد .
۳ــ اگرتب‌از ۴۰ بالاست یك‌تنقیه بوسیله پوارباآب ولرم بدهید .
۴ــ دکتررا خبرکنید .

احتیاط لازم

سعی‌کنید عصبانی وناراحت نشوید. زیرابجای رسیدگی‌بیمار باعث‌ناراحتی او خواهید شد. این‌غش‌ها دراطفال اغلب‌باتب همراه‌است وبندرت اتفاق میافتدکه این‌بیماری در کودك مزمن‌گشته یاادامه یابد واگرچنانچه تکرار شد و مخصوصا بدون تب‌بود بایستی‌تحت‌نظرپزشك متخصص‌قرارگیرد .

۸ــ سرفه

احتیاجات

۱ــ قطره بینی بدون روغن با شیشه پلاستیکی که بتوان محتوی آن را بافشار خارج کرد *
۲ــ داروی سرفه *
۳ــ دستگاه بخوردهنده اگرموجود باشد .

چه بایدکرد

۱ــ مطمئن‌باشیدکه پوشش‌بیمار باحرارت هوای اطاق‌مناسب است
۲ــ بیمار را در اطاق گرم دور از پنجره بخوابانید و از حمام دادن قبل از خواب صرفنظر نمائید .
۳ــ دربینی‌قطره بچکانید .

۴ــ برای اینکه بیمار بتواند شب را استراحت کند داروی ضدسرفه طبق دستوری که قبلا گرفته‌اید به‌بیمار بدهید .

۵ــ اگر دستگاه بخوردهنده دارید روزی سه‌مرتبه هر مرتبه ۱۵ دقیقه به بیمار بخور بدهید .

احتیاط لازم

۱ــ توجه داشته باشید که اگر سرفه ملایم‌وعادی باشدعوارضی نخواهی داشت زیرا این سرفه ها فقط اخلاطی را که در سینه و گلو جمع میشود خارج میکنند ولزومی ندارد که برای تسکین آن اقدامی شود .

۲ــ چنانکه مشکوک‌هستید که ذرات خارجی داخل‌ریه شده‌اند فورا بدکتررجوع کنید .

۳ــ مطمئن‌بشوید که علت‌سرفه ازحساسیت نیست .

۴ــ اگر سرفه بیش ازیکهفته ادامه یابد باید بپزشك مراجعه شود تا علت آن تشخیص داده شود .

۵ــ قطره چکان را همیشه خارج ازشیشه‌نگاهداری کنید و قبل و بعد از استعمال‌آنرا بشوئید .

۶ــ طفلی‌راکه درحال بخوردادن باوهستید بخیال‌خودش رهانکنید .

۹ــ خروسك

احتیاجات

۱ــ دستگاه بخوردهنده .

۲ــ تنتور دوبنزوئن

چه بایدکرد

۱ــ دکتررا خبر کنید.

۲ــ قبل‌ازرسیدن دکترقدری تنتور دوبنزوئن باآب‌داخل کرده بخوربدهید.متوجه باشید که بخاربطور کامل داخل‌بینی‌بیمار گردد اگردستگاه بخورندارید بیمار رادراطاق محفوظ ویا در حمام منزل‌بوسیله‌یك کتری آب‌جوش بخوربدهید .

۳ــ تا رسیدن‌پزشك درکنار بیمارتان (اگرطفل‌باشد) بمانید .

۴ــ کودکی‌راکه خروسك‌میگیرد، بایدشب‌ها ازتنفس اواطمینان‌پیداکنیدوگاه‌بگاه سر بالین‌اورفته وتنفس راگوش‌بدهید .

احتیاط لازم

۱ــ علائم‌خروسك: سرفه‌های بلند ودنباله‌دارست که تنفس‌راهم‌مشکل‌میکند،اغلب‌هنگام بروزسرماخوردگی این‌بیماری عارض‌میشود .

والدین‌متوجه باشند که این‌بیماری مهم‌وقابل اهمیت‌نیست. ولی‌درهرصورت بایستی بیمار را تحت‌نظرپزشك قرارداد .

اطفالی که اغلب دچارخروسك میشوندبعلت بزرك‌شدن لوزتین‌آنهاویا ازحساسیت شدید است. باید درهردوحال‌ازآنها جلوگیری بعمل‌آید .

۲ـ کودك را هیچوقت بادستگاه بخور تنها نگذارید .

۱۰ـ بریدگیها ـ خراشیدگیها

احتیاجات

۱ـ صابون سفید معمولی یا آب طبی پاك‌کننده *
۲ـ قیچی ـ لوکوپلاست و گازاستریل
۴ـ محلول ./٪ ازفیرون .
۴ـ محلول‌رقیق‌آب‌نمك، نصف قاشق‌چایخوری در۸ آونس‌آب ،

چه باید کرد

۱ـ موضع‌را باآب‌وصابون کاملا بشوئید .
۲ـ اگرخونریزی شدید است بایك گاز استریل‌روی زخم‌را محکم‌فشار بدهید .
۳ـ بامحلول‌زفیرن ضدعفونی کنید .
۴ـ زخم‌را بامقداری گازاستریل که روی‌آن کمی‌وازلین‌مالیده‌اید بپوشانید ـ وازلین‌برای آنست که بزخم بچسبد .
۵ـ درزخم‌های ملتهب وآماس‌دار بهتراست که زخم‌بندی مرطوب بنمائید. بدین ترتیب که گازاستریل‌را درآب‌نمك رقیق خیس کنید وروی زخم‌بگذارید .

احتیاط لازم

۱ـ درمورد اطفال‌فورا وبدون‌شك سرم‌ضدکزازبکار ببرید ، ضمنا تزریقات دیگر توام باداروهای تقویتی بسیارلازم‌است .
اگرطفلی‌حساسیت داشته‌باشد وازتزریق سرم‌ضدکزاز خودداری شودخطرات غیر قابل جبران ببارخواهدآورد .
۲ـ اگرزخم ناشی‌ازجسمی آلوده یازنگ‌زده بود، برای معالجه‌آن بپزشک‌رجوع کنید .
۳ـ ازتولید شدن‌میکرب دراطراف زخم‌جلوگیری کنید ـ زیراپیدایش دانه‌های قرمز، یا تورم‌ویا درد درمحل‌زخم وبریدگی مسلما علامت بروزانفکسیون است .

۱۱ـ قرمزشدن وسوختگی پای کودك

احتیاجات

۱ـ پودربچه یا پماد
۲ـ داروی مخصوص شستن کهنه کودك

چه باید کرد:

۱ـ تاآنجاکه امکان دارد پای کودك‌را نباید درکهنه بپیچید ویا اینکه بمحض ترشدن کهنه بایدآنرا عوض کنید.

۲ـ کهنه‌ها را با داروی مخصوص بشوئید و چهار مرتبه آب بکشید.
۳ـ هر مرتبه که کهنه را عوض میکنید محل قرمز شده و سوخته را چرب کنید و پودر بزنید.

احتیاط لازم

اغلب این قبیل سوختگی‌ها در اطفال بسبب حساسیت از غذاست. مثلا آب پرتقال و گوجه فرنگی، تخم مرغ ـ اسفناج و بعضی غذاهائی که از آرد گندم درست میشود تولید حساسیت و سوختگی میکند.

۱۲ - اسهال

احتیاجات

۱- درجه تب
۲ـ مخلوطی از داروهای ضد اسهال که بصورت فورمول تهیه شده است* ویا ترکیبات بیسموت *

چه باید کرد

۱ـ درجه تب را بگیرید.
۲ـ اگر بیمار کودک باشد برای تغییر فورمول غذائی ودوائی با پزشک مشورت کنید.
۳ـ اگر بیمار بزرگ باشد باید رژیم غذائیش شامل غذاهای آردی، برنج، پالوده سیب، موز پنیر، ژله، گوشت وچای باشد.
۴ـ شیری که سرشیرش را گرفته باشید ومدت پانزده دقیقه جوشانده باشید میتوانید به بیمار دهید.
۵ـ ترکیبات بیسموت ویافرمولهای ضداسهال را باید طبق تجویز پزشک بدهید.

احتیاط لازم

۱ـ اگر اسهال توام با تب عارض شد بدکتر رجوع کنید.
۲ـ اطمینان یابید که عارضه اسهال ناشی ازمسمومیت غذائی ویاخوردن میوه خام نباشد چه درآنصورت نباید بیمار رابدون دستور پزشک تحت درمان قرارداد.
۳ـ اسهال در کودکان یکی از بیماریهای خطرناك وقابل اهمیت است وبایستی حتما با مراجعه بپزشک معالجه شود.
۴ـ بعضی ازداروهای ضد میکرب تولید اسهال میکنند اگرچنانچه نسبت به بیمار خوددر این باره مشکوکید باپزشک مشورت نمائید.

۱۳ـ گوش درد

احتیاجات

۱ـ درجه تب
۲ ـ قطره بینی بدون روغن یا شیشه‌های پلاستیکی که محتوی آن را بتوان بـا فشار خارج کرد *
۳ـ قطره گوش *
۴ـ آسپرین +

چه باید کرد

۱ـ درجه حرارت بدن را بگیرید .
۲ـ چون گاهی گوش‌درد باعث گرفتن بینی میشود پس لازمست که همیشه در اینطور مواقع در بینی هم قطره بچکانید .
۳ـ شیشه محتوی قطره گوش را مختصری گرم کرده ودر گوشی که درد میکند بچکانید.
۴ـ برای برطرف کردن درد آسپرین بدهند .

احتیاط لازم

اگر گوش‌درد باتب توام بود پزشک را خبر کنید .
۲ـ بچه را ازفین کردن با فشار مانع شوید و همچنین وقتی یکی ازسوراخ‌های دماغش گرفته است نباید فقط ازیک سوراخ فین کند .
۳ـ قطره گوش را بیش ازدو مرتبه در گوش بچکانید مگر اینکه دکتر دستور بدهد .

۱۴ـ برق‌زدگی

احتیاجات

۱ـ اگر امکان دارد جریان برق را فورا قطع کنید .
۳ـ درغیر اینصورت برق‌زده را ازسیم لخت دور کنید ـ مواظب باشید که خودتان با سیم لخت ویا بدن بیماری که در آن جریان برق است تماس پیدا نکنید ـ بایک چوب خشک یاطناب خشک یاپارچه خشک سیم را کنار بزنید ـ هرگز دستهایتان رابدون وسیله عایق بکار نبرید .

احتیاط لازم

۱ ـ همیشه وسایل الکتریکی مورد اعتماد بخرید. وسایل الکتریکی خراب شده رایافوراً تعمیر کنید ویا عوض کنید. برای نصب وسایل الکتریکی طبق مقررات وقوانین محلی رفتار کنیدو ازصحت نصب ونداشتن اتصال اطمینان کامل یابید .
۲ ـ سوراخ های سرباز سیمکشی‌ها را بـا گذاشتن دریچه و سرپوش ازدسترس اطفال دور نگهدارید .

۳ـ هیچوقت وسائل الکتریکی را درحمام نبرید ویا نزدیک وان نگذارید .

۱۵- بیهوش شدن

احتیاجات

نمکهای قابل بو کردن یا آمونیاك قابل استشمام با آب

چه باید کرد

۱ـ اگر کسی احساس بیهوشی کرد اورا به سینه بخوابانید ویاطوری بنشانید که سرش بین زانوهایش قرار بگیرد .

۲ ـ کسی که تازه بیهوش میشود باید اورا چنان خواباند که سرش ازپاهایش پائین تر قرار بگیرد.

۳ـ نمك بودار جلو دماغش بگیرید ویا بادست بصورتش آب بپاشید .

۴ـ اگر بیهوشی باخونریزی‌های شدید شروع بشود ازاستعمال آمونیاك یا سایر داروهای محرك خودداری کنید وفورا به پزشک مراجعه نمائید .

تب ۴۰ یا بیشتر

احتیاجات

۱ـ درجه حرارت
۲ـ آسپرین +
۳ـ کیف یخ
۴ـ کیف آبجوش یا تشك برقی

چه بایدکرد

۱ـ پزشك را خبر کنید .
۲ـ آسپرین بدهید.
۳ـ اگردرجه حرارت از ۴۰ بالابود کیف یخ روی سر و آب گرم روی پا بگذارید .
۴ـ اگردرجه حرارت از ۴۰ کمتر بود پاشویه باآب نیمگرم ویا مساوی الکل سفید وآب نیم گرم پاشویه کنید .
۵ـ گاهگاه آب ویا آشامیدنی ملایم وخنکی به بیمار بدهید تا بی اثرحرارت تب ، آب بدنش تبخیر نشود .

احتیاط لازم

دراین گونه مواقع بدون اجازه پزشك ازدادن داروهای ضدمیکربی خودداری کنید.

۱۷ - سرماخوردگی

احتياجات

۱ ـ قبل از اينكه بيمار را به فضای پوشيده ومحفوظ برسانيد او را با لباس‌های پشمی بپوشانيد .
۲ـ اگرموضع‌سرما زده هنوز بی‌حس‌بود درآب ولرم مالش بدهيد و يا در پتــوی گرم به پيچانيد .
۳ـ اطراف موضع‌سرما زده را ماساژ بدهيد ولی هرگــز روی محل را با دست و يا بــا برف نماليد .
۴ـ يك آشاميدنی قوی مخصوصا قهوه به بيماربنوشانيد .
۵ـ تاولهای ناشی‌ازسرمازده‌گی را دستمالی‌نكنيد .
۶ـ بدكتررجوع كنيد .

احتياط لازم

۱ـ شخص‌ضعيف وخسته استقامتش دربرابرسرما ازديگران‌كمتراست .
۲ـ اگرقسمتی ازبدن سرماخورد آن را خوب‌بپوشانيد . ماساژ بدهيد وسطــح پوست را گرم‌كنيد .
۴ـ هرگاه‌درمعرض سرمازدگی هستيدازخوردن مشروب و كشيدن سيگار خودداری‌كنيد

۱۸ـ سرماخوردگی‌سر

احتياجات

۱ ـجوش شيرين.
۲ـ پنبه مناسب
۳ ـ قطره بدون روغن برای بينی و يا شيشه ای كه محتوی آن را بتوان با فشــار خارج كرد ✿
۴ـ درجه تب
۵ـ پوارگوش با نوك‌كوچك لاستيكی

چه بايدكرد

۱ـبرای‌كودك، مجرای بينی‌اورا بامقداری پنبه‌كه درمحلول‌جوش‌شيرين‌فروبرده‌ايدپاك كنيد. يك‌قاشق چايخوری جوش‌شيرين در۸ آونس‌آب .
۲ـ قطره دربينی‌بچكانيد ـبرای بچه‌ها كه نميتوانند دماغشان رافين‌كنند ، بايستی بعد از چكاندن قطره پوارکوچكی را آهسته درسوراخ دماغشان‌كنيد و مايع درون بينی را باآن بيرون بكشيد.
۳ـ هركس‌كه مبتلابه سرماخوردگی‌ميشود بايد استراحت‌كامل‌نمايد .
۴ـ موادآبكی بمقدارفراوان به بيماربدهيد .
۶ـ ازبالا رفتن تب جلوگيری‌كنيد .

احتیاط لازم

۱ ـ اگر درسرماخوردگی تب عارض نشود. ممکن‌است‌یک‌حساسیت باشد و اصولاسرماخوردگی نباشد .

۲ـ ولی‌آنچه‌که درظاهرسرماخوردگی بنظرمیآیدممکن است یاسینوسها چرک‌کرده باشد ویا اگربیمارطفل‌باشد احتمال‌سرخک برود .

۳ـ همیشه قطره چکان را خارج از شیشه نگاهدارید و قبل وبعد از استعمال آن را خوب بشوئید .

۱۹ ـ صدمه، ضربه و کوفتگی

چه بایدکرد

۱ـ اگرکودکی پس‌ازافتادن از جائی یا خوردن ضربتی بسرش گریه و ناله او بعد از پانزده دقیقه متوقف شد ورنگش بحال‌طبیعی بازگشت و استفراغ نکرد بگذارید راحت باشد و دنبال‌بازی برود.

۲ـ اگرکودکی پس‌ازجریان فوق‌استفراغ کرد ـ بی‌اشتهاشد دهان دماغ وگوشش خون ریزی‌کرد وچندین‌ساعت رنگش‌پریده ماندوبنظر خواب‌آلود وکسل‌آمد فوراً بدکتر مراجعه کنید . کودک‌را آرام وبیصدانگاهدارید ودر اولین شب‌حادثه یکی‌دوبار اورا ازخواب بیدار کنید تا مطمئن شویدکه حواسش بجاست .

۳ـ اگر براثرضربت ، سرش‌متورم شد روی‌آن‌را یخ‌بمالید تابجای‌اول برگردد

۴ـ اگرکسی پس‌ازافتادن ازجائی یاضربت خوردن‌بسرش ، حواس خودرا ازدست‌داد و ازخود بیخودشد بایدفوراً اورانزدپزشک برد.

احتیاط لازم

۱ـ هیچوقت‌کودک‌را بحال‌خود روی صندلی بلندرها نکنید .

۲ـ تامطمئن نباشیدکه اطراف‌گهواره ویاتخت‌کودک بحدکافی بلنداست اوراترک نکنید

۳ـ باوجودیکه براثرضربت‌سرانسان اغلب‌ورمهای بزرگ‌می‌کند ، اگرعوارض‌دیگری نداشته‌باشد نبایدنگران‌شد، زیراممکن‌است‌که تورم براثرپاره‌شدن یکی‌ازعروق کوچک‌زیر جلد باشد .

۲۰ـ گرمازدگی

احتیاجات

۱ـ آب‌نمک ، نصف‌قاشق چایخوری نمک دریک‌سوم گیلاس‌آب .

۲ـچای یاقهوه‌گرم .

چه بایدکرد

۱ـ شخص‌گرمازده رنگی‌پریده وپوستی چسبناک دارد . نبضش ضعیف میزند و حرارت

بدنش پائین‌است ـ ممکن‌است بیهوش‌شود . اگر بیهوش‌شداورا به‌پشت بخوابانید .
۲ـ محلول آب نمکی‌راکه بطریق فوق‌آماده شده‌شش مرتبه‌به‌بیمار بدهید تااین دوقاشق سوپخوری‌نمك باوداده‌باشید .
۳ـ قهوه یا چای‌گرم بخورانید .
۴ـ اگرعوارض برطرف‌نشد بدکتر رجوع کنید .

۲۱ـ سکسکه

چه بایدکرد

۱ـ بیماراگر کودك باشدبوسیله شیشه‌باو قدری‌آب‌گرم بدهید ـ اگرآب‌ساده نمی‌خورد قدری‌شکر بآن‌اضافه نمید .
۲ـ اگرکودك نباشدیك‌پاکت کاغذی‌باو بدهیدکه جلوبینی‌ودهانش بگیرد و دوازده مرتبه‌درآن نفس‌عمیق‌بکشد .

احتیاط لازم

۱ـ دربچه‌های‌کوچك سکسکه بعلت‌اینست‌که کاملا گاز معده‌شان خالی نشده‌است تاوقتی‌که سکسکه طولانی‌نشده است نگرانی‌موجبی ندارد.
۲ـ ادامه‌سکسکه دراشخاص‌بزرگ توجه ودستورهای پزشکی‌لازم دارد .

۲۲ـ کهیر

احتیاجات

۱ـ جوش‌شیرین یانشاسته ذرت
۲ـ داروی‌ضد حساسیت (اگربیمار مبتلابه‌حساسیت مزمن باشد)*
۳ـ آب‌کالامینی یاپماد کالامین .
۴ـ شیرمنیزی باهرمسهل ملایمی●

چه بایدکرد

۱ـ بیماررا حمام وجوش‌شیرین یانشاسته ذرت‌بدهید . یك‌مشت بزرگ از هرکدام که موجود داریدکافی است‌که درآب‌وان بریزید .
۲ـ اگربیمار حساسیت‌دارد ، داروی‌ضد حساسیت باوبدهید شیر منیزیم یا مسهل هم برای‌پاك کردن معده‌ضروری‌است .
۳. روی جوش‌ها آب یاروغن‌کالامین بمالید.

احتیاط لازم

۱ـ غالباکهیر علامت‌حساسیت است وبایدحساسیت را ازبین‌برد . درمورد اطفال‌ممکن است براثرتغییراتی دررژیم غذائی‌حساسیت بوجودآید ـ ودراشخاص بزرگ خوردن شوکلات

صدف ، آجیل ، میوه‌های خام واقسام توتها حساسیت‌میدهد .

۲- بعضی ازداروهای ضدمیکربی هم تولید کهیر ویاحساسیت‌های جامدی میکند. اگر چنین بودادامه معالجه‌را قطع کرده وباپزشك مشورت کنید .

۲۳- حشره گزیدگی

احتیاجات

۱- محلول بورو
۲- گازاستریل ولوکوپلاست
۳- کیف یخ
۴- آب کالامین یاپماد آن
۵- داروی ضدحساسیت (اگر بیمار مبتلا به‌حساسیت باشد)*

چه باید کرد

۱- اگر نیش حشره هنوز درپوست باشد باموچین آن‌را خارج کنید - محل نیش‌را بامحلول یك‌درده آب بوروتمیز کنید .

۲- اگرمحل نیش‌درد کند کیف یخ بگذارید تاتسکین یابد .

۳- برای‌جلوگیری ازخارش روی‌زخم‌را آهسته باپماد آب کالمین مالش‌دهید .

۴- برای کسانی که مبتلا به‌حساسیت هستند طبق دستورهای بالا داروی ضد حساسیت بدهید .

احتیاط لازم

محل گزیدگی‌را اگربخارانند چرك‌میکند - چنانچه علامت چرکی ظاهر شد فورا به پزشك‌مراجعه‌کنید .

۲۴- خون‌دماغ

احتیاجات

۱- کیف یاپارچه کمپرس وآب یخ .
۲- گازبانداژ باریك
۳-وازلین
۴- آدرنالین برای‌مصرف موضعی*

چه باید کرد

۱- بیماررا آرام‌بنشانید وسرش‌را بسمت‌عقب خم کنید .

۲- کیف‌یخ یاپارچه را درآب‌یخ کرده وپشت گردن‌بیمار بگذارید.

۳- اگرخون‌ریزی بندنیآمد لوله‌بینی‌راکه خون‌ریزی میکند بامقدار زیادی گاز که